

مدیر شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

سال چهاردهم، بهار ۱۳۹۴

شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۲۲۷-۱۶۰۷

سال چهاردهم، بهار ۱۳۹۴

۱. ارزیابی طراحی کالبدی روستاهای پیرامون شهری بر اساس معیارهای ایرانی اسلامی (مورد مطالعه: استان کردستان)
۲. سرانه‌های گردشگری: ابزار مدیریت و برنامه ریزی توسعه
۳. کاربرد رویکرد سلسله‌مراتبی جهت اهمیت‌سنجی عناصر توسعه پایدار شهری در محیطی فازی (مورد مطالعه: شهرستان بوشهر)
۴. بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین
۵. مدیریت نوین مالی ضرورتی مغفول در پاسخگویی مدیریت شهری (تاملی در چالش‌های حقوقی بودجه ریزی عملیاتی در نظام حقوقی ایران)
۶. معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه ریزی شهری، معماری و صنعت ساختمان
۷. پارادایم تبیینی «شهر آموزش محور» تا «شهر پژوهش محور»: از شهر آموزش دهنده تا شهرهای علم و فناوری (تکنوپل)
۸. میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافتهای قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان
۹. نشانه‌شناسی و معنایابی مفاهیم عرفان‌شناختی در معماری و شهرسازی با تلفیق «عرفان اسلامی و رمزگان امیرتو آکو»؛ مورد پژوهی: معماری صفوی مکتب اصفهان
۱۰. تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی‌های نوین ساخت جهت هویت‌بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه‌گرایی
۱۱. عوامل موثر بر تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در شهر زنجان
۱۲. توسعه بام سبز در طراحی فضاهای شهری پایدار با ارائه راهکارها و پیشنهادات، نمونه موردی: باغ - مدرسه‌ها
۱۳. سنخیت‌شناسی همسویی معنادار روشهای ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری
۱۴. سیاست پژوهی پارادایم‌های مشارکتی شهروندان در مدیریت محیط زیست شهری
۱۵. تاثیر باورها و مراسم آیینی در پایایی و پویایی فضاهای شهری؛ مورد پژوهی: تعزیه در پایایی حسینیه‌ها و تکایا در ایران
۱۶. ساختار و پیکره شهر در شعر معاصر
۱۷. ارائه شاخصهای طراحی مسکن بومی با تاکید بر مولفه‌های طراحی شهری اقلیمی؛ مورد پژوهی: شهر کرمان
۱۸. تبیین اصول و ملاحظات دفاع شهری و رویکرد پدافند غیرعامل با تاکید بر سلولار نمودن شهرها
۱۹. میزان سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عدالت محور؛ مورد پژوهی: مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران
۲۰. امکان سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک‌های محله‌ای شهر تهران

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban management

شماره ۳۸ بهار ۱۳۹۴

No.38 Spring 2015



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۸۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۳۱۶۶۳۳۶۶۱

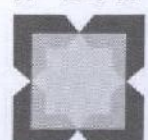
درگاه اینترنتی ارسال مقالات

<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی

<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر محمدرضا بمانیان، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر مصطفی بهزادفر، استادتمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

- دکتر محمدرضا پورجعفر، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمود طاووسی، استادتمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)

- دکتر محمدمهدی عزیززی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر غلامرضا لطیفی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

دبیر داخلی: دکتر هادی محمودی نژاد

امور اجرایی: مهدی شهریاری

کمیته اجرایی: ابوذر دلفارادی، احسان طاهری مهر، نیما متین فر، امید احدیان

ویراستار انگلیسی: میثم حیدراولاد

ویراستار فارسی: امیر اشراقی

صفحه آرایی: حامد یعقوبی (پایش و پویش) payeshpouyesh@gmail.com

چاپ: اسراء

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

(www.ISC.gov.ir)

«پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)»

(www.SID.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)»

(www.Magiran.com)

«بانک اطلاعات نشریات کشور»

(www.IMO.org.ir)

«درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی»

(www.noormags.com)

«پایگاه مجلات تخصصی نور»

(www.doi.org)

«سیستم شناساگر دیجیتالی نشریات علمی»

(www.rur.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی»

(www.ensani.ir)

«پرتال جامع علوم انسانی»

فهرست مطالب

۱. ارزیابی طراحی کالبدی روستاهای پیرامون شهری بر اساس معیارهای ایرانی اسلامی (مورد مطالعه: استان کردستان)
ادریس عبودی، مهدی پورطاهری، عبدالرضا افتخاری، ابوالفضل مشکینی ■ ۷-۱۸
۲. سرانه های گردشگری: ابزار مدیریت و برنامه ریزی توسعه
محمد حسین ایمانی خوشخو، سعید داغستانی ■ ۱۹-۲۲
۳. کاربرد رویکرد سلسله مراتبی جهت اهمیت سنجی عناصر توسعه پایدار شهری در محیطی فازی (مورد مطالعه: شهرستان بوشهر)
حمید شاهبندرزاده، رضا صداقت، مهران شیرواند ■ ۲۳-۴۲
۴. بنیان های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین
عبدالرضا رحمانی فضلی، مظفر صادقی، جهانبخش علیپوریان ■ ۴۳-۵۴
۵. مدیریت نوین مالی ضرورتی مغفول در پاسخگویی مدیریت شهری (تاملی در چالش های حقوقی بودجه ریزی عملیاتی در نظام حقوقی ایران)
مهدی رضایی، سید سلمان سامانی، حسن صیاد ■ ۵۵-۷۴
۶. معرفت شناسی آینده پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه ریزی شهری، معماری و صنعت ساختمان
ابوالفضل مقیمی ■ ۷۵-۱۰۴
۷. پارادایم تبیینی «شهر آموزش محور» تا «شهر پژوهش محور»: از شهر آموزش دهنده تا شهرهای علم و فناوری (تکنوپل)
سارا سلمان زاده ■ ۱۰۵-۱۳۲
۸. میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافتهای قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان
زهرا نعیمی نظم آباد، مریم فرج پور، محمدرضا امیر شقاقی ■ ۱۳۳-۱۵۰
۹. نشانه شناسی و معنایابی مفاهیم عرفان شناختی در معماری و شهرسازی با تلفیق «عرفان اسلامی و رمزگان امبرثو اکو»: مورد پژوهی: معماری صفوی مکتب اصفهان
محبوبه روشن، مهدی شیبانی ■ ۱۵۱-۱۷۲
۱۰. تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی
محسن فیضی، مریم اسماعیل دخت ■ ۱۷۳-۱۹۶

۱۱. عوامل موثر بر تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در شهر زنجان
علی بقائی سرابی ■ ۱۹۷-۲۱۴
۱۲. توسعه بام سبز در طراحی فضاهای شهری پایدار با ارائه راهکارها و پیشنهادات، نمونه موردی: باغ - مدرسه ها
حمید ماجدی، فریال سادات سیادتی ■ ۲۱۵-۲۴۰
۱۳. سنخیت شناسی همسویی معنادار روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری
نقیسه گلستانی، محبوبه روشن، مهدی شیبانی ■ ۲۴۱-۲۷۲
۱۴. سیاست پژوهی پارادایم های مشارکتی شهروندان در مدیریت محیط زیست شهری
حسین صداقت نوری ■ ۲۷۳-۳۰۰
۱۵. تاثیر باورها و مراسم آیینی در پایایی و پویایی فضاهای شهری: مورد پژوهی: تعزیه در پایایی حسینیه ها و تکایا در ایران
مظفر پاسدار شیرازی، علیرضا صادقی ■ ۳۰۱-۳۳۲
۱۶. ساختار و پیکره شهر در شعر معاصر
صدیقه سلیمانی، یوسف عالی عباس آباد ■ ۳۳۳-۳۴۶
۱۷. ارائه شاخصهای طراحی مسکن بومی با تاکید بر مولفه های طراحی شهری اقیلمی: مورد پژوهی: شهر کرمان
الهه ایرانمنش، دریا نصرت پور، مریم میرشک داغیان، مرضیه هادی ■ ۳۴۷-۳۷۰
۱۸. تبیین اصول و ملاحظات دفاع شهری و رویکرد پدافند غیرعامل با تاکید بر سلولار نمودن شهرها
حامد شهبواری، وحید قربانی، بهاره ربیعی ■ ۳۷۱-۳۹۰
۱۹. میزان سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عدالت محور؛ مورد پژوهی: مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران
علی اکبر تقوایی، محمدرضا بمانیان، محمدرضا پورجعفر، مهدی بهرام پور ■ ۳۹۱-۴۲۴
۲۰. امکان سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک های محله ای شهر تهران
عبدالحسین کلانتری، بهرام رسولی ■ ۴۲۵-۴۴۸

ارزیابی طراحی کالبدی روستاهای پیرامون شهری بر اساس معیارهای ایرانی اسلامی (مورد مطالعه: استان کردستان)

مهدی پورطاهری* - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

ادریس عبودی - پژوهشگر دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس، مدرس گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور سقز، تهران، ایران.

عبدالرضا افتخاری - استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

ابوالفضل مشکینی - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Survey rate of using Iranian Islamic index in physical design of Kurdistan province peripheral villages

Abstract

Physical design is an effort to realize opinions, values, and culture of society so that it can use knowledge and technology for making dynamic, useful, adaptable, sustainable and responsible environment. Recently, these efforts begin better in comparison with past and organization pay more attention to them because optimum physical design make development, sustainable and welfare. This article survey rate of using Iranian Islamic index in physical design of Kurdistan province peripheral villages; For this goal at first Iranian Islamic physical design, indexes extract in three dimension: cultural-social, economic and ecological. After that, we selected 30 villages through 72 peripheral villages. The method of research is descriptive-analytical with using SPSS and GIS. The result of research show that Iranian Islamic indexes did not use in physical design of case study villages. This issue makes many problems. Finally, the suggestions present for improving physical design process according Iranian Islamic values.

Key words: physical design, Iranian Islamic, rural, Kurdistan.

چکیده

باید گفت که طراحی کالبدی تلاشی برای عینیت بخشی به تفکرات، ارزشها و اندوخته های معنوی جامعه است، تا بتواند دانش و تکنولوژی را در خدمت ساختن محیطی کارآمد، پویا، سازگار، پاسخگو و ماندگار به کار بگیرد. در همین راستا نیز در سالهای اخیر این تلاش ها پر رنگ تر از گذشته آغاز و در کشور ما نیز رسالت مذکور، در دستور کار سازمانها و نهادهای مربوطه قرار گرفته شده است. زیرا طراحی کالبدی بهینه می تواند زمینه توسعه و رفاه پایدار را فراهم نماید. مقاله حاضر وضعیت به کارگیری شاخص های ایرانی اسلامی را در طراحی کالبدی روستاهای پیرامون شهری استان کردستان بررسی می نماید. بدین منظور ابتدا شاخص های طراحی کالبدی ایرانی اسلامی در سه بعد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و محیطی اکولوژیکی از منابع مختلف استخراج گردید؛ سپس از میان ۷۲ روستای پیرامون شهری استان ۳۰ روستا به طور نمونه انتخاب گردیده و با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از SPSS میزان به کارگیری شاخص ها مورد سنجش قرار گرفته است و همچنین پراکندگی میزان به کارگیری شاخص ها با نقشه های GIS نشان داده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که در طراحی کالبدی روستاهای مورد مطالعه شاخص های ایرانی اسلامی رعایت نشده و این مسئله مشکلات زیادی را در این نقاط به بار آورده است. در نهایت پیشنهاداتی برای بهبود فرایند طراحی کالبدی مبتنی بر ارزش های ایرانی اسلامی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: طراحی کالبدی، الگو، ایرانی - اسلامی، روستا، کردستان.

مقدمه

طراحی^۱ بخشی از هنر سازمان دادن فضای کالبدی است که با رشته‌های مختلف علمی و هنری مانند برنامه ریزی شهری و روستایی، معماری و منظرسازی، مهندسی فنی، مهندسی ترافیک و حمل و نقل، روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد سر و کار دارد و در عین حال با سیاست و فرهنگ نیز ارتباط پیدا می‌کند. طراحی، حلقه پیونددهنده معماری، معماری منظر، مهندسی به صورت گسترده و برنامه ریزی و مخصوصاً برنامه ریزی شهری و روستایی است. «بارنت» (۱۹۷۴) معتقد است طرح ریزی کالبدی فرآیند طراحی سکونتگاه‌ها بدون طراحی ساختمانها است. «مدنی پور» (۱۹۹۷) می‌گوید طرح ریزی کالبدی یک فعالیت بین رشته‌ای برای شکل‌دهی و مدیریت محیط سکونتگاهی است که هم به فرآیند شکل‌دهی و هم فضاهایی که امکان شکل‌دهی را فراهم می‌آورند.

«طراحی روستایی»^۲ فرآیندی است که به شکل‌دهی فیزیکی بافت‌های مختلف روستایی منجر می‌شود. طراحی روستایی با رویکرد ساختارگرایی به ایجاد اماکن متعدد می‌پردازد. این فرآیند طراحی ساختمان‌ها، فضاها و چشم‌اندازها را در برمی‌گیرد و نهایتاً جریانی را به راه می‌اندازد که به عمران و آبادی روستایی کمک می‌کند (fainstein,1396p27).

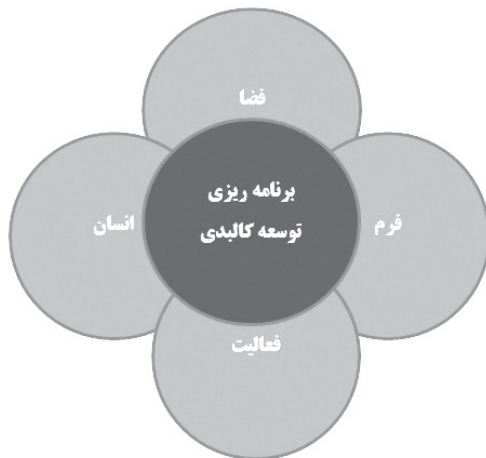
برنامه ریزی توسعه کالبدی فقط مجموعه‌ای از پروژه‌ها و طرح‌هایی نیست که برای نواحی روستایی تهیه می‌شود بلکه فرآیندی است پویا و آینده‌نگر که با توجه به اشکال تغییر، سازماندهی این اشکال را از جنبه‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار می‌دهد تا اهداف توسعه پایدار را که همان دستیابی به حق توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه است از طریق خود مردم و به وسیله آنان و با تسهیل‌گری بیرونی‌ها تحقق بخشد و زندگی روستایی را تغییر دهد یا بهبود بخشد (افتخاری، ۱۳۹۰)؛ بنابراین برنامه ریزی توسعه کالبدی برآیند نظامی متمرکز بر سازماندهی، جهت‌دهی، تسهیل‌گری و مدیریت رشد و توسعه سکونتگاه‌های انسانی است که بر استفاده

کارآمد و پایدار از زمین و حفاظت از منابع مرتبط با آن تأکید می‌ورزد (Omwenga,2002,P2).

برنامه ریزی توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در واقع بخشی از برنامه ریزی توسعه روستایی است که فرآیند ساماندهی، هدایت معقول و منطقی ساختار فیزیکی نقاط روستایی را در تناسب با مقتضیات مکانی-فضایی و در یک افق زمانی مشخص تعقیب می‌نماید (مهندسین مشاور DHV، ص ۴۳۸). برنامه ریزی توسعه کالبدی، مدیریت خردمندانه فضا است. در این معنا مفهوم کنونی برنامه ریزی توسعه کالبدی برتعامل عناصر چهارگانه «فرم» به عنوان تجدید کننده فضا، «فعالیت» به معنای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انسان، «فضا» به عنوان محل و «مکان» وقوع فعالیت و انسان به عنوان روح‌دهنده به فضا و فعالیت است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹).

شکل ۱. مؤلفه‌های مفهومی برنامه ریزی کالبدی؛ مأخذ:

افتخاری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹



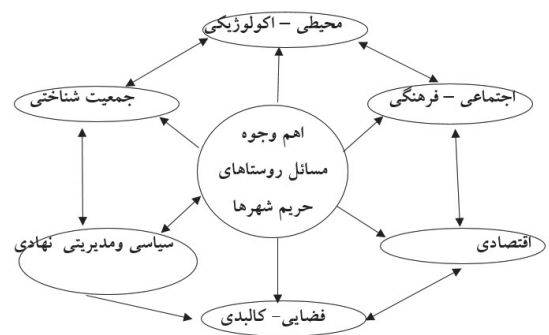
در چنین شرایطی تعامل عناصر یاد شده، زمینه‌پایداری یک جامعه و کیفیت محیطی آن را بر پایه برابری و عدالت از راه برنامه ریزی کالبدی تامین خواهد کرد؛ زیرا بر اساس چنین مفهومی از برنامه ریزی کالبدی، زمانی که توسعه کالبدی به وقوع می‌پیوندد، اغلب شاهد آثار نامطلوبی از آن در سطح منابع آب، زمین و اتمسفر هستیم که حاصل فعالیت انسان بر فضای سکونتگاهی خود است. در این حالت با فشار رشد جمعیت و عرضه

1. design

2 Rural Design

ناکافی مسکن و خدمات در سطح سکونتگاه‌های انسانی، دسترسی نداشتن فقیران به تاسیسات خدماتی و سرپناه و نیز نبود امنیت در حوزه مالکیت زمین به همراه رشد و توسعه نامتوازن عناصر کالبدی و بهره‌نگرفتن به شکل پایدار از منابع، مفهوم برنامه‌ریزی کالبدی معنای جدیدی می‌یابد (Oduwaye, 2002:2)

شکل ۲. ابعاد مسئله‌ای روستاهای حریم شهرها؛ ماخذ: بنیاد مسکن، ۱۳۹۲، طرح مطالعاتی روستاهای حریم شهرها.

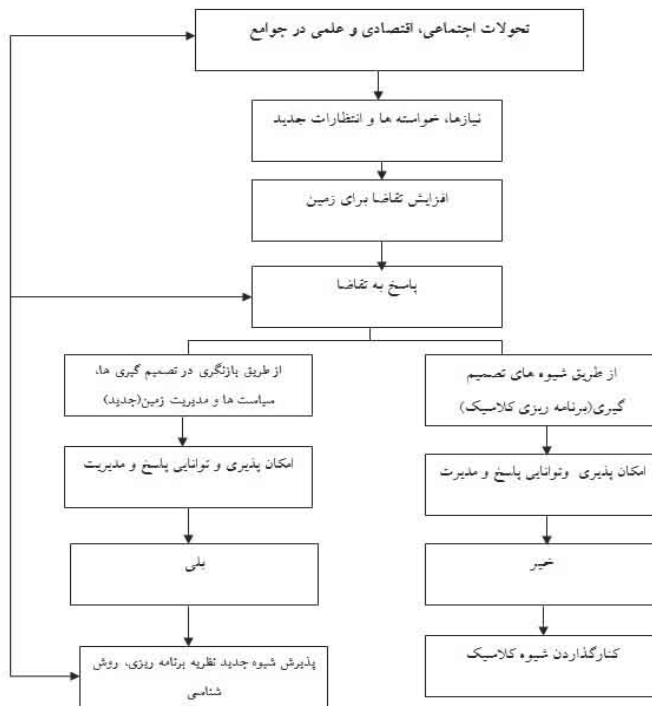


شهرهای استان کردستان در گذشته دارای رشد متعادل و متوازنی بوده‌اند، اما در چند دهه اخیر پس از مهاجرت‌های روستایی، اقتصاد برون‌زای شهری و رشد جمعیت دارای گسترشی سریع و شتابان شده‌اند و اغلب این رشد هم‌بصورت گسترش افقی اتفاق افتاده که با این‌گو از رشد، برهم خوردن ساختار کالبدی روستاهای پیرامون قابل‌پیش‌بینی است. آنچه به عنوان مسئله و معضل در «روستاهای پیرامون»^۱ شهری در استان کردستان دیده می‌شود، برهم خوردن ساختار کالبدی و نامشخص بودن الگوی رشد آنهاست یعنی روستاها پس از آنکه خود را در مجاورت شهر دیده‌اند، ساختار قدیمی خود را از دست داده و دچار نوعی آشفتگی ساختاری عملکردی شده‌اند. روستاهای پیرامون شهرها در استان کردستان با توجه به فاصله اندکی که با شهر دارند، از جریان‌های خارجی ارتباط با شهر تأثیرات زیادی پذیرفته‌اند.

برنامه‌ریزی کاربری زمین، معماری مسکن و الگوی رشد کالبدی در این نقاط تحت تأثیر رشد

غیرمتمرکز و برون‌زا قرار گرفته و از توجه به معماری بوم‌آورد و الگوی کالبدی ارگانیکی فاصله گرفته‌اند که این خود موجب مشکلات زیادی شده است از جمله آنها می‌توان رعایت نکردن سرانه و استانداردها، در نظر نگرفتن حقوق همسایگی، رسوخ نمودهای غریب فرهنگی در کالبد روستایی و ... را نام برد. در پاسخ به چنین مشکلاتی خلاء یک الگوی کالبدی مناسب احساس می‌شود که با نیازها، سطح فرهنگی-اجتماعی، و پایگاه دینی افراد این مکان‌ها سنخیت و همخوانی داشته باشد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که فاصله گرفتن از الگوی طراحی مبتنی بر ارزش‌های ایرانی اسلامی دلیل عمده این مشکلات می‌باشد. با توجه به چنین مشکلاتی و موارد دیگری از این قبیل، این پژوهش در پی یافتن طرحی مناسب برای چنین نقاطی می‌باشد. برنامه‌ریزی کالبدی روستاهای پیرامون شهرها در استان کردستان از چه الگویی تبعیت می‌کند؟

شکل ۳. مدل مفهومی ضرورت‌های بکارگیری نظریه‌ها، برنامه‌ریزی و روش‌شناسی جدید در برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی و کاربری زمین؛ ماخذ: افتخاری، ۱۳۹۰



۱. در این پژوهش مقصود از روستاهای پیرامونی شهر روستاهایی است که در نزدیکی شهر (کمتر از ۱۰ کیلومتر) می‌باشند و یا به نوعی فاصله آنها با شهر در حال کم شدن است.

فرضیه تحقیق

پیرامون شهری از شاخص های ایرانی اسلامی تبعیت

بنظر می رسد که الگوی کالبدی سکونتگاه های روستایی نمی کند.

جدول ۱. پیشینه تحقیق در سطوح جهانی، ملی و منطقه

ردیف	نام محقق	عنوان تحقیق	سال	منطقه	روش کار	نتیجه
۱	Nick Gallent	Planning on the edge(planning at the rural-urban)	۲۰۰۶	لندن	تحلیل کالبدی	ارائه الگوی طراحی کالبدی روستاهای حاشیه شهرها و ارائه الگوی کالبدی مناسب با در نظر گرفتن شاخص های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی
۲	Bart R. Johnsons	Ecology and design	۲۰۰۲	ایسلند	مقایسه ای	ارائه شاخص های اکولوژیکی در طراحی کالبدی
۳	David W.Orr	Design on the edge	۲۰۰۶	لندن	روش توصیفی تحلیلی و آماری	ارائه الگوی طراحی در نقاط حساس برنامه ریزی
۴	Cliff Moughtin	Urban design	۱۹۹۹	-	آنالیز آلترناتیو های طراحی	ارائه الگوهای کالبدی طراحی بر اساس عوامل اقتصادی اجتماعی و اکولوژیکی
۵	Cliff Moughtin	Urban design ornament and decoration	۱۹۹۵	-	روش تحلیلی	ارائه شاخصهای مهم و عوامل تأثیرگذار در طراحی کالبدی شهر
۶	Thomas H.Russ	Site planning and design	۲۰۰۹	نیویورک	روش توصیفی تحلیلی	طراحی و مکان یابی پایدار شهری و روستایی و ارائه الگوی مناسب
۷	دنيس راندينلی	مطالعاتی بر روابط شهر و روستا در نواحی پیرامونی شهرها با محوریت سیاست توسعه.	۱۹۵۰	-	اسنادی و پیمایشی	محقق نظریه وابستگی را با تأکید بررسی می کند و در نتیجه می گوید که هدف نهایی، توسعه ناحیه ای است بنابراین هر گونه تصمیم گیری و برنامه ریزی باید حول این هدف مهم دور بزند .
۸	مایکل لیپتون	مطالعاتی در زمینه روابط شهر و روستا در جهان با تأکید بر تأثیرات نفوذ شهر بر روستا	۱۹۸۴	-	اسنادی و پیمایشی	محقق در نتیجه معتقد می شود که شهر در تلاقی با روستا نفوذ مؤثری را بر آن دارد و موجب گسترش افقی و نا برابری هایی در حوزه های روستایی می شود
۹	مصطفی مؤمنی	بررسی روابط شهر تفت با روستاهای پیرامونی آن	۱۳۶۰	تفت	روش توصیفی تحلیلی	بررسی روابط شهر تفت را با روستاهای پیرامونی آن
۱۱	مزینانی محمد	احیا و ساماندهی کالبدی روستاهای ملحق شده به شهر در منطقه لویزان	۱۳۸۲	روستای لویزان	میدانی، مقایسه ای و ماتریسی	شناخت و معرفی نابسامانی های موجود و ارائه برنامه هایی جهت برنامه ریزی کالبدی روستاهای پیرامون شهر
۱۲	سعید زنگنه	بررسی پدیده پراکنش افقی شهر تهران و تاثیر آن بر زمین های کشاورزی پیرامون	۱۳۸۶	شهر تهران	هدلرن، چیمبی، آنتروپی و...	حدود ۱۹۳۹۹ هکتار از زمین های مرغوب و درجه یک کشاورزی در فاصله ۲۲ سال در پیرامون شهر از بین رفته است که عامل اصلی این نابودی و تغییر کاربری این زمین ها رشد و پراکنش افقی این شهر بوده است

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

■ ۱۰ ■

مروری بر پیشینه و ادبیات تحقیق

با مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی مشخص شد، کاری انجام گردیده که هریک از آنها به یکی از ابعاد موضوع که دقیقاً عنوان این تحقیق را در بر داشته باشد، پرداخته‌اند. خلاصه کارهای انجام شده سه سطح جهانی، در منطقه انجام نگرفته اما کارهایی در حوزه‌های مشابه کشور و منطقه در جدول‌های ۱ تا ۴ آورده شده است.

جدول ۲. تعریف نظری متغیرهای بعد اجتماعی فرهنگی تحقیق؛ تنظیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

بعد اجتماعی فرهنگی	مردم مداری: توجه به مردم و خواسته‌های آنها (دموکراسی).
	عقاید متافیزیک (تفکرات فلسفی و عرفانی): عقیده به آخرت، دعا، مکانهای زیارتی و...
	امنیت، آرامش طلبی و حریم (درون گرایی): حفظ حریم خصوصی و امنیت چشم و گوش و...
	هویت گرایی و حس تعلق به مکان: وطن دوستی و متعلق دانستن خود به یک مکان.
	عدالت اجتماعی: برقراری فرصت‌های برابر جهت استفاده از معابر، فضاهای عمومی و...
	اتحاد: حفظ وحدت و یگانگی (مرکز گرایی) مثل قبله که در طراحی باید مدنظر قرار بگیرد.
	حرمت همسایگی: احترام به حقوق متقابل افراد در استفاده از فضاهای مشترک.
	میراث فرهنگی: حفظ آثار و میراث گذشتگان، احترام به قهرمانان ملی، مذهبی
	دین مداری: توجه به آموزه‌های دینی (قبل و بعد از اسلام) در همه امور زندگی
	سادگی: تلاش برای پرهیز از تجملات و روحیه طاغوت طلبی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

■ ۱۱ ■

جدول ۳. تعریف نظری متغیرهای بعد اقتصادی تحقیق؛ تنظیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

بعد اقتصادی	اقتصاد دینی: تاکید بر زکات، خمس، وقف و... که در طراحی کالبدی نقش داشته‌اند.
	تصرف و تصاحب: تاکید بر غصبی نبودن زمینی که روی آن زندگی می‌نماییم.
	مالکیت: وجود آیین‌هایی مثل مشاع، مالکیت وقفی، و...
	عدالت اقتصادی: تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی خصوصاً اگر در کالبد خودنمایی کند.
	نیارش و پیمون: استحکام و دوام سازه‌های کالبدی به استفاده از با صرفه‌ترین مصالح.
	ارزش زمین و اجاره بها: زمین مناطق پیرا شهری به چشم یک کالای با ارزش دیده می‌شود.
	نوع مشاغل: بعضی مشاغل نیاز به طراحی یک مکان ویژه دارد (مثل دامداری و...).
	قدرت خرید: قدرت خرید در انتخاب سبک و تنوع ساخت و سازه‌های کالبدی تاثیر دارد.
	تناسب قیمت مسکن و سطح درآمد: مسکن نباید بیش از ۲۰٪ درآمد ماهانه خانوار را به خود اختصاص بدهد.
	تمایل به اخذ وام: برخی افراد گرفتن وام برای ساخت و سازها را غیرشرعی می‌دانند.

جدول ۴. تعریف نظری متغیرهای بعد محیطی (اکولوژیکی) تحقیق؛ تنظیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

بعد محیطی (اکولوژیکی)	احترام به محیط زیست: توصیه های ملی و مذهبی به بهره برداری همراه با آلوده نکردن محیط و...
	هماهنگی با طبیعت: استفاده از نیروی طبیعی (طراحی با طبیعت نه در برابر طبیعت).
	خودبسندگی: تلاش برای بوم آورد بودن مواد و مصالح، طرح ها و...
	پرهیز از بیهودگی: حذف فضاهای مکان گیر و بدون کاربرد در طراحی محیطی.
	نورگرایی: تاکید بر وجود نور و فراهم آوردن محیط های روشن (پرهیز از تاریکی).
	درختکاری: غرض نهال در هر جا (حتی در قبرستانها که معمولاً هر فعالیتی ممنوع است).
	زیبایی شناختی: خلق آثار زیبا و چشم نواز در طراحی کالبدی که حظ بصری ایجاد نماید.
	توجه به محیط های پیراشهری: نقش مناطق پیرامونی شهرها در رویدادهای مهم تاریخی.
	محله محوری: توجه به محیط طراحی شده در حد یک محله.
	توجه به پاکیزگی: توصیه های دینی و ملی در رابطه با آراستگی ظاهر، باطن و محیط زندگی.

مواد و روشها

الف) واحد تحلیل و جامعه آماری تحقیق

با توجه به اینکه موضوع تحقیق حاضر واحد تحلیل این تحقیق عبارتست از:

- خانوارهای ساکن در نقاط روستایی پیرامون شهری در استان کردستان.

- روستاها (مسئولین روستا: دهیار و شورا).

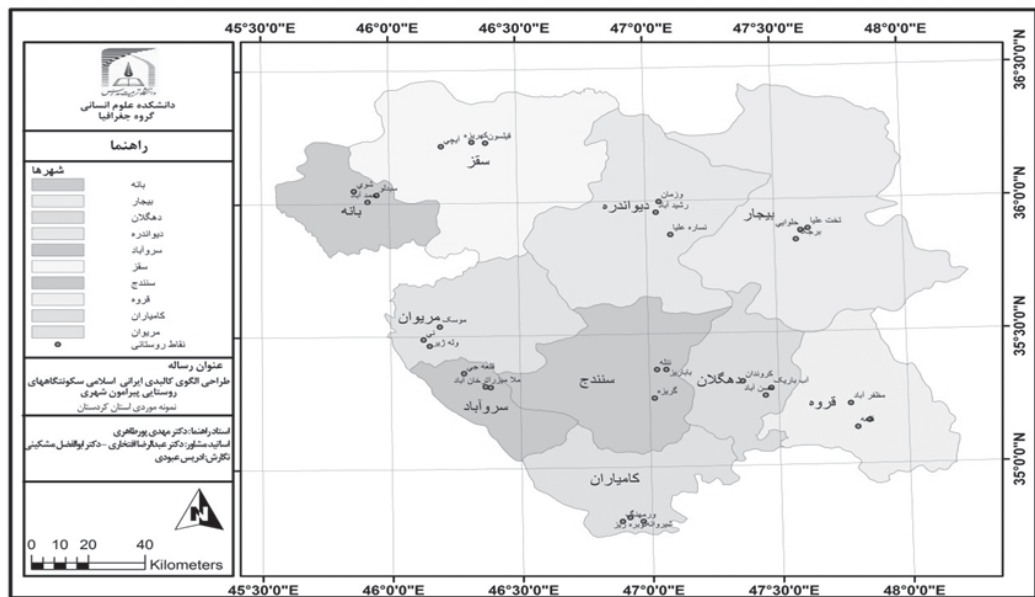
جامعه آماری پژوهش شامل تعداد ۷۲ روستای پیرامون شهری استان و کلیه ساکنین این روستاها به تعداد ۴۴۶۴۰ نفر می باشد که فاصله ی روستای آنها با شهر کمتر از ۱۵ کیلومتر است. در این تحقیق با توجه به ماهیت آن، حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران محاسبه شده است. شیوه نمونه گیری در این پژوهش خوشه ای می باشد که نمونه های مورد نظر بر اساس معیارهای جمعیت شناختی سن، سواد، شغل و سایر معیارهای منطبق بر اهداف پژوهش چون: فاصله با شهر، داشتن طرح هادی، جمعیت، اهمیت جغرافیایی، اهمیت اقتصادی و... همتاسازی شده و سپس به طور تصادفی انتخاب شدند.

روش نمونه گیری در این پژوهش خوشه ای چند

مرحله ای است. بر اساس تخصیص متناسب نسبت به تعداد روستاهای پیرامون شهری در استان که تعداد ۷۲ روستا بود، روستاهای نمونه انتخاب شدند، که در مجموع از ۱۰ شهر استان برای هر شهر تعداد ۳ روستا، جمعاً ۳۰ روستا به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. لازم به ذکر است که روستاهای انتخاب شده روستاهای هستند که جمعیت آنها بیشتر از ۱۰۰ خانوار و دارای طرح هادی می باشند. برای تکمیل پرسشنامه ها نیز در هر روستای نمونه به طور برابر ۱۵ نفر از ساکنان در نظر گرفته شده است.

روش گردآوری داده ها

در این تحقیق بخش اصلی داده ها از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. بر اساس نتایج پرسش نامه متخصصان پرسش نامه در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی پرسشنامه ای طراحی شد و از پاسخگویان خواسته شد به این سوالات که در حال حاضر میزان رعایت هریک از معیارهای موثر بر طراحی کالبدی را چگونه ارزیابی می کنید در قالب ۵ طیف گزینه ای (لیکرت) خیلی زیاد، زیاد، تاحدوی، کم و بسیار کم علامت گذاری کنند. بدین ترتیب میزان رعایت شاخص های ایرانی اسلامی مورد سنجش قرار



نقشه ۱. موقعیت ۳۰ روستای مورد مطالعه؛ تنظیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

نمودارها و... استفاده شد. همچنین جهت آزمون و سنجش مولفه‌ها و ابعاد طراحی کالبدی از آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون کای اسکوئر، تحلیل واریانس استفاده شده است. همچنین سنجش توزیع فضایی طراحی کالبدی را به صورت نقشه‌های GIS نمایش داده ایم.

منطقه

استان کردستان با مساحت ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع مساحت و جمعیت ۱۴۹۳۶۴۵ در غرب ایران مجاور کشور عراق بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد که این مساحت ۱.۷ درصد از مساحت کل کشور را شامل می‌شود و از نظر وسعت رتبه ۱۶ را در کشور دارا است. (استان شناسی کردستان، ص ۱۱).

تحلیل و یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

برای بررسی فرضیه تحقیق شاخص‌های ایرانی اسلامی را در سه بعد طبقه‌بندی نموده ایم. این سه بعد عبارتند از: بعد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و محیطی کالبدی. برای هر بعد ۲۰ سوال طراحی

گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات برای پاسخگویی به سؤال اول پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد و برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق علاوه بر استفاده از این ابزار همچنین از نرم‌افزار GIS برای سنجش توزیع فضایی طراحی کالبدی در روستاهای پیرامون شهری استان کردستان استفاده گردید. همچنین با توجه به نیاز و ماهیت پژوهش از ابزارهای زیر نیز جهت رسیدن به نتیجه استفاده شده است: مشاهده (بررسی میدانی محقق)، پرسشنامه (پرسشنامه تکمیل شده توسط روستاییان حومه شهر)، مصاحبه (مصاحبه با دهیار، مسئولین اجرایی شهرها و روستاهای پیرامون، محققین و صاحب‌نظران مطلع)، آمارنامه‌های جمعیتی (مرکز آمار ایران)، نقشه‌های موجود شهر و روستاهای پیرامون (استاندارد کردستان)، مطالعات کتابخانه‌ای (کتابها، مقالات و آرشیو مطالب)، روشهای بصری و مقایسه‌ای (جدول، نمودارها، نقشه‌ها و...). به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، ابتدا پرسشنامه‌های تکمیل شده کدگذاری شدند، سپس داده‌های کدگذاری شده به نرم‌افزار SPSS انتقال داده شد. پس از انجام عملیات آماری، از جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین،



نقشه ۲. موقعیت استان کردستان در کشور؛ مأخذ: دفتر تقسیمات سیاسی وزارت کشور ۱۳۹۳

آن بی‌نظمی‌های اجتماعی فرهنگی می‌باشد. در بعد اقتصادی نیز عموماً نمرات پایینی حاصل شده و میانگین میانگین‌ها ۲/۷۳۳ به دست آمده است که نشان‌دهنده عدم رعایت شاخص‌های ایرانی اسلامی در بعد اقتصادی می‌باشد. عدم رعایت شاخص‌ها در این بعد شدت بیشتری نیز دارد. میانگین‌های به دست آمده برای بعد کالبدی محیطی نیز ۲/۷۳۶ را نشان می‌دهد که باز هم زیر ۳ می‌باشند و این عدد نشان‌دهنده عدم رعایت شاخص‌ها می‌باشد. در مجموع برای هر سه بعد نمرات کمتر از ۳ حاصل شد و بر این اساس می‌توان گفت الگوی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهری از شاخص‌های ایرانی اسلامی تبعیت نمی‌کند. پس فرضیه به صورت توصیفی مورد تایید قرار می‌گیرد.

ب) یافته‌های استنباطی

۱- انجام آزمون t تک‌نمونه‌ای برای ابعاد فرضیه برای تایید فرضیه تنها به تحلیل توصیفی اکتفا نشده است. برای این فرضیه آزمون t تک‌نمونه‌ای

شده بود که ۴۵۰ نفر نمرات بین ۱ تا ۵ خود را به سوالات دادند. فرض بر این بود که اگر نمرات کمتر از ۳ حاصل شده باشد، نشان می‌دهد که در طراحی کالبدی روستاهای مورد نظر شاخص‌های ایرانی اسلامی بخوبی رعایت نشده است. پس از بررسی نمرات حاصله از پرسش‌نامه مشخص شد عموماً شاخص‌ها از ۵ نمره، نمرات پایین‌تر از ۳ گرفته‌اند و میانگین نمرات ۴۵۰ نفری که به هر سوال پاسخ داده‌اند حدود ۲ تا سه می‌باشند. در اکثر گویه‌ها نمرات پایینی به دست آمده و از میانگین نمرات کل ۲۰ گویه، دوباره میانگین گرفته شده که از ۵ نمره، ۲/۷۶ حاصل شده است. این نشان می‌دهد سکونت‌گاه‌های روستایی در بعد فرهنگی اجتماعی بر اساس معیارهای ایرانی اسلامی طراحی نشده‌اند. وجود مسائل و مشکلات زیادی نیز که در بعد اجتماعی فرهنگی قابل لمس است، نیز موید این مسئله می‌باشد. در بررسی‌های میدانی نیز با مسائلی بصورت متوالی برخورد شد، که منشا

جدول ۵. نتیجه آزمون t برای سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و جمع این ابعاد

مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ۳								
مولفه ها	میلنگین	انحراف معیار	انحراف از میلنگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	
							پایین تر	بالا تر
فرهنگی	۲/۷۶۵۰	۰/۴۳۸۷۵	۰/۰۲۰۶۸	-۱۱/۳۹۲	۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۵۰۰	-۰/۱۹۴۴
اقتصادی	۲/۷۳۳۵	۰/۳۸۷۸۵	۰/۰۱۸۳۰	-۱۴/۵۵۹	۴۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۶۴۸	-۰/۲۳۰۵
محیطی	۲/۷۸۵۶	۰/۴۵۸۴۳	۰/۰۲۱۶۱	-۹/۹۲۳	۴۴۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۴۴۴	-۰/۱۷۲۰
جمع	۲/۷۶۲۰	۰/۳۲۸۹۳	۰/۰۱۵۵۲	-۱۵/۳۳۵	۴۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۸۰۵	-۰/۲۰۷۵

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (One-Way ANOVA) در ابعاد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و

کل این ابعاد؛ مآخذ: یافته های تحقیق

مولفه ها	-	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آزمون F	سطح معناداری
فرهنگی	بین گروهی	۱۳/۶۱۹	۲۹	۰/۴۷۰	۲/۷۰۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۲/۸۱۲	۴۲۰	۰/۱۷۳		
	مجموع	۸۶/۴۳۱	۴۴۹			
اقتصادی	بین گروهی	۶/۳۸۱	۲۹	۰/۲۲۰	۱/۵۱۱	۰/۰۴۶
	درون گروهی	۶۱/۰۱۲	۴۱۹	۰/۱۴۶		
	مجموع	۶۷/۳۹۳	۴۴۸			
محیطی	بین گروهی	۱۵/۸۷۶	۲۹	۰/۵۴۷	۲/۹۳۰	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۸/۴۸۵	۴۲۰	۰/۱۸۷		
	مجموع	۹۴/۳۶۱	۴۴۹			
جمع	بین گروهی	۶/۹۲۰	۲۹	۰/۲۳۹	۲/۴۰۶	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۱/۵۵۱	۴۱۹	۰/۰۹۹		
	مجموع	۴۸/۴۷۱	۴۴۸			

برای مقادیر جمع شده هر سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و همچنین برای مجموع این سه بعد در SPSS مشاهده می شود محاسبه گردیده است. با توجه به مقادیر جدول بالا که مربوط به نتایج آزمون t می باشد، چون سطح معنی داری (sig) با سطح اطمینان ۹۵٪ از ۰/۰۵ کمتر می باشد (sig = ۰/۰) در نتیجه فرض صفر رد می شود و فرضیه پژوهشگر تایید می گردد. به عبارت دیگر می توان گفت که در تک تک ابعاد سه گانه یادشده و همچنین جمع این سه بعد، شاخص های ایرانی اسلامی رعایت نشده است.

۲- آزمون Chi-square برای فرضیه تحقیق برای فرضیه همچنین آزمون Chi-square در هر سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی گرفته شد با توجه به مقادیر به دست آمده چون سطح معنی داری (sig) کمتر از ۰/۰۵ می باشد، در نتیجه می توان گفت تفاوت بین موارد مشاهده شده و موارد مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار است و می توان فرضیه صفر را رد و فرضیه محقق را تایید کرد. به عبارت دیگر می شود گفت که در سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی طراحی

می باشد. همچنین این آزمون با توجه به دامنه تغییرات مقدار کای اسکور به دست آمده برای هر گویه، طیف بندی روستاها را در هر بعد و همچنین جمع ابعاد پیشنهاد داده است. بر اساس پیشنهادات آزمون، در نرم افزار GIS نقشه های هر بعد تولید شده که دید فضایی و نوع پراکندگی مکانی را نشان می دهد.

نتیجه گیری و جمع بندی

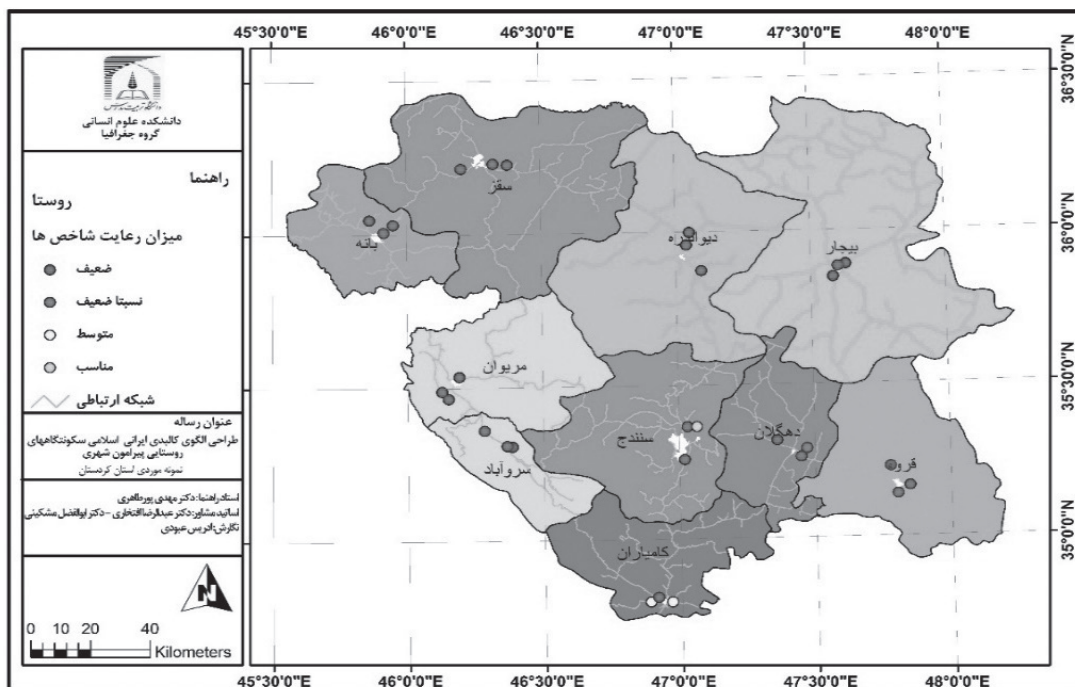
روستاهای پیرامون شهری نقاطی حساس می باشند که کالبد آنها به سرعت تغییر می نماید و نیازمند مراقبت ویژه ای می باشند. روستاهای این تحقیق نیز از نظر کالبدی دچار تغییراتی شده بودند که بی نظمی های فضایی را در پی داشته است. روستاها از نظر ساختار اقتصادی، کالبدی و فرهنگی - اجتماعی تغییراتی پیدا کرده اند که موجب تغییر عملکرد آنها نیز شده است. از نظر ساختار اقتصادی با تغییرات کاربری اراضی روستایی اقتصاد کشاورزی روستا به اقتصاد خدماتی، بساز بفروش و کارگری در کارگاههای

کالبدی سکونتگاه های روستایی پیرامون شهری استان کردستان شاخص های ایرانی اسلامی رعایت نشده است.

۳- آزمون واریانس یک طرفه (One-Way ANOVA) برای فرضیه تحقیق

برای اینکه از بررسی کامل فرضیه اول مطمئن شویم آزمون واریانس یک طرفه (One-Way ANOVA) را برای مقادیر جمع شده سه بعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی و همچنین جمع ابعاد روستاها انجام داده ایم.

همان طور که از جدول فوق استنباط می شود، در این آزمون هم مثل آزمون های قبلی سطح معنا داری (sig) در هر چهاربخش کمتر از ۰/۰۵ می باشد و به لحاظ آماری در ابعاد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی و کل این ابعاد بین روستاها تفاوت معناداری قابل مشاهده می باشد. غیر از این مسئله که در همه روستاها به طور کلی شاخصهای ایرانی اسلامی رعایت نشده، بین آنها نیز تفاوتی قابل مشاهده



نقشه ۳. پراکندگی میزان رعایت شاخص های ایرانی اسلامی در هر سه بعد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و محیطی ۳۰ روستای مورد مطالعه؛ تنظیم: نگارنده

شهری تبدیل شده است. از نظر کالبدی که بیشترین تغییرات محسوب می شود در گسترش کالبدی، کاربری اراضی، سرانه فضای مسکونی، معماری خانه ها و معابر عمومی تغییرات زیادی مشاهده می شود که با افزایش جمعیت و ساخت و سازهای غیراستاندارد به مکان هایی مسئله دار تبدیل شده اند. از نظر فرهنگی - اجتماعی نیز تغییرات فرهنگی همسو با تغییرات فضای زندگی نبوده و هنوز این روستاهای شهری شده مسائل فرهنگی اجتماعی زیادی دارند که موجب مشکلات اجتماعی بصورت تناقضات فرهنگی، بزهکاری، قانون گریزی و عدم رعایت حقوق دیگران نمود پیدا کرده است. از نظر عملکردی نیز این روستاها عملکرد تولیدی گذشته خود را از دست داده و با افزایش قیمت زمین ها مشاغل تولیدی جای خود را به کارهای خدماتی، مشاغل کاذب شهری و واسطه گری در معاملات زمین و مسکن داده است. با از بین رفتن فاصله شهر با این روستاها عملکرد خوابگاهی، مهاجرپذیری و کارگاهی این نقاط نیز تقویت شده است. معضلات ساختار کالبدی، کمبود امکانات عمومی و رفاهی، عوارض زیست محیطی، استانداردهای مسکن، اشتغال، آسیب های اجتماعی، مشاغل کاذب و تناقضات فرهنگی - اجتماعی از مهمترین مسائل این روستاها می باشد.

در این تحقیق بیشترین تاکید بر بعد کالبدی تغییرات روستاهای پیرامون شهری بود و اینکه آیا در چهره کالبدی روستاها معیارها و شاخص های ایرانی اسلامی رعایت شده است؟ با توجه به مطالعات انجام گرفته و تحقیق میدانی مشخص شد که این معیارها در ابعاد اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی محیطی به طور آشکاری رعایت نشده و همین مسئله سبب ناپایداری کالبدی این روستاها شده بود. متخصصین نیز بر این عقیده بودند که در صورت طراحی کالبدی مبتنی بر شاخص های ایرانی اسلامی می توان زمینه پایداری و توسعه این روستاها را فراهم آورد. در نتیجه الگویی پیشنهاد می شود که بتواند جوابگوی مسائل کالبدی مناطق مورد

مطالعه باشد.

پیشنهادات

مهمترین پیشنهادات تحقیق می توان موارد زیر را برشمرد:

(۱) تاکید هرچه بیشتر بر مشارکت روستاییان در طراحی کالبدی: تاکید بر اصل مشارکت در برنامه ریزی از این جهت است که توسعه بیش از همه به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستور توانایی های درونی تجلی می یابد. در برنامه های عمران و نو سازی روستاها همواره عدم توجه به مشارکت مؤثر مردم به عنوان اصلی ترین عنصر مورد نظر در ایجاد حوزه های برنامه ریزی مورد غفلت واقع شده است.

(۲) انتخاب شکل و الگوی مناسب رشد شهرها: با انتخاب شکل مناسب شهر می توان هنوز جمعیت بیشتری از جمعیت کنونی شهرهای استان را نیز سازماندهی کرد بدون آنکه نیاز به تصرف زمین های پیرامون باشد.

(۳) هدایت توسعه شهرها در جهات بهینه توسعه: با هدایت شهر در جهات بهینه توسعه مسیرهای مناسبی برای گسترش آینده شهرها انتخاب می شود که لزوماً زمینهای کشاورزی و روستاهای پیرامون را نابود نمی کند.

(۴) تاکید بر معیارهای ایرانی اسلامی در ساخت و سازهای روستاهای پیرامونی: از طریق نظارت دقیق تر و کنترل ساخت و سازهای پیرامونی شهر می توان از رشد بی رویه آن خصوصاً از نظر کالبدی جلوگیری کرد.

(۵) جلوگیری از رشد سریع ساخت و سازهای غیر قانونی لبه های شهر: نه تنها روستاها باید مورد کنترل شدید قرار گیرند، بلکه لبه های خارجی محدوده شهر نیز باید بر اساس ضوابط صحیح شهر سازی گسترش یابند.

(۶) استفاده از تجربیات سایر کشورهای اسلامی در زمینه طراحی کالبدی سکونتگاههای روستایی پیرامون شهری.

منابع و مآخذ

- ۱۱) نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، تاملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، ماهنامه هنر، ش ۱۷۰، آبان ۱۳۹۱.
- 12) Anderson, W.P., Kanaroglou, P.S. and Miller, E.J. (1996). "urban form, energy and the environment: a review of issues, evidence and policy" *Urban Studies*, 33(1), pp7-35.
- 13) Annemarie Schimmel and Barbar Rivolta, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin, New Series*, Vol. 1, No. 50.
- 14) Backhouse, Tim (2009), *Only God is Perfect, Islamic and Geometric Art*, Retrieved 25.
- 15) Eveline S. van Leeuwen (2010), *Urban-Rural Interactions, Towns as Focus Points in Rural Development*, Department of Spatial Economics, Amsterdam, Netherlands. Springer-Verlag Berlin Heidelberg 2010.
- 16) Dasgupta Biplab (1993), "Public Housing and Migration: A Multi-level Modeling Approach" *Int. Jou. Popul. Geo*, Vol.3, P.277.
- 17) Davies, Penelope J.E. Denny, Walter B. Hofrichter, Frima Fox. Jacobs, Joseph. Roberts, Ann M. Simon, David L. Janson's *History of Art*, Prentice Hall, (2007), Upper Saddle River, New Jersey. Seventh Edition.
- 18) Dipl.-Ing. Gunther Geller (2012), *Sustainable Rural and Urban Ecosystems: Design, Implementation and Operation*, Springer, Germany.
- 19) Francis, D.K. Ching. (1996) *Architecture, form, space and order*, New York: John Wiley and Sons.
- 20) Hashem-Nejad H., Molanaei Salah-Al-Din, (2009), *Architecture with a View of the Sky: Rural Habitats- Especial Structure in Rural Zagros Architecture (Kurdistan Region)*, *Journal of Fine Arts*, 36, 17-26.
- 21) Janvery de Alain, Sadoulet Elisabeth (2007), *Toward a Territorial Approach To Rural Development*, *Electronic Journal of Agricultural And Development Economics, Agricultural Development Economics*.
- 22) J. Dennis Thomas (2014) *Urban and rural decay photography : how to capture the beauty in the blight*, First published 2014, by Focal Press, London.
- 23) Zhang, T (2000), *Land Market and Government's Role in Sprawl*.

- ۱) افتخاری، عبدالرضا، بدری، سید علی و سجاسی قیداری حمدالله (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظریه‌ای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیاد مسکن، معاونت عمران روستایی.
- ۲) ایرانی، جمال و همکاران (۱۳۸۷)، *جغرافیای استان کردستان*، شرکت نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران.
- ۳) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۲)، *مطالعه طرح الگوی طرح ریزی کالبدی در روستاهای حریم شهرها*.
- ۴) پورطاهری، مهدی و افتخاری عبدالرضا (۱۳۸۳)، *تحلیل نقش و روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، ش ۴.
- ۵) پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۲)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۶) سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۱)، *رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران*، مقاله علمی- پژوهشی، مقاله ۸، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۱۲۹-۱۴۶.
- ۷) عبودی، ادريس (۱۳۸۸)، *ارزیابی گسترش افقی شهر سقز و اثرات آن بر ساختار و عملکرد روستاهای پیرامون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر مجتبی قدیری.
- ۸) قاسمی، اکرم (۱۳۹۱)، *ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای شاخصه‌های شهرسازی ایرانی اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر ابوالفضل مشکینی.
- ۹) مزینانی، محمد (۱۳۸۲)، *احیا و ساماندهی کالبدی روستاهای شهری (روستاهای ملحق شده به شهر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر محمد رضا پور جعفر.
- ۱۰) مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳)، *حکمت معماری اسلامی*، نشریه هنرهای زیبا، ش ۱۹.

سرانه های گردشگری: ابزار مدیریت و برنامه ریزی توسعه

محمد حسین ایمانی خوشخو* - دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران.
سعید داغستانی - کارشناس ارشد مدیریت جهانگردی، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

Tourism Per Capita: Development Planning and Management Medium

Abstract

Compilation of administrative plans and implementation of strategies is almost among the concerns of the managers and programmers. Deduction of plans from development master and minor plans is too much time-consuming. Moreover, areas of activity and types of medium for tourism are extremely various; therefore, in many tourism centers, development programmers compile criteria and indices calling them tourism per capita. In this article, attempts have been made to compile some of the more related per capita to tourism industry.

Key Words: Tourism Standard, Tourism Development, Tourism per Capita, Holly Mashhad.

چکیده

تدوین برنامه های عملیاتی و اجرایی شدن راهبردها در بسیاری از موارد به دغدغه مدیران و برنامه ریزان تبدیل می شود. استنتاج برنامه ها از طرح های توسعه جامع و تفصیلی بسیار زمان بر است. علاوه بر این زمینه های فعالیت و نوع تاسیسات و تجهیزات گردشگری بسیار زیاد و متنوع است؛ لذا در بسیاری از مراکز و مقاصد گردشگری پذیر برنامه ریزان و دست اندرکاران توسعه دست به تدوین شاخص و تعیین معیاری می زنند که از آنها به عنوان سرانه های گردشگری یاد می نمایند. در این مقاله سعی بر آن است تا برخی از مهمترین سرانه های مرتبط با بخش گردشگری تدوین و ارائه گردد.

واژگان کلیدی: استاندارد گردشگری، توسعه گردشگری، سرانه های گردشگری، مشهد مقدس.

توسعه اقتصادی و ایجاد اطمینان خاطر گردشگر نسبت به مرغوبیت خدمت عرضه شده، ضروری می‌باشد. استانداردسازی در نهایت به کاهش هزینه‌ها و توسعه این صنعت در کشورمان خواهد انجامید. تاسیسات گردشگری با در نظر گرفتن نیاز مشتریان باید موضوع استانداردسازی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند. تحقق این برنامه می‌تواند نقش موثری در جلب رضایت گردشگران داشته باشد. استانداردسازی اماکن گردشگرپذیر می‌بایستی توسط گردشگران ارزیابی و با دیگر مناطق مقایسه شود. استانداردسازی اماکن مذکور در سالهای گذشته از طریق عواملی همچون مساحت انجام می‌پذیرفته اما امروز این امر بر اساس عواملی همچون ایمنی، بهداشت، آموزش و نیروی انسانی صورت می‌گیرد. بدیهی است که هر نوع خدماتی باید در یک چارچوب مشخص ارائه شود و این چارچوب را می‌توان با استاندارد تعریف کرد. ایجاد هماهنگی، جلوگیری از رفتارهای سلیقه‌ای در زمینه درجه بندی تاسیسات گردشگری، آینده‌نگری و در حقیقت نوعی آینده پژوهی برای ایجاد تاسیسات گردشگری، برنامه داشتن برای توسعه واحدها و تجهیزات، برخورداری از نوعی معیار و سنجه مشخص برای ارزیابی فعالیتها و بسیاری دیگر از اهداف مهم تدوین سرانه‌های گردشگری است. از طرفی در امر استانداردسازی تعریف سرانه بسیار مهم می‌باشد؛ با توجه به این موضوع تعیین سرانه برای ارائه خدمات به گردشگران و مسافری به دلیل رفتارهای جمعی و گروهی، نبود آمار مستند در خصوص تعداد گردشگران در مقاصد گردشگری و تفکیک‌ناپذیری بین بهره‌مندی و استفاده گردشگران و شهروندان امری مشکل و گاه غیرممکنی است. این امر زمانی مشکل‌تر می‌گردد که بدانیم سرانه‌هایی در خصوص گردشگری و مسافرت در کشور تدوین نگردیده است و استناد به سایر سرانه‌ها و استانداردهای کشورهای اساساً قیاس مع الفارغ می‌باشد.

لذا به منظور پوشش مناسب و عملیاتی بودن

سرانه‌های گردشگری به میزان تخصیص هر موضوعی (مانند زمین، فضای سبز، راه دسترسی و غیره) به ازاء هر نفر اشاره دارد و می‌تواند نشانگر وضعیت مطلوب «تاسیسات و تجهیزات گردشگری» باشد.^۱ اگر این موضوع بدرستی تدوین گردد، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در ایجاد و توسعه زیر و ساخت‌های صنعت گردشگری ایفا کند. بسیاری از نویسندگان و برنامه‌ریزان این بخش (اینسکیپ؛ ۱۳۹۲، کاسپار^۲، ۱۹۷۵؛ لیپر^۳، ۱۹۷۹؛ تایلر^۴، ۱۹۸۰؛ میل و موریسون^۵، ۱۹۹۲؛ هولدن^۶، ۲۰۰۰ و گان^۷، ۲۰۰۲) در تدوین نظام‌های برنامه‌ریزی گردشگری به این موضوع پرداخته‌اند و برخی از ایشان به تعیین چنین سرانه‌هایی اقدام نموده‌اند. تعیین سرانه و استاندارد ابزاری برای مدیران و کمکی برای همسوسازی نیازهای گردشگران با معیارهای بین‌المللی بوده و اهمیت به آن، منجر به ارائه خدمات بهتر به گردشگران می‌گردد. در راستای رسیدن به مدیریت مطلوب در زمینه گردشگری، سیاست-گذاری و برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه و شناخت نیازهای گردشگران؛ تدوین، اجرا و نظارت مستمر بر استانداردها جز لاینفک دستیابی به این اهداف می‌باشد. اما موضوع تعیین سرانه‌ها بسیار پیچیده و بستگی به عوامل بسیاری (مانند سطح توسعه یافتگی کشورها، توان اکولوژیکی منطقه برای ارائه خدمات، قوانین جاری، خواسته‌های گردشگران و غیره) دارد و به سختی می‌توان اعداد قطعی برای آنها ارائه نمود. رقابت پذیری مقاصد گردشگری معیاری مهم در جهت ارزیابی موفقیت کشورها در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و گردشگری می‌باشد. با توجه به ایجاد دهکده جهانی و تغییرات سریع در الگوی مصرف و تقاضا، تلاش کلیه صنایع در جهت ارتقای رقابت پذیری افزایش می‌یابد. این ارتقای رقابت پذیری می‌تواند با ابزارهایی از جمله استانداردسازی صورت پذیرد. وجود این راهکار کلیدی در صنعت گردشگری به منظور ارتقای کیفیت خدمات، رقابت پذیری،

۱. مطالعه بیشتر: دایره المعارف آزاد ویکی پدیا.

- سرانه‌ها بایستی کلیه نیازهای ایشان را مدنظر قرار داده تا در صورتی که گردشگر و مسافر مشخصی وارد یک مقصد گردشگری شد آگاهی داشته باشیم به چه حداقل‌هایی در این زمینه نیازمندیم. باتوجه به حضور گردشگران در مقاصد شهری و روستایی می‌توان در موارد متعددی به سرانه‌های مذکور استناد گردد. تاسیسات و واحدهای گردشگری که در قوانین و مقررات جاری کشور^۱ مستقیماً به گردشگری ارتباط داده شده اند را می‌توان به شکل زیر تقسیم‌بندی نمود:
- بخش اقامتگاهی: شامل هتل، متل، هتل آپارتمان، مهمانپذیر، زائرسرا، اقامتگاه جوانان و امثال آن؛
- کمپینگ و کاروانها؛
- تفرجگاه و اردوگاه؛
- روستاهای هدف گردشگری؛
- مناطق نمونه گردشگری؛
- آژانسها و دفاتر خدمات مسافرتی؛
- فعالیتهای و جاذبه‌های گردشگری (اعم از تاریخی- فرهنگی، طبیعی و انسان ساخت).
- با توجه به گستردگی فعالیتهای این بخش و به طبع آن گستردگی واحدهای گردشگری تنها مهمترین استانداردها و سرانه‌های قابل انجام تهیه و تنظیم شده است که اهم آن در جدول زیر است.^۲

جدول ۱. استانداردها و سرانه‌های تاسیسات گردشگری

شاخه فعالیت در حوزه گردشگری	نوع ضابطه	حداقل استاندارد شده
هتل داری (هتل ۵ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۲۵۰۰ متر مربع
هتل داری (هتل ۴ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۲۰۰۰ متر مربع
هتل داری (هتل ۳ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۱۰۰۰ متر مربع
هتل داری (هتل ۲ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۶۰۰ متر مربع
هتل داری (هتل ۱ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۴۰۰ متر مربع
هتل داری (هتل ۵ ستاره)	حداقل اتاق	۱۰۰ اتاق
هتل داری (هتل ۴ ستاره)	حداقل اتاق	۵۰ اتاق
هتل داری (هتل ۳ ستاره)	حداقل اتاق	۳۰ اتاق
هتل داری (هتل ۲ ستاره)	حداقل اتاق	۲۰ اتاق
هتل داری (هتل ۱ ستاره)	حداقل اتاق	۱۰ اتاق
هتل آپارتمان (۱ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۴۰۰ متر مربع
هتل آپارتمان (۲ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۸۰۰ متر مربع
هتل آپارتمان (۳ ستاره)	حداقل زمین جهت احداث	۱۵۰۰ متر مربع

۱. (*) «استانداردسازی واحدهای اقامتگاه‌های کشور»، سازمان ایرانگردی و جهانگردی کشور، ۸۷۳۱ و (*) «آیین‌نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه‌بندی و نرخ‌گذاری تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی و نظارت بر فعالیت آنها»، ۰۷۳۱.

۲. این سرانه برگرفته از منابع زیر می‌باشند: (*) حبیبی، سید محسن و مسابلی، صدیقه؛ سرانه کاربری‌های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران، ۸۷۳۱. و (*) سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، معاونت گردشگری، ضوابط و استانداردهای احداث واحدهای اقامتی. و (*) ریاست، زهرا و غلامی، زهرا؛ سرانه در شهرسازی، ۷۸۳۱؛ (*) داغستانی، سعید، جاذبه‌های گردشگری، انتشارات مه‌کامه، ۰۹۳۱، تهران. (*) اینسکیپ، ادوارد، برنامه ریزی توسعه گردشگری، ترجمه سعید داغستانی و محمود حسن پور، انتشارات مه‌کامه، ۱۹۳۱، تهران. (*) آئین‌نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه‌بندی و نرخ‌گذاری تاسیسات گردشگری مصوب ۸۶۳۱/۲/۳۱ با اصلاحات بعدی.

ادامه جدول ۱. استانداردها و سرانه های تاسیسات گردشگری

۳۶ متر مربع	حداقل مساحت آپارتمان ۱ ستاره	هتل آپارتمان (۱ خوابه)
۴۵ مترمربع	حداقل مساحت آپارتمان ۲ ستاره	
۵۴ متر مربع	حداقل مساحت آپارتمان ۳ ستاره	
۵۳ متر مربع	حداقل مساحت آپارتمان ۱ ستاره	هتل آپارتمان (۲ خوابه)
۶۳ متر مربع	حداقل مساحت آپارتمان ۲ ستاره	
۷۷ متر مربع	حداقل مساحت آپارتمان ۳ ستاره	
۸۱ متر مربع	مساحت استاندارد آپارتمان ۱ ستاره	هتل آپارتمان (۳ خوابه)
۹۳ متر مربع	مساحت استاندارد آپارتمان ۲ ستاره	
۱۰۶ متر مربع	مساحت استاندارد آپارتمان ۳ ستاره	
۲۰۰ متر مربع	مساحت استاندارد	مهمانپذیر (درجه سه)
۲۰۰ متر مربع	مساحت استاندارد	مهمانپذیر (درجه دو)
۲۵۰ متر مربع	مساحت استاندارد	مهمانپذیر (درجه یک)
۳۰۰ متر مربع	مساحت استاندارد	مهمانپذیر (درجه ممتاز)
۱۲ مترمربع	مساحت استاندارد	اتاق دو تخته هتل
۹ متر مربع	مساحت استاندارد	اتاق یک نفره
۱,۵ مترمربع	واحد درجه یک	سالن پذیرایی گردشگران
۱,۳ متر مربع	درجه دو	
۱,۱ مترمربع	درجه سه	
یک واحد ۵۰ هکتار	به ازای هر ۴۰۰۰ نفر	تفریحگاه ها، تفرجگاه، و اردوگاه ها
یک مجموعه ۱۰ هکتار	به ازای هر ۲۰۰۰۰ نفر	کمپینگ و کاروان
یک واحد	به ازای هر ۸۰ کیلومتر	واحدهای خدماتی بین راهی
یک واحد ۷۰ هکتار	به ازای هر ۵۰۰۰ نفر	مجتمع های گردشگری و تفریحی (resorts)
یک واحد یک هکتار	به ازای هر ۵۰ ویلا	مکان های ویلایی با آلاچیق
یک واحد ۶۰ هکتار	به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	زمین های گلف و بازی
یک چشمه	هر ۳۰ نفر	سرویس های بهداشتی
۳۷۰ متر مربع	به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	بیمارستان
۲۵ متر مربع	به ازای هر ۱۰۰ نفر	درمانگاه
بین ۷ تا ۱۲ متر مربع	مساحت استاندارد شده	فضای سبز شهری
۳ تا ۶ متر مربع	مساحت استاندارد شده	بوستان ناحیه ای

ادامه جدول ۱. استانداردها و سرانه های تاسیسات گردشگری

فضای بازی پارک کودکان	به ازاء یک کودک	۱ تا ۳ متر مربع
مسجد و محل عبادت و فضاهای مذهبی (حسینیه، تکیه و غیره)	به ازاء هر نفر	۰,۳ تا ۰,۹
واحد های تجاری و خرید	هر ۸۰۰ نفر	یک واحد تجاری
مراکز خرید شهر (سوپرمارکت ها)	۳ تا ۱۰ هزار نفر	۵ تا ۲۰ فروشگاه
سرانه مصرف گاز	به ازای هر واحد گردشگری متوسط روزانه	۱۰۰ متر مکعب
سرانه مصرف آب	به ازای هر نفر	۲۰۰ لیتر روزانه
سرانه مصرف برق	به ازای هر واحد گردشگری فعال سالانه	۳۵۰۰ وات ساعت

استانداردهای هزینه کرد

سرانه هزینه کرد گردشگران وارد شده به ایران مطابق آمارهای رسمی سازمان جهانی جهانگردی و محاسبات صورت گرفته شده، حدوداً ۶۴۷/۴ دلار برآورد شده است که این رقم از سرانه هزینه کرد گردشگران منطقه آسیا و اقیانوسیه (۸۲۰ دلار)، ۱۷۳ دلار کمتر است. دلایل این امر را می توان پایین بودن مدت اقامت، به حساب آوردن افرادی که از کشورهایمانند افغانستان، آذربایجان، از مرزهای ایران گذر می کنند و همچنین ورود گردشگران از مناطقی که توان و قدرت خرید پایین دارند عنوان نمود. همچنین سرانه هزینه کرد گردشگران داخلی بر مبنای پیمایش میدانی و نتایج استخراج شده از پرسشنامه برابر با ۳۱۰۰۰۰ ریال در روز می باشد که میزان قابل قبولی است. این رقم در طرح جامع گردشگری مشهد که در سال ۱۳۷۹ تدوین گردیده است ۱۷۰۰۰۰ ریال در روز عنوان گردیده است. در نهایت در آخرین تحقیقات سال ۱۳۹۲ میانگین میزان هزینه کرد گردشگران را در استان روزانه ۸۵۰ هزار ریال در نظر گرفته اند. با علم به اینکه نرخ ماندگاری زائرین در مشهد مقدس بر اساس آخرین تحقیقات ۳,۸ روز می باشد جدول زیر را به صورت تقریبی می توان تنظیم نمود. این رقم در سالهای

اخیر و با توجه به اتفاقات اقتصادی و البته عدم برنامه ریزی صحیح رو به کاهش گذاشته است. با فرض صحت ارقام گردشگران و زائران مشهد مقدس، گردش مالی تقریبی سال ۱۳۹۲ این بخش بیش از ۷,۵ هزار میلیارد تومان بوده است که رقم قابل ملاحظه و حائز توجهی است. بنابراین برنامه ریزی و برخورداری از یک نگاه کلان و آینده نگر برای خدمت رسانی به زائرین امام رضا (ع) ضروری به نظر می رسد. همچنین جدول شماره ۳ حاکی از این است که گردشگران خارجی به چه تعداد از مرزهای هوایی و زمینی وارد استان و مشهد شده اند.

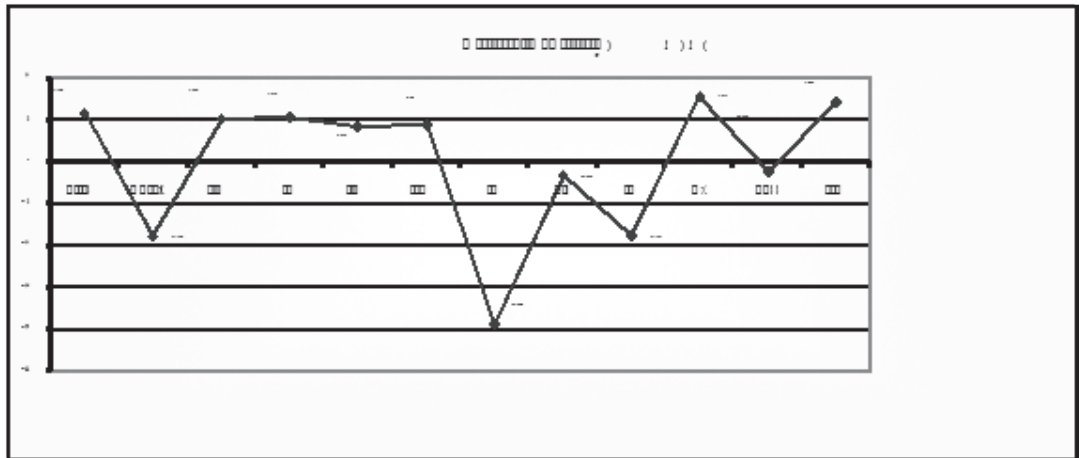
در شکل زیر نوسانات و تغییرات کلی ورود گردشگران به مشهد را ملاحظه می نمایید که این تغییرات به همراه نمودار بعد نشان می دهد که هر ماه به چه میزانی زائرین به مشهد مقدس ورود پیدا می نمایند. این امر به تدوین نظام برنامه ریزی پویا و هوشمند کمک فراوانی می نماید. البته تغییرات ذکر شده تابع کلی از تقویم قمری و منابتهای ملی و مذهبی است. بطور میانگین و به منظور تعیین تکلیف در محاسبات مقاله ورود ماهانه گردشگران حدود ۲,۳۰۰,۰۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

جدول ۲. تعداد گردشگران و هزینه کرد داخلی مشهد؛ ماخذ پایه: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، واحد آمار و اطلاعات و محاسبات نگارندگان.

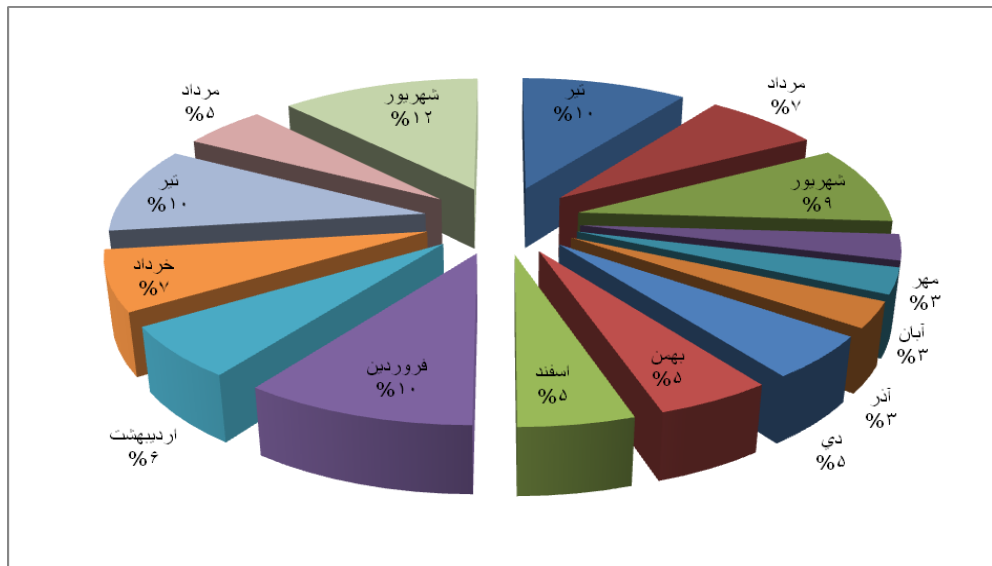
سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
تعداد زائرین (نفر)	۲۲,۲۶۲,۵۲۳	۲۲,۲۱۲,۴۰۰	۲۷,۰۲۷,۷۳۹	۲۲,۱۳۲,۲۹۰	۲۵,۵۴۴,۶۸۱	۲۷,۷۲۱,۹۹۸	۲۶,۳۰۳,۷۹۳	۲۷,۹۸۴,۸۸۵
سرنانه هزینه کرد (تومان)	۱۷۰,۰۰۰	۱۷۰,۰۰۰	۱۷۰,۰۰۰	۳۱۰,۰۰۰	۳۱۰,۰۰۰	۸۵۰,۰۰۰	۸۵۰,۰۰۰	۸۵۰,۰۰۰
متوسط اقامت (روز)	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۲	۳,۲	۳,۲
جمع کل (تومان)	۱,۵۰۲,۷۵۸,۹۸۵,۸۰۰	۱,۴۹۹,۴۹۱,۳۲۴,۰۰۰	۱,۷۴۵,۹۹۱,۹۳۹,۴۰۰	۲,۶۰۷,۲۷۰,۸۱۶,۲۰۰	۳,۰۰۹,۱۶۳,۴۲۱,۸۰۰	۷,۵۴۰,۳۸۳,۴۵۶,۰۰۰	۷,۱۵۴,۶۳۱,۶۹۶,۰۰۰	۷,۶۱۱,۸۸۸,۷۳۰,۰۰۰

جدول ۳. تعداد گردشگران خارجی مشهد؛ ماخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، واحد آمار و اطلاعات و محاسبات نگارندگان.

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
تعداد گردشگران خارجی	۲۱۱,۲۱۲	۲۳۷,۴۸۳	۲۴۷,۹۹۹	۳۱۵,۶۶۵	۳۷۸,۱۹۹	۳۶۲,۰۸۴	۵۸۹,۴۶۶	۶۲۳,۱۸۶
نرخ ماندگاری	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸	۳,۸
هزینه کرد	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷	۶۴۷
میزان تقریبی هزینه کرد	۵۱۹,۲۸۵,۸۲۳	۵۸۳,۸۷۵,۷۰۴	۶۰۹,۷۳۰,۳۴۱	۷۷۶,۰۹۳,۹۶۹	۹۲۹,۸۴۰,۰۶۱	۸۹۰,۲۱۹,۷۲۲	۱,۴۴۹,۲۶۱,۱۰۸	۱,۵۳۲,۱۶۵,۱۰۰



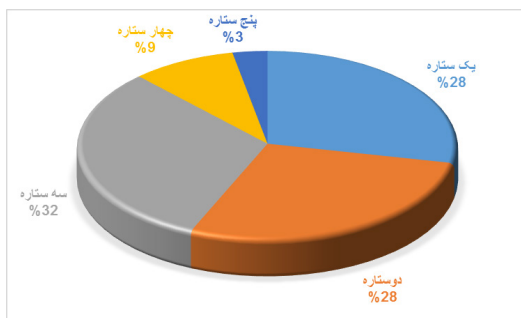
نمودار ۱. درصد تغییرات حجم ورودی گردشگران؛ ماخذ: نگارندگان.



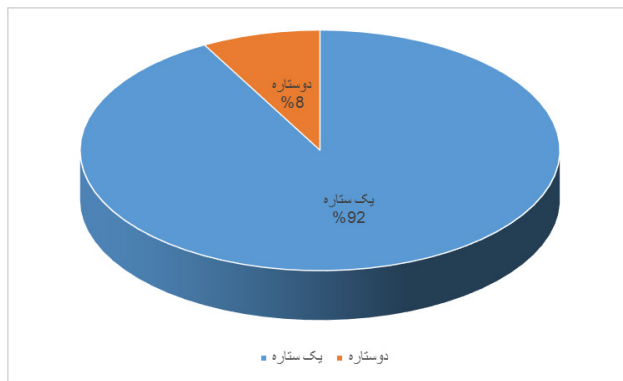
نمودار ۲. حجم ورودی مسافران در ماه های مختلف سال؛ ماخذ: نگارندگان.

ظرفیت پذیرش واحدهای اقامتی شهر مشهد مقس

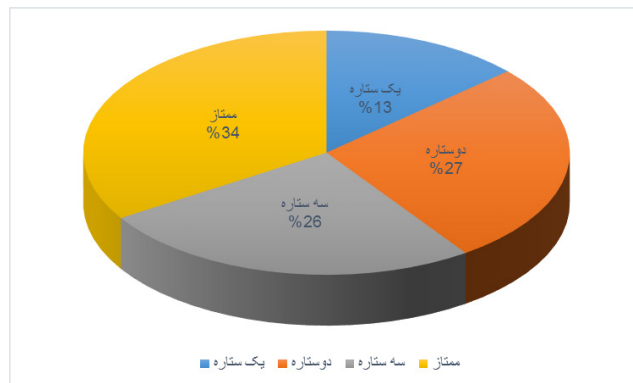
در شهر مشهد ۱۳۷۱ واحد اقامتی وجود دارد که شامل ۱۵۸ واحد هتل، ۲۹۲ واحد هتل آپارتمان، ۵۵۳ واحد مهمان پذیر و ۳۶۸ واحد منازل شخصی می باشد. ظرفیت تخت های واحدهای اقامتی مشهد مقدس بالغ بر ۱۰۱۷۳۶ تخت می باشد. از این ۱۵۸ هتل موجود ۴۶ هتل یک ستاره، ۴۴ هتل دو ستاره، ۴۹ هتل سه ستاره، ۱۴ هتل چهار ستاره و ۵ هتل پنج ستاره می باشد. ۲۸ درصد هتل ها یک ستاره، ۲۸ درصد دو ستاره، ۳۱ درصد سه ستاره، ۹ درصد چهار ستاره و ۳ درصد آن ها پنج ستاره است.



نمودار ۳. هتل های شهر مشهد به تفکیک درجه؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۴. هتل آپارتمان های شهر مشهد به تفکیک درجه؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۵. مهمانپذیرهای شهر مشهد به تفکیک درجه؛ ماخذ: نگارندگان.

پراکنش این گروه نیز محور اصلی حرم و با تراکم بیشتر به سمت حرم می باشد. کاهش مستمر این واحدها چه به صورت سلب درجه و چه تبدیل به انواع دیگر موجب کمبود جا برای مسافران کم درآمد خواهد شد. توان مشهد مقدس در بخش هتل داری در اسکان با ضرایب اشغال متفاوتی امکان پذیر می باشد. در ضریب اشغال ۶۰ درصدی تخت های مراکز اقامتی، می توان اندکی بیش از ۲۲۲۸۰۱۸۴ میلیون نفر از گردشگران و مسافران را اسکان داد. این رقم به عددی بیش از ۳۷۱۳۳۶۴۰ میلیون نفر با ضریب اشغال ۱۰۰ درصد خواهد رسید که غالباً با توجه به فصلی بودن زیارت و سفر کمتر به این سطح از اشغال خواهیم رسید.

همچنین در مورد هتل آپارتمان ها تعداد ۲۶۹ واحد یک ستاره و ۲۳ واحد دو ستاره موجود می باشد که ۹۲ درصد مربوط به یک ستاره و ۸ درصد مربوط به دو ستاره می باشد که این اماکن در انطباق با نیازهای بازار و حوزه پراکنش متفاوت در سال های اخیر ایجاد شده اند. کلیه این هتل آپارتمان ها که مورد استقبال خانواده ها بویژه اعراب و ایرانیان قرار گرفته اند از تبدیل ساختمان های موجود تاسیس شده اند؛ لذا با وضعیت مطلوب فاصله دارند. در خصوص مهمان پذیرها هم می بایستی ذکر گردد که ۷۴ واحد یک ستاره (۱۳ درصد)، ۱۴۹ واحد دو ستاره (۲۷ درصد)، ۱۴۲ واحد سه ستاره (۲۵ درصد) و ۱۸۸ واحد ممتاز (۳۳ درصد) وجود دارد. حوزه

جدول ۴. توان اسکان مراکز اقامتی در مشهد؛ ماخذ: نگارندگان.

ردیف	تعداد تخت موجود در بخش هتل داری	ضریب اشغال (درصد)	توان بخش هتل داری مشهد مقدس در اسکان گردشگر (در سال)
۱	۱۰۱۷۳۶	۱۰۰	۳۷,۱۳۳,۶۴۰ میلیون نفر
۲	۱۰۱۷۳۶	۹۰	۳۳,۴۲۰,۲۷۶ میلیون نفر
۳	۱۰۱۷۳۶	۸۰	۲۹,۷۰۶,۹۱۲ میلیون نفر
۴	۱۰۱۷۳۶	۷۰	۲۵,۹۹۳,۵۴۸ میلیون نفر
۵	۱۰۱۷۳۶	۷۰	۲۲,۲۸۰,۱۸۴ میلیون نفر

درصد اشغال تاسیسات گردشگری

درصد اشغال تاسیسات گردشگری طی دو ماه از تابستان و دو هفته اول فروردین به ۱۰۰ درصد و بالاتر می‌رسد و در بقیه فصول اشغال تاسیسات گردشگری در حدود میانگین ۶۵ درصد است. نظام نرخ گذاری علی‌رغم فصلی بودن گردشگری دو نرخ نیست و صاحبان صنعت گردشگری فاقد اختیار تنظیم بازار بر اساس تعادل عرضه و تقاضا هستند. نظر به افزایش قیمت‌های تمام شده سفرهای داخل و خارج از کشور و بر اساس اعلام واحدهای صنفی هتلداری در سال ۱۳۹۲ سطح اشغال واحدهای اقامتی پایین آمده است و به حدود ۴۱ درصد رسیده است. ظرفیت سنجی فضاهای زیارتی و اقامتی و گردشگری

روش پیش بینی حجم تقاضای گردشگری

از دو روش مدل رشد خطی و مدل رشد نمایی برای تعیین رشد گردشگری پرداخته شده است. به همین منظور، ابتدا نرخ رشد سالیانه تعداد گردشگران شهر مشهد بر اساس فرمول زیر بدست خواهد آمد.

نرخ رشد سالیانه تعداد گردشگران

$$r = \left(\left(\frac{P_n}{P_0} \right)^{\frac{1}{n}} - 1 \right) * 100$$

که در آن:

r = رشد سالانه

P_n = تعداد گردشگران در سال مقصد

P_0 = تعداد گردشگران در سال مبداء (پایه)

n = مدت زمان میان سال مبداء و مقصد

سپس حجم تقاضای گردشگری بر اساس نرخ رشد بدست آمده، از طریق دو روش خطی و نمایی محاسبه خواهد گردید.

مدل رشد خطی

$$P_n = P_0 + na$$

که در آن:

P_n = تعداد گردشگران در سال مقصد

P_0 = تعداد گردشگران در سال مبداء (پایه)

n = مدت زمان میان سال مبداء و مقصد

a = مقدار ثابت افزایش (تعداد گردشگران محاسبه شده از نرخ رشد سال پایه)

مدل رشد نمایی

$$P_n = P_0 \cdot (1 + r)^n$$

که در آن:

P_n = تعداد گردشگران در سال مقصد

P_0 = تعداد گردشگران در سال مبداء (پایه)

n = مدت زمان میان سال مبداء و مقصد

r = رشد سالانه

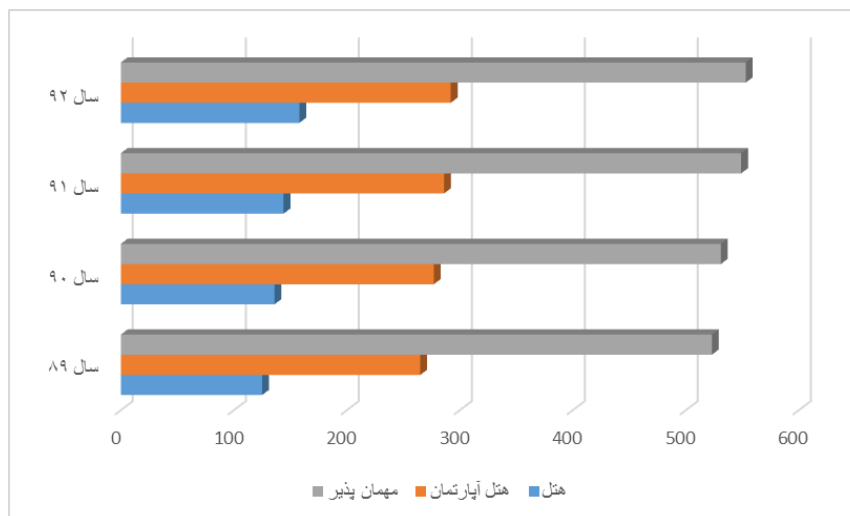
بر اساس محاسبات صورت گرفته میانگین درصد رشد گردشگر در خلال چهار سال گذشته در مشهد ۶ درصد تخمین زده می‌شود. همچنین درصد اشغال هتل‌ها به تفکیک (۲۲ درصد در هتل‌های ۵ ستاره، ۴۱ درصد در هتل‌های ۴ ستاره، ۵۷ درصد در هتل‌های ۳ ستاره، ۳۱ درصد در هتل‌های ۲ ستاره و ۵۴

جدول ۵. درصد اشغال بخش هتلداری؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس آمار اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، گزارش سالیانه عملکرد معاونت گردشگری، ۱۳۸۸

میانگین اشغال بخش هتلداری به درصد						رشد گردشگران خارجی	رشد گردشگران داخلی
میانگین (درصد)	ستاره ۱	ستاره ۲	ستاره ۳	ستاره ۴	ستاره ۵	۶ درصد	۶ درصد
۴۱	۵۴	۳۱	۵۷	۴۱	۲۲		

جدول ۶. تعداد مراکز اقامتی در مشهد مقدس

رشد سالانه				نوع مرکز اقامتی	ردیف
۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹		
۱۵۸	۱۴۴	۱۳۶	۱۲۵	تعداد	۱ هتل
۳۵۴۱۸	۳۰۲۱۸	۲۷۹۸۴	۲۵۴۴۴	تخت	
۲۹۲	۲۸۶	۲۷۷	۲۶۵	تعداد	۲ هتل آپارتمان
۳۰۷۱۵	۱۶۱۳۲	۱۵۵۷۹	۱۴۸۴۷	تخت	
۵۵۳	۵۴۹	۵۳۱	۵۲۳	تعداد	۳ مهمانپذیر
۸۹۳۰۶۸۵	۸۹۳۴۷۱۲	۸۹۳۴۲۸۶	۸۹۳۴۱۲۱	تخت	



نمودار ۶. روند رشد مراکز اقامتی در سال‌های گذشته

بر اساس نرخ رشد ورودی گردشگران به شهر به افزایش تمامی بخش‌های گردشگری پرداخت. بنابراین بخش اقامت می‌بایست همزمان با تمامی بخش‌ها با آهنگ رشد متناسبی رشد نماید. در این خصوص جدول ۶ رشد سالانه مراکز اقامتی در مشهد را نمایش می‌دهد.

درصد در هتل‌های ۱ ستاره) بوده است. با آگاهی از درصد رشد گردشگری در استان و به تبع آن شهر مشهد و آگاهی از سطوح اشغال هتل‌های شهر مشهد می‌توان نتیجه‌گیری نمود که به منظور تعیین جایگاه و نقش برجسته مشهد مقدس در خدمت‌رسانی به مسافران و گردشگران می‌بایست

جدول ۷. درصد رشد مراکز اقامتی

ردیف	نوع مرکز اقامتی	روند رشد سالانه		
		۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۸۹-۹۰
۱	هتل	۱۵٪	۵۶٪	۹٪
۲	هتل آپارتمان	۵٪	۳۲٪	۴۵٪
۳	مهمان پذیر	۷/۶٪-	۳/۳٪	۱/۵٪

با توجه به تحقیقات صورت گرفته در زمینه مراکز اقامتی در سال های گذشته؛ درصد رشد این مراکز در هتلها ۱۰ درصد، هتل آپارتمانها ۴,۲ درصد و مهمانپذیرها ۴,۴ درصد می باشد.

با توجه به توضیحات فوق و تحقیقات انجام شده نظر به اینکه توسعه گردشگری در کشور رو به افزایش و سیر صعودی پیش گرفته است طبق میانگین های محاسبه شده از درصد رشد این صنعت تا سال ۱۴۰۵ می توان میزان استاندارد های مورد نیاز گردشگری شهر مشهد را به صورت جدول ذیل تخمین زد؛ این رشد صعودی به طور وسیعی با توسعه زیرساخت های مورد نیاز از جمله مراکز اقامتی، تفریحی، تجاری، رستوران ها، راه های ارتباطی، آب، برق، گاز و ... گره خورده است که این امر مستلزم برنامه ریزی دقیق طبق آمار موجود می باشد؛ تمامی موارد ذکر شده با همکاری دست اندرکاران و مدیران مربوطه امکان پذیر می باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

همان گونه که ملاحظه می شود بخش گردشگری استان خراسان رضوی با سرانه ها و استانداردهای تدوین شده فاصله بسیاری دارد. در عین حالی که واحدهای اقامتی استان به اشباع رسیده اند،

سرمایه گذاران به دلیل عدم آشنایی و تنها بر اساس مشاهدات خود تنها در بخش اقامتی سرمایه گذاری می نمایند و از ورود به سایر بخشها خودداری می کنند. مشاهده می شود که دستگاه های سیاست گذار نیز نتوانسته اند توسعه همه جانبه و متوازی را در بستر محیطی و فضای آمایشی استان تهیه و تنظیم و اعمال نمایند. لذا اصطلاحاً گردشگری در بخش اقامتی به «بزرگ سری» دچار شده است در حالی که سایر موضوعات مورد غفلت واقع شده است. شاید به همین دلیل باشد که میزان ماندگاری در مشهد مقدس آرام آرام رو به کاهش است هر چند عامل قوی مذهب و تعلقات خاطر به آن امام همام، حضور زائرین را دائمی می کند. اما بر دست اندر کاران است که با توسل به برنامه های نوین برنامه ریزی و توسعه منطقه ای دست به اقدامات جدی جهت خدمت رسانی به زائرین مشهد مقدس بزنند. سرانه های بخش گردشگری می تواند در این راه به عنوان یک خط کش یا معیاری برای اندازه گیری وضعیت کنونی صنعت گردشگری باشد. هر چند این موضوع بر اساس محیط جغرافیایی و توان محیطی سرزمینهای مختلف و عوامل بسیار دیگری متفاوت است.

جدول ۸. تدوین برنامه های بر اساس سرانه های گردشگری

برنامه	راهدرد	وضع مطلوب	وضع موجود	حداقل استاندارد شده	نوع ضابطه	شاخص فعالیت در حوزه گردشگری
آموزش و راهنمایی سرمایه گذاران جهت آگاهی از اشیاع واحدهای اقامتی استان و آرایه طریق به آنها - اطلاع رسانی از طریق رسانه های عمومی - عدم صدور مجوز	بخش هتل و اقامتی در حد اشباع است چرا که در حال حاضر ۱۰۱۷۳۶ تخت وجود دارد که توان اسکان ۳۷ میلیون نفر را با ضریب اشغال ۱۰۰ درصد دارد. این در حالی است که ما ۲۸ میلیون گردشگر داریم.	حداکثر ۲,۳۳۳,۰۰۰ نفر درخواست اسکان	توان ۳,۰۵۲,۰۸۰ نفر اسکان	-	تخت ۱۰۱۷۳۶	هتلداری (هتل آریانمان مهمانپذیر)
انجام امور ارتقاء کیفیت و خدمات	این بخش متعادل است	۳,۴۵۰,۰۰۰ مترمربع	۵,۰۰۰ واحد ۳,۴۵۰,۰۰۰ مترمربع	۱/۵ مترمربع به ازاء هر نفر	درجه یک (متر مربع)	سالن پذیرایی در بخش گردشگری
- جانمایی صحیح و ساخت سرویس بهداشتی - استقرار کانکسهای سرویس بهداشتی متحرک	کمبود شدید	۷۶,۰۰۰ چشمه	۳,۷۰۰ چشمه	۱ چشمه	به ازای هر ۳۰ نفر	سرانه سرویس بهداشتی
- راه اندازی مناطق نمونه گردشگری سلامت - جانمایی و امکان سنجی دهکده های سلامت	کمبود وجود دارد	تخت ۱۶,۱۰۰	تخت ۸۶۰۰	۷۰ تخت بیمارستان	به ازای هر ۱۰,۰۰۰ نفر	تخت بیمارستان - گردشگری سلامت
-	وضعیت مطلوبی وجود دارد	۷۰۰,۰۰۰ متر مربع	۴,۲۵۰,۰۰۰ متر مربع (عبادتگاه ۸۵۰۰)	۰/۳ متر مربع	به ازای هر نفر	مسجد و محل عبادت
- تکلیف بر واحدهای و تاسیسات گردشگری به منظور تخصیص بخشی از فضاهای سایت به فضاهای عمومی و سبز	وضعیت مناسب است	۱۷,۷۱۰,۰۰۰ متر مربع	۳۰ میلیون متر مربع	۷/۷ متر مربع	به ازاء هر نفر	سرانه فضای سبز

ادامه جدول ۸. تدوین برنامه‌های بر اساس سرانه‌های گردشگری

برنامه	راهدرد	وضع مطلوب	وضع موجود	حداقل استاندارد شده	نوع ضابطه	شاخص فعالیت در حوزه گردشگری
ادامه مسیر ساخت پارکهای محلی، منطقه ای و ناحیه ای از طرف شهرداری مناطق	فاصله اندکی با استانداردها فاصله است.	۱۳۸۰۰۰۰ متر مربع	۱۰ میلیون متر مربع	عمتر مربع	به ازاء هر نفر	پارک
مکان بانی و فراخوان بخش خصوصی	فاصله بسیار با استاندارد ها	۵۷۲ اوردوگاه / ۲۸۷۵ هکتار	یک مورد اردوگاه ثبت شده	یک اردوگاه ۵۰ هکتاری	به ازای هر ۴۰۰۰ نفر	تفریحگاه ها / تفرجگاه / اردوگاه ها
همکاری شهرداری با ادارات کل گردشگری جهت افزایش محلهای کمپ و کاروان	فاصله بسیار با استاندارد ها	۱۱۵ واحد / ۱۱۵۰ هکتار	دو مورد ثبت شده	۱ مجموعه ۱۰ هکتاری	به ازای هر ۲۰۰۰ نفر	کمپینگ و کاروان
ارایه تسهیلات و خدمات بیشتر و راحت تر جهت احداث واحدهای بین راهی و بخصوص تامین آب و سایر زیرساختها	فاصله بسیار زیاد با استانداردها	۱۲ واحد	۳ واحد	۱ واحد	به ازای هر ۸۰ کیلومتر	واحدهای خدماتی بین راهی
تعریف مجتمعهای گردشگری در قانون و همکاری با بخش خصوصی جهت راه اندازی مجتمعهای مذکور	فاصله بسیار با استاندارد ها	۴۶۰ ریزورت / ۳۲۲۰۰ هکتار	۰ واحد	۱ واحد ۷۰ هکتاری	به ازای هر ۵۰۰ نفر	مجتمع های گردشگری و تفریحی (resorts)
راه اندازی سایتها و مراکز ویلایی، باغ شهرهای اطراف شهرهای بزرگ و در مسیر حرکت زائرین	فاصله بسیار با استاندارد ها	-	اطلاع صحیحی در دست نیست	مجموعه ویلایی یک هکتاری	به ازای هر ۵۰ ویلا	مکانهای ویلایی با آلاچیق
ارائه مجوزهای ساخت و راه اندازی به بخش خصوصی و تخصیص زمین و تسهیلات ارزان قیمت	فاصله بسیار با استاندارد ها	۲۳ واحد / ۱۳۸۰ هکتار	۰ واحد	۱ واحد ۶۰ هکتاری	به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	زمین های گلش و بازی

14. Leiper, N.(1990) Tourist Attraction Systems. Annals of Tourism Research.
 15. Taylor, G.D (1980) How to Match Paint with Demand, A. Matrix for Marketing Tourism Management, (1) March.
 16. Mill & Morrison (2002) the tourism system. Kedall/Hunt pub, USA.
 17. Holden, Andrew, (2000) Environment and Tourism, Rutledge.
 18. Gunn, Clare. A (2002) Tourism planning, Rout ledge.

منابع و ماخذ

۱. (۱۳۷۸) — استانداردسازی واحدهای اقامتگاه های کشور، سازمان ایرانگردی و جهانگردی کشور.
 ۲. اینسکیپ، ادوارد (۱۳۹۱) برنامه ریزی توسعه گردشگری، ترجمه سعید داغستانی و محمود حسن پور، انتشارات مهکامه، تهران.
 ۳. آئین نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه بندی و نرخ گذاری تاسیسات گردشگری مصوب ۱۳۶۸/۲/۱۳ با اصلاحات بعدی.
 ۴. آیین نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه بندی و نرخ گذاری تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی و نظارت بر فعالیت آنها، ۱۳۷۰.
 ۵. حبیبی، سید محسن و مسایلی، صدیقه (۱۳۷۸) سرانه کاربری های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
 ۶. حیدری چپانه، رحیم (۱۳۸۷) مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری، انتشارات سمت، تهران.
 ۷. داغستانی، سعید (۱۳۹۰) جاذبه های گردشگری، انتشارات مهکامه، تهران.
 ۸. ریاست، زهرا و غلامی، زهرا (۱۳۸۷) سرانه در شهرسازی؛ ۱۳۸۷ (سایت اینترنتی www.shahrsaz.ir)
 ۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۱) مدیریت فرهنگ و هنر و تربیت بدنی، صنعت جهانگردی در ایران، ۱۳۷۱
 ۱۰. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی؛ معاونت گردشگری، ضوابط و استانداردهای احداث واحدهای اقامتی.
 ۱۱. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، گزارش سالیانه عملکرد معاونت گردشگری، ۱۳۸۸.
 ۱۲. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، واحد آمار و اطلاعات.
 ۱۳. کریمی، جعفر و محبوب فر، محمدرضا (۱۳۹۱) تکنیکها و مدلهای برنامه ریزی توریسم، نشر ارکان دانش.

کاربرد رویکرد سلسله مراتبی جهت اهمیت سنجی عناصر توسعه پایدار شهری در محیطی فازی (مورد مطالعه: شهرستان بوشهر)

حمید شاه بندرزاده - استادیار دانشگاه خلیج فارس، ایران.

رضا صداقت* - معاون پشتیبانی و بازرگانی سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری های کشور، تهران، ایران.

مهران شیراوند - پژوهشگر و استاد دانشگاه، تهران، ایران.

Application of Hierarchical Approach to Estimate the Importance of Elements of Urban Development in a Fuzzy Environment

Abstract:

Today human is engaged with a great crisis as a result of his unbalancing the life, neglecting indigenous and environmental factors, and hegemonic behavior toward nature. This has ended to creation of an approach called sustainable development whose main aims are to meet the essential needs, improvement of life quality, and better management of ecosystems. Obviously it is meaningless to discuss sustainability and sustainable development in the absence of cities and urban life. Cities are counted for as the main reasons for unsustainability the world over, however urban sustainability and global sustainability are the same concepts. Therefore, knowing key elements to reach this station is necessary, whereas recognition and prioritization of effective key elements in sustainable development is strategic and entails economic, social, and health-related results in the sequence of time. The current study is descriptive-analytic in which attempts have been made to estimate the importance of main indices of sustainable development based on the opinions of elites using a fuzzy hierarchical analysis process technic. Analysis of the data shows that from among main indices, urban health, desirable governmental system, and sustainable environment are respectively of the highest importance.

Key Words: Urban Sustainable Development, Bushehr City, Fuzzy Logic, Fuzzy Hierarchical Analysis Process.

چکیده

بشر امروزی در اثر برهم زدن توازن زندگی، عدم توجه به فاکتورهای محیطی و بومی، رفتار سلطه جویانه و استفاده ابزاری از طبیعت به بحرانی عظیم گرفتار شده است و خود را در مواجهه با آینده‌ای مبهم و خطرناک می‌بیند. این امر سبب شکل‌گیری تدریجی رویکردی به نام توسعه پایدار شده که هدف اصلی آن، تامین نیازهای اساسی، بهبود سطح زندگی، اداره بهتر اکوسیستم‌ها می‌باشد. بدون شک بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی‌معنی خواهد بود شهرها به عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می‌روند و در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، شناسایی و اولویت‌سنجی عوامل موثر بر توسعه پایداری شهری یک مسئله راهبردی بوده و در درازمدت دارای پیامدهای شگرف و با اهمیتی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و سلامت است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی - توصیفی است که در آن تلاش شده با بهره‌گیری از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، اهمیت‌سنجی از شاخص‌های توسعه پایدار بر اساس نظرات خبرگان داشته‌باشد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های اصلی، شاخص‌های سلامت شهری، سیستم دولتی مطلوب و محیط زیست پایدار به ترتیب دارای بیشترین اهمیت می‌باشند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار شهری، شهرستان بوشهر، منطق فازی، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی.

۱. مقدمه

مدیریت امور شهری، آنهم در شرایط کنونی که شهرها با رشد شتابان و خلق مستمر مسائل جدید مواجه می‌باشند، وظیفه‌ای بسیار دشوار است که پایانی بر آن متصور نمی‌توان شد. در تب و تاب جهانی شدن و رقابت شدید شهرها در جذب سرمایه‌ها و ارتقاء رفاه شهروندان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی پیامدهای زیانباری همچون کاهش حس تعلق خاطر، از دست رفتن هویت محلی، دوقطبی شدن جامعه، نزول شرایط زیست محیطی نیز بروز می‌نماید. لاجرم برای مواجه شدن با این تبعات چاره‌ای نیست جز اینکه هدایت و راهبری خردمندان و اصولی توسعه شهرها را بجای خوش باوری و رهاسازی رشد شهرها جایگزین نمود (پرهیزکار و فیروز بخت، ۱۳۹۰). در چنین حالتی مدیریت شهری دیگر صرفاً مدیریت مشکلات شهر را برعهده ندارد، بلکه فراتر از این موضوع، راهبری شهر به سوی توسعه‌ای همه جانبه و پایدار را برعهده دارد. توسعه پایدار یک مفهوم قابل بحث با دامنه گسترده‌ای از معانی است. در یک سطح انتزاعی و ذهنی، پایداری با حفاظت و یا بهبود سیستم‌های یکپارچه طبیعی، که در کل زندگی در روی سیاره زمین را شامل می‌شود، ارتباط دارد (پورجعفر و خدائی، ۱۳۸۹). امروز ضرورت توجه به توسعه پایدار از جمله اموری است که همگان در آن اتفاق نظر دارند. شهرهای جدید به دلیل عدم رعایت شاخص‌های توسعه پایدار در شکل‌گیری شان با مشکلات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی بسیاری مواجه می‌باشند (مفرد و فرامرزی، ۱۳۹۲). پارادایم توسعه پایدار شهری با استراتژی حفاظت جهانی به طور گسترده‌ای مطرح شد تا حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست را در راستای ایفای نقش رفاه انسانی به نحو مطلوب مدیریت نماید. به دنبال نظریه توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری مطرح شد که شکلی از توسعه امروزی بوده و توان توسعه مداوم شهرها نسل‌های آینده را تضمین می‌نماید که در

این نظریه، شهر پایدار، شهری است که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات و بازیافت آن‌ها تا حد ممکن و پذیرش سیاست‌های مفید در دراز مدت، قادر به ادامه حیات خود باشد و برنامه ریزان شهر پایدار می‌بایست هدف خود را بر ایجاد شهرهایی با ورودی کمتر انرژی و مصالح و خروجی کمتر ضایعات و آلودگی متمرکز کنند (تقوایی و صفراآبادی، ۱۳۹۲). از این رو افزایش آگاهی برنامه ریزان و مدیران شهری در مورد ابعاد گوناگون توسعه و اجرای اقداماتی که به تعادل اکولوژیک و تعادل اجتماعی بینجامد، زمینه ساز استقرار توسعه پایدار شهری می‌گردد (حسین زاده و دلیر، ۱۳۸۵). نگرش توسعه پایدار بر این اندیشه است که فناوری نمی‌تواند هر گونه کاهش منابع طبیعی را جبران سازد و سرمایه طبیعی مکمل سرمایه انسان ساخت است و در این راستا سازمان ملل از مبانی و دیدگاه مفهومی توسعه پایدار حمایت می‌کند و راه دست‌یابی به توسعه پایدار را وجود بسترهای فرهنگی مناسب می‌داند که با آموزش و آگاهی دادن به مردم می‌توان به آن دست یافت. بدون شک بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهرنشینی بی‌معنی خواهد بود؛ شهرها به عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می‌روند و در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آن‌ها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی و اهمیت سنجی آن‌ها در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به نظر می‌رسد.

۲- پیشینه تحقیق

مفهوم توسعه پایدار شهری در ادبیات جهانی برای نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی با انتشار گزارشی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد با نام «آینده مشترک» مطرح شد. این گزارش که به گزارش برولند^۱ مشهور است توسعه

پایدار را توسعه‌ای می‌داند که نیازهای زمان حال را تأمین می‌کند بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی در پاسخگویی به نیازهایشان را به خطر بیندازد (ذاکر حقیقی، ۱۳۸۴). تحول مفهوم توسعه در خلال قرن گذشته خصوصاً پنج دهه اخیر آن، مفهوم توسعه شهری را نیز متحول نموده است. پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم کلی توسعه از چارچوب یک روبه صرفاً اقتصادی و عمدتاً به مفهوم رشد آغاز گردید و با بسط و تبیین، در حال حاضر در غالب توسعه پایدار مطرح می‌گردد و مبتنی بر کلی‌نگری و جامع‌نگری می‌باشد (پرهیزکار و فیروز بخت، ۱۳۹۰). بررسی سیر تحولات اندیشه و تفکر توسعه طی دهه‌های اخیر به خوبی بیانگر آن است که پس از بعد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و زیست محیطی نیز بر مفهوم توسعه افزوده گردید و توسعه پایدار در مسیر انطباق این ابعاد، واقعیت‌های پیچیده حیات شهری را مشخص و برای کاهش یا رفع تنگناها و نارسایی‌ها راه حل‌های اجرایی مختلف و در عین حال جامعی ارائه می‌نماید (Maoh, 2009). در سال‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی در زمینه توسعه پایدار شهری صورت گرفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

(*) پورجعفر و خدائی (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان شاخص‌شناسی توسعه پایدار شهری انجام دادند. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی به بررسی مسأله توسعه شهری پایدار، نظریات در رابطه با مفاهیم و تعاریف توسعه پایدار شهری و کارکرد فضاهای عمومی شهری پرداخته شده است. در ادامه شاخص‌شناسی توسعه پایدار از منظر کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بیان شده است. هم‌چنین سعی شده است تا شاخص‌های پایداری شهری پس از شناخت، طبقه‌بندی شده و ملاحظات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی آن‌ها در بستر اجرایی شهرهای پایدار مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا از این گذار به شاخص‌شناسی جامعی از اصول و قواعد توسعه پایدار شهری

دست یابد (پورجعفر و خدائی، ۱۳۸۹).
(*) ملک‌شاه (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان عوامل ناپایداری توسعه شهری در ایران انجام دادند. تحقیق حاضر می‌کوشد تا اثبات نماید چگونه شاخص‌های توسعه و گذار جامعه از سنت به مدرنیته عامل اصلی ناپایداری توسعه شهری در ایران می‌باشند. این نوشتار یک پژوهش تطبیقی- تاریخی است. بدین شکل که در یک تحلیل تاریخی مدرنیته و توسعه شهر ایرانی را در قیاس با همان روند در غرب بررسی می‌کند تا چگونگی شکل‌گیری شهر مدرن ایرانی و تفاوت‌های آن با توسعه شهری در غرب مشخص گردد. شهر مدرن ایرانی تنها حول محور قدرت سیاسی و با الگویی بیرون از خود شکل می‌گیرد. هم‌زمانی دولت‌سازی با درآمدهای نفتی در ایران سبب خلق دولتی با اختیارات و حجم وسیع ولی طبقات اجتماعی و جامعه مدنی وابسته به ساختار سیاسی گشت. به لحاظ نوع نگرش نیز توسعه شهری در ایران سطحی و فیزیکی شکل می‌گیرد. این مدل از توسعه شهری سبب خلق نوعی شبه مدرنیسم در ایران شد. خصوصیات این شبه مدرنیسم در تمام زمینه‌ها در شهر ایرانی قابل مشاهده بوده که حاصل آن، تضاد و نابرابری در تمامی زمینه‌ها در شهر است. تغییر در نوع نگاه به مفهوم شهر و شهرنشینی به لحاظ ذهنی و تغییر در شیوه توزیع ابزار قدرت میان جامعه مدنی و حاکمیت سیاسی اصلی‌ترین راهکار برای رسیدن به توسعه شهری پایدار در ایران است (ملک‌شاه، ۱۳۸۹).

(*) شالی و بهبودیان (۱۳۸۹) تحقیقی را با هدف بررسی معیارهای ارتقاء سرزندگی در فضاهای عمومی جهت نیل به سرزندگی پایدار شهری و بررسی این معیارها در فضای عمومی مرکز شهر جدید گلبهار انجام دادند. با تکیه بر نظریه‌ها و تجربیات موجود، معیارهای نیل به سرزندگی پایدار در فضاهای عمومی بارعایت شاخص‌های توسعه پایدار عبارت از تنوع جاذبه‌ها، فعالیت‌های شبانه روزی، قابلیت دسترسی و اتصال، آسایش، بهداشت، مشارکت

شهروندان، زیبایی شناسی، خوانایی می باشند. بر این اساس معیارهای فرعی تاثیرگذار بر هریک از شاخص های اصلی چون تنوع خدمات و دادوستد، تنوع فعالیت های هنری و سرگرمی، کاربری های مختلط، حمل و نقل عمومی، پیاده روی و دوچرخه سواری، ضوابط برای افراد با نیازهای خاص، امنیت اجتماعی و کالبدی، هویت و حس تعلق به مکان، مدیریت شهری، عدالت و ... معرفی می شوند (شالی و بهبودیان، ۱۳۸۹).

(*) پرهیزکار و فیروزبخت (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری انجام دادند. تحقیق حاضر در پی تحلیل نظام مدیریت شهری در ایران با بهره گیری از قوانین مورد عمل و چشم انداز آتی آن با استناد به رویکرد دولت می باشد و در ادامه باتوجه به سلسله مباحث و موضوعات پیرامون توسعه پایدار شهری، افق آتی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار تحلیل و ارزیابی گردیده است و نتایج نمایانگر این موضوع است که تغییر نظام مدیریت شهری تمرکز گرا به سوی نظام مدیریت غیر شهری متمرکز، لاجرم بایستی بر اساس رویکرد توسعه پایدار شهری باشد (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰).
(*) تقوایی و صفراآبادی (۱۳۹۲) در تحقیقی به توسعه پایدار شهری و برخی از عوامل مؤثر بر آن پرداختند. نتایج نشان می دهد که عوامل سلامت شهری، سیستم دولتی مطلوب، محیط زیست پایدار، ساختار آموزشی، و شادمانی بر توسعه پایدار تأثیر مثبت دارند (تقوایی و صفراآبادی، ۱۳۹۲).

(*) حسین زاده و هوشیار (۱۳۸۵) در تحقیقی به دیدگاهها، عوامل و عناصر مؤثر در توسعه فیزیکی شهرهای ایران پرداختند. پژوهش حاضر، به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر رشد و توسعه فیزیکی شهرها، همچنین بررسی مباحث نظری و کاربردی مرتبط با انگاره توسعه فیزیکی شهری پایدار و سودجستن از آن به عنوان ابزاری در توسعه شهری پویا از دیدگاه مبحث توسعه پایدار، نگرش سیستمی و ملاحظات

زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی است (حسین زاده و هوشیار، ۱۳۸۵).

(*) تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر شهروندان در مدیریت شهری، معتقدند ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقدند که با مشارکت می توان به توسعه پایدار شهری دست یافت (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸).

(*) دران و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی که در چارچوب توسعه پایدار شهری در کشور مکزیک انجام گرفته است به ساختار جدیدی برای پایداری شهر با عنوان سامانه پویا برای دوره بیست ساله دست یافتند (دران و همکاران، ۲۰۰۷).

۳- روش تحقیق

این تحقیق که در شهرستان بوشهر انجام گردید، از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی می باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با رویکرد فازی به دلیل دارا بودن قابلیت بالاتر به ترتیب بخش های زیر استفاده شده است.

۳-۱- ساخت درخت سلسله مراتبی مسأله

در اولین گام تلاش می شود تا مسأله مورد نظر به طور واضح و دقیق تعریف شده و به یک سیستم معقول و منطقی همانند یک سلسله تجزیه گردد. بدین ترتیب خوشه ها (گره) و عناصر مربوط به هر خوشه در یک ساختار سلسله مراتب تصمیم نشان داده می شوند (وانگ، ۲۰۰۸).

۳-۲- تعریف اعداد فازی مثلثی

در این مرحله لازم است تا ماتریس های مقایسات زوجی تشکیل شوند. جمع آوری نظرات پاسخ دهندگان به صورت متغیرهای زبانی و در قالب طیف شش قسمتی لیکرت، صورت می گیرد. پس از این اقدام، می توان متغیرهای زبانی را به عددهای فازی مثلثی، بر مبنای جدول (۱) تبدیل نمود پس از تکمیل پرسشنامه های مقایسات زوجی توسط تصمیم گیرندگان، جهت انجام محاسبات

جدول ۱. اعداد فازی مثلثی (وو و همکاران، ۲۰۰۷)

اعداد فازی	متغیرهای زبانی
(۱و۱و۱)	دقیقاً برابر
(۰,۵و۱و۵)	نسبتاً برابر
(۱و۱,۵و۲)	ضعیف
(۱,۵و۲و۲,۵)	نسبتاً مهم
(۲و۲,۵و۳)	خیلی مهم
(۲,۵و۳و۳,۵)	کاملاً مهم

نیاز می باشد که متغیرهای زبانی به اعداد فازی تبدیل گردند. بدین منظور، در تحقیق حاضر از طیف طراحی شده در جدول مذکور استفاده گردید.

۳-۳- انجام مقایسات زوجی

در فرایند فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی، اهمیت نسبی شاخص ها و گزینه ها با انجام مقایسات زوجی حاصل می شوند (نایگ و ویی، ۲۰۰۹). در این مرحله بر اساس نظرات افراد خبره و با بهره گیری از اعداد فازی مورد اشاره، اهمیت نسبی شاخص ها نسبت به یکدیگر محاسبه و بر اساس آن ماتریس مقایسات زوجی \tilde{A}' به فرم زیر تشکیل می گردد. بطوریکه \tilde{a}'_j یک عدد فازی مثلثی بوده و بیانگر اهمیت نسبی شاخص A_j نسبت به شاخص A_i می باشد (پانندی، ۲۰۰۹).

$$\tilde{A} = \begin{bmatrix} \tilde{a}'_1 & \tilde{a}'_2 & \dots & \tilde{a}'_n \\ \tilde{a}'_2 & \dots & \dots & \dots \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ \tilde{a}'_n & \dots & \dots & \tilde{a}'_n \end{bmatrix}, \quad \tilde{a}'_j = \frac{1}{\tilde{a}_j}$$

۳-۴- تشکیل ماتریس قضاوت

جهت ادغام نظرات، از روابط زیر جهت تشکیل ماتریس قضاوت استفاده می شود (شانی، ۲۰۰۸).

$$L_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{k=1}^n L_{ijk}}, \quad M_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{k=1}^n M_{ijk}}, \quad U_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{k=1}^n U_{ijk}}$$

۳-۵- محاسبه اوزان ماتریس قضاوت

پس از تشکیل ماتریس قضاوت، باید اوزان هر یک از ماتریس های قضاوت محاسبه شود. برای این منظور در مطالعه حاضر از روش تحلیل توسعه ای چانگ استفاده شد (سعادتین، ۲۰۰۹). جدول (۲) نمایانگر مراحل روش تحلیل توسعه ای چانگ می باشد.

۴- کاربرد مدل و تحلیل یافته ها

متدولوژی پیشنهادی و عملیات مربوط به آن در یک مطالعه موردی به کار گرفته شد و نتایج زیر حاصل شدند. لازم به ذکر است به دلیل محدودیت های مربوط به حجم بالای اطلاعات مورد بررسی، به ذکر کلی نتایج حاصل از اجرای متدولوژی مورد استفاده پرداخته شده است.

۴-۱- شناسایی شاخص های اصلی و فرعی

بر مبنای مطالعه ادبیات موضوعی، مدل مفهومی و سلسله مراتبی بر پایه تحقیق تقوایی و صفر آبادی (۱۳۹۲) به صورت شکل (۱) ترسیم می گردد.

۴-۲- ایجاد ماتریس مقایسات زوجی فازی

با عطف به ساختار سلسله مراتبی حاصل از بررسی موردی تحقیق حاضر، ماتریس های مقایسات زوجی متشکل از نظرات متخصصین پژوهش بدست می آیند لازم به ذکر است که تمامی ماتریس های مقایسات زوجی بکار رفته در این پژوهش دارای نرخ ناسازگاری کمتر از ۱/۱ می باشند به لحاظ حجیم بودن محاسبات مربوطه تنها به ماتریس مقایسات زوجی بین شیوه های اصلی نسبت به هدف توسط متخصص اول اشاره شده است (جدول ۳).

جدول ۳ بیانگر ماتریس مقایسه های زوجی که توسط متخصص نخست بین شاخص ها انجام گرفته، می باشد اعداد این جدول، فازی مثلثی بوده که از جدول (۱) استخراج شده اند.

۴-۳- تشکیل ماتریس قضاوت

ماتریس قضاوت از تلفیق کردن ماتریس های مقایسات زوجی بدست آورده می شود جدول (۴) بیانگر ماتریس قضاوت می باشد.

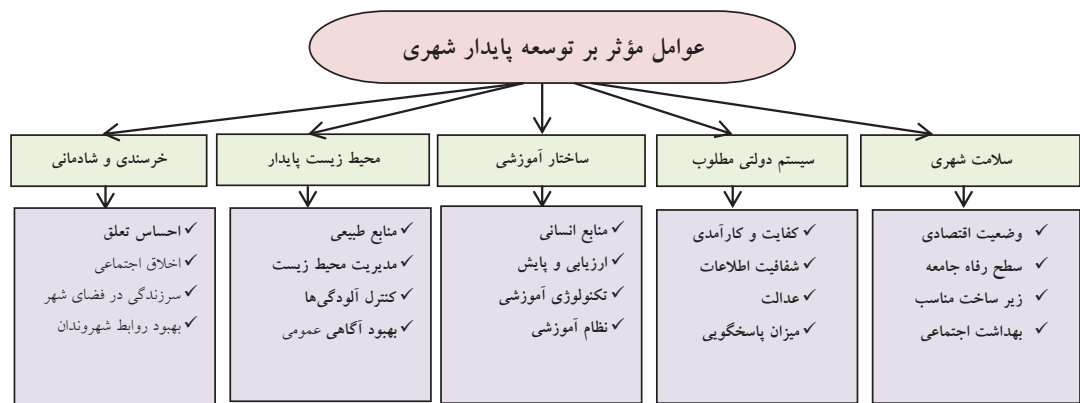
اعداد جدول مذکور از طریق میانگین گیری هندسی

جدول ۲. مراحل روش تحلیل توسعه ای چانگ

مرحله	محاسبه	طریقه محاسبه
۱	$\sum_{j=1}^n M_{ij}$	جمع اعداد فازی هر یک از سطرهاى ماتریس قضاوت
۲	$\left[\sum_{i=1}^M \sum_{j=1}^N M_{ij} \right]$	جمع کل اعداد فازی جدول ماتریس قضاوت
۳	S_k ارزش	$S_k = \sum_{j=1}^n M_{ij} \otimes \left[\sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^n M_{ij} \right]^{-1}$ M_{ij} یک عدد فازی مثلثی، بیانگر شماره سطر، i و j به ترتیب نشان دهنده سطر و ستون
۴	درجه بزرگی	<p>بطور کلی اگر M_1 و M_2 دو عدد فازی مثلثی باشند، درجه بزرگی آن ها M_1 بر M_2 به صورت زیر تعریف می شود:</p> $\begin{cases} V(M_1 \geq M_2) = 1 & m_1 \geq m_2 \text{ if} \\ V(M_1 < M_2) = hgt(M_1 \cap M_2) & o.w \end{cases}$ <p>که داریم:</p> $hgt(M_1 \cap M_2) = \frac{U_1 - L_2}{(U_1 - L_2) + (m_2 - m_1)}$ <p>استفاده از رابطه زیر برای بدست آوردن میزان بزرگی یک عدد فازی مثلثی از عدد فازی مثلثی دیگر</p> $V(M_1 \geq M_2, \dots, M_k) = V(M_1 \geq M_2) \dots \text{and} V(M_1 \geq M_k)$
۵	اوزان نابهنجار	<p>بدست آوردن کمترین مقدار عناصر هر ستون موجود در جدول حاصل از مرحله قبل</p> $w'(x_i) = \min \{ V(S_i \geq S_k) \} \quad k = 1, 2, 3, \dots, n, k \neq i$
۶	بدست آوردن بردار بهنجار	<p>برای بدست آوردن اوزان بهنجار از رابطه زیر استفاده می گردد.</p> $W(x_k) = \frac{W'(x_k)}{\sum_{k=1}^n W'(x_k)}$

جدول ۳. ماتریس مقایسات زوجی بین شاخص های اصلی نسبت به هدف توسط متخصص اول

	C5			C4			C3			C2			C1		
C1	۰.۴	۰.۴	۰.۳	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۲.۰	۱.۵	۱.۰	۱.۰	۰.۷	۰.۵	۱.۰	۱.۰	۱.۰
C2	۱.۵	۱.۰	۰.۵	۱.۵	۱.۰	۰.۵	۲.۵	۲.۰	۱.۵	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۲.۰	۱.۵	۱.۰
C3	۳.۵	۳.۰	۲.۵	۳.۰	۲.۵	۲.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۰.۷	۰.۵	۰.۴	۱.۰	۰.۷	۰.۵
C4	۳.۰	۲.۵	۲.۰	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۰.۵	۰.۴	۰.۳	۲.۰	۱.۰	۰.۷	۳.۴	۳.۰	۲.۵
C5	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۰.۵	۰.۴	۰.۳	۰.۴	۰.۳	۰.۳	۲.۰	۱.۰	۰.۷	۳.۰	۲.۵	۲.۵



شکل ۱. درخت سلسله مراتبی؛ ماخذ: نگارندگان.

جدول ۴. ماتریس قضاوت شاخص‌های اصلی نسبت به هدف

	C5			C4			C3			C2			C1			G
C1	۱,۳	۱,۱	۰,۸	۱,۳	۰,۹	۰,۷	۱,۵	۱,۱	۰,۷	۲,۲	۱,۷	۱,۲	۱,۰	۱,۰	۱,۰	C1
C2	۱,۷	۱,۲	۰,۸	۱,۹	۱,۱	۰,۷	۱,۴	۱,۱	۰,۹	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۰,۸	۰,۶	۰,۴	C2
C3	۱,۲	۱,۰	۰,۷	۱,۳	۱,۰	۰,۷	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱,۲	۰,۹	۰,۷	۱,۵	۰,۹	۰,۷	C3
C4	۱,۷	۱,۱	۰,۸	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱,۴	۱,۰	۰,۸	۱,۴	۰,۹	۰,۵	۱,۵	۱,۱	۰,۸	C4
C5	۱,۰	۱,۰	۱,۰	۱,۳	۰,۹	۰,۶	۱,۴	۱,۰	۰,۸	۱,۳	۰,۸	۰,۶	۱,۳	۱,۰	۰,۷	C5

سایر شاخص‌ها بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند، لذا جهت توسعه پایدار در شهرها باید بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرند.

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

توسعه پایدار شهری طی دهه‌های اخیر به تدریج به الگوواره نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. مطرح شدن توسعه پایدار، به عنوان شعار اصلی هزاره سوم نیز ناشی از آثار شهرها برگستره زیست محیطی و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. ویژگی‌های جوامع شهری امروز سبب ناپایداری انسان‌ها و محیط زیست شده است. در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، شناسایی و اولویت‌سنجی عوامل مؤثر بر توسعه پایداری شهری یک مسئله راهبردی بوده و در درازمدت

اعداد فازی ماتریس‌های مقایسات زوجی بر اساس روابط بند (۳-۴) بدست آمده‌اند.

۴-۴- محاسبه اوزان اولیه از ماتریس قضاوت

جدول (۵) مراحل و محاسبات اوزان اولیه را برای شاخص‌های اصلی نشان می‌دهد.

پس از انجام مراحل روش چانگ مطابق جدول فوق، وزن نسبی شاخص‌های اصلی و فرعی محاسبه می‌گردد.

۴-۵- وزن نهایی هر یک از شیوه‌های اصلی و فرعی

نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها، وزن هر یک از شایستگی‌ها را به ترتیب جدول (۶) نشان می‌دهد.

جدول ۸ حائز این نکته می‌باشد که شاخص‌های اصلی سلامت شهری، سیستم دولتی مناسب و محیط زیست پایدار و همچنین شاخص‌های فرعی وضعیت اقتصادی، شفافیت اطلاعات، کفایت و کارآمدی، ارزیابی و پایش، بهبود روابط شهروندان، زیر ساخت مناسب، و کفایت و کارآمدی در بین

جدول ۵. مراحل و محاسبات اوزان اولیه

محاسبات						مراحل
U	M	L	جمع سطرها			محاسبه مجموع سطری اعداد فازی
۷,۳۹۹	۵,۷۵۱	۴,۳۴۴	R _۱			
۶,۷۸۷	۵,۰۵۴	۳,۷۹۵	R _۲			
۶,۱۹۴	۴,۷۷۸	۳,۸۲۴	R _۳			
۶,۹۰۱	۵,۰۵۱	۳,۸۳۸	R _۴			
۶,۳۲۸	۴,۷۲۵	۳,۷۲۹	R _۵			
۳۲,۶۰۹	۲۴,۳۵۹	۱۸,۵۲۹	جمع تمام سطرها			محاسبه جمع تمام اعداد فازی ماتریس قضاوت
U	M	L	Si			محاسبه ارزش S _i ها
۰,۳۹۹	۰,۲۳۶	۰,۱۳۳	S _۱			
۰,۳۶۶	۰,۲۰۷	۰,۱۱۶	S _۲			
۰,۳۳۴	۰,۱۹۶	۰,۱۱۷	S _۳			
۰,۳۷۲	۰,۲۰۷	۰,۱۱۸	S _۴			
۰,۳۴۲	۰,۱۹۴	۰,۱۱۴	S _۵			
S _۵	S _۴	S _۳	S _۲	S _۱	(V(S _j / S _i))	محاسبه درجه بزرگی S _j ها را نسبت به S _i ها
۰,۸۳۲	۰,۸۹۳	۰,۸۳۴	۰,۸۹۱	۱	S _۱	
۰,۹۴۳	۰,۹۹۹	۰,۹۵۱	۱	۱	S _۲	
۰,۹۹۰	۱	۱	۱	۱	S _۳	
۰,۹۴۴	۱	۰,۹۵۱	۱	۱	S _۴	
۱	۱	۱	۱	۱	S _۵	
	اوزان ناپهناجر	اوزان پهنجار	W _j	عوامل مؤثر		محاسبه اوزان
	۰,۲۲۵	۱	W _۱	C _۱		
	۰,۲۰۰	۰,۸۹۱	W _۲	C _۲		
	۰,۱۸۷	۰,۸۳۴	W _۳	C _۳		
	۰,۲۰۱	۰,۸۹۳	W _۴	C _۴		
	۰,۱۸۷	۰,۸۳۲	W _۵	C _۵		

خبرگان داشته باشد. یافته‌های اجرای روش‌شناسی پیشنهادی در یک مطالعه موردی نشان از توانمندی و کاربردپذیری مدل پیشنهاد شده در وضعیت‌های واقعی دارد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های اصلی، سلامت شهری، سیستم دولتی مناسب و محیط زیست پایدار بیشترین اهمیت را دارا هستند که این یافته همسو با نتیجه پژوهش تقوایی و صفر آبادی ۱۳۹۲ می‌باشد. همچنین از میان شاخص‌های فرعی وضعیت اقتصادی، شفافیت

دارای پیامدهای شگرف و با اهمیتی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و سلامت است. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آن‌ها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی و اهمیت سنجی آن‌ها در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این تحقیق تلاش شده با بهره‌گیری از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، اهمیت سنجی از شاخص‌های توسعه پایدار بر اساس نظرات

جدول ۸. وزن نهایی هر یک از شاخص اصلی و فرعی

وزن	شاخص های فرعی	وزن	شاخص های اصلی
۰,۰۸۳	وضعیت اقتصادی	۰,۱۸۸	سلامت شهری
۰,۰۴۸	زیرساخت مناسب		
۰,۰۲۸	سطح رفاه جامعه		
۰,۰۲۹	بهداشت اجتماعی		
۰,۰۴۵	کفایت و کارآمدی	۰,۱۷۶	سیستم دولتی مناسب
۰,۰۷۴	شفافیت اطلاعات		
۰,۰۳۶	عدالت		
۰,۰۲۱	میزان پاسخگویی		
۰,۰۲۸	منابع انسانی	۰,۱۵۸	ساختار آموزشی
۰,۰۵۸	ارزیابی و پایش		
۰,۰۳۷	تکنولوژی آموزشی		
۰,۰۳۵	نظام آموزشی		
۰,۰۶۰	کفایت و کارآمدی	۰,۱۶۳	محیط زیست پایدار
۰,۰۳۷	شفافیت اطلاعات		
۰,۰۲۵	عدالت		
۰,۰۴۱	میزان پاسخگویی		
۰,۰۳۷	احساس تعلق	۰,۱۵۳	خرسندی و شادمانی
۰,۰۴۰	اخلاق اجتماعی		
۰,۰۱۹	سرزندگی در فضای شهر		
۰,۰۵۶	بهبود روابط شهروندان		

اطلاعات، کفایت و کارآمدی، ارزیابی و پایش، بهبود روابط شهروندان، زیرساخت مناسب، و کفایت و کارآمدی در بین سایر شاخص ها مهم تر می باشند. لذا به مدیران پیشنهاد می گردد که جهت دستیابی به توسعه پایدار در شهر بوشهر بر این شاخص ها را بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرند.

منابع و ماخذ

- پورجعفر، م.، خدائی، ز. (۱۳۸۹) شاخص شناسی توسعه پایدار شهری، همایش ملی معماری و
- پرهیزکار، ا.، فیروز بخت، ع. (۱۳۹۰) چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره ۳۲.
- تقوایی، م.، صفر آبادی، ا. (۱۳۹۲) توسعه پایدار شهری و برخی از عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال سوم، شماره ششم.
- تقوایی، م.، باباناسب، ر.، موسوی، ج. (۱۳۸۸) تحلیلی

Y., (2004). An integrated framework for customer value and customer- relationship management. *Managing Service Quality*, Vol. 14, No. 2/3, pp. 169-182.

14. Wu, W., Lee, Y. (2007). Selecting Knowledge Management Strategies by using the Analytic Network Process, *Expert Systems with Applications*. Vol. 32; 841-847.

بر سنجش عوامل مؤثر بر شهروندان در مدیریت شهری. مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای. ۵. حسین زاده، ک.، هوشیار، ح. (۱۳۸۵) دیدگاه ها، عوامل و عناصر مؤثر در توسعه فیزیکی شهرهای ایران. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ششم. ۶. ملکشاه، م. (۱۳۸۹) عوامل ناپایداری توسعه شهری در ایران، نخستین همایش توسعه شهری پایدار. ۷. شالی، و.، بهبودیان، س. (۱۳۸۹) معیارهای دستیابی به سرزندگی پایدار در فضاهای عمومی شهرهای جدید با تکیه بر شاخص های توسعه پایدار (مطالعه موردی شهر جدید گلپهار)، نخستین همایش توسعه شهری پایدار.

8. Duran, J., Paucar, A., (2007). Sustainability Model for the Valsequillo Lake in Puebla, Mexico: Combining System Dynamics and Sustainable Urban Development, pp 1-45.

9. Garg, S., Pandey, V. (2009). Analysis of Interaction among the Enablers of Agility in Supply Chain. *Journal of Advances in Management Research* Vol. 6. No. 1, pp. 99-114.

10. Maoh, H., kanaroglou, p. (2009). A Tool for Evaluating Urban Sustainability via Integrated Transportation and Land Use Simulation Models, *Environnement Urban/ Urban Environnement*, N.3, pp28- 49.

11. Saadettin, E. K. (2009). A Fuzzy AHP Approach to Personnel Selection Problem. *Applied Soft Computing* 9, 641-646. Wu, W., Lee, Y. (2007). Selecting Knowledge Management Strategies by using the Analytic Network Process, *Expert Systems with Applications*. Vol. 32; 841-847.

12. Sahney, S., Banwet, D., Karunes, S. (2008). An Integrated Framework of Indices for Quality Management in Education: a Faculty Perspective. *The TQM Journal*, Vol. 20, No. 5.

13. Wang Y., Hing P.L., Renyong C., Yongheng

بنیان های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین

عبدالرزاق رحمانی فضلی - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مظفر صادقی - دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

جهانبخش علیپوریان* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

Theoretical basis of good governance in the modern rural management

Abstract

Rural governance is Modern process that has principles, criteria and indicators different from the Approaches of their previous rural management Caused In the empowerment of rural areas residents in different field. The most important Principles, criteria and indicators of good governance, rural Consist of are) Rural residents' popular participation, Accountability, accountability, and respect for the rule of existing laws, transparency, efficiency and effectiveness, fairness and equality, communitarians (collective agreement). This study is a qualitative and fundamental research (Theoretical) and have been conducted based on the documents (Library). The results of reviews Theoretical approach to rural good governance in the rural development of management indicates that This approach with the principles, criteria and indicators are listed could be a good approach in the rural management of modern and essential role in the sustainable development of political, economic, social, physical, spatial and rural development managed

Keywords: governance, good governance, rural management, rural sustainable development

حکمروایی روستایی فرایند نوینی است که با دارا بودن اصول، معیارها و شاخص هایی متفاوت از رویکردهای مطرح شده در نظام مدیریت روستایی ماقبل خود باعث توانمندسازی ساکنین نواحی روستایی در زمینه های مختلف می شود. مهمترین اصول، معیارها و شاخص های حکمروایی خوب روستایی شامل (مشارکت مردمی ساکنین روستایی، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، قانون محوری و احترام به قوانین موجود، شفافیت، کارائی و اثربخشی، عدالت و برابری، اجتماع گرائی (توافق جمعی) می باشند. این پژوهش از نوع پژوهش های کیفی و بنیادی (نظری) و بر مبنای روش اسنادی (کتابخانه ای) انجام گرفته است. نتایج حاصل از بررسی های نظری رویکرد حکمروایی خوب روستایی در روند مدیریت توسعه روستایی نشان دهنده این است که این رویکرد با اصول، معیارها و شاخص های ذکر شده می تواند رویکردی مطلوب در ساختار نوین مدیریت روستایی و همچنین نقشی وادارنده در روند توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی و مدیریت توسعه روستایی کشور داشته باشد.

واژگان کلیدی: حکمروایی، حکمروایی روستایی، مدیریت روستایی، توسعه پایدار روستایی.

مقدمه

در سال‌های اخیر واژه «حکمروایی» به یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه نظریه‌ها و روش‌های اداره سطوح مختلف جامعه تبدیل شده و اغلب از واژه «حکومت» متمایز می‌شود. حکمروایی، به مفهوم فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن، مجموعه‌ای از ارزشها، هنجارها، فرایندها و نهادها را دربرمی‌گیرد که از طریق آن‌ها مدیریت توسعه جامعه، بطور رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. حکمروایی هم با مسئولیت حکومت و هم با تعهد شهروندان ارتباط دارد و از این رو، دولت و سایر ارکان جامعه را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی شامل می‌شود. این مفهوم بمنظور توجه به نقش روزافزون سایر بازیگران و بهره‌ورانی که علاوه بر دولت در رشد و توسعه جامعه نقش دارند؛ عمومیت یافته است. حکمروایی، نه فقط با تشکیلات دولتی و رسمی و نهادهای شهری و منطقه‌ای که امور عمومی را اداره می‌کنند؛ ارتباط می‌یابد، بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را نیز در بر می‌گیرد. از این رو، حکمروایی فراتر از حکومت و حاصل جمع روش‌های گوناگونی است که افراد، نهادها، بخش خصوصی و دولتی، امور مشترک خود را اداره می‌کنند. حکمروایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متعارض یا گوناگون می‌توانند با هم سازگار شوند و اقدام جمعی برای منفعت و مصلحت عمومی صورت بگیرد. در سالهای اخیر و بویژه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد کاربرد مفهوم حکمروایی به طور روزافزون گسترش یافته است. نظریه پردازان دلایل متعددی برای توجیه گسترش کاربرد آن بیان کرده‌اند (Colebath, 2002). این رهیافت تلاشی است برای یافتن راه‌حل‌های جدید برای ضعف‌ها و شکست‌های ناشی از رهیافت بالا به پایین در فرایند توسعه روستایی و تاکید می‌کند، بر توانمندسازی جوامع محلی و نقش مستقیمی که باید در فرایند توسعه جامعه خویش همراه با بخش دولتی و غیردولتی داشته باشند (Chilima, et, al). 2002.

بر مبنای این رهیافت همه برنامه‌های توسعه‌ای برای مردم و بهره‌مندی مردم انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که کانون توسعه با مردم و برای مردم است؛ این سیستم مدیریتی، مردم محلی را منبع بالقوه‌های می‌داند که سهمین شدن و همکاری آنان ضامن پایداری است و نه مانعی برای آن. بنابراین این شیوه مدیریتی اگر بر اساس اصول علمی و احترام و اعتماد متقابل تدوین و اجرا شود، یک اهرم مناسب برای تضمین پایداری منابع و معیشت جوامع محلی خواهد بود (Borrini et al, 2000). «مهاندرا و شرما» (Mahendra and Sharma, 2006)، بهترین رهیافت برای مطیع کردن توانمندی‌های مردم در فرایند توسعه پایدار روستایی را رهیافت مدیریتی مبتنی بر جامعه محلی توسط نهادهای محلی می‌دانند، که آن را رهیافت اداره «خودمحور» برای پوشش دادن مشارکت و توانایی‌های آن‌ها در یک فرایند تصمیم‌گیری جامع و شفاف می‌نامند. مردم محلی صلاحیت و قابلیت دارند اجرا و مدیریت پروژه‌های توسعه روستایی را با راهنمایی و ظرفیت‌سازی از جانب نهادهای دولتی و غیردولتی بر عهده گیرند. امروزه با وجود تحقیقات انجام گرفته، ادبیات نظری موجود بر مبنای مدیریت منابع مشترک بررسی شده است (Berkes, 2002).

قلمرو محلی اغلب بهترین محدوده‌ای است که امکان دسترسی به پایداری در آن وجود دارد. بر مبنای روابط واقعی داخل گروه‌های مردمی و دانش آن‌ها برای تصمیم‌گیری، جوامع محلی ممکن است اغلب اوقات اما نه همیشه، مناسب‌ترین واحد برای مدیریت فرایند توسعه پایدار روستایی باشند (Welch-Devine, 2008). در نگرش جدید توسعه، هویت محلی زیر بنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌روند. بر این اساس رهیافت مدیریت مبتنی بر جامعه محلی که بر توانمندسازی جامعه محلی و نقش مستقیم و فعال آنها در فرایند توسعه با همکاری بخش دولتی و سازمانهای غیردولتی تاکید

دارد یکی روش مناسب به نظر می‌رسد. مروری بر تجربه تاریخی نهادهای مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد که این نهاد در دوره‌های گوناگون، گونه‌های متفاوتی را مانند کدخدایی، انجمن ده، دهبانی، شورای اسلامی روستا و دهیاری به خود دیده است. جز گونه کدخدایی که ریشه در سنت‌های اداره امور روستا دارد، سایر گونه‌ها را می‌توان تجربه‌های جدیدی دانست که تحقق هدف توسعه روستایی را دنبال می‌کردند یا در حال حاضر به دنبال آن هستند. تحولات روی داده در عرصه نظریه‌های آموو بویژه مطرح شدن پارادایم حکمروایی خوب، سبب طرح بحث مدیریت نوین روستایی شده است.

زمینه‌های ظهور و شکل‌گیری حکمروایی و حکمروایی روستایی

مفهوم حکمروایی اولین بار توسط محققان شهری در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد که معتقد بودند چگونه قدرت حکومت محلی منتخب از طریق مشارکت روزافزون بخش خصوصی در سیاستگذاری شهری و تاسیس آژانس‌های غیر منتخب با مسئولیت حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی مورد مصالحه قرار می‌گیرد (Stoker, 2000). بنابراین تا مدت‌ها نظام حکمروایی محلی جدیداً پدید آمده شهری قلمداد می‌شد. با این وجود فرایندهای مشابهی نیز تقریباً بطور غیر رسمی در نواحی روستایی عمل می‌کردند.

عده‌ای بر این باورند که حکمروایی واژه‌ای است که همراه با جهانی شدن مطرح شده است و ارتباط جهانی شدن با حکمروایی را بر دو قسم می‌دانند: نخست، حاکمیت فزاینده سازمان‌های غیر دولتی (اعم از موسسات چند جانبه و یا غیر دولتی و یا شرکت‌ها و سازمان‌ها) و دوم، حکمروایی حسن تعبیری است برای اعمال قدرت بخش خصوصی (اعمال از طریق بازار) (Peine and McMichael, 2005). عده‌ای نیز حکمروایی و توسعه پایدار را دو اصطلاح کلیدی در مباحث سیاسی می

دانند زیرا این اصطلاحات برتری خاصی را به عنوان تفکر نوین علمی پست مدرن در به چالش کشاندن فلسفه مدرنیته دارند (Levidow, 2005).

در زمینه مراحل شکل‌گیری حکمروایی روستایی نیز باید به این نکته توجه داشت که ساختار اداری حکومت محلی در دهه‌های اخیر در اکثر کشورها دچار تحول شده است. حکومت روستایی از دوره پدرسالاری در اوایل قرن بیستم، به دوره دولت‌گرا در اواسط قرن بیستم و به دوره جدید حکمروایی در آستانه قرن بیست و یکم تغییر یافته است. این گذار هم بازتاب بخشی از بازساخت روستایی بوده و هم اینکه الزام مهمی برای شکل‌گیری و اجرای سیاست روستایی، ساماندهی جوامع، اقتصاد، محیط‌های روستایی و توزیع قدرت در نواحی روستایی بوده است (Woods, 2005). دوره‌های قابل ذکر این گذار را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود:

(۱) «از پدرسالاری تا دولت‌گرایی»: از دیدگاه تاریخی توزیع قدرت در جوامع روستایی با کنترل منابع و به ویژه کنترل زمین صورت گرفته است. ثروت حاصل از زمین این امکان را برای زمین‌داران فراهم ساخت تا دیگر منابع کمیاب تولید مثل وسایل حمل و نقل را خریداری نموده و فرصت مشارکت در خدمات عمومی و حکومت را نیز بدست گیرند. منزلت اجتماعی، فرصت و ثروت دسترسی به باشگاه‌های انحصاری، احزاب خصوصی، شبکه‌های اجتماعی را امکان‌پذیر ساخت و بدین ترتیب زد و بند سیاسی و پدرسالاری شکل گرفت. نخبگان تحت تاثیر پدرسالاری، مسئولیت انجام بسیاری از نقش‌های معمول حکومت از طریق مجاری خصوصی خود را پذیرفتند. بنابراین نقش دولت، از جمله حکومت محلی محدود شد. تا اوایل قرن بیستم، حفظ پدرسالاری بیشتر مشکل شد (Woods, 1997).

(۲) «از دولت‌گرایی تا حکمروایی»: گسترش حکومت محلی منتخب، به عنوان مردم‌سالاری شدن جامعه روستایی بعد از اشراف‌سالاری دوره پدرسالاری به ایجاد مبنایی که از طریق آن نواحی روستایی را

کنترل نموده، کمک کرد. با این وجود، این دوره ایستا شامل میزان تمرکز بی سابقه‌ای بود و نیاز به مداخله دولت در نواحی روستایی را برای حمایت از فعالیت اقتصادی سرمایه‌داری منعکس می‌نمود. برای دستیابی به این اهداف، مراکز دولتی ایجاد شدند که در فضای روستایی همراه با ساختار حکومت محلی منتخب، اما معمولاً بدون مشارکت دموکراتیک مردم محلی فعالیت می‌کردند (Woods and Goodwin, 2003). در مجموع این تغییرات گذار از «سیستم حکومت روستایی»، به حکمروایی روستایی را نشان می‌دهد.

تعاریف، مفاهیم و بنیان‌های نظری حکمروایی و حکمروایی روستایی

در دهه‌های اخیر، در ادبیات توسعه جهانی ما شاهد گذار از دولت در مناطق روستایی به سوی فرایندهای نوین اداره نواحی روستایی یعنی حکمروایی بوده‌ایم که مرز بین حکومت و جامعه مدنی می‌باشد و به نحوی مشارکت حکومت‌ها، شرکت‌های خصوصی، شهروندان و اجتماعات محلی برای طراحی و پیاده‌سازی سیاستهای اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست محیطی دلالت بر حکمروایی دارد. حکمروایی تاکید بر افزایش دموکراسی و مشارکت شهروندان در کلیه امور مربوط به خود اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا دارد که در آن شهروندان به گونه‌ای آگاهانه و فعال در تمامی امور دخالت دارند (Cheshire, 2007). بنابراین حکمروایی شامل گستره وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی است. به عبارتی دیگر حکمروایی خوب، مدل انعطاف پذیر تصمیم‌گیری توسط بازیگران متنوع (مثل NGO ها، سازمان‌های تجاری، بخش دولتی و...) جامعه در مسائل عمومی است (John, 2007). تغییر از حکومت به حکمروایی، چیزی بیشتر از تغییر در ساختار نهادی می‌باشد. این تغییرات شامل تغییر در سبک، بیان و گفتمان حکومت است. دیگر این تصور وجود ندارد که دولت دارای

حق انحصاری حکمروایی می‌باشد، بلکه کمابیش، در مورد مسئولیتهای دولت و بخشهای دیگر عدم قطعیت وجود دارد. در این رویکرد نقش دولت به عنوان فراهم‌کننده کالاهای عمومی نیست، بلکه نقشیک تسهیلگر را برعهده دارد که جوامع محلی را قادر می‌سازد امور خود را اداره نمایند. به همین ترتیب، تصور بر این است که مشروعیت حکمروایی بیش از این که ناشی از قیومیت انتخاباتی حکومت سنتی باشد، با مشارکت مستقیم شهروندان و ذینفعان در اداره فعالیت‌ها حاصل می‌شود (Woods, 1995).

«برنامه عمران سازمان ملل متحد» تعریف به نسبت جامعی از حکمروایی ارائه داده است؛ «اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در مدیریت امور یک کشور در همه سطوح که شامل سازوکارها، جریانها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گره‌ها علائق خود را ابراز می‌دارند، حقوق قانونی آنها را اعمال می‌کنند، تعهدات خود را انجام داده و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌کنند» (UNDP, 1997). آنچه که محلی بودن حکمروایی را تعیین می‌کند میزان مشارکت موثر ساکنان و کنشگران محلی در تعیین آرمان‌ها و خواسته‌ها محلی و تلاش مشترک برای تحقق اهداف و خواسته‌های جامعه محلی است (Dekker & Kempen, 2004).

حکمروایی مطلوب که رویکرد جدید اداره امور عمومی است در قلمرو فراملی، ملی و محلی کاربرد گسترده‌ای یافته است (UN-Habitat, 2009). اگر حکمروایی روستایی را نتیجه تعامل دولت، شهروندان و نهادهای مدنی از طریق فرایند سیاسی، توسعه خط و مشی، طراحی برنامه و ارائه خدمات بدانیم، در آن صورت، دولت‌ها یکی از نهادهای خاصی هستند که در حکمروایی مشارکت داشته و در پی پاسخگویی به این سوال هستند که: چه کسی باید در تصمیم‌گیری دخیل باشد؟ و با چه ظرفیتی؟ بر این اساس، حکمروایی در چهار سطح قابل بررسی است:

۱- حکمروایی در فضای جهانی که با مسائل فراتر از حوزه دولت های ملی سروکار دارد؛

۲- حکمروایی در فضای ملی که خود به سطوح ملی، منطقه ای (شهری و روستایی) تقسیم می شود؛

۳- حکمروایی در فضای سازمان یا حکمروایی سازمانی؛

۴- حکمروایی در فضای جوامع محلی.

با عنایت به این تقسیم بندی، باید حکمروایی را به مثابه سلسله مراتبی شدن قدرت دولت و تقسیم آن به سطوح فوق الذکر همراه با مشارکت مردم، نهادهای محلی و سازمانهای غیردولتی دانست. در این حالت، حکمروایی خوب این اطمینان را به وجود می آورد که صدای فقیرترین، کوچکترین و آسیب پذیرترین افراد و گروههای جامعه و مکان های زیست دور از مراکز و در حاشیه، به گوش تصمیم گیران در هنگام تخصیص منابع عمومی رسیده و بین تمامی ذینفعان (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) اجماع و توافق نظر به وجود آید (UNDP, 2000). به عبارتی دیگر حکمروایی مطلوب می تواند از شبکه های پیچیده که در برگرفته نقش آفرینان مختلفی از سطوح ملی، استانی، محلی و گروه های اجتماعی و سیاسی گروه های فشار و ذی نفع، نهادهای اجتماعی و سازمان های تجاری و خصوصی می باشد و بنابراین دولت نقش آفرینان مسلط که نهایتاً خواسته خود را تحمیل کند نیست؛ علاوه بر این در حکمروایی خوب صرفاً برای افزایش اثربخشی و کارایی تاکید نمی شود بلکه تضمین قانونی و مشروعیت نیز مطرح می باشد.

اصول، معیارها و شاخص های حکمروایی روستایی

اگر به این سخن «لاک» باور داشته باشیم، مشارکت روستاییان را در تمامی عرصه های زندگی شخصی و اجتماعی ایشان بویژه در عرصه مدیریت روستایی ارج و اعتبار می بخشیم. با عنایت به اینکه توسعه یک فرایند تلقی می شود و دارای متغیرهای مختلفی

است که بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند و یکی از این متغیرها، مدیریت مشارکتی با شیوه حکمروایی خوب است، بنظر می رسد که با توجه به تجربیات برنامه ریزی روستایی در ایران، مردم روستایی از بسیاری از فعالیت های توسعه ای در خصوص محیط زندگی اشان کنار گذاشته شده و یا حتی فراموش شده اند، بر این اساس، مهمترین اصول و معیارهای حکمروایی خوب روستایی به شرح ذیل مطرح می شوند (UNDP, 2002):

۱- «مشارکت مردمی»: منظور از مشارکت در حکمروایی خوب روستایی، قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم گیریها و تصمیم سازیهایی که به سرنوشت شان مربوط می شود، دخالت کنند و نقش فعال و تأثیرگذار داشته باشند، این قدرت بویژه در چارچوب اهداف راهبردی توسعه پایدار روستایی (اقتصادی، اجتماعی، نهادی و اکولوژیکی- کالبدی) مورد نظر است.

۲- «پاسخگویی»: واژه پاسخگویی فرایندی را شرح می دهد که در آن سازمانها، مسئولان و مدیران چه در سطح کلان و چه خرد (شورای اسلامی، دهیار و غیره) و انجمن های محلی روستایی مسئول نتایج تصمیمات و فعالیت های خود هستند. در واقع، پاسخگویی اهرمی برای افزایش کنترل مسئولان و تصمیم گیرندگان هست تا در قبال عملکرد خود مسئول باشند (Termer&Hieme, 2005).

۳- «مسئولیت پذیری»: حکمروایی خوب روستایی نیازمند آن است تا نهادها و فرایندها به نفع همه ذینفعان خدمات ارائه کند، این امر زمانی امکان پذیر است که نهادها و فرایندها، مسئولان و تصمیم گیرندگان به خواست ها و انتظارات و نیازهای افراد و گروه های روستایی حساس و مسئولیت باشند و در قبال آنان حساب پس بدهند، در حکمروایی خوب روستایی همه اهل مسئولیت هستند و سعی خواهند کرد از عهده مسئولیتی که به آنها واگذار شده، برآیند.

۴- «قانون محوری»: حکمروایی خوب روستایی

1. Situational crime prevention

2. Defensible space theory

مستلزم چارچوب‌های قانونی درست و منصفانه می‌باشد که به صورت بی‌طرفانه اجرا شود، از سوی دیگر، قوانین کارآمد، مراعات چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها، مسئله قانون محوری و قانونمندی را در حکمروایی خوب روستایی بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. پابندی به قوانین، نیازمند آگاهی روستاییان و همچنین اتمام مسئولان به قانون است، حمایت کامل از حقوق تمامی انسانهای در حاشیه مانده و فقیر و... و مکان‌های جغرافیایی از اصول اساسی حکمروایی خوب روستایی به شمار می‌آید، اجرای بی‌طرفانه و عاری از تبعیض قوانین مستلزم وجود یک نهاد داور (قضائیه) مستقل و یک نیروی پلیس فسادناپذیر و بی‌طرف در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی خواهد بود.

۵- «شفافیت»: در حکمروایی خوب روستایی، شفافیت به معنای اختیار دادن به روستائیان برای تبدیل شدن به حسابرسی در جامعه روستایی و داشتن حق اظهارنظر و دسترسی به اطلاعات آزاد است، در چنین حالتی، شفافیت در مقابل پنهان کاری در تصمیم‌گیریها به شمار می‌آید. چه اینکه، در پنهان کاری در پنهان کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری وجود داشته، در صورتی که شفافیت مانع بروز و یا گسترش آن می‌شود.

۶- «کارایی و اثربخشی»: در حکمروایی خوب روستایی، کارایی و اثربخشی به معنای آن است که نهادها و فرایندها نتایجی را به وجود بیاورند که نیازهای جامعه را برآورده ساخته و در عین حال، استفاده مطلوب از منابع در دسترس برای همگان میسر باشد. در حکمروایی خوب روستایی، مفهوم اثر بخشی و کارایی در برگزیده استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست است.

۷- «عدالت و برابری»: در حکمروایی خوب روستایی، ایجاد فرصتهای مناسب برای تمامی روستائیان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهیشان، تلاشی در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت

تمامی مردم حتی اقشار محروم و فقیر در اعلام نظر و تصمیم‌گیری نوعی عدالت محسوب می‌شود. ۸- «اجتماع گرای» (توافق جمعی): در جامعه روستایی کنشگران متعدد و گروهها با منافع مختلف وجود دارند، وظیفه حکمروایی خوب روستایی، میانجی‌گری بین دیدگاهها و منافع مختلف موجود در سطح جامعه روستایی به منظور دستیابی به توقعات گسترده درباره آنچه که بهترین منافع را برای آحاد روستائیان و نیز نحوه دستیابی به آن است، می‌باشد. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و روستائیان بویژه سازمان‌های غیردولتی و نهادهای اجتماعی موجود در روستا می‌باشد. حکمروایی خوب روستایی، بایستی یک چشم‌انداز وسیع و بلندمدت درباره توسعه پایدار انسانی و چگونگی دستیابی به آن داشته باشد، تحقق چنین امری فقط در سایه نزدیک شدن دیدگاه‌ها و منافع مختلف در جامعه روستایی میسر است.

۹- «مشروعیت»: در حکمروایی خوب روستایی، رابطه درست و قانونمند بین مسئولان، مدیران و تصمیم‌گیرندگان محلی و غیرمحلی با روستائیان، مشروعیت را به ارمغان می‌آورد. در این رابطه و تعامل فیما بین مسئولان و مجریان امور، تصمیماتشان توسط اکثریت مردم روستایی مورد حمایت و تأیید قرار می‌گیرد، در نتیجه، می‌توان گفت که مشروعیت یک پدیده دموکراتیک بوده و وقتی در جامعه روستایی به وجود می‌آید که پشتیبانی اکثریت مردم روستایی را طبق قوانین و مقررات به همراه داشته باشد (Barker, 2000).

علاوه بر آن، «دانیل کافمن»، «آرت کرای»، «پابلو زوید» و «لوبتون» در سال ۲۰۰۰، شاخص‌هایی مانند: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثر بخشی دولت، کیفیت قانون و مقررات و کنترل فساد را به عنوان محورهای اساسی و اصلی حکمروایی خوب مطرح کرده‌اند (Kaufmann, Kraay et al, 2000).

این پژوهشگران وضعیت حکمروایی خوب را بر اساس معیارهای مذکور برای ۱۷۷ کشور محاسبه و منتشر کرده‌اند. حکمروایی موضوعی است که در سیاست و همچنین گفتمان‌های دانشگاهی در بسیاری از کشورها جزء مباحث بحث برانگیز است. این بحث‌ها سبب شده است تا به این موضوع چالش برانگیز در عرصه سیاست توجه عمومی فراوانی شود؛ زیرا به دلیل عدم موفقیت نظام‌های حاکم و در نتیجه دست نیافتن به اهدافی چون: محیط زیست پایدار، افزایش فساد، عدم ارائه

خدمات اولیه به فقرای روستایی و نگرانی‌های مشترک برای مقابله با فقر توسط شهروندان، دولت‌ها و سازمانهای کمک‌کننده از عوامل عمده دلایل پیدایش حکمروایی می‌باشد (Rao, 2008). بنابراین به دلیل بحث برانگیزی موضوع حکمروایی ارائه تعریفی مورد قبول همگان وجود ندارد، در اینجا تعریفی که از سوی نهادهای جهانی و منطقه‌ای ارائه شده است طی جدول شماره ۱ مهمترین آنها آورده شده است.

جدول ۱. تعاریف و مفاهیم حکمروایی از دیدگاه نهادهای جهانی و منطقه‌ای؛

مأخذ: <http://www.oecd.org/dac>; <http://www.cgg.ch/welcome.htm>; <http://www.worldbank.org/publicsector/overview.htm>

برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)	حکمروایی عبارت است از بکارگیری اختیارات اجرایی، سیاسی و اقتصادی برای اداره امور یک کشور در تمامی سطوح مدیریتی.
سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)	حکمرانی به معنای استفاده از اختیارات سیاسی و بکارگیری ابزارهای کنترلی در یک جامعه، برای مدیریت منابع در جهت توسعه اقتصادی-اجتماعی آن است.
کمیسیون حکمروایی جهانی (CGG)	حکمرانی عبارت است از مجموعه روشهایی که افراد، بخش عمومی و خصوصی، از طریق آنها، امور مربوط به خود را مدیریت می‌کنند.
اتحادیه اروپا (EU)	در یک محیط نهادی و سیاسی که از حقوق بشر، اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون حمایت شود. حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت شفاف و مسئولیت پذیری منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی برای توسعه متوازن و پایدار. این امر مستلزم اتخاذ روشهای تصمیم‌گیری شفاف در سطوح مختلف مدیریتی است.
بانک جهانی (WB)	تصمیم‌گیریهای شفاف، آشکار و قابل پیش‌بینی، وجود یک بروکراسی همراه با اخلاق حرفه‌ای، وجود هیات اجرایی و دولتی که پاسخگوی اعمال و سیاستهای خود باشد، مشارکت قوی اجتماعی در فعالیتهای دولتی و تحت حاکمیت قانون بودن رفتار عمومی
بانک توسعه آسیایی (ADB)	حکمرانی عبارت است از یک محیط نهادی که در آن شهروندان در ارتباط متقابل با همدیگر، یا ادارات و بنگاه‌های دولتی قرار می‌گیرند.

مهمترین رویکردهای حکمروایی روستایی حکمروایی سلسله مراتبی

این نوع حکمروایی، اساساً حکمروایی قانون است و تاکید بر حکمروایی دولتی است. از این رو دولت از بقیه جامعه متمایز می‌گردد، اما به کمک اعمال قانون و دیگر اشکال مقررات بر جامعه حکومت می‌کند. در چنین فرآیندی دولت‌های محلی از میزانی خودمختاری برخوردارند، اما دولت هرگز از اختیارات قانونی خود بر این نهادها دست نمی‌کشد و در عین حال که خودمختار بوده اند، همچنان دست نشانده خود نیز نگه داشته می‌شود. بیشتر نظریات حکمروایی، سلسله مراتبی را به عنوان الگوی حکمروایی رد می‌کنند. در عوض امروزه تاکید بر مقیاس‌های کوچک، انعطاف پذیری، تنوع بخشی، تبادلات غیررسمی به جای نظارت رسمی و اشتراک قدرت میان دولت و بازار است. (Hediger, Werner &, 1997)

حکمروایی شبکه‌ای

در این رابطه کارایی سیاست عمومی را افزایش می‌دهند. امروزه اعتقاد بر این است که شبکه‌ها، به چنان همبستگی و انسجامی دست می‌یابند که در مقابل قدرت دولت به مقاومت دست زده یا حتی آن را به معارضة می‌طلبند. این شبکه‌ها دارای ساختار خودتنظیمی در متن بخش سیاستی خود به شمار می‌روند؛ از این رو شبکه‌ها در حکمروایی جدید بخشهای سیاست را بیشتر مطابق با ترجیحات بازیگران درگیر هماهنگ و تنظیم میکنند (Duglass, 1998).

حکمروایی جوامع محلی

اعتقاد بر این است که دولت بیش از آن بزرگ و بیش از آن بوروکراتیک است که بتواند به این مسائل بپردازد. مهمتر آنکه طرفداران جوامع محلی معتقدند که حکومت (که به صورت ابزاری برای مدیریت اختلافات سیاسی پدیدار شد) اکنون خود سبب ساز یا مشوق اختلافات بر سر مسائلی است که فی نفسه مجادله برانگیز نیستند. از این رو است

که از نظر طرفداران جوامع محلی، دست کم به همان تعدادی که مشکل حل می‌کند، مشکل می‌آفریند. راه حل طرفداران جوامع محلی برای این مشکل آن است که امر حکمروایی بدون حضور حکومت سازمان یابد. این رویکرد بر این مسئله تاکید دارد که جوامع محلی می‌توانند و باید مشکلات مشترک خود را با حداقل دخالت حکومت حل و فصل کنند در یک دیدگاه وسیعتر، حکمروایی به صورت جوامع محلی بر اساس یک برداشت توافق آمیز از جامعه محلی و مشارکت مثبت اعضایش در موضوعات مشترک ایجاد شده است در این رویکرد تاکید بر حکمروایی مردم سالار، نیازمند سازوکارهایی است که از طریق شهروندان به طور عادی در فرایند سیاستگذاری فراگیرتر باشد (UN-escap, 2002).

حکمروایی خوب روستایی و توسعه پایدار

دستور کار ۲۱ و اجرای همه جانبه آن مفهوم پایداری را به عرصه مدیریت در سطح شهرها و روستاها کشاند و به تحول در شیوه‌های سنتی سیاست گذاری‌ها و ساختار نظام‌های اداری-سیاسی و شیوه ارتباطش با جامعه نیز مرتبط است. در سطح محلی، پایداری (چه شهری و چه روستایی) به طور عمده در قالب اشکال نوینی از حکمروایی (ترکیبی) به اجرای فرآیند دستور کار ۲۱ مربوط می‌شود که شامل سه نهاد اصلی است. سه نهاد اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی زمینه ساز حرکت جامعه به سوی حکمروایی مطلوب یا غیر مطلوب هستند هر یک از این سه نهاد دارای کارکردها و وظایف خاصی هستند که از ترکیب متناسب آنها می‌توان انتظار داشت حکمروایی خوب به وجود آید. دولت با در دست داشتن ابزار اعمال قدرت به تنظیم قوانین و متعادل کردن روابط نهاد‌های مدنی می‌پردازد. جامعه مدنی تسهیل کننده تعاملات میان اجتماع و سیاست است، بخش خصوصی شغل و درآمد ایجاد می‌کند. بنابراین سه عنصر قدرت نفوذ و پول حاصل کارکرد هر یک از نهاد‌های مذکور است

بنابراین آماده سازی و کارهای سازمانی و نهادی و قانونی لازم برای اجرای الگوی جدید مدیریتی و پیش بینی برآیندها و مشکلات ناشی از اجرای آن و نحوه مقابله پیامدهای منفی در حین اجراء شرط پایداری این رهیافت مدیریتی مطلوب است (Picou, 1999).

با بررسی های انجام شده از بعد نظری می توان گفت، اگر حکمروایی روستایی با رویکرد فضایی مورد توجه قرار گیرد، در آن صورت حکمروایی خوب روستایی در نظام توسعه پایدار توامان، رهیافت توسعه ای را شکل می دهند که می تواند مبنایی برای تحلیل فضایی به شمار آید. این رهیافت بر نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز چندسطحی تاکید دارد که در جهت پیوند پویا و متقابل میان شهر و روستا گام برمی دارد (مدل شبکه ای) و از آنجا که در چارچوب استراتژی شبکه ای دستیابی به الگوی متعادل توسعه فضایی مورد توجه است، جریان های موجود بین مراکز شهری و روستایی در سطح مناطق محلی باید به سوی ایجاد چرخه های مطلوب پیوندهای محلی یا منطقه ای هدایت شوند (Ray & Tisdell, 1998). تولید و کاستن از فقر اولویت یابد انتخابهای آگاهانه و تصرف فزاینده در محیط تعریف نماییم، آنگاه از برابرساختن آن به تنهایی با رشد اقتصادی یا آزادی، یا عدالت اجتناب می نماییم. توسعه می تواند شامل قابلیت انتخاب کردن یا نکردن افزایش خروجی ها، افزایش یافتن یا نیافتن سطح درآمد سرانه، هدایت قابلیتها به سوی توزیع عادلانه تر یا به سوی ارزشهای زیبایی شناسی یا به سوی انواع مختلفی از خروجی هایی باشد که از نظر کیفی و کمی متفاوتند (Riggs, 1970).

همچنین رهیافت حکمروایی خوب روستایی بر پایه های توسعه پایدار به منظور تحرک بخشیدن به ظرفیت های درونی مناطق روستایی، از طریق تلاش برای ارتقای عرضه با تکیه بر منابع محلی مناطق روستایی و نیز ایجاد و توسعه نهادهای موثر و کارا در توسعه روستایی به مثابه رمز اصلی تحقق

توسعه استوار شده است. بنابراین می توان گفت از ملزومات اساسی مدل شبکه منطقه ای همانا استقرار نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز و چندسطحی و نظام اداره مردمی (حکمروایی خوب) است که با مشارکت وسیع مردم جوامع محلی و سازمانهای مردم نهاد تحقق یافته است. به بیان دقیق تر، رهیافت حکمروایی خوب روستایی بر پایه اعتقاد به دموکراسی، کثرت گرایی و جامعه مدنی (نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیر حکومتی، شوراهای محلی و مانند این ها) استوار است و در آن منافع ناشی از مداخله و همکاری نهادهای محلی و غیرانتفاعی با نهادهای رسمی مورد توجه و تاکید فزاینده قرار گرفته است. به همین دلیل حکمروایی خوب روستایی، پیش شرطی برای توسعه پایدار روستایی بر شمرده می شود، زیرا عدم تمرکز، مدیریت منابع روستایی، مشارکت همگانی، شراکت بین دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و محیطی قلمداد می گردند و اینها همگی خود مستلزم استقرار رهیافت حکمروایی خوب روستایی هستند.

نتیجه گیری و جمع بندی

از مباحث مطرح شده می توان به این نتایج رسید که حکمروایی روستایی به عنوان فرایندی نوین در حکومت با دارا بودن شاخص های خاص خود می تواند مباحث نوینی در زمینه مدیریت روستایی مطرح کند و سبب توانمندسازی ساکنین نواحی روستایی در زمینه های متفاوت مدیریت اعم از تصمیم سازی، اجرا و ارزیابی گردد. بنابراین، رویکرد حکمروایی روستایی مبنایی مطلوب در روند توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سرزمینی و مدیریت نوین روستایی کشور می باشد. سیر مباحث شکل گیری حکمروایی بیانگر تحولی بنیادی در ساختار حکومت نواحی روستایی است که بر اساس آن گذار از دوره های ماقبل حکمروایی یعنی پدرسالاری و دولت گرایی به حکمروایی

نویددهنده تغییر ساختار مدیریتی و دیدگاه‌های توسعه روستایی شده است. حکمروایی با شاخص‌ها و مولفه‌های خاص خود نظیر مشارکت، عدالت و... بیانگر توانایی لازم برای اصلاحات اساسی در نواحی روستایی است. در بیشتر کشورهای جهان حکمروایی در سطوح شهری مطرح شده است و لذا از مشکلات حکمروایی خوب روستایی شهری بودن ابزارها و اجزای آن است. حکمروایی خوب روستایی در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان امری پذیرفته شده است و با وجود برخی چالش‌های موجود در حال اجرا می‌باشد. احساس نیاز کشور به ایجاد پیاده‌سازی این مدل کاملاً محسوس است و تنها مساله ایجاد انگیزه و حمایت لازم برای تحقق آن است. با وجودی که این مدل در ایران سابقه کمی دارد، اما به واسطه تجارب بسیار بالایی که در سطح جهان وجود دارد، می‌توان انتظار آن را داشت که با استفاده از این تجارب، مدل مزبور به نحو مناسبی اجرا گردد. در کشور ما ایران نیز، پتانسیل‌های خوبی برای پیاده‌سازی حکمروایی خوب روستایی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: وجود قشر تحصیل کرده، وجود انگیزه بالا، تاسیس و عملکرد مناسب دهیاری‌ها و شوراهای روستایی، تمایل و انگیزه مردم و تجارب خوب جهانی که اغلب در دسترس می‌باشد. با این همه برخی موانع تاکنون مانع تحقق بهینه‌الگوی حکمروایی خوب روستایی شده‌اند که عبارتند از: ساختار متمرکز کشور، عدم تمایل مسئولان و نگرش منفی نسبت به حضور نهادهای تصمیم‌گیر در کنار نهادهای دولتی، هزینه‌های احتمالی اجرای این گونه مدل‌ها اعم از مالی و معنوی. در کشور پتانسیل‌های خوبی برای پیاده‌سازی حکمروایی خوب روستایی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: وجود قشر تحصیل کرده، وجود انگیزه بالا، تاسیس و عملکرد مناسب دهیاری‌ها و شوراهای روستایی، تمایل و انگیزه مردم و تجارب خوب جهانی که اغلب در دسترس می‌باشد. با این همه برخی موانع تاکنون مانع تحقق بهینه‌الگوی حکمروایی خوب روستایی شده‌اند که عبارتند از: ساختار متمرکز کشور، عدم تمایل مسئولان و

نگرش منفی نسبت به حضور نهادهای تصمیم‌گیر در کنار نهادهای دولتی، هزینه‌های احتمالی اجرای این گونه مدل‌ها اعم از مالی و معنوی.

منابع و مأخذ

- Berkes, F. 2002, local- levels management and the commons problem- Comparative study of Turkish coastal fisheries. Marine Policy -10:215-229.
- Barker, D(2000); Local Governance: a model of sustainable rural resource management for the third world, Int. J. agriculture resources, governance and ecology, Vol. 1, No.1, PP:55-43.
- Borrini-Feyerabend, G., M.T. Favari, Nguinguiri, J.C. and Ndangang, V.A. (2000), Co- management of natural resources: organizing, Negotiating and learning- by- Doing. GTZ and IUCN, Kasperek Verlag, Heidelberg (Germany).
- Colebatch.H.k(2002),policy, open university press, Philadelphia. USA.
- Chilima, G., B.Nkhoma, G.Charul & Mulwafu, W.(2002), community based management approach in the management of water resource by different organization in the lake Chilwa Basin Malawi, university and government report, university of Malawi.
- Dekker, K. & Kempen, R. (2004). Urban governance within the big cities policy, journal.
- Douglas, Davide. J.A, (2005), the restriction of local government in rural regions: A rural development perspective, journal of rural studies 21, p: 246-23, available at: www.elsevir.com.
- Emelie, Peine and Philip, McMichael (2005), Globalization and Global Governance. Agricultural Governance: Rutledge.
- Hediger, werner (1997), towards and ecological economics of suitable development, vol, 5, no 1, pp: 109-101.
- Kaufmann, D., Kraay. D.A & Zoido Lobaton, P., 2000, Governance Matters World Bank policy research working.
- Les Levidow (2005), Governing conflicts over sustainability Agricultural biotechnology in Europe. Agricultural Governance: Routledge.
- Mahendra, N. and .Sharma, B. (2006), community based rural energy development in Nepal: experience and lessons from innovative approaches, ICIMOD, Kathmandu Nepal.

- Picou, j.s, (1999), Theoretical trends in environment sociology: implication for resource management in the modern word, paper presented at the social and economic planning conference, minerals management service, august 26-24, parkcity utah.
- Rao, Sudhakar (2008). Poverty Focused Rural Good Governance in Asian Commonwealth Countries. CIRDAP Training Series No (75 15-1.
- Riggs, w. Fred. (1976) « The Idea Development Administration».
- Sharma, M., 2004, Local Government Rural and Urban, Anmol Publications, New Delhi.
- Stoker, G (2000), the New Politics of British Local Governance. London: Macmillan.
- Terner, Mark and Hiume, David (2005); governance, management and development, translation to Persian by: Abbas Monavarian, Tehran, Higher Institute of Education and research for management and planning.
- UNDP(2000)"Characteristics of good governance' the urban governance initiative (TUGI).
- UNDP.(2002) Governance for Sustainable Human Development, New York.
- UN-HABITAT (2009). Urban governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance. Available in.
- Welch-Devine, M. (2008), from common property to co-management: implementing natural 2000 in Soule .Ph.D. siddertation, university of Georgia, Athens, p254-145)336-).
- Woods, Michael (2005). Rural Geography. Sage Publication Ltd.
- Woods, M. and Goodwin, M (2003), Appling the Rural: governance and policy in rural areas, in P. Cloke (ed.), Country Vision. London: Pearson, pp. 262-245.
- Woods, Michael (1997), Discourses of Power and Ruralit, Local politics in Somerset in the 20th century. Political Geography, 478-435 ,16.
- Woods, Michael, "Discourses of Power and Ruralit,Local politics in Somerset in the 20th century". Political Geography, 1995 ,16.

مدیریت نوین مالی ضرورتی مغفول در پاسخگویی مدیریت شهری (تاملی در چالش‌های حقوقی بودجه ریزی عملیاتی در نظام حقوقی ایران)

مهدی رضایی - استادیار حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

سید سلمان سامانی* - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

حسن صیاد - کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مفهوم پاسخگویی در طول زمان تکامل یافته است و از حفاظت از دارایی‌ها به مدیریت و سپس به پاسخگویی در برابر اقدامات و نتایج به دست آمده تبدیل شده است. از طرفی نیز تحولات به وجود آمده در نقش و مأموریت‌های دولت در اداره امور جامعه، نظام‌های بودجه ریزی و مدیریت مالی دولت‌ها را نیز متحول ساخته است. افزایش «صرفه اقتصادی»، «کارایی» و «اثربخشی» بودجه، نحوه تخصیص منابع از طریق تاکید بر اهداف سنجش پذیر، افزایش پاسخگویی مسوولان امر در قبال اعطای آزادی عمل بیشتر از جمله ویژگی‌های خاص بودجه ریزی عملیاتی نسبت به سایر شیوه‌های بودجه ریزی می‌باشند که دولت‌ها را جهت استقرار چنین شیوه‌ای اقناع نموده است. وجود قانون بودجه‌ای جامع، تعریف و تصویب اهداف و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی توسط قانونگذار با لحاظ اصل حاکمیت قانون، اعمال نظام حسابرسی مبتنی بر عملکرد به وسیله مراجع نظارتی، وجود اختیارات لازم برای قوه مقننه و پاسخگویی دولت از جمله بسترهای حقوقی لازم جهت استقرار بودجه ریزی عملیاتی می‌باشد که با وجود مشکلات ساختاری و قانونی موجود در کشور هیچ‌یک از عناصر مذکور به طور کامل تأمین نشده‌اند که در این پژوهش به بررسی اساسی‌ترین الزامات حقوقی استقرار بودجه ریزی مزبور پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: بودجه ریزی عملیاتی، صرفه اقتصادی، کارایی، اثربخشی، قانون بودجه جامع و پاسخ‌گویی مالی دولت.

Modern Financial Management, a Forgotten Necessity in Urban Management Responsiveness (A Consideration into Legal Challenges of Administrative Budget Planning in Iran's Legal Order)

Abstract

Concept of responsiveness is gradually undergoing evolution, changing from protection of wealth to management and then responsiveness in response to the outcomes gained. Also transformations in the governments; role in management of societies' affairs, has given rise to the budget planning and financial management alterations. Increase in "economic efficiency", "efficiency", and "effectiveness" of budget, increases responsible persons' responsiveness versus their more power in decision-making, leading governments to be convinced to implement such an order. Existence of a master budget law, defining and ratification of aims and activities of different organs if the government by the law-makers considering the rule of law, implementing auditing order based on performance, giving enough power to the legislative assembly, and government's reciprocity, are all legal bases for to implement administrative budget planning, which are studied in this article while they are not completely met in the country's provisions because of structural and legal problems.

Key Words: Administrative Budget Planning, Economic efficiency, Efficiency, Effectiveness, Budget Master Law, Government's Financial Responsiveness.

مقدمه

این پرسش که «بر چه مبنایی باید تصمیم گرفت یک مبلغ معین از وجوه عمومی به فعالیت (الف) به جای فعالیت (ب) اختصاص یابد» مساله اصلی بودجه ریزی است. به همین جهت می توان بودجه ریزی را به معنای انتخاب هایی بین گزینه های ممکن تعریف کرد که طبق قواعد و اصول معینی صورت گرفته باشد. قواعد و اصول مذکور شیوه های بودجه ریزی می باشند که در راستای نیل به انتخاب بهترین گزینه شکل گرفته اند (پناهی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). بودجه ریزی علاوه بر حکایت از سیاست مالی دولت در جهت اهداف اقتصادی و اجتماعی، یکی از ابزارهای نظارت قوه مقننه بر دولت می باشد (علوی طبری، ۱۳۷۲، ص ۱۵؛ اقتداری و دیگران، ۱۳۵۴، ص ۳۸). بودجه ریزی عملیاتی به عنوان مدرن ترین شیوه، به این معناست که از طریق ایجاد ارتباط بین منابع مالی و نتایج حاصله با هر میزان اعتبار تخصیصی به هر برنامه، می بایست مجموعه معینی از اهداف مورد انتظار به همراه افزایش صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی حاصل شود. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران حسب ضرورت های حقوقی، مالی و اقتصادی و با توجه به لزوم استوار ساختن تصمیمات بودجه ای بر مبنای عوامل مذکور، استقرار بودجه ریزی عملیاتی را طی موادی از قوانین بودجه سنواتی و قوانین برنامه پنج ساله توسعه الزامی نموده است. از سال ۱۳۸۰ طبق قانون بودجه، دولت مکلف به انجام اقدامات لازم جهت اصلاح نظام بودجه ریزی شده که یکی از محورهای اصلی آن اصلاح، تهیه و تنظیم بودجه به شیوه عملیاتی بوده است. به موجب ماده ۱۳۸ قانون برنامه چهارم توسعه «سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است با همکاری دستگاههای ذیربط به منظور اصلاح نظام بودجه ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی و به صورت قیمت تمام شده خدمات، اقدامات مربوط را انجام دهد...» که این موضوع با تصریح بر افزایش کارایی و بهره وری

و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول به جای کنترل مراحل انجام کار و اعطای اختیارات لازم به مدیران دستگاههای اجرایی در ماده ۱۴۴ آن قانون مورد تاکید قرار گرفته است. با وجود تکالیف قانونی موصوف تا سال ۱۳۸۶ اقدامی از سوی دولتهای وقت در راستای تحقق اهداف یاد شده صورت نپذیرفت؛ تا اینکه لایحه قانون بودجه سال ۱۳۸۷ بنا به ادعای دولت نهم، مبنی بر عملیاتی بودن آن، تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید و مجلس نیز با ایجاد تغییراتی جزئی آن را به تصویب رساند. حال باید دید تلقی قانونگذار از بودجه ریزی عملیاتی تا چه حد منطبق با مفهوم علمی آن است. آیا الزامات حقوقی این شیوه بودجه ریزی از جمله وجود یک قانون بودجه ای مطلوب در کشورمان وجود دارد. در این پژوهش از طریق استفاده از تجزیه و تحلیل علمی سعی می شود ضمن اثبات این فرضیات که علیرغم تاکید فراوان بر استقرار بودجه ریزی عملیاتی، خود قانونگذار تا مقاطعی برداشت صحیحی از این شیوه بودجه ریزی نداشته و آن را غالباً معادل قیمت تمام شده فرض کرده است (اگرچه به درستی هدف شیوه مذکور را افزایش کارایی و اثربخشی بیان نموده است)؛ و اینکه بسترهای اساسی حقوقی جهت استقرار آن وجود ندارد و از این رو توفیقی در پیاده سازی آن شیوه نداشته است که در گفتار دوم پیشنهاداتی جهت نیل به هدف معنون ارایه می گردد.

گفتار یکم: مبانی و ماهیت بودجه ریزی عملیاتی

بند یکم: مبانی نظری بودجه ریزی عملیاتی
فلاسفه یونان باستان، این نظریه را مطرح نمودند که انسان به دنبال به حداکثر رساندن رفاه خویش بوده و فارغ از نظریه های اخلاقی و ارزشی با استفاده از نیروی عقل، حلقه تنگ زمان حال را شکسته و چشم به آینده دارد. اما در مقابل، حقیقت دیگری خودنمایی می کند و آن اینکه، منابع محدود هستند و لذا جهت تحقق هدف موردنظر دست به

«انتخاب» می زند که در واقع مفهومی از بودجه ریزی است. البته به لحاظ تعلق قهری آن به یک جامعه سیاسی، چنین امری از توسط دولت صورت می پذیرد. اگرچه در این اندازه، بودجه تصویر مالی سیاستهای یک دولت تلقی می شود اما آنچه ماهیت بودجه و بودجه ریزی را تشکیل می دهد آمار و ارقام صرف نیست؛ بلکه ابزار حکمرانی حکومتهاست (پناهی، ۲۲۰؛ میرسپاسی، ۱۳۶۴، ص ۴۱۹). با توجه به تنوع و تعدد وظایف دولت، نحوه حصول درآمد و انجام هزینه، بودجه ریزی مسایلی از جهات حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به وجود می آورد لذا ضرورت تنظیم بودجه دولتی کارآمد و اثربخش نسبت به سایر نهادها بیشتر می باشد که به لحاظ تاریخی، دولت نخستین شخصیتی است که تن به نظم بودجه ای داده است. از دیگر اهمیت های بودجه این است که بحث و مجادلات صورت گرفته میان دولت (قوه مجریه) و قوه قانونگذاری در این خصوص یکی از علل ایجاد نظام تفکیک قوا بوده است. در واقع انگیزه های اولیه تشکیل پارلمان، تاسیس مجمع یا شورایی برای جلوگیری از تعدی های مالیاتی حکام و تنظیم مناسبات مالی حکومتها با مردم بود. از این رو پدیده بودجه و بودجه ریزی را در اساس، باید حاصل تمایلات سران و نمایندگان مردم برای توجیه و کنترل وصول مالیاتها و جلب رضایت عمومی برای تادیه آن دانست. البته مدتها طول کشید تا مناسبات مذکور با عنوان حقوق مالی و مالیاتی به شاخه ای از حقوق عمومی تبدیل شود و تحت تأثیر تحولاتی که در مفاهیم حاکمیت و وظایف دولتها به وجود آمده بود، سازمان گیرد (پیرنیا، ۱۳۴۸، ص ۲۳۵؛ شبیری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

امروزه به دلیل متغیرهای بیشمار موثر در فرآیند تصمیم گیری مدیران، به ویژه در دولت به علت تقاضای روزافزون نسبت به ارائه خدمات با کیفیت بالاتر، فشار برای پاسخگویی و شفافیت عملکرد دولت و نیاز به کاهش هزینه های جاری آن، افزایش

بهره وری و مدیریت عملکرد و اثربخشی حاکمیت، در کانون توجه دولت ها قرار گرفته است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تلاشند نظام بودجه ریزی خود را به یک نظام عملیاتی که در آن ارتباط بین اعتبارات بودجه ای و عملکرد دستگاه های اجرایی شفاف و قابل سنجش است نزدیک تر سازند و از این طریق پشتوانه اطلاعاتی معتبر برای تصمیمات بودجه ای دولت و مجلس فراهم آورند (حسن آبادی و نجار صراف، ۱۳۸۷، ص ۲۹۹).

اصلاحات در نظام بودجه ریزی در دنیا از سال ۱۹۵۰ شروع شد و دو وجه متمایز داشت: در کشورهای در حال توسعه بودجه، عاملی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می رفت و دولت می توانست با بودجه ریزی فاصله بین دستگاه ها و نهادهای مالی سنتی و نهادهای مالی جدید را کاهش دهد. اما در کشورهای صنعتی تأکید بر کاهش نظارت مدیران بر اساس مقررات بودجه ای صرف بود. فقدان اطلاعات مدیریتی در بودجه ریزی سنتی به انجام اصلاحات در نظام بودجه ریزی در سال ۱۹۵۰ در کشور آمریکا منجر شد (عباسی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۷). در ایران بعد از انقلاب اسلامی که به علت عواملی نظیر فقدان تعریف نظری و قانونی شفاف از قلمرو اختیارات و وظایف دولت، علاقه مسوولان به گسترش و انجام خدمات و امور عمومی، دولتی شدن مراکز آموزشی، درمانی، بانکها و شرکتهای بیمه، ایجاد وزارتخانه ها و سازمانهای جدید و رشد شرکتهای دولتی و اقماری طی دو دهه اول انقلاب، بخش دولتی به تدریج توسعه یافت (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱، ص ۳-۴)؛ به علت ضعف و ناکارآمدی دولت در اتخاذ و اجرای سیاستهای مالی مطلوب و مشکلات فراوان حاکم بر نظام بودجه ریزی موجود، با اقتباس از تحولات صورت گرفته در امر بودجه ریزی در جهان، قانون گذار کشورمان استقرار بودجه ریزی مبتنی بر نتیجه را الزام می نماید.

بند دوم: بودجه ریزی عملیاتی؛ ماهیت، مزایا و

مشکلات حقوقی آن در ایران

۱- ماهیت بودجه و بودجه ریزی عملیاتی

از بودجه تعاریف مختلفی ارائه شده است که هیچ یک از این تعاریف را شاید نتوان تعریف کاملی دانست (برای مطالعه ر.ک: صیاد، ۱۳۸۸، صص ۷-۸). طبق ماده ۱ قانون محاسبات عمومی کشور «بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل به سیاستها و هدفهای قانونی می شود بوده و از سه قسمت: ۱. بودجه عمومی دولت؛ ۲. بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها؛ ۳. بودجه موسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می شود، تشکیل شده است».

اما بودجه ریزی، فرایندی است که در ایران از چهار مرحله به شرح زیر تشکیل شده است: الف - تهیه، تنظیم و پیشنهاد لایحه بودجه؛ ب - تصویب بودجه، ج - اجرای بودجه و د - نظارت بر اجرای آن (دادگر کرمانجانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶؛ منشی زاده و موسی خانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵؛ فرج وند، ۱۳۸۸، ص ۸۳). طبق اصل ۵۲ قانون اساسی «بودجه سالیانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می شود. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود». ترتیب مقرر در متن اصل فوق تاکنون به اجرا درنیامده و فرایند بودجه همچنان تابع دو قانون «برنامه و بودجه کشور» و «محاسبات عمومی کشور» و سایر مقررات مربوط در این زمینه است. به موجب ماده ۱۱ قانون برنامه و بودجه کشور، بودجه کل کشور طبق مقررات این قانون و قانون محاسبات عمومی و با رعایت تهیه می شود. با این وجود در قانون اخیرالذکر در زمینه تهیه و تنظیم بودجه کل کشور احکام خاصی وجود ندارد و بیشتر احکام مربوط به نحوه اجرای مالی بودجه است. بودجه ریزی با عنایت به تجربه نظام اداری و مالی در جهان، شیوه‌های

متفاوتی به خود دیده است که هر کدام از آنها با توجه به زمینه‌های اداری، قانونی و مدیریتی دارای اهداف و فرایندهای مختلفی هستند. این شیوه‌ها نه تنها قواعد تصمیمات بودجه‌ای را تعیین می کنند، بلکه استانداردهای سنجش موفقیت یا قواعد ارزیابی همان تصمیمات را نیز مشخص می سازند. از جمله مهمترین شیوه‌های مذکور، بودجه ریزی افزایشی، بودجه ریزی برنامه‌ای، بودجه ریزی مبتنی بر صفر و همچنین بودجه ریزی عملیاتی یا مبتنی بر عملکرد می باشد. در ایران تا قبل از سال ۱۳۸۰ براساس قانون برنامه و بودجه کشور، شیوه بودجه ریزی در ایران «بودجه ریزی برنامه‌ای» بوده است؛ بدین ترتیب که بودجه‌های سالانه باید بر مبنای برنامه‌های سالانه، برنامه‌های سالانه بر مبنای برنامه‌های پنج ساله و برنامه‌های اخیر بر طبق برنامه‌های بلند مدت تهیه شوند. اگرچه پس از تصویب قانون مذکور کشور دارای پنج برنامه مصوب بوده لیکن اجرای حکم موصوف به دلیل مشکلات فنی، ساختاری و قانونی هیچ گاه به طور کامل به اجرا در نیامده است و باید معتقد بود همچنان شیوه موصوف حاکم می باشد. علیرغم عدم اجرای دقیق و کامل بودجه ریزی برنامه‌ای، قانونگذار با توجه به ظهور معایب این شیوه در کشورهای دیگر و عدم توجه آن به مولفه‌های صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی - بدون اینکه در مقام رفع مشکلات ساختاری نظام بودجه ریزی برآید - استقرار بودجه ریزی عملیاتی را مقرر می سازد. مع الوصف با وجود تأکیدات مکرر در این خصوص، هیچ گونه تعریفی از شیوه مذکور ارائه نمی نماید.

به لحاظ نظری، تعاریف متعددی با زوایای گوناگون از آن مطرح شده است. در یک تعریف مختصر، بودجه ریزی عملیاتی منابع مالی تخصیص یافته را به نتایج اندازه گیری شده و ستانده‌ها مرتبط می کند (Redburn et, 2008, p.352). در نظر «رابینسون و رامبی» این شیوه اشاره به سازوکارهایی دارد که با هدف تقویت ارتباط میان منابع مالی

ارایه شده سازمانهای بخش عمومی و ستانده ها یا نتایج آنها طراحی می شود و این امر از طریق استفاده از اطلاعات رسمی عملکرد در تصمیم گیری درباره تخصیص منابع انجام می گیرد (Rabinson 4.p,2005, and ۳۳۳۳mby). «لو» در تعریفی دیگر، آن را فرایند استفاده از اطلاعات عملکرد در تخصیص بودجه می داند که از برنامه ریزی راهبردی نشات می گیرد (Lu, 2007, 3.p). به عقیده ریونبارک این نوع از بودجه ریزی زمینه ای را فراهم می آورد که تصمیمهای مرتبط با تخصیص منابع تاحدی بر مبنای کارایی و اثربخشی در خدمات اتخاذ شود (Rivenbark, 2004, 7.p). «هرزگ» در تعریف تخصصی بودجه ریزی مذکور بیان می دارد که این شیوه به این سوالات پاسخ می دهد: چه چیزی برنامه ریزی شده است؟ هزینه آن چه میزان بوده است؟ چه وقت ارایه می شود؟ چه منابعی مورد نیاز خواهد بود؟ و نتیجه نهایی چه خواهد بود؟ (به نقل از: آذر و خدیور، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

در کنفرانس مجالس ایالتی، بودجه ریزی عملیاتی به تخصیص منابع برای نیل به اهدافی خاص و نتایج قابل اندازه گیری در هر برنامه تعریف شده است. (NCSL, 1994, 2.p) در واقع فرایند برقراری ارتباط بین نتایج مورد انتظار با سطوح بودجه می باشد (GAO, 1997, 1.p). کمیسیون هوور ضمن طرح چنین دیدگاهی در سال ۱۹۴۵ تبیین نمود در بودجه ریزی عملیاتی باید توجه روی ویژگی عملکرد نسبی کاری که باید انجام شود یا خدماتی که باید ارایه گردد متمرکز باشد نه روی چیزهایی که باید خریداری شود؛ زیرا اشیای ابتیاع شده ابزارهایی برای دستیابی به یک نتیجه اند نه خود نتایج (Anders, 2001, 18.p). این شیوه همچنین بیانگر روش هایی برای اندازه گیری منابع یا ورودی ها در برابر خروجی ها یا ستانده ها است و اینکه چگونه فعالیت ها به نتیجه منجر می شوند (Hatry, 1989, 18.p)؛ در نهایت اینکه بودجه عملیاتی «عبارت است از برنامه عملکرد سالانه به همراه بودجه سالیانه که

رابطه میان میزان وجوه تخصیص یافته به هر برنامه با نتایج حاصله از اجرای آن برنامه را نمایان می سازد. بدین معنا که با هر میزان مخارج انجام شده در چارچوب هر برنامه ای بایستی مجموعه معینی از اهداف تأمین شود» (Mercer, 2002, 2.p). البته برخی افراد به دلیل تاکید این شیوه بر عملکرد دولت به جای مخارج به آن عنوان بودجه ریزی برای نتایج داده اند (Schick, 1990, 26.p).

بنابراین بودجه ریزی مذکور منابع را بر مبنای تحقق اهداف سنجش پذیر تخصیص می دهد که به نوبه خود با رسالت و آرمانهای دستگاه اجرایی ارتباط دارد. در این شیوه عناصر «صرفه اقتصادی»، «کارایی» و «اثربخشی» را به ابعاد سنتی بودجه ریزی اضافه می کنند. در عین حال، بین آن سه مؤلفه تمایز قایل می شوند: صرفه اقتصادی، عبارت است از تلاش در جهت کاهش هزینه تحصیل و استفاده از منابع سازمان با حفظ کیفیت مناسب. در کارایی، استفاده مفید و بهینه از منابع مدنظر است به عبارت دیگر عملیات کارا عملیاتی است که با استفاده از روشهای بهینه حداکثر بازده (ستانده) را با صرف حداقل منابع (داده) تأمین کند. در حالی که اثربخشی به معنای حصول اطمینان از مطابقت نتایج حاصل از هر فعالیت با نتایج موردانتظار می باشد (کمیته تخصصی حسابرسی مدیریت، ۱۳۷۵، ص ۵؛ رایدر، ترجمه مهیمنی و عبدالله پور، ۱۳۸۰، صص ۴-۶).

از این رو رویکرد این نوع بودجه ریزی عبارت است از:

- الف- تمرکز بر شاخص های اندازه گیری نتایج و پیامدهای عملکرد در ارتباط با فرایند برنامه ریزی استراتژیک.
 - ب- تاکید بر کنترل عدم تمرکز مالی و حذف بوروکراسی در تصمیم گیری بودجه.
 - ج- تغییر در پاسخگویی در قبال مقررات به پاسخگویی در قبال نتایج (Anders, 2001, 20.p).
- بند ۲- مزایا و فرایند بودجه ریزی عملیاتی

این شیوه بودجه ریزی به ادعان محققان، مزیت های فراوانی دارد که از جمله آن عبارت است از:

۱- افزایش پاسخگویی مدیران دستگاه های اجرایی بر مبنای عملکرد، و به ویژه در کشور ما، تقویت این پاسخگویی به نهادهای ناظر طبق مفاد موافقتنامه متبادله با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. البته این ویژگی تا حدود زیادی در بودجه ریزی افزایشی نیز وجود دارد و علت اصلی بقای چنین شیوه ای نیز همین خصیصه می باشد (Douglas, 2002, p.161).

۲- تاکید مدیران برای نیل به نتایج مورد انتظار با بالاترین درصد «صرفه اقتصادی»، «کارایی» و «اثربخشی».

۳- تسهیل نظارت بر اجرا و عملکرد بودجه توسط مقامات و نهادهای نظارتی.

۴- بهبود نحوه تخصیص منابع هدف گرا.

۵- این نوع بودجه ریزی، انعطاف پذیر است. اعتبار به صورت یکجا تخصیص می یابد و در تعیین بهترین شیوه نیل به نتایج، به مدیران آزادی عمل بیشتری می دهد.

۶- افزایش شفافیت عملکرد دولت (سعیدی و مزیدی، ۱۳۸۵، صص ۷-۸؛ آذر و خدیور، ۱۳۹۳، صص ۱۳۴-۱۳۵؛ پناهی، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۵۱ و ۶۹؛ عباسی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

اما فرایند بودجه ریزی عملیاتی از سه مرحله تشکیل شده است:

الف- تعیین اهداف و نتایج مورد انتظار

ب- برآورد اعتبارات برنامه ها و فعالیت های لازم برای تحقق اهداف

ج- تعیین شاخص های کمی جهت برآورد عملکرد هر برنامه یا فعالیت.

ویژگی مهم نظام بودجه ریزی عملیاتی تلفیق اهداف نظام مدیریت بودجه با پاسخگویی عمومی است. البته نکته قابل ذکر در این خصوص اینکه، برخلاف نظر برخی نویسندگان (کردبچه، ۱۳۸۵، ص ۱۰). بودجه ریزی عملیاتی را نباید فی نفسه نظام تشویق و تنبیه مبتنی بر سطح عملکرد دانست؛ زیرا

ممکن است به جای افزایش پاسخگویی با طرفداری از مدیرانی که اهداف دست پایینی را برآورده کرده اند ارزش این فرآیند از بین برود. بودجه ریزی در اصل تخصیص منابع بوده و ذاتاً مستلزم تعیین اولویت هاست که این مهم در بودجه ریزی عملیاتی تابعی از ارزشها و منافع رقیبی است که اطلاعات عملکرد می تواند آگاهی از آنها را افزایش دهد. در عین حال، تابع عواملی همچون برابری، نیازهای برآورد نشده و نقش مناسب دولت در پاسخگویی به این نیاز نیز هست.

گفتار دوم: بودجه ریزی عملیاتی در ایران

بند ۱- مشکلات حقوقی فراروی نظام بودجه ریزی عملیاتی

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۳۸ قانون برنامه چهارم توسعه مقرر نمود «سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است با همکاری دستگاههای ذیربط به منظور اصلاح نظام بودجه ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی و به صورت قیمت تمام شده خدمات، اقدامات زیر را انجام دهد: الف- شناسایی و احصای فعالیت و خدماتی که دستگاه های اجرایی ارایه می نمایند. ب- تعیین قیمت تمام شده فعالیتها و خدمات متناسب با کیفیت و محل جغرافیایی مشخص. ج- تخصیص اعتبارات براساس عملکرد و نتایج حاصل از فعالیتها و متناسب با قیمت تمام شده آن.

تبصره ۱- به منظور تحقق رویکرد فوق و همچنین تسریع در تغییر نظام بودجه ریزی کشور و تقویت نظام برنامه ریزی و نظارت، سازمان مذکور موظف است ضمن اصلاح ساختار سازمان، مدیریت نیروی انسانی، روشها و فناوری اداری خود، ترتیبی اتخاذ نماید تا با سازمان کوچک، منعطف، کارا و اثربخش با به کارگیری نخبگان و اندیشمندان امکان انجام وظایف محوله به طور مطلوب و بهینه فراهم گردد. تبصره ۲- سازمان فوق الذکر و وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به تهیه لوایح لازم برای اصلاح قوانین و مقررات مالی، اداری، استخدامی و بودجه ریزی کشور

اقدام نماید، به نحوی که نظام موجود تبدیل به نظام کنترل نتیجه و محصول گردد».

ماده ۱۴۴ قانون مذکور نیز اشعار دارد: «کلیه دستگاه های اجرایی موظفند به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول، به جای کنترل مراحل انجام کار و اعطای اختیارات لازم به مدیران برای اداره واحدهای تحت سرپرستی خود به صورت مستقل و هدفمند نمودن تخصیص منابع، قیمت تمام شده آن دسته از فعالیتهای و خدماتی که قابلیت تعیین قیمت تمام شده را دارند (از قبیل واحدهای آموزشی، پژوهشی و بهداشتی، خدماتی و اداری) براساس کمیّت و کیفیت محل جغرافیایی مشخص و پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا استان و با اعطای اختیارات لازم به مدیران ذیربط اجرا نمایند...». درصدر ماده ۷۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در خصوص شیوه جدید بودجه ریزی دولت که مبتنی بر بودجه ریزی عملیاتی می باشد چنین آمده است: «با توجه به ارایه قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور براساس نظام جدید بودجه ریزی و تغییر نظام طبقه بندی دریافتها و پرداختهای دولت به منظور هماهنگی بین تعاریف به کار برده شده در نظام جدید با تعریف مندرج در قوانین موجود مالی و محاسباتی تعاریف زیر به ماده ۱ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ اضافه می گردد...». همچنین از دیگر منابع حقوقی تغییر بودجه ریزی موجود به بودجه ریزی عملیاتی علاوه بر بند ۳۲ سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه در چارچوب سند چشم انداز بیست ساله ابلاغی از مقام معظم رهبری به رئیس جمهور، ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه می باشد که در آن نیز ضمن مکلف شدن دولت به استقرار تدریجی نظام بودجه ریزی عملیاتی تا قبل از لایحه بودجه سال سوم برنامه، مقرر می دارد اعتباراتی که براساس قیمت تمام شده موضوع ماده ۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری اختصاص می یابد پس از پرداخت به واحدهای مربوطه «بدون الزام

به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه های دولتی و فقط براساس آیین نامه های مالی و معاملاتی و اداری و استخدامی» هزینه می گردد که متضمن پیش بینی نحوه نظارت بر هزینه ها و تحقق اهداف پیش بینی شده است و با پیشنهاد معاونت و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران می رسد. با عنایت به نصوص قانونی مذکور و اوصاف نظام بودجه ریزی عملیاتی در کشور می توان گفت:

۱- علیرغم اینکه ماده ۱۳۸ قانون برنامه چهارم توسعه بر لزوم استقرار بودجه ریزی عملیاتی تصریح می کند، احکام قوانین محاسبات عمومی کشور و برنامه و بودجه کشور- که طبق ماده ۱۱ قانون اخیر «ملاک تهیه و تنظیم بودجه کل کشور هستند»- بر بودجه ریزی برنامه ای تأکید می ورزند.

۲- قسمت ابتدایی ماده ۱۳۸ قانون فوق اشعار می دارد که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است با همکاری دستگاه های ذیربط به منظور اصلاح نظام بودجه ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی «و به صورت قیمت تمام شده خدمات»، اقداماتی را انجام دهد. به نظر می رسد قانونگذار در تعریف بودجه ریزی عملیاتی دچار اشتباه گردیده و آن را مترادف «قیمت تمام شده خدمات» فرض نموده است که این اشکال در ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه نیز تکرار شده است؛ حال آنکه اهداف، برنامه ها و فعالیتهای بسیاری از دستگاه های اجرایی در کشورمان کیفی بوده و قابلیت تعیین قیمت تمام شده برای آنها وجود ندارد. در این صورت باید گفت بودجه آن دستگاه ها، چون قابلیت کمیّت پذیری ندارند، هیچ وقت امکان عملیاتی شدن ندارد. این در حالی است که تعیین قیمت تمام شده صرفاً یکی از راه های بودجه ریزی عملیاتی برای دستگاه های واجد اهداف، برنامه ها و فعالیتهای کمی می باشد و سایر دستگاه ها را براساس اثر بخشی نتایج حاصل از تحقق اهداف و برنامه هایشان - از حیث عملیاتی - می توان سنجید. البته در تبصره ۱ ماده ۱۶ قانون

مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ این اشکال تا حدودی مرتفع شده است به این نحو که در آن آمده: «دستگاههایی که با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران امکان محاسبه قیمت تمام شده محصولات و خدمات خود را نداشته باشند از طریق محاسبه هزینه تمام شده اقدام خواهند نمود».

۳- اگرچه اصلاح هر نظام بودجه‌ای نیازمند بسترسازی لازم در ابعاد مختلف از جمله قوانین و مقررات مالی، اداری، استخدامی و بودجه‌ریزی می باشد که این مهم نیز به درستی در تبصره ۲ ماده ۱۳۸ قانون مذکور تاکید گردیده است، لیکن در این خصوص هیچ اقدام مؤثر و جامعی مشاهده نگردیده است. در ضمن قانونگذار در تبصره مذکور منظور از اصلاح قوانین و مقررات بودجه ریزی، مالی و... را تبدیل نظام موجود به نظام کنترل نتیجه و محصول (ستانده) عنوان کرده است در حالی که در بودجه ریزی عملیاتی، باید یک قدم جلوتر رفت و آن حصول بالاترین صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی نتایج می باشد و الا کنترل نتیجه و محصول در بودجه ریزی برنامه ای نیز در کانون توجه بوده است. البته این خود گواه دیگری بر منطبق نبودن تلقی قانونگذار از شیوه بودجه ریزی عملیاتی با مفهوم علمی آن می باشد.

۴- اگرچه یکی از لوازم استقرار شیوه مذکور حذف مقررات دست و پاگیر مالی بوده (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۴، صص ۷-۸) و شاید بر همین مبنا در ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه به مصرف اعتبارات تخصیصی بدون الزام به رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه های دولتی اشاره شده است اما باید توجه داشت که طبق اصل حاکمیت قانون که به موجب آن تمام امور عمومی و اجرایی از جمله اهداف و وظایف دستگاه های اجرایی باید براساس قانون باشد به منظور کاهش ریسک اعطای آزادی اختیارات زیاد مدیران، چارچوب قانونی شفاف و منسجمی باید ترسیم و وضع گردد که این

امر نیز انجام نشده است.

۵- اعطای اختیارات لازم اداری و مالی به مدیران دستگاه های اجرایی و واحدهای تحت نظر آنان اگر چه یکی از لوازم استقرار بودجه ریزی عملیاتی می باشد اما ترسیم یک چارچوب مشخص با لحاظ ماهیت اهداف و فعالیت های واحد مربوطه به منظور جلوگیری از هر گونه بی انضباطی مالی ضروری می باشد. این مهم باید در تمام مراحل انجام کار به ویژه اجرای نظام قیمت تمام شده صورت پذیرد که در خصوص قسمت اخیرالذکر در تبصره (ه) ماده ۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر شده است «برای اجرای نظام قیمت تمام شده، اختیارات لازم اداری و مالی به مدیران به موجب آیین نامه ای که با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تصویب هیات وزیران می رسد تعیین می گردد» که آیین نامه مذکور تاکنون به تصویب نرسیده است.

۶- قدر مسلم در بودجه ریزی عملیاتی مانند بودجه ریزی برنامه ای، انطباق عملیات و فعالیتها با برنامه ها و اهداف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این قضیه در قوانین مختلف مورد تصریح واقع شده است. طبق قسمت اخیر ماده ۲۲۳ قانون برنامه پنجم توسعه «در کلیه مواردی که برای اجرای احکام و مواد این قانون و قوانین بودجه سنواتی یا اجرای سایر قوانین در طول برنامه تصویب آیین نامه، تصویبنامه، دستورالعمل، بسته اجرایی و سایر مقررات نظیر اسناد توسعه ملی و استانی و اسناد راهبردی مربوط به قوه مجریه اعم از مراجع، مقامات و دستگاه های اجرایی مورد نیاز باشد، پیشنهاد دستگاه مربوطه پس از تأیید معاونت از جهت انطباق با اهداف برنامه و قانون بودجه به تصویب هیات وزیران یا مرجع مربوط در قوه مجریه می رسد». همچنین به موجب ماده ۵۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور «به منظور تقویت شفافیت بودجه و امکان پذیر ساختن نظارت بر انطباق بودجه با سیاستهای کلی نظام به ویژه سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه ... و اهتمام به نظم و انضباط مالی بودجه و تعادل بین

منابع و مصارف... دولت مکلف است گزارش تطبیق بودجه سال را با سیاستهای مذکور به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. لایحه بودجه سال بعد نیز باید در چهارچوب سیاستهای کلی نظام همراه با گزارش به صورت برنامه یک ساله و چگونگی تطبیق بودجه با این سیاستها تنظیم و به مجلس تقدیم شود». تحقق الزامات موصوف دست کم منوط به وجود قوانین بودجه ای جامع و منسجم به عنوان معیار انطباق می باشد که چنین امری تاکنون محقق نشده است. در مجموع باید تصریح نمود که علیرغم اینکه قانونگذار ما به ضرورت استقرار چنین شیوه بودجه ریزی رسیده است لیکن تلقی صحیحی از آن نداشته و حتی در فراهم نمودن زمینه های بنیادین آن نیز موفق نبوده است که تصریح ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه به تکلیف دولت تا پایان سال دوم برنامه در تدارک نمودن تدریجی زمینه های استقرار شیوه مذکور پس از گذشت زمان طولانی، مؤید مدعای موصوف می باشد.

بند ۲ - بایسته های حقوقی گذار به بودجه ریزی عملیاتی و استقرار آن

در بند اول، به مبانی و مشکلات فراروی استقرار بودجه ریزی عملیاتی اشاره گردید. در این گفتار با رویکردی هنجارگرا نسبت به الزامات حقوقی این گذار تاکید می شود. بیان این نکته ضروری است که متخصصان مالیه عمومی و نظریه پردازان قانون اساسی، درباره ایجاد معیارهای قانونی برای نظام های بودجه اکراه دارند. سازمان های بین المللی رهنمودهایی را برای ویژگی های مطلوب شفافیت بودجه ای منتشر ساخته اند. این مجامع به جز استانداردهای حسابرسی مستقل، ویژگی های دیگری را که باید در قوانین داخلی گنجانده شود بیان نکرده اند. در نتیجه هیچ استاندارد بین المللی وجود ندارد که الزامات قانونی ناظر بر ویژگی های مطلوب نظام های بودجه ریزی ملی را به صراحت بیان کند (Lienert, 2004, p.92). مع الوصف اصل ایجاد یک قانون جدید بودجه ای با لحاظ موضوعات

مرتبط با بودجه ریزی بوده و کشورها مجبور به پذیرش و تصویب آن خواهند شد (Lienert and Fainboim, 2010, p.3).

۱- ایجاد یک قانون بودجه مستقل

فلسفه وجودی بودجه ریزی دو عامل است: یکی، نیازهای نامحدود بشر و دوم، منابع و امکانات محدودی که در اختیار دارد. ایجاد تعادل بین این دو عامل نیازمند برنامه ریزی است. برنامه ریزی عبارت است از تهیه و توزیع و تخصیص عوامل و وسایل محدود برای رسیدن به هدفهای مطلوب در کوتاهترین زمان و با حداقل هزینه ممکن (بابایی، ۱۳۸۳، ص ۱۰). تحقق هدف مذکور مستلزم وجود عوامل مختلفی است که مهمترین آنها وجود یک قانون جامع و مستقل بودجه ای می باشد که در واقع از اصل حاکمیت قانون ناشی می شود که طبق آن، تمام ارگانهای حکومتی در کلیه اعمال خود باید تابع قانون باشند (مومنی، ۱۳۹۱، ص ۱۷). همچنین فقدان عنصر مذکور ولو با وجود دیگر اصول مانند تفکیک قوا، در نهایت، به بروز یک نظام حقوقی و سیاسی ناقص و ناکارآمد (راسخ، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) چارچوب قانونی برای بودجه ریزی عمومی در چندین سطح شکل گرفته است: قانون اساسی، قانون مدیریت بودجه (یا قانون ارگانیک که به قوانینی گفته می شود که منشاء تقنینی عادی دارند؛ یعنی به وسیله پارلمان به تصویب می رسند ولی به مثابه تدبیری برای اجمال قانون اساسی و تکمیل آن تلقی می شوند و لذا به خصلت اساسی نزدیک ترند؛ قاضی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲)، قوانین بودجه سنواتی، قوانین تخصیص خاص و مقررات مالی. بدیهی است قانون اساسی در بالاترین سطح سلسله مراتب قواعد حقوقی قرار می گیرد که اساس دیگر قوانین و مقررات است.

قوانین اساسی بسیاری از کشورها، نقش های کلی قوای قانونگذاری و مجریه، بویژه بعضی از نکات

ضروری فرایندهای بودجه را به صراحت بیان می‌کند. در تعدادی از کشورها، بخش کاملی از قانون اساسی به مالیه عمومی اختصاص دارد. بعضی از کشورهای OECD قانون اساسی نوشته شده‌ای ندارند و برخی دیگر از آنها، برای قوانین نظام بودجه، جایگاه ویژه‌ای قایل هستند. در این موارد طبق قوانین اساسی، قوانین ارگانیک فرایندهای بودجه کشور را هدایت می‌کنند (Lienert, 2004, p. 14).

اگر چه هیچ استاندارد بین‌المللی وجود ندارد که الزامات قانونی ناظر بر ویژگی‌های مطلوب نظام‌های بودجه ریزی ملی را به صراحت بیان کند، اما می‌توان گفت مرحله اول در استقرار بودجه ریزی عملیاتی، ایجاد یک نظام قانونی منسجم می‌باشد؛ نظامی که منبع قانونی مراحل مختلف بودجه ریزی محسوب گردد. از آنجایی که در کشور ما بودجه سالیانه باید طبق ماده ۱۱ قانون برنامه و بودجه کشور بر اساس مقررات این قانون و قانون محاسبات عمومی تهیه شود در حالی که اولاً ماده قانونی مذکور صرفاً ناظر بر مرحله ابتدایی بودجه ریزی (تهیه و تنظیم و پیشنهاد لایحه بودجه) بوده و سایر مراحل آن را شامل نمی‌شود؛ ثانیاً در قانون محاسبات عمومی کشور در زمینه تهیه و تنظیم بودجه کل کشور احکام خاصی وجود ندارد و بیشتر مربوط به نحوه اجرای مالی بودجه است و در قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تبصره‌های قوانین بودجه سنواتی معمولاً احکام خاصی در زمینه تهیه و تنظیم لایحه بودجه وجود ندارد و تنها تغییر نظام بودجه ریزی موجود به بودجه ریزی عملیاتی به عنوان یکی از تکالیف دولت تصریح شده است و قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی صرفاً اشاره به وظایف کمیسیونهای تخصصی، نحوه بررسی و رأی به لایحه بودجه کل کشور - بدون تعیین میزان صلاحیت مجلس در رابطه با دولت - می‌نماید که جملگی دلالت بر فقدان یک قانون بودجه جامع و مستقل ناظر بر

ساختار نظام بودجه ریزی و فرایند بودجه ریزی عملیاتی دارد می‌توان منابع قانونی نظام مطلوب بودجه ریزی را با لحاظ اصل سلسله مراتب قواعد حقوقی به قرار زیر پیشنهاد نمود:

۱- قانون اساسی

قانون اساسی متن یا عرفی است حاوی مجموعه‌ای از قواعد برتر که نظام حقوقی قدرت سیاسی در دولت را معین و حقوق و آزادی‌های مردم را تضمین می‌کند (عباسی لاهیجی، ص ۵۱). در زمینه بودجه درج احکامی به شرح زیر در این قانون الزامی است؛ احکامی که ناظر بر بنیادی‌ترین اصول مالیه عمومی می‌باشد:

۱-۱- الزام به واریز و تمرکز همه وجوه عمومی در حسابهای معینه دولتی طبق اصل جامعیت بودجه (Diamond, 7.p,2003): هدف از این امر ارزیابی وصول درآمدها و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها از این حیث می‌باشد. در قسمت ابتدای اصل ۵۳ قانون اساسی مقرر گردیده «کلیه دریافتی‌های دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می‌شود...». در ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی کشور ضمن تصریح به قاعده مذکور استثنائاتی بر آن وارد شده است (بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه).

۱-۲- انجام هرگونه تعهد و هزینه طبق قوانین و مقررات و در حدود اعتبارات مصوب: طبق اصل حاکمیت قانون که در بودجه ریزی عملیاتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در تمام مراحل تفصیلی هزینه باید قوانین و مقررات مربوط توسط مسوول ذی صلاح رعایت گردد. همچنین با توجه به اصول تقدم درآمد بر هزینه و تحدیدی بودن هزینه‌ها ایجاد هرگونه تعهد و انجام هزینه بدون وجود مجوز بودجه‌ای از قبل و یا مازاد بر سقف اعتبار مصوب ممنوع می‌باشد؛ چرا که ممکن است منجر به اختلال و حتی کسری بودجه شود. قسمت اخیر اصل ۵۳ قانون اساسی اعلام می‌دارد «همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد». البته از آنجایی که یکی از عوامل موثر

در موفقیت استقرار بودجه ریزی عملیاتی، تخصیص کامل اعتبار مصوب در ابتدای سال مالی مربوط می باشد اصلاح مکانیزم تخصیص اعتبارات در کشور که بر پایه چانه زنی استوار است جهت تحقق عامل مذکور ضروری می باشد.

۱-۳- تعیین دقیق حدود اختیارات و وظایف قوای سه گانه نسبت به کلیه مراحل بودجه ریزی: اصل تفکیک قوا با لحاظ نوع نظام سیاسی و به ویژه از حیث صلاحیتهای تجویزی و نظارتی قوه مقننه در خصوص بودجه و حدود مسئولیت قوه مجریه در مقابل آن مرجع که در بودجه ریزی عملیاتی از اهمیت زیادی برخوردار است اقتضاء می کند که این مهم در قانون اساسی به صراحت اشاره شود (نظر به اهمیت این موضوع به طور مستقل در بند ۲ این گفتار مطالبی ارایه شده است).

۱-۴- تعریف روابط مالی بین دولت مرکزی و استانها که به عنوان مثال، تمرکززدایی مالی یکی از لوازم استقرار بودجه ریزی عملیاتی می باشد.

۱-۵- درج اصول مرتبط با بودجه شامل اقتدار و پاسخگویی در کنار اصل جامعیت در قانون اساسی؛ اصل اقتدار به واسطه ارتباط تفوق مجلس بر قوه مجریه در بودجه ریزی و اصل پاسخگویی دولت به مردم یا نمایندگان آنها نسبت به دخل و خرج کشور با عنایت به جایگاه ویژه این موضوعات در بودجه ریزی عملیاتی.

۲- قانون برنامه و بودجه کشور

همانطور که ملاحظه شد منابع قانونی بودجه ریزی در کشور ما متعدد بوده و حجم قوانین و مقررات بودجه ای بسیار زیاد می باشد به نحوی که موجب سردرگمی دستگاه های اجرایی و اختلال در فعالیتهای آنها شده است؛ از جمله قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱. این قانون که به عنوان یکی از مهمترین منابع نظام بودجه ای کشور محسوب می شود اشکالات و ابهامات متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره گردید؛ اشکالاتی که استقرار بودجه ریزی عملیاتی منوط به رفع تمامی

آنها و لحاظ نمودن سایر شرایط می باشد. مع الوصف قانون مذکور پس از انجام اصلاحات می تواند به عنوان یک قانون ارگانیک حاکمیت یابد به نحوی که در کنار قانون اساسی، منبع الزام آور اقدامات مسئولان قوای سه گانه در فرآیندهای بودجه ریزی حتی وضع قانون بودجه سالیانه باشد. قانون مورد اشاره لازم است از حیث حقوقی واجد ویژگی های زیر باشد:

۲-۱- تفکیک وظایف دولتی در حوزه های «امور حاکمیتی»، «امور تصدی های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی»، «امور زیربنایی» و «امور تصدی های اقتصادی» به منظور ارتقای صرفه اقتصادی، اثر بخشی و کارایی و بهبود سطح پاسخگویی دولت با توجه به ماهیت وظایف و اختیارات.

۲-۲- درج احکام بودجه ای دایمی: علیرغم کاهش، همچنان در قوانین بودجه سنواتی شاهد احکامی هستیم که به لحاظ ماهیت دایمی شان تکرار می شوند. البته قانونگذار در دو مرحله به جمع آوری احکام مذکور در قالب قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون الحاق موادی به قانون یاد شده نمود. با این وجود لازم است علاوه بر جمع آوری احکام دایمی دیگر، تمامی آنها در قانون مورد نظر تنقیح گردند تا انسجام متون قانونی حاصل آید.

۲-۳- درج اصول دیگر مرتبط با بودجه: چنانچه در مراحل تهیه و تنظیم بودجه و اجرای آن، اصول بودجه رعایت گردد تسهیلات لازم را در امر نظارت فراهم کرده و امکانات شفاف سازی در چگونگی کسب دریافتی ها و انجام هزینه ها را میسر می سازد؛ از این رو قانونمند نمودن آنها ضروری به نظر می رسد. خاطر نشان شود که درباره بیشتر جنبه های فرآیند بودجه ریزی، هیچ استاندارد جهانی مورد قبولی در مورد اینکه کدام ویژگی های نظام های بودجه باید در قانون مقرر شوند وجود ندارد. در کشورهای اروپای قاره ای، چندین اصل کلاسیک - مانند سالیانه بودن، جامعیت، وحدت، اطلاعات تفصیلی و تعادل - مدتها راهنمای فرآیندهای بودجه

و قوانین مرتبط با آنها بوده اند. این اصول عمدتاً اصولی اند که با فرآیندهای پیش از اجرای بودجه (تدوین و تصویب) ارتباط دارند. هم اکنون برخی از کشورهای انگلوساکسون اصولی را در قوانین خود گنجانده اند که به ویژه (و نه منحصرأ) با فرآیندهای پس از اجرای بودجه ارتباط دارد. با تأکید بر اصول پاسخگویی، شفافیت، ثبات و عملکرد، بر الزامات گزارش دهی بودجه بالاخص الزام قوه مجریه به گزارش نتایج بودجه به قوه مقننه تأکید شده است (Lienert, p.143). البته اصول مذکور از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ به ویژه این امر با اتخاذ شیوه بودجه ریزی عملیاتی بیشتر آشکار میگردد. به عنوان مثال طبق اصل سالیانه، قانون بودجه برای دوره ای دوازده ماهه تهیه می شود و اجرای بودجه در سال مالی مربوط امکانپذیر است. اما گاه به منظور اعطای اختیار و آزادی بیشتر به مدیری جهت افزایش کارایی و اثر بخشی امری، اصل مذکور رعایت نمی شود. اهمیت برخی از این اصول به اندازه ای است که باید در قوانین اساسی مقرر شوند و برخی دیگر، برای قوانین موضوعه مرتبط با فرآیندهای بودجه مناسب هستند. پیشنهاد میشود سایر اصول بودجه در قانون برنامه و بودجه کشور درج گردند.

۲-۴- تصریح به مراحل بودجه ریزی و اشاره به جزئیات نقش قوای مجریه و مقننه در آن بودجه ریزی عملیاتی یک مدل مدیریت بودجه نتیجه گرا - و نه مطابقت گرا - می باشد و کلید موفقیت در این فرایند، تمرکز بر اهداف و مقاصد اولیه بودجه با لحاظ سایر مؤلفه ها است. بنابراین در قانون مورد نظر باید مراحل بودجه ریزی طوری طراحی گردند که علاوه بر اعطای اختیار عمل بیشتر به مدیران و کاهش ریسک ناشی از آن از طریق ایجاد مکانیزم مطلوب پاسخگویی، بر تحقق اهداف معین تأکید شود.

۲-۵- آرایه تعاریف دقیق و شفاف اصطلاحات و مفاهیم بودجه ای به نحوی که از امکان برداشتهای

مختلف جلوگیری کند.

۲-۶- از آنجایی که در حال حاضر توزیع اعتبار بر مبنای دستگاههای اجرایی، اصلی ترین طبقه بندی اطلاعاتی در سند بودجه است تعاریف به عمل آمده در دو قانون برنامه و بودجه و محاسبات عمومی کشور منشاء اختلاف در تشخیص دستگاههای اجرایی می باشد. در قانون برنامه و بودجه، طیف گسترده ای از وزارتخانه، مؤسسه دولتی، مؤسسه انتفاعی، استانداری و ... تا مؤسسه وابسته به شهرداری، دستگاه اجرایی شناخته شده اند. در حالی که دستگاه هایی اجرایی قانون محاسبات عمومی صرفاً در چهارگروه وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی و نهاد عمومی غیر دولتی طبقه بندی شده است. بودجه ریزی عملیاتی به دنبال تخصیص بهینه منابع به برنامه ها و فعالیتهای دستگاه های اجرایی کشور است. این تخصیص بهینه از یک جهت منوط به وجود ارتباط برنامه و فعالیتهای اجرایی با رسالتها و اهداف آن دستگاه ها می باشد. برای رسیدن به چنین هدفی شناسایی آرمان ها، مقاصد و اهداف تمامی دستگاه های اجرایی الزامی است. از این رو در قانون بایستی دستگاه های اجرایی به طور دقیق تعریف و شناسایی گردند.

۲-۷- ایجاد ضمانت اجرای مؤثر در صورت عدم اجرای قانون و اختصاص فصلی مستقل راجع به مسئولیت متخلفان.

۳- قانون بودجه سالیانه

نظر به اینکه در ایران با لحاظ اصل سالیانه بودن بودجه - به مانند بسیاری از کشورها - باید هر ساله قانونی به نام قانون بودجه کل کشور تصویب شود لذا وجود چنین قانونی اجتناب ناپذیر است. این قانون متضمن پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه ها برای یک سال مالی به منظور انجام عملیاتی که منجر به نیل به سیاستها و اهداف قانونی می شود می باشد. در تصویب و اجرای این قانون علاوه بر لزوم رعایت احکام قوانین و اصول فوق الذکر، توجه به نکات زیر نیز ضروری است:

اول اینکه به لحاظ نظری با عنایت به اینکه بودجه سالیانه، واجد ماهیت پیش بینی است ارقام مندرج در آنچه درآمدی و چه هزینه ای - منشا حقوقی مطالبات و تعهدات دولت نمی باشد؛ بلکه منشا حقوقی آنها سایر قوانین و مقررات حاکم است (فرج وند، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴) بنابراین در تنظیم بودجه سالیانه، باید آن قوانین و مقررات مربوط ملاک عمل قرار گیرند (ر.ک. به مواد ۳۷ و ۵۰ قانون محاسبات عمومی کشور).

دوم اینکه در ارتباط با ماهیت بودجه کل کشور از این حیث که آیا علی الاصول می توان به آن اطلاق «قانون» نمود یا خیر، اختلاف وجود دارد. در نگاه ابتدایی، می توان گفت با عنایت به تصویب بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی و نیز بکار رفتن واژه «قانون» برای بودجه کل کشور در قوانین و مقررات مربوط - از جمله جزء (الف) بند ۱ ماده ۱ و ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی کشور - بودجه کل کشور، قانون محسوب می شود؛ اما اندکی تدقیق در ویژگیهای ضروری قانون از جمله وجود ضمانت اجرا و نیز شرط انتشار قانون در روزنامه رسمی کشور، و ذهن را به اقوی بودن نظر مخالفین اطلاق «قانون» بر بودجه کل کشور دلالت می نماید. با این توضیح که از شرایط الزامی یک «قانون» از حیث اصول و قواعد حقوقی وجود ضمانت اجرا می باشد. همچنین برای آنکه بتوان از طریق قانون ایجاد حق و تکلیف نمود، لازمه آن، انتشار قانون است (ابوالحمد، ۱۳۸۳، ص ۸۵۱). علاوه بر این، به موجب ماده ۳ قانون مدنی «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید» و بر اساس ماده ۲ قانون مذکور «قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای اجرا مقرر شده باشد» (به عقیده برخی کارشناسان عدم شفافیت، درج تبصره های نامربوط در بودجه، تغییرات عملی در سیاستهای اقتصادی را می توان از دلایل دیگر عدم امکان اطلاق «قانون» بر بودجه کل کشور بیان کرد. ر.ک. بودجه ریزی در ایران، مسایل و چالشها؛

فصل ۶؛ ص ۱۸۲). از این رو لازم است سایر شرایط الزامی یک قانون در خصوص بودجه سالیانه نیز به منظور رفع این اختلاف انجام گیرد. موضوعی که در بودجه ریزی عملیاتی به ویژه از حیث شفافیت و لازم الاجرا بودن احکام بودجه ای سالیانه واجد اهمیت می باشد.

۲- تعیین اختیارات مشخص برای قوه قانونگذاری در بررسی و تصویب بودجه و نظارت بر اجرای آن ساختار حکومتی هر کشور با حدود مداخله قوه مقننه در بودجه ریزی آن کشور رابطه مستقیمی دارد. در نظام ریاستی که تفکیک قوای افقی حاکم است سعی می شود تا حد امکان از مداخله قوا در امور یکدیگر جلوگیری شود. البته در کشور ایالات متحده آمریکا که چنین نظامی وجود دارد استثنائاتی بر اصل مذکور ایجاد شده است؛ برای مثال می توان به دخالت کنگره در لایحه بودجه اشاره کرد. در نظام های پارلمانی نظر به اینکه دولت را اکثریت پارلمان تعیین می کند در عمل نیز تصمیمات دولت، تصمیمات پارلمان انگاشته می شود و از این رو دولت اختیار زیادی داشته و حق دخالت حداکثری در لایحه بودجه برای پارلمان نیست و در مواقعی که خلاف این امر اتفاق بیفتد، پارلمان از دولت توضیح خواسته یا حتی رأی عدم اعتماد به دولت می دهد. در نظام های نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی که در کشور فرانسه وجود دارد سعی شده تا ضمن حفظ اصل تفکیک قوا، توازن در رابطه بین دولت و پارلمان نیز حفظ شود (عباسی لاهیجی، ۱۳۸۹، صص ۳۲۵-۳۲۷؛ طباطبایی مومنی، ۱۳۹۰، صص ۱۳۴-۱۳۵). بنابراین اگرچه اختیاراتی به قوه مقننه در خصوص بودجه ریزی داده شده اما این اختیارات به حدی نیست که لایحه بودجه متحوّل و دولت با قانونی روبرو شود که با برنامه ریزی هایش در تضاد است. بنابراین با لحاظ ساختار حکومتی کشور، جایگاه قانونی پارلمان در فرایند رسیدگی و تصویب بودجه را در سه وضعیت کلی می توان مطرح کرد:

۱- «قدرت نامحدود» (unrestricted power): پارلمان می تواند هزینه ها و درآمدها را در بودجه کاهش یا افزایش دهد بدون اینکه نیازی به جلب توافق دولت داشته باشد. نظام های ریاستی در این الگو می گنجند؛ هرچند در این نظام ها در مقابل قدرتی که قوه مقننه برای اصلاح بودجه دارد رئیس جمهور نیز از قدرت وتو برخوردار است.

۲- «قدرت محدود» (restricted power): پارلمان در این نظام ها نقش محدودی در رسیدگی و تصویب بودجه دارد که اغلب شامل تعیین سقفی برای هزینه ها و حداقلی برای درآمدها است. برای نمونه در کشور انگلستان مجلس فقط می تواند با افزودن مواد الحاقی به بودجه، آن هم به طور محدود هزینه را افزایش دهد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

۳- «قدرت متوازن کردن بودجه» (Balancing budget power): در برخی کشورها قوه مقننه می تواند هنگام بررسی بودجه سطح هزینه ها یا درآمدها را افزایش یا کاهش دهد مشروط بر آنکه توازن بودجه را با اقدامی متقابل حفظ کند. در این حالت حوزه نفوذ قوه مقننه محدود به تخصیص منابع خواهد بود و نه فراتر از آن. مرجع مذکور می تواند اصلاحات مورد نظر را در زمان بررسی لایحه بودجه اعمال و با امتناع از تصویب بودجه، برنامه های اجرایی دولت را به سمت و سوی مورد نظر خود هدایت کند (شبییری نژاد، ۱۳۸۶ ص ۷۱).

با توجه به ابتدای نظام جمهوری اسلامی ایران بر نظریه ولایت فقیه، به سختی بتوان ساختار حکومتی کشور را با الگوهای ریاستی، پارلمانی و یا نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی منطبق نمود. از این رو نمی توان نتایج به دست آمده راجع به تأثیر ساختار سیاسی نظام های مذکور در بودجه ریزی را درباره ایران اعمال کرد. برای پاسخ به این سؤال که در بررسی و تصویب بودجه، مجلس از چه قدرتی (محدود، نامحدود یا متوسط) برخوردار است باید قوانین و مقررات ناظر بر صلاحیتهای مجلس را در امر بودجه ریزی بررسی نمود. برخی از اشخاص

معتقدند که محدودیت قلمرو اختیارات مجلس در مورد تصویب بودجه در اصل ۷۵ قانون اساسی مشخص شده است (هاشمی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳). بعضی دیگر اعتقاد دارند با عنایت به صلاحیت عام مجلس در قانونگذاری که طبق اصل ۷۱ قانون اساسی قابل تشخیص است و این صلاحیت در امر بودجه ریزی با دو محدودیت در قانون مذکور مواجه شده است بدین نحو که اولاً- تهیه بودجه طبق اصل ۵۲ در اختیار دولت است و نه مجلس و ثانیاً- به موجب اصل ۷۵ «طرح های قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه های عمومی می انجامد هنگامی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد» و این علاوه بر لزوم عدم مغایرت قوانین مجلس با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و قانون اساسی می باشد؛ بنابراین باید ایران را در ردیف کشورهای قرارداد که در میانه طیف قدرت نامحدود و محدود قرار دارند (نبی لو، ۱۳۸۶ ص ۳۸) و برخی نیز با عنایت به دلایل مذکور مجلس را به پارلمان هایی که نقش نامحدودی در بودجه ریزی دارند نزدیکتر می دانند (حسینی و دیگران، ص ۱۳۸). در مقابل بعضی دیگر از نظریه پردازان ضمن تفکیک بین صلاحیتهای مالی و نظارتی قوه مقننه در رابطه با بودجه، معتقدند در شیوه فعلی بررسی و تصویب بودجه، مجلس شورای اسلامی صلاحیت های مالی ویژه ای ندارد (شبییری نژاد، ص ۸۵).

شورای نگهبان در نظریه مشورتی شماره ۵۵۹۹ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۷ اعلام نموده «...اصل ۷۵ قانون اساسی ناظر به پیشنهادهای نمایندگان در لایحه بودجه نمی باشد»؛ به تعبیر دیگر به عقیده اعضای وقت شورای مذکور نمایندگان می توانند هرگونه پیشنهادی را در مرحله رسیدگی به بودجه ارایه کنند حتی اگر منبع تأمین اعتبار و یا جبران کاهش درآمد مشخص نشده باشد. این نظر شورا

با فلسفه وجودی بودجه و الزام قانون اساسی در تهیه بودجه توسط دولت سازگار نیست. اگر قرار بر این باشد که لایحه بودجه به صورت نامحدود از سوی مجلس تغییر یابد اصل توازن و تعادل بودجه سالانه متلاشی می شود (هاشمی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳). ضمن اینکه در تبصره ماده ۲۱۶ قانون آیین نامه داخلی مجلس به ضرورت رعایت اصل مذکور به معنای لزوم مساوی بودن هزینه ها با درآمدهای پیش بینی شده اشاره گردیده است. مع الوصف با عنایت به جایگاه شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی، محدودیت مبتنی بر اصل ۷۵ قانون اساسی در مقابل صلاحیت مجلس در زمینه بودجه ریزی از بین رفته است.

با این وجود نمی توان معتقد بود که مجلس دارای قدرت نسبتاً نامحدودی در امر رسیدگی و تصویب بودجه می باشد؛ چه، شورای یاد شده طی نظریه تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ بیان نموده است «حذف، الحاق و تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان پذیر نیست» و البته شورای مذکور در خصوص حذف، الحاق و تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی در صورتی که در بودجه کل کشور نیز تأثیر نگذارد به رأی تفسیری نرسیده است (مجموعه اساسی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

بنابراین با عنایت به موارد فوق مشخص می گردد حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در رسیدگی و تصویب بودجه معین نبوده و حقوق قوه مقننه را هم در امر صلاحیت تجویزی و هم در صلاحیت نظارتی بر بودجه با چالش مواجه می کند. از آنجایی که استقرار بودجه ریزی عملیاتی - در کنار سایر عوامل - نیازمند ارایه تعریف قانونی از آرمانها، اهداف، برنامه ها، فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی با لحاظ سه آیتم صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی می باشد که منحصراً در صلاحیت مجلس است و این امور نیز باید در مرحله رسیدگی و تصویب

لایحه بودجه ملاک نظر نمایندگان مجلس باشد تا لایحه پیشنهادی دولت را با آن اهداف و رسالت‌ها تطبیق دهند که این امر خود منوط به وجود چنین صلاحیتی برای مجلس است تا در صورت عدم انطباق، خود بتواند لایحه بودجه را اصلاح یا تغییر دهد ضروری است چارچوب قانونی برای تعیین اختیارات مجلس در این زمینه مشخص گردد. بدیهی است این امر مانع مخدوش شدن صلاحیت نظارتی مجلس نیز می گردد و دیگر ناکامی های دولت در مرحله اجرا به تغییرات انجام شده توسط مجلس نسبت داده نمی شود، زیرا اهداف، آرمانها، رسالت‌ها و فعالیت های دستگاه های اجرایی از قبل تعیین شده است.

۳- استقرار نظام نظارت مالی بر اساس شیوه حسابرسی مبتنی بر عملکرد

ارزیابی عملکرد دولت در بودجه ریزی عملیاتی در قالب معیارهای صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی نمایان می شود. ابزار مکمل این امر، پیاده سازی سیستم حسابرسی عملیاتی می باشد. سبکی که در دستگاه های نظارتی علیرغم تأکید قانونگذار بر آن (از جمله ماده ۲۱۸ قانون برنامه پنجم توسعه) استقرار نیافته و همچنان شیوه حسابرسی مالی و رعایت (سنّتی) که به آن «قانون رسی» نیز می گویند اعمال می گردد.

حسابرسی عملیاتی «عبارت است از فرایند رسیدگی به عملیات دوره معین هریک از دستگاه های اجرایی (در سطح خرد) و دولت (در سطح کلان) به منظور تطبیق عملیات انجام شده با توجه به منابع و مصارف پیش بینی شده در قانون و ارزیابی نتایج ناشی از برنامه میان مدت و کوتاه مدت از دیدگاه صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی و نیز اظهارنظر در خصوص هریک از کنترل‌های به عمل آمده» (حسینی عراقی، ۱۳۸۳، ص ۷). پیاده سازی چنین شیوه ای نیازمند وجود قوانین و مقررات الزام آور در مراجع نظارتی جهت انجام آن، تعریف وظایف و کارکردهای دستگاه های دولتی به منظور درک دلایل اجرای

حسابرسی مذکور، تعامل مناسب میان مراجع مذکور با دستگاه های اجرایی، وجود گزارشگری عملیاتی مناسب از سامانه حسابداری دولتی در این دستگاه ها و ... می باشد (Suzuki, 2004, p.4) که این بسترها نیز تاکنون مهیا نشده است و لازم می باشد قوه مقننه با عنایت به صلاحیت نظارتی خود وارد این عرصه نیز گردد.

۴- شفافیت و پاسخگویی مالی دولت براساس معیارهای بودجه عملیاتی

شفافیت سنگ بنای پاسخگویی است. شفافیت مالی دولت یعنی اینکه عملکرد بخش دولتی، سیاست گذارهای مالی تصمیمات دولتی، حسابهای بخش عمومی و پیش بینی های مالی دولت باید به اطلاع عموم و یا نمایندگان آنها برسد. اهمیت و ضرورت شفافیت مالی در آن است که امکان پاسخگویی را در مدیران دولتی تقویت می کند. شفاف نساختن سیاستها و برنامه ها باعث بی ثباتی، نابرابری، تبعیض و ناکارایی بخش دولتی می شود و بی اعتمادی بخش خصوصی را به بخش دولتی افزایش می دهد (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸).

پاسخگویی مالی بدان معناست که مسوولان امر پاسخ دهند که بودجه را در کجا خرج کردند و با انجام این هزینه ها و اعمال مقررات چه عملکردها و نتایج حاصل شده و این نتایج چه منافعی را برای مردم و اقتصاد کلان ایجاد کرده است. آیا قدرت اقتصادی جامعه را افزایش داده و تا چه حدی تعادل مالی جامعه را تضمین کرده است. پاسخگویی هم در بعد کلان- یعنی برقراری ثبات اقتصادی و تعادل مالی- و هم در بعد خرد، یعنی مشارکت بخش خصوصی و دولتی را در بر می گیرد.

اهمیت این بخش به قدری زیاد است که باید اصل و زوایای مختلف این مسوولیت پذیری مالی در قانون برنامه و بودجه کشور به طور جامع و مانع تصریح گردد. البته می توان میان پاسخ گویی پیش از اجرا و پس از آن در برابر قوه مقننه تمایز قایل شد. پاسخ گویی قبل از اجرا با اطلاعاتی در ارتباط است که

قوه مجریه باید برای بررسی در پارلمان در پیش نویس بودجه بگنجانند. دومین مساله با اطلاعاتی مرتبط است که قوه مجریه باید پس از اجرای بودجه رایه کند. مضاف بر این موارد، دست کم دو جنبه دیگر نیز با پاسخگویی مرتبط اند: پاسخگویی در قوه مجریه و نقش مرجع حسابرسی مستقل (Lienert, 2004, p.142). موارد زیر نیز باید در قوانین مربوط گنجانده شود:

۱- مسوولیت های بخش سیاسی قوه مجریه در برابر قانونگذار: اینکه مسوولیت در برابر قوه مقننه بر عهده یک فرد مانند وزیر دارایی یا بر عهده هیات وزیران باشد به این بستگی دارد که آیا در قانون اساسی به صورت صریح یا تلویحی، مسوولیت فردی بیان شده یا مسوولیت جمعی. قانون یا قوانین بودجه ای باید مکمل هنجارهای قانون اساسی باشند.

۲- گزارش قوه مجریه به مقننه: قانون بودجه باید محدوده و محتوای گزارش های اجرایی بودجه و حسابهای مالی سال گذشته را- که به همراه گزارش سالیانه حسابرسی مستقل تا تاریخ معینی پس از پایان سال مالی ارائه می شوند- تصریح کند و تاریخ نهایی رایه این گزارش باید بیان شود.

۳- پاسخ گویی مدیران بودجه در برابر مقامات قوه مجریه طبق اصل سلسله مراتب اداری.

۴- اختیارات، نقشها و مسوولیت های دستگاه عالی حسابرسی: درایران دیوان محاسبات کشور، موسسه عالی حسابرسی محسوب می شود. از آنجا که مرجع مذکور باید به موجب قانون اساسی تاسیس شود که این امر نیز در کشورها صورت پذیرفته است لازم می باشد الزام تحویل گزارش حسابرسی به قوه مقننه تا تاریخی مشخص در قانون اساسی گنجانده شود.

در آخر نکته قابل ذکر اینکه، تاکید بیش از اندازه بر پاسخ گویی و نظارت ممکن است بر جریان طبیعی تصمیم گیری اداری تاثیر منفی داشته و موجب افزایش هزینه ها و بار مالی زیاد و صرف بودجه عمومی و مالیاتهای شهروندان شود (زارعی، ۱۳۸۰،

نتیجه گیری و جمع بندی

بودجه عملیاتی عبارت است از «برنامه عملکرد سالانه به همراه بودجه مربوط که رابطه میان میزان اعتبار تخصیصی به هر برنامه با نتایج حاصله از اجرای آن برنامه را نمایان می سازد و حصول نتایج همراه با بالاترین سطح صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی می باشد». الزام دولت به تهیه و تدوین لایحه بودجه کل کشور و رسیدگی و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی براساس قانون برنامه و بودجه کشور و قانون محاسبات عمومی کشور که منطبق بر بودجه ریزی برنامه ای اند، از یک سو؛ و تاکید بر تغییر نظام بودجه ریزی مذکور به بودجه ریزی عملیاتی از سوی دیگر؛ اصرار قانونگذار به تحقق این شیوه و به صورت قیمت تمام شده خدمات در ماده ۱۳۸ قانون چهارم توسعه که به نوعی مترادف مفهومی آنها را دلالت دارد؛ تاکید بر ضرورت ایجاد چنین تغییری بر مبنای تحقق نظام کنترل نتیجه و محصول (ستانده) بدون لحاظ به صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی فعالیتها و خدمات و ... از جمله دلایل عدم انطباق تلقی قانونگذار از بودجه ریزی عملیات با تعریف علمی این شیوه می باشد. با توجه به فقدان قانون بودجه ای مستقل و جامع؛ عدم تعیین و تصویب اهداف و فعالیتهای دستگاه های اجرایی و شاخص های عملکرد به عنوان مناظ ارزیابی و سنجش عملکرد مسوولان امر توسط قانونگذار با عنایت به اصل حاکمیت قانون و اصل پاسخ گوئی مالی؛ اشکالات ساختاری تخصیص اعتبار با التفات به لزوم تخصیص صد درصدی اعتبار در ابتدای سال مالی در بودجه ریزی عملیاتی؛ عدم اعمال حسابرسی عملیاتی توسط مراجع نظارتی از جمله عواملی هستند که مثبت عدم وجود بسترهای لازم در نظام حقوق مالی کشور جهت پیاده سازی شیوه مورد بحث می باشد؛ همچنان که پس از تصریح قانونی از سال ۱۳۸۰ بر استقرار آن شیوه، باز هم مقنن در ماده ۲۱۹ قانون پنجم توسعه

مقرر می دارد: به منظور استقرار نظام بودجه ریزی عملیاتی، دولت موظف است تا پایان سال دوم برنامه «به تدریج زمینه های لازم» را برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه های اجرایی فراهم آورد.

منابع و مأخذ

- ۱- آذر، عادل؛ خدیور، آمنه (۱۳۹۳) بودجه ریزی بر مبنای عملکرد- پارادایم های مدل سازی، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۳) حقوق اداری ایران، تهران، انتشارات توس.
- ۳- اقتداری، علی محمد؛ تهرانی، منوچهر؛ اتحاد، مهرداد (۱۳۵۴) بودجه، تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
- ۴- بابایی، حسن (۱۳۸۳) بودجه ریزی دولتی در ایران از نظریه تا سیاست، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۵- پناهی، علی (۱۳۸۶) بودجه ریزی عملیاتی (در نظریه و عمل)، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۶- پیرنیا، حسین (۱۳۴۸) مالیه عمومی، تهران، نشر نی.
- ۷- حسن آبادی، محمد؛ نجار صراف، علیرضا (۱۳۸۷) مدل جامع نظام بودجه ریزی عملیاتی، تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- ۸- حسینی، سیدمحمدرضا؛ فاتحی زاده، محسن؛ تهرانی، ایمان (۱۳۹۱) اصل ۷۵ قانون اساسی و اختیارات قوه مقننه در بودجه ریزی، تهران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتاد، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۹- حسینی عراقی، حسن (۱۳۸۳) حسابرسی دولتی، تهران، دانشکده امور اقتصادی.
- ۱۰- دادگر کرمانجی، یداله (۱۳۷۸) مالیه عمومی و اقتصاد دولت، تهران، انتشارات بشیر علم و دانش.
- ۱۱- راسخ، محمد (۱۳۹۰) نظارت و تعادل در نظام

- حقوق اساسی، تهران، انتشارات دراک.
- ۱۲- رایدر، هری آر؛ ترجمه: مهیمنی، محمد و عبدالله پور، محمد (۱۳۸۰) راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، تهران، سازمان حسابرسی.
- ۱۳- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰) فرآیند مردمی شدن، پاسخ گویی و مدیریت دولتی، تهران، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره نهم.
- ۱۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۱) منطقی نمودن اندازه دولت از ۷ برنامه تحول در نظام اداری، تهران، معاونت امور مدیریت و منابع انسانی.
- ۱۵- سعیدی، پرویز؛ مزیدی، علیرضا (۱۳۸۵) بودجه ریزی عملیاتی، تهران، انتشارات نگاه دانش.
- ۱۶- شبیری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۶) حقوق قوه مقننه در بررسی و رأی به بودجه، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۷- صیاد، حسن (۱۳۸۸) گذار از بودجه ریزی سنتی به بودجه ریزی عملیاتی در نظام حقوقی ایران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۸- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۰) حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
- ۱۹- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۱) حقوق اداری تطبیقی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۹) رویکردهای پیشرفته در بودجه ریزی دولت، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۱- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۱) بودجه ریزی نوین در ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۲- عباسی لاهیجی، بیژن (۱۳۸۹) مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۲۳- علوی طبری، سید حسین (۱۳۷۲) اصول بودجه ریزی: مبانی امور مالی و تنظیم بودجه در آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۲۴- فرج وند، اسفندیار (۱۳۸۸) فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه، تبریز، نشر گلبار.
- ۲۵- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان.
- ۲۶- کردبچه، محمد (۱۳۸۵) نظام بودجه ریزی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۲۷- کمیته تخصصی حسابرسی مدیریت (۱۳۷۵) حسابرسی مدیریت در بخش عمومی، تهران، انتشارات مؤسسه حسابرسی مفید راهبرد.
- ۲۸- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱) بودجه ریزی در ایران: مسایل و چالشها، شماره ۴.
- ۲۹- مجموعه اساسی (۱۳۹۱) قانون اساسی - نظریات شورای نگهبان، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
- ۳۰- منشی زاده، مسعود؛ موسی زاده، مرتضی (۱۳۸۵). اصول و مبانی نظام بودجه ریزی نوین در ایران، تهران، انتشارات آزاد اسلامی قزوین.
- ۳۱- میر سپاسی، ناصر (۱۳۶۴). مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات نقش جهان.
- ۳۲- نبی لو، حسین (۱۳۸۶). بررسی نحوه تعامل قوای مجریه و مقننه در بودجه ریزی، تهران، فصلنامه اطلاع رسانی حقوق، شماره ۱۲.
- ۳۳- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵). حقوق اساسی ج.ا.ا، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان.
- 35- Anders, Kathleen k. (2001). "Beyond Results: Accountability, discretion and Performance Budge Reform", JAI, An Imprint of Elsevier Science.
- 34- Diamond, Jack (2003), "Performance Budgeting, Manging the Reform Process". IMF Working Paper.
- 35- Douglus, f, Morgan (2002). "Handbook on Public Budgeting", Portland State University.
- 38- 2GAO: General Accounting Office (1997). "Performance Budgeting: Past Intiatives Offer Insights for GPRA Implementation", Washington D.C: Government Printing Office.
- 39- 3 Hatry, H.P. (1989). "Determining the Effectiveness of Government Services", In J.L. Perry (ed), Handbook of Public Administration,

sanfrancisco.

-40 -4 Lienert, LAN (2004), "The Legal Framework for Budget Systems", OECD Journal on Budgeting 3)4).

-41 -5 Lienert, LAN and Israel Fainboim (2010). "Reforming Budget System Laws", Fiscal Affairs Department.

-42 -6Lu, Yi. (2007). "Performance Budgeting: The Perspective of State Agencies", Public Budgeting and Finance, 4)27).

-43 -7 Mercer, John (2002) "Performance Budgeting for federal Agencies: A Framework", www.john-mercer.com.

-44 -8NCSL: National Conference of State Legislatures (1994). "The Performance Budgeting Revisited: A Report on State Budget Reform", Legislative Financial Papers, No. 91, Denver co. Fiscal Affairs Program.

-45 -9Redburn, F. Stevens, J. Robert, shea and Tery F. Buss (2008). "Performance Management and Budgeting: How Governments Can Learn from Experience", M.E. Sharpe, Inc. Review, 3)30).

-46 -10Rivenbark, William C.(2004). "Defining Performance Budgeting for Local Government", Popular Government.

-47 -11Robinson, M.andJ. Brumby (2005). "Dose Performance Budgeting Work?: An Analytical Review of the Empirical Literature", IMF Report.

-48 -12Schick, Allen (1990). "Budgeting for Results: Recent Developments in five Industrialized Countries", Public Administration Review, 50.

-49 -13Suzuki, Yutaka (2004)."Basic Structure of Government Auditing by Supreme Audit Institution", Faculty of Business Administration, Gakuin University.

معرفت شناسی آینده پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه ریزی شهری، معماری و صنعت ساختمان

ابوالفضل مقیمی* - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، یزد، ایران.

چکیده

مشکلات کنونی شهرسازی و معماری، ناشی از عدم شناخت دقیق آینده شهرها و معماری مربوط به آن است. اگر وضعیت امروز جامعه نتیجه آینده نگری زمان گذشته بوده پس اشکالات عدیده‌ای در شیوه برنامه ریزی و نحوه شناخت ما از آینده در گذشته برای شهرسازان و معماران آن زمان وجود داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که آینده پژوهی در فرایند برنامه ریزی شهری و معماری جایگاه ویژه‌ای دارد که ضرورت تدوین چشم اندازهای آینده معماری و شهرسازی را رقم می‌زند. در این مقاله در رویکردی بنیادی با روش توصیفی و اسنادی به معرفت شناسی آینده پژوهی در آینده شهرها و نظام مطالعات و برنامه ریزی شهری پرداخته شده است که از روش تحلیل منطقی و تحلیل استدلالی بهره برده است. نتایج یافته‌های تحقیق به نظام جدید برنامه ریزی نوین در شهرسازی و معماری با بهره‌گیری از روشهای آینده پژوهی اشاره کرده است. فرایند برنامه ریزی سنتی، خطی و متشکل از ۶ مرحله کلی است. در این فرایند محوریت موضوع بر پیش بینی روندهای گذشته در آینده است که هیچگونه تأکیدی بر روندهای ناپیوسته که ممکن است در آینده رخ دهد نمی‌شود لذا دارای ضعف بسیار عمده‌ای در خصوص آینده نگری است چون تمام ویژگی‌های آینده را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. سناریونویسی برای آینده و تشکیل سبد سناریوها مبتنی بر متغیرهای تأثیرگذار در جامعه آینده از دیگر مراحل مهم در رویکرد نو به برنامه ریزی است که لازم است تمهیدات لازم و احتیاطی جهت برخورد با هرگونه آینده ممکن در جهان آینده اندیشیده شود.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، سیاستها و راهکارهای اجرایی، معماری و شهرسازی، پروژه‌های شهری.

Future epistemology of theoretical approaches to urban planning, architecture and building industry

Abstract

Current problems of urban planning and architecture, the lack of detailed knowledge about the future of cities and architecture; If today is the result of foresight in the past; After numerous bugs in the way of planning and urban planners in the past for the future of our understanding of the time there. This show that the future of urban planning and architecture necessary to develop a special place that marks the future prospects of architecture and urban planning. In this paper, the fundamental approach to descriptive and documentary epistemology future and the future of cities and urban planning studies are discussed. Logical and rational analysis has benefited from the analysis. The findings of the new planning system using the methods of modern urbanism and architecture futures pointed. The planning process is traditional, linear and is composed of 6 stages. The process is centered on the past to predict the future trends that any emphasis on batch processes, which may not occur in the future. Scenarios for the future and portfolio-based scripting variables in another important step in the future of a new approach to planning; the necessary precautionary measures necessary to deal with any future might be considered in the future.

Keywords: future studies, policies and implementation strategies, architecture and urban planning, urban projects.

دراز، همواره در پی نوآوری و بهره‌گیر از ابزارهای گوناگون، برای رسیدن به این آرمان بود. شاید بتوان عصر کشاورزی را سرآغاز نمایان شدن این رویا در بستر طبیعت دانست که محصول آن پیدایش پیایی تغییرات و در اختیار گرفتن مهارت طبیعت و ظهور مصنوع‌گرایی در جامعه بشری بود. انسان در عصر کشاورزی ابزارهای ساده‌ای را به خدمت گرفته بود. و با توسعه این ابزارها قدرت خود برای چیرگی بر طبیعت را افزونی بخشیده بود؛ به گونه‌ای که در عصر صنعتی و همزمان با ظهور ابزارهای دقیق و پیچیده و ایجاد کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی، رشد تغییرات در قرن بیستم میلادی از شتاب فزاینده‌ای برخوردار شد، به شکلی که اگر انسانی در قرن نوزدهم به خوابی عمیق فرو می‌رفت و در پایان قرن بیستم بیدار می‌شد، بدون تردید تاب و توان درک تغییرات پدیده آمده را نداشت. یکی از این ابزارها، آینده‌پژوهی است که در میانه قرن بیستم که پیشرفت‌های علمی و فناورانه از رشد شتابانی برخوردار شده بود و مفهوم علم بزرگ به معنای علم سامان‌دهی شده هدفمند، سنگ بنایی توسعه شناخته می‌شد، در «اندیشکده رند» در نیروی هوایی آمریکا، پای به عرصه وجود نهاد. بی تردید این دانش کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین ابزارهای عصر اطلاعات و دانایی به شمار می‌آید. آینده‌پژوهی در زمره دانش و فناوری‌های نرم است و حتماً می‌توان آن را به عنوان پیشران و محور فعالیت دیگر ابزارهای نرم قلمداد کرد. اندیشکده رند توانست با ساماندهی مستندات موجود و کسب جایگاه ویژه در فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌سازی، آینده‌پژوهی را به عنوان رشته‌ای علمی و راهبردی به جهانیان معرفی کند. با توجه به اینکه آینده‌پژوهی دانشی نوپدید است، گاهی در مورد آن اجماع نظری وجود ندارد؛

جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده است؛ تغییرات چنان غافل‌گیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم‌توجهی به آن می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد تلاش برای «معماری آینده» است، اگرچه این تلاش همواره با خطرپذیری فراوان قرین بوده است؛ اما به هر حال پذیرش این مخاطره به مراتب عاقلانه‌تر از نظاره‌گر بودن به تحولات آینده است (خزائی، ۱۳۸۶، ص ۳). از اوایل دهه ۷۰ میلادی علم و هنر «آینده‌نگاری» به عنوان ابزار سیاست‌گذاری به طور رسمی در چند کشور محدود به خصوص ژاپن به کار گرفته شد ولی از اوایل دهه ۹۰ میلادی به طور گسترده با همکاری نهادهای بین‌المللی جهت توانمندسازی کشورها این روش استفاده شد و امروز به عنوان رویکرد غالب برنامه‌ریزی در اکثر کشورهای توسعه یافته درآمده است. (ناظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). «آینده‌پژوهی» دانشی است که عقلانیت و تکرارپذیری بر آن حاکم است، این دانش برای مطالعه آینده برخلاف طالع‌بینی و غیب‌گویی از ابزارهای علمی و منطقی به جای ابزارهای جادویی و شهودی استفاده می‌کند. هر کسی می‌تواند مبانی دانشی و روش‌شناسی علمی آینده‌پژوهی را فراگیرد و به اندازه سطح دانش خود از آن بهره‌برداری نماید. این در حالی است که روش‌های طالع‌بینان و غیب‌گویان برای همگان قابل استفاده نیست.^۱ بشر از دیرباز، آرزوی تصرف در طبیعت و تغییر آن بر پایه خواسته خود را در سر می‌پروراند و در طی سالیان

۱. در رابطه با تفاوت غیب‌گویی و آینده‌پژوهی در معماری می‌توان گفت که؛ غیب‌گویی بر خود موضوعات متمرکز می‌شود لکن آینده‌پژوهی، آینده حوزه‌های کلان را بررسی می‌نماید. به عنوان مثال در رابطه با موضوع قیمت مسکن و تحولات بازار در سال ۱۳۹۴، غیب‌گویی امکان بالاتر رفتن قیمت مسکن در سال ۱۳۹۴ را صفر (بالا رفتن) یا یک (پایین آمدن) عنوان می‌کند، اما آینده‌پژوهی تأثیرات حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، فرهنگ و تحولات مذاکرات ۱+۵ را بر قیمت مسکن در ده سال آینده یا طول مذاکرات اتحادیه اروپایی را بررسی می‌کند. آینده‌پژوهی دانش و رویکردی اسرارآمیز و جادویی برای اظهارنظر درباره‌ی آینده نیست، و لذا آینده‌پژوهی، صرفاً توجه انسان به آینده را عقلانی‌تر (در اینجا بازار مسکن) را بررسی و در نتیجه بسیار موفقیت‌آمیزتر نموده است.

به همین دلیل باید به نوعی از هم‌زبانی در این عرصه برسیم و دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف را در این زمینه بررسی کنیم. پس از گذر از چند مرحله تاریخی که در عرصه معرفت‌شناسانه داشتیم، به رویکردهای تجربی می‌رسیم که یک سنت امریکایی است و نوعی استبداد پوزیتیویستی بر آن حاکم است و طبیعتاً نقدهایی هم بر آن وارد بوده است. پس‌پوزیتیویست‌ها نقدهای شدیدی را بر این مسئله داشتند و از طرفی می‌شود گفت حتی خود پوزیتیویست‌ها که الان مورد نقد قرار می‌گیرند؛ بزرگ‌ترین کمک را به واقع‌گرایی انتقادی و به ساحت علم کرده‌اند که در زمان خود حائز اهمیت بودند. پوزیتیویست‌ها هم به نوعی با نقد پوزیتیویسم توانستند زمینه‌های لازم را برای واقع‌گرایی یا خردگرایی انتقادی فراهم کنند و همه اینها مراحل تکوین و نمود اندیشه‌های بشری است. از سویی دیگر، آینده‌پژوهی از حدود یک دهه پیش (البته بسیار دیر) توجه محققان و متفکران کشور را به خود جلب نموده است. اما باید پذیرفت که این دانش به دلیل عدم آشنایی و مساعدت مسئولان کشور و فقدان زیرساخت‌های فکری- فرهنگی موردنیاز، هنوز به شکلی شایسته در کشور نهادینه نشده است و برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، خود را در بالاترین مرتبه ممکن به مدیران و سیاستگذاران ارشد تحمیل نکرده است. تاکنون سازمان‌های مختلف خصوصی و دولتی در کشور اقدام به فعالیت در حوزه آینده‌پژوهی نموده‌اند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به اندیشکده صنعت و فناوری (اصف)، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی اشاره کرد. این مجموعه با یاری یکدیگر اقدام به شکل‌دهی انجمن آینده‌گری ایران نیز نموده‌اند. اما تاکنون به دلایل متعدد از جمله عدم ایجاد زیرساخت‌های فکری و فرهنگی مورد نیاز در سطح جامعه هیچ پروژه‌ی مطرحی انجام نشده است. در این مقاله به

مفهوم آینده‌پژوهی و تعاریف و سطوح آن اشاره شده و در پایان رویکردهای نوین برنامه‌ریزی را با توجه به مراحل آینده‌پژوهی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

مواد و روشها

روش تحقیق این مقاله روش اسنادی و توصیفی است که بنا به ماهیت تحقیق که «معرفت‌نظری» و «رویکرد بنیادی» دارد، از روش «تحلیل استدلالی» و تبیین توصیفی بهره برده است. همچنین از ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی برای بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع استفاده شده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی

در «آینده‌پژوهی» همواره صحبت از آینده‌ها است. آینده‌پژوهان معتقدند چندین آینده متفاوت می‌تواند شکل بگیرد. هر فرد، سازمان و کشوری می‌تواند آینده خود را طراحی و معماری نماید. آینده‌های ترسیم شده از عدم قطعیت برخوردارند و هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که به طور کامل محقق گردند. اما غیب‌گویان معتقدند فقط یک «آینده محتوم» وجود دارد و امکان تغییر ارادی و یا غیرارادی در این آینده قطعی وجود ندارد. همچنین آینده‌پژوهی به دنبال یک برخورد فاعلانه با آینده است. «آینده‌پژوهی» مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است. آینده‌پژوهی برابر عبارت لاتین «Futures Study» است. واژه جمع Futures به این دلیل استفاده شده‌است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روشها و بجای تصور «تنها یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورزانه، در مورد نه تنها «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده

گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (برایسون ریچارد، ۱۳۹۱). در توصیفی عمومی آینده پژوهی می‌تواند روش علمی و تجربی برای درک و فهم آینده باشد. در خلال سالهای زایش و بالندگی آینده پژوهی، همواره مجادله و گفت‌وگویی بر سر گزینش بهترین نام و عنوان برای این حوزه از پژوهش در جریان بوده است. دشواری نامی کامل برای این حوزه، برخاسته از این واقعیت است که مطالعه آینده همچنان مسیر دانشگاهی متمایزی برای مطالعه و پژوهش بوده است (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

آینده پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه است و انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تغییرات و پیشرفت‌های سرسام‌آور محافظت می‌کند.

این دانش وسیله‌ای برای کسب نان و نام نیست، بلکه ابزاری برای خدمت به بشریت و جامعه انسانی است و می‌کوشد استعدادها و توانایی‌های انسانهای خردگرا را برای ساختن آینده‌ای بهتر متحد نماید، و به انسان می‌آموزد که چگونه آینده‌ای مطلوب را برای سازمان و یا جامعه خود ترسیم کند و از آن به عنوان عاملی برای رشد و تکامل خود بهره‌برداری نماید. در واقع در آینده پژوهی، همواره سخن از آینده‌ها است و آینده پژوهان باور دارند که فرا روی هر فرد، سازمان و یا جامعه‌ای، آینده‌هایی متفاوت وجود دارد و آینده مطلوب را باید طراحی و معماری کرد. آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، آرایه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب هستند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جمع به آینده‌ها قرار میدهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک میکنند. طبق تعریف، آینده‌نگاری فرایندی است مبتنی بر گفت‌وگوهای اجتماعی معطوف به آینده، با حضور گروه‌های کثیری از خبرگان رشته‌های مختلف و

نمایندگان همه ذی‌نفعان یک موضوع و به منظور خلق چشم‌اندازهای همه‌جانبه و بلندمدت از آینده، نتایج آینده‌نگاری مبنای برنامه‌ریزی استراتژیک را تشکیل می‌دهند، در آینده‌نگاری مشارکت گسترده‌ی افراد و سازمان‌ها در فرایند انجام آن، علاوه بر آن که موجب می‌شود آینده از منظرهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بررسی شده و راه‌کارهای معماری آینده ارائه می‌شود، انگیزه و باور عمومی را برای شکل بخشیدن به آینده‌ی مطلوب را در سطح وسیعی ایجاد می‌کند. امروزه میزان مشارکت گسترده در آینده‌نگاری شاخصی از مردم‌سالاری دولت‌ها در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به شمار می‌رود.

معرفت‌شناسی آینده پژوهی

اصطلاح «معرفت‌شناسی» ریشه در زبان یونانی دارد؛ یونانیان از این اصطلاح برای اشاره به دانش کاملاً قطعی یا به تعبیر خود، معرفت، استفاده می‌کردند و در مقابل، گمان صرف را «دوکسا» می‌نامیدند. معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی، در حقیقت، نظریه‌ای معرفتی در باب دعاوی راستین مربوط به گذشته و حال، و به ویژه گزاره‌های صدق‌گونه‌ای است که آینده‌پژوهان درباره‌ی آینده مطرح می‌کنند. آیا مجادلات اخیر در حوزه فلسفه علم معماری و شهرسازی که پرسش‌هایی جدی درباره‌ی تلقی استاندارد - یا به تعبیر ما، دیدگاه مقبول در مطالعات شهری یا رویکردهای نظری معماری و شهرسازی - مطرح ساختند، تأثیری بر آینده‌پژوهی داشته‌اند؟ آینده‌پژوهان تنها به واقعیت‌های گذشته و حال نمی‌پردازند بلکه گزاره‌هایی نیز درباره‌ی آینده‌ای که وجود ندارد و هیچ شاهدی از آن در دست نیست مطرح می‌سازند؛ علم نیز همچون هر فعالیت انسانی دیگر بدون جامعه، وجود نخواهد داشت. علم، بخشی از جامعه‌ای بزرگتر است؛ جامعه‌ای که در آن نمود می‌یابد و اعضای گروه‌های مختلف علمی، یعنی دانشمندان علوم اجتماعی و طبیعی، در حقیقت، اعضای خانواده‌ها، محله‌ها، شهرها، ملت‌ها

و کشورهای آن هستند. به همین دلیل تحولات و جریان‌های اعتقادی گسترده در محیط اجتماعی علم، کمابیش بر شکل‌گیری آن مؤثر خواهند بود. «آینده‌شناسی» یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش بینی کردن. آینده‌اندیشی دالانی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می‌کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ‌های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم. در ژاپن میزا، در روسیه پراگنوزیا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی‌های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد. بر این پایه، کاربست آینده پژوهی نیازمند بهره‌گیری از نسخه‌ی بومی شده‌ی آن است. همچنین آینده پژوهان واقعی در ارزیابی کوشش‌های دانش بنیان خود همواره اینگونه پرسش‌ها را از خود می‌پرسند: ۱. کدام یک از فعالیت‌های پژوهشی می‌تواند در راه خدمت به جامعه بشری و رشد و تعالی انسان مورد

بهره برداری قرار گیرد؟
 ۲. آیا تاکنون توانسته ایم مشکلی از مشکلات امروز جامعه انسانی را حل کنیم یا راه حلی را برای آن ارائه دهیم؟
 ۳. آیا با دیگر آینده پژوهان که به مسایل امروز جوامع می‌اندیشند، برای ایجاد یک خرد جمعی و جهانی همکاری میکنیم؟
 ۴. آیا اصول و مبانی دانش آینده پژوهی را برای کمک به پیشرفت جامعه خود و دیگر جوامع به کار گرفته ایم؟

بدون تردید، ملتی که دانش کشف و مهندس آینده را از دیگران تقلید کند، راه خطا در پیش گرفته است و آینده خود را بر پایه ارزش‌های دیگران توصیف کرده خواهد ساخت. دانش ارزش بنیان آینده پژوهی معتقد است در فرآیند خلق و تصویر پردازی آینده-ی مطلوب، ارزش‌های حاکم بر جامعه از نقشی انکارناپذیر برخوردار هستند؛ به گونه‌ای که آینده از دید جوامع گوناگون، می‌تواند به شیوه‌هایی متفاوت ترسیم شود. مسئولان هر جامعه می‌توانند با ترسیم آینده آرمانی و توصیف جزئیات مطلوب و دلچسب آن، روند ترسیم و تصویر پردازی جامعه از آینده را تحت تاثیر قرار دهند. این رویکرد در فرایند برپایی آینده سبب رقابت بین جوامع گوناگون شده است و آینده پژوهی را در عرصه امنیت به ابزاری کارآمد مبدل ساخته است. پنهان نگه داشتن قسمت‌هایی از تصویر آینده مطلوب، می‌تواند سلاحی نرم برای

جدول ۱. مقایسه میان پیش‌بینی و آینده‌نگاری؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پیش بینی	آینده نگری
با حضور چند خبره	با مشارکت گسترده وسیعی از سطوح مختلف مردم
متمرکز بر حوزه‌های خاص	متمرکز بر حوزه‌های عام و کلان
فقط تحلیل آینده	تحلیل و طراحی آینده
آینده‌ی مطلوب تعیین نمی‌شود	راه کارهای تعیین آینده‌ی مطلوب ارائه می‌شود
ساختن آینده بررسی نمی‌شود	راه کارهای ساخت آینده بررسی می‌شوند
انگیزه برای شکل‌دهی آینده وجود ندارد	باور عمومی و مشارکت جمعی برای تحقق چشم‌انداز وجود دارد

پیشی گرفتن از رقیبان تلقی شود.

مفهوم شناسی آینده نگاری

«آینده نگاری» کار خود را با شناسایی آینده بدیل آغاز می کند و با بررسی آن ها، امکان وقوع و اثربخشی هر انتخاب را مشخص می کند. بعد از این مرحله نوبت به انتخاب گزینه مطلوب براساس معیارهای امکان و اثربخشی می رسد (در واقع خروجی این مرحله لیستی از اولویت های برتر از تصاویر آینده می باشد. آینده نگاری ابزاری برای درک آینده های محتمل، آمادگی بهتر برای رویارویی با آینده و تصمیم سازی برای نیل به آینده ای مطلوب است. آینده نگاری شامل تلاشی نظام مند برای بررسی و خلق آینده ی درازمدت علم، فناوری، اقتصاد، محیط و جامعه به منظور شناسایی فناوری های عام نوظهور، حوزه های پرمفعت اقتصادی و سایر حوزه های زیربنایی راهبردی است که به احتمال فراوان، بیشترین منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را خواهند داشت. آینده نگاری نوعی مدیریت و مهندسی جامع آینده و ایجاد فرصت برای ساختن آینده ی مطلوب است. در بسیاری از موارد آینده نگاری با سایر فعالیت های مشابه، مانند پیش بینی و برنامه ریزی راهبردی اشتباه گرفته می شود. آینده نگاری نباید با پیش بینی که دارای پیش فرض هایی ثابت در مورد چگونگی شکل گیری آینده است، اشتباه گرفته شود. آینده نگاری به دنبال پیش گویی نیست، بلکه فرایندی است که با تمرکز بر خلق آینده در پی خلق چشم اندازهای مشترک از آینده است، چشم اندازهایی که سازمان ها را بر آن می دارد که فعالیت های امروز خود را با آن ها منطبق سازند. آینده نگاری جایگزین پیش بینی، آینده اندیشی و برنامه ریزی راهبردی نمی شود. هر یک از این فعالیت ها در فرایند آینده نگاری نقش خود را ایفا می کنند، و در بسیاری از موارد، به طور متقابل یکدیگر را حمایت می کنند. پس از این انتخاب و مقایسه با وضعیت حال، برای رسیدن به گزینه انتخاب شده راه کارهای لازم

ارایه می شود. از این مرحله، کار به فرایند برنامه ریزی راهبردی ارتباط داده می شود که از وظایف آینده نگاری نیست. آینده نگاری در شناسایی مقصد یا هدف تلاش می کند. آینده نگاری فراتر از مجموعه ای از روش ها، فرایندی از مشاوره و تعامل بین جامعه علمی، ذی نفعان دستاوردهای تحقیقاتی و سیاستگذاران است. این فرایند منظم و مستمر در پی خلق آینده ای مطلوب در افق ده تا سی سال و با دو هدف زیر است:

۱. شناسایی سریع فناوری های عام نوظهور؛ فناوری هایی که استفاده از آن ها منافی برای جامعه دارد. این گونه فناوری ها هنوز در مرحله پیش رقابتی قرار دارند و می توانند برای سرمایه گذاری انتخاب شوند.

۲. شناسایی حوزه های تحقیقات راهبردی؛ این تحقیقات پیش زمینه ای برای حل مسایل علمی شناخته شده ی فعلی یا آتی خواهند بود.

در برنامه های مختلف آینده نگاری اهداف گوناگونی برای آینده نگاری در نظر گرفته شده است. این طیف از فراهم نمودن قابلیت هشدار زود هنگام تا ایجاد وفاق عمومی متغییر بوده است. برخی از برنامه های آینده نگاری بر پشتیبانی برنامه ریزی و برخی بر آموزش تاکید بیشتری داشته اند. عده ای از برنامه ها بر تلاش، جهت انگیزش مردم تأکید می کردند. در حالی که باقی بر تلاش برای فهم بهتر روندهای جامعه تأکید می کردند. این اهداف در ظاهر بی ارتباط به نظر می رسند، اما می توان آنها را در قالب سه موضوع اصلی تقسیم بندی کرد:

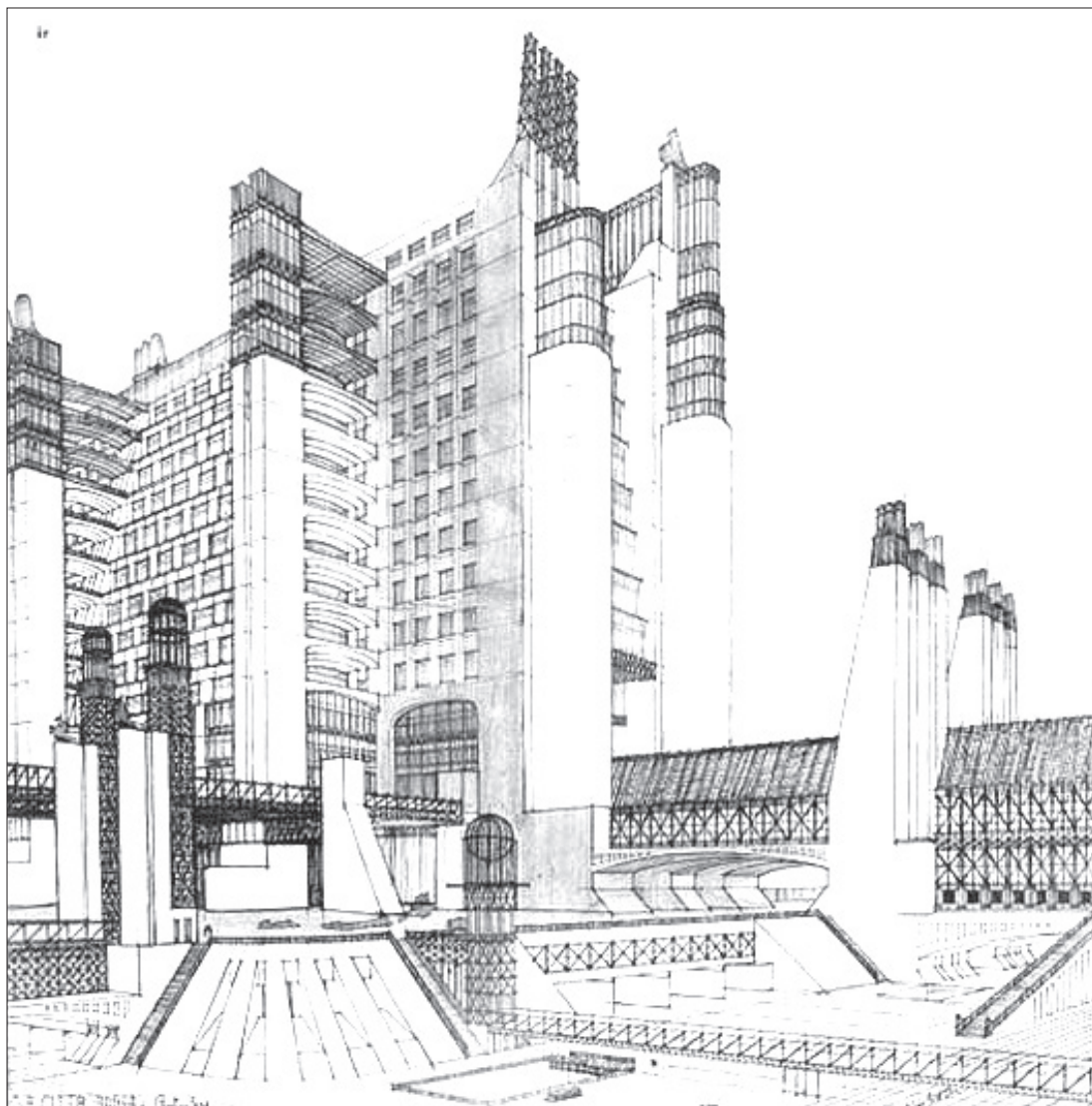
۱. ساختن اطلاعاتی که به روند تصمیم گیری کمک کند؛

۲. زمینه سازی و ایجاد مدل های ذهنی مبتنی بر آینده نگاری؛ و

۳. تشکیل یک چشم انداز گروهی برای آینده و دستیابی به وفاق عمومی.

مهم ترین هدف آینده نگاری تصویرسازی، خلق و ترسیم چشم انداز (آینده مطلوب) است؛ چرا که

- تعریف هدف ماهیت ارتباط با فرایند تصمیم گیری را مشخص می سازد. پیامدهای اصلی آینده نگاری عبارتند از:
۱. کشف فرصت های آتی جهت تعیین اولویت های سرمایه گذاری در زمینه فعالیت های علم و نوآوری.
 ۲. جهت دهی نظام علم و نوآوری.
 ۳. وارد کردن بازیگران جدید به حوزه های راهبردی.
 ۴. ایجاد شبکه ها و پیوندهای جدید در سطوح گوناگون جامعه.
- فرایند انجام هر برنامه آینده نگاری شامل چهار فاز است:
۱. «فاز یک»: تعیین چارچوب و الگوی مفهومی؛ هدف این فاز سازمان دهی و استقرار پایه های برنامه است. این مرحله که شامل تعیین هدف، روش شناسی و انتخاب کارشناسان برنامه آینده نگاری است.
 ۲. «فاز دو»: تعیین پارامترهای کلیدی؛ با استفاده از گروه های متنوع کارشناسان و اطلاعات جمع آوری شده، متغیرهای کلیدی برنامه مشخص می شوند. این فاز نیز خود شامل دو گام شناسایی و انتخاب گزینه می باشد.
- «شناسایی»: شناسایی کارشناسان، دست اندرکاران و افراد تاثیرگذار در فرایند و شناسایی مؤلفه های



تصویر ۱. طرح سنت الیا برای شهر آینده - اولین جریان علمی مدون درباره آینده شهرها و طراحی شهرهای آینده توسط

انتونیو سنت الیا؛ ماخذ: Gtalk.ir

مربوط و زیربخش های موردنظر؛ درک و تبیین رسالت برنامه.

• «انتخاب»: دسته بندی افراد مرتبط با برنامه، انتخاب کارشناسان، ایجاد چارچوب مفهومی کلی که یک مدل مرجع برای فهم سیستم و پایه ای برای تصمیم گیری است.

۳. «فاز سه»: تهیه سناریو؛ در این فاز برهم کنش بین متغیرهای کلیدی تحلیل می شود و از این طریق تعدادی سناریو طراحی می شود.

۴. «فاز چهار»: اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی؛ اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی اهمیت برابری دارند که بر حسب نوع و اهداف برنامه آینده نگاری تغییر می کنند.

النزام آینده پژوهی در معماری و شهرسازی

آینده امری است که انسان می تواند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهد. آدمی برای آنکه عاقلانه عمل کند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود، دیگران و واکنشهای آنان و همچنین نسبت به نیروهایی که خارج از کنترل اوست، آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. که این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می دهند. بنابراین به منظور مطالعه این موضوعات، رشته جدیدی پدید آمد که هدفش مطالعه منظم و نظامدار آینده است؛ این رشته به نامهای مختلفی همچون «مطالعات آینده، قلمرو آینده، تحقیقات درباره آینده، آینده پژوهی، و یا آینده نگری» نامیده می شود و متخصصان آن نیز آینده پژوه نامیده میشوند. امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب تر رخ می دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت ها، کسب و کارها، سازمان ها و مردم ایجاد

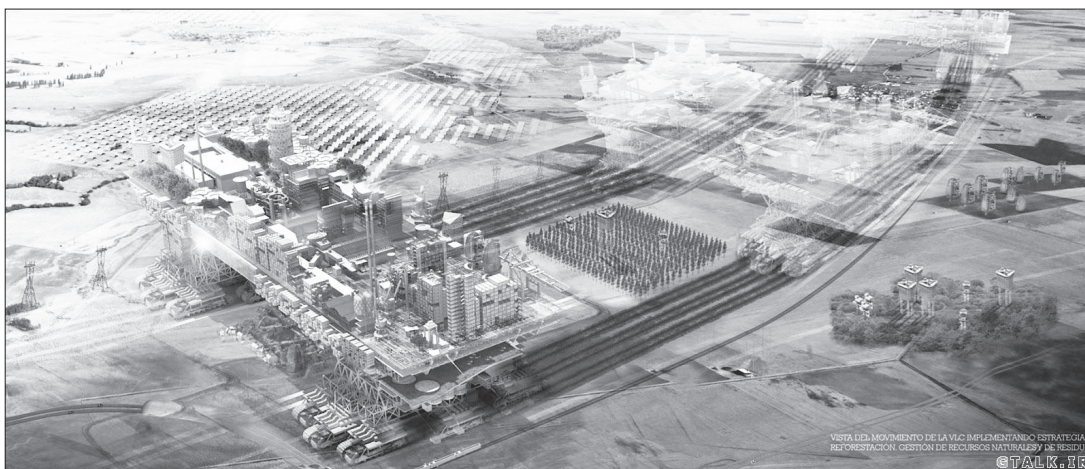
می کند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه هایی از اطلاعات و واقعیت ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می توانند رهنمون ما به آینده باشند. در «جمهوریت» افلاطون نگرش به جامعه آینده بر اساس عدالت شکل گرفته است. خدای شهر، سنت آگوستین، جامعه ای است که بر محبت و عشق بنیان نهاده شده در تقابلی آشکار با انسان شهر قرار دارد که بر پایه غرور و خودخواهی بنا شده است. سنت آگوستین معتقد است: خدای شهر آرمانی او را می توان به شیوه ای واقعی و از راه ایجاد تغییر در ساختار انسان شهر پی ریزی کرد. ما همچنین می توانیم به «آتلانتیس نوین» فرانسیس بیکن نظری بیندازیم. این آرمان شهر، جامعه ای بر مبنای گسترش انسانی را طراحی می کند. در «آرمان شهر» توماس مور نیز مالکیت اشتراکی اموال و سرمایه ها در کانون توجه و نظریه پردازی قرار دارد و انسان بخشی از این جامعه ی آرمانی به شمار می رود. می توانیم از این نمونه ها پارا بگذریم و به آرمان های اجتماعی کانت و مارکس نگاهی بیندازیم. این نظریه پردازان اخیر، توجه به حل مسایلی که جامعه را در تنگنا قرار می دهند، وجه همت و دستمایه نظریه پردازی خود ساخته اند. سرعت تغییرات آنچنان سرسام آور است که دیگر نمی توان با روش های سنتی با آنها کنار آمد. «اگر با تغییرات همگام نشوید، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد». اما آیا امکانی برای آگاهی یافتن از آینده برای ما وجود دارد؟ قطعاً در مورد آینده هیچ چیز یقینی وجود ندارد و این از اصول آغازین آینده شناسی است. اما اصل دیگری هم وجود دارد که: انسان می تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد. در این میان دانشی زاده می شود که کوشش می کند با پیش بینی عوامل اثرگذار در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. آینده پژوهی فراتر از پیش بینی است و ادعای پیش گویی هم ندارد. آینده پژوهی هنر

شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم‌اکنون هم به آینده جهان به دلخواه خواسته خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت از هم فروپاشیدند. آنها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر دانش شناخت تغییرات است. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. از نظر برخی نویسندگان مانند مارین ۱۹۸۷، آینده پژوهی چنان از هم گسیخته است که نمی‌توان آن را حوزه‌ای یکپارچه به شمار آورد. بی‌تردید آینده پژوهی گستره وسیعی از موضوع‌ها را در بر می‌گیرد. هر پدیده‌ای، احتمالاً آینده‌ای دارد و به همین دلیل این احتمال نیز وجود دارد که ما از آینده تمامی پدیده‌ها را کندوکاو کنیم، از موجه خوار و خانواده و سیاست تا فیزیک، گیتی، و مخمرشناسی، همگی می‌توانند موضوعی برای آینده پژوهی باشند، افزون بر این، کارشناسان مورچه‌خواران، خانواده و سیاست، صلاحیت اظهار نظر درباره آن‌ها را دارند، نه آینده پژوهان. با این همه، برای تلاش یکپارچه و کل‌گرایانه‌ی آینده پژوهان نیز جایگاهی وجود دارد. این جایگاه گرچه مبتنی بر دانش تخصصی است اما اغلب، آینده پژوهی را در جایگاهی فراتر از دانش تخصصی قرار می‌دهد. کارشناسان، گاه از درک چگونگی تاثیر رویدادها، فرایندها و اقدام‌های خارج از حوزه تخصصی خود و پدیده‌های مورد مطالعه، ناتوان هستند. افزون بر این، حوزه‌های مطالعاتی دیگری که توانسته‌اند تا اندازه‌ای انسجام فکری خود را حفظ کنند، تفاوت چندانی با آینده پژوهی ندارند. ادامه «تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای برخی، توجیه‌کننده نداشتن دور اندیشی آنان و برای عده‌ای دیگر منبعی گرانبها از فرصت‌هاست. به طور

ویژه مطالعه در گذشته نزدیک و حتی امروز در حوزه رویکردهایی که با مفاهیم فلسفی غرب به ویژه دیدگاه‌های «جان لاک»، «جی دابلیو لاینیتس»، «فردریک هگل»، «امانوئل کانت» مرتبط هستند. به طور کلی سه سطح نگرش به آینده، بازتاب دهنده‌ی سه رویکرد فلسفی نسبت به آینده است: رویکرد نخست از نیاز به تغییر شتابان و آگاهی از مقصد جهان ناشی می‌شود. این رویکرد شامل داده‌هایی از گذشته و حال است که راهی به سوی آینده‌های متحمل را به تصویر می‌کشد و کمک می‌کند که تشخیص دهیم اندیشه شکل گرفته است که چیزی در حال تغییر است. این رویکرد شناخت آینده که مبتنی بر استنباط و سنگین ساختن کاربرد شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی است، به گونه‌ای گسترده از پایان جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و اکنون دوباره به عنوان رویکرد به میزان قابل توجهی از «فلسفه جان لاک» سرچشمه می‌گیرد و بر داده‌های تجربی تکیه دارد. آینده-پژوهی دانشی است که بر دورنماها و پیش‌انگاشت‌های ویژه‌ای استوار است که با کمک آن‌ها به تفکر نظام یافته‌ی صریح پیرامون آینده می‌پردازد. در این دانش نظریه‌ها، روش‌ها و ارزش‌هایی وجود دارد که با شناسایی آینده‌های بدیل و تعیین آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، آینده فراهم ساخته تا کنترل بر آن افزایش یابد. به بیانی روشن‌تر، آینده پژوهی برای مطالعه آینده و تحقق اهداف کلیدی خود، در پی آن است که انتظارات از آینده را شناسایی کرده و کمک کند که تمامی توان و ظرفیت عوامل شکل دهنده آینده در راستای تحقق مطلوب‌ترین بدیل آینده، جهت‌دهی شوند. آینده پژوهی متعالی بر این باور است که جهان، کشور بزرگ تمامی انسان‌هایی است که در آن سکونت دارند و هر دستاورد مشترک علمی پژوهشی به نفع تمامی آنها خواهد بود. به طور کلی در تبیین اهمیت آینده پژوهی میتوان به این موارد اشاره کرد:

زمینه جامعه‌شناسی که علم نوپایی شناخته می‌شد، در آمریکا انجام گردید. این گروه برای نخستین بار روش شناسی علمی همچون «برون یابی»^۱ و بررسی‌های علمی را در مورد روندهای اجتماعی روز آمریکا به انجام رسانده و ضمن انتشار اولین کاتالوگ روندها در آن کشور، موفق به آینده‌بینی‌های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شد. همچنین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوریهای مورد استفاده در آلمان و ژاپن، شیوه‌های نوینی برای آینده پژوهی ابداع شد و در نتیجه آن دستاوردهای مهم فناوری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشک‌های بالیستیک قاره پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش بینی شد. برای معرفی سیر تحول تاریخی آینده پژوهی، گستره وسیعی از جریانهای اصلی و خاستگاه‌های گوناگونه را باید شمرد. بررسی کامل تاریخچه آینده پژوهی و نیازمند تلاشی گسترده و معرفی صدها جریان، و سازمان است تلاش‌های دانشمند جامعه شناس به نام ویلیام اف آگبرن و همکاران او به ویژه «اس کولوم. گیل فیلان» را می‌توان سرآغاز یکی از این جریانها دانست. آگبورن در دهه ۱۹۳۰ میلادی می‌خواست جهت گیری

۱. ایجاد فضایی مطمئن برای بررسی موضوعات پیچیده و مناقشه آمیز؛
۲. بررسی صحت و به چالش کشیدن تفکر گروهی؛
۳. کشف رویدادها و جریانات علمی، فناوری، اقتصادی و سیاسی که برای کاربران دارای اهمیت ویژه هستند؛
۴. ایجاد سامانه هشدار سریع به مدیران و سیاستگذاران در خصوص روندهای همگرا، واگرا، شتابنده، کند شونده یا متعادل؛
۵. ایجاد شبکه‌های جدید و ترمیم روابط مخدوش؛
۶. ایجاد چشم انداز مشترکی و مشخص ساختن چگونگی حرکت رو به جلو برای نهادهای مشترک المنافع؛
۷. تعریف فرصت‌ها، تهدیدها و یا دگرگونی‌های بالقوه ای که دلالت بر وقوع رویدادها و جریانات مذکور دارد؛
۸. ارتقای تفکر آینده پژوهی در افراد، سازمانها، ملت و جوامع مختلف.
پیشینه آینده پژوهی
نخستین فعالیت آینده پژوهی در قالب یک بررسی علمی در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط گروهی از پژوهشگران و با سرپرستی «ویلیام اف آگبرن»^۱ در



تصویر ۲. شهر متحرک Ron Herrons یکی از طرح‌های Archigram بوده که در سال ۱۹۶۰ مطرح شده و از نظریه‌هایی بوده که در معماری نفوذ کرده است. با این حال، طراحی این شهر بزرگ به عنوان یک شهر متحرک (راه رونده)، از جمله پیشنهادی قوی برای تولید و حفظ انرژی در معماری آینده می‌باشد؛ ماخذ: Gtalk.ir

1. William F.Ogburn

2. Extrapolation

های آتی تحولات اجتماعی را بشناسد و از این راه به بهبود برنامه ریزی کمک کند. «ناتان ایزریلی» نیز به کنکاش احتمالات آتی و ارزیابی مردم از آنها می پرداخت تا آگاهی جامعه را نسبت به آینده افزایش دهد. برنامه ریزان ملی روش هایی برای آینده اندیشی ابداع کردند تا به کمک آن ها وظایف خود را بهتر انجام دهند و به این ترتیب توانستند جنگ جهانی اول را مدیریت کنند. برای رکود اقتصادی بزرگ چیره شوند. تحولات اجتماعی را در روسیه کمونیستی، ایتالیای فاشیستی و آلمان نازی هدایت کنند و در نهایت راهبردهایی برای اداره جنگ جهانی دوم و نیز بازسازی جهان پس از جنگ بیابند. اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته است. پیشگویان و کاهن ها نمونه هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند، به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند. نخستین نشانه های جدی تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می شود، دورانی که بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه حلی خواهند یافت. قوانین نیوتن در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، اندیشمندان عصر روشنگری واقعاً به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود. در همین دوران، بر خلاف گذشته که بیشتر اندیشمندان، افق های کاملاً روشنی از آینده (آرمانشهر)، تصویر می کردند، تجسم های تیره تری از آینده نیز موجودیت یافت. آثار اندیشمندانی چون «اچ. جی ول»^۱، «جورج اورول»^۲ و «آلدوس هاکسلی»^۳ از زمره چنین اندیشه هایی محسوب می شود و با چنین نمونه هایی است که کلاً آینده پژوهی راه خود را به ادبیات باز می کند. کامیابی خیره کننده رمان های «ژول ورن»^۴ و پا گرفتن سبک علمی تخیلی در ادبیات، در ادامه همین راه رخ می دهد. برگزاری نمایشگاهی در سال ۱۸۹۳ که در آن اختراعات و

نوآوری های شگفت انگیزی نظیر تلفن، لامپ برق و کینتوسکوپ (اولین دوربین فیلمبرداری) معرفی شد، باعث هیجان عمومی گردید. در همان روزها یک نشریه مطرح، فراخوانی از ۷۴ شخصیت برجسته آن روزگار اعلام می کند و از آنان می خواهد که در مورد سده پیش رو پیش بینی هایی بعمل آورند. بعدها معلوم شد که پیش بینی های آنان تا حد زیادی خوش بینانه بوده و در ضمن، تقریباً هیچیک از رخدادهای مهم قرن بیستم نظیر اختراع خودرو، رادیو و تلویزیون، بروز دو جنگ جهانی، کشف انرژی اتمی، پرواز به فضا و البته ظهور رایانه در فهرست آینده نگاری آنان یافت نمی شد. در تلاش های انسان برای رازگشایی از آینده و کشف آینده ها می توانیم چند دوره را بررسی کنیم. یکی از دوره ها یا چهار گونه آینده پژوهی را که بر این اساس تقسیم بندی می کنند، دوران ستاره شناسی است. در این دوران اعتقاد بر این بود که جهان مادی دارای یک الگوی نگاشت یافته و نظام مندی است که ارتباط وثیق و معناداری با حرکت افلاک، کواکب و ثوابت. در واقع، نوعی سامانه هشدار بود که تلاشش بر این بود تا به گونه ای یک سامانه هشدار فراهم کند که مثلاً قمر در عقرب است و نباید این کار را انجام دهیم؛ یا مثلاً سعد بودن و نحس بودن ایام و روزگار مطرح بود. دوره بعدی را دوره پیشگویی می دانند. این دوره یا این نوع از آینده پژوهی، مبتنی بر این فرض بود که برخی از افراد یا اندیشه ها به لایه های عمیق تر و سطوح زیرین ذهن افراد دسترسی دارند و به نوعی می توانند برخی از حوادث را پیشگویی کنند؛ همان چیزی که ما در آینده شناسی از آن صحبت کردیم (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

پس از جنگ جهانی دوم، با نابودی امپراتوری های استعماری، حدود یکصد و بیست کشور تازه پای به عرصه وجود گذاشتند، روند پیدایش کشورهای تازه، با فروپاشی یوگسلاوی و اتحاد جماهیر شوروی، تا دهه های اخیر نیز ادامه یافت. رهبران کشورهای تازه، تصمیم های مرحله ی استقلال ملی را اتخاذ

1. H.G.Well
2. George Orwell

3. Aldous Huxley
4. Jules Verne



نمودار ۱. روش‌های پیش‌بینی تکنولوژی؛ ماخذ: نگارنده.

«جلوگیری از جنگ» و «سامانه‌های جنگی» را شامل می‌شد. این روش از افراد می‌خواست که ضمن ارائه ارزیابی خود، پراکندگی پاسخ‌های سایر خبرگان را نیز در نظر گرفته و پس از بحث در مورد تفاوت‌ها، نهایتاً ارزیابی‌های بازنگری شده خود را ارائه کنند. نتایج این روش به طرز شگفت‌انگیزی در پیش‌بینی ظهور فناوری‌های دهه‌های پسین، دقیق بود. آینده‌پژوهی در مقام یک فعالیت عمومی از دهه شصت آغاز شد. «برتراند دوژوئل»^۲ نخستین پژوهش نظری در مورد آینده را بنام «هنر گمان» نوشت. او در این زمینه با اشاره به این که «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد»، نتیجه گرفت که یافتن مدارک و استنتاجات برای آینده، نیازمند

آغاز طراحی تا ساخته شدن نخستین نمونه محصول بطول می‌انجامید. در نتیجه فناوری بکارگرفته شده در آغاز طراحی، در طول پیشرفت پروژه دچار تغییرات بنیادین شده و اغلب در برهه ساخت نمونه نخستین، از رده خارج محسوب می‌شد. در سال ۱۹۶۴ نیاز به پیش‌بینی فناوری، منجر به انجام یکی از مشهورترین ارزیابی‌ها با استفاده از روش دلفی گردید. در چارچوب حمایت‌های بنیاد رند^۱، خبرگان فناوری‌های مختلف طی یک پروژه مشترک مامور شدند که فناوری‌های نوظهور در یکصد سال آینده را پیش‌بینی نمایند. بررسی آنان شش مقوله «دگرگونی‌های پراهمیت علمی»، «مهار جمعیت»، «اتوماسیون»، «پیشرفت در زمینه دانش هوافضا»،

1. Rand

2. Bertrand de Jouvenel

روش‌هایی غیر متداول می‌باشد. هوشیاری نسبت به زمینه‌های آینده پژوهی از همین زمان آغاز شد. «هاریسون براون»^۱ در کتاب خود بنام «چالش پیش روی آینده بشر» در سال ۱۹۵۴ بسیاری از مسائل بوم‌شناسی و مسائل مربوط به توسعه را که انسان در حال حاضر با آن روبروست، پیش بینی کرد. «راشل کارسون»^۲ با نوشتن کتاب «بهار خاموش»^۳ که در سال ۱۹۶۲ منتشر شد، با تصویر کردن دنیایی بدون سینه سرخ (نوعی پرنده)، آغازگر جنبش زیست محیطی بود. واکاوی مسائل مربوط به آینده در کتاب «بمب جمعیت» اثر «پاول ارلیش»^۴ و نیز کتاب «محدودیت‌های رشد»^۵ به نقطه اوج می‌رسد. انتشار این آثار و پیش بینی فروپاشی جامعه صنعتی دنیای آن زمان را دچار شوک روحی نمود. بعدها، رویدادهایی نظیر ترور برادران کندی، جنگ ویتنام، بحران نفتی و رسوایی واتر گیت نشان داد که آینده پژوهان در پیش بینی این موضوع درست عمل کرده‌اند.

در حال حاضر آینده پژوهی از پهنه گسترده تری نسبت به دوران طلایی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ برخوردار است. دنیای امروز نسبت به آن سالها آمادگی و صراحت بیشتری برای در نظر گرفتن آینده دارد. آینده پژوهان مثبت اندیش نیز در دهه ۶۰ بسختی مشغول بودند. «دانیل بل»^۶ جامعه‌شناس برای نخستین بار اصطلاح «جامعه فرا صنعتی» را در کتابی به همین نام بکار برد. بل سرآغاز تعداد زیادی از آینده پژوهان نظیر «مارشال مک لوان»، «آلویس تافلر»^۷ و «جان نیسبیت»^۸ بود که آینده مورد پیش بینی آنها گرچه کمی دیر محقق شد؛ ولی دنیا شاهد تحولات بنیادین در زمینه ارتباطات

و کسب و کار از طریق ظهور رایانه‌های شخصی در دهه ۸۰ و ظهور اینترنت در دهه ۹۰ بود. آینده و آن هم از نوع دیجیتال وارد شده بود. باز این دهه ۶۰ بود که در آن آینده پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های نوین دانش پایه ریزی شد. نخستین دوره آموزشی آینده پژوهی در سال ۱۹۶۳ توسط «جیم دیتور»^۹ در بنیاد پلی تکنیک ویرجینیا تدریس شد. کوتاه مدتی پس از آن «وندل بل»^{۱۰} سری دوره‌های آموزشی خود در دانشگاه ییل را آغاز نمود. پس از انتقال دیتور^{۱۱} به گروه علوم سیاسی دانشگاه هاوایی، وی دوره‌های آینده پژوهی متمرکزی در آن دانشگاه برای دانشجویان دوره‌های فوق لیسانس و دکترا ایجاد نمود. در سال ۱۹۷۴ نخستین دوره تخصصی فوق لیسانس برای آینده پژوهی در دانشگاه هوستون توسط «جیب فاولز»^{۱۲} و «کریس دید»^{۱۳} برپا شد. بعدها مشابه این دوره در دانشگاه‌های ماساچوست، آکرون، مینه‌سوتا، یو. اس. سی و دانشگاه ایالتی پورتلند نیز دایر شد. برخلاف آن دوران، آینده پژوهی تنها به شمار اندکی از نویسندگان و استادان محدود نمی‌شود بلکه دنیای کسب و کار، دولتمردان و فرهیختگان همگی در حال بیداری و درک این واقعیت هستند که برای اینکه آینده موفق داشته باشیم باید بر روی آن تمرکز کنیم. بدین ترتیب است که برنامه‌ریزی راهبردی بر مبنای چشم اندازها و متکی بر سناریوها، امکانپذیر خواهد بود. با این وجود، برنامه‌های آموزشی و تحصیلی در زمینه آینده پژوهی در طول سالها بجای اینکه گسترده تر شوند، کمتر شده‌اند. به جای آن دوره‌هایی همچون «هوش رقابتی»^{۱۴} و «مدیریت راهبردی»^{۱۵}، بدور از وابستگی‌های نظری و ایدئولوژیک آینده پژوهی

1. Harrison Brown
2. Rachel Carson
3. Silent Spring
4. Paul Ehrlich
5. Limits to Growth
6. Daniel Bel
7. Alvin Toffler
8. John Naisbitt

9. Jim Dator
10. Wendell Bell
11. Dator
12. Jib Fowles
13. Chris Dede
14. Competitive Intelligence
15. Strategic Management

از بسیاری از ابزارهای آن بهره‌گیری می‌کنند. در پایان، خاطر نشان می‌شود که آینده پژوهی احتمالاً سرنوشتی نظیر سایر علوم اجتماعی خواهد داشت بدین معنی که کارکرد این علوم ضمن انگیزش علاقه اجتماع به موضوعی پراهمیت و بهره‌گیری از ابزار تکوین شده مناسب برای آن موضوع، تقریباً کاملاً آکادمیک بوده ولی از نظر کاربردی دنبال کردن این دانش به ویژه توسط کسب و کارها و بنگاه‌های دولتی، انجام می‌شود (به نقل از ویکی پیدیای فارسی).

فرایند و سازواره آینده پژوهی

اندیشیدن درباره آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. واکنش بدون اندیشیدن به آینده امکان‌پذیر است، اما کنش امکان‌پذیر نیست، چرا که عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌ران‌های اقدامات فعلی ما هستند. بنابراین آینده امری است که مردم می‌توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. مردم برای آنکه خردمندانه عمل کنند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. همچنین واکنش‌های دیگران و نیروهایی را که خارج از کنترل آن‌هاست بررسی کنند. این پیامدها تنها در آینده خود را نشان می‌دهد. بدین ترتیب، افراد نه تنها می‌کوشند امور در حال رخ دادن را بفهمند، بلکه می‌کوشند اموری را که شاید رخ دهد یا بالقوه امکان رخ دادن دارد و یا در شرایط خاصی در آینده اتفاق خواهد افتاد، نیز بشناسند. افراد با بهره بردن از این شناخت حدسی موقعیت کنونی خود را تشخیص داده، کارهایشان را دنبال کرده، از بستر زمان و فضای مادی و اجتماعی می‌گذرند. آینده پژوهی بر این باور است که آینده، پدیده‌ای موجود نیست و همواره با عدم قطعیت همراه می‌شود. آینده می‌تواند خوب، بد، فرصت‌ساز، تهدیدآور، شیرین، تلخ، رویایی و غم‌انگیز برپا شود. آینده پژوهی در پی آن

است که انسان را برای این رویدادهای غیر منتظره آماده کند. البته این آمادگی باید به گونه‌ای باشد که بتوان آینده را مهار کرد. با آماده کردن خود برای سازگار شدن با آن چه احتمال می‌رود در آینده رخ دهد، شرایطی فراهم می‌شود که رویدادهای آینده به شیوه‌ای دلخواه روی دهند. آینده پژوهی مطالعه‌ای نظام‌یافته آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است و با شناسایی عوامل تاثیرگذار بر آینده مانند روندها، الگوهای تغییر در محیط، علایم ضعیف تغییر، دیدگاه‌ها، جهان بینی‌ها و اسطوره‌های هر ملت، به سمت آینده سازی گام بر می‌دارد. آینده پژوهی پژوهیدن آینده نیست زیرا آینده هنوز به وجود نیامده تا بتوان آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. آینده پژوهی پژوهیدن برای آینده سازی است و برای مطالعه نظام یافته آینده، پرسش‌هایی از این دست را مطرح می‌کند.

۱. چگونه درباره آینده بیندیشیم؟
 ۲. چه عواملی در آینده تاثیر گذار هستند؟
 ۳. مطلوبیت آینده را چگونه تعیین کنیم؟
 ۴. بدیل‌های آینده کدامند؟
 ۵. در هر زمانی چه کاری را باید انجام دهیم و پیامد آن چیست؟
 ۶. چگونه آینده مطلوب را بسازیم؟
- یکی از ویژگی‌های آینده پژوهی، فرایند محور بودن آن است. فرایندهای گوناگون آینده پژوهی در گفتمان‌های اجتماعی معطوف به آینده شکل می‌گیرند که به نوبه خود سبب فرهنگ سازی و ایجاد جریان‌های اجتماعی در راستای تحقق باورهای مطلوب در سطح جامعه می‌شود. این فرایند، پیوسته در برهه‌های زمانی مشخص مورد بازنگری قرار می‌گیرد تا نسخه‌های تازه‌ای از چشم اندازهای الهام‌بخش آینده ارایه و احتمال‌های تازه جایگزین گمان‌های نادرست پیشین شوند. فرایندهای بازبینی آینده پژوهی و بررسی نگرش بلند مدت، ذهن نیروهای سیاستگذار را از انجام احتمالی رها ساخته و به گسترش خلاقیت و باورپذیری آرمان

های ملی و سازمانی کمک می کند. ارزش پژوهش پیرامون آینده، به تحقق کامل آینده مطلوب وابسته نیست، بلکه سودمندی آن به بهبود اقدام حال و جهت دهی برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت است.

واژگان شناسی در آینده پژوهی

الف- «آینده»: یکی از پیش فرض های آینده پژوهی ادعان به وجود گزینه های متعدد آینده است:

۱. «آینده امکان پذیر»: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می تواند در آینده رخ دهد.

۲. «آینده های رخ دادنی یا محتمل»: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست (مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده).

۳. «آینده های دلخواه»: آنچه بهینه ترین و دلخواه ترین رویداد آینده به شمار می رود.

۴. «هدف»: محتمل ساختن آینده های دلخواه یا ترجیح داده شده است. بدین منظور باید از آنچه که می خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم (به ویژه از ارزش هایی که می خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند). توجه به آینده های ممکن است که علی رغم تردید در رخ دادنشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می گذارد.

ب- «پژوهش در آینده»: بر اساس موازین علمی و خردورزی، مردم از هم اکنون باید بدانند که آینده ممکن است آستان چه پیشامدهایی باشد؛ کدام پیشامدها احتمال وقوع بیشتری دارند؛ و در میان آن ها کدام یک از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. بر همین بنیان، سه رویکرد به مطالعه آینده وجود دارد (به نقل از ویکی پدیای فارسی):

۱. «آینده پژوهی واکاوانه یا تحلیلی»، که گاه «آینده پژوهی اکتشافی» نیز نامیده می شود؛

۲. «آینده پژوهی تصویر پرداز»؛ و

۳. «آینده پژوهی هنجاری»، که گاه «آینده پژوهی مشارکتی» نیز نامیده می شود.

پ. ویژگی ها و مفروضات آینده پژوهی: ارائه تصویری

جامع و مانع از آینده پژوهی و تعریف حوزه اخلاقی آن نیازمند تشریح ویژگی های آینده پژوهی در حوزه مفهومی و ماهوی آن است. اطلاق این قیده ها حد و حصر آینده پژوهی را تا اندازه ای مشخص خواهد ساخت:

• آینده پژوهی بیش و پیش از آنکه مبحثی محتوایی باشد، ناظر بر مسائل روشی است.

• آینده ها، متعدد و متکثرند و انسان در انتخاب آن تا اندازه ای مختار است.

• آینده الزاماً ادامه خطی گذشته و حال نیست؛ می تواند روند و جریان نوینی باشد، زیرا در شکل پذیری آینده عوامل متعددی دخالت دارند.

• هدف مطالعه آینده، مدیریت روندها، انطباق با شرایط بقا و رشد، احراز آمادگی برای موارد پیش بینی نشده است. به عبارت دیگر آرمان آینده پژوهی کشف آینده های محتمل، گزینش بهترین و در صورت امکان معماری آن است.

• آینده پژوهی پیش گویی رخدادهای آینده نیست، بلکه پیش بینی آنهاست (پیش گویی دال بر ترسیم آینده ای قطعی و پیش بینی ارائه ای احتمالی نسبی است). آینده به طور قطع و یقین در تمامی ابعاد تعیین نشده است، بلکه وابسته به تصمیم هایی است که در زمان حال اتخاذ می شود.

• آینده پژوهی موضوعی بین رشته ای است و تحول علوم و فناوری ها در آن تأثیری مستقیم و بی واسطه دارد.

• آینده پژوهی به شدت از نظام ارزشی و نگرشی آینده پژوه تأثیر می پذیرد.

• آینده پژوهی به مثابه برنامه ریزی برای آینده نیست، بلکه ترسیم بدیل های مختلفی است که تصمیم سازان، یکی از آنها را انتخاب خواهند کرد. از همین روی آینده پژوهی قصد دارد در جهت کاهش عدم قطعیت ها بکوشد و یا به بیان روشن تر، عدم قطعیت ها را مدیریت کند.

• آینده پژوهی آمیزه ای از علم و فناوری است (هنگامی که آینده پژوه به بررسی آینده های محتمل و مرجح

می‌پردازد، روشی علمی را اتخاذ کرده و هنگامی که به طراحی آینده بر اساس روش‌های عقلانی می‌پردازد، در قالب گونه‌ای از فناوری اجتماعی وارد شده است).

• اهداف آینده‌پژوهی صرف‌نظر از موضوع آن مبتنی بر محورها و مراحل ذیل است: شناسایی تحولات، تهدیدها و فرصت‌ها؛ بررسی و تحلیل تحولات؛ سناریوسازی و ارائه‌ی چشم‌انداز؛ شناسایی چشم‌انداز بهتر؛ تلاش برای نیل به بهترین چشم‌انداز.

ت. «اصول آینده‌پژوهی»: آینده امری مسلم و قطعی نیست و از پیش تعیین نشده است. از همین روی قابلیت تغییر و دگرگونی دارد. تصویر مرجح ما از آینده، تابعی از ارزش‌های ما است. تصویر و تصور آینده بستر مناسب تصمیم‌سازی است.

ث. «سطوح آینده‌پژوهی»: از آنجا که آینده‌پژوهی یک دانش بین رشته‌ای است و کاربردهای فراوانی در حوزه‌های مختلف دارد، بسته به موضوع مورد مطالعه، روش مطالعاتی و ارزش‌های آینده‌پژوه، دارای سطوح متفاوتی است، ریچارد اسلاتر این سطوح را چنین تقسیم‌بندی کرده است:

۱. «آینده‌پژوهی عامه‌پسند»: این شیوه مبتنی بر مفروضات حاکم بر روابط اجتماعی است. آینده‌پژوهی عامه‌پسند، ابتدایی و ساده است و به گونه‌ای ناخودآگاه از وضعیت موجود دفاع می‌کند و معتقد است آینده با علم و فناوری بنا نهاده می‌شود. این روش محافظه‌کار بوده و در عین حال بیش از حد مبتنی بر فناوری است و اغلب فاقد مفروضات لحاظ شده است.

۲. «آینده‌پژوهی مسئله‌محور»: این روش اخیر تلاش دارد با شناسایی و تعریف مشکلات و موانع، برای آنها راه‌حل‌هایی، هرچند ظاهری و غیرمتمن ارائه نماید.

۳. «آینده‌پژوهی انتقادی»: این روش اهتمام ویژه‌ای به تحلیل فرضیه‌ها، تصورات و پارادایم‌ها دارد. در روش انتقادی پس از مطالعه و بررسی بر روی محورهای یاد شده، تأثیر سوگیری‌های مختلف فرهنگی و سنت‌های تحقیق بر کار پژوهش آینده،

مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. «آینده‌پژوهی معرفت‌شناسنامه»: این روش می‌کوشد تا ثابت کند که مشکلات و گرفتاری‌های ما ریشه در نگرش ما به جهان و راه‌های شناختی ما داشته و راه‌حل‌ها نیز از دگرگونی‌های نهفته و غیرقابل پیش‌بینی در این سطح ناشی می‌شود.

روش‌شناسی آینده‌پژوهی

در آینده‌پژوهی از این شیوه‌های مختلف برای اندیشیدن و پژوهش استفاده می‌شود؛ هر شیوه می‌تواند کارکردها و مزایای ویژه‌ای داشته باشد. این مساله سبب شده است که آینده‌پژوهی از روش‌های پرشماری بهره‌جوید با این نگاه چهار رویکرد ممکن برای رویارویی با آینده متصور می‌شود:

۱. «پیش‌بینی- نهادی»: ارزیابی مخاطره و راهبرد؛
۲. «پیش‌بینی- خودآگاهی»: رویکردهای عصر جدید به پیش‌بینی آینده؛
۳. «تحول- خودآگاهی»: تغییر در آگاهی اجتماعی به منظور حرکت دادن جامعه به سمت دیگر؛ و
۴. «تحول- نهادی»: تغییر در قوانین جهت پشتیبانی از تغییر عمیق.

هرچند که تمرکز آینده‌پژوهی بر رویکرد تحول- نهادی است اما اغلب سازمانها نیازمند آن هستند که کار خود را با پیش‌بینی- نهادی آغاز کنند. سازمان‌ها به دنبال مطالعه بازتاب نقش و اقدام خود در محیط هستند تا چگونگی تغییر آینده را درک کنند و با شناسایی عوامل اصلی ساختن آینده تجویزهای آرایه دهند که بگویند سازمان چگونه باید تغییر کند.

لذا روشهای معمول و مراحل آن عبارتند از:

۱. «دیده‌بانی آینده»: دیده‌بانی در معنای عام عبارت است از زیرنظر داشتن یک زمینه خاص با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های آتی موجود در آن زمینه. دیده‌بانی افزون بر آینده، برای موضوعاتی که در مجاورت زمانی با پندارش‌های (پارادایم‌های) کنونی می‌باشند، نیز انجام می‌شود. دیده‌بانی بویژه

برای شناسایی اولیه حوزه‌های کلیدی جهت انجام ژرف کاوی بعدی و سناریوسازی یا تهیه نقشه راه برای آن‌ها بسیار رویکرد سودمندی است.

۲. «دلفی»: دلفی نوعی مشاوره شامل ۲ گام (مرحله) است؛ گام یکم شامل پخش پرسشنامه با هدف جستار دیدگاه‌های اولیه از طیف بزرگی از کارشناسان یک حوزه خاص می‌شود. پاسخ‌ها گردآوری و جهت نظرسنجی دوباره برای همه شرکت کنندگان در همه پرسشی پس فرستاده می‌شود. دیگر پرسشی که از شرکت کنندگان همه پرسشی مطرح می‌شود، خودارزیابی آنها از سطح صلاحیت خود برای پاسخ به پرسشها است. دلفی روش خوبی برای بدست آوردن یک تصویر کلی از چیزهایی است که در یک زمینه خاص از علوم در حال رخ دادن است. ارسال دوباره پرسشنامه‌ها برای شرکت کنندگان نهایتاً باعث می‌شود که نوعی اجماع نظر در مورد پیش بینی آینده آن حوزه بدست آید. لازم به یادآوری است که این روش نیاز به وقت و هزینه زیادی دارد؛ زیرا ممکن است دفعات رفت و برگشت این پرسشنامه‌ها زیاد شود. در عالم کاربرد با دستیابی به درصد خاصی از اجماع و هم‌رایی این چرخه را پایان می‌دهند.

۳. «روندکاوی»: روندها، الگوهای تغییر در چیزهای پراهمیت از دید مشاهده گر هستند که در طول زمان بوقوع می‌پیوندند. نخستین گام در آینده پژوهی، کشف روندهایی است که هم اکنون در جریان هستند. این روش در حقیقت پیش بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی است که تغییرات یک داده در گذشته نشان می‌دهد. روندکاوی بویژه برای سنجش کارایی سیاستگذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، سودمندی باشد. کاستی عمده این روش، ساده انگاری نهفته در آن است. در عمل، پیش بینی آینده به سادگی و با تعقیب روند گذشته یک داده بندرت امکان پذیر بوده‌است. این روش بیشتر

برای نگاهبانی از داده‌هایی با تغییرات آرام همچون «اطلاعات و آمار سرشماری» مناسب است. بهتر است این روش در مورد بررسی آینده موضوعاتی که نسبت به متغیرهای بیرونی، تغییرات فوری و سریع نشان می‌دهند صرفاً به‌عنوان یک بررسی مقدماتی بکار گرفته شود و از روش‌های دیگر آینده پژوهی به‌عنوان روش اصلی استفاده شود. یک دوره بحران (که طی آن تعداد گزینه‌های واکنش محدودتر خواهد بود) می‌تواند یک مرحله از روندهای تغییر باشد. با توجه به این موضوع، شناسایی هرچه زودتر یک روند میزان انعطاف پذیری سازمان در تعامل با مراحل مختلف روند تغییر را افزایش می‌دهد.

۴. «تجزیه و تحلیل پیش رانها»: برای شناسایی پیش‌ران‌هایی که روندهای آتی را شکل می‌دهند، از این روش بهره‌گیری می‌شود. با این روش بویژه می‌توان تعامل بین پیش‌ران‌ها را مورد بررسی دقیق قرار داده و بدین طریق پیش‌ران‌هایی اصلی که شکل دهنده آینده هستند، را تشخیص داد. از این روش می‌توان به‌عنوان مبنایی برای تدوین سناریوها، نقشه راه یا چشم انداز استفاده کرد. برای سنجش کارایی سیاست‌های اتخاذ شده و نیز برای پیش آگهی از مشکلات در حال ایجاد، روش خوبی است. از چالش‌های پیش روی استفاده از این روش، کمی کردن ارتباط بین پیش‌ران‌های مختلف می‌باشد (به نقل از ویکی پیدیای فارسی).

۵. «سناریوپردازی»: سناریوها تصاویری از آینده‌های محتمل هستند. این تصاویر دروناً به هم وابسته هستند. سناریوها، از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع (و بعضاً واگرا)، تصاویری باورپذیر و دروناً سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. هدف از بکارگیری سناریوها، ایجاد فضایی از ممکنات است که در آن کارایی سیاست‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده در بوته آزمایش قرار می‌گیرند. سناریوها همچنین کمک می‌کنند که هم

1. Delphi
2. Trend Analysis

3. Drivers Analysis
4. Scenario

می‌یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده به روشنی و به دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند. در غیر اینصورت و در جایی که تعدادی اهداف بالقوه متناقض وجود داشته باشند بکارگیری متدولوژی سناریو ارجح است (به نقل از ویکی پیدیای فارسی).

۹. «مدل سازی»: کاربرد این روش در بررسی آینده یک سیستم و نیز جایی که درکی از عوامل موثر بر تغییرات سیستم در طول زمان، وجود دارد، می‌باشد. این روش ابزار ارزشمندی جهت بررسی یک موضوع پیچیده می‌باشد و در آن بررسی‌ها بیشتر بر پایه ادراکات افراد صورت می‌گیرد تا شواهد. در نتیجه استفاده از این روش، سنجه‌ها در اختیار قرار می‌گیرند. این سنجه‌ها کمک می‌کنند تا تأثیر نسبی گزینه‌های مختلف ارزیابی شود ولی در اتکا به سنجه‌های بدست آمده از مدل‌ها، باید محتاط بود و محدودیت‌های آنها را در نظر داشت. نکته مهم در این روش این است که برای ساختن و کالیبره کردن مدل‌ها، لازم است داده‌های خوبی در اختیار باشد.

۱۰. «شبیه سازی»: در این رویکرد مثل بازیهای کامپیوتری، از متولیان موضوع خواسته می‌شود که خود را به‌عنوان بازیگران یک سناریو فرض کنند و در مورد واکنش‌های خود تصمیم بگیرند. بدین ترتیب این رویکرد روش خوبی برای سیاست‌گذاران است تا نحوه تأثیر سیاست‌های فعلی خود را بر آینده، و میزان کارایی این سیاست‌ها را در درازمدت، شبیه‌سازی کنند. شبیه‌سازی حتی می‌تواند در یک مدل کامپیوتری شکل گیرد. با کار کردن با این مدل کامپیوتری، امکان مشاهده تأثیرات تصمیمات بر مجموعه‌ای پیچیده فراهم می‌شود

آینده‌نگری در معماری آینده

در این بخش مقاله به جنبش فوتوریستی و مفهوم آینده‌نگری معماری اشاره می‌شود. آنها کوشیدند

چالش‌ها و هم فرصت‌های بالقوه ولی غیر منتظره شناسایی شوند. سناریوها باکشف سیستماتیک چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها حدسیات درمورد آینده نیستند. سناریو پردازی کمک می‌کند تا بیندیشیم چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، پیروزمندان به هدایت امور پردازیم. تدوین مجموعه‌ای از چندین سناریوی متمایز و مقید کردن «عدم قطعیت لایتناهی» به یک حدودمرز، برنامه ریزی سیستماتیک برای انجام اقدام‌های لازم در سازمان را ممکن می‌کند. معمولاً ۳ یا ۴ سناریو برای هرآینده پژوهی تهیه می‌شود.

۶. «چشم اندازسازی»: چشم اندازسازی، تجسم و ایجاد تصویری غنی و البته نه چندان دقیق از آینده است. چشم انداز بر خلاف سناریو که رد پا از اکنون به آینده مشهود است، بیشتر شبیه پرش به آینده است و لزوماً نمی‌توان نحوه تدوین چشم انداز را دید. به همین دلیل اخذ تایید ذینفعان برای شروع کار صرفاً بر اساس چشم انداز، کاری مشکل است. برای مثمر‌تر بودن، چشم انداز باید مقرون به واقعیات و به دور از خیال پردازی باشد.

۷. «نقشه راه»: نقشه راه، گام‌هایی را که باید برای نیل به یک هدف برداشت، تعیین می‌کند. طیف وسیعی از انواع نقشه راه وجود دارد. نقشه راه به گمانه‌زنی درکشف محصولات مختلف ممکن در آینده کمک می‌کند و در عین حال بخش‌های کلیدی از علوم مختلف که برای ایجاد این محصولات لازم است، را نیز مشخص می‌کند. این روش بویژه برای تعیین فهرست اقدام‌های لازم که باید برای ظهور یک فناوری جدید به انجام رسانده شود، بسیار مفید است.

۸. «پس‌نگری»: پس‌نگری با تصور آینده مطلوب شروع می‌شود و سپس با تعیین قدم‌های لازم برای افزایش شانس رسیدن به آن آینده ادامه

1. Visioning
2. Road map
3. Back Casting

4. Modeling
5. Simulation & Gaming

پیکره یا شی را همچنان که در نقاشیهایشان وجود داشت، در محیط اطرافشان حل کند. آنها این کار را نخست با حمله به مساله دیرینه طرز سازماندهی فضای سه بعدی و ملموس به گونه‌ای همچون یک جسم توپیر به نظر برسد آغاز کردند. آنها در بیانیه فنی پیکر تراشی فوتوریستی به سال ۱۹۱۲۰ - سخنانشان را با حمله مرسوم به نمای سنتهای آکادمیک آغاز کردند. به هنگام صحبت از موضوع پیکره زن برهنه، که هنوز هم نه فقط به کار هنرمندان سنت گرای بلکه بر کار پیکر تراشان پیشتاز و بزرگ نیز مسلط بود، این حمله اختصاصی تر و تندتر می شد؛ فوتوریستها در جستجوی ارزشهای جاودانی بودند. یکی از بزرگترین پیکره تراشان کویبست اومبرتو بوچونی است که در دو اثر نابود شده به نامهای «ادغام سوریس» و «پنجره سرویس» و خانه وستبری که در سال ۱۹۱۲ ساخته شده بودند، می خواست که آنها را نمونه ای ادغام واقعی پیکره و عناصر معماری با استفاده از انواع موارد مصالح قرار دهد. کوشش هنرمندان «فوتوریست» در استفاده از اصول این مکتب مستقیماً در معماری، براساس این هنر تأثیری نگذاشت. «آنتونیوسانت الیا» هنرمند ایتالیائی در پروژه خود یک «شهر جدید» که مشتمل بر خانه های چندین طبقه و راه های زیر زمینی و هوائی در طبقات مختلف بود کوشید اصول «حرکت» را به عنوان عامل هنری در طرح شهرهای معاصر معمول دارد. تازه در حدود سال ۱۹۶۰ که اهمیت مسئله عبور و مرور دانسته شد و برای حل آن ناگزیر ساختن جاده ها و خیابانها در طبقات مختلف پیشنهاد شد اصول پروژه «سانت الیا» و کارهای مجسمه مانند «مالویچ» جانی تازه گرفت. «سانت الیا» به سال ۱۹۱۶ درگذشت و بر ما روشن نیست اگر زنده می ماند دنباله نظریات خود را پیشتر می برد یا خیر و اگر چه پیش بینی وی مستقیماً معماری را تحت تأثیر قرار نداد اما وی در زمانی طرح خود را رسم کرد که معماران دیگر تازه در جستجوی راهی نو بودند. حتی «لوکوبوزیه»

معمار معاصر وی به پختگی خود هنوز نرسیده بود. «سانت الیا» در بیانیه خود به تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۴ که به مناسبت گشایش نمایشگاهی در میلان از طرح های وی منتشر شد اعلام داشت که باید در معماری استفاده از تمام مصالح ساختمانی جدید از آهن و بتن مسلح گرفته تا منسوجات کارخانه ای و مقوا معمول شود. اما قصد اصلی وی از این اعلامیه این بود که حرکت و تحول اساس معماری است؛ اساسی که به معماری همان تحرک و «سبکی» مجسمه سازی را می دهد. قصد وی در جمله ای از خود او در این بیانیه خلاصه می شود: «هر خانه باید مناسب زمان خود ساخته شود». در سال ۱۹۱۴ آنتونیو سنت الیا (Antonio Sant'Elia) معمار ایتالیایی بیانیه فوتوریستها را درباره معماری منتشر کرد و روحیه انقلابی را به دامنه معماری تزریق کرد و اظهار داشت:

«معماری با سنت قطع رابطه می کند؛ ضرورت ایجاب می کند که معماری دوباره از اول آغاز گردد... تضاد شدیدی بین دنیای مدرن و قدیم با چیزی مشخص می شود که پیش از این وجود نداشت... آیا نباید بکوشیم که سبک متعلق به خود را بیابیم؟» مهمترین قسمت متن سنت الیا در آنجا بود که با تصحیح متن مارینتی به این نتیجه رسید که:

«مساله معماری مدرن، مساله جابجایی خطوط نیست. یافتن پروفیل های جدید، تزئینات تازه در اطراف درها و پنجره، جایگزین کردن ستونها به وسیله کارباتیده ها، آتلانت ها، مورد نظر نیست. اینکه آجر نما را به صورت نمایان رها کرده و یا آن را از سیمان یا سنگ بپوشانیم، مطرح نیست. در یک کلمه تفاوت میان ساختمان قدیم و جدید مورد نظر نیست. مساله آفرینش خانه جدید از صفر است. با استفاده از تمام ذخایر علوم و فنون و برآوردن شریفانه همه توقعات روحی و عادات ما با تعیین فرمهای جدید و دلایل وجودی خاص شرایط ویژه زندگی مدرن به طور طبیعی این معماری نمی تواند تحت هیچ یک از قوانین مستمر تاریخی باشد. در

زندگی مدرن تداوم روندهای مربوط به تحول سبک متوقف می‌شود. معماری از سنتها آزاد می‌شود و الزاماً همه چیز را از صفر آغاز می‌کند»

لحن سنت الیا تمایلی آگاهانه به جدایی وجود دارد که بر فرم‌های آرام «اتو واگنر» اثر گذاشته و آن را دگرگون می‌کند. هرچند که در حال حاضر جایگزینی آنها توسط هیچ راه حل هماهنگی ممکن نیست. مرگ زودرس سنت الیا در جنگ جهانی اول (۱۹۱۶) از تعقیب عادی این تجربه جلوگیری کرد. به این دلیل افکار او مبهم و در حالت تعلیق باقی مانده و از آن به شیوه‌های متفاوت برداشت شده است. از سنت الیا تنها اسکیس‌ها و کروکی‌هایی باقی مانده است که از روی آنها ذهن خلاقانه و متفاوت وی مشهود است. «ماریو کیاتونه» معمار دیگری بود که می‌توان از او در این یاد کرد. در واقع معماری جدید به عنوان چیزی از بیخ و بن جدید ظاهر شد. به نظرمی‌رسد فرم‌های آن از گردآوری‌های شتابزده، همچون مظاهر نگرش جدید دنیا، ابداع شده بودند. طرح «بازار مکاره جهان» هکتور هرو، در پاریس ۱۸۷۶، پیشاپیش همین موضوع را نشان می‌دهد. در این طرح فرم‌های بسته و سنگین ساختمان‌های گذشته از بین رفته‌اند؛ فضا، بی‌نهایت در تمام جهت‌ها گسترش یافته، به گونه‌ای با افق نامحدودی نشان داده شده است، و ساختمان به مثابه حجم باز و شفاف ظاهر می‌شود که به نوعی جزء سازنده‌ای از کل فضاست. حجم ساختمان با عضوهای باریک چدنی مشخص شده است، که هرچند مانعی برای فضای باز و پیوستار اساسی آن هستند ولی در عوض ضرباهنگ و مقیاسی را به دست می‌دهند. بدین ترتیب، ساختمان وضعیت «جهانی» جدیدی را بیان می‌کند که نقطه عطفی برای نمایشگاه‌هایی از این دست می‌شود و انسان را به مشارکت در جهانی که ویژگی آن آزادی جدید حرکت و انتخاب است، دعوت می‌کند. ما هدف‌ها و پیامدهای معماری مدرن را درک می‌کنیم، بنابراین باید «تازگی» جهان مدرن را هم در نظر بگیریم و جویا شویم که

چگونه معماری در آشکار ساختن آن به کار می‌آید. سنت الیا، کلیدی برای بحث تازگی جهانی مدرن پیشنهاد می‌کند و می‌گوید که جهان مدرن با «چیزی که پیش از این نبود» مشخص می‌شود. هانس مه‌یر در مقاله‌ای چیزهایی را توصیف می‌کند که قبلاً نبوده‌اند، مانند «تومبیل‌هایی که با سرعت در خیابان‌ها می‌روند، و هواپیماها که در هوا به پرواز در می‌آیند و دامنه حرکت و فاصله بین ما و زمین را عریض تر می‌کنند.» اما تحرک، تنها یکی از جنبه‌های درک جدید فضا و زمان است. مه‌یر همچنین اشاره می‌کند که «همزمانی رویدادها» به وسیله تبلیغات و نمایشگاه‌ها (امروز ما می‌گوییم «رسانه‌ها») به منصفه ظهور می‌رسند، و ارتباط به وسیله «رادیو، تلگراف و بی‌سیم» سبب می‌شود که «ما از انزوای ملی رهایی یابیم و جزئی از اجتماع جهانی شویم.» دست آخر، مه‌یر خاطر نشان می‌کند که «خانه‌های ما متحرک تر از همیشه‌اند. بلوک‌های بزرگ آپارتمانی، واگن‌های تختخواب‌دار، قایق‌های تفریحی خانوادگی، کشتی‌های مسافربری بین اروپا و امریکا، مفهوم محلی وطن را به تدریج ضعیف می‌کنند. ما جهان وطنی می‌شویم.» مه‌یر در سال ۱۹۲۶ اضافه می‌کند، آنچه که در حال به‌دست آمدن است- و او به توصیف آنها می‌پردازد- پیش از اینها یعنی در حدود نیمه قرن نوزدهم به آن پی‌برده بودند، و وضعیت مسلماً از امروز چندان متفاوت نیست. جهان فراگیر و باز همین است، و زمان آن فرار رسیده است که به همین صور باقی بماند. در ۱۹۳۰ میس ون دروهه گفت: «عصر جدید واقعیتی است که جدای از نظر مثبت یا منفی ما، وجود دارد.»

آینده پژوهی در شهرهای آینده و مطالعات شهری

برنامه ریزی شهری در واقع به دنبال تأمین رفاه شهروندان، از طریق ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم تر، آسان تر، مؤثرتر و دلپذیرتر می‌باشد. تلاش برنامه ریزان شهری در دوره های پیشین نیز معطوف به این اهداف بوده است. اما هریک از آنها

با استفاده از امکانات عصر خود، و میزان شناخت از محیط پیرامونی خود را پی گرفته اند، و در حد پیش بینی هایی از آینده و تحولات جامعه و روزگار خود داشته اند، توانسته اند در تحقق اهدافشان موفق باشند. در شرایط پر تحول کنونی، در برنامه ریزی های توسعه مباحثی همچون فناوری اطلاعات و توسعه آن، ارتقای شاخص های بهداشتی و آموزشی، احداث شبکه های زیربنایی، توسعه خدمات اجتماعی و مسائلی از این قبیل از فضاهای قابلیت دار توسعه آینده و محورهای آن نیست بلکه از جمله الزامات و مقدمات توسعه برای حضور در جهان آینده است. در جامعه آینده ریشه های توسعه واقعی در مسائلی همچون رقابت های حضور در فضا، هوش مصنوعی، مهندسی ژنتیک، دنیای شگفت انگیز مجازی و سایر مسائل مشابه نهفته است و براساس نظر اکثر آینده پژوهان این دنیای شگفت انگیز در کمتر از ۴ دهه آینده اتفاق خواهد افتاد. واقعیت امر این است که برنامه ریزی برای آینده براساس نیازهای فعلی و یا کمبودهای خدماتی فعلی، سرمایه ملی مناسبی جهت حضور موفق در جهان آینده نیست و برای ایفای نقش در آینده ضرورت دارد با اتکا به رویکردهای جدید برنامه ریزی، به طور جدی پیشرانهای توسعه و تحولات آینده براساس مگاترندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی شده و متناسب با قابلیت ها و توانمندی های جامعه به واکاوی مسائل چالش برانگیز کنونی و آینده و برنامه ریزی برای حضور موفق در آینده اقدام شود. به مفهوم دیگر امروز ادبیات برنامه ریزی از مفاهیم پیش بینی، آینده نگری و کشف آینده عبور کرده و به حوزه آینده پژوهی، آینده نگاری که وظیفه اش نگاشت آینده و ساخت آن است رسیده است.

در واقع باید گفت مشکلات کنونی جامعه بشری در مجموع ناشی از دو عامل است:

۱. اول عدم شناخت هوشمندانه آینده درمقاطع زمانی گذشته و
۲. دوم تحولات حیرت آور در عرصه فناوری همراه

با روند شتابان جهانی شدن، بر همین اساس امروز جهت جبران خطاهای گذشته، شناخت تحولات آینده با رویکرد آینده نگارانه ضروری و از اولویت های اصلی است. بسیاری از حوادث و رویدادهای آینده قابل پیش بینی و انقیاد هستند.

دخالت انسان در این روند موجبات تغییر و تحولات مطلوب را ایجاد خواهد کرد. اما در اغلب موارد اشتغال به زمان حال و تلاش در جهت رفع مشکلات موجود، مانع از آن می شود که مدیران و تصمیم گیرندگان به آینده بیندیشند. باید توجه داشت که حضور عاملان در روند تحولات آینده، کاهش تهدیدات و افزایش فرصت ها و گزینه ها، نیازمند رویکردی آینده پژوهانه است که امکان کنش گری در رخدادهای آینده را فراهم می سازد (خزایی، ۱۳۸۶، ص ۴).

عدم شناخت هوشمندانه آینده در زمان های گذشته متأثر از ابزارهای برنامه ریزی و نحوه به کارگیری آنها در فرایند برنامه ریزی است (Myer, 2000). در واقع این ابزارها و تکنیک ها، پوشش اجرایی فرایند برنامه ریزی است که بعضاً عدم انتخاب صحیح پوشش های اجرایی و بعضاً نیز عدم انتخاب صحیح خود فرایند برنامه ریزی و تبعیت آن از مراحل کلیشه ای، در عمل باعث بروز مشکلات عدیده ای در جامعه مورد برنامه ریزی می شوند که تاکنون در ارزیابی های علل آن به مشکلات ریشه ای و چارچوبی فرایند برنامه ریزی اشاره نشده و بار اصلی مسئولیت عدم مطلوبیت جامعه به دوش دولتمردان و مجریان طرح ها انداخته شده است. در صورتی که بار اصلی مسئولیت موفقیت یا عدم موفقیت برنامه ها به طراحان به خصوص آینده اندیشان برنامه ها برمی گردد. مثلاً طراحی شهرهای مجازی به دلایل زیر انجام می شود: جغرافیای قابل رویت و منطبق بر جغرافیای جهان واقعی؛ هویت های مرتبط با فضاهای واقعی؛ نگاه منظومه ای به شهر؛ تردد آسان؛ گذران اوقات فراغت؛ دسترسی به همه؛ امکانات عمومی با حداقل زمان ممکن؛ آسایش؛ آرامش؛

محیط زیست سالم؛ آشنایی و تعلق داشتن به شهر؛ برقراری ارتباط شهر با فرهنگ و تمدن پیشین؛ ایجاد یکپارچگی اجتماعی و بازسازی آن؛ قابلیت ایجاد انسجام شهری و ملی با محوریت سیاستگذاری دولتی. یا مثلاً شهروند الکترونیکی مفهوم جدیدی است که همزمان با توسعه جامعه اطلاعاتی در حال شکل گیری است. شهروند الکترونیک، فردی است که توانایی استفاده از فناوری اطلاعات را در انجام امور روزمره خود داشته باشد و بتواند خدمات مورد نیاز خود را با استفاده از سیستم های الکترونیکی از ادارات و موسسات ذیربط دریافت نماید. بدین ترتیب تفریحات، آموزش، ارتباطات و تراکنش های فرد به طریق الکترونیکی انجام می شود.

آینده پژوهی و رویکردهای برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی گرایش و خواست انسان به آینده، حل مشکلات در آینده، آینده بینی و امید به آینده است (Faludi, 1970) در خصوص برنامه ریزی برای آینده دو پارادایم کلی اکتشافی و هنجاری وجود دارد که هر کدام از این پارادایم ها نگاه خاصی به مفهوم آینده و نحوه رسیدن به آن دارند. (Twiss, 1992):

۱. «پارادایم اکتشافی»: در این پارادایم آینده نتیجه علی و معلولی گذشته است و نوعی جبرگرایی پنهان در آن وجود دارد. نتیجه این نگاه به آینده، آینده ای محتوم و ثابت است که تاریخ مطابق با قوانین خود، حال را به آن آینده تبدیل خواهد کرد در این پارادایم انسان صرفاً ناظر بیرونی است که تنها می تواند به اکتشاف آن آینده محتوم بپردازد این پارادایم مبتنی بر پیش بینی است و اکتشاف آینده تنها نتیجه منطقی آن است. مثلاً «جمعیت ایران در سال ۱۴۰۴ چقدر خواهد بود؟» یا «میزان صادرات غیرنفتی ایران در ۲۰ سال آینده چقدر خواهد بود؟» که عمدتاً مبتنی بر تحلیل روندهای گذشته و ادامه آنها در سال های آتی است. (ناظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳-۱۲) و (Twiss, 1992).

۲. «پارادایم هنجاری»: در این پارادایم نیروی انسان در ساخت آینده در نظر گرفته می شود و انسان

جایگاه بیرونی و مشاهده گر خود را تغییر داده و با مفهوم ساخت آینده روبروست در این پارادایم انسان با طیف وسیعی از آینده ها شامل آینده های ممکن، آینده های محتمل و آینده های باور کردنی روبروست که رسیدن به هر کدام از آنها بستگی به سطح و کیفیت خواسته انسان یعنی آینده مطلوب وی دارد در این پارادایم برخلاف پارادایم اکتشافی، جبرگرایی پنهان وجود ندارد بلکه انسان کاملاً مختار است مسیر زندگی خود را خود انتخاب کند در این پارادایم انسان با سه سوال اساسی روبروست: «وقوع کدام آینده ها ممکن است»، «وقوع کدام آینده محتمل است» و «وقوع کدام آینده ها مطلوب است» (ناظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲) و (وحیدی مطلق، ۱۳۸۵).

در مجموع باید گفت رویکرد پیش بینی در برنامه ریزی به دو دلیل در سال های پایانی هزاره سوم با چالش اساسی روبرو شد اول، جزمی و صلب گرفتن آینده و دوم عدم وجود دقت کافی (ناظمی، ۱۳۸۶، ص ۳). مقایسه این دو پارادایم نشان می دهد تفاوت های کاملاً مشخصی در شیوه برنامه ریزی آن دو در نگاه به آینده وجود دارد: ۱. در پارادایم اکتشافی عمل برنامه ریزی از زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارد به عبارت دیگر رو به بیرون است و تلاش می کند تحت شرایط مختلف کشف کند که کدام آینده رخ می دهد، نقطه شروع این آینده ها غالباً در زمان حال است؛ ۲. در پارادایم هنجاری اصطلاحاً برنامه ریزی «روبه درون» است و با انتخاب یک یا چند موقعیت خاص در زمان آینده شروع می شود و در واقع نقطه شروع در این پارادایم آینده است و با رویکرد پس نگرایی از آینده به امروز برنامه ریزی شروع می شود (شوارتز، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

همچنین این دو رویکرد حامل مفاهیم «علی و معلولی» و «غایت انگاری» هستند. با اصل علی و معلولی می توان آنچه را که در گذشته رخ داده، توضیح داد و آنچه را که در آینده رخ خواهد داد پیش بینی

کرد. این اصل بیشتر به پارادایم اکتشافی نزدیک است و پیش بینی مهم ترین ابزار آن است. اما در اصل غایت انگاری رفتار انسان ها در آینده نمی تواند با رجوع به قوانین علی و معلولی توضیح داده شود و در این آینده ممکن است ناپیوستگی ها در روندها اتفاق بیافتد که شگفتی های علم و تکنولوژی نام دارند و آینده نگاری و آینده پژوهی ابزار برنامه ریزی آن است. رویکرد «علی و معلولی» رویکرد سنتی به برنامه ریزی و رویکرد «غایت انگاری» رویکرد نو به برنامه ریزی است. در رویکردهای سنتی برنامه ریزی، برنامه ریز ابتدا با طرح این سوال که «در آینده درازمدت چه روی خواهد داد» پیش بینی لازم را انجام می دهد آنگاه پیش بینی ها را مبنای تصمیم گیری و اتخاذ سیاست قرار می دهد و در نهایت اقدام می کند (Foren, 2001, 52); به عبارت دیگر از شرایط حال آغاز کرده و به درون آینده می رود در حالی که در نگاه نو به برنامه ریزی، برنامه ریز ابتدا به افق آینده می رود و با حضور در افق آینده و دیده بانی حال و گذشته مسیرهای مشخص برای معماری توسعه از آینده به حال را تعیین و تدقیق می کند (مبینی دهکردی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

فرآیند آینده پژوهی در برنامه ریزی شهری نوین فرآیند پیشنهادی برای برنامه ریزی به خصوص در عرصه های شهری و منطقه ای مبتنی بر رویکرد هنجاری است. در این فرآیند شناخت وضع موجود پایه فرآیند برنامه ریزی است و براساس این شناخت مسائل کلیدی اعم از توانمندی ها، ضعف ها، قابلیت ها و محدودیت ها استخراج شده و در مرحله سوم در خصوص مسائل کلیدی منطقه مورد مطالعه، آینده نگاری کلی و مناسب در سطوح جهانی و ملی انجام و به ترسیم چشم انداز و تعیین حوزه های هدف منجر می گردد با تعیین حوزه های هدف، امکان تهیه سبد سناریوها و گزینش سناریوهای مطلوب برای برنامه ریز فراهم می گردد که انتخاب سناریوی مطلوب زمینه و چارچوب مناسبی را برای هدف گذاری های کیفی و کمی و سیاست گذاری و

نهایتاً اجرا به وجود می آورد. در فرایند برنامه ریزی پیشنهادی انجام فعالیت برنامه ریزی در ۱۱ مرحله به شرح ذیل صورت می گیرد:

۱. «مرحله اول: شناخت وضع موجود»: در این مرحله شرایط منطقه مورد مطالعه از زمان گذشته تا حال موجود بررسی قرار می گیرد داده های مربوط به محدودیت ها، قابلیت ها و امکانات طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردآوری، طبقه بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۲. «مرحله دوم: تعیین مسائل کلیدی»: در این مرحله براساس خروجی اطلاعات شناخت وضع موجود، مسائل کلیدی منطقه در تمام زمینه ها استخراج شده و نقاط قوت و ضعف منطقه در خصوص مسائل کلیدی مورد بحث قرار می گیرد. مثلاً ممکن است مسائل کلیدی یک منطقه مورد برنامه ریزی در ۲۰ سال آینده مسائلی همچون تامین آب شرب، بهره وری تولید در بخش کشاورزی، تامین انرژی پاک برای صنایع، تمرکز در کلانشهرها، ظهور نسل جدید نیروی جوان و نخبه، امکان بهره گیری از انرژی های نو (زمین گرمایی، خورشیدی،...) و نوآوری در تکنولوژی های صنعتی باشد.

۳. «مرحله سوم: آینده نگاری»: آینده نگاری یکی از اصلی ترین مراحل فرآیند برنامه ریزی به شیوه جدید است که ضرورتاً باید بعد از شناخت وضع موجود و تعیین مسائل کلیدی منطقه به آن پرداخته شود در این مرحله، آینده نگاری تحولات جهانی و ملی با چارچوب مسائل کلیدی منطقه برنامه ریزی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد به طور مثال این احتمال وجود دارد که در عرصه جهانی در خصوص دستیابی به انرژی پاک و یا استفاده بهینه از آب سالم آشامیدنی راهکارهای جدید براساس تکنولوژی های جدید در حال وقوع باشد که آگاهی از آنها امکان برنامه ریزی مناسب تر و صحیح تر را برای برنامه ریزی فراهم می کند. فلذا این مرحله از فرآیند برنامه ریزی، پل ارتباط مسائل کلیدی منطقه به تعیین حوزه های هدف در آینده و

ترسیم چشم انداز است.

۴. «مرحله چهارم: ترسیم چشم انداز و تعیین

حوزه های هدف» در این مرحله ضمن تعریف افق برنامه ریزی، اهداف آرمانی برنامه ریزی برای منطقه مورد مطالعه متناسب با ویژگیها و توانمندی ها مشخص می شود و حوزه های هدف نیز در افق آینده به صورت مشخص تبیین می شود. خروجی های مرحله اول تا سوم شامل شناخت، مسائل کلیدی و آینده نگاری، ورودی خام مرحله ترسیم چشم انداز و تعیین حوزه های هدف هستند و به عبارت دیگر شناخت وضع موجود و شناخت آینده های ممکن، محتمل و باورکردنی در خصوص مسائل کلیدی استان اضلاع مثلثی هستند که ترسیم چشم انداز یا آینده مطلوب را برای برنامه ریزی ممکن می سازند. ترسیم آینده مطلوب نقطه گسست تفکر برنامه ریزی در خصوص گذشته و حال منطقه برنامه ریزی است و از این مرحله به بعد تفکر برنامه ریزی تفکر مبتنی بر ساخت آینده است. در ترسیم چشم انداز، سه سطح آینده های ممکن، آینده های باور کردنی و آینده های محتمل مورد ارزیابی قرار گیرد (Porter, 1991) و (Twiss, 1992). در سناریونویسی برای آینده، ترکیبی از آینده های ممکن، محتمل و باورکردنی به عنوان آینده مطلوب ترسیم می شود و جهت رسیدن به آن آینده سناریوهای مختلف تدوین می شود که سبب سناریوهای متناقض، متناسب، متفاوت و متشابه را تشکیل می دهد (voros, 2003)

۵. «مرحله پنجم: تهیه سبب سناریوها» برای

فعالیت در دنیای سرشار از عدم قطعیت، مدیران و برنامه ریزان باید مفروضات خود را درباره مسیر حرکت با پرسش های فراوان «اگر این طور شود چه؟» به چالش بکشند تا بتوانند جهان آینده را واضح ببینند. هدف سناریوسازی در برنامه ریزی کمک به رهبران و مدیران برای تغییر نگرش آنها نسبت به واقعیت های پنداری و نزدیک کردن دیدگاه آنها به واقعیت های موجود و یا در حال

ظهور است. نتیجه نهایی سناریو نویسی ترسیم یک نقشه درست از آینده نیست بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام مند تصمیم گیری ها در خصوص حوزه های هدف مربوط به آینده است.

۶. «مرحله ششم: گزینش سناریوی مطلوب»؛

از میان انبوه سناریوهای جمع آوری شده در مرحله پنجم، باید سناریوهای مناسب که متناسب با آینده مطلوب طراحی شده باشد انتخاب شده و تأثیرگذاری تحولات علم و تکنولوژی بر انعطاف سناریوهای منتخب مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

۷. «مرحله هفتم: هدف گذاری کیفی و

کمی»؛ این مرحله مختص تدوین راهبردهای کلان برای پوشش اجرایی دادن به سناریوی مطلوب برنامه ریزی است؛ در این مرحله غیر از اهداف کلان کیفی، اهداف کلان کمی نیز جهت تبیین دقیق مسیر برنامه ریزی تعریف می شود.

۸. «مرحله هشتم: سیاست گذاری»؛ در این

مرحله راهها و روش های اجرایی شدن سناریوی بهینه جهت رسیدن به آینده مطلوب سیاست گذاری می شود و به صورت کاملاً اجرایی و عملیاتی، چگونگی دست یافتن به هدف های کمی و کیفی ترسیم می شود.

۹. «مرحله نهم: تدوین پروگرام های اجرایی»؛

پروگرام ها مجموعه ای از پروژه های اقتصادی و اجتماعی هستند که نقش محرک را برای یک منطقه ایفا می کنند. پروگرام های اجرایی معمولاً به صورت یک بسته جامع ارائه می شود مثلاً در خصوص راه اندازی یک کارخانه بزرگ تولید مس، صرفاً به طرح احداث کارخانه بسنده نمی شود بلکه در قالب یک مجموعه به مسائلی از قبیل بازار فروش، شبکه حمل و نقل، تامین انرژی، اسکان جمعیت و تمام مسائل مربوط به آن پروژه به صورت یک جا اشاره و هر کدام از اقدامات اولویت بندی می شوند.

۱۰. «مرحله دهم: اجرا و پایش فرآیند»؛ این مرحله

در واقع نمود عینی یافتن تلاشهای تیم برنامه ریزی جهت ترسیم آینده مطلوب و هدف گذاری برای آن

است. در این مرحله به غیر از مسائل مربوط به اجرا، هم زمان تحولات محیط رصد شده و تغییرات لازم در مراحل مختلف برنامه ریزی داده می شود.

۱۱. «مرحله یازدهم: بازخورد» این مرحله در واقع شامل ارزیابی روند انجام کار و خروجی های مثبت یا منفی آن است خروجی های مثبت یا منفی می تواند تأثیر مهمی بر اصلاح فرایند برنامه ریزی، موانع و مشکلات و یا احتمالاً کاستی های فرایند برنامه ریزی داشته باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

آینده پژوهی در ابتدا کار خود را با پیش بینی آغاز نمود. پیش بینی شامل یک مجموعه فرایند خبره محور است که با حدس و گمانه زنی درباره آینده صرفاً راجع به احتمالات بحث می کند. سپس داده های آن به فرایند برنامه ریزی استراتژیک تزریق می شود؛ اما هیچ اثر انگیزشی در میان مردم جامعه یا کارکنان سازمان ندارد. پیش بینی به خودی خود ارزشی ندارد، بلکه با پاسخ دادن به پرسش های تصمیم گیران ابزاری برای کمک به فرایند تصمیم گیری است. ارزش پیش بینی به میزان سودمندی آن هنگام اخذ تصمیم بستگی دارد. هر پیش بینی ای که کیفیت تصمیم را بهبود ببخشد، صرف نظر از این که در آینده چه رخ دهد، امری مفید است. در یک کلام، آینده پژوهی دانشی خردمندانه است که با کمک روش های علمی و ایجاد گفتمان معطوف به آینده، و ترسیم تصویرهای بزرگ آینده، رفتار امروز را تقریر می کند، آینده پژوهی دانش تصمیم گیری پیش دستانه است. بنابراین می توان گفت، آینده پژوهی دانشی است که به انسان می آموزد چگونه به مصاف آینده ها مبهم برود و در این رویارویی دستخوش کم ترین دشواری شده و بیشترین سود را به چنگ آورد. آینده پژوهی دانش و رویکردی اسرارآمیز و جادویی برای اظهار نظر پیرامون آینده نیست. حتا توجه انسان به آینده را خردورانه تر و در نتیجه موفقیت آمیزتر می سازد. آینده پژوهی تلاش دارد کل نگر و جامع باشد. این

حوزه به واقعیت برهم کنش پدیده های گوناگون می پردازد تا بتواند تصمیم ها و اقدام های بشر را تحت تأثیر قرار دهد. به این ترتیب چه بسا تنوع پیشینه برای چنین حوزه ای حتی نقطه قوت نیز باشد. آینده پژوهی افزون بر تخصص، به متخصصانی نیاز دارد که به کسب آگاهی از دیگر رشته ها نیز تمایل نشان دهند. به تدریج، فعالان این حوزه جدید، افرادی خواهند بود که با نام آینده پژوه در دوره های گوناگون تحصیلات تکمیلی آموزش دیده اند: آینده پژوهی به این ترتیب، در مسیر برخورداری از فرهنگ حرفه ای مشترک و منسجم تری گام بر می دارد، اما در این شرایط نیز توصیه می شود که آینده پژوهی به دعوت از افراد دارای دانش و ظرفیت های متنوع، برای عضویت در جامعه خود ادامه دهد. آینده پژوهی، دوران بلوغ خود را همزمان با آخرین موج حمله به پوزیتیویسم سپری کرد و همین واقعیت سبب شد تا آینده پژوهان به شدت تحت تأثیر فلسفه های پسامدرن و ضد پوزیتیویستی مهاجمان باشند. نفوذ باورهای پسامدرن، نقش سازنده ای در گسترش آینده پژوهی داشته است؛ حال آن که به باور برخی نویسندگان، نظریه های معرفتی پسامدرن، از کاستی هایی بنیادین رنج می برند و به همین دلیل، نمی توانند بنیان های فلسفی مناسبی برای شرح و بسط دانش در حوزه های علمی یا پژوهشی - و از جمله آینده پژوهی - فراهم آورند؛ حتی برخی از آن ها مانند «روزنو» (۱۹۹۲) به گونه ای افراطی، بر این باورند که نظریه های معرفتی پسامدرن به پوچ گرایی می انجامند؛ فلسفه ای بدیل که می تواند نظریه معرفتی مناسبی برای آینده پژوهان به شمار آید. واقع گرایی انتقادی، یکی از نظریه های معرفتی پساپوزیتیویستی است.

این نظریه، بدون دست کشیدن از ایده باورهای موجه در صدق گزاره ها، اساساً برای دانش، ماهیتی حدسی قائل می شود و به همین دلیل برای پژوهش ها و مطالعات آینده پژوهان در حوزه آینده شهرها و معماری شهرهای آینده، کاملاً مناسب به

نظر می‌رسد؛ چراکه واقع‌گرایی انتقادی می‌تواند هر دو نوع گزارهٔ صادق مطرح در آینده‌پژوهی - گزاره‌های صادق مربوط به گذشته و حال (که شواهدی از آن‌ها در اختیار است) و گزاره‌های صادق مربوط به آینده‌ای که وجود ندارد و شواهدی از آن در دست نیست را در قالب معرفتی یکسانی جای دهد. به اختصار می‌توان گفت که حوزه فرارشته‌ای آینده‌پژوهی و تخصص آینده پژوهان، قلمرو و مرز مشخصی ندارد؛ به دیگر سخن، مرز فعالیت‌های اعضای این حوزه بر یکدیگر منطبق نیست. ما نیز به پیروی از استفن تولمن، برای یافتن مرزهای فرارشته‌ای، توجه خود را به مواردی مانند مفاهیم مشترک، رویه‌ها و روش‌ها، دشواری‌های در دست بررسی و اهداف آن حوزه معطوف می‌کنیم و برای تعیین مرز تخصصی نیز مسایلی از قبیل مدارک دانشگاهی، جایگاه‌های سازمانی، عضویت در سازمان‌ها، آثار منتشر شده و شرکت در همایش‌ها و نشست‌های تخصصی را مد نظر قرار می‌دهیم. این دو نوع مرز، به ویژه برای رشته‌های نوپا کمابیش از یکدیگر همپوشانی دارند.

برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی برنامه‌ریزی در جامعه، به دلیل ارتباط تنگاتنگ و وسیع با سازمان‌ها، مردم و ارگان‌های اجرایی و بازتاب سریع عملکرد آن، بیشترین کمک را می‌تواند در جهت بهبود و اصلاح فرایندهای برنامه‌ریزی و مهندسی مجدد آن ارائه بدهد همان‌گونه که مطرح شد در برنامه ریزی با دو رویکرد اساسی روبرو هستیم: رویکرد اکتشافی به عنوان رویکردی جهت کشف آینده و رویکرد هنجاری به عنوان رویکردی جهت ساخت آینده. به نظر می‌رسد آنچه که تاکنون در عرصه برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای اتفاق افتاده اتکاء به رویکرد اکتشافی در برنامه‌ریزی برای آینده است که به دلیل تحولات سریع در جامعه و تأثیر پیشرفت‌های علم و تکنولوژی بر پیشرفت سریع و حل مسائل جوامع، عملاً مشکلات عدیده‌ای در

مرحله اجرا به وجود آمده که برنامه‌ریزی‌ها را با تغییرات اساسی و یا به عبارت بهتر با آشوب برنامه‌ریزی مواجه ساخته است. از این رو احساس می‌شود امروز تغییر رویکرد اکتشافی مطالعات آینده به رویکرد هنجاری، ضرورت اجتناب‌ناپذیر برنامه‌ریزی است. نتایج کلی را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد:

۱. مشکلات کنونی شهرسازی و معماری، ناشی از عدم شناخت دقیق آینده شهرها و معماری مربوط به آن است اگر وضعیت امروز جامعه نتیجه آینده‌نگری زمان گذشته بوده پس اشکالات عدیده‌ای در شیوه برنامه‌ریزی و نحوه شناخت ما از آینده در گذشته برای شهرسازان و معماران آن زمان وجود داشته است.

۲. فلسفه آینده‌پژوهی برگرفته از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی است اما در علوم انسانی ضعف نظری شدیدی در این خصوص مشاهده می‌شود، به طوریکه برخلاف کشورهای پیشرو در این خصوص، در ایران بانی و هدایت‌گر آینده‌نگاری علوم فنی و مهندسی است که به دلیل ماهیت رشته‌های فنی و مهندسی، امکان هدایت جامع و مبتنی بر ارزش‌های ملی مطالعات آینده‌نگاری به وسیله این علوم وجود ندارد لذا ضرورت تحرک در دامنه مباحث علوم انسانی و اجتماعی جهت تقویت بنیان‌های فلسفی و مبتنی بر ارزش‌های ملی آینده‌نگاری کاملاً احساس می‌شود.

۳. کارایی پارادایم هنجاری در برنامه‌ریزی به معنی ساخت آینده جهت کاهش و محدود کردن دامنه عدم قطعیت‌ها در آینده است و به کارگیری آینده‌نگاری و ارزیابی تأثیرات تمام متغیرها و مسائل کلیدی بر روی هم در آینده ضروری به نظر می‌رسد. فرایند برنامه‌ریزی سنتی، خطی و متشکل از ۶ مرحله کلی است. در این فرایند محوریت موضوع بر پیش‌بینی روندهای گذشته در آینده است که هیچ‌گونه تأکیدی بر روندهای ناپیوسته که ممکن است در آینده رخ دهد نمی‌شود لذا دارای ضعف

بسیار عمده ای در خصوص آینده نگری است چون تمام ویژگی های آینده را مورد بررسی قرار نمی دهد.

۴. پارادایم اکتشافی در برنامه ریزی به معنی کشف آینده در جهان پر از تحول امروزی چیزی جز به انتظار آینده نشستن نیست و لزوم تغییر این رویکرد در نهادهای مسئول برنامه ریزی جهت موفقیت در آینده کاملاً احساس می شود.

۵. آینده نگاری در ایران الگوبرداری محض و ناقص از شیوه انجام آن در کشورهای اروپایی است و این الگوبرداری عمدتاً به بخش فنی و مهندسی مربوط می شود.

۶. ظهور ناپیوستگی های شگفتی ساز در عصر اطلاعات و ارتباطات و همچنین جهانی شدن سریع تحولات در کمتر از چند سال، لزوم مهندسی مجدد فرایند برنامه ریزی را بر مبنای حذف رویکرد پیش بینی و جایگزینی رویکرد آینده نگاری اجتناب ناپذیر ساخته است. تعیین مسائل کلیدی و آینده نگاری تحولات جهانی و ملی مهم ترین مرحله ای است که به نظر می رسد باید در رویکرد نو به برنامه ریزی وارد مراحل و فرایند برنامه ریزی شود.

۷. سناریونویسی برای آینده و تشکیل سبد سناریوها مبتنی بر متغیرهای تأثیرگذار در جامعه آینده از دیگر مراحل مهم در رویکرد نو به برنامه ریزی است که لازم است تمهیدات لازم و احتیاطی جهت برخورد با هرگونه آینده ممکن در جهان آینده اندیشیده شود. در زمینه چالشهای بکارگیری رویکردهای آینده پژوهانه در معماری و شهرسازی می توان به موارد زیر اشاره کرد. آینده پژوهی علاوه بر مزایا دارای چالش های جدی نیز می باشد، که عکس العمل مناسب در مقابل آن ها ضروری است و به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که برای اولین بار می خواهند برنامه های آینده نگری را اجرا کنند، بیشتر نمود دارد که برخی از آن ها شامل این موارد است:

۱. شرایط نامناسب سیاسی به علت تصمیم

گیری های سیاسی و اجتماعی غیر نظام مند در کشورهای در حال توسعه همراه با ناپایداری سیاست گذاری آنها

۲. فقدان چارچوب سازمانی به علت عدم هماهنگی و نبود همکاری سازمانی و ناتوانی در سازماندهی و مدیریت

۳. فقدان کارکردهای میان رشته ای

۴. پایه های دانشی نامناسب به دلیل انحصار

اطلاعات و فقدان همفکری

۵. محدودیت منابع مالی

منابع و مآخذ

---- (۱۳۸۸) مبانی آینده پژوهی و جایگاه آن در ایران و چند کشور جهان، گروه مطالعات بنیادین حکومتی، اردیبهشت ۱۳۸۸.

برایسون ریچارد (۱۳۹۱) برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه دکتر مهدی خادمی، انتشارات آریانا قلم، چاپ دوم، تهران.

بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴) روش های آینده نگاری تکنولوژی، گروه آینده اندیشی بنیاد توسعه فردا، تهران.

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده نگاری سنت حاکم بر آینده پژوهی، سایت کشف آینده -www.futures-discovery.com

خزائی، سعید (۱۳۸۶) آینده پژوهی، مفاهیم و ضرورت ها، سایت کشف آینده

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده پژوهی حوزه ای نو برای کندوکاو، سایت کشف آینده

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۸) آینده پژوهی مفاهیم روش ها، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

خزائی، سعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲) آینده پژوهی، اصفهان، انتشارات علم آفرین.

خزائی، سعید و همایون جاذبی زاده (۱۳۸۷) هنر آینده نگاری، کشف آینده، شماره سوم -www.futuresdiscovery.com

خزائی، سعید، و عبدالرحیم پدرام (۱۳۸۷) راهنمای

گام به گام آینده پژوهی راهبردی، انتشارات کشف آینده

ریچارد اسلاتر و دیگران (۱۳۹۰) نواندیشی برای هزاره نوین، ترجمه: وحید وحیدی مطلق، عقیل ملکی فر (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی، تهران. علیزاده، عزیز (۱۳۷۸) سناریوها: بهترین ابزار برای رویارویی با آینده، اندیشکده وحید.

علیزاده، عزیز، وحید وحیدی مطلق و امیر ناظمی (۱۳۸۷) سناریونگاری یا برنامه ریزی بر پایه سناریوها، مؤسسه مطالعات انرژی، تهران. شوارتز، پیتر (۱۳۸۲) هنر دورنگری، ترجمه عزیز علیزاده، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی، تهران.

کشف آینده (۱۳۸۷) خبرنامه الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره های اول، دوم، سوم گروه مطالعات آینده نگر (۱۳۹۱) ضرورتها و مبانی معرفت شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

معاونت برنامه ریزی و راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۶) مبانی سند چشم انداز کشور. www.mporg.ir

ناظمی، امیر (۱۳۸۶) آینده نگاری منطقه ای به مثابه آمایش سرزمین، اندیشکده آتی نگار، ۱۳۸۶ www.atinegaar.com

اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶) دانش واژه آینده پژوهی، ترجمه کرامت زاده، عبدالحمید؛ محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

معصومی اشکوری، حسن (۱۳۷۱) فرآیند برنامه ریزی شهری، یک الگوی سه سویه، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۱۸، تهران.

معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷) راهنمای علمی برنامه ریزی و آینده پژوهی، انتشارات پیام، تهران. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی، اندیشکده صنعت و فناوری.

ناظمی قدیری، امیر (۱۳۸۵) «آینده نگاری از مفهوم

تا اجرا»، مرکز صنایع نوین، وزارت صنایع و معادن، تهران

وحیدی مطلق، وحید (۱۳۸۵) پس نگری از آینده به امروز، اندیشگاه آتی نگار www.atinegar.com مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۷) مگادایمها الزام راهبردی، آینده سازمان ها، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، تهران
ویکی پدیای فارسی؛ تاریخ برداشت مطلب: ۱۳۹۲/۸/۷

Ansoff, Igor. 1975. Managing Strategic Surprise by Response to Weak Signals. California Management Review. XVIII (33-21):2. Winter. Cornish, Edward. 2003. "The Wild Cards in our Future." The Futurist. 22-18:37.

Martin, Ben. Foresight in Science and Technology, Technology Analysis & Strategic Management, vol 7, No.1995. 2.

Slaughter, R.A. (1996). Knowledge Base of Futures Studies, the Futures Study Centre, Australia.

Godet, Michel, 2006. creating futures, scenario planning, economica

FOREN,2001, "A Practical Guide to Regional Foresight",

The Potential of Regional Foresight, Final Report of the STRATA-ETAN Expert Group:"Mobilising the regional foresight potential for an enlarged European Union - an essential contribution to strengthen the strategic basis of the European Research Area (ERA)",2002

Shaw, A. Kenneth. Planning the Future, Report of The regents on the Future of The University of Wisconsin. 1986

William J.Fasano, Jr. Screening the Brighter Tomorrow Urban Utopias in Contemporary Cinema. International making cities livable conference. Portland, Oregon, 2007

Voros, J, 2003. A Genreic foresight process

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

framework. foresight. vol. 5. no. 3. pp. 21-10

Faludi. Andres. 1974. "the idea of planning"
second edition. pergaman press

ERA. 2002. " The Potential of regional
foresight. final report of the STRATA-ETAN
expert group. European research area

Faludi. Andres. 1970. "the planning
environment and the meaning of planning ".
regional studies. Vol 4

Twiss. B.c. 1992. " forecasting for Technologist
and engineers. a practical guide for better
dicitons ". peter peregrinus. London. united
kingdom

Poter. A.L., et. 1991. " forecasting and
management of technology ". Gohn wiley and
sons. new york

Lingren. mats. 2003. " scenario planning, the
link between future and strategy ". palgrave
macmilan publication. new york

Myer. Dowell. 2000. construction the future
in planning ". school of policy. planning and
development. university of southern california

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

پارادایم تبیینی «شهر آموزش محور» تا «شهر پژوهش محور»؛ از شهر آموزش دهنده تا شهرهای علم و فناوری (تکنوپل)

سارا سلمان زاده* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، گروه معماری، تهران، ایران.

Explanatory paradigm of interaction “Learning City” to “Research City” the city of the city of science and technology education

Abstract

The growth of knowledge-based approaches to architecture and urban planning on the one hand and comprehensive look at the preparation for the formation of learning cities and on the other hand, refers to the necessity. In order to be considered inclusive knowledge-based infrastructure of cities is essential. This paper presents the theory of analytical methods and the analytical approach has explanatory. The results of the concepts, principles, conditions and infrastructure development of cities and towns in science and technology educators point. In the end, in order to enhance their strategies and recommendations will be discussed.

Keywords: knowledge-based paradigm, city, city-centered teaching, research-oriented town, learning city, Techno polis.

چکیده

امروزه رشد چشمگیر رویکردهای دانش بنیان به معماری و شهرسازی از یک طرف و نگاه جامع به بسترسازی برای شکل گیری شهرهای آموزش دهنده و تکنوپل ها از سوی دیگر، به ضرورتی اشاره دارد که در راستای آن باید زیرساختها و ابعاد شکل دهنده به شهرهای دانش بنیان مورد توجه فراگیر قرار گیرد. این مقاله در مرحله نظری از روش توصیفی و تحلیلی و در مرحله تحلیلی رویکردی تبیینی داشته است. نتایج این تحقیق به مفاهیم، اصول و شرایط و بسترهای شکل گیری شهرهای آموزش دهنده و شهرهای علم و فناوری (تکنوپلها) اشاره داشته و در پایان راهکارها و پیشنهادات در راستای ارتقاء آنها مورد اشاره قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: پارادایم شهر دانش بنیان، شهر آموزش محور، شهر پژوهش محور، شهر آموزش دهنده، تکنوپل.

«شهرهای «دانش بنیان» و «شکل‌گیری شهر دانش»، از مقولات مهم در حوزه برنامه‌ریزی شهری در تحولات پارادایمیک رویکردهای دانش بنیان به معماری و شهر است؛ چنانچه در این زمینه «نوناکا»^۱ (۱۹۸۶) یک چرخه از چهار وجه دانش را پیشنهاد می‌دهد: «اجتماعی بودن، خارجی بودن، ترکیبی بودن، و داخلی شدن»^۲. از سویی دیگر، معماری و محیط شهری با تکیه بر عوامل روانشناختی قادر است بر مخاطبین خویش به صورت تصادفی اثر بگذارد؛ چنانچه «شهر آموزش دهنده» یک محیط اجتماعی است که جریانی قوی، روان، پیچیده و متنوع را از لحظات آموزنده ارائه می‌دهد. همچنین «شهرهای پژوهش محور» هم از اولویتهای اساسی در نظام برنامه‌ریزی شهری امروز است که ادبیات وابسته به آن چندان عمری ندارد؛ لذا «تکنوپل‌ها» در کنار شهرهایی ایجاد شده‌اند که استراتژی توسعه اقتصادی آنها متکی بر رابطه تنگاتنگ میان دانشگاه‌ها و یا برخوردار از تکنولوژی پیشرفته است، یا به عبارتی دیگر خروجی مراکز (Hightech) وابسته به لابراتورهای تحقیقاتی با صنایع تحقیقاتی و دانشگاهی به صورت کاربردی در اختیار صنایع پیشرفته قرار می‌گیرد. شایان ذکر است در چنین شهرهایی، یک لحظه آموزنده، تجربه‌ای برنامه‌ریزی شده یا ناگهانی برای انسان است که در آن دانشی کشف، خلق، تقویت و مبادله می‌شود، و به فرم جدید تغییر می‌یابد. الگوی محیط‌های آموزش دهنده یکی از الگوهای مناسب جهت طراحی محیط شهری به حساب می‌آید که بر مبنای آموزش ارزش‌های مدنی به شهروندان تعریف شده‌است و با چهار عامل «۱. مدیریت مناسب، ۲.

مشارکت کاربران، ۳. حقوق انسانی و ۴. حساسیت نسبت به طبیعت» در ارتباط هستند. از آنجا که روند شهروندسازی جهانی به سرعت در حال گسترش است و این ساختار به صورت غیرمستقیم با عناصر کالبدی واقع در محیط شهری در ارتباط است، لذا شهروندان باید با توجه به تاثیر گسترده عناصر نامبرده و نتایجی که بواسطه فرآیند جهانی شدن و پیشرفت عوامل اجتماعی و اقتصادی در پیش روی آنها قرار می‌گیرند، به آموزش خویش توجه کنند. این امر سبب می‌شود تا آنها قادر باشند در میان متن پیچیده دهکده جهانی، آگاهی خویش را حفظ کنند و در اثر هجوم سیل اطلاعات که توسط نهادهای قدرت اقتصادی و سیاسی کنترل می‌گردد، عواملی خودمختار باقی بمانند. فضای تاریخی هر شهر گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر از سرمایه‌های آموزشی نسل‌های متعدد به شمار می‌آید و با هویت شهروندان آن در ارتباط مستقیم است. فضای نامبرده تنها بواسطه حضور شهروندان معنا می‌پذیرد و در صورت برخورداری از پتانسیل‌های لازم قادر است به صورت غیرمستقیم به آموزش آنها بپردازد. از سویی دیگر، امروزه تمامی کشورهای توسعه یافته و نیز تعدادی از کشورهای در حال رشد به اقتضای شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود به ایجاد تکنوپل‌ها روی آورده‌اند. تولید صنایع مربوط به شهرهای علم و فناوری، امروزه بازارهای اقتصادی جهان را از وسائل و ابزار الکترونیکی (کامپیوتر، موبایل و وسائل بصری، آزمایشگاهی، سیستم‌های ماهواره‌ای و غیره) تسخیر نموده‌است. تکنوپل‌ها امروزه اتلاق به مراکزی مانند پارک‌های فناوری، پارک‌های علمی، مراکز نوآوری، شهرهای علمی و یا پارک‌های با فعالیت‌های تجاری تخصصی می‌شود؛

1. Nonaka

۲. مدیریت دانش در شهرهای دانش بنیان، عبارت است از اعمال مدیریت و زمینه‌سازی برای تبدیل دانش (نهان به عیان و بالعکس) در داخل یک ساختار منجمله شهر از طریق گردآوری، به اشتراک گذاری و استفاده از دانش به عنوان یک سرمایه در راستای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای آینده؛ مثلاً در شهرهای فناوری گسترش میزان دسترسی به تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات و بسترسازی برای زیرساخت‌های ارتباطاتی از موارد مهم در این زمینه است. مهمترین بخش مدیریت دانش تبدیل دانش از حالت نهان به عیان و بالعکس و همچنین تبدیل دانش شخصی به سازمانی است که در مدل مشهور «نوناکا» (Nonaka&Takeuchi, 1995) ارائه شده است. مهمترین بخش تبدیل دانش نیز به فراهم‌آوری زیرساخت‌های مورد نیاز مربوط می‌شود. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD, 2003) شش عامل زیرساختی استراتژی‌های ساختاری، تشکیلات سازمانی، منابع انسانی، تأمین مالی، فناوری اطلاعات و فرهنگ سازمانی را به عنوان زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش شناسایی کرده‌اند.

تیپولوژی مراکزی که تولید نهایی آنها در خدمت علم و فناوری و صنعت می باشد.

در این مقاله به بررسی روند تعاملی و تبیین مفهومی شهرهای آموزش محور و شهرهای پژوهش محور پرداخته شده و نکاتی چند در این رابطه به اختصار مورد اشاره قرار گرفته و در پایان راهکارهایی در راستای حضور معنادار این مفاهیم و شکل گیری آنها در شرایط معاصر ایران مورد ارائه قرار می گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر اسنادی و توصیفی-تحلیلی است که از ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و رجوع به درگاه های اینترنتی بهره برده است. همچنین تلاش شده است تا به اختصار مفهوم تبیینی و بسترهای شکلگیری شهرهای آموزش محور و شهرهای پژوهش محور مورد اشاره قرار گیرد.

ادبیات موضوع

شهر دانش بنیان، شهر آموزش محور و شهر پژوهش محور

در باب شهر و آموزش هایی که شهروندان در شهر می بینند و یا اینکه شهرها تا چه حد می توانند بصورت کلان جایگاه شهرهای پژوهش محور یا شرکتهای دانش بنیان (و زمینه بروز شهرهای علم و فناوری (تکنوپلها)) باشند، ۶ نظریه وجود دارد:

۱. «شهر به عنوان بستر آموزش» (Learning in the city)

۲. «شهر به عنوان یک محمل یا وسیله آموزش» (Learning from the city) و

۳. «شهر به عنوان محتوای آموزشی» (Learning about the city) و

۴. «شهر به عنوان بستر پژوهش» (Researching in the city).

۵. «شهر به عنوان یک وسیله پژوهش» (Researching from the city)

۶. «شهر به عنوان محتوای پژوهشی» (Researching about the city). بر اساس این سه

دیدگاه، شهر با بهره گیری از ویژگی های خود - از کالبد تا فعالیت ها - زمینه آموزش را به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراهم می کند.

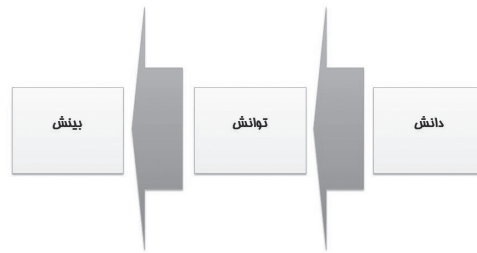
حال «طراح، معمار و برنامه ریز شهری» می بایست با بهره گیری از این پتانسیل ها، استفاده از آموزه ها را برای شهروندان تسهیل نمایند. در نتیجه این افراد به عنوان رکن اصلی شهر، امکان استفاده از این آموزه ها در رشد و توسعه شهر را خواهند داشت. فرآیند آموزش ممکن است در قالب های رسمی، غیررسمی و تصادفی صورت گیرد. «روش آموزش رسمی»، «روشی سازمان یافته» و دارای سلسله مراتب منظم است که عموماً به یک مدرک تحصیلی ختم می شود. در مقابل روش آموزش غیررسمی را می توان هر نوع فعالیت آموزشی و کارآموزی خارج از نظام آموزشی رسمی دانست. «روش آموزشی تصادفی»، روشی است که بواسطه آن پیام های مستقیم و غیرمستقیم محیطی به صورت تصادفی، نامنظم و مستمر، در قالب سه مرحله «دانش، توانش و بینش» به مخاطب منتقل می شود (بلوم، ۱۳۴۶).

بدین ترتیب ساختار آموزشی محیط شهر را می توان مبتنی بر «روش آموزش تصادفی» دانست که تحت تاثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی همچون قلمرو، حوزه نفوذ، مناظر بصری و غیره قرار دارد. لذا، مقوله آموزش (Education) در قرن جدید که فناوری اطلاعات و رسانه ها مرزهای جهان را محو کرده و آن را تبدیل به «دهکده جهانی» نموده است، جایگاه ویژه و ممتازی را به خود اختصاص داده است. تعلیم و تربیت در جهان قرن بیست و یکم دیگر تنها در مفهوم کلاس درس و تخته و گچ خلاصه نمی شود بلکه دانش اندوزی در قالب ها و روش هایی گوناگون مورد توجه قرار خواهد گرفت. انسان موجودی اجتماعی است و در بستر تعامل با محیط و جامعه خود رشد نموده و همواره تلاش می کند تا محیط را مطابق با نیازهایش تغییر داده و مالک آن گردد. وی در این فرایند با دریافت اطلاعات از محیط اطراف به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آموزش می بیند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

باید گفت که از آن رو که شهرها بزرگترین مصنوع بشری بوده و بستر و کانون تحولات بشری به حساب می آیند، محیط شهری به واسطه حضور همیشگی انسان ها در آن یکی از مهمترین عرصه های بالقوه آموزش انسان خواهند بود.



نمودار ۱. حیطه های آموزش مبتنی بر محیط شهری؛

ماخذ: بلوم، ۱۳۴۶، ص ۳۰.

ویژگی های اصلی شهر دانش بنیان یک جایگاه یا فضای دانش، به موارد زیر مرتبط است:

۱. تبادل دانش و سرمایه ها و کالاهای فکری به عنوان یک محیط یا زمینه اصلی؛
 ۲. انتقال و جریان جابجایی کارگران و کارکنان دانش به عنوان ابزارها؛
 ۳. کیفیت زندگی و ارگونومی (کارپژوهی) به عنوان برآیند و اثر. فضا یا جایگاه دانش، نوعی ابتکار و خلاقیت جامعه، بر مبنای همکاری و مشارکت حلزونی شکل سه گانه بین جامعه، آکادمی ها و جامعه تجاری می باشد. این امر بر اساس تشکیل جریان دانش است و ابزاری برای رشد سرمایه های فکری منطقه ای محسوب می شود. شهر دانش به عنوان یک جایگاه، یکی از ابزارهای بسط دانش نیز محسوب می شود (کرکه آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰).
- در منابع لاتین عناصر شهری که می توانند در بسترسازی برای تحقق و اشاعه مفهوم شهر دانش مورد استفاده قرار بگیرند، چنین معرفی شده است:
۱. «مدرسه»: راهبرد جدید برای مدرسه بدین سان تعریف شد: مرکز جامعه برای هنجارها؛ تحصیل و آموزش. مدرسه از صبح تا دیروقت باز است.

۲. «کتابخانه»: هر شهر به هويت نیاز دارد. یکی از قدم های اولیه در برنامه تغییر شهر، کشف و استفاده

از موقعیت های خاص است. کتابخانه در حال حاضر پذیرای گفت و گوها، فعالیت ها و موسیقی است و هر گونه فعالیت آرام در این واحد حذف شده است. مردم هم چنان کتاب امانت می گیرند و مطالعه می کنند ولی با یکدیگر صحبت کرده و دوست جدید می یابند.

۳. «موزه»: موزه به عنوان راهبرد برای ایجاد شهر دانش جایگاه ممتازی دارد. موزه هم راجع به گذشته است و هم حال. در موزه نمایشگاه های خلاقانه جدید و قدیمی در آن برگزار می شود.

۴. «کافه»: کافه یکی از اماکن عمومی بزرگ و خوب است که مردم می توانند گردهم آیند و نگرانی های خود را در خانه جا بگذارند و در گفت و گوهای گروهی شرکت کنند و احساس رضایت کنند.

۵. «تالار شهرداری»: مدل جدید دولت بر اساس رهبری فعال و روپائی است که در ترکیب با مشارکت قوی شهروندان مطرح می شود. تالار شهرداری گاهی محلی برای ملاقات های رسمی و گاهی محلی برای ساکنین خواهد بود.

ارزش های محیط شهری (از آموزش تا پژوهش)

به راستی شهر در چه ساحت یا قلمروی محیطی و مکانی می تواند رسالت آموزش محوری یا مکان پژوهش محوری داشته باشد؟ پرسش گفته شده، اولین پرسش در حوزه شناخت ارزشهای محیط شهر در حوزه شهرهای آموزش دهنده یا شهرهای علم و فناوری (تکنوپل) می باشد؛ چنانچه به عقیده زیمل (۱۳۸۷، ص ۴۴) ارزش های حاکم بر محیط شهری را می توان به دو دسته «ارزش فرهنگی» و «ارزش عینی» دسته بندی کرد و به عبارت دیگر، میان «فرهنگ ذهنی» (سویژکتیو) و «فرهنگ عینی» (ابژکتیو) تمایز قائل بود. لازم به ذکر است که شرط لازم برای آنکه عناصر شهری دارای ارزش فرهنگی باشند، بهره مندی آنها از ارزش عینی است و به عبارت دیگر ارزش فرهنگی را تنها در صورتی می توان به نمونه ای معلوم نسبت داد که آن نمونه دارای ارزش عینی باشد. لذا می توان ادعا نمود که

زیمیل سعی بر آن دارد که دو نظریه ذیل را ثابت کند: اول، میان ارزش فرهنگی و ارزش عینی تمایز وجود دارد؛ دوم، ارزش‌های فرهنگی بر ارزش‌های عینی متکی هستند؛ بدین ترتیب زیمیل ضمن تمایز میان ارزش عینی و ارزش فرهنگی آنها را چنین تعریف می‌کند: ارزش عینی و یا درون‌بود را می‌توان به یک نمونه معلوم از آن جهت نسبت داد که بوسیله مقولات فرمی خاص قوام می‌یابد؛ در مقابل ارزش فرهنگی را از آن جهت می‌توان به یک نمونه معلوم نسبت داد که در ساخت و قوام شخصیت‌های خاص اثر دارد. علاوه بر آن او فرهنگ عینی را حوزه اعیان یا ابژه‌هایی می‌داند که برای پرورش فرد در حکم ابزارند و مسیر لازم را برای فرد جهت کسب فرهنگ هموار می‌سازد، در مقابل زیمیل برای فرهنگ ذهنی حالتی فردی قائل است که محصول فرآیند فرهنگ می‌باشد و بواسطه فرمهای فرهنگی و مقولات آنها ساخته می‌شود:

۱. «**هویت، تاریخ و فرهنگ**»؛ اگر فرد موفق به انطباق نسبی عینیت با تصویر ذهنی اش شود، تشخیص هویت ممکن می‌گردد. در اینجاست که خود و عینیت مذکور را واجد هویت می‌داند. تشخیص هویت، پدیده را به موجودی آشنا و خودمانی تبدیل کرده، از تنش روانی انسان در مواجهه با عینیت می‌کاهد. به تبع آن حس تعلق و ریشه‌دار بودن در وی رشد می‌یابد و ایجاد خاطرات و تداعی به این احساس دامن می‌زند (قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۴۳). انسان بر مبنای ادراکی که از واقعیت‌ها یا پدیده‌های محیط دارد، یک عینیت را برای خویش تعریف می‌کند. در جایی که بر اساس تجربیات فردی و جمعی خود از گذشته و حال، دارای تصویر ذهنی از پدیده‌ای که با آن مواجه می‌شود نیز هست. مراد از هویت انطباق عینیت مذکور با تصویر ذهنی آن و امتداد این انطباق در آینده است؛ بنابراین شهر می‌تواند بخشی از وظیفه آموزش دهنده بودن خود را در راستای تحقق برقراری ارتباط هدفمند و سیستماتیک بین ساکنین

شهر با هویت، تاریخ، خاطرات جمعی، نظام ارزشی و فرهنگ آنها عملی سازد. شهر مخلوق انسان‌ها بوده و از رفتار و فرهنگ شهروندان خود تأثیر می‌پذیرد. با بررسی فرم، عملکرد و معنای شهر می‌توان به عمق اندیشه، برنامه و فرهنگ مردم ساکن شهر پی برد. طی آموزش‌های شهروندی، ارتقا آگاهی شهروندان نسبت به سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی امکان‌پذیر می‌شود. از این طریق افزایش حس تعلق شهروندان به محیط زندگی خود فراهم شده و چگونگی ارتقاء کیفیت زندگی مطابق نظر شهروندان خواهد بود. وجود نیاز به حس تعلق از نیاز رابطه انسان با محیط بوجود می‌آید. شخصی شدن و از خود پنداشتن یک امر و حتی یک اندیشه احساس تعلق را بوجود می‌آورد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

۲. «**روابط و تعاملات اجتماعی و آموزش**»؛ یکی دیگر از ویژگی‌هایی که شهر آموزش دهنده می‌بایست داشته باشد وجود مکان‌ها و فضاهایی مناسب برای گردهمایی و تجمع شهروندان است تا از طریق برقراری ارتباطات و تعاملات بین آنها دانش موردنیاز هر شهروند، از میان بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر در ارتباطات دو یا چند طرفه به دست آید. این اتفاق می‌تواند در فضاهایی چون میادین عمومی، کافه‌ها، کتابخانه‌ها و یا سایر مکان‌های عمومی که ظرفیت و مشخصات درخور برای برقراری ارتباط مطلوب بین شهروندان را دارا هستند صورت گیرد. بنابراین باید گفت یک وجه بزرگ آموزش دهنده‌گی شهر می‌باید زمینه‌سازی برای تعاملات اجتماعی- فرهنگی بین آحاد و گروه‌های مختلف اجتماعی باشد و این خود مستلزم وجود و تقویت جامعه مدنی در جامعه هدف دارد. در ادامه به تبیین مفهومی شهرهای آموزش دهنده پرداخته شده و در پایان تکنوپلها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

پیشینه شهر آموزش دهنده

اصطلاح شهر آموزش دهنده با مفهوم «شهر مدرسه»

(Schooled City) شده تفاوت ماهوی زیادی دارد. این شهری نیست که قیافه یک مدرسه را از جنبه آموزش داشته باشد و مدرسه ای هم نیست که به صورت استعاری هیات و ساختار یک شهر را برای شکل سازمانی اش به خود بگیرد. این شهری است که فضایی آموزشی را القاء می کند و نهاد مدرسه صرفاً یکی از عناصر تشکیل دهنده آنست. اولین کنگره بین المللی شهرهای آموزش دهنده در نوامبر سال ۱۹۹۰ در شهر بارسلونا (اسپانیا) برگزار شد. در این کنگره منشور ابتدایی شهرهای آموزش دهنده در قالب برخی اصول پایه جهت خلق نیروی محرک لازم برای احداث شهر آموزش دهنده بیان شد؛ زیرا به عقیده اعضا این کنگره پرورش شهروندان به صورت تصادفی صورت نخواهد گرفت. در راستای اصلاح اصول نامبرده و تطبیق آنها با مسائل و نیازهای اجتماعی زمان، این منشور در سومین کنگره بین المللی در سال ۱۹۹۴ «شهر بلونا» و سال ۲۰۰۴ «شهر جنوا» مورد بازبینی قرار گرفت. موضوعات همایش های مربوط به شهرهای آموزش دهنده بر اصول زیر استوار بودند:

۱. *«اظهارنامه بین المللی پیرامون حقوق انسانی؛ سال ۱۹۴۸-۲. اظهارنامه بین المللی پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ سال ۱۹۶۶-۳. اظهارنامه بین المللی پیرامون آموزش برای همه اقشار جامعه؛ سال ۱۹۹۰-۴. اظهارنامه بین المللی منطبق بر همایش بین المللی کودکان؛ سال ۱۹۹۰- اظهارنامه بین المللی پیرامون تنوع فرهنگی میان جوامع گوناگون؛ سال ۲۰۰۱.»*

مفهوم شهر آموزش دهنده توجه تعداد قابل ملاحظه ای از سیاست گزاران و پژوهشگران را در حوزه مدیریت دانش و توسعه بنیادی به خود جذب کرد. این مفهوم قرابت زیادی با مفهوم شهر دانش (Knowledge City) دارد و در واقع زیرمجموعه آن محسوب می شود. تغییر وضع موجود شهرها به شهر دانش و شهر آموزش دهنده، توسط بسیاری از بازیگران عرصه توسعه شهری به عنوان تنها راه حل

ممکن برای چالش های ناپایداری شهر مدرن و یک دستورالعمل برای سعادت شهروندان دیده شده است.

شهر آموزش دهنده؛ گستره مفهومی

در دهه ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد، آموزش را به عنوان یک نیاز اساسی شناخته و آن را عنصر اصلی توسعه معقول عنوان نمود. ارتباط و تاثیر بین مقوله آموزش و شهر از گذشته های دور و از زمان حرکت انسان به سمت یکجانشینی یک رابطه آشکار و غیرقابل کتمان است. شهر امروز در واقع ماحصل انباشت تجربیات و یادگیری از زندگی در شهر، الزامات و نیازهای آن در تمام طول تاریخ شهرنشینی خود بوده است. در باب شهر و آموزش هایی که شهروندان در شهر می بینند، سه نظریه وجود دارد:

۱. **دیدگاه اول به شهر به عنوان بستر و محیط آموزش می نگرد** (یادگیری در شهر)؛ در این دیدگاه محیط شهر به عنوان بستری برای فعالیت های آموزشی به شمار می آید. مدارس، مراکز آموزشی خارج از مدرسه، کتابفروشی ها، مراکز علمی و تحقیقاتی، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، مساجد، مراکز فرهنگی و هنری همگی در برپا داشتن شبکه آموزشی که شهر نامیده می شود، سهم دارند.

۲. **دیدگاه دوم به شهر به عنوان یک محمل و یا وسیله آموزشی نگاه می کند** (یادگیری از شهر)؛ در این دیدگاه شهر یک بستر آموزش است، هم چنین منبعی برای پرورش جامعه پذیری نیز هست. در این معنا از شهر به عنوان عامل آموزش غیررسمی یاد می شود. شهر ماشینی است که می آفریند و آموزش می دهد و این نتیجه به هم فشردگی بیش از حدی است که شمار زیادی از مردم و نهادهای فرهنگی (مثل ایده ها، اشیاء، فنون و غیره) را گرد هم آورده است. چنین تراکمی از آدم ها و اشیاء موجب تقویت تلاقی ها و ارتباطات، ترکیب عناصر یک فرهنگ با فرهنگ های دیگر و در نهایت آفرینش و کسب اطلاعات می شود (شهر

آموزش دهنده، ص ۱۰). شهر یک آموزش دهنده غیرمستقیم و به نهایت غنی اما سردرگم است. این آموزش به انتخاب شهروندان نیست بلکه هر چیزی، خوب یا بد، یک مکان آموزشی است (کلهر، ۱۳۷۲، ص ۱۲).

۳. از دیدگاه سوم شهر به مثابه محتوای آموزش تلقی می شود (یادگیری درباره شهر): دانش غیرمستقیمی که توسط محیط شهری ایجاد می شود، دانش درباره خود شهر نیز هست. ما از شهر می آموزیم و در همان حال درباره شهر هم می آموزیم. به عنوان یک شهروند بطور غیرمستقیم چیزهای بسیار مفید، ضروری و ارزشمند را یاد می گیریم.

«شهر آموزش دهنده» را می توان بواسطه همبستگی آن با هویت ملی خویش، ارتباط آن با سایر شهرها در مقیاس ملی و سایر کشورها در مقیاس جهانی تعریف نمود. هدف از این ارتباط را می توان آموزش، مبادله و بهره‌وری از تجارب دیگران جهت تقویت کیفیت زندگی شهروندان دانست. این شهر بواسطه نهادهای آموزش رسمی و مداخله‌های غیررسمی موجب تبادل تجربیات میان می‌گردند و ضمن حفظ روحیه تعاون یکدیگر را در طرح‌های مطالعاتی و سرمایه‌گذاری یاری می‌دهند. ساختار آموزش در شهرهای آموزش‌دهنده به صورت مادام‌العمر می‌باشد و تمامی گروه‌های سنی را دربرمی‌گیرد. در میان گروه‌های مختلف سنی، آموزش کودکان و جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است و لذا آنان در متن زندگی اجتماعی خویش موجوداتی منفعل به حساب نمی‌آیند. با تکیه بر اظهارنامه بین‌المللی سال ۱۹۸۹، کودکان نیز به عنوان شهروندانی که دارای حقوق کامل مدنی و سیاسی هستند، موردتوجه مسئولین مربوط قرار گرفتند. بدین ترتیب آنها قادر شدند تا ضمن برخورداری از حق معاشرت و مشارکت متناسب با میزان بلوغ خویش، ارتباط خویش را با افراد بالغ گسترش دهند و ضمن بهره‌مندی از مزایای همجواری میان‌نسلی، به حقوق

مدنی خویش دست یابند. شهر آموزش‌دهنده ضمن آموزش شهروندان و هدایت آنها در مسیر پیشرفت و تکامل، عوامل سنتی چون اقتصاد، اجتماع، سیاست و عملکرد (خدمات‌رسانی) را نیز در نظر می‌گیرند. مسائل قابل توجه در شهر آموزش‌دهنده در قرن حاضر عبارتند از:

۱. اول، سرمایه‌گذاری شخصی در امر آموزش؛ که بواسطه آن هرکس به افزایش میزان توانایی خود در بیان، اثبات و توسعه ظرفیت‌های شخصی خویش می‌پردازد و به یگانگی، خلاقیت و مسئولیت خود در قبال آنها توجه دارد.

۲. دوم، ارتقاء شرایط لازم جهت مساوات افراد؛ به صورتی که هرکس ضمن حفظ احترام خود و دیگران، به برقراری ارتباط با دیگر افراد جامعه بپردازد. سوم، اتحاد عوامل نامبرده به شکلی که انسان‌ها در هر شهر قادر به خلق یک جامعه بصیر باشند و هیچ‌یک از شهروندان از این بصیرت محروم نگردند.

در این راستا لازم است که شرایط لازم جهت دسترسی آسان تمام افراد جامعه به دستاوردهای ارتباطی و اطلاعاتی فراهم آید به گونه‌ای که هرکس به ظرفیت‌های شخصی خویش دست یابد (منشور شهرهای آموزش‌دهنده، مقدمه).

اصول شهر آموزش‌دهنده

ایده شهر آموزش‌دهنده به تنوع بسیار منابع آموزشی اشاره دارد و در همان حال بر پیوستگی فرایند آموزش، تعدد محرک‌ها برای یادگیری و طبیعت مکمل این دو با یکدیگر، و به آن نوع آموزشی که همانند یک شهر حاوی بسیاری از عناصر تصادفی و موردنظر و نه لزوماً متناقض برای رسیدن به درجه‌ای از نظم و هماهنگی است، دلالت دارد. منشور شهرهای آموزش‌دهنده رعایت ۶ اصل زیر را جهت ایجاد محیط شهری مطلوب ضروری می‌داند:

۱. اول، عدالت اجتماعی؛ تمام شهروندان یک شهر آموزش‌دهنده حق دارند ضمن برخورداری از عدالت

و مساوات، از امکانات شهری جهت آموزش و تفریح لذت ببرند. لذا در زمینه مدیریت و طراحی شهری باید از ابعاد مناسب استفاده کرد و با حذف موانع فیزیکی زمینه لازم را جهت رعایت حقوق معلولین فراهم آورد (IAEC, 2004, Chapter1, Article1).

۲. دوم، ارتقاء سطح دانش شهروندان؛ شهر آموزش‌دهنده باید به طرق گوناگون به ارتقاء سطح ادراک شهروندان و دانش آنها پردازد. این شیوه از آموزش را می‌توان شیوه‌ای مناسب جهت مبارزه با تبعیض دانست؛ چنانکه این شهر با تکیه بر فرهنگ‌های محبوب مردمی و منافع حاصل از ابتکارات پیشرو، از تاثیر تولیدات فرهنگی متکی بر اولویت‌های تجاری می‌کاهد (IAEC, 2004, Chapter1, Article2).

۳. سوم، افزایش ارتباطات میان‌نسلی؛ شهر آموزش‌دهنده موجب تقویت ارتباطات میان‌نسلی می‌گردد و بواسطه پروژه‌های گوناگون زمینه لازم را جهت مشارکت گروه‌های مختلف سنی در قالب یک همجواری مسالمت‌آمیز فراهم می‌آورد. این پروژه‌ها باید ضمن احترام به مهارت‌ها و ارزش‌های مورد توجه گروه‌های مختلف سنی، زمینه لازم را جهت بروز خلاقیت‌های مدنی فراهم آورند (IAEC, 2004, Chapter1, Article3).

۴. چهارم، مردم‌مداری؛ سیاست‌های شهری در چهارچوب یک شهر آموزش‌دهنده همواره باید الهام‌بخش روح یک جامعه مردم‌سالار باشد که در آن به پرورش فردی شهروندان و کیفیت زندگی آنها توجه می‌شود.

۵. پنجم، تعیین راهبردهای آموزشی؛ نهادهای شهری باید نیروی خود را جهت امر آموزش به صورت موثر به کار گیرند و فارغ از اهداف خویش، یک سیاست همه‌جانبه و یکپارچه را جهت پوشش شیوه‌های گوناگون آموزشی اعم از رسمی و غیر رسمی مورد توجه قرار دهند. لازم به ذکر است که نقش این نهادها را می‌توان از طرفی در تصویب سیاست‌های محلی و ارتقاء آنها و از طرف دیگر در

دریافت تایید لازم از نهادهای منطقه‌ای و مرکزی دانست.

۶. ششم، آگاهی از نیازهای شهروندان؛ نهادهای شهری باید اطلاعات دقیقی را پیرامون نیازها و وضعیت شهروندان حاصل کنند و ضمن به‌روزرسانی آنها، اطلاعات لازم را در اختیار عموم قرار دهند. بدین ترتیب نهادهای مربوط قادر خواهند بود تا ساختارهای لازم را جهت تحقق اهداف و سیاست‌های عمومی تعریف کنند و در مرحله طراحی به اثرات ناشی از تصمیمات خود بر آموزش و پرورش شهروندان توجه کنند.

مدل شهر آموزش محور

در مدل شهر آموزش‌دهنده، لحظه آموزنده در تقابل مردم، مکان‌ها، فرآیندها و اهداف اتفاق می‌افتد. در واقع، لحظه آموزنده یک برهم‌کنش میان مردم و مکانی خاص است که با استفاده از روش‌های طراحی شده یا طراحی نشده منجر به هدفی صریح و ضمنی می‌شود:

۱. «مردم»: لحظات آموزنده به همه امکان شرکت در تمامی فعالیت‌هایی که در شهر رخ می‌دهد را می‌دهد. تجربه کسب شده از این طریق مهم‌ترین دستاورد می‌باشد.

۲. «اماکن»: مکان‌های آموزنده، فضاهایی هستند که در آن لحظات آموزنده رخ می‌دهد. در این صورت راهبرد اساسی برای تغییر به شهر آموزش‌دهنده می‌تواند شامل یک برنامه بهبود وضع موجود باشد. برای مثال، ممکن است برای کتابخانه یا موزه شهر نقشی دیگر تعریف گردد تا به فضاهای خلاقانه تبدیل شود.

۳. «رویه‌ها»: رویه‌های آموزنده می‌تواند به خوبی برنامه‌ریزی شود (برای مثال یک فرآیند تصمیم‌گیری از پیش طراحی شده) یا بدون برنامه (برای مثال یک مواجهه تصادفی). پیچیده‌ترین رویه‌ها می‌تواند بسیاری از مردم، مکان‌ها و لحظات آموزنده را درگیر نماید.

۴. «اهداف»: همه لحظات آموزنده انگیزه‌های

درونی استفاده کنندگان را مانند شادی، جذابیت و رشد فردی برمی‌انگیزد. برخی از این موارد با اهداف از پیش تعیین شده خارجی مرتبط هستند (برای مثال پیشبرد اهداف اقتصادی افراد، گروه‌ها یا کل مردم جامعه).

اصطلاح شهر آموزش دهنده بیش از آنکه یک مقوله علمی باشد یک عقیده است که این عقیده فوق العاده کلی، ساختگی و تاریخی است که تعابیر مربوط به آرمانشهر را بیان می‌کند و به یکدیگر می‌پیوندد. در بهترین تعبیر، اصطلاح شهر آموزشی به عنوان یک سخن دلنشین یا یک شعار تلقی می‌شود. شعاری که عملکردی هشداردهنده و مبارزه جویانه دارد. در معنای دیگر این اصطلاح را صرفاً یک بازی با الفاظ و کلمات دانسته‌اند؛ به دلیل چنین تنوع و تراکمی که در کاربرد این اصطلاح وجود دارد، رسیدن به یک تعریف روشن و بی‌ابهام بسیار سخت، ولی نه ناممکن، می‌نماید (کلهر، ۱۳۷۲، ص ۲۹-۳۲).

منشور شهرهای آموزش دهنده موضوعات زیر را در قالب عناوین ۶ گانه از تعدات شهر آموزش دهنده برمی‌شمارد:

۱. **اول، ارائه هویت پیچیده شهری؛** شهر آموزش دهنده باید به کشف، حفظ و نمایش هویت پیچیده شهر پردازد. بدین ترتیب شهروندان آن قادر خواهند بود تا ضمن آشنایی با فرهنگ‌های گوناگونی که موجب شکل گیری هویت نامبرده شده‌اند، با آنها ارتباط برقرار کنند و زمینه لازم را جهت اتحاد میان فرهنگ‌های گوناگون فراهم آورند. لازم به ذکر است که نهادهای شهری قادرند ضمن ارتقاء سطح دانش ساکنین، از زبان مورد استفاده آنها به عنوان ابزاری جهت اتحاد و همبستگی ساکنین بهره جویند.

۲. **دوم، حفظ عناصر دیروز و تامین نیازهای امروز؛** تغییر و رشد در شهر آموزش دهنده باید در راستای ایجاد هماهنگی میان نیازهای امروز و حفظ عناصر دیروز (نمادها و بناهای گذشته) صورت گیرد. بدین ترتیب طراحان شهری قادر هستند تا

ضمن ممانعت از جداسازی گروه‌های مختلف سنی و فرهنگی، موجب انتقال تجربیات نسل‌های گوناگون به یکدیگر شوند.

۳. **سوم، شهروندمداری؛** شهر آموزش دهنده باید شهروندان خود را نسبت به نقش خود نسبت به حفظ و مدیریت فضای شهری آگاه سازد. در این راستا نهادهای دولتی محلی باید اطلاعات مورد نیاز را در زمینه ارزش‌های اخلاقی و مدنی جهت آموزش شهروندان در اختیار آنها قرار دهد. علاوه بر آن نهادها و سازمان‌های اجتماعی باید شهروندان را نسبت به شرکت در طرح‌های جمعی و دیگر اشکال مشارکت‌های خودانگیخته تشویق کنند.

۴. **چهارم، طرح فضاها و تسهیلات عمومی؛** نهادهای شهری باید شهر آموزش دهنده را نسبت به فضاها، تسهیلات و خدمات عمومی مناسب جهت پیشرفت‌های فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی شهروندان تجهیز کنند.

۵. **پنجم، توسعه پایدار؛** شهر آموزش دهنده باید کیفیت مطلوب زندگی را برای همه شهروندان خود تضمین کند. این امر ملزم به برقراری تعادل میان فضای شهر و طبیعت پیرامون، حفظ سلامت محیط، رعایت حقوق شهروندان نسبت به بهره‌مندی از سرپناه، اشتغال، تفریح و وسائل حمل و نقل عمومی می‌باشد. در عین حال، شهر باید به صورت فعال به ارتقاء شرایط آموزش سلامت و نیز مشارکت فعال شهروندان در فعالیت‌های مربوط به توسعه پایدار پردازد.

۶. **ششم، بازتاب بینش شهروندان؛** طرح‌های آموزشی شهر آموزش دهنده به صورت آشکار و یا ضمنی، ارزش‌هایی که ارتقاء بخشیده می‌شوند، کیفیتی از زندگی که ارائه داده می‌شود و عناصر کالبدی که در محیط شهر اجرا می‌شوند، همگی باید در قالب موضوعی جهت بازتاب اندیشه مردمی مورد توجه قرار گیرند و بدین ترتیب موجب شهروندان را در زمینه پرورش فردی و اجتماعی یاری دهند.

خدمات شهر آموزش دهنده

منشور شهرهای آموزش دهنده وظایف ۸ گانه زیر را تحت عنوان خدمات شهر آموزش دهنده معرفی می کند:

۱. اول، ارزیابی تأثیر فعالیت های آموزشی؛

نهادهای شهری باید میزان تأثیر فعالیت های آموزشی اعم از فرهنگی، تفریحی، اطلاعاتی و تبلیغاتی را بر شهروندان بویژه کودکان و جوانان ارزیابی کنند. بدین ترتیب آنها قادر خواهند بود تا ضمن کشف و حفاظت، نسبت به تفسیر تأثیرات نامبرده تلاش کنند. علاوه بر آن نهادهای شهری موظف خواهند بود زمینه لازم را جهت آشنایی شهروندان با تصمیمات نهادهای شهری فراهم آورند تا بدین ترتیب شهروندان را نسبت به پذیرش تغییرات شهری آماده سازند.

۲. دوم، آموزش والدین؛ شهر آموزش دهنده والدین را قادر می سازد تا به بلوغ فرزندان خویش کمک کنند و بواسطه احترام متقابل، محیط شهری را از آن خود و فرزندان خود سازند.

۳. سوم، هماهنگی با نهادهای کاریابی؛ شهر آموزش دهنده باید تعریف مشخصی را از راهبردهای آموزشی مورد نظر خود و ارتباط آن با تقاضاهای اجتماعی ارائه دهد و به منظور خلق فرصت های کاری و آموزش های رسمی و غیر رسمی شهروندان به همکاری با اتحادیه های کاری و موسسات کارمندی پردازد. این شهر موظف است در راستای تامین شهروندان با مشاغل آموزشی، ارتباط نزدیکی را میان طرح های آموزشی و نیازهای بازار کار در نظر بگیرد. علاوه بر آن شهر آموزش دهنده باید چشم انداز مربوط به موقعیت شهروندان در جامعه را به آنها ارائه و فرصت های مناسب را جهت مشاوره های شخصی و جهت گیری های شغلی در اختیار آنها قرار دهد.

۴. چهارم، پاسخگویی به نیازهای پناهندگان و مهاجرین؛ شهر آموزش دهنده باید از مکانیسم های موثر مربوط به محرومیت و محدودیت در سطح

شهر و اشکال گوناگون آن آگاه باشد و به توسعه راهبردهای مورد نیاز و پاسخگو در قبال آنها پردازد. دغدغه اصلی در این زمینه به افراد تازه وارد اعم از مهاجران و پناهندگان مربوط می شود که بدون محدودیت حق برخورداری از حس شهروندی در شهری که با آن تطبیق یافته اند، را دارند.

۵. پنجم، برقراری اعتدال؛ شهر آموزش دهنده بواسطه مداخله های لازم، تفاوت ها را در عرصه های گوناگون به حداقل می رساند و این مداخله ها همواره بر یک بینش جامع نسبت به افراد و مدلی مبتنی بر علایق شخصی و حقوق همگانی متکی می باشند. در این راستا راهکارهای لازم باید در هماهنگی کامل با نهادهای اجرایی و خدماتی قرار داشته باشند، ضمن آنکه همکاری میان نهادهای اجرایی و شهروندان نیز باید به صورت مردم سالارانه و بواسطه بخش ثالث و غیردولتی صورت گیرد. اعتدال در شهر آموزش دهنده بواسطه برقراری عدالت اجتماعی و تعادل ارضی حاصل می آید؛ چنانکه این شهر در راستای حفظ عدالت اجتماعی باید نسبت به نیازهای معلولین، سالمندان و کودکان در زمینه طراحی، تسهیلات و خدمات توجه خاصی داشته باشد و ضمن احترام به حقوق افراد ناتوان، آنها را مجبور به انکار بیشینه استقلال ممکن خویش نگرداند؛ ضمن آنکه جهت حفظ تعادل ارضی باید به توزیع مناسب کاربری ها در نقاط مختلف شهر توجه کند و بواسطه راهکارهای مناسب از تخلیه بافت تاریخی و مهاجرت شهروندان به حاشیه شهر ممانعت به عمل آورد.

۶. ششم، امکان مشارکت کاربرین؛ شهر آموزش دهنده باید مشوق تشکیل انجمن های مدنی در قالب نهادهای مسئولیت پذیر و مشارکتی باشد تا بدین ترتیب تجهیزات لازم را برای برگزاری اجتماعات و دستیابی به اطلاعات و ایده های لازم جهت امکان پیشرفت های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی در هر فرد فراهم آورد. بدین ترتیب مردم نیز قادر به مشارکت در روند تصمیم گیری، طراحی و مدیریت محیط شهری خواهند بود.

۷. **هفتم، اطلاع‌رسانی؛** شهر آموزش‌دهنده باید نسبت به ارائه اطلاعات کافی به شهروندان جهت آگاهی آنها از فعالیتهای جاری در شهر متضمن باشند. با توجه به ارزش نحوه انتخاب، فهم و واکنش شهروندان نسبت به انبوه اطلاعات موجود، نهادهای شهری باید منابع اطلاعاتی قابل دسترس را برای عموم شهروندان تهیه و نسبت به تعیین گزینه‌های لازم جهت تعریف جهت‌گیری‌های خویشتن اقدام کنند.

۸. **هشتم، امکان شهروندسازی مردم‌مدار؛** شهر باید امکان فراگیری ارزش‌ها و تجربه شهروندسازی مردم‌سالار را به تمامی شهروندان خود به عنوان یک هدف لازم و متعالی در متن زندگی اجتماعی ارائه دهد: احترام، بردباری، مشارکت، مسئولیت، علاقه به هر آنچه عمومی است، برنامه‌های مربوط، میراث بومی و خدمات مرتبط.

شهر علم و فناوری (تکنوپل)؛ گستره مفهومی

تکنوپل که معادل فارسی آن را به غلط پارک‌های فناوری دانسته‌اند، مشتق از دو واژه که ریشه لاتین دارند می‌باشد:

۱. «تکنو» به معنای «فن» می‌باشد و

۲. «پل» به معنی «قطب» مشتق از تکنیک که این واژه در فارسی نیز رایج شده و تداعی کننده «تئوری قطب‌رشد»^۱ یا قطب توسعه اقتصاددان فرانسوی «فرانسوا پرو» است؛ تئوری که بر اساس آن تعداد زیادی از کشورها در اروپا، آمریکای جنوبی و آفریقای شمالی و آسیا سرمشق توسعه‌های اقتصادی در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی قرار داده‌اند.

بسیاری از مخترعان کشور از ثروت شخصی زیادی

بهره‌مند نیستند و نمی‌توانند نمونه اجرا شده اختراع خود را تولید کنند؛ چه آن که تولید نمونه‌ای آزمایشگاهی از یک اختراع هزینه‌ها بسیاری در بر خواهد داشت. پس باید واسطی بین مخترع و بخش صنعت وجود داشته باشد که این مراحل را طی کند، «انکوباتورها»^۲ در پارک‌های علم و فناوری این وظیفه را برعهده دارند. هم‌چنین این پارک‌ها وظیفه حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری را نیز برعهده دارند. در ادامه بررسی این پارک‌ها، کارکردها و مزایای آن‌ها توسط خبرنگار ما تحقیقات و فناوری صورت پذیرفته است. پارک‌های علمی و فناوری یکی از نهادهای اجتماعی و حلقه‌ای از زنجیره توسعه اقتصادی مبتنی بر فناوری هستند این پارک‌ها در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفتند و از جمله اهداف آن‌ها، افزایش نوآوری مبتنی بر فناوری، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی متخصصان بود. در اهمیت این پارک‌ها همین بس که بسیاری از سیاستگذاران توسعه، پارک‌های فناوری را بخشی از یک راهبرد هوشمند و هماهنگ برای توسعه ملی یا منطقه‌ای نام می‌دانند. از دیگر سو پارک‌های فناوری نقش جذب شرکت‌های مبتنی بر فناوری پیشرفته را در سطح بین‌المللی بازی می‌کنند و علاوه بر آن بستری هستند برای سوق دادن متخصصان و دانشمندان تا در نتیجه آن فعالیت‌های کارآفرینی توسعه پیدا کنند. از این رو است که بیش از ۸۰۰ پارک علمی و فناوری در بیش از ۵۵ کشور جهان ایجاد شده و بیش از این مقدار در حال ساخت است که نشان از توجه کشورها به این نهاد اجتماعی مهم دارد. هم‌چنین شکل‌گیری و توسعه

۱. هر چند که مفاهیم قطب‌رشد بطور شهودی جذابیت و در مجموع تصویر جالبی از رشد منطقه‌ای ارائه می‌دهند، اما واقعیت این است که نه اساس تئوریک قوی دارد و نه بنیاد تجربی و عملی محکم، اگر بخواهیم از این نظریه به عنوان استراتژی توسعه استفاده کنیم با مشکلات زیادی مواجه خواهیم بود. ۱. خطر تأکید بیش از حد بر صنایع پیشاهنگ بزرگ (فرض کنید که این صنعت پیشاهنگ زوال‌یابد آنوقت ما با یک منطقه مسئله‌دار روبرو خواهیم بود که روزی قطب‌رشدی بوده است بسیاری از مناطق مسئله‌دار امروز، قطب‌های رشد دیروز هستند). ۲. فرآیند قطبی شدن بخاطر بی‌صرفگی تجمع ناشی از مقیاس و بی‌دوامی بنگاهها، محدود است. ۳. بین اثر جذب و اثر پخش نمی‌توان هیچ تعادلی را تضمین کرد. در عمل همواره اثر جذب بسیار قوی‌تر از اثر پخش بوده است. با این وجود نظریه قطب‌رشد بعنوان مکملی برای نظریه مکان مرکزی و به عنوان چارچوبی برای درک ساختار مناطق اهمیت دارد. مفاهیمی که مطرح می‌کند به ما درک جالبی از مسائل مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌دهد. اهمیت مجتمع‌های صنعتی پیشاهنگ رشد قطبی شده، صرفه‌جوییهای تجمع و تراوش رشد را یادآوری می‌کند و فهمیدن درک آن راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی خواهد بود.

۲. اهداف انکوباتورها را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: الف - کمک به جذب بیشتر کارآموزان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بازار کار و ایجاد شغل. ب - ایجاد واحدهای صنایع کوچک و متوسط فنی و تخصصی که بتوانند در بازار کار رقابت‌پذیر باشند. ج - نوسازی، انتقال فناوری و استفاده از اکتشافات علمی جدید. د - افزایش بازدهی نیروی کار بالقوه و استفاده بهینه از این سرمایه عظیم ملی. در کنار این اهداف، انکوباتورها اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنند: رشد اقتصادی منطقه، تنوع اقتصاد و سرمایه‌گذاران، کمک به زنان، مهاجران یا اقلیت‌ها.

بسیاری از پدیده های نوظهور فناوری محور ریشه در این پارک ها دارد و دولت ها می کوشند با ایجاد محیطی مناسب، شرایط کار و فعالیت را برای شرکت های کوچک و متوسط، فراهم کنند و از سوی دیگر شرکت های بین المللی مبتنی بر فناوری را جذب کنند. بنابراین دولت به ویژه در کشورهای در حال توسعه (مثلا ایران)، باید برای توسعه و موفقیت این پارک ها فعالیت کند و این امر بسیار موثر و حیاتی است.

پروفسور «رستم لالکاکا» یکی از کارشناسان و فعالان توسعه، در تعریف پارک های علم و فناوری می گوید: «پارک فناوری، یک توسعه مبتنی بر مالکیت، در یک محیط فیزیکی با کیفیت بالا و پارک مانند است. آن ها از مزایای نزدیکی به منابع مهم سرمایه معنوی، زیرساخت های مناسب و سیاست های راهنمایی کننده، بهره مند می شوند و شرکت های مبتنی بر فناوری و موسسات دولتی را در یک «محیط مدیریت شده» حمایت می کنند. بنابراین، تعامل، توسعه فناوری و رشد اقتصادی را تسهیل می کنند.» به طور کلی «پارک فناوری» عبارتی عام و این روزها فراگیر است که به دلیل وسعت تعبیری که از آن می شود گاهی گیج کننده و ناشناخته می شود. از این اصطلاح در واقع برای توصیف سطح متنوعی از فعالیت ها در یک منطقه خاص برای تحریک توسعه کارآفرینی شرکت های کوچک و متوسط دانش محور در یک کشور استفاده می شود. عبارت پارک فناوری حداقل ۱۶ مترادف دارد که رایج ترین آن ها پارک علمی، پارک تحقیقاتی و قبول فناوری هستند. زمینه های جدید در فعالیت پارک های فناوری دائماً در حال زیاد شدن هستند تا این پارک ها از رقبای فراوان خود که حدود ۲۹۵ پارک فناوری در سراسر جهان هستند، متمایز شوند. پارک های فناوری از اوایل دهه ۵۰ میلادی در آمریکا ایجاد شدند و امروزه نیز در سراسر جهان وجود دارند و تعدادشان روز به روز در حال افزایش است.

در ابتدا مقوله پارک فناوری تعریف بسیار محدودی داشت که تمرکز اصلی آن بر مستغلات پارک بود، چه آنکه طبق این تعریف دانشگاه ها مستغلات، فضاهای اداری یا تجهیزات تحقیقاتی را به واحدهای تجاری اجاره می دهند. گاهی اوقات این ترکیب به شهرک های صنعتی یا محل تجمع شرکت ها شبیه می شود. امروزه این مقوله توسعه یافته است تا محدوده وسیع تری از فعالیت ها شامل توسعه اقتصادی و انتقال فناوری را نیز دربرگیرد. با این حال یک پارک فناوری به خصوص در جهان تازه ای که فناوری نقش استراتژی و تاکتیک را هم زمان بازی می کند باید ویژگی هایی داشته باشد تا بتوان آن را موتور محرک توسعه مبتنی بر فناوری نامید. از این رو ارتباط این پارک ها با موسسات آموزشی و پژوهشی بدیهی است. همچنین پارکی باید زیرساخت ها و خدمات پشتیبانی، به خصوص مستغلات و فضاهای اداری را برای واحدهای تجاری فراهم کند. دیگر شاخصه چنین پارکی برعهده گرفتن وظیفه انتقال فناوری است و آخرین مشخصه یک پارک فناوری، توسعه فناوری خواهد بود.

نکته قابل ذکر آن است که به هر حال همه پارک های فناوری به همه این خصوصیات دست پیدا نمی کنند و برخی نیز ممکن است وظایفی اضافه بر آنچه ذکر شد داشته باشند. آنگونه که انجمن بریتانیا در تعریف خود می آورد: **مقوله پارک فناوری شامل محدوده وسیع و متنوعی از ابتکارات و نوآوری ها می شود که این تنوع حتی در داخل یک پارک نیز وجود دارد.** بنابراین امکان ارائه تعریفی محکم و فراگیر در این مورد وجود ندارد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۳ در ایالات متحده آمریکا مساحت متوسط پارک های فناوری ۲۰۰ هکتار بود با بیش از ۲۰۰ هزار فوت مربع ساختمان، ۱۲ شرکت عضو، ۳۰۰ نفر شاغل و ۲۵۰ هزار دلار بودجه عملیاتی. پارک های خارج از ایالات متحده عموماً حجمی کوچکتر دارند و در موقعیت های بسیار متفاوتی قرار دارند؛ از یک فضای

سبز وسیع در محیطی روستایی گرفته تا پارک های عمودی در ساختمان های بلند واقع در شهرهای بزرگ. امروزه، حدود ۲۵۰ پارک فناوری در انجمن بین المللی پارک های علمی عضو هستند و ۲۹۵ پارک عضو انجمن پارک های فناوری مرتبط با دانشگاه هستند.

همانگونه که تعریف ثابتی برای پارک فناوری وجود ندارد، اصطلاح ثابتی نیز برای وظایفی که پارک های فناوری انجام می دهند به کار نمی رود. اگرچه در ایالات متحده پارک فناوری، پارک تحقیقاتی یا پارک تحقیقات فناوری به کار می رود، اصطلاح پارک علمی در انگلستان و اروپا رایجتر است و عبارت قطب فناوری در فرانسه بسیار استفاده می شود. به طور کلی، پارک های فناوری به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. یکی مراکز رشد شرکت ها و موسسات (انکوباتورها) که برای شرکت های نوپا است. به عبارت دیگر این مراکز تلاش می کنند شرکت های کوچک و متوسطی را که در حوزه فناوری مشغول به کار می شوند را حمایت مادی و معنوی می کنند تا در نهایت این شرکت ها بتوانند به تولید تکنولوژی پرداخته و وارد چرخه سودآوری و اشتغال زایی شوند.

۲. دسته دوم اما پارک های علمی و فناوری است که بیشتر شرکت ها و موسسات تحقیقاتی و فناوری و انکوباتورها در آن حضور دارند و شهرک های علمی و تحقیقاتی که متشکل از چندین پارک، دانشگاه و مراکز مسکونی است. هم اکنون تعریف واحدی از پارک ها یا شهرک ها در جهان وجود ندارد و کشورها براساس مقتضیات و نیازهای خود به ایجاد پارک ها اقدام می نمایند.

اسامی مختلفی نیز برای پارک ها در کشورهای مختلف از قبیل انکوباتور تجاری، مرکز نوآوری، مرکز کارآفرینی، پارک فناوری، پارک علمی، پارک تحقیقاتی، قطب فناوری، شهر علمی - تحقیقاتی، تکنوپولیس، تکنوپل گذاشته شده

است. به طور کلی اگرچه هر شهر یا کشوری ممکن است دلایل متفاوتی برای ایجاد پارک های فناوری داشته باشد، ولی عموماً هدف اولیه از تشکیل یک پارک فناوری افزایش تعداد شرکت های کوچک و متوسط دانش محور است (که کارآفرین نیز هستند) تا در یک محیط اقتصادی به فعالیت پردازند. از این شرکتها به عنوان پشتوانه بخش خصوصی برای کمک به تنوع اقتصادی نام برده می شود. کشورهای در حال توسعه که تجربه چندانی در زمینه فناوری ندارند، ممکن است از پارک های فناوری برای جذب سرمایه گذاری خارجی برای ایجاد شغل و همچنین افزایش درآمدهای مالیاتی استفاده کنند.

اصول و اهداف شهرهای علم و فناوری

تولید اقتصادی کشورهای پیشرفته بعد از جنگ جهانی دوم متکی بر تولیدات انبوه که بر اساس پاسخ به نیازهای جمعی برنامه ریزی می شد بوده است. اقتصاددانان این مرحله از روند اقتصادی را مرحله تولید فوردیسم می نامند. شاخصه این دوره از زمان تولیدات انبوه در ابعاد و مقیاس گسترده بوده است. بخش مهم و اعظم صنایع را تولیداتی مانند: ذوب آهن، پتروشیمی، اتومبیل و دیگر وسائل مصرفی خصوصاً خانگی و برقی تشکیل می داده است. روند تولیدات اقتصادی این برهه زمانی بر اساس استانداردهای مشخص و زمان مصرفی تولیدات صنعتی بوده است. صنایع بزرگ افزایش تولیدات خود را با هدف افزایش سود خود دنبال می کردند. رقابت صنایع در تسخیر بازارها نهایتاً تبدیل به اتحاد و انحصاری نمودن تولیدات آنها گردید. شرایطی که کم و بیش ثابت و تا بحران نفتی اواسط دهه ۷۰ ادامه داشت از لحاظ کالبدی تولید انبوه فوردیسم واقع در جنوب این مناطق بزرگ صنعتی در جهان برای مثال شمال فرانسه، در آلمان منطقه روهر (RUHR) یا در شمال ایتالیا و همچنین در جنوب شرقی آمریکا را به خود اختصاص داده است. پویایی اینگونه فضاهای بزرگ صنعتی وابسته به منابع پیرامونی و خدمات و نیروهای کار در

دسترس آنها بوده است. متروپلهای صنعتی مناطق مذکور شبکه‌هایی از شهرهای کوچک صنعتی را تشکیل می‌دادند. روند تولیدی مورد اشاره به مرور زمان خصوصاً بعد از بحران نفتی با مشکلات عدیده ای روبرو می‌شود. به منظور جلوگیری از سقوط اقتصادی و گذار از مرحله بحران استراتژی کشورهای صنعتی و امروزه در حال رشد، سازماندهی مجدد فضایی به مراکز تولیدی، منعطف‌ساختن روند تولید و تغییر دائم و سریع در روش تولید و ارائه کالاهای متنوع به بازارهای مصرفی بوده است. تولیدات اقتصادی این مرحله گذار را که فرافوردیسم می‌نامند؛ خصوصاً در شاخصه برنامه‌ریزی توسط دستگاه‌های پیشرفته کامپیوتری در زنجیره تولید می‌توان دانست. از نظر ابعاد و اندازه مراکز اقتصادی کوچکتر و تخصصی‌تر می‌شوند و همچنین ارتباطی منسجم‌تر با دیگر بخش‌های اقتصادی وابسته به خود و یا خدمات‌رسان در جهت ارائه تولید کالاهای مختلف به بازار مصرف را دارا هستند. بازتاب اینگونه روند تولید خصوصاً در جوامع پیشرفته منجر به وضع ضوابط و مقررات جدید، برنامه‌ریزی و کنترل در سلسله مراتب روند تولید، کاهش زمان کار نسبت به گذشته و حتی اشتغال موقت و غیردائم شده است. مراکز تولیدی برخلاف گذشته پیرامون منابع اولیه و نیروی کار شکل نمی‌گیرند، بلکه امروزه تجمیع مجدد و بخشایش مراکز تولیدی در ابعادی کوچکتر در محدوده‌های صنعتی در اقصی نقاط کشورهای توسعه یافته و یا در حال رشد واقع شده‌اند. پیدایش تکنوپل‌ها خصوصاً از دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی مصادف با تحولات مورد اشاره در دوره **فرافوردیسم** می‌باشد. پیشرفت علم و فناوری، دسترسی به مراکز تحقیقاتی و علمی و دسترسی به مراکز خدماتی و بازارهای با تقاضای میلیونی همگی باعث گشته است که تکنوپل‌ها در مجموعه‌های شهری بزرگ و در مناطق پیرامونی آنها شکل گیرند. تکنوپل‌ها مجموعه فعالیت‌هایی که اکثراً از ابعادی کوچک و یا متوسط برخوردارند را تشکیل می‌دهند.

هدف از ایجاد پارک علم و فناوری عبارتند از:

۱. کمک به جذب دانش فنی و سرمایه‌های بین‌المللی و داخلی؛
۲. افزایش حضور و مشارکت تخصصی شرکت‌های فناوری داخلی در سطح بین‌المللی؛
۳. کمک به افزایش ثروت در جامعه از طریق توسعه اقتصاد دانش محور؛
۴. تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و تحقق ارتباط بخش‌های تحقیقاتی و تولیدی و خدماتی جامعه؛
۵. افزایش قدرت رقابت و رشد شرکت‌های متکی بر دانش؛
۶. حمایت از ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط فناوری و حمایت از موسسه‌ها و شرکت‌های تحقیقاتی و مهندسی نوآور، با هدف توسعه فناوری و کارآفرینی.

گونه‌های تکنوپل (شهرهای علم و فناوری)

این فعالیت‌ها شامل بر دفاتر، لابراتورها و واحدهای تولیدی است که در محیطی آرام و دور از هیاهوی شهری ایجاد می‌شوند. از نظر فضایی و درجه و نوع فعالیت‌های علمی و تولیدی تکنوپل‌ها یا مراکز تولیدی با تکنولوژی پیشرفته را می‌توان در گونه‌های ذیل معرفی نمود:

۱. «**مراکز نوآوری**»: این مراکز از توسعه پیوسته با محیط‌های دانشگاهی شکل می‌گیرند. واحدهای کوچک تحقیقاتی هستند که خروجی آنها در اختیار صنایع پیشرفته قرار می‌گیرد.
۲. «**پارک‌های علمی و فناوری**»: اینگونه پارک‌ها که در کشورهای انگلیسی‌زبان ایجاد شده‌اند، توسط دانشگاه‌ها و در نزدیکی آنها احداث می‌شوند و وابسته به صنایعی است که برخوردار از مکانی مختص به توسعه و تحقیقات می‌باشند که مشترکاً با لابراتورهای دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ نمونه بارز آن پارک تحقیقاتی کمبریج و پارک‌های علمی شامل بر دفاتر ORSAY در جنوب حومه پاریس نزدیک به دانشگاه اورسی (ULIS) انگلستان و یا پارک اولیس

می باشد.

۳. «شهرهای علم و فناوری»؛ بخش مهمی از اینگونه شهرها مختص به تحقیقات علمی و کاربردی است که هم می تواند در ارتباط مستقیم با دانشگاه ها باشد و یا تنها خروجی علمی آنها را مورد استفاده قرار می دهند. فعالیت عمده این گونه از شهرها تولیدات با تکنولوژی پیشرفته و ارائه خدمات برتر به دیگر صنایع می باشد. شهرهای علم و فناوری معمولاً در حومه کلانشهرها و مجموعه های شهری بزرگ در فضاهای اجتماعی مناسب با تراکم های کم جمعیتی مکانیابی و ایجاد می شوند. در کنار فعالیتهای مورد اشاره اماکن مسکونی و دیگر کاربری ها شکل می گیرند. نمونه این نوع از شهرها در جهان فراوان است؛ برای مثال دو شهر پرتوین و در حومه مسکو، تسوکوبا زلی نوگرا و دوبنا در جنوب فرانسه و آنتی پولیس در امریکارا می توان نام برد. شهرهای علم و فناوری با اینکه سیلیکون والی به مانند شهرهای جدید در حومه کلانشهرها ایجاد می شوند را نمی توان به دلایل مورد اشاره

معادل شهرهای جدید اقماری که نقش اصلی آنها کاهش بار جمعیتی و فعالیتی مجموعه های شهری بزرگ است دانست بلکه در گونه ای از شهرهای جدید که با هدف ایجاد فعالیتی خاص به مانند شهرهای جدید صنعتی به معنای سنتی آن احداث می شوند قرار می گیرند.

۴. پارک های فعالیتهای تجاری تخصصی؛ شاخصه اینگونه از پارکها کیفیت بالای محیطی با تراکم کم جمعیتی آنهاست. پارک های مذکور نیاز فعالیت های بنگاه های تجاری تخصصی را پاسخگو هستند. عملکرد این نوع از پارکها شامل بر خدمات کالایی، تجاری و شغلی است. این گونه از پارکها معمولاً در مجاورت و نزدیکی فرودگاه ها مکانیابی و ایجاد می شوند.

وظایف پارک علم و فناوری عبارتند از:

«کمک به ارتقاء دانش فنی واحدهای فناوری به منظور رقابت در عرصه جهانی؛ سازماندهی برای ارائه خدمات موثر و مورد نیاز به واحدهای فناوری به منظور کمک به رشد آنها؛ سازماندهی توانایی ها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۱۹

پارک علم و فناوری دروازه ورود به جهان نوین

تعریف پارک علمی:

پارک علم علمی سازمانی است که به وسیله متخصصان حرفه ای اداره می شود و هدف اصلی این سازمان افزایش ثروت در جامعه از طریق تشویق و ارتقاء فرهنگ نوآوری و افزایش قدرت رقابت در میان شرکتها و مؤسساتی است که متکی بر علم و دانش در محیط پارک فعالیت می کنند. برای دستیابی به این هدف یک پارک علمی با ایجاد انگیزش و مدیریت جریان دانش و فناوری در میان دانشگاهها، مراکز تحقیق و توسعه، شرکتها خصوصی و بازار، ایجاد و رشد شرکتها متکی بر نوآوری را از طریق مراکز رشد (incubator) و فرآیندهای زایشی (spin.off) تسهیل می نماید. پارکهای علمی همچنین خدماتی با ارزش افزوده بالا و فضاهای کاری و تأسیسات مناسب و کیفی به مؤسسات مستقر در پارک ارائه می نمایند.

پارک تحقیقاتی

به مجموعه ای اطلاق می شود که از طریق فراهم آوردن و ارائه زمین، تأسیسات زیر بنایی، آزمایشگاهها و کارگاههای تحقیقاتی متمرکز و تسهیلات قانونی موجبات اجتماع واحدها، شرکتها و مؤسسات تحقیقاتی را در یک فضای مشترک فراهم می نماید. این مجموعه ها که معمولاً در مجاورت قطبهای دانشگاهی و یا قطبهای صنعتی و اقتصادی شکل می گیرد ضمن ایجاد فضای مناسب جهت انجام تحقیقات کاربردی و تجاری سازی نتایج آن موجبات رشد تحقیقات را از رهگذر هم افزایی ناشی از مجاورت فیزیکی این واحدها و نیز کاهش هزینه های سرمایه گذاری اولیه و هزینه های جاری فراهم می سازند.

انواع پارک تحقیقاتی از نظر نوع فعالیت:

Science push

معمولاً توسط دانشگاهها در یک فضای مناسب در مجاورت دانشگاه ایجاد می شود و همکاری متقابلی بین صاحبان صنایع مستقر در آن پارکها و دانشگاهها به وجود می آید.

Technology park

معمولاً در مجاورت قطبهای صنعتی ایجاد می شوند و با نیت گسترش ارتباطات تحقیقاتی صنایع موجود در منطقه با واحدهای تحقیقاتی و دانشگاههای منطقه شکل می گیرند.

تعدادی از مراکز علم و فناوری ایران

- آذربایجان شرقی
- اصفهان
- خراسان
- سمنان
- فارس
- گیلان
- مرکزی
- یزد
- علم و فناوری پردیس

نقش مراکز رشد و پارک های علم و فناوری در اقتصاد دانایی

- سرمایه انسانی
- فناوری ارتباطات و اطلاعات
- نوآوری و ایجاد جریان دانایی
- تولیدی تبدیل ایده به محصول
- تولیدی تولید و انتشار دانایی
- تولیدی ثبت و فروش دانایی و فناوری

اقتصاد دانایی

- پارک های علم و فناوری
- افزایش دانایی شرکتها موجود
- افزایش دانایی و کمک به ایجاد شرکتها جدید
- افزایش دانایی و جذب سرمایه خارجی

- دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی
- پژوهشی و تربیت نیروی روز آمد
- پژوهشی و توسعه مرزهای دانش
- پژوهشی و توسعه کاربردهای علوم



درصد نتیجه فرایغ تحصیلاتی که با ورود به مراکز رشد عبارتند از: ۷۰٪
درصد نتیجه فرایغ تحصیلاتی که بدون ورود به مراکز رشد عبارتند از: ۲۰٪

وامکانات موجود در منطقه برای ایجاد پیوند بین امکانات و منابع دانشگاه ها و مراکز علمی و فناوری و صنعتی منطقه و توانایی های واحدهای فناوری؛ کمک در جهت دهی مراکز علمی مرتبط با پارک به سوی تحقیق در رشته های مورد نیاز واحدهای فناوری؛ ایجاد فضای سبز مناسب فعالیت علمی و مهندسی برای جذب دانشمندان و متخصصان داخل و خارج از کشور؛ ایجاد بستر مناسب برای حضور و همکاری واحدهای تحقیق و توسعه دولتی و غیر دولتی در پارک؛ ایجاد بستر مناسب برای حضور و همکاری واحدهای فناوری خارجی در پارک برای توسعه فناوری شرکت های بومی؛ ایجاد بستر مناسب برای فعالیت مشترک واحدهای فناوری داخلی و خارجی؛ تشویق پژوهش با هدف توسعه محصولات و فرآیندها و با هدف دستیابی به فناوری؛ کمک به ایجاد شرکت ها و بنگاه های اقتصادی جدید از طریق مراکز رشد واحد های فناوری؛ ویژگی های پارک علم و فناوری نیز عبارتند از:

«نزدیکی به مراکز شهری مهم، دانشگاه ها و مناطق اقتصادی؛ دارای حوزه ستادی کوچک و مدیریت با تجربه؛ دارای توان تدارکات امکانات و خدمات با ارزش افزوده بالا؛ دارای زیرساخت های تاسیساتی و شهری مناسب؛ دارای دسترسی مناسب از قبیل اتوبان، فرودگاه و راه آهن؛ دارای معماری نوین ساختمانی و محیط آرام و دلپذیر»

در میان گونه های مورد اشاره از تکنوپل ها تنها شهرهای علم و فناوری از شاخصه های شهری به معنای اخص برخوردارند. نکته

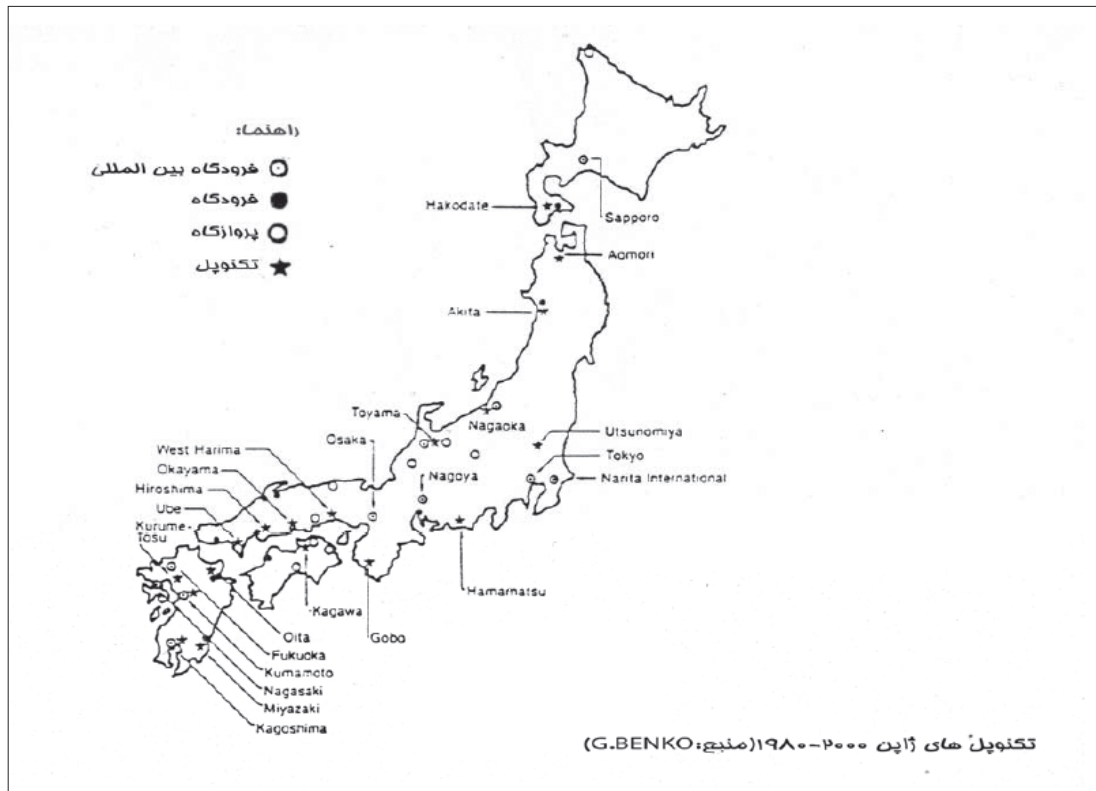
حائز اهمیت این است که احداث تکنوپل ها در کشورهای مختلف (به استثنای شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی قبل از فروپاشی دیوار برلین) از سیاست های آمایشی در سطح ملی پیروی نمی کنند. بلکه در سطحی نازلتر، مکانیابی و احداث آنها تابعی از طرح های منطقه ای و یا محلی می باشد. به همین دلیل و از آنجا که نهادهای مختلف اعم از دولتی و یا خصوصی در احداث تکنوپل ها سهیم هستند، شاهد تنوع در ساختار معماری و شهرسازی آنها در اقصی نقاط جهان هستیم.

بررسی موردی شهرهای علم و فناوری

از دیدگاه نظری می توان گفت که تکنوپل ها ریشه در تئوری مکانیابی بنگاههای صنعتی اقتصاددان آلمانی آلفرد وبر شکل گرفته اند؛ در ارتباط با مکانیابی تکنوپل ها صنایع با فناوری پیشرفته جایگزین صنایع سنتی می شوند با این تفاوت که در اینجا مکانیابی فضایی تکنوپل ها بستگی به شرایط اقتصادی کشورها و ماهیت تولید و متقاضی ایجاد آنها (بخش دولتی یا خصوصی و یا نظامی) دارد.

فاکتورهای مورد اشاره بر ساختار معماری، شکل گیری فضایی و ابعاد صنایع مورد نظر تأثیری مستقیم دارد. نیروی کار (در تئوری وبر) و یا سرمایه انسانی برای تکنوپل ها از دیگر فاکتورهایی است که در انتخاب مکان تکنوپل ها نقش ایفا می کنند. جذب نیروهای متخصص به تکنوپل ها در مقایسه با صنایع سنتی از نسبت بالایی برخوردار است. دسترسی به نخبگان علمی، مهندسی، مدیران، متخصصین در روند تولیدی صنایع پیشرفته همگی در مکانیابی تکنوپل ها از اهمیت ویژه ای

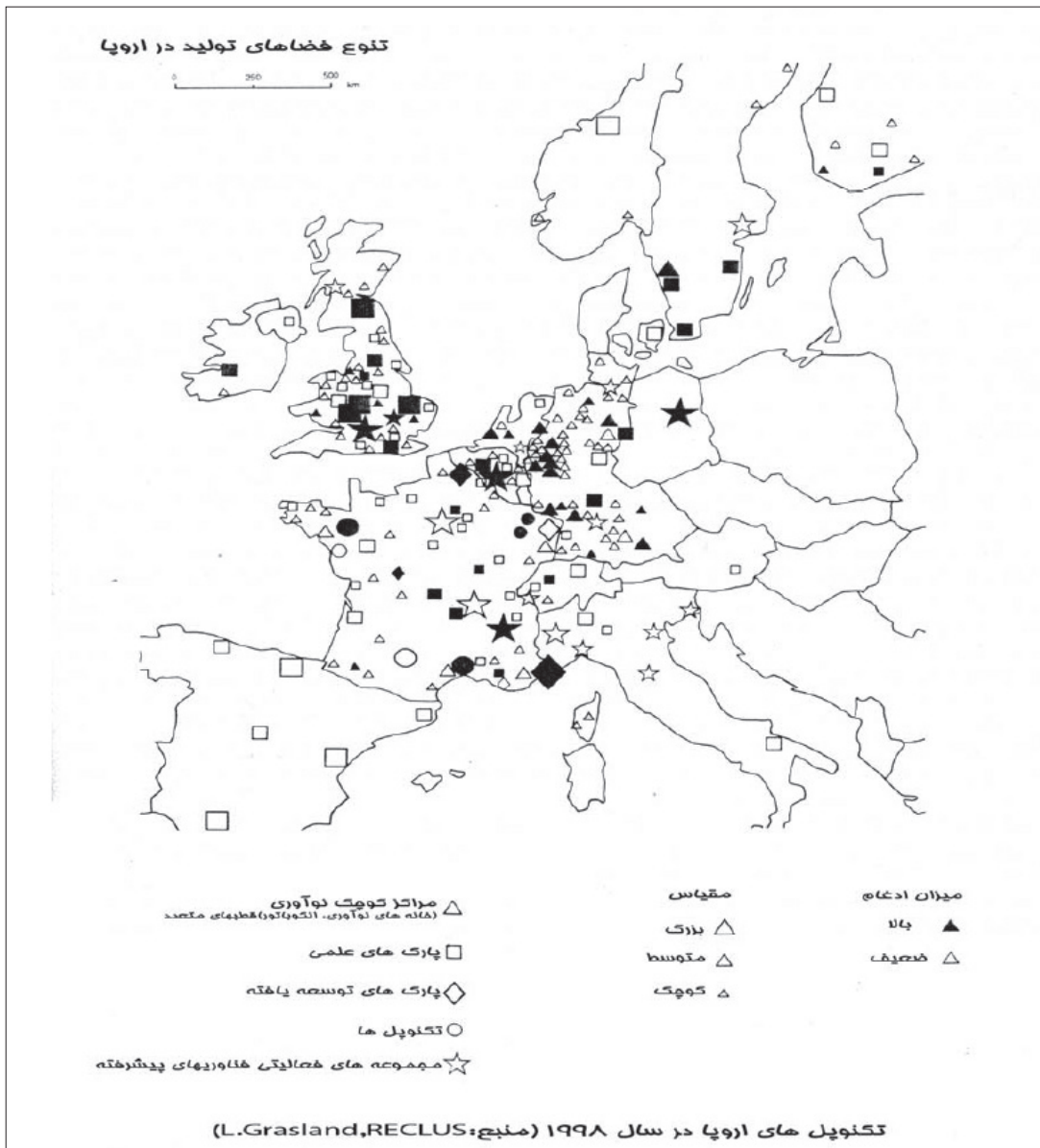
۱. همزمان با توسعه صنایع و پی آمدهای اقتصادی و اجتماعی آن، نظریه های مکان یابی به منظور بهره وری بیشتر از فعالیت های صنعتی و کم کردن آثار منفی و ضررهای اقتصادی، ارائه شد. این نظریه ها توسط اندیشمندان همچون «آلفرد وبر»، «آگوست لوش»، «پالاندر»، «اسمیت»، «گرین هات»، «والتر ایزارد»، «مایکل راسترون»، «کریستالر» و «لانهارد» مطرح شده است. لانهارد در سال های ۱۸۸۲-۱۸۸۵ میلادی، تئوری مکان یابی صنایع خود را مطرح نمود؛ اما چارچوب علمی این تئوری توسط وبر آلمانی در سال ۱۹۰۹ میلادی پایه ریزی شد. سپس لوش و کریستالر با بسط و توسعه این تئوری، نظریه مکان مرکزی را ارائه کردند و در نهایت هور این تئوری را به بلوغ و کمال رساند. بر طبق تاریخچه جغرافیای اقتصادی، تا قبل از دهه ۶۰ میلادی، اساسی ترین فرض رایج در چگونگی برپایی صنایع و کمینه کردن هزینه ها بر پایه باور انسان اقتصادگرا بود که در آن انسان دارای توانایی رقابت با رقبا، آینده نگری و برخورداری از اطلاعات و آگاهی های مورد نیاز در فرآیند تصمیم گیری تصور می شد. بدیهی است که چنین فرضی در تطابق کامل با دنیای واقع قرار نمی گرفت. بدین ترتیب دیگری در نظریه های مکان یابی (خصوصاً مکان-یابی های صنعتی)- بر اساس نگرش های رفتاری- شکل گرفت که بر مفهوم انسان بهینه جو تأکید می کنند. از طرف دیگر مبنای نظریه های حداقل هزینه، کاهش هزینه های حمل و نقل بود که در آن ها به هیچ وجه به عامل تقاضا به عنوان یک عامل تعیین مکان و موقعیت جغرافیایی توجهی نمی شد. این امر موجب گرایش تحلیل های تئوری به سمت تجزیه و تحلیل بازارهای در دسترس و رقابت برای توسعه و گسترش بازارها شد. طبق این تئوری، کارفرمایان اقتصادی نه تنها از طریق کاهش هزینه های تولید (از جمله هزینه های حمل و نقل)، بلکه با دسترسی به بازارهای مطمئن تر و گسترده تر سعی در حداکثر کردن درآمدها داشتند.



نقشه ۱. نقشه تکنوپلهای ژاپن؛ ماخذ: G.BENKO

کاتالیزوری در تجمیع صنایع با فناوری پیشرفته در فضاهای مجازی و حقیقی بشمار می‌روند. دسترسی سهل به مراکز علمی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و غیره هرکدام نقش بسزایی در ارتباطات تکنوپل‌ها ایفا می‌کنند. مکانیابی تکنوپل‌ها در حومه کلانشهرهای جهان بیانگر نقش اهمیت اقتصادی آنها و همچنین تجمیع آنها در روند توسعه مجموعه‌های شهری بزرگ است. نقشه شماره ۱ مکان بخشایش مراکز کوچک نوآوری، پارکهای علمی، تکنوپولها و مجموعه فعالیتها با فناوری پیشرفته در اروپا را با ابعاد آنها در اواخر دهه ۹۰ میلادی نشان می‌دهد. نقشه شماره ۲ تجمع مراکز اصلی با فناوری پیشرفته را در آمریکا در نیمه دهه ۹۰ میلادی می‌توان مشاهده کرد و نقشه شماره ۳ مکان تکنوپل‌های ایجاد شده در ژاپن را نشان می‌دهد. در آمریکای شمالی سیلیکون‌والی از قدیمیترین و بزرگترین تکنوپل‌های ایجاد شده در جهان است. سیلیکون‌والی در نواری به عرض ۱۵ کیلومتر و بطول حدود ۵۰ کیلومتر در

برخوردار می‌باشند. همچنین همانگونه که اشاره شد تکنوپل‌ها می‌بایست در مکانی آرام و مناسب دور از آلودگیهای صوتی و محیطی برای جذب و اسکان نیروهای متخصص ایجاد شود. دسترسی به بازار نیروی کار غیرمتخصص نیز مکملی دیگر در مکانیابی بهینه تکنوپل‌ها می‌باشد. شبکه‌های ارتباطی اعم از جاده‌ای، ریلی برخلاف مکانیابی بنگاه‌های صنعتی در تئوری ویر امروزه نقشی به مراتب نازلتر از گذشته ایفا می‌کنند. وسائط نقلیه شخصی، دسترسی سریع افراد به بزرگراه‌ها، ارتباطات از طریق شبکه‌های مترو همگی هزینه دسترسی نیروهای کار اعم از متخصص و غیرمتخصص به مراکز اشتغال (در اینجا به تکنوپل‌ها) را بر خلاف گذشته به حداقل رسانده است. دسترسی به شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیز در توسعه صنایع با فناوری پیشرفته نقش مهمی را دارا می‌باشند. شبکه‌های اطلاع‌رسانی (فیبر نوری، اینترنت و غیره) از فاکتورهای عمده توسعه و پیشرفت تکنوپل‌ها بشمار می‌روند. شبکه‌های اطلاع‌رسانی



نقشه ۲. تکنوپلها در اروپا مربوط به سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹؛ ماخذ: L.grasland

سال ۱۹۷۳ ایجاد می شود. در سال ۱۹۸۰ تکنوپل تسوکوبا بطور کامل به مرحله بهره برداری می رسد. از جمعیت ۲۰۰ هزارنفری تسوکوبا ۴۰ هزارنفر در مراکز تحقیقاتی و آموزشی اشتغال دارند. در تکنوپل تسوکوبا اماکن مسکونی و دیگر کاربری ها اعم از تجاری، فرهنگی، آموزشی در پیرامون لابراتورهای تحقیقاتی در محیطی آرام و مناسب ایجاد شده اند. تکنوپل های برزیل را می توان نماگری از دو وضعیت در نظر گرفت:

جنوب سانفرانسیسکو واقع شده است. نقش دانشگاه استن فورد از دهه ۱۹۵۰ میلادی و توسعه صنایع با فناوری پیشرفته در سیلیکون والی گره خورده است. تسوکوبا دیگر تکنوپل است که در اوایل دهه ۶۰ میلادی به منظور کنترل رشد شهری توکیو در حومه این شهر ایجاد می شود. در اواسط همین دهه شرکت خانه سازی ژاپن طرح جامع این شهر علم و فناوری را ارائه می دهد. در اوایل دهه ۷۰ میلادی لابراتورهای تحقیقاتی و بدنبال آن دانشگاه تسوکوبا در

تجمع مراکز اصلی صنایع ۱ تکنولوژی پیشرفته در آمریکا در سال ۱۹۸۹ (منبع: G.BENKO)



نقشه ۳. نقشه مراکز اصلی صنایع پیشرفته در آمریکا؛ ماخذ: G.BENKO

مختلف، می‌توان ملاحظه نمود که نکته کلیدی در تکنوپل‌ها آن است که شرکت‌ها و مؤسسات براساس یک هدف دور هم گرد آمده‌اند و با یکدیگر همکاری می‌کنند و آن هم این است که دستاوردها و نوآوری‌های تکنولوژیکی را به اتفاق ایجاد کرده و به کار گیرند. در برزیل چند عامل تشکیل و موفقیت تکنوپل‌ها را تضمین می‌نمایند که عبارتند از:

۱. ارتباط مابین بخش تولید و بخش‌های تحقیقاتی؛
۲. وجود نیروی تحقیقاتی با قابلیت‌های بالای علمی و پژوهشی؛

۳. وجود افراد و مؤسساتی که می‌توانند تحقیقات را به نوآوری‌های تکنولوژیکی تبدیل سازند؛

۴. وجود رهبران محلی و کارآفرینی که به وقایع سیاسی روز آگاهند و قادرند از تعابیر جدید مرتبط با منافع ملی، سود جسته و اهداف خود را با این تعاریف و منافع همگام سازند.

باتوجه به تکنوپل‌های برزیل می‌توان نتیجه گرفت

۱. مجتمع‌هایی با قابلیت‌های علمی و تکنیکی بالا که به منظور توسعه فعالیت‌های فناوری و صنعتی در مناطق معینی ایجاد شده‌اند.

۲. مکان‌هایی که قبل از در نظر گرفتن یک چارچوب نهادین مشخص، دارای توانمندی‌های فنی و علمی بوده‌اند و ارائه این چارچوب، موجب تمرکز و ارتقای ظرفیت‌های صنعتی، علمی و تکنیکی در آن منطقه یا شهر شده است. از طرف دیگر تکنوپل‌ها را می‌توان ساختاری دانست که مدیریت تکنولوژی و رابطه متقابل میان آموزش، پژوهش و سازمان‌های صنعتی را تسهیل می‌کنند. مطالعه قطب‌های تکنولوژیکی برزیل نشان می‌دهد که چگونه همکاری میان مؤسسات آموزشی و پژوهشی، شرکت‌ها و دولت می‌تواند نوآوری‌های تکنولوژیکی را تسهیل کند.^۱ همچنین می‌توان مشاهده کرد که تکنوپل‌ها، مدیریت تولیدات تکنولوژیکی و فرایند انتقال تکنولوژی را تسهیل می‌کنند. علیرغم تعابیر

۱. نقش دولت در تسهیل شکل‌گیری شهرهای علم و فناوری اهمیت اساسی دارد؛ چراکه نظریه‌های مکان‌یابی در نهایت با اثربخشی از رویکردهای سیستمی به مسائل در اواخر دهه ۷۰ میلادی، سعی در تلفیق هم زمان دو نظریه سابق نمودند. در این رویکرد، فعالیت‌ها و صنایع باید در موقعیتی جانمایی شوند که فاصله درآمدها از هزینه‌ها (سود) را برای کارفرمایان اقتصادی به بیشترین مقدار ممکن سوق دهد. بدین ترتیب هنگامی که هدف به سمت سودآوری میل کند، دو متغیر هزینه و درآمد نیز ظاهر می‌شوند. اگر نقطه نمایی مطلوب، سود باشد، در جواب این سؤال که «چه صنایعی در کجا؟»؛ یعنی همان بحث مکان‌یابی و جانمایی، درآمدها و هزینه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند و از آنجا که هریک از این دو متغیر با موقعیت جغرافیایی استقرار وابستگی دارند، ساختار سود را نیز در امکان مختلف دگرگون می‌کند.

تأمین مالی پروژه‌ها را در مراحل مختلف تحقیقات و فرایند ساخت به عهده بگیرد، به مشارکت مالی با شرکت‌های خصوصی در ایجاد بنگاه‌های جدید بپردازد؛ همانگونه که بیان شد انواع مختلفی از تکنوپل در برزیل وجود دارد که بررسی تک تک آنها بدون فایده نخواهد بود. لیکن تجربه تکنوپل الکترونیک و تکنولوژی برتر کامپیناس نکته‌های قابل توجهی دارد که در زیر بررسی خواهد شد.

که برای تسهیل در نوآوری‌های تکنولوژیکی و بهبود شرایط اقتصادی و اشتغال در یک شهر یا منطقه لازم است شرکت‌ها، مؤسسات آموزشی و پژوهشی و دولت در سطوح مختلف ملی، استانی و شهرستان با یکدیگر همکاری کنند. در عین حال برای موفقیت تکنوپل‌ها، لازم است دولت نقش سنتی خود را به عنوان سرپرست تکنوپل، به حامی و پشتیبان برای مجموعه تکنوپل تقلیل دهد و به جای آنکه



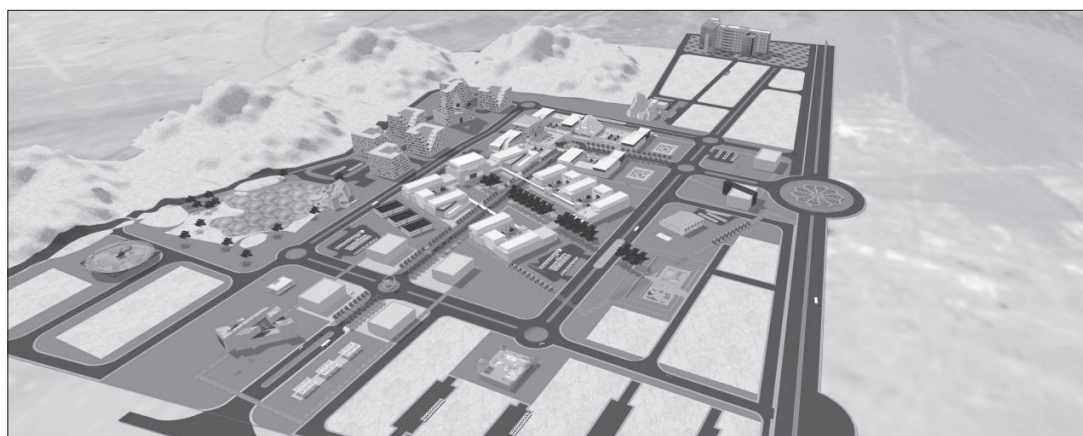
تایپه، تایوان

تایپه یکی از بهترین شهرهای سایبری دنیا است. این شهر دارای بزرگترین شبکه اینترنت پرسرعت است. شرکت کیو ویر کراپ، یک شبکه بی سیم با هزینه ۷۰ میلیون دلار متشکل از ۲۰ هزار نقطه دسترسی و برد کافی ساخته تا برای ۹۰ درصد جمعیت شهر تایپه خدمات ارائه کند. در حال حاضر در یک محوطه ۲۷۰ متر مربعی در تایپه بیش از ۲.۶ میلیون نفر زندگی می‌کنند. دسترسی سراسر شهر به شبکه اینترنت پرسرعت با یک هزینه اندک ماهانه که از ۴.۵۰ تا ۱۲ دلار متغیر است، صورت می‌گیرد.



خلیج سانفرانسیسکو، کالیفرنیا

این شهر شاخصی در نقشه فناوری جهان است. «سیلیکون ولی» می‌تواند شهر مورد توجه علاقمندان فناوری باشد، چراکه میکروپردازشگرها و میکرورایانه‌ها نخستین بار در این شهر تولید شد. سیلیکون ولی که بزرگترین پروژه بی‌سیم تلقی می‌شود دربرگیرنده محدوده ۴۲ منطقه شهرداری و حدود ۴ هزار کیلومتر مربع در کالیفرنیا است. این شهر در نظر دارد برای ۴.۲ میلیون نفری که در آن زندگی می‌کند اینترنت پرسرعت رایگان فراهم کند.



تصویر ۲. طرح شهری پارک علم و فناوری یزد؛ ماخذ: سایت بنیاد ملی نخبگان.



توکیو، ژاپن

توکیو یک تابلو نقاشی از زندگی با فناوری بالا و بی تردید در میان مهم‌ترین شهرهایی است که از بالاترین فناوری‌های موجود بهره می‌گیرند. از گجت‌های فناورانه گرفته تا نسل آینده تماس‌های تلفنی، سیستم سریع حمل و نقل عمومی، دستگاه‌های الکترونیک پیشرفته، ریزتراشه‌های کوچکتر، پارک اتومبیل رباتیک، سیستم حمل و نقل با معیارهای جهانی و ویژگی‌هایی است که همه آنها در توکیو مشاهده می‌شود.



سیاتل، واشنگتن

تنها داشتن موزه‌های برتر علمی تخیلی در این شهر دستاورد فناوری محسوب نمی‌شود، بلکه شهر مقصد مطلوبی برای دوستداران فناوری و گجت‌ها محسوب می‌شود. بیل گیتس مایکروسافت را از این شهر آغاز کرد و دفاتر آن را در سراسر شهر تأسیس کرد که به دنبال آن آمازون، تی موبایل راه خود را به صفحات سفید سیاتل باز کردند. محبوبیت شرکت‌های فناوری در دهه نود به قدری زیاد بود که موجب شد ۵۰ هزار نفر به این شهر مهاجرت کنند، از این رو، ساکنان شهر مشکلی برای یافتن یک شبکه بی‌سیم ندارند و این دسترسی در تمام رستوران‌ها و قهوه‌فروشی‌ها وجود دارد. در تمام ساعات روز و شب سیاتل می‌توان آنلاین بود و این شهر یکی از شهرها مهم فناورانه در آمریکای شمالی توصیف شده است.



سئول، کره جنوبی

هنگام اشاره به ۱۰ شهر برتر در عرصه فناوری، نام سئول پایتخت و بزرگترین شهر کره از جمله نام‌هایی است که به ذهن متبادر می‌شود. سامسونگ، ال جی، هیوندای، کیا، اس کی تلکام از جمله صنایع فناوری بزرگ است که مقر آنها در سئول قرار داشته و اکنون به عنوان قطب بزرگ تجارت فناوری تلقی می‌شوند. به سادگی می‌توان گفت این شهر فناوری خود را با سرعت هرچه تمام‌تر گسترده کرده است. این شهر در حال حاضر برحسب نفوذ پهنای باند، خدمات، سرعت و ظرفیت داندلود در جهان یکی از شهرهای پیشرو تلقی می‌شود. سرعت فناوری در این شهر بسیار بالا است و دستگاه‌های قابل حمل و قابل اتصال به اینترنت ضربان قلب شهر را تشکیل داده‌اند.



هنگ کنگ، چین

شهر هنگ کنگ، چین برای دوستداران فناوری می‌تواند محلی برای برآورده کردن تمام انتظاراتشان باشد. این شهر از سیستم کارت‌های هوشمند برای شبکه تراموای استفاده می‌کند تا حمل و نقل و ارتباطات ساده‌تر باشد. پهنای باند در هنگ کنگ بسیار ارزان قیمت است و اینترنت ۱۰ مگابایت در ثانیه ماهانه ۱۶ دلار هزینه دارد. اینترنت ۱۰۰ مگابایتی در ثانیه ماهانه ۳۴ دلار است و این مسئله هنگ کنگ را در میان معدود شهرهایی قرار می‌دهد که توانایی ارائه چنین سرعت بالایی را با قیمت قابل پرداخت برای شهروندان دارند.



سنگاپور

پهنای باند بی سیم در این شهر برای همه رایگان و بی هزینه است. این شهر قرار است به زودی به نخستین شهر دنیا تبدیل شود که با زیرساخت کابل نوری پوشیده خواهد شد و در نتیجه آن اتصالات اینترنتی به قدری سرعت می یابد که داندود یک دی وی دی ظرف چند ثانیه صورت می گیرد. در رقابت های بین المللی برای ارائه سرعت بیشتر پهنای باند که در حال حاضر میان چند کشور آسیایی در جریان است، رتبه اول را از آن خود کرده است.



استکهلم، سوئد

اینترنت در استکهلم با سرعت بالا در همه جا وجود دارد. این شهر نقطه اوج بازار اینترنت اروپای شمالی است. تلیاسونرا، شرکت پیشگام ارتباطات راه دور در سوئد ارائه کننده خدمات اینترنت ۲۴ مگابایت در ثانیه با قیمت ۵۰ دلار در ماه است. در شهری چون استکهلم سوئد که هزینه های زندگی نسبتاً بالا است پرداخت چنین مبالغ ماهانه ای برای داشتن اینترنت با سرعت بالا بسیار به صرفه محسوب می شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۲۶



بنگالور، هندوستان

بنگالور سیلیکون ولی هندوستان است، این شهر مرکز فناوری هندوستان محسوب می شود و پوشش اینترنت پرسرعت در قسمت اعظم شهر وجود دارد. بنگالور دارای تعداد بیشماری دانشکده مهندسی برجسته است که اقتصاد فناوری اطلاعات این شهر را تغذیه می کنند. زیست فناوری از دیگر ویژگی های این شهر است که در میان شرکت های بزرگ بنگالور در حال پیشرفت و گسترش است. این کلان شهر در مسیر تبدیل شدن به یک شهر الکترونیک قرار دارد، چرا که در حال حاضر نیز طوفان شرکت های آی. تی و نرم افزاری این شهر را دربر گرفته است.



نیویورک، آمریکا

نیویورک به طور کامل به اینترنت پرسرعت متصل است و هزینه این اتصال رایگان است. این شهر می تواند نقطه مناسبی برای علاقه مندان فناوری و یافتن مشاغل مورد نظرشان در عرصه فناوری باشد. نیویورک مقر شرکت های بین المللی فناوری اطلاعات است و شخصیت های مهمی در این عرصه در نیویورک به سر می برند. نرخ موفقیت فناوری در نیویورک به سرعت بالا می رود و نیازی به گفتن نیست که داندود فایل هایی با حجم بالا در این شهر تنها طی دقایقی صورت می گیرد. نکته حائز اهمیت کالج ها و دانشگاه های مهم نیویورک در عرصه فناوری است که در آن میان می توان به موسسه فناوری نیویورک و کالج فناوری نیویورک اشاره کرد.

معیارهای مکان‌یابی شهرهای علم و فناوری (تکنوپل)

محلی که برای احداث این شهرها انتخاب می‌شود، باید دارای شرایط معینی باشد که مهمترین آنها از این قرارند:

۱. «وجود ساختار علمی و فنی مناسب»: ساختار علمی و فنی مناسب بیشتر به وجود دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در منطقه بستگی دارد.

۲. «وجود زیرساخت صنعتی و اقتصادی مناسب»: تحقق این شرط تابع وجود شرکت‌ها و مؤسسات صاحب فناوری بالا و یا شرکت‌های معمولی طالب فناوری بالا است.

۳. «وجود سطح زندگی مناسب»: تحقق این شرط منوط به وجود شبکه‌های حمل و نقل (نزدیکی به فرودگاه، مترو یا اتوبان)، شبکه‌های مخابراتی، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و آموزشی است.

۴. «وجود منابع لازم برای تأمین نیروی کار متخصص و پشتیبانی‌کننده»، نزدیک بودن به بازارهای منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی. خدمات شهرهای علم و فناوری عبارتند از:

۱. «خدمات عمومی»: اسکان، دسترسی به تلفن و دورنگار، کارپردازی و خدمات دبیرخانه‌ای، امکان استفاده از اتاق‌های کنفرانس، تجهیزات سمعی و بصری و سرویس رفت‌وآمد.

۲. «خدمات اطلاع‌رسانی»: کتابخانه، اینترنت، مراکز اطلاع‌رسانی و نرم‌افزارهای مهندسی؛

۳. «خدمات مشاوره‌ای و آموزشی»: مشاوره‌های مدیریتی، مالی و بازرگانی، خدمات حسابداری و حقوقی، برگزاری سمینار و یا دوره‌های آموزشی مورد نیاز برای شرکت‌های نوپا؛

۴. «خدمات فنی و تخصصی»: ارائه خدمات فنی مهندسی، استفاده از امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی نظیر آزمایشگاه صنایع غذایی، بیوتکنولوژی، شیمی، مواد و سرامیک، برق و الکترونیک، مکانیک، کارگاه ماشین ابزار و پایلوت‌های تولید محدود؛

۵. «خدمات مالی و اعتباری»: تسهیل امکان استفاده از اعتبارات خدماتی و تحقیقاتی، شناسایی

منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاران، تسهیل در جذب اعتبارات مصوب طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی؛

۶. «ثبت اختراعات»: در پارک‌ها و شهرک‌های علمی و فناوری این امکان به سادگی فراهم است که حاصل ابداعات و نوآوری‌های پژوهشگران به نام خود آنان ثبت و حقوق آنان محفوظ بماند.

تکنوپل سیول (شهر علم و فناوری موسیقی)

این پلازای شهری در سال ۲۰۰۴ طراحی شده و در سال ۲۰۱۱ اجرای آن به اتمام رسیده است.

یک پلازای شهری در بافت تاریخی شهر است که شامل موزه باستان‌شناسی مغازه و فروشگاه و نیز رستوران‌های متعدد است. فضایی بسیار پویا در شهر به وجود آورده و برای مسافران و توریست‌ها بسیار جذاب است. هرچند هنوز مردم شهر و شهروندان علاقه زیادی به آن نشان نداده‌اند؛ اما

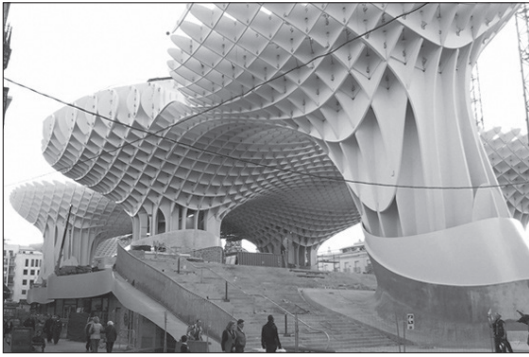
منتقدان معماری معتقدند که مردم به زودی این پلازا را نماد شهر خود خواهند دانست؛ همانگونه که برج ایفل ابتدا مورد قبول شهروندان پاریس نبود، اما اکنون سمبل فرانسه است. بر همین اساس بوده

است که نخستین شهر خلاق موسیقی یونسکو، سویل اسپانیا شد. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)، شهر سویل اسپانیا را در شبکه شهرهای خلاق، شهر موسیقی معرفی کرد. این شبکه که در راستای اهداف اعلامیه و

کنوانسیون تنوع فرهنگی فعال شده است، شهرهای برجسته جهان را در هفت زمینه موسیقی، غذا، ادبیات، سینما، طراحی، هنرهای عامیانه و هنرهای

رسانه‌ای به هم متصل می‌کند. یونسکو، سویل را انعکاس قرن‌ها موسیقی سنتی این منطقه دانسته و اعلام کرده است که این شهر را همه به عنوان شهری خلاق و فعال در زمینه موسیقی می‌شناسند.

در سویل، موسیقی همه جا وجود دارد و بیشتر مردم نوازنده یک ساز یا سبک خاص هستند. از سمفونی‌های مختلف، اپرا و جشن‌های عمومی گرفته



تصویر ۱. پلازای شهری در سیول اسپانیا؛ تکنوپل موسیقایی خلاق در جهان.

جذب نمود. در عین حال تحقیقات این مراکز که روی تکنولوژی‌های پیشرفته (Hi-Tech) متمرکز بود و شکل‌گیری شرکت‌هایی که قابلیت تولید کالاهای جدید و بعضاً صدور آن به سایر کشورها را داشتند، موجب جذب شرکت‌های دیگری به این منطقه شد. در مجموع حضور دانشگاه‌های بسیار معتبر در زمینه علوم مرتبط با تکنولوژی بالا، شرکت‌های چندملیتی معظم همچون: IBM, COMPAQ, TEXAS INSTRUMENT, NORTHERN TELECOM و دیگر شرکت‌های آمریکایی و اروپایی، استقرار مهمترین مراکز تحقیقاتی مخابرات و کامپیوتر و وجود یک دولت محلی و شهرداری بسیار کارا و توانمند در شهر کامپیناس این شهر را به یکی از مولدترین و موفق‌ترین شهرهای آمریکای جنوبی تبدیل کرد. با بررسی سیاست‌های اعمال شده در کامپیناس می‌توان نتیجه گرفت، سیاست‌های صنعتی در سطح ملی، توانایی‌های منطقه برای ایجاد مراکز تحقیقاتی معتبر و جذب توانمندترین متخصصین و برخورداری از یک نظام اداری توانمند و آینده‌نگر در سطح محلی موجب شده است کامپیناس از سیاست‌های اتخاذ شده در سطح ملی بهترین استفاده را کرده و خود را تبدیل به مهمترین مرکز صنایع مخابراتی و کامپیوتری در برزیل و در آمریکای جنوبی نماید.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شهر به عنوان بزرگترین دستاورد بشر، علاوه بر محلی برای سکونت، می‌بایست آسایش و راحتی وی را فراهم کند که در این میان آموزش دهنده‌گی

تا نهادهای جوانان، موسسات و کنسرواتوارهای مختلف، برنامه‌هایی دارند که مردم این شهر را به نوعی وارد حوزه موسیقی می‌کند.

تکنوپل کامپیناس (شهر علم و فناوری انفورماتیک)

ظهور کامپیناس به عنوان یک مرکز تکنولوژی برتر، ارتباط تنگاتنگی با استراتژی بخشی دولت برزیل در زمینه ایجاد صنعت الکترونیک و انفورماتیک داشت. دولت برزیل با اعمال سیاست «رزرو بازار داخلی» در اواخر دهه ۱۹۷۰، سعی نمود تا از طریق ایجاد موانع تجاری فضای لازم را برای شکل‌گیری صنایع داخلی فعال در این رشته‌ها فراهم آورد. بسیاری از تمهیداتی که در رابطه با این سیاست انجام شد به نحوی با ایالت سان پاولو و بخصوص شهر کامپیناس مرتبط بود و بخش مهمی از دستاوردهای این سیاست در این محدوده متمرکز گردید. مرکز تحقیقات مخابرات Telebras و مرکز تحقیقات کامپیوتر CTI که به منظور فعال نمودن توانمندی‌های تکنولوژی داخلی در راستای سیاست بازار رزرو شده راه‌اندازی شده بودند به این منطقه منتقل شدند. علاوه بر آن با جذب چندین نفر از موفق‌ترین محققین و دانشمندان برزیلی که در مهمترین مراکز تحقیقاتی آمریکا مانند AT&T و Bell Labs کار می‌کردند توسط دانشگاه جدید التأسیس کامپیناس، فعالیت‌های علمی مربوط به مخابرات و الکترونیک به تدریج در شهر پا گرفت. این فعالیت‌های گسترده، تعداد قابل توجهی از نیروهای متخصص را به منطقه

و بستر پژوهش مدار بودن از ویژگیهای شهرهای آینده بشمار می رود. برقراری تعاملات مداوم بشر با محل زندگی خود این امکان را فراهم می کند تا او بتواند آگاهی بیشتری از شهر و فضاهای مختلف شهری کسب کرده و کاستی های آن را درک کند و بتواند با سرمایه های اجتماعی، اقتصادی، طبیعی، فرهنگی، تاریخی این کاستی ها را در جهت ایجاد رفاه خود رفع کند. شهر آموزش محور یا پژوهش محور در این راستا معرفی می شود تا شهروند با برقراری ارتباط با محیط اطراف این آموزه ها را کسب و سطح زندگی خود را ارتقاء بخشد. عدم تکمیل زنجیره ساختاری صنعت و دانشگاه، یکی از موانع توسعه علمی و اقتصادی کشورها است. احداث مجموعه های صنایع با فناوری پیشرفته و ادغام آنها با مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و پشتیبانی نهادهای مالی و سیاسی از آنها حدود نیم قرن است که در کشورهای توسعه یافته آغاز گشته است. امروزه در عصر جهانی شدن اقتصاد رقابت مابین کشورها در تسخیر بازارهای جهانی نقش اینگونه مراکز را در نوآوریها و عرضه کالاهای جدید به بازارها روز به روز آشکارتر می سازد. پیدایش تکنوپل ها را نمی توان خارج از تغییر و تحولاتی که اقتصاد جهانی خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم تجربه کرده است مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. این امر موجب پیدایش شهرکها و پارکهای علم و فناوری از دهه ۱۹۶۰ ابتدا در آمریکا و پس از آن در دیگر کشورهای جهان گردید که در ابعاد مختلف و با طیف گستردهای از شرح وظایف به عنوان حلقه ای از زنجیره اقتصاد مبتنی بر فناوری توسعه یافتند. در ایالات متحده نامهای؛ پارک فناوری، پارک تحقیقاتی یا پارک تحقیقات فناوری به کار می رود، اما در بریتانیا و برخی از کشورهای اروپایی اصطلاح پارک علمی رایج تر است. در فرانسه نیز عبارت قطب فناوری بسیار کاربرد دارد. امروزه پارکهای علمی، تحقیقاتی و فناوری نقش بسیار عمدهای در پیشبرد اقتصاد جهان ایفا می کنند. پارکهای علم و فناوری

علاوه بر امکان فعالیت شرکت های کوچک و متوسط دانش محور و کارآفرین در یک محیط اقتصادی، بستر لازم را جهت انتقال و توسعه فناوری، تولید با ارزش افزوده بالا، جذب سرمایه گذاری خارجی و ورود کارآفرینان و واحدهای صنعتی به بازارهای جهانی را فراهم می نماید. پارک علم و فناوری سازمانی است که به وسیله متخصصان حرفه ای اداره می شود و هدف اصلی آن افزایش ثروت جامعه از طریق تشویق و ارتقاء فرهنگ نوآوری و افزایش توان رقابت در میان شرکتها و مؤسساتی است که متکی بر علم و دانش در محیط پارک فعالیت می کنند. برای دستیابی به این هدف، یک پارک علمی با ایجاد انگیزش و مدیریت جریان دانش و فناوری در میان دانشگاه ها، مراکز پژوهش و توسعه، شرکتهای خصوصی و بازار، ایجاد و رشد شرکتهای متکی بر نوآوری را از طریق مراکز رشد و فرایندهای زایشی تسهیل می نماید. پارکهای علمی همچنین خدماتی با ارزش افزوده بالا و فضاهای کاری و تأسیسات مناسب و کیفی به مؤسسات مستقر در پارک ارائه می نمایند.

در مورد شهر پژوهش محور می توان به تکنوپل ها به نادرست پارک علوم فناوری نام گرفته اند ولی در واقع شهرهای علم و فناوری هستند و ارتباط ساختاری با مفهوم بسترسازی پژوهش های مختلف و فراهم سازی بستر آن در یک ساختار شهری هستند، جلوه گر شده اند؛ چنانچه پارک علم و فناوری، سازمانی است که بوسیله متخصصین حرفه ای مدیریت می شود و هدف اصلی آن افزایش ثروت جامعه از طریق ارتقاء فرهنگ نوآوری و رقابت سازنده میان شرکت های حاضر در پارک و موسسه های متکی بر علم و دانش است. برای دستیابی به این هدف، پارک جریان دانش و فناوری را در میان مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، شرکت های خصوصی و بازار به حرکت انداخته و با مدیریت خود رشد شرکت های متکی بر نوآوری را از طریق مراکز رشد و فرایندهای زایشی تسهیل می کند. بدون شک میزان توسعه و رشد هر کشور را می توان در پویایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

و بکارگیری ظرفیت های علمی و فنی آن سنجید. ضعف مدیریتی و ناتوانی در جذب نیروهای متخصص فرار مغزها را بدنبال خواهد داشت. کشورهایی مانند کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، برزیل و غیره که عقب ماندگی را پشت سر گذاشته اند، همگی درصد قابل توجهی از درآمد ناخالص ملی خود را اختصاص به تحقیقات علمی داده اند و از این طریق توانسته اند متخصصین و نخبگان خود را در کشور نگاه داشته و یا به کشور بازگردانند. این کشورها علوم خود را در اختیار صنایع قرار داده اند. برای مثال کره جنوبی در ابتدای دهه ۵۰ میلادی که جنگ آن با همسایه شمالی اش پایان گرفت کشوری بود که عمدتاً با اقتصاد کشاورزی اداره می شد. کشوری با منابع طبیعی کم و امکانات ضعیف برای تحقیق و توسعه بوده است؛ لیکن امروزه همین کشور کالاهایش بازارهای جهانی را تسخیر نموده است. سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه اکنون به بیش از ۲ درصد از تولید ناخالص ملی آن رسیده است و قرار است تا ۳ درصد این مقدار افزایش یابد. در حالی که در همین دوره زمانی رشد علمی و فن آوری ما بسیار اندک بوده است و حرفی برای گفتن در بازارهای جهانی را نداریم. اگر منابع غنی زیرزمینی را نه به عنوان سرمایه قابل مصرف و فناپذیر بلکه به عنوان سرمایه های پایدار و کاتالیزوری برای توسعه علمی و اقتصادی کشور بدانیم ما هم خواهیم توانست گامهای سریع در جهت پیشرفت و توسعه برداریم. توسعه علمی و پیشرفت اقتصادی تنها با سرمایه گذاری در تخصص های خاص خلاصه نمی شود. شوروی سابق در مسابقات تسلیحاتی و فضایی خود با آمریکا متحمل سرمایه گذاری های تحقیقاتی و علمی سنگین شد که نهایتاً اقتصاد آن را بسوی انحطاط و فروپاشی سیستم سیاسی آن کشاند. در کشور ما با تغییر در نظام برنامه ریزی آموزشی به سوی پژوهش و ایجاد زمینه های مستعد در ابداع و نوآوری و همچنین ارتقاء کیفی تحقیقات از طریق ارزیابی آن توسط نهادهای علمی

ذیربط و حمایت مالی از تحقیقات توسط نهادهای دولتی و خصوصی می توان راه را در جهت توسعه و پیشرفت های علمی هموار ساخت. ایجاد تکنوپل ها در کشور بدون شک در گرو این مسائل است. در رابطه با شهرهای آموزش محور هم باید به مفهوم شهر آموزش دهنده اشاره کرد؛ چنانچه در هر حال به نظر می رسد از سال های آغاز دهه هفتاد به بعد است که اصطلاح خاص شهر آموزش دهنده کاربرد عمومی وسیعی یافته است. این امر به ویژه مدیون گزارشی است که توسط «ادگار فور»^۱ و مولفین دیگر با حمایت یونسکو تحت نام «آموختن برای زیستن»^۲ تنظیم و منتشر شد. هرچند در این گزارش به کرات به کلمات مدینه و مدینه آموزشی رجوع شده است. اما این اصطلاح به صورت مجازی بر مجموعه ای از شاخص هایی که برای توسعه امر آموزش در آینده در نظر گرفته شده اند، دلالت دارد. شکی نیست که چنین معانی و دلالتی در مورد واژه شهر برای نشان دادن مثلاً ماهیت مستمر و پیچیده امر آموزش، برای ثابت کردن این واقعیت که تعلیم و تربیت به آنچه که موسسات آموزشی می کنند محدود نیست، برای نشان دادن امکان استفاده از منابع و وسائل شهری در مقاصد آموزشی و برای نشان دادن چیزهایی دیگر، بسیار شایسته است. بنابراین برای ایجاد شهری آموزش دهنده در کلانشهر تهران پیشنهاد می شود:

۱. برنامه ای جامع برای نمایش جلوه هایی از تاریخ غنی ایرانی- اسلامی در قالب عناصر و نشانه های شهری در دل کالبد شهر پیش بینی شود. این موضوع با ساختن منومان ها، المان ها و دیگر آثار هنری می تواند در خاطر جمععی شهروندان نقش موثری داشته باشد.

۲. نسبت به ایجاد فضاهایی عمومی و مردم وار که جذابیت لازم برای گردهمایی شهروندان و مجالی برای تبلور رفتارهای مدنی آنها را فراهم می سازد اقدام شود. امروزه در شهر تهران غلبه با فضاهای خطی و غیر ساکن است. می بایست زمینه و بستر

1. Edgar Faure

2. Learning to Be

برای ایجاد فضاهایی که مکث و توقف شهروندان را در پی خواهد داشت فراهم نمود.

همچنین پرورش فردی شهروندان شهر آموزش دهنده را می توان در قالب عوامل پنج گانه زیر دسته بندی کرد: ۱. فیزیکی؛ ساختار و عملکرد بدن انسان. ۲. ذهنی؛ توانایی های فردی جهت یادگیری، تفکر، تصمیم گیری و رفتار منسجم. ۳. اجتماعی؛ توانایی های فردی جهت ایجاد و تداوم روابط اجتماعی در جوامع گوناگون فرهنگی. ۴. عاطفی؛ توانایی های فردی جهت شناسایی و بیان نیازها و احساسات به روش مناسب. ۵. اخلاقی؛ احترام به ارزش های اخلاقی جهت حفظ اعتدال میان میل به خوددوستی و میل به دیگر دوستی.»

منابع و مآخذ

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضا، صفه، شماره ۲۱ و ۲۲: ۱۰۷-۱۰۰.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران، انتشارات شهیدی.
رستگار، حامد (۱۳۸۶) شهرهای دانش؛ مشخصات، ملزومات و نقش آنها در توسعه دانایی محور، کنفرانس ملی مدیریت دانش.

لینچ، کوین (۱۳۸۳) سیمای شهر، مترجم منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
کالوینو، ایتالو (۱۳۹۰) شهرهای دانش؛ رویکردها، تجارب و دیدگاه ها، مترجم: زینب کرکه آبادی و ایمان علی پور، تهران، انتشارات آذرخش.

لهر، کیومرث (۱۳۷۲) شهر آموزش دهنده، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.

بلوم، ب. (۱۳۴۶) اصول طبقه بندی هدف های تربیتی. (م. رضوی، مترجم) تهران: انتشارات دانشسرای عالی.

توسلی، م. (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

رفیع پور، ف. (۱۳۸۹) آناتومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی

انتشار.

زیمل، گ. (۱۳۸۷) مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی. (ش. مسمی پرست، مترجم) تهران: شرکت سهامی انتشار.

Fien, J. (2011). Health, Environment & Education. Australia: Center for innovation & research in environmental education.

IAEC. (2004). Charter of Educating cities. IAEC.

IAEC. (2002). Education & Urban Life, 20 Years of Educating cities. Author.

Spork, H. (1993). Health, Environment & Community Development. Brisbane: Australian association for environmental education.

BENKO,G, Geographie des technopoles. Paris,Masson,1991

BRUNIER.M, LACROIX.G, Les technopoles. Paris, PUF, 1996

TALATCHIAN.M, Moscou et les villes nouvelles de sa region, Harmattan, 1999

TALATCHIAN.M, Etude Comparatives de quelque aspects du developpement du Agglomerations Parisienne et Moscovite, Villeneuve d'asq. 1988

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافتهای قدیمی باهمستانهای شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان

زهرا نعیمی نظم آباد* - دانشجوی کارشناس ارشد معماری دانشگاه غیرانتفاعی ساریان، ساری، ایران.
مریم فرج پور - دانشجوی کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
محمد رضا امیر شقاقی - کارشناس ارشد معماری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

The assessment of social interactions in tissues of older urban neighborhoods; Case Study: Darb-e-Noo neighborhood in Gorgan

Abstract

The maximum enjoyment of citizenship, social interactions and exchanges at all levels of planning and urban design is a very comprehensive; if this increase in quality of life and citizen satisfaction has led to the development of cities will be responsive to the people involved. However, in modern times, social interaction and communication, especially in developing countries is declining; And has become one of the problems of Third World cities. On the other hand, Gorgan is an old neighborhood social interactions, especially in newer neighborhoods of the day is declining. The methodology of this study, survey data collection tool questionnaire and field is that the method of statistical analysis is also used. Therefore, in this study, a social factor in the old quarters of the city of Gorgan new door has been paid to the neighborhood. The study randomly assigned 120 families who live in this neighborhood, they have chosen. And Using spss software involvement, their social interactions and communication is studied. The results show that the level of communication, participation and social interaction in the neighborhood of Gorgan new door has been above average. The solutions are presented in increasing the level of social interaction.

Keywords: social interaction, community involvement, old texture.

چکیده

امروزه برخورداری از بیشینه تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی در سطوح برنامه ریزی و طراحی شهری از اهمیت فراگیر برخوردار شده است؛ چنانچه این موضوع افزایش «کیفیت زندگی» و «رضایتمندی شهروندی» را به همراه داشته و در ایجاد شهرهای پاسخده به ساکنان تاثیرگذار خواهد بود. در عین حال در عصر مدرن، تعاملات و ارتباطات اجتماعی به خصوص در جوامع در حال توسعه بسیار کاهش پیدا کرده و به یکی از مشکلات شهرهای جهان سومی تبدیل شده است. از سویی دیگر، شهر گرگان دارای محله های قدیمی می باشد که تعاملات اجتماعی در آن به خصوص در محلات جدیدتر روز به روز در حال کاهش می باشد. روش تحقیق پژوهش حاضر، «روش پیمایشی» با ابزار گردآوری داده: «پرسشنامه» و «مطالعات میدانی» بوده است که از روش تحقیق تحلیل آماری نیز بهره برده است. لذا، در این پژوهش به بررسی فاکتورهای اجتماعی در یکی از محلات قدیمی شهر گرگان به نام محله درب نو پرداخته شده است. در این پژوهش ۱۲۰ خانواده که به صورت تصادفی در این محله زندگی می کنند، انتخاب شده اند و با استفاده از نرم افزار spss میزان مشارکت، تعاملات و ارتباطات اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان نتایجی حاصل شده است که نشان می دهد میزان ارتباطات، مشارکت ها و تعاملات اجتماعی در محله درب نو شهر گرگان بالاتر از حد متوسط بوده است. همچنین راهکارهایی در زمینه افزایش میزان تعاملات اجتماعی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، بافت قدیمی، محله درب نو

که از ابزار پرسشنامه برای انجام مطالعات میدانی استفاده می‌شود. «روش نمونه‌گیری و حجم نمونه»: حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای ۱۲۰ خانواده ساکن این محله برآورد گردید. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوسیله قرعه‌کشی استفاده خواهد شد. «روش گردآوری اطلاعات»: در این تحقیق از روش‌ها و ابزارهای زیر جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است: ۱. در مبانی نظری تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی شامل کتب و مقاله‌های و پایان‌نامه‌های فارسی و انگلیسی استفاده شده است؛ و ۲. در تعیین شاخص‌های مطلوب مربوط به عوامل مرتب با طراحی و احیای مرکز محله در بافت قدیمی با رویکرد پایداری کالبدی-اجتماعی از پرسشنامه استفاده شده است. همانند بسیاری از روش‌های ارزیابی آمادگی، در این تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و در این زمینه یک عدد پرسشنامه با ۳۸ سوال متنوع که مجموعه اهداف را تعیین نماید، طراحی گردید. پاسخ‌دهندگان از متوسط سنی بین ۱۸ تا ۵۵ سال انتخاب شدند. اکثر پاسخ‌دهندگان آشنایی کامل با محله داشتند، به طوری که از میان ساکنین اصل محله، متولدین و حتی شاغلین در محله انتخاب شدند. در زمینه شغلی و تحصیلی نیز سعی در انتخاب تنوع مختلف اعم از کارمند، شغل آزاد، بی‌سواد، باسواد، خانه‌دار، دانشجو، دانش‌آموز و غیره، شده است. بر طبق آن در صفحه اول ضمن قدردانی از اساتید معماری، سوالهای مربوط به هر متغیر به همراه شاخص‌های آن برای مصاحبه‌شونده توضیح داده شده است. «روائی (اعتبار)»: درجه و میزان صحت و واقع‌نمائی یک وسیله اندازه‌گیری، قابلیت آن وسیله را نشان می‌دهد. برای این منظور با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و راهنمائی اساتید راهنما و مشاور و تنی چند از سایر اساتید پرسشنامه‌ای حاوی ۳۸ سوال که با استفاده از «طیف لیکرت» امتیازبندی و تنظیم گردید. «پایائی»: اگر یک روش اندازه‌گیری یا یک

بافتهای قدیمی و فرسوده که در اکثر شهرهای قدیمی ایران وجود دارد، روزگاری مکان و محیطی امن توأم با آسایش و رفاه ساکنین آن بوده است. این بافت با توجه به فرهنگ، ملیت و تکنولوژی آن دوران، جوابگوی نیازهای اساسی آنها بوده و از یک نظم ارگانیک برخوردار بوده است. در متون مختلف دیده می‌شود که از بافت قدیمی به عنوان پیری با کوله‌باری از تجارت و اصالت‌ها یاد شده که اگرچه هم‌اکنون توان فعالیت و یا کارآیی لازم را در جوابگویی به نیازهای امروزی ندارد، ولی استاد باتجربه‌ای است که می‌تواند ارزش‌های نهفته را بازگو کند (بیگ زاده، ۱۳۷۹ ص ۱). از سویی دیگر، شهر گرگان با قدمتی چندین هزار ساله دارای بافت قدیمی و فرسوده قابل توجهی است. بافت‌های قدیمی و فرسوده این شهر به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیرند که منطبق بر بخش مرکزی شهر می‌باشد. وجود عناصر شهری تاریخی و باارزشی همچون راسته بازار، مسجد جامع، امام زاده، مرکز محله‌ها و مجموعه‌های تاریخی از مهمترین عوامل هویت بخش تاریخی و فرهنگی بافت می‌باشد. لیکن امروزه، این بافت به دلیل مشکلات دسترسی و فرسودگی ساختمان‌ها و مراکز خدماتی و همچنین مشکلات ضوابط بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، تحت تاثیر کاهش شدید جمعیت، متروک شدن و تخریب فیزیکی ناشی از آن، به شدت ارزش‌های سکونتی و کارکردهای سنتی خود را از دست داده است. در این مقاله به مقوله میزان سنجی تعاملات اجتماعی در محلات بافتهای قدیمی شهرها با تاکید بر محله درب نو در شهر گرگان نگاهی انداخته شده و پس از ارائه مبانی نظری تحقیق، یافته‌های تحقیق در حوزه میزان سنجی مورد اشاره قرار می‌گیرد و در پایان راهکارهایی در زمینه افزایش میزان تعاملات اجتماعی ساکنان این محلات ارائه می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله «روش پیمایشی» بوده

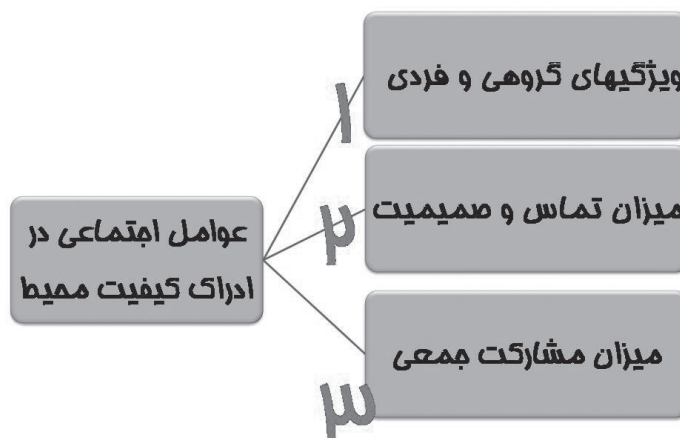
وسیله اندازه گیری چندین مرتبه برای اندازه گیری و بدست آوردن حقیقتی از یک شی یا موضوع خاص بکار رود و مکرراً همان حقیقت را نشان دهد آن روش یا وسیله دارای اعتماد خواهد بود. همچنین قابلیت اعتماد اشاره به این مفهوم دارد که یک سوال باید برای پاسخ دهندگان مختلف، معنی یکسانی داشته باشد. برای این موضوع پرسشنامه پایلوت تدوین شده و پس از پر کردن اولیه، گویه ها مورد بازنگری قرار گرفت. «روش تحلیل»: در بخش آمار استنباطی داده های گردآوری شده بوسیله تکنیک های آماری خاصی مانند «ضریب همبستگی پیرسون»، «آزمون t استیودنت» و «تحلیل رگرسیونی» و لازم به ذکر است که در تجزیه و تحلیل های آماری از نرم افزار قدرتمند آماری SPSS استفاده شده است

مبانی نظری

کیفیت عوامل اجتماعی در محله و کیفیت محیط

محدوده آن از روابط نسبتاً دور (مانند احوالپرسی یا شناخت در خیابان) تا روابط خیلی نزدیک (مانند تحویل کلیدهای آپارتمان به همسایگان یا تقاضای کمک) شامل آیتم هایی همانند «روابط اجتماعی افراد، میزان مشارکت افراد، حس اجتماع در محله، احساس امنیت و ویژگی های ساکنین محله» می باشند. «براون» و «ورنر»، دلبستگی مکان را با سه عامل بیان کردند:

۱. ویژگیهای گروهی و فردی کاربران مکان؛
 ۲. میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان؛
 ۳. میزان مشارکت در فعالیت های گروهی و مراسم جمعی. (Brown & Werner, 1985)
- آن چه در این میان حائز اهمیت می باشد، آن است که، دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و در نتیجه سبب توسعه و بهبود دلبستگی به مکان در آنها می گردد. یافت شده که رضایت به مسکن مرتبط با کیفیت همسایگان است و آن نیز با سازگاری بیشتر تعریف می شود، تا دفعات تعاملات (Erkip, 2010). عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد. عامل زمان در بزرگسالان و کودکان به عنوان عاملی تعیین کننده در میزان دلبستگی به مکان مطرح گردیده است. حضور و مشارکت افراد در فرایند طراحی و ساخت مکان سبب می گردد تا آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به مکان داشته باشند. این امر، دلبستگی به مکان، توسعه ارتباطات اجتماعی، حفظ ریشه های تاریخی، احساس آرامش و امنیت در مکان را در پی دارد (دانشپور، ۱۳۸۸).
- همبستگی اجتماعی در محله**
- همبستگی اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در

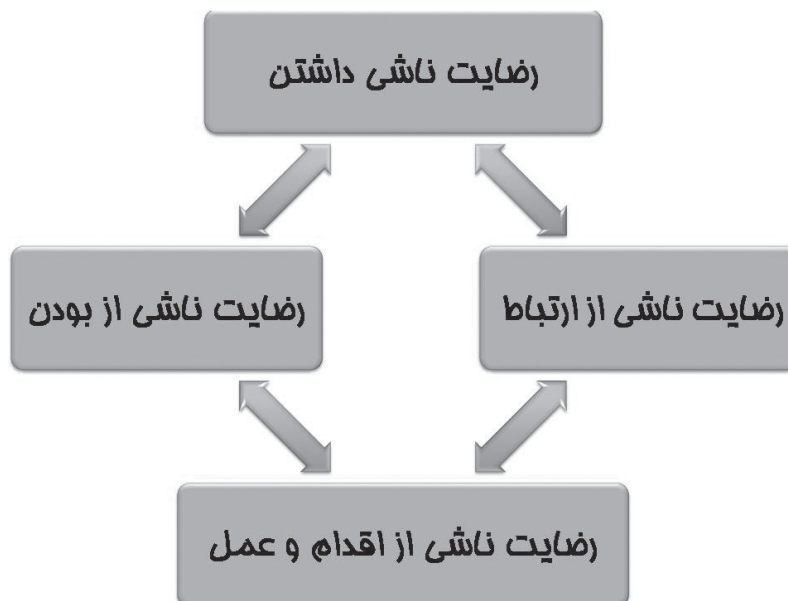


دهه های اخیر در میان نویسندگان و نظریه پردازان رشته های مختلف در زمینه های علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح «همبستگی اجتماعی» برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم» جامعه شناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و عبارتی کشف (احساس تعلق و هم سرنوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می دهد. همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می توانند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان «چسب اجتماعی» نیز نام برده می شود که افراد و گروهها را در کنار یکدیگر نگه می دارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکه ها و ظرفیت ها می شود. بدون چنین چسبی در واقع فقط با یک گردهمایی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر می رسد که همبستگی اجتماعی دارای معنای گسترده ای بوده و ابعاد و سطوح مختلفی را در بر گیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محله ای در سطح شهری و در سطح ملی می توان بررسی کرد. همچنین می توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه های اجتماعی و مشارکت های مدنی شهروندان جستجو کرد. در همبستگی های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می باشند. در سطح محله ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه ها

و نهادهای محلی همچون انجمن ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در محله، مشارکت های مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می کنند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). انسجام اجتماعی از مولفه های اصلی سرمایه های اجتماعی بشمار می رود. امروزه سرمایه های اجتماعی موتور محرکه برای حرکت بسوی توسعه پایدار به شمار می رود. در این تحقیق همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته بوده و از طریق سه شاخص روابط دوستی و همسایگی، مشارکت های اجتماعی و میزان اعتماد به افراد و گروه های مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرد.

احساس تعلق به محله

احساس تعلق به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسانهاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی حس تعلق اجتماعی، زبان و چارچوبی را به وجود می آورد که بوسیله آن نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه ها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا کنیم. وجود این حس سبب می گردد از یک سو فرد در جامعه و محیط به شکل بالنده و پویا عمل نماید. از سوی دیگر موجب می گردد که فرد، گروه و جامعه و مکان (محله، شهر و غیره) را متعلق به خود دانسته و در جهت اعتلا، ارتقاء و توسعه آن بکوشد. داشتن حس تعلق منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک می شود، حسی که از نظر روانشناسی موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضاء یک گروه و جامعه می گردد. حس تعلق به محیط و مکان (محله و شهر) نیز نوعی از احساس تعلق است. وجود این حس ضمن اینکه برای فرد نوعی تشخیص و بالندگی را به همراه دارد سبب می شود که ساکنان در فعالیت های اجتماعی مربوط به مکان مورد نظر احساس مسئولیت کرده



نمودار ۲. انواع رضایتمندی ادراکی شهروندان در سطوح محلی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس غفاری و امیدی، ۱۳۸۸.

و تمایلات افراد تا حد زیادی وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و این ویژگی‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر و گاه حتی در مقیاس کوچکتر - از محله‌ای به محله دیگر - متفاوت خواهد بود. برخی از محققان، رضایت از زندگی را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌دهند و در خصوص آن چهار نوع رضایت از زندگی را بر می‌شمارند:

۱. «رضایت ناشی از داشتن» که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد؛
۲. «رضایت ناشی از ارتباط» که معطوف به روابط اجتماعی است؛
۳. «رضایت ناشی از بودن»، که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.
۴. «رضایت ناشی از اقدام و عمل» که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت و غیره می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸، ص ۴).

در آن مشارکت نمایند؛ به عبارتی حس تعلق مکانی میزان مشارکت پذیری افراد یک محله یا شهر را در امور مربوط به آن افزایش می‌دهد (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). حس تعلق محله‌ای با تاثیر گذاشتن بر روی میزان مشارکت‌های اجتماعی در محله باعث تسریع و تسهیل در جریان توسعه محله‌ای می‌شود. از این رو می‌توان گفت حس تعلق خاطر محله‌ای در کنار عامل همبستگی اجتماعی در محله می‌تواند نقش مهمی در توسعه کالبدی و اجتماعی آن داشته باشد. همچنین رضایتمندی هم در میزان سنجی تعاملات شهروندی اهمیتی مضاعف داشته که در ارزیابی نظرات پاسخگویان تاثیرگذار خواهد بود. در شکل‌گیری مفهوم رضایتمندی، عناصر زمان و مکان تأثیر بسزایی دارند؛ آنچه که رضایت خاطر انسان دیروز را می‌آفرید شاید در ذهن انسان امروزی کمرنگ شده و یا حتی نقشی نداشته و معیارهای پیشین، جای خود را به مجموعه‌ای از ارزش‌های جدید داده باشند. از سوی دیگر شرایط مکانی و محیطی نیز بر تعبیر انسان از این مفهوم مؤثرند. این تأثیر از آن جهت می‌باشد که توقعات

تعاملات اجتماعی

فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. در بازشناسی مفهوم تعامل اجتماعی به عنوان عنصر پایدار فضای شهری این مفهوم معطوف به مجموعه پویسها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانیت جمعی، باورهای مردم سالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون گرایی است (پارسی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، اگر پیشرفت تمدن شهرنشینی و شهرگرایی جامعه بشری را در طول تاریخ معطوف و در ارتباط با رشد روابط انسانی و تعامل اجتماعی افراد جامعه در نظر بگیریم و از آن جایی که تعاملات اجتماعی در کامل ترین تعریف خود، در تمامی ابعاد قابل طرح در بستر فضاهای عمومی، در فضای شهری به منصف ظهور می رسد، از این رو می توان فضای شهری را مکان ظهور تعامل اجتماعی قلمداد نمود و این چنین است که فضای شهری علاوه بر تاثیر پذیرفتن در شکل گیری خود از تعاملات اجتماعی، به آن شکل نیز می دهد. و از این روست که فضای شهری به واسطه محتوای شکل دهنده خود، مرکز نمادین پایداری ارزش های مردمی است که به بیان قدرت خویش می پردازند و آن را در فضا متبلور می سازند.

مشارکت پذیری اجتماعی در محله

مشارکت فرایندی است که طی آن فرد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می زند. برخی از صاحب نظران در تعریف و تحلیل مشارکت با نگرش کلان نگریده اند و مشارکت را به معنی شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد حیات دانسته اند. این امر در سطوح محلی و ادراک شهروندان از کیفیت محیط تاثیری فزاینده دارد.

فضای اجتماعی و روابط اجتماعی در محله

رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می افتد. مجاورت می تواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است. ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصت ها برای ارتباط باشد (طالبی، ۱۳۸۳). رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در برمی گیرد. رابطه اجتماعی و فرهنگی مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آنها محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳). «دیر» و «والش» معتقدند که روابط اجتماعی می توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا، مورد تهدید قرار گیرند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین نیازهای انسان در فضای عمومی، نیاز به برقراری تعامل و ارتباط با سایرین و عناصر محیطی در فضای عمومی شهری است. فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که بر اساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزش های انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیت های شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد. میل به پیوند با دیگران و نیاز به بودن با دیگران، انگیزه ای است تا فرد را در بستر فضای عمومی شده و در دسترس همگان قرار داده شده، به تعامل با سایر افراد انسانی و نیز با محیط اطراف خویش وادارد و در این کنش ها و واکنش های انسانی

و محیطی است که مکان عمومی در قالب (فضای شهری) نمایان می شود (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم تعامل اجتماعی معطوف به مجموعه پویاها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه عقلانی تجمعی، باورهای مردمسالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون گرایی است (پارسی، ۱۳۸۱) و (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضاهایی به لحاظ تعاملات اجتماعی موفق-اند که از تعامل پویا، تبادل اطلاعات، کسب تجارب محیطی، امکان بیان خلاق افراد و گروه های حمایت کنند که این امر خود می تواند منجر به افزایش حس همبستگی اجتماعی و در نتیجه رضایت مندی بیشتر گردد.

عوامل موثر بر بروز تعاملات اجتماعی در محله
تعاملات اجتماعی با حضور اشیا مختلف در فضا می تواند رخ دهد. (Lubis & other, 2010) که عبارتند از:

۱- «**اجتماع پذیری**»: یکی از مهمترین ابعاد و ویژگی های عمومی ایجاد فرصت های لازم جهت تعاملات اجتماعی می باشد. هنگامی که مردم با سایر افراد جامعه تعامل می کنند، رابطه قویتری با مکان و جامعه خود احساس می نمایند.

۲- «**فعالیت و کاربری**»: رویدادهای اجتماعی، نوع فعالیت ها و کاربری های موجود درون فضا و توان آنها در جذب افراد و گروه های مختلف، مهمترین عامل در پویایی فضاهای عمومی و فعال بودن آن در ساعات و فصول مختلف است و شاخص ارزیابی این بعد، میزان و دفعات مراجعه افراد به فضا و مشارکت در فعالیت های مختلف است.

۳- «**دسترسی و ارتباط**»: این ویژگی می تواند در امنیت و عملکرد مثبت فضا موثر است. امکان دسترسی، تداوم حرکت و حضور گروه های اجتماعی ویژه در نقاط مختلف فضا، از جمله شاخص های تعیین کننده می باشند.

۴- «**تصویر ذهنی و آسایش**»: تصویر ذهنی با چگونگی سامان دهی کالبدی فضا و دریافت آسایش ذهنی از فضا، در ارتباط است. تشخیص و خوشایندی

بصری فضا در جذب مردم موثرند که سبب می گردد مردم آن را جهت توقف، قدم زدن و تجربه حیات جمعی انتخاب نمایند (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

عوامل موثر بر تقویت روابط اجتماعی در محله نیز عبارتند از:

۱. «**گردهم آوردن یا پراکندن**»: توجه به مسائلی که می تواند پراکندن یا جمع آوری مردم و فعالیت ها را در مقیاس های مختلف موجب شود. در چنین ساختاری، فضاهای عمومی، مهم ترین عناصر در نقشه شهر می باشند و تمام عملکردهای دیگر، به طور موثری در طول خیابانها و به طرف آنها قرار می گیرند. چنین ساختاری را می توان در اغلب شهرهای قدیمی یافت. این بخش مربوط کیفیت و میزان مطلوبیت فضا دارد.

۲. «**مخلوط کردن یا جدا کردن**»: به این منظور که به فعالیت های گوناگون و گروه های مختلف مردم، امکان عملکردهای مختلف با یکدیگر یا در کنار هم داده شود. منظور از جدا کردن، یعنی اینکه فعالیتها و گروه های مختلف مردم از یکدیگر مجزا شوند.

۳. «**دعوت کردن یا دفع کردن**»: فضاهای عمومی ممکن است دعوت کننده بوده و به راحتی قابل دسترس باشند. در این حالت مردم به حضور در فضا تشویق می شوند. از سوی دیگر فضاها می توانند دافعه ایجاد کنند که در این صورت حضور در فضا کم رنگ می شود. بنابراین، جاذب یا دافع بودن فضای عمومی بستگی به شکل قرار گرفتن فضای عمومی در رابطه با فضای خصوصی و رابطه این دو دارد.

۴. «**گشودن یا بستن**»: گشوده بودن یا بسته بودن فضا بستگی زیادی به تجربیات حسی انسان دارد. این انسان است که با رجوع به حواس خود و بر اساس تجربیات خود از حضور در فضا، یک فضا یا مکان را بسته یا گشوده و باز می پندارد.

۵. «**پیاده مداری**»: پیاده مداری در فضا یکی

از شروط مهم در زنده بودن فضا و تقویت حیات مدنی می باشد. عواملی مانند نوع فضاهای مجاور، کیفیت فضا و همچنین فعالیت های موجود در فضا می توانند بر این ویژگی تاثیر گذار باشند (طالبی، ۱۳۸۳).

بعد اجتماعی فضاهای عمومی مبتنی بر مثلثی از «انسان، فضا و حیات جمعی» می باشد که پاسخگویی به ابعاد مذکور مستلزم توجه به موارد زیر است:

- شناخت نیازهای انسان در رابطه با فضا و شناخت گروه های مختلف استفاده کننده؛
- شناخت ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت های آن در رابطه با بعد اجتماع پذیری فضا؛
- شناخت ابعاد موثر در حیات جمعی در نمونه های موجود و تامین ما به ازای کالبدی و فرصت های لازم جهت بروز فعالیت های اجتماعی (دانشپور و همکار، ۱۳۸۶).

اجتماع پذیری، حیات جمعی در محله

حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابزار آنها در فضا است. حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه های مختلف (Whyte, 1980)، «امنیت اجتماعی» و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه های مختلف در فضا، «جامعه پذیری بیشتر» (Marcus & Francis, 1998) و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. اجتماع پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به «حس تعلق اجتماعی» و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت کننده میسر خواهد بود. (Lang, 1994). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد.

بیان یافته های تحقیق

در تحقیق حاضر محاسبه پایایی از «آلفای کرونباخ»

استفاده شده است. ضریب های آلفای محاسبه شده از طریق نرم افزار SPSS16 برای نمونه آماری ۰/۸۱۱ می باشد؛ بنابراین با توجه به اینکه ضریب های آلفای محاسبه شده بیشتر از ۰/۷ می باشد، می توان گفت که پرسشنامه های مورد استفاده از اعتبار کافی برخوردار می باشد، بدین معنی که پاسخ های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به خاطر اثر متغیری می باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. در بخش آمار استنباطی داده های گردآوری شده بوسیله تکنیک های آماری خاصی مانند ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t استیودنت و تحلیل رگرسیونی و لازم به ذکر است که در تجزیه و تحلیل های آماری از نرم افزار قدرتمند آماری SPSS استفاده شده است.

• **گویه ۱:** ساده ترین عنصر زندگی مشترک انسانی، کنش اجتماعی است. کنش اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دست یابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می دهد. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند (طالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت محسوب می شود. فعالیت هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت های مردم، با بوجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری، به رشد فردی انسان کمک می کنند (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). لذا، در اولین گویه پرسشنامه به مقوله تمایل به مصاحبت با همسایگان و میزان علاقه به هم صحبتی اشاره شده است که در مجموع در حدود ۴۰ درصد پرسش شوندهاگان میزان تمایل را در حد متوسط دانسته اند و تنها ۳۶ درصد بیشتر از زیاد و خیلی زیاد به مصاحبت با همسایگان تمایل نشان داده اند. نتایج این گویه در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

• **گویه ۲:** در زمینه میزان تمایل به ناآشناهای

جدول ۱. فراوانی سوال میزان تمایل شما به صحبت کردن با یک آشنا (همسایه) به هنگام برخورد با وی چقدر است؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۳	۱۰,۸	۱۰,۸	۱۰,۸
کم	۱۴	۱۱,۷	۱۱,۷	۲۲,۵
متوسط	۴۹	۴۰,۸	۴۰,۸	۶۳,۳
زیاد	۲۶	۲۱,۷	۲۱,۷	۸۵,۰
خیلی زیاد	۱۸	۱۵,۰	۱۵,۰	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول ۲. فراوانی سوال تمایل شما به صحبت کردن در یک گروه‌هایی کوچک از افراد ناآشنا چقدر است؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۵	۱۲,۵	۱۲,۵	۱۲,۵
کم	۳۹	۳۲,۵	۳۲,۵	۴۵,۰
متوسط	۲۸	۲۳,۳	۲۳,۳	۶۸,۳
زیاد	۲۹	۲۴,۲	۲۴,۲	۹۲,۵
خیلی زیاد	۹	۷,۵	۷,۵	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول ۳. فراوانی سوال به چه میزان تمایل دارید که با افراد باشید؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۳	۲,۵	۲,۵	۲,۵
کم	۱۵	۱۲,۵	۱۲,۵	۱۵,۰
متوسط	۴۶	۳۸,۳	۳۸,۳	۵۳,۳
زیاد	۳۹	۳۲,۵	۳۲,۵	۸۵,۸
خیلی زیاد	۱۷	۱۴,۲	۱۴,۲	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

حاضر در گردهمایی‌ها یا سراهای محلات یا بافت‌های قدیمی محله نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تقریباً بیش از نیمی از ساکنان کم و کمتر از حد میانی به صحبت کردن تمایل نشان داده‌اند و نکته جالب این است که چندان تمایل محسوسی بین هم‌صحبتی با افراد آشنا و ناآشنا در سطح محلات دیده نشده است. نتایج این بخش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

گویه ۳: راجع به تمایل به بودن با افراد و ساکنان در محلات، نتایج تحقیق نشان از آن دارد که تقریباً ۵۰ درصد افراد بالاتر از حد میانی به بودن و در کنارهم قرارگیری تمایل نشان داده‌اند. در این مورد بیش از ۳۸ درصد تمایل خود را در حد متوسط و تنها ۱۵ درصد از زمینه کنارهم قرارگیری و بودن با دیگران اظهار بی‌تمایلی (کم و پایینتر) کرده‌اند. نتایج این گویه در جدول شماره ۳ مورد اشاره قرار گرفته است.

گویه ۴: در زمینه میزان تمایل به گروه‌های

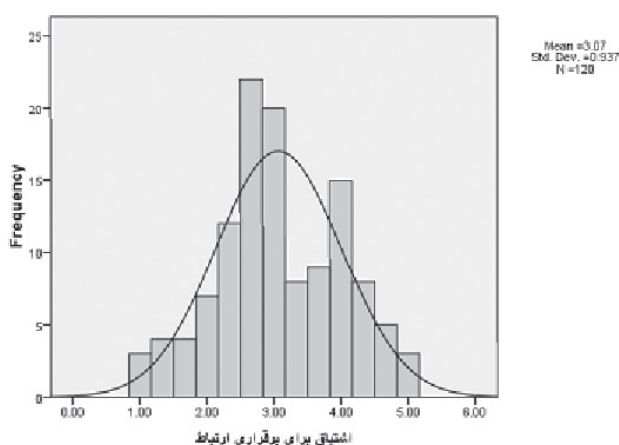
اجتماعی نیز ۳۸ درصد آن را در حد متوسط و ۴۶ درصد نیز آن را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند که وضع مطلوبتری را نشان می‌دهد. تنها ۱۵ درصد از ساکنان تمایل اندکی به پیوستن به گروه‌های اجتماعی از خود نشان داده‌اند که این موضوع می‌تواند بسترساز بودن زمینه برای تشکیل تشکلات و سمن‌ها برای افزایش تمایلات اجتماعی و استفاده از آن در تدبیر امور محلی در محله درب‌نو باشد. نتایج این گویه در جدول شماره ۴ اشاره شده است. همچنین در سطح تحلیل آمار توصیفی می‌توان گفت که بیشترین میانه مربوط به مراتب مذهبی و میزان اجتماع‌پذیری فضا بوده و کمترین مربوط به روابط متقابل شخصی افراد ارزیابی شده است. همچنین بیشترین تمایل مربوط به حس تعلق و کمترین مربوط به امنیت اجتماعی و محیطی بوده است. نتایج این موضوع در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴. فراوانی سوال به چه میزان تمایل دارید که به گروه‌های اجتماعی بپیوندید؟؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

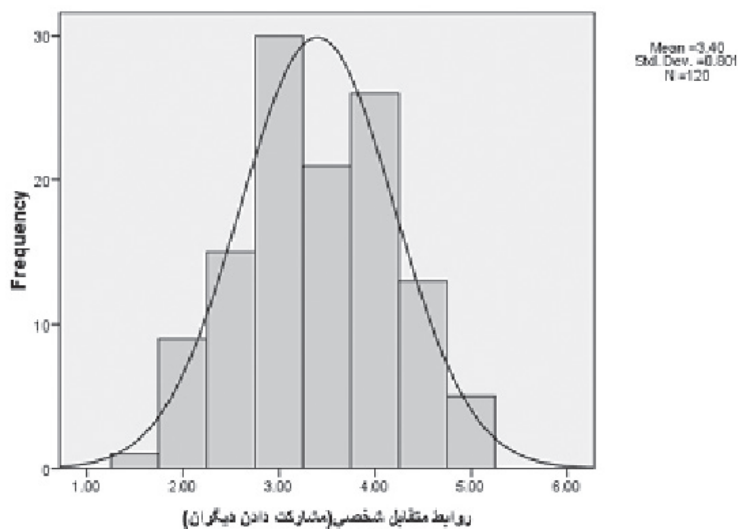
	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۶	۵,۰	۵,۰	۵,۰
کم	۱۲	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۵,۰
متوسط	۴۶	۳۸,۳	۳۸,۳	۵۳,۳
زیاد	۴۴	۳۶,۷	۳۶,۷	۹۰,۰
خیلی زیاد	۱۲	۱۰,۰	۱۰,۰	۱۰۰,۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول ۵. آماره های توصیفی کل شاخص ها؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

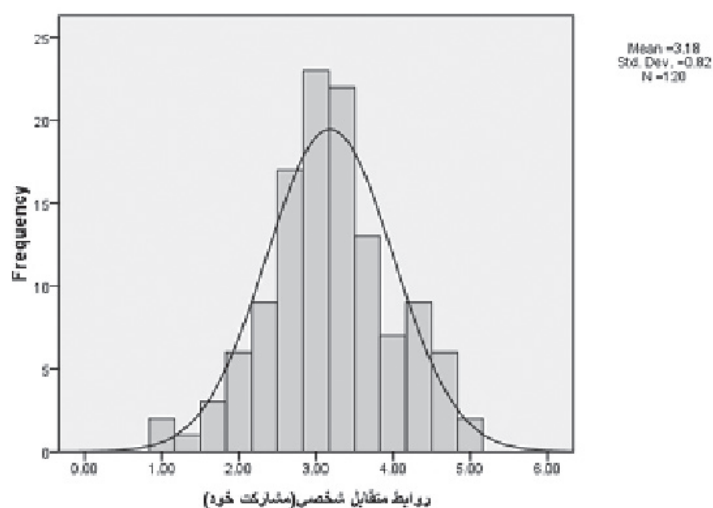
	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اشتیاق برای برقراری ارتباط	۱۲۰	۳,۰۶۹۴	۳,۰۰۰۰	.۹۳۶۷۴	۱,۰۰	۵,۰۰
روابط متقابل شخصی (مشارکت دادن دیگران)	۱۲۰	۳,۴۰۰۰	۳,۵۰۰۰	.۸۰۰۷۳	۱,۵۰	۵,۰۰
روابط متقابل شخصی طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی	۱۲۰	۳,۱۸۰۶	۳,۰۰۰۰	.۸۱۹۸۰	۱,۰۰	۵,۰۰
امنیت اجتماعی و محیطی	۱۲۰	۲,۶۸۳۳	۳,۰۰۰۰	.۶۵۱۲۲	۱,۰۰	۴,۰۰
مراسم مذهبی	۱۲۰	۳,۲۴۵۰	۳,۴۰۰۰	.۶۳۳۷۶	۱,۶۰	۴,۶۰
حس تعلق	۱۲۰	۳,۷۳۷۵	۴,۰۰۰۰	۱,۰۰۴۱۱	۱,۰۰	۵,۰۰
حس مکان	۱۲۰	۳,۳۸۳۳	۳,۵۰۰۰	.۷۹۰۵۳	۱,۰۰	۵,۰۰
اجتماع-پذیر بودن فضا	۱۲۰	۳,۳۲۹۲	۳,۵۰۰۰	۱,۰۳۸۱۳	۱,۰۰	۵,۰۰
مشارکتی بودن	۱۲۰	۳,۴۵۰۰	۴,۰۰۰۰	۱,۱۵۱۱۸	۱,۰۰	۵,۰۰
اعتماد اجتماعی	۱۲۰	۳,۵۴۱۷	۳,۵۰۰۰	۱,۱۴۴۱۹	۱,۰۰	۵,۰۰
انواع فضاهای عمومی و پاتوق ها در محله	۱۲۰	۳,۲۷۹۲	۳,۵۰۰۰	.۹۴۱۱۱	۱,۰۰	۵,۰۰
	۱۲۰	۳,۲۳۳۳	۳,۳۵۷۱	.۹۹۹۳۳۹	۱,۱۴	۵,۰۰



نمودار ۳. توصیف شاخص اشتیاق برای برقراری ارتباط؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



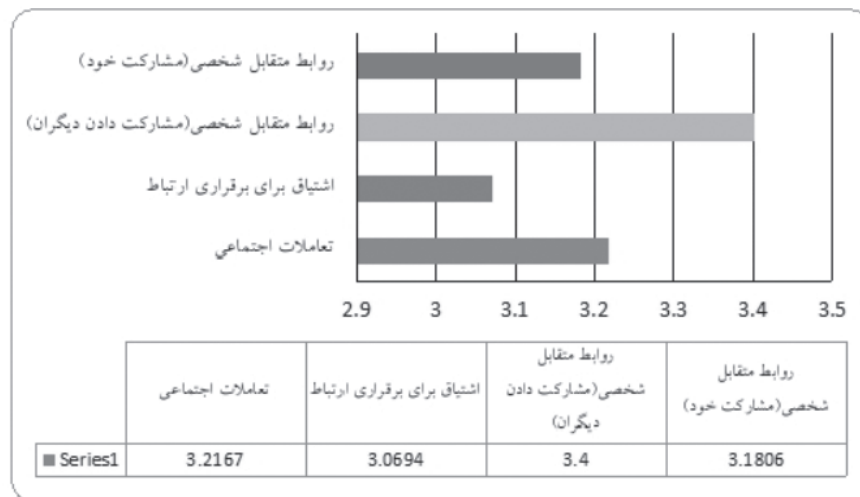
نمودار ۴. توصیف شاخص روابط متقابل شخصی (مشارکت دادن دیگران): ماخذ: یافته های تحقیق.



نمودار ۵. توصیف شاخص روابط متقابل شخصی (مشارکت خود): ماخذ: یافته های تحقیق.

جدول ۶. نتایج آزمون t بررسی وضعیت تعاملات اجتماعی و زیر فاکتورهای آن

Value Test=۳			
Value-p	df	آماره آزمون t	
.۰۰۱	۱۱۹	۳,۵۳۲	تعاملات اجتماعی
.۴۱۸	۱۱۹	.۸۱۲	اشتقاقی برای برقراری ارتباط
.۰۰۰	۱۱۹	۵,۴۷۲	روابط متقابل شخص (مشارکت دادن دیگران)
.۰۱۷	۱۱۹	۲,۴۱۳	روابط متقابل شخصی (مشارکت خود)



نمودار ۶. نتایج آزمون t بررسی وضعیت تعاملات اجتماعی و زیر فاکتورهای آن؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۷. بررسی همبستگی بین شاخص‌های اصلی تحقیق؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

		تعاملات اجتماعی	برقراری برای اشتیاق ارتباط		
تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	.۷۸۶	.۷۷۵	.۸۰۴
	سطح معناداری		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
اشتیاق برای برقراری ارتباط	ضریب همبستگی	.۷۸۶	۱	.۳۷۳	.۴۲۵
	سطح معناداری	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
روابط متقابل شخصی (مشارکت دادن دیگران)	ضریب همبستگی	.۷۷۵	.۳۷۳	۱	.۵۰۴
	سطح معناداری	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰
روابط متقابل شخصی (مشارکت خود)	ضریب همبستگی سطح معناداری	.۸۰۴	.۴۲۵	.۵۰۴	۱
		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	
	تعداد	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

میزان سنجی تعاملات اجتماعی، وزیر فاکتورهای آن

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، میانگین میزان تأثیر هریک از ۴ متغیر با مقدار متوسط ۳ در سطح ۰/۰۵ معنی دار تشخیص داده شده است ($p > 0/05$ - مقدار)، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان تعاملات اجتماعی و هریک از زیر فاکتورهای آن بیشتر از متوسط است.

در جدول ۷ با توجه به سطح معناداری چون از ۰۵،۰ کمتر است، بین تعاملات اجتماعی و هریک از زیر فاکتورهای آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین زیر فاکتورها با یکدیگر نیز رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری و جمع بندی

رشد سریع و شتابان شهرهای ایران در چند دهه اخیر به لحاظ کالبدی و درگیری متخصصان و مسئولان با مسائل کمی، باعث غافل ماندن آنها از جنبه های کیفی و محتوایی شده است. این موضوع در رابطه با محلات شهری در بافتهای قدیمی از شدت بیشتری برخوردار بوده است؛ به گونه ای که در دهه اخیر اغلب خیابانهای مراکز شهری کشور به واسطه افزایش جمعیت و توسعه نامناسب کالبدی، مدیریت و مراقبت نامناسب، اغلب به کانالهای عبوری با تراکم بالای از جمعیت تبدیل شده است. و این وضعیت انگیزه تعاملات اجتماعی را به حداقل ممکن رسانده است. طی نیم قرن فضاهای شهری، بویژه محله های مسکونی در سیر تحول و فرآیند تکوین خود و به تبع جریانات ناشی از اندیشه جهانی شدن، دستخوش دگرگونی های شگرفی گردیده اند. در این جریان، شهر نشینی به حدی در حال گسترش است که وضعیت مخاطره آمیز و آسیب پذیری را برای جوامع روبه توسعه ایجاد کرده و موجب گسسته شدن ارتباط میان انسان و محیط زندگی او شده است. شکاف موجود مقدمه جدایی مکانی و شکل گیری فضاهای عاری از پیوستگی های اجتماعی را تشدید نموده است. در واقع با توجه به تمامی پیشرفت های قرن حاضر، در کشورهای در حال

توسعه مانند ایران و بویژه در کلان شهری همچون تهران، فقدان این عنصر حیات بخش در زندگی اجتماعی انسان ها بیش از هر زمان دیگری موجب افول کیفیت زندگی شهری شده است. فضای شهری فضایی است که زمان و انسان در آن حضور دارند. فضاهایی که در ادوار مختلف ایجاد شده اند. با توجه به نقش خلاقیتی که برای پیوند امروز با فردا برای فضای شهری قائل می شوند، تعداد و مصادیق فضای شهری به شدت تقلیل می یابد و محدود می شود. در واقع، اتفاقات خاصی که پیوند بین امروز و فردا را برقرار می کنند، یا اتفاقاتی بزرگ و همه گیر و تأثیرگذار و نادر هستند و یا اینکه به حدی تکرار می شوند که برای همه مردم واجد ارزش و اهمیت فوق العاده ای خواهند شد که در این میان تعاملات اجتماعی از اهمیت فزاینده برخوردار شده اند. مطالعات و ارزیابی های مکانی، علاوه بر آنکه زیر عناوین مختلفی صورت گرفته اند، مشتمل بر تنوع درخور توجهی از روش های ارزیابی کیفی و کمی بر اساس تعاریف مختلف از مکان و روابط انسان و مکان نیز بوده اند. محدوده و زمینه های این مطالعات نیز از خانه ها و پارکها و خوابگاه های دانشجویی تا محدوده یک شهر و منطقه متغیر هستند. شرایطی که برای شاخص شدن یک مکان به عنوان فضای سکونت مطرح می گردد، در اصل توقعاتی هستند که امکان گذار از مفهوم زیستن به مفهوم سکونت را فراهم می آورند؛ این دو تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند؛ زیستن فقط امکان و شرط لازم برای زندگی کردن است. اگر برای زیستن برخورداری از آسایش تا حدودی کفایت می کند، برای سکونت علاوه بر این ها احساس آرامش، امنیت، صمیمیت و رفاه مورد نیاز است. بنابراین تعاملات اجتماعی به واسطه ماهیت وجودی و تنوع و پیچیدگی که دارند، حتی با تأمین اهدافی چون ایمنی و امنیت نیز به سهولت قابل دسترسی نیست. در واقع نحوه برخورد و میزان اعمال اثر هریک از این مولفه های کیفی سازنده محلات شهری باید با چنان حساسیتی

همراه باشد که بتواند دارای کارایی بیشتری باشند و این نیازمند مطالعه هوشمند و چندجانبه شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر محله در بنو و یا سایر محلات شهر گرگان می باشد و کمترین و افراط و تفریط در اعمال و بکارگیری هر یک از این مولفه های کیفی و بی توجهی به تأثیری که می توانند بر یکدیگر داشته باشند، ممکن است نتیجه معکوس به دنبال داشته باشد؛ بالاخص این موضوع در رابطه با امنیت، خوانایی و اجتماع پذیری محلات شهری از حساسیت ویژه ای برخوردار است. توسعه روابط و تعاملات اجتماعی آثار مثبت فراوانی به همراه دارد که در این میان دو اثر شاخص و مهم آن، ایجاد حیات جمعی و تولید سرمایه اجتماعی می باشد؛ که حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذراندن اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه های مختلف و بستری برای حضور و آزادی

بیان در فضاست. حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه های مختلف در فضا، جامعه پذیری بیشتر و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آن ها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می شود. این دارایی شیء واحدی نیست، بلکه ویژگی هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. امروزه در مباحث نظری، میزان و نحوه تعامل کنشگران، سرمایه اجتماعی بشمار می آید. سرمایه

مولفه های ارتقاء تعاملات اجتماعی در محلات شهری		ویژگی فعالیت	حضور مردم و توسعه روابط اجتماعی در سطح محله
تنوع در فعالیت ها؛ در نظر گرفتن نیازهای گروه های شاخص استفاده کننده	جنبه غیر کالبدی		
ایجاد فضای کالبدی مناسب برای انجام فعالیت های مختلف؛ مکان یابی مناسب فعالیت ها؛ ایجاد شرایط هم افزایی محیطی	جنبه کالبدی		
در دسترس بودن، دعوت کنندگی، ایجاد هویت و حس تعلق برای ساکنین، ایجاد نقاط مکث و مکان های نشستن مناسب و متنوع، نحوه چیدمان مبلمان فضاهای نشستن، تامین کردن آسایش فیزیولوژیک، ایجاد نقاط کانونی و شاخص نظیر مراکز تجمع، تحریک احساسات مخاطب، انعطاف پذیری در طراحی، طراحی خوانا، ایجاد امنیت		ویژگی کالبدی	

اجتماعی بطور مشخص، وزن روابط اجتماعی افراد است. سرمایه اجتماعی، یک مفهوم چند بعدی است که «کمیت» و «کیفیت» روابط اجتماعی دو بعد اصلی آن هستند. ویژگی مهم سرمایه اجتماعی آن است که اساساً خاستگاه آن محله و حاصل روابط اجتماعی در سطح محله است، و همه ی افراد محل توانایی ایجاد چنین سرمایه ای را دارند. این سرمایه بر بافت اجتماعی محله تأثیرگذار است و کنش های جمعی و مشارکتی، همکاری اجتماعی، بردباری اجتماعی، وفاق و انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی و در نهایت تثبیت بخش نظم اجتماعی را در سطح محله آسان می کند.

منابع و ماخذ

بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، حسین و طیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.

بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرایند

طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تأثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تأکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

توسلی، غلامعباس (۱۳۶۲) مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی. تهران: دانشگاه تهران.

تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

دانشپور، سید عبدالهادی و مریم چرخچیان (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، باغ نظر ۷ (۱۳۸۶).

رفعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

صادقیان، نادر (۱۳۸۳) محله سالم، اساس رعایت توسعه پایدار شهری. اسرار.

صالحی فرد، محمد، براتعلی خاکپور، هادی رفیعی، معصومه توانگر (۱۳۸۹) تحلیلی بر ابعاد اجتماعی فضاهای سبز شهری با تأکید بر دیدگاه شهروندان؛ مطالعه موردی: کلان شهر مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، فضای جغرافیایی.

طالبی، ژاله (۱۳۸۳) روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه علوم اجتماعی ۲۴.

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در

طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.
گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
گهل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

لقایی، حسنعلی (۱۳۸۲) ایمنی در پارک های شهری (قسمت اول). فضای سبز (سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران).

لنگ جان (۱۳۸۵) طراحی شهری، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. با ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی - مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران، ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمید زرازوند، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۳) رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله ای. تدوین توسط علی نیاکان و سیمین محقق. مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله ای، مفاهیم و رویکردهای نظری توسعه محله ای (دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران).

ملا حسنی، حسین (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی در سطح محله. تدوین توسط سیمین محقق و علی نیاکان. مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای - مشارکت مردمی و توسعه محله ای {۱} (دفتر

مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران).
Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press

DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London

Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON

Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 59-56

Carr, S., et all. "Public Spac". Cambridge University press. New York. 1992.

Ewing, R., King, M. R., Raudenbush, S., & Clemente, O. J. (2005). Turning highways into main streets. Journal of the American Planning Association, 282-269, (3)71.

Francaviglia, R. V. (1996). Main Street revisited: Time, space, and image building in small-town America. Iowa City: University of Iowa Press.

Gehl, Jan. Life between buildings: using public space. New York: Van Nostrand Reinhold. 1987.

Hiller, B. (2007). Space is The Machine Space Syntax. UCL, London, 35-5

Kim, J. & Kaplan, R. (2004). Physical and psychological factors in sense of community newurbanist Kentlands and nearby Orchard Village. Environment and Behavior, 340-313, 3, 36.

Lockwood, C. (1997). Putting the urb in the suburbs. Planning, 21-18, (6)63.

Lynch, Kevin. "The Image of the City". The MIT Press. Cambridge, Ma. 1960.

Jacobs, A. (1993). Great streets. Cambridge, MA: MIT Press.

Jacobs, J. (1961). The Life and Death of Great American Cities: The failure of Town Planning. Harmondsworth: Penguin Books.

McMillan, D.W., & Chavis, D.M. (1986). Sense of community: A definition and theory. Journal of Community Psychology, 23-6, 14.

Pendola, R. & Gen, S. (2008). Does "Main Street" Promote Sense of Community? : A comparison of San Francisco neighborhoods. Environment and Behavior, 574-545, (4) 40.

Pendola, Gen / Main Street and Community 573

Porta, S. & Renne, J. L. (2005). Linking urban design to sustainability: Formal indicators of social urban sustainability field research in Perth, Western Australia. Urban Design International, 64-51, 10.

Robertson, K. A. (1999). Can small-city downtowns

remain viable? A national study of
Southworth, M. & Ben-Joseph, E. (1995). Street
standards and the shaping of suburbia. Journal of
the American Planning Association, 81-65 ,61.
Whyte, W, H. (1980). The social life of small urban
spaces. Tuxedo, Maryland: Printers II Inc.
www.google-earth.com

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

■ ۱۵۰ ■

نشانه‌شناسی و معنایابی مفاهیم عرفان شناختی در معماری و شهرسازی با تلفیق «عرفان اسلامی و رمزگان امبرتو اکو»؛ مورد پژوهی: معماری صفوی مکتب اصفهان

محبوبه روشن* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
مهدی شیبانی - استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Cognitive Semiotics and finding meaning in architecture and urbanism by integrating the concepts of Sufism, Islamic mysticism and codes of Umberto Eco, of Tehran: Architecture of Safavid Isfahan School

Abstract

In the Safavid era, meaningful communication and interaction with the physical and spiritual themes of mysticism cognitive and semiotic approach from the perspective of urban architecture with other physical elements of urban architecture in the city is linked. And Show the link and send a continuum, and meaningful communication and coordination with the physical structure and the Iranian-Islamic architecture. As has long been admirable in form and meaning of architecture, based on the richness of the land that carry semiotic dimensions of spiritual values is manifested. Iranian traditional architecture, particularly in the Islamic era, in addition to functional and decorative principles, concepts of religious expression vehicle has. As a result, Islamic architecture has a close relationship between form and meaning is created. In this paper, analytic and structural analysis in the analysis stage, the semiotics approach is an attempt to describe the process of creating meaning and implications of mystical practices, the architecture of the Safavid to be reviewed. The results show that the architecture of the Safavid era, especially in the city, each of the components are independent with respect to the carrying capacity of meaning, evokes the themes of the mystical have. In addition, several buildings in the city, located in a continuous chain that ultimately creates a sense of deeper meaning in the metropolis causes cognitive and mysticism are closely related themes.

Keywords: anatomy and urban space, semiotics, cognitive concepts of mysticism, the Safavid era.

چکیده

نشانه‌شناسی و معنایابی مفاهیم عرفانی در معماری و شهرسازی نشان از کاربرد مفاهیم روحانی در کالبد معماری و شهر است که می‌تواند از بستر دیدگاه عرفان اسلامی و یا غرب مورد بررسی قرار گیرد؛ همانطور که در دوران صفوی، ارتباط و برهمکنش معنادار مضامین عرفان شناختی و معنوی با کالبد و ساختار معماری شهری از منظر رویکردی نشانه‌شناختی با سایر عناصر کالبدی معماری شهری در کل مجموعه شهر، نشان از همپیوندی و پیوستاری قرین؛ و ارتباطی هماهنگ و معنادار با ساختار کالبدی و فضایی معماری ایرانی-اسلامی نشان دارد؛ چنانچه از دیرباز با تکیه بر غنای تحسین برانگیز در فرم و معنای معماری این سرزمین بوده است که ابعاد نشانه‌شناختی حامل ارزش‌های والای معنوی به منصف ظهور رسیده و معماری سنتی ایران خاصه در دوران اسلامی را، علاوه بر رعایت اصول کاربردی و تزئینی، محمل بروز مفاهیمی دینی و اعتقادی قرار داده و در نتیجه، در آثار معماری اسلامی همواره رابطه‌ای تنگاتنگ میان صورت و معنا را ایجاد کرده است. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی در مرحله ادبیات و مبانی نظری و تحلیل ساختاری در مرحله تحلیلی، با رویکرد «نشانه‌شناسی امبرتو اکو» و «تبارشناسی عرفان اسلامی» و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تلاش می‌گردد تا فرایند خلق معانی و شیوه‌های بیان مضامین عرفانی، در معماری شهری عصر صفوی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در معماری عصر صفوی خاصه در شهر اصفهان، هر یک از اجزاء نخست به گونه‌ای مستقل و با توجه به ظرفیت حمل معنا، تداعی بخش یکی از مضامین عرفانی شده‌اند. در ضمن، بناهای مختلف در ساختار شهر، در یک زنجیره معنایی پیوسته‌ای قرار گرفته‌اند که نهایتاً به خلق معنایی ژرف‌تر در ساختار کلان شهر منجر می‌گردد که ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم و مضامین عرفان شناختی داشته و دارد.

واژگان کلیدی: کالبد و فضای شهری، نشانه‌شناسی، مفاهیم عرفان شناختی، دوران صفوی.

این مقاله از مبانی نظری پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول با عنوان «مرکز پرورش جسم و جان با رویکرد ارتقاء اندیشه» استخراج شده است که از راهنمایی استاد گرانقدر دکتر مهدی شیبانی بهره برده است که بدینوسیله مراتب سپاس خود را از ایشان اعلام می‌دارد.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۷۳۹۱۳۵۸، رایانامه: mr.memar65@yahoo.com

(۱-۲) روش تحقیق

در ابتدا از «روش توصیفی و تحلیلی» در بررسی نظری و مبانی تحقیق استفاده شده است. در عین حال، روش این پژوهش نیز با توجه به رویکرد نظری آن، «روش تکوینی» و روش «نشانه‌شناختی» است. در عین حال، مهمترین روش در این مقاله روش «تحلیل ساختاری» است؛ چراکه روش «تحلیل ساختاری» نیز از نظر شکل کالبدی، مقیاس و ابعاد، موقعیت و قراگیری در سایت و روش ساخت و مفاهیم مربوط به آن را نیز شامل می‌شود. تحلیل آثار در واقع تحلیل ساختاری زبان با استفاده از روش زبان‌شناسی ساختاری است. همچنین از «روش تحلیل نشانه‌شناختی» نیز استفاده شده است که رویکرد زبان‌شناسانه به معماری، نشان داده که می‌توان شهر و بنا را به مثابه متن در نظر گرفته و مورد تفسیر قرار داد.

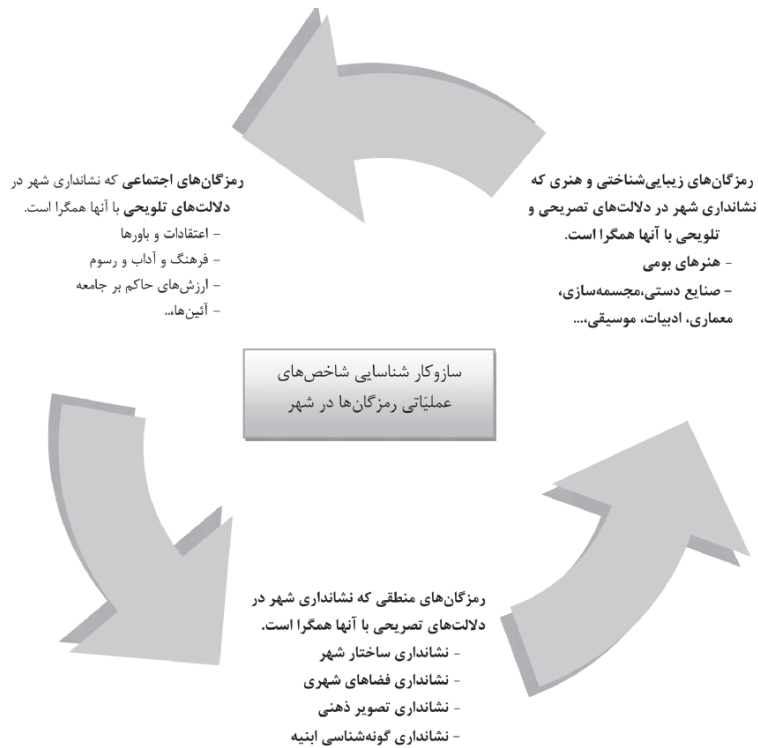
(۲-۲) چارچوب مفهومی تحقیق

در این مقاله مفاهیم نمادین معماری ایرانی-اسلامی مورد بررسی قرار داده شده و زیرساخت معنایی و قابلیت بیانی آن تبیین گردیده و نیز بناهایی با کاربری‌های مختلف نظیر مساجد، خانه، باغ، کاخ، کاروانسرا به‌ویژه در عصر صفوی به صورت مستقل بررسی و تفسیر شده‌اند. برای این تفسیر از روش نسانه‌شناختی عرفان اسلامی و رمزگان امبرتو اکو برای تحلیل مفاهیم استفاده شده است و مقولات معنوی و روحانی حدوث یافته در مکتب شهرسازی و معماری اصفهان مورد تحلیل قرار گرفته و محتوای پیام منتج از کالبد معماری شهرسازی شهر اصفهان بر اساس مولفه‌های عرفان‌شناختی اسلامی و تصوف از یک طرف و انتقال پیام از طرف دیگر که مورد نظر نشانه‌شناس معروف ایتالیایی «امبرتو اکو» بوده است، بیان گردیده است.

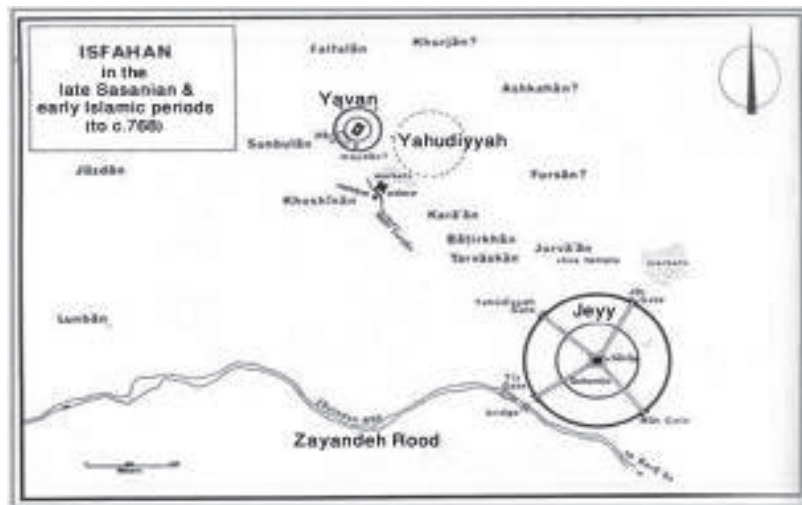
(۲-۲) جامعه و محدوده مورد پژوهی

جامعه مورد پژوهش معماری و شهرسازی شهر اصفهان بوده است که نمونه بی‌بدیل ارزشمندی

هر اثر هنری و بالخصوص معماری شهری، محملی برای تجلی معانی نهفته در فرهنگ و هنر یک سرزمین و عرصه‌ای برای بیان مضامین اندیشه‌ای وابسته و پیوسته با آن است. معماری نیز به مثابه هنر برتر، از این قاعده مستثنی نبوده و از جهت فرم و کیفیت ظاهری، نحوه استقرار و چگونگی ارتباط یافتن با سایر بناها، به مثابه ابزاری برای بیان معنا و تجلی مفاهیم معرفت-شناختی تلقی می‌گردد. از سویی دیگر، معماری ایرانی-اسلامی از دیرباز با تکیه بر غنای تحسین‌برانگیز در فرم و معنا حامل ارزش‌های والای معنوی بوده است؛ چنانچه معماری سنتی ایران، علاوه بر رعایت اصول کاربردی و تزئینی، همواره بر مفاهیمی دینی و اعتقادی اشاره داشته و در نتیجه، در آثار معماری ایران همواره رابطه‌ای تنگاتنگ میان صورت و معنا وجود داشته است که این مفاهیم در رویکردهای نشانه‌شناختی در رویه از «دال به مدلول»، «دلالت‌گر به دلالت‌یاب»، «بژه به سوژه» به‌منصه تحلیل و تدقیق رسیده است. این آثار در طی قرون متمادی و در دوره‌های مختلف تاریخی، با بهره‌گیری از جریان‌های فکری حاکم، به گونه‌های متفاوت تجلی بخش باورهای فلسفی و اعتقادی زمان خود گشته است. این مسئله به‌ویژه در عصر صفوی که از شاخص‌ترین دوره‌های معماری و یکی از مهم‌ترین دوره‌های شکوفایی فکری و فلسفی ایرانیان می‌باشد، بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد؛ لذا مقاله حاضر با بررسی تجربه فضایی موجود در ساختار و کالبد بناهای دوره صفوی، مفاهیم و مضامین اعتقادی و عرفانی نهفته در آن را نه فقط در قالب تک‌بنا که در ارتباط فضایی موجود میان آنها در ساختار کلان شهر که به خلق مفاهیم متعالی اسلامی در متن شهر منتهی گشته است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در ادامه به مواردی چند در رابطه با این موضوعات اشاره می‌شود.



نمودار ۲. چارچوب مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۱. نقشه شهر اصفهان در دوران ساسانی و ابتدای دوران اسلامی؛ ماخذ:

Golombek, Lisa, 1974, p42

از گنجینه‌های معنایی و ارزشی معماری ایران بوده (۳) مبانی و ادبیات نظری و حاوی نکاتی است که می‌تواند معنای عرفانی و (۱-۳) عرفان اسلامی بنیان‌شناختی‌الایی را به دست دهد. «سید حسین نصر»، سرمنشا هنر قدسی را بصیرتی ملکوتی می‌داند که از «حکمت جاوید» نشات

می‌گیرد که در قلب پیام و تجربه دینی نهفته است و چون مبدا الهی واحد است و نیز به سبب وحدت عمیق‌گیرنده انسانی، به جاودانگی و جهان شمولی دست می‌یابد (نصر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰) و از آنجا که «مقدس» به معنای حضور ذات سرمدی در امر زمانی و حضور مرکز کل در محیط است، «هنر مقدس» هم نشانگر حضور ذات سرمدی در نظام انسانی است که اعم از معماری، نقاشی، شعر یا موسیقی، حجاب وجود زمانی را کنار می‌زند و نظاره گر را با واقعیتی مواجه می‌سازند که از آن سوی ساحل وجود، یعنی از نظام سرمدی، می‌درخشد (نصر، ۱۳۷۹، ص ۷۶). هنر اسلامی، مکاشفه‌ای استحسانی و مجاهده‌ای عرفانی از صور هستی در روند تجربه‌ای زیباشناختی برای رهایی از غربت و امکان دهی قربت به ذات الوهی، در بستر کلام و ادب، ترسیم و تجسیم، فضاسازی و معماری است تا از طریق تجربه شهودی و یا تجربه محسوس و آنهم در صحنه آفاق و انفس، ترجمانی از وجدان وحدت جانان در کثرت جهان درگستره‌ای از عالم ذر تا قیامت برای فزونی منزلت و رستگاری انسان راستین باشد (ره‌نورد، ۱۳۷۸، ص ۴۹). عرفان از کلمه عَرَفَه به معنای شناخت گرفته شده است و تجربه عرفانی، یکی شدن با خدا یا با روان کیهانی است. عارف باید راه تزکیه را بپیماید تا به درگاه خدا راه یابد و سعی دارد با کشف و شهود و اشراق به حقایق برسد. بر مبنای این مکتب، رسیدن به حقیقت تنها با عشق و تصفیه نفس میسر است. هدف عرفان تنها کشف حقیقت نیست، بلکه رسیدن به حقیقت نیز هست. در عرفان، برای وصول به حقیقت و رسیدن به مرحله کمال، سیر و سلوک معنوی، نقش عمده‌ای داراست (ایرانی صفت، ۱۳۸۶، ص ۷۶-۷۱).

(۲-۳) مراتب عرفان اسلامی

باشنده بشری بعد از رشد فکری و جسمی، چه بداند و چه نداند، سالک سبیل حق و رهروی راه ایزدی ست و نهایت سیرش حق متعال است «إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرَّجْعِي» و «كُلِّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ» هنرمند

دینی نیز در مراتب هنرآفرینی خویش در وادی سلوک پای می‌گذارد و با آگاهی از سلوک خویش، در پی حرکت و توالی، آشفتگی و اضطراب، عبادت و طاعت، خودسازی و خودشناسی در جستجوی عشق و حب الهی ست تا به کمال مطلوب و وصال محبوب رهنمون باشد، اساس این آگاهی برای سلوک همان توجه به فطرت است «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» و به خود نگرستن راه گرایش به فطرت است. بر این اساس شبستری می‌گوید: «انکار منکر عارضی ست و از این جهت به اندک اشاراتی زایل می‌گردد و بر اعتراف فطری باز می‌آید.» هنر قدسی در هر چهره و بیانی بر آن است تا حقیقت ذاتی پدیده‌ها را برملا سازد، گاه در قالب رمز و نماد و به صورت تجریدی و انتزاعی و گاه به صورت رئالیستی و ناتورالیستی که بتواند مفاهیم دینی را چنان بیان کند که حقیقت باطنی رویدادها را هویدا گرداند. در هر حال معماری اسلامی، آفریننده‌ی هنری را در مراتب نفسانی به پیش می‌برد.

«خواجه عبدالله انصاری» در «منازل السائرين» می‌آورد:

«یک تنفس در زمان احتجاب اوست، یک تنفس در زمان انکشاف و تجلی اوست و یکی زمانی است که نفس پاک شده از ردایل است، انفس اولیه در زمانی است که با سراج است و دوم در زمانی که در معراج است و سوم زمانی است که با تاج است. سراج چراغی که پیش پای سالک را روشن می‌کند؛ این سراج، نور علم است که سالک با آن راه را از چاه تمیز می‌دهد و چندان نیست که همه‌ی تاریکی را روشن نماید. معراج سالک عروج به عالم حقایق و مفاهیم است، سالک از خبر می‌گذرد و به عیان می‌رسد، در این مقام سالک در تجلی و انکشاف است و در معراج نورانیت مفاهیم سیر دارد. در نفس سوم تاج عنوان عزت، قدرت و رفعت مقام سالک است.»

پس مراتب سلوک می‌تواند میزانی برای مراتب هنری و مکیالی برای مدارج هنری قرار گیرد و

به قول «سید حسین نصر»، امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت نفسانی و مادی ست، پس هر کس که به عالم روحانی نزدیکتر و در مراتب سلوکی بالاتر باشد، در تجلی آن امر قدسی کارا تر خواهد بود.

الف: در وادی احتجاب، خرق حجب امکانی و تصفیه قلب از کدورات برای انسانی که در ابتدای وجود انعمار در کثرت و ماده دارد، بلکه عین ماده و کثرت است بسیار مشکل است و برای کسانی که در خود امکان حصول معرفت را از راه تصفیه و طریق کشف نمی بینند، سلوک طریق برهان لازم و واجب است. «بور کهارت» نیز، بر این گمان است که جوهر منطقی و عقلانی هنر اسلامی همواره کیفی و غیرشخصی است و عقل را وسیله قبول حقایق وحی می داند و عقل و علم را جایگاه تراوش هنر اسلامی قرار نمی دهد بلکه بر این اعتقاد است که عقل و علم که همان سراج وادی احتجاب است، نه تنها الهام و اشراق را از کار نمی اندازد بلکه درهای وجود خود را بر زیبایی غیرفردی می گشاید. علم این وادی خود دارای مراتبی است، هر چند این علم قدرتی ندارد که خشم و غیظ را از سالک برگیرد و حزن و اندوهش را تمامی بخشد.

«خواجه عبدالله انصاری» به مراتب علم، چنین اشاره می کند: «علم آن است که رفع جهل کند و قائم به دلیل باشد و بر سه درجه است: درجه اول علم ظاهر است که حصول آن به عیان و به اکتساب صحیح و به تجربه ایست ممتد. درجه دوم علم باطن است که با ریاضت و خلوص نیت و جهاد با نفس دست می دهد و در نفوس اهل همت و دل پاک ظهور دارد. درجه سوم علم کدنی علمی است که اهل قرب را به تعلیم الهی و تفهیم ربانی معلوم شود نه به دلایل عقلی و شواهد نقلی.» در همین وادی ست که هنرمند سالک را برای نجات از تنهایی و وصول به جاودانگی در تکاپویی عینی می کشاند تا از طریق تجربه ای زیباشناختی، غم و غربت خویش را کاهش دهد و آن احساس بیگانگی را در خویش

فرونشانند و تجلی روحی گردد که آنچه هست، سیرایش نمی کند و از آن طریق به سلوک خویش در راه قرب الهی ادامه دهد و لحظه لحظه از حقیقت ناب لبریزتر گردد.

ب: در وادی تجلی، هنرمند در تجلی و انکشاف در معراج نورانی مفاهیم سیر دارد و با آرامش خاطر فراگیر و قلبی مطمئن جهت ارایه ی معنا و عمق احساس، ایمان و تجربه ی دینی از خبر می گذرد و در عیان مأوا می گیرد؛ گاه این امر در قالب اشکال و احجام هندسی و با بیانی تجربیدی- انتزاعی و گاه در قالب نمایش نمادین، رمزی و تمثیلی و با بیان رئالیستی و اکسپرسیونیستی صورت می پذیرد؛ گویی بیان نمادین و تمثیلی جلوه ای از حقیقت برتری ست که بر وسع ادراک، فرم و شکل می گیرد. «بور کهارت» در هنر اسلامی، نوعی کشف و شهود روحانی را در می یابد و بر رمز و سمبل تأکید فراوان می کند. در این وادی به واسطه ی تجافی از عالم ماده و دار غرور و خرق استار امکانی به اصل وجود حق واصل شده اند و قیامت خود را در همین نشأه شهود نموده اند، «مرحوم فیض» در رساله مشوق می آورد: «بدانکه اهل معرفت و محبت را گاهی در سر شوقی و دل شور پُر زوری مستولی می شود که اگر به وسیله ی سخن اظهار «ما فی الضمیر» نکنند وجد و فلق ایشان را رنجه می دارد؛ هنرمند در این وادی از این مقال در می گذرد و صفا و سروری فراگیر در او جایگزین می گردد، شبستری در رساله «حَقُّ الیقین» می نویسد: «حَقِيقَةُ: الْاِدْرَاكِ الْفِطْرِيَّ اِنَّ الْمَعْرِفَةَ غَيْرُادْرَاكِ الْاِدْرَاكِ اِنَّ الْعِلْمَ...». عرفا معرفت را «ادراک» و علم را «ادراک ادراک» عنوان کرده اند، علم زمینه ی تکلیف را برای مکلف فراهم می کند و معرفت، آن معلوماتی ست که بدون واسطه از حق به قلب عبد نازل می آید، آنچه مردم از اولیا اخذ می کنند، علم و آنچه از طریق وحی و الهام حاصل شود، معرفت است.

پ: در وادی تبری، مجاهده عرفانی هنرمند در راه اتصال به حقیقت برتر، دست نیافتنی ترین خیال

را ممکن می‌گرداند و در هنگام آفرینش هنری در عالی‌ترین مقام با روحی پاک از مخزن عظیم و پنهان غیب بهره می‌گیرد و به چنان خلاقیتی دست می‌یابد که در آثارش، همه چیز به پرواز در می‌آیند و سرو، انسان می‌شود و انسان، پرنده و تمامی اشاراتی به ذات الهی می‌گردند و نگاه آنها به مرکز و منشأ هستی عطف می‌شود. مشاهده‌ی صریح وجود حق با رفض تعینات امکانی مطلوب واقعی اهل الله است، شهود حق در این نشأه از برای کمال از اولیاء حاصل می‌گردد، در نهایت به خرابات وصل می‌گردد. خرابات مقام ذات است و علم و عرفان بحث از افعال و صفات الهی‌اند نه از ذات و هرچه در آن باب گفته شود، باطل است.

(۳-۳) نشانه شناسی

بنا به تعریف «سوسوری»، زبان دستگاهی استوار بر نشانه است^۱. عام‌ترین تعریف برای نشانه آن است که، نشانه همچون سکه‌ای دورویه، بر دو جز دال و مدلول اتکا دارد. «چارلز پیرس»، فیلسوف پراگماتیست و از آغازگران علم نشانه‌شناسی (semiology) نشانه را استوار بر غیاب می‌داند: «نشانه برای کسی، چیزی را به جای چیز دیگری بیان می‌کند.» در واقع نشانه-شناسی با هرچیز که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد و نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم، بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگر اشاره دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۰)؛ سوسور نشانه‌شناسی را به معنای علم مطالعه علائم و نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی تعریف کرده است (سوسور، ۱۳۸۲، ص ۲۴). از دیگر منابع ذکر شده در نشانه‌شناسی مدرن می‌توان به پدیدار شناسی هوسرلی و آراء ارنست کاسیرر اشاره نمود، ارنست کاسیرر در فلسفه صورت‌های نمادین، انسان را حیوان نمادپرداز تعریف می‌کند. امروزه نشانه

شناسی به حوزه مطالعاتی تثبیت شده‌ای تبدیل شده و حجم قابل توجهی از کتابهای پژوهشی و مقالات در این حوزه وجود دارد. ژان ماری شفر آثار حوزه نشانه‌شناسی را در سه رویکرد شناسایی می‌کند:

۱- **سنت فکری لاک - پیرس - موریس**، که از میان قلمروهای آن می‌توان از ارتباطات انسانی غیر کلامی، یعنی از ایما و اشاره و حالات چهره (اطوار پژوهی)، و نیز شیوه‌های تعامل مکانی (فاصله پژوهی) نام برد. و این قلمرویی است که در آن نشانه‌شناسان با تفکرات مردم‌شناسان رفتارهای انسانی رویه رومی شوند

۲- **سنتی که بر سیبرنتیک و نظریه اطلاع استوار شده است**: این رویکرد در فرانسه در آثار آمول (۱۹۵۶) دیده می‌شود، اما خصوصاً در دهه‌های شصت و هفتاد در اتحاد شوروی سابق (به ویژه در حلقه تارتو) تکوین یافته است؛ مهم‌ترین سهم این نشانه‌شناسی در عرصه مطالعه نشانه‌های فرازبانی و طرح و بسط نشانه‌شناسی فرهنگ است که می‌توان به آثار یوری لوتمن در باره ادبیات و سینما یا به آثار اوسپنسکی درباره هنر اشاره کرد.

۳- **سنت زبان شناختی‌ای** که به ویژه در فرانسه چیرگی داشت و در واقع کمابیش با جنبش ساختگرایی یکی است.

(۴-۳) نشانه‌شناسی امبرتو اکو

رویکرد اکو اساساً رویکردی ترکیبی است: او که با گذشت سال‌ها، اهمیتی بیشتر برای نظریه پیرس قائل شد، آثار ساختگرایان (به ویژه آثار فرمالیست‌های روسی، بارت و گره ماس) را باهم ترکیب کرد و توجه زیادی به اندیشه فلسفی در باره مسائل مربوط به نشانه داشت. او به تدریج جایگاه مهم تری برای فرایند تویل قائل می‌شود و پیشنهاد می‌کند که بیابید تاکید را از روی تحلیل

۲. نشانه‌شناسی به عنوان روش پژوهش در شناخت دلالتها در میانه قرن بیستم همراه با جنبش ساختگرایی بویژه در فرانسه اهمیت چشمگیری پیدا نمود که بر پایه نشانه‌شناسی اولیه مطرح شده توسط سوسور قرار می‌گرفت و در بسیاری از شاخه‌های علوم و فلسفه مورد استفاده گردید. در زمینه نظریه ادبی، زیبایی‌شناسی و هنر نیز نشانه‌شناسی از سوی اندیشمندان اصلی جنبش ساختگرایی مطرح گردید که در میان آنها رولان بارت نقش اصلی را عهده دار بود.

جدول ۱. جایگاه نشانه در نظام های نشانه ای؛ ماخذ: ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹.

جایگاه نشانه در کلیت نظام نشانه‌ای	ساختار درونی نشانه	
<ul style="list-style-type: none"> • نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. • ارزش نشانه، ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. • معنای نشانه‌ها، ناشی از رابطه نظام یافته آنها با یکدیگر است. • بازه‌های نظام نشانه‌ای ساخت‌گرا: - هویت نسبی نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر در درون یک نظام، اصل اساسی نظریه ساخت‌گرایی است. - در تحلیل ساخت‌گرایانه، تأکید بر روابط ساختاری است. - تصور او از معنا در نظام نشانه‌ای به طور محض ساختاری و نسبی است نه ارجاعی. 	<ul style="list-style-type: none"> • الگوی دو وجهی • نشانه کلیتی از پیوند بین دال و مدلول است. • رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحاً "دالیت" می‌نامد. • دو وجه نشانه وابستگی متقابل به یکدیگر دارند و هیچ یک مقدم بر دیگری نیستند. • مدلول سوسوری با ارجاع به واقعیت تشخص نمی‌یابد، بلکه مفهومی ذهنی است. • مدلول شیء نیست، بلکه تصور شیء است. • در الگوی سوسور، ارجاع نشانه به یک مفهوم است نه یک شیء. • نشانه دارای ارزشی «مطلق» که مستقل از بافت آن باشد، نیست. 	سوسور
<ul style="list-style-type: none"> • این که نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای، در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه وابسته است. • نشانه‌ها را نمی‌توان بدون توجه به بافت‌های خاص کاربردشان در سه حالت فوق‌الذکر طبقه‌بندی کرد. • هرچه دال بیشتر توسط مدلول تحمیل شود، «انگیزش» نشانه بیشتر است: نشانه‌های شمایی به شدت انگیزه‌اند؛ نشانه‌های نمادین کاملاً غیرانگیزه‌اند. 	<ul style="list-style-type: none"> • الگوی سه وجهی: نمود، تفسیر، مصداق. • تعامل بین نمود، شیء و تفسیر را پیرس "نشانگی" می‌نامد. • طبقه‌بندی سه‌گانه نشانه: نماد، نمایه، شمایل. • نقش تفسیرگر: هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و از ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد. 	پیرس

ظهور علم عمومی نشانه‌ها آن گونه که سوسور پیش بینی می‌کرد، به موعظه می‌پردازد. بارت در اسطوره شناسی، بینش‌های انفرادی بسیاری را توضیح می‌دهد ولی برنامه عظیم علمی در عناصر نشانه شناسی (۱۹۶۴) و نظام مند (۱۹۶۷)، مطرح می‌شود. کل جهان انسانی به صورت متنی آشکار می‌شود که باید با نوع فنون نمادگرایانه‌ای خوانده شود که در اصل برای متنهای ادبی ایجاد شده‌اند» (هارلند، ریچارد، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶).

روابط همنشینی امکاناتی برای ترکیب‌اند؛ اما روابط جاننشینی، مقایسه عناصر و قائل شدن به تمایز بین آنها است. همنشینی با روابط درون متنی با دیگر دال‌ها که در متن وجود دارند مربوط است؛ در حالی که جاننشینی به روابط بین متنی، به دال‌هایی ارجاع پیدا می‌کند که در متن غایب هستند؛ در نگرش خود به موضوع نشانه‌شناسی، به روابط همنشینی و جاننشینی اشاره می‌کند و بیان می‌کند که روابط همنشینی، اهمیت روابط جز به کل را برجسته می‌سازند و در واقع کل وابسته به اجزا

قراردادهای نشانه‌ای بر داریم و بر مطالعه کاربرد شناسی روایت، یعنی بر روایت بودگی کلام، آن گونه که خواننده مشارکت‌گر آن را تاویل می‌کند بگذاریم. اکو همچنین به وسایل ارتباط جمعی و فلسفه زبان نیز توجه دارد (شفر، ژان ماری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲-۱۵۶).

اما نشانه شناسی بارت؛ در طبقه بندی بالا در گروه سوم که سنت زبانشناختی پساسوسوری و ساختگرایی است، قرار می‌گیرد. ساختگرایی به بازاندیشی درباره امور از دیدگاه زبان شناسی می‌پردازد. کلود لوی استروس در انسان شناسی و مردم شناسی، میشل فوکو در فلسفه و فلسفه علم، ژاک لاکان در روانکاوی و رولان بارت در نقد ادبی و فرهنگی، مبانی این ساختگرایی جدید را پایه گذاری نمودند که از نشانه شناسی استفاده نموده‌اند. ریچارد هارلند در باره این دوره مهم از فعالیت بارت چنین می‌نویسد: «دوره رهبری نشانه شناسیک او یکسره به روزگار شکوفایی ساختارگرایی تعلق دارد که به نیمه دهه ۱۹۶۰ مربوط می‌شود. در این دوره است که او درباره

جدول ۲. شاخصهای رمزگانی مورد نظر در این تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

نمایزات بنیانی در شکل‌گیری انواع رمزگان‌ها		
<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تلویحی (ضمنی - ذهنی) - نشانه چند معنا - فراگیری کم (استفاده توسط کاربران کمتر) - مبهم‌تر - ارزش نشانه نامحدود (به تناسب کاربران تنوع معنای بیشتر) - چند ساختاری (عدم وضوح در ساختار) - غیر انگیزه (ارتباط چندگانه بین دال و مدلول) - رمز گشایی دشوارتر 	<ul style="list-style-type: none"> - دلالت تصریحی (عینی) - نشانه تک معنا - فراگیری زیاد (استفاده توسط کاربران بیشتر) - دقیق‌تر - ارزش نشانه محدود (به تناسب کاربران تنوع معنای کمتر) - واجد ساختار مشخص (تعریف شده) - انگیزه‌نگاری (رابطه بارز بین دال و مدلول) ○ انگیزه‌نگاری درونی (همانندی در محتوی) ○ انگیزه‌نگاری بیرونی (هم شکلی در صورت) - رمزگشایی آسان‌تر 	
شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های اجتماعی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های زیبایی‌شناسی	شاخص‌های عملیاتی رمزگان‌های منطقی
<p>ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، اما در عین حال او هم حامل نشانه است و هم جوهرش و آن را نهادینه می‌کند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با انسان. نشأت گرفته از تجربه منطقی و احساسی.</p> <p>دامنه کاربرد: برای سازمان‌بندی جامعه و سازمان دلالتی آن به کار می‌روند.</p> <p>انواع رمزگان‌های اجتماعی: نشانه‌های هویت (نشان‌ها و شاخص‌ها) و ارتباطات اجتماعی که بی‌شمارند: آیین‌ها، جشن‌ها، مراسم، میثاق‌ها، رمزگان‌های ادب و بازی‌ها، ...</p>	<p>ماهیت: غالباً منش شمالی دارند، با آفرینش همراهند (قدرت آفرینندگی بالا)، نشأت گرفته از تجربه احساسی. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و طبیعت.</p> <p>دامنه کاربرد: انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و ابژه (خود پیام، موضوع است).</p> <p>انواع رمزگان زیبایی‌شناسی: هنر (نقاشی، سفالگری، مجسمه‌سازی، ...)، ادبیات و معماری....</p>	<p>ماهیت: براساس نظامی از اصول بدیهی و عینی طرح‌ریزی شده‌اند. تفوق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و انسان با طبیعت.</p> <p>دامنه کاربرد: هماهنگ کردن کنش‌ها، تنظیم حرکات جمعی در افراد جامعه، انتقال اطلاعات و فرمان‌ها، بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده.</p> <p>انواع رمزگان منطقی: نظام‌های علامتی، قوانین، برنامه‌های آموزشی و ...</p>

بارت همچنین از ژانرهای متفاوت آثارش یاد می‌کند که آنها را در جدولی به نام مرحله‌ها ترسیم نمود که تاثیرپذیری و بینامتن آثارش را ذکر نموده است.

بدین ترتیب بارت با استفاده از قوائد زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی را با توجه به دیالکتیک‌های موجود بین زبان/گفتار، دال/مدلول، نظام/همسازه (محورهای همنشینی و جانشینی) و تطابق/تضمن بررسی می‌کند. همچنین وی خاطر نشان کرد که با استفاده از «زبان‌شناسی ساختگرا» می‌توان وحدت تحقیقات انجام شده توسط ساختگرایان در انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سبک‌شناسی که همگی حول و حوش مفهوم دلالت قرار دارند را روشن نمود. بارت چشم اندازه‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی‌ای همچون نظام پوشاک، نظام غذا، نظام اتومبیل و نظام اثاثیه منزل را با استفاده

است و اجزا وابسته به کل (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

(۳-۵) مراتب محور همنشینی و جانشینی در نشانه‌شناسی

«فردینان دوسوسور»، وجود دو محور قائم جانشینی و هم‌نشینی را در زبان کشف کرد. در محور همنشینی مناسبات واژگان در ارتباط با یکدیگر سنجیده می‌شود، یعنی نقش ویژه‌ای که هر واژه در هم‌نشینی با واژه دیگر می‌یابد، تا پیام را به گیرنده برساند. اما محور جانشینی، رابطه پنهان هر واژه با واژه هم‌ارز دیگر است. بنابراین با مدلی فرضی از یک جمله، به جهت منطقی، می‌توان بی‌شمار جمله دیگر آفرید. یاکوبسن جایگاه مجاز را محور افقی و جایگاه استعاره را محور عمودی می‌داند. وی آنگاه فراتر رفته، می‌افزاید: «در جنبش‌های ادبی رمانتیسم و سمبولیسم فرآیند استعاره‌ی اولویت دارد.»

از تقابل زبان/گفتار معین می‌کند؛ چرا که زبان یک نهاد اجتماعی و یک نهاد ارزشی است که به هیچ وجه یک فعل به شمار نمی‌آید و فرد نمی‌تواند آن را خلق کند و در مقابل، گفتار اساساً یک فعل فردی و مربوط به انتخاب و اندیشه شخصی است. بنابراین این فرض را در نظر می‌گیرد که یک مقوله کلی بنام زبان/گفتار وجود دارد که همه نظام‌های نشانه‌ای را دربر می‌گیرد. به عنوان مثال، زبان در نظام پوشاک تشکیل شده است از: (۱) تقابل تکه‌ها و اجزای لباس که تغییرات آنها تغییر در معنی را ایجاد می‌کند (نوع کلاه مورد استفاده)، (۲) قواعدی که بر پیوستگی اجزاء در میان خودشان یا بر طول یا عرض بدن وجود دارد. و گفتار در نظام پوشاک شامل همه پدیده‌های مربوط به ساخت بی‌قاعده یا روش فردی پوشش است (اندازه لباس، درجه پاکیزگی، آرایشها و زینتهای شخصی). بارت با متناظر قرار دادن گفتار/زبان، با همساز/نظام، نتایج بدست آمده را در دو محور همنشینی و جانشینی و با تاثیر از یاکوبسن در تقابل دو شیوه بیان استوار

بر استعاره و استوار بر مجاز مرسل، تحلیل می‌کند. محور نخست زبان، محور ارتباطات همنشینی است که آن را همساز می‌نامد که ماهیتاً با گفتار یکسان است، چون می‌توان آن را به عنوان ترکیبی از نشانه‌ها تعریف کرد. و دومین محور زبان را، نظام تشکیل می‌دهد که شامل پیوستگی هاست که از آن به سطح جانشینی نام برده می‌شود و دارای ارتباط نزدیک با زبان به عنوان یک نظام است. در مقاله مشهور اسطوره، امروز از اسطوره شناسی‌ها، بارت برای اسطوره مفهومی همچون معنای ضمنی بدست می‌دهد: «اسطوره نظامی خاص است. به این معنی که از زنجیره نشانه شناسی ساخته شده است که پیش از خود آن وجود داشته است: این یک نظام نشانه شناسی ثانویه است. آنچه در نظام نخست نشانه است (یعنی همبستگی تام یک مفهوم و یک تصور) در نظام دوم به دالی ساده تبدیل می‌شود در اینجا باید یادآوری کرد که مواد گفتار اسطوره‌ای (لانگ به معنی دقیق آن، عکس، نقاشی، پوسترها، مراسم آیینی، اشیاء و غیره) هر قدر هم

جدول ۳. تاثیر پذیری نشانه و مفهوم بینامتنی از دیدگاه بارت؛ ترسیم نگارندگان.

آثار	ژانر	بینامتن
—	(آرزوی نوشتن)	(ژید)
درجه‌ی صفر نوشتار نوشته‌های تئاتری اسطوره‌شناسی‌ها	اسطوره‌شناسی اجتماعی	سارتر مارکس برشت
عناصر نشانه‌شناسی نظام مد	نشانه‌شناسی	سوسور
S/Z ساد/فوریه/لویولا امپراتوری نشانه‌ها	متنیت	سولرس ژولیاکریستوا دریدا، لکان
لذت متن رولان بارت نوشته‌ی رولان بارت	اخلاقیت	(نیچه)

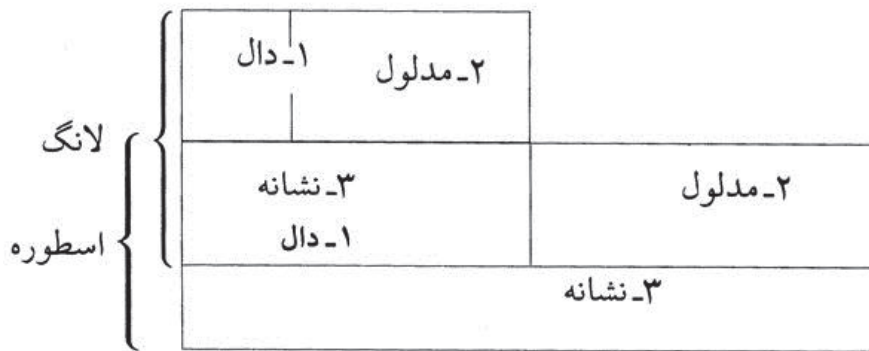
همسازه	نظام	
الحاق در همان نوع از لباس که دارای اجزای گوناگون است: دامن - پیراهن - ژاکت	مجموعه‌ای از تکه‌ها یا جزئیات که نمی‌توان آنها را در یک زمان بزرگ قسمت خاص از بدن پوشانید و تغییرات آن با تغییر در مفهوم و معنی پوشش مطابق است: کلاه کوچک بی‌لبه، کلاه بی‌لبه زنانه، روسری و غیر آنها	نظام لباس
تعاقب واقعی بشقاب‌ها که در طی یک وعده غذا انتخاب می‌شوند: و این همان صورت غذاست	مجموعه‌ای از مواد غذایی که قربت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که یک فرد در محدوده آنها در پناه یک مفهوم مشخص به انتخاب یک بشقاب آن می‌پردازد: انواع اولین غذاهای ارائه شده در سفره، سرخ کردن‌ها یا شیرینی‌ها	نظام غذا
«صورت غذای» رستوران هر دو سطح را مشخص می‌کند: خواندن افقی عناوین پیش غذاها، به عنوان نمونه، با نظام غذایی مطابق است و قرائت عمودی صورت غذا به همسازه مربوط می‌شود.		
الحاق تکه‌های متفاوت اثاثیه در یک مکان: تختخواب، کمد، میز	مجموعه‌ای از گونه‌های «سبک‌دار» تکه‌ای از اثاثیه منزل (یک تختخواب)	نظام اثاثیه
تعاقب جزئیات در سطح کل ساختمان	تغییراتی در سبک یک جزء منفرد در ساختمان، گونه‌های متفاوت پشت بام، بالکن، هال و غیر آنها	نظام معماری

که در آغازگاه متفاوت بوده باشند، به محض آنکه به چنگ اسطوره بیفتند به کارکردی صرفاً دلالتی فرو کاسته می‌شوند... همه چیز چنان رخ می‌دهد که گویی اسطوره، نظام صوری دلالت‌های نخست را به کناری می‌راند از آنجا که این انتقال جانبی در تحلیل اسطوره نقش اساسی دارد، آن را به شیوه زیر ارائه می‌دهم» (بارت، ۱۳۷۵، ص ۳۸).

۳-۵) مراتب عرفان شناختی در کالبد معماری شهری

۱. «منزل»: سیر و سلوک دارای مراحل و مراتب و مسیرها و منازلی است. عارف، بعد از طی مراحل و ریاضت و مجاهده، در هر مسیر به یک منزل می‌رسد. این منزل، مقام نام دارد و این منازل را باید گام به گام و مرحله به مرحله زیر نظر پیر

۱. منزل در لغت، محلی است که مسافر در آنجا برای استراحت نزول می‌کند و از آنجا که غالباً این استراحت را در سه یا چهار فرسخی قرار می‌دهند، به مسافت چهار فرسخ (که همان مسافت برید است) یک منزل می‌گویند (سیر و سلوک منسوب به علامه بحرالعلوم، ص ۲۳ (پاورقی)). و در اصطلاح، منزل همان مقام است. با این فرق که: «يقال: «منزل» نظراً الى سلوك السالك و انه في حال السفر و «مقام» نظراً الى مكثه فيه حتى يستوفي حقه» شرح منازل السائرين کاشانی، ص ۱۴؛ «منزل گفته می‌شود به اعتبار گذر سالک از مرحله‌ای در حال سفر و مقام گفته می‌شود به اعتبار درنگ سالک در آن برای استیفای حق آن مرحله».



نمودار ۱. معنای اسطوره ای، دال و مدلول در نشانه شناسی؛ ماخذ: نگارندگان.

مرشد و راهنمای طریقت، یکی پس از دیگری به ترتیب طی کرد تا به مقصد نهایی و کمال مطلوب رسید. خواجه عبدالله انصاری تعبیر میدان را به کار برده (ایرانی صفت، ۱۳۸۶، ص ۹۹) و به طور کلی هریک از این منازل محل مکث موقت و مقدمه ورود به مرحله بعدی است.

۲. «سلسله مراتب»: اصل سلسله مراتب از اصول بنیادین مباحث هستی شناسی و وجودشناسی است و لزوم رعایت این اصل در سیر و سلوک عرفای اهل تشیع، از اقوال بدیهی است که بدون ملحوظ نمودن آن و طی منازل متوالی، وصول به مدارج عالی میسر نیست (نقی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶). اعتقاد به سلسله مراتب وجود، از جمله مشخصه های جهان بینی شیعه است (انصاری و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵). مقصود از سلسله مراتب وجود این است که کلیه موجودات عالم، مانند حلقه زنجیر یا پله های نردبان به هم پیوسته و از وجود محض تا عدم صرف، در یک سلسله منظم قرار گرفته اند و مقام هریک در این سلسله بستگی به درجه شدت و ضعف مرتبه

وجودی آن دارد (نصر، ۱۳۵۹، ص ۱۱۴).
 ۳. «راه یا مسیر»: سلوک، حرکت و سیر به سوی حقیقت و معنویت است و به تعبیر سهروردی، سالک به دنبال حقیقت سفر می کند تا به وطن اصلی خود، مشرق الانوار برسد (حسینی کوهساری، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸). به بیانی دیگر، راهی برای رسیدن به مقام کمال معنوی و معرفت است. سالک، برای آنکه بتواند به مقصد نائل گردد، باید در صراط مستقیم حرکت کند. فرض بنیادی طریقت آن است که در همه چیز معنایی نهان وجود دارد و هرچیز دارای معنایی برونی و نیز درونی ست. عارفان و صوفیان از این حرکت، به سیر و یا سفر نیز تعبیر کرده اند که می توان به اسفار اربعه تألیف صدرای شیرازی اشاره کرد
 ۴. «بهشت»: برترین مرتبه از سلسله مراتب سلوک دینی و نهایت هدف مؤمن، بهشت است. باور به سلسله مراتب در عالم و حرکتی دوری از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت را می توان رکن بنیادین در شکل گیری هنرهای سنتی ایران دانست و در این نظام، بهشت برین، به منزله بالاترین مقام، از اهمیت

۱. خدا بهشتی را به بهشت نمی برد بهشتی خود بهشت میشود. این شدن را تعبیر به معرفت شهودی و معرفت ذوقی میکنند که بعد از این نشئه هر کسی هر آنچه را که شد همان است و چیزی را از بیرون بدان ضمیمه نمی کنند؛ می توان این حقیقت را اینگونه تعبیر کرد که انسان آنچه را که در بهشت می نگرد همه به مثال انهایی است که در دنیا انجام داده نه مثل آنها زیرا فرق است بین مثل و مثال (مثل به دو چیز گفته میشود که در ذاتشان باهم متباین اند اما مثال دو چیزی را گویند که در حقیقت ماهیت و ذاتشان یک چیز هستند و از همدیگر حکایت می کنند براین اساس گفتیم که انسان آنچه را که در بهشت می نگرد همه به مثال انهایی است که در دنیا ساخته نه مثل آنها. پس در قیامت نیز یک شخص خودش را به انجا گوناگون مشاهده میکند گاهی خودش را آتش مشاهده میکند و فریاد میکشد گاهی هم میبیند در حلق خود اب داغ میریزد که بر اساس اصل رصین اتحاد عاقل به معقول و عامل به معمول که هر کسی زرع و زارع و مزرعه و بذر خود است ریزاننده آن آب و این که کسی در خواب میبیند چند نفر جمع شده اند و میخواهند او را درون آب بیندازند و او فریاد میکشد و آنها را نفرین میکند ولی وقتی بیدار میشود میبیند نه کسی بوده که او را در اب داغ بیندازد و نه اب داغی در میان بود معلوم میشود تمام اینها را نفس خودش انشا نموده است و او خیال میکرد که از بیرون است. در روایتی از جناب پیامبر (ص) آمده است: الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا یعنی مردم در خوابند پس زمانی که مردند آگاه میشوند به تعبیر دیگر مردم در طول زندگی خود مانند کسی که خواب میبیند گمان می کنند که آنچه برایشان پیش می آید از بیرون آنان است در حالی که وقتی از این خواب غفلت بیدار شدند و با مرگ اختیاری یا طبیعی به ادراک حقایق نائل آمدند خواهند دید آنچه را که در این مدت از بیرون خود می پنداشتند خیالی بیشتر نبود.

ویژه‌ای برخوردار است. بهترین سرای نیکوکاران یعنی بهشت، مقصد و مقصود است. طی مسیر به حقیقت (بهشت) سیر و سلوکی است که انسان فانی خاکی را به بهشت رهنمون می‌شود.

(۴) بیان یافته‌های تحقیق

سبک اصفهان تحقق آرمانشهر دولت صفوی در بوجود آوردن تعادل بین شهر- قدرت، شهر- بازار، شهر- سرمایه، شهر- ایوان و شهر- منطقه را باعث گردید. اسطوره تأثیر گذار در معماری و شهرسازی مکتب اصفهان، شیخ بهایی عاملی و اسطوره‌های تأثیر گذار در فلسفه و کلام مکتب اصفهان، میرداماد، میرفندرسکی، ملا محسن فیض کاشانی، مجلسی دوم و صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) بوده‌اند. کار بزرگ شیخ بهایی این بود که بی اعتباری همه علوم را در برابر عرفان نشان داد، آن هم در حالی که خود در اکثر علوم مرتبه استادی داشت و در برابر آثارش بر رجحان شهود به معرفت استدلالی، تأکید نمود. آثار او گوه توازنی میان علوم ظاهری و علوم باطنی بوده است. در مکتب اصفهان، شهر در محیط پیرامونی مستحیل می‌شود و از اینرو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش و همچنین در توافق همزیستی و وحدت چند سویه با روستاهای اطراف خود است. جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی، سلسله مراتب فضائی از بزرگترین مقیاس تا کوچکترین مقیاس کالبدی را بکار می‌گیرد و در هر مقیاس سعی در اشاره به اصل وحدت بخش جهان می‌کند. شهر اصفهان در زمان شاه عباس، بر مبنای طرح شهرسازی و پیش بینی شده‌ای در چارچوب مکتب اصفهان و متأثر آراء حکمی و فلسفی اندیشمندان این عصر، شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ به گونه‌ای که استیرلن در کتاب «اصفهان، تصویر بهشت» در مقایسه طرح اصفهان نو شاه عباسی با اصفهان کهنه بر این نکته تأکید می‌ورزد که شاه عباس با طرح شهرسازی دقیق خود، گویی می‌خواهد از پایتخت ایران، نمادی از عظمت و بهشتی حقیقی بر روی زمین بسازد (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر محور آن قرار دارد. اصل تعادل و توازن، تعادل فضائی و توازن کالبدی و هماهنگی و هم آوائی عناصر متباین در معرفی یک مفهوم، و باین دلیل اصل تقارن در کلان مفهوم نمی‌یابد و در ذره فضاها بکار گرفته می‌شود. در این شهر، هر بنا حاوی مفاهیمی نمادین و در حکم نشانه‌ای در ارتباط با سایر نشانه‌ها (بناها) است. و ساختار منسجم و طراحی شده شهر، نحوه استقرار بناها در ارتباط با هم، سلسله مراتب شهرسازی، همچون دستور زبانی است که حاکم بر شکل کالبدی آن است. بدین ترتیب، ساختار شهر با باغ‌ها، گنبد‌های مساجد و مدارس، کاخ‌ها و کاروانسراها مثابه متنی با تمام ویژگی‌های زبانی است. هانری کربن عقیده دارد که باید اصفهان را مدینه‌ای تمثیلی در حد عالی قلمداد نمود؛ به عقیده وی «آمدن به اصفهان یعنی آمدن به مکان برخورد میان عالم مثال هورقلیا و عالم محسوس و آمدن به اصفهان به معنای آمدن به نزد فیلسوفان اشراقی است که فلسفه متافیزیکی خیال این ملاقات را امکان پذیر ساخته‌اند، زیرا در اینجا راه دخول در برزخ یعنی حد فاصل میان معقول و محسوس را بر ما گشوده است و سفر به اصفهان را سفری نمادین به مدینه‌ای تمثیلی می‌سازد (استیرلن، ۱۳۷۷، مقدمه کربن). در ادامه تلاش شده تا این زبان، بر اساس محورهای همنشینی و جاننشینی سوسوری، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس چه در مقیاس شهری و چه در مقیاس بنا گوشه‌هایی از مختصات بهشتی دیده می‌شود. سبک اصفهان، تحقق آرمانشهر دولت صفوی، شهر- قدرت، شهر- نمایش، شهر- بازار، شهر- سرمایه و شهر- ایوان بود. علاوه بر اینها، شهر در مکتب اصفهان با منطقه تحت نفوذ ارتباط مستقیم و دو سویه داشت، لذا شهر- منطقه نیز بود. ویژگیهای کالبدی شهرهای مکتب اصفهان را می‌توان به اختصار به صورت زیر بیان کرد:

۱. یک محور جدید و وسیع شهری (چهارباغ) که تا

این زمان در شهرسازی و شهر ایرانی سابقه نداشت طراحی شد.

۲. میدانی وسیع و گسترده با تعریفی روشن و صریح در شهرها ایجاد شد که در اطراف آن گرمابه، مسجد و مدرسه، خانقاه و مسجد، آب انبار و بازارچه و امثال آن، وجود داشت.

۳. برای اولین بار منطقه‌بندی شهری معنا پیدا کرد.

۴. مجموعه‌های شهری جدید در کنار شهرهای کهن به عنوان یک دستورالعمل در همه جا به کار گرفته شد و بدین طریق مهر و نشان مکتب اصفهان را بر شهرهای موجود وارد کرد.

۵. هر مجموعه زیستی (شهر و یا روستا) از این پس دارای یک میدان و یا مرکز ثقل شد و عناصر اصلی حکومتی و دیوانی، دینی و اقتصادی در کنار آن قرار گرفتند.

۶. طراحی مجموعه شهری و نه بنای منفرد معماری بنیان نهاده شد.

۷. شهرسازی مکتب اصفهان ویژگیهای دیگری را نیز همچون سلسله مراتب فضایی، تعادل و توازن، فضای انسانی و مردم‌وار، فقدان نقطه گریز، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت و ویژگیهایی از این قبیل را دارا بود.

۱-۴) بهشت و ابعاد نشانه شناختی آن در

معماری شهری: فلسفه فکری ملاصدرا و نیز اعتقادات شیعی حاکم بر جامعه صفوی که اعتقاد به جهان برزخ دارند، در مکتب اصفهان بنحوی مطلوب منطبق و بارور شد و بر مفهوم اینکه «وجود حق تعالی تنها وجود حقیقی و اصیل است» تأکید بیشتری گردید. شهرسازی برگرفته از مکتب صدرائی که در مکتب اصفهان تبلور یافته است در عین تنوع در صورت، از یک معنا سخن گفته است و در آن، اجزاء و کل همگی به مفاهیمی مشترک دلالت دارند. از جمله در اجزاء معماری تمثیلاتی بصورت نقش نظم و تکرار، و نقش طبیعت و باغ و عبارتی وحدت در اندیشه خلق جامعه و به مفهومی دیگری سعی در

نمایش بهشت موعود می‌باشد که در مکتب اصفهان و مبتنی بر مکتب صدرائی در عصر صفوی بصورت چشمگیری محقق گشته است. در این قسمت به موارد مشابهت میان بهشت و بناهایی که به گونه‌ای نمادین این مفهوم را متجلی ساخته‌اند اشاره شده است. مسجد، باغ، کاخ و خانه، با ویژگی‌هایی که در طراحی پلان، تزیینات و محل استقرار دارا هستند، هریک به نوعی نمایش تمثیل بهشت را عهده‌دار گشته و جانشین این مفهوم شده‌اند؛

۲-۴) مسجد صفوی: تمثیل بهشت: مسجد

به عنوان اصلی‌ترین عنصر شهری و محلی برای خلوت‌گزینی و ستایش خداوند، بهترین مکان برای عینیت بخشیدن به تفکر و بیان متعالی‌ترین باورهای اعتقادی به شمار می‌آید. در معماری سنتی، مسجد به طور اخص، تصویری است از کیهان یا انسان در بعد کیهانی او. کالبد انسان معبدی است که روح در آن سکنا گرفته است. کیهان نیز عیناً چون انسان از همان روح جان می‌گیرد. مسجد در عین حال خانه اوست، بنایی که انسان باید حضور الهی را در آن حس کند و از نزول رحمت باری تعالی که از روح منبعث می‌شود فیض برد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص مقدمه نصر) مسجدی که در چارچوب مکتب اصفهان طراحی می‌شود، تا آنجا پیش می‌رود که همه مناسک حج را در کالبد مسجد متجلی می‌کند (بهشتی، ۱۳۷۵) و نیز مبتنی بر هندسه‌ای شکل می‌گیرد که اگر نگوییم مقدس، هندسه‌ای پنهان است (حاجی قاسمی، ۱۳۷۵، ۲۹)

۳-۴) باغ صفوی: تمثیل باغ بهشت: مبانی و

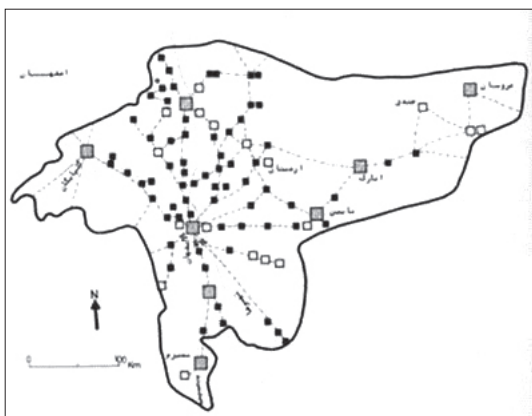
مفاهیم دینی، آیینی و عرفانی ایرانیان در معماری باغ‌های ایرانی نیز جلوه‌گر گشته و گویی معماران مسلمان، با توجه به توصیف بهشت در قرآن کریم، باغ‌هایی را ساخته‌اند که به راستی تمثیلی از بهشت توصیف شده در قرآن است. این مفهوم و تجلی آن در باغ و پردیس‌سازی ایران، خاصه در دوران صفوی، بازتاب‌هایی ویژه داشته که می‌تواند نشان از همت والای معماران ایرانی در بازسازی تمثیلی

باغ ایرانی از بهشت باشد (انصاری و محمودی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۳۹) الگوهای مورد استفاده در باغ ایرانی به شکل معنی داری با بیان کتب آسمانی از جمله قرآن نزدیکی دارد. با استناد به آیات قرآنی، بهشت الهی از چهار باغ تشکیل شده است و با چهارچشمه که چهارنهر از آنها جاری می شود (زمانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۶). این چهار باغ در خیابان معروف شهر اصفهان نیز جلوه گر گشته است. درختان و گل هایی که در باغ های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته اند نیز هریک از معانی و مفاهیمی عرفانی برخوردارند. در مبانی عرفانی هریک از درختان به نوعی دارای نماد و نشانه خاص خود می باشند از این رو باغ ایرانی محیطی همواره سرسبز و مملو از نمادهایی است. برای مثال به گفته عارفان درختان داستان خود را به سوی آسمان می گشایند و از آنجا که برگ چنار همواره به دست انسان تشبیه شده است این درخت را معمولاً پیش نماز گیاهان نمازگزار باغ دانسته اند (عبدالله دفاع، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱) بدین ترتیب، باغ های عصر صفوی، تمثیلی از بهشت جاوید را در جهان فانی ارائه داده اند.

(۴-۴) کاخ- باغ های عصر صفوی؛ مراتبی از بهشت: توصیف کاخ های صفوی را می توان در بیشتر سفرنامه ها مشاهده کرد. در ساخت کاخ های صفوی تکیه بر نمایش وسعت باغ بود و بناها تنها جزئی از کاخ شمرده می شد و اغلب باغ و گاه بناها درصد بیشتری از فضای کاخ را اشغال می کرد؛ در باغ های صفوی گویی بستر باغ ترصیع می شود و کوشک در منظر کلی محاط در استخر یا حوض تزئینی است. در نتیجه، در کاخ های صفوی تأکید به دریافت احساسی است که در این باغ ها دست می دهد و جایگاه کاربری کاخ اهمیت کمتری می یابد (هیلن براند، ۳۷۷، ص ۵۱۷-۵۲۲) از سویی دیگر، در معماری اسلامی، معماری قصر نیز ملهم از معماری قدسی (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: مقدمه نصر) و در نتیجه مکان مواجهه انسان با کلمه الله است. کاخ های صفوی اغلب در وسط باغی بزرگ به صورت

دوطبقه ساخته شده و تمام قسمت داخلی کاخ با نقاشی و تزیینات مختلف آراسته شده است. روند ساخت و شکل گیری کاخها در سرزمینهای اسلامی همواره با باغ همراه بوده است. اختصاص فضای وسیعی به آب، یکی از شاخصه های کاخ هاست. در دوره عباسی زیباترین بخش کاخ، باغ آن بود (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۴۵۱-۴۵۹). چنان که نام برخی از این کاخ ها نیز اشاره به بهشت دارد. برای مثال، درباره تاریخ اتمام بنای کاخ هشت بهشت با به کار بردن ترکیب وصفی قطع خلد برین بر تشبیه این کاخ با بهشت که در نام آن نیز مستتر است اشاره می کند (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۳۳۷) که این نکات نیز می تواند ارائه تصویری تمثیلی از بهشت را یادآور باشد.

(۴-۵) خانه های عصر صفوی، تمثیل اندرونی از بهشت: از آنجا که معماری ایران، به ایجاد رابطه تعاملی میان فلسفه و معماری در شناخت مفهوم سکونت و مکان زندگی می پردازد، معماری خانه نیز در اسلام ملهم از معماری قدسی است. چنان که به اعتقاد نصر «خانه، به یک مفهوم گسترش مسجد است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: مقدمه نصر). خانه های محدودی از دوران صفوی باقی مانده که از



تصویر ۴. نقشه کاروانسراها در شهر اصفهان؛ ماخذ: مکان ابنیه کاروان سربایی موجود در استان اصفهان، به نقل ایران شناسی بدون دروغ، ص ۶۱.

جمله آنها می توان به خانه مارتا پیترز اشاره کرد. اتاق های این خانه دارای پنجره های مشبک و زیبا هستند که بیانگر معماری و تزئینات دوره صفویه می باشند. خانه های عصر صفوی، از الگوی اندرونی و بیرونی برخوردار بودند. بورکهارت فضای حیاط داخلی این خانه ها را به بهشت تعبیر نموده است (بورکهارت، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸). حیاط مظهري از صورت مرکزگرای عالم صغیر یا باطن است. تعبیه حوض سنتی در این فضای آرام، مرکزی را همچون جهتی مثبت برای تخیل خلاقه فراهم می آورد. بدینسان آفرینش عرضی آدمی به علت طولیه می پیوندد و بازسازی بهشت تمامی می پذیرد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۶۸) حیاط ها نماد و تمثیلی از بهشت هستند که در خانه های ایرانی، جلوه خاص خود را داشته اند (طوفان، ۱۳۸۵، ص ۷۲-۸۱). به تعبیر بورکهارت، طبیعت بهشت ایجاب می کند که مستور و راز آلود باشد؛ به همین ترتیب خانه مسلمانان با حیاط مرکزی محصور شده به همراه درختان و آب، مشابه این جهان معنوی است (نقی زاده، ۱۳۸۴،

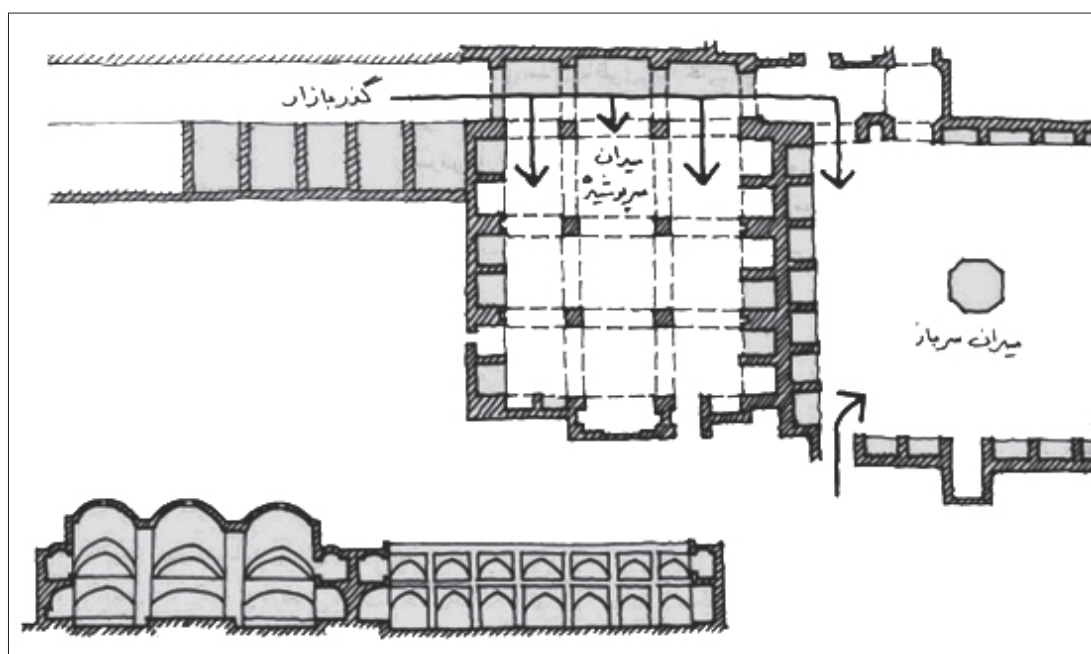


تصویر ۵. نقشه اجمالی اصفهان که پیوند شهر جدید صفوی را با محور اصلی (بازار) شهر قدیم نشان میدهد؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

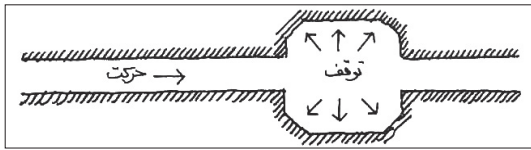
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۶۵



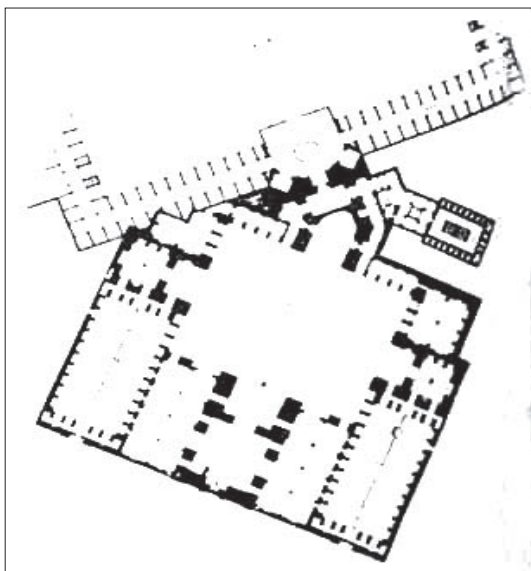
تصویر ۶. ترکیب بندی مناسب فضاهای مختلف در شهرهای سنتی و مفهوم سلسله مراتب عرفان شناختی؛ ماخذ تصویر: توسلی، ۱۳۷۱، ص ۴۹.



تصویر ۷. فضاهای حرکت و مکث یادآور حرکت در مسیر سلوک عرفانی؛ ماخذ تصویر: توسلی، ۱۳۷۱، ص ۴۹.



تصویر ۸. نقشه مجموعه شهر شامل بازار، کاروانسرا و مدرسه و در سمت چپ خیابان چهار باغ دیده میشود؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۹. نقشه مسجد شاه با ضلع جنوبی میدان و قسمتی از بازار سرپوشیده دور میدان؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

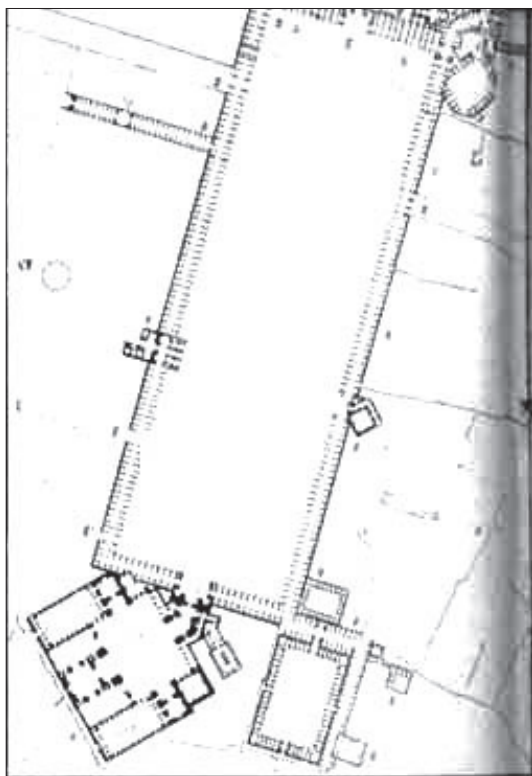
ص ۲۲۲) به تعبیر عرفانی، خانه‌های سنتی ما که درونگرا هستند، سمبلی از نگاه عرفانی ما به شمار می‌آیند و حیاط جانشین درونگرایی و آب جانشین دل عارف است که انعکاس دهنده نور آسمان است (طوفان، ۱۳۸۵، ص ۸۰): حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی ایران، نمودی از درون گرایی است. درون گرایی یکی از ویژگی‌هایی است که اهمیت توجه به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی یعنی باطن است (نایبی، ۱۳۸۱، ص ۴۶). بدین سان، فضای اندرونی این خانه‌ها، محصور به حیاط داخلی، با چشمه یا حوضی در میان که نقش آسمان را انعکاس می‌دهد، بهشتی کوچک را در میان خانه تداعی می‌نماید.

(۴-۶) پل‌های صفوی، تمثیل راه سلوک:

خیابان، به عنوان معبری که دسترسی به قسمت‌های مختلف شهر را ممکن می‌سازد و پل به واسطه آن که مسیری یگانه و بدون انحراف را فراهم می‌آورد، هریک این توانایی را یافته‌اند که به گونه‌ای با مفهوم راه و صراط مستقیم، پیوندی معنایی برقرار کرده و جانشین این مفهوم شوند. خیابان بر اساس معبری که ایجاد می‌کند، امکان دستیابی از مرکزیت میدان (کل) به قطعات انفرادی (اجزاء) را میسر می‌سازد (میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱-۱۰۸). آنچه در این دوران بر مفاهیم قبلی در زمینه شهرسازی افزوده و ابداع می‌گردد، برای مثال می‌توان به خیابان شمال شهر شیراز اشاره نمود که به گفته تاورنیه از پل سنگی آغاز شده و به بقعه سید میرعلی بن حمزه می‌رسد. (به نقل از سفرنامه تاورنیه، افسر، ۱۳۵۳، ص ۱۴۲) و یا خیابان باغ شاه شیراز که از دروازه آهن آغاز شده و به یکی از خانه‌های شاه که سفیر باید در آن منزل می‌کرد ختم می‌گردید و به گفته فیگوروا بسیار راست بود چنان که گفتی با مساحتی دقیق طراز شده باشد (فیگوروا، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱). همچنین خیابان چهارباغ اصفهان که از پل

الله وردی خان آغاز شده و چنان که شاردن اشاره نموده، این خیابان به عمارت تفریحی شاه که به هزار جریب موسوم است ختم می‌گردد (شاردن، ۱۳۶۲، ص ۱۵۰) قدمگاه نیشابور که از رباط سعد آغاز شده و به باغ و بقعه قدمگاه ختم می‌گردد، نیز نمونه دیگری از این خیابان هاست. در نتیجه، بررسی‌ها نشان‌گر آن است که خیابان‌های اصلی ساخته شده در عصر صفوی، در امتدادی راست و بدون انحراف ساخته شده که بار دیگر مفهوم صراط مستقیم را تداعی می‌نماید و نیز در انتها به باغ، خانه یا کاخ شاهی و یا مسجد (که هر کدام چنانچه پیشتر اشاره شد، تداعی بخش بهشت بودند) ختم می‌گردد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که مفهوم خیابان در عصر صفوی تا چه حد با مفهوم صراط مستقیم و راهی به سوی بهشت قرابت می‌یابد.

جداره‌های میدان نقش جهان، در جبهه شرقی به مسجد شیخ لطف الله، اثر استاد محمدرضا اصفهانی، در ضلع غربی به عمارت عالی قاپو، در ضلع شمال به بازار قیصریه و در ضلع جنوبی به مسجد امام (یکی از بزرگترین مساجد شهر اصفهان)، اثر استاد علی اکبر اصفهانی، اختصاص یافته است. میدان نقش جهان در حدود ۵۱۰ متر طول و ۱۶۰ متر عرض دارد. این میدان در دوره صفویه به دلیل وجود کاخ عالی قاپو نقش مرکز حکومتی را نیز بر عهده داشته است. میانه این میدان به آب‌نمایی زیبا اختصاص یافته که با انعکاس تصویر کاخ و مساجد اطراف میدان، ابعادی تازه و محوری عمودی به میدان بخشیده و محل اتصال زمین و آسمان گشته است. این میدان نیز، فضایی برای مکتب و سکون فراهم می‌نماید. این مفهوم با مفهوم میدان در ادبیات عرفانی نیز مطابقت دارد. عرفا از در تعریف منازل از تعبیر میدان نیز استفاده نموده‌اند. این میدان که در ضلع شمالی خود از بازار و کاروانسرا، آغاز می‌شود، در میانه، با آب‌نمایی وسیعی که علاوه بر نقش آسمان، تصویر کاخ و مساجد را نیز در خود انعکاس داده و بعدی تازه به فضا می‌بخشد،



تصویر ۱۰. نقشه میدان شاه اصفهان؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۱۱. گردشگاه پیاده در میدان شاه (باغ‌سازی جدید)؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

دعوتی به مکتب و تماشا دارد و بدین ترتیب همچون منزلی برای تأمل و تعمق و مقدمه‌ای برای سفری دیگر به سوی حقیقت و بهشت تعبیر می‌گردد و این معنا، با منتهی شدن میدان به مسجد بزرگ و باشکوه امام که خود به منزله تمثیل بهشت است،

به گونه‌ای نمادین حاصل می‌گردد. و در نتیجه میدان، به منزلی در مسیر سلوک بدل می‌گردد.

(۷-۴) روابط همنشینی مکانی (بالا، پایین، جلو، عقب، دور، نزدیک)

این روابط را می‌توان در باغ ایرانی در لایه‌هایی چون علم مناظر و مرابا به صورت تشدیدشونده و تکیه بر عمق در محیط، شیب طبیعی زمین، وجود هندسه پلکانی باغ، قرارگیری کوشک در مرتفع‌ترین و سردر در پایین‌ترین نقطه، تفاوت زاویه دید انسان در جهت بالا و پایین خط افق و وسعت بیش تر باغ، مشاهده کرد.

(۸-۴) روابط همنشینی مکانی (چپ و راست)

روابط همنشینی مکانی را در اصل تقارن می‌توان دید که کامل‌ترین شکل آن در بهترین مکان جای دارد. تقارن علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسانه از نظر ایستایی نیز مورد توجه بوده است. تقارن در باغ ایرانی را می‌توان به صورت نقطه‌ای محوری و دو محوری نام برد. تقارن واژه‌ای عربی است که یکی از معانی آن قرار دادن دو پدیده، شیء یا عنصر در دو سوی یک نقطه یا محور به صورت آئینه‌وار (در طرف چپ و راست) و تکرارشونده است. اوج قرینه‌سازی را می‌توان بر محورهای اصلی باغ دید.

(۹-۴) روابط همنشینی مکانی (شمال، جنوب، شرق، غرب)

این روابط را می‌توان در باغ ایرانی در لایه‌هایی چون تقسیم باغ به چهار قسمت توسط دو محورا اصلی که به صورت عمود برهم و صلیب وار وجود دارند و ساختار اغلب باغ‌های ایرانی را تشکیل می‌دهند، دید. در دین مزدایی، دین کهن ایرانیان، جهان به چهار قسمت تقسیم شده است. عدد چهار، به چهار عنصر مقدس، به چهار فصل و جز اینها بر می‌گردد. آن را در نمادگری بودایی نیز باز می‌یابیم که در آن چهار رود از مرکز جاری می‌شوند و نشانه زندگی جاوید و باروری اند. بهشت آرمانی قرآن، وارث این تقسیم باغ به چهار قسمت با چشمه‌ای در مرکز آن است.

(۹-۴) روابط همنشینی مکانی (درون و بیرون)

دیوار دور باغ یا حصار باغ محوطه داخلی باغ را از محیط بیرون آن جدا می‌کند. حصار از طریق محدودسازی، فضای مستقلی را در باغ ایجاد می‌کند. باغ‌های ایرانی یا فردوس، چنان که از نام آنها بر می‌آید، اصولاً محصور بوده‌اند. ریشه واژه فردوس، پردیس، پارادایز، واژه اوستایی است که به معنی دژ محصور می‌باشد. دیوار دور باغ یا حصار باغ، نظم محیط ایجاد می‌کند. حصار، محیط داخلی باغ را از محیط بیرون آن جدا می‌کند که در نتیجه این خط مرزی، هم شخصیت درونی تعیین می‌شود و هم چشم انداز داخلی به خوبی مشخص می‌گردد. شاید حصار یا دیوار باغ در تصور ایرانیان باستان نشانه این بود که اهریمن نتواند به آن باغ راه پیدا کند. دیوار یا حصار دور باغ خود نمادی از سومین بعد فضا می‌باشد و از نوع فضای بسته به حساب می‌آید. به نظر معمار باغ یا هنرمند، جهت طولی دیوار باغ با محور هستی هم خوانی داشت و این عروج طولی دیوار باغ نشان می‌داد که نفس به سوی روح اعظم و جاودانگی بالا می‌رود. بعد عمودی دیوار باغ بانی انگاره‌های بی پایان از تاریکی‌ها و سایه روشن‌هاست. کوشک عمارتی است با هشت در که از هر سو گشوده می‌شوند و چشم اندازی محوری رو به چهار تنگ راه مشجر عرضه می‌کند.

(۹-۴) روابط همنشینی مکانی (مرکز - حاشیه)

اصل مرکزیت یکی از اصول مهم در ترکیب و سازماندهی عناصر در باغ ایرانی است و اغلب برای تاکید بر مهم‌ترین کارکرد و فضای باغ مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصل مرکزیت همراه با اصل تقارن در بسیاری از باغ‌های ایرانی استفاده می‌شود. مرکزیت در اسلام، نمادی از وحدت وجود است و بر پایه و اساس بازتاب کیفیتی است که در بطن آن وحدت نهفته است. پس در بیان وحدت و انعکاس آن از طریق مرکزیت، فضاهای پر و خالی هر یک به گونه‌ای نقشی در فضایی یابند و در این

میان حوض های مربع و مستطیل، نمادی از ثبات و پایداری هستند و زمانیکه در مرکز قرار می گیرند، به عنوان یک عنصر نظم دهنده به معماری و مکان عمل کرده و درست است را تحت تاثیر خود قرار می دهند.

(۵) نتیجه گیری و جمع بندی

در مکتب اصفهان کل در یک نگاه قابل درک می شود و مفهومی مجزا از اجزای خویش می یابد؛ مفهومی که نشان می دهد کل، مجموعه ای از اجزا متشکل خود نیست. جزء نیز در مقیاس خویش کامل است و وحدت را نشانگر است. در عین آنکه در ترکیب با اجزای متشابه یا متباین مجموعه بزرگتر و واحدی را سبب می شود. از دیگر ویژگی ها، فضای انسانی به جای مقیاس انسانی است. مقیاس انسانی در برابر آمد و شد انسان از عروج به فرود و بر عکس رنگ می بازد. مکتب اصفهان در شهرسازی با عنایت عالم همه منظر اوست از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می کند؛ نه این بودن و نه آن بودن اصل؛ و مفهومی است که از ذره تا کلان فضای این مکتب دیده می شود. تعادل فضایی و توازن کالبدی هماهنگی و هماوایی عناصر متباین در معرفی یک مفهوم با یک عنصر واحد سبب می شود تا اصل تقارن و فضای متقارن در این سبک معنا نداشته باشد. جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی در شهرسازی مکتب اصفهان بر آن است که سلسله مراتب فضایی در هر مقیاس بازتابی از اصل وحدت بخش جهان باشد. مکتب اصفهان بی آنکه در پی ساخت و برپایی بناهای یادمانی باشد خود به یادمان تبدیل می شود؛ در گفتگو با مردم قرار می گیرد؛ از آنان هویت می یابند و به بناها هویت می بخشند. در مکتب اصفهان شهر در محیط پیرامونی مستحیل می شود. برج و باروی شهر نه به عنوان یک عنصر متمایز کننده شهر از روستا که به عنوان حصاری برای تعریف محدوده کالبدی شهر به کار گرفته می شد. در این مکتب رونق و آبادی شهر نه از بازسازی شهر کهن بلکه از ایجاد

مجموعه های شهری جدید در کنار شهر کهن دنبال شود؛ آنچه در این میان اهمیت دارد بیان هماهنگی و هماوای فضاهای شهری است. در مکتب اصفهان بجای مقیاس های کلان، فضای انسانی مطرح و متبلور می شود و انسان بی هیچ ترس و هراسی از مقیاس، از این فضاها در می گذرد و در محاوره های فضایی هستی شناختی، با آنها قرار می گیرد. با عنایت به مفهوم «عالم همه منظر اوست»، هر نقطه در شهرسازی و معماری مکتب اصفهان، روزه ای برای عبور از موجود به مستور باز می شود. مکتب اصفهان بجای ایجاد بناها و فضاهای سلطه گرا، بنحوی آفرینش می کند که خود به یادمان تبدیل می گردد و موفق به ایجاد بناها و مجموعه هایی می شود که سخت مردم وارند. دستور زبان مکتب اصفهان بر مبنای چهار نظم مادی زمین، آب، خاک، گیاه و هوا با یک نظم معنایی آسمانی (نظم مقدس) شکل می گیرد و سعی در بیان آن دارد که آنچه اعتبار دارد و ثابت می ماند محتوا و ماهیت امر است. در دوره صفوی سنت ساختن ابنیه درون نگر جای خود را تا حد زیادی به شهرسازی طبق اصول منظره سازی (پرسپکتیو) داد. توسعه جدید شهر اصفهان به سمت جنوب و در امتداد بازار قدیم طبق نقشه معینی انجام گرفت. اولین انعکاس شکلی چنین طرح شهری پیدایش تک بنا بود که در معماری صفوی، خاصه معماری سلطنتی به تکامل رسید. پیوستگی بنا و اصل مجاورت ابنیه با یکدیگر جای خود را به مناظر بی نهایت باز داد. میدان شاه نقطه مقابل بافت پیچاپیچ بازار قدیم است و خود نقطه مرکزی یک شبکه شهری منظم و محل تلاقی خیابان هائی است که شهر جدید را بوجود آورده اند. طراحی شهری اصفهان، از عقاید عرفانی حاکم بر این عصر بهره جسته و در طرحی دقیقاً پیش بینی شده، ساختاری هماهنگ را تشکیل داده که هر جزء از اجزاء آن، در مجموعه کلان تر شهر، در ارتباطی معنادار با سایر اجزاء قرار می گیرد به گونه ای که اجزاء مفهوم خود را از نسبت با کل دریافت کرده و

کل نیز در معنای خود وابسته به اجزاء است. این نیز مربوط به روابط همنشینی است که در آن، اهمیت روابط جز به کل را برجسته می‌گردد. در این روند همنشینی، هر یک از بناها بسته به ظرفیت تحمل معنا، جانشین یکی از مفاهیم سلوک گشته است. این مفاهیم، نه فقط در فرم و تزینات، بلکه در ساختار قرارگیری و نحوه ارتباط یافتن بناهای مختلف به یکدیگر (مانند قرارگیری پل در راستای باغ و مسجد، قرارگیری مسجد در قلب شهر) متجلی گشته که مفهومی عمیق تر را موجب گشته است. هریک از اجزای این معماری، ضمن برخورداری از سلسله مراتب، یا به شکلی تداعی بخش مفهوم نمادین بهشت است و یا تعبیری از مسیر و منازل به سوی بهشت را ارائه می‌دهند. مجموعه این بناها در کلیتی معناشناختی، طرح نسبتاً پچیده اما قابل تأویلی از یک روایت عرفانی را خلق می‌کند. این روایت از عناصر معناداری تشکیل شده است که در نگاه نخست مجزا از هم به نظر می‌رسند اما نگاهی ژرف، نشانگر ارتباط این عناصر با هم دیگر است؛ در نتیجه، شهر اصفهان، به تمثیلی از مدینه آرمانی تبدیل گشته؛ شهری که به سطحی معنا شناختی ارتقاء یافته و باید عناصر آن را در قالب یک روایت معناشناختی عرفانی مورد خوانش قرار داد. در شهر اسلامی نمی‌توان فضاهای مربوط به فعالیت شرعی و عرفی را از یکدیگر کاملاً جدا دانست. از آنجا که هر دو نوع فعالیت مجموعه رسومی را تشکیل می‌دهند که رمز قطعی ندارند، محیط مربوط به آنها نیز دارای هر دو جنبه است. مثلاً گرچه مدرسه بیشتر اختصاص به شرع دارد، اما همواره دارای نقش اجتماعی و عمومی نیز هست؛ به عکس خصلت عمومی یا خصوصی است که محیط‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک می‌کند. برای نمونه مدرسه، مسجد جمعه (یا لاقل قسمتهائی از آنهائی)، حمام و سرا، ابنیه عمومی اند، در حالیکه امامزاده، مقبره یا مسجد را می‌توان ابنیه خصوصی دانست؛ اما قصرهای دوره صفوی و دوره های بعد از آن را نیز

می‌توان بهمین ترتیب به عمومی و خصوصی طبقه بندی کرد. بنابراین، عرصه معماری، محملی برای ارائه نمادین مفاهیم عرفانی بدل گشته است. این موضوع در کلیه اشکال معماری آن دوره از جمله باغ‌ها، کاخ‌ها، پل‌ها و کاروانسراها مشهود است. بناهای مسجد، باغ و کاخ و خانه، با ویژگی‌های خاص خود، هریک به گونه‌ای جلوه‌ای نمادین از بهشت را ارائه می‌دهند (که مفهوم منزل نهایی سلوک را نیز در خود نهفته دارد) خیابان‌ها با امتداد راست و پل‌ها، در مدخل شهر و در راستای راه یابی به مدینه تمثیلی یا چهارباغ‌ها، به نمادی از راهی به سوی بهشت بدل گشته و میدان‌ها و نیز کاروانسراهای ساده و بی‌پیرایه، همچون منازلی در راه سلوک، به موقفی موقتی برای سالکان تعبیر می‌شوند. و در نهایت این بناها در قالب نقشه‌ی شهر طرح نسبتاً پیچیده‌ای از یک روایت عرفانی قابل تفسیر و تعبیر را به وجود می‌آورند و مفهوم سلسله مراتب سیر به سوی حق و حقیقت را بیان می‌کند.

(۶) منابع و مأخذ

احمدی، بابک (۱۳۸۵) حقیقت و زیبایی، نشر مرکز، تهران.
احمدی، بابک (۱۳۸۱) از نشانه‌های تصویری تا متن به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری، تهران: نشر مرکز.
اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰) حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.
استیرلن، هانری (۱۳۷۷) اصفهان: تصویر بهشت، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر فرزانه.
افسر، کرامت‌الله (۱۳۵۳) تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نشر قطره.
انصاری، مجتبی (۱۳۷۸) ارزش‌های باغ ایرانی، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
ایرانی صفت، زهرا (۱۳۸۶) مروری بر فلسفه و عرفان اسلامی، تهران: نشر آیندگان.
بارت، رولان (۱۳۷۰) عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه

مجید محمدی، تهران: الهدی.
بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۳) جاودانگی و هنر، ترجمه سید محمد آوینی، تهران، انتشارات برگ.
بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۱) هنر مقدس (اصول و روش‌ها)، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: سروش.
بهشتی، سید محمد (۱۳۷۵) تأویل معماری مسجد با تأملی در مناسک حج، مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
پازوکی، شهرام (۱۳۸۲) مقدماتی درباره مبادی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی معنوی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵.
پین، مایکل (۱۳۸۲) بارت، فوکو، آلتوسر، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
تقی زاده، محمد (۱۳۷۸) حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی (مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران) ج ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
چندلر، دانیال و مهدی پارسا (۱۳۸۷) مبانی نشانه شناسی، سوره مهر، تهران.
حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۵) هندسه پنهان در نمای مسجد شیخ لطف‌الله، نشریه صفا، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲.
حبیب، فرح و دیگران (۱۳۸۹) تحلیل استحالته نشانه‌های سکونتگاهی روستای باباپشمان استان لرستان پس از جابجایی با تأکید بر نشانه‌های مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۵، بهار و تابستان، صص ۱۸۷-۲۰۲.
حبیب، فرح (۱۳۸۵) کندوکاوی در معنای شکل شهر، هنرهای زیبا، شماره ۲۵، بهار، صص ۵-۱۴.
حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵) مکتب اصفهان، اعتلاء و ارتقاء مفهوم دولت، نشریه صفا، شماره ۲۳.
دو سوسور، فردینان (۱۳۸۲) دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، تهران.
رفیع فر، جلال الدین و لرافشار، احسان (۱۳۸۲)

بررسی انسان شناختی کاروانسراهای عصر صفوی، نشریه نامه انسان شناسی، دوره اول، شماره چهارم، رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲) آثار ملی اصفهان، تهران: انجمن آثار ملی.
رییس سمیعی، محمدمهدی (۱۳۸۱) تأویل و کاربرد «نظریه مراتب وجود» در معماری، مجموعه مقالات حکمت متعالیه و فلسفه معاصر جهان، همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
زمانی، احسان و دیگران (۱۳۸۸) بازشناسی و تحلیل جایگامه عناصر موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی- آیینی، نشریه باغ نظر، سال ششم، سجودی، فرزانه (۱۳۸۲) نشانه شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.
سلیمانیان، حمیدرضا (۱۳۸۹) نگاهی به زبان عارفان از چشم اندازهای معرفت شناسی و زبان شناسی، نشریه ادب پژوهی، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۴۳-۱۶۶.
سوسور، فردینان (۱۳۸۲) دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.
شاردن (۱۳۶۲) سفرنامه شاردن، ترجمه حسین عریضی، تهران: انتشارات نگاه.
شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴) هنر شیعی، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
شصتی، شیما و نواب میرزایی (۱۳۸۶) هویت مکانی- اجتماعی شناخت و توسعه عوامل درونزای آن در جهت رشد و بالندگی هویت انسان در حوزه سکونتگاه‌های زاگرس مرکزی، کنفرانس بین‌المللی سکونت‌گاه‌های زاگرس.
شفر، ژان ماری (۱۳۸۰) نشانه شناسی، از کتاب «نشانه شناسی» نوشته پی یر گیرو، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.
طوفان، سحر (۱۳۸۵) بازشناسی نقش آب در حیات خانه‌های سنتی ایران، باغ نظر، شماره ۶، پاییز و زمستان، صص ۷۲-۸۱.
طهوری، نیر (۱۳۸۱) پل: راهی به سوی بهشت.

- فصلنامه خیال، شماره ۲. طهوری، نیر (۱۳۸۴) مقام بهشت در هنرهای سنتی ایران، فصلنامه خیال ۱۶.
- فرشیدنیک، فرزانه (۱۳۸۹) بررسی تجلی باورهای اساطیری و عرفانی ایرانیان در معماری پل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
- فیگویروا (۱۳۶۳) سفرنامه فیگویروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶) معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدنی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کلایس، ولفرام (۱۳۷۴) کاروانسراهای ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کهنمویی، ژاله (۱۳۸۶) رولان بارت و نشانه های تصویری، از مجموعه مقالات هم اندیشی بارت و دریدا، تهران: فرهنگستان هنر.
- گلستانی، سعید و سمیه شریف زاده (۱۳۹۰) کنکاشی در ویژگی های خیابان صفوی، باغ نظر، شماره هفده، سال هشتم، تابستان. صص ۵۹-۶۸.
- منصوری، سیدامیر، مرضیه آزادارمکی (۱۳۸۸) سیالیت معنایی بنا، نشریه صفا، سال ۱۸، شماره ۴۸، بهار و تابستان، صص ۴۱-۵۲.
- میرزا کوچک خوشنویس، احمد (۱۳۸۵) دولت شهر آرمانی ایرانی: مفهوم فضای شهری ایران، باغ نظر، شماره ششم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- نصر، سیدحسین (۱۳۵۹) هنر و معنویت اسلامی، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، خوارزمی.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۴) جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهرهای ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷) استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، تهران.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷) معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۶۹) فرهنگ، تهران موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران: سروش.
- (۱۳۷۵) اسطوره، امروز، ترجمه شیرین دخت دقیقیان، تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۷۹) آیا نقاشی یک زبان است، ترجمه بهنام جعفری جلالی، زیباشناخت ش ۳ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ.
- (۱۳۸۳) رولان بارت نوشته رولان بارت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۸۴) امپراتوری نشانه ها، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- Brümmer, Vincent, The Model of Love: A study in philosophical Theology, Cambridge University Press, Cambridge, 1993

تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی

محسن فیضی - استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
مریم اسماعیل دخت* - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

چکیده

هویت و همسویی طراحی و ساخت معماری با بنیان های فرهنگی و تاریخی از مهمترین موضوعات در حوزه «تبارشناسی تحلیلی» است که در عصر جهانی شدن و گسترش فناوری نیازمند همخوانی بازخوردها و تعاملات «معماری، هویت و تکنولوژی» می باشد؛ چنانچه، امروزه کاربرد معرفت علمی در طراحی معماری و شهر یکی از ابزارهای شهرسازی مدرن است. پیشرفت سریع تکنولوژی و تاثیر آن بر ساخت و ساز شهرها باعث تغییر در شهرها؛ و جبرگرایی و ساده گرایی تکنولوژیکی به عنوان یک رفتار همیشگی غالب گردیده است. از سویی دیگر، عدم هماهنگی و کاربست تکنولوژی در ساخت با هویت معماری و شهر نیازمند بهره گیری از زمینه گرایی در معماری است که در مقاله حاضر مورد اشاره بوده است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و روش تحلیل استدلال منطقی انجام شده است که از ابزار گردآوری داده مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت، همخوانی و همگونگی با ساختارهای فرهنگی و هویت بیشترین اهمیت را دارد که رویکردهای معماری زمینه گرا می توانند رهیافتهای نظری ارزشمندی در این زمینه باشند؛ چراکه پیچیدگی ساخت و تولید معماری شهری نشان می دهد که تکنولوژی، بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست؛ هرچند که به ساخت معماری و شهر کمک می کند، اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی بالاخص در حوزه فرهنگی و هویتی نیست. بر این اساس، فهم عمومی از علم و استفاده آگاهانه از تکنولوژی در تعامل با هویت هر ملت با تاکید بر زمینه های تاریخی، فرهنگی- اجتماعی و زیست محیطی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکل دهی آینده معماری شهری تاثیر گذار خواهد بود. **واژگان کلیدی:** تکنولوژی ساخت، هویت معماری، معماری زمینه گرایی، پیشنهادات و رویکردهای طراحی زمینه.

Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach

Abstract

Identity and neighborhood-based cultural and historical architectural design and construction of the most important topics in the field of Genealogy of analysis in the era of globalization and technological development requires consistent feedback and interaction architecture, style and technology is; If, today, the application of scientific knowledge in the design and architecture of the city is one of the tools of modern urban planning. The rapid advancement of technology and its impact on the construction of cities and towns can change the orientation of technological determinism and simple as a habitual behavior has been dominant. Lack of coordination requires the use of technology in the fields of architecture and identity oriented architecture that has been mentioned in this article. This study was conducted analytical and logical reasoning Analysis of Data and Documents library studies benefited. The results of this study suggest that the use of modern technologies in construction, infrastructure compatibility and similarity of culture and identity is of utmost importance. Because the complexity of manufacture and urban architecture shows that technology is the foundation and basis for the structure of the city; Although it helps to build the architecture and the city, but only to provide adequate facilities and various and diverse needs of not culture and identity. Public understanding of science and intelligent use of technology in dealing with identity, with emphasis on the historical background, cultural, social and environmental impact will be on understanding and explaining urban phenomenon.

Keywords: technology, architectural identity, context-oriented architecture, design proposals and approaches to the field.

را از جانب آن بر آثار و محیط پیرامونی آن متصور می‌باشند (ر. ک: وفامهر، ۱۳۹۲؛ وفامهر، ۱۳۹۱؛ رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵). این در حالی است که از طرفی تفکر تکنولوژیکی انسان معاصر که برآمده از تغییرات صورت گرفته در عرصه‌های نظری و عملی بعد از انقلاب صنعتی می‌باشد، تمام حوزه‌های زندگی انسان معاصر را تحت تاثیر خود قرار داده و دگرگون ساخته است؛ و از طرف دیگر، همانگونه که در روانشناسی محیطی به اثبات رسیده است کلیه عناصر محیطی و پیرامونی روی انسان تاثیر می‌گذارند؛ لذا حضور فرآیند و آثار تکنولوژیکی در محیط نیز بی‌تاثیر بر انسان و هویت نمی‌باشد. در عین حال، معماری که آمده از تفکرات، آرمانها و نیازهای انسان می‌باشد، در صورت تغییر در بینش، ارزش و نیازهای انسان دگرگون می‌گردد که این دگرگونی را در طول حیات آدمی بسیار می‌توان دید. اما آیا این دگرگونی‌ها همواره تکاملی و مثبت بوده است؟ بالاخص اگر مبانی فکری و نظری متضاد با مبانی معماری موجود در آن بکار گرفته شود نتیجه دگرگونی‌ها چه خواهد بود؟ آیا تکنولوژی مدرن در مقایسه با تکنولوژی سنتی ملتزم به هویت و ارزشهای فرهنگی و زیرساختهای ماهوی دارای چنین موقعیتی است؟ (گلن، ۱۳۸۸). آیا این دو تکنولوژی بر مبانی متفاوتی استوار بوده و ارزشهای مختلفی را با خود منتقل می‌نمایند؟ با توجه به نقش بسیار مهم تکنولوژی در معماری، آیا نوع و چگونگی به کارگیری آن بر محتوا و هویت آثار معماری تاثیر می‌گذارد؟ آیا ارزش‌های معماری تحت تاثیر تکنولوژی بوده و نوع و چگونگی به کارگیری تکنولوژی بر آنها تاثیر می‌گذارد؟ تکنولوژی مدرن در عرصه‌های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاها و اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تاثیرات آن غفلت شده و بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی‌اثر نگریسته شده و این درحالی است که اثر تفکر

برمبنای مطالعات انجام شده ایران در تولید صنعتی و فناوریانه از جایگاه پایینی برخوردار است و دلایل پایین بودن پایگاه فناوریانه بودن اغلب با رویکردهای فنی و اقتصادی بررسی می‌گردد و تاکنون کمتر از حیث فرهنگی و هویتی بررسی شده است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). در عین حال، مجموعه تکنولوژی سیر تاریخی دارد و این روند از زمانی که انسان از چوب و استخوان به عنوان دست‌افزار استفاده می‌کرد، آغاز شده و تاکنون با ایجاد بمبهای نوترونی، فضای الکترونیکی و هوش مجازی سیر تحولات خود را طی کرده است. همچنین «فلاسفه عموماً درباره تأثیر تکنولوژی بر فرهنگ و دیدگاه‌های مردم درباره جهان و نحوه گذران زندگی صحبت کرده اند. آنان این تأثیرها را بررسی کرده و نشان داده اند که تکنولوژی که به ظاهر ابزاری بیش برای پیشبرد اهدافمان نیست به تدریج روشها و دیدگاه‌های خاصی را به کاربران خود تحمیل کرده و از این رو زندگی آنان را متحول می‌سازد» (ناجی، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۴). از اوایل قرن ۱۷ میلادی، نگاه نوینی در جهان شکل گرفت که منجر به پیدایش عالمی شد که به آن «عالم تکنیک یا صنعت» می‌گوییم که سرآغاز دوران جدید و مبدأ انقلاب تکنولوژیک مدرن شد که متفاوت از عالم دست‌افزارهای صنعتی کهن است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۸). این جهان نو به دست بشری ساخته شد که یک نسبت خاصی با هستی و جهان و خودش پیدا کرده بود. حضور تکنولوژی در عرصه‌های مختلف از شکل‌گیری تفکر اولیه، فرآیند تکامل تفکر، فرآیند طراحی و ساخت تا بهره‌برداری از اثر به اشکال مختلفی می‌باشد و با این حضور تاثیرات مختلفی را بر معماری می‌گذارد. امروزه نگاه به تکنولوژی در معماری ایران تنها از زاویه کمی و فیزیکی می‌باشد و معمولاً از ابعاد غیرفیزیکی آن (منجمله ارتباط با آن با هویت و فرهنگ) غفلت می‌گردد. تکنولوژی را برخی، ابزار صرف پنداشته که خنثی و بی‌اثر می‌باشد و تاثیری

تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه آموزش معماری نیز آشکار است (گلاچی و شاهرودی، ۱۳۸۹؛ به نقل از پایگاه تبیان). لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می‌گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نبوده بلکه تأکیدی بر چگونگی هم‌آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می‌باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی می‌باشد. در این دیدگاه معماری عنصری هویت‌ساز برای انسانی هویت‌پرداز، تصور می‌شود که می‌بایست به غنای فرهنگ امروز اجتماع بیفزاید و به مثابه وجودی در برابر خویش، فرهنگ‌سازی نماید.

با ضرورت‌های گفته شده و در این مقاله این مقوله موردنظر قرار گرفته است؛ چراکه مفهوم یابی هویت در معماری، مذاقه در برون رفت از بی‌هویتی معماری را به عنوان عنصری که خود بایستی فرهنگ‌سازی کند، را دوچندان می‌کند، به همین دلیل است که معماری خود نمایان‌کننده فرهنگ جامعه بشمار می‌رود و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بناهای معماری باید در طراحی و بکارگیری تکنولوژی‌های معماری مورد توجه باشد که در ادامه در این مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد. در مقاله حاضر به موضوع هویت در معماری و جایگاه معماری زمینه‌گرا در کاربست تکنولوژی معماری پرداخته می‌شود و ماهیت هویت بخشی به معماری همگام با بهره‌گیری از تکنولوژی معماری مورد اشاره بوده است.

مواد و روشها

از آنجا که رویکرد مقاله حاضر «رویکردی تبیینی» و «غیراکتشافی» است، و پژوهش حاضر ماهیت نظری دارد؛ لذا روش تحقیق مقاله حاضر «روش اسنادی» و «روش توصیفی» است که از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود در سایتهای درگاه‌های اینترنتی و مطالعات نظری در این رابطه بهره‌برده است. همچنین از «روش فراتحلیل» در جمع‌بندی مطالعات و مبانی نظری و «روش تحلیلی»

در تحلیل دیدگاه‌ها و افکار، پیرامون برهمکنش ارتباط «تکنولوژی، معماری و هویت»، استفاده شده است. روش فراتحلیل با جمع‌بندی مبانی نظری و تحقیقات انجام شده درباره ماهیت تحقیق، ابعاد مرتبط با موضوع را مورد ارزیابی قرار داده و لذا در این مقاله به ارتباط فی‌مابین هویت، تکنولوژی و زمینه‌های اجتماعی پرداخته شده است.

مبانی نظری

مفهوم تکنولوژی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون و با رویکردهای مختلف مورد توجه قرار داد. توجه به جنبه‌های مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی و سیاسی تکنولوژی روز به روز پرننگتر و پردامنه‌تر می‌شود. امروزه رویکردهای فلسفی به تکنولوژی اهمیت بالایی یافته است (اسدی و موسوی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۷۰)؛ چنانچه اولین فیلسوفانی که «فلسفه تکنولوژی» را مطرح کردند و یا به نحوی زمینه‌ساز این تفکر شدند، فیلسوفان مدرن هستند که زمینه‌هایش توسط «فرانسیس بیکن»، «گالیله» و دیگر متفکران دوره رنسانس ایجاد شده بود. انقلاب صنعتی، انقلاب نبود که به قرن خاصی منتهی شود، این انقلاب زمینه‌ساز انقلاب‌های مدرن در قرن‌های حاضر شد که از آن جمله می‌توان به «انقلاب فناوری اطلاعات» به عنوان علم و تکنولوژی روز دنیا اشاره کرد که در آینده می‌توان انقلاب‌های بزرگی مانند «انقلاب ژنتیک»، «تکنولوژی پلاسما»، «انقلاب الکترونیکی هوش‌های مصنوعی» و «عصر مجازی» را، که همگی زاینده اندیشه‌ای است که موتورهای آتشین (انقلاب صنعتی نخستین) را به پیدایی آورد، نظاره‌گر شد. این انقلابها بی‌تردید به زودی جهان را زیر رو خواهد کرد. حتی می‌توان گفت که نوع روابط انسانی نیز چنان که «کویین کلی» و «مانوئل کاستلز» و دیگر فن‌شناسان معاصر دگرگون خواهد شد.

تکنولوژی ریشه یونانی دارد و از دو واژه Techné و Logic تشکیل شده است. «تخنه» به معنای هنر،

مهارت و آن چیزی است که آفریده دست انسان است و در مقابل Arche به معنای آفریده خدا است. «لوژی» در یونان قدیم به معنی دانش و خرد به کار رفته است. به این ترتیب می‌توان گفت که تکنولوژی به معنای آمیزه هنر و مهارت با دانش است. می‌توان گفت که انسان خردمند در تعامل با طبیعت به قوانین عام آن دست می‌یابد و با بازآفرینی این قوانین توسط علم و دانش در محیط و شرایط دلخواه کاربردهای مورد نظر خود را ایجاد می‌نماید (محمودنژاد، ۱۳۸۰؛ بنقل از ویکی‌پدیای فارسی: دانشنامه آزاد، برداشت: ۱۳۹۳). «ارنست کاپ» در کتاب «فلسفه تکنولوژی» در سال ۱۸۷۷ احتمالاً اولین کسی بود که ارتباط بین نارسایی‌های اندامی انسان و هوش مبدع و نوآور او را متذکر شد. کمی بعد از آن فیلسوف زبان، «لودویگ نویره» در کتاب «ابزار» در سال ۱۸۸۰ نوشت: «آنگاه انسان از طبیعت آزاد شد زیرا او خالق خود گردید، اعضای خود را آفرید، یک ابزارساز شد، یک حیوان ابزارساز.» (گلن، آرتور، ۱۳۸۸). کلمه «تکنیک» در اصل فرانسوی و به معنی فن، صنعت، علم، هنر و حرفه است؛ همین‌طور به فن‌شناسی، علم فن و صنعت، تکنولوژی گفته می‌شود. در عین حال نظرات متفاوتی بر محدودۀ مفهوم تکنولوژی وجود دارد؛ از جمله تعریفی که علم را درون تکنولوژی جای می‌دهد «کاربرد دانش علمی و دانش: منظم دیگر برای امور عملی بوسیله سیستم‌های منظمی که شامل مردم، سازمانها، اشیاء زنده و ماشینها می‌شود» (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). یکی از پیامدهای پیشرفت تکنولوژی یکسان و یکنواخت شدن معماری در نقاط مختلف کشور است. درحالی که پیش از این شکل ساختمانها، بافت محله‌ها و ساختار شهر گویای ویژگی‌های فرهنگی و ذوقهای بومی ساکنان آنها بود؛... زیرا سیستم تکنولوژی

طوری تعریف شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی حساسیت چندانی نداشته باشد (جعفری و مهدوی پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲). از سویی دیگر، بر اساس نظرات «پل آلبرگ» در کتاب «معمای انسان» در سال ۱۹۲۲، «خوزه ارتگای گاست» در کتاب «انسان، موجود ناکجا آبادی» در سال ۱۹۵۱ باید گفت که تکنولوژی ناشی از کاستی‌های اندامی انسان است که به توصیف این امر پرداخته است که انسان در هر محیط طبیعی ناقص، به موجب فقدان اندام‌ها و غریزه‌های مناسب، چگونه قادر نیست به موجودیت خود ادامه دهد و در نتیجه چگونه باید برای بقای طبیعی خود با تعبیر هوشمندانه در شرایط پیرامون خود تغییراتی به وجود آورد. کاربرد اسلحه و جنگ افزار، آتش و فنون شکار به این ترتیب مربوط است به نمونه‌های رفتاری طراحی شده برای حفظ نوع انسان؛ به طوری که واژه تکنولوژی باید دلالت کند بر ابزارهای واقعی و مهارت‌های مورد نیاز برای آفرینش و کاربرد اموری که برای این موجود دارای فقر غریزه و ناقص امکان حفظ خویشتن را فراهم کند (گلن، ۱۳۸۸). دو گروه عمده از اندیشمندان علوم اجتماعی، سعی کرده‌اند در پاسخ به سؤالات مذکور و همچنین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که متأثر از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است، به تبیین آنها پرداخته و تئوری فراگیری را در این زمینه ارائه کنند. گروهی عصر جدید را سرآغاز کنترل‌های بی‌رحمانه شهروندان معرفی می‌کنند و در عین حال که به هیچ‌وجه اهمیت کلیدی اطلاعات را در دنیای جدید انکار نمی‌کنند و حتی از پذیرش جامعه اطلاعاتی برای عصر رسانه‌های ارتباطی جدید بیمی به خود راه نمی‌دهند، اما بر استمرار مناسبات حاکم بر جامعه و ثبات آن از گذشته تاکنون اصرار می‌ورزند. نظریه پردازان این

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده‌ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷. و همچنین می‌توانید رجوع کنید به: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه‌های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

گروه عبارتند از:

۱. «مارکسیست‌های نو»: هربرت شیلر؛

۲. «نظریه مقررات‌گذاری» (Regulation theory):

مایکل آگلینا و آلن لیپیتز؛

۳. «نظریه انباشت انعطاف‌پذیر» (Flexible Accumulation): دیوید هاروی؛

۴. «نظریه دولت-ملت و خشونت»: آنتونی

گیدنز؛

۵. «نظریه عرصه عمومی»: یورگن هابرماس

(همان، ۱۳۸۸).

علی‌رغم ناگزیری انسان معاصر از رویارویی با مظاهر

تکنولوژیک در زندگی، امکان رعایت حد و مرزها و یا

غرقه شدن در این مظاهر، که همان گم شدن هدف

و جابجایی مقصد با مقصود است وجود دارد؛ لیکن در

شکل مطلوب و دست‌یافتنی، مکمل بودن ایده‌های

والا و ابزار تکنولوژیک تسریع و تسهیل‌کننده در

هنرها را داریم (رهبرنیا و رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

از سویی دیگر، گروه دیگر نظریه پردازان، عصر حاضر

را طلیعه جامعه‌ای سرشار از تخصص و مراقبت

مطلوب از همه چیز در تعامل با تکنولوژی می‌دانند

و مدعی‌اند نوع جدیدی از جامعه ظهور کرده است

که با گذشته کاملاً متفاوت است. از نظر این

گروه، در این جامعه حاکمیت اصلی با رسانه‌های

الکترونیک است. نظریه و نظریه‌پردازان عمده این

گروه عبارتند از:

۱. «نظریه فراصنعتی»، دانیل بل و پیروان او؛

۲. «نظریه پست‌مدرنیسم»، ژان بو دریار، مارک

پاستر؛

۳. «تخصصی‌سازی انعطاف‌پذیر»، میشل پیور،

چارلز سیبل؛

۴. «نظریه شیوه اطلاعاتی توسعه» (Information mode of Development)، مانویل کستلز.

پس تکنولوژی نتیجه گرایش و تمایل همیشگی

انسان به قدرتمندانه‌ترین شکل از رفع نیازهای

زیستی‌اش بوده که با سیر تاریخ، توسعه یافته و

تمامی وجوه زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در

عین حال کمیت در جوامع انسانی، نیاز روز افزونی

را به گسترش تکنولوژی در پی می‌آورد (رهبرنیا و

رهنورد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲). در هر حال، امروزه سه

تعریف مطرح تکنولوژی وجود دارد که عبارت از:

«تکنولوژی به عنوان سخت افزار، تکنولوژی به

عنوان نرم افزار و تکنولوژی به عنوان نهاد» هستند

(گلن، آرتور، ۱۳۸۸، ص ۵۶):

۱. «معماری و تکنولوژی به عنوان سخت افزار»:

عینی‌ترین تعریف برای تکنولوژی تعریف آن بر

حسب سخت افزار یا ابزارها و ماشینهاست. در این

منظومه، نیروگاه‌های برق، رایانه‌ها و کارخانه‌ها به

عنوان تکنولوژی‌ها لقب می‌گیرند. این تعریف از

تکنولوژی عینی‌ترین، صریح‌ترین و انضمامی‌ترین

تعریف تکنولوژی است. این تعریف با وجود وضوح و

صراحت بدون عیب و ایراد نیست و یکی از ایرادهای

آن این است که برخی از تکنولوژی‌هایی را که نه

ابزار و نه ماشین هیچ کدام نیستند در بر نمی‌گیرد.

یک نمونه از تکنولوژی غیرسخت افزاری تکنولوژی

رفتاری «اسکینر» است که وی بسیار بر آن تأکید

داشت، ولی نمی‌توان آن را به عنوان سخت افزار

مدنظر قرار داد.

۲. «معماری و تکنولوژی به عنوان نرم افزار»:

«ایلول» فیلسوف معروف تکنولوژی با تقابلی که

میان سخت افزار و نرم افزار وجود دارد، تعریفی

نرم‌افزارانه از تکنولوژی ارائه کرد و آن را امتزاجی

از ابزارها و نسبتها مدنظر قرار داد. حتی «ماکس

ویر» هم با ارائه مفهوم عقلانی‌سازی مانند ایلول

ظهور غرب را بر حسب نظامی نرم افزاری توجیه

کرد. در این نظام البته ابزارها و ماشین‌ها نقشی

محوری را دارا نیستند و نظامی که مبتنی بر قواعد

هدف - وسیله است، هدایت منظومه را بر عهده

دارد. بدین گونه بود که تکنولوژی به مثابه نرم افزار

و قواعد مطرح گشت. این دیدگاه نرم‌افزارانه از

تکنولوژی، از آن جهت قابل توجیه است که سخت

افزار همیشه در ارتباط با کاربرد انسانی و فهم وی

تکنولوژی نام یرد و نمونه‌های فراوانی از وجود

سخت افزار را در جوامع گوناگون شاهد بودیم، بدون آنکه این سخت افزارها نظامی تکنولوژیک را به وجود آورند. در این نگاه فکر و ایده و اندیشه‌ای که پشت سر ابزارهای تکنولوژیک قرار دارند، تکنولوژی نام می‌گیرد. تکنولوژی به عنوان نهاد: این موارد برخی از متفکران و فیلسوفان تکنولوژی را بر آن داشت که به دنبال تعاریف دیگری از تکنولوژی برآیند. برخی تکنولوژی را مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی دانستند. تعریفی که در این باب ارائه شده است این است که تکنولوژی کاربرد دانش علمی یا دانشها دیگر برای نقش‌های عملی از طریق نهادها و نظام‌های هدف‌مندی است که با انسانها و نهادها و ماشینها در ارتباط است. این تعریف که بسیاری آن را می‌پذیرند گاهی رویکرد نهادهای تکنولوژیک به تکنولوژی لقب می‌گیرد. نهاد تکنولوژیک مجموعه‌ای است از سخت افزار، دانش، مخترعان، اپراتورها و افراد تعمیرکار، مشتریان، بازارها، آگهی‌دهنده‌ها و نمایندگان دولتی که همه در امر تکنولوژی دخالت دارند. رویکرد نظام تکنولوژیک از همه تعاریفی که تاکنون در این مقال از تکنولوژی ارائه شده‌اند و در فلسفه تکنولوژی مطرح هستند مسلط تر است، زیرا این رویکرد سعی می‌کند، اجزای مختلف تکنولوژی را در نظر بگیرد (گلن، ۱۳۸۸).

در زمینه ظهور و گسترش تکنولوژی مدرن چند نکته اساسی وجود دارد که سبب ظهور فلسفه تکنولوژی شد (عبدالکریمی، ۱۳۸۷):

۱- غالباً این تلقی غلط وجود داشته و دارد که «انقلاب صنعتی»، «انقلاب در صنعت» بود و ظهور تکنولوژی جدید به منزله اختراع و کاربرد پاره‌یی از ابزارها و وسایل جدید در امر تولید، بهره‌برداری از طبیعت، حمل و نقل، ارتباطات بوده است اما برخی از متفکران غربی، همزمان با ظهور انقلاب صنعتی دریافته‌اند این انقلاب صرفاً انقلاب در صنعت نبود و چنین نبود که با ساخته شدن دیگ‌های بخار صرفاً ابزار یا ابزارهایی جدید به ابزارهای گذشته افزوده شود بلکه انقلاب صنعتی انقلاب در همه چیز بود

و ظهور تکنولوژی جدید سبب تحولات بنیادین در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی شد؛ تا آنجا که صورت‌بندی اجتماعی و تاریخی را ابتدا در جوامع غربی و سپس در کل جهان تغییر داد و هیچ حوزه‌یی از حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی، از جمله روابط خانوادگی، جنسی یا اخلاقی نبود که تحت تاثیر و سیطره تکنولوژی قرار نگرفته باشد. به بیان دیگر، با انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن «عالمیت عالم» تغییر کرد، کره زمین برای نخستین بار رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و یک دوره تاریخی جدیدی در حیات بشر آغاز شد. تامل و تفکر در باب این دوره جدید تاریخی و این تحول در «عالمیت عالم»، امری فنی و تکنیکی و در حوزه فعالیت مهندسان، صنعتگران، سرمایه‌داران، مدیران دولتی یا اصحاب قدرت سیاسی نبوده بلکه محل‌امعان نظر بسیاری از فیلسوفان و متفکران و در حوزه خاصی به نام فلسفه تکنولوژی بوده و هست. این متفکران و فیلسوفان هستند که می‌توانند با تاملاتی نظری و فلسفی به ما بگویند با ظهور تکنولوژی جدید چه تحولاتی در نحوه نگرش ما به جهان، معنای جهان و معنای خود انسان و زندگی و نسبت آدمی با هستی صورت پذیرفته است و فرهنگ و تمدن از تکنولوژی مدرن چه تاثیرات ژرف وجودشناختی و انسان‌شناختی پذیرفته است. تاثیراتی که در هیچ یک از تمدن‌های پیشین مشاهده نمی‌شود.

۲- نکته دیگر اینکه علم و تکنولوژی جدید، در کنار و پایه‌پای ظهور جهان بینی عصر «روشنگری» شکل گرفته است. در دوران ما علم و تکنولوژی جدید همواره از بدو تولد، مهم‌ترین ابزارهای تحقق آرمان‌های عصر روشنگری تلقی شده و می‌شود. آزادی انسان از هرگونه اسارت و سعادت این جهانی وی روی کره خاک از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آرمان‌های عصر روشنگری بوده است. به تعبیر ساده‌تر، قرار بود علم و تکنولوژی مدرن بشر را به سعادت و آزادی برساند اما حال این پرسش به نحو بسیار

جدی وجود دارد که آیا علم و تکنولوژی جدید به راستی توانست آزادی و سعادت راستین را برای آدمی محقق سازد یا خود به ابزاری برای ظهور اشکال جدیدی از اسارت و سلطه بر آدمی و ظهور دردها و رنج های تازه یی برای وی منتهی شده است (همو، همان، ۱۳۸۷).

۳- نکته آخر در ارتباط با ظهور حوزه یی از تاملات تحت عنوان فلسفه تکنولوژی این است که این با «مارتین هایدگر» متفکر بزرگ آلمانی در قرن بیستم است که برای نخستین بار پرسش از «چیستی و سرشت تکنولوژی» جدید مطرح می شود و بدین ترتیب، تکنولوژی به نحو صریح و آشکاری به منزله موضوع و متعلق تفکر فلسفی قرار می گیرد و آشکارا سخن از «فلسفه تکنولوژی» به میان می آید. قبل از هایدگر هیچ کس صراحتاً از فلسفه تکنولوژی و پرسش از سرشت و ماهیت تکنولوژی سخن به میان نیاورده بود اما ضمن به رسمیت شناختن مقام هایدگر و نقش پیشتاز آن در قوام یافتن شاخه یی مطالعاتی با عنوان فلسفه تکنولوژی، همچنین باید به این نکته توجه داشت که از همان آغاز ظهور عقلانیت مدرن توسط متفکرانی چون گالیله، دکارت و نیوتن، یعنی ظهور عقلانیتی که طبیعت را به امور محسوس و ماده و حرکت محدود کرده، وجه کمی و محاسبه پذیر اشیا و پدیدارها به منزله مهم ترین وصف آنان تلقی شد و از همان آغاز ظهور علم و تکنولوژی مدرن که بر اساس عقلانیت جدید

شکل گرفت، همه متفکران بزرگ غربی، سلباً یا ایجاباً علم، تکنولوژی و تفکر علمی و تکنولوژیک را مورد تامل قرار داده اند. آنان چارچوب تفکر علمی و تکنولوژیک را یا به منزله اصیل ترین صورت تفکر پذیرفته اند و الگوهای علمی و تکنولوژیک را به مثابه صحیح ترین الگوی معرفت و دانش تلقی کرده اند یا آنکه کوشیده اند به نقد علم و تفکر تکنولوژیک جدید پرداخته، محدودیت ها و نقصان های آن را نشان دهند (همان، ۱۳۸۷).

در همه متفکران بزرگ غربی در دوره جدید، می توان از نوعی فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی ضمنی سخن گفت. هرچند که آنان صراحتاً و آشکارا از فلسفه علم یا فلسفه تکنولوژی سخن نگفته باشند. برای نمونه در مقاومت رمانتیک های چون «گوته»، «نوالیس»، «ریلکه» یا «هولدرلین» در برابر تکنولوژی جدید، در انتقادات «مارکس» از سرمایه داری، در نقدهای «کی یرکه گور» از تفکر علمی و ابژکتیو، در نقدهای «نیچه»، «هوسرل» یا ویتگنشتاین: از فرهنگ و تمدن مدرن می توان خطوطی از نوعی فلسفه تکنولوژی را ردیابی کرد اما این در تفکر هایدگر و در آثار برخی از متفکران بعد از او، به خصوص در «مکتب فرانکفورت» و در اندیشه های متفکرانی چون «والتر بنیامین»، «تئودور آدورنو»، «هور کهایمر»، «مارکوزه»، «هابرماس» که جملگی نیز تحت تاثیر هایدگر بوده اند، است که فلسفه تکنولوژی و اندیشیدن در باب تکنولوژی جدید

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۱۷۹

جدول ۱. نگرشها در شکل گیری هویت فردی در ارتباط با جهان خارج؛ ماخذ: پورجعفر، ۱۳۹۱، ص ۸۲.

شکل گیری شخصیت و هویت فردی		
دیدگاه ها	نظریه پردازان	نوع نگرش
هویت محصول جنبه های درونی - غریزی	فروید، یونگ، ماری	سوژه شکل دهنده به ابژه
هویت محصول محیط مادی و اجتماعی	اریک فروم، سولویان	ابژه شکل دهنده به سوژه
تعادل میان محیط درون و بیرون	آدلر، هورتای، مورفی	توازن سوژه و ابژه

صراحت بیشتری یافته، بخشی از آثار آنان را به خود اختصاص می دهد^۱. در این باب توجه به مفهوم هویت فردی در تقابل با جهان خارج از آن جهت مهم است که تکنولوژی به مثابه عنصری برون دادی تاثیراتی شگرف بر شکلگیری شخصیت فردی و در نهایت بر آثار مصنوع بشری و منجمله معماری دارد؛ چنانچه در تحقیقات مختلف هویت به مثابه هویت درونی - غریزی و محیطی - مادی و تعامل درون و بیرون مورد توجه بوده است (جدول شماره ۱).

تکنولوژی و فلسفه

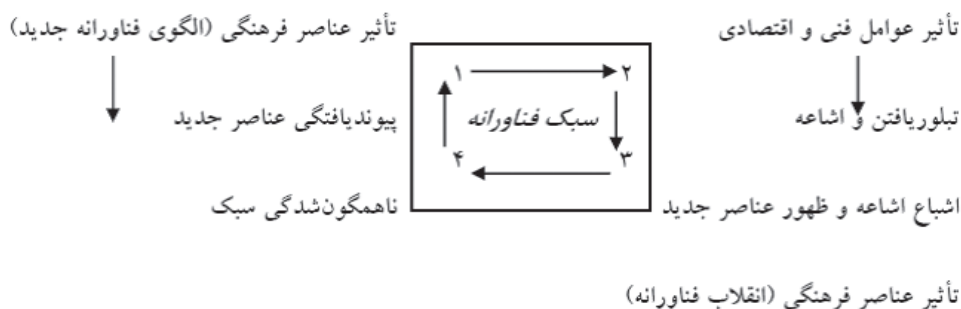
خاستگاه اولیه بحث به کتاب «هستی و زمان» بر می گردد که هایدگر در این کتاب تحلیلی از نقش و جایگاه وسیله در زندگی انسان و ارتباطی که انسان با آن برقرار می کند، ارائه می دهد. هایدگر در مقاله ای که پس از جنگ جهانی دوم می نویسد و به «پرسش از فناوری» معروف است، این تفکر را پی می گیرد. او فناوری را بر علم مقدم می داند و معتقد است تفکر جهان مدرن گونه ای تفکر فناوری است که جهان را به عنوان منبع انرژی و وسیله ای برای استفاده در نظر میگیرد (محمودی نژاد، ۱۳۸۹؛ ر. ک: پدیدارشناسی مکان، پیوست دوم). علم نیز به عنوان ابزاری برای این فناوری و اهداف آن وارد صحنه شده است^۲. مدعای هایدگر این است که فناوری به صورت بی رحمانه ای گوی سبقت را از ما برده است. ما در تغییر کل این جهان به کار

گمارده شده ایم تا محصولات خام را به فرآیندهای تکنیکی مبدل سازیم. به تعبیر دیگر هایدگر هر چند خاستگاه تفکر تکنیکی را به یونان باستان می برد هنوز میان «تخنه و صنعت یونان» با «فناوری جدید» تمایزی آشکار می بیند. در جهان جدید این انسان نیست، بلکه ابزارگرایی است که این عمل را صورت می دهد. این کار صرفاً قصدی انسانی نیست بلکه راهی ویژه است که در آن وجود خودش را از طریق قصد انسانی ظاهر و مخفی می سازد. از این سخن گونه ای «درتمینیسیم تکنولوژیک» هم استنباط می شود؛ چراکه تقدیر بر این قرار گرفته که وجود در جهان جدید به شیوه ای خاص بروز داشته باشد. شکی نیست که هایدگر در این مدعا که فناوری مدرن بیشتر از فناوری سنتی مخرب است بر حق است.

«هانس فریر» در کتاب «سلطه مقولات فنی بر زیست جهان جامعه صنعتی» بر این باور است که تکنولوژی عصر صنعتی مناسب توصیف کل تکنولوژی قبل از قرن هجدهم نیست؛ یعنی اینکه مصنوعات انسانی، مناسب وسایل و ابزارهایی باشد که بتواند اهداف و غایات زندگی او را به تحقق رساند و آنگاه آنها را اصلاح کند تا جایی که در خدمت اغراض او قرار گیرند. معنی تکنولوژی، مطابق این دستور عبارت است از به خدمت گرفتن آن، برای دستاوردهای موفقیت آمیز در آنچه انسان می خواهد

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱. و ر. ک: اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول. و ر. ک: وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۲. به عنوان مثال، اگر افزار نوشتن را مصداق این امر بگیریم، به نحوی روشن تر می توانیم هم نقش مثبتی را ببینیم که اشیاء تکنولوژیک می توانند ایفا کنند و هم خطر خاصی که این اشیاء پیش می نهند و «بورگمان» حساسیت ما را نسبت به آن برانگیخته است. اسلوب افزارهای نوشتن نیز هم چون «پل ها و معماری و بناهای ساخته شده شهری» جای آنها را در تاریخ هستی باز می تاباند. خودنویس از ما می طلبد که برای کسی بنویسیم که شخصیت دست خط ما برای او علی السویه نیست. به هنگام درگیری با کاربست هایی که خودنویس را مهم می نمایند، موضوعاتی که برای ما اهمیت دارند چیزهایی هستند از قبیل برنامه های زندگی، هویت های ثابت، شخصیت، جهان بینی و مانند آنها. ما سوژه هایی هستیم که با سوژه های دیگر سر و کار داریم. لیکن اگر ما صرفاً برای انتقال اطلاعات درصدد ثبت امور تجاری یا نوشتن گزارش امور واقع باشیم، ماشین تحریر بهتر به کارمان می خورد. واژه پردازی که با انعطاف بسیار به شبکه وصل است، از ما می طلبد که برای فرآوری مقالات تحقیقی فنی یا دانشگاهی ای که وارد شبکه ای از مراودات و گفت وگوها خواهد شد از میان شمار عظیمی از گزینه ها انتخاب کنیم. شما به هنگام کاربرد واژه پرداز رایانه ای از احساس این موفقیت گریزی ندارید که دیگر لازم نیست از بابت چیزهایی چون پاک کردن، دوباره تایپ کردن و در واقع بریدن و چسباندن ها برای نقل و انتقال متن و بست کردن محصول نهایی نگران باشید. اما همان طور که بورگمان اشاره کرده است ابزار خنثی نیست؛ ابزار پر امکاناتی که خود را بر ما آشکار، می کنند اثر می گذارد. اگر کسی واژه پردازی مدرن داشته باشد، متن برای او دیگر اثری نمی نماید که کسی باید بدو آن را تمام کند و سپس منتشر شود. متن از خلال پیش نویس های بسیاری که هیچ کدامشان نهایی نیستند، رو به کمال می رود. آنجا که اشخاص زیادی در روایات متفاوت و گوناگون - روایت هایی از آنچه پیش ترها می توانست متن تکنیکه ای نامیده شود - ادای سهم می کنند می توان گفت که متن های در گردش - Circulating Texts - در شبکه، ما حاصل فروپاشی ابژه مکتوم - Finished object - هستند. با چنین مشارکت های چندگانه ای، نه تنها صورت مادی کاری پراکنده می شود بلکه خود مؤلف نیز مشمول این پراکنش - Dispersion - می شود. این پراکنشی که در کار مؤلف و نویسنده ایجاد می شود، خود بخشی از پراکنشی عام تر و کلی تر است که «شری تورکل» توصیفش می کند: پراکنش هویت و این همانی.



تأثیر عناصر فرهنگی (انقلاب فناورانه)

نمودار ۱. تأثیر عناصر فرهنگی بر تکوین و تحول سبک فناورانه؛ ماخذ: قانعی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

تکنولوژیک قدرت طبیعی انسان را به وجود می‌آورد. ۳- در مرحله سوم ماشین خودکار، حتی سهم عقلانی انسان با وسایل تکنولوژیک در آمیخته است تا وضعیتی فرا می‌رسد که در آن نظام خودکار ماشینی می‌تواند مستقل از دخالت‌های فیزیکی یا عقلانی ما به کار خود ادامه دهد (گلن، آرتور، ۱۳۸۸، صص ۹۹-۱۰۳).

اگر «فرهنگ» را تحت عنوان علم، تکنولوژی (معرفت - قدرت) و دموکراسی در نظر بگیریم و آنها را با هم گره بزنیم، باید دید از لحاظ جریان‌های مختلف چه دیدها و چه نسبت‌هایی را می‌توان برای آنها متصور شد. مفاهیم کلیدی ما دموکراسی، تکنولوژی و علم است که همه آنها به نحوی فرهنگ را تعریف می‌کنند؛ در این صورت چند نکته بسیار آشکار می‌نماید (اعتماد، شاپور، ۱۳۸۳، بنقل از پایگاه باشگاه اندیشه؛ سخنرانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران):

- ۱- اول دید «رمانتیک» است که هم به تکنولوژی و هم به دموکراسی، به صورت منفی نگاه می‌کند.
- ۲- دوم، «لیبرال دموکراسی» است که هم به تکنولوژی و هم به دموکراسی به طور مشترک دید مثبت دارد.
- ۳- سوم، «توتالیترانیسم» است که به تکنولوژی

یا اراده می‌کند. این معنی، به حالت و مرحله‌ای از رشد تکنولوژی اطلاق شده است که در مقایسه با زمان حال، امری ابتدایی بود. در عوض فریر می‌گوید تکنولوژی امروزه نوعی توانایی و قدرت انتزاعی آفریده است و در همین روزگار اخیر است که پرسش از آنچه انسان می‌خواهد با وسایل موجود انجام دهد، مطرح شده است. این اندیشه بی‌تردید اولاً و قبل از هر چیز، به افزایش قیاس ناپذیر فوق‌الذکر در تولید بالقوه نیرو - انرژی - اطلاق می‌شود. تحت چنین شرایطی، چنانکه فریر استدلال کرده است، روح فنی، امری مطلق می‌شود و دیگر در خدمت اهداف و غایات نیست (گلن، ۱۳۸۸). «اشمیت» تعیین‌یافتگی کار انسان را با «وسایل تکنیکی» به عنوان فرآیندی می‌بیند که در اعصار گذشته آغاز شده، اما در زمان ما بسط یافته است. این فرآیند از سه مرحله می‌گذرد:

- ۱- اول فرآیند ابزاری، که در آن، قدرت فیزیکی ضروری از کار انسان به دست می‌آید؛ در حالی که مستلزم دخالت عقلانی انسان است. تمایزات اشاره شده بین انواع گوناگون طرح‌های اندامی، متعلق به این مرحله است.^۱
- ۲- مرحله دوم به نظر اشمیت مربوط به کار و قدرت ماشینی است که فعالیت آن، تعیین‌یافتگی‌های

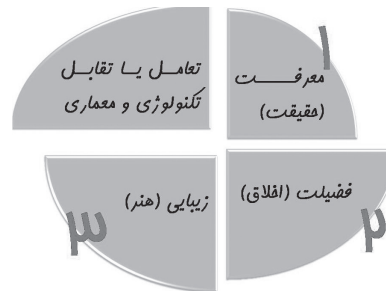
۱. طبق گفته «ادموند مانیر» فیلسوف فرانسوی که تکنولوژی‌های به وجود آمده بعد از جنگ جهانی دوم را تحلیل کرده بود: «ظاهراً در مورد زبان (زبان زمینه‌گرایی معماری و بنیان‌های تکنولوژی ساخت در این مرحله تعمیم پذیر است)، ما از دید تکنولوژی غافل بودیم و به نظر می‌رسد که از امروز، روز به روز از توان تکنولوژی نهفته در زبان بیشتر استفاده می‌شود.» اما نکته بعد اینکه مسئله‌ای که در فلسفه علم مطرح می‌شود، این است که ما نسبت نظریه و مشاهده را چگونه ترسیم کنیم و از دیدگاه‌های مختلف چگونه می‌شود به آن نگریست؛ اما آن جنبه تجربی یا پوزیتیویستی قضیه که معطوف به مشاهده بود، این مسئله را مطرح می‌کرد که ما چگونه می‌توانیم این مفاهیم علمی را بسازیم و نظریه‌های علمی را بیان کنیم. طبعاً نظریه غالب این بود که ما می‌توانیم پله پله از مشاهداتمان حرکت کنیم تا به سطح نظریه برسیم و در قالب نظریه، قوانین نظری را بیان کنیم. در هر صورت چیزی که اهمیت داشت این بود که به نوعی از مشاهده‌ها به نظریه‌ها می‌رسیم.

نگاه مثبت داشته و از آن استقبال می کند، ولی دموکراسی را رد می کند و

۴- چهارم «رفورمیسم» است که به تکنولوژی اعتنا نمی کند، ولی به دموکراسی خیلی زیاد اهمیت می دهد.

تکنولوژی و هنر

مطابق آنچه در بخش قبلی مقاله گفته شد، تقسیم هنر و تکنولوژی هم با توجه به این مبانی صورت می گیرد. ما دو ساحت داریم که در یکی کارآمدی برجستگی و اهمیت بیشتری دارد که بدان تکنولوژی می گوئیم و در دیگری این زیبایی و تناسب است که اهمیت و قرب می یابد. این در حالی است که در جهان قدیم پیروی یگانگی که میان «معرفت» (حقیقت) و «فضیلت» (اخلاق) و «زیبایی» (هنر) برقرار است، آنچه معرفت است، زیبا هم به شمار می آید (امینی، ۱۳۸۸).



نمودار ۲. نحوه و برهمکنش معماری و تکنولوژی و

جنبه های ماهوی متمایزکننده آنها که بنیان بی هویتی در معماری را بوجود آورده است و ناشی از این مولفه ها می شود؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس امینی، ۱۳۸۸.

جدا کردن هنر از تکنولوژی مانند هر تقسیم دیگری مزایا و معایب خاص خود را دارد. حسن این روش جدا کردن دو ساحت و معرفت است که تا حد زیادی با هم تفاوت دارند. ماهیت هنر بر زیبایی متکی است و این زیبایی ممکن است کارآمدی و بهره مادی و معیشتی نداشته باشد. بنابراین دو دغدغه وجود دارد که یکی ساختن برای هدفی و دیگری ساختن بدون غایتی خاص است؛ آن گونه که کانت می گوید.

«والتر بنیامین»، نظریه پرداز آلمانی، از نخستین کسانی بود که کوشید تکنولوژی را به فرهنگ تعبیر کند. اندیشه هایش عمدتاً از طریق دوست اش با «تئودور آدورنو» تأثیری دوگانه بر مکتب فرانکفورت گذاشت و به دلیل همین دوگانگی غالباً به این تأثیر کم بها داده می شود. اگرچه آدورنو در همکاری با «ماکس هورکهایمر» در تحلیل رسانه ها گرایشی متفاوت و آشکارا بدبینانه تر از بنیامین یافت، میان آن ها پیوستگی های جالبی هست که در پژوهش های رسانه ها به دلیل غفلت از لحن انتقادی تر آثار بنیامین (۱۹۶۹) عمدتاً نادیده گرفته می شود (زللی ۲۰۰۱). میان تحلیل های «بنیامین و مک لوهان» همانندهایی هست، از آن رو که هر دو بر اولویت مشکل تأکید می کنند. یعنی هر دو می کوشند خواننده را از شناختن به سمت تحلیل محتوا بازدارند و پیچیدگی های خود رسانه را نادیده می گیرند. در واقع براساس تعبیر پست مدرن می توانیم بگوئیم که «حس و حال» آغازگر چیزی است که دریدا (۱۹۸۲) آن را نه به سبب ماهیت محتوایش بلکه به دلیل ساختارش، «متافیزیک حضور» می نامد. متافیزیک حضور یعنی فراموش کردن رسانه؛ آن نوع فراموشی که هیچ چیز به معنای دقیق کلمه نزد ما حاضر نیست (بی واسطگی)، بلکه همیشه بازنمایی یا نمایش داده می شود (وان لون ۱۹۹۶ الف). فراموش کردن معنا و مفهوم معماری و ساختن [یا آنچه واتیمو (۱۹۹۲) آن را «توهم شفافیت» می نامد] همان چیزی است که برای مثال موجب می شود ادعا کنند که معماری دقیقاً به همان صورتی که معماران می سازند و یا به عبارتی «به راستی اتفاق افتاده است». با وجود این، آمیختن رویداد و رسانه صرفاً نتیجه «سستی فکر» نیست بلکه همان گونه که ویریلو (۱۹۹۷) در آسمان باز گفته (و بسیار پیش از او هایدگر تلویحاً به آن اشاره کرده) وضع عینی ذاتی خود تکنولوژی مدرن است (جاکوب، ۱۳۸۸، صص ۸۹-۹۰).

در زمینه هنر نیز، توانایی فوق العاده برای افزایش

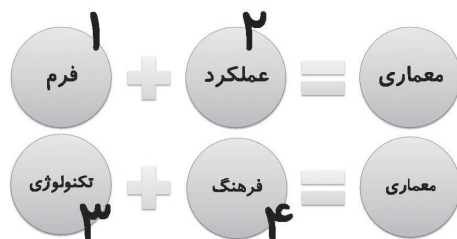
جدول ۳. فراتحلیل افکار و نظریات به هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن و فرامدرن؛ ماخذ: مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.

تیین معنای هویت	پیش از مدرن	مدرن	پست مدرن
جامعه	قوانین جامعه	قرارداد اجتماعی مبنی بر نظر اکثریت	قرارداد شخصی مبنی بر نظر فرد
	هدف انسان	یافتن هویت ویژه و واحد برای جهان	یافتن هویت ویژه متکثر برای خویش
	رویکرد کلی نسبت به هویت	یکپس بودن اجباری	خود بودن
معماری	دیدگاه نظری نسبت به هویت	واحد و اکسپاتی	متکثر و اکسپاتی
	مبانی نظری معماری	عملکرد کرایبی	کثرت کرایبی و برداشت انتقادی از مفاهیم سنتی
	طراحی معماری	جهان بینی سنتی و بایبندی به ارزش‌های معنوی و اصل نظم در بی‌نظمی	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثرت
شهر	ویژگی سبکی	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثرت	معماری منسجم مبتنی بر اصل وحدت در عین کثرت
	تعبیر مردم از معماری شهر	بهره گیری از طاق و قوس، گنبد و مناره به معنی ترجمان فناوری ساخت در آن دوران	بهره گیری از تکنولوژی و ساخت و ساز صنعتی
	ویژگی شهر	همگرا (در مقیاس خرد)	همگرا (در مقیاس کلان)
هویت در معماری	معماری ما در مقیاس خرد	معماری ما در مقیاس کلان	معماری من ها
	هویت ثابت و منطقه شمول	هویت ثابت و جهان شمول	هویت متکثر

فرهنگ و محتوا:

- ۱- «فرم» عبارت از هندسه و شکل اثر می باشد و
- ۲- «عملکرد»، شامل کاربری ها و بهره گیری ها در فضای معماری است.
- ۳- «تکنولوژی» شامل فرآیند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالح، تکنیک ها و سیستم های ساختمانی می باشد.
- ۴- «فرهنگ و محتوا» نیز درونمایه غیرفیزیکی شامل مفاهیم و معانی مطرح شده در اجزا و کل اثر می باشد که از فرهنگ، تاریخ، اعتقادات و مبانی فلسفی جامعه و معمار نشات می گیرد (گلابچی و شاهرودی، ۱۳۸۹).

بنابراین یکی از اصلی ترین عناصر برپاکننده هر اثر معماری، «تکنولوژی» است. معماری در گذشته و حال از دو گونه تکنولوژی بهره جسته است، تکنولوژی



نمودار ۳. رابطه تکنولوژی و معماری؛ ماخذ:

ترسیم نگارندگان (۱۳۹۳) بر اساس گلابچی

و شاهرودی، ۱۳۸۹.

دامنه دید و رای محدودیت های طبیعی که حاصل تصاویر سینما و عکس است تأثیری شگرف بر علم، از جمله علوم رفتاری، گذاشته است که در میان آنها شاید روان کاوی مشتاق ترین مصرف کننده فیلم باشد. پنجاه سال پس از بنیامین بودریار (۱۹۹۰) برای این برهان خود، که پی آمد اصلی گسترش چشمگیر تکنولوژی های دلالت گری متلاشی شدن واقعیت از درون بوده است، به اصطلاح «واقعیت پیشینه» متوسل می شود؛ به این معنا که «امر واقعی» را دیگر ادراک حسی ما مشروط نمی کند بلکه به یک انتزاع (برای علم) یا مجاز (برای عقل فردی) تبدیل شده و از این رهگذر «شکل های ساختاری کاملاً تازه فاعل شناسایی را آشکار می سازد» (بنیامین ۲۳۰: ۱۹۶۹)؛ فیلم با فراهم کردن نمای نزدیک چیزهای اطراف ما، با تأکید بر جزئیات پنهان اشیا آشنا، با کاوش محیط عادی پیرامون ما به هدایت خلاقانه دوربین از سوی درک ما را از ضروریات حاکم بر زندگی مان گسترش می دهد و از سوی دیگر ما را از میدان فراخ و نامنتظر عمل مطمئن می سازد (بنیامین، ۱۹۶۹، ص ۲۲۹؛ بنقل از جاکوب، ۱۳۸۸).

تکنولوژی و معماری

معماری را می توان از چهار بخش اصلی متشکل دانست؛ «الف- فرم، ب- عملکرد، ج- تکنولوژی، د-

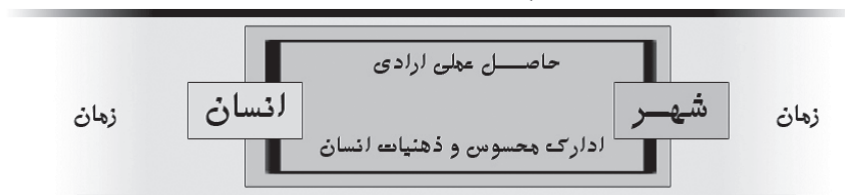
سنتی و تکنولوژی مدرن، تکنولوژی های سنتی به ندرت تدوین شده اند ولی تکنولوژی های مدرن همیشه مدرن بوده اند. روش ها در تکنولوژی های سنتی می توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند به مانند اصولی که برای نیازهای متعدد و بسیاری به کار گرفته می شدند. اما تئوری های اساسی تکنولوژی های مدرن وابسته به نیازهایشان هستند. اما علاوه بر تفاوت های مذکور، نحوه به کارگیری و دخالت تکنولوژی های سنتی و مدرن در معماری نیز دگرگون شده و تکنولوژی مدرن زمینه ساز تغییراتی در هویت و محتوای فضاها و عناصر معماری گردیده است (گلابچی و شاهرودی، مقدمه ای بر تکنولوژی معماری، ۱۳۸۹). تکنولوژی در فرهنگ لغات، ابزاری تکنیکی برای رسیدن به اهداف عملی است. تعاریف جدیدتر از تکنولوژی به این امر اشاره می کند که نباید تکنولوژی را محدود کرد و آن را با ابزار و ماشین یکی دانست (وودوارد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

هویت، فرهنگ و معماری

فرهنگ را می توان مجموعه ای پیچیده از دانشها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه دانست

(تایلور، بنقل از کورز، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱) که مبتنی بر ارزشهایی است که گروهی بر آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵). فرهنگ نظامهای نمادین از گنجینه هایی شناختی از یک اجتماع است که بدست نسلهای پیشین استوار گردد و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار دهد (نولان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). هویت را نیز الگوهای رفتاری منحصر بفردی می دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می نماید (گیدنز، ۱۳۷۰، ص ۵۶). هویت، خاص ذات احدیت است و مراد از ذات، آن امر ثابت است و در مقابل غیریت، مطرح می شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹). «کالهن» در باب هویت، می گوید: «هیچ مردم بی نامی را نمی شناسیم، هیچ زبان و فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری تمایز برقرار نساخته باشد، نوعی از شناسایی خویشتن که همواره نوعی «ساختن» محسوب می شود، صرفنظر از اینکه تا چه حد همچون یک کشف احساس

پدیده منظر شهری

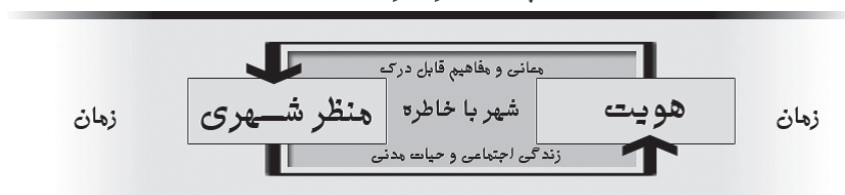


پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۴. منظر شهری و معماری نماد درجه تمدن و هویت جمعی اقوام و ملتهاست؛ ماخذ:

آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۱.

پدیده منظر شهری



پدیده عینی - ذهنی

نمودار ۵. به کارگیری معانی و مفاهیم قابل درک در شهر، تداوم زندگی اجتماعی و شهر با

خاطره از نشانه های حفظ هویت در منظر شهری است؛ ماخذ: آتشین تبار، ۱۳۸۸، ص ۵۴.



نمودار ۶. ابراز هویت فردی یا گروهی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت فرهنگی- اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده؛ ماخذ: دامبار، ۱۳۹۳، ص ۹۵.



نمودار ۷. ابراز هویت فرهنگی- اجتماعی به واسطه محیط ساخته شده و ابراز هویت مطلق معماری؛ ماخذ: دامبار، ۱۳۹۳، ص ۹۶.

معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می نمود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشتر از جز مشتی خشت و خاک نمی نمود.

زمینه گرایی و معماری

معماری در زمینه نه یک کم توجهی و نه یک نوآوری افراطی است، بلکه یک ارتباط بصری شیوا و قوی با محیط است. یک ساختمان منفرد در ابتدا به عنوان جزئی از کل محسوب می شود. خلق فضاها و مکانهایی که زندگی مردم را با کیفیت نماید اساس کار معماران به حساب می آید. هر ساختمان می تواند و می باید در گفتگو و تعامل با تاریخی، اعتقادات و نیازهای زمان و مکان خاص باشد. به لحاظ تاریخی، طرح مباحث مربوط به ساختارهای جدید در محیط های با ارزش و تاریخی با ظهور فن آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم زمان است. زیرا در این دوره تضاد آشکار میان شهرهای سنتی با مفهوم توسعه شهرها به شیوه جدید بوجود می آید. کامیلوست از اولین طرفداران حفاظت بافتها و بناهای با ارزش بیان می کند که ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد، موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط اطراف است، نه روابط کاربری بناها و فضاهای تهی مجاورشان (قدیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳). هدف طراحی شهری ادراکی زمینه گرا، ایجاد یک منظر ذهنی

شود» (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۳).
بر این اساس خویشن شناسی در بستر زمینه های تاریخی و فرهنگی را می توان گامی اساسی در راستای هویت سازی فرهنگی بحساب آورد، هویتی که فرآیند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی الویت دارد. معماری را نیز بایستی ماکتی از تاریخ و گذشته دانست (حجت، ۱۳۷۲، ص ۶۱) که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی یک قوم فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می نمایاند. این مهم با ذکر این نکته ادراک می شود که با حرکت در فضاهای سنتی ابنیه و شهرسازی کهن ایرانی، شوری خودبانی و صیانتی نفسانی، بر انسان وجدان می شود که در قالب شادابی و سرزندگی فضایی خود را می نمایاند و بتعبیر لینچ، سیمای شهر را رقم می زند که به دیده می آید، به ذهن سپرده می شود و سبب شادی و انبساط خاطر می گردد (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۵). هویت فرهنگی معماری را همان ارزش هایی رقم می زند که تنها، در بستر ابنیه سنتی مبتنی بر زمینه های تاریخی و فرهنگی که به نام «معماری زمینه گرایی» تسمیه یافته است، ادراک می شود؛ چرا که معماری به آن دلیل شکل می گیرد تا ارزشها را در خویش بپروراند و صورتی کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و

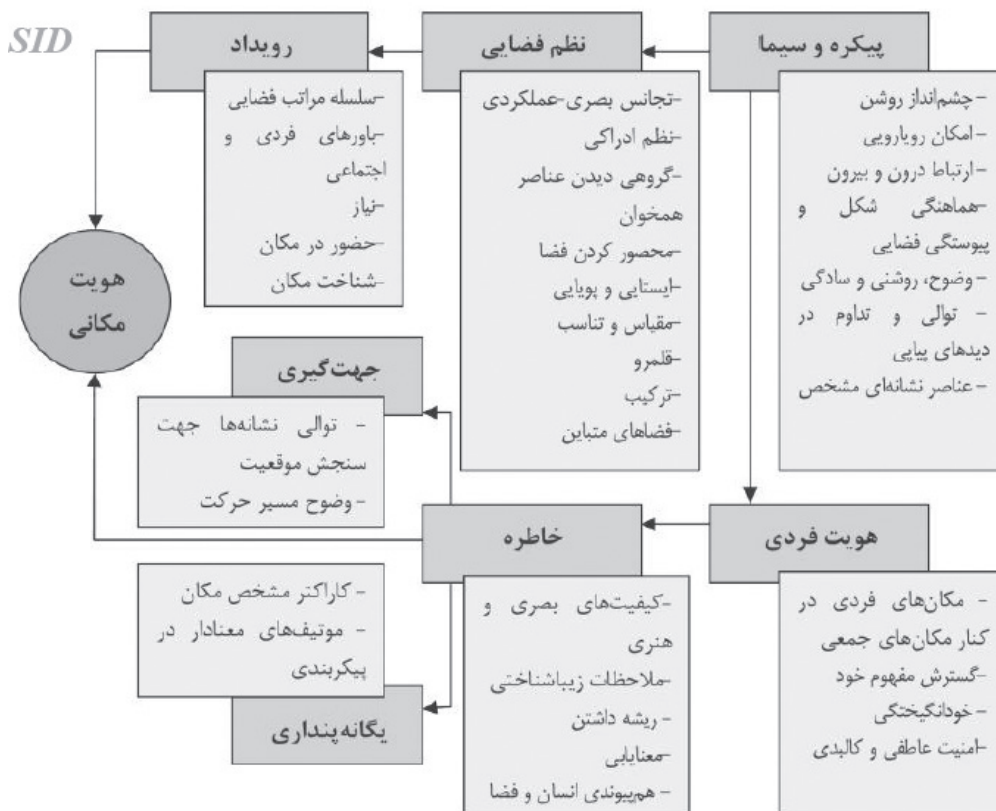
قوی از شهر است. کانون توجه آن تحلیل، طراحی و مدیریت محیط ها با توجه به کیفیات قابل تجربه مکان است. ویژگی های منظر شهری ادارکی-زمینه گرا عبارتند از (گلکار، ۱۳۹۰؛ و گلکار، ۱۳۸۷):

۱. مطرح بودن آن به عنوان یک ساختار اجتماعی-فضایی است؛
۲. پدیداری که تنها از طریق تجربه انسانی و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می شود؛
۳. از مفهوم سه بعدی فراتر رفته و لحاظ کردن بعد معنا در پارادایم مکان و فضا؛
۴. مجدداً خیابان به مثابه یک عنصر معمارانه و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد؛
۵. بهره گیری از آرایه های ساختمانی؛ و رنگ مجدداً در دستور کار طراحان مطرح می شود؛
۶. حفاظت از ساختمانها و بافت های ارزشمند شهری براساس توجه به اصل "حس مکان" صورت می گیرد؛ و

۷. طرح اهمیت مسئله "حرکت" در ارزیابی منظر شهری (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛

هر نسلی باید نمادهای قدیمی را که از نسل قبل به او رسیده است، مجدداً تعریف کند و مفاهیم قدیمی را با عبارات عصر خود دوباره تبیین کند، چرا که معماری بیان فضاست به نحوی که در مشاهده کننده تجربه معینی از فضا در ارتباط با تجارب پیشین و آتی ایجاد کند (بیکن، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

هر زمینه و متن شهری دارای مقیاس، حجم، فرم فضایی و مصالح و شیوه معماری و شهرسازی ویژه خود است که به طراحان حساس در خصوص نحوه مداخلات کالبدی رهنمودهای لازم را ارائه می کند و جوامع نیز به نحوی کنترل هایی اعمال می کنند؛ بنابراین مباحث نظری و فلسفی اغلب بر محور چگونگی و کیفیت وقوع این موضوع و نحوه سازگاری



نمودار ۸. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت: ماخذ: پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

و پیوستگی میان بناهای جدید با وضعیت ساختاری موجود است (همان، ۱۳۸۵، ص ۱۲). از نظر ادموند بیکن معماری رنسانس این موضوع بخوبی رعایت شده و موفقیت فضاها و نماهای شهری این دوره را تضمین نموده است. ارتباط بصری، ویژگیهای مرموزی که توسط متخصصین حرفه‌ای قابل درک باشند نبوده، بلکه ویژگیهای ساده و ابتدایی هستند (آسیایی، ۱۳۸۹). تناسب پنجره‌ها، محل قرارگیری درب ورودی، عناصر تزئینی، سبک، مصالح و خط آسمان نمونه ویژگیهایی هستند که بوجود آورنده وحدت و یا عدم وحدت و یکپارچگی یک خیابان، محله یا منطقه می باشند. هر محل برای خود دارای ترکیبی از این عناصر و درجه آزادی برای ایجاد تنوع در طراحی می باشد. یک ساختمان برای تناسب با زمینه و تقویت وحدت بصری منطقه، نیازی به تقلید دقیق شکل و فرم ساختمانهای مجاور ندارد، بلکه می بایستی ویژگیهای مشترک و اساسی معینی را داشته باشد. طراحی در درون زمینه لزوماً به معنی یکنواختی نیست. باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می کند و تنوعی که در آن توان دیده میشود فرق گذاشت. هردوی اغتشاش و یکنواختی ناخوشایند هستند. ارزیابی کیفیت زمینه یکی از موضوعات اساسی در زمینه‌گرایی است که لازمست به آن پرداخته شود (Brolin, 1980: 148-153).

«مریل گینس» (۱۹۸۰) زمینه را در معماری تحت سه موضوع کلی، «الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی» دسته بندی می کند که در زیر به معرفی هر کدام پرداخته می شود (برولین، ۱۳۸۳):

الف) الگوهای فرمی: فرم در اینجا البته عناصری چون فضا، شکل، مقیاس و تناسبات جزئیات مصالح بافت و رنگها را در بر می گیرد. این عناصر در دو بعد جغرافیایی و زمان می توانند برای ارتباط معماری با زمینه اش مورد استفاده قرار گیرند. بعد جغرافیایی را می توان در سه مقیاس مطرح کرد:

۱. ارتباط بنا با بناهای مجاور و در فاصله کاملاً قابل دید و درک. نمونه چنین ارتباط با زمینه اطراف را

می توان در نماهای شهری و جانمایی جدید در سایتهای تاریخی شاهد بود؛

۲. مقیاس بعدی زمانی است که بنا نه با محیط لزوماً مجاور که با سایت اطراف ارتباط برقرار می کند؛

۳. سومین اتصال با سایت در مقیاس منطقه ایی قابل حصول است. علاوه بر ابعاد فاصله ایی و بصری بنا می تواند در بعد زمان (گذشته، حال و آینده) نیز با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند.

ب) الگوهای فعالیتی: در زمینه فعالیتها، گردش در فضای سایت بنا رفتار افراد و گروهها از جمله عواملی هستند که می توانند بنا را با زمینه اش مرتبط کنند؛

ج) الگوهای اقلیمی: اقلیم که تاثیر خود را در مصالح، رنگها و بازشوها، فشردگی احجام، فرم آنها، سقف ها و... بروز می دهند. هنر و حساسیت معمار، میزان درک او از ویژگی های فیزیکی و «ذهنی-احساسی» سایت یا «حس مکان» که تنها با حضور و زندگی در یک مکان حاصل می شود به معمار کمک می کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. این ویژگی می تواند به عنوان ماهیتی مکتوم در سایت باید توسط معمار کشف می گردد تعبیر شود. هر حوزه، ناحیه وسیعی است که ویژگی های فضایی-شکلی آن با سازماندهی توده ها و فضاها در الگوهای منسجم و دقیق و قابل شناسایی شکل و زمینه تعریف می شود. پنج ویژگی حوزه شامل موارد زیر می گردد:

۱. داشتن مرکز یا مراکز؛

۲. بافت که شامل تراکم و تارو پود می شود؛

۳. مشخص ساختن انواع خاصی از الگوها مثل: الگوهای خطی، متحد المركز و شعاعی؛

۴. لبه که ممکن است توده یا فضا باشد؛ و

۵. مناطق یا حوزه هایی کوچکتر که در آن گروههای خاص از اشیا یا الگوهای قابل تشخیص اند. زمینه اجتماعی و فرهنگی «مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ایی از ارزشها، باورها، جهان بینی و نظام

جدول ۴. رویکردهای کلیت و انسجام فضاهای شهری و شهر: مآخذ: یگانه، ۱۳۷۹.

زمینه گرا	ساختارگرا	زیبایی گرا	سازمندگرا	کل گرا	وحدت گرا	رویکرد
همگرایی اجزاء با ارزش های تاریخی و فرهنگ جمعی	همگرایی فضایی میان اجزاء و کل	تاثیر مثبت بصری اجزاء بر یکدیگر	گرایش اجزاء به هنگام شکل گیری برای وابستگی با نظام آفرینش	اهمیت کل به عنوان منشاء شکل گیری اجزاء	همگرایی اجزاء متکثر برای پیوستن به کل	مبانی کلیت و انسجام
همخوانی با زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها در یک محدوده خاص	هماهنگی و تناسب اجزاء	همگرایی با روندهای طبیعت	تبعیت از روابط حاکم بر کل	کشف روابط در نظام آفرینش به عنوان نمودی از وحدت وجود	عامل تعیین کننده کلیت و انسجام
روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه عمیق بر مبنای دریافت معنی	روش مطالعه تاریخی، مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختار ذهنی و عینی	روش مطالعه تاریخی بر مبنای استخراج اصول و قواعد گذشته	روش شهودی بر مبنای دریافت روند های طبیعت	روش شهودی بر مبنای دریافت نظم نهفته در نظام آفرینش	روش شهودی بر مبنای دریافت وحدت حقیقی	روش شناسی
ایجاد کل معنی دار	ایجاد کل از نظر فضایی به هم پیوسته و خوانا	ایجاد کل آراسته و هماهنگ	ایجاد کل هدفمند و سازگار با روند های طبیعت	ایجاد کل یکپارچه با نظامی در هم نفوذ یافته	ایجاد کل به عنوان نمادی از وحدانیت خداوند	هدف از کلیت

های نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند.» (1977;Rapoport)

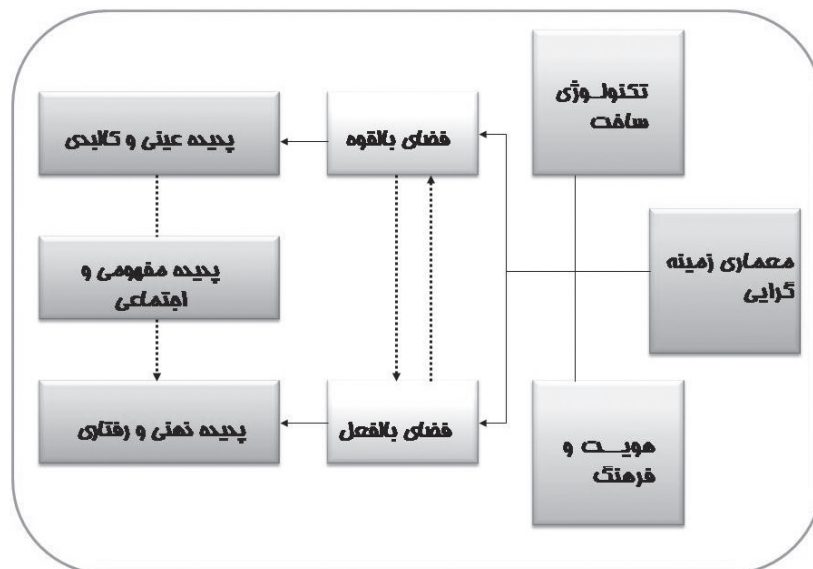
زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد. زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت، اما بتدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی- فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۳۴). واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می‌باشد (Stokols, 1987: 15-18). در مجموع رویکردهای کلی‌ای که در مقوله انسجام شکل شهرها و توجه به زمینه‌های مختلف وجود دارد در جدول زیر ارائه گردیده است.

انواع زمینه‌گرایی در معماری نیز عبارتند از:

۱- «زمینه‌گرایی کالبدی»: در زمینه‌گرایی کالبدی،

اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شود، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگتر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابر این زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه معین است. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک زنده و مطلوب ایجاد کند (Brolin, 1980: 148-153).

۲- «زمینه‌گرایی تاریخی»: تاریخ‌گرایان معتقدند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده فرض نموده است. انسان در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی این است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز گردد. پوپر در این زمینه می‌گوید: اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه‌های پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌



نمودار ۹. معماری زمینه‌گرایی و تعامل تکنولوژی و هویت: ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می کند و مبنایی برای عمل است. (Row&kotter, 1978:118)

۳- «زمینه گرایی اجتماعی - فرهنگی»: زمینه گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها، باورها، جهان بینی و نظامهای نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند (Rapoport, 1977:6) اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. وقتی فضا محتوای فرهنگی می یابد مکان نامیده می شود (Schultz, 1980:18) بحث آنها بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه ای که ظاهر می شود، درک می شود. بسته به اینکه طراحی با چه هدفی انجام گیرد، تا اینکه طراح چقدر در خلق یک اثر هماهنگ با زمینه پیرامون اثر موفق باشد، حالتهاى مختلفى بوجود خواهد آمد تا طیفی از نهایت سازگاری و تطابق گرفته تا ناساگارتین حالت را شامل خواهد شد. جدول زیر گونه های مختلف زمینه گرایی و نازمینه گرایی را نشان می دهد. همانطور که در مباحث قبلی اشاره گردید، تعیین سازگاری و ناسازگاری یکی از موضوعات و چالشهای اساسی در این بحث می باشد، از اینرو نمونه های انتخابی نیز ممکن است شامل این اختلاف نظر یا سلیقه شخصی گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

در پایان باید گفت که تکنولوژی مدرن در عرصه های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاها و اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تاثیرات آن غفلت شده و

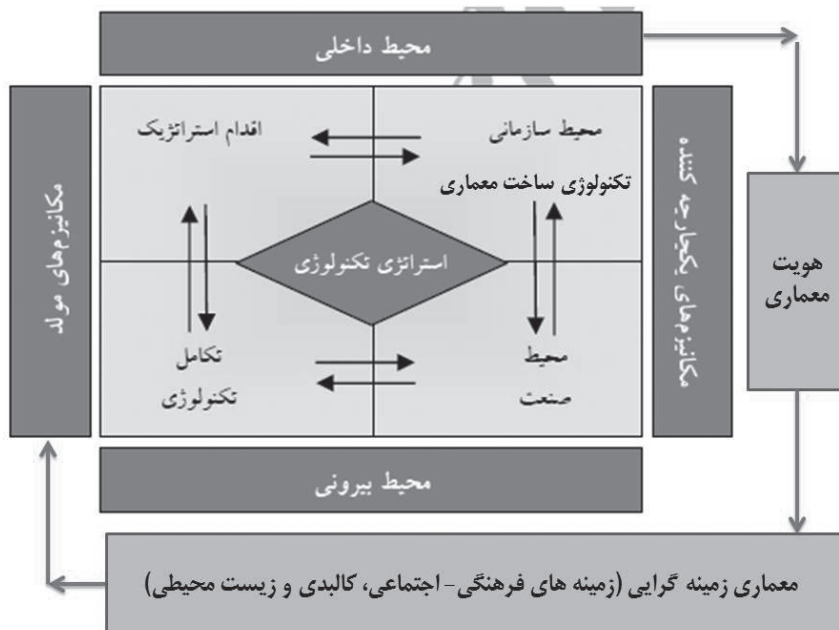
بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی اثر نگریسته شده و این درحالی است که اثر تفکر تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه طراحی و تکنولوژی ساخت معماری نیز آشکار است. لذا مباحثی که پیرامون تکنولوژی و سازه مناسب در برخی از آثار، بالاخص در معماری معاصر غرب مطرح می گردد، دلیلی بر پذیرش مبانی نظری آن نبوده بلکه تأکیدی بر چگونگی هم آوایی تکنولوژی و سازه با معماری در راستای مبانی مورد نظرشان می باشد و هدف، یافتن شیوه دست یافتن به چنین مقصودی می باشد. از سویی دیگر، معماری آن توان را دارد که بر فرهنگ جامعه تاثیر گذارد و در این بستر است که بایستی بعنوان عنصری فرهنگی، خود نیز هویت سازی نماید. این خود می رساند که معماری مانند دیگر عناصر اجتماع بلکه فراتر از آنها می تواند بعنوان عنصری فرهنگی در تعامل با ساختار اجتماعی، عنصری هویت پذیر و هویت ساز قلمداد شود. این امر در عصر جدید بایستی مورد توجه قرار گیرد که معماری و شهرسازی همراه با تاثیر و تائری در ساختار هویت فرهنگی خواهد بود. در عصر جهانی شدن، عدم توجه کافی به بنیانهای فلسفی با ریشه های تاریخی ارزشهای معنوی و مادی موجب شده با رویکرد علوم جدید برخوردی منفعل داشته باشیم. تا هنگامی که مفاهیم متعالی نزد ما صرفاً بازدهی بیشتر، سهولت کاربردی تر و رسیدن به اهداف اقتصادی و مانند آن داشته باشد، قطعاً به دلیل عدم شناخت عمیق از فناوری دچار مشکلاتی خواهیم بود. در دنیای معاصر که تمامی امور زندگی به نحوی با فناوری مدرن در ارتباط است، به جای نگاه سطحی به فناوری باید به مفهوم آن پرداخت و به جایگاه فناوری در دنیای کنونی و رابطه ای که با انسانها برقرار می کند اندیشید و با توجه به تغییراتی که فناوری در جامعه، جهان و ارزشهای آدمی بوجود می آورد، جایگاه آن را بین انسان و جهان تعیین کرد. فناوری با سرعت و بدون توقف جریان دارد و این در حالی است که بعد از گذشت سالهای بسیار از فناوری ما هنوز ماهیت آن

جدول ۵. گونه های مختلف معماری در زمینه و میزان انطباق با تکنولوژی های نوین؛ مآخذ: یافته های نهایی تحقیق.

نوع معماری در زمینه	ویژگیها و مولفه های شناسایی	میزان انطباق با بهره گیری از تکنولوژی های نوین ساخت
کاملاً زمینه گرا	طراحی بنا بگونه ای است که مافوق زمینه بلافاصل خود بوده و تاثیرش تا آسوری حوزه زمینه موجود ادراک می شود. در عوض برای خودش ایجاد زمینه می کند. نقش مهمی در هویت شهر ایفا نموده و به احتمال بسیار زیاد تبدیل به یک شمال می گردد.	استفاده از تکنولوژی نوین صرفاً و صرفاً به شرط تلفیق با زمینه های موجود که نشان ماهوی بستر طرح هستند، پلانچ است و هر گونه بهره گیری از تکنولوژی جدید مغایر با طرح ممنوع است.
عمیقاً زمینه گرا	طراحی ساختمان به محیط پیرامون بخوبی جولگوست. بدون گسستگی با محیط ترکیب می شود البته نه در جهت حفاظت از زمینه بلکه در جهت ارتقاء آن.	هر نوع بهره گیری ممنوع به نظر می رسد. لذا نیازمند رویکردهای حفاظتی - مرمتی و غیر قابل تعمیر دهی به فضاهای ساخت جدید خواهد بود.
حالتی بین دو وضعیت بالا	ساختمان در نظر اول نشان دهنده توجه زیاد به خود به عنوان نتیجه ای از یک طراحی عالی است. اما در اصل به نوعی دیگر زمینه گراست. یقیناً به تنهایی به عنوان یک شمال است اما تبدیل احترام به زمینه قابل تقدیر است.	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت پلانچ است؛ چراکه هیچ راهکاری نمی تواند وضع موجود را بهتر کند؛ لیکن تلاش شود تا تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
کاملاً نازمینه گرا	طرح بنا در درک و توجه به زمینه ورود پیدا نکرده، ضمن اینکه نتوانسته بر آن تفوق داشته باشد. در نهایت این نوع بناها به طور ناچور دیده شده و بدون تبدیل شدن به شمال و ناتوان از ایجاد یک زمینه در متن شهر می باشد. نمونه اینگونه بناها در ساختمانهای مدرن که واحدهای همسایگی تجاوز کرده و خود را به طرز قابل بخشش تحمیل کرده است.	استفاده از هر نوع تکنولوژی نوین ساخت پلانچ است؛ چراکه هیچ راهکاری نمی تواند وضع موجود را بهتر کند؛ لیکن تلاش شود تا تکنولوژی بتواند به تعمیق احتمالی زمینه های فرهنگی و ماهوی موجود در طراحی و بستر طبیعی طرح منتهی شود.
نازمینه گرای موفق	ساختمان همانند یک انگشت زخمی بیرون زده است. اما طرح بنا معمار را به عنوان فردی خلاق معرفی می کند. معمولاً این کار از روی قصد و برنامه ریزی قبلی است و بنا به تنهایی جلوه خوبی دارد زیرا که قصد آن جذب مخاطبان صرفاً به بنای مورد نظر است، فارغ از زمینه.	ضمن توجه زمینه های ماهوی، هویتی و فرهنگی سایت و بستر طرح قابل کاربست است.
نازمینه گرای ناخواسته	در این نوع نازمینه گرای سعی معمار خلق معماری با توجه به زمینه و درک محیط است اما به دلایلی در آن موفق نمی شود. از جمله بدلیل طراحی ضعیف، نقص در برقراری ارتباط با محیط، یا ترکیبی از هر دو.	تکنولوژی نوین می تواند از زمینه های موجود فرهنگی و هویتی برای کاهش میزان نازمینه گرای ناخواسته طرح، استفاده کند.
زمینه گرای مطبوعانه	طرح ساختمان، عناصر محیط و همسایگی را بخوبی منعکس نموده و ساختمان با منظر کلی خیابان بصورت یکپارچه ترکیب می شود. این موضوع با هدف فرارگیری مسالمت آمیز ساختمان در درون زمینه خود انجام می گیرد.	باید با عناصر محیطی و همسایگی ها هماهنگ باشد و تنها در اینصورت تکنولوژی می تواند استفاده شود.
زمینه گرای شناسانه	طرحی بنا بگونه است که آنرا بر اساس دوره زمانی که ساخته شده و همچنین بر اساس سبک غالب که بر معماری آنجا حاکم است، زمینه گرا می نماید. ما اغلب اینگونه ساختمانها را زمینه گرا می نامیم چون بخوبی سبک شان را بازگو می کنند بدون اینکه نیازی به باز تعریف سایر ساختارها و نمونه ها باشد.	تنها در صورت هماهنگی با سبک شناسی معماری و بناهای تاریخی و بستر موجود پلانچ است و باید از هر نوع تفاوت یا تلفیق های سبک یا اکلیتیزم در بستر طرح پرهیز شود.



نمودار ۱۰. کاربرد فزاینده تکنولوژی در معماری بدون در نظر گیری زمینه های فرهنگی و اجتماعی (معماری زمینه گرا) باعث بی هویتی حداقل مقطعی در بناهای معماری می شود؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.



نمودار ۱۱. مدل مفهومی نحوه تعامل هویت، تکنولوژی های نوین ساخت و معماری زمینه گرایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

را بدرستی نمی دانیم.

در عین حال باید گفت که، در چالش فی مابین تکنولوژی و هویت معماری و تاکید بر بهره گیری از زمینه های موجود در فرهنگ حاکم بر طراحی و تولید معماری، دانشمندان مباحث استراتژی توسعه و تصمیم گیری در این مقوله را انتخاب نقطه صحیح و مطلوب از یک معما می دانند که بنا بر عامل هایی چون محیط سیستم، ارزش های حاکم بر آن و منابع در دسترس و اولویت بندی ها می توان نقطه مطلوب را تعریف و روش رسیدن و مراحل رسیدن به آن را مشخص نمود. دانشمندان خط مشی گذاری عمومی، رویکردهای عمده به این مقوله را بر اساس اینکه: رویکرد منفعلانه باشد یا تهاجمی؛ و جامع باشد یا بخشی، در چهار دسته متفاوت دسته بندی کرده اند. رویکردهای منفعلانه و بخشی محکوم به شکست توصیف شده اند؛ چه اینکه تمامی ابعاد مسئله را در نظر نمی گیرند و معمولا به علت بروز بحران در یک بخش خود را به سیستم تحمیل می کنند و رویکردی منفعلانه را جهت مقابله با آن برای سیستم ایجاد می کنند. رویکردی تهاجمی و با نگاه جامع و سیستمی، تنها رویکردی است که پاسخگوی نیاز کشورمان در عصر حاضر است و جدا از اینکه چه دولتی بر سر کار است، می بایست برای آن برنامه ریزی شود. بر این اساس، معماری زمینه گرا تلاشی برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تر از معماری است و پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می دهد که این توجه میتواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت کننده باشد. زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن ایده ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. درک ویژگی های مکان و استفاده از آنها در فرایند طراحی در ایجاد محیطی با تداوم بصری مناسب لازم است. به طور کلی در طراحی متناسب باز مینه باید به شکل

کل از قبل موجود، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ و به معانی، ارزشها و اهداف مشترک، توجه داشت چراکه پیچیدگی تولید شهر نشان می دهد تکنولوژی بنیان و اساس کافی برای ساختار شهر نیست هر چند که خرد تولیدی به ساختن شهر کمک می کند اما به تنهایی برای تهیه امکانات و تسهیلات متنوع و نیازهای گوناگون کافی نیست. اینکه چه چیزی لازم است، یک فهم عمومی و یک استفاده آگاهانه از تکنولوژی، هم در فهم و تشریح پدیده شهری و هم در شکلهای معماری و ساخت آینده شهرها و بهره گیری متناسب از تکنولوژی های نوین ساخت در بستر و زمینه طراحی و ساخت بناهای معماری خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. آسیابی محمد (۱۳۸۹) درک و بیان محیط شهری، تهران، انتشارات طحان- هله.
۲. آتشین تبار، محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، نشریه باغ نظر، تهران، شماره ۱۲.
۳. اسدی محمدرضا و مهدی موسوی مهر (۱۳۸۹) ماهیت تکنولوژی در فلسفه هایدرگر، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۶، شماره اول.
۴. اعتماد، شاپور (۱۳۸۳) سخنرانی در باب مفهوم هویت در تکنولوژی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، درج شده در سایت باشگاه اندیشه؛ زمان برداشت: نگارنده، ۱۳۹۳.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران، انتشارات گروس.
۶. امینی، شیدا (۱۳۸۸) بحثی در نسبت تکنولوژی و هنر، روزنامه قدس، ۱۴ شهریور ۱۳۸۸.
۷. برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، سازگاری ساختمان های جدید با قدیم، ترجمه راضیه رضا زاده، انتشارات نشر خاک.
۸. بور کهارت، ابراهیم (۱۳۶۹) هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
۹. بیکن، ادموند (۱۳۷۶) طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

- شهرسازی و معماری ایران.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰) پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی، مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۳.
 ۱۱. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱) هویت و مکان: رویکرد پدیدارشناسانه، نشریه هویت شهر، شماره ۱۰.
 ۱۲. بیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۸) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلام حسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
 ۱۳. تولایی، نوین (۱۳۸۰) زمینه گرایی در شهرسازی؛ نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ شماره ۱۰.
 ۱۴. جاکوب، دیوید (۱۳۸۸) رسانه و فلسفه تکنولوژی، مترجم امین حامی خواه، درگاه اینترنتی باشگاه اندیشه.
 ۱۵. جعفری، عاطفه و دیگران (۱۳۹۲) نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
 ۱۶. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۹) تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
 ۱۷. دامیار، رضا (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری؛ نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶.
 ۱۸. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳) معرکه جهان بینی ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب.
 ۱۹. رهبرنیا و زهرا رهنورد (۱۳۸۵) مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
 ۲۰. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۰) فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
 ۲۱. شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
 ۲۲. شاهرودی عباسعلی، گلابچی، محمود (۱۳۸۶) مقدمه ای بر معماری و تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲۳. شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲۴. قانعی راد، محمد (۱۳۸۸) دوگانگی های فرهنگی تکنولوژی، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
 ۲۵. قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
 ۲۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
 ۲۷. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، با مقدمه مهدی حجت، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
 ۲۸. کورز، لوئیس آلفرد (۱۳۷۸) نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
 ۲۹. کونل، ارنست (۱۳۶۸) هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
 ۳۰. گلابچی، محمود و عباسعلی شاهرودی (۱۳۸۹) مقدمه ای بر تکنولوژی و هویت، روزنامه اعتماد ملی؛ به نقل از پایگاه هنری تبیان؛ زمان دریافت فایل: www.tebyan-zn.ir/Art.html؛ به نشانی: ۱۳۹۳/۸/۲
 ۳۱. گلکار، کورش (۱۳۸۷) محیط بصری شهر، نشریه علوم محیطی، سال پنجم، شماره ۴.
 ۳۲. گلکار، کورش (۱۳۹۰) آفرینش مکان پایدار، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 ۳۳. گلن، آرتور (۱۳۸۸) تکنولوژی به عنوان پدیده ای فلسفی، مترجم: منوچهر صانعی، ماهنامه حکمت و معرفت، شماره ۷، پیاپی ۳۷.
 ۳۴. گنون، رنه (۱۳۶۵) سیطره کمیت، ترجمه علی محمدکاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
 ۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه

Lynne E.Riggs, Cambridge :Mit press.

50. Audi .R (1995), The Cambridge Dictionary of Philosophy, Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.796.

51. Borden.I& DDunster(1995) architecture and the sites of history: interpretation of building &cites. Oxford: Butterworth architecture.

52. Bremner,L (1994) "space &the nation: three texts on aldo rossi",society &space , No.12,pp: 300-287

53. Brolin, B.C (1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.

54. Geddes, p(1968)cites in Evolution: an introduction to the Town planning Movement and to the study of cities.london: Emesst Benn Limited .

55. Hiller, B&hanson(1984) the social Logic of space Cambridge : Cambridge university Press.

56. Hutchinson,D.C,(1995), Ethics, in Barnes (ed.) The Cambridge Companion to Aristotle , Cambridge: Cambridge University Press, 1995, p.206.

57. Madnipour,Ali(2007), Designing the City of Reason, London, Routledge Press.

58. Martin Heidegger, "Science and Reflection", The Question Concerning Technology and Other Essays 172.

59. Martin Heidegger, "The Question Concerning Technology," The Question Concerning Technology and Other Essays, Trans/ William Lovitt (New York: Harper & Row, 5 (1977).

60. Martin Heidegger, "What are Poets for?" Poetry, Language, Thought (New York: Harper & Row (1971 112.

61. Martin Heidegger, Discourse on Thinking, trans. M.Anderson and E.Hans Freud (New York: Harper & Row, 54 (1966.

62. Martin Heidegger, Nietzsche, Vol. 4 (New York: Harper & Row, 28 (1982.

63. Stokots ,D& I.Altman(1987) handbook of environmental psychology . New Yourk : John wiley & Sons.

64. Waterhouse , A (1978)Boundareles of the city: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.

منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۳۶. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۷) فلسفه تکنولوژی چیست؟، روزنامه اعتماد، شماره ۱۸۵۱.

۳۷. محمودنژاد، ابراهیم (۱۳۸۰) مدیریت بر آینده با تکنولوژی فردا، انتشارات انستیتو ایز ایران.

۳۸. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۹) نقد هایدگر از تفکر تکنیکی، روزنامه جهان امروز، شماره ۱۱۸۹.

۳۹. معماریان، غلام حسین (۱۳۷۱) معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی برونگرا، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

۴۰. مهدوی نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) هویت معماری، تبیین هویت در دوره های پیش از مدرن، مدرن، و فرامدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷.

۴۱. ناجی، سعید (۱۳۹۲) روح تکنولوژی مدرن و جایگاه تفکر در مدارس، نشریه تفکر و کودک، سال چهارم، شماره اول.

۴۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

۴۳. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.

۴۴. نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی (۱۳۸۰) مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

۴۵. وفامهر، محسن (۱۳۹۲) سیری در اندیشه های تکنولوژی معماری، انتشارات دانشگاه امام رضا (ع)، تهران.

۴۶. یگانه، منصور (۱۳۷۹) زمینه گرایی در معماری، نشریه راه و ساختمان، شماره ۱۳، تهران.

47. Albert Borgmann, Crossing the Postmodern Divide (Chicago: University of Chicago Press, (1992 88.

48. Aristotle(1998), The Nicomachean Ethics, Oxford: Oxford University Press, Book V1,4,1139b-31 1140a20,p.141.

49. Ashihara,Y(1983),The aesthetic Townscape. Trans.

عوامل موثر بر تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در شهر زنجان

علی بقائی سرابی* - دکتری جامعه‌شناسی، تهران، ایران.

Factors Affecting the Primacy of Individual Interests to the Collective Interest in the Zanjan City

Abstract

One type of social dilemmas is giving priority to the interests of individual or collectivity. If one ask 'why citizens prefer their individual interests to collective interests when they face conflict between them?', we can identify incidence and prevalence of disorders at different phases of the social body as possible influencing factors. Analytically, the collective interests is partitioned into three level (family, neighbors, citizens) based on hierarchy of structural inclusion and each of them is partitioned into the four phases based on Parsons AGIL framework (Adaptation, Goal Attainment, Integration, and Latency). Relying on extensive theoretical discussions, the factors affecting the priority of individual interests over collective interests were diagnosed according to the collective interests at all levels and phases of the study. 400 Zanjan citizens who were selected with disproportionate sampling method answered to structured questionnaire items about the quantity of the mentioned factors. Results showed that 48 percent of variations in the primacy of the individual interests over private interests are predicted by four identified factors (normative disorders, relational disorders, lack of self-regulation, and the lack of identification). At first, the "normative disorder" and then "relational disorders" are effective factors in increasing the priority of individual interests over collective interests, especially in the "urban" are.

Key Words: individual interests, collective interests, social dilemmas, Citizens, Urban Management

چکیده

یکی از انواع معماهای اجتماعی قائل شدن تقدم به منافع فردی یا جمعی است. اگر پرسیده شود «چرا در وضعیت تضاد بین منافع فردی و منافع جمعی، شهروندان راه تقدم منافع فردی را بر راه تقدم منافع جمعی ترجیح می‌دهند؟» می‌توان وقوع و شیوع انواع اختلالات در سطوح و فازهای مختلف بدنه اجتماعی را به عنوان عوامل اثرگذار احتمالی شناسایی کرد. در این پژوهش منافع جمعی به سه سطح مبتنی بر سلسله مراتب ادخال ساختاری (خانوادگی، همسایگی، شهری) و هر کدام به چهار فاز کارکردی مبتنی بر چهار چوب ملقب به «آجیل» پارسونزی مورد تجزیه تحلیلی قرار گرفت. با اتکاء بر بحث‌های مبسوط نظری عوامل موثر بر میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در سطوح و فازهای تحلیلی مطابق با مورد منافع جمعی مورد تشخیص قرار گرفتند. ۴۰۰ شهروند زنجانی که با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای نامتناسب با حجم انتخاب شده بودند به پرسش‌های پرسشنامه ساخت یافته در مورد کمیت عوامل مذکور در حوزه‌ها و فازهای مورد اشاره پاسخ گفتند. برقراری روابط آماری بین متغیرهای وابسته و مستقل با استفاده از رگرسیون چندمتغیری نشان داد که مجموعه عوامل تشخیص داده شده (اختلال هنجاری، اختلال رابطه‌ای، فقدان خودتنظیمی، و سوی‌گیری رقابتی) بطور متوسط در حدود ۴۸ درصد از تغییرات در میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را پیش‌بینی می‌کنند. در این میان ابتدا، «اختلال هنجاری» و بعد، «اختلال رابطه‌ای» عوامل موثرتری در افزایش تقدم منافع فردی بر منافع جمعی به خصوص در سطح «شهری» هستند. **واژگان کلیدی:** منافع فردی، منافع جمعی، معمای اجتماعی، شهروندان، مدیریت شهری.

عوامل تقدم منافع فردی بر منافع جمعی برای مدیریت شهری داشته باشد در ذیل عنوان می‌شوند. جوامعی که در آنها شهروندان در صورت وجود تضاد بین بهترین گزینه منافع فردی و بهترین گزینه منافع جمعی، تقدم را به ارضای بهترین گزینه فردی قائل می‌شوند، با صفاتی نظیر فردگرایی خودخواهانه، ناامن، قطعه‌ای، ناکارآمد و غیره، مورد تشخیص قرار می‌گیرند. در چنین جوامعی «شهروند» تنها به عنوان «ماشین نیاز» تصور می‌شود. منابع جمعی صرف پاسخگویی به نیازهای سیری ناپذیر افراد می‌شود. در این حالت هر چه تعداد شهروندان مقیم در یک ناحیه شهری بیشتر می‌شود و هر چه زمان پیش‌تر می‌رود، هزینه‌های جمعی کنشگران جمعی نظیر شهرداری‌ها، به طور سرسام‌آوری فزونی می‌گیرند. شهروندانی پرتوقع، تنبل، سودجو، و بی تفاوت حاصل بالندگی چنین نظامی است؛ نظامی که در آن کنترل‌های رسمی هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ عمق افزایش می‌یابد، دولت و شهرداری‌ها مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند، چرا که هم در برآوردن توقعات شهروندان و هم در کنترل سودجویی‌ها و هنجارشکنی‌های شهروندان مورد بحث دچار شکست می‌شوند و لقب دولتهای ناکارآمد را به خود می‌گیرند. علاوه بر آن، جامعه تکه‌پاره می‌شود. علیرغم فشارهای ناشی از تقسیم کار در جهت وابستگی متقابل شهروندان و مدیریت شهری نسبت به همدیگر، هر کدام به ایجاد تعادل بین هزینه‌ها و سود در تابع فایده^۲ خود می‌اندیشد بی‌آنکه به هزینه و سود تابع فایده دیگری واقعی بنهد. بدین ترتیب بیش از پیش «همبستگی منافع» از بین می‌رود، یعنی منابع فردی و منافع جمعی به طور متقابل برای ارتقاء «هویت شهری» هزینه نمی‌شود. همچنین شهروندان و مدیریت شهری که در تولید کالاهای همگانی «شرکت فعال» داشته‌اند، دچار ناسازگاری پایگاهی شده، نظام پاداش و جزای موجود را غیر عادلانه و غیرمنصفانه قلمداد می‌کنند. در نتیجه زمینه مشارکت فعال شهروندان و مدیران

هر نظام اجتماعی در یک «محیط» وجود دارد. ابقای نظام اجتماعی مذکور زمانی میسر می‌شود که بتواند منابع مورد نیاز (منافع) کنشگران (فردی و جمعی) مشمول خود را از محیط از طریق فعال سازی همان کنشگران تامین کند. بطور متناقض نمایی، منافع کنشگران فردی تامین نمی‌شود مگر زمانی که کنشگران جمعی نظیر «شهرداری‌ها» منابع خود را صرف تولید «کالاهای عمومی» نمایند که موجب ارضای نیازهای «شهروندان» گردد و از طرفی دیگر، منافع کنشگران جمعی تامین نمی‌شود مگر زمانی که کنشگران فردی منابع خود را صرف تامین آنها نمایند. اما وقوع هر کدام از حالات فوق اغلب مخالف «بهترین گزینه»^۱ هر کدام از کنشگران است. بهترین گزینه برای کنشگر فردی این است که «منافع» خود را اقلان نماید بی‌آنکه «منابع» خود را صرف فعالیت‌های لازم برای تولید «کالاهای عمومی» کند. بهترین گزینه برای کنشگر جمعی این است که منافع خود را اقلان نماید بی‌آنکه منابع خود را صرف تامین منافع کنشگران فردی مشمول خود نماید. برای نظام اجتماعی تام، اما، «بهترین گزینه» آنست که در شرایط «تضاد» بین بهترین گزینه کنشگران فردی و بهترین گزینه کنشگران جمعی، کنشگران فردی منابع خود را صرف تامین منافع کنشگران جمعی نمایند. با این وجود هنوز به خوبی نمی‌دانیم چرا و چگونه کنشگران فردی (شهروندان) در رابطه با کالاهای همگانی در حوزه شهری تقدم را به صرف منابع خود برای اقلان منافع فردی و نه منافع جمعی قائل می‌شوند. بنابراین در حوزه نظری باید توجه خود را به بررسی عوامل موثر بر تقدم منافع فردی به منافع جمعی معطوف کرد.

۲- اهمیت مسأله

هر مسأله‌ای اهمیت خود را از تعداد و وزن پیامدهای پیش‌بینی شده آن در زنجیره روابط علی بین پدیده‌های اجتماعی اخذ می‌کند. پیامدهایی که پیش‌بینی می‌شود طرح و مطالعه مسأله علل و

شهری نخبه در اجرای پروژه تقدم منافع فردی بر منافع جمعی آماده می شود. این امر آسیب جدی را به نظام اجتماعی وارد می سازد چرا که نخبگان مزبور، دسترسی بیشتری به کالاهای همگانی دارند (چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا). فساد اداری، اختلاس، رانت خواری و نظایر آن هم از نمونه های بارز تقدم منافع فردی بر منافع جمعی و هم حاصل وجود و شیوع تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در میان عموم هستند (بازون، ۱۹۹۲). بدیهی است که در صورت بررسی و مطالعه شایسته مسأله ای که دارای اهمیت بالایی به شرح فوق است، می توان پشتوانه تجربی مفیدی برای اقدام مدیریت شهری جهت کاستن از پیامدهای منفی تقدم منافع فردی بر منافع جمعی فراهم کرد.

۳- پرسش ها

بدین ترتیب سه مجهول اساسی توصیف شده در بالا را می توان به شکل زیر صورت بندی کرد: منظور از «تقدم» منافع فردی بر منافع جمعی در حوزه شهری چیست؟ میزان تقدم منافع فردی شهروندان زنجانی بر منافع جمعی چقدر است؟ عوامل مؤثر بر تقدم منافع فردی شهروندان زنجانی به منافع جمعی کدامند؟

۴- تعریف مفاهیم

«کنشگران» و «فعالیت ها» (رویدادها) عناصر اصلی هر نظام اجتماعی محسوب می شوند که توسط حداقل دو نوع رابطه یعنی «کنترل» و «منفعت» به همدیگر پیوند می خورند (کلمن، ۱۹۹۰، ص ۲۸). مفهوم «کنشگر»، کنشگر، V، عامل و مجری کنش می باشد. کوچکترین نظام اجتماعی دارای دو کنشگر- فردی و جمعی است (فارو، ۱۹۸۹). در درون هر کدام از واحدهای جمعی نظیر «شهرداری ها»، به مثابه کنشگران جمعی، «فعالیتها» یا «رویدادهایی» انجام می شوند که افراد عضو در آنها می توانند در هر کدام از فعالیت های مربوط منافی داشته باشند. با این مقدمه می توان هر کدام از فعالیتها (رویدادها)

و سپس مفهوم منافع را توضیح داد. مفهوم «فعالیت» (رویداد). فعالیت، I یا رویدادها، چیزها یا «منابعی» هستند که کنشگران فردی و کنشگران جمعی به درجات متفاوت بر روی آنها «کنترل» یا «منفعتی» دارند (کلمن، ۱۹۹۰، ص ۲۸). چیزها یا منابع را از یک طرف، به سبب نزدیکی مفهومی آن به مفهوم سازی پارسونز، می توان در قالب چهارچوب کارکردی AGIL و از طرف دیگر برحسب ویژگیهای عام هر منبع شناسایی کرد. طبق مفهوم سازی اول، مجموعه A شامل منابعی است که برای «انطباق» جامعه کل با محیط لازمند. منابع طبیعی (مانند آب، هوا، فضای سبز، خیابان) و منابع اقتصادی (پول، ملک، خودرو) از آن جمله هستند. مجموعه G شامل منابعی است که برای «دستیابی به هدف» لازمند. زور، قدرت، اقتدار، حق مالکیت و حق امضاء از این قبیل اند. مجموعه I شامل منابعی است که برای «انسجام» جامعه کل لازم اند. تعاملات اجتماعی، عواطف مثبت و منفی اجتماعی، اعتماد و اطمینان از آن جمله اند. مجموعه L شامل منابعی است که برای «حفظ الگوهای» جامعه کل ضروری هستند. علائم، نمادها، معرفت، کتاب، تابلوها و تبلیغات شهری در این زمره قرار دارند. طبق مفهوم سازی دوم، ویژگی های عام «منابع» عبارتند از: تقسیم پذیری، انتقال-پذیری، ذخیره سازی، انحصارپذیری و فقدان اثر خارجی (همان).

• «تقسیم پذیری». دو حالت دارد: تقسیم پذیر و تقسیم ناپذیر. منابع تقسیم پذیر را می توان برای تمامی کنشگران درون یک حوزه جغرافیایی، شهروندی، سازمانی و امثال آن بطور برابر یا نابرابر سهمیه بندی کرد. برای منابع تقسیم ناپذیر سهمیه بندی بی معناست. در مجموعه منابع A، برای مثال، پول، یک منبع تقسیم پذیر و خیابان، یک منبع تقسیم ناپذیر است. تقسیم ناپذیری، یکی از ویژگیهای «منابع عمومی» یا «کالای همگانی» است.

• «انتقال پذیری». دو حالت دارد، انتقال پذیر و

انتقال ناپذیر. منابع انتقال پذیر، آنهایی هستند که «کنترل» آنها از کنشگر به کنشگر دیگر واگذار می شود. منابع انتقال ناپذیر آنهایی هستند که کنترل آنها از کنشگر به کنشگر دیگر بطور مستقیم قابل واگذاری «نیست». در چنین حالتی تنها این امکان وجود دارد که «حق» کنترل منبع یا منابع مورد نظر از کنشگر به کنشگر دیگر واگذار شود. برای مثال در مجموعه منابع A، پول انتقال پذیر است، یعنی می توان به عنوان جریمه کنترل چند متر مربع از ملک را از یک فرد، شهروند خاطی، به یک جمع (شهرداری) واگذار کرد. جان (جسم آدمی)، لیکن، انتقال ناپذیر است، یعنی نمی توان کنترل جان یک شهروند را به شهرداری واگذار کرد اما می توان «حق کنترل» جان یک شهروند را به یک یا چند جمع خاص واگذار کرد.

• «ذخیره سازی». دو حالت دارد: قابل ذخیره سازی و غیرقابل ذخیره سازی. اولی شامل منابعی است که مقدار ثابتی دارند و اگر کنشگری قسمتی از آن منبع را کنترل کند (یا مصرف کند)، مقدار کل باقیمانده برای کنترل منبع مذکور توسط کنشگران دیگر به اندازه همان قسمت کنترل شده (مصرف شده) کم می شود. منابع غیرقابل ذخیره سازی آنهایی هستند که کنترل یا مصرف هر مقدار از آن توسط یک کنشگر از کنترل یا مصرف آن توسط کنشگران دیگر نمی کاهشد. برای مثال، در مجموعه منابع A، آب شرب شهری، یک منبع قابل ذخیره سازی است، یعنی مصرف n واحد از آن توسط یک شهروند زنجانی باعث کاهش همان مقدار برای مصرف سایر شهروندان می شود (شهروند مذکور می تواند n واحد آب برای کنترل خود ذخیره کند). اطلاعات، از طرفی دیگر، در مجموعه منابع L، غیر قابل ذخیره سازی است، یعنی مصرف یا واگذاری آن به کنشگری دیگر باعث نمی شود که ارائه دهنده اطلاعات، دیگر دسترسی به آن نداشته باشد.

• «انحصارپذیری». دو حالت دارد: انحصارپذیر و انحصارناپذیر. منابعی که بطور مستقیم یا غیر

مستقیم در کنترل یک یا چند کنشگر خاص درون تجمعات بزرگتر هستند، انحصارپذیرند. منابعی که در کنترل مستقیم یا غیرمستقیم تمامی کنشگران هستند، انحصارناپذیرند.

• «اثر خارجی». دو حالت دارد: دارای اثر خارجی و فاقد اثر خارجی. منابعی که کنترل یا مصرف آنها توسط کنشگران خاص دارای پیامدهایی برای کنشگر(ان) دیگر- علاوه بر کنشگر (انی) که آن را کنترل یا مصرف می کنند- باشند را منابع دارای اثر خارجی می نامند. منابعی که کنترل یا مصرف آنها توسط یک کنشگر خاص هیچ اثری بر روی کنشگران دیگر غیر از کنشگر مزبور نداشته باشد را منابع فاقد اثر خارجی می نامند. برای مثال در مجموعه منابع A کنترل و مصرف برق شهری توسط یک کارخانه بسیار گسترده دارای اثر خارجی روی شهروندان عادی است.

در یک تقسیم بندی کلی تر با استناد به نظر اقتصاددانان، می توان از «منابع خصوصی» در برابر «منابع عمومی» (جمعی) سخن گفت. منابع خصوصی دارای ویژگی هایی از قبیل غیرقابل ذخیره سازی، انحصارناپذیری و دارای اثر خارجی هستند. هر کدام از این دو نوع منبع می توانند دارای ویژگی های هم انتقال پذیری و هم انتقال ناپذیری باشند. اکنون که مفاهیم «کنشگران» و «فعالیت ها» (رویدادها یا منابع) به قدر کافی توضیح داده شده اند، نوبت به برقراری ارتباط بین این دو به واسطه مفهوم «منفعت» می رسد. مفهوم «منفعت». منفعت (فردی)، B_i ، حالت (رضایت یا عدم رضایت) کنشگر خاص i در ازای کنترل مستقیم یا غیرمستقیم یک یا چند فعالیت (منبع) خاص z می باشد (همان، ۱۳۵).

این تعریف را می تون بطور صوری در معادله زیر نشان داد:

$$b_{ij} = \frac{d_j l_j}{r_i}$$

بطوری که Dij مقداری از منبع z است که در دسترس کنشگر i می باشد. Ri قدرت کنشگر i میزان کنترل

کنشگر i روی منابع ارزشمند Z می‌باشد. Z بردار ارزش m فعالیت یا منبع است (همان). بنابراین در صورتی که تجمعی دارای n کنشگر باشد، بایستی n معادله برای برآورد منفعت هر کنشگر مورد استفاده قرار بگیرد.

از آنچه که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که منافع خاصیت کنشگران هستند. اما «منفعت جمعی»، B_j ، که شامل m تعداد کنشگر فردی باشد چگونه بدست می‌آید؟ جیمز کلن (همان) معادله زیر را پیشنهاد می‌کند:

$$b_j = \sum_{i=1}^m b_j r_i$$

بدین ترتیب ارزش فعالیت یا منبع Z برابر با مجموع منافع کنشگران مشمول آن نظام خواهد بود که در آن منفعت در قدرت هر کنشگر ضرب شده باشد.

یک نکته بسیار مهم در مفهوم سازی منفعت بدان شکل که در فوق گفته شد، وجود دارد و آن این که منفعت فردی و منفعت جمعی، هر دو به منفعت «ذهنی» کنشگران فردی و کنشگران جمعی رجوع می‌کنند و نه به منفعت «عینی» آن کنشگران.

تمایز عینی-ذهنی در مورد «منفعت» در جامعه‌شناسی بانی اختلافات شدید فکری به ویژه در بین نظریه پردازان مارکسیست و غیرمارکسیست شده است. طبق نظر طرفداران نظریه مارکسیست منافع عینی است که پرده از «آگاهی غلط» (منافع ذهنی طبقه کارگر) برمی‌دارد. طبق این نظر، منفعت عینی از مواضع اشغال شده توسط یک کنشگر در نظام اجتماعی مرجع مشتق می‌شوند. منتقدین، اما، بر این باورند که انتساب منافع عینی به کنشگران مشمول نظام فشربندی-شده توسط مدیر شهری ممکن است با منافی که خود کنشگران (در اینجا، شهروندان) برای خودشان تصور می‌کنند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد. از کجا می‌توان مطمئن بود که مدیر شهری به عنوان یک ناظر بیرونی بتواند بطور معتبری منافع واقعی شهروند فعال در یک فضای شهری را تشخیص بدهد؟ آیا این

احتمال وجود ندارد که منافع «عینی» منتسب به یک شهروند تجلی آرزوها یا خواسته‌های شخصی مدیر شهری باشد؟

اگر فرض بر این گذاشته شود که منافع عینی وجود داشته باشند در نتیجه راه برای مداخله دولت و مدیران شهری در امور خصوصی مردم باز می‌شود بطوری که دامنه مداخله آنها از محدوده حوزه عمومی به محدوده «کالاهای شخصی» شهروندان گسترانیده می‌شود.

لیکن این ایده که هیچ کس بهتر از خود شهروند نمی‌تواند منافع خودش را تشخیص بدهد، خود به منزله دستاویزی برای حفاظت افراد از مداخله دولت و مدیریت شهری تلقی می‌شود. در ادبیات، اولی از طرف طرفداران «سوسیالیسم دولتی» و «برنامه‌ریزی متمرکز» و دومی از طرف هواداران «دموکراسی لیبرال» و «نظام بازار» مورد حمایت قرار می‌گیرد (همان).

حالا اجازه دهید بطور کاملاً مشخص توضیح داده شود از کاربرد اصطلاح «تقدم» چه چیزی منظور شده است.

مفهوم «تقدم»، P ، یا «اولویت» یک نوع «رابطه گزینشی» بین دو یا چند شیء ارزشمند می‌باشد (گلدبرگ و همکاران، ۲۰۰۵). در اینجا اشیاء مورد نظر منافع فردی و منافع جمعی هستند. P از لحاظ «شکلی» و «محتوایی» قابل تجزیه می‌باشد. از لحاظ شکلی رابطه اولویتی می‌تواند اشکال زیر را به خود بگیرد^۱:

تکمیل بودن^۲

$$\forall x, y \in S : (x \neq y) \rightarrow (xPy \vee yPx)$$

ضدتقارن^۳

$$\forall x, y \in S : (xPy \& yPx) \rightarrow x = y$$

مقارن^۴

$$\forall x, y \in S : xPy \rightarrow \sim yPx$$

کلید: \forall «برای تمامی» \rightarrow «اگر، پس» \sim «نه» \vee «یا» $\&$ «و» «برابر با» \in «متعلق به» \neq «تمایز با» X «منافع فردی» Y «منافع جمعی»

1. Completeness
2. Anti-Symmetry
3. Asymmetry

از لحاظ محتوایی رابطه اولویتی می‌تواند دو حالت متفاوت داشته باشد: «خواستنی» و «بی تفاوت». طبق رابطه خواستنی، اشکال مختلف تقدم منافع فردی بر منافع جمعی به شرح ذیل خواهد بود. (۱) رابطه تقدم، تکمیل نامیده می‌شود اگر منافع فردی و منافع جمعی «متضاد» باشند. در این حالت یا منافع فردی خواستنی تر از منافع جمعی خواهد بود یا منافع جمعی خواستنی تر از منافع فردی.

(۲) رابطه تقدم، ضدتقارن نامیده می‌شود اگر هم منافع فردی خواستنی باشند و هم منافع جمعی. پس می‌توان نتیجه گرفت که منافع فردی با منافع جمعی «برابر» هستند.

(۳) رابطه تقدم، نامتقارن نامیده می‌شود اگر منافع فردی خواستنی تر از منافع جمعی باشند. پس منافع جمعی به هیچ وجه خواستنی تر از منافع فردی نخواهد بود.

در اینجا به صراحت تاکید می‌شود که در این مقاله منظور از تقدم منافع فردی بر منافع جمعی، وقوع اشکال (۱) و (۳) رابطه اولویتی است. اگر کمی به عقب برگردیم یعنی به جایی که ابتدا کنشگران فردی، I ، از کنشگران جمعی مانند خانواده، F ، همسایگی، H و شهروندی، Z جدا شد و سپس فعالیتها یا منابع، J ، به چهار مقوله A, G, I و L تفکیک شد، و در نهایت منافع، B ، به منافع فردی b_i و منافع جمعی، b_j ، تجزیه شدند. اکنون می‌توان حالات مختلف تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در هر ۴ نوع فعالیت یا منبع را بطور دقیق شناسایی کرد:

منافع فردی شهروندان بر منافع خانوادگی در فعالیتها یا منابع چهارگانه تقدم دارد.

منافع فردی شهروندان بر منافع جمعی همسایگی در فعالیتها یا منابع چهارگانه تقدم دارد.

منافع فردی شهروندان در فعالیتها یا منابع چهارگانه بر منافع جمعی شهری تقدم دارد.

۵- مبانی نظری

نظریه‌هایی که در خصوص عوامل موثر بر تقدم

منافع فردی بر منافع جمعی ساخته و پرداخته شده‌اند در قالب‌هایی ارائه شده‌اند که بازتابی از اصول تبیینی متفاوت در حوزه مسایل اجتماعی هستند. درباره موضوع مورد بحث حداقل دو «اصل» مستقل از همدیگر در سازماندهی قالب‌های نظری وجود دارد که به گمانه زنی در خصوص عوامل تقدم مزبور می‌پردازند. اول، اصل «افراد عاقل سودجو» است و دومی اصل «افراد هنجاررو». در اینجا، ابتدا به بررسی عوامل تقدم منافع فردی بر منافع جمعی بر مبنای اصل «افراد عاقل سودجو» می‌پردازیم.

اصل اول: افراد عاقل سودجو

این اصل اظهار می‌دارد کنشگران در هر فعالیتی فایده مورد انتظار خود را به حداکثر می‌رسانند. طبق این اصل هر شهروندی در صدد به حداکثر رسانیدن احساسات مثبت یا به حداقل رسانیدن احساسات منفی است (میلر، ۱۹۹۹). طبق این اصل، «منافع» تنها راهنمای کنش شهروندان است. مسأله از آنجا ناشی می‌شود که هر شخص سعی می‌کند تا بر چیزهایی که کمابیش مورد علاقه و نفع دیگران است کنترل داشته باشد. پس بایستی این اصل بسیار ساده ولی مهم را رعایت کند که برای تحقق منافع خود، بایستی به منبع مذکور کنترل داشته باشد. و از آنجا که هر نظام اجتماعی شامل بیش از یک کنشگر می‌باشد، پس بر سر کنترل منابع «رقابت» صورت می‌گیرد. برد و باخت هر کنشگر در بافته‌ای از کنشگران رقیب، وابسته به ساختار منافع کنشگر مرجع و کنشگران رقیب به عنوان کنشگر جمعی است (کولاک، ۱۹۹۸؛ لدیارد، ۱۹۹۴). به عبارت دیگر، کم و کیف توزیع پیشینی منافع بین کنشگران مشمول یک نظام اجتماعی در زمان t بر روی توزیع منافع در زمان t تاثیرگذار است. از این رو می‌توان ساختار منافع را از لحاظ چگونگی توزیع منافع پیشینی به دو دسته تقسیم کرد: ساختار همانند منافع و ساختار تفکیک یافته منافع.

«ساختار همانند منافع». اگر منافع نسبی هر کنشگر

فردی با منافع نسبی بی که نصیب کنشگر جمعی می شود، یکسان باشد در این شرایط هر کدام از کنشگران کنشی را خواهند پسندید که به کنشگر جمعی منفعت برساند، چرا که وقوع آن در راستای به حداکثر رسانیدن منافع فردی کنشگران مشمول است: «آنچه برای جمع [خانواده، همسایه و مدیریت شهری] خوب است برای من نیز خوب است.» عکس این گفته نیز صادق است: «آنچه برای من خوب است برای جمع [خانواده، همسایه و مدیریت شهری] نیز خوب است.» در چنین نظامی، منافع جمعی از منافع فردی قابل اشتقاق هستند.

«ساختار تفکیک یافته منافع». در صورتی که منافع نسبی هر کنشگر فردی با منافع نسبی که نصیب کنشگر جمعی می شود، یکسان نباشد، نظام اجتماعی مذکور با دو مشکل بالقوه مواجه خواهد بود: تقدم منافع جمعی بر منافع فردی و تقدم منافع فردی بر منافع جمعی.

در حالت اولی چنین گفته می شود که فرد بر علیه منافع خودش عمل می کند. در حالت دوم چنان گفته می شود که فرد بر علیه منافع جمع عمل می کند. این حالت بویژه زمانی پُر اهمیت قلمداد می شود که فرد در یک فعالیت یا منبع غیرقابل تقسیم بر علیه منافع جمع عمل نماید. در این حالت، کنشگر فردی بر طبق اصل به حداکثر رسانیدن سود، منابع خود را صرف ارضای منافع خود خواهد کرد و در این حالت کنشگر جمعی بطور نسبی متضرر خواهد شد.

براستی علت وقوع چنین تقدمی، جایی که کنشگران سودجو و هدفمند باشند، چیست؟ در اینجا به نحوه تاثیرگذاری دو عامل «فقدان همذات پنداری» و «فقدان خودتنظیمی» می پردازیم.

۱.۵ فقدان همذات پنداری

بسیاری از اندیشمندان علت وقوع تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را در فقدان همذات پنداری فرد با جمع (دگرذات پنداری) می دانند. تجمعاتی که اعضای آن دارای منافع تفکیک یافته ای هستند از

طریق ایجاد همذات پنداری، اعضای خود را وادار می کنند تا در جهت منافع جمعی عمل نمایند. ایجاد همذات پنداری یا تقویت آن مانعی قوی بر علیه کنش هایی است که دارای پیامدهای منفی برای کنشگران جمعی هستند (کلمن، ۱۹۹۰؛ کرامر و براور، ۱۹۸۴). به عبارت ساده تر، همذات پنداری «درونی کردن منافع دیگران» است. در صورت درونی شدن منافع دیگران، اعضای تجمع مربوطه منافع جمع را همچون منافع خود می دانند و اگر کنشگر فردی بطور کامل منافع جمعی را درونی کند، آنگاه وی را یک «عامل پیوند خورده» می نامند. اما در صورت فقدان آن «دیگران» در تابع فایده فرد هیچ نقشی نخواهند داشت. عدم وقوع همذات پنداری در هر کدام از تجمعات مذکور موجب نظامی با «باز خورد منفی» است که در آن هر کنش هم از نظر درونی هم از لحاظ اجتماعی نارضایتی بیشتری به بار می آورد (سمسترز و همکاران، ۲۰۰۳).

گفته می شود یک کنشگر فردی نسبت به یک کنشگر جمعی همذات پنداری «ندارد» وقتی که حداقل یکی از مشخصات زیر در وی وجود داشته باشد:

(الف) کنشگر فردی فعالیت خاصی را که در نتیجه آن به کنشگر جمعی نفع مشخصی برسد انجام نمی دهد؛ (ب) کنشگر از فعالیت های مشابهی که دیگران مشمول تجمع مربوطه از آن تاثیر می پذیرند، متأثر نمی شود (کمتر متأثر می شود)؛ (ج) کنشگر در فعالیت خاص طوری عمل می کند که انگار آن فعالیت را مستقل از دیگر اعضای تجمع انجام می دهد و (د) کنشگر حقوق کنترل کنش های خود را به دیگران مشمول تجمع مربوطه واگذار نمی کند.

بدیهی است که کنشگری که دارای تعداد بیشتری از مشخصات پنجگانه فوق باشد به همان اندازه فاقد همذات پنداری نسبت به تجمع مربوطه خواهد بود. بنابراین می توان چنین ادعا کرد که:

فرضیه (۱). فقدان همذات پنداری شهروندان با

جمع در ابعاد و جنبه های گوناگون به شرح فوق حداقل یکی از مهمترین علل تقدم منافع فردی بر منافع جمعی محسوب می شود. در این مقاله سه سطح مختلف همذات پنداری از همدیگر تشخیص داده شده است: همذات پنداری با خانواده، همذات پنداری با همسایگان، و همذات پنداری با شهروندان [زنجانی].

۵.۲ فقدان خودتنظیمی

یکی از علل وقوع تقدم منافع فردی بر جمعی «فقدان منفعت خودتنظیمی» است (لیندنبرنگ، ۱۹۹۸). خودتنظیمی یکی از انواع تمایلات شخصیتی است. این تمایل، بیشتر دارای خاصیت نظم دهنده است تا خاصیت تغییردهندگی. منظور از نظم دهنده این است که این تمایل بیشتر کنترل های محیطی را در شخصیت نمایندگی می کند. خودتنظیمی در واقع نوعی عقلانیت اجتماعی رفتاری است با پایه عقلانی و در عین حال مقید به الزامات اجتماعی. شخصی که این ویژگی را داشته باشد، سعی در به حداکثر رساندن فایده فردی دارد، اما در عین حال، به دلیل داشتن عنصری عاطفی در تابع فایده خود، در محاسبات عقلانی پیامد عمل خود به تامین انتظارات اجتماعی نیز همت می گمارد. در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، می توان چنین گمانه سازی کرد که:

فرضیه (۲). فقدان خودتنظیمی شهروندان عامل دیگری در تقدم منافع فردی بر منافع جمعی می شود.

اصل دوم: افراد هنجارو

اصل افراد هنجارو ریشه در اندیشه های تالکوت پارسونز دارد. پارسونز در پاسخ به مسأله هابزی نظم جهت گیری کنش را ناشی از «انگیزش هنجاری» می داند: هیچ چیزی به جز تلاش برای همشکلی با هنجارها نمی تواند راهنمای کنش انسانی باشد (وارنر، ۱۹۷۸). نظریه های مبتنی بر این اصل عوامل موثر بر تقدم منافع فردی را در کم و کیف هنجارها، روابط اجتماعی و احساسات ناشی از روابط

اجتماعی و برخی از متغیرهای همجنس با متغیرهای عنوان شده جستجو می کنند. در اینجا به بررسی دو عامل «اختلال هنجاری» و «اختلال رابطه ای» می پردازیم.

۵.۳ اختلال هنجاری

طبق این نظریه ها افراد خودشان را تنظیم نمی کنند لذا، راه حل مطلوب برای تنظیم رابطه فرد و جمع «درونی ساختن هنجارها» است: ساخت دهی هنجاری به اهداف (منافع) و وسایل. بر این اساس شکست نظام اجتماعی مرجع در «ساخت-دهی هنجاری به منافع و وسایل» زمینه تقدم منافع فردی بر منافع جمعی است (یاماگیشی و تاکاهاشی، ۱۹۹۴). به عبارتی در صورت فقدان راهنمای کنش (چه باید کرد، چه نباید کرد، یعنی هنجارها) در وضعیت بمباران منافع متضاد کنشگران، احتمالاً یک راه بیشتر وجود ندارد و آن «به حداکثر رساندن فایده فردی» است. این نوع شکست، در ادبیات علوم اجتماعی، امروزه «اختلال هنجاری» نامیده شده است (چلبی، ۱۳۷۵). منظور از اختلال هنجاری تقریباً همان چیزی است که دورکیم آن را «آنومی اجتماعی» می نامد (همان). اما اختلال هنجاری اشکال گوناگون دیگری نیز دارد: قطبی شدن هنجاری، تضاد هنجاری و ناپایداری هنجاری. در این بین، دو نوع «بی هنجاری» و «تضاد هنجاری» در تعیین علل تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در تجمعات و فعالیت های مختلف نقش دارند.

«بی هنجاری». «مربوط به وضعیتی می شود که انجام امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت پذیرد» (همان، ۱۱۸). وضعیتی را تصور کنید که در آن منافع فردی کنشگران مشمول تجمع خاص چون شهروندی با منافع جمعی در تضاد است. کنشگر هنجارو چه «باید» و چه «نباید» انجام دهد؟ آیا بایستی یا نبایستی فارغ از نفع یا ضرر جمعی، تقدم را بر منافع فردی خود قائل شود؟ در حالتی که «خلاء هنجاری» وجود دارد، هیچ قاعده ای تعیین کننده چگونگی حل تضاد منافع فردی و

جمعی نیست. «نتیجه یک وضعیت هرج و مرج از بی تعادلی است که در آن هیچ چیز باقی نمی ماند، جز اشتباهی فردی، اشتباهی که بی حد و حصر و غیرقابل اشباع است و هیچ چیزی وجود ندارد که تا آن را کنترل نماید.» (همان، ۱۱۹)

بی هنجاری بویژه در عرصه انطباقی، بعد A شایع است. از آنجا که عرصه فعالیت‌های انطباقی، بستر وقوع تغییرات و نوآوری است، پس تنظیم هنجاری جوامع پا به پای تغییرات سریع پیش نمی‌رود. پس از بعد انطباقی، بعد حفظ الگوها، I بیش از سایر ابعاد در معرض مواجهه با بی هنجاری است. تغییرات فرهنگی، به واسطه انفجار اطلاعات از طریق اشاعه کانال‌های ارتباطی از قبیل ماهواره، اینترنت و رسانه‌های ارتباطی دیداری و شنیداری و غیره، ارزش‌ها و حتی هنجارهای موجود در زمان حال نظام اجتماعی را مورد حمله قرار می‌دهند. هنجارسازی بویژه در این زمینه، با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. ابعاد G و سپس I کمتر از سایر ابعاد در معرض بی هنجاری هستند.

فرضیه (۳). با این وجود وقوع بی هنجاری در هر کدام از ابعاد چهارگانه، در صورتی که همه چیزهای دیگر ثابت باشند، بانی تقدم منافع فردی بر منافع جمعی می‌شود.

۵.۴ اختلال رابطه‌ای

اختلالات هنجاری به نوبت خود علت و معلول «اختلالات رابطه‌ای» هستند (چلبی، ۱۳۷۵). به عنوان توضیح باید گفت که ضعف و قوت هنجارها، در یک وجه آن، وابسته به میزان «اجباری بودن» آن است که آن نیز به نوبت خود وابسته به میزان «تراکم نظام اجتماعی» در تجمعات مربوطه می‌باشد (همان، ۱۱۰). به عبارتی، کم و کیف روابط اجتماعی میان و بین اعضای تجمعاتی چون خانواده، همسایگی و شهروندی هم بطور مستقیم و هم بطور غیرمستقیم می‌تواند بانی تقدم منافع فردی بر منافع جمعی گردد. از طرفی دیگر، همانطور که گفته شد تراکم تعاملات

اجتماعی از انواع مختلف، میزان اجباری بودن یا فشار ناشی از تعهد اعضاء به هنجارهای گروه‌ها و تجمعات را افزایش می‌دهد و از این طریق، بی هنجاری در هر دو معنای آن، کاهش می‌یابد. پی‌آمد آن، کاهش تقدم منافع فردی بر منافع جمعی است. بی جهت نیست که اکثر دانشمندان علوم اجتماعی رابطه اجتماعی را رکن اصلی هر نوع اجتماعی یا «ما» می‌دانند. بدون رابطه اجتماعی وجود «ما»ها و اجتماع غیر قابل تصور است (همان، ۱۴۷).

منظور از اختلال رابطه‌ای پایین بودن (الف) تراکم روابط مثبت اجتماعی؛ (ب) پایین بودن تعداد روابط مثبت اجتماعی؛ (ج) شدت روابط مثبت اجتماعی و (د) میزان دسترس پذیری کنشگران از طریق روابط مثبت اجتماعی می‌باشد (برت، ۱۹۸۰؛ چلبی، ۱۳۷۵؛ بقائی، ۱۳۷۷).

روابط مثبت اجتماعی به چهار بعد قابل تجزیه هستند. روابط مبادله‌ای، روابط شعائری، روابط عاطفی و روابط گفتمانی. روابط «مبادله‌ای» تعاملات دیرینه دادن و ستاندن کالاها مورد نیاز بین کنشگران هستند که دستکم در آنها خاصیت «متقابل بودن» رعایت شده باشد (کوموریتا و پارکس، ۱۹۹۵). هنگامی می‌گوییم یک شهروند با مدیریت شهری، به عنوان یک جمع، در روابط مبادله‌ای درگیر است که، برای مثال، یک شهروند سرمایه‌مالی و پولی خود را با پشتوانه یک قرارداد اقتصادی صرف یک پروژه عملیاتی برای یکی از معاونت‌های شهرداری‌ها نماید. در این فعالیت هم پیمانکار هم کارفرما- به طور متقابل- سود می‌برند. با این حساب پایین بودن تراکم، تعداد و شدت روابط مبادله‌ای بین اعضاء تجمعات دارای پیامدهای متعددی است. یکی از این پیامدها توزیع نابرابر (ناعادلانه) کالاها جمعی است، بطوری که این امکان برای «عاقلان نزدیک بین» فراهم می‌شود تا در یک فعالیت اقتصادی، بیشترین سود را به حساب شخص خود واریز کنند تا به حساب جمع. در نتیجه

کنشگران در محاسبات اقتصادی کمتر رفاه حال دیگری و جمع را در فعالیتهای اقتصادی روزمره خود منظور می‌نمایند (لیندنبرگ، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰). علاوه بر آن آمادگی برای فعالیتهای اقتصادی که حاوی «خیر جمعی» است نیز در جامعه رو به کاهش می‌گذارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۳) و کمبود روابط بده بستان متقابل میان و بین اعضای تجمعاتی چون خانواده، همسایگی و شهروندی در بعد ذهنی، موجب «احساس عجز» می‌شود. «احساس عجز نیز به نوبه خود انفعال‌گرایی، بی‌میلی و کم‌کاری را تسهیل می‌نماید» (همان، ۱۵۲). در بعد عینی نیز، کمبود روابط مذکور «فرصت‌های چانه‌زنی» را از افراد می‌گیرد. پیامد آن ابهام در کم و کیف توزیع منافع ناشی از تلاش جمعی است: بی‌هنجاری در توزیع. و همانطور که گفته شد بی‌هنجاری زمینه کاملاً مناسبی برای تقدم منافع فردی بر منافع جمعی است.

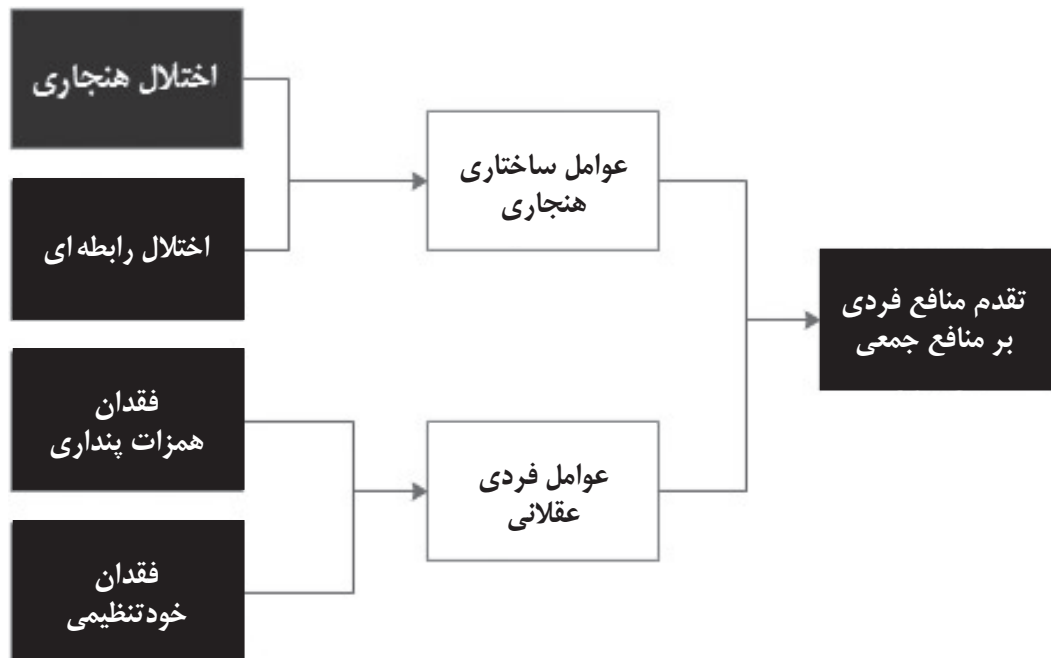
روابط «شعائری» در سه مرحله ایجاد می‌شوند: (۱) تماس رودرروی حداقل دو عضو از یک تجمع؛ (۲) توجه مشترک آنها به سوی یک یا چند چیز مشخص و آگاهی آنان از اینکه آنها همگی به یک یا چند چیز مشخص علاقمند هستند و (۳) وقوع یک حالت احساس مشترک (کالینز و همکاران، ۱۹۹۹). همانطور که فهمیده می‌شود، یک رابطه شعائری، یک کنش شدیداً کلیشه‌ای است، کنشی که در صد حفظ یک یا چند سنت ملی، مذهبی، خانوادگی، محله‌ای (همسایگی) یا شهری (شهروندی) است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد اگر روابط شعائری در حوزه‌های خانواده، همسایگی و شهروندی با اختلال مواجه گردد، آنگاه انتظار می‌رود:

(الف) میزان انرژی احساسی اعضای تجمعات مربوطه در زمان t نسبت به زمان $t-1$ کمتر شود؛ (ب) اطمینان اعضای به همدیگر در زمان t نسبت به زمان $t-1$ کمتر شود؛ (ج) اعضای در زمان t از اینکه در جمع خانواده، همسایگی، و شهری مورد نظر هستند، احساس غرور و افتخار کمتری نسبت به

زمان $t-1$ می‌کنند؛ (د) میزان مقدس بودن منافع جمعی کمتر می‌شود و (ه) تقدم منافع فردی بر منافع جمعی بصورت یک هنجار در می‌آید و آنگاه، عدم احترام به منافع جمعی با تقبیح و تنبیه اعضا مواجه نمی‌شود.

برقراری روابط «عاطفی»، از نوع مثبت آن، یکی دیگر از عواملی است که وقوع اختلال در آن می‌تواند میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را افزایش دهد. منظور از اختلال در روابط عاطفی پایین بودن تعداد، تراکم، شدت و تنوع روابط دوستی میان و بین اعضای تجمعاتی چون خانواده، همسایگی و شهروندی است (رابرتسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ تائو و وینشیپ، ۲۰۰۱؛ آندریونی، ۱۹۹۵). برقراری چنین رابطه‌ای «وابستگی عاطفی» اعضا نسبت به جمع را افزایش می‌دهد. وابستگی عاطفی اعضا به تجمعات مربوطه می‌تواند محرکی برای وارد کردن پارامتر سود و زیان جمع در تابع فایده اعضا گردد. بدین نحو است که «آنچه برای جمع خوب است، برای فرد نیز خوب خواهد بود». در صورت وقوع اختلال در برقراری این نوع رابطه وابستگی عاطفی اعضا نسبت به جمع رو به کاهش می‌گذارد، پارامتر سود و زیان جمع در تابع فایده فرد وارد نمی‌شود و احتمالاً، فرد رفتاری بر ضد جمع از خود بروز خواهد داد. یعنی اینکه عضو مورد نظر طوری رفتار خواهد کرد که به منافع جمع «زیان» وارد شود حتی اگر این کار به زیان شخص مزبور نیز باشد.

اما شاید بتوان گفت یکی از مهمترین عوامل رابطه‌ای مؤثر بر میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی وقوع اختلال در روابط «گفتمانی» میان و بین اعضای تجمعات خانواده، همسایگی و شهری است. «این رابطه نوعی ارتباط نمادی است که در آن پیام‌ها، اطلاعات و معارف گوناگون رد و بدل می‌شوند» (چلبی، ۱۳۷۵). دادن و ستاندن اطلاعات و معارف در بین اعضا، به ویژه در هنگام وجود ابهام در منافع فرد و جمع، به شفاف ساختن حق و تکلیف اعضا و جمع در قبال همدیگر کمک



نمودار ۱. مدل نظری؛ ماخذ: نگارنده.

یا اجبار میسر خواهد شد. در این وضعیت، اعضاء قدرتمند در تجمعات امکان می‌یابند تا منافع فردی خود را بر منافع جمع ترجیح دهند و از مزایای تلاش جمعی به سود خود استفاده ببرند و (ج) دایره دشمنی گسترده‌تر از پیش می‌شود. یعنی اینکه، مواجهه یک عضو با دیگرانی که به نظر می‌رسد منفعی غیر از منافع عضو مربوطه را دارند مواجهه با دشمنانی تلقی می‌شود که سعی دارند به منافع وی «زیان» برسانند. به عبارت تخصصی‌تر، برگرفته از نظریه بازی، دیگر اعضاء تجمع به عنوان بازیگران «حریف» مورد شناسایی قرار می‌گیرند نه به عنوان بازیگران خودی. در این حالت، آنهایی که بتوانند بیشترین زیان را به منافع جمع برسانند، امتیاز بیشتری کسب می‌کنند. بر مبنای گزاره‌های فوق می‌توان چنین ادعا کرد که:

فرضیه (۴). وقوع اختلال رابطه‌ای، در انواع مختلف آن، تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را افزایش می‌دهد.

می‌کند (پولزر و همکاران، ۲۰۰۰). پولزر و همکارانش (همان) ادعا می‌کنند که برقراری روابط ارتباطی (گفتمانی) امکان حل تضاد منافع فرد و جمع در حوزه‌ها و فعالیت‌های گوناگون را فراهم می‌کند. مکانیسم حل این تضادها «مجاب‌سازی» است. بدین ترتیب است که در این رابطه، اعضاء «درک» می‌کنند که بهتر است منابع مورد نیاز جمع را برای جامعه عمل پوشاندن به منافع جمعی اختصاص دهند.

در صورت پایین بودن تعداد، تراکم و شدت روابط «گفتمانی» (الف) منافع فرد و منافع جمع به طور روشن مورد تعریف قرار نمی‌گیرند و بدین ترتیب است که حق و تکلیف اعضاء و جمع نسبت به همدیگر در هاله‌ای از ابهام فرومی‌رود؛ (ب) امکان حل تضاد واقعی - و در عین حال مبهم - بین منافع فردی و جمعی در حوزه‌ها و فعالیت‌های گوناگون از بین می‌رود و حتی اگر راه حلی اتخاذ شود که بتواند این تضاد را بطور موقتی حل نماید تنها با استفاده از وسایلی چون تحریک، تطمیع، تهدید

۶- مدل نظری

اکنون که طرح مفهومی ساخته و پرداخته شده است و عوامل افزایش یا کاهش [میزان تقدم منافع فردی و منافع جمعی به طور مبسوط مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، نوبت به استخراج مدل نظری رسیده است. مدل نظری در واقع نوعی داربست مفاهیم نظری است که به نظر می‌رسد که هر کدام از اتصالات آن مقداری از جزئیات اثر علی متغیرهای مستقل (عوامل) را بر روی متغیر وابسته، یعنی میزان تقدم منافع فردی و منافع جمعی، انتقال می‌دهند.

۷- روش تحقیق

روش تحقیق از نوع «پیمایش» می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌های لازم برای اندازه‌گیری متغیرها و آزمون فرضیه‌ها «پرسشنامه محقق ساخته» است. در این ابزار «نشانگرهای» انتخاب شده در قالب سوالات یا جملات قابل فهم برای عموم مردم شهر زنجان مطرح گردیدند. پرسشنامه اولیه، بعد از آزمون اولیه با تعداد ۴۰ پاسخگو و تعیین اعتبار «محتوایی» و پایایی «همسانی درونی» متغیرهای مشمول آن (طبق جدول ۱) و حذف سؤالات ناممسان در تحقیقات اصلی در میان اعضای نمونه توزیع شد. جمعیت تحقیق شامل کلیه مردان و زنان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر زنجان بود. تعداد نمونه ۴۰۰ شهروند مرد و زن یا مدیران شهری ساکن و فعال در شهر زنجان بود. روش نمونه‌گیری «سهمیه‌ای نامتناسب با حجم» بود. بدین ترتیب که سهم افراد فعال در حوزه‌های A (فعالیت انطباقی)، G (فعالیت دستیابی به هدف)، و L (فعالیت حفظ الگوها) یکسان و سهم افراد فعال در حوزه I (فعالیت انسجامی) بیش از سایر فعالیت‌ها انتخاب شد. دلیل اتخاذ این تصمیم بر این واقعیت استوار است که اکثریت زنان در شهر زنجان غیر شاغل بوده و بنابراین نفعی در فعالیت‌های A, G, L ندارند. از اینرو می‌بایستی سهم زنان فعال در فعالیت I بیش از سایر فعالیت‌ها قرار داده می‌شد به نحوی که پاسخ‌های زنان بطور تصادفی انتخاب شده نمایاننده نظرات زنان دیگر در شهر

زنجان باشد. اطلاعات پرسشنامه‌های تکمیل شده در ویرایشگر برنامه SPSS وارد و تبدیل به داده‌های قابل استفاده آماری شدند. پردازش آماری داده‌ها در سه مرحله انجام گرفت: توصیف متغیرهای وابسته و مستقل، روابط دومتغیری و چندمتغیره.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای وابسته و مستقل

ردیف	نام متغیر	آلفای کرونباخ
۱	تقدم منافع فردی بر منافع جمعی	۰/۷۱
۲	اختلال هنجاری	۰/۷۸
۳	اختلال رابطه‌ای	۰/۷۶
۴	فقدان همدان پنداری	۰/۷۴
۵	فقدان خودتنظیمی	۰/۶۷

۸- یافته‌ها

۸.۱ توصیف تک‌متغیری

آن چنان که پیش‌تر تعریف شد، تقدم یا اولویت یک نوع رابطه‌گزینش بین دویا چند شی‌ارزشمند می‌باشد. در این پژوهش، اشیای مورد نظر، منافع فردی و جمعی هستند. این نوع رابطه در نوع خود، چنان است که در صورت تضاد بودن منافع فردی و جمعی، تا درجه‌ای که منافع جمعی خواستنی باشند منافع جمعی به همان اندازه ناخواستنی هستند و بالعکس. ردیف (۱) جدول شماره (۲) میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را به تفکیک حوزه‌های متفاوت سه‌گانه (شهری، همسایگی و خانوادگی) ارائه می‌کند. طبق نتایج، «میانگین کل» تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در حدود ۶ واحد است. اما نفعی است که یک شهروند زنجان در شرایط تضاد بین نفع فردی و شهری به حساب خود واریز می‌کند به ترتیب بیش از نفعی است که به حساب جمع خانوادگی و همسایگی واریز می‌کند. این نکته حاکی از آن است که شهروندان، بیش از همه، منافع شهری را فدای منافع شخصی خود می‌کنند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته و مستقل

ردیف	متغیر	سطح ادخال ساختاری	میانگین (دامنه ۰-۲۰)	انحراف معیار کل
۱	تقدم منافع فردی بر منافع جمعی	شهری	۷/۰۰	۳/۳۸
		همسایگی	۵/۰۰	۳/۹۲
		خانوادگی	۶/۰۰	۴/۰۲
		کل	۶/۰۰	۲/۰۸
۲	اختلال هنجاری	شهری	۷/۰۰	۳/۶۷
		همسایگی	۵/۰۰	۳/۷۰
		خانوادگی	۷/۰۰	۴/۵۰
		کل	۶/۳۳	۳/۰۷
۳	اختلال رابطه ای	شهری	۶/۰۰	۴/۱۷
		همسایگی	۸/۵۰	۵/۹۳
		خانوادگی	۴/۰۰	۴/۲۳
		کل	۷/۰۰	۳/۶۴
۴	فقدان همذات پنداری	شهری	۷/۰۰	۳/۴۰
		همسایگی	۵/۵۰	۴/۵۲
		خانوادگی	۴/۰۰	۱/۸۵
		کل	۶/۶۷	۲/۲۷
۵	فقدان خودتنظیمی	۵/۵۱	۳/۱۰	

بیش از حوزه شهری و حوزه خانوادگی است. این نتیجه نیز دال بر وجود ضعف تعاملات اجتماعی در حوزه محلی-شهری است. ردیف (۴) جدول (۲) بیانگر این است که متوسط میزان دگرذات پنداری شهروندان زنجانی با همشهریان در حدود ۷ واحد و به ترتیب بیش از حد متوسط دگرذات پنداری با همسایه ها و اعضای خانواده می باشد. پیش تر خودتنظیمی را سعی در به حداکثر رسانیدن فایده فردی با در نظر گرفتن انتظارات اجتماعی در تابع فایده شخصی تعریف کردیم. میزان کمبود این ویژگی در ردیف (۵) جدول (۲) قید شده است. طبق آن متوسط کمبود

ردیف (۲) جدول شماره (۲) کم و کیف «اختلال هنجاری» را بیان می کند. بر اساس کمیت «میانگین کل»، مشاهده می شود که در حوزه شهری خلأ هنجارهایی که بتوانند در صورت تضاد بین منافع شهروندان و مدیریت شهری به عنوان راهنمای عمل تقدم را به منافع شهروندان یا به منافع حوزه شهری تجویز کنند بیش از حوزه های دیگر مشاهده می شود. در حوزه همسایگی این خلأ کمتر از حوزه های دیگر مشاهده می شود. در خصوص «اختلال رابطه ای» وضعیت قدری متفاوت است. طبق ارقام مذکور در ردیف (۳) جدول (۲) اختلال رابطه ای در حوزه «همسایگی» به ترتیب

خودتنظیمی شهروندان مورد نظر در حدود ۵/۵۱ (از نمره ۲۰) است.

۸.۲ روابط دومتغیری

در اینجا به آزمون چهار فرضیه‌ای پرداخته می‌شود که بر مبنای نظریه‌هایی که در خصوص عوامل موثر بر تقدم منافع فردی بر منافع جمعی ارایه گردید استخراج شدند. درباره موضوع مورد بحث حداقل دو «اصل» مستقل از همدیگر در سازماندهی قالب‌های نظری وجود دارد که به گمانه‌زنی در خصوص عوامل تقدم مزبور می‌پردازند. اول، اصل «افراد عاقل سودجو» است و دومی اصل «افراد هنجاررو». در اینجا، ابتدا به بررسی عوامل تقدم منافع فردی بر منافع جمعی بر مبنای اصل «افراد عاقل سودجو» می‌پردازیم.

برای آزمون فرضیه‌های دومتغیری ارایه شده از ضریب همبستگی «اسپیرمن» استفاده شد. پشتوانه روش شناختی استفاده از این ضریب به توزیع «غیرنرمال» متغیرهای وابسته و مستقل راجع است. بر اساس ارقام جدول (۳) این امکان فراهم شده است تا به آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم پرداخته شود.

فرضیه (۱) مدعی است که «فقدان همذات‌پنداری» (دگرذات‌پنداری) شهروندان با جمع موجب افزایش تقدم منافع فردی بر منافع جمعی می‌گردد. طبق ارقام مذکور در ردیف (۳) جدول (۳) «فقدان همذات‌پنداری» رابطه مستقیم نسبتاً ضعیفی در حدود ۰/۱۰ با تقدم منافع فردی بر منافع جمعی

دارد. با استناد به سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) این رابطه قابل تعمیم به جامعه آماری بوده و فرضیه (۱) تأیید می‌شود.

بر اساس ارقام مذکور در ردیف (۴) جدول (۳) مقدار ضریب همبستگی میان «فقدان خودتنظیمی» و تقدم منافع فردی بر جمعی در حدود ۰/۱۹ بوده و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. با این حساب کاملاً مشخص می‌شود که طبق نتایج بدست آمده از نمونه آماری مورد نظر **فرضیه (۲)** مبنی بر رابطه مستقیم میان «فقدان خودتنظیمی» شهروندان و تقدم منافع فردی بر منافع جمعی تأیید می‌شود. **فرضیه (۳)** چنین اظهار می‌دارد که وقوع بی‌هنجاری با تقدم منافع فردی بر منافع جمعی رابطه مستقیم دارد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر در حدود ۰/۶۹ محاسبه شد، ضریبی که در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. لذا می‌توان ادعا کرد این رابطه مستقیم در حد متوسط رو به بالا قابل تعمیم به کل جامعه آماری بوده و فرضیه (۳) تأیید می‌شود.

با استناد به مقدار ضریب همبستگی معادل ۰/۰۹ که در سطح ۰/۰۹ معنادار است گمانه‌زنی فرضیه (۴) که مدعی است وقوع اختلال رابطه‌ای تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را افزایش می‌دهد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۸.۲ تحلیل چندمتغیری

در بند بالا به تحلیل روابط دو متغیری اکتفا شد. می‌دانیم تحلیل روابط دو متغیری برای بررسی

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌های دومتغیری: همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

ردیف	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری	وضعیت تأیید/عدم-تأیید
۱	اختلال هنجاری	۰/۶۹	۰/۰۰۰	تأیید
۲	اختلال رابطه‌ای	۰/۰۹	۰/۰۹۰	عدم تأیید
۳	فقدان همذات‌پنداری	۰/۱۰	۰/۰۵۰	تأیید
۴	فقدان خودتنظیمی	۰/۱۹	۰/۰۰۰	تأیید

روابط پیچیده بین پدیده اجتماعی کفایت نمی کند. از این رو لازم است بطور همزمان اثر تک تک متغیرها و اثر همه متغیرها باهم بر روی متغیر وابسته نهایی مورد آزمون قرار گیرد. در فرآیند انجام چنین کاری بایستی سوال شود: آیا مجموعه متغیرهایی که به عنوان متغیرهای مستقل شناخته شده اند قابلیت و توان پیش بینی (افزایش یا کاهش) میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را دارا هستند یا نه؟ اگر بلی، تا چه حد می توان اطمینان کرد که آنها در پیش بینی تقدم منافع خودی بر منافع جمعی سهیم هستند؟ کدام متغیرها فاقد سهم و کدام متغیرها دارای سهم در پیش بینی مذکور هستند؟ پاسخ به این پرسش ها مستلزم بکارگیری روش های آماری ساده و پیچیده است. ساده ترین روش استفاده از «رگرسیون چندمتغیری» است. همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود چهار متغیر مستقل این پژوهش، به طور همزمان، در حدود ۴۸ درصد از تغییرات میزان تقدم منافع فردی بر منافع جمعی را تبیین می کنند. به عبارتی دیگر اگر میزان اختلال هنجاری، اختلال رابطه ای، فقدان خودتنظیمی و فقدان همذات پنداری هر شهروند

را بطور همزمان بدانیم در چهل و هشت درصد از موارد می توانیم میزان اقدام به تقدم منافع فردی بر منافع جمعی توسط اشخاص مذکور را پیش بینی بکنیم.

آنچه که از ضرایب رگرسیونی (جدول ۵) می توان استنتاج کرد این است که در میان مجموعه متغیرهای مستقل موجود در مدل نظری در وهله اول «اختلال هنجاری» با ضریب تأثیر خالص برابر با ۰/۶۸ نقش بیشتری در تبیین تقدم منافع فردی بر منافع جمعی دارد. بعد از آن، در قیاس با سایر متغیرها، «اختلال رابطه ای» عامل موثرتری در تبیین تغییرات تقدم منافع فردی بر منافع جمعی است. متغیرهای «فقدان همذات پنداری» و «فقدان خودتنظیمی» تأثیر خالص معناداری در تبیین متغیر وابسته نشان نمی دهند. به سخن دیگر، در حضور چهار عامل فوق تنها دو عامل «اختلال هنجاری» و «اختلال رابطه ای» مسئول تغییر در کم و کیف تقدم منافع فردی ب منافع جمعی هستند.

۹- بحث و نتیجه گیری

حقیقت اینست که در کلیه شهرهای ایران در حوزه همسایگی تقریباً هیچ «زمینه ارتباطی موثر» برای

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیونی: متغیرهای مستقل

(اختلال هنجاری، اختلال رابطه ای، فقدان همذات پنداری و فقدان خودتنظیمی)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۶۹۱	۰/۴۷۸	۰/۴۷	۲/۰۶

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی

متغیر	ضریب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد Beta	مقدار t	سطح معناداری
	B	خطای معیار			
مقدار ثابت	۰/۳۵۰	۰/۶۴۲	-	۰/۵۴۵	۰/۵۸۶
اختلال هنجاری	۰/۶۴۱	۰/۰۴۲	۰/۶۷۹	۱۵/۲۲	۰/۰۰۰
اختلال رابطه ای	۰/۰۸۹	۰/۰۳۷	۰/۱۱۶	۲/۳۷	۰/۰۱۹
فقدان همذات-پنداری	۰/۰۱۴	۰/۰۶۱	۰/۰۱۱	۰/۲۲۴	۰/۸۲۳
فقدان خودتنظیمی	۰/۰۱۹	۰/۰۲۲	۰/۰۴۰	۰/۸۷۳	۰/۳۸۴

آگاهی شهروندان از مسایل و مشکلات همسایگی، میزان سهم همسایه‌ها در حفظ سلامت فیزیکی و روانی محیط همسایگی، و نیز سهم هر کدام از مواهب همسایگی وجود ندارد. در این شرایط چگونه می‌توان انتظار داشت دو راهی‌های تقدم منافع با رعایت مصالح جمعی پایان پذیرد؟ فضاهای همسایگی نسبت به سال‌های پیشین تغییر زیادی کرده‌اند؛ آپارتمانهای چند طبقه ساخته شده‌اند، ترکیب جمعیتی محله‌ها بسیار ناهمگون شده است، آمار جرم و جنایت در محلات رو به افزایش است، و مسایلی از این قبیل همگی حاکی از نیازمندی مناطق شهری به «همفکری همسایه‌ها» و «سازماندهی منطقه‌ای» است.

اگرچه مردم در مساجد و در هنگام برگزاری مراسم عزاداری خویشاوندان و نیز در مراسم عزای حسینی ممکن است از دوراهی‌های تقدم باخبر شوند ولی هیچکدام از این زمینه‌های ارتباطی بطور نهادینه در جهت حل دوراهی مورد نظر عمل نمی‌کنند. از این رو بایستی علاوه بر «حفظ زمینه‌های ارتباطی» فوق‌الذکر با همکاری کارشناسان شهرداری‌های مناطق «زمینه‌های بدیع ارتباط هدفمند» بین سرپرستان یا نمایندگان خانوارهای ساکن در مناطق شهرداری ایجاد شود و حاصل کار «تصویب تعهدات و قراردادهای عمومی» در سطح منطقه‌ای با «پشتوانه ضمانتهای اجرایی صریح و مورد توافق» عموم همسایه‌ها باشد. اقدام عملی لازم در این زمینه می‌تواند «تشکیل انجمنها و محافل محلی» با حمایت و تغذیه مالی و فرهنگی دستگاه‌هایی چون اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری و غیره باشد. در سطح شهر اگرچه شوراهای اسلامی شهری محل و جایگاهی برای تضارب آراء بین مسئولین و شهروندان محسوب می‌شوند ولی حق و تکلیف مردم و مسئولین به عنوان «امین منافع جمعی» نسبت به همدیگر را نمی‌توان در «دیدارهای کم‌دوام» مذکور مشخص و مبتنی بر رعایت قوانین را تضمین کرد. بایستی در یک

«زمینه ارتباطی عاری از دغدغه‌های ارتباط مافوق و مادون»، بطور «تکرارشونده»، و با حضور کارشناسان زبده تمامی دستگاه‌هایی که به نحوی به شهروندان خدمات عمومی ارائه می‌دهند- و از این جهت خود را حافظ منافع عمومی می‌دانند- از «حق و تکلیف متقابل مردم و دولت» ابهام زدایی گردد و قوانین مصوب با توجه به نیازهای شرایط در حال تغییر شهرهای در حال توسعه بطور مداوم مورد «بازنگری و بازنویسی» قرار گیرند. تنها در صورت ایجاد چنین زمینه‌های ارتباطی می‌توان به آینده‌ای امیدوارانه تر دلخوش کرد.

هشداردهی: باید به مردم هشدار داد که در همه حال کسانی هستند که در هر شرایطی تکلیف خود را انجام «نمی‌دهند» و آنها باید مراقب چنین کسانی باشند. این امر بدین معنا نیست که بگوییم در دل مردم نهال ترس کاشته شود بلکه بدین معناست که گفته شود مراقبت از کردار و گفتار و دارایی‌های شخصی عملی است در همه حال لازم و نمی‌توان صرفاً به وجود نهادهای امنیت آور و مجازاتگر دلخوش کرد. باشد که مردم خود- بطور غیر رسمی- خود و دیگر همشهریان را کنترل کنند و بدانند که کسانی دیگر نیز مراقب اعمال آنها هستند. بدین ترتیب مردم باید به «رقابت در پیشگیری از تقدم منافع فردی بر منافع جمعی» تشویق شوند و نه به رقابت در اختصاص منافع جمعی به حساب شخص خود. «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از راهکارهای عملی هشداردهی محسوب می‌شود. کارشناسان ستاد امر به معروف نه تنها در زمینه مذهبی بلکه در زمینه «دو راهی‌های تقدم» نیز بایستی با تجهیز خود به دانش لازم در امور مصالح جمعی و فردی و با استفاده از شیوه‌های حساب شده دست به کار «ارشاد اجتماعی» شوند.

هم‌افزایی: بایستی از تمامی ابزارهای فرهنگی استفاده شود تا به مردم چنین القاء شود که اغلب اعضای خانواده، همسایه، و مدیران شهری «خیرخواه» آنها هستند نه «بدخواه» آنها. به عبارتی بایستی چنین

Collective Interests in Indian Country Research', *Wicazo Sa Review*, Volume 20, Number 1

12. Kollock, Peter (1998). 'Social Dilemmas: The Anatomy of Cooperation', *Annual Review of Sociology*, Vol. 24: 214-183

13. Komorita, S. & Parks, C. (1995). 'Interpersonal relations: Mixed-motive interaction', *Annual Review of Psychology*, 207-183, 46

14. Kramer, R. & Brewer, M. (1984). 'Effects of group identity on resource use in a simulated commons dilemma', *Journal of Personality and Social Psychology*, 1057-1044, 46.

15. Ledyard, J. O., (1995). 'Public goods: A survey of experimental research', In *The Handbook of Experimental Economics* (ed. A. E. Roth & J. H. Kagel), Princeton: Princeton University Press

16. Lindenberg, S. (1994). 'Norms and the power of loss: Ellickson's theory and beyond', *Journal of Institutional and Theoretical Economics* -101:(1) 150-113

17. Lindenberg, S. (1998). 'Solidarity: its microfoundations and macro-dependence. A framing approach', in Doreian, P. and Fararo, T.J. (Eds.) *The Problem of Solidarity: Theories and Models*, Amsterdam: Gordon and Breach, pp. 112-61.

18. Lindenberg, S. (2000). 'It takes both trust and lack of mistrust: The workings of cooperation and relational signaling in contractual relationships', *Journal of Management and Governance* 33-11: 4.

19. Miller, Dale T. (1999), *The Norm of Self-Interest*, *American Psychologists*, Vol.54, No.12, PP.-1053-1060

20. Polzer, J. T. & Laurie P. Milton & Deborah H. Gruenfeld (2000). *Asymmetric Subgroup Communication in Nested Social Dilemmas*, Working paper. Available at: http://www.hbs.edu/faculty/Publication20%Files/585_007-02a4c775-82d4-c8e-ace6-9de16907ffb0.pdf

21. Robertson, Peter J. and Wang, Feng and Trivisvavet, Supamas (2007). 'Self- and Collective Interests in Public Organizations: An Empirical Investigation', *Public Performance & Management Review*, Vol. 31, No. 1, pp. 2007, 84-54

22. Smeesters, D., Warlop, L., van Avermaet, E., Corneille, O., & Yzerbyt, V. (2003). 'Do not prime hawks with doves: The interplay of construct activation and consistency of social value orientation on cooperative behaviour', *Journal of Personality and Social Psychology*, 987-972, 84

شود که مردم به همدیگر به عنوان یک دشمن یا رقیب نگاه نکنند بلکه بدانند که آنها کسانی هستند که با رعایت قواعد سهم بری می توانند از همدیگر استفاده کافی ببرند و وجود یکدیگر را تکمیل کننده وجود و تامین کننده نفع فردی همدیگر بدانند.

منابع و مأخذ

۱. اداره کل فرهنگ و ارشاد استان زنجان (۱۳۷۹) بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی (مجموعه مقالات)، انتشارات باز: تهران
۲. بقائی سرابی، علی (۱۳۷۷) علل همبندی شبکه بین گروهی: عوامل موثر بر همبندی شبکه بین خانواده های تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی: تهران
۳. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی: تهران
۴. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، نشر نی: تهران
۵. معیدفر، سعید (۱۳۷۹) «تبیین جامعه شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران»، در بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، انتشارات باز: تهران
6. Andreoni, J. (1995). 'Warm-Glow versus Cold-Prickle: The Effects of Positive and Negative Framing on Cooperation in Experiments.' *Quarterly Journal of Economics*, 21-1: 110
7. Bauzon, Kenneth E. (1992). *Development and Democratization in the Third World: Myths, Hopes, and Realities*. Taylor & Francis
8. Burt, Ronald S. (1980). "Cooptive Corporate Actor Networks: A Reconsideration of Interlocking Directorates Involving American Manufacturing." *Administrative Science Quarterly*, 4)25,(1980), pp. -557-82
9. Collins, Randall (2004). *Interaction Ritual Chains*, Princeton University Press.
10. Fararo, Thomas, J. (1989). *The Meaning of General Theoretical Sociology: Tradition and Formalization*, Cambridge University Press
11. Goldberg, Carole E. and Duane Champagne (2005). 'Changing the Subject: Individual versus

23. Tao, Lin and Christopher Winship (2001). "Comment: Modeling Social Interdependence: Is It in the Structure or in Our Heart?", Sociological Methodology, Vol.106-97 :31
24. Warner, R. Stephen (1978). "Toward a Redefinition of Action Theory: Paying the Cognitive Element It's Due", American Journal of Sociology, V.83, N-6:1317-1349
- Yamagishi, Toshio & Nobuyuki Takahashi (1994). 'Evolution of Norms Without Metanorms', In U. Schulz, W. Albers & U. Mueller (eds.). Social Dilemmas and Cooperation. Heidelberg: Springer, PP:326-311

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

توسعه بام سبز در طراحی فضاهای شهری پایدار با ارائه راهکارها و پیشنهادات، نمونه موردی: باغ - مدرسه ها

حمید ماجدی - دانشیار و رییس دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
فریال سادات سیادتی* - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران.

چکیده

Green roof development in sustainable urban design solutions and suggestions, case study: Garden - School

Abstract

The use of green roofs in architecture and town planning is an important consideration. The use of green roofs and facades covered in most European countries and America States has grown substantially. The main reasons for the addition of architectural aesthetics topics, respond to factors such as insulation (heat, moisture and sound) Natural building, the use of dead space in the roof to create a pleasant atmosphere and the creation of eye-catching facade combined with the nature of man, helping to reduce atmospheric pollution and increasing the proportion of oxygen in the air, and so on. On the other hand, a lead to increased stability of buildings with green roofs and rain is torrential rains and management. Most developed countries have taken steps in this direction; the need to be inclusive of interest in this issue. In this paper, a method of logical analysis and documentation to evaluate and develop solutions Green roofs in the garden of urban spaces, especially - School discussed. In the end, several strategies have been discussed in this context.

Keywords: sustainable development, green roofs, environment, strategies and recommendations.

امروزه بکارگیری بامهای سبز در طراحی معماری و شهر مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است؛ چنانچه استفاده از پوشش سبز در بام و نمای ساختمان در اکثر کشورهای اروپایی و ایالات آمریکا رشد چشمگیری داشته که دلایل عمده آن علاوه از مبحث زیبایی شناسی معمارانه، پاسخگویی به عواملی همچون عایق سازی طبیعی ساختمان (حرارتی، رطوبتی و صوتی)، استفاده از فضای مرده بام در جهت خلق فضای دلپذیر و خلق سطوح چشم نواز در نما، تلفیق ساختار مصنوع با طبیعت، کمک به کاهش آلودگی های جوی و افزایش نسبت اکسیژن هوا و غیره می باشد. از طرفی طراحی ساختمان با بام سبز منجر به افزایش پایداری و مدیریت صحیح بارانهای سیل آسا و آب باران می گردد. اکثر کشورهای توسعه یافته در این راستا در این راه قدم نهاده اند که لازم است تا در ایران نیز این موضوع مورد توجه فراگیرتری قرار گیرد. در این مقاله با روش تحلیل منطقی و روش اسنادی به بررسی و ارائه راهکارهای توسعه بامهای سبز در فضاهای شهری خاصه در باغ - مدرسه ها پرداخته شده و در پایان راهکارهایی چند در این رابطه مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، بام سبز، محیط زیست، راهکارها و پیشنهادات.

* نویسنده مسؤل مکاتبات، شماره تماس: ۳۳۵۹۴۹۵۰، رایانامه: archi.2010@yahoo.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده استخراج شده است که از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود تشکر و قدردانی می گردد.

مقدمه

از اوایل دهه شصت میلادی و با مورد توجه قرار گرفتن «کیفیت محیط زیست» در بافت شهری و چالش‌های زیست محیطی شهرهای بزرگ از قبیل آلودگی هوا، کمبود فضای سبز شهری به خصوص در مناطق مرکزی شهر، ظهور پدیده «جزیره گرمایی شهری و بحران انرژی»، موج جدید رویکرد به بام‌های سبز، در مفهوم جدید، به دلیل مزایای زیست محیطی و به عنوان راه حل اکولوژیک از اروپای شمالی آغاز شد، و خیلی زود جای خود را در اغلب کشورهای اروپایی باز کرد. در این میان کشورهای آلمان، سوییس، فرانسه و اتریش در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی پیشروتر بودند و فعالیت‌های گسترده تری را در این زمینه آغاز کردند. در آلمان دهه هشتاد میلادی، گسترش کمی بام‌های سبز در مقیاس شهری دیده می‌شود، به نحوی که رشد سالیانه آن به ۱۵ الی ۲۰ درصد می‌رسد. تنها در سال ۱۹۹۶ میلادی ده میلیون مترمربع بام سبز در آلمان احداث شد. سهم زیادی از این رشد رو به افزایش مدیون قوانین تصویب شده توسط دولت و تخصیص یارانه‌های شهرداری‌ها برای احداث بام سبز بود. بام سبز یکی از رویکردهای نوین معماری و شهرسازی و برخاسته از مفاهیم «توسعه پایدار» است که از آن می‌توان در جهت افزایش سرانه فضای سبز، ارتقای کیفیت محیط‌زیست و توسعه پایدار شهری بهره برد. استفاده کاربردی از بام‌ها می‌تواند به عنوان امکان بهره‌برداری بهینه از زمین‌های شهری قلمداد شود (سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری تهران، ۱۳۸۹). «تکنولوژی بام سبز» یکی از شاخه‌های معماری پایدار محسوب می‌شود که امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع با توجه به سیاست‌های فرهنگی و زیست محیطی این کشورها جایگاه این تکنولوژی مشخص شده و مورد حمایت همه گروه‌ها قرار گرفته و تهمیدات لازم برای پشتیبانی از هزینه‌های اولیه ساخت آن

توسط دولت در نظر گرفته شده و همچنین با توجه به مشکلات زیست محیطی، فرهنگ استفاده از ابزارهای معماری پایدار توسط مردم این کشورها درک شده و به صورت یک دستورالعمل اجرایی در ساختمان‌سازی درآمده است. اگرچه بام‌های سبز در کشورهای اروپایی تبدیل به جزء معمول و تاحدی ضروری ساختمان‌ها شده و در کشورهای آسیای شرقی و آمریکای شمالی هم به عنوان عنصری جدید و در حال رشد پدیدار شده‌اند، در بسیاری از کشورها همانند ایران همچنان عنصری ناشناخته و غریب محسوب می‌شود. در ایران اگرچه در گذشته شاهد انجام برخی پروژه‌ها در این زمینه بوده‌ایم از جمله ساختمان آ-اس-پ و برج مسکونی نیاوران در تهران؛ اما به طور مستمر توسعه نیافته‌اند (انصاری و کشتکار، ۱۳۸۵). در هر حال در نمونه‌های ذکر شده؛ شهر تهران، مشکل اصلی، طراحی و ایجاد فضای سبز با نقش تزئینی و غیرساختاری را دارد (شرقی و محتشمی، ۱۳۸۶). ضرورت بررسی بام‌های سبز با توجه به موضوعات محیط‌زیستی در معماری و شهرسازی از اهمیت ویژه‌ای در راستای ارتقای کیفیت محیط‌زیست و توسعه پایدار شهری برخوردار است. براساس سیاست‌های کاهش آثار نامطلوب شهرسازی بر محیط‌زیست، با هدایت این فعالیت‌ها از طریق ارتقاء آگاهی از هزینه‌های متفاوت استقرار بام‌های سبز بر پایه نوع، مصالح و محیط به بام‌های معمولی، می‌توان تا اندازه‌ای در بهبود وضعیت محیط‌زیست موثر واقع شد (نهرلی و همکاران، ۱۳۹۰).

از سویی دیگر، طبق آمار سال ۲۰۰۶ میلادی، بیش از ۷۵ شهرداری اروپایی، برای بام‌های سبز و گسترش کمی آن در سطح شهری برنامه ریزی مدونی داشته و اجرای بام‌های سبز در آن شهرها به صورت دستورالعمل اجرایی درآمده است. دهه هفتاد میلادی، قاره آمریکا با یک دهه تاخیر نسبت به قاره اروپا، علاقه مند و کنجکاو این فناوری جدید شد، چنانچه امروزه بام سبز در برنامه ریزی شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

شمال آمریکا در مناطقی مانند شیکاگو، پورتلند، اورگن و تورنتوی کانادا به صورت دستورات عملی‌های اجرایی در آمده است. جهان امروز از قاره اروپا و آمریکا تا آسیا و حتی آفریقا شاهد افزایش روزافزون شهرهایی است که در راستای گسترش بام‌های سبز در مقیاس شهری تلاش می‌کنند. در این راستا در کشور ما که بخش عمده آن در اقلیم گرم و خشک واقع شده است و در رابطه با کلان شهرها که از یک سو با آلودگی‌های زیست محیطی همچون آلودگی هوا، آلودگی‌های ناشی از فاضلاب شهری، آلودگی صوتی و آلودگی آب‌های سطحی مواجه هستند و از سوی دیگر به دلیل وجود جزایر گرمایی شهری و افزایش دما در مراکز شهری به دلیل رشد غیراستاندارد و نامحدود بافت‌های شهری که با افزایش مصرف بی‌رویه انرژی‌های فسیلی توأم است، می‌توان از بام سبز به عنوان راهکاری مناسب برای ارتقاء کیفیت زیست محیطی و پایداری هرچه بیشتر معماری و شهرسازی استفاده نمود. با توجه به مسایلی که به آن اشاره شد و همچنین محدودیت زمین و نیاز به فضای سبز، بام‌های سبز به عنوان راهکاری مؤثر در پایداری هرچه بیشتر شهرهای ایران مورد مطالعه و اجرا قرار گیرد. بدین منظور در این تحقیق ابتدا به ماهیت بام‌های سبز و منافع استفاده از این عناصر پرداخته شده است، سپس به سیاست‌های توسعه بام‌های سبز و موانع و محدودیت‌های توسعه کاربردی آنها بالاخص در باغ-مدرسه‌ها پرداخته شده است. در انتها نیز نتیجه‌گیری و جمع‌بندی لازم انجام گرفته و راهکارهایی چند در زمینه گسترش میزان کاربرد آنها در سطوح فضاهای شهری مورد اشاره قرار گرفته است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ ماهیت رویکرد «سیاستی-کاربردی» دارد؛ لذا از «روش تحلیل منطقی» در فرآیند بررسی مبانی استفاده شده و «روش توصیفی-تحلیلی» نیز در بستر «روش اسنادی»

برای مطالعه مبانی نظری موردنظر بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز «مطالعات کتابخانه و رجوع به منابع مطالعاتی» در این زمینه با استفاده از «تکنیک فیش برداری و اسنادی» بوده است.

پیشینه و ادبیات تحقیق

مشخص نیست که ایده اصلی چنین طرحی منصوب به چه کسی و به کدامین دوره باز می‌گردد. شاید این ایده از توصیف باغ‌های معلق بابل (عراق) نشأت گرفته شده باشد؛ باغهایی که در هوا معلق نبوده بلکه در واقع روی بام‌ها و مهتابی‌های چند ساختمان قرار داشتند. این باغ در سال ۶۰۰ قبل از میلاد به دستور بخت نصر برای همسرش که شاهزاده خانمی از ماد و دلتنگ کوهها و سبزی و خرمی زادگاهش بود، ساخته شد. بخت نصر دستور داد کوهی بسیار بزرگ با ابعاد عجیب بسازند. این کوه در واقع ساختمانی چهارگوش با ارتفاع ۱۲۰ متر بود که ۵ بام داشت و هریک بر ستون‌هایی بنا شده بود که در آنها انبوهی از چمن، گل و درخت میوه کاشته شده و توسط تلمبه‌های آبی، آبیاری می‌شدند. به هر تقدیر و سوای اینکه فلسفه چنین طرحی از کجا ناشی شده، سیستم بام سبز زمانی بوجود آمد که طرح یک فضای سبز بر روی سازه بام اجرا گردید. بام سبز در واقع بامی است که بر روی سطح آن گیاهان رشد می‌کنند. تنوع گیاهی چنین ساختاری می‌تواند از بام پوشیده از چمن مصنوعی تا باغ بامی باشد که با گیاهان مورد استفاده در طراحی منظر پوشیده شده است. با شروع انقلاب صنعتی مهاجران زیادی از نقاط روستایی به شهرهایی مثل منچستر، لندن و غیره وارد شدند. در این مقطع کمبود شدیدی در عرضه مسکن و خدمات به وجود آمد و برخی از مهاجران در واحدهای مسکونی با کیفیت پایین و فاقد هرگونه امکانات بهداشتی ساکن شدند. «انگلس» در توصیف این شرایط عنوان می‌کند: «هریک از خانه‌های محقر که حداقل دارای ۲ اتاق کوچک و یک زیر شیروانی و در بهترین حالت یک زیرزمین می‌باشد،

به طور متوسط ۲۰ نفر زندگی می کنند. چه بگویم وقتی که در تمام محله یک توالی عمومی برای ۱۲۰ نفر وجود دارد که اکثر اوقات غیر قابل استفاده است.» از سویی دیگر، از سالهای نخستین دهه ۱۹۶۰ تأثیرات منفی توسعه بر محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. از جمله می توان به کتاب «بهار خاموش» نوشته «راشل کارسون» زیست شناس آمریکایی اشاره کرد که نسبت به ظرفیت محدود محیط برای جذب مواد شیمیایی و خطرات ناشی از آن هشدار داده و عزم جهانی برای حفاظت از محیط زیست را خواستار شد. در سال ۱۹۶۸ شاهد بوجود آمدن «کلوپ رم» هستیم که هدف آنها ایجاد درک کلی از مساله دار بودن محیط زیست جهان بود. آنها نخستین شبیه سازی کامپیوتری از تأثیرات محیطی تولیدات صنعتی، رشد جمعیت، و مصرف مواد طبیعی را انجام دادند. انتشار کتاب «محدودیت رشد» در سال ۱۹۷۱ که چهار میلیون نسخه از آن طی چهار سال به فروش رفت، باعث ارتقاء آگاهیهای عموم گردید. دغدغه های زیست محیطی موجب برگزاری «کنفرانس ملل متحد در استکهلم» در سال ۱۹۷۲ گردید. در واقع به دنبال طرح مسائل جدی محیط زیست، نظیر آلودگی هوا و صدای ناشی از تمرکز صنایع و وسایل نقلیه موتوری توسعه بی رویه و نامحدود شهرها بصورت

افقی و عمودی و جنگل زدایی و افزایش نابودی گونه ها، تولید بی سابقه مواد زائد، پدیدار شدن اثرات گلخانه ای و جزایر حرارتی، افزایش دمای کره زمین و غیره که همه در نتیجه انقلاب صنعتی و توسعه صنعت بود. سازمانهای رسمی نیز در مقام پاسخگویی در قبال مسائل مطرح شده برآمدند؛ بدین ترتیب بحث پایداری در قالب توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ از طریق گزارش موسوم به «گزارش برانت لند» تحت عنوان «آینده مشترک»، توسط «کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه» بطور رسمی در دستور کار سیاسی قرار گرفت. همچنین در سال ۱۹۹۲ در «اجلاس سازمان ملل» در شهر «ریودوژانیرو» تحت عنوان «اجلاس سران زمین» سندی در همین رابطه توسط ۱۸۷ کشور به امضاء رسید که به عنوان «دستور کار ۲۱» انتشار یافت. بر طبق سند مزبور تمام کشورها مکلف به تدوین برنامه های استراتژیک و عملی جهت اجرای مفاد دستور کار ۲۱ در مقیاس ملی کشور خود تحت عنوان دستور کار ۲۱ محلی گردیدند. برنامه اجرایی مطرح شده در دستور کار ۲۱ شامل موارد زیر می باشد:

۱. نیاز به حفاظت زیستی محیطی از آب و خاک و تنوع زیستی که حیات به آنها وابسته است؛
۲. نیاز به توسعه اقتصادی برای غلبه بر فقر؛ و

جدول ۱. مدلها و الزامات توسعه پایدار؛ ماخذ: بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۹.

مردم می بایستی در مرکز توجه قرار گیرند. حفاظت از محیط زیست جنبه حیاتی دارد ولی به تنهایی هدف نیست بلکه مانند رشد اقتصادی تنها یک وسیله است.
مدلهای توسعه می بایستی بر اساس فناوری سازگار با محیط زیست باشد.
بایستی با انگیزه قوی ارزش درست محیط زیست را در تمام فرآیندهای تصمیم گیری انعکاس داد.
مدلهای توسعه پایدار بایستی مبتنی بر زمینه سازی مشارکت همگانی و التفات به وضع جامعه باشد.

۳. نیاز به عدالت اجتماعی و تنوع فرهنگی در جهت آنکه اجتماعات محلی در بیان ارزشهایشان برای حل مسائل توانمند گردند.

مفهوم توسعه پایدار نیز انجام سرمایه گذاری کافی در زمینه آموزش، بهداشت اجتماعی و انرژی است؛ بطوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید. از این بستر توسعه پایدار تنها بر جنبه محیط زیست نظر ندارد و تمامی زمینه های زندگی انسان را در بر می گیرد که می بایست در راستای تحقق آن تغییرات اساسی در سیاستهای ملی و بین المللی صورت گیرد. مدل های توسعه پایدار می بایستی بر چهار اصل بنیان یابند تا امکان رفاه و رضایت اجتماعی و بهبودی زندگی جمعی امکان پذیر گردد. در جدول ۱ به این اصول اشاره شده است.

در سه دهه اخیر نیز، بحث درباره چگونگی پایدار بودن تمامی تولیدات، مجموعه ای از تعریفها را ایجاد کرده است. میزان وسیعی از گروهها (بخشی از دولت های ملی تا سازمان های بین المللی) با این مفهوم هماهنگ شده اند و آن را در همکاری ها و فعالیت هایشان وارد کرده اند؛ برای مثال در دولت انگلیس استراتژی توسعه پایدار این گونه تعریف می شود: «یک مفهوم ساده از تضمین زندگی با کیفیت بهتر برای هر کسی که در حال یا در آینده زندگی خواهد کرد» (1999, DETR). این استراتژی تأکید می کند که ابزار توسعه پایدار در جهان و انگلیس شامل چهار موضوع است:

۱. پیشرفت اجتماعی که به عنوان نیاز برای هر شخصی تلقی می شود؛
۲. حفاظت مؤثر از محیط زیست؛
۳. استفاده محاطانه از منابع طبیعی؛ و
۴. دستیابی و حفظ سطوح بالای رشد اقتصادی و اشتغال.

مفهوم توسعه پایدار تحولی در بخش تجاری بوجود آورد. در سه دهه اخیر یافته ها و مقبولیت توسعه پایدار در بخش تجاری رشد قابل ملاحظه ای داشته است. بسیاری از کمپانی های در حال پیشرفت، شروع

به تزریق پایداری در استراتژی ها و فعالیت های خود نموده اند. این طرز فکر برای مثال بعد از کنفرانس جهانی تجارت برای توسعه پایدار (WBCSD) منجر به یک ائتلاف وسیع از ۱۶۵ کمپانی بین المللی برای تدوین یک میثاق نامه مشترک برای توسعه پایدار از طریق سه اصل رشد اقتصادی، تعادل اکولوژیکی و پیشرفت و ترقی اجتماعی گردید (اگرچه همه اجزاء شرکت کننده موارد تصویب شده زیست محیطی را سرمشق فعالیت ها و برنامه های خود قرار ندادند)؛ بسیاری از سازمان های حرفه ای شامل انجمن های علمی و مهندسی توسعه پایدار را در تبلیغات و قوانین خود دخیل کرده اند. یکی از مهمترین مؤثرترین تعاریف در این زمینه از «استراتژی برای حیات پایدار» گرفته شده است. تعریف دیگری که از تلفیق نظریات و مکتوبات UNEP، اتحادیه بین المللی برای حفظ طبیعت (IUCN) و WWF که برای توسعه پایدار آمده عبارت است از:

- ۱- «بهبود کیفیت زندگی در کنار حفظ ظرفیت حاصل اکوسیستم های حمایت کننده» و
- ۲- در یک شباهت جزئی «علمی برای پایداری جهانی» می باشد.

مجموعه دانشمندان فعال در این زمینه نیز بیان می کنند که بشر می بایست در محدودیت سیستم های طبیعی زندگی کردن را بیاموزد در حالی که به یک تضمین از استانداردهای کافی و مناسب برای همه افراد وجود داشته باشد. بر اساس کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، موضوعات اساسی توسعه شامل «جمعیت و توسعه، امنیت غذایی، تنوع حیات گونه ها و محیط زیست، انرژی، صنعت و چالشهای شهری» می گردد. بر این اساس کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را الگویی از توسعه می داند که نیازهای بشری را بدون از بین بردن توانایی نسل های آینده تعریف می کند. بدون شک توسعه پایدار و خاصه توسعه پایدار در ساختار شهری و در قالب مفاهیمی همچون طراحی شهری و معماری پایدار، جز از طریق بهبود

کیفیت زندگی شهری و افزایش رفاه شهروندی ممکن نخواهد شد. پیشینه تحقیق نشان می دهد تاکنون ۴۰۰ شاخص برای توسعه پایدار تعریف شده است که بیشتر آنها در راستای طرح های پیشنهادی سازمان ملل در رابطه با توسعه پایدار می باشد.

معرف ها و شاخص های پایداری

«مولدان و ببلهارز» (۱۳۸۱) معتقدند که برای اینکه بتوان توسعه را پایدار نامید، باید دارای چهار مشخصه باشد که عبارت است از: «بهره وری، عدالت، انعطاف پذیری و ثبات». «فرخلو و حسینی» (۱۳۸۵)، در تعریف شاخصهای توسعه پایدار شهری به محورهای جمعیت، موقعیت اقتصادی، تغییر اقلیم، کیفیت هوا، کیفیت آب طبیعی، جامعه باز، برنامه ریزی یکپارچه و واحد، توانایی و پتانسیل نوآوری و ابداع، پتانسیل و ظرفیت مربوط به زیرساخت منطقه، سرمایه اجتماعی، آموزش و امنیت اشاره می کنند. به هر ترتیب بطور کلی پایداری شهرها در چهار حوزه اصلی، اجتماعی (فرهنگی)، زیرساختها (کالبدی)، اقتصادی و زیست محیطی تعریف می شود. در حوزه اقتصادی و در جهت حفظ شرایط پایداری شهر در طول زمان از نظر اقتصادی شهرها نیاز خواهند داشت که در تدوین راهکارهای توسعه و زیرساخت های اقتصادی به گونه ای عمل نمایند که بتوانند بیشینه استفاده را از موقعیت ها و پتانسیل های خود در ابعاد مختلف محلی، ملی و بین المللی در جهت حفظ و تداوم کیفیت بیشتر زندگی ساکنانشان ببرند. هدف اصلی شهر در یک محیط رقابت جهانی باید بر دو نکته متمرکز شود:

۱. یکی حداکثر استفاده (البته به صورت پایدار) از پتانسیل ها و قابلیت های اقتصادی و
۲. دومی تاکید بر ایجاد فعالیت های اقتصادی متنوع در شهر، بدین جهت که شهر بتواند در مقابل نوسانات و اختلالات غیر منتظره محیط جهانی انعطاف پذیری و توان مقاومت لازم را داشته باشد. یکی از جنبه هایی که در حوزه تحقق توسعه پایدار پیگیری شده است، موضوع شبکه سازی

(networking) به ویژه توسط نهادها و سازمانهای غیردولتی است. شبکه ابزار نیرومندی برای گسترش و تعمیق فعالیت سازمانهای غیردولتی و نیز دولتی به حساب می آید. اگر نگاه دقیق تری بیندازیم در واقع جامعه ترکیبی از شبکه های متعدد زیر است که پیگیری رویکرد پایداری در آن ضرورت دارد: شبکه های میان سازمانها، شبکه درون سازمانی، شبکه های شخصی؛ شبکه های کامپیوتری و علاوه بر اینها شبکه های فرامرزی.

«مایکل هاگ» در کتاب «شکل شهر و فرآیند طبیعی: به سوی یک بوم شهری جدید» اصول طراحی شهری اکولوژیکی برای طراحی شهری پایدار را معرفی می کند که عبارتند از (Hough:1984 & Carmona:2003):

۱. «درک ارزش فرآیند و تغییر»: فرآیندهای طبیعی غیر ایستا هستند و تغییر اجتناب ناپذیر،
 ۲. «مفاهیم اقتصادی و اقتصاد ابزارها»: نتیجه گرفتن بی شمار از صرف تلاش و انرژی کمتر،
 ۳. «تنوع»: پایه ای برای سلامت اجتماعی و محیطی،
 ۴. «سواد محیطی»: پایه ای برای درک گسترده تر مسائل و مباحث اکولوژیکی،
 ۵. «ارتقاء محیط»: به عنوان یک نتیجه تغییر، نه به عنوان محدود کردن زیان و خسارت.
- «واتسن» نیز در مقاله «طراحی پایدار» در دستیابی به طراحی شهری پایدار را اینگونه توصیف می کند:
۱. «تنوع زیستی و یکپارچگی محیطی را حفظ می کند»؛
 ۲. «در سالم بودن هوا، آب و خاک مشارکت می کند»؛
 ۳. «طراحی یکپارچه که در طراحی و ساخت، شرایط اقلیم منطقه ای را انعکاس می دهد»؛
 ۴. «اثرات نامناسب کاربردهای انسانی را کاهش می دهد.» (Watson:2003:4,9)
- «نیروی ویژه مسائل شهری» (Urban Task Force) و «جنبش رشد هوشمند» (Smart growth) به روشنی اشاره کرده اند که نادیده انگاشتن ملاحظات

جدول ۲. ابعاد و شاخص های پیشنهادی پایداری؛ ماخذ: یافته های نگارندگان.

سازمان	بعد	شاخص
کمیته امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (سال ۲۰۰۰) (2009:69, Golusin)	اجتماعی	سواد، اشتغال، سلامت ذخایر آب، خانوار، کیفیت زندگی، میراث فرهنگی، توزیع درآمد و فقر، نرخ جرایم، جمعیت، دسترسی به منابع و غیره.
	اقتصادی	انرژی، مدل‌های تولید و هزینه، مدیریت پسماندها، حمل و نقل، معدن کاوی، ساختار اقتصادی و توسعه، تجارت، بهره‌وری
	محیطی	کیفیت و پاک‌ی آب، کشاورزی و آذوقه، شهرنشینی، اراضی ساحلی، وضعیت اکولوژیکی دریاها، ماهیگیری، آلودگی هوا، پایداری توریسیم، پایداری مدیریت جنگل، تغییرات در استفاده از خاک
	نهادی و تشکیلاتی	همگرایی در سیاست‌گذاری، بازسازی ظرفیتهای دسترسی عموم به اطلاعات، قرارداد همکاریهای بین‌المللی، مشارکت عمومی، سازمان‌های قانونی و قانون‌گذاری
رهیافت‌های پیشنهادی توسعه پایدار (سازمان ملل) (سال ۲۰۰۲)	طبیعی	تعادل وابسته به آشناسی، کیفیت آب، کیفیت هوا، تغییرات پوشش گیاهی، استفاده از خاک، فرسایش، مراقبت از منظر طبیعی
	اجتماعی	سواد (سطح تحصیلات)، سلامتی (مرگ و میر کودکان)، مراقبت پزشکی، فقر، دسترسی به آب شرب، تاسیسات فاضلاب، دسترسی به برق
	اقتصادی	اشتغال، تولید ناخالص، ارزیابی محیطی
OECD (۱۹۹۶)	جمعیت و مهاجرت	تراکم، تغییرات، ساختار، خانوار، جامعه
	برابری و رفاه اجتماعی	درآمد، مسکن، سواد، سلامتی، امنیت
	عملکرد و ساختار اقتصادی	نیروی کار، اشتغال، تولیدات، سرمایه‌گذاری
	پایداری و محیط	توپوگرافی و اقلیم، تغییر کاربری اراضی، محل سکونت و نوع آن، خاک و آب، کیفیت هوا
UN/PCSD (1997)	اجتماعی	مقابله با فقر، ارتقای سواد، آگاهی عمومی و آموزش، مراقبت و ارتقای سلامتی انسان، ارتقای پایداری توسعه سکونتگاههای انسانی، همیاری و سرمایه اجتماعی
	اقتصادی	تغییر الگوی مصرف، منابع مالی و مکانیسم آن
	زیست محیطی	آب، زمین، منابع طبیعی، اتمسفر، پسماندها
	نهادی و تشکیلاتی	همگرایی در سیاست‌گذاریهای محیطی و توسعه، آگاهی برای توسعه پایدار، قوانین بین‌المللی زیست محیطی، اطلاعات برای تصمیم‌گیری، تقویت نقش گروههای مدنی
قادری و امیری، (۱۳۸۵، ۱۰۴)	زیست محیطی	موقعیت، فاصله، توپوگرافی، کیفیت و کمیت آب، حفظ کیفیت خاک، جلوگیری از تخریب محیط زیست، استفاده از کودهای شیمیایی و سم در مزارع
	اجتماعی	نرخ رشد، سطح سواد، میزان مهاجرت، سرمایه اجتماعی، عدالت در توزیع منابع، کیفیت زندگی، آموزش، کاهش معضلات اجتماعی، توانمندسازی و مشارکت در تصمیم‌گیری، سلامتی و بهداشت، سکونت برای همه، فرصتهای برابر برای افراد مختلف
	اقتصادی	اشتغال، درآمد، بار تکفل، سهم هر فرد از تولیدات کشاورزی، ارتقا کیفیت زندگی، کارایی استفاده از منابع توسعه، تنوع معیشت، تمایل به فعالیت‌های اقتصادی در محل سکونت

پایداری طراحی شهری همچون کاربری مختلط، ارتباطات و دسترسی ها می تواند به پایداری کمتر، عدالت اجتماعی کمتر و در یک مفهوم گسترده تر فرم شهری غیرپایدار اقتصادی منجر شود. همچون موارد مطرح شده نمونه های فراوانی در ادبیات طراحی شهری پایدار اصولی را جهت دستیابی به این وجه طراحی شهری به عنوان یک وجه تکاملی طراحی شهری مطرح کرده اند. به طور کلی، اهداف طراحی شهری در چارچوب توسعه پایدار، بر حفاظت همزمان از محیط طبیعی و محیط انسان ساخت تاکید دارد (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۴۶).

«کلیف ماتین» سه اصل زیر را می توان به عنوان اصول سه گانه طراحی شهری پایدار معرفی می کند:

۱. «اصل اول: اولویت بخشیدن به بازیافت ساختمانها، زیرساختها و شبکه معابر موجود از طریق منطبق نمودن آنها با شرایط و نیازهای جدید. در این اصل بر حفاظت و بهسازی ابنیه و بافت های شهری تاکید می شود»:

۲. «اصل دوم: حفاظت از منابع و چشم انداز های طبیعی» و

۳. «اصل سوم: کاستن از میزان مصرف انرژی در توسعه نواحی شهری جدید، که این هدف از طریق کاربرد استخوانبندی شهری صحیح، گونه های ساختمانی مناسب، توزیع فضایی مناسب کاربری ها و استفاده از تراکم بهینه پیگیری می شود. به عبارت دیگر صرفه جویی در مصرف انرژی از طریق ایجاد ارتباطات نزدیک تر بین کاربری های مختلف شهری و همچنین از طریق کنترل طرح ساختمان ها از نظر بازدهی مصرف انرژی امکان پذیر می گردد.»
در این ارتباط می توان گفت که:

۱. «شاخصها» به عنوان واژه های دارای «مفهوم ضمنی»، وسیله ای هستند که ارزیابی پیشرفتهای آینده را فراهم می آورند و از طرفی دیگر، مقصد و هدف را بیان می کنند.

۲. شاخصها مجموعه داده های مخصوص یا دگرگون

شده ای هستند که اطلاعات ضروری را برای سیاست گذاران و عموم مردم فراهم می آورند (Miranda, 1999, 74)

۳. همچنین شاخص ها ابزاری قدرتمند برای کاهش پیچیدگی سیستم ها و کامل کننده اطلاعات سیستم های پیچیده می باشند.

۴. بعضی از «اقتصاددانان محیط زیست» نیز پایداری را بیشتر از جنبه های زیست محیطی نگریسته، و در تعریف پایداری گفته اند: وضعیت پایدار، وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوکها را در طول زمان فراهم کند.

۵. و نهایتاً؛ شاخصها و معرف های پایداری مفهوم جدیدی هستند که با هدف ارزیابی پایداری در برنامه ریزی و توسعه مطرح می شوند و در جوامع شهری و روستایی، منعکس کننده مولفه های اساسی و بنیادی برای سلامت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه در بلندمدت و طی نسلها هستند (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

روش های ارزیابی توسعه پایدار شهری

از دهه ۱۹۹۰ تاکنون با توجه به اهمیت روز افزون توسعه پایدار، محققان تلاش نموده اند تا با معرفی شاخص ها و روشهای مختلف، توسعه پایدار را مورد ارزیابی و محاسبه قرار دهند. در ادامه برخی از معروف ترین و پرکاربردترین این شاخص ها به اختصار توضیح داده شده است.

۱. «روش ردپای اکولوژیکی»^۱ (EF): این روش در دهه ۱۹۹۰ توسط محققانی چون «واکرانگل»^۲ (۱۹۹۱)، «ریز»^۳ (۱۹۹۲)، «واکرانگل و ریز» (۱۹۹۶) و «فولک و همکاران»^۴ (۱۹۹۷) مطرح و امروزه، در مطالعات مختلف تغییرات بسیاری نموده و به عنوان یک معیار برای توسعه پایدار شناخته شده است (لو و همکاران، ۲۰۰۹)^۵. ردپای اکولوژیکی ابزاری برای مدیریت استفاده از منابع توسط افراد می باشد. این روش، محدوده ای را اندازه گیری می کند که در آن استفاده بشر از منابع تولیدی سریع تر

1. Ecological Footprint
2. Wackernagle
3. Rees

4. Folke et al
5. Lu et al

از بازتولید آن‌هاست. در واقع ردپای اکولوژیکی، محدوده‌ای را محاسبه می‌کند که در آن تقاضای اکولوژیکی مساوی یا از ظرفیت طبیعت برای عرضه کالا و خدمات بیشتر است. زمانی که تقاضای افراد بیشتر از ظرفیت‌های زیستی تجدید پذیر باشد در این صورت، منابع طبیعی کاهش یافته و این مسأله منجر به ناپایداری می‌شود.

۲. «چارچوب فشار - وضعیت - پاسخ»^۱ (PSR): در نشست کشورهای عضو «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»^۲ (OECD) در سال ۱۹۹۲ درباره عملکرد زیست محیطی کشورها، با پیشنهاد نمایندگان کشورهای هلند، نروژ و ایالات متحده، کشورهای عضو OECD به این توافق دست یافتند که به منظور تسهیل ارزیابی عملکرد زیست محیطی، اقدام به طراحی شاخص‌های زیست محیطی نمایند. سرانجام چارچوبی توسط گروه وضعیت محیط زیست طراحی گردید که «چارچوب فشار - وضعیت - پاسخ» (PSR) نامیده شد. این چارچوب بر اساس مفهوم علیت ارائه شده است و این گونه توصیف می‌شود: فعالیت‌های انسان بر محیط زیست فشار وارد کرده (فشار) و کمیت و کیفیت منابع طبیعی آن را تغییر می‌دهد (وضعیت) و جامعه به این تغییرات با اعمال

سیاست‌های زیست محیطی و اقتصادی عکس العمل نشان می‌دهد (پاسخ).

۳. «روش میزان سنج یا پارامتر پایداری»^۳: این الگو که توسط «اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت»^۴ (IUCN) معرفی شده، ابزاری بصری برای اندازه‌گیری پایداری است. بر اساس این الگو پایداری هر کشور دارای دو مؤلفه اصلی است؛ «بهبود اکوسیستم»^۵ و «بهبود زندگی انسان»^۶. آب، هوا، خاک، جانوران و منابع مورد استفاده از زیر شاخص‌های بهبود اکوسیستم و بهداشت، تحصیلات، بیکاری، فقر، درآمد و جرم از زیر شاخص‌های بهبود زندگی هستند.^۷

۴. «شاخص پایداری محیط زیست»^۸ (ESI): شاخص (ESI) که اولین بار در سال ۲۰۰۰ منتشر گردید، شاخصی است که بر اساس مفاهیم توسعه پایدار ساخته شده است. این شاخص توانایی کشورها برای مدیریت چالش‌های مختلف زیست محیطی را اندازه می‌گیرد. موهبت منابع طبیعی، سطح آلودگی گذشته و حال، استفاده از منابع طبیعی و ظرفیت‌های اجتماعی برای حل مشکلات حال و آینده از جمله مسائلی هستند که چالش‌های مختلف کشورها درباره محیط زیست را منعکس می‌نمایند.^۹

۵. «شاخص جامعه پایدار»^{۱۰} (SSI) «کرک

1. Pressure- State- Response

2. Organization For Economic Co- Operation and Development

3. Barameter Of Sustainability

۷. زیرشاخص‌های بهبود اکوسیستم بر اساس ۵۱ متغیر و زیرشاخص‌های بهبود زندگی بر اساس ۳۶ متغیر محاسبه می‌شوند، طوری که تمامی ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را پوشش می‌دهند. هر شاخص در فاصله ۰ تا ۱۰۰ مقیاس بندی شده طوری که ۰ بدترین وضعیت و ۱۰۰ بهترین وضعیت را نشان می‌دهد (Phillis et al, 2011; 542).

8. Environmental Sustainability Index

۹. هسته اصلی شاخص (ESI)، مشتمل بر ۲۱ شاخص پایداری محیط است که می‌تواند در ۵ مؤلفه خلاصه گردد؛ ۱- مؤلفه سیستم‌های زیست محیطی (شامل شاخص‌های کیفیت هوا، کیفیت آب، کمیت آب، جانوران و زمین)، ۲- مؤلفه کاهش فشارهای محیطی (شامل شاخص‌های کاهش آلودگی هوا، کاهش فشار اکوسیستم، کاهش فشار جمعیت، کاهش فشار ضایعات و مصرف، کاهش فشار آب و مدیریت منابع طبیعی)، ۳- مؤلفه کاهش آسیب پذیری انسان (شامل شاخص‌های تغذیه ی اصلی انسان، شاخص بهداشت محیط زیست و شاخص کاهش آسیب پذیری بلایای طبیعی مرتبط با محیط زیست)، ۴- مؤلفه ظرفیت نهادی و اجتماعی (شامل شاخص‌های نظارت بر محیط زیست، تأثیر بخش خصوصی، دانش و تکنولوژی و کارایی محیط زیست)، ۵- مؤلفه همراهی و مشارکت جهانی (شامل شاخص‌های مشارکت در تلاش‌های مشترک جهانی، نشر گازهای گلخانه‌ای و کاهش فشارهای محیطی بین مرزی). شاخص‌های پایداری محیطی بر اساس ۷۶ متغیر محاسبه گردیده و در نهایت از میانگین وزنی (با وزن‌های مساوی) ۲۱ شاخص مذکور به دست می‌آید.

10. Sustainable Society Index

و مانویل^۱ (۲۰۰۸)، با اضافه نمودن ملاحظات اجتماعی زندگی انسان به تعریف ارائه شده توسط مجمع برانتلند، شاخص جامعه پایدار را معرفی نموده‌اند. این محققان برای ساختن شاخص مذکور، ۲۲ زیر شاخص را به ۵ گروه تقسیم کرده‌اند. به منظور محاسبه هر یک از ۵ شاخص اصلی باید زیر شاخص‌های مربوط به آن‌ها، ابتدا بین ۰ تا ۱۰ مقیاس‌بندی شده و سپس با هم جمع گردند.

۶. «ارزیابی توسعه پایدار به روش الگوی تصمیم‌گیری‌های چند معیاره»^۳: (MCDM) در بیشتر مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای (اعم از شهری و روستایی) با گونه‌ای از مسایل «تصمیم‌گیری‌های چند معیاره» (MCDM) مواجه هستیم. در این تصمیم‌گیری‌ها به جای استفاده از یک معیار سنجش بهینگی از چندین معیار سنجش ممکن است استفاده گردد؛ بدین ترتیب ماتریس تصمیم‌گیری در این گونه برنامه‌ریزی‌ها، شامل مناطق مختلف یا واحدهای برنامه‌ریزی به عنوان گزینه‌ها و شاخص‌ها یا عوامل دخیل در برنامه‌ریزی به عنوان معیارها خواهد بود (امینی فسخودی، ۱۳۸۴). از الگوی برنامه‌ریزی MCDM، به طور وسیعی به عنوان روشی برای ارزیابی پایداری محیط زیست استفاده شده است (لیو^۴، ۲۰۰۷). سرور و موسوی (۱۳۹۰) نیز با بهره‌گیری از این الگو، شهرستان‌های استان آذربایجان غربی را براساس برخورداری از شاخص‌های توسعه رتبه‌بندی نموده‌اند. این محققان از ۵۰ شاخص جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی، حمل و نقل و ارتباطات و کالبدی استفاده نموده‌اند. اخیراً محققان تلاش نموده‌اند تا الگوی MCDM را با به کارگیری منطق فازی کامل نمایند. لیو (۲۰۰۷)، از جمله محققانی است که در

مطالعه‌ی خود با استفاده از ۷۴ متغیر و با تلفیق منطق فازی و MCDM به ارزیابی پایداری محیط زیست پرداخته است (فیلیس و همکاران، ۲۰۱۱).
۷. «شاخص پایداری شهری»^۴: (USI) شاخص پایداری شهری (USI) توسط «زانگ»^۵ (۲۰۰۲) و بر پایه ۲۲ شاخص در سطح ناحیه شهری چین ارائه شده است. متغیرها با استفاده از «روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی»^۶ (AHP)، موزون می‌شوند. پایداری کل شهری مشتمل بر ۳ بُعد «موقعیت شهر»، «تناسب شهر»^۷ و «پتانسیل شهر» می‌باشد. این ابعاد در برگیرنده ۳ نکته کلیدی درباره پایداری شهری هستند: ظرفیت توسعه شهری، ظرفیت تناسب (هماهنگی) شهری و پتانسیل توسعه شهری. مقدار شاخص USI از جمع وزنی مقادیر ۳ مؤلفه پایداری شهری و مقدار هریک از این ۳ مؤلفه نیز از مجموع وزنی مقادیر زیر شاخص‌های پایداری به دست می‌آید. مقدار شاخص توسعه‌ی پایدار شهری محاسبه شده، بین ۰ تا ۱ تغییر می‌کند (سین^۸ و همکاران، ۲۰۰۹).

۸. «شاخص توسعه پایدار شهری با استفاده از منطق فازی»^۹: «هینکو»^{۱۰} (۲۰۱۱)، به دلیل مفهوم چند بعدی، نامطمئن و مبهم توسعه پایدار شهری، به پیروی از «فیلیس و اندریان»^{۱۱} (۲۰۰۱) و با استفاده از روش SAFE به محاسبه شاخص توسعه پایدار شهری پرداخته است. در مطالعه وی، پایداری شهری دارای دو جنبه اصلی «پویایی‌های هموار»^{۱۲} (SD) و «ملاحظات مثبت رشد»^{۱۳} (PG) می‌باشد که مؤلفه‌های اصلی پایداری کل شهری می‌باشند. هر یک از این مؤلفه‌ها به ابعاد مختلف پایداری یعنی «وضعیت موجود»^{۱۴} (STA)، «پتانسیل آشکار شده»^{۱۵} (POT) و «پاسخ‌های مشتق شده»^{۱۵} (RES) بستگی دارند.

1. Kerk and Manuel

2. Multi Criteria Decision Making

3. Liu

4. Urban Sustainability Index

5. Zhang

6. Analytical Hierarchy Process

7. Urban Coordination

8. Singh et al

9. Hincu

10. Phillis and Andriantiatsaholiniaina

11. Smooth Dynamics

12. Positive Growth Prospects

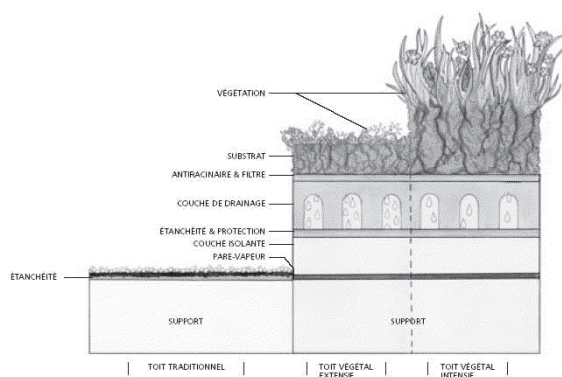
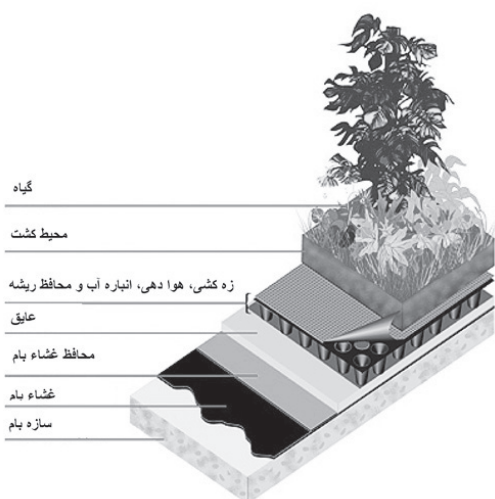
13. Current Status

14. Evolving Potential

15. Driven Responses



تصویر ۱. باغ - مدرسه آبروزی، ماخذ: [http:// abruzzischoolgarden.com](http://abruzzischoolgarden.com)



تصویر ۲. ریز جزییات و نمونه های بامهای سبز، ماخذ: کشتکار و دیگران، ۱۳۸۹.

بام های سبز

اصطلاح بام سبز به یک سیستم سبک اطلاق می شود که از لایه های پیش ساخته تشکیل و با بام ساختمان یک سیستم واحد را به وجود آورده و رشد گیاهان را در محیط کشت رویشی خاصی، در تمام یا قسمت هایی از بام میسر می سازد. لایه کشت بام سبز با خاک معمولی متفاوت بوده و برای رویش گیاهان مختلف نیاز به عمق کمتر داشته و بسیار سبک تر است. لایه های تشکیل دهنده بام سبز معمولاً از بالا به پایین به ترتیب از پوشش گیاهی؛ محیط کشت رویشی یا لایه کاشت؛ تثبیت کننده و محافظ ریشه؛ لایه زه کشی، هوا دهی و انباره آب؛ لایه محافظ رطوبتی و عایق بندی برای محافظت از

لایه های سازه بام تشکیل می شود.

علاوه بر این، با توجه به مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در خصوص صرفه جویی در مصرف انرژی و مزایای بامهای سبز در زمینه صرفه جویی در انرژی، سبز کردن بام ها می تواند در راستای سیاست های ساختمان سازی ملی نیز عمل کند. همچنین با توجه به این که در برنامه چهارم توسعه، محوری به نام دولت سبز تعیین و بحث صرفه جویی انرژی و ایجاد فرهنگ محیط زیستی و غیره در آن مطرح شده است، سبز کردن بام ها در کلان شهرهای کشور می تواند در خدمت زمینه سازی برای رسیدن به اهداف دولت سبز تلقی شود. توسعه و اجرای یک بام سبز شامل ایجاد فضای پوشیده از گیاه

بر روی یک سقف سازه‌ای ساخت دست بشر است. واژه سقف یا بام در این تعریف به معنای هر نوع سطح پیوسته برای حفاظت از ساکنین در برابر عوامل طبیعی می‌باشد. فضای پوشیده شده از گیاه می‌تواند زیرزمین، روی زمین یا بالای سطح زمین باشد. محفظه کاشت گیاهان که به صورت توده‌ای و کنارهم بر روی یک ساختار بام قرار می‌گیرند نیز شامل این تعریف بین‌المللی می‌گردند و امروزه این نوع سبزسازی بام به صورت وسیع، به عنوان یک راه حل عملی ساده و مفید در سراسر جهان استفاده می‌گردد. با توجه به اجزای تشکیل دهنده، طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای بام‌های سبز ارائه شده است که از جمله می‌توان به طبقه‌بندی بام‌های سبز به سه دسته «گسترده، متمرکز (فشرده) و مدولار یا جعبه گیاه» (رضویان و همکاران، ۱۳۸۹)، طبقه‌بندی بام‌های سبز به دو دسته «قابل دسترسی و غیرقابل دسترسی» که در اغلب موارد سقف‌های قابل دسترسی، با سقف‌های متمرکز و سقف‌های غیرقابل دسترسی، با سقف‌های گسترده مطابقت دارند (Dunnett and Kingsbury, 2004) و تفکیک بام‌ها به مسطح و شیب‌دار اشاره کرد. در یک تقسیم‌بندی دیگر، دو نوع پایه‌ای از سیستم‌های بام سبز وجود دارد، که از نقطه نظر

دست اندرکاران این صنعت به عنوان «بام‌های سبز گسترده» و «بام‌های سبز متمرکز» مشخص شده است.

۱. «بام سبز متمرکز»: بام‌های متمرکز، با وزن بیشتر، هزینه‌های کلی بیشتر، دامنه گیاهان قابل کشت بیشتر و ملزومات نگهداری بیشتر شناخته می‌شوند. در این مدل بام‌ها، گیاهان با روش‌هایی شبیه به باغچه‌های معمولی در سطح زمین رشد یافته و نگهداری می‌شوند. عمق لایه قابل رشد این بام‌ها با توجه به نوع درختان و الزامات سازه‌ای، بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ میلی‌متر متغیر است. با توجه به افزایش عمق خاک، انتخاب گیاهان دارای تنوع بیشتری شده و اجازه به وجود آمدن اکوسیستم پیچیده‌تری می‌دهد. الزامات نگهداری و آبیاری در این مدل بیشتر و مداوم‌تر از بام‌های سبز گسترده می‌باشد. (Akbari- Pomerantz- Taha, ۲۰۰۱)

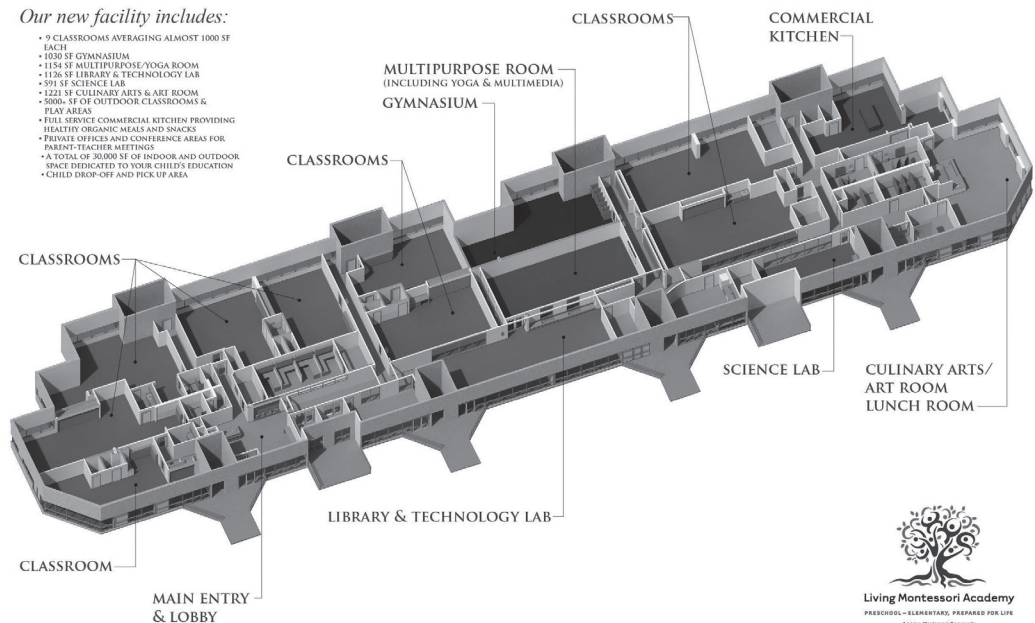
۲. «بام سبز گسترده»: بام‌های سبز گسترده توسط وزن کم و هزینه نگهداری پایین مشخص می‌شوند. محیط رشد در این بام‌ها معمولاً از مخلوط معدنی شن، ماسه، آجر خرد شده، لیکا، کود گیاهی، مواد آلی و مقداری خاک تشکیل شده است که از لحاظ عمق محیط قابل کشت، بین ۵۰ تا ۱۵۰ میلی‌متر متغیر است. بسته به عمق خاک



تصویر ۳. باغ مدرسه ادلهاید استرالیا، ماخذ: www.dorsetdesignbuild.co.uk

Our new facility includes:

- 9 CLASSROOMS AVERAGING ALMOST 1000 SF EACH
- 1020 SF GYMNASIUM
- 1154 SF MULTIPURPOSE/YOGA ROOM
- 1126 SF LIBRARY & TECHNOLOGY LAB
- 591 SF SCIENCE LAB
- 1221 SF CULINARY ARTS & ART ROOM
- 5500+ SF OF OUTDOOR CLASSROOMS & PLAY AREAS
- FULL SERVICE COMMERCIAL KITCHEN PROVIDING HEALTHY ORGANIC MEALS AND SNACKS
- PRIVATE OFFICES AND CONFERENCE AREAS FOR PARENT-TEACHER MEETINGS
- A TOTAL OF 30,000 SF OF INDOOR AND OUTDOOR SPACE DEDICATED TO YOUR CHILD'S EDUCATION
- CHILD DROP-OFF AND PICK UP AREA



تصویر ۴. پلان باغ - مدرسه مونتسوری انگلستان، ماخذ: www.dorsetdesignbuild.co.uk

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۲۷

این سامانه با اصول کلی طراحی محیطی پایدار، همخوانی کامل دارد. اجرای این بام‌ها از لحاظ عملی با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های زیادی همراه است و عدم درک درست از این دشواری‌ها می‌تواند توسعه بام سبز را تحت الشعاع قرار دهد؛ بنابراین از یک طرف، تحقیق و پژوهش در جهت بومی‌سازی مراحل عملی ساخت بام‌های سبز و از طرف دیگر توسعه برنامه‌های انگیزشی در توسعه این صنعت از بزرگترین مشکلات پیش‌رو در جهت گسترش و عمومی ساختن آنهاست. مسئله‌ای که برخلاف ظاهرش بسیار زمان‌بر و پرهزینه است. از آنجا که سامانه بام سبز در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک راه‌حل برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار پذیرفته شده، این کشورها مجموعه‌ای از سیاستها را جهت همگانی ساختن این سامانه اتخاذ نموده‌اند (کشتکار، انصاری و نازی، ۱۳۸۹). ساخت انواع باغ‌بام‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و دانش خاص آن است. بام‌های سبز از نظر قابلیت نگهداری و کنترل وزن خاک، باران و برف و تعبیه مسیرهای پیاده

بر روی سقف‌ها و شرایط میکرواقلیمی بسیاری از بام‌ها، گیاهان باید کوتاه و محکم بوده و در مناطق کم باران بتوانند زنده بمانند. گیاهان بومی هر محل، دلیل توانایی تطابق با آب و هوای محل، انتخاب خوبی برای بام‌های سبز می‌باشند. در این بام‌ها حداقل تجارب عملی و رسیدگی‌های تکنیکی برای نصب و نگهداری لازم است. (Townshend, 2006, p 8) توسعه و اجرای یک بام سبز شامل ایجاد فضای پوشیده از گیاه بر روی یک سقف سازه‌ای ساخت دست بشر است. واژه سقف یا بام در این تعریف، به معنای هر نوع سطح پیوسته برای حفاظت از ساکنین در برابر عوامل طبیعی می‌باشد. فضای پوشیده از گیاه می‌تواند روی زمین یا بالای سطح زمین باشد؛ به عنوان مثال بر روی یک بالکن، به عنوان یک بام معلق بر روی یک طبقه میانی ساختمان، یا در ارتفاع زیاد از سطح زمین، در بالای یک ساختمان قرار گرفته باشد (Dunnett and Kingsbury, 2004). «سامانه بام‌های سبز» یکی از راه‌هایی است که دستیابی به یک محیط پایدار را تسهیل می‌کند.

نیازمند فناوری فراتر از سیستم معمولی مهندسی بام می‌باشد. یک بام سبز از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. سقف ساختمان یا آن چیزی که هم اکنون بر بام همه ساختمان‌ها وجود دارد و بر روی آن لایه عایق مثل قیر گونی، ایزوگام یا هر عایق دیگری کشیده شده و احياناً روی آن موزاییک یا آسفالت یا سنگفرش شده است.

۲. باغ بام که یک لایه محافظت کننده است و سقف و عایق رطوبتی را از لایه خاک و گیاهان جدا می‌کند.

۳. خاک و کود و سیستم آبیاری باغ که هر کدام با دقت در محل خود قرار می‌گیرند (رضویان و همکاران، ۱۳۸۹).

سیستم گسترده بامهای سبز

سیستم گسترده دارای ویژگیهای زیر است:

۱. این سیستم به نام مقطع کم ارتفاع یا اجرا با ضخامت کم نیز شناخته می‌شود.
۲. این نوع بام سبز فقط شامل یک یا دو نوع گیاه و محیط کاشت کم عمق می‌باشد.
۳. معمولاً این سیستم برای زمانی که حداقل بار وزن م نظر باشد به کار گرفته می‌شود.
۴. به طور اخص، فقط پرسنل نگهداری و تعمیر به

این نوع بام دسترسی دارند.
۵. این نوع بام مثل چمنهای نروژی، بر روی بامهای مسطح و شیب دار احداث می‌شود.

۶. در این سیستم معمولاً از گیاهانی با عمق ریشه ۴۰ تا ۱۰۰ میلی‌متر استفاده می‌شوند.

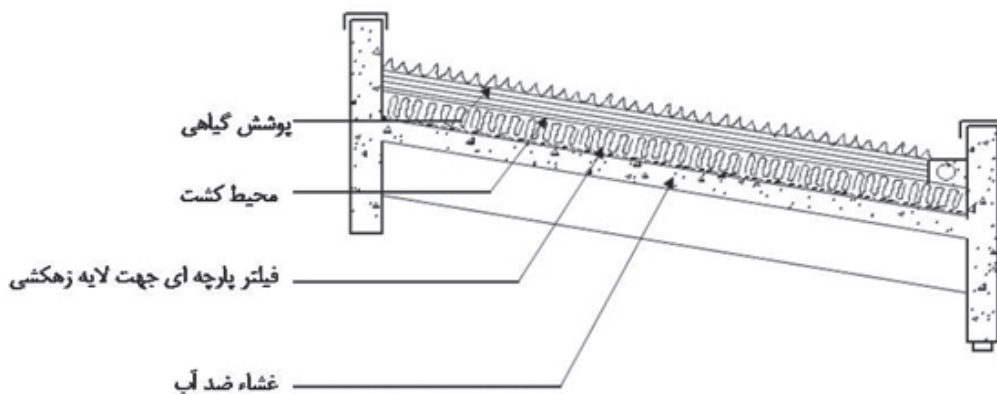
۷. حدود بار نهایی بام تقریباً بین ۵۰ تا ۱۰۰ کیلوگرم بر متر مربع در حالت اشیاء می‌باشد.

۸. در مورد بام‌های شیب دار در اغلب مکان‌ها ۱۰ تا ۲۰ درصد شیب توصیه می‌شود. در شیب حداکثر ۳۰ درصد نیاز به استفاده از زهوار و ابزارهای ضد فرسایش وجود دارد.

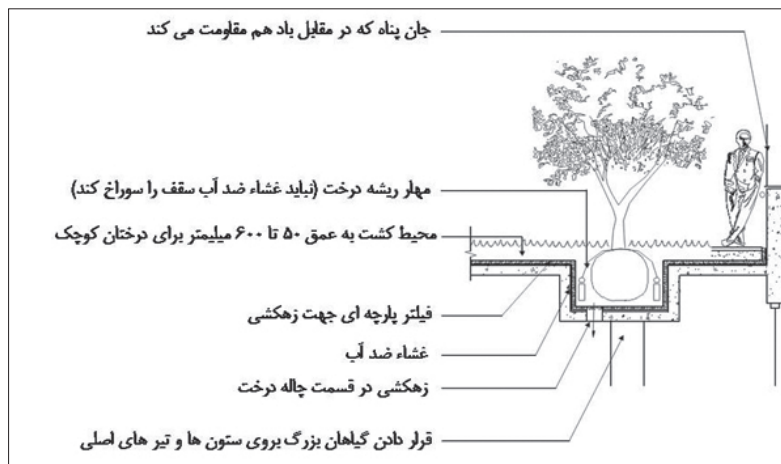
۹. محیط کشت سطحی و کم عمقی دارد و معمولاً قسمتی از بام و قسمتی از ساختار ساختمان سبز می‌باشد. سیستم متمرکز

سیستم متمرکز نیز دارای ویژگی‌های زیر است:

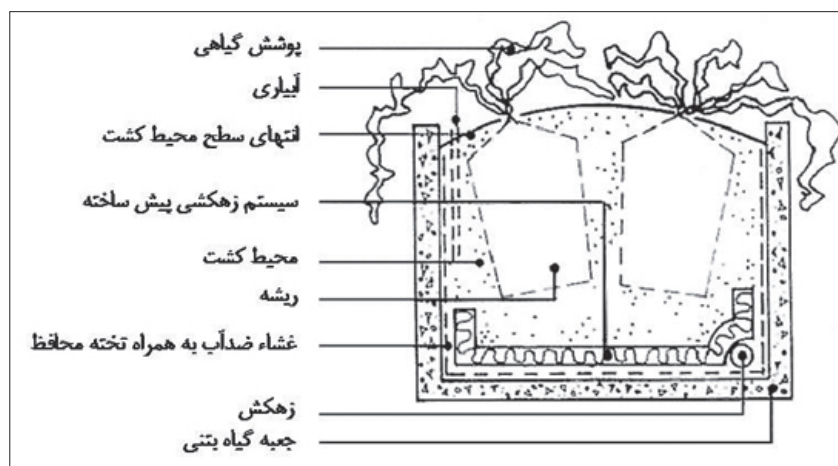
۱. این سیستم به نام مقطع عمیق یا باغ بام نیز شناخته می‌شود.
۲. بام‌های سیستم متمرکز نیازمند عمق متعارفی از خاک برای رشد گیاهان حجیم و چمن معمولی می‌باشند.
۳. این نوع از بام سبز شامل انواع مختلفی از گیاهان می‌باشد و مشابه یک پارک طراحی می‌شود.



تصویر ۵. نمونه بامهای سبز گسترده؛ ماخذ: رضویان و دیگران، ۱۳۸۹.



تصویر ۶. نمونه بامهای سبز متمرکز؛ ماخذ: رضویان و دیگران، ۱۳۸۹.



تصویر ۷. نمونه بامهای سبز مدولار؛ ماخذ: رضویان و دیگران، ۱۳۸۹.

سیستم مدولار یا جعبه گیاه

در این سیستم گیاهان در جعبه های مخصوصی که تمام یا بیش تر بام سبز را می پوشاند، کشت و نگهداری می شوند. در سیستمهای غیر مدولار محیط کاشت یک لایه پیوسته بر روی بام سبز می باشد. در سیستم مدولار این محیط ناپیوسته است.

مزایای بام های سبز در طراحی باغ - مدارس

بام های سبز دامنه وسیعی از فواید اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در بر می گیرند که این امر در طراحی باغ - مدرسه ها اهمیتی مضاعف دارد. مزایای زیست محیطی انکار ناپذیر بام های سبز در زمینه کاهش آلودگی هوا، کاهش گازهای گلخانه ای،

جذب آلاینده ها، کاهش دمای محیط پیرامون، و کاهش میزان مصرف انرژی و افزایش شادابی و تنوع در طراحی فضاهای آموزشی خاصه مدارس، بارها و بارها توسط متخصصین و پژوهشگران مورد سنجش قرار گرفته و نتایج آماری تمام این تحقیقات قابل دسترس بوده و روند تکمیلی تحقیقات کماکان ادامه دارد.

از نظر زیست محیطی بام های سبز در صورتی که به صورت گسترده و در ابعاد وسیع در فضای شهری و در طراحی باغ - مدرسه ها اجرا شوند، با جذب دی اکسید کربن و تولید اکسیژن، موجب تصفیه و کاهش آلودگی به نحو شاخصی خواهند بود. برطبق مطالعات انجام شده توسط یک گروه تحقیقاتی در



تصویر ۸. باغ - مدرسه ها ضمن ایجاد طراوت و شادابی در روحیه دانش آموزان، امکان افزایش خلاقیت و ظهور فرایند ایده پردازی را در آنها میسر می سازند؛ در حین حال که می توانند زمینه ساز بالا بردن کیفیت یادگیری و بستر ساز آموزش رفتارهای حفظ زیست محیطی و الگویی برای تربیت نسلهای دوستدار محیط زیست که از اهداف توسعه پایدار زیست محیطی است بشمار روند؛ ماخذ: نگارنده.

جدول ۱. تحقیقات دانشگاه ناتنگهام درباره دمای فضای زیر بام معمولی و بام سبز در تابستان؛

ماخذ: محمودی زرنندی و دیگران ۱۳۸۹.

• میانگین درجه حرارت/ دمای روزانه	معادل ۱۸/۴ درجه سانتی گراد
• دمای فضای زیر بامهای معمولی	معادل ۳۲ درجه سانتی گراد
• دمای فضای زیر بامهای سبز	معادل ۱۷/۱ درجه سانتی گراد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۳۰



تصویر ۸. باغ - مدرسه ها ضمن ایجاد طراوت و شادابی در روحیه دانش آموزان، امکان افزایش خلاقیت و ظهور فرایند ایده پردازی را در آنها میسر می سازند؛ در حین حال که می توانند زمینه ساز بالا بردن کیفیت یادگیری و بستر ساز آموزش رفتارهای حفظ زیست محیطی و الگویی برای تربیت نسلهای دوستدار محیط زیست که از اهداف توسعه پایدار زیست محیطی است بشمار روند؛ ماخذ: نگارنده.

کانادا، ۱،۵ متر مربع گیاه به ارتفاع ۴۰ سانتی متر، می تواند اکسیژن مورد نیاز یک سال انسان را تامین کند. سطح گیاهان، ذرات معلق در هوا را جذب خود کرده، این ذرات سپس، توسط باران وارد لایه کاشت می شود. تحقیقات نشان داده است که خیابان های مشجر ۱۰ تا ۱۵ درصد ذرات معلق در هوای کمتری از خیابان های بدون درخت دارند. با فرض این که پوشش گیاهی بام سبز چمن باشد و چمن تنها یک دهم درخت عمل کند، ۱۰ متر مربع رویش گیاهی بام سبز می تواند تا ۲ کیلو گرم ذرات معلق در هوا را، در سال در خود نگه دارد. از دیگر مزایای بام های سبز می توان به کاهش گازهای گلخانه ای اشاره کرد. مطالعات شورای ملی تحقیقات کانادا نشان می دهد؛ چنانچه فقط ۶ درصد از بام های شهر تورنتو سبز شوند، سالیانه ۲،۱۸ تن گاز گلخانه ای و ۳۰ تن آلاینده کاهش یافته و بالاخره کاهش سالیانه ۵ تا ۱۰ درصدی مه دود (smog) را به دنبال خواهد داشت.

از دیگر فواید زیست محیطی بام های سبز در طراحی باغ- مدرسه ها می توان به کاهش اثرات جزایر گرمایی شهرها اشاره کرد. اصطلاح اثر جزیره گرمایی به اختلاف حرارت بین شهر و حومه آن اتلاق می شود و این اختلاف دما گاه می تواند تا ۱۰ درجه سانتی گراد افزایش یابد. باتوجه به پدیده گرم شدن جهانی کره زمین و توسعه ناپایدار شهرها که یکی از نمادهای آن افزایش روزافزون ساخت و ساز و کاهش فضای سبز شهری است، این ازدیاد دما می تواند در آینده بازم بیشتر و بیشتر شده و زیان های غیرقابل جبرانی برای کره خاکی به ارمغان آورد. بام های تیره و آسفالتی متعارف جاذب انرژی و گرمای خورشیدی بوده، یکی از عوامل تاثیرگذار در ظهور پدیده جزایر گرمایی تلقی می شوند. پوشش گیاهی بام های سبز از طریق چرخه طبیعی تبخیر- تعرق محیط اطراف خود را خنک می سازند و چنانچه به صورت گسترده و در ابعاد وسیع در مقیاس شهری و محله ای اجرا شود،

دمای شهر تا حد زیادی کاهش می یابد و به سالم سازی هوای شهر کمک می کند. بر اساس مطالعات شورای ملی تحقیقات کانادا چنانچه فقط ۶ درصد بام های شهر تورنتو سبز گردند، هوای شهر ۱ تا ۲ درجه سانتیگراد خنک تر می شود.

مزیت دیگر بام سبز در طراحی باغ- مدرسه ها در مقایسه با بام های سنتی، ذخیره انرژی و کاهش هزینه های گرمایش و سرمایش بنا می باشد. رویش گیاه بر روی بام ها موجب کاهش حرارت و دمای هوای اطراف بنا در تابستان شده و به دلیل قابلیت عایق سازی لایه های کاشت و گیاهان، از ورود گرمای بیرون به داخل بنا جلوگیری می کند. همین خاصیت عایق سازی بام سبز در زمستان، باعث کاهش نیاز به انرژی گرمایی در داخل ساختمان شده و به ذخیره انرژی بنا کمک می کند. در کانادا، خانه ای یک طبقه با بام علفی و لایه کاشتی به عمق ۱۰ سانتی متر مورد مطالعه قرار گرفت و تحقیقات نشان داد که بام سبز موجب کاهش ۲۵ درصدی انرژی سرمایش در تابستان شده است. بر اساس تجربه بام های سبز شهرداری شیکاگو، در اثر کاهش ۱ درجه فارتنهایت دما، ۱،۲ درصد در مصرف انرژی صرفه جویی می شود. با توسعه و گسترش بام های سبز در مقیاس شهری، ابعاد صرفه جویی انرژی در بخش دولتی و خصوصی، با توجه به بحران انرژی قرن حاضر می تواند در مقیاس جهانی مفید واقع گردد.

از دیگر مزایای زیست محیطی بام های سبز در طراحی باغ- مدرسه ها میتوان به حفظ و نگهداری آب باران در هنگام طغیان ها اشاره کرد. هرچه سطوح ساخته شده، از مواد مصنوع و سخت تری باشند، آب کمتری می تواند به طور طبیعی در خاک نفوذ کند، در نتیجه مجاری فاضلاب بار سنگین تری را دریافت می کنند. لایه کاشت و گیاهان بام سبز مقدار متناهی از آب باران را جذب و تبخیر کرده و در صورت داشتن لایه ای انباره ای آب، آب باقیمانده برای آبیاری دوباره قابل استفاده است. میزان و نسبت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

این گونه بام ها در درازمدت و غیرمستقیم، دارای بعد اقتصادی می باشند. استفاده کاربردی از بام ها به عنوان فضای سبز عمومی یا خصوصی (مختص ساکنین ساختمان) یکی دیگر از منافع اقتصادی آن چه برای بخش خصوصی چه دولتی می تواند تلقی گردد.

سیاست های توسعه بام های سبز در طراحی باغ - مدارس

استراتژی های دولت ها در خصوص ترغیب توسعه بام های سبز توسط شهروندان در پنج روش کلی زیر می توان در نظر گرفت:

۱. «یکپارچه نمودن مقررات توسعه موجود با بام های سبز»: هرچند ایجاد انگیزه در جامعه معمولاً در سیاست گذاری ها مطلوب تلقی می شود، اما در بسیاری موارد، تدوین مقیاس ها و واحدهای اجباری، از طبیعت داوطلبانه سیاست ها مؤثرتر است. سازگار نمودن و یکپارچگی مقررات بکارگیری بام های سبز در آیین نامه های توسعه، یکی دیگر از ابزارهای موجود برای توسعه پوشش های سبز می باشد. شهرداری ها می توانند به صورت هماهنگ در مقررات توسعه خود، بام های سبز را بر اساس مقادیر جبران اکولوژیکی، آیین نامه های محلی و همچنین افزایش انگیزه اجرای بام های سبز با اعطای تراکم بیشتر ساختمان سازی به مالکان مورد توجه جامعه قرار دهند. یکی از مهمترین ابزارهایی که شهرداری ها می توانند در توسعه این سامانه بکاربرند، هماهنگی جریمه های تخلفات ساختمانی با توسعه سامانه سبز، به جای دریافت جریمه های مالی است. این راهکار سبب می گردد که هزینه هایی که شهرداری در جهت بهبود کیفیت فضاهای شهری و دستیابی به سرانه مورد نیاز فضای سبز متحمل می شود بوسیله خود مالکین و شهروندان با توجه مزایای زیادی که بام های سبز برای بهبود کیفیت محیط زیست شهری دارند تامین گردد.

۲. «ایجاد انگیزه های مالی مستقیم»: این انگیزه ها به طور معمول، به شکل کمک های مالی

جذب آب باران توسط بام سبز به عوامل مختلفی چون ضخامت و عمق لایه کاشت و امکان وجود تاسیسات نگهداری آب دارد. طبق گزارشی تحقیقاتی که برای شهر شیکاگو در سال ۲۰۰۰ انجام گرفته، بام سبزی با عمق خاک بین ۲۰ تا ۴۰ سانتی متر و تراکم گیاهی زیاد، می تواند بین ۱۰ الی ۱۵ سانتی متر از آب باران را در خود ذخیره کند. مطالعه و بررسی دیگری که بر روی شهر پورتلند انجام گرفته، نشان می دهد اگر تنها نیمی از بام های ساختمان های مرکز شهر با پوشش گیاهی پوشیده شوند، می توان ۱۱ الی ۱۵ درصد از بار سیستم مجاری فاضلاب آب باران شهر کم کرد.

از دیگر اثرات زیست محیطی بام های سبز می توان به کاهش و تعدیل شدت آلودگی صوتی به خصوص در شهرهای بزرگ و در طراحی باغ - مدرسه ها اشاره کرد. بام سبز به صورت عایق صوتی عمل کرده و قابلیت کاهش آلودگی صوتی را از طریق جذب امواج صوتی دارد. لایه کاشت بام سبز فرکانس های پایین و پوشش گیاهی آن فرکانس های بالای اصوات را کاهش داده، در نتیجه این گونه بام ها به خصوص برای بناهایی که در مجاورت فرودگاه ها، ایستگاه های قطار، بزرگراه ها، کارخانه ها و دیگر مراکز صنعتی و پر سر و صدا هستند موثر عمل می کنند. طبق تحقیقات سازمان مسکن کانادا لایه کاشتی به عمق ۱۲ سانتی متر قابلیت تعدیل ۴۰ دسیبل (dB) آلودگی صوتی را دارد. بام سبز همچنین با فراهم آوردن زیستگاه برای گونه های گیاهی و جذب گونه های جاندار و پرندگان از نظر اکولوژی و تنوع زیستی حائز اهمیت می باشد. بام های سبز به خصوص نوع گسترده آن که معمولاً در دسترس عموم نیستند و بشر حضور کمتری در آن دارد، ضمن ایجاد زیبایی منظر در محیط شهری، زیستگاه مناسبی برای رشد انواع حشرات، جذب پرندگان و ایجاد فضای مناسب برای تخم گذاری آنها ایجاد می کنند. بام های سبز برخلاف تصور اولیه دارای منافع اقتصادی نیز می باشند. منافع زیست محیطی

به مالکین و توسعه دهندگان سقف‌های سبز است. کمک‌های مالی بر اساس اهداف اجرا و نوع طراحی که دارند قابل تغییر است. مقدار کمک‌های مالی می‌توانند به روشهای متنوع مشخص شوند، که رایج‌ترین آن‌ها یک مقدار مشخص کمک مالی به ازای هر مترمربع می‌باشد. در آلمان کمک‌های مالی در توسعه بام سبز حدود ۱۰ تا ۳۰ یورو به هر مترمربع است. (۱۶ تا ۴۸ دلار) روش دیگر بدست آوردن مقدار کمک‌های مالی، محاسبه درصد هزینه ساخت و یا هزینه ساخت و طراحی می‌باشد، که معمولاً بین ۱۰ تا ۵۰ درصد هزینه‌ها توسط دولت تحت پوشش قرار می‌گیرد. علاوه بر حمایت‌های مالی، شهرداری‌ها می‌توانند تسهیلاتی را جهت طراحی و مشاوره‌های فنی در اختیار مالکان قرار دهند.

۳. «رقابت‌ها و پوشش‌های وسیع رسانه‌ای»: آگاهی‌های عمومی ابزارهایی بسیار مهم در تشویق به استفاده از بام‌های سبز می‌باشد و باید به عنوان قدرتی اساسی در آغاز پروژه توسعه بام‌های سبز تلقی شود. نتایج ناشی از افزایش گسترده آگاهی‌های عمومی در مسایل مختلف در مقایسه با آیین‌نامه‌ها و مقررات اجباری رقابت‌ها برای اجرای بام‌های سبز نشان می‌دهد که در صورت پوشش وسیع رسانه‌ای، این تکنولوژی به صورت داوطلبانه بسیار برجسته می‌گردد. به تدریج با توسعه تبلیغات در مورد سامانه بام‌های سبز، شرکت‌ها و پیمانکاران اجرایی به رقابت در این خصوص می‌پردازند که نتیجتاً افزایش رقابت، با نظارت صحیح دستگاه‌های دولتی باعث کاهش قیمت‌های اجرا و توسعه این تکنولوژی می‌گردد.

۴. «ایجاد انگیزه‌های مالی غیرمستقیم»: انگیزه‌های مالی غیرمستقیم، معمولاً از طریق هزینه‌های مربوط به جداسازی فاضلاب و مقدار فاضلاب تولیدی استفاده‌کنندگان، که توسط شهرداری‌ها از مصرف‌کنندگان آب گرفته می‌شود عمل می‌نماید. در انگیزه‌های مالی غیرمستقیم بر

خلاف انگیزه‌های مالی مستقیم، مقدار سودآوری و صرفه‌های اقتصادی، واضح و بر طبق آیین‌نامه‌ها قابل پیش‌بینی است و شامل مالیات‌های ماهیانه برای جداسازی فاضلاب در مصارف بهداشتی و پرداخت‌های سالیانه برای سیستم‌های کنترل سیلاب است، که میزان آن بر اساس مقدار سطوح نفوذناپذیر هر ملک بدست می‌آید. بام‌های سبز بدلیل کاهش میزان سطوح نفوذناپذیر و کنترل سیلاب بر اساس قوانین شهرداری می‌توانند شامل تخفیف مالیات‌های مربوطه گردند؛ از دیگر عوامل غیرمستقیمی که شهرداری مناطق می‌تواند برای ترغیب مالکین به احداث بام سبز بدون نیاز به پرداخت مالی از آن استفاده نماید، در نظر گرفتن میزان تراکم اضافی برای ساختمان‌های دارای بام سبز دارای پارامترهای مشخص شده ضوابط و استانداردهاست (Ngan, 2004: 19p).

موانع توسعه کاربردی بام‌های سبز در طراحی باغ - مدارس

با تمام مزایای بسیار گسترده زیست محیطی بام‌های سبز و گسترش بیش از پیش آن، از قاره اروپا گرفته تا آمریکا و اخیراً آسیا، باید اذعان کرد هنوز به دلیل مبهم بودن بعد اقتصادی و اجتماعی آن، این فناوری آنطور که باید جایگاه در شان خود را در جهان امروز پیدا نکرده است. بالا بودن هزینه‌های اجرایی نصب، راه‌اندازی و سیستم آبیاری مناسب، هزینه‌های اضافی برای تقویت سازه بناهای موجود، مخارج مربوط به حفظ و نگه‌داری از فضای سبز این گونه بام‌ها، آبیاری و مصرف آب لوله‌کشی و از همه مهم‌تر نبودن شناخت کافی و عدم اعتماد و تضمین نسبت به این فناوری نسبتاً نوپا از مسائل قابل بررسی است. در سال ۱۹۹۹ «سازمان مسکن کانادا» با حمایت و پشتیبانی «سازمان محیط زیست کانادا» تحقیقاتی را برای شناختن بیشتر مزایای بام‌های سبز و سدهای پیش‌رو، در راستای کمک به گسترده‌گی بام‌های سبز در سطح ملی آغاز کرد. نتیجه تحقیقات چهار مانع اصلی در راه تحقق

موجود در توسعه بام‌های سبز را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. «فقدان دانش و آگاهی»: هر چند که تحقیقات گسترده‌ای در سطح جهان در باب افزایش آگاهی نسبت به بام‌های سبز صورت پذیرفته، اما در کشور ما آگاهی بسیار اندک است. تعداد انگشت‌شمار پروژه‌های بام سبز اجرا شده در کشور، عدم اطمینان و آگاهی در مورد منافع و محدودیت‌ها، فقدان تحقیقات محلی بر روی نمونه‌های مناسب گیاهی برای بکارگیری بام‌های سبز با نیاز به نگهداری کم و عدم آشنایی کاربران و مشتریان با این بام‌ها، عواملی هستند که سد راه توسعه این بام‌ها قرار دارند.

۲. «فقدان انگیزه‌ها و احکام قانونی»: توسعه صنعت بام سبز در اروپا نتیجه قوانینی است که در سال ۱۹۸۹ در آلمان وضع گردید و به تبع آن در سراسر اروپا به دلیل نتایج مثبت آن ایده برداری گردید. بدون این ملزومات قانونی، بی‌اعتمادی‌های گذشته که بدلیل فقدان آگاهی و مشکلات تکنیکی ناشی از اجرای نادرست بوجود آمده بود، غلبه بر

گسترده‌گی بام‌های سبز را شناسایی کرد:

۱. عدم شناخت کافی از مزایای بام‌های سبز در بین مدیران و برنامه‌ریزان شهری و سرمایه‌گذاران خصوصی در بخش ساخت و ساز و عامه مردم،
۲. کمبود انگیزه، چه در بخش دولتی چه خصوصی،
۳. موانع اقتصادی مرتبط با هزینه‌های اضافی فناوری بام سبز و عدم شناخت منافع اقتصادی در دراز مدت، و
۴. بالاخره عدم قبول ریسک‌های احتمالی به دلیل پاره‌ای ابهامات در مسائل تکنیکی و نو بودن فناوری بام‌های سبز.

بررسی تحقیقات مختلفی که توسط سازمانها و گروه‌های مختلف پژوهشی و تحقیقاتی در امریکا، کانادا و اروپا در زمینه بام‌های سبز و موانع موجود در راه گسترده‌گی آن در سطح شهری انجام گرفته نشان می‌دهد، مهم‌ترین فاکتور به عنوان مانع جدی مسائل اقتصادی عنوان شده است. واقعیت این است که بام‌های سبز در طولانی مدت، دارای منافع اقتصادی قابل محاسبه هستند ولی محاسبه ابعاد اقتصادی آن‌ها پیچیده است. لذا، محدودیت‌های

جدول ۲. تدوین استانداردها و آیین‌نامه‌های مورد نیاز جهت ارزیابی عملکرد بام‌های سبز؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

استانداردهای ارزیابی	تدوین استانداردهایی در خصوص ارزیابی عملکردهای زیست محیطی بام‌های سبز	بعد زیست محیطی
	ایجاد روش‌هایی در مورد محاسبه چگالی حداقل و حداکثر محیط‌های رشد.	
	ایجاد روش‌هایی برای محاسبه و مشخص نمودن بار مرده و زنده مرتبط با سیستم کار بام سبز.	بعد اجرایی
	ایجاد استانداردهایی برای محاسبه میزان نفوذ پذیر و اشباع آب در محیط‌های رشد گیاه.	
	ایجاد استانداردهایی برای انتخاب، نصب و نگهداری بام‌های سبز.	بعد نگهداری و دوام
	ایجاد استانداردهایی برای نگهداری آب و زهکشی ژئوفیزیکی بام‌های سبز.	

جدول ۳. جدول راهبردهای توسعه بام سبز: ماخذ: یافته‌های تحقیق.

راهبردها	تعیین اهداف سیاستگذاری	اهداف سیاستگذاری‌ها به معنی تعریف جامع و مشخص نمودن منافع مورد انتظار از توسعه بام‌های سبز در مناطق شهری است.
	مکان‌یابی و نوع ساختمان‌ها برای دستیابی به اهداف	انتخاب مکان‌های درست موجود در یک حوزه و همچنین نوع ساختمان‌ها و کاربری آن اهمیت بسزایی دارد. مالکین انواع مختلف انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشند.
	انتخاب انواع مناسب سیاست‌ها	مالکین، با منافع اقتصادی مستقیم از پروژه، کاهش هزینه‌ها و کسب موافقت از مقامات دولتی برای پروسه توسعه‌های آینده، به توسعه بام‌های سبز ترغیب می‌شوند. در نهایت آنکه می‌توان ساخت بام‌های سبز را به عنوان یک اجبار، با سازگار نمودن آن‌ها با مقررات توسعه مطرح کرد.
	تعیین حداقل نیازهای طراحی و اهداف اجرایی	تعیین نیازهای مربوط به ساخت و اجرا می‌تواند بسیاری از اهداف کیفی و کمی را تجزیه و تحلیل کرده و معیارهایی را برای مورد قبول بودن بام‌ها از لحاظ اجرا مشخص کند.
	ملاحظات مالی	بام‌های سبز را نمی‌توان به طور دقیق از جنبه‌ی اقتصادی ارزیابی کرد. زیرا بعضی از منافع که از این بام‌ها عاید می‌شود مانند افزایش کارایی سیستم‌های کنترل سیلاب‌ها و صرفه‌جویی در مصرف انرژی که دو مورد از محسوس‌ترین فواید بام‌های سبز هستند، به صورت دقیق قابل ارزیابی اقتصادی نمی‌باشند.
	استانداردهای ساخت	تدوین استانداردهای ساخت و نگهداری، برای حصول اطمینان از کیفیت بالای اجرای بام‌های سبز و عملکرد طولانی مدت آن الزامی می‌نماید.
	حمایت‌های مداوم از سیاست‌های اجرایی	سیاستگذاری در باب بام‌های سبز بایستی با حمایت دائم از شرکت‌ها و کارخانه‌های سازنده و مجری صورت پذیرد. در این خصوص شفافیت قوانین ساخت و ساز در این حوزه، اطمینان از دست‌یابی به اهداف و چشم‌اندازها را دو چندان می‌نماید.
	اطمینان از سازگاری با اهداف اجرایی	باید بر اجرای بام‌ها، بررسی صحت تکنیکی آن‌ها، بهینه‌سازی هزینه‌ها و کیفیت اجرا توسط شهرداری‌ها نظارت کامل صورت گیرد.

مشکلات را سخت‌تر می‌نمود. به علاوه، منافع خصوصی که در مورد بام‌های سبز ذکر گردید، منافی طولانی مدت هستند که به سازندگان انبوه‌ساز که پس از ساخت بنا را می‌فروشند تعلق نمی‌گیرد. از آنجا که عمده سازندگان در کشور از این دسته هستند لازم است انگیزه‌های بیشتری برای این منظور وجود داشته باشد.

۳. «محدودیت‌های اقتصادی»: یکی از اثرات

جدول ۴. ارکان توسعه پایدار و سامانه های سبز؛ ماخذ: کشتکار و دیگران، ۱۳۸۹.

ارکان توسعه پایدار		نمود در طراحی پایدار	نمود در سامانه بام سبز
۱	پایداری اقتصادی	حفظ و ارتقای وضعیت فعلی اقتصادی بدون تخریب منابع طبیعی	ساخت بام سبز متناسب با اهداف اقتصادی خاص
			ساخت بام سبز متناسب با کاربری خاص
۲	پایداری اجتماعی	توجه به انسان و جامعه افزایش همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی	ایجاد محیط یا کیفیت مناسب برای زندگی فردی
			ایجاد فضا برای تعامل اجتماعی ساکنین ساختمان
۳	پایداری زیست محیطی	توجه به هویت فرهنگی کاهش استفاده از منابع طبیعی و انرژی های تجدید ناپذیر جلوگیری از اتلاف منابع انرژی کاهش تولید پسماندها و تأکید بر استفاده مجدد و بازیافت پسماندها کاهش آلودگی ها	طراحی بر اساس هویت ایرانی مانند باغ ایرانی
			صرفه جویی در مصرف انرژی سرمایش و گرمایش
			صرفه جویی در مصرف انرژی سرمایش و گرمایش
			ذخیره سیلابها
			ایجاد عایق صوتی
			تصفیه آب و هوا و جذب ذرات معلق در هوا

احتمالی فقدان آگاهی در مورد منافع اقتصادی دراز مدت و مستقیم محسوس بام های سبز گسترده آن است که هزینه ها بسیار بیش از مقداری که هستند خود را نشان می دهند و متعاقباً در بازار اقتصادی گرایش درخوری به این تکنولوژی وجود ندارد. باید توجه داشت عمده هزینه های اجرایی بام های سبز، تامین ملزومات سازه ای بام هاست که میزان آن به نوع بام سبز و طراحی آن بستگی دارد.

راهبردهای توسعه بام های سبز در طراحی باغ - مدارس

در زمینه توسعه بام های سبز در مدارس لازم است به این نکته اشاره شود که امروزه بهره گیری از بام های سبز باعث افزایش روحیه شادابی، احساس حس خلاقیت آفرینی و تنوع در فضاهای آموزشی شده و بهبود زیست محیطی این فضاها را به همراه دارد. لذا می توان این راهبردها را در قالب جدول ۳ بر شمرد.

نتیجه گیری و جمع بندی

توسعه پایدار در سه حیطه دارای مضامین عمیقی است: «پایداری محیطی، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی». از دهه شصت میلادی، با مورد توجه قرار گرفتن کیفیت محیط زیست در بافت شهری و تهدیدهای زیست محیطی در شهرهای بزرگ از قبیل آلودگی هوا، ظهور پدیده جزیره گرمایی شهری، بحران انرژی و غیره، سبز کردن بام ها، این بار به دلیل

مزایای زیست محیطی و به عنوان راه حل اکولوژیک مورد توجه قرار گرفت. تنها در صورتی می توان از مزایای بام های سبز استفاده نمود و به پایداری و دوام آن امیدوار بود که در قالب برنامه های کلان توسعه پایدار و در شاخه سامانه سبز پیگیری و اجرا شود. به عنوان مثال می توان محله ای را در مراکز شهری یک کلانشهر انتخاب نمود و سامانه سبز را در آن اجرا کرد. با تمام مزایای گسترده زیست محیطی بام های سبز، بالا بودن هزینه های اجرایی نصب و راه اندازی، آبیاری و حفظ و نگه داری از فضای سبز این گونه بام ها، و در یک کلام مسائل اقتصادی مانع از آن است که این فناوری نوین جایگاه شایسته خود را در شهرهای پایدار معاصر پیدا کند. قرن گذشته بام ها به دلیل منافع کاربردی شان و این روز ها به دلیل منافع زیست محیطی سبز می شوند. با ادغام این دو ایده و اضافه کردن منافع بی شمار اجتماعی ناشی از کاربردی کردن این فضاها، حکومت های محلی می توانند در راستای توسعه پایدار بام های سبز و مدیریت پایدار شهری گام های مهمی بردارند. این کاربرد می تواند با کاربرد ساختمان هماهنگ گردد. اگر ساختمان دولتی است، از فضای بام آن می توان در راستای نیازهای محله و یا در مقیاسی بزرگ تر نیاز شهر استفاده کرد. با توجه به مشکل اساسی اغلب کلان شهرها در رابطه با توسعه فضای سبز شهری و تقسیم بندی و توزیع عادلانه فضای

سبز محله‌ای در تناسب با ساخت و ساز شهری، استفاده کاربردی از بام‌ها به عنوان فضای سبز عمومی یا خصوصی گامی موثر به سوی توسعه و افزایش سرانه فضای سبز در کنار محل کار یا زندگی شهروندان می‌تواند محسوب شده و برای افراد جامعه به خصوص سالخوردگان و کودکان، فضای سبز امنی در کنار محل زندگی به وجود آورد. توسعه پایدار توسعه‌ای کیفی است و متوجه کیفیات زندگی که هدف آن بالابردن سطح کیفیت زندگی برای آیندگان می‌باشد. توسعه پایدار و سیستم‌های پوششی سبز در بام ساختمان‌ها بمنظور حفاظت ساختمان در برابر باران و برف و نگهداری لوازم مکانیکی طراحی شده‌اند. بام‌ها ساختمان را از هدررفتن گرما و خیس شدن محافظت می‌کنند. بام‌های تخت معمولاً فاقد ملاحظات زیبایی‌شناسانه معماری بوده و بنابراین نمی‌توانند در اغنای ارزش زیبایی و معماری ساختمان ایفاگر نقشی باشند و در مقابل، می‌توانند نمایانگر گستره‌ای از امکانات بالقوه طراحی در زمینه منظرسازی باشند و بجز آن، سطوح خشنی به چهره شهر، یا محدوده ساختمان می‌بخشند و نیازمند سیستم دفع آب باران نیز هستند. سبزپوش کردن بام نیازمند گیاهانی است که بدقت انتخاب شده‌اند تا در برابر محیط خشن و بی‌روح محیط پشت‌بام در شرایط کم/بی‌آبی، عوامل اقلیمی، یخ‌زدگی، نسیم دریا و خشکی و غیره مقاومت کنند. نوع گیاهان انتخابی بسته به نوع آب و هوا و شرایط اقلیمی مختلف، متفاوت است. بام سبز یا باغ پشت بام، اوج تلفیق اجرا با محیط است. دتایل‌های اجرایی چنین بامی تفاوت‌چندانی با بام‌های معمول نداشته و شامل عایق رطوبتی - حرارتی، پوشش ضد آب، ماسه و درزپوش می‌باشند و در کنار آن شامل مصالح و عناصری هستند که بتوانند عمل نگهداری و زهکشی رطوبت و اسباب نگهداری گیاهان (مطابق استاندارد) را در ساختمان سازی فراهم آورند. به دلایل متعدد، نماهای سبز از محدودیتهای ساختاری کمتری نسبت به بام‌های سبز برخوردار بوده و در

مقابل، تنوع گیاهی کمتری دارند. بعنوان مثال، مهمترین هدف از توسعه پایدار در آمریکا در جهت هرچه کم‌رنگ نمودن وابستگی به فرآورده‌های نفتی و یا بعبارت بهتر قطع هرگونه وابستگی به ثروت نفت خاورمیانه دور می‌زند و در این راستا تمام توان خود را در هر موقعیت اجتماعی سیاسی در پیشبرد این هدف و تشویق مردم بکار بسته است. به نظر شهرداران در سیستم بام سبز پتانسیل‌های کاربردی زیادی نهفته و بکارگیری این سیستم در شهرها، از میزان هزینه مصرفی انرژی کاسته و به کارایی مفید محیط می‌افزاید. همچنین بام‌های سبز به مساحت قابل ساخت یک پروژه در سایت افزوده و مکان‌های جدیدی برای اجتماع درون - محیط شهری و گردش در فضای بیرون از خانه را فراهم می‌آورند. تشویق و حمایت‌های بی‌دریغ شهرداران در این باب منجر شده است که صاحبان ساختمان کم‌کم به ارزش افزوده آن و مزایای بکارگیری از چنین طراحی، گیاهکاری و تخصیص و ساخت باغ بام‌ها بکمک متخصصین امر و معماران پی‌برند. در این میان ضوابط مختلفی برای این سیستم در حال بررسی بوده و ساخت انواع باغ‌ها نیازمند تصمیمات برنامه‌ریزی شده است که برای حصول نتیجه مدنظر، نیازمند داشتن آگاهی و اطلاع از نحوه استفاده از آن است. بام‌های سبز قابلیت نگهداری و کنترل وزن خاک، باران و برف، مسیر تعبیه شده پیاده و دیگر موارد را فراتر از سیستم مهندسی بام دارد. معمولاً کارخانه‌های سازنده دو مشخصه را برای باغ بام‌ها در نظر می‌گیرند که عبارتند از بام‌های متراکم و فشرده، و بام‌های گسترده و وسیع. بکارگیری هر یک از این مشخصه‌ها به تعریف نوع استفاده از باغ بام، تنوع گیاهی مدنظر و میزان هزینه مدنظر برای ساخت و نگهداری آن بستگی دارد. در راستای تبدیل بام‌های سیاه موجود به بام‌های سبز در ایران باید در قالب الگوهای توسعه پایدار و ضوابط کلان برای آن برنامه‌ریزی نمود و بدین ترتیب این الگوی جامع، همانند طرح‌های جامع دیگر برای شهرها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

قابل برنامه ریزی و اجراست. در این رابطه باید موارد زیر را نیز باید در نظر داشت: ۱. از الگوهای جامع موجود در کشورهای پیشرفته در این زمینه و سابقه آنها می توان سود برد؛ ۲. در طراحی الگوی جامع باید اهداف و فواید اساسی مورد انتظار از بام سبز در هر مکان با نتایج امکان سنجی ساختمانهای موجود در آن ترکیب شده و با توجه به آن اقدام به تدوین استانداردهایی نمود که در آن به چگونگی طراحی و اجرای بامهای سبز و نوع مواد بکار رفته پرداخته شود؛ ۳. با در نظر گرفتن تفاوت های اقلیمی و مکانی در ایران که دارای تنوع اقلیمی زیادی می باشد، این الگو باید برای مناطق مختلف بصورت جداگانه طراحی شود؛ ۴. به منظور شفاف سازی قوانین و یگپارچگی آن، می باید آیین نامه ها و استاندارد هایی توسط متولیان توسعه آن صنعت با بهره گیری از آیین نامه های موجود از جمله FLL آلمان و ASTM آمریکا تهیه گردد. بنابراین تحقیقات و مطالعات دیگری در مورد سامانه بام سبز باید صورت پذیرد که این موضوع را در سایر رشته ها و تخصص ها دنبال نماید و در جهت رفع نواقص این سامانه و توسعه آن در کشور اقدام شود؛ ۵. این الگو باید در برنامه های بلند مدت دولت و سازمانهای متبوع در دستور کار قرار گیرد؛ در مجموع باید به این نکته اساسی توجه شود که هزینه های طراحی و اجرای یک بام سبز نباید با هزینه های یک بام معمولی مقایسه شود؛ بلکه این مقایسه باید با هزینه های سرسام آور ناشی از آلودگی آب، هوا و محیط؛ امراض و مرگ و میر ناشی از این آلودگیها؛ آسیب های فردی و اجتماعی ناشی از نبود فضای سبز در محیط مصنوع صورت گیرد. هزینه های سنگین استفاده از سوخت های فسیلی رو به پایان، تأثیرات عمیق روانشناختی ناشی از نازیبایی و بی روحی شهرها، مسائل ناشی از سیلاب ها و آبگرفتگیها، هزینه های کنترل آبهای سطحی، هزینه های ناشی از عایق کاری و اجرای چند باره بام های سیاه سنتی را به هزینه های فوق باید اضافه نمود. تحقیقات و

مطالعات دیگری در مورد سامانه بام سبز می تواند صورت گیرد که این موضوع را در سایر رشته ها و تخصص ها دنبال نماید و بدین ترتیب در جهت رفع نواقص این سامانه و توسعه آن در کشور اقدام شود؛ این موضوعات می تواند در ارتباط با سرفصل های زیر و در رشته های معماری، معماری منظر، محیط زیست، شهرسازی، مهندسی آبیاری، مهندسی سازه، مهندسی کشاورزی مورد توجه قرار گیرد؛ ۱. اجرای بام سبز بر اساس نیازهای ساختمان؛ ۲. بررسی سازه های دارای بام سبز در ارتباط با زلزله؛ ۳. مدیریت آبیاری بام سبز در جهت کاهش مصرف آب؛ ۴. چگونگی بهینه سازی اقتصادی بام سبز متناسب با نیازهای جامعه؛ ۵. طراحی بامهای سبز در سطح کلان از منظر شهری؛ ۶. طراحی کاشت بام سبز و گیاهان متناسب با اقلیم و ساختمان.

با توجه به موانع موجود در توسعه بام های سبز و با استفاده از تجربیات جهانی، عمده ترین پیش نیازهای توسعه بام های سبز در ایران شامل موارد زیر است: آگاه کردن مدیران و مسئولان میانی شهرداری ها در خصوص منافع بام های سبز؛ افزایش آگاهی عمومی در مورد اهمیت مسائل کیفیت محیط زیست شهری و لزوم مشارکت همه مردم در آن؛ تدوین سیستم نرم افزاری جامعی در مورد مشاوره، دسترسی به تجهیزات مورد نیاز بام های سبز. انجام مطالعاتی کاربردی در زمینه گسترش بام های سبز و انجام چند نمونه؛ همکاری و ارتباط با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و حمایت از پایان نامه هایی کاربردی در این زمینه توسط ارگانها و مؤسسات مرتبط با شهر؛ همکاری معاونت های فضای سبز با نهادها و توسعه دهندگان شخصی به منظور رفع نیازها و مشکلات موجود؛ ارائه طرحهایی به منظور ایجاد بام های سبز ارزان و متناسب با شرایط محیطی با ارائه تسهیلات مالی؛ تعیین گونه های گیاهی سازگار به محیط شهری در مناطق مختلف اقلیمی و رویشی کشور؛ ارائه طرحهایی برای جلب استقبال بخش خصوصی به منظور سرمایه گذاری و تبلیغ بام های

سبز؛ توسعه زیرساخت های لازم، لوازم و تجهیزات مورد نیاز به طور گسترده و فروش آن.

منابع و مآخذ

۱. بدری، سیدعلی و عبد الرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۲) ارزیابی پایداری: مفهوم و روش، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، صص. ۳۴-۹.
۲. برک پور، ناصر. اسدی، ایرج (۱۳۸۸) نظریه های مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر
۳. بری، جان (۱۳۸۰) محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
۴. بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۷) شهرسازی رفاه گرا: بجانب ارتقاء کیفیت محیطی، سازمان شهرداریهای کشور.
۵. بنتلی، ای یین و همکاران (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۶. پایگ، سدریک (۱۳۸۴) شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم نژاد، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۷. پرمن، راجرز، یوما و مک گیل ری جیمز (۱۳۸۲) اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول.
۸. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و محسن آقایی هیر (۱۳۸۶) سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۴۴-۳۱.
۹. رهنما، محمد رحیم (۱۳۸۸) برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها، نشر دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۱۰. زاهد، شمس السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵) بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴، صص ۴۴-۷۶.
۱۱. نعمتی، محمدعلی (۱۳۹۰) بررسی جایگاه بام های سبز در پیشبرد طراحی پایدار در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شیراز.
۱۲. کشتکار قلاتی، احمدرضا و انصاری، مجتبی و نازی دیزجی، سجاد (۱۳۸۹) توسعه سامانه بام سبز بر اساس معیارهای توسعه پایدار در ایران، نشریه هویت شهر، شماره ۶
۱۳. کشتکار قلاتی، احمدرضا (۱۳۸۸) مطالعه و طراحی بام سبز متناسب با شرایط بومی (مورد مطالعه: طراحی یک بام سبز در تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
۱۴. انصاری مجتبی و کشتکار قلاتی احمد رضا (۱۳۸۵) بررسی چالش ها و عوامل موثر در عدم گسترش و توسعه بام های سبز در ایران، ماهنامه بین المللی راه و ساختمان، شماره ۶۲
۱۵. سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران (۱۳۸۹) توسعه عمودی فضای سبز بام های سبز، ستاد توسعه عمودی فضای سبز، تهران، تهران، <http://www.parks.tehran.ir>
۱۶. شرقی، علی و محتشمی، محمدحسین (۱۳۸۶) فضای سبز در ساختمان های بلند با رویکردی دوباره به طبیعت، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره چهارم
۱۷. رضویان، محمدتقی و غفوری پور، امین و رضویان، ماهان (۱۳۸۹) بام های سبز، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره دهم
۱۸. نهرلی، داود و عبداللهی و مهدی و ولی بیگی، مجتبی (۱۳۹۰) بررسی عوامل محدودکننده توسعه بام های سبز در ایران بر پایه تحلیل سلسله مراتبی. محیط شناسی. شماره ۶۰، صفحه ۸۹-۹۸
19. Akbari H, Pomerantz M. and Taha H (2001) Cool surfaces and shade trees to reduce energy use and improve air quality in urban area, *Solar Energy*, 70 310-295: (2001)
20. Canadian Mortgage and Housing Corporation (2004) Greenbacks from Green Roofs: Forging a New Industry in Canada. Online:
21. http://www.cmhcschl.gc.ca/en/imquaf/himu/wacon/wacon_088.cfm
22. Donnelly M (1992) *Architecture in the Scandinavian Countries*, The MIT Press, Cambridge, MA

23. Dunnett NP, Kingsbury N (2004) *Planting Green Roofs and Living Walls*, Portland (OR): Timber Press.
24. Farrar L (1996) *Gardens of Italy and the Western Provinces of the Roman Empire from the 4th Century BC to the 4th Century AD*, BAR International Series No. 650
25. Frazer L (2005) Paving paradise, *Environmental Health Perspectives* 462–457 :113
26. Gaudet C (1985) Sunspots, *Landscaping for Energy Efficiency*, Harrow smith Volume X: 1, No. 61, June/July 1985, p. 24
27. Johnston J and Newton J (1992) *Building Green: A Guide to Using Plants on Roofs, Walls, and Pavements*. The London Ecology Unit; London
28. Kralli MN, Kambezidis HD and Cassios CA (1996) "Green Roofs" policy in cities with environmental problems, *Fresenius Environmental Bulletin*, :(8-7) 5 429–424
29. Liesecke HJ, Krupka B and Brueggemann H (1989) *Grundlagen der Dachbegreenung, Zur Planung, Ausfuehrung und Unterhaltung von Extensivbegreenungen und Einfachen Intensivbegreenungen*, Patzer Verlag, Berlin, Hannover, Germany
30. Minke G (2007) *Inclined Green Roofs- Ecological and Economical Advantages, Passives Heating and Cooling Effect*, CESB 07 PRAGUE Conference. Internet address:
31. www.cesb.cz/cesb07_proceedings/096_Minke.pdf Accessed May 2010 ,4
32. Minke G and Witter G (1982) *Haeuser mit Gruenem Pelz, Ein Handbuch zur Hausbegreenung*; Verlag Dieter Fricke GmbH, Frankfurt, Germany
33. Niachou (2001) Analysis of the green roof thermal properties and investigation of its energy performance, *Energy and Buildings*, 729–719;(2001) 33
34. Peck S and Kuhn M (2003) *Design Guidelines for Green Roofs*, Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa, and the Ontario Association of Architects, Toronto
35. Pieper J(1987) "The Nature of Hanging Gardens"; in *Daidalos* 23#, March 1987 ,15, pp. 109-94
36. The New York Times, "Scientists Watch Cities Make their Own Weather," August 2000 ,15. Re natur, company, Germany. 1996 to 2000. Interviews conducted by the author Ulrich RS and Parsons R, "Influences of Passive Experiences with Plants on
37. VanWoert ND, Rowe DB, Andresen JA, Rugh CL, Fernandez RT and Xiao L (2005) *Green Roof Storm water Retention: Effects of Roof Surface, Slope, and Media Depth*. *Environmental Quality*, 1044-1036 :34
38. Kanter, Rob. (2005). *Environmental Almanac: Trees, Green Space, and Human Well-being*. Toronto.
39. Townshend, D. (2006). *STUDY ON GREEN ROOF APPLICATION IN HONG KONG*. Architectural Services Department and Urbis Limited.
40. Akbari, H. and Pomerantz, M. and Taha, H. (2001). *Cool Surfaces and Shade Trees to Reduce Energy Use and Improve Air Quality in Urban Areas*. University of Pennsylvania: Solar Energy
41. Greater Manchester Green Roof Guidance. (2009). Manchester city council, northwest regional development agency.
42. Liptan, T.(2003). *Planning, Zoning and Financial Incentives for Ecoroofs in Portland, Oregon*. Proceedings from Greening Rooftops for Sustainable Communities. Chicago: First North American Green Roof Infrastructure Conference.
43. Ngan,G.(2004).*Green Roof Policies:Tools for Encouraging SustainableDesign*.Canada: Landscape Architecture Canada Foundation
44. Köhler, Manfred. (2003). *the Green Roof Tradition in Germany: the Example of Berlin*. In Press. New York: Earthpledge Handbook, Green roofs Earthpledge.
45. Banting, D and Doshi, H and Li, J and Missios, P. (2005). *Report on the Environmental Benefits and Costs of Green Roof Technology for the City of Toronto*. Toronto, Ontario: Dept. of Architectural Science, Ryerson University.
46. Yok, T.P. and Sia, A. (2005). *A Pilot Green Roof Research Project in Singapore*. Washington D.C: Green Roofs for Healthy Sustainable Cities Conference.
- 47.<http://www.wbdg.org/resources/greenroofs.php>
- 48.<http://www.lotuslive.org/buildings/greenroof.php>

سنخیت‌شناسی همسویی معنادار روشهای ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری

نفیسه گلستانی* - دانشجوی دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
محبوبه روشن - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه هنر و معماری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

مهدی شیبانی - عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

Significant similarity between behavior-place and method of urban behavior evaluation for redesign of urban spaces and furniture

Abstract

Today, in terms of interaction between physical activity and meaning to have a significant continuum of how spaces are used by citizens is the concept of paradigms and theoretical approaches to design of urban spaces. It is necessary in the field of urban planning and management of the city's architects and designers. On the other hand, access to the redesigned, re-evaluation procedures for citizens of urban areas can also contribute to the design of responsive environments, the lack of space use by citizens and non-animated production spaces and prevent inefficient. In this paper, the origin of the types of behavior and behavioral bases of their compliance with the properties of space has been redesigned again. The analytic and argument based on logic and documentation methods employed. In the end, pointing to the open standards and urban spaces in contemporary furniture design again to set the criteria mentioned and the origin of these methods to the design of each is briefly analyzed.

Keywords: behavior-place, behavior and urban activities, furniture and urban spaces, assessment and treatment of behavior-place.

چکیده

امروزه درنظرگیری تعامل فیما بین «کالبد، فعالیت و معنا» که دارای پیوستاری و همسویی معناداری با نحوه و چگونگی کاربست فضاهای شهر بوسیله شهروندان است، از مهمترین پارادایم‌های مفهومی و رهیافتهای نظری به «بازطراحی فضاهای شهری» بوده است که لازم است در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری موردنظر معماران و طراحان شهر قرار گیرد. از سوی دیگر، دستیابی به روشهای ارزیابی رفتار شهروندان برای بازطراحی دوباره فضاهای شهری نیز می‌تواند ضمن کمک به طراحی محیط‌هایی پاسخ‌دهنده، از عدم بکارگیری فضا بوسیله شهروندان و تولید فضاهای غیرسرزنده و ناکارآمد جلوگیری بعمل آورد که التزام و ضرورت تحقیق حاضر را تشکیل داده است. در مقاله حاضر، به سنخیت‌شناسی انواع روشهای ارزیابی رفتارها و قرارگاه‌های رفتاری و میزان انطباق آنها با بازطراحی دوباره فضا خاصه در ایران پرداخته شده است که از روش توصیفی-تحلیلی و استدلال مبتنی بر منطق و روشهای اسنادی بهره برده است. لذا در پایان ضمن اشاره به معیارهای بازطراحی دوباره مبلمان و فضاهای شهری ایران در دوره معاصر به مجموعه معیارهایی اشاره شده و میزان سنخیت این روشها با بازطراحی و ارزش‌گذاری هر یک به اختصار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرارگاه رفتاری، رفتار و فعالیت شهری، مبلمان و فضاهای شهری، ارزیابی رفتار و قرارگاه رفتاری.

بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از: ویژگی‌های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه.

از آنجا که در شرایط امروزی شهرها فضاهای عمومی آن معرف هویت و شخصیت و میزان رونق و جذابیت یک شهر هستند، در صحنه رقابت شهرهای مختلف به لحاظ جذب سرمایه‌ها، جذب نیروی انسانی، ارتقاء رفتارهای مناسب و شکلگیری مکان رفتارهای سازنده از مهم‌ترین امور است. تغییر شرایط در جوامع شهری، توسط تغییرات اخیر در الگوهای زندگی بهتر و واضحتر می‌تواند توضیح داده شود. در نتیجه توجه به آسایش و برآورده کردن نیاز گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا یکی از معیارهای اساسی در جهت ایجاد مطلوبیت فضایی، افزایش کیفیت و میزان رضایت‌مندی شهروندان می‌باشد. از طریق رواج دادن برخی رفتارها یا کاستن از برخی رفتارها در فضا می‌توان احساس خاصی در افراد ایجاد کرد؛ به طوریکه کیفیت ویژه‌ای از فضا ادراک کند. در واقع آشنایی طراحان شهری با دانش‌هایی همچون علوم رفتاری و روانشناسی محیطی می‌تواند این امکان را برای طراحان فراهم کند تا منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده‌کنندگان، فضاها را طراحی کنند و بر این اساس شرایط لازم برای زندگی مطلوب برای کاربران شهری از فضاها فراهم آید. امروزه در سرتاسر دنیا مراکز شهری سواره محور به سیستم پیاده راه‌ها تبدیل شده‌اند؛ زندگی در فضاهای عمومی چه نزدیک و چه دور از فعالیت‌های تجاری، به طور برجسته‌ای افزایش یافته است و زندگی شهری کاملاً تفریحی و اجتماعی نیز رشد یافته است. در حال حاضر تمایل و گرایش به سمت هرچه بیشتر توسعه یافتن زندگی در فضاهای شهری

رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد، می‌باشد؛ بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. «رفتار» تنها تابع «فعالیت» نیست؛ بلکه ترکیبی از: ۱. فعالیت، ۲. زمان و ۳. محیط^۱ است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزئی از آن به شمار می‌رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و «محیط» به صورت یک رابطه «رفت و برگشتی و تعاملی» موردنظر است. موضوع علم «طراحی شهری» خلق فضاهای عمومی با کیفیت در سطح شهر می‌باشد، آن‌جا که زندگی عمومی افراد در جریان است و در خیابان و میدان و پارک و غیره، مردم با ویژگیها و کیفیت‌های مطلوب و نامطلوب آن در تماس مستقیم قرار می‌گیرند. از سویی، از آنجا که رفتار در رابطه با محیط شکل می‌گیرد، به شدت تحت تاثیر «فرهنگ و اجتماع» می‌باشد و پیوسته معلول علتی «اجتماعی و فرهنگی» است. محیط می‌تواند خاستگاه «ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد، گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضای شهر دارای نیازها و الگوهای رفتاری و بستر ساز «قرارگاه‌های رفتاری» مختلفی هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی‌های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می‌شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می‌باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی

۱. در این رابطه، کورت کافکا (۱۹۳۵)، بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قابل می‌شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند، و محیط رفتاری را تصویرشناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد. علاوه بر این «داگلاس پورتیوس» (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط پدیده‌ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۷).

است، چراکه در حال حاضر تمایلات اجتماعی به سمت استفاده از فضای عمومی است. در این راستا نقش مبلمان شهری در فراهم نمودن امکانات زندگی و حضور افراد در فضاهای شهری می تواند بسیار کلیدی و پر اهمیت باشد.

این پژوهش در پی آن است که با توجه به الگوهای رفتاری، تراکم رفتاری، آسیب شناسی رفتارها و دسته بندی این الگوها به طور عام به نیازهای رفتاری و دریافت معانی رفتاری در طراحی مبلمان های شهری از یک طرف، و میزان انطباق روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری با بازطراحی این فضاها برسد و همچنین شناسایی عواملی از محیط کالبدی که به الگوهای رفتاری شکل و یا تحت تاثیر قرار می دهند از طریق دخالت در طراحی و ویژگی های کالبدی- فضایی محیط و همچنین بر اساس الگوهای کیفیت بخشی به فضا معیارهایی برای ایجاد محیطی با کیفیت و کارآمد ارائه دهد که به عنوان بخشی از راهنمای طراحی مبلمان شهری در این زمینه قابل ارجاع و استناد باشد. لذا در ابتدا ضمن اشاره به مفهوم روانشناسی محیطی و برخی مفاهیم مرتبط، به مفهوم قرارگاه های رفتاری اشاره شده و در پایان نیز میزان انطباق این روشها با مقتضیات بازطراحی مورد اشاره قرار داده می شود.

مواد و روشها

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی با بهره گیری از روش اسنادی است. تحقیق حاضر بنا به ماهیت از نوع کاربردی است و صرفاً در نظر دارد تا ضمن سنخیت شناسی مجموعه روشهای ارزیابی

رفتاری با بازطراحی فضایی، به مجموعه معیارهای بازطراحی در حوزه مبلمان شهری دست یابد. از طرف دیگر، از روش فراتحلیل در بررسی تحقیقات پیشین نیز بهره گرفته که ابزار گردآوری داده های آن نیز مطالعات کتابخانه و منابع لاتین و اینترنتی در این زمینه بوده است.

مبانی نظری

امروزه فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاها بررسی می گردد. هر «فعالیتی» که توسط انسان صورت می گیرد، اساساً متکی به «فرهنگ» است و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنتها، سبکها و شیوه های متداول زندگی است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیتها در چارچوبهای متفاوت در آنها اتفاق می افتد و در حقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می دهند. این فعالیتها، تابع خصوصیات فرهنگ جامعه ای است که صاحبان این فعالیتها به آنها تعلق دارند.

فرهنگ، «الگوهای رفتاری» را بوجود می آورد و در نتیجه این الگوهای رفتاری تعیین کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می شوند. بنابراین نحوه استفاده مردم از فضا براساس فرهنگ می باشد؛ به عنوان مثال در هندوستان خیابان معجونی از فعالیتهای متعدد و متنوع است که در نتیجه انواع بو، صدا و مناظر عجیب و غریب درهم بافته شده اند؛ درحالیکه در جوامع غربی پیاده روی و پرسه زدن در خیابانها عملی ناپسند محسوب می شود و حتی در برخی از ساعات شبانه روز نه تنها خوشایند نیست



نمودار ۱. رابطه فرهنگ، الگوی رفتاری و نحوه استفاده از فضا؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس

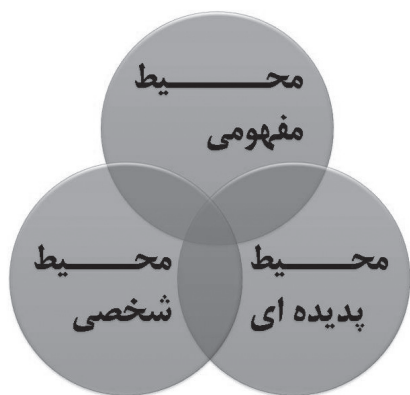
بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳.

رفتار و قرارگاه رفتاری

«محیط» شامل مجموعه‌ای از «قرارگاه‌های رفتاری» است که درون یکدیگر قرار گرفته‌اند و با هم، فصول مشترک دارند. این قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی‌اند:

۱. یک «الگوی شاخص رفتار» و

۲. یک «محیط فیزیکی». محیط فیزیکی ساختاری کالبدی است مرکب از سطوح مرتبط به هم و متشکل در الگوهای خاص که فضاهای باز و سبز، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند. این سطوح از مواد، بافتها، و رنگدانه‌های مختلف ترکیب شده‌اند و به طرق مختلفی روشن می‌شوند.



تصویر ۴. انواع محیط از دیدگاه داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷)؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس مرتضوی، ۱۳۶۷.

اولین بار، «مدار رفتار» به عنوان واحدی برای سنجش و تحلیل فضاهای معماری توسط «بارکر» مطرح شد. «قرارگاه یا مکان رفتاری» ترکیبی از فعالیت و مکان است که دارای اجزای زیر است:

۱. فعالیتی قابل تکرار و ارتجاعی (الگوی جاری رفتار)؛

۲. طرح خاصی از محیط (محیط کالبدی)؛

۳. رابطه‌ای سازگار بین این دو (همساختی)؛ و

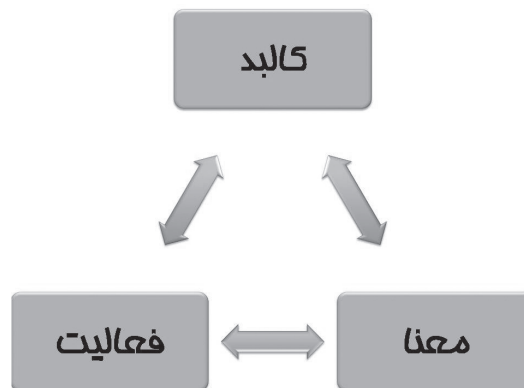
۴. دوره زمانی خاص.

اگر یک الگوی جاری رفتاری در یک مکان کالبدی در



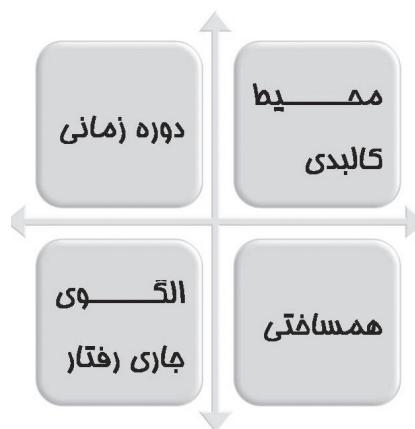
نمودار ۲. مولفه‌های تشکیل دهنده فضا از دیدگاه کانتر (در کالبد بر اساس تصورات فعالیتها شکل می‌گیرد که یادآور الگوهای رفتاری و بسترساز شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری است)؛ ماخذ: نگارندگان بنقل از: گلکار، ۱۳۸۰.

بلکه خطر جانی نیز دارد (بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳). نکته مهم این است که مسایل حیطه «روانشناسی محیطی و مقوله قرارگاه‌های رفتاری» در دو دسته عمده مطرح می‌شوند و بنابراین با دو رویکرد به بررسی ماهوی این مفاهیم می‌توان پرداخت: الف- شناخت ماهیت محیط، رفتار انسان و رابطه الگوهای رفتار و محیط ساخته شده (رویکرد محتوایی)؛ و ب- جایگاه و مولفه‌های اثرگذار علوم رفتاری در فرآیند طراحی (رویکرد رویه‌ای).



نمودار ۳. مدل حس مکان رلف کانتر؛ همسویی ارتباط کالبد، فعالیت و معنا در محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

زمانهای مختلف بروز کند، آن مکان می تواند جزئی از یک یا چند قرارگاه رفتاری باشد. یک قرارگاه رفتاری می تواند نیازهای یک فرد را (از ابتدایی ترین تا پیچیده ترین) برآورده کند. هر قرارگاه رفتاری می تواند یک حریم داشته باشد که رفتار در آن مستقر می شود. مشکل حریم وقتی بروز می کند که فعالیتهایی که نیاز به تفکیک دارند به خوبی تفکیک نشوند. قرارگاه رفتاری یا مکان - رفتار را می توان واحد اجتماعی کوچکی بشمار آورد که از آمیزش یک «فعالیت» و یک «مکان» بوجود می آید و عرصه ای برای بروز عملکردهای آن محیط شهری به حساب می آید.



نمودار ۵. مولفه های قرارگاه های رفتاری از دیدگاه بارکر؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

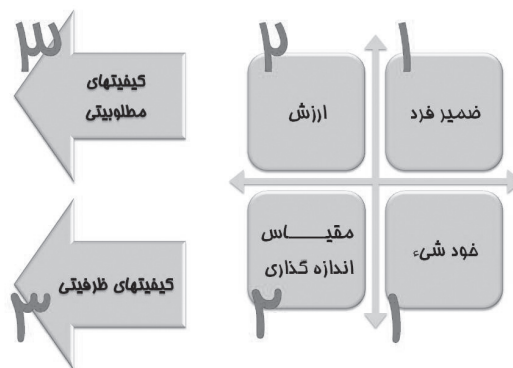
«نظریه سطح اشباع منابع انسانی» یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه مکان - رفتار یا همان «قرارگاه های

رفتاری» است. به دلایل مختلفی یک مکان رفتار ممکن است تعداد کم یا زیادی از افرادی را که متمایل به فعالیت هستند را به خود جذب نماید. وقتی که افراد زیادی در پیرامون موضوع کار حضور دارند و مکان رفتار از یافتن راهی برای ورود افراد بیشتر ناتوان است، پدیده اشباع بالای منابع انسانی رخ می دهد. از سوی دیگر، وقتی که افراد کمی جذب فعالیت می شوند، پدیده فقدان اشباع منابع انسانی رخ می دهد (ویکر، ۱۹۸۶)؛ بنابراین مکان های رفتاری، موجودیت ایستایی ندارند و در هر دو حالت «فرااشباع و فقدان اشباع»، کارایی مطلوب از دست می رود. همچنین باید گفت که کیفیت محیط و فضاهای شهری از موضوعاتی مهم در دانش طراحی شهری و معماری است که «ارزیابی ادراکی^۱ و رفتاری شهروندان و انگاشتهای ذهنی و بروز رفتار آنها در محیط»، اهمیتی اساسی دارد؛ چنانچه لازم است تا به مطالبی اشاره شود:

۱. اولاً؛ طراحی شهری دانشی است که به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی عرصه های همگانی (شهری) می پردازد. پرداختن به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی در فرایندی به انجام می رسد که مفاهیمی چون نمایانگرها و هنجارهای کیفی پاسخ دهنده محیطی معنی دار می شوند. این هنجارها بر ویژگیها یا حال و هوایی دلالت می کنند که معیار، مبین و شاخص پاسخ دهنده محیط هستند.
۲. دوماً؛ کیفیت یک شیئی درجه و میزان برتری،

۱. «فرآیند ادراکی» دنباله ای از مراحل است که از محیط شروع می شود و به درک ما از یک محرک و اقدام واکنشی نسبت به آن محرک می انجامد. این فرایند در موارد زیر خلاصه می شود: «۱. محرک محیطی: دنیا پر است از محرکهایی که از طریق حواس مختلف می توانند توجه ما را جلب کنند. محرک محیطی هر چیزی در محیط ماست که قابلیت درک شدن داشته باشد». ۲. «محرک مورد توجه»: محرک مورد توجه، شیء بخصوصی در محیط است که توجه ما بر روی آن متمرکز شده است. ۳. «تصویر بر روی شبکه»: سپس، محرک مورد توجه به صورت یک تصویر بر روی شبکه شکل می گیرد. اغلب افراد از این موضوع آگاهی دارند که تصویر روی شبکه در واقع وارونه تصویر واقعی است. ۴. «تبدیل»: تصویر روی شبکه سپس به سیگنال های الکتریکی تغییر شکل می یابد. این فرایند را تبدیل می نامند. این کار باعث می شود که پیام های دیداری جهت تفسیر به مغز ارسال شوند. ۵. «پردازش عصبی»: آنگاه سیگنال های الکتریکی تحت پردازش عصبی قرار می گیرند. ۶. «ادراک»: در مرحله بعد از فرایند ادراک، ما شیء محرک در محیط را به طور واقعی درک می کنیم. در این مرحله است که ما به طور هشیارانه از آن محرک آگاهی می یابیم. ۷. «بازشناسی و شناخت»: ادراک فقط مستلزم آگاهی هشیارانه از محرکها نیست. علاوه بر آن مغز ما باید آنچه حس کرده ایم را رده بندی و تفسیر کند. مرحله بعد عبارت است از تفسیر و معنابخشیدن به یک شیء که به آن بازشناسی یا شناخت گفته می شود. اقدام، مرحله نهایی در فرایند ادراکی مستلزم نوعی اقدام و عمل در واکنش به محرک محیطی است. این اقدام می تواند صورت های گوناگونی داشته باشد، مثلاً برگرداندن سر برای نگاه نزدیک تر و یا چرخیدن و نگاه کردن به یک چیز دیگر».

مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیئی درک و محسوب می گردد. کیفیت یک شیئی از دو منبع «ضمیر»^۱ فرد و خود «شیئی»^۲ نشات می یابد که به ترتیب آنها را «ارزش»^۳ و «مقیاس اندازه گیری»^۴ نامیده، بیانگر دو گروه «کیفیت‌های مطلوبیتی»^۵ و «کیفیت‌های ظرفیتی»^۶ اشیاء هستند. این مهم نقشی اساسی در بروز رفتار و شکلگیری قرارگاه‌های رفتاری داشته و بر نحوه استفاده از فضاهای شهری تأثیرگذار خواهد بود.



نمودار ۶: بنیان‌های کیفی محیط و زمینه‌های ادراکی و ذهنی در بروز رفتار و الگوهای رفتاری؛
ماخذ: نگارندگان.

تعامل فضای شهری و رفتار شهروندی

در این بخش به تعریف عملیاتی متغیرهای دخیل در موضوع به اختصار پرداخته می شود.

۱. «انگیزه»: انگیزه نیروی هدایتگر رفتار است. رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می گیرند. نیازهای مشترک شناخته شده در انسان دامنه وسیعی از جمله نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای زیستی یا نیازهای اجتماعی و اکتسابی را در برمی گیرند. نیازها از هر دسته و گروهی که باشند سبب

افزایش تنش یا انرژی درونی فرد می شوند و در حقیقت ایجاد انگیزه می کنند.

۲. «نیاز»: هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت کننده رفتار اوست. این نیازها غریزی هستند یعنی ما با آنها به دنیا می آییم اما رفتارهایی که ما برای ارضا این نیازها به کار می بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین افراد مختلف ممکن است در نحوه ارضای انگیزه‌ها تفاوت‌های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

۳. «ادراک»: «تجربه حسی ما از دنیای پیرامون مان و مستلزم بازشناسی و شناخت محرک‌های محیطی و نیز اقدامات واکنشی به این محرک‌هاست.» ما از طریق فرایند ادراکی، درباره عناصر محیطی که برای بقای ما جنبه حیاتی دارند، اطلاعات به دست می آوریم. ادراک نه تنها تشکیل دهنده تجربه از دنیای پیرامونمان است بلکه به ما اجازه می دهد که درون محیطمان به فعالیت و عمل پردازیم.

۴. «سلسله مراتب نیازهای انسانی»: برای تعریف نیازهای انسانی مدل‌های زیادی تدوین شده است که از بین آنها مدل «مقیاس احساسات اصلی در رقابت» الکساندر لیتون و «مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی» آبراهام مازلو مورد استفاده طراحان محیطی قرار می گیرد. مدل نیازهای «الکساندر لیتون» وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده در عین احترام به انسان است. این نیازها عبارتند از: امنیت فیزیکی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علائق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت گروهی معین، تعلق به یک نظم معنوی. اشکال این مدل عدم وجود دسته بندی و نظم مشخص و پیچیدگی نیازهاست. آبراهام مازلو سلسله مراتبی از نیازها از قوی ترین

1. ego
2. object
3. value

4. measure
5. qualities of desirability
6. qualities of capacity

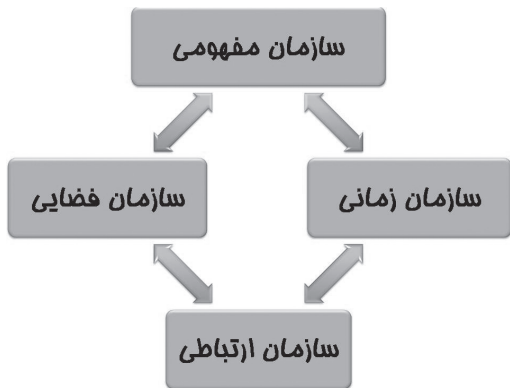
تا ضعیف ترین پیشنهاد کرده است. سلسله مراتب پیشنهادی او به ترتیب زیر است: نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی و تشنگی؛ نیازهای ایمنی مثل امنیت و محافظت در مقابل صدمات؛ نیازهای تعلق و دوست داشتن مثل عضویت در گروه های اجتماعی و نیاز عاطفی؛ نیاز به قدر یعنی فرد نزد خود و دیگران دارای ارزش بالایی باشد؛ نیاز به خود شکوفایی که بیانگر میل به ارضای ظرفیت های فردی است؛ نیازهای شناختی و زیبا شناختی مانند میل به دانستن و تمایل به زیبایی برای زیبایی.

۵. «فعالیت»: از آنجا که نیاز یک مفهوم انگیزشی دارد، مستلزم حرکت یا حرکات خاصی برای برآورده شدن آن نیاز است. به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می گیرند، فعالیت گفته می شود. علی رغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی می توان آنها را از طریق تشابه در جنبه فیزیکی آنها یا اشتراک در برآوردن نیاز، در دسته های کوچکتری با نام فعالیت طبقه بندی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۱). همان طور که قبلاً نیز بیان شد، فعالیتها بر اساس «۱. جبری و یا ۲. اختیاری بودن» به سه دسته تقسیم می شوند: «فعالیتهای ضروری»: فعالیتهایی که حالت اجباری داشته و شامل فعالیت-های عمومی مردم از قبیل حرکت به سمت محل کار و یا خرید مایحتاج می باشد. «فعالیتهای انتخابی»: جزو نیازهای اولیه انسان نبوده و از این رو تنها در صورت مهیا بودن زمینه لازم انجام می پذیرند. از قبیل تفریح و گردش. «فعالیتهای اجتماعی»: شکل گیری این فعالیتها به

واسطه حضور افراد در فضا است. همانند فعالیت های نمایشی، مراسم عزاداری، تظاهرات، مراسم چهارشنبه سوری؛ همچنین می توان فعالیتها را به دو دسته فعالیت های فردی و فعالیت های جمعی نیز تقسیم بندی کرد.

۶. «رفتار»: به هر حرکت یا حرکاتی که در راستای برآورده کردن یک نیاز صورت پذیرد، «فعالیت» می گویند؛ مانند خوردن در راستای رفع نیاز گرسنگی و به نحوه انجام این فعالیت «رفتار» اطلاق می شود، مانند خوردن با دست یا قاشق. این ساده ترین تعریف از رفتار می باشد که ممکن است این خطا را ایجاد کند که چون سرمنشاء رفتار نیاز است و همه انسانها دارای نیازهای مشترک هستند، پس رفتارهای مشابهی را انتظار داریم. در صورتی که آنچه در عمل رخ می دهد دسته وسیع و متنوعی از رفتارهاست. در واقع رفتار انسان تحت تاثیر مجموعه ای از عوامل مختلف و متفاوت قرار دارد که چگونگی و نحوه انجام فعالیت یعنی همان رفتار را تعیین می کنند. «رفتار انسانی» فرایندی است تحت تاثیر ویژگی های انسانی و عوامل مختلف محیطی. در واقع محیط می تواند خاستگاه ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی باشد. الگوهای ذهنی که متاثر از نیازها و انگیزه ها هستند بر فرایند ادراک تاثیر می گذارند و رفتار فضایی خاصی را ایجاد می کنند که این رفتار خود منجر به تشکیل الگوهای ذهنی فردی و جمعی می شود. نمودار ۸ نیز به بیانی دیگر فرایند ارتباط دوسویه رفتار و محیط و عوامل دخیل در آن را تشریح می کند.^۱

۱. فرآیندهای ادراکی منطقی از فضاهای شهری بر اساس آرای واتسون - گلیزر عبارتند از: استنباط: استنباط نتیجه ای است که فرد از پدیده های به وقوع پیوسته به دست می آورد. استنباط توانایی تشخیص داده های درست از نادرست از میان اطلاعات داده شده می باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۳۲). ۲- شناسایی مفروضات: مفروض عبارتی است که از پیش در نظر گرفته می شود، بدیهی فرض شده و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می گردد. شناسایی مفروضات در حقیقت توانایی تشخیص مفروضات پیشنهادی از عبارات بیانی می باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۴۴). ۳- استنتاج: در استنتاج از مقدماتی منطقی نتیجه و یا نتایجی گرفته می شود. در استنتاج پیش داوریهای ذهنی نیابستی بر قضاوت و نتیجه گیری تأثیر بگذارد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۶۱). ۴- تعبیر و تفسیر: تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آنها می باشد. در این فرآیند بایستی قضاوت شود که آیا نتایج به طور منطقی از داده و مقدمه های خود گرفته شده است یا خیر؟ (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۷۲). ۵- ارزشیابی استدلالهای منطقی: در موارد مهم تصمیم گیری درباره انتخاب استدلالهای قوی و ضعیف، مطلوبتر آن است که بتوانیم استدلالهای قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. یک استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم وهم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و یک استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم اهمیت باشد و یا تنها با جنبه های علمی و کم اهمیت سؤال در ارتباط باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۸۹).



نمودار ۹. انواع سازماندهی فضا بر اساس دیدگاه امس
راپاپورت؛ ماخذ: نگارندگان.

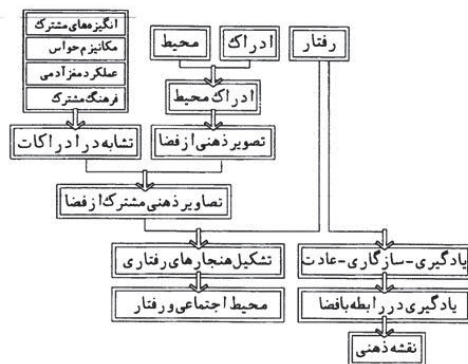
اجتماعی- نوع تربیت- عناصر تاریخی و جغرافیایی)؛
۲. جبریت معماری (کاملاً فیزیکی است؛ فضای
هدایت شده مصنوع و خرد؛ ۳. جبریت کالبدی (در
حوزه وسیعتر، شهر، غیر از شهر اقلیم هم در آن
دخاله دارد، منطقه کوهستانی، و بیابانی).
انواع فضا سازی از دیدگاه روانشناسی محیط به قرار
زیر است:

۱. «**فضا با سیمای نیمه ثابت**»: فضاهای
چند عملکردی که قابلیت فضایی و رفتاری زیادی
دارند، بنابراین فضاهای چند عملکردی تثبیت شده
نیستند. فضاهایی که کیفیت آنها را می توان با
تغییر فاکتورهایی نظیر چیدمان مبلمان، تغییر داد
که این تغییرات موجب تغییرات رفتاری کاربران
آن فضا هم خواهد بود؛ بنابراین می توان الگوهای
رفتاری مناسب را استخراج کرد و فضا را در جهت
رسیدن به آن سازماندهی کرد.
۲. «**فضای بی شکل**»: در واقع همان فواصل
فضایی است که شکل ندارد.
۳. «**فواصل در حیطه انسانی**»: این فواصل را به
نام های فاصله گریز، فاصله بحرانی و فاصله شخصی
و اجتماعی طبقه بندی کرده است. فاصله گریز و
فاصله بحرانی به جز در چند مورد، از واکنش های
انسانی حذف گردیده است.

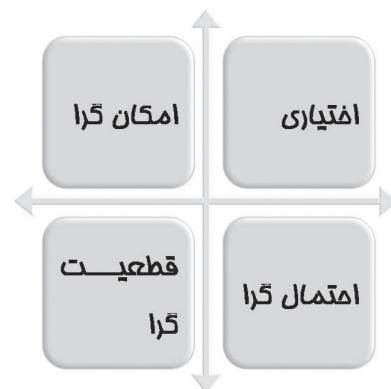
روانشناسی محیطی

«روانشناسی محیط»، «روانشناسی اکولوژیک» یا
«علوم اکوفتاری» از شاخه های تخصصی روانشناسی
عمومی است. به گفته «گرامان» در روانشناسی
سنتی به ابعاد محیطی- فرهنگی توجه کافی نشده و
این مسأله موجب پیدایش رشته روانشناسی محیط
یا اکولوژی شده است. انسان با توجه به نیازها،
ارزشها و هدف های خود، محیط را دگرگون می کند
و بطور متقابل تحت تاثیر محیط دگرگون شده قرار
می گیرد؛ بویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود
تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. در ضمن
در رابطه با مفهوم فضا در روانشناسی محیطی می
توان به مفهوم قرارگاه های رفتاری اشاره داشت؛
چنانچه در روانشناسی محیط، رفتار را در چارچوب
قرارگاه فیزیکی مورد بررسی و پژوهش قرار می دهند
به طور مثال یک مدرسه یا آموزشگاه قرارگاه فیزیکی
محسوب میشود؛ قرارگاه فیزیکی به معنی فضای
فیزیکی با هدفهای کاربردی و سازمانی تعریف شده
به کار می رود؛ مانند بیمارستان که محل مداوای
بیماران است یا کلاس درس که محل تدریس و
تعلیم است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۹). «نظریه های
روانشناسی محیط در فضا» به قرار زیر است:

۱. «**اختیاری**»: محیط تأثیری روی رفتار و اراده
انسان ندارد؛ بگونه ای فقدان تأثیر محیط را مطرح
می کند.
۲. «**امکان گرا**»: محیط امکانات و فقدانهای مختلف
را بوجود می آورد ولی در نهایت انسان در انتخاب،
آزاد است.
۳. «**احتمال گرا**»: احتمال آماری رفتارها را زیاد می
کند، تفاوتش با امکان گرا در این است که جنبه ی
آماری دارد (چیدمان اتاق).
۴. «**قطعیت گرا**»: تأثیر محیط کاملاً قطعی است.
سه نظر در مورد جبریت محیطی معماری بدین
شرح است: ۱. جبریت محیط (اقلیم فرهنگ- طبقه



نمودار ۱۱. بررسی رابطه محیط و رفتار؛ ماخذ: زراعت دوست، ۱۳۷۹، ص ۸.



نمودار ۱۰. انواع نظریه‌های روانشناسی محیطی و شناخت رفتاری؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

۴. «طبقه‌بندی مدل هم‌جواری» (فواصل انسان در شرایط محیطی): که بر اساس دیدگاه آلمن به قرار زیر است: ۱. فاصله خصوصی؛ ۲. فاصله شخصی؛ ۳. فاصله اجتماعی؛ ۴. فاصله عمومی. فرضیه نهفته در سیستم طبقه‌بندی مدل هم‌جواری بدین قرار است که؛ بروز رفتاری که ما آنرا تعیین مرز قلمرو (مالکیت) می‌نامیم، در سرشت تمام حیوانات و انسان وجود دارد و برای این کار، آنها از حواس برای تشخیص یک فضا یا فاصله از فضای دیگر استفاده می‌کنند. انتخاب فاصله ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد و واکنش گرا، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می‌دهند، دارد.

در ۱۹۶۶ کتاب بعد پنهان که توسط «ادوارد تی هال»^۱ نوشته شده است. واژه «پراکسمیک»^۲ علمی که در مورد فواصلی که انسان‌ها میان خودشان و دیگران در نظر می‌گیرند صحبت می‌کند، را به منظور توضیح انواع مختلف فضا و فضاهای قابل اندازه‌گیری میان مردم زمانی که با یکدیگر در تعامل هستند به کار می‌برد. سه نوع فضای و چهار نوع فاصله‌ای که هال مطرح می‌کند، هم‌اکنون نیز توسط جامعه‌شناسان و معماران مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فواصل خطوط طراحی بسیار مفیدی را برای طراحی و فضاهای تعامل اجتماعی

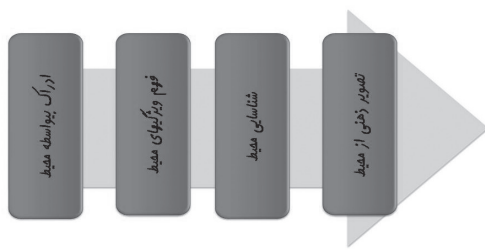
که راحت و مطلوب برای فعالیت‌ها و رفتارهای عمومی می‌باشد، بوجود می‌آورند. سه نوع از فضاها عبارتند از: «فضاهای با اجزاء ثابت»: شامل چیزهایی که غیرقابل حرکت هستند (دیوارها، مرزهای فضا، مبلمان‌های ثابت)؛ «فضاهای نیمه ثابت»: شامل اجزاء متحرک مانند مبلمان‌هایی که ثابت نیستند؛ «فضاهای غیررسمی»: فضای شخصی اطراف بدن فرد که با فرد حرکت می‌کند و فواصل را میان مردم و شخص مشخص می‌سازد. چهار معیار فاصله از دیدگاه هال، عبارتند از:

۱. «فاصله خصوصی»: برای در آغوش گرفتن، لمس کردن و پیچ کردن (۰-۴۵/۷۲ cm)؛
۲. «فاصله شخصی»: برای تعامل میان دوستان نزدیک (۴۵/۷۲-۱۲۱/۹۲ cm)؛
۳. «فاصله اجتماعی»: برای تعامل میان آشنایان (۱۲۱/۹۲-۳۶۵/۷۶ cm)؛ و
۴. «فاصله عمومی»: برای مشاهده افراد و بدون تعامل (به بالا ۳۶۵/۷۶ cm).

فرهنگ‌های مختلف استانداردهای متفاوتی برای فواصل شخصی دارند. در فرهنگ آمریکای لاتین، فواصل شخصی کوچک‌تر است و مردم در هنگام نزدیک شدن به یکدیگر احساس راحتی بیشتری می‌کنند. در فرهنگ کشورهای اروپای شمالی، خلاف

1. Edward T. Hall

2. Proxemics



نمودار ۱۲. محیط و ارتباط آن با انسان در حوزه شناخت؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس نظریات نوربری شولتز.

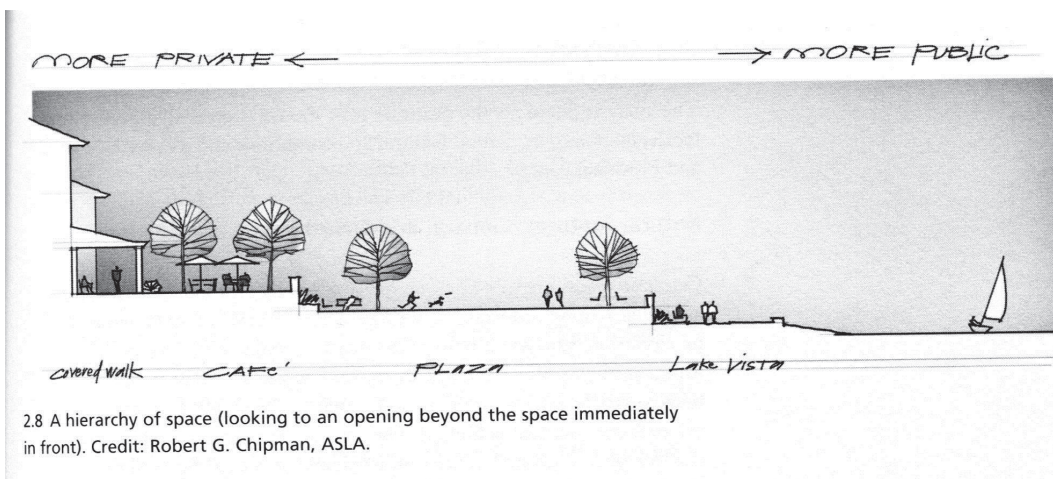
تغییر مکان دهند.

ابعاد رفتاری و ادراکی فضای شهری

در بررسی تاریخ شکل گیری نظریات طراحی شهری و شهرسازی توجه به دو نکته حائز اهمیت است: الف- با مرور آراء صاحب نظران و نظریه پردازان در می یابیم که پس از تاکید بر مسایل مربوط به ادراکات فضایی و بصری و زیبایی شناختی، لزوم توجه به تقویت تعاملات اجتماعی و تاثیرات محیطی- رفتاری در ادبیات شهرسازی وارد شدند، و پس از آن امروزه با تثبیت تقریبی نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بیشترین فعالیتها و نظریه ها مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی، پایداری و ایجاد امنیت و انسان مداری در قلمروهای عمومی می باشد. اما لازم به ذکر است لزوم توجه به مطالعات رفتاری و تعاملات اجتماعی جز لاینفک طرح های شهری

این موضوع صادق است و مردم فواصل بیشتری میان خودشان و سایر افرادی که نمی شناسند، رعایت می کنند. علاوه بر فرهنگ، فواصل شخصی به شرایط، جنسیت و ترجیحات شخصی افراد نیز وابسته است. در فواصل بسیار متراکم ممکن است فاصله اجتماعی و فاصله عمومی با یکدیگر ترکیب و خلاصه شوند (هال، ۱۹۹۰، ص ۸۵).

«کریستوفر الکساندر و همکارانش»، در کتاب «زبان الگو» سیستمی از فضاها را پیشنهاد می کنند که در آن فضاهای کوچکتر به عنوان فضاهایی که می توان از آنها فضاهای بزرگتر را تحت نظر گرفت، در نظر گرفته می شدند و با یکدیگر سلسله مراتبی از فضاها را بوجود می آورند. در فضاهای خارجی، مردم به دنبال نقاطی می گردند که به جای آنکه به طور مستقیم با فضایی رود در رو گردند، از آنجا بتوانند به یک فضای بزرگتر نظر ببندند؛ در عین حال نیز از پشت سرشان تحت حفاظت و حمایت از طریق یک فضای دیگر باشند. این یکی از پایه های ترین مفاهیمی است که در ارتباط با شیوه مکان گزینی مردم در یک فضا وجود دارد. این مشاهدات برای ساخت مکان هایی که برای مردم راحت هستند بسیار کاربردی می باشند (الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۵۵۸)؛ چنین سلسله مراتبی به استفاده کنندگان این اجازه را می دهد که به مقیاس مورد علاقه شان



2.8 A hierarchy of space (looking to an opening beyond the space immediately in front). Credit: Robert G. Chipman, ASLA.

تصویر ۱. ایجاد محیط خصوصی و عمومی همزمان در فضای شهری؛ ماخذ: آرشیو شخصی.

جدول ۱. دسته بندی نظریات موجود در رابطه با بعد ادراکی و رفتاری فضای شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	سال	عنوان نظریه-کتاب	مفاهیم کلیدی
حانا آرنت	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل اصلی برون‌گری و زندگی سیاسی و عمومی
پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمع افراد
کوبین لینچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	تشکیل تصویر ذهنی و عناصر سازنده سیمای شهر از دیدگاه شهروندان
جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	پایه رو عامل ایجاد تقویت و تعاملات اجتماعی؛ مفهوم نظارت اجتماعی از طریق طراحی
آموس راپاپورت	۱۹۷۷	جنبه های انسانی فرم شهر	موقعیت غیر انفعالی انسان نسبت به محیط؛ جهت یابی عابرین در محیط شهر
ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تاکید بر نقش اجتماعی فضای شهری و بررسی الگوهای رفتاری مردم
اپلیارد	۱۹۸۱		تاثیر حمل و نقل و کالبد شهر بر تعاملات اجتماعی
رومیدی پاسینی	۱۹۸۴	مسیریابی در معماری	جهت یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران
جان لنگ	۱۹۸۷	آفرینش نظریه معماری	قرارگاه های رفتاری، تشکیل طرح‌واره ذهنی از تصورات مردم از محیط، تعامل قابلیت های محیط ساخته شده و رفتار
جان گهل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان ها	تقسیم بندی فعالیت در فضای شهری: ضروری، انتخابی، اجتماعی
اولدنبرگ	۱۹۸۹	مکان خوب، کافه ها، کافی شاپ-ها، و دیگر پاتوق ها در قلب یک اجتماع	تاکید بر تقویت عرصه های عمومی به عنوان قلمرو سوم افراد
کلر کوپر مارکس	۱۹۹۰	مکان های مردمی	ارزیابی محیط سکونت و معرفی فضای شهری هفتگانه
هاوس کلاو	۱۹۹۹	سرزندگی اجتماعی	توجه به الگوهای رفتاری و بستر اجتماعی فرهنگی برای طراحی
حسین بحرینی	۱۹۹۶	تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان	ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از فضا
علی مدنی پور	۲۰۰۰	طراحی فضای شهری	فرایند اجتماعی- مکانی فضای شهری
جهانشاه پاکزاد	۲۰۰۵	راهنمای طراحی شهری در ایران	توجه به زمینه های ادراکی محیطی و رفتاری- محیطی در فرایند طراحی

امروزی است. در واقع دستیابی به شهری پایدار رابطه تنگاتنگی با میزان پاسخگویی محیط و فضای عمومی به تمامی ابعاد نیازهای انسانی دارد و هر جا بحث نیاز مطرح می شود رفتار نمود عینی می یابد (کاشانی جو، ۱۳۸۹)؛

ب- نکته دوم اینکه توجه صرف به مسایل زیباشناختی و ادراکات بصری مشکلات زیادی برای اجتماعات محلی ایجاد نمودند که منجر به تولید نظریات محیطی رفتاری با لزوم تاکید بر تعاملات اجتماعی شدند. اما همین نظریات بستر رسیدن به نظریات پایداری و تامین کیفیت محیط امروزی شدند، امروزه مقیاس انسانی و انسان مداری در شهرسازی اهمیت یافته و توجه به تامین نیازهای انسانی از جمله تامین ایمنی و امنیت محیطی در راس کار طراحان قرار گرفته است. بنابراین سیر تحول ادبیات و نظریات شهرسازی نشان می دهد نه تنها مولفه های اجتماعی و تاثیرات محیطی رفتاری، حفظ نشده است، بلکه گسترش و ارتقا کیفی سایر ابعاد بر پایه این مولفه ها و تقویت آنها منجر به ظهور رویکردهای فعلی شده است، همچنین نظریات مطرح شده در این حیطه نقش مهم و به سزایی در ساخت کالبدی شهرهای امروزی ایفا کرده است که بررسی آن حائز اهمیت می باشد.

فضاهای اجتماع دوست^۱ و فضاهای اجتماع گریز^۲

«هامفری اسمند»^۳، روانپزشک کانادایی که به تاثیر محیط اجتماعی بر بهبود شدن شرایط ذهنی بیماران علاقمند بود، دو الگوی فضایی که تاثیر مهمی بر تعامل میان بیماران داشت را شناسایی نمود:

۱- فضاهای اجتماع دوست تمایل به کنار هم جمع کردن افراد دارند و ارتباط و صحبت کردن و معاشرت را تشویق می کنند.

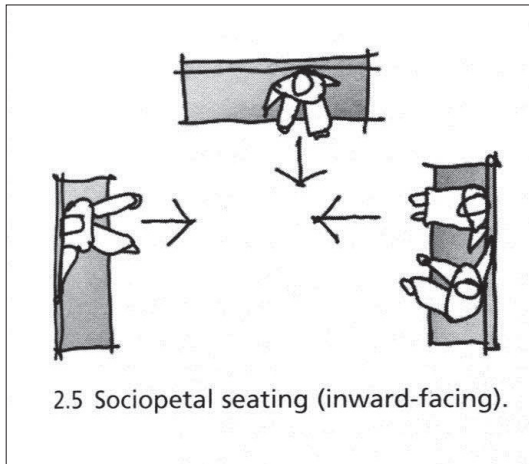
۲- فضاهای انزوا دوست تمایل دارند که مردم را از یکدیگر جدا نگه دارند و تعاملها و معاشرتها را تا حد امکان کاهش دهند. طراحان می توانند بر میزان وجود تعاملات در فضاها و یا در یک مکان نشستن

بوسیله چیدمان فضا و مبلمان داخل آن تاثیر گذار باشد (مین و گریت هانا، ۲۰۱۰، ص ۲۷).

مبلمان شهری

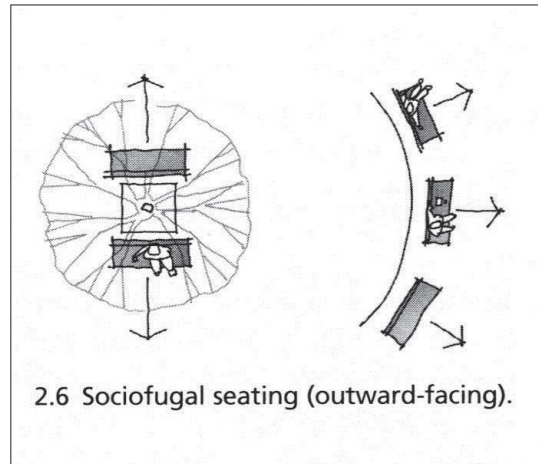
مبلمان شهری به مجموعه وسیعی از وسایل، اشیاء، دستگاهها، نمادها و عناصری گفته می شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده اند و استفاده عمومی دارند به این اصطلاح معروف شده اند. به عبارت دیگر عناصری مانند: نیمکتها، ایستگاه های اتوبوس، علائم، منابع نوری، صندوق های پستی، سطل های زباله که برای راحتی، آسایش و زیبایی بیشتر، اراییه اطلاعات، کنترل حرکت و رفاه شهروندان در فضاهای شهری قرار داده شده اند؛ مبلمان شهری نام دارد (زارع و پرتوی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

«گوردن کالن» به «هنر تناسبات» اشاره می کند و آن را پایه هنر معماری می داند. دلیل وجود آن ایجاد نظم معقول بین تمام عناصری است که در تکوین محیط به کار رفته است. ساختمانها، درختان، طبیعت، آب، ترافیک و علائم تبلیغاتی و مبلمان شهری را به گونه ای بهم مرتبط کنیم تا اینکه نمایش هنری شهری به حقیقت پیوندد؛ زیرا شهر رویدادی هیجان انگیز است (ایرانمنش، ۱۳۸۳، ص ۱۴). تسهیلات و تجهیزات رفاهی درون فضاهای شهری را مبلمان شهری می خوانند. مبلمان شهری محیط مناسبی برای زندگی و فعالیت در شهرها فراهم می آورد. از چند دهه پیش تاکنون، آگاهی های تازه ای درباره فضاهای شهری پدید آمده است و بار دیگر خیابان، به عنوان فضایی برای زندگی و نه صرفاً محلی برای عبور و مرور وسایط نقلیه، مطرح شده است. این نگرش را می توان بازگشتی به شیوه استفاده از خیابان پیش از تسلط خودرو دانست. بدینسان، تجهیزات مبلمان شهری، در همه سطوح سواره و پیاده، بر کیفیت منظر خیابانها می افزاید و ایمنی و راحتی شهروندان را تأمین می کند. از سویی دیگر، «مبلمان شهری شامل نیمکتها، مکان



2.5 Sociopetal seating (inward-facing).

تصویر ۳. محل نشستن اجتماع دوست (جهت گیری به سمت بیرون از فضای تعامل): ماخذ: آرشبو شخصی.



2.6 Sociofugal seating (outward-facing).

تصویر ۲. محل نشستن اجتماع گریز (جهت گیری به سمت بیرون از فضای تعامل): ماخذ: آرشبو شخصی.

شناخته و یا بازشناسی کند؛ به طوری که مکان بواسطه حجم نصب شده دارای شخصیتی جغرافیایی، بی نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حجمهای شهری جایابی و دادن هویت جغرافیایی به فضا و مکان است. یکی دیگر از کارکردهای حجم شهری آن است که باید از نظر فرهنگی هویت بخش و انتقال دهنده پیامی خاص باشد.

۲- «**رابطه متقابل فرهنگی**»: حجمهای شهری باید بتوانند با روحيات جمعی مردم و واقعیتهای اجتماعی آنان ارتباط برقرار کنند. هر فضا و موقعیتی فرهنگ خاص خودش را دارد و حجمی که در آن فضا قرار می گیرد، باید با موقعیت و فرهنگ مردمی که از مقابلش می گذرند سنخیت داشته باشد. حجمهای شهری محمل بسیار مهم و در عین حال حساسی در زیبا سازی و هویت دهی به فضاهای عمومی است، چنان که «هنری مور» معتقد است: مجسمه سازی بیش از نقاشی (که به طور عمومی محدود به بیان درونی است)، هنری متعلق به توده است (مور، ۱۳۸۵، ص ۷).

۳- «**به عنوان نماد یا نشانه ای شهری**»: حجمهای شهری، نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی ما کمک می کنند، بلکه

نشستن، دکه های تلفن، تجهیزات بازی کودکان، سطلهای زباله، کیوسکهای روزنامه فروشی، حفاظها و شبکه های درختان، دکه های فروش غذا و تجهیزات کافه ها و نظایر اینهاست» (حسینیون، ۱۳۸۳، ص ۷۰). طراحی تجهیزات خیابان بخشی از مضمون کلی طراحی شهری است که به فضای شهر زیبایی و راحتی می بخشد. عناصر تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را نباید به صورت منفرد و مجزا طراحی کرد، بلکه باید به آنها به عنوان بخشی از یک نظام هماهنگ فضای شهری نگریست، که در آن همه اجزاء به طور هماهنگ مورد توجه قرار می گیرند و ارتباط مناسبی با ساختمانها (بدنه ها) و بستر خیابانها (کفپوشها) برقرار می سازند. از این رو، حتی در طراحی کوچکترین عناصر مبلمان شهری، برای مثال یک نیمکت یا آبخوری، نباید منظره کلی و فراگیر فضای شهری را نادیده گرفت. مبلمان شهری که قبل از هر چیز به ایجاد تنوع در فضای بصری شهرها کمک می کنند، می بایست حائز ویژگیهایی باشند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- «**هویت بخشی به فضاهای شهری**»: مراد از هویت در اینجا یعنی اینکه شخص تا حدی می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکانها

به عنوان نمادها و نشانه هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند و از این بابت است که باید رویکردی تازه تر و جدی تر به آنها داشت. نشانه از عناصر اصلی سازنده سیمای شهر است از نظر «کویین لینچ» نشانهها، عواملی در تشخیص قسمت های مختلف شهر هستند. خصوصیات نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار بازشناخت. اگر نشانه ها فرمی واضح داشته باشند، با زمینه خود متضاد و به اطراف خود غالب و مسلط باشند شناخت آنها به آسانی میسر است و احتمال بیشتری هست که بر آنها معنایی متصور باشد، مجسمه ها در بسیاری موارد به ویژه اگر اندازه آنها بزرگ باشد میتوانند به عنوان نشانه در سطح محله، منطقه یا حتی شهر مطرح شوند.

۴- «بالا بردن سطح سواد بصری مخاطب»: کارکرد حجمهای شهری در این مورد، ارتقاء سطح دانش و آگاهی های عمومی شهروندان در خصوص رویداد های فرهنگی و غیره است.

۵- «روحیه بخشی مضاعف به فضای شهری»: از ابتدایی ترین مقاصد هنرمند به محیط همین گزینه می باشد که فضا باید حس سرزندگی را به مخاطب هدیه نماید و در غیر این صورت اهداف متصور شده اجرایی نخواهد شد.

۶- «متناسب با شأن مکان»: یکی از مهم ترین کارکردهای حجم، القا روحیه خاص در فضا یا تقویت روحیه یک فضاست. مکان، بخشی از فضاست که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای معنایی ارزشمند است. پس یکی از ملزومات رضایت مندی مخاطب در عرصه شهری، هماهنگی حجم با محیط و تقویت انسجام بصری است. حجمی که موضوع آن یک رویداد تاریخی باشد تا سال ها بعد از آن می تواند تداعی گر این واقعه باشد که به عنوان نمونه می توان به حجم میدان انقلاب در تهران اشاره نمود.

۷- «ارتباط بی واسطه»: حجم های شهری با انواع حجم هایی که در موزه ها و گالریها می بینیم،

تفاوتهایی اساسی دارند. این نوع حجم ها، در ارتباط مستقیم با مردم هستند و باید در منظر زیبایی شناختی، یک اثر هنری کامل باشند.

۸- «ثبت خاطره بصری و مانایی در اذهان»: در میدانی که از سابقه تاریخی خاصی برخوردار نیستند و نامی قراردادی برای آنها تعیین شده است، به صورتی مورد توجه قرار می گیرد که نام مکان را در اذهان بینندگان ثبت کند که به عنوان نمونه می توان به میدان لاله (نمادی از لاله) اشاره نمود.

۹- «بالا بردن سطح آگاهی هنری مخاطب در سبک شناسی»: (ارتقاء سطح سلیقه عمومی) حجم ها تداعی گر جلوه هایی از هنر در بین مخاطبین و عموم می باشند و از این رو می توانند مردم را با سبک های هنری آشنا سازند و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیفزایند.

۱۰- «سرعت در انتقال مفاهیم»: این حجم ها باید بتوانند به سرعت تاثیر زیبایی شناختی بر مخاطب خود بگذارند، چرا که مخاطب این آثار تنها برای دیدن آنها به شهر نمی آیند و در نهایت این مجسمه ها باید بتوانند پیام و مفهومشان را به سرعت به مخاطبان خود انتقال دهند (مهاجر، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

۱۱- «شخصیت هنری یک هنرمند مجسمه ساز»: ویژگی مهم حجم های شهری، تاثیری است که در قیاس با سایر انواع مجسمه سازی از جمله مجسمه سازی فردی یک هنرمند دارد. در حقیقت، حجم شهری در یک نمایشگاه هنری دائمی با مخاطبین بی شمار به نمایش در می آید، و به همین دلیل هم در ارتقای دانش تجسمی جامعه به مراتب موثرتر از سایر حجم هاست (رهنورد، ۱۳۸۷، ص ۴).

روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری

انجام پژوهش های میدانی بر روی «رفتار و فعالیت های انسانی»، از دهه ۶۰ میلادی آغاز شده است و معماران و طراحانی مانند «کریستوفر الکساندر»، «مایکلسون»، «تیل»، «پلیارد»، وایت

مسئله فوق را به صورت جدی دنبال کردند. در حقیقت پایه گذار مطالعات بصری- رفتاری را باید پروفسور «دونالد اپلیارد» دانست که با همکاری «کوبن لینچ» و «جان مایر» اولین پژوهش بصری تجسمی را در مقیاس شهری انجام داد. برداشت الگوهای رفتاری افراد در چند میدان مهم تهران نیز توسط بحرینی انجام شده است. در این روش از تکنیک عکسبرداری تدریجی استفاده شده است. بر اساس نوع، چگونگی و میزان نتایج و دامنه حوزه

مداخله در رفتارهای شهروندی، روشهای گوناگونی برای پیمایش، بررسی و ارزیابی فرهنگ شهرنشینی و چگونگی کاربست فضایی شهر بوسیله شهروندان، مورد استفاده قرار می گیرد که در تحقیقات «ساخت نظریه و آزمون نتایج»، مورد کاربرد دارند. بررسی و مطالعه رفتارهای شهروندی از آن جهت مهم می نماید که تنها از بستر این شناخت و ارزیابی رفتارهای شهروندی است که می توان، امکان تطبیق فضاهای شهری در حوزه برنامه ریزی و طراحی

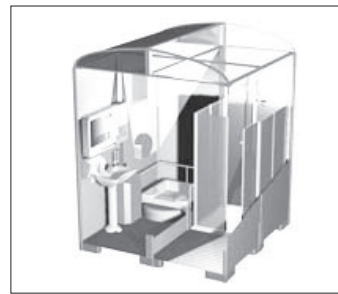


مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015



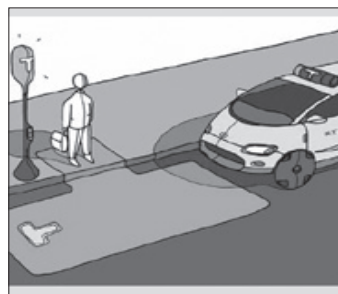
سطل زباله: نظافت و بهداشت عمومی؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: احترام به شهروند و نظم و آراستگی.



سرویس بهداشتی: توالت شهری؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: نظافت و بهداشت شخصی و عمومی، و سازه موقت و قابل حمل.



سرپناه ایستگاه اتوبوس: مکان انتظار و توقف؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: سرپناه، اطلاع رسانی و نشانه شهری.



ایستگاه تاکسی: مکان توقف تاکسی و مسافر؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: سرپناه، نشانه و ایجاد نظم و زیبایی.



پل عابر پیاده؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: ترافیک روان پیاده و سواره، و ایمنی و آسایش پیاده

شیوه‌های مداخله گر در ارزیابی قرارگاه رفتاری

شیوه‌های مداخله گر را روش‌هایی می‌دانند که به فرد یا گروه مورد مطالعه معرفی شده باشند. تحقیق تجربی^۲ را نمونه کلاسیک رویکرد مداخله گر می‌دانند و مصاحبه و نظر خواهی را، رویکردهای واسطه‌ای مداخله گر در مطالعه رفتارهای شهروندی بشمار می‌آورند (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۰). ذکر این نکته نیز بدیهی است که در این روش ممکن است گروه‌های شهروندی، موضوع تحقیق و بررسی را ندانند ولی از این امر آگاهی دارند که در مورد آنها تحقیق می‌شود. شیوه‌های مشاهده مداخله گر در تحقیقات ساخت نظریه^۳ و آزمون نتایج کاربرد بیشتری دارند. از آنجا که توانایی طرح سوال خوب، از دانش محتوایی خوب و معطوف به مساله حاصل می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که هر شیوه مطالعه رفتاری و فرهنگی شهرنشینی، دارای کارآمدی و موثری نتایج باشد و در عین حال نیز باید توجه داشت که هر شیوه مطالعه، می‌تواند در بستر شرایط، اهداف و حوزه مداخلات، کارآمدی بیشتری داشته باشد، چنانچه ویژگیهای روانشناختی و نوع و میزان مناسبات اجتماعی می‌تواند در همکاری شهروندان یا تحقق اهداف تحقیق، تاثیر گذار باشد.

۱. «روش مصاحبه و پیمایش»^۴: این روش در کارهای حرفه‌ای «مطالعات فرهنگی»^۵ کاربرد گسترده‌ای دارد، بگونه‌ای که در نهادهای مهندسی مشاور شهرسازی در راستای انطباق حوزه مداخلات

شهری را با نیازهای سالم انسان شهری فراهم کرد و از همین روی است که بهره‌گیری از دانشهای انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی روانشناسی محیطی، دارای اهمیت می‌شود. معیارهای اجتماعی شهری را پدیده‌هایی می‌دانند که به انسان، اجتماع و به استقرار آن نسبت می‌دهند و گستره‌ای از تغییرات و تراکمهای جمعیتی، نیازهای اجتماعی و شرایط زندگی را در بر می‌گیرد (وزین، ۱۳۸۴، ص ۸۱). علاوه بر این عرصه فضاهای شهری با مفاهیمی مانند خلوت، فضای شخصی، قلمروها و ازدحام ارتباط نزدیکی دارد (آلتمن، ۱۳۸۲)، چنانچه خلوت و فضای شخصی، نوع و رفتارهای خاصی را ایجاد می‌کند، در عین حال که فرایندی دیالکتیکی و دائم در حال تغییر است. قلمروها نیز نقش تسهیل‌کنندگی در تعاملات اجتماعی و تثبیت نظامهای اجتماعی را در بر دارند که در برخی الگوهای روانشناسی محیطی - روانشناسی «بوم‌شناختی گیبسون»، رفتار و محیط، چنان درهم تنیده می‌شوند که انفکاک آنها دشوار می‌شود، گویی رفتار تنها در بستر محیط شهری، تعریف پذیر می‌شود و رابطه انسان شهری و محیط زندگی، پویا و دائم در حال تغییر می‌شود (نمازیان، ۱۳۸۲، ص دوازده). در هر صورت در راستای مطالعه فرهنگ شهرنشینی، برحسب نیاز و نوع رویکرد و میزان مداخله در محیط شهروندی، و یا میزان آگاهی شهروندان از مورد مطالعه قرارگیری، می‌توان به شیوه‌هایی اشاره کرد به آنها پرداخته می‌شود:

1.Ubtrusive Method
2.Expremental Research
3.Theory Making

4.Survey Method
5.Cultural Research

شهری با نیازها و رفتارهای سالم شهروندی، از این روش بهره برده می‌شود. از آنجا که در رویکردهای نوین شهری در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی و برنامه‌ریزی شهری، مردم عاملی اساسی در «فرایند تولید برنامه»^۱ بشمار می‌آیند، و نمی‌توان هیچ اصلی را به شهروندان در رابطه با الگوهای رفتاری و نحوه و چگونگی استفاده از شهر دیکته کرد (محمودی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۶۸)، و یا به هیچ وجه نباید قصد رویارویی و برخورد مستقیم با الگوهای رفتاری جامعه و تغییر یا اصلاح آنها را به این ترتیب داشت (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۴)، ضروری بنظر می‌رسد که از مصاحبه و پیمایش، بیشتر بهره برده شود. روش مصاحبه و پیمایش دارای مشکلات اساسی نیز می‌باشند که اعتبار^۲ نتایج کسب شده را کاهش می‌دهد که در این میان می‌توان به برداشت اشتباه^۳ از نتایج مصاحبه و پیمایش (Marans, 1975)، عدم درک صحیح شهروندان از پرسشهای مصاحبه (Goodrich, 1974)، و یا عدم شفافیت در پاسخگویی یا صداقت در نظرات (محمودی نژاد، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

۲. «روش مشاهده و ارزیابی»: در این روش، ضمن آگاهی فرد یا گروه‌های شهروندی مورد مطالعه تلاش می‌شود تا الگوهای رفتاری و نحوه رفتارهای شهروندی از طریق مشاهده مستقیم یا با واسطه، مورد ارزیابی قرار گیرد که در این میان توجه به نوع آداب و سازواره‌های روانی طبقه مورد بررسی نیز، دارای اهمیت بسیاری می‌شود. این امر از آن جهت مهم است که میزان آگاهی افراد از مطالعه و نظارت بر رفتار ایشان در محیط شهری، باعث می‌شود که بسیاری از شهروندان در نحوه بروز اختیاری و آزادانه رفتارهای خود تجدیدنظر کنند و در درستی نتایج حاصل از مطالعه، تردید بوجود آورند.

۳. «روش نظر خواهی و نظر سنجی»: در این روش

نیز از طریق پرسشنامه‌های مکتوب می‌توان از نحوه و ویژگیهای فرهنگی - رفتاری شهروندان، در نوع، میزان و چگونگی بکارگیری فضای شهری آگاهی یافت که به دو صورت پرسشنامه‌های موضوعی و موضوعی بر حسب نوع سوالات به صورت پرسشنامه‌های عمیق صورت می‌گیرد. از آنجایی که در این روش نیز افراد از مورد بررسی قرار گرفتن آگاهی دارند، ممکن است که از بروز آزادانه رفتارها و تعاملات خویش با محیط شهری، اجتناب کنند که در میزان کارآمدی و ارتقا کیفی نتایج حاصل از بررسی و مطالعه، اثرات نامناسبی دارد.

۴. «روش طراحی سریع^۴ برای پاسخهای غیر کلامی»: منظور از این روش این است که از آنجایی که بسیاری از رفتارهای شهروندان، نمی‌تواند از «طریق کلامی»^۵ ثبت شود، تلاش می‌شود تا پاسخهای غیر کلامی، رفتارها و نحوه بکارگیری فضای شهری بوسیله شهروندان از طریق طراحی سریع یا اسکیس ثبت شود (Vander Ryan Silverstein, 1967) تا بتوان در «رویکردی گرافیکی»^۶، چگونگی و نوع کاربست شهر، و یا نوع فرهنگ شهری حاکم را که الگوهای رفتاری شهروندان را تشکیل می‌دهد، مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. این روش در نزد معماران و طراحان شهری، برای ادراک رفتارهای شهری و برهمکنش‌های تعاملی فرهنگ شهروندان و نوع رفتارهای ایشان، برای انطباق دهی محیط طراحی شده شهر با نیازهای رفتاری ساکنین شهری، مورد استفاده دارد.

۵. «روش ثبت زمانی»^۷: در این روش از شهروندان خواسته می‌شود تا فعالیتها و مکان وقوع آنها را ثبت نمایند (Michelson, 1975) که در این راستا می‌بایست از صداقت و اختیاری بودن اراده شهروندان و میزان همکاری و مشارکت ایشان، در رفتارها و چگونگی بروز در محیط شهری، اطمینان حاصل

1. Plan Making
2. Validity
3. Sketching Method

4. Dialouge Approach
5. Graphical Approach
6. Time Budget Method

کرد. از آنجا که این روش به میزان روشهای دیگر، از همکاری و مشارکت بیشتری از طرف شهروندان نیاز دارد، می‌بایست پس از اطمینان از مشارکت صادقانه و مشارکت پذیری شهروندی، نسبت به انجام آن اقدام کرد تا از نحوه و میزان درستی نتایج بررسی و مطالعه ساختار فرهنگی شهر که در نحوه رفتارهای شهروندان و آداب شهرنشینی در محیط شهری حاصل می‌شود، اطمینان حاصل شود.

۶. «روش ثبت زمانی بر عکس‌های هوایی»: در این روش، مطابق روش بالا از شهروندان خواسته می‌شود تا مکان بروز، نوع فعالیت و یا رفتار خود را بر روی عکس‌های هوایی و یا ساختار «دید از بالا» (پلان) ثبت کنند (Michelson, 1970)). آنچه در این دو روش مهم بنظر می‌رسد، این است که از آنجایی که این روشها بوسیله خود شهروندان که در مقیاس عام از ابزار و نوع این ثبتها آگاهی ندارند صورت می‌گیرد، می‌تواند در کارآمدی نتایج و بازدهی درستی نتایج تحقیق، تا حدودی تردید ایجاد کند. ۷. «روش آزمایشگاهی»: این شیوه بوسیله آلتمن (Altman, 1975) در تعیین فضاهای شخصی شهروندان و میزان قلمروهای فردی ایشان مورد استفاده قرار گرفت که در آن از آزمایش‌شونده می‌خواهند، «فاصله واقعی»^۲ میان خود و دیگران را انتخاب کنند. از آنجا که تمایل پژوهشگران مطالعات فرهنگ شهری به سوی رفتارهای «مکان واقعی»^۳ در حال افزایش است، این روش از مقبولیت ویژه‌ای در بین پژوهشگران برخوردار شده است. این روش از شیوه‌های بررسی فضاهای شخصی^۴ بشمار می‌رود که در تعیین میزان اجتماع پذیری شهروندان و احساس اجتماعی ایشان در محیط شهری، دارای کاربرد است. در این شیوه می‌توان از شهروندان مورد مطالعه درخواست کرد تا به دیگر شهروندان

نزدیک شوند یا اجازه دهند دیگران، آن قدر به آنها نزدیک شوند که احساس کنند، دیگر راحت نیستند. این شیوه سه ویژگی اساسی دارد: الف- آزمایش‌شوندگان آگاهی دارند که رفتارشان تحت نظارت و کنترل است؛ ب- آزمایشگر بر موقعیت یا نوع واکنش‌شوندگان نظارت دارد و در آن مداخله می‌کند؛ پ- فاصله در این روش، معیار اصلی در تعیین و ارزیابی فضاهای شخصی بشمار می‌رود و به زاویه قرارگیری افراد در موقعیت، توجه چندانی نمی‌شود. این شیوه بوسیله «هارویتز»^۵ (Horowitz, 1968) نیز در تحقیقات روانشناختی خاص مورد استفاده قرار گرفته است.

۸. «روش کاغذ و قلم»^۶: در این روش از شهروندان و کاربران فضاهای شهری خواسته می‌شود تا برحسب علایق، شرایط و خواسته‌های خویش و بصورتی کاملا اختیاری، در مورد انتخابهایی که در مقابل آنها است، تصمیم بگیرند (Sanoff, 1968). این شیوه در واقع نوعی «بازی نیمه تصویری»^۷ است که برای مقاصد طراحی محیط شهری بر اساس نوع و چگونگی رفتارهای شهری و الگوهای کاربری فضای شهری بوسیله شهروندان، مورد استفاده دارد و نمی‌توان در دیگر موارد از آن استفاده کرد.

۹. «شیوه شبیه‌سازی»: این روش بر اساس ایده طرح‌های اجتماعی یا ادراکات مشترک فرهنگی، درباره نحوه کنارهم قرارگیری افراد و اشیاء بنا شد که نخستین بار بوسیله کوته (Kuethe, 1962) در دانشگاه جانز هاپکینز کاربری یافت. همچنین از این شیوه در بررسی فضاها و قلمروهای شخصی استفاده می‌شود که بوسیله آلتمن (Altman, 1975) مورد کاربرد یافت. در این روش، نمادها و شمایلهایی به افراد مورد مطالعه داده می‌شود و از آنها خواسته می‌شود تا درباره فاصله میان آنها قضاوت کنند.

این شیوه بر اساس نوع و ابزار کار، به انواع شیوه جایگزینی آزاد، روش بازسازی و روش طرح‌های خطی و روش اشکال انتزاعی، تقسیم می‌شود.

۱۰. «روش بازسازی جایگزینی»^۱: در این روش کارتهای عکس داری را که از پیش چیده شده اند، برای مدتی کوتاه در اختیار آزمایش شونده قرار می‌دهند و پس از بهم ریختن ترتیب اشکال، از آنها خواسته می‌شود تا دوباره آنها را سر جای خود قرار دهند.

۱۱. «روش طرحهای خطی»^۲: در این روش نیز از طرح‌های خطی تاریک، شمایلها و آدمها در حالات گوناگون (لم داده، نشسته متمایل به جلو)، مجسمه‌ها و عروسکها برای نمایش محیط پیرامون استفاده می‌شود. این روش بزعم کوتاه (1963, Kueth) می‌تواند در شناسایی ادراکات مشترک فرهنگی، بر اساس ایده طرح‌های اجتماعی مورد کاربرد قرار گیرد.

۱۲. «روش اشکال انتزاعی»^۳: در این روش اشکال انتزاعی^۳ (مثل دایره و مثلث) را که نشان دهنده انسان‌ها بشمار می‌روند، به افراد مورد مطالعه می‌دهند و از ایشان می‌خواهند تا آنها را به صورت خطی، در داخل یا خارج محدوده‌هایی مشخص بچینند.

شیوه‌های غیرمداخله‌گر^۴ در ارزیابی قرارگاه رفتاری

شیوه‌های غیرمداخله‌گر نیز به روشهایی اطلاق می‌شود که افراد مورد مطالعه در نواحی شهری، نسبت به انجام تحقیق آگاهی ندارند (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱). این شیوه در بررسی چگونگی استفاده وضع موجود محیط شهری و میزان تمایل مردم به رفتارهای خاص، و یا عدم سازگاری الگوهای رفتاری و محیط کالبدی، کاربرد دارند. در واقع می‌توان به

این نکته اشاره کرد که در شیوه غیرمداخله‌گر، شهروندان نسبت به انجام تحقیق بر روی رفتارهای شهروندی آگاهی ندارند و امکان ظاهرسازی و عدم درستی رفتارهای شهروندان در محیط شهری کاهش می‌یابد. این روشها بر اساس اصل محوری عدم آگاهی شهروندان شکل می‌گیرند و بر حسب مورد بررسی، زمان و نوع رویکرد و یا اهداف تحقیق گونه‌های مختلفی را بخود می‌گیرند. از آنجا که طراحان شهری و معماران، در سیر مطالعه رفتارها و الگوهای فرهنگ شهری بر حسب نوع و هدف تحقیق از رویکردهای ذهنی، برای مطالعه و تحلیل رفتارها و فرهنگ شهرنشینی حاکم، بهره می‌برند (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰) و با توجه به پیچیدگی رفتارها و فرهنگ حاکم بر انسان شهری، ضروری بنظر می‌رسد که مطالعه فرهنگ شهری حاکم بر فضاهای شهری که الگوهای رفتاری شهری را بوجود می‌آورد، مورد توجه قرار گیرد. با این وجود تنها در دو دهه اخیر است که این امر در مطالعه الگوهای رفتاری شهری بوسیله اندیشمندانی مانند کریستوفر الکساندر (1964, Alexander)، مایکلسون (1975, Michelson)، تیل (1961, 1964, Thiel)، اپل یارد (1964, Appleyard)، وان در رایبن (Van der ryne, 1965) و وایت (1980, Whyte)، مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است.

۱. «روش آزمایشهای طبیعی»^۵: در این روش برای بررسی رفتارهای شهروندی از اصل «واکنشهای رفتاری»^۶ استفاده می‌شود، بدانگونه که مشاهده‌گر برخی از عناصر محیط شهری را دستکاری می‌کند (Patterson, 1974) تا نوع و چگونگی واکنش رفتاری شهروندان را در مقابل آن تغییر، ارزیابی و بررسی کند. شهروندان مورد بررسی در این روش

1. Alternative Replacing
2. Liner Design
2. Subjective Forms
4. Unobtrusive Method
5. Natural Experiments
6. Reaction of Behavior

بطور تصادفی انتخاب می شوند (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱) و برحسب هدف تحقیق می تواند در فضاهای شهری متفاوت با رویکردهای موضوعی، موضعی و عام مورد کاوش قرار داد.

۲. «روش مشاهده همراه با مشارکت»^۱ در این روش، مشاهده گر بخشی از نظام مورد مطالعه می شود و اساس آن را نحوه و میزان مشارکت مشاهده گر مطالعات شهری، در محیط مورد بررسی تشکیل می دهد (Gans, 1967). آنچه در این میان اهمیت فزاینده ای دارد، توجه به این امر است که مشاهده گر نباید خود را از ساختار مورد مطالعه جدا کند یا رفتاری را بروز دهد که شهروندان مورد مطالعه را از وجود خویش، بعنوان یک مشاهده گر رفتارهای شهری آگاه گرداند.

۳. «روش مشاهده رده های فیزیکی»^۲ این روش متداول ترین روش در میان معماران و خاصه، طراحان شهری در بررسی رفتارهای شهروندان و مطالعه الگوهای رفتاری نشات گرفته از فرهنگ شهرنشینی حاکم، از جانب ایشان است. در واقع در این روش از ثبت رده های فیزیکی در بخشهایی از محیط شهری استفاده می شود که در اثر استفاده فرسوده شده یا چیزهایی به آن اضافه شده است (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱)؛ بعنوان مثال می توان از مسیرهای ایجاد شده بر روی چمنها یا عناصری که به ساختمانها اضافه شده اند و یا تغییراتی که در محلهایی خاص از شهر در محیط کالبدی صورت گرفته است، به نیازهای مردم و الگوهای رفتاری و فرهنگ حاکم بر فضاهای خاص شهری و حتی پاسخگویی محیط شهری به فرهنگ و الگوهای رفتاری سالم شهروندی، پی برد (Cooper, 1975).

۴. «روش میدانی/طبیعت گرایانه» این شیوه نوع غیرمداخله گر در ارزیابی و بررسی فضاهای شخصی بشمار می رود که بوسیله آلتمن (Altman, 1975)

مورد استفاده قرار گرفت. در این روش فضاهای شخصی افراد در محیطهای طبیعی^۴ و با اندک مداخله آزمایشگر مطالعات فرهنگی اندازه گرفته می شود (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۶۶). آلتمن، این روش را دارای کاربرد فراگیری در عرصه های فضاهای عمومی شهری مانند خیابان، میدان و دیگر اماکن طبیعی می داند که می تواند در سنجش این مفاهیم و عرصه های خصوصی^۵ و اجتماع پذیری شهروندان در کشور ما نیز مورد استفاده یابد، چراکه با حداقل میزان مداخله مشاهده گر همراه می شود و از ضریب معناپذیری و کارآمدی بالایی در درستی نتایج، برخوردار می شود.

۵. «روش مشاهده ساده»^۶ این روش به ثبت سازمان یافته رفتارهای شهروندان، بدون دستکاری در محیط و هرگونه مداخله در ساختار شهر می پردازد (Lang, 1987). در این روش بر خلاف روش آزمایشهای طبیعی، از هر گونه اقدام مداخلاتی در محیط شهری پرهیز می کند و تنها به ثبت مطالعاتی الگوهای حاکم رفتاری شهروندان و مکانیسمهای تعاملی بین انسان و محیط می پردازد. از همین رویکرد می توان بعنوان ساده ترین روش در اجرا، برای بررسی مکانیسمهای رفتاری و فرهنگ شهری حاکم بر ساختار شهری بهره گرفت. روش مشاهده ساده را پر کاربرد ترین روش در مطالعه رفتارهای منبعث از فرهنگ شهری می دانند که در ادامه به انواع آن اشاره می شود.

۶. «روش دوربین متحرک/دید عابر سواره» دانالد اپلیارد را پایه گذار مطالعات بصری - رفتاری می دانند که با همکاری کوین لینچ و جان مایر، نخستین تحقیق بصری را در مقیاس شهری انجام داد که در سال ۱۹۶۱ تحت عنوان دید از جاده (The View From The Road) منتشر شد. در این مطالعه بر جنبه های ادراکی و بصری محیط، بالاخص از دید

عابر سواره تاکید شد و جنبه های رفتاری استفاده کنندگان از فضا مورد توجه قرار نگرفت. در این روش دوربین فیلمبرداری متحرک مورد استفاده قرار گرفت که از دید عابر سواره بهره می برد.

۷. «روش شهروند ثابت/ فضا متغیر»: این روش مطالعه، به جنبه های رفتاری استفاده کنندگان از فضا معطوف بود و دهسال بعد از اپل یارد به انجام رسید (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). مبدع این روش را «ویلیام مایکلسون» (1975, Michelson) می دانند که هدفش، بررسی و شناخت الگوهای رفتاری افراد در دوره های زمانی مختلف (روزانه، هفتگی و ماهیانه) بود.

۸. «روش شهروند متغیر/ فضا ثابت»: در این تحقیق که جامع ترین و نخستین تحقیق ایرانی در حوزه مطالعات فرهنگی و رفتاری شهری بشمار می رود، بوسیله دکتر حسین بحرینی به انجام رسید که الگوهای رفتاری شهروندان در میزان و چگونگی بکارگیری فضاهای شهری را در میدان انقلاب، چهار راه ولی عصر، چهار راه جمهوری، میدان مخبر الدوله، میدان شوش، میدان گمرک و میدان امام (توپخانه)، مورد بررسی قرار داده است. تفاوت این روش با روش مایکلسون که استفاده کننده از فضا ثابت ولی فضا متغیر است، در این رویکرد فضا ثابت ولی استفاده کنندگان فضا متغیر می شوند.

۹. «روش لابراتوار / شبیه سازی»: این روش در سال ۱۹۶۶ بوسیله وینکل (Winkel) و ساسانف (Sasanoff) در دانشگاه واشینگتن آمریکا انجام گرفت که امکان مطالعه یک فضای واقعی را بصورت لابراتوار از طریق شبیه سازی فراهم می کرد. هدف این مطالعه، روشی جهت پیش بینی رفتار استفاده کنندگان آتی فضاهای مورد نظر بود تا امکان انطباق طراحی این فضاها با نیازهای واقعی استفاده کنندگان، فراهم شود (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). در این روش، از دو طریق نسبت به انجام مطالعه اقدام گردید:

۱۰. «روش اول: تعقیب بازدید کنندگان»: در این روش از طریق مشاهده و ثبت حرکات بازدید کنندگان، و با استفاده از پلان گالریهای موزه و یک ساعت صورت می گرفت و مسیر حرکت بازدید کنندگان با مداد، بصورت خطی ممتد بر روی پلان موزه منعکس می شد. پس از اتمام هر بازدید نیز، مصاحبه ای از بازدید کنندگان بعمل می آمد و نحوه و چگونگی الگوهای رفتاری ایشان در موزه ثبت می شد. در این روش نمونه گیری بصورت تصادفی و بر اساس هر چند دقیقه یک نفر انجام می شد.

۱۱. «روش دوم: شبیه سازی»: پس از ثبت وضعیت واقعی حرکتها یک مدل ساختگی تشکیل می شد تا امکان مقایسه نتایج فراهم شود. نحوه انجام مطالعه به این ترتیب بود که اسلایدهایی از فضاهای مختلف موزه بخصوص فضاهای مورد توجه بازدید کنندگان تهیه می شد و بوسیله سه پروژکتور از اطاقکی که برای این کار در نظر گرفته شده بود بر روی سه پرده نمایش داده می شد.

۱۲. «روش زندگی اجتماعی در فضاهای کوچک شهری»: «ویلیام وایت»^۴ در سال ۱۹۸۰ تحقیقی تحت عنوان زندگی اجتماعی در فضاهای کوچک شهری (The Social Life of Small Urban Space) انجام داد که نخستین تحقیق بنیادین در شناخت رفتارهای مردم عادی در خیابان و نظم و روال حاکم بر رفتارها و نحوه آداب و اخلاق شهروندان در بکارگیری فضاهای شهری بشمار می رود. وایت در این تحقیق نشان داد که کدام فضاهای در برابر رفتارهای انسان شهری پاسخگو می شوند و کدام فضاهای شهری در این باره پاسخگو نمی باشند. همچنین باید به تحقیقات بنتلی و همکاران نیز در ایجاد محیط های پاسخگو در ساختار شهری اشاره کرد.

۱۳. «روش بررسی الگوهای رفتاری شهروندان»: این روش بوسیله «کانستانزا کانیگلیاریسپولی» در پروژه

1. Simulation/ Laboratory Method
2. Traking Method

3. Simulation Method
4. William Whyte

ای برای میدان Piazzale Tecchio در شهر ناپل به انجام رسید که معطوف به بررسی الگوهای رفتاری استفاده کنندگان فضا می شد و از آن برای تجدید نظر در طرح میدان استفاده گردید. این بررسی با وجود ایده های جالب توجه، بدلیل محدودیتها و فرضیات فراوانی که در آن وجود دارد، ارزش و اعتبار چندانی نیافته است.

۱۴. «روشهای ابزاری/ تکنیکی»: علاوه بر این بر حسب نوع ابزار و تکنولوژی مطالعاتی نیز، می توان مراتبی را بر چگونگی مطالعه فرهنگ شهرنشینی و الگوهای رفتاری حاکم در نظر گرفت که می توانند در روشهای فوق و خاصه در روش مشاهده ساده مورد استفاده قرار گیرند. این روشها از مولفه های ابزاری ویژه ای در بررسی رفتارهای شهروندان بهره می گیرند که تنها هنگامی کاربرد می یابد که امکان بررسی از طریق دیگر شیوه ها، ممکن نباشد و یا بر اساس شرایط زمانی و مکانی و یا اقتضای فرهنگی و اجتماعی، می بایست از آنها بهره برده شود. در هر صورت این روشها می توانند بعنوان مولفه هایی تاثیر گذار در کارآمدی و ارتقا موثر نتایج بیفزایند.

۱۵. «روش فیلمبرداری»: در این روش بر حسب محل و منطقه مورد بررسی از لحاظ ابعاد مکانی یا مدت زمانی پژوهش، از فیلمبرداری استفاده می شود (Carr, Schissler, 1969) که می تواند با ضبط ویدئویی نیز همراه شود (Helmreich, 1974) و (Schefflen, 1976). این روش از آنجا که کمترین مداخله از طرف مشاهده گر را در محیط شهری باعث می شود، و جزیی از مبلمان فضاهای شهری تصور می شود و کمترین میزان آگاهی یا توجه شهروندان را بخود جلب می کند، می تواند موارد استفاده مناسب تری نسبت به روشهای دیگر داشته باشد. بر این اساس می توان به نکات قوت این روش چنین اشاره کرد: الف- کمینه مداخله در ساختار کالبدی شهری؛ ب- کمینه استفاده مستقیم مشاهده گر در

مطالعه رفتار شهروندی؛ پ- ایجاد کمترین توجه شهروندان و امکان بروز رفتارهای واقعی شهروندان؛ ت- صرفه جویی در زمان و هزینه مشاهده گران در روند مطالعه فرهنگی؛ ث- افزایش میزان کارآمدی نتایج و ارتقا موثر مطالعه و بررسی.

۱۶. «روش عکسبرداری»: در این روش از طریق عکسبرداری از نوع و چگونگی رفتارها و فرهنگ حاکم بر الگوهای رفتاری شهروندان، می توان به ثبت و ارزیابی رفتارها و فرهنگ حاکم بر شهر در حوزه شهرنشینی پرداخت (Davis, Ayers, 1975). این روش را در هنگام بررسی حوزه های محدود، مورد استفاده قرار می دهند و در محیط هایی با ابعاد کوچک کاربرد دارد.

همسویی معنادار طراحی مبلمان شهری و مدیریت رفتار شهروندی

چنانکه پیش از این توضیح داده شد مهم ترین عامل در خلق فضاهای سرزنده و مدیریت رفتاری شهروندی، تامین شرایطی است که در آن ارتباط اجتماعی، زمان های حضور مردم و نیز امکاناتی برای مکث و توقف تشویق گردند. لذا طراحی مبلمان و فضاهای شهری باید همسویی معناداری با رفتار شهروندان و الگوهای رفتاری آنها داشته باشد:

۱. همسوئی چیدمان و فواصل مبلمان و فعالیت اجتماعی: مبلمان موجود در فضای شهری با انواع و نوع چیدمانش، می تواند پیغام های اجتماعی مخابره کند. با برقراری امکاناتی برای برقراری ارتباط اجتماعی و تعاملات جمعی مبلمان در واقع حمایت خود را از اجتماع شهری اعلام می دارد. برا برقراری ارتباط اجتماعی انواع مختلفی از صندلی های متحرک، صندلی های ثابتی که دور یک میز چیده شده اند، یا نیمکت های ثابتی که رو به یکدیگر جهت گیری کرده اند و در نهایت صندلی هایی که با زاویه ای اما در فاصله اجتماعی (۳۰، ۹-۱، ۳ متر، ۴-۱۲ فوت) نسبت در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. انواع دیگری

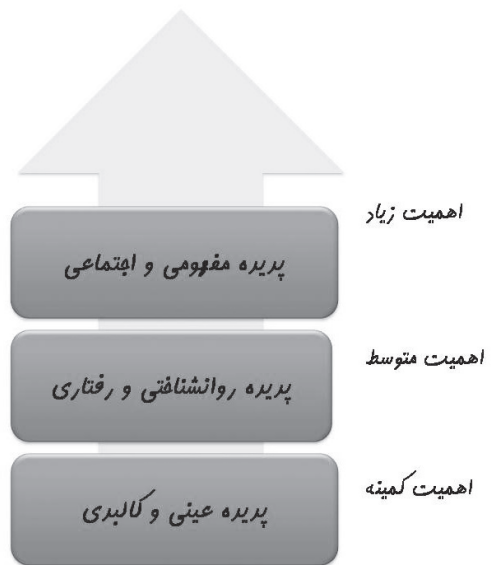
از مبلمان مانند دیوارهای کوتاه یا نیمکتهایی که در کنجها و با زاویه نسبت به یکدیگر قرار گرفته اند نیز به نوبه خود برای برقراری تعاملات مفید هستند. همسوئی مبلمان و فعالیت اجتماعی همه شمولی) مبلمان همین طور با فراهم آوردن امکانات و فرصت‌ها برای گروه‌هایی که اغلب تحت پوشش نیستند مانند افراد سالخورده و یا اینکه افراد کم توان، التزام و تعهد خود را نسبت به همه افراد جامعه نشان می‌دهد.

۲. مبلمان و فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی: شهرهایی که خوب طراحی شده اند، مکان‌های بسیاری برای نشستن عرضه می‌کنند که در نقاط درست و به جا واقع شده اند. نیمکتهای و فضاهای نشستن نقش بسیار مهمی در میزان استفاده و موفقیت یک فضای شهری دارند. به گونه‌ای که در مطالعات انجام شده توسط ویلیام وایت با تکنیک «عکسبرداری با فواصل منظم»، مهمترین تاثیر را میزان وجود فضای نشستن به صورت عام و میزان وجود نیمکت‌ها و صندلی‌های آن فضا تشکیل می‌دهد. چنانچه یک فضا دارای سطوح قابل نشستن زیادی باشد و یا تعداد نیمکت و صندلی زیادی برخوردار باشد به معنای این است که این مکان به مردم خوش آمد می‌گوید و فضای بسیار زیاد و انتخاب‌های متنوعی را در اختیار می‌گذارد. جداول استفاده از فضاها در طول زمان در پژوهشات وایت نشان داد که پلازهای معروف به طور چشمگیری فضاهای نشستن بیشتری نسبت به آنهایی که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند دارند. او سعی کرد که به متغیرهایی مانند پشتی صندلی، دسته‌های صندلی برای تکیه و راحتی فیزیکی وزن‌دهی نماید. وایت به این نتیجه رسید که «صرف نظر از هر متغیری که اندازه‌گیری کردیم، مردم جاهائی تمایل به نشستن دارند که مکان نشستن وجود داشته باشد.» وایت معتقد بود که این اطلاعات تنها یافته‌هایی بسیار حیرت‌انگیز نیستند، بلکه حقایق حیاتی هستند که در ارائه راهنمای طراحی برای فضاهای عمومی

بسیار با اهمیت هستند (وایت، ۱۹۸۰، ص ۴۰) برایانت پارک از موفق ترین فضاهای شهری در نیویورک است که در آن هزاران صندلی قابل تحرک وجود دارد. بسیاری از مردم در هنگام صرف ناهار و گپ‌های دوستانه به این مکان می‌آیند و حتی بسیاری از مردم با لپ‌تاپ‌هایشان برای انجام کارهایشان به آن جا می‌آیند. عامل وجود مکان نشستن از بسیاری عوامل مانند شکل یک فضا، مساحت و بزرگی آن، میزان آفتابگیری فضا، بر روی حضور پذیری فضا پیشی می‌گیرد. هر قدر هم که فضایی دارای جداره‌های جذاب باشد و مباحث معمارانه با جلوه‌گری به نمایش خود مشغول باشند و هر چند آنم‌ای بسیار زیبایی در یک فضا باشد، باز به اندازه وجود مکانهای نشستن مختلف و زیاد نمی‌تواند در جذب مردم موفق باشد (وایت، ۱۹۸۰، ص ۴۵).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شکل‌گیری قراگاه‌های رفتاری در یک فضا می‌تواند در زمینه برهمنشانی فعالیت بر یک مکان در یک دوره زمانی خاص اثربخش باشد که در دوره‌های زمانی طولانی ماهیت طراحی فضاها را نیز باید با خود همراه کند تا شکلگیری محیط‌هایی پاسخ‌ده و مطلوب برای شهروندان خاصه حوزه بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری فراهم گردد. از سویی دیگر، هدف اصلی برنامه‌ریزان شهری و طراحان از طراحی، ساخت و ارائه مبلمان شهری انطباق آنها با الگوهای رفتاری و نیازها و خواست‌های شهروندان و خصوصیات «آنتروپومتری مربوط به مهندسی انسان‌سنجی» است؛ لذا در چند دسته کلی تقسیم بندی میشود که در کل اجزای مبلمان شهری، دو ویژگی اساسی دارند: «کاربرد بودن و زیبایی»، که در صورت داشتن هر دو ویژگی، می‌توانند نیاز عملکردی و بصری شهروندان را همزمان برآورده سازند. البته این امر، مستلزم در نظر گرفتن مقوله‌های متعددی در طراحی اجزای مبلمان شهری است که نه تنها رنگ، هماهنگی با محیط پیرامون،



نمودار ۱۲. سلسله مراتب ارزشی میزان اهمیت بکارگیری روشهای ارزیابی رفتار و قرارگاه های رفتاری در بازطراحی فضا و مبلمان؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

دوام، ایمنی و اقتصادی بودن آنها مورد نظر است، بلکه باید از نظر عملکردی، جانمایی مناسبی در سطح شهر داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان باشند.

در بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری عناصر متعددی در شهر جای گرفته‌اند که جزئی از مکان هستند و چنانچه با یکدیگر هماهنگی و انسجام داشته باشند، مضامین و مفاهیم مشترکی را بیان می‌کنند. در کل می‌توان اهداف کلی زیر را در باز طراحی و ارائه طراحی مبلمان شهری در انطباق با نیاز شهروندان که باید از روشهای ارزیابی شهروندی (روشهای مداخله گر یا غیرمداخله گر استفاده شود) انتظار داشت: «۱. ارتقاء کیفیت خدمات عمومی شهری و ایجاد سرزندگی در شهروندان در چارچوب مدیریت منظر شهری»: با نوسازی و بهسازی مبلمان شهری و طراحی اصولی آن به گونه ای که همگام با نیازهای مادی و روانی شهروندان باشد میتواند به نحو چشمگیری شاهد پیشرفت و تکاپو در فعالیت های اجتماعی بود. در صورت ارائه درست خدمات

شهری از جانب ارگانها میتوان روند استفاده از این خدمات را سرعت بخشید و به طبع آن شاهد سرعت گرفتن فعالیت های جانبی از طرف شهروندان و تلاش مضاعف ایشان در جهت زندگی شهروندی بود. «۲. ایجاد میل و انگیزه در شهروندان در جهت بهسازی محیط شهری»: با زیباسازی سطح شهر که وابستگی بسیار زیادی بر طراحی مبلمان شهری دارد می‌تواند روحیه حفظ و نگهداری از محیط شهری را در شهروندان افزایش داده و اهمیت فضای شهری را در نگاه مخاطبانش بالا ببرد که این مسئله به کوششی غیر مستقیم در نگهداری و زیبا سازی شهری در اذهان عمومی جامعه دامن میزند. «۳. هویت بخشی به فضاهای مختلف شهری»: در صورت رعایت این اصل شهروندان می‌توانند با مشاهده یک مکان خاص از آن به عنوان مکانی متمایز از سایر مکانها یاد کنند در صورتی که مبلمان شهری ارائه شده در هر محله و شهر گویای هویت تاریخی و فرهنگی آن محله یا شهر باشد می‌توان به نوعی شخصیت دهی فرهنگی در سطح کلان دامن بزند. از دیدگاه طراحان، انتخاب و طراحی مناسب مبلمان شهری، حفظ هویت مکان و نمود بیشتر آن را ممکن می‌سازد. این برخورد در احیای مناطق تاریخی و سنتی بسیار موثر است. اگر دخالت در شهر به تزیینات سطحی محدود نشود، باید میان بافت اجتماعی و فضای شهر توازنی ایجاد کرد. آن گاه که بافت اجتماعی مکانی تثبیت شده و در میان ساکنانش مفهوم شهرنشینی، ریشه ای عمیق دواند، می‌توان به ساختارهایی مکمل در سیما و منظر آن پرداخت و شرایط را برای حفظ محیط و رفاه اهالی مهیا کرد. «۴. رعایت اصل پیاده گسترش»: به معنای گسترش فضای پیاده در سطح شهرها به جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی شهری و ایجاد میل به پیاده روی در شهروندان با گسترش این مقوله در سطح شهرها میتوانیم شاهد برقراری رابطه عمیقتری بین شهروندان و محیط شهری باشیم. «۵. ایجاد یکپارچگی در سطح شهر در عین تنوع فرم»: با

طراحی و نصب مبلمانهای شهری یکپارچه با چندین کارکرد مختلف می توان ضمن ایجاد یکپارچگی در اجزای شهر موجبات کاهش مصرف مواد و کاهش هزینه های ساخت و کاهش ابعاد را فراهم آورد. از طرفی با یکپارچه سازی مبلمان شهری می توان از تکثیر جزئیات اضافی بسیاری در خیابانها کاست. نکته ظریف در این میان وجه تمایز سیستم های یکپارچه با سیستم های چندمنظوره است؛ در یک سیستم چندمنظوره، محصول از ابتدا به این قصد طراحی می شود و احتمال دگرگونی در سیما و پیکره آن زیاد است، اما در مبلمان یکپارچه لزوماً چنین هدفی دنبال نمی شود بلکه اجزاء و عناصر مورد نظر در صورت تطابق و حفظ پیوستگی ظاهری با عنصر ثابتی یکپارچه می شوند. مبلمان شهری بر طبق یک سری قواعد و معیارها به وجود می آید. اصول و قواعدی که محصول قرن ها تجربه بوده و در طراحی رعایت می شده است:

۱. «خوانایی»: یکی از مهمترین خصوصیتاتی که تابلوها یا علامت باید داشته باشد، خوانایی در زمینه و محیط شهری است. در این زمینه لینچ در ادامه مطالعه ای که برای معرفی عناصر پنج گانه سیستم خوانایی شهر انجام داده به تعریف رابطه با علائم شهری پرداخته است. خلاصه دیدگاه او درباره علائم و مبلمان شهری با عناصر خوانایی شهری به این شرح است که؛ کیفیتهای مثبت و منفی شهر که در پنج عنصر (گره، راه، نشانه، لبه و محله) بیان شده اند و تعاملات پیچیده میان آنها برای ارزیابی و تعیین جنبه های مثبت فرم به کار می روند.

۲. «تمایز بودن»: برای اینکه علامتی بتواند در محیط شهری شناسایی شود، می بایست به نوعی از زمینه و سایر علائم اطراف متمایز گردد. برجسته کردن علائم از محیط شلوغ و مغشوش و اغلب گیج کننده، راه حل متمایز بودن محسوب می شود. راه حل دیگر، خلق طرح و شکلی متمایز برای آن علامت است. یکی از ابزارهای دیگر، رنگ است؛ چراکه رنگ به سادگی قابل شناسایی است.

۳. «تقویت چهره و هویت»: یافتن چهره و هویتی خاص برای شهری از طریق علائم و مبلمان، کار پیچیده است. تاریخ شهر، بافت موجود شهری و چشم انداز و نقش آینده شهر همگی می بایست مورد توجه قرار گیرد.

۴. «هماهنگی»: ضوابط کنترل کننده و استانداردها از ابزارهای ایجاد هماهنگی میان تابلوها با یکدیگر و با محیط شهری است. این استانداردها و قواعد لزوماً چنین نیست که خلاقیت طراحان را محدود سازد؛ بجز تابلوهای راهنمایی و رانندگی که از استانداردهای بین المللی پیروی می کنند، در سایر زمینه ها می توان راه حل های مبتکرانه و هماهنگ با محیط برای انتخاب شکل، رنگ، ابعاد و نورپردازی بسته به شرایط و محل به کار برده شود.

۵. «اصل محصور کردن فضا»: اگر فضا به شکل مطلوبی محصور نشود نمی توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت. نسبت ارتفاع به بدنه فضای محصور اگر یک به دو باشد در این حالت لبه بالایی بدنه تقریباً بر محدوده بالایی میدان دید منطبق است و آستانه محصور شدن در فضاست. اصل مقیاس و تناسب (مقیاس انسانی): اگر اندازه یک فضا با پیکر انسان ارتباط مطلوب داشته باشد گفته می شود که فضا مقیاس انسانی دارد.

۶. «اصل فضاهای متباین»: فضاهایی هستند که از نظر خصوصیات عرض و طول و ارتفاع از طرفی و عناصر و اجزاء محصور کننده از طرف دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. ارزش فضاهای متباین این است که از یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده می کاهد.

۷. «طراحی بدنه های فضای شهری»: دیواره ها و جدارهای محصور کننده یک فضا باید دارای خصوصیتاتی باشد تا بتوان به یک فضای مطلوب دست پیدا کرد. دارای نظم باشد؛ بین نماها و اجزاء یک نما از لحاظ کمیت؛ سازگاری و توافق وجود داشته باشد. دارای وحدت و ترکیب باشد؛ ترکیب بر پیوند و ترتیب اجزاء و عناصر استوار است و وحدت نما حاصل یگانگی و تقویت محور مرکزی است.

مولفه	شاخص	زیرشاخص	چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه	
عملکرد	مدیریتی	نقش مسیر و راه	نقش مسیر از نظر جابجایی یا اجتماعی طیف مختلفی از رفتارها از جمله راه رفتن سریع تا توقف و مکث را منجر می شود	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری- تفریحی	
			عرض مسیر	تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری و تفریحی؛ وجود کتاب فروشی یا خرده فروشی در راسته صنعتی و کارگاهی
			سلسله مراتب	وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری- تفریحی
			نفوذپذیری	میزان نفوذپذیری بصری و کالبدی با میزان استفاده فضا رابطه مستقیم دارد	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری- تفریحی
تجهیزات	روشنایی	میلبر	جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ ایجاد مکث و توقف	وجود روشنایی در فضا منجر به ایجاد نظارت اجتماعی و افزایش امنیت محیط می شود در نتیجه جرم خیزی محیط کاهش می یابد	
			جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ (شکلگیری قرارگاه رفتاری امن)؛ ترویج رفتارهای مناسب و اجتماعی؛ ایجاد مکث و توقف؛ بالا رفتن حق انتخاب و میزان استفاده از فضا	وجود تجهیزات متناسب با نیاز و تراکم استفاده در فضا در میزان استفاده از فضا نقش دارد؛	
مدیریتی	نقش مسیر و راه	عرض مسیر	تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	در مسیر سواره با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می کند و مسیر سواره تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه است بنابراین رفتارهایی همچون سوار و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می شود	
			سلسله مراتب	وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند	در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می شود در مسیری تنگ با حرکت دشوار مردم احساس ناامنی می کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می کنند
مدیریتی	نقش مسیر و راه	عرض مسیر	تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	در مسیر سواره با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می کند و مسیر سواره تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه است بنابراین رفتارهایی همچون سوار و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می شود	
			سلسله مراتب	وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند	در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می شود در مسیری تنگ با حرکت دشوار مردم احساس ناامنی می کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می کنند
مدیریتی	نقش مسیر و راه	عرض مسیر	تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	در مسیر سواره با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می کند و مسیر سواره تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه است بنابراین رفتارهایی همچون سوار و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می شود	
			سلسله مراتب	وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند	در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می شود در مسیری تنگ با حرکت دشوار مردم احساس ناامنی می کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می کنند



روشهای ارزیابی مداخله گر با تاکید بیشتر	وجود ویژگی هایی همچون انسجام و پیوستگی؛ وحدت؛ تنوع؛ شفافیت بدنه و کف؛ هماهنگی و هارمونی در بدنه باعث خوانایی بیشتر می شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید، تفریح و...	فرا رنگ قد مرد	بدنه	کالبد	۹۰
	وجود ویژگی هایی همچون یکپارچگی؛ حفظ تداوم حرکت پیاده؛ انعطاف؛ ایمنی؛ پرهیز از اختلاف سطح باعث خوانایی بیشتر می شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید	۹۰	۹۰		
	وجود ویژگی هایی همچون ادراک به صورت یک کل واحد؛ محصوریت؛ توالی فضایی؛ انعطاف پذیری فضا، مقیاس انسانی؛ داشتن سکانس بندی فضایی؛ تنوع فضایی؛ صلب و نرم؛ مسقف و آزاد باعث خوانایی بیشتر و میزان بیشتر استفاده از فضا می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید و تفریح	فر ک ف ن و خال			
	ویژگی هایی همچون توالی بصری؛ قابلیت ایجاد دیدهای پی در پی ایجاد پرسپکتیو و خوانایی باعث میزان بیشتر استفاده از فضا و سهولت استفاده می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید، و تفریح؛		نشانه ها، پوشش گیاهی، کریدورهای دید، ابتدا و انتها	منظر شهری	

	<p>مکانی برای انسان با حس تعلق همراه است، رفتارهای ناهنجار کمتری در آن مشاهده می شود؛ در یک مکان خاطره انگیز مردم تماشا می کنند، به خاطر می آورند و از حضور در فضا لذت می برند؛</p>	<p>ویژگی‌هایی همچون خاطره انگیزی؛ داشتن حس مکان؛ شخصیت و هویت بارز؛ نظارت اجتماعی و امنیت از طریق رعایت موارد فوق حاصل می شود و بر میزان استفاده از فضا و تراکم الگوهای رفتاری، ایجاد حس تعلق و افزایش مشارکت مردمی نیز موثر است؛</p>	<p>معنا</p>
	<p>وجود زباله در فضا یا حیوانات مودی شهری مانند موش، گربه یا حشرات مردم را از فضا دور می‌کند و رفتار ناهنجار ریختن زباله را تشویق می‌کند؛</p>	<p>وجود پوشش گیاهی، مصالح متناسب با اقلیم، سایبانها و تمام نکاتی که برای آسایش اقلیمی مدنظر است، عاری بودن فضا از انواع آلودگی های صوتی، بصری و هوا فضا را مکانی خودمانی و پاسخگو می کند و در نتیجه میزان مکث و استفاده از فضا بیشتر می شود؛</p>	<p>شرایط اقلیمی</p> <p>آلودگی های محیطی</p>

ترکیب و ارتباط روزه ها؛ برای دستیابی به آرامش بصری در نما؛ روزه ها باید به صورتی باشد که چشم به راحتی و آسانی از یک عنصر در نما به عنصر دیگر حرکت کند.

۸. «نحوه نورپردازی»: از دیگر مواردی که در مبلمان شهری می توان مورد بحث و بررسی قرار داد، نحوه نورپردازی و روشنایی شهرها، مراکز و خیابان های شهری است. طبق اصول مبلمان شهری، در مراکز که افراد به میزان امنیت بیشتری نسبت به دیگر مراکز احتیاج دارند، مانند: ایستگاه های اتوبوس و پارک ها، مراکز خرید و دیگر مراکز عمومی باید از تعداد بیشتری از چراغ های روشنایی در خیابان و مکان های فوق استفاده شود. طراحی این چراغ ها در سطح شهر به فن آوری طراحی این نوع چراغ ها، وسعت خیابان و حتی به مراکز که این چراغ ها در آن نصب می شوند، بستگی دارد. اگر چه این تمهیدات در شب بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند

اما از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیبایی چراغ های روشنایی در سطح شهر می تواند در طول روز جلوه زیبایی به شهر بدهد.

۹. مولفه شاخص زیرشاخص چگونگی تاثیر بر رفتار نمونه

منابع و مآخذ

۱. ارباب جلفایی، آرش (۱۳۷۹) مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، مجموعه مقالات گردآوری و ترجمه شده، تهران، نشر خاک.

۲. ایرانمنش، نسیم (۱۳۸۳) فضای شهری؛ هنر انتزاعی و درک عمومی، ماهنامه شهرداریها، ۱۳۸۳، شماره ۵۹.

۳. ایروانی، محمد و خداپناهی (۱۳۷۱) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

۴. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه

- شهید بهشتی، تهران. دانشگاهی.
۵. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
۶. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
۸. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۹. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تحلیل فضاهای شهری، در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. بل، سایمون (۱۳۸۷) عناصر طراحی بصری در منظر: ترجمه محمد رضا مثنوی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. بناب، محی الدین (۱۳۷۹) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات دانا.
۱۳. بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۴. بهرامی، محمد (۱۳۸۲) مجسمه های شهری و میادین تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
۱۵. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۶. بیژن زاد، محمدرضا (۱۳۶۹) بررسی فضای سبز تهران، تهران، بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد
۱۷. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۰) اصول و ضوابط طراحی فضای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
۱۸. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۱۹. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب طراحی شهری، کتاب اول و دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲۰. پامیر، سای (۱۳۸۹) آفرینش مرکز شهری سرزنده، مترجمین مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. پور اصغریان، مهتاب (۱۳۸۷) مجسمه سازی در فضاهای شهری، فصلنامه نگره، شماره ۷ و ۸.
۲۲. پورمند، حسنعلی و موسیوند، محسن (۱۳۹۰) مجسمه سازی در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴.
۲۳. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری - فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۴. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۲۵. جمشید، حکمتی (۱۳۷۵) طراحی باغ و پارک، فرهنگ جامع، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۶. جیکویز، جین (۱۳۸۷) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، مترجم پارسی، حمیدرضا افلاطونی، آرزو، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۲۸. حسینیون، سولماز (۱۳۸۲) ساماندهی تابلوها و علائم شهری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۵.
۲۹. حسینیون، سولماز (۱۳۸۳) مقدمه ای بر طراحی پیاده راه ها، شماره ۶۱، ماهنامه شهرداریها، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۳۰. حسینی، اعظم (۱۳۹۰) طراحی فضای شهری رفتارگرا با تاکید بر رفتارشناسی زائرین در شهر

مشهد نمونه موردی: خیابان امام رضا، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی جهان‌شاه پاکزاد و مشاوره علی اکبر تقوایی.

۳۱. رحیمی، علی (۱۳۸۲) بررسی سیر تحول مبلمان (اثاثه توقف و استراحت) در فضاهای شهری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی بمانیان، محمدرضا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، رشته پژوهش هنر.

۳۲. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

۳۳. رهنورد، زهرا (۱۳۸۷) نمایشگاهی دائمی، نشریه تندیس: پاییز ۱۳۸۷

۳۴. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات مازیار.

۳۵. زراعت دوست، مهتاب (۱۳۷۹) طراحی یک مرکز محله با توجه به تاثیر معماری بر رفتار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۳۶. سازمان زیباسازی شهرداری تهران (۱۳۸۰) روشهای پاکسازی نمای شهری، طرح پژوهشی ۱۳۸۰.

۳۷. ساوج، مایک و آلن، وارد (۱۳۸۰) جامعه شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.

۳۸. سعید نیا، احمد (۱۳۷۶) طراحی فضاها و مبلمان شهری، سازمان شهرداری های کشور، تهران، جلد پنجم و ششم.

۳۹. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲) فضای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

۴۰. گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، مترجم شیما شصتی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.

۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره ۴۴، ص

۶۶-۷۵، سال شانزدهم.

۴۲. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره ۳۲، سال نهم.

۴۳. مرتضایی، سید رضا (۱۳۸۱) رهیافت هایی در طراحی مبلمان شهری، تهران، سازمان شهرداری های کشور.

۴۴. مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷) روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۴۵. هدمن، ریچارد و آندرو یازوسکی (۱۳۷۰) مبانی طراحی شهری، ترجمه: راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، تهران، انتشارات علم و صنعت ایران.

46. Altman, I & Chemers, M 1975 :Culture and Environment, Montrey, CA, Books, Cole.

47. Altman, I: 1975 "The Environment and Social Behavior", Montrey, CA, Books, Cole.

48. Barker, R. G, 1968 "Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior". Stanford, Ca.: Stanford University Press.

49. Carmona, Matthew & Tim Health & Taner Oc & Steve Tiesdell, 2003 "Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design".

50. Gibson, James J: 1966 "The Senses Considered as Perceptual Systems", Boston: Hughton Mifflin.

51. Gifford, Robert; Sacilotto, Paul A. 1987 "social isolation and personal spaces Canadian Journal of Behavioural Science Vol 25.

52. Hass-Klau, C. Crampton, G, 1999 " Streets as Living Space", Landor, London.

53. Heeshberger R Bechtel B, Churchman A. 2002 "Behaviour Based Architectural Psychology in Handbook of Environmental Psychology", New York, John Wiley & Sons, INC.

54. Lang, Jon 2005 "Urban Design: A Typology of Procedures and Products.

55. Lang, Jon: Urban Design 1994: The American Experience, Van Nostrand Reinhold.

56. Main, Bill & Greet Hannah, Gail, Site Furnishing a complete Guide to planning, Selection and use of landscape Furniture and Amenities, Hoboken, New jersey, New York john wiley & sons, 2010.

57. Maughtin, Cliff & Taner Oc & Steven Tiesdell, 1995 "Urban Design", Butterworth.

58. Project for Public Spaces, Urban Parks: The Value

of Small Urban Parks, Plazas and Other Outdoor Spaces, Texas Cooperative Extension, 2005.

59. Rapaport, Amos, 1997 "Human Aspects of Urban Form", Pergamon Press.

60. Steele, FRITZE 1981 "The Sense of Place" CBI Pub. Co

61. Tolman .E. C, 1932 "Cognitive maps in rats and men." Psychological Review.

62. Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces, New York, 1985.

63. Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces, New York, 1981.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۸ بهار ۹۴

No.38 Spring 2015

■ ۲۷۲ ■

سیاست پژوهی پارادایم های مشارکتی شهروندان در مدیریت محیط زیست شهری

حسین صداقت نوری* - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران.

Research policy paradigms citizen participation in urban environmental management

Abstract

Throughout history and around the world, roles, needs and potential and actual capacities as worthy citizens are not considered. There is an undeniable connection with the duties of citizens because of their natural resources and the environment, and so closely tied to nature. Because of problems such as poverty, lack of access to education and environmental awareness and the need to manage, despite their power, they are able to play an important role in the proper way. The analytical methods of citizen participation in environmental management are discussed. Research and policy analysis to provide solutions and organized to promote citizen participation in environmental improvement are discussed. Our results show that the "psychological consequences of citizens' manage backup, creating and feel" Partnership "which provides for citizens, and they will lead to more participation. On this basis we can say that the contributions of a mental and emotional involvement of citizens in group situations that infuriate them to achieve the goals of the group help. And responsibilities are shared. "Participatory Environmental Management" is three demands: "Structure and process orientation." This means that if the participation of local civil society in the form of pro features of the organizational structure of environmental management to the administrators of people to the issues of environment in ecosystem decision processes real participation process should operate urban reveal. Likelihood of success in improving and enhancing the quality of the environment will increase.

Keywords: participatory paradigm, good governance, urban, urban environment.

چکیده

در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش‌ها، نیازها و توان‌های بالقوه و بالفعل شهروندان چنانکه سزاوار است نگریسته نشده؛ و به همین دلیل هنگامی که با موضوع محیط زیست روبه‌رو می‌شویم، مشاهده می‌شود که شهروندان به دلیل نوع وظایفشان ارتباط غیرقابل انکاری با منابع طبیعی و محیط‌زیست خود دارند و به گونه‌ای نزدیک‌تر و صمیمی‌تر به طبیعت گره خورده‌اند، به سبب وجود مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی‌های لازم زیست محیطی و عدم مدیریت، علی‌رغم توان‌های خود، نتوانسته‌اند نقش مؤثری را آن چنان که شایسته آنان است ایفا نمایند. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به زمینه‌های مشارکت‌سازی شهروندان در مدیریت زیست محیطی اشاره شده و با روش سیاست پژوهی به ارائه راهکارها و سازماندهی به ارتقا میزان مشارکت شهروندی در بهبود محیط زیست پرداخته شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که «پی‌آمدهای روانشناختی شهروندان» در مدیریت پشتیبان، ایجاد انگیزش و احساس «مشارکت» است که برای شهروندان فراهم می‌آید و آنان را به سمت مشارکت بیشتر سوق می‌دهد. بر این پایه می‌توان گفت که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی شهروندان در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی باری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. لذا «مدیریت مشارکتی زیست محیطی» به سه اقتضا وابسته است: «ساختار، جهت‌گیری و فراگرد»؛ بدین معنی که هرگاه مشارکت انجمن مردم نهاد محلی برخی ویژگی‌های هوادار را در قالب ساختار سازمانی در مدیریت زیست محیطی، جهت‌گیری مدیران و شهروندان نسبت به مقوله محیط زیست، فراگرد مشارکت واقعی و فراگردهای تصمیم‌گیری در زمینه زیست بوم شهری باید به کار گیرند، آسکار سازند، احتمال کامیابی در زمینه بهبود و ارتقا سطح کیفی محیط زیست فزونی خواهد یافت. در عین حال، در حیطه شناسایی عوامل گرایشی، برخی متغیرهای مستقل موثر در ایجاد حس مشارکت شهروندان در مدیریت زیست محیطی عبارتند از: درآمد، تحصیلات، نژاد، شغل، جنسیت، سن، وضعیت تاهل، کسب‌پاداش و رضایت، مذهب و ایدئولوژی، استفاده از رسانه‌ها، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، سنت‌گرایی و سرنوشت‌گرایی، ویژگی‌های شخصیتی.

واژگان کلیدی: پارادایم مشارکتی، حکمروایی مطلوب شهری، محیط زیست شهری.

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسین صداقت نوری با عنوان «عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در حفظ زمین شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لوسان» می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به انجام رسیده که از راهنمایی دکتر سید حسین بحرینی بهره برده است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۷۴۳۹۱، رایانامه: hosseinsedaghat53@gmail.com

زیست محیطی می‌باشد. محیط زیست شهری در واقع اکوسیستم و یا محیطی است که دارای اجزاء و عناصر مختلفی از جمله منابع، فرایندها و تأثیرات مربوط به جوامع گیاهی و حیوانی محلی، حیات انسانی، معادن، آب، خاک، هوا (محیط طبیعی)، منابع و فرایندها و تأثیرات مرتبط با ساختمان‌ها، مسکن، جاده، تأسیسات (محیط مصنوعی) و منابع و فرایندها و تأثیرات مربوط به فعالیت‌های انسان، آموزش، بهداشت، هنر (محیط اجتماعی و اقتصادی) می‌باشد. در نتیجه عملکرد و فعالیت انسان‌ها و تبدیل منابع و مواد اولیه به کالا و خدمات مورد نیاز، محیط زیست شهری تحت تأثیر قرار می‌گیرد که این تأثیرات ممکن است مثبت و یا منفی باشد. از جمله عوامل منفی تأثیرگذار بر محیط زیست شهری می‌توان به انواع آلودگی‌ها (آلودگی آب، هوا، صدا و غیره)، تولید مواد زاید و زباله، فاضلاب و تراکم جمعیت اشاره کرد.

بر این اساس در این مقاله به سیاست پژوهی در حوزه دستیابی به سیاستها و راهکارهای مشارکت سازی عمومی در مدیریت زیست محیطی نگاهی ویژه شده است و تلاش شده است تا ضمن شناسایی مفهوم مشارکت و مدیریت شهری زمینه‌های بهره‌مندی از انجمنهای خصوصی و سازمانهای مردم نهاد در زمینه مدیریت زیست محیطی مورد اشاره قرار گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی-تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در این زمینه بهره گرفته شده است. در ضمن از روش «سیاست پژوهی» نیز در زمینه ارائه پیشنهادات در رابطه با ارتقا مشارکت شهروندی در زمینه مدیریت زیست محیطی بهره گرفته شده است. گامهای موردنظر در روش سیاست پژوهی عبارتند از: «۱. تحلیل بازیگران»: در این مرحله فهرستی از بازیگرانی که دارای بیشترین منافع هستند، تهیه می‌شود و سپس قدرت آنان در سه بعد مهم قدرت یعنی «منابع، توانایی بسیج منابع و

امروزه در عصر جهانی شدن، مصرف کالا و خدمات مختلف در شهرها و به ویژه در کلان‌شهرها به میزان چشم‌گیری افزایش یافته و این مصرف بی‌رویه با وجود تأثیرات مثبت بر رفاه و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها، دارای پیامدهای زیست‌محیطی بسیاری است که باعث نابودی محیط زیست می‌گردد. در شهر همچون سیستمی باز متکی به جریان عظیم ورودی مواد غذایی، آب، سوخت، مواد اولیه، مردم و اطلاعات به آن است و تمامی آنها به صورت افکار، ایده‌ها، دانش و فن‌آوری، درآمد، آلودگی هوا، ضایعات و کالاهای ساخته شده به خارج جریان می‌یابد. در این سیستم باز، مواد جدید دائماً به سیستم برمی‌گردد. حال این امکان وجود دارد که محیط زیست شهری در نتیجه گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت و نیاز به مصرف مواد و انرژی بیشتر، فشارهای وارد بر محیط خود را نتواند تحمل کند و یا حتی آنها را کاهش دهد، و یا مواد زاید وارد شده به محیط نتواند جذب و در طبیعت تجزیه و احیاء گردد، در نتیجه تعادل و توازن زیست محیطی شهر، بر هم خورده و منجر به ناهنجاری‌ها و انواع آلودگی‌ها در محیط زیست شهری می‌گردد. نکته اساسی این است که اختصاص فصلی در دستور کار ۲۱ بیانیه مشترک کنفرانس زمین درباره محیط زیست و توسعه- حاکی از جدی‌تر دانستن نقش عمومی خاصه زنان در حفاظت از محیط زیست می‌باشد. از سویی دیگر، جهان پیشرفته امروزی مقتضیات و انتظارات جدیدی را می‌طلبد، مشارکت یکی از این نمونه انتظارات واقعی است. مشارکت به معنی دخالت همه جانبه اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در امور اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی است که امکان می‌دهد تا در فرایند مدیریت جامعه مشارکت فعالی وجود داشته باشد. مشارکت بیش از هر چیز محتاج تحول جدی در ذهنیت و فرهنگ جاری جامعه نسبت به حضور و فعالیت عموم در مدیریت خاصه مدیریت

دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چندعملکردی در حوزه سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند. همچنین باید به مفاهیمی همچون مدیریت شهرداری و یا مدیریت حکومت محلی نیز اشاره کرد که در کنار مفهوم مدیریت شهری مطرح می شود. در بیشتر مواقع نیز مدیریت شهری به عنوان زیرمجموعه «حکومت محلی» شناخته می شود و «شهرداری» نام می گیرد (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۲). از سویی دیگر، پراکنده بودن امور اداره شهرها و مدیریت شهری در بین دستگاه های مختلف اجرایی، با توجه به عدم هماهنگی آن ها در تقابل با ماهیت توسعه عمران و مدیریت شهری می باشد. هنگامی که بحث از عدم توفیق برنامه های توسعه شهری به صورت خاص و ناتوانی برنامه ریزی شهری به صورت عام در حل مسائل و مشکلات شهری و هدایت منطقی شهری مطرح می شود؛ یکی از دلایلی که کمتر به آن توجه می شود، نقش و جایگاهی است که عناصر مدیریت شهری می-توانند در تحقق برنامه ریزی توسعه شهری ایفا کنند. با تحلیل وضعیت مدیریت شهری در ایران می توان دریافت که، در شرایط کنونی کشور فاقد حکومتها و سازمان های توانمند محلی است.

در متون فارسی در کنار مفهوم «مدیریت شهری»^۱ و مفاهیم مشابه دیگری مانند «مدیریت شهرداری»^۲ و

میزان نفوذ» مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. «۲. تحلیل پارامترهای ساختاری»: هر توصیه ای در بستر سازمانی مناسب، امکان تحقق می یابد. در این مرحله مواردی چون ساختار سازمانی اجرای توصیه ها، مقدار منابع مورد نیاز برای اجرا و مکانیزم های سیاست گذاری مورد نیاز برای حمایت از اجرای سیاست مورد بررسی قرار می گیرد. «۳. ارزیابی پیامدهای بالقوه توصیه ها»: در این مرحله مواردی چون آثار موردنظر و آثار ناخواسته احتمالی سیاست ها، آثار تعاملی احتمالی توصیه ها با سیاستها و برنامه های دیگر و مسیری که در صورت عدم اجرای توصیه در پیش گرفته می شود، مورد ارزیابی و بررسی قرار می گیرد. «۴. آماده سازی و ارائه توصیه های نهایی»: در این مرحله با توجه به برآورد احتمال اجرای درست و مناسب توصیه ها در مرحله قبل، توصیه های نهایی محقق (سیاست پژوه) آماده و ارائه می شوند. در این مرحله، حضور بازیگران در جرح و تعدیل پیشنهادات و توصیه ها و به عبارتی، تحقیق عملی مشارکتی دارای اهمیتی فراوان است، چراکه دستیابی به توصیه های مناسب تر از طریق مشارکت بازیگران و بهره برداران که در دانش برنامه ریزی شهری از آنان با عنوان گروه های ذی نفع و ذی نفوذ یاد می شود به گونه ای بهتر محقق خواهد شد.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت شهری

«مدیریت شهری» را می توان سازمانی فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و کارآمدی

جدول ۱. سیر تحول مدیریت شهری در ایران؛ ماخذ: ملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

شرایط حکمرانی	دوره تاریخی	الگوی حکمرانی
سنتی	قبل از ۱۲۸۵	استبدادی؛ عرفی؛ متمرکز
مدرن	۱۲۸۵-۱۳۷۸	مطلقه؛ قانونی؛ متمرکز
فرامدرن	۱۳۷۸ به بعد	مشارکتی؛ خودگردان؛ تمرکززدایی

جدول ۲. پراکندگی جغرافیای الگوهای مختلف حکومت‌های محلی در اروپا؛

ماخذ: Margre and Bertrana, 2004, P: 3.4.

ردیف	مدل حکومت‌های محلی	کشورهای مجری الگوها
۱	شهردار قوی	اسپانیا؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ پرتغال؛ مجارستان
۲	رهبری جمعی	بلژیک؛ هلند؛ لوکزامبورگ؛ جمهوری چک
۳	رهبری توسط کمیسیون	دانمارک؛ سوئد؛ لتونی
۴	شورا - مدیر شهر	فنلاند؛ ایرلند
۵	سایر موارد	انگلستان؛ مالت

اجتماعات محلی و نیز حکومت است. این حوزه هم شامل سیاستها، برنامه‌ها و نیز پروژه‌هاست و هم مستلزم نگهداری و ساخت و ساز است. ارائه کالاها و خدمات شهری نیز جزء وظایف مدیریت شهری جامع نگر است.

۳. «پی‌گیری اهداف عملیاتی»: دلایلی که مدیریت برای اقدامات خود دارد، اهداف عملیاتی آن را تشکیل می‌دهند. این اهداف مسائل و فرصتهایی را که مدیریت به آنها توجه دارد مشخص می‌کند؛ لذا وجود اهداف عملیاتی بسیار حیاتی است چون به عنوان پایه‌ای برای ارزیابی کارایی و اثربخشی سیستم مدیریت شهری استفاده می‌شوند.

مدیریت شهری دموکراتیک

اصول برنامه‌ریزی شهری مدرن و نتایج آنها از حدود دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد انتقاد جدی کسانی مثل «رابرت ونتوری» نویسنده کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «آلدو روسی» ایتالیایی مؤلف کتاب «معماری شهر» (۱۹۶۶)، «جین جاکوبز» آمریکایی نویسنده کتاب «تولد و مرگ شهرها در آمریکا» (۱۹۶۱) و بسیاری کسان دیگر قرار گرفت که جوهر همه آنها نگرانی از رشد کمی شهرها، بی‌هویتی و یکسان‌سازی آنها و بی‌توجهی به سرزندگی و کیفیات انسانی و فرهنگی در شهرها است.

یا «مدیریت حکومت محلی»^۱ نیز مطرح است که بسیاری اوقات به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند. با مرور منابع مربوط به مدیریت شهری تعاریف گوناگونی برای آن می‌توان یافت که حد و قلمرو هر کدام بسیار متفاوت است؛ که با طرح پرسشهایی این چینی همراه است: آیا مدیریت شهری مترادف با یک «هدف عملیاتی»^۲، «یک فرایند»^۳ و یا «یک ساختار»^۴ است؟

ویژگیهای مدیریت شهری

اهم ویژگیهای مدیریت شهری که باید توجه ویژه‌ای به آنها شود، عبارتند از: (Mattingly, 202, 1994)

۱. «پی‌گیری امور شهری»: مدیریت شهری فعالیت است که در پی ایجاد تغییرات و دستیابی به اهدافی است که در زندگی شهری به دنبال آن هستیم، نه این که امری باشد صرفاً در حوزه رفتار حکومت‌های شهری یا اجرای پروژه‌های شهری.

۲. «پذیرش دیدگاهی جامع و کل نگر»: مدیریت شهری دانشی بین رشته‌ای است که موضوعات در حیطه شهری نیازمند آن هستند. دامنه آن فراتر از سرمایه‌گذاری بخشی است. فعالیت است که از طریق چند سطح اداره عمومی اجرا شده و بخشها و سازمانهای مختلف آن را تحت پوشش قرار می‌دهند. از اینرو مدیریت شهری مستلزم مداخله بازیگران و اقدامات مختلف از سوی بخشهای خصوصی و

1. Local Government Management
2. Objective

3. Process
4. Process

جدول ۳. انواع مدل‌های مدیریت شهری و مزایا و معایب آنها؛ منبع: آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴.

نام مدل	مزایا	معایب
شهردار - شورا Mayor & Council	Weak Mayor شهردار ضعیف - شورا نمایندگی منتخب به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. کاربرد آن در شهرهای کوچک بخوبی پاسخ داده است. شهردار قوی (Strong Mayor) - رهبری قوی با مسئولیت پذیری متمرکز؛ - سیاست سازی و اجرا را تسهیل می بخشد	- فقدان رهبری قوی - قدرت هم‌مسئولیت پراکنده است - خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست زدگی و ماشینی شدن می‌گردد. - حجم زیاد وظایف برای یک فرد مشکل است. - شهردار نمی تواند صرفاً با اتکای به یک نیروی متخصص عمل کند؛
شورا - مدیر Council Manager	- مدیر متخصص مسئولیت را به عهده دارد؛ - شورا توسط سیاستها و خط مشی ها شهرا کنترل می کند؛	- فقدان رهبری قوی؛ - عدم تمایل مدیر به سیاست سازی - مدیر در انزوا قرار می گیرد؛
کمیسیونر commissioner	- شهر به صورت یک بنگاه دیده می شود؛ در شرایط بحرانی و اضطراری خوب است ساختار سازمانی ساده است اجرای سریع سیاستها و به موقع آن	فقدان نظارت و پیچیدگی انتخاب در این شیوه نبود یک فرد به وظیفه اداره کل مجموعه بطور مشخص
گردهمایی شهری باز گردهمایی شهری نماینده Town Meeting Representative Town Meeting	- پیشرفته ترین نوع دموکراسی - برای همه شهروندان حق رأی گذاشته شده و می توانند در اداره امور شرکت داشته باشند - در جوامع محدود بسیار موفق است	- انجام برنامه بلند مدت مشکل است - استفاده از افراد متخصص مشکل است - اطلاع رسانی در این مدل سخت است - برگزاری جلسات به دلیل حضور افراد مشکل است.

به نظر «مارشال برمن» برنامه‌ریزی شهری مدرن روایت و تصویر دیگری از شهر ارائه داده است: جهانی که به لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌هایی مجزا تقسیم شده است، اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنیا، آنجا فقرا و در میان آنها موانعی از چمن و سیمان (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

در خصوص پیشینه این رویکرد می توان اشاره داشت:

۱. «برنامه‌ریزی عدالت‌گرا و حمایتی» داویدف (۱۹۶۵) و کرومهلز (۱۹۸۲) که در آنها کانون برنامه‌ریزی از کارکردگرایی، دغدغه‌های مربوط به مسایل فنی و کاربری زمین به سمت مباحث مربوط به تفاوت‌ها و پرسش‌های سیاسی چه کسی، چه چیزی را در کجا و در چه زمانی بدست آورده و چه کسانی در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد.

۲. انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظیر «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاین» (۱۹۸۲) به واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان

۳. با واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان

۱. «برنامه‌ریزی عدالت‌گرا و حمایتی» داویدف (۱۹۶۵) و کرومهلز (۱۹۸۲) که در آنها کانون برنامه‌ریزی از کارکردگرایی، دغدغه‌های مربوط به مسایل فنی و کاربری زمین به سمت مباحث مربوط به تفاوت‌ها و پرسش‌های سیاسی چه کسی، چه چیزی را در کجا و در چه زمانی بدست آورده و چه کسانی در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد.

۲. انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظیر «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاین» (۱۹۸۲) به واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان

جدول ۴. فرضیات پیشین و دیدگاه‌های نوین در سیاست‌گذاری شهرها؛

منبع: 2000, Peter Hall and Ulrich Pfeiffer

فرضیات قدیمی	دیدگاه‌های نوین
<ul style="list-style-type: none"> - شهرها مسأله‌زا و مشکل‌آفرین هستند؛ - روستاها هزینه شهرها را می‌پردازند؛ - شهرها روز به روز بزرگتر می‌شوند؛ - سیاست‌های عمومی باید در راستای ایجاد محدودیت در اندازه شهری جهت‌دهی شوند؛ - مهاجرین برای شهرها مسأله‌زا و مشکل‌آفرین؛ - حاشیه‌نشان اقتصاد شهری و خدمات شهری را چپاول می‌کنند؛ - سکونتگاه‌های حاشیه‌ای منبع آشوب، جرم و جنایت و مواد مخدر هستند؛ - شهرها در انفجارهای جمعیتی سهمیم هستند؛ - شهرها و فقیران شهری تهدیدی برای تخریب محیطی هستند؛ - زباله‌های جامد و انسانی آشغال‌هایی هستند که باید دور ریخته شوند - حکومت، برنامه‌ریزان و کارشناسان راه حل‌هایی برای مشکلات شهری ارائه می‌دهند؛ - برنامه‌های حکومتی، مسکن فقیران را تأمین می‌کنند؛ - حکومت شهری با اقتدار و برخوردار از قدرت نظامی برای مواجهه با مشکلات مدیریت شهری ضروری است؛ 	<ul style="list-style-type: none"> - شهرها منبع نوآوری و رشد اقتصادی هستند؛ - شهرها تأمین‌کننده روستاها هستند؛ - شهر بزرگتر، فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گذارد؛ - سیاست‌های عمومی باید در راستای بهره‌وری هر چه بیشتر شهرها جهت‌دهی شوند؛ - مهاجران برخوردار از انگیزه و مهارت‌هایی بالاتر از آنچه که به نظر می‌رسد هستند؛ - حاشیه‌نشینان در اقتصاد شهری سهمیم عمده‌ای دارند، اغلب بیش از آنچه که به دست می‌آورند؛ - اکثر خانواده‌های ساکن در حاشیه دارای ارزش‌های سیاسی میهن‌پرستی، مقاومت و بااستقامت هستند؛ - شهرنشینی شاخصی از توسعه‌یافتگی است و با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ زاد و ولد کاهش می‌یابد؛ - تحول در عملکردهای (شیوه‌های تولید و مصرف) شهری برای پایداری اکولوژی جهانی ضروری است؛ - زباله منبعی ارزشمند است، به شرطی که در سیستم‌های چرخه‌ای بازیافت وارد شوند؛ - بیشتر راه حل‌های ابتکاری از پایین به بالا می‌باشند تا از بالا به پایین؛ - بخش غیررسمی ارائه‌دهنده اصلی شغل، درآمد و مسکن است؛ - مدیریت تمرکززدایی شده به طور کارایی بین نیازها و منابع ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط برای از بین بردن موانع ضروری است؛

مدیریت شهری

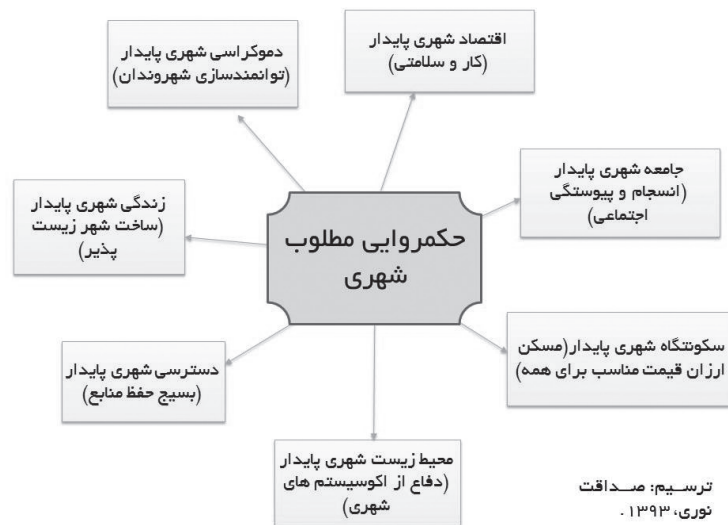
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۷۸

منافع عمومی و منافع خصوصی گروه‌های مختلف اجتماعی، نوعی هماهنگی و همکاری متقابل رعایت گردد. تحقق این امر، بی‌تردید، نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه و دموکراتیک را نیاز دارد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

شهری به طور عمده منطبق با این ایده است که شرایط سیاسی-اجتماعی، سازمان مدیریت و اجرا و میزان مشارکت همگانی، نقش مؤثرتری در تحقق سازماندهی مطلوب شهری و کیفیت آن ایفا می‌کنند (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸).

۵. این تغییر رویکرد و نگرش در برنامه‌ریزی



نمودار ۱. حاکمیت مطلوب، مفهومی مشتعل بر توسعه پایدار به عنوان هدف اصلی؛ ماخذ: نگارندگان.

توسعه پایدار و مدیریت شهری

«پیتروال» بنیادهای شهر پایدار را در هفت مورد به شرح ذیل مشخص کرده و حکومتها را ملزم به برآوردن آنها می‌داند. در واقع اینها اصولی هستند که مدیریت شهری از طریق بهبود عملکرد خود و حاکمیت مطلوب باید آنها را برآورده سازد: «اقتصاد شهری پایدار»: کار و درآمد مناسب؛ «جامعه شهری پایدار»: همبستگی و یکپارچگی اجتماعی؛ «سرپناه شهری پایدار»: خانه‌سازی شایسته در استطاعت همه؛ «محیط زیست شهری پایدار»: اکوسیستم‌های با ثبات؛ «دسترسی شهری پایدار»: تحرک همراه حفاظت منابع؛ «زندگی شهری پایدار»: ایجاد شهر زیست‌پذیر؛ «مردم‌سالاری شهری پایدار»: قدرتمندسازی شهروندی.

در ارتباط با بعد «زیست محیطی پایداری»، کاهش و اتمام منابع طبیعی، آلوده‌سازی فراتر از ظرفیت حامل محیط پیرامون و اثرات تخریبی بازگشت ناپذیر بر اکوسیستم جهانی، مهمترین چالش‌های پایداری می‌باشند. باید تأکید نمود که حفاظت محیط‌زیست همراه با توسعه اجتماعی-اقتصادی در تمامی ابعاد و هم‌زمان دست‌یافتنی است و مانند دیگر ابعاد پایداری، نه تنها «پایداری تک‌بعدی»

در مورد محیط‌زیست قابل حصول نیست، بلکه در صورت عملی شدن، ضد اجتماعی و غیرانسانی خواهد بود. راهکار حکومت‌های شهری در حل معضلات زیست محیطی شهری نه در متوقف کردن رشد شهری، که اصولاً با شرایط جهانی و سیاسی نیز سازگار نمی‌باشد، بلکه در استفاده از توازن‌های فنی و سرمایه‌های محیط خلاق شهری است تا چاره‌جویی پیامدهای منفی خود و دیگر سکونتگاه‌ها را با راه حل‌های نوآورانه و پیشاهنگی در فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای سازگار با طبیعت بنماید و حتی به صدور این گونه خدمات بپردازد. باید شیوه‌ها و سبک‌های زندگی و فناوری‌های ناسازگار با طبیعت را متحول کرد و از ابزارها و شیوه‌های نوین سازگار با طبیعت استفاده کرد.

بر اساس نتایج پژوهشی با عنوان «شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری» که توسط «سیمین حناچی و وراز مرادی مسیحی» به سفارش دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۸ اجرا شده است، مسائل و مشکلات مدیریت شهری در سه سطح «۱. رابطه دولت با نهادهای محلی»، «۲. رابطه بین نهادهای محلی مرتبط با مدیریت شهری» و

۳. رابطه بین اجزاء و عناصر درون ساختار مدیریت شهری» مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج این پژوهش، مشکلات مدیریت شهری در سه عرصه فوق‌الذکر به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

۱. در سطح اول مشکلات زیر قابل ذکر می‌باشند: عدم استقلال سازمان‌هایی که اداره امور شهر مستقیماً به عهده آنان است؛ عدم وجود هماهنگی و همکاری‌های لازم بین شهرداری‌ها و سازمان‌های بخشی دولتی در برنامه‌ریزی و اجرا؛ اختیارات وسیع و مستقیم استانداران و فرمانداران بر شوراها و شهرداری‌ها؛ عدم تبعیت سازمان‌های بخش دولتی از مقررات شهرداری‌ها؛ وجود چندگانگی در قوانین و تبصره‌های مربوط به اختیارات شهرداری‌ها؛ عدم شفافیت در تعیین حد و مرز اختیارات و عملکرد شوراهای اسلامی شهرها؛ عدم مدیریت واحد در سطح کلان شهرها و منطقه‌های شهری؛ تعدد و عدم صراحت در قوانین شهرداری‌ها؛ ضعف سیستم مدیریت شهری؛ خودداری نهادهای اداری و دولتی در پرداخت هزینه‌های شهری؛ عدم جایگزینی منابع مالی و رسمی در ترکیب درآمد شهرداری‌ها پس از کاهش سهم منابع مالی شهرداری‌ها از طرف دولت مرکزی؛ تداخل وظایف و تصمیم‌گیری‌ها در مورد سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها بین نهادهای دولتی عمومی و نهادهای غیردولتی عمومی؛ گستردگی حجم فعالیت‌های تصدی‌گری بخش دولتی در امور مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی شهری خدمات شهری و تأسیسات و تجهیزات شهری؛ فقدان مکانیزم‌های نظارتی شوراهای اسلامی بر فعالیت‌های عمرانی و خدماتی سازمان‌های بخش دولتی؛ عدم دسترسی یا کنترل شهرداری و شوراها بر تخصیص بودجه به سازمان‌های بخش دولتی برای عمران شهری؛ عدم وجود مکانیزم‌های ارزیابی و نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های بخش دولتی ذی‌مدخل در امور شهری؛ عدم هماهنگی لازم بین اهداف برنامه‌های شهری با برنامه‌های ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی بالادست توسط سازمان‌های

فرابخشی، بخشی و محلی؛ تعدد و عدم صراحت در قوانین شهرسازی؛ عدم انعکاس نظرات شهرداری‌ها در برنامه‌های درازمدت توسعه که توسط مسکن و شهرسازی تهیه می‌شود؛ عدم هماهنگی بین طرح‌های توسعه شهری با طرح‌های ایجاد شهرهای جدید، طرح‌های آماده‌سازی زمین و طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت قدیم؛ مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و چگونگی توزیع جمعیت در کشور در هنگام تهیه طرح‌های توسعه شهری؛ ایجاد شکاف بین برنامه‌ریزی مسکن و برنامه‌ریزی توسعه شهری توسط سازمان‌های فرابخشی، بخشی و محلی.

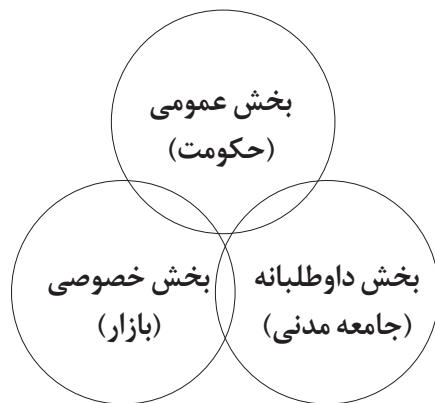
۲. مسائل و مشکلات زیر در ارتباط بین نهادهای محلی و شهری دخیل در مدیریت شهری قابل برشماری می‌باشند: عدم وجود یک نظام مدیریت شهری واحد و هدفمند و منبع پویا که توانایی هماهنگ‌سازی سازمان‌های مختلف دولتی، غیردولتی و خصوصی را داشته باشد؛ عدم وجود مکانیزم‌های مشخص جهت نظارت بر فعالیت شهرداری‌ها از سوی شوراهای اسلامی شهرها؛ عدم هماهنگی در امر سرمایه‌گذاری در امور شهری بین بخش خصوصی و عمومی؛ عدم شرکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مدیریت شهری؛ عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات شهری با سازمان‌های دریافت‌کننده خدمات؛ عدم وجود قوانین و دستورالعمل‌های لازم در خصوص کیفیت اجرای طرح‌های توسعه شهری؛ تهیه طرح‌ها به صورت بسته و محرمانه و بدون توجه به نظارت مردم؛ عدم وجود هماهنگی در خصوص اراضی شهری بین سازمان زمین شهری، اداره کل منابع طبیعی، اوقاف و...؛ عدم حضور سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی در امور برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری؛ فقدان سیستم مشارکت همه‌جانبه در امور مدیریت شهری؛ فقدان مشارکت‌های مطلوب مردمی در تأمین منابع مالی تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری؛ فقدان یک ساز و کار اطلاعاتی و انتشاراتی که به گسترش

فرهنگ شهرسازی بین مردم کمک کند؛ ضعف شهرداری در ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های عهده‌دار تأمین خدمات شهری؛ عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف برنامه‌های توسعه شهری و عدم امکان کنترل اثرات بین بخشی؛ عدم ارتباط لازم بین مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی با مدیریت‌های محلی و

۳. در سطح سوم که به عملکرد و روابط درونی سیستم مدیریت شهری مربوط می‌شود مسائل و مشکلات زیر قابل شناسایی می‌باشد: عدم تطبیق سازمان شهرداری‌ها به لحاظ تشکیلاتی و امتیازات با نیازهای محلی؛ ضعف و عدم استقلال شوراهای اسلامی در انجام وظایف محوله به ویژه وظیفه نظارتی؛ تشکیلات ضعیف، وابسته و غیرمنعطف شهرداری‌ها؛ کمبود نیروی متخصص و کارشناس در مسایل مدیریت شهری؛ فقدان ساختارهای مناسب برنامه‌ریزی شهری در شهرداری‌های شهرهای زیر ۵۵۰۰۰ نفر جمعیت؛ فقدان نیروی متخصص لازم و کافی در رشته‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سازمان‌های محلی؛ عدم استفاده از مدیران کارآمد و فقدان امنیت شغلی برای مدیران شهری؛ عدم وجود مکانیزم‌هایی جهت استفاده از ارزش افزوده حاصل از اجرای طرح‌های توسعه شهری توسط شهرداری‌ها؛ عدم کارایی مکانیزم‌های مالی و اداری در پاسخگویی به مشکلات و نیازهای مدیریت شهری؛ عدم وجود سیستم اطلاعات شهری بهنگام، متمرکز و جامع؛ عدم تحقق خوداتکایی مالی شهرداری‌ها و عدم تناسب هزینه‌های رو به افزایش شهرداری‌ها با منابع درآمدی موجود؛ فقدان ارزیابی صحیح از امکانات و پتانسیل‌ها و منابع شهری؛ عدم وجود طرح‌های بهنگام توسعه شهری؛ در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری بندرت پیشنهادات دقیق اجرایی و اهرم‌های مالی مشخص دیده می‌شود؛ عدم انعطاف‌پذیری طرح‌های توسعه شهری و امکان کم تطبیق آنها با تغییر و تحولات سریع شهری؛ تمرکز مهندسی‌ن مشاوری تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری در

پایتخت؛ ارائه پیشنهادات و سرانه‌های بلندپروازانه در طرح‌های توسعه شهری که فراتر از توان مالی - فنی شهرداری‌هاست؛ بهره‌وری پائین و عدم کارایی لازم در اجرای برنامه‌ها؛ طرح‌های شهری به صورت اسناد فنی تهیه شده و به آسانی برای مردم عادی و غیرمتخصص قابل فهم نمی‌باشد (حناچی و مسیحی، ۱۳۷۸).

الگوی حاکمیت این سه بخش را در عرض یکدیگر می‌بیند و نه در طول همدیگر و ساختار هرمی در این الگو از بین می‌رود. واژه «شراکت» بر همین ارتباط افقی و شبکه‌ای بین نهادها دلالت دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. شراکت یاد شده سبب می‌شود تا امور عمومی و مسائل عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری اداره شود.



نمودار ۲. روابط بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در حاکمیت خوب (UNDP, 2000)

همچنین دلایل مشخص‌تری برای جلب مشارکت جامعه محلی در توسعه راهبردها و استراتژی‌های شهری وجود دارد:

۱. در نظر گرفتن نیازهای متنوع و اولویت‌های جامعه محلی؛
۲. در نظر گرفتن نیازهای ویژه گروه‌های مختلف شهری در راستای همکاری آنها در اتخاذ تصمیمات استراتژیک؛
۳. تعیین اولویت‌ها با مشارکت و توافق مردم؛
۴. استفاده از نظرات مبتکرانه اقشار مختلف جامعه؛

جدول ۵. ویژگیهای دولت در الگوی حاکمیت شهری

ویژگی	دولت با الگوی حاکمیت	عناصر مخالف حاکمیت
مشارکت	ارتباط نزدیک بین قدرت محلی و نخبگان بازار؛ سایر بخش‌ها نیز چنین وضعیتی دارند	عدم تعامل بین قدرت محلی و بخش بازار؛ برای برقراری ارتباط نیازمند قانون است
همکاری	شبکه‌های داوطلبانه بر پایه اعتماد	ارتباط سلسله مراتبی بین بازیگران محلی و بازیگران خارج از محل
پایداری	ثبات؛ همکاری دراز مدت	بی ثبات، کوتاه مدت، نمایشی و ابزاری
استقلال و آزادی عمل	بالا؛ هدف‌گذاری و تأمین منابع در محل (محلی)	پایین؛ تعیین هدف و تأمین منابع از خارج و توسط عوامل خارجی (خارج از محل)
نفوذ	رهبری و اعمال سلطه در سطح منطقه، شهرک‌ها و شهر خواهد بود (اعمال نفوذ توسط سطوح محلی در سطح منطقه و محل است)	نفوذ وجود ندارد؛ برخی همکاریها نیز نمایشی است
اهداف	محلی؛ و در سطح محل تعیین می‌شود	در خارج تعیین می‌شود
سینرژی یا قدرت مضاعف	ترکیب بخش خصوصی و عمومی قدرتی برای دستیابی به دیگر اهداف تعیین نشده ایجاد می‌کند	همکاری در حد صفر یا پایین تر از صفر است

۵. مشارکت منابع جامعه و بسط شبکه اجتماعی. «شهری ارنشتاین» در نموداری که از مشارکت شهروندان با عنوان «تردبان مشارکت شهروندی» در سال ۱۹۶۹ ارائه داد، به اهمیت مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی پرداخت و سطوح مختلف مشارکت را در سه سطح مشخص ساخت.
۱. به نظر ارنشتاین در پایین‌ترین سطح هیچ نیرویی یا قدرتی برای مشارکت وجود ندارد. به زعم وی، بعضی از دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی به صورت ساختگی، نوعی مشارکت ظاهری را تدارک می‌بینند که عمدتاً برای کارهایی است که نتیجه آن از قبل مشخص و معین است.
۲. پلکان دوم که آگاهی از فرایند تصمیم‌گیری است عمدتاً غیرواقعی است و تنها آگاهی صوری از وضعیت مشارکت مورد نظر مطرح است.
۳. در پلکان سوم بحث آگاهی و اطلاع‌رسانی قرار دارد که طی آن آگاه‌سازی شهروندان که از کل تصمیم‌های کلانی که قرار است به اجرا درآید، صورت می‌گیرد.
۴. پلکان چهارم که مشورت و مشاوره است. قبل از اجرا با نظرسنجی از نظرات شهروندان مطلع می‌شویم، این نظرسنجی نباید جنبه صوری داشته باشد بلکه باید به گونه‌ای باشد که شهروندان احساس کنند در اخذ تصمیم‌گیری به نوعی نظارت و مشارکت داشته و در به کارگیری نظرات آنان مدیران جامعه کوتاهی نکرده‌اند و لذا نوعی تسکین



نمودار ۳. نردبان هشت پله‌ای مشارکت ارنشتاین؛ ماخذ: Healy, 2005: 26

سازمانی - اداری	اجتماعی - فرهنگی	کالبدی (کاربری زمین)؛ زیست محیطی	اقتصادی - مالی	عرصه‌ها
				سطوح
← ↑	↑	↑	↑	ملی ایالتی
				منطقه‌ای کلان شهری
				محلی/شهری محل‌های

نمودار ۴. فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

و آرامش در بین آنها به وجود خواهد آمد. مشارکت در تصمیم‌گیری موجب می‌شود که شهروندان نتیجه مشارکت خود را لمس می‌کنند و در زمانی که در تصمیم‌گیری از نظرات آنها استفاده شود به قدرت خود در مشارکت پی می‌برند. در پلکان ارنشتاین مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات و همچنین در امور اجرایی به کنترل کامل منجر می‌شود که به بیانی دیگر «کنترل اجتماعی» نامیده شده است (Healy, 2005, P:27).

مفهوم مشارکت

«مشارکت» کلمه‌ای عربی و از باب مفاعله است؛ و معادل فارسی آن همیاری، همراهی و شریک شدن

و همدست شدن در کارها و همکاری کردن است. به عبارت دیگر مشارکت به معنای شریک کردن متقابل در امری است (زیرکی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). ریشه لاتین این کلمه از واژه participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. در دایره المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است (ساروخانی، ۱۳۷۴). در ادامه به برخی از تعاریف در این رابطه اشاره می‌شود:

۱. مشارکت عبارت است از متشکل کردن گروه‌های محروم از مزایای اجتماعی به منظور تامین برخی نیازهای ضروری آنها (که دولت آن را تامین نمی‌کند و یا خارج از توان مالی او باشد) از طریق خودیاری (بنار، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

۲. مشارکت در حقیقت امری است که انسان‌های ناتوان را به سوی توانمندی هدایت کرده و توانایی‌های بالقوه آنان را به بالفعل تبدیل می‌نماید و بر قدرتشان برای بهره‌گیری از زندگی می‌افزاید (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۲، ص ۸۱).

سازمان ملل در سال ۱۹۸۱ فرآیند مشارکت را «ایجاد فرصت‌هایی که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه‌ی بزرگتر را قادر به مشارکت فعال و موثر در فرآیند توسعه و بهره‌برداری از ثمرات و منافع توسعه نمایند تعریف نموده است» (UN, 1987).

باید به مشارکت به عنوان ابزار توسعه نگاه کرد. اگر توسعه را یک اندیشه و تفکر تلقی کنیم، مشارکت به عنوان یک وسیله است. در واقع نتیجه توسعه، توانمندسازی مردم است و تواناسازی یعنی دانایی، کارایی و پایداری. همچنین باید اشاره داشت که؛ در متون مختلف از مشارکت تعاریف متعددی صورت گرفته است که هر کدام از این تعابیر و تعاریف با توجه به رویکرد نظری و تجارب شخصی از دیدگاه‌های متفاوتی سرچشمه گرفته است. مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های

گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۱۵). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: «درگیر شدن»، «یاری دادن و مسئولیت»، «درک عمیق». این تعریف مستلزم مرور اجمالی بر این سه جزء است.

۱. الف- درگیری ذهنی و عاطفی: در مرتبه نخست و شاید پیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت، خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روانشناختی است نه جسمانی. انسانی که مشارکت می‌کند، خود-درگیر است و نه کار-درگیر.

۲. ب- انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از این قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید. از این‌رو مشارکت با موافقت فرق دارد. در موافقت، موافقت‌کننده، یاری ویژه‌ای نمی‌کند بلکه تنها آنچه را که پیش‌رویش می‌گذارند تصویب می‌کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم‌گیرنده بازی می‌کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانایی‌های خویش، جمع را به موافقت وا دارد. اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است. مشارکت یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادست در واقع در مشارکت، نقش اصلی با مشارکت‌کننده است که می‌کوشد تا توانایی‌های خویش را آشکار سازد.

۳. ج- پذیرش مسئولیت: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزاند تا در کوشش‌های گروه، خود مسئولیت بپذیرد. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد (علوی تبار، ۱۳۸۷، ص

مفهوم مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی یعنی درگیر شدن کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری، دعوت از همه افراد به تفکر راهبردی و قبول مسئولیت فردی برای کیفیت کار و تولیدات آنها، حمایت و پاداش رفتار کارکنان که از دید آنها لحظه به لحظه ارباب رجوع را ارضا و عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد. در هر حالت، مدل مشارکتی، نظارت اصلی بر سازماندهی تربیت و راهنمایی کارکنان، همچنین خودکنترلی را مستثنی نمی‌کند. به واقع مدیریت مشارکتی ارتباط دایم، متقابل و نزدیک بین مدیریت ارشد و کارکنان است. عناصر اولیه پایه‌ای برای مدیریت مشارکتی عبارتند از:

۱. تسهیم اطلاعات مربوط به مسائل کسب و کار و نتایج آن،
۲. جبران خدمت برای آن نتایج،
۳. دانشی که به افراد اجازه درک و سهیم شدن در آن نتایج را می‌دهد و
۴. داشتن قدرتی که آنها را در تصمیم‌گیری یاری می‌کند. «اسپراتیزر» عنصر پنجمی را به این ۴ عنصر اضافه می‌کند و این نکته را به اثبات می‌رساند که موقعیت برای کسی که در آن کار می‌کند، معنی‌دار است.

انواع مشارکت

اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی کلی از مشارکت داشته باشیم، می‌توان آن را به سه نوع مشارکت مالی و اقتصادی، مشارکت فکری و فرهنگی و مشارکت سیاسی تقسیم کرد.

۱. «مشارکت مالی»: در این نوع مشارکت افراد یک گروه یا جامعه به منظور پیشبرد سریع امور و مقاصد معین مشارکت مالی کرده و با پرداخت وجه عملاً در اجرای یک کار شرکت می‌کنند.
۲. «مشارکت فکری و فرهنگی»: در این نوع مشارکت افراد برای ارتقاء و بالا بردن توانایی و کیفیت عملی امور انجام می‌گیرد. اساس کار بر تحول ذهنی و

اندیشه استوار است و منظور آن است که تا ارتقاء و تحول ذهنی صورت نگیرد مشارکت به مفهوم واقعی تحقق پیدا نمی‌کند.

۳. «مشارکت سیاسی»: در این نوع، بیشتر به حضور افراد در تعیین سرنوشت سیاسی تاکید دارد. علاوه بر این، انواع متفاوتی از مشارکت را می‌توان برشمرد:

۱. «مشارکت سازمانی» (نهادی) همچون مشارکت شهروندان در فعالیت بنیادها، نهادها و سازمان‌ها.
 ۲. «مشارکت بعدی»،
 ۳. «مشارکت اجتماعی» (غیر سازمانی) و
 ۴. «همکاری خودجوش بین مردم»، بدون وجود نظام سازمانی یا برنامه‌ای خاص. این نوع مشارکت اگر در نواحی شهری نهادینه شود می‌تواند در توسعه پایدار نقش مفیدی داشته باشد.
- از دیدگاهی دیگر می‌توان انواع مشارکت را به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

۱. مشارکت بین افراد که به آن مشارکت دوجانبه می‌گویند و خود به خود بوجود می‌آیند؛
۲. مشارکت بین افراد خیر و افراد آسیب دیده که از طریق کمک به افراد آسیب دیده همچون دادن صدقه، کمک رسانی و دادن هدایا انجام می‌گیرد؛
۳. مشارکت بین مردم و دولت یا مشارکت قراردادی که موثرترین شکل مشارکت در فرآیند توسعه است.

پیشینه فعالیت‌های مشارکتی در ایران

تشکل‌های مردمی در ایران دارای سوابق تاریخی دیرینه‌ای هستند. در واقع از زمانی که زندگی اجتماعی انسان‌ها در روستاها و سپس در شهرها شکل گرفت نیاز به یاری‌گری و مشارکت مطرح شد و کمک توانمندان به ناتوانان در اشکال فردی و گروهی شکل گرفته و نهادینه شده است. به طور کلی می‌توان دو الگوی مشارکت و به تبع آن دو سازمان سنتی و مدنی را از همدیگر تفکیک کرد:

۱. الگوی اول مشارکت، الگوی سنتی است که حول خود سازمان‌های سنتی را شکل داده است. منظور از مشارکت سنتی مشارکت بر اساس سنت،

عرف، عادت و مذهب است و میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش وجود دارد. این مشارکت محصول گذشت سالیان دراز بوده است و از گذشته در میان مردم وجود داشته و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و پاسخی به نیازهای تحولات تاریخی بوده اند. در این الگو، دولت هیچ نقشی در هدایت و سازماندهی نداشته و انجام کارها بر عهده مردم است (علوی تبار، ص ۵۱). این الگو علی‌رغم تحولات اجتماعی سده اخیر در جامعه ایرانی با اندکی تغییرات، هنوز هم با قدرت در بسیاری از شهرهای ایران به حیات خود ادامه می‌دهد. این الگوی مشارکت حول خود تشکل‌های مردمی از جمله کانونها و هیات‌های مذهبی، کانون‌های قرض الحسنه و غیره را شکل داده است و امروزه فعالیت در چارچوب این کانون‌ها انجام می‌گیرد.

۲. الگوی دوم مشارکت، مشارکت جدید و یا مدنی است. در این الگو، مشارکت بر اساس محرکی است که افراد را به فعالیت وادار می‌دارد. این محرک معمولاً از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاص وارد می‌شود. این الگو می‌تواند اجباری و یا داوطلبانه باشد (همان؛ ص ۵۱). این الگو حول خود سازمان‌های متعددی را شکل داده است که از جمله آنها می‌توان به شوراهای شورایی‌های محله‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره اشاره کرد. تجربه و سابقه این الگوی مشارکتی در اداره شهرها را می‌توان به زمان مشروطیت و برپایی انجمن‌های بلدی نسبت داد (مه‌بادی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از آنجا که یکی از اهداف عمده انقلاب تلاش برای افزایش مشارکت مردم در امور شهر بود، بر این اساس و با توجه به نقش موثر سیاست عدم تمرکز در اداره امور عمومی و ضرورت سپردن امور محلی به دست مردم محل، تشکیل شوراهای اسلامی مردمی مورد توجه قرار گرفت و برای تامین مشارکت مردم در پیشبرد سریع برنامه‌های توسعه جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی

به خود اختصاص داد. در قانون اساسی «اصول سوم و هفتم و صدم» درباره شوراهای بحث کرده و به روشنی اداره امور کشور را با اتکا به آراء عمومی و مشارکت مردم امکان پذیر دانسته است. سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی در «اصل ۲۶ قانون اساسی» و «ماده ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه» مورد تاکید قرار گرفته است. سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان‌های تازه تاسیس و نوپا هستند و دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌سازد که عبارتند از:

الف- سازمان‌های غیر دولتی با مشارکت داوطلبانه شهروندان شکل می‌گیرند، یعنی روش شکل‌گیری و اداره آنها توسط گروهی از مردم و به شکل داوطلبانه است؛ ب- سازمان‌های غیر دولتی متشکل از افرادی هستند که انگیزه بالایی برای فعالیت گروهی در راستای هدف مشخصی هستند و فعالیت آنها معطوف به منافع همگانی است. سازمان غیرانتفاعی، خدمت‌مدار و توسعه‌محور که در جهت منافع افراد جامعه عمل می‌نماید؛ ج- سازمان‌های غیر دولتی غالباً به دنبال سود به معنای درآمد زایی نیستند و اکثراً به اصطلاح غیرانتفاعی هستند. سازمانی که از نظر ساختاری انعطاف پذیر و مردمی است و بدون منفعت طلبی در جهت ارائه خدمات به جامعه تلاش می‌کند؛ د- غالباً این سازمان‌ها با توجه به اهداف ویژه‌ای تعریف می‌شوند و هدف آن توانمندسازی افراد جامعه است؛ ه- سازمانی که به هیچ حزب سیاسی وابسته نبوده و به طور کلی متعهد به خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی است؛ و- سازمان‌های غیر دولتی با اراده دولت‌ها تاسیس نشده و توسط دولت‌ها مدیریت نمی‌شوند.

مزیت این سازمان‌ها بر سازمان‌های دولتی در این است که این سازمان‌ها می‌توانند مردم فقیر و افراد آسیب‌دیده و در معرض آسیب را در سطح محدود محله، روستا و غیره شناسایی کرده و به آنها کمک نمایند. این سازمان‌ها به دلیل ماهیت داوطلبی خود با هزینه‌های کمتر، بهترین کارایی

را در خدمت‌رسانی دارند سازمان‌های مردم‌نهاد به‌وسیله کار با گروه‌های جامعه مشارکت محلی را ارتقا می‌بخشند و بر ابتکارات خودیاری محلی و کنترل برنامه‌ها تأکید دارند و نهایتاً این سازمان‌ها متناسب با نیازها و شرایط محلی نوآوری می‌کنند و خود را با آنها تطبیق می‌دهند.

مشارکت و سازمان‌های غیر دولتی

سازمان‌های غیر دولتی که به‌طور مخفف NGO خوانده می‌شود، در ایران با نام سازمان‌های مردم‌نهاد یا تشکل‌های غیر دولتی شناخته می‌شوند. سازمان‌های مردم‌نهاد، اساساً با تأکید بر سه اصل داوطلبانه، غیر انتفاعی و غیر سیاسی تشکیل و تاسیس می‌گردند و بودجه آن‌ها از راه‌های ذیل تأمین می‌شود:

«کمک و هدایای مردمی؛ وقف؛ کمک‌های مالی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی؛ کمک‌های مالی از سازمان‌های بین‌المللی (با رعایت مقررات مربوطه)؛ وجوه حاصل از فعالیتهای سازمان و انجام پروژه در چارچوب اهداف و اساسنامه و آیین‌نامه سازمان؛ حق عضویت در سازمان.»

ویژگی‌های تشکل‌های داوطلب مردمی

تشکل‌های غیر دولتی برای ادامه فعالیت خود نیازمند ویژگی‌هایی هستند که ضامن بقا و موفقیت آنهاست. رئوس این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. عضویت در آنها داوطلبانه و اختیاری است.
۲. تعیین اهداف در آنها براساس تعامل میان اعضا صورت می‌گیرد.
۳. اعضای آنها روابط افقی و مبتنی بر برابری حقوق با یکدیگر دارند.
۴. کمترین وابستگی را به نهادهای صاحب و اعمال‌کننده قدرت سیاسی در جامعه یعنی دولت دارند.
۵. برای کسب سود و منفعت فعالیت نمی‌کنند بلکه اهداف غیر انتفاعی مانند کمک به فقرا، توجه به محیط زیست، بهداشت و غیره را دارند.
۶. به‌عنوان یک میانجی یا واسطه میان دولت و مردم یا حامیان و گروه‌های هدف عمل می‌کنند.

۷. مولد سرمایه اجتماعی که از عناصر ضروری برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی و عملکردمطلوب نهادهای دموکراتیک است، می‌باشند.

بنابراین، تشکل (غیردولتی) داوطلب مردمی عبارت از نهادهای مستقل، بدون وابستگی به دولت و غیرسیاسیاست که توسط افراد خیرخواه و بشردوست اداره می‌شود. اعضای تشکل برای انجام هدفی مشترک و معین گرد هم آمده‌اند تا خدمات مشخصی را به صورت داوطلبانه و غیرانتفاعی انجام دهند و نسبت به مردمی که برای خدمت به آنها اعلام موجودیت نموده‌اند، همراه با احساس مسئولیت پاسخگو باشند.

مدیریت محیط زیست و اهداف سازمان‌های

غیر دولتی

با توجه به تعاریفی که از سازمان‌های غیردولتی انجام شد، اهداف آنها را می‌توان به‌طور خلاصه به شرح زیر دانست: توانمند ساختن شهروندان برای رفع مشکلات خویش به‌ویژه گروه‌های محروم؛ سازمان‌دهی و نهادینه کردن مشارکتهای شهروندان؛ ارائه مشاوره به نهادهای دولتی؛ توجه به محیط زیست، کاستن آلودگی‌های زیست‌محیطی و کنترل منابع؛ ایجاد ائتلاف بین گروه‌های کوچک مردم در زمینه‌های بهداشتی، محیط زیست و مانند آنها؛ کاربرد روشهای موثر و کارآمد در انجام امور؛ اشتغال‌زایی برای فقیران؛ افزایش آگاهی در میان شهروندان از طریق برنامه‌هایی مانند برنامه ریزی خانواده؛ کاهش هزینه‌های انجام امور؛ تشویق ثروتمندان در کمک به فقرا؛ کاهش آلام فقرا، انجام خدمات رفاهی و خیریه‌ای برای محرومین و معلولین مانند توزیع خوراک.

طبقه‌بندی تشکل‌های داوطلب مردمی در ایران سازمان‌های غیردولتی را می‌توان از نظر جهت‌گیری، سطح عملیات، دامنه فعالیت، موضوع و نوع فعالیت گروه‌های هدف طبقه‌بندی نمود:

۱. سازمان‌های غیر دولتی از نظر جهت‌گیری: «الف-

جهت گیری خیرخواهانه»: این نوع سازمان ها اغلب در فعالیت های پدرسالارانه از بالا به پایین، درگیر می شوند و به هدایت فعالیت هایی از قبیل برآوردن نیازهای فقرا، توزیع خوراک، پوشاک یا دارو، تدارک مسکن، حمل و نقل، مدرسه می پردازند. چنین سازمان هایی ممکن است در جریان مصائب طبیعی و انسان ساخت نیز، فعالیت های امدادی به عهده بگیرند؛ «ب- جهت گیری خدماتی»: فعالیت این دسته از سازمان های غیردولتی در حوزه بهداشت، برنامه ریزی خانواده و یا خدمات آموزشی تعریف می شود که در این فعالیتها سازمان مربوطه برنامه را طراحی می کند و انتظار می رود که مردم در اجرای آن و نیز دریافت خدمات مشارکت کنند؛ «پ- جهت گیری مشارکتی»: در این جهت گیری مردم محلی با کمک های نقدی، ابزارکار، زمین، مواد، نیروی انسانی و غیره در پروژه های خودیار درگیر می شوند. در پروژه های توسعه محلی، مشارکت با تعریف نیاز شروع می شود و در مراحل برنامه ریزی و اجرا ادامه می یابد. تعاونی ها اغلب جهت گیری مشارکتی دارند؛ «ت- جهت گیری توانمندسازی»: هدف ایندسته از سازمان ها، علاوه بر کمک به مردم فقیر برای درک شفاف تر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تقویت آگاهی آنان از قدرت بالقوه شان برای کنترل زندگی خود می باشد.

۲. سازمان های غیر دولتی از نظر سطح عملیات: «الف- سازمان های معطوف به اجتماع محلی»: این نوع سازمان ها از ابتکارهای خود مردم نشأت می گیرند. باشگاه های ورزشی، سازمان های زنان، سازمان های همسایگی و سازمان های مذهبی یا آموزشی را شامل می شوند و از تنوع زیادی برخوردارند که تعدادی از آنها از سوی سازمان های غیر دولتی ملی یا بین المللی یا کارگزاری های دو جانبه حمایت می شوند و برخی دیگر از آن ها از کمک خارجی (دیگران) بی نیازند. تعدادی از آنها برای ارتقای آگاهی فقرای شهری یا کمک به آنان در فهم حقوق شان برای دستیابی به

خدمات مورد نیاز فعالیت می کنند. سازمان های معطوف به اجتماع محلی، طبق سند UNDP2000، به سازمان هایی گفته می شود که معمولاً توسط داوطلبان تجهیز می شوند، بومی، یعنی متکی به سنت ها یا کارآفرینان اجتماعی درون اجتماع محلی هستند، کوچک، غیررسمی و متکی بر منابع خود می باشند. این سازمان ها با منافع دو جانبه، اغلب به منظور بهبود درآمد اعضای خود تاسیس شده و دربرگیرنده فقرا و افراد فاقد قدرت است. (UNDP, 8.Ibid,P); «ب- سازمان های شهر مقیاس»: سازمان های غیردولتی را که در مقیاس یک شهر فعال هستند دربرمی گیرد. برخی از این سازمانها به خاطر اهداف دیگری شکل گرفته اند و به عنوان یکی از فعالیت های خود در کمک به فقرا درگیر می شوند، در حالی که برخی دیگر از آنها صرفاً با هدف کمک به فقرا راه اندازی شده اند؛ «پ- سازمان های غیردولتی ملی»: این نوع سازمانها، در محدوده یک کشور فعالیت می کنند. سازمانهای غیر دولتی ملی از سطحی میانی حکایت دارند و به عنوان سازمانهای فرامحلی، تعدادی از سازمان های غیر دولتی محلی را که اهداف کم و بیش مشابهی دارند گرد هم می آورند. سازمان های غیر دولتی ملی، سازمانهایی از قبیل کمیته بین المللی صلیب سرخ و سازمانهای حرفه ای و غیره را شامل می شوند. جمعیت هلال احمر و جبهه سبز ایران از این نوع سازمانها هستند؛ «ت- سازمان های بین المللی»: سازمان هایی هستند که حوزه خود را علاوه بر کشور مبدا در سایر نقاط دنیا نیز به عنوان کشورهای تحت پوشش تعریف می کنند. این سازمانها در نوع خود اغلب کارگزاران قوی و موثری هستند. چنین سازمان هایی نوعاً در کشورهای توسعه یافته اداره و رهبری می شوند و عملیات خود را در بیش از یک کشور در حال توسعه انجام می دهند. (10.cousins wilim.Ibid)

۳. طبقه بندی سازمان های غیردولتی از نظر دامنه فعالیت: مساجد، تکایا، هیات های مذهبی و قهوه خانه ها را نهادهای غیردولتی سنتی

قدیمی می‌دانند و پس از آن صندوق‌های قرض الحسنه، خیریه‌ها، انجمن‌های اسلامی و حتی دوره‌های فارغ‌التحصیلی در دوران بعدتر و سپس اتحادیه‌ها، اصناف و نظام‌های صنفی و مهندسی و غیره، شکل‌های جدیدتر سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد می‌باشند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی را به لحاظ قدمت و نوع و دامنه فعالیت به دو گروه سنتی و مدرن طبقه بندی می‌کنند: «الف- تشکل‌های سنتی»: داشتن ارتباط مستحکم و مداوم با مردم؛ اتکا به کمک‌های مردمی و خصوصی برای تأمین نیازهای مالی؛ تأکید بر نیازهای مبرم مردم؛ ارائه خدمات مشخص و ملموس؛ مقاومت و دوام در برابر فشارها و محدودیتهای دولتی و محیطی (با اتکا به نیروی ایمان مذهبی)؛ «ب- تشکل‌های نوین» (مدرن): از نظر تعداد رو به افزایش هستند؛ اکثراً اتکا و وابستگی زیادی به دولت دارند؛ بیشتر به روندهای بین‌المللی تکیه می‌کنند و کمتر به نیازهای مردم؛ برخی از آنها از ظرفیتهای بالای فنی برخوردار هستند؛ اکثر آنها با زبان و رفتار دولت و مؤسسه‌های بین‌المللی آشنا هستند. موضوع و نوع فعالیت سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های هدف آن‌ها از تنوع بسیار زیادی برخوردار است؛ کارگزاربهای امدادی و رفاهی؛ سازمانهای نوآور فنی؛ پیمانکاران خدمات عمومی؛ کارگزاربهای توسعه مردمی؛ سازمانهای خودجوش توسعه؛ گروهها و شبکه‌های مدافع

وضعیت موجود سازمان‌های غیردولتی

نهادهای و تشکل‌های مردمی را می‌توان در دو گروه سنتی و مدنی طبقه بندی کرد. اطلاعات دقیقی از نهادهای مردمی سنتی به دلیل غیررسمی بودنشان در دست نیست اما از سازمان‌های مدنی و یا از سازمان‌های غیر دولتی به خاطر بعد رسمی و ثبت آنها می‌توان اطلاعات نسبی ارائه کرد. سازمان‌های غیردولتی را می‌توان بر اساس معیارهای گوناگون از جمله فعالیت، موضوع فعالیت و سطح فعالیت به گونه‌های مختلفی تقسیم کرد. بانک جهانی این

سازمان‌ها را به دو گونه سازمان‌های اجرایی و ترویجی طبقه بندی کرده است:

۱. سازمان‌های اجرایی بر اساس گستره فعالیت به چهار دسته سازمان‌های غیردولتی محله محور، سازمان‌های غیردولتی شهر مقیاس، سازمانهای غیردولتی ملی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی تقسیم می‌شوند.

۲. سازمان‌های ترویجی به موضوع فعالیت سازمان‌ها اشاره دارد.

«کلارک» بر اساس فعالیت، سازمان‌های غیردولتی را به شش گروه:

۱. سازمانهای رفاهی،

۲. سازمانهای فعال در زمینه نوآوری‌های فنی،

۳. پیمانکاران خدمات دولتی،

۴. سازمانهای توسعه که حول محور خودیاری، توسعه اجتماعی و ایجاد دموکراسی فعالیت دارند،

۵. سازمانهای حمایت از فقرا و

۶. گروهها یا شبکه‌های حمایتی تقسیم می‌کند.

بر اساس موضوع فعالیت، سازمان‌های غیردولتی را می‌توان به چهار دسته:

۱. «سازمانهای تبلیغاتی»،

۲. «سازمانهای تخصصی»،

۳. «سازمانهای عام» و

۴. «سازمانهای بشردوستانه» طبقه بندی کرد.

به لحاظ جهت‌گیری سازمان‌های غیردولتی را می‌توان در چهار گروه:

۱. «جهت‌گیری خیریه»،

۲. «جهت‌گیری خدماتی»،

۳. «جهت‌گیری مشارکتی» و

۴. «جهت‌گیری توانمندسازی» طبقه بندی کرد.

سازمانهای غیردولتی با ایفای نقشهای نظارتی، بسیج، جذب و هدایت منابع انسانی، مادی و معنوی می‌توانند بهترین نمود از مشارکت مردمی باشند که با انسجام بخشی به گروههای انسانی هم‌هدف، راه‌گشای دستیابی به اهداف توسعه‌یابدار در منابع ملی باشند. سازمانهای غیردولتی در کنار بخش

خصوصی و دولت، رکن سوم توسعه پایدار را تشکیل می دهند.^۱

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۳، ۷۹۵۳ سازمان غیردولتی در ایران فعالیت داشتند که ۵۳ درصد آنها به ثبت رسیده و ۴۷ درصد به ثبت نرسیده است. ۸۹ درصد سازمان ها دارای مجوز و ۱۱ درصد بدون مجوز بودند. ۹۲ درصد دارای فعالیت مستمر و ۸ درصد دارای فعالیت غیرمستمر هستند. ۱۶ درصد سازمان های فعال در کشور در تهران مشغول فعالیت هستند که ۷۱ درصد آنها به ثبت رسیده و ۲۹ درصد ثبت نشده اند. همچنین ۹۱ درصد دارای مجوز و ۹ درصد بدون مجوز هستند. تعداد نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی در کل کشور ۲۹۱۲۷۱ نفر است که از این تعداد ۱۴ درصد به صورت پاره وقت و ۸۶ درصد به صورت تمام وقت مشغول به فعالیت در سازمان هستند. ۴۹ درصد فعالان از زنان و ۵۱ درصد از مردان است. از کل نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی ۲۲ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۷ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲ درصد لیسانس و فوق لیسانس، ۸ درصد دکتری و ۱ درصد دارای تحصیلات حوزوی هستند. تعداد نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی در تهران ۸۷۴۳۹ نفر (معادل ۳۰ درصد نیروی انسانی کل کشور) است که ۶۲ درصد آنها از فعالان زن و ۳۸ درصد از فعالان مرد است. ۱۵ درصد به صورت تمام وقت و ۸۵ درصد به صورت پاره وقت مشغول به فعالیت هستند.

اطلاعات موجود نشان می دهد که در کشور ما

به دلیل زمینه های ریشه دار فرهنگی و اجتماعی، بیشترین زمینه های فعالیت سازمان های غیردولتی در حوزه های اجتماعی و خیریه و حمایتی است. بنابراین ظرفیت های مناسب در این زمینه ها در سازمان های غیردولتی وجود دارد که می توان آنها را در راستای «بهبود وضعیت زیست محیطی» بسیج کرد.

مشارکت در مدیریت زیست محیطی

به دنبال طرح مقوله مشارکت و محافظت از محیط زیست و رواج فرهنگ زیست محیطی نظریه ها و دیدگاه های گوناگونی مطرح گردیده است. در ادامه به اختصار نظریات مهم و مرتبط شامل «نظریه های جامعه شناختی محیط زیست»، «نظریه جمعیت شناختی»، «نظریه های آموزشی»، «نظریه های فرهنگی» و «نظریه اکوفمینیست» بیان می شود:^۲

۱. «نظریات جامعه شناختی»: با توجه به تحولاتی که در سالهای اخیر صورت گرفته رابطه جامعه شناسی و محیط زیست شهری نزدیک تر شده و جامعه شناسان در نظرات خود به محیط زیست شهری و ارتباط آن با انسان و جامعه پرداخته اند. برای نمونه به نظر مارکوزه می توان اشاره داشت. مارکوزه معتقد است «تفکر و عمل باید تغییر یابد، تغییر دیدگاه کمی و مصرف مداری به زیبایی شناختی، اساس این دگرگونی می باشد. وی جنبش زیست محیطی را جنبش رهایی بخش سیاسی و روانشناختی می بیند». همچنین نظریات مختلفی وجود دارد که نشان دهنده ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با ارتقاء محیط زیست شهری می باشد. از

۱. سازمان های غیردولتی در ایران در عرصه های متنوعی فعالیت می کنند. ۳۱ درصد در حوزه آموزشی، ۲۶ درصد در حوزه اجتماعی و مشخصاً ۸ درصد از آنها در حوزه آسیب دیدگان اجتماعی، ۳ درصد در زمینه ادبی، ۱۰ درصد در زمینه بهداشت و درمان، ۱۹ درصد در حوزه های مالی و قرض الحسنه، ۷ درصد در زمینه توان بخشی، ۲۲ درصد در زمینه های حمایتی، ۱۳ درصد در زمینه علمی و پژوهشی، ۳ درصد در زمینه عمران و آبادی، ۳۷ درصد در حوزه فرهنگ، ۸ درصد در امور گردشگری، ۸ درصد در زمینه محیط زیست، ۱۴ درصد در زمینه های مذهبی، ۲۵ درصد در زمینه امور خیریه، ۱۰ درصد در حوزه ورزش، ۱۱ درصد در حوزه هنر مشغول به فعالیت هستند. حوزه های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، امور خیریه، حمایتی و مذهبی از مهمترین حوزه های فعالیت سازمان های غیردولتی در کشور است. در تهران حوزه های فرهنگی (۳۱ درصد)، اجتماعی (۲۴ درصد) و مشخصاً ۶ درصد آنها در زمینه آسیب دیدگان اجتماعی، امور خیریه (۲۵ درصد)، بهداشت و درمان (۲۱ درصد)، حمایتی (۲۳ درصد) و علمی و پژوهشی (۲۲ درصد) از مهمترین حوزه های فعالیت سازمان های غیردولتی محسوب می شوند.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری، مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

آن جمله می‌توان به نظریه تقسیم کار امیل دورکیم اشاره کرد. دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم کرده و برای هر یک، همبستگی خاصی را مطرح کرده است. «در جوامع کهن و گذشته که تقسیم کار وجود نداشته، همبستگی مکانیکی خودبخود حاکم بوده، اما در جوامع جدید و پیشرفته که تقسیم کار از مشخصات آن است، همبستگی ارگانیک یا اندامی حاکم می‌باشد». بر طبق این نظریه مردم جامعه امروزی خود را فقط مسئول امور مربوط به خودشان می‌دانند و برای هر کاری از نهاد، واحد یا شخص به خصوصی انتظار دارند و همین مسئله در خصوص مسائل محیط زیست شهری نیز حاکم است. یعنی آنچه مربوط به محیط زیست شهری می‌باشد، جزء وظایف نهاد یا سازمانی خاص می‌دانند و به راحتی از آن حیطه کنار می‌کشند. در واقع همان همبستگی ارگانیکی بر دنیای امروز حاکم است. «فیش باج و آج‌زین» در دهه ۹۰ بر اساس تحقیقات خود اظهار داشتند که پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد در نگرش آنها نسبت به انرژی و مصرف آن مؤثر می‌باشد و همین امر یک رابطه غیرمستقیم را بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی فرد با مصرف انرژی و استفاده از طبیعت برقرار می‌کند. بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد به نوع تفکر و رفتار وی تأثیر می‌گذارد و محیط و طبیعت، یکی از نقاط دایره رفتاری شخص می‌باشد.^۱

۲. «نظریات آموزشی»: «هانشل»^۲ نشان داد که آموزش ضمن خدمت محیط زیست توأم با مطالب تکمیلی کلاس از نظر افزایش اطلاعات و اتخاذ گرایش مثبت در قبال محیط زیست شهری و آگاهی از نقش انسان در برابر آن، دستاوردهای قابل

توجهی را بدنبال داشته است. با استفاده از این یافته‌ها می‌توان گفت، معلمینی که دوره آموزشی ضمن خدمت را در آموزش محیط زیست شهری گذرانیده‌اند، گرایش بیشتری به توسعه افکار مثبت نسبت به موضوع محیط زیست شهری خواهند داشت.

۳. «نظریات فرهنگی»: افراد بسیاری در مورد فرهنگ و تأثیر آن بر فرد و تأثیرپذیری آن، تحقیق و بررسی کرده‌اند. اما نقطه مشترک آنها تعامل بین انسان و فرهنگ بوده است. به منظور بررسی ارتباط فرهنگ با رفتار محیط زیست شهری و ارتقاء آن از دو نظریه استفاده شده، که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود. بسیاری از رفتارهای آلوده کننده محیط زیست شهری ناشی از تأخر فرهنگی می‌باشد. اصلاح و بالا رفتن سطح فرهنگ زیست محیطی نه تنها موجب کاهش آلودگی می‌گردد بلکه گرایش مردم نسبت به کنترل و تحت فشار قرار دادن عوامل نهادی آلودگی نیز افزایش می‌یابد. عقب ماندگی جوامع جهان سوم، موجب می‌گردد تا برای پیشرفت، به اقدامات خشونت‌آمیز دست بزنند و همین اقدامات، تعادل نظم، طبیعت و فرهنگ را بر هم می‌زند. در نظریه دوم بر آداب و رسوم و عرف‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند.^۳ بر اساس این نظریه چهارچوب نگاه انسان و دانش آنها نسبت به جهان و همچنین تصورات و آرزوها، توسط محتوای فرهنگی ساخته می‌شود که در آن زندگی می‌کنیم. بدین طریق درباره جهان، آموزش می‌بینیم. به نظر آنها حتی پاسخ‌های عاطفی مردم، یک محصول فرهنگی شناخته می‌شود. براساس چنین نظرانی می‌توان نتیجه گرفت که مردم بر اساس فرهنگ خود، عمل می‌کنند و رفتار محیط زیست شهری

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک: (*) بری، ج.، (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، چاپ اول؛ و (*) کوزر، ل.، (۱۳۷۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، انتشارات علمی.

2. Hanshel

۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری، مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

2. Daniel bautkin

انعکاسی از فرهنگ حاکم بر جامعه می‌باشد، با استفاده از عقیده و باور مردم، می‌توان نگرش و رفتار آنها را تغییر داد و این امر در حوزه محیط زیست شهری نیز امکان‌پذیر می‌باشد.

۴. «نظریات جمعیت‌شناختی»: طبق نظر «بوتکین»^۴ یکی از عوامل ایجاد بحران محیط زیست شهری، جمعیت می‌باشد. از زمان آفرینش انسان، پیوند در جنس زن و مرد نیز همراه آدمی بوده و این پیوند، تولد انسانهای دیگری را بدنبال داشته است و دوباره پیوند و دوباره تولد و این چرخه همچنان ادامه داشت و هیچ کس به این موضوع فکر نمی‌کرد آیا زمین، گنجایش افزایش ساکنینش را دارد؟ در سال ۱۷۹۸ هیچکس همانند «مالتوس» بطور جدی و رسمی، بحران جمعیت را مطرح نکرده بود «اصل نظریه او حول این محور می‌چرخد که علی‌رغم افزایش هندسی جمعیت، منابع غذایی به شکل حسابی، افزایش می‌یابد که نهایتاً در صورت افزایش جمعیت دنیا با کمبود غذا مواجه خواهد شد و این کمبود، سایر منابع را تهدید می‌کند و بقای انسان دچار اختلال می‌شود». با توجه به آنکه میزان جمعیت بر محیط زیست شهری آن منطقه مؤثر است، باید با اجرای برنامه‌ریزی‌های صحیح از افزایش جمعیت منطقه جلوگیری کرد.

۵. «نظریات اکوفمنیست»: محیط و طبیعت جزء مواردی می‌باشد که متأثر از رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم مردان و زنان است و تفکر، رفتار و بینش این دو جنس، بر چگونگی و کیفیت محیط زیست شهری، مؤثر خواهد بود. «رزمری رویتر» معتقد است که متصل کردن حرکت زیست‌بودم‌شناختی و جنبش فمینیستی، یکی از شروط پیروزی هر دو جنبش می‌باشد. محیط زیست شهری را نمی‌توان به دور از جنسیت مورد بررسی قرار داد. طرفداران جنبش فمینیستی و جنبش طرفداران محیط زیست شهری به منظور برتر نشان دادن نگرش زیست شهری زنان بر مردان، کلماتی مانند زمین‌بکو، مام زمین، تأکید کرده‌اند، چراکه اینگونه واژه‌ها

یادآور جنس زن می‌باشند. نوع دیگری از این نظریه بنام «اکوفمنیسم مقاومتی» بر این عقیده پافشاری می‌کند که فکر زنان بیشتر از مردان در زمینه محیط زیست شهری، فعالیت دارد. در بعضی از مبارزات به‌خصوص از نظر بهداشتی یا معاش و یا مواردی که به سلامت کودکان است، زنان پیشقدم ترند. به‌خصوص در بعضی موارد که شخصاً ذینفع می‌باشند، مثل کنترل مولید و جمعیت. حتی زنان در خط مقدم بسیاری از مبارزات زیست محیطی، حضور دارند. در این خصوص می‌توان به «جنبش چیپکو» در هندوستان که توسط زنان محلی بر علیه الوارسازی تجارتهای یا اردوی صلح در گرینهام انگلستان اتفاق افتاده اشاره نمود [۶]. نقش زنان در دفاع از محیط زیست شهری به‌خصوص در جاهایی که ذینفع هستند، مانند تولید مثل و جمعیت، بیشتر از مردان مشاهده شده است. اکثراً بر این عقده پافشاری می‌کنند که برای جلوگیری از ظهور مسائل محیط زیست شهری در کشورهای رو به توسعه، دادن حقوق و اختیارات تولید مثل به زنان می‌تواند تأثیر بسیار داشته باشد. اکوفمنیسم مقاومتی بر این نکته تأکید دارد که برخی موضوعات زیست محیطی مانند جمعیت، مسائل مربوط به بهداشت و کودکان از لحاظ پشتیبانی اجتماعی، بیش از موضوعات دیگر، جنبه جنسیتی دارد [۷]. براساس نظریه‌های مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار زیست شهری بین مردان و زنان تفاوت دارد و زنان می‌توانند نقش مفیدتری در حفظ محیط زیست شهری داشته باشند.

سطوح مشارکتی در مدیریت زیست محیطی

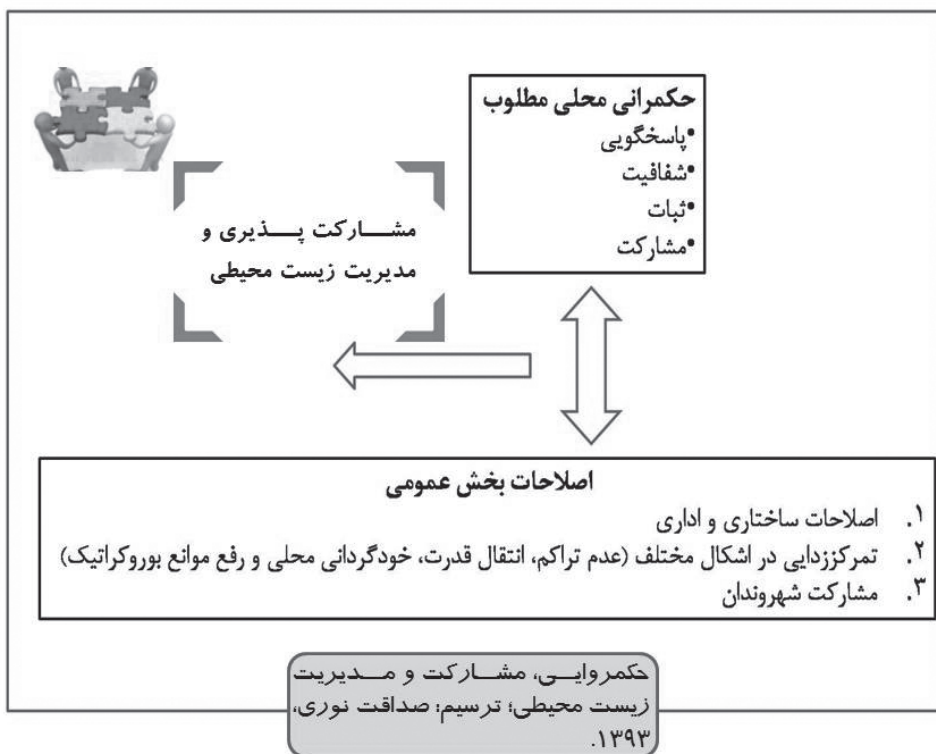
۱. «سطح اول: مشارکت از نوع مشاوره‌ای»: این همکاری و مشارکت با هدف مبادله اطلاعات بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی انجام می‌گیرد. در این مشارکت؛ روابط و مناسبات سازمان‌های مردم نهاد با سایر سازمانها گسترش می‌یابد. برای عملی کردن این سطح از مشارکت، دو طرف با برگزاری سمینارها، کارگاه‌های آموزشی،

گردهمایی‌های مشورتی و امثال آن افکار و ایده‌های خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. به این ترتیب، آنان از نقطه نظرات یکدیگر درباره مسائل مشترک مورد بحث، مطلع می‌شوند. از عوامل ارزیابی میزان عملی شدن این سطح از مشارکت، استمرار در فعالیتهای مشترک، تسهیم هزینه‌ها، بازبودن و گشودگی محیط جلسات، (به نحوی که حق اظهار نظر و مبادله اطلاعات به هر دو طرف داده شود) و همکاری و تشریک مساعی است.

۲. «سطح دوم: مشارکت از نوع هماهنگ سازی»: این سطح از همکاری و مشارکت با هدف هماهنگ سازی فعالیت‌ها انجام می‌گیرد. این همکاری باعث کارایی بیشتر سازمان‌ها در مواجهه با مسایل پیشرو می‌گردد. این نوع مشارکت معمولاً در بروز حوادث غیرمترقبه نظیر بلایای طبیعی و یا آتش سوزی انجام می‌گیرد. این سازمانها با ایجاد کمیته‌های مشترک می‌توانند در یاری رسانی به مردم نقش اساسی ایفا می‌نمایند.

۳. «سطح سوم: مشارکت در کنار یکدیگر و تکمیلی»: در این سطح از مشارکت، دو طرف مشارکت- سازمان‌های دولتی و غیردولتی- با حفظ استقلال ایده‌ها و دیدگاه‌های خود، با تعریف چارچوب و برنامه‌ای مشترک، تلاشهای هدفمند خود را برای حمایت از یکدیگر مشخص و پیگیری می‌کنند. در این سطح هر یک از دو طرف دارای علایق متفاوتی هستند ولی برای دست‌یابی به کنشی مشترک، این علایق را هدایت و برنامه‌ریزی می‌نمایند. تعریف و برنامه‌ریزی شیوه انجام و تحقق بخشیدن به اهداف مشترک، تدوین راهکارهای حمایتی، توسعه توان و ظرفیتهای دو طرف، از زمینه‌هایی اساسی می‌باشند که در این سطح از مشارکت لازم است.

۴. «سطح چهارم: مشارکت از نوع عملگرایی»: در این سطح از روابط، هر دو طرف نسبت به همکاری میان یکدیگر، تسهیم در یک دیدگاه مشترک، اتخاذ اهداف مشترک، اجرای طرحهای عملی در سطوح یک برنامه و امثال آن با یکدیگر همکاری و اتفاق



نمودار ۵. رابطه حکمرانی محلی مطلوب، مشارکت و مدیریت زیست محیطی؛ ماخذ: نگارندگان.

نظر دارند. روابط و مکانیزم‌های استفاده شده در این سطح از مشارکت در جهت تسهیل دست‌یابی به اهداف جمعی نهادینه شده‌اند. هدف این سطح از همکاری، برنامه‌ریزی بلندمدت پروژه‌های مشترک و پیگیری برنامه مصوب به‌طور همگام و مستمر با اتخاذ روش تصمیم‌گیری مشترک در پیشبرد آنها است.

۵. «سطح پنجم: مشارکت از نوع نهایی»: این رابطه احتمالاً بالاترین شکل و سطح از همکاری میان سازمانهای غیردولتی و دولتی را شامل می‌شود که در آن هر دو طرف یکدیگر را به‌عنوان بخشهای لازم و ملزوم در فرایند توسعه و دستیابی به اهداف و دیدگاههای مشترک می‌بینند. در این سطح از همکاری هر دو سازمان با یکدیگر براساس نظم و ترتیبی پایدار و بلندمدت و استراتژیک و باتوجه به جنبه‌های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کار می‌کنند. در این سطح از مشارکت، سازمانهای غیردولتی به منابع دولتی امکان دسترسی دارند و به این سازمانها، فرصت و امکان مشارکت کافی و مورد درخواست آنها در تنظیم و برنامه‌ریزی سیاستها و فرایند تصمیم‌گیری محلی و ملی داده شده است. هدف از این نوع همکاری برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای امور به شیوه استراتژیک می‌باشد. مشخصه این شیوه مشارکت و همکاری، نهادینه شدن روابط کاری بین آنها در بلندمدت است که این روابط در بیشترین جنبه‌های زندگی جمعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قابل پیگیری و مشاهده می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که سازمان‌های دولتی و غیردولتی با توجه به اهداف و استراتژی‌های سازمانی خود می‌توانند همکاری خود را در سطوح مختلف تعریف نمایند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شناخت سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد، ویژگی‌های آنها، اهداف و نوع و زمینه فعالیت‌هایشان، لزوم بکارگیری سازمان‌های غیردولتی در حکمروایی

شهری را تا حد زیادی تبیین می‌کند. برای اداره امور عمومی شهری دو پارادایم (سرمشق) وجود دارد. در پارادایم نخست که «حکومت» نام دارد، شهرداری مسئولیت تمام امور را بر عهده گرفته، موظف است تا تمامی خدمات را برای مصرف جامعه مدنی یا شهروندان فراهم کند. این پارادایم به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت‌ها در حل مسائل شهری و از بین بردن یا تضعیف قوه استقلال و ابتکار عمل شهروندان مورد چالش‌های جدی قرار گرفته است. در پارادایم دوم که «حکومتداری» یا «حکومت مردم‌دار» نام دارد، بازیگر عرصه توسعه و اداره امور عمومی دیگر تنها دولت نیست.

در کنار دولت اعم از ملی و محلی، دو بازیگر به نام‌های «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی» وجود دارند. این سه بازیگر باید با شراکت با یکدیگر به حل چالش‌های پیچیده جامعه و امور عمومی بپردازند. جامعه مدنی دربردارنده سازمان‌های غیردولتی گروه‌ها و اجتماعات محلی سازمانهای داوطلبانه مردمی نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی است. منابع این نهادهای مدنی در مدیریت شهری، دارایی‌های اجتماعی و فرهنگی است.

با نگاهی به پیشینه حرکت‌های مردمی در ایران و شناخت حوزه‌های مشارکت و عدم مشارکت مردم، علت غیرمشارکتی خواندن جامعه ایران به خوبی مشخص می‌گردد. در ادامه به برخی از پیشنهاداتی که نظام مدیریت مطلوب شهر یا حکمروایی شهری باید و شاید می‌تواند با بهره‌گیری از ارگانها و سازمان‌های مردم‌نهاد در بهبود کیفیت زندگی مورد توجه قرار دهد، عبارتند از:

۱. با مشارکت شهروندان و سازمانهای مردم‌نهاد در مدیریت، احساس مالکیت در شهروندان محلی نسبت به طرحها و برنامه‌های مدیریتی شهر ایجاد می‌شود، پس آنها وادار به تفکر می‌شوند و از تفکر خود در جهت رشد و بهبود کیفیت زندگی شهر و

و بزرگی سازمان‌های مشارکتی خاصه در مقوله مشارکتهای زیست محیطی است. سازمانهای کوچکتر در به کار انداختن مدیریت مشارکتی کامیاب ترند. در واحدهای کوچکتر تماس‌ها چهره به چهره شدنی تر است، پیوندها خصوصی تر هستند، تصمیم‌گیری می‌تواند بی‌درنگ‌تر مسؤولانه شناخته شود، و هم‌آهنگی در زمینه فعالیتهای زیست محیطی آسانتر می‌گردد. بر همین پایه، در واحدهای بزرگ مشارکت باید تحت ساختاری فشرده‌تر و دورتر از دسترس همگان باشد، گرچه زنجیره از گروه‌های کوچک به صورت «گیرنده‌های پیونده» در هر رده بالاتر سازمانی می‌تواند یک روش از میان بردن این دشواری باشد. با این همه، در بخش سازمان‌های بزرگ به ندرت می‌توانند چنین زنجیره‌ای از گیرنده‌های پیوند میان گروه‌های کوچک را فراهم آورند. فن‌شناسی و فراگرد فعالیتهای زیست محیطی در حوزه ابعاد و سطح نیز بر سرنوشت مشارکت اثر می‌گذارند. این اثرها را می‌توان به چهار دسته عمده از مقتضیات بخش کرد: (۱) هرگاه فراگرد فعالیتهای زیست محیطی شهروندان را در واحدهای کار به صورت چهره به چهره نزدیک کند و نه آنکه آنان را از هم جدا سازد، مشارکت مطلوب خواهد بود و خواهان خواهد داشت؛ (۲) مشارکت در زمینه فعالیتهای زیستی آنگاه هوادار پیدا می‌کند که ساختار قدرت درونی شهر و مدیریت شهرها و تدبیر امور محلی به صورت خودکامه نباشد؛ (۳) بهره‌گیری از انگیزه‌های فردی (دینی و اجتماعی و رسالت‌های فرهنگی) می‌تواند در این زمینه تاثیرگذارتر باشد؛ (۴) مشارکت خواهان خواهد داشت هر گاه که فراگرد کار را بتوان جدا و باز کرد، بی‌آنکه برای جمع وجود کردن آن به فراگرد پر زحمت هماهنگی نیاز باشد که این امر تاکیدی بر زمینه‌سازی مشارکت زیست محیطی در مقیاس محلی و در سطح محلات شهری است.

(ب) جهت‌گیری در مشارکت زیست محیطی: شهروندان باید در جهت مساعد در فعالیتهای محیط

محله خود استفاده می‌کنند.

۲. از آنجایی که همواره مدیران شهری با تمامی تجربیات‌شان بر تمامی جوانب کارها اشراف و تسلط کامل ندارند، از این رو شهروندان و روسای سازمانهای مردم‌نهاد محلی که در رابطه با اجرای کار همکاری دارند، مطمئناً بهتر از مدیران شهری در رابطه با رضایت و منافع خود می‌توانند پیشنهادهای مناسب داشته باشند.

۳. با اجرای نظام پیشنهادات به عنوان یک فرآیند، هم شهروندان در سرنوشت خود و شهرشان شریک می‌شوند و هم با طرح هدف‌های عالی و بلند مدت برای اداره و تدبیر امور محلی باعث مدیریت زیست محیطی شهر شده و بهبود فرایندهای مشارکتی در زمینه محیط زیست را به دنبال دارد.

بر این اساس بهره‌گیری از عوامل نهادی زیر در زمینه مدیریت زیست محیطی شهر لازم بنظر می‌رسد:

«عوامل نهادی در مشارکت زیست محیطی»: شرایط اجرای مشارکت برحسب ویژگی‌های هر جامعه متنوعند، اما همه باید به سمت برنامه‌های واقعی زیست محیطی که مستلزم سیاست‌گزینی اساسی است، پیش روند. علاوه بر اراده سیاسی دولت در ارتقا میزان سطح زیست محیطی زندگی در شهرها، و ابزارهای قانونی و نهادهای مناسب اجتماعی (در زمینه محیط زیست) که مکمل فرآیندهای سنتی اداری باشند، شرایط دیگری نیز درباره شرکت‌کنندگان باید وجود داشته باشند. در مجموع؛ «مدیریت مشارکتی زیست محیطی» به سه اقتضا وابسته است: «ساختار، جهت‌گیری و فراگرد»؛ بدین معنی که هر گاه بنگاهی یا انجمن مردم‌نهاد محلی برخی ویژگی‌های هوادار را در قالب ساختار، جهت‌گیری مدیران و شهروندان، فراگرد مشارکت واقعی و فراگردهای تصمیم‌گیری باید به کار گرفته شوند، آشکار سازد، احتمال کامیابی فزونی خواهد یافت.

الف- ساختار: آشکارترین متغیر ساختاری اندازه



دولتی درباره آنها، این می‌تواند به خودی خود یک سد و مانع عمده به شمار آید. لذا همانند ساختار، جهت‌گیریهای شهروندان نیز نمی‌تواند به تنهایی کامیابی مدیریت مشارکتی در زمینه زیست بوم و حفظ و نگهداشت و پالایش آن را فراهم کند.

عوامل گرایشی مشارکت شهروندان در مدیریت زیست محیطی و بهره‌گیری از توانش‌های آنها، نیز عبارتند از:

علاوه بر بستر نهادی مناسب برای انجام کنش مشارکتی، وجود برخی گرایش‌ها نیز در افراد ضروری است. لذا، برنامه‌ریزی در جهت ایجاد عوامل گرایشی لازم برای تحقق مشارکت در مدیریت انکارناپذیر است. «پی‌آمد روانشناختی شهروندان» در مدیریت پشتیبان، ایجاد انگیزش و احساس «مشارکت» است که برای شهروندان فراهم می‌آید و آنان را به سمت مشارکت بیشتر سوق می‌دهد. بر این پایه می‌توان گفت که مشارکت یک درگیری ذهنی و

زیستی توجیه باشند؛ این نکته بدین حقیقت اشاره دارد که مشارکت تنها یک ابزار عقلانی نیست، بلکه یک فراگرد اجتماعی نیز هست. جهت‌گیریها و گرایشهای بسیاری وجود دارند که بر کامیابی مدیریت مشارکتی اثر می‌گذارند: «۱. پشتیبانی مدیریتی: مانند همه کوششهایی که برای دگرگونی سازمانی صورت می‌گیرد، مشارکت از نظر نوعی، نیاز به پشتیبانی مدیریت شهری بلندپایه دارد؛ ۲. سبک مدیریتی: سبک کار مدیران شهر در زمینه محیط زیست و بسترسازی در زمینه مشارکتهای زیستی، باید مشارکت‌جو باشد.

ج) فراگرد در مشارکت زیست محیطی: سومین دسته مقتضیات ضروری و بنیادی به خود فراگرد تصمیم‌گیری باز می‌گردد. گاهی نیازمندیهای آشکار فراگرد سازمانی، مانند سری بودن کار به طور کلی مشارکت در تصمیم‌گیری را از میان برمی‌دارد. با توجه به قانونهایی که درباره سری بودن کار به تصویب می‌رسد و حساسیت سازمانهای

عاطفی شهروندان در موقعیتهای گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در عین حال، در حیطه‌ی شناسایی عوامل گرایشی، صاحب‌نظران و محققان عوامل متعددی را بررسی کرده‌اند که نشان از تعدد این عوامل دارد، برخی متغیرهای مستقل موثر تشخیص داده شده در ایجاد حس مشارکت شهروندان عبارتند از: درآمد، تحصیلات، نژاد، شغل، جنسیت، سن، وضعیت تاهل، کسب پاداش و رضایت، مذهب و ایدئولوژی، استفاده از رسانه‌ها، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، سنت‌گرایی و سرنوشت‌گرایی، ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه‌ی پیشرفت.

منابع و کتاب‌شناسی

۱. اردشیری، مهیار، (۱۳۸۳) «تنگناهای ساختاری در نظام برنامه‌ریزی کشور»، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد ۳: نظام برنامه‌ریزی، انتشارات دانشگاه شیراز.
۲. اطهری، کمال (۱۳۸۶) «حاکمیت و ضرورت احیای حوزه عمومی، فصلنامه جستارهای شهرسازی»، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.
۳. اورانجی، مارک، (۱۳۸۷) «برنامه‌ریزی و چرخش پسامدرن: در کتاب آینده برنامه‌ریزی»، مترجم: عارف اقوامی، انتشارات آدرخش، تهران.
۴. آخوندی و دیگران، (۱۳۸۷) «آسیب‌شناسی مدل اداره شهر در ایران»، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۶۳.
۵. بادکوبی، ا. م. هادی پور و ش. پور ابراهیم (۱۳۷۹) ارزیابی وضعیت آگاهی آموزگاران مقطع دبستان شاغل در مناطق آموزش و پرورش شهر تهران. فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۳۳.
۶. بانک جهانی، (۱۳۷۹) «نقش دولت در جهان در حال تحول»، ترجمه مرکز پژوهشهای اقتصادی، تهران.
۷. برک‌پور، ناصر، (۱۳۸۱) «گذار از حکومت شهری

- به حاکمیت شهری در ایران»، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
۸. برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی، (۱۳۸۸) «مدیریت و حکمروایی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
 ۹. پولادی، ا.، (۱۳۸۹) طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعیه فرهنگ‌ی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری. مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.
 ۱۰. ترنر، مارک و دیوید هیوم، (۱۳۸۴) «حاکمیت، مدیریت و توسعه»، مترجم: عباس منوریان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و بازرگانی.
 ۱۱. تصدیقی، علی، (۱۳۸۳) «نظریه حاکمیت خوب، توانمندسازی دولت»، طرح پژوهشی حاکمیت خوب (۶)، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
 ۱۲. حناچی، سیمین و مسیحی، (۱۳۷۸) شهرسازی مشارکتی؛ مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸.
 ۱۳. دیکر، کارین و پونالد کمپن، (۱۳۸۵) «حکمرانی شهری در چهارچوب سیاستگذاری شهرهای بزرگ (اهداف و عملکردها در شهر دن‌هاگ هلند)»، مترجم: منیژه لاله‌پور، مجله شهرداریها، شماره ۷۵.
 ۱۴. رحمانی، ب.، (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تاکید بر نگرش اکوفمینیستی، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷.
 ۱۵. سرینیواس، ه.، (۱۳۸۰) محیط زیست شهری، سیاست‌گذاری و اقدام. ترجمه و تلخیص سیروس موسوی، تهران. شهرداریها. شماره ۳۲
 ۱۶. سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹) «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
 ۱۷. شریفیان‌ثانی، مریم، (۱۳۸۰) «مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.

۱۸. شفیع، حسن (۱۳۸۳) «دولت و شوراها در ایران، تحلیل جامعه‌شناختی وظایف انجمن شهر و شهرداری»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۶، آبان ۱۳۸۳.
۱۹. شکوئی، ح. (۱۳۷۳) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول. تهران. انتشارات سمت.
۲۰. عزیزی، م. (۱۳۸۰) توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهان. صغه. نشریه دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۳.
۲۱. عسکری، علی، کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۵) «شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه شهری کشور»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۵.
۲۲. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۰) «الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها»، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران ۱۳۸۰.
۲۳. فاینشتاین، سوزان و نورمن فاینشتاین، (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی شهری و ارزشهای سیاسی»، مترجم: ناصر برک‌پور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
۲۴. قلی‌پور، رحمت‌ا... (۱۳۸۳)، «تحلیل و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در ایران (با تأکید بر نقش دولت)»، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۷.
۲۵. کمانرودی کجوری، موسی، «ضرورت تحول در الگوی مدیریت توسعه محله‌ای شهر تهران»، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۵.
۲۶. کوزر، ل. (۱۳۷۹) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، انتشارات علمی.
۲۷. کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۳)، «تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. لاله‌پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۶.
۲۹. ماژرزاک، آن (۱۳۷۹) روش سیاست پژوهی، ترجمه هوشنگ نایبی، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۳۰. مبرقی، ن. (۱۳۷۵) بررسی تحلیل روند آموزش عالی محیط زیست در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست. دانشکده محیط زیست. دانشگاه تهران.
۳۱. محمدی، ا. (۱۳۸۲) بررسی وضعیت مواد زائد در شهر دهلران و رفتار شناسی و آلوده‌سازی محیط زیست. استاد راهنما مهران بهرامی. کارشناس محیط زیست، دانشکده جامع علمی کاربردی. سازمان حفاظت از محیط زیست.
۳۲. مرادی‌مسیحی، وراز، (۱۳۸۴)، «برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران»، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۳۳. مزینی، منوچهر، (۱۳۷۴)، «مدیریت شهری و روستایی: مشکلات و امکانات آن»، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن.
۳۴. مزینی، منوچهر، «بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران»، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، تهران ۱۳۷۸.
۳۵. معصومی اشکوری، سیدحسین (۱۳۸۳) «سلسله مراتب برنامه‌ریزی فضایی در کشور»، در گفتگو با جواد نیکنام، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۶، آبان ۱۳۸۳.
۳۶. موحد، م. (۱۳۸۲) مشاکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. مطالعات زنان. سال اول. شماره سوم.
۳۷. مهدیزاده و دیگران، (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی.
۳۸. مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰)، «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، مجله مدیریت شهری، شماره ۵.
۳۹. میردادمادی، م.، ع. باقری و س. اسماعیلی (۸۹۱۳)، بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران از حفاظت محیط زیست. علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوازدهم. شماره اول.

55. UNCHS, (2000), "The Global Campaign for Good Urban Governance", the journal of Environment & Urbanization, Vol. 12, No.1, INSTITUTIONAL PROFILE.

56. UNCHS, (2005), "Global Campaign on Urban Governance", Progress Report of the executive Director, wuf-progress-report.doc.

57. UNDP, (1997), "Governance for Sustainable Human Development", New York, pp. 5-2

58. UNDP, (2001), "Advancing Good Governance", www.adp.org

۴۰. هادی پور، م. و ر. شکروی (۱۳۸۳) بررسی میزان آگاهی و روش‌های بهینه آموزش زیست محیطی در زنان خانه دار. فصلنامه علمی سازمان حفاظت از

محیط زیست، ص ۲۱

41. Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), "Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna", Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 75-51.

42. Clark, Brian, D., (1981), "Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East", British library.

43. Counsell, Dave and Graham Haughton, (2006), "Advancing Together in Yorkshire and Humber" in book: territory, identity and spatial planning

44. Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), "Urban Future 21", spon press.

45. Healey, P., (2006), "Collaborative Planning", second edition, Palgrave macmillan.

46. Jain, A. K., (2003), "Actioning New Partnerships for Indian Cities", Cities, Vol.21, No.1, pp. 55-41.

47. Jonathan S., Davies, (2002), "The Governance of Urban Regeneration: A Critique of the Governance without Government", public Administrating, Vol. 80, No. 2.

48. Macleod, Gordon and Martin Jones, (2006), "Mapping the Geographies of UK Devolution", in book: Territory, hidentity, Spatial Planning, P. 339-336.

49. Mary Kauzya, john, (2003), "Local Governance Capacity Building for Rang Participation in Africa Countries", Discussion Paper Seris, No.33, Available at: www.cdt.iao.florence.it

50. Mc Gill, R., (1994), "Institution Development and the Notion of Sustainability", the International Journal of Public sector Management, Vol. 7-6, ABI, Inform Global, Pg.26, pp. 40-26.

51. Morphet, Janice, "Global Localism", in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.

52. Plerre.j-petters, G. (2000), "Governance, Politics and the State", Macmillanpress, London, P:2).

53. Rakodi, C., (2001), "Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries", Journal of JAG I Volume 3 - Issue 3.

54. UN ESCAP, "what Is Good Governance?", www.unescap.org.

تاثیر باورها و مراسم آیینی در پایداری و پویایی فضاهای شهری؛ مورد پژوهی: تعزیه در پایداری حسینیه‌ها و تکایا در ایران

مظفر پاسدار شیرازی* - کارشناس ارشد کارگردانی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علی رضا صادقی - هیات علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Impact on the stability and dynamics of beliefs and ritual spaces, of Tehran: Iran's quite the reliability Takaya

Abstract

Beliefs and ritual pervasive role in the transformation of urban spaces on the one hand, and their reliability and durability on the other hand, have had. If today we can influence the structure and configuration of beliefs and ritual observed. On the other hand, the mourning and quite over time in the context of cultural and physical structure existed as a cultural element is eternal and everlasting. In this paper, the reasons for the persistence of the Tkaya are quite historically paid. This study is a descriptive analysis of the "meta-analysis methods" and "instruments" for approval "content validation study" is used. The findings show that there is a spiritual sense of the sacred and especially the ideas in each area, and the complex biological environment of the neighborhood and the neighborhood villages and cities can help to "eternal" and the space environment and sustainable development of the place and is eternal. "Sense of place" to "settings" it depends. The relationship between the three levels of meaning as "syntactic meaning", "meaning of the concept" and "functional significance" can be outlined: (A) - "means the way" to the location of the Hosseine in the city such as grammar points. (B)- "conceptual level" means the norms, values and attitudes that are offering rooms, that can be the result of people's beliefs and convictions Shiite leader of the free world to the server and Imam Hussein. (C)- "functional significance" to the users of the Tkaya and exploit the people will. The sample can be any day of mourning in the mosque and the people associated with these spaces and reception.

Keywords: reliability, rooms and Tkaya, meaning syntactic, semantic and functional meaning, Taaziye and religious rituals.

چکیده

باورها و مراسم آیینی نقشی فراگیر در تحولات و تغییرات فضاهای شهری از یک طرف، و پایداری و ماندگاری آنها از سوی دیگر، داشته‌اند؛ چنانچه امروزه می‌توان تاثیرات باورها و مراسم آیینی را در ساختار و پیکره شهر مشاهده کرد. از سویی دیگر، مراسم عزاداری حسینی و تعزیه در طول زمان در بافتار فرهنگی و ساختار کالبدی ایران وجود داشته و به مثابه عنصری فرهنگی جاودان و ماندگار بوده است که ایام عزاداری حسینی تأکیدی بر این امر است. در مقاله حاضر به دلایل ماندگاری تعزیه و حسینیه‌ها در طول تاریخ پرداخته می‌شود. روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و از «روش فراتحلیل» و «تحلیل اسنادی» نیز برای تأیید و «اعتبارسنجی محتوای تحقیق» استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وجود معنای قدسی و بالاخص انگاره‌های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله‌ها تا روستاها و شهرها می‌تواند زمینه‌ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکانی ماندگار و جاودان گردد. «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه سه سطح از معنا را تحت عنوان «معنای نحوی»، «معنای مفهومی» و «معنای عملکردی» می‌توان برشمرد: الف- «معنای نحوی» به چگونگی قرارگیری حسینیه‌ها در محیط و شهر به مثابه دستور زبان نحوی اشاره دارد؛ ب- «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که حسینیه‌ها ارائه می‌کنند، اطلاق می‌شود که منتج از باورهای مردمی و اعتقادات شیعه به سرور و سالار آزادگان جهان امام حسین (ع) است؛ و ج- «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط حسینیه‌ها و تکایا و نوع بهره‌برداری مردم ربط پیدا می‌کند که نمونه آن را می‌توان هر سال در ایام عزاداری حسینی در حسینیه‌ها و خیل حضور و ارتباط مردم با این فضاها دریافت.

واژگان کلیدی: پایداری، حسینیه و تکایا، معنای نحوی، معنای مفهومی و عملکردی، تعزیه و آیین‌های دینی.

مقدمه

فرهنگ و باورهای هر قوم و حوزه سرزمینی در کالبد معماری و ساختار شهری بروز داشته است؛ چنانچه امروزه اگر در ترکیب سکونتگاهی انسان، برگزاری آیین‌های جمعی قواعد خاصی را به جا گذارد که از جهتی مستقل از تاثیر سایر عوامل محیطی باشد، در این صورت باید به «نظم آیینی» اشاره داشت؛ نظمی که مجموعه مفاهیم نمادین و حرکات آیینی بر شکل‌گیری فضای شهری آدر اینجا فضاهای حسینیه‌ها اعمال می‌کند. لازمه تحقیق در این رابطه شناخت عناصر و فضاهایی است که در برگزاری این آیین‌ها کارکرد دارند و از جهت دیگر، یافتن قواعد احتمالی است که این فضاها بر بافت مجاور و یا پیکره شهر بجا گذاشته‌اند. تحلیل فرآیند بیان از سیر از حضور تا ظهور در کالبد فضاهای شهری او منجمله حسینیه‌ها، به دو شیوه امکان دارد: «۱. اصل صورت‌پذیری و ۲. پایه‌های نمادین صورت‌دهی». اولی اصولی را شامل است که در صور متعدد وحدت بیانی را سبب می‌شود و دومی در عین حال که تابع اولی است شامل عناصر و یا عواملی می‌باشد که می‌توانند در بیان موثر واقع شوند. از سویی دیگر، بیان معماری خاصه معماری منبعث از ارزشهای دینی و قدسی، نیازمند زبانی خاص است که جلوه‌ای نمادین و معنایی به خود می‌گیرد، خاصه اگر منتسب به اندیشه‌های دینی و اسلامی باشد؛ چنانچه در اسلام، مهم‌ترین منابع ایده‌های عرفان‌شناختی قرآن و حدیث بوده‌اند و اصلی‌ترین عامل ماندگاری فضاهای شهری نیز میزان ارتباط و پیوستگی آنها با سطوح ارزشی معرفت‌شناختی جلوه‌گر شده است. ساختار و استخوان‌بندی شهر و پایایی و پویایی فضاهای شهری زمانی مناسب خواهد بود که به مدد آن شهر خوانا و با هویت باشد. با به هم پیوستن نمادها و نشانه‌ها از طریق استخوانبندی شهری، بر اهمیت و تاثیر آنها افزوده خواهد شد. سیما

متشخص نمادها و نشانه‌ها در ذهن ناظر ثبت شده و حاصل چنین مجموعه‌ای از شبکه نمادین شهر، برای شهر هویتی نمادین در پی خواهد داشت و بدین ترتیب قابلیت ادارک و تصور جامع از یک شهر وسیع، با خوانایی کامل هر یک از قسمت‌ها و در نهایت ادارک کل مجموعه شکل یافته مرتبط خواهد بود. معماری سنتی، تصویری است از کیهان یا انسان در بعد کیهانی اش و همواره در ارتباط و مانوس با کیهانشناسی. انسان (عالم صغیر) همچون کیهان (عالم کبیر) اصل الهی و حقیقت ماورایی را باز می‌تاباند. در واقع به همین دلیل است که جنبه‌های غیرمادی در زمان حال، تاثیری شگرف بر رفتارهای آدمی و نوع تعلقات و ارتباط او با محیط طبیعی و محیط زیستی دارد که خود را در مراسمات آیینی و مذهبی و حافظه و خاطره تاریخی - مذهبی یک قوم نشان می‌دهد که بی شک در رابطه با شکل‌گیری مکانهای مذهبی و مکانهای برآمده از حافظه تاریخی - دینی یک قوم نیز مشهود است؛ چنانچه حسینیه‌ها و تکایا از مهمترین مکانهای قابل ذکر در این رابطه بشمار می‌روند.

در مقاله حاضر به دلایل معرفت‌شناختی و تحلیل پایایی حسینیه‌ها در ایران با اشاره به مراسم آیینی و دینی تعزیه پرداخته شده است و تلاش شده است تا به اجمال به چرایی و چگونگی پویایی این مکانهای مذهبی اشاره گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر «توصیفی - تحلیلی» است که از ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر «مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی» بهره برده است. همچنین در مرحله تحلیلی و بیان یافته‌ها از «روش تحلیل منطقی» و مدل‌های نظری شهرسازی شامل مدل‌های نظری لنگ، و مونتگمری و موارد مشابه استفاده شده است. در پایان نیز هریک از مولفه‌های ماندگاری در قالب یکی از نظریات جامع در حوزه شهری به «پایایی مربوط به حسینیه‌ها»

جدول ۱. تعاریف و مفهوم شناختی فرهنگ؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس منابع مورد اشاره.

تایلور	کلیت هم‌تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی به عنوان عضو جامعه بدست می‌آورد (معینی، ۱۳۸۷، ص ۳).
هیلر	باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و روش‌های زندگی، رسم‌ها، سنت‌ها، و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۴۸).
مالینوسکی	فرهنگ به سادگی عبارت است از کلیت یکپارچه‌ای شامل وسایل و کالاهای مصرفی، ویژگی‌های اساسی گروه‌های اجتماعی گوناگون، و پیشه‌ها و باورها و رسم‌های بشری (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۴۹).
دورکیم	فرهنگ برخاسته از آگاهی جمعی است که دورکیم آن را به «مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک بین اعضای جامعه» تعریف می‌کند (بدیع، ۱۳۸۴، ص ۳۸).
کلیفورد گیرتز	مفهوم فرهنگ اساساً یک مفهوم سربسته است. گفته ماکس وبر را در نظر می‌گیریم که انسان حیوانی است گرفتار در تور عظیمی که خودش تنیده، من فرهنگ را آن تور و تحلیل آن را نه یک علم تجربی در جستجوی قانون، بلکه علمی تفسیری در جستجوی معنا می‌دانم.
تالکت پارسونز	پدیده فرهنگ را از یک طرف، محصول روابط اجتماعی متقابل و از طرف دیگر عامل تعیین کننده این روابط می‌داند. به پیروی از سنت مردم‌شناسان، پارسونز فرهنگ را آموزش و پرورش انتقالی و مشترک می‌داند (پژوهنده، ۱۳۹۰، ص ۸۵).
گی‌روشه	مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریح که به وسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و برای اینکه این افراد، گروهی معین و مشخص را تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه بهم پیوسته به نحوی - در عین حال عینی و سمبلیک - مراعات گردد (روح الامینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).
یانگ	فرهنگ، صورت‌های رفتار عادت‌ی مشترک در یک گروه، یک باهمستان، یا جامعه است و از عوامل مادی و غیرمادی ساخته شده است (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۶۳).
شومباردولو	فرهنگ دو جنبه دارد و بر روی هم ثابت و خواستار حفظ ارزش‌های مکتسب جامعه است و هم خلاق و نوپرداز فرهنگ به عنوان میراث فرهنگی، سلیقه‌ساز یعنی سرمشق و الگوی رفتار و سلوک است و به عنوان تغییردهنده سیر تحول و راهبر تغییرات است (ستاری، ۱۳۷۶، ص ۹۶).
آنتونی گیدنز	فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را دربر می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۷۶).
ادوارد. تی. هال	فرهنگ وسیله‌ای است که بشر جهت ادامه حیات خویش به آن تکامل بخشیده است. در زندگی ما هیچ چیز از تأثیرات فرهنگی عاری نیست. فرهنگ سنگ بنای تمدن است و وسیله‌ای است که همه حوادث زندگی باید از طریق آن جریان یابد (لاری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

فرهنگ و ایدئولوژی همان بازتاب‌های روابط طبقاتی هستند که محتوای آنها را عقاید و باورهای کسانی که قدرت را در دست دارند تعیین می‌کند. دلایل اثبات این موضوع این است که فرهنگ یکپارچه و یکدست است و نمی‌تواند به خودی خود تأثیری ایجاد کند (بیلینگتون، ۱۳۷۸، ص ۶۲).	مارکس
فرهنگ یک گروه مجموع و سازمان میراث‌های اجتماعی است که خیم نژادی و زندگی تاریخی گروه بدان معنای اجتماعی بخشیده است (آشوری، ۱۳۷۸، ص ۵۱).	پارک و برجس
مارکوزه فرهنگ را بعد عالی تری برای استقلال و به ثمر رسیدن انسان می‌داند. فرهنگ اصیل را به معنای تحقق اراده و استقلال فرد می‌داند (معینی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).	مارکوزه
فیلسوف آلمانی و پدر پدیدارشناسی، فرهنگ را «ترکیب ذهنیتهای متعالی» از تجربیاتی دانسته است که همه افراد بشر فهمیده‌اند.	ادموند هوسرل
هر فرهنگ را می‌توان همچون مجموعه‌ای از نظام‌های نمادی در نظر گرفت که در ردیف نخست آن‌ها زبان، مقررات زناشویی، روابط اقتصادی، هنر، علم و مذهب جای دارند. همه این نظام‌ها، بیان جنبه‌هایی از واقعیت فیزیکی و واقعیت اجتماعی، و از این هم بیشتر، بیان روابطی که این دو نوع واقعیت بین خود، و روابطی را که نظام‌های نمادین خود با یکدیگر برقرار کرده‌اند، هدف قرار می‌دهند (دنی کوش، ۱۳۸۸، ص ۷۶).	کلودلوی اشتراوس
هگل فرهنگ را زاده نیازها و ناهماهنگی می‌داند. فرهنگ تمامی وسایل توسعه شخصی، ایده‌ها و همین‌طور عوامل مادی مانند ثروت را در برمی‌گیرد (معینی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).	هگل
به نظر مارگارت مید «فرهنگ پذیرشی از مجموع رفتارها و اعمال موجود در یک جامعه است که اعضا و افراد آن با ضوابطی مشترک تمامی آن را به کودکان خود و قسمتی از آن را به مهاجرینی که به عضویت جامعه درمی‌آیند، منتقل می‌سازند (روح الامینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).	مارگارت مید

جدول ۲. انواع و مراتب شناخت معماری و فضاهای شهری؛ ماخذ: نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴.

انواع و مراتب آفرینشگری هنری	انواع و مراتب جهان بینی	انواع و مراتب شناخت
تخیل حسی	جهان احساسی (گیاهی)	احساس
تخیل وهمی	جهان انگاری (حیوانی)	خیال، وهم و گمان
تعقل حسی	جهان شناسی علمی یا فلسفی (انسانی)	علم، دانش و حکمت
تعقل شهودی	جهان شهودی (انسان و ملکوت)	شهود

تعمیم داده شده و مطالبی چند در این رابطه ارائه شده است. تأکیدهای خاصی که از کاربرد آنها نشأت گرفته است، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. «تعریف‌های تاریخی»: که تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه دارد.
 ۲. «تعریف‌های روان‌شناختی»: که تکیه بر الگو
- فرهنگ و باورهای شناختی فرهنگ
مبانی نظری
تعریفها [در رابطه با فرهنگ] را با توجه به

و روش تسهیل سازگاری با محیط و جامعه دارد. ۳. «تعریف‌های ساختاری»: که در آن تأکید بر ایجاد شده‌ها توسط اجتماع بشری را دارد.

۴. «تعریف‌های تشریحی»: تأکید بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را دارد. در ادامه در قالب جدول شماره ۱ تعاریف از فرهنگ اشاره شده است.

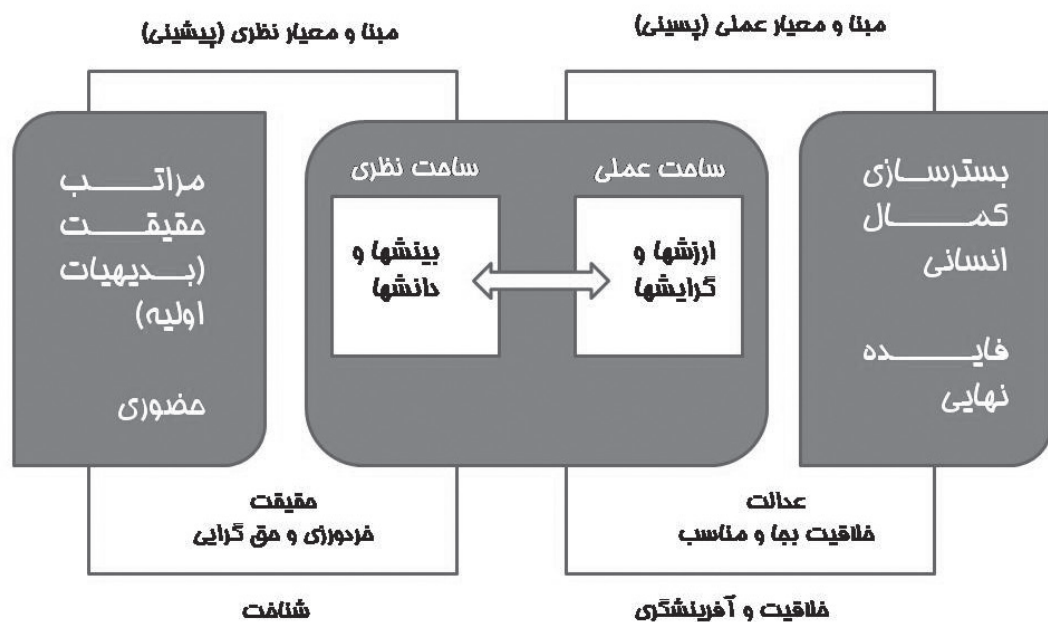
مراسم آیینی و آیین‌های جمعی

بنا به مستندات تاریخی و گزارش سفرنامه‌ها در شهرهای ایران از دیرباز آیین‌ها و مناسک جمعی مختلفی صورت می‌پذیرفته است. برخی از این آیین‌ها حتی تا اوایل قرن حاضر نیز به صور گوناگون اجرا می‌شده‌اند؛ از جمله صورتهای مختلف آیین طلب باران، آفتاب و باد؛ لیکن بدون شک هیچ‌کدام از آیین‌های جمعی مرسوم در ایران تداوم، انسجام و از جهتی یگانگی و عظمت‌های آیین‌های سوگواری برای امام سوم شیعیان را ندارد. این آیین که از جهتی بازنمایی یک رویداد مهم تاریخی است؛ از دیرباز باشکوه و تأثیر عظیم برگزار می‌شود. محققان بسیاری به

شبهات‌های بین این آیین و آیین‌های کهن در ایران باستان اشاره دارند (یارشاطر، ۱۳۶۷، ص ۴۲) و (عنصری، ۱۳۷۱، ص ۲۵) و (همایونی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۸).

از سویی دیگر، اسطوره‌شناسان، سابقه مناسک و آیین‌های جمعی را بسیار کهن می‌دانند و عموماً به ابعاد نمادین بسیار غنی آنها اشاره دارند. آیین‌های جمعی معمولاً شامل مجموعه به هم پیوسته‌ای از مراسم است که برگزارکنندگان آن با نمایش، حرکات تنظیم شده همراه با استفاده از شمایل و علامتهای خاص، شبیه‌سازی (گاهی همراه با موسیقی و کلام) در فضای مشخصی به اجرا می‌گذارند و یا طی آن فضاها و اماکن عموماً مقدسی را از طریق مسیرهای ثابت در پیکره سکونتگاه طی می‌کنند. این آیین‌ها ممکن است فصلی و مقارن با دوره‌های باروری گیاهان و یا سالیانه بوده، و یا رویداد تاریخی را بازسازی کنند (امین زاده، ۱۳۸۶، ص ۶).

به اعتقادی «رفتارهای مناسک‌آمیز (جشنها، اعیاد، سوگواری جمعی) ممکن است در ظاهر برای

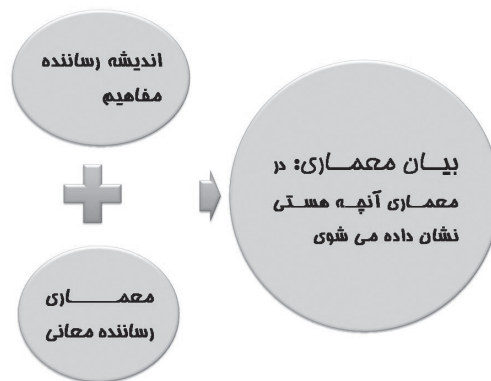


نمودار ۲. مبنا و معیار عملی (پسینی) و مبنا و معیار نظری (پیشینی) در ماهیت بروز حقیقت در معماری مذهبی؛

ماخذ: کوچکیان بر اساس نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴.

یک شیء باید آن را به اصلش باز گرداند. و این کار با تأویل امکان پذیر است. تأویل پلی میان ظاهر و باطن است. و برای رسیدن به تأویل به فلسفه نبوی و معرفت نیاز است. از این منظر ادراک معماری و اجزایش وسعتی دو جهانی می یابد. با وارد شدن به عالم عرفانی و شهودی سازندگان و عالم این جهانی آنها درک صحیح ساخته های آنها حاصل می شود. بنابراین شناخت زبان معنا و زبان رمز ضرورت خواهد داشت. «مهرداد بهار» با استناد به سخنان «الیاده» و مطالب گفته شده، می نویسد: «هدف مومنان از اجرای این مراسم پیوسته کوششی بوده است برای بازگشت به آغاز و دنبال کردن جریانی که ساخت و نظم هستی به وسیله آن پدیدار آمد تا مگر خود را در آن شرایط مقدس آغازین بیابد و خود بخشی از جهان قدسی گردند» (بهار، ۱۳۷۵، ص ۳۵).

از ابتدای تاریخ بشر، یکی از نخستین صورتهای نمایش که مورد توجه انسان قرار گرفت، نمایشهای تقلیدی و جادویی برای موفقیت در شکار یا ترغیب نیروهای غیبی جهت تنزیل باران و جشنهای باروری و کشاورزی بوده است، و تصاویر بدست آمده از غارها و اشیاء مکشوفه در اثر حفاریات و جالب تر از آنها گزارشات و مشاهدات از مراسم و آداب قبایل ابتدایی که تا عصر اخیر و شاید هنوز، در جزایر ملانزی و استرالیا و برخی در هند و آفریقا زندگی می کنند، شاهدی در این مورد می باشد. در واقع «نمایش تقلیدی» بهترین شیوه برای برانگیختن احساسات و تصویرسازی و بیان واقعیت است (سلطان زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲)؛ چنانچه در کتاب محاسن اصفهان نیز نام تعدادی دلچک آمده است. به غیر از تقلیدچیان، عده ای نیز بودند که به وسیله عروسک بازی نمایشهایی برای سرگرمی بینندگان ترتیب می دادند و ظاهراً اینکار در زمان سلجوقه در ایران معمول بوده است (جنتی عطایی، ۱۳۳۳، ص ۵۲). همچنین «بن خلدون» هم (قرن هشتم) در باب غنا به رقصانی



نمودار ۳. زمینه بین حقیقت اثر معماری از دیدگاه ندیمی ماخذ: کوچکیان بر اساس ندیمی، ۱۳۸۵.

مردمی که آنها را انجام می دهند چندان نفعی در بر نداشته باشد، اما در واقعیت امر، این مناسک می توانند کارکرد بنیادی تقویت و همبستگی گروهی را انجام دهند و به ادغام رفتار فردی و یک ساختار گروهی کمک کنند؛ در نتیجه اضطراب را کاهش دهند» (بیتس پلاک، ۱۹۹۰، ص ۱۹۰). «الیاده» در رابطه با مراسم آیینی و دینی چنین اشاره می کند: «اعمال دینی و آیینی این ویژگی را دارند که زمان حال را به زمان اساطیری پیوند می دهند، زمانی که ناظر واقعه ای بود هر قدر کهنه و دیرینه، چون با برگزاری آیین مورد نظر آن را یادآوری و تکرار می کنند؛ لذا حاضر می شود و اگر بتوان گفت (باز به نمایش در آمده) حضور می یابد. آلام مسیح و مرگ و رستاخیزش در مناسک هفته مقدس فقط تذکر داده نمی شود، بلکه برآستی در برابر دیدگاه مومن می گذرند و هر مسیحی راستین باید حس کند که معاصر وقایع تاریخ گذار است، زیرا زمان تجلی قداست با تکرار حضور می یابد» (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۸۲).

باید اشاره داشت که از منظر جهان بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می دهد. برای شناخت تمامیت

اشاره می‌کند که تمثالهایی از اسبانی چوبی و لباسهایی مخصوص را می‌پوشیدند و به وسیله آن تقلید اسب دوانی می‌کردند و در مهمانیها و عروسیها و جشنها با انواع کارها مردم را سرگرم می‌کردند (ابن خلدون، ۱۳۵۳، ص ۸۵۵).

در دستگاه خلافت بنی امیه و بنی عباس در کنار خوانندگان و نوازندگان مجالس لهو و لعب عده‌ای تقلیدچی و دلک نیز بودند که با نمایش های خود دیگران را سرگرم می‌کردند. اشعب از مشهورترین دلکان زمان بنی امیه و خلیع دمشقی و ابوالعبر از دلکهای دوره هارون و متوکل عباسی بودند. این دلکان از لباسهای گوناگون و مضحک استفاده می‌کردند و علاوه بر آن گاه در پوست حیواناتی مثل خرس و میمون می‌رفتند و از آنها تقلید می‌کردند (جرجی زیدان، ۲۵۳۶، ص ۱۰۱۴). در رابطه با مراسم مذهبی که جنبه ای تفریحی به خود می‌گرفت، مطلبی از «ابن اخوه» در کتاب «آیین شهرداری (معالم القره)» متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری در ضمن باب چهل و هشت در مورد حسبت بر واعظان، نوشته شده که هر چند بسیار مختصر و مبهم می‌باشد، با این وجود قابل توجه است. او پس از آنکه وظایف واعظان و شرایط وعظ را بیان می‌کند، از اجتماعات وعظی که برای تفریح برگزار می‌شود، شکایت می‌کند و چنین می‌گوید:

«البته اجتماعاتی بیهوده هم تشکیل می‌شود که مردم نه برای شنیدن پند و سود بردن در آنجا گرد می‌آیند بلکه این مجامع نوعی تفریح و سرگرمی است و کارهایی ناروا از قبیل فراهم آمدن زنان و دیدن یکدیگر در آنجا صورت می‌گیرد، اینها همه بدعت و گمراه کننده است و باید به سختی از این امور ممانعت شد» (ابن اخوه، ۱۳۶۰، ص ۱۸۲).

«کاشفی» درباره معرکه گیری نکاتی را از نظر جامعه شناسی بیان می‌کند. درجایی در مورد ویژگیها و خصوصیات معرکه گیر از ده صفت نام می‌برد که عبارت از «خوش برخورد و خندان

بودن»، «چالاک»، «چالاک»، «وقت شناسی»، درک و شناخت محیط خوب برای معرکه گیری، شرکت دادن حاضران در معرکه، یاد کردن پیران و بزرگان، صلوات دادن و عدم تعرض به کسی می‌باشد. «کاشفی» در مورد تقسیم بندی معرکه از نظر اخلاقی، آن را به دو نوع یکی مقبول و پسندیده و دیگری نامقبول و نامشروع، تقسیم می‌نماید و آن را از نظر حرفه ای به سه طایفه تقسیم می‌نماید: ۱- «اهل سخن» خود شامل سه طایفه اند که عبارت اند از: مداحان و غراخوانان و سقایان؛ خواص گویان و بساط اندازان؛ قصه خوانان و افسانه گویان.

۲- «اهل زور» را شامل هشت طایفه می‌داند که عبارتند از: کشتی گیران، سیگ گیران و ناوه کشان و سله کشان و خمالان و مغیر گیران و رسن بازان و زورگران.

۳- «اهل بازی» را به سه طایفه تقسیم می‌کند که عبارتند از: طاس بازان، لعبت بازان و حقه بازان و برای هر یک تعریفی آورده که نقل می‌شود. در مورد طاس بازی می‌گوید: در این کار چهار فعل است و هر یک معنی دارد. اول جبه پوشیدن، دویم چرخ زدن، سیم رخت (برداشتن) و پنهم کردن و چهارم باز آوردن و درباره لعبت بازی حکایتی را نقل می‌کند که گویای چگونگی لعبت بازی، عروسک بازی در آن هنگام می‌باشد. می‌گوید:

«عزیزی گفته است که روزی به هنگام لهوی حاضر شدم، شخصی را دیدم نشسته و چادری در سر کشیده و دو صورت در زیر چادر نگاه داشته، گاه به زبان یک صورت سؤال می‌کند، با آواز (مردی بالغ بلند آواز و باز خود) جواب گوید به زبان صورت دیگر به آواز، دختری خرد باریک آواز و (و باز) در یک حالت چنان سخن می‌گوید که سؤال و جواب ایشان به اختلاف اصوات هر دو از وی توان شنید و در اثنای سؤال و جواب حال مودی به خصومت شد و بر یکدیگر زدند و باز به صلح مشغول شدند و این همه قول و فعل

یک کس بود که در زیر آن چادر بازی می کرد» (سبزواری کاشفی، ۱۳۵۰، ص ۳۴۰).

تاریخ اجرای نخستین تعزیه و چگونگی آن هنوز مشخص نشده است. بنا به خبری تعزیه در زمان کریم خان زند برای اولین مرتبه به اجرا درآمد و درباره علت و انگیزه آن نوشته اند که در زمان او سفیری از فرنگ به ایران می آید و درباره تاترهای غم انگیز آنجا توصیفی برای کریم خان می کند و او نیز دستور می دهد که واقعه کربلا به صورت تعزیه برگزار شود (فلسفی، ۱۳۳۲، ص ۱۰). «حماسه سرایی و نقالی» هم از هنرهایی است که از زمان باستان در ایران سابقه داشته و حماسه های بسیاری از آن زمان تاکنون برجای مانده است و نه تنها در ایران بلکه در بین سایر اقوام نیز به صورت گوناگون رایج بوده است. این حماسه ها علاوه بر تحریک و تشویق جنگاوران و زورآزمایان در هنگام کار و نیز سرگرم ساختن مردم در وقت فراغت، کار حفظ و بازگو کردن تاریخ اساطیری را هم بر عهده داشتند. یکی از حماسه های قدیمی مذهب شیعه، خاوران نامه است که شامل شرح حال و داستانهایی از حضرت علی بن ابی طالب (ع) متعلق به مولانا محمد بن حسام الدین از شعرای قرن نهم متوفی با سال ۸۷۵ هجری است و یکی دیگر از این حماسه ها، منظومه ای ست به نام صاحبقران نامه که درباره «حمزه بن عبدالمطلب» عم پیامبر اکرم (ص) ملقب به سید الشهداء است که در سال ۱۰۷۳ هجری به نظم در آمده است و سراینده آن معلوم نیست (صفا، ۲۳۵۶م)، ص ۳۷۷).

همچنین نمایشهایی نیز به صورت ابتدایی در میدان شهر اجرا می شد، چنانکه شاردن اشاره می کند: «تفریحات میدان عبارتست از نمایشات شعبده بازان و بندبازان و مسخرگان و لودگان و کشتی گیری و مصارعت و نبرد قوچها و گاونرها» (شاردن، ۱۳۴۵، ص ۴۰۸) که این نمایشات به خصوص نمایشهای تقلیدی در زمان زندیه

روبه تکامل نهاد و نمایشاتی به نام بقال بازی و کچلک بازی که جنبه انتقادی و تفریحی داشت، معروف شد.

زمینه های نمایش تقلیدی در دوره صفویه نیز وجود داشته است، چنانکه قهوه خانه ها که در این عهد پدید آمدند و در آنها برنامه های نمایشی و رقص و آواز و شاهنامه خوانی و برخی بازی ها اجرا می شد (فلسفی، بی تا، ص ۲۵۸).

جالب توجه است که دکتر پرویز ممنون به کتابی بنام «تاریخ و جغرافیای امروز ایران» به زبان آلمانی که در سال ۱۷۳۹ انتشار یافته، دست یافته است که در آن از قول دو سیاح به نام سالامون انگلیسی و وان گوک هلندی شرحی درباره یک نوع نمایش مذهبی در روز عزا آمده است که در واقع نشان یک تعزیه سیار است. متن گزارش چنین است:

«به طرز خاصی زندگی او (امام حسین ع)، اعمال و جنگها و شهادتش، در روی عرابه هایی که به شکل صحنه تئاتر تزیین یافته است، قسمت به قسمت، به نمایش در می آید. آنهم به ویژه در مراسم عزاداری پر شکوه و پر تماشاگر، از این گذشته عرابه های زیادی دیده می شوند که در حرکتند و بر روی آنها افرادی با پرچم و آلات و ادوات جنگی در دست، قسمتی از اعمال حسین را به نمایش می گذارند.» (ممنون، بی تا، ص ۱۴). در زمان قاجاریه گزارشهای متعددی درباره چگونگی برگزاری مراسم تعزیه وجود دارد. سرهنگ «گاسپار دروویل» که در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ از ایران دیدن کرده و در این باره چنین می نویسد:

«در آنروز یکی از درباریان که ایفای نقش حسین بن علی به او واگذار شده بود با سوارانی به تعداد همراهان حسین (ع) به هنگام عزیمت به کوفه به میدان می آید. ناگهان عبید بن زیاد در راس چندین هزار سوار سر می رسد. حیرت من وقتی فزونتر شد که دیدم پس از پایان نمایش

از چهار هزار تن سوار که بدون رعایت نظم و احتیاط بجان هم افتاده بودند، حتی یک تن نیز زخمی نشده است. مراسم تعزیه در میان قبائل و طوائف مختلف با تغییرات کم و بیش زیادی انجام می‌گیرد ولی در هر حال اساس آن یکی است» (دروویل، ۱۳۴۸، ص ۱۵۹).

«اوژن فلاندن» نیز که در سال ۱۸۴۰ به ایران می‌آید، از تعزیه‌هایی سخن می‌گوید که در زیر چادرهایی بزرگ که در معابر عمومی و یا حیاط مساجد یا درون قصور بزرگ برگزار می‌شد. این تعزیه‌ها در روی تختی که در وسط فضای مورد نظر قرار می‌گرفت، انجام می‌شد. ضمناً او از نقش فردی به عنوان فرنگی که در اثر توجه و اعتقاد به حقانیت مبارزین، شفاعت آنان را نزد خلیفه اموی می‌کند و لباسی فرنگی پوشیده بود، نام می‌برد (فلاندن، ۱۳۵۶، ص ۱۱۷). همراه با این مراسم درباره مراسم در سالگرد قتل خلیفه دوم که جنبه نمایشی دارا بوده، توصیفات و خبرهایی نیز آمده است (ریچاردز، ۱۳۴۳، ص ۱۱۷) و (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۹۶).

پیشینه نمایش مذهبی در ایران

بسیاری از یافته‌های انسانی، به صورتی شهودی ادراک می‌شوند. این یافته‌ها که از ورای صورت ظاهری بدست می‌آیند، بیانی برتر از ماده را خواستارند. به همین سبب برای بیان بسیاری از یافته‌های انسانی، بیانی نمادین و رمزی لازم خواهد بود. هنگامی که ذهن مبادرت به کنکاش در یک نماد می‌کند به انگاره‌هایی فراسوی خرد دست می‌یابد، از آنجا که چیزهای بیشماری فراسوی حد ادراک انسان وجود دارد، پیوسته استفاده از عناصر رمزی و نمادین گریزناپذیر خواهد بود. طبعاً با توجه به اصول روانشناسی اجتماعی در مراحل مختلف تاریخ اقوام، موارد بیشماری حاکی از سوگ گروهی مردم و مراسم و آیینهای عزاداری و نمایشات تقلیدی وجود دارد؛ چنانکه در حماسه گیلگمش که متعلق به هزاره سوم پیش از

میلاد است، سخن از گزیه و زاری است که ظاهراً نشانه و اشاره‌ای از عزاداری برای «تموز» است یعنی خدای بهار و خرمی که هر پاییز از جهان رخت برمی‌بست. همچنین در کتاب «حزقیال نبی» به زنانی اشاره می‌شود که در دهانه خانه خداوند نشسته و برای تموز می‌گریستند (تورات، کتاب حزقیال نبی، باب ۸، فقره ۱۴).

واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش انگیزه‌ای قوی برای عزاداران و ابراز علاقه شیعیان به رهروان حق و بیزاری از خلفای ستمگر اموی و عباسی و دیگر حکام ظالم است. شدت این علاقه تا آنجا بود که لقب «سید الشهداء» از «حمزه» عموی پیامبر (ص) به «امام حسین» (ع) منتقل گشت و نه تنها به خاطر یادبود آن واقعه بلکه برای کسانی که به خاطر ادامه راه وی قیام نمودند، مراسم عزاداری برپا می‌کردند؛ چنانچه ابومسلم و مردم خراسانی برای یحیی بن یزید هفت روز عزاداری کردند و به خاطر بزرگداشت خاطره او پدرش در سال شهادتش هر چه پسر در خراسان به دنیا آمد، زید یا یحیی خوانده و نامگذاری می‌شد (مسعودی، ۲۵۳۶، ص ۲۱۶).

درباره تاریخ عزاداری و نمایش مذهبی در ایران تحقیقات چندی از سوی محققین انجام شده که مسایل و نکات بسیاری را معلوم نموده، اما با این وجود هنوز تا هنگامیکه بتوان خاستگاه و روند و عوامل انگیزاننده آن را به یقین نمایان ساخت، راه زیادی در پیش است. برخی از محققین پیشینه تاریخی آن را در ایران قدیم جستجو کرده و از سوگ سیاوش که بنا بر منابعی همچون «تاریخ بخارا» دارای سه هزار سال قدمت است، نام برده‌اند (مسکوب، ۱۳۵۰، ص ۸۸).

پس از این زمان، عزاداری و تعطیل فعالیت‌های اجتماعی در ایام محرم برای نخستین مرتبه در زمان آل بویه پدید آمد، آل بویه در ابتدا زیدی بودند که به وسیله «ناصر اطروش زیدی» در سال ۳۰۱ مسلمان شده بودند و ظاهراً علت اینکه

بعدها به تشیع گراییدند و با وجود قدرت کافی از الغای خلافت عباسی خودداری کردند، این بود که می خواستند از زیدیان که در آن هنگام پیشوایان مدعی قدرت داشتند، برکنار و مستقل باشند تا بتوانند قدرت را در دست داشته باشند. بیرونی در این باره می گوید معزالدوله یکی از بزرگان علوی را خواست و به او پیشنهاد کرد که حکومت را به او واگذار کند و خلیفه عباسی را از قدرت ساقط سازد، اما او دلایل چندی آورد و از اینکار امتناع ورزید (مصطفی الشیبی، بی تا، ص ۴۲). «عزالدین علی بن الایثیر» در این باره چنین می گوید:

«بحدیکه من آگاه شدم که معزالدوله با یکی از یاران خود مشورت کرد که خلافت را از بنی عباس سلب و با معزالدین الله علوی یا دیگری بیعت کند، تمام یاران او این کار را تصویب کردند، جز یکی از خواص دوستان که به او گفت: این کار درست نیست زیرا امروز تو با یک خلیفه کار می کنی که خود و اتباع به او معتقد نمی باشید و اگر فرمان قتل او را بدهی فوراً او را می کشند زیرا خون او را روا می دانند و اگر یکی از علویان را خلیفه کنی تو و یاران تو معتقد به صحت خلافت او می شوید که اگر او فرمان قتل ترا بدهد آنها اطاعت می کنند. معزالدوله از آن تصمیم منصرف شد و این یکی از بزرگترین علل ابقاء نام خلافت برای عباسیان و زوال فرمان آنها بود با اینکه آنها دنیا دوست و طالب استبداد و اقتدار بودند» (ابن اثیر، بی تا، ص ۱۷۰).

اما به هر حال از آنجا که معزالدوله از عباسیان بیزار و در باطن خود علوی و علاقمند به ائمه اطهار بود، در ماه محرم سال ۳۵۲ دستور داد که مردم مغازه ها را تعطیل کنند و لباس سیاه برای عزا بپوشند و زنان نیز موی را پریشان کنند و دور شهر بگردند و بر سر و سینه خود بزنند و در سوگ امام حسین (ع) گریه و زاری کنند (ابن اثیر، بی تا، ص ۲۶۱).

پس از او، عضدالدوله دیلمی پس از مدتی اقامت

در بغداد، به نجف اشرف می رود و بنای باشکوهی برای مقبره حضرت علی (ع) بنا می کند و گویند که او برای نخستین مرتبه در آنجا خیمه زد و در زیر آن مجلس عزاداری برپا کرد (مشکوه کرمانی، ۱۳۵۸، ص ۸۷۲).

پس از فوت عضدالدوله بر طبق وصیتش جسد او را به نجف منتقل و دفن نمودند و از این زمان به بعد انتقال و دفن کالبد مردگان به مراکز مهم مذهبی بتدریج رایج می شود و بزرگان و آنهایی که مکتب مالی داشتند به اینکار اقدام می نمایند (مظاهری، ۱۳۴۸، ص ۷۰). دولت‌های پس از آل بویه طرفدار مذاهب اهل سنت بودند و برخی از آنها حتی در عقیده خود تعصب می ورزیدند و به دیگر فرق و مذاهب آزادی انجام مراسم و آداب خویش را نمی دادند. بنابراین از آن هنگام تا دوره صفویه گزارش و خبری معروف که حاکی از برگزاری مراسم عزاداری باشد، دیده نمی شود. البته در دوران حکومت حکمرانان مغول گاه و بیگاه به علل مختلف قدرت و نفوذ شیعیان به آنجا می رسد که می توانستند از عقاید خویش دفاع و حتی آن را تبلیغ نمایند.

این وضع ادامه داشت تا آنکه در زمان سلطان حسین بایقرا تحولی مهم در تاریخ تشیع روی داد و آن نوشتن کتاب روضه الشهداء فی مقاتل اهل البیت به وسیله «کمال الدین حسین بن علی کاشفی واعظ» بود. او در بیهق سبزواری متولد و در همانجا درس خواند تا توانست مدارج عالی را طی کند و در زمینه ادب و شعر و نجوم و تصوف اطلاعات جامعی کسب نماید. او به خاطر صدای رسا و لحن غم‌انگیزی که داشت در کار وعظ شهرتی به هم رساند و در پی آن سبزواری ترک گفت و به نیشابور و سپس به پایتخت تیموریان یعنی هرات رفت. در آنجا به وسیله جامی وارد فرقه نقشبندیه شد و با خواهر او ازدواج کرد. شهرت و تبحر او در تدریس و وعظ چنان شد که همه اوقات خود را در دارالسیاده سلطانی و

مسجد امیر علیشیر و در مدرسه سلطانی و مزار خواجه ابوالولید احمد و دیگر جایها صرف اینکار بود. این کتاب مورد استقبال شیعیان در ایران قرار گرفت و واعظان آن را در مجالس وعظ می خواندند و شهرت و اقبال کتاب چندان شد که کسانی که آن را می خواندند به نام روضه خوان معروف گردیدند و از آن تاریخ تا امروز به هر کس که اشعاری در ذکر اهل بیت به ویژه امام حسین (ع) بخواند، او را «روضه خوان» می نامند. در ادامه تنها به مراسم آیینی مربوط به امام حسین (ع) و چگونگی شکل گیری عزاداری و نمایش مذهبی (تعزیه) در ایران بعد اسلام پرداخته می شود.

عزاداری در دوره صفویه

در فضای تکیه و حسینیه غالباً به همت اهالی هر محل مراسم مذهبی برگزار می شد. همچنین تعزیه خوانی، شبیه خوانی، پرده خوانی، سینه زنی و مراسم شترکشون در عید قربان در این فضاها رایج بوده است؛ اما جلوه این فضاها در ایام محرم و سوگواری امام حسین (ع) کم نظیر بوده است (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸). در «دوره صفویه» سیاحان بسیاری از ایران دیدن می کنند و سفرنامه هایی می نویسند که از مهمترین منابع تاریخ و فرهنگ این عصر محسوب می شود. در گزارش آنها به ماه محرم و عزاداری و روضه خوانی و نحوه سرایی و دسته سینه زنی، اشاره شده اما در هیچکدام از مراسم تعزیه و نمایش به صورت مشخص سخنی یافت نمی شود. اما نکته جالب آنست که بر اساس مطالب این سفرنامه ها سخن از همراه بودن شبیه چند تن از شهدای کربلا همراه با دسته های عزاداری می شود و یا اینکه اشاره می شود مردی با لباسهای خون آلود در تابوتی به نمایش گذارده می شود که سمبل یکی از شهدای کربلا می بود. این اشارات حکایت از آن دارد که در آغاز تنها چند شبیه همراه با دسته های عزاداری یا در مجالسی که روضه خوانده می شد، ظاهر می شدند و بتدریج تعداد اینان و نقشی که ایفا

می کردند رو به توسعه رفت تا اینکه در مرحله ای، بیان بخشی از مصائب و حوادث را خود شبیه ها به عهده می گرفتند. سپس طرفین جدال به صورت مکالمه با هم سخن می گفتند و همراه آن اشیایی به عنوان سمبل صحنه حادثه به نمایش گذاشته می شد، چنانکه یک درخت کوچک و یا مقداری شاخ و برگ نشانه نخلستان و مقداری آب نشانه رود آب می بود. این تطورات و تحولات ادامه یافت تا منجر به پیدایش تعزیه گردید. در ادامه به بررسی چند سفرنامه در این رابطه پرداخته می شود.

۱- «سفرنامه انگلبرت کمپفر»: در سال ۱۶۸۴ نیز یک سیاح آلمانی به نام کمپفر از مراسم عزاداری گزارش می دهد، او به خواننده شدن روزانه یکی از فصول ده گانه کتاب روضه الشهدا در دهه محرم و سینه زنی و نحوه خوانی در حلقه های دایره ای شکل و شبیه خون آلودی که در تابوت آه می کشید و همچنین به قمه زنی اشاره می کند (کمپفر، ۱۳۶۰، ص ۱۸۱).

۲- «سفرنامه اولیا چلبی»: اولیا چلبی از سیاحان عثمانی است که در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در زمان شاه صفی به ایران آمد. او مشاهدات خود را بسیار دقیق یادداشت کرده است که بخشی از سفرنامه او را آقای حاج حسین نخجوانی ترجمه و تلخیص کرده است. او که در تبریز در ماه محرم شاهد مراسم عزاداری بود، اشاره می کند که اعیان و اشراف و اهالی در میدان شهر خیمه برپا می کنند و در آنجا سه شبانه روز به عزاداری می پردازند و در دیگهای بزرگ غذا می پزند و به فقرا و دیگر عزاداران می دهند و خان تبریز در چادر منقش خود می نشیند و جمع اعیان و اشراف تبریز در این مجلس در حضور خان بوده و کتاب مقتل امام حسین (ع) را می خوانند؛ جمله محبان حسینی با کمال خضوع و خشوع نشسته و گوش فرا می دارند، خواننده کتاب وقتیکه به این مطلب رسید که شمر لعین حضرت امام حسین مظلوم (ع) را

چنین شهید کرد، همان ساعت از سر پرده شبیه شهدای روز عاشورا و شبیه اجساد کشتگان اولاد امام حسین (ع) را به میدان می آورند (چلبی، بی تا، بنقل از سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۶۶).

۳- «سفرنامه تاورنیه»: تاورنیه یکی دیگر از کسانی است که در همین دوره در سال ۱۶۶۷ و در زمان شاه صفی دوم ملقب به شاه سلیمان شاهد مراسم عزاداری در ماه محرم در کنار مقامات سلطنتی و دولتی بوده است (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۴۱۳). او توضیح می دهد که دوازده دسته سینه زنی از محلات مختلف شهر به میدان می آیند و کار ترتیب و نظم دادن به محل آنها به بیگلر بیگی منصوب شاه سلیمان بود. هر دسته یک عماری که هشت تا ده نفر آنها را حمل می کردند، داشت و در هر یک از آنها تابوتی گذاشته شده بود که دور آنها با پارچه زری پوشانده بودند. هر دسته ای چند مرتبه دور میدان در حال سینه زنی و نوحه خوانی می گشت و سپس نوبت دسته دیگر فرا می رسید. او اشاره می کند که در بعضی از عماریه‌ها طفلی شبیه نعش خوابیده بود، سپس اظهار می دارد که پنج فیل که روپوشی از زری داشتند با فیلبانان سوار بر آنها به میدان آمدند و ظاهراً تعظیم و کرنشی کردند و سپس مراسم با وعظی که حدود نیم ساعت به طول کشید، پایان یافت.

۴- «سفرنامه پیتر دولاوله»: پیتر دولاوله در سال ۱۶۱۸ میلادی شاهد مراسم عزاداری بوده است، او پس از توضیح در باره وعظ و عاظ مراسم سینه زنی حوادث روز دهم ماه محرم را چنین بیان می کند:

«پس از اینکه روز دهم ماه محرم یعنی روز قتل فرا رسید... از تمام اطراف و محلات اصفهان... دسته‌های بزرگی به راه می افتند که به همان نحو بیرق و علم با خود حمل می کنند و بر روی اسبهای آنان سلاح‌های مختلف و عمامه‌های متعدد قرار دارد و به علاوه چندین شتر نیز همراه دسته‌ها هستند که بر روی آنها جعبه‌هایی

حمل می شود که درون هر یک سه چهار بچه به علامت بچه‌های اسیر امام حسین (ع) شهید قرار دارند. علاوه بر آن، دسته‌ها هر یک به حمل تابوتهایی می پردازند که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی پیچیده شده است.» (دلاواله، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵).

عزاداری در دوره قاجار به

در دوره قاجاریه به عزاداری در ماههای محرم و صفر توجه بسیاری می شود، به خصوص که دستگاه حکومتی نیز در اینکار شرکت می جست و علاوه بر مردم عادی و معتقد که همواره اعتقاد و تمایلات باطنی خود به این امور می پرداختند، اعیان و اشراف هم برای چشم و همچشمی و گاه برای اینکه ثوابی هم برده باشند، مجالس باشکوهی برای روضه خوانی و عزاداری برپا می کردند و نهار و شام می دادند. روضه خوانی در دهه محرم از رونق زیادی برخوردار بود و از صبح تا شام برقرار بود. در زمینه روضه خوانی ابتکاراتی نیز بکار می رفت، چنانکه حاجی حسن شیرازی روش خاصی اتخاذ کرده بود به این ترتیب که ده پانزده نفر از پسر و نوه و نبیره‌های خود را همراه با یک بزرگتر که کار ناظمی داشت را زودتر به مجلس روضه خوانی می فرستاد و آنها اطراف منبر مستقر می شدند و هنگامی که او به مجلس می رسید آنها با هم شروع به نوحه خوانی می کردند و زمین را برای او آماده می ساختند و مجلس را شور و هیجان می بخشیدند و اینکار مدتی ادامه داشت تا او بالای منبر می رفت. از ویژگیهای مهم این عصر پیشرفت و اقبال تعزیه می باشد و از آنجا که ناصرالدین شاه در سفرهای خود به اروپا از تماشاخانه‌های آنجا بسیار دیدن می کرد و به برنامه‌های نمایشی علاقه زیاد داشت، در ایران نیز به اینکار توجه بسیار کرد. مستوفی در وصف این موضوع چنین می گوید: «ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می تراشید، در این کار هم سعی فراوانی بخرج داد و شبیه خوانی را وسیله

اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد و آن را به مقام صنعت رساند.» (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳).

اهمیت و عمومیت تعزیه در اواخر دوره قاجاریه به آنجا می‌رسد که به جرات می‌توان گفت همه محلات تهران دارای تکیه‌های خاص خود بودند. در نقشه‌ای که در سال ۱۲۷۵ ه.ق از تهران تهیه شده، سی و دو تکیه مشاهده می‌شود نام آنها چنین است: «تکیه رضا قلی خان، درب مدرسه، ابوالقاسم شیرازی، مسجد حوض، سرپولک، زرگرا، ملاقدیر، افشارها، علیخان، عباسعلی، پهلوان شریف، عودلاجان، آقا بهرام، عربها، حیاط شاهی، نوروز خان، سهرابخان، چهل تن، عربها، قاطرچی، خشتی، زنبورک، خدا آفرین، منوچهرخان، خلجها، افشارها، میران، درخونگاه، کرمانیها، قمیها، دباغ خانه و حاج رجبعلی.»

در استبداد، رفتار پادشاه برای رجال سرمشق است. شاهزاده و رجال هم به شاه تاسی می‌کردند و آنها هم تعزیه خوانی راه می‌انداختند، کم کم تکیه‌های سر محل که سابقاً تعزیه‌های عامیانه قدیمی خود را می‌خواندند، از حیث نسخه و تجمل به بزرگان تاسی جسته و هر یک به فراخور توانایی اهل محل بیش و کم تجمل و شکوه را در این عزاداری وارد کردند... همینکه اعیانیت در تعزیه وارد شد، نسخه‌های تعزیه اصلاح شده و پاره‌ای چیزها که هیچ مربوط به عزاداری نبود مانند تعزیه دره الصدف و تعزیه امیر تیمور و تعزیه حضرت یوسف و عروسی دختر قریش نیز در آن وارد گردید (مستوفی، ۱۳۴۱، ص ۲۸۸).

پیشینه فضاهای مذهبی در ایران

علی مدنی پور (۱۳۷۹، ص ۳۲) مکان را بخشی از فضا و دارای بار «ارزشی و معنایی» می‌داند و افشار نادری (۱۳۷۸، ص ۴) آن را نتیجه برهمکنش سه مولفه «رفتار انسانی، مفاهیم ارزشی و ویژگیهای فیزیکی»، تصور می‌کند که در رابطه با عاشورا به ترتیب عبارت از: «رفتار انسانی: سوگواری و مراسم

عزاداری، مفاهیم ارزشی: ارزش امامت حسین (ع) و خاندان پیامبر (ص) و ویژگیهای کالبدی: خصوصیات کالبدی تکیه‌ها و حسینیه‌ها» می‌شود.

فضاهای مذهبی دارای انواع و نمونه‌های گسترده‌ای هستند، لیکن تنها به دسته‌ای از فضاهای معماری مذهبی که از آنها تحت نام «حسینیه، تکیه و یا خانقاه» یاد می‌شود، اشاره می‌گردد. در این رابطه باید گفت که بخشی جدایی ناپذیر از کالبد فیزیکی اغلب شهرها و روستاهای کشور ما، فضاها و یا بناهایی به نام میدان، تکیه و حسینیه است که مراسم مذهبی و خصوصاً مراسم عزاداری ماه محرم مانند تعزیه، نوحه خوانی، روضه خوانی، سینه زنی و وعظ و خطابه و در برخی موارد مجالس ختم و سالگرد و همچنین شترکشون عید قربان در آنجا برگزار می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۲۵۸). در شهرهای قدیمی ایران تکیه، میدان و حسینیه فضاهای محصور بوده‌اند که در مسیر گذرهای اصلی شهر قرار داشته‌اند. این فضاها اغلب به صورت فضای عمومی، یعنی جزیی مهم از گذر اصلی یا به صورت فضای بسته، اما در ارتباط با گذر اصلی وجود داشته‌اند. در حلی که در اعیاد اسلامی و ایام سوگواری، خصوصاً محرم، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷). در ادامه به تعاریف برخی فضاهای مذهبی در رابطه با تعزیه و آیین‌های عزاداری حسینی اشاره می‌شود.

خانقاه و مراسم آیینی

در طی قرون بعد اصول تصوف در ابعاد نظری و عملی بتدریج تدوین گشت و فرق گوناگونی پدید آمد و صوفیان برای رسیدن به مرحله لقاء الله، برای خود راه‌هایی جستجو می‌کردند. تفاوت آنان با زاهدان در این بود که زاهدان به خاطر رفتن بهشت و دوری از گناهان و دوزخ، ترک امور دنیوی می‌کردند اما صوفیان هدفشان اتصال به خداوند بود. صوفیان برای رسیدن به هدف خویش

باید مراحل طی را طی نمایند و سالکان طریق پس از طی و عبور از «مقاماتی» به «احوالی» که ناشی از آن مقامات است، برسند. در تعریف مقام و حال بین عرفا تفاوت وجود دارد و حتی گاه مرحله‌ای را که یکی مقام دانسته، دیگری آن را حال پنداشته است. مقام از ثبوت برخوردار است و حال دچار تحول و دگرگونی است. طوسی مقامات را چنین دانسته، توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا، احوال را شامل مراقبت، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، طمانینه، مشاهده و یقین دانسته است. برای لفظ خانقاه دو معنی بیان شده، نخست آنکه آن را عربی شده «خانه‌گاه» و دوم آن را اصل «خوان‌گاه» به معنی محل سفره و سفره‌خانه و جایی که از غریبان و مسافران پذیرایی می‌شود، دانسته‌اند. به هرروی خانقاه محل اقامت، تزکیه، تعلیم و خلوت صوفیان و دراویش است. صوف به معنی پشم و جامه پشمی است و از آنجا که عرفای زاهد، پشمینه به تن می‌کردند، به صوفی ملقب گشتند. این کلمه برای نخستین مرتبه به «ابوهاشم کوفی» (متوفی به سال ۱۵۰ ه. ق) اطلاق شده که جامی در نفحات الانس، درباره او چنین می‌گوید: «پیش از وی بزرگان بوده‌اند در زهد و ورع و معاملت نیکو در طریق توکل و طریق محبت، لیکن اول کسی که وی را صوفی خواندند وی بود» (نیکلسون، ۱۳۵۷، ص ۴۴). محمود بن علی کاشانی اهل خانقاه را به دو طایفه تقسیم می‌کند (کاشانی، بی تا، ص ۱۵۵):

۱. «مقیمان»: مقیمان به سه طایفه‌اند؛ اهل خدمت، اهل صحبت و اهل خلوت. اهل خدمت مبتدیانی هستند که در آغاز راه قرار دارند و باید تحت تزکیه و تعلیم خود را برای شایستگی صحبت و مصاحبت با بزرگان آماده سازند و پس از طی آن برای خلوت آماده گردند. خلوت مرحله‌ای است که صوفی خود را از خلق جدا می‌کند تا بتواند اشتغال به حق یابد و چله نشینی یعنی چهل روز مراقبت از نفس و مجاهده در راه قرب به حق، تنها

بخشی از خلوت محسوب می‌شود و حفظ خلوت به صورت دیگر باید در طول عمر مداومت داشته باشد. کاشانی برای خلوت هفت شرط قائل شده که عبارت از، دوام وضو، دوام صوم، قلت طعام، قلت منام، قلت کلام، نفی خواطر و دوام عمل می‌باشد.

۲. «مسافران»: آنانی که به شهری وارد می‌شوند؛ یا خود صوفی هستند که در بسیاری از خانقاه‌ها جایی برای اینگونه مسافران در نظر گرفته می‌شود. اگر مسافر صوفی باشد، باید برای ورود به خانقاه و اقامت در آن اصولی را رعایت کند، منجمله در روز و تا هنگام عصر به خانقاه وارد شود و اگر در شب به شهری رسید، باید شب را در مسجد یا جایی اقامت و صبح روز بعد به خانقاه برود و در آنجا نیز آداب معمول را رعایت کند.

مقدسی صاحب کتاب «احسن التقاسیم» که در قرن چهارم هجری از مناطق وسیعی منجمله ایران دیدن کرده، خانقاه‌های بسیاری را مشاهده کرده و به ملاقات عده‌ی از متصوفه در شیراز اشاره می‌کند. همچنین هجویری در قرن پنجم هجری می‌گوید تنها در خراسان سیصد تن از بزرگان تصوف که هر یک مشربی داشتند، می‌زیستند (صفا، ۲۳۵۶، ص ۳۵). ابن بطوطه نیز در مصر از خانقاه‌هایی چنین یاد می‌کند:

«هر خانقاه، مخصوص گروهی از دراویش است و بیشتر دراویش از عجم می‌باشند که مردمی اهل ادب و در مسلک تصوف صاحب اطلاع هستند. هریک از خانقاه‌ها شیخی دارد و نگهبانی، و ترتیب کارهایشان عجیب است. این دراویش مجرد هستند و برای دریشان متاهل خانقاه‌های جداگانه است. دراویش مکلفند که در نمازهای پنجگانه حاضر شوند و شب را در خانقاه بیتوته کنند و اجتماعات آنان زیر قبله‌ای در داخل خانقاه منعقد می‌شود» (ابن بطوطه، ۱۳۵۹، ص ۳۰).

صوفیان نیز از صوفیانی بودند که بتدریج در طی چند سال قدرت و مکنتی کسب کردند و سپس

موفق به تشکیل حکومتی گردیدند اما همینکه به قدرت رسیدند بتدریج بنای مخالفت با صوفیان را گذاشتند و خانقاه‌های بیشماری را خراب کردند و کار را بر آنان سخت گرفتند و ضربه مهلکی بر این جریان وارد ساختند (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۲۵۳). با این وجود در همین عهد، سیاحان از تکایای بسیاری که محل درویشان بود یاد می‌کنند، منجمله کمپفر و در دوره بعد دروویل و هانری رنه از نمایشات و بازی‌ها و کارهای خارق العاده درویش یاد می‌کنند.

فضاهای خانقاه عموماً شامل این بخشها می‌باشد: «نخست تالار بزرگی که برای تجمع در مواقع ذکر یا سماع و یا صرف طعام به نام جماعت خانه و اطاقهای متعددی برای اقامت سالکان و خادمان و نیز حجره‌هایی برای پیر که در هر خانقاه تنها یک نفر چنین سمتی دارا می‌باشد و حجرات و زوایا و حتی فضاهای بسیار کوچکی به صورت حفره که تنها برای یک نفر به سختی گنجایش دارند، برای خلوت و چله نشینی و همچنین مطبخ و اطاقهایی برای مسافران» (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۰).

تکیه و مراسم آیینی

قدیمی‌ترین مدرک مکتوب در مورد ساختمان دائمی جهت مراسم سوگواری امام حسین و آنچه به تکیه شهرت دارد، مربوط است به کتیبه‌ای بنا به نوشته هانری ماسه، تاریخ ۱۲۰۲ قمری را دارد و در منزلگاهی در استرآباد موجود است. او این منزلگاه را خانقاه (تکیه) نامیده و لازم به ذکر است خانقاه‌ها که آنها نیز نوعی تکیه بشمار می‌رفتند، از زمانهای دور در ایران معمول بود و معمولاً صوفیان و درویش آنجا گردهم می‌آمدند (مجیدی خامنه، ۱۳۸۰، ص ۱۷). بهر حال گذشته از تعریف لغوی تکیه، از نظر عملکردی می‌توان در اصطلاح از دو تکیه نام برد که دومی لفظاً ماخوذ از اولی است. نخست در اصطلاح به خانقاه درویش تکیه گفته می‌شد، سپس در اواخر دوره

زندیه و اوایل قاجار، این نام برای محلهایی که در آن مراسم تعزیه برگزار می‌گردید، بکار رفت و به ویژه در تهران کلیه محلهایی که در روی نقشه تهران در سال ۱۲۷۵ ه.ق با نام تکیه مشخص شده‌اند، در آنها تعزیه به نمایش در می‌آمده است. برای تکیه دو تعریف لغوی شده است، یکی آنکه آن را کلمه‌ای عربی دانسته و به معنی محل یا موضعی که به آن پشت داده می‌شود و در اصطلاح به معنی خانقاه و محل برگزاری تعزیه می‌دانند. تعریف دیگر که از استاد محمد کریم پیرنیا است به معنی بنای بلند است (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲).

سیر تبدیل تکیه (خانقاه) به حسینیه

در دایره المعارف فارسی به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب ذیل واژه حسینیه به واژه تکیه ارجاع شده است. یعنی از نظر ایشان، حسینیه همان تکایای قدیمی بودند که بدون تغییر نام مراسم سوگواری امام حسین (ع) را کما فی السابق بر عهده گرفتند. همچنین در ذیل واژه «تکیه» آمده است:

۱- «محلی که در آن شرح مصائب حضرت امام حسین (ع) بصورت تعزیه یا روضه بیان شود. عبارت از فضای محصور است که در وسط آن سکویی گرد یا چهار گوش ساخته شده که کار صحنه نمایش را می‌کند و در اطرافش غرفه‌ها و طاقنماهایی است که رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند. بزرگترین و مجلل‌ترین تکیه در ایران، تکیه دولت بود که به امر ناصرالدین شاه قاجار بنا شد و در سال ۱۳۳۰ برای ساختن بنای جدیدی تخریب شد. به احتمال نزدیک به یقین پیدایش صحنه گرد در اروپا نتیجه مشاهده تکیه و تعزیه توسط اروپاییان در اواخر قرن ۱۹ بوده است.»

۲- تکیه را «حسینیه» نیز می‌نامند.

۳- لفظ تکیه گاه به «خانقاه» درویش هم اطلاق می‌شده است (مصاحب، ۱۳۸۰، ص ۶۶۱).

در تعریف حسینیة در لغت نامه چنین آمده است: «خانه‌ای که مخصوص اقامه عزای حسین بن علی بن ابیطالب باشد. مسافرخانه‌هایی که در شهرها مخصوص زائران حسین سازند و جنبه انتفاهی ندارد» (معین و شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۹۰۷۷). در فرهنگ فارسی معین نیز چنین آمده است: «تکیه‌ای که در آنجا مرثیه حسین بن علی را می‌خوانند و عزاداری کنند» (معین، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵۷).

در اینجا لازم است اشاره شود که «حسینیة» به محله‌هایی اطلاق می‌شده که تنها برای روضه خوانی و احتمالاً سینه زنی مورد استفاده قرار می‌گرفت و اکثراً به صورت منازل مسکونی بودند که تنها در هنگام عزاداری برای اینکار آماده می‌گشتند. در مورد وجه تمایز تکیه و حسینیة و عملکرد خاص هریک از این دو عنصر در شهر و محلات به دقت نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ زیرا در شهرهای ایران وضع متفاوت وجود داشته است. در سمنان دو فضای عمده شهری که در مسیر گذر بازار واقع شده‌اند و در روزهای سوگواری ایام محرم دستجات عزادار از دو محله هموزن شهر در آنها گرد می‌آیند، به تکیه شهرت دارند. در یزد دو میدان که فضاهای عمده شهر بوده‌اند، تکیه نام گرفته‌اند. حال آنکه در تفت و زواره میدانهای شهر که فضای اصلی شهر بوده‌اند، به حسینیة معروف شده‌اند (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

در تهران قدیم نام هیچ مرکز محله‌ای بر عکس برخی شهرهای جنوبی مثل اصفهان، کاشان و یزد، حسینیة نبوده است. البته در شهرهای نام برده به حسینیة‌های بسیاری که به صورت مرکز محله بوده‌اند برخورد می‌شود که در آنها تعزیه هم انجام می‌شده است. تبیین این موضوع چنین است که این مراکز در زمان صفویه به

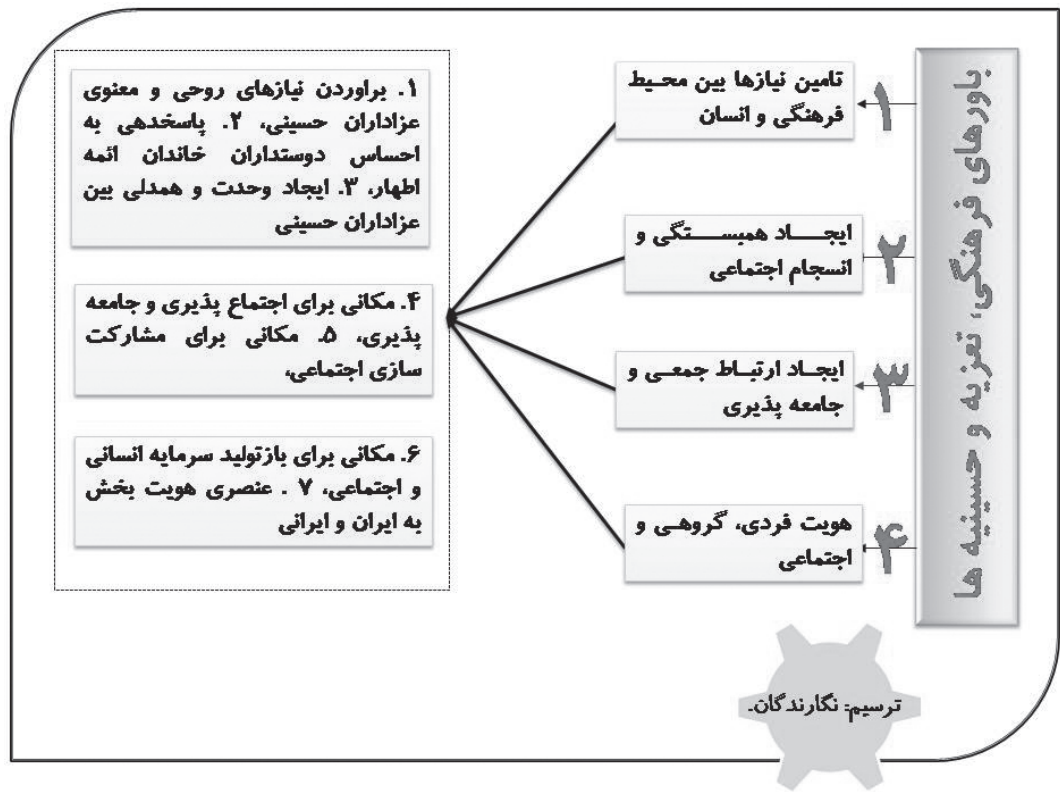
خاطر انجام مراسم عزاداری موسوم به حسینیة شده بودند و بعد در دوره بعد که بتدریج تعزیه و نمایش مذهبی پدید می‌آید. منطقیاً هیچ لزومی ندیدند که نام این مراکز را عوض کنند. در نتیجه در مراکز مزبور تعزیه نیز به نمایش گذاشته می‌شد. اما در دوره قاجار اگر فضایی را برای تعزیه می‌ساختند یا برای نخستین مرتبه در نظر می‌گرفتند، آن را تکیه می‌نامیدند. شایان ذکر است که در تهران قدیم فضاهای شهری و محله‌ای در مسیر گذرهای اصلی به تکیه مشهور شده‌اند، مانند تکیه رضا قلیخان در محله عودلان یا تکیه زنبورکخانه در مسیر گذرهای اصلی آرامنه در محله بازار. در کاشان نیز بیشتر فضاهای شهری و محله‌ای در مسیر گذرهای اصلی به میدان یا تکیه شهرت داشته‌اند، مانند تکیه گذر حاجی محله، میدان یا تکیه ولی سلطان، تکیه طاهر منصور، تکیه سرپره و غیره، اما در یزد چنین فضاهایی در مقیاس محلات بیشتر به حسینیة معروف شده‌اند، مانند حسینیة شاه ابوالقاسم، حسینیة کوشک نو، حسینیة مالمیر و غیره (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

اکثر تکایای ایران به صورت مرکز محله بودند و همواره در طول سال مورد استفاده واقع می‌شوند، تکایای معدودی نیز بویژه در شهرستانهای کوچک و برخی از روستاها در طی فصول عملکردی تقریباً نداشتند و تنها در هنگام عزاداری و دیگر مراسم جمعی رفت و روب می‌شدند. علاوه بر این نکته، تکایای ایران دارای صحنه‌ای گرد هستند که در نوع خود از این حیث در جهان بی‌نظیر است، به عکس ثقافت‌های یونانی که صحنه نمایش در آنها به صورت نیمدایره و در قرون بعد اصطلاحاً قاب عکسی است و تنها در نیم قرن اخیر در اروپا صحنه گرد بکار می‌رود. به همین جهت برخی

۱. مطالب این بخش از رساله دکتری خانم نوشین کریمی استخراج شده است که از راهنمایی دکتر فرح حبیب بهره برده است. (* مراسم عزاداری ابا عبد... الحسین که از مهمترین آیین‌های مذهبی است در قالب مقاله‌ای جداگانه تحت عنوان رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین‌های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای سنتی ایرانی در نشریه هنرهای زیبا در شماره ۳۹ سال ۱۳۸۸ ارائه گردیده است.

قاپ ۲. تأثیر تعزیه خوانی بر جسم و جان شهر: حبیب و دیگران، ۱۳۹۲.

تأثیر آیین بر جسم و کالبد شهر		تأثیر آیین بر روحیه و جان شهر				تأثیر آیین بر جامعه شهری	
عناصر متحرک	عناصر نیمه ثابت	عناصر ثابت	جمعی			فردی	
حرکت - دسته های نمایش با پرچم ها و وسایل و گذر از منزل به منزل دیگر	وجود تکایا و حسینیه های عزاداری موقت	تکایا، مساجد، حسینیه	آموزه های معنوی			آموزه های معنوی	
			عدالت خواهی هشدار و عبرت	ایستادگی در مقابل ظلم و ستم	ایشار و از خود گذشتگی	صبر و استقامت	تذکر دهی
			*	*	*	*	*
			*	*	*	*	*
			*	*	*	*	*
			*	*	*	*	*



نمودار ۴. پایایی حسینیه ها، تعزیه و فرهنگ جمعی؛ ماخذ: ترسیم: نگارندگان.

باشد، لیکن هر دو حماسه بر اصلی بنیادین نهاده شده است. خونی که بی گناه به زمین ریخته شده تا ابد خون خواهی می کند (بلوکباشی، ۱۳۸۰، ص ۷۴). و (نک: یار شاطر، ۱۳۶۷، ۱۳۲-۱۳۱) و (نک: آل احمد، ۱۳۴۴، ۷۱۳-۷۱۲) و (نک: مسکوب (الف)، ۱۳۵۷، ۸۲) و (نک: مسکوب (ب)، ۱۳۵۱، ۱۱) و (نک: عنایت، ۱۳۶۲، ۳۰۹) و (نک: فرامکین، ۱۳۷۲، ۱۲۴-۱۲۲).

مراسم تعزیه خوانی: تعزیه نمایشی تمثیلی است که در آن وقایع کربلا را نشان داده و مصائبی را که امام حسین و یاران و اهل بیت اشان متحمل گردیده اند به نمایش در می آورد (نک: ستایشگر، ۱۳۸۱، ۲۴۴-۲۲۶) و طی مراسمی خاص برخی از داستان های مربوط به واقعه کربلا را پیش چشم بینندگان باز آفرینی می کنند. در واقع ماهیت این مراسم گرمی داشتن یاد عزیزان از دست رفته است که با به نمایش درآوردن شهادت

بر این عقیده اند که صحنه گرد در اروپا با توجه به سیاحتنامه های اروپاییان از تعزیه ایران اقتباس شده است (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳).

«مراسم عزاداری ابا عبد... الحسین»^۱: با سیطره و گسترش اسلام در ایران و پذیرش مذهب تشییع توسط ایرانیان، دگرگونی عظیمی در عقاید و باورهای مردم پدید آمد. رفتارها و باورهایی را که مغایر با باورهای مذهبی بود کنار گذاشته و آنهایی را که مغایرتی با باورهای مذهبی مردم نداشتند در پیوند با باورهای دینی به حیات خود ادامه دادند. آیین سوگواری در مرگ سیاوش چون ریشه در ژرفای فرهنگ ایران داشت، زمینه ساز فرهنگ آیین های سوگواری شهیدان دین و برخی از آداب و رسوم در عزاداری های عاشورا شد. هر چند ساخت دو واقعه مرگ سیاوش و شهادت امام حسین با یکدیگر فرق دارند و هر یک از این دو حماسه واجد ویژگی ها و پیام های خاص خود می

مظلومانه امام حسین و یاران و اهل بیت اشان و به اسارت درآوردن کودکان و نوجوانان، نمایشی از ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و ستم و عدالت خواهی را نشان می دهند. تا هشدار و عبرتی برای بازماندگان باشد و نشان دهنده از صبر و استقامت بازماندگان در رویارویی با مصائب و مشکلات است.

بیان یافته های تحقیق

پایایی، فرهنگ جمعی و حسینی

حسینیها و تکایا به مثابه فرهنگ و عنصری فرهنگ ساز و هویت پرداز بشمار می روند. بر این اساس، شایان ذکر است که مبانی هویت ملی و شیعی، همبستگی اجتماعی و اجتماع پذیری شهروندی در ایام عاشورا و تاسوعا، همه و همه، می تواند نشانگر توجه بیشتر به نقش فرهنگ و فرهنگ سازی بشمار رود.

به عنوان شاهد اعتبارسنجی فرضیه «تاثیر فرهنگ جمعی بر پایایی حسینیها»، در زمینه «باورهای شیعی و اثر آن در ماندگاری حسینیها» در طول تاریخ، به مثابه جایگاه بروز و محل اجرای تعزیه و سوگ و نمایش عزاداری مولا حسین (ع)، «الیاس کانتی» برنده جایزه نوبل دیدگاه خود را این گونه بیان می کند:

«رنج و الم امام حسین (ع) یادآور و زنده داشت عاشورا اساس باور شیعی است، این سوگواری و عزاداری به زبان و گونه ای ایمان و باور مذهبی عروج کرده است که تکرار آن عظیم تر و اثرگذارتر از هر اثر برتر می باشد.» (کانتی، ۱۹۷۸، ص ۱۴۵).

پایایی، هویت نمادین و حسینی

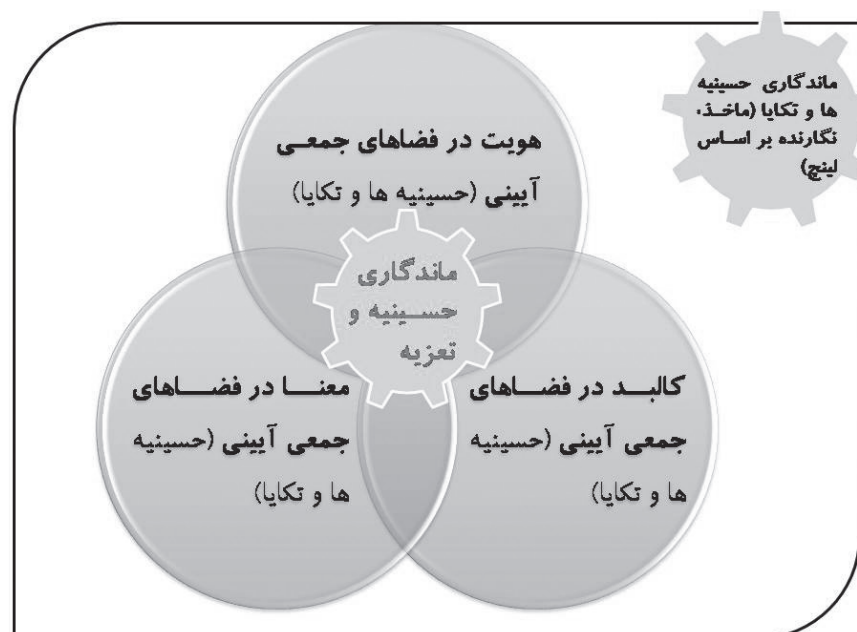
«هویت» یافتن یک فضا با «معانی نمادین» و تبدیل شدن آن به «مکان»، «احساس تعلق» مردم را به آن فضا و مکان افزایش می دهد. همچنین وجود معنا و انگاره های معنوی آن چون «ارزشها، اعتقادات، مراسم و آیین های دینی، روحانی و معنوی در هر بنا یا معماری یا مجتمع زیستی» می تواند انسان را با روح آمیخته با آن که دارای سرچشمه های ایزدی است آشنا

نماید، و موجبات پالایش ذهنی و روحی وی را سبب شود. علاوه بر این، بناهای حسینی و تکایا، پویایی معنوی و کالبدی خود را در طول زمان حفظ کرده و به ندرت متروکه و رها شده اند. این مظاهر هنر معنوی (بناهای کالبدی - فرهنگی) همگام با ورود جامعه جهانی به عصر «فرانوگرایی» و «اطلاعات و ارتباطات» اهمیت ویژه ای یافته اند، زیرا «انقلاب انفورماتیک» باعث کمرنگ شدن اقتصاد مادی و توسعه اقتصادی متکی بر تولیدات فرهنگی شده است. توجه به پدیده های کالبدی و بناهای میراثی و تاریخی بویژه شهرهای تاریخی به لحاظ تنوع کارکردها و منافع مادی و معنوی حاصل از آنها افزایش یافته و به دلیل سهم فراوانی که در تامین منافع ملی دارند در کانون توجه مسایل «اقتصاد فرهنگی» قرار گرفته اند. چشم اندازهای کلان کشور روشنایی بخش غلبه «اقتصاد فرهنگی» بر سایر جنبه های اقتصادی در تامین زندگی مردم است. در چارچوب همین بینش فکری، مساله «شهرهای تاریخی» و بناهای با کارکرد «فرهنگی - اجتماعی» موجود در شهرها اهمیت بسزایی یافته و کانون مطالعه و توجه نظریه پردازان «اقتصاد فرهنگی» و شهرپژوهان قرار گرفته است؛ زیرا حسینیها نقش عمده ای در تقویت همبستگی اجتماعی، توسعه فرهنگ اسلامی و رفع مشکلات دارند و زمینه تقویت «مسائل فرهنگی» را همگام با سایر جنبه ها، فراهم می آورند. از سویی دیگر، «انگاره های معنوی» می توانند «تصور ذهنی» به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از این رو، وجود معنای خاص و بالاخص انگاره های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله ها تا روستاها و شهرها می تواند زمینه ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکان گردد. در واقع معنا و انگاره های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و

همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تاکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می شود. به این ترتیب نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسانها و ارتقاء روحانی آنها خواهد شد. در این حالت فضا دارای زمان دیگری غیر از زمان حال می شود. تجربه فضا برای استفاده کننده دلپذیرتر و قدرت تاثیرگذاری فضا نیز تقویت می شود و به تبع آن مکان فرصت بروز می یابد و همچنین مجتمع زیستی مطلوب شکل می گیرد. همچنین در «تعریف ماندگاری»، «لینچ» چنین اشاره می کند: «ماندگاری عبارتست از میزان مقاومت عناصر یک مجتمع زیستی در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن فعالیت طی دوره ای طولانی» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴).

شهادت حضرت امام حسین (ع) در سال ۶۱ ه. ق در صحرای کربلا زمینه معنوی احداث «حسینیه ها»

را فراهم کرد. در ابتدای شکل گیری، «حسینیه به محلی اطلاق می شد که تنها برای روضه خوانی و احتمالا سینه زنی مورد استفاده قرار می گرفت. اکثر حسینیه ها منازل مسکونی بودند که تنها در هنگام عزاداری برای این کار آماده می شدند» (سلطان زاده، ۱۳۷۶، ص ۹۱). از نظر مفهوم و محتوا، نام مرکز اخیرالذکر (حسینیه) با الهام از واقعه کربلا انتخاب می شده و مراسم تعزیه در آنجا صورت می گرفته است. به تدریج، با نهادینه شدن مراسم تعزیه و روضه خوانی و عزاداری در ایام محرم و صفر و بویژه «تاسوعا و عاشورای حسینی» و به وجود آمدن حکومت شیعی صفویه در ایران، بر اهمیت و اعتبار حسینیه ها افزوده شد. از آن پس این بناها به صورت بناهای کالبدی مستقلی درآمدند و جزء عناصر شهرهای اسلامی قلمداد شدند. کم کم بر تنوع کارکرد حسینیه ها افزوده شد و علاوه بر اجرای مراسم مذهبی «فعالتهای نمایشی» نیز در حسینیه ها انجام گرفت. در دوره قاجاریه مجددا کارکرد حسینیه ها افزایش یافت. در این دوره فضای تعزیه را «تکیه» نامیدند و برای



نمودار ۵. پایایی، معنا، تعزیه و حسینیه؛ ماخذ: نگارندگان.

اولین بار «تکیه دولت» در زمان ناصرالدین شاه قاجار در سه طبقه ساخته شد.

پایایی، معنا و حسینیة

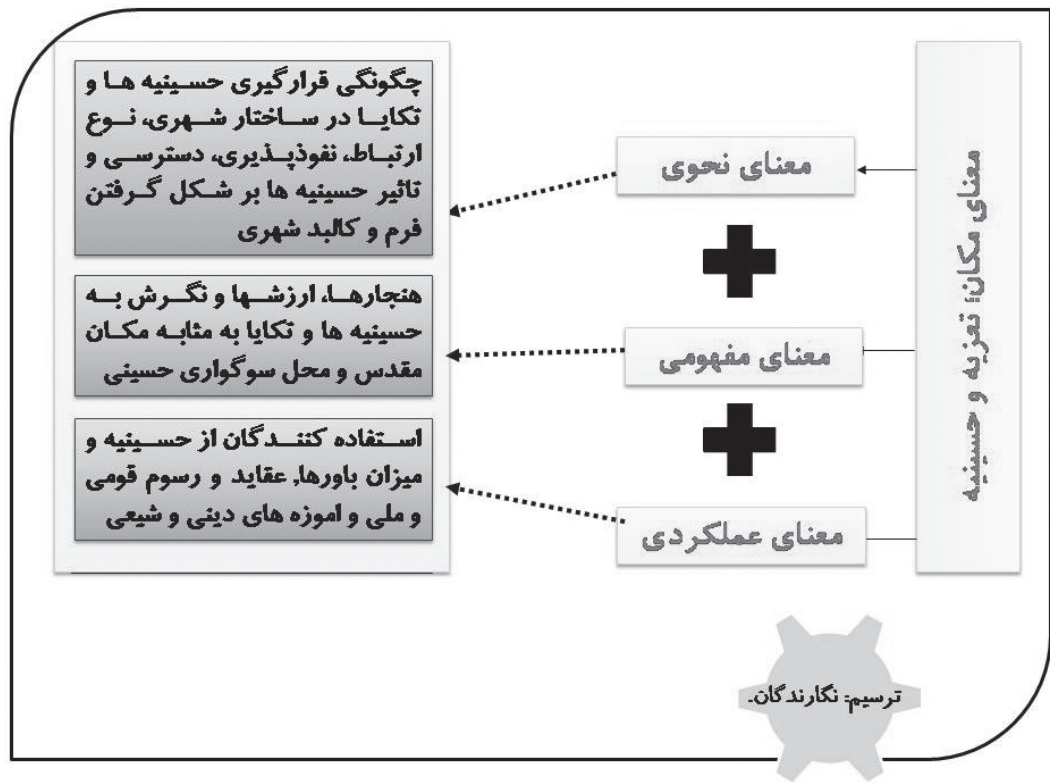
«پاکزاد» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴) در تعریف «معنا»، آن را همراه «فرم و عملکرد»، یکی از سه مولفه سازنده هر پدیده‌ای می‌داند و تسریع می‌کند که معنا، ارزش، مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده است. همچنین وی در تعریف حس معنا در یک محیط و فضا، آن را به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان می‌داند. این مولفه که ابتدا علم روانشناسی، در شاخه‌های متعدد خود مانند روانشناسی توپولوژی، روانشناسی گشتالت، محیط و رفتار، به آن اشاره داشت و سپس در علوم دیگری مانند نشانه‌شناسی، معنی‌شناسی و سیبرنتیک و علوم ارتباطات نیز گسترش یافت و امروزه به معماران و طراحان در شناخت بهتر و کاملتر کلیه جنبه‌های یک مجتمع زیستی کمک شایان توجهی می‌کند. «لینچ» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶-۱۹۲) در تعریفی ساده ولی کامل از معنی آن را «خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند فرد را به دیگر جنبه‌های زندگی ارتباط دهد». همچنین در کتاب «سیمای شهر»، «معنا» را همراه با «هویت» و «ساختار»، یکی از سه زمینه‌ای می‌داند که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط، قابل تحلیل و تبیین است و آن را اینگونه تعریف می‌کند: «معنا، سودمندی احساسی یا عملی محیط است» (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

«نیسر» در توضیح تعریف «معنا» می‌آورد: «در یک محیط معمولی، بیشتر اشیاء و پدیده‌هایی که درک می‌شوند، «بار معنایی» نیز دارند. در آنها امکانات مختلفی برای فعالیت وجود دارد. در آنها اشاراتی از وقایعی که اتفاق افتاده و یا ممکن است اتفاق بیفتد، نهفته است. آنها بطور پیوسته و منطقی جزئی از یک مجموعه بزرگتر بوده و دارای هویتی هستند که اهمیتی و رای خصوصیات

فیزیکی ساده شان دارند. این معانی «قابل درک» هستند و «ادراک» می‌شوند.

این ادراکات غالباً بسیار صریح و مستقیم به نظر می‌رسند چراکه ما بدون اینکه ظاهراً متوجه جزئیات فیزیکی بشویم، این معانی را درک می‌کنیم (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۳). همچنین «کاستلز»، معنا را «تجربه و خاطره‌ای برای مردم» می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲). در رابطه با سطح بندی معنا، «لنگ» (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱) در کتاب «آفرینش نظریه معماری» اشاره می‌کند: «دسته بندی‌های زیادی از معنا در معماری وجود دارد. تمام دسته بندیها بر این دلالت دارند که بعضی از معانی به استفاده ابزاری بالقوه محیط ربط دارند و بعضی معانی دیگر، به کیفیت‌های عاطفی که یک مشاهده گر یا استفاده کننده از محیط دریافت می‌کند. در مورد دوم ابهام بیشتری وجود دارد. چراکه واژگانی چون تصویر، نشانه و نماد که معرف این نوع از معانی هستند اغلب به جای هم استفاده می‌شوند.» همچنین «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه «چارلز موریس» سه سطح از معنا را تحت عنوان «معنای نحوی»، «معنای مفهومی» و «معنای عملکردی» نام برده است:

۱. «معنای نحوی» از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می‌شود؛
 ۲. «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که یک عنصر کالبدی ارائه می‌کند، اطلاق می‌شود؛
 ۳. «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط ربط می‌دهند (همان، ص ۲۳۱-۲۳۲).
- در ادامه در انطباق با نمودار مفروض چارلز موریس در رابطه با سطوح معنایی به بررسی آن به ساختار حسینیة ها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که حسینیة ها به واسطه سطح بالای معنایی، توانسته‌اند از ماندگاری برخوردار شوند.



نمودار ۶. معنای نحوی، مفهومی و عملکردی در پایایی حسینیه و تعزیه؛ ماخذ: نگارندگان.

دارای علائم و نشانه‌های خاص خود می‌باشند. از آنجا که حسینیه‌ها و تکایا، دسته‌ای از فضاهای جمعی در ساختار شهری بشمار می‌روند، بر این اساس نظریات و مدل‌هایی که در رابطه با «پایداری، ماندگاری و رابطه رفتار و باور انسانی» و شکل‌گیری آن فضاهای جمعی وجود دارند، می‌توانند در رابطه با حسینیه‌ها و تکایا بالاخص در شرایط حاضر و قرن اخیر مورد توجه و استفاده باشند؛ چنان که در رابطه با چرایی ساخت تکیه دولت به کمبود فضای تکیه قبلی و استقبال بی‌نظیر مردمی بالاخص زنان بر اساس باورمندی و عقاید زمان، اشاره شده است. در خصوص علل ساخت تکیه دولت در کتاب تاریخچه کاخ گلستان و ابنیه سلطنتی نوشته «یحیی ذکاء»، آمده است: «معتبرترین و وسیع‌ترین تکیه‌های تهران که تعزیه‌های دولتی در آن برگزار می‌شد، تکیه «حاج میرزا آغاسی» (تکیه دولت قدیم) بود که تکیه

در رابطه با معنای محیط حسینیه و نوع باور مردمی از آنها، «فرانکلین» در کتابش با نام «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» در فصل از بنگال تا شیراز، در مورد سینه‌زنی و سایر مراسم خاص محرم و نیز شیفتگی مردم به ائمه و معصومین سخن می‌راند و مشاهده خود از محرم ۱۱۶۶ هجری شمسی که در عهد زندیه است، را اینگونه کامل می‌کند:

«هر روز قسمتی از موقوف کربلا توسط افرادی که برای این منظور انتخاب شده‌اند، نمایش داده می‌شود. شمایل و نشانه‌هایی هم در دسته‌ها حمل می‌کنند که یکی از آنها نمایشی است به نام «آب فرات». دست‌های بچه‌ها و جوانان که عده‌ای به لباس سربازان ابن سعد و گروهی به قالب همراهان امام حسین (ع) درآمدند، در کوجه‌ها و خیابان‌ها می‌دوند و با هم نزاع نسبتاً شدیدی می‌کنند و هر یک از این گروه‌ها و دسته‌های

«عباس آباد» نیز نامیده می‌شد. استقبال شدید مردم به خصوص زنان از نمایش‌های مذهبی، همچنین تنگی و کوچکی فضای تکیه عباس آباد، لاجرم ازدحام و ناراحتی تولید می‌کرد و کار اجرای شبیه‌گردانی را مختل می‌ساخت و اقتضای زمان و اوضاع نیز تکیه بزرگ‌تر و وسیع‌تری را طالب بود، از این رو ناصرالدین شاه ضمن دادن دستور شروع بنای شمس‌العماره، امری نیز برای ایجاد تکیه بزرگی در داخل ارگ سلطنتی به دوستعلی خان معیرالممالک صادر کرد.»

مهمترین نکته در رابطه با تعمیم این نظریه به حسینیه‌ها به مثابه مکان نمایش‌های آیینی و تعزیه، توجه ویژه به «بعد روایی» مراسم تعزیه و سوگواری انجام گرفته در چنین فضاهایی است؛ در واقع منظور این است که «محتوای پیام» عاشورا و حوادث آن، باعث پاسخگویی به «نیازهای عاطفی و دینی» مردم می‌شود که در جریان نمایش تعزیه وجود می‌آید، چنان که می‌توان به نقل از «فرانکلین» در کتاب «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» در زمینه نمایش عروسی قاسم جوان پسر امام حسن (ع) با دختر عمویش که دختر امام حسین (ع) است، می‌باشد. وی می‌آورد: «پسر جوانی نقش عروس را با همه تزئینات یک عروس بازی می‌کند. این عروس همراه زنان خانواده که نوحه سرایی می‌کنند، احاطه شده است و با لحنی اندوهبار شعری راجع به سرنوشت دلخراش شوهرش که توسط بی‌دینان به وجود آمده است بازگو می‌کند. نمی‌توان دقایق جدا شدن آنها را فراموش کرد، وقتی که شوهر «حضرت قاسم» نامزد جوانش را ترک می‌کند تا به جنگ برود همسرش با او لطیف‌ترین وداع‌ها را می‌کند و کفنی به وی هدیه می‌کند و آن را دور گردنش می‌بندد. با نشان دادن این صحنه، تماشاچی‌ها به شدت متأثر می‌شوند و به شدت به شیون و زاری می‌پردازند و تمام کسانی را که در قتل عام خاندان پیامبر (ص) دخالت داشته

اند، به شدیدترین وجه مورد لعن قرار می‌دهند» (فرانکلین، ۱۳۵۸، ص ۷۲).

مدلهای پایایی و پویایی فضاهای جمعی (حسینیه و تکایا)

علاوه بر آنچه گفته شد، نظریه پردازان نیز مدل‌هایی برای طبقه‌بندی این کیفیات در رابطه با «ماندگاری و پایداری» یک فضای جمعی، ارائه کرده‌اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

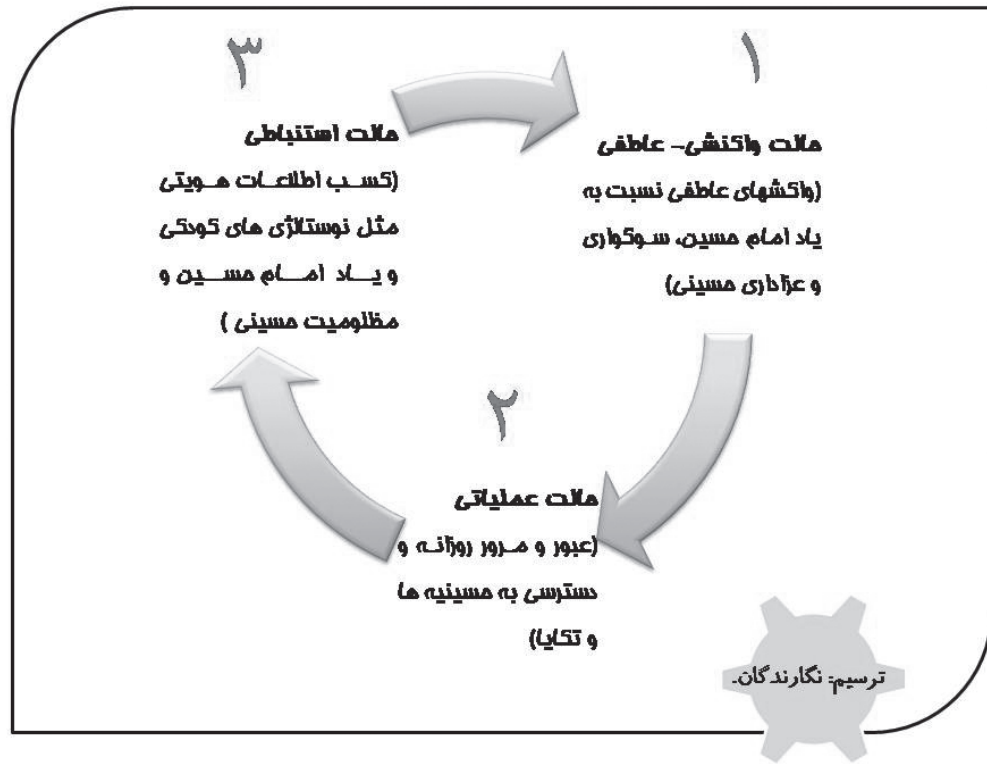
مدل اپلیارد؛ حالت‌های ادراک انسانی

بر اساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان سازمان‌دهی و طبقه‌بندی نمود. اپلیارد واکنش‌های ادراکی انسان در برابر محیط را به سه حالت زیر تفکیک می‌کند:

- ۱- «حالت واکنشی-عاطفی»، که در برگیرنده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان محرکی جهت برانگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می‌گردد.
- ۲- «حالت عملیاتی»، که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات و غیره به کار گرفته می‌شود.
- ۳- «حالت استنباطی»، که افراد برای حمایت از فعالیت‌های عملیاتی و واکنش‌های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن‌گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می‌گردد.

در رابطه با «مفهوم ماندگاری حسینیه‌ها و تکایا» با توجه به «مدل اپلیارد» می‌توان اشاره کرد که:

۱. در زمینه حالت عاطفی؛ همه ما احساس عاطفی خاصی نسبت به اولاد پیامبر (ص) و خاصه امام حسین (ع) داشته و داریم، چنان که ذکر آن به تفصیل در تاریخ از دگرگونی‌ها و تغییرات و استحاله رفتاری از راه گمشدگان و جاهلان، آمده



نمودار ۷. پایایی و پویایی حسینیه ها از دیدگاه اپلیارد؛ ماخذ: ترسیم: نگارندگان.

فضاها سرچشمه هایی غنی از «مواریث فرهنگی و ارزشی» و «کانون های هویت ساز فرهنگی و دینی» بوده اند؛ چنان که در هنگام قرارگیری در چنین فضاها، مجموعه ای از ارزشهای دینی و مذهبی، به فرد انتقال داده می شود. احساس نوشتارلیک دوران کودکی در هنگام قرارگیری در این فضاها، صحنه عاشورا و عزاداری مولا امام حسین (ع) همراه با خاطراتی که مادرانمان در این رابطه برای ما نقل کرده اند، همه و همه موید همین مساله یعنی حالت استنباطی حسینیه ها می باشد. در ادامه به نموداری در این رابطه اشاره شده است:

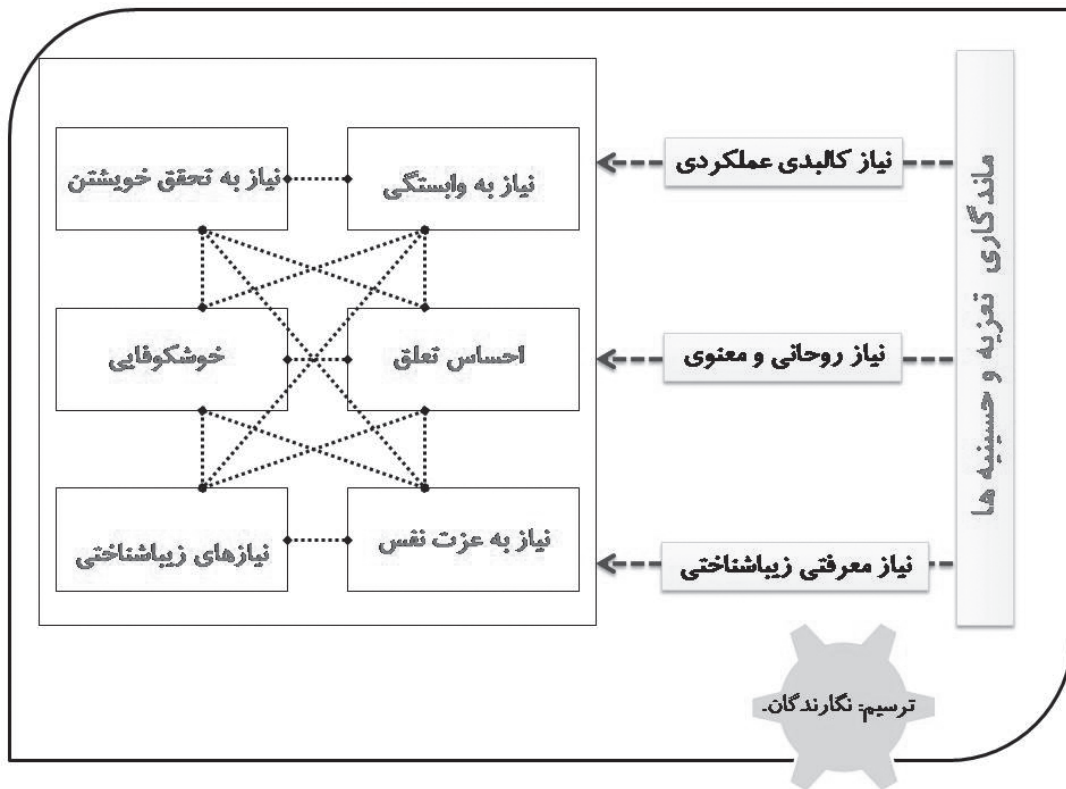
مدل نیازهای انسانی؛ مدل جان لنگ

این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. بر اساس این مدل می توان کیفیت محیط شهری را برحسب برآورده ساختن گونه های مختلف نیازهای انسان

است. برآستی آیا می توان منکر ارادت بی چون و چرای قوم و ملت ایرانی نسبت به سالار و سرور آزادگان جهان، گردید؟ در هر حال، نسبت به ارتباط عمیق قلبی و عاطفی با حادثه عاشورای حسینی در بین باورها و عقاید ایرانی، هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.

۲. در زمینه حالت عملیاتی؛ باید گفت که در گذشته و حال، این فضاها جزئی بلامنازع از ساختار شهری بوده و هستند که هر روزه مورد استفاده شهروندان و کاربران قرار می گیرند. این فضاها چه از لحاظ قرارگیری در محورهای مراسلاتی و حرکتی، و چه فضاها جمع شدن عمومی خاصه در دورانی که میدانها صحنه عزاداری و شبیه خوانی و تعزیه خوانی بوده اند، همواره محلی برای استفاده و کاربردهای چندمنظوره شهروندان بشمار می رفته اند.

۳. در زمینه حالت استنباطی؛ شکی نداریم که این



نمودار ۸. پایایی و پویایی حسینیه از دیدگاه لنگ؛ ماخذ: نگارندگان.

بر اساس مدل مزبور که به «مدل مکان» شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد درهم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می توان مؤلفه های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه هایی به موازات مؤلفه های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان پانتر می توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هریک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصوری» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰: ۶۵-۳۸). اگر چه پانتر مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مؤلفه های مکان در اندیشه های رلف در کتاب «مکان و بی مکانی» به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» در

یعنی: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی و امنیت، «نیاز به وابستگی» و «احساس تعلق»، «نیاز به عزت و اعتماد به نفس»، «نیاز به تحقق خویشتن» و «خوشکوفایی» و «نیازهای شناختی و زیباشناختی» طبقه بندی نمود. لذا لازم است تا محیط شهری نیازهای متفاوت انسانی را برآورده سازد. در رابطه با این مدل می توان به نمودار زیر درباره تاثیر حسینیه ها و برآوری نیازهای انسانی اشاره داشت. در واقع می توان گفت که هرچه بیشتر یک فضای شهری به نیازهای شهروندان پاسخگوتر باشد، امکان «ماندگاری» آن بیشتر خواهد بود.

مدل مؤلفه های مکان؛ مدل پانتر

مدل مشهور «دیوید پانتر»، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری را می توان یکی از چارچوب های نظری که قادر به تبیین مؤلفه های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود.

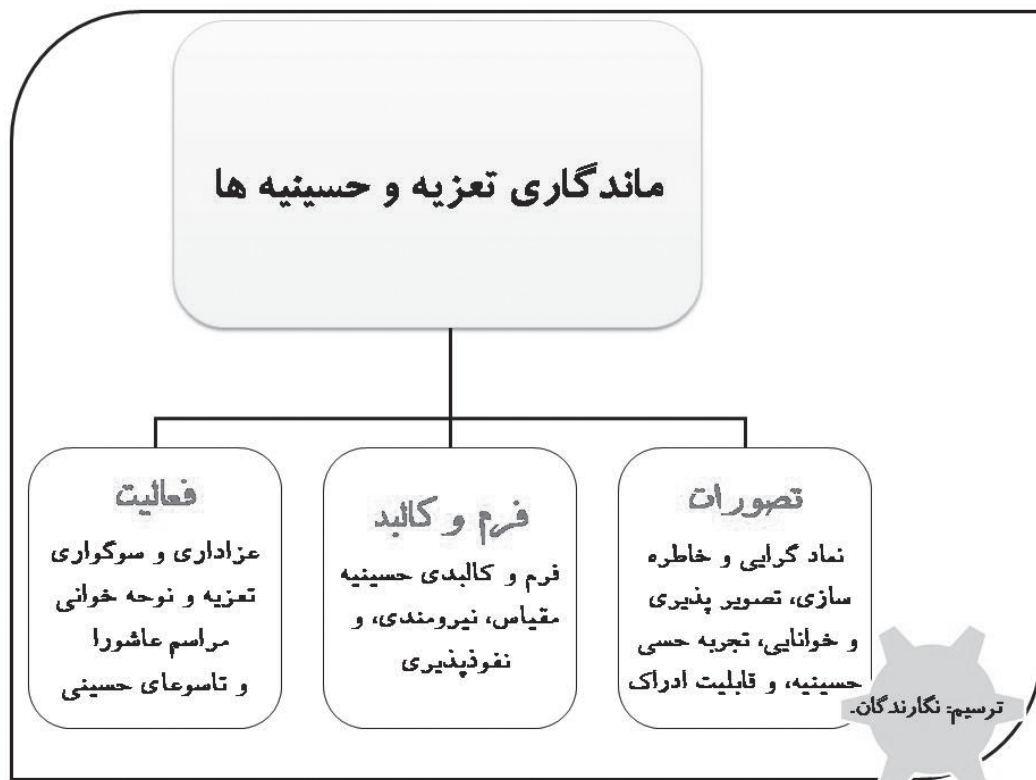
<p>فعالیت: کاربردی، حرکت پیاده، رفتار، الگوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه. کالبد: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذ پذیری، منظر، مبلمان. معنا: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی های کیفی.</p>	<p>مدل حس مکان رلف - پانتر</p>
<p>فعالیت: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره به چهره مردم، سنتها و سرگرمی های محلی، فرهنگ کافه نشینی، ساعت های باز، حرکت، و جاذبه ها. فرم یا کالبد: مقیاس، نیرومندی، نفوذپذیری، نشانه های شهری، نسبت فضا به ساختمان ها، دانه بندی عمودی، عرصه عمومی تصورات: نماد گرایی و خاطره، تصویر پذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن.</p>	<p>مدل مکان پانتر- مونتگمری</p>

نمایش های نمادینی هستند که از طریق آنها انسجام، همسان سازی تعلق تحت عنوان معنویتی واحد تقویت می شود. این رابطه می تواند بین فرد و جامعه، جامعه با طبیعت و فرد و جامعه با جهان قدسی باشد. از سویی دیگر، «هویت» یافتن یک فضا با «معانی نمادین» و تبدیل شدن آن به «مکان»، «احساس تعلق» مردم را به آن فضا و مکان افزایش می دهد. همچنین وجود معنا و انگاره های معنوی آن چون «ارزشها، اعتقادات، مراسم و آیین های دینی، روحانی و معنوی در هر بنا یا معماری یا مجتمع زیستی» می تواند انسان را با روح آمیخته با آن که دارای سرچشمه های ایزدی است آشنا نماید، و موجبات پالایش ذهنی و روحی وی را سبب شود. علاوه بر این، «انگاره های معنوی» می توانند «تصور ذهنی» به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از سوی دیگر، امام حسین (ع) سرور آزادگان جهان در میان اقوام این سرزمین نمونه بارزی از شهدات طلبی و جهاد در راه خدا و مظهر بارز امر به معروف و نهی از منکر می باشد که در باورها، اعتقادات و آداب و رسوم ایشان، جلوه ای خاص یافته است که

۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیت ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. «پانتر» در ۱۹۹۱ و «مونتگمری» در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می کنند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جمع بندی و نتیجه گیری

تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از تداوم جلوه های پرستش و دین گرایی در ساخت فضاهای مذهبی نشان داشته و دارد، چنانکه شکل گیری فضاهای مذهبی در ایران (از مسجد گرفته تا خانقاه و حسینیه) نشان از میزان باورمندی غنی ایرانی به مقوله مذهب و دین خاصه دین مبین اسلام در دوره اسلامی دارد. بر این اساس بوده است که هر نوع مراسم آیینی که از صبغه مذهبی هم برخوردار می شده است، تداوم و استمرار همیشگی در تاریخ ایران می یافته و خود را در صور کالبدی معماری و شهر، به منصف ظهور می رسانده است. زیربنای غنی فرهنگی و دینی ایران نیز خود موبد چنین ادعایی بوده و هست. آیین های جمعی



نمودار ۹. پایایی و ماندگاری حسینییه ها و تعزیه در تاریخ؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

اند و اصلی ترین دلیل در ماندگاری آنها در بستر تاریخ، عقاید شیعیان و حس ارادت آنها به خاندان امامت خاصه مولای آزادگان امام حسین (ع) بوده است. در رابطه با «مدل حس مکان رلف- پانتر» می توان گفت که سه مولفه «فعالیت، معنا و کالبد معماری» در حسینییه ها نقشی اساسی در تعامل سازنده با محیط خاصه انسان، داشته و بر همین اساس طبق این مدل حس مکان موجود در فضایی این چنینی است که توانسته است زمینه ماندگاری چنین فضاهایی را رقم بزند. همچنین در رابطه با «مدل مکان پانتر- مونتگمری» می توان گفت که مولفه های سه گانه «فعالیت، فرم و کالبد و تصورات» همواره تاثیرگذارترین جنبه های حسی مکان حسینییه ها و تکایا بوده است؛ چنان که نمی توان منکر تصورات و خاطره های شکل گرفته از این فضاها و مراسم سوگواری و عزاداری حسینی در اذهان عموم شد که خیل بیشمار آن

مرهون برخی از دوره های تاریخی این سرزمین خاصه دوران آل بویه و صفویه می باشد. در هر حال، تخصیص مکانی به مراسم عزاداری حسینی و مراسم تعزیه و سوگواری سالار شهیدان، باعث ایجاد و شکل گیری گونه ای از فضاهای مذهبی در ایران شده است که با نام «حسینییه» تسمیه یافته است. در رابطه با حسینییه و تاریخچه آن که به تفصیل در گفته ها و نوشته ها نقل گردید؛ چنانکه ریشه آن در خانقاه و بعدها تکیه است که بدلیل آنکه ایرانیان قدیم، دلیلی بر تغییر نام این فضاها ندیدند، مراسم سوگواری حسینی را در آنها برگزار کرده و بدون تغییر نام مورد بهره برداری قرار دادند؛ بنابراین در واقع حسینییه ها همان خانقاه ها و تکایای قدیم بوده اند که امروزه نیز باقی مانده اند و مورد استفاده قرار می گیرند. بر این اساس می توان گفت که حسینییه ها بر اساس باورها، آداب و رسوم مسلمانان شکل گرفته

به نقل افواه و فوج و فوج در ادبیات مکتوب و غیرمکتوب این سرزمین مورد اشاره قرار گرفته است. در هر حال، می توان بر اساس مدل فوق الذکر، به نمودار زیر در رابطه با ماندگاری حسینییه ها و تکایا اشاره داشت:

شاید بر اساس همین ماندگاری ذهنی مردم از حسینییه ها و قداست آنها در نظر عموم بوده است که رویه حاکم بر ساخت آنها نیز «جنبه ای مشارکتی» و «بنیادی مردمی» داشته؛ چنان که انسان احساس می کند که افراد با کمال میل در این راه گام می نهند. به دلیل ماهیت معنوی پیدایش حسینییه ها، افراد، گروهها، اصناف و دسته های مذهبی خیراندیش در بنیانگذاری و توسعه چنین فضاهایی پیشگام بوده اند. همیاری و کمک مردم به اشکال فردی و یا تشکلهای دینی در احداث، خریداری و وقف حسینییه ها و تدارک ملزومات آنها نقش بسزایی داشته است. بر این اساس می توان به نتایج زیر اشاره داشت: حسینییه ها به تدریج پس از شهادت امام حسین (ع) شکل گرفته اند. بنابراین منشا پیدایش آنها عامل مذهبی و معنوی بوده و شهرهای مذهبی نیز خاستگاه اصلی آنها می باشند. حسینییه ها در ابتدا صرفاً کارکرد مذهبی و عبادی داشته اند، ولی به تدریج هم بر تعداد و هم بر تنوع کارکرد آنها افزوده شده است. تا جایی که امروزه با اشغال بخشی از فضای شهری یکی از عناصر عمده مذهبی کالبدی شهرها به حساب می آیند. قداست حاکم بر حسینییه ها که ریشه در ماهیت معنوی آنها دارد، عاملی برای توجیه گسترده و تنوع کارکرد آنها اعم از آموزشی، عبادی، مذهبی و رفاهی است. حسینییه ها با توجه به محل سکونت واقفان، به دو دسته: محلی و خارج شهر تقسیم می شوند. حسینییه های برون شهری نقش های عبادی، مذهبی و اسکان موقت زائران را با هم ایفا می کنند، ولی حسینییه های محلی بیشتر در برگزاری مراسم مذهبی، عبادی، آموزشی،

مالی و اجتماعی فعال می باشند. حسینییه های برون شهری بیشتر در ایام خاص و فصول معین فعال هستند، در حالی که حسینییه های داخل شهر عمدتاً در طول سال فعالیت دارند. ساخت حسینییه ها معمولاً براساس مقررات وقف است، وقف، عاملی برای هدایت مفید سرمایه های خصوصی و مشاعی (دسته های مذهبی و اصناف) به سمت عمران شهرها است. در خصوص مشهد، حسینییه ها عامل جذب سرمایه های ملی و حتی بین المللی می باشند. سازگاری قوانین و مقررات مدنی و شهرسازی با قوانین معنوی وقف، ضرورت توسعه و جذب سرمایه های بین المللی و ملی است که نقش عمده ای در اشتغال زایی و توسعه شهری دارد. حسینییه ها به دلیل ماهیت مذهبی قوانین حاکم بر آنها که ریشه در وقف دارد، به همراه برخورداری نسبی از امکانات و حداقل فاصله با حرم مطهر حضرت رضا(ع) ماوایی برای طبقات متوسط و متوسط پایین می باشند. بنابراین تدارک امکانات و تسهیلات مختلف اعم از بانکی، معافیتهای مالیاتی و شهرسازی برای کاهش هزینه و تسریع فرآیند نوسازی کالبدی و تجهیز آنها ضرور است. از اینرو، وجود معنای خاص و بالادست انگاره های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله ها تا روستاها و شهرها می تواند زمینه ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکان گردد. «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه «چارلز موریس» سه سطح از معنا را تحت عنوان «معنای نحوی»، «معنای مفهومی» و «معنای عملکردی» نام برده است: الف- «معنای نحوی» از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می شود؛ ب- «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که یک عنصر کالبدی ارائه می کند، اطلاق می شود؛ و ج- «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط ربط می دهند. بر

این اساس مشاهده می شود که نوع فعالیتهای حاکم بر حسینیه ها و تکایا از نوع فعالیتهای اجتماعی بشمار می رود که همین مساله باعث ایجاد نوعی روحیه جمعی و عمومی در شکل گیری فضا و القاء حرکت های فراگیر مردمی می شود که نمونه بارز آن در حسینیه زنی ها، نوحه خوانی ها و مراسم روز تاسوعا و عاشورای حسینی خود را نشان می دهد. کاراکتر فضای حسینیه، نحوه قرارگیری حسینیه در ساختار کالبدی شهر، «نحو» دستور زبان ساختاری کالبد شهر، نحوه جهت یابی ساکنان شهری بر اساس مکان قرارگیری حسینیه و جهت یابی با آن، خوانایی و نمایانی این عنصر شهری و مهمتر از همه روح حاکم بر شخصیت فضایی آن است که بواسطه فعالیتهای جمعی صورت گرفته در آن معنا و اعتبار پیدا می کند. با نگاهی به تاریخ می توان دریافت که حسینیه ها همواره محل اصلی برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری امام حسین (ع) بوده و در عین حال، محل برای بروز و به منصفه حضور رسیدن موجودیت شیعی و باورها و عقاید دینی اسلام باشند؛ چنانچه پیشینه اعتبار و کاراکتر فضاهای حسینیه که نقش اصلی را در تبدیل آنها به مکان دارند؛ از طریق همین ارزش های دینی و باور های ایینی وابسته به شیعه بدست آمده است.

• در زمینه حالت عاطفی؛ همه ما احساس عاطفی خاصی نسبت به اولاد پیامبر (ص) و خاصه امام حسین (ع) داشته و داریم، چنان که ذکر آن به تفصیل در تاریخ از دگرگونی ها و تغییرات و استحاله رفتاری از راه گمشدگان و جاهلان، آمده است. برآستی آیا می توان منکر ارادت بی چون و چرای قوم و ملت ایرانی نسبت به سالار و سرور آزادگان جهان، گردید؟ در هر حال، نسبت به ارتباط عمیق قلبی و عاطفی با حادثه عاشورای حسینی در بین باورها و عقاید ایرانی، هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.

• در زمینه حالت عملیاتی؛ باید گفت که در گذشته

و حال، این فضاها جزئی بلامنازع از ساختار شهری بوده و هستند که هر روزه مورد استفاده شهروندان و کاربران قرار می گیرند. این فضاهای چه از لحاظ قرارگیری در محورهای مراسلاتی و حرکتی، و چه فضاهای جمع شدن عمومی خاصه در دورانی که میدانها صحنه عزاداری و شبیه خوانی و تعزیه خوانی بوده اند، همواره محلی برای استفاده و کاربردهای چندمنظوره شهروندان بشمار می رفته اند.

• در زمینه حالت استنباطی؛ شکی نداریم که این فضاها سرچشمه هایی غنی از «مواریث فرهنگی و ارزشی» و «کانون های هویت ساز فرهنگی و دینی» بوده اند؛ چنان که در هنگام قرارگیری در چنین فضایی، مجموعه ای از ارزشهای دینی و مذهبی، به فرد انتقال داده می شود. احساس نوشتالژیک دوران کودکی در هنگام قرارگیری در این فضاها، صحنه عاشورا و عزاداری مولا امام حسین (ع) همراه با خاطراتی که مادرانمان در این رابطه برای ما نقل کرده اند، همه و همه موید همین مساله یعنی حالت استنباطی حسینیه ها می باشد.

منابع و ماخذ

- ۱- ابن اثیر (بی تا) کامل، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات علمی.
- ۲- ابن اخوه (۱۳۶۰) آیین شهرداری (معالم القریه)، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- ابن خلدون (۱۳۵۳) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶.
- ۵- پوپ، آ. (۱۳۷۳) معماری ایران، ترجمه غلام حسین صدری افشار، تهران، انتشارات فرهنگان.
- ۶- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶) سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تجدید نظر حمید شیرانی،

- اصفهان، کتابفروشی تایید.
- ۷- تورات (۱۹۷۸) کتاب حزقیال نبی، بی.م، بی نا.
- ۸- توسلی، محمد (۱۳۷۹) حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها، در مجموعه مقالات «معماری ایران دوره اسلامی» به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- جعفریان، رسول (۱۳۸۶) تاملی در نهضت عاشورا، قم، مورخ.
- ۱۰- جین. سی، کوپر (۱۳۷۹) فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان، تهران، فرشاد.
- ۱۱- چلبی، اولیا (بی تا) سفرنامه، ترجمه و تلخیص حاج حسین نخجوانی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ۱۲- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸) سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ.
- ۱۳- دلاواله، پیترو (۱۳۴۸) سفرنامه، ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- رحمانی، جبار (۱۳۸۵) لزوم مطالعات اسطوره شناختی در ایران شیعی: اسطوره شناسی ایرانی شیعی، در مجله فصلنامه انسان شناسی، شماره ۴، تابستان و پائیز ۱۳۸۵ صص ۲۱۵.
- ۱۵- ریچاردز، فرد (۱۳۴۳) سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- زیدان، جرجی (۲۵۳۶) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۷- سبزواری، کاشفی (۱۳۵۰) فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۹- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۴) مقدمه‌ای بر تصوف، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۲۰- صفا، ذبیح‌الله (۲۳۵۶) تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، امیر کبیر.
- ۲۱- طالبی، غلامرضا (۱۳۷۸) درآمدی بر ریخت‌شناسی شهر اسلامی، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال اول، شماره اول.
- ۲۲- عطایی، جنتی (۱۳۳۳) بنیاد نمایش در ایران، تهران، نشر ابن سینا.
- ۲۳- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶) سفرنامه فلاندن، ترجمه حسینی نور صادقی، تهران، اشراقی.
- ۲۴- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲) زندگی شاه عباس اول، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۵- فلسفی، نصرالله (بی تا) تاریخ قهوه و قهوه خانه در ایران، تهران، سخن.
- ۲۶- قبادیان، وحید (۱۳۸۲) بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران با همکاری مرکز بهینه‌سازی مصرف سوخت، چاپ دوم.
- ۲۷- کارل گوستاو، یونگ (۱۳۷۷) انسان و سمبول هایش، محمود سلطانی، تهران، جامی.
- ۲۸- کاشانی، عز‌الدین محمود بن علی (بی تا) مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، تهران، سینایی.
- ۲۹- کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳) سیر شهرنشینی در خاور میانه، ترجمه پرویز پران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران.
- ۳۰- کرمانی، احمد (۱۳۵۸) تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر مشکوه.
- ۳۱- کریمی صالح، محمد جعفر (۱۳۸۶) نقش پیامبر اسلام در شکل‌گیری شهر دینی و سیر تحول آن، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۸۵.
- ۳۲- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، نشر خوارزمی.
- ۳۳- لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳۴- مجیدی خامنه، فریده (۱۳۸۰) تکیه دولت؛ خاستگاه احیای تعزیه، گلستان قرآن، شماره ۶۰.
- ۳۵- مددپور، محمد (۱۳۸۱) حکمت معنوی وساحت هنر، تهران، نشر فرهنگی منادی تربیت.

- ۳۶- مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.
- ۳۷- مرکز تاریخ جهانی معماری (۱۳۸۷) تاریخچه معماری جهان، ترجمه: نامشخص، نشریه پیام مهندس، سال دهم، شماره ۴۶.
- ۳۸- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱) شرح زندگانی من، تهران، زوار.
- ۳۹- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۲۵۳۶) مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴۰- مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۰) سوگ سیاوش، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۴۱- مشکوتی، نصرت الله (۱۳۴۹) فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- ۴۲- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) دایره المعارف فارسی (ج ۲)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی .
- ۴۳- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم، صدرا.
- ۴۴- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) اهتزاز روح، تهران، نشر حوزه هنری.
- ۴۵- مظاهری، علی (۱۳۴۸) زندگی روزانه مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، تهران، نشر سپهر.
- ۴۶- معین، محمد (۱۳۷۸) فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر (چاپ دوم).
- ۴۷- معین، محمد و سید جعفر شهیدی (۱۳۷۷) لغت نامه (ج ۶)، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری موسسه لغت نامه دهخدا.
- ۴۸- ممنون، پرویز (بی تا) نخستین تعزیه‌ها در ایران، رودکی.
- ۴۹- موریس، جیمز (۱۳۸۴) تاریخ شکل شهر: تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- ۵۰- نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ۵۱- نصر، سیدحسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.
- ۵۲- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) تاملی در مبانی و جلوه‌های عدالت در آرمانشهر علی (ع)، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۸۵.
- ۵۳- نیکلسون، رینولد (۱۳۵۷) پیدایش و سیر تصوف، ترجمه محمد باقر معین، تهران، توس.
- ۵۴- هیلن براند، روبرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.
- ۵۵- الیاده، میرچا (۱۳۷۲) تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
- ۵۶- الیاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصر... زنگوئی، تهران، سروش.

ساختار و پیکره شهر در شعر معاصر

صدیقه سلیمانی* - استادیار دانشگاه پیام نور واحد گرمسار، سمنان، ایران.
یوسف عالی عباس آباد - استادیار دانشگاه پیام نور واحد سمنان، سمنان، ایران.

چکیده

موضوع مقاله ساختار و پیکره شهر در شعر معاصر است. پژوهش در پی جواب دادن به این سؤال است که شهر در اندیشه شاعران معاصر چه کارکردی دارد. در واقع مساله این است که در تدوین و سرایش شعر در دوران معاصر چه رویکرد یا نگاهی به شهر وجود داشته و با دیدگاه حاکم بر اذهان شعرا و اندیشمندان حوزه ادب فارسی، چگونه تبیین شده و دارای چه مفاهیمی است. فرضیه بر این است که شاعران بنا به وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خاصی که داشته اند، تلقی های خاصی از آن داشته اند و اندیشه های خود را در قالب شهر ریخته و یا دست به تأسیس شهر و آرمانشهر زده اند. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بهره برده است. در این پژوهش نیز با استفاده از روش تحلیل متن، ابتدا تمام مؤلفه-هایی که به نوعی با مبحث کتاب ارتباط داشتند، به عنوان داده های متن گردآوری، سپس به تحلیل آنها پرداخته شد. در پایان رویه های حکام بر شعر دوران معاصر را از شهر و مفهوم آن، به اختصار اشاره شده است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر، ساختار، پیکره، شهر.

Structure and body of city in contemporary poetry

Abstract

Subject of the paper is structure of city in contemporary poetry. The study sought to answer the question of what the contemporary poets thought functions. It is hypothesized that the poets of the political situation, social, cultural, have certain items that are special And his thoughts poured into the city or to have founded the city and Utopia. The research method is descriptive - analytical research and data collection tools: library studies and documents have benefited. In this study, also using text analysis method, first of all components that were associated in some way with the subject of books as text, data collection, and analysis were investigated. Procedures governing the contemporary poetry of the city and its concept are described briefly.

Keywords: poetry, architecture, figure, city.

تاریخ معاصر ایران، از پرجنب و جوش‌ترین و پرحادثه‌ترین دوره‌هایی است که ایرانیان تجربه کرده‌اند. بیشتر کتاب‌های تاریخی و جامعه‌شناسی (در ابعاد سیاسی، جامعه‌شناسی و فردی) به نحوی به این مسئله اشاره کرده‌اند و یا دراصل برخاسته از چنین دورانی هستند. شعر معاصر که آینه تمام‌نمایی از آرزوها، خواسته‌ها، خیزش‌ها، تفکرها و مسایلی از این دست است، یکی از مهم‌ترین منابع برای مطالعه درباره تاریخ معاصر و اتفاقاتی است که در آن افتاده است. این اتفاقات بسیار مهم هستند. مباحثی که در جامعه‌شناسی و سیاست اروپا مانند: ملت، وطن، سیاست، اجتماع، دفاع، و ... مدار و مرکز بحث و نقادی است در شعر ایرانی نیز به کار رفته، مضاف بر اینکه به ریزترین و در عین حال مهم‌ترین زیرمجموعه‌های تاریخ و فرهنگ کهن و جدید ایران نیز عطف توجه شده است. دلیل کاربرد وسیع این‌گونه مباحث و نظریه‌ها بیشتر به «زمان» مربوط می‌شود، یعنی تاریخ معاصر ایران در زمانی است که منعکس‌کننده مسایل خاص هویت‌بخش بوده است. در هنگام بحث از مطالب تاریخی، سیاسی و فرهنگی و یا زبانی در کتاب، توضیح‌های بیشتری در این زمینه داده شده است. زمانی که شعر معاصر ایرانی را بررسی می‌کنیم در شعر بعضی از شاعران به وسعت و اهمیت مطلق این مباحث پی‌می‌بریم. به عبارت دیگر، آن شاعران با قدرت شاعری و تعهدهای اجتماعی و فردی خود، مسایل و مشکلات سرزمینی را طرح می‌کنند و یا درگیر مسایل و مشکلاتی هستند که در سطح جهان با عنوان کلی «هویت ملی» به کار برده می‌شود. این مسئله به شاعران محدودی اختصاص ندارد؛ ولی در شعرهای نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، محمدرضا شفیعی کدکنی، منوچهر آتشی و تا حدود زیادی سهراب سپهری وجود دارد. همچنین طعن‌ها یا آبرونی‌هایی که در شعر این شاعران به کار رفته، بسیار جای تأمل دارد و دارای مفاهیم

سیاسی، اجتماعی - انسانی و ملی است.

هر شاعری که سخن‌گوی زمان خویش بوده است درباره مسایل موجود به صورت‌های گوناگون اظهار نظر کرده است. گاه خشم و نفرت خود را نشان داده، گاه هم‌نوا و هم‌آوا با حوادث تاریخی گریسته و با طبیعت و روزگار و مردم همدلی کرده است. یکی از مواردی که در این زمینه و در این‌گونه جستارها چشم و هوش خواننده را به خود جلب می‌کند، «شهر» و هویت آن در شعر معاصر است. در شعر که منطق کلامی خاصی دارد و بنا به اظهار نظر بسیاری از صاحب‌نظران، نتیجه انتزاع، خلیش ذهنی و تخیل انسان است، «شهر» چگونه ترسیم شده است. بدیهی است با مطالعه تمام ابعاد شعر، پیکره شهر به نیکی ترسیم می‌شود. اینکه چه بخش‌ها و چه وجه‌هایی دارد. در چه مفاهیمی به کار رفته است. آیا «شهر»، نتیجه انتزاع است یا همان شهری است که شاعر در آن زندگی می‌کرده و به دلیل مسایل خاص، آن را در ذهن و زبان خود ترسیم کرده است.

مواد و روشها

یکی از روش‌هایی که امروزه در تحقیقات علوم گوناگون، مخصوصاً علوم انسانی به کار گرفته می‌شود و ابزار نسبتاً کارآمدی در مطالعات به شمار می‌رود، روش تحلیل محتوایی (Content Analysis) است. در این روش، پژوهشگر، با استفاده از مطالعه و ابزارهای کمکی آن، به داده‌هایی از یک‌متن دست می‌یابد تا با استفاده از آنها، به اثبات یا رد فرضیات خود بپردازد. در این پژوهش نیز با استفاده از روش تحلیل متن، ابتدا تمام مؤلفه‌هایی که به نوعی با مبحث کتاب ارتباط داشتند، به عنوان داده‌های متن گردآوری، سپس به تحلیل آنها پرداخته شد. این داده‌ها به دوصورت مورد استفاده قرار گرفته‌اند: یا به صورت مستقیم؛ که در این حالت، به صورت صریح و مستقیم به موضوع پژوهش ارتباط داشته‌اند و یا به صورت غیر مستقیم؛ که در این حالت، داده‌ها تحلیل و تأویل شده و به کار گرفته شده‌اند. صورت اول همان واژگان، اصطلاحات، ترکیب‌ها و تصویرهای

بدیع شعری، ترکیب‌ها و تصویرهایی است که شاعر ساخته و در برخی از موارد آنها را نماد یا سمبل چیزی قرار داده یا با استفاده از فرهنگ جهان (مانند مسایل مربوط به مسیحیت، موسیقی غربی و اسطوره‌های یونانی و مسایل مربوط به عرفان و آیین بودایی) مقصود خود را در ورای ابهام و ایهام شاعرانه ذکر کرده است. صورت دوم، که احتیاج به تحلیل بسیارزادی داشته، استخراج نمادها، سمبل‌ها و یا ایماژهایی است که شاعر در زمانی اقدام به سرودن شعر کرده است که روشن‌تر از آن نمی‌توانسته است سخن گوید. در این صورت شاعر از نمادهای رایج و مصطلح استفاده نمی‌کرده؛ بلکه خود با استفاده از زبان فارسی و توانایی بالقوه آن، «نمادسازی» می‌کرده است.

مبانی نظری و بیان یافته‌ها

شعر معاصر بنا به توان و ظرفیتی که می‌توانست در گذر تاریخ داشته باشد، آینه‌ای تمام‌نما از تاریخ ایران و جهان است. هر شاعری به علت جریان شعری که بدان باز بسته است - مانند سمبولیسم اجتماعی در اشعار اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، فروغ فرخزاد، یا شعر ناب که تأسیس آن به دست منوچهر آتشی بود، یا حجم‌گرایی که یدالله رویایی مرشد آن محسوب می‌شود - افکار خود را در شکل و شمایل شاعرانه مطرح کرده است. یکی از مفهومی‌ترین رویکردهای شاعران به «شهر» اشاره به شهرهایی است که در گذر تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند. هنگام بررسی آن، میزان تشخیص این نوع شهرها مشخص می‌شود.

۱. شهرهایی که باستانی‌اند:

«شاور». نام رودخانه‌ای در شوش دانیال است. فریدون توللی، مدت‌ها به حفاری و ناظر حفاری‌های این شهر باستانی بوده است. فریدون توللی، در سال ۱۲۹۸ در شیراز به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۰، پس از اخذ لیسانس به شیراز بازگشت و در اداره فرهنگ فارس (آموزش و پرورش) در امور باستان‌شناسی به کار اشتغال ورزید. در سال ۱۳۲۵ به اداره کل

باستان‌شناسی تهران منتقل شد و مأموریت نظارت بر کاوش‌هاش شوش تحت ریاست پرفسور گریشمن فرانسوی را دریافت کرد. در بهمن همین سال، قطعه «باستان‌شناسی» را با توجه به اندیشه شعر نیمایوشیج سرود (رک، پرهام: امید در کام نومیدی ۳۱-۷۶).

«مقبره دانیال». دانیال یکی از انبیای بنی‌اسرائیل است. از وی اطلاعات چندانی در دست نیست. در سال سوم سلطنت یهوایقیم (در سال ۶۰۵ ق. م) به بابل به دربار نبوکد نصر به اسارت برده شد و کلدانیان او را بلطشصر موسوم نمودند و وی بر علوم کلدانیان واقف گردید و در حکمت بر آنان فزونی یافت. در دوره کورش نیز مورد لطف او بود. پس از استیلای ایرانیان بر بابل، داریوش، دانیال را وزارت داد و بعد به سبب سعایت حاسدان و پایداری در دین خود به کنام شیرها افکنده شد؛ اما به طریق معجزه‌آسایی رهایی یافت. دانیال در عهد عتیق نام دومین پسر داود است که مادرش ابیجایل بود و در کتاب دوم سموئیل به نام گیلاب خوانده شده است. گفته می‌شود که مدفن دانیال در شهر شوش خوزستان است. گویند در زمان خلافت عمر، بقایای جسد دانیال از شوش به کنار رود شاور، مجاور تپه‌های تاریخی شوش، منتقل شد. (رک، مصاحب: دایرةالمعارف فارسی ۹۵۴)

آن شب ز دشت باختران، باد بی‌درنگ / می‌کوفت گرم و چیره بر آن قلعه بلند / وز بقعه بر کرانه شاور دیرسال / فانوس دانیال / با لرزشی نژند / می‌تافت بر سپیدی مهتاب نیم‌رنگ (توللی، رها، ص ۱۸۶-۱۸۷).

«شوش». اخوان به شکوه و شوکت آن اشاره کرده است:

شوش راه این شهره شهر باستان را با همه شوکت / چون نگینی پرتلألو، دیده بر انگشتر مغرب / این اتاقه اورمزدی، تاج هفت امشاسپندی را (اخوان، سواحلی ۹۷).

«ستخر». در منابع اسلامی به صورت «اسطخر»

و «اصطخر» نیز نوشته می‌شود، شهر قدیم فارس بود که ویرانه‌های آن در ۷ کیلومتری غرب تخت جمشید در دره رود پلوار، کنار راه شیراز و اصفهان موجود است. در روایات ایرانی، بنای استخر و تخت جمشید به شاهان اساطیری چون هوشنگ و جمشید و کیخسرو نسبت داده شده است و حتی گفته‌اند که سلیمان به کمک اخبه، این شهر را بنا نهاد؛ ولی ظاهراً استخر پس از خراب شدن تخت جمشید به دست اسکندر مقدونی ساخته شد و از شهرهای عمده فارس گردید و شاهان ساسانی از این شهر برخاستند. معبد اناهید در این شهر قرار داشت و در دوره ساسانیان مرکز دینی و سیاسی ایران بود. از بناهای تاریخی استخر، علاوه بر تخت جمشید، می‌توان از نقش رجب و نقش رستم نام برد. در کاوش‌های باستان‌شناسی، آثار هخامنشی و ساسانی، نیز ظروف اسلامی در آن ناحیه به دست آمده است (مصاحب، دایرة‌المعارف فارسی ۱۲۶). در شعر آتشی، به استخر و اهمیت باستانی آن و پدیده قاجاق آثار ایرانی اشاره شده است:

شهر شکست خورده زیر چکمه فاتح الفاتحه!
پیروزیان امروز/ و دختران «فیروزان‌ها»/ دوشیزگان دیروز/ در کوچه‌ها رها/ و در جوال شترها/ خاک خرابه‌های دارا/ دست بریده شاپور/ و بیستون مکتوب/ در سامسونیت قاجاقچی‌ها/ و استخر و شوش هم/ در برگ کوچک چکی فکس شد به/ آن طرف دنیا/ «آه ای اهورا!»/ ایمن بدار سرزمین مرا از دروج! (آتشی، مجموعه اشعار ۱۳۲۲-۱۳۲۳)

«قادسیه». نام محلی است در پانزده فرسنگی شهر کوفه که در سال ۱۴ هجری قمری، برابر با ۶۳۶ میلادی در آن محل بین سپاه ایران به فرماندهی رستم فرخزاد و سپاه اعراب به فرماندهی سعد بن وقاص، جنگی در گرفت که چهارروز به طول کشید. در این جنگ، رستم فرخزاد به دست عربی به نام هلال بن علقمه کشته شد و درفش معروف کلویان به دست اعراب افتاد. پس از این جنگ، تمام ایران به دست اعراب افتاد. سپهری، فتح قادسیه را یکی

از موارد «بدی» و کفر و یکی از علایم ظهور منجی، دانسته است:

ولی هنوز کسی ایستاده زیر درخت/ ولی هنوز سواری است پشت باره شهر/ که وزن خواب خوش فتح قادسیه/ به دوش پلک تر اوست. (سپهری، هشت کتاب ۳۲۲)

«ایران‌شهر». (= کشور ایران) به معنی سرزمین آزادگان است. ایر، در لغت به معنی آزاده و نسبت به آن ایران است. ایرانیان باستان به سرزمین اصلی و نخستین خویش «ایران‌ویج» یا «ایران‌ویج» می‌گفتند. در شاهنامه، «شهر» دقیقاً به معنی «کشور» امروزی به کار رفته است:

تیر آرش را سوارانی که می‌رانند بر جیحون،/ به دیگر نیمروزی از پی آن روز/ نشست بر تناورساق گردویی فرودیدند/ و آنجا را از آن پس مرز ایران شهر و توران باز نامیدند (کسرای، مجموعه شهرها ۷۶)

اه! دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایران‌شهر/ شیرمرد عرصه ناوردهای هول،/ گرد کند اومذ/ پور زال زر، جهان‌پهلوا/ ... (اخوان، سه کتاب ۸۱)

با صدای ناله زنجیرها از خویش می‌پرسیم/ فاتح این هفت خوان سهمگین قرن آیا کیست؟/ از کدامین مرز ایران‌شهر آیا ریاست افزاد؟ (شفیعی کدکنی، آینه‌ای برای صداها ۱۱۸)

«سمنگان». یکی از شهرهای خراسان بزرگ و ناحیه تخارستان بود. رستم برای یافتن رخس که به شهر سمنگان می‌رود. با تهمینه دختر شاه سمنگان ازدواج می‌کند. سهراب حاصل این ازدواج است:

رستم کجا و شهر سمنگان کجا؟!/ نیروی چیست این/ کو را چنین به سوی شبستان ما کشد! (کسرای: مجموعه شعرها ۶۲۴)

کسرای شاعر سیاسی و کمونیست بود. دنبال مرام، ایده و امید توده‌ای‌ها بود. از طرح شهر سمنگان، رستم و رفتنش به آن شهر و به دنیا آمدن سهراب، ایده‌های ایدئولوژیک و حزبی را دنبال می‌کرد. او همواره به «امید به آینده» و گشایشی که نتیجه تلاش و کوشش انسان هاست، اعتقاد فراوان داشت.

یادآوری می شود که «امید» و «کار» از مؤلفه های اصلی توده ای ها بوده است.

«جندی شاپور». شهری در بین شوشتر و دزفول. در زمان ساسانیان از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. جندی شاپور، کرسی خوزستان بود و تا زمان منصور، خلیفه عباسی مدرسه پزشکی بزرگ آن که بختیشوع، پزشک نصرانی، آن را تأسیس کرده بود، شهرت داشت:

باورت نیست؟/ بیا و بنگر/ گزر ز نزدیک
همی ترسی، بنگر از دور/ پوست آکنده به کاه/ اندر
باد/ روی دروازه جندی شاپور/ پیکر مانی/ زندیق بزرگ/
آن پیام آور زیبایی و نور. (شفیعی کدکنی: هزاره دوم
آهوی کوهی ۵۰)

«ارگ بم». قلعه باستانی شهرستان بم بود. بم (از شهرهای استان کرمان است)، در دوره ساسانیان ساخته شده و از همان دوره دارای اهمیت سوق الجیشی و بازرگانی بوده است. قلعه آن در قرن ۴ ه. ق معتبر و سدی در مقابل مهاجمان شرقی بود. در سال ۱۱۳۱ ه. ق محمود افغان بم را گرفت؛ ولی به سبب شورش که در قندهار رخ داد، آن را رها کرد. در سال ۱۱۳۴ ه. ق دیگر بار آن را تصرف کرد و شهر تا ۱۱۴۲-۱۱۴۳ که نادرشاه افشار قدرت افغانه را درهم شکست در دست آنان ماند. نادرشاه بر استحکامات آن افزود. در همین شهر بود که آقامحمدخان قاجار لطفعلی خان زند را در سال ۱۲۱۰ ه. ق دستگیر کرد و به یادگار پیروزی خود، مناره ای از کله های ۶۰۰ تن از مخالفان خود برافراشت. ارگ بم، کهن ترین باروی خشتی جهان بود که در سال ۱۳۸۲ شمسی، در ساعت ۵ صبح، روز ۵ دی ماه، بر اثر زلزله ۶/۵ ریشتری، درهم فروریخت و قسمت های اعظم آن از میان رفت:

... اخبار این بار/ در ساعت شش و اندی ریشتر
کیهانی/ چنان بلند و غران برخاست/ که خشت و
سنگ پریدند از جا/ آدر روز پنج ساعت پنج صبح
فصل سفید ۸۲/ البته/ بعد از سگان و اسبان/ و
چشم های بسته بیدار بازارگان/ و بانگ و بال بال

تمام مرغان/و گفت: بام بلند بم فروریخت:/ بمب!
باروها - وارونه - شدند:/ چاه/ نزدیک بهت قافله های
طلسم شده در نیمه راه/و زیر گوش های دهان شده
زیر آوار/ «هی های! هو، هوار!»/ و گفت، جن کوچک
به جن بزرگ:/ که هیچ اتفاق تازه نیفتاده/ بم شد!
... بی بم ایران و/ بی بام/ تاریخ نیز نصف سرش را
از دست داد/ کیهان جایی که زلزله هرگز نیامده
بود آگواه: ارگ بم = دوهزار سال محکم! / بر اشتباه
نجومی تقویمش خط ترمز کشید/ چنانکه زلزله خط
زد بم را/ و هزاره ادواب و آدم را. (آتشی، مجموعه
اشعار ۱۸۷۸-۱۸۷۹)

«شهر سوخته». تپه های متعددی به مساحت دو کیلومتر نزدیک زاهدان به زابل، بین آبادی تاسوکی و دوراهی زاهدان به مشهد. مشتمل بر آثار و ابنیه مدفون در سفال های ادوار ماقبل تاریخ است. در شعر آتشی، تشبیه، خرابه های بم، به شهر سوخته، شدت و هولناکی زلزله است که چنان همه چیز را نابود کرده که انگار خرابه های ماقبل تاریخ است:

خرابه؟ نه! کمتر - خیلی کم/ کم/ کم/ بم/ تا:/ مانند
باستانگی جیرفت و شهر سوخته/ فردا/ پس فردا/
ریبل شود خاکش/ در جستجوی سفالی فرسوده
(همان، ۱۸۸۱).

شهر پدیده ای است که به سبب رشد جمعیت آن، نیاز به امکانات و وسیع شدن دایره رفاه و ترقی، دارای پیکره خاصی است. تمام بندگان این پیکره نیازمند مدرنیسم و گاهی جهانی شدن است. انسان شهری خواهان مدرنیته و تمام ارکان آن است. به این سبب در ابتدا مدرنیسم و مراتب آن بسیار خوب و متابع خواست و نیاز انسان به نظر می رسد. در جوامعی که گام به گام به سمت و سوی مدرنیسم رفته اند، این مسئله تا حدی به همین گونه است، یعنی تفاوت چندانی با خواست درونی و امیال بشری ندارد؛ بلکه تماماً در جهت برآوردن نیازهای آنان است؛ اما در جوامعی که به صورت ناگهانی و ناآشنا با اصول مدرنیسم و مهیا نبودن بستری برای

آن، دچار ازهم گسیختگی و ناهنجاری شده‌اند. در این موارد شهر، مدرنیته، افسارگسیختگی آن و تمام قوانین جاری با آن با ذات و نهاد درون بشری منافات دارد و انسان در این شهرها فطرت، منش و پاکی و آزادی را با زنجیرها و اسیری‌ها عوض کرده است. گاهی برای این گونه موارد، گریز از شهر و پناه بردن به روستا چاره کار شده است. شاعران معاصر به این مسئله مهم و بنیادی رویکردهای مختلف و متفاوتی داشته‌اند.

۱. برخی از شاعران به صورت تئوری نیز با «شهر» و پدیده شهر عناد ورزیده‌اند. شاملو، انسان را شیطانی می‌داند که خدا را به زیر آورد و بر جهان و طبیعت مسلط شد:

انسان - شیطانی که خدا را به زیر آورد، جهان را به بند کشید و زندان‌ها را درهم شکست! کوه‌ها را درید، دریاها را شکست، آتش‌ها را نوشید و آب‌ها را خاکستر کرد! (شاملو، مجموعه آثار ۲۷۲)

اخوان شهر را ظهور جهان مدرن معاصر می‌داند: «اخوان شهر را به عنوان الگوی اساطیری زمان ما و تمدن سودجویانه کنونی، مورد انتقاد قرار می‌دهد. و مقایسه پنداشت حماسی خویش و اسطوره بری از حماسه شهر، در طنزی گزنده، این پرستندگان سوداگر را به خدای پرفتوحشان سوگند می‌دهد که یک چند شهر فتح شده را به آن گذشته ستودنی بازگردانند؛ اما اخوان به خوبی می‌داند که این فاتحان غاصب، به هیچ وجه خیال بازگشت از متصرفاتی را که به یمن شبیخون پیروزشان به دست آورده‌اند، ندارند. از آن رو، در روند آن تقابل جوانمردانه حماسی، پهلوانان اساطیرش را به نبرد این شهر [نشینان] می‌فرستد.» (رشیدیان، بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی ۱۱۲-۱۱۳):

بباید آی مردم! با شما هستم / شما سوداگران و فاتحان شهر من / اکنون شده شهر شما، ناچار / درین تنگ غروب تارکه خرد و خسته جان برگشته‌اید از کارت‌ان، / پیکار نفرت بار در بازار / خطابی با شما دارم / خطابی روستایی-وار / ازینجا، از فراز برج خود، این

برج غربت، برج زهر مار ... / دگر می خستم — واهم از این مکمن وحشت فرودآیم / ... (اخوان، سه کتاب ۳۱)

مشیری شعری به نام «شهر» دارد. (رک، مشیری، بازتاب نفس صبحدمان ۱۵۵۹-۱۵۶۱) «شعر قصیده‌وار «شهر» که نام کتاب «تاصبح تابناک اهورایی» از مصراع نخستین آن گرفته شده است، غم‌نامه خردمندان است.

بافت توصیفی شهر در تصویرهای دوباره خود، نگاه دوگانه پندار به محیط اجتماعی و بهتر بگوییم جامعه شهری را با حسرت و دریغ نشان می‌دهد. یک سوی پرده «صبح تابناک اهورایی» همراه با کلمات درخشان و پرتألویی نقاشی شده است و سوی دیگر رنگ خاکستری سرد و پنهان در جامعه پر از تضاد، شعر غنایی حزن‌انگیزی را ساخته است. (شاکری‌یکتا، آسمانی‌تر از نام خورشید ۶۱۹/۱)

قبرستان، در شعر «دیدار در شب» فروغ، سمبل شهر و جامعه است. (شمیسا: راهنمای ادبیات معاصر ۲۹۱):

چیزی نبوده‌ام / و عشق و میل و نفرت و دردم را / در غربت شبانه قبرستان / موشی به نام مرگ جویده است. (فروغ: دیوان اشعار ۳۷۰)

۲. شاعران معاصر در بعضی مواقع، «روستا» را نماد پاکی، صمیمیت و انسان دوستی قرار داده، راه نجات انسان را از بحران شهری در پناه بردن به روستا تشخیص داده‌اند:

سوز غریب مهاجر، در شعر «غریبانه» شاملو، استعاره از شهر و صنعت و مدرنیسم، در برابر پاکی و بکر بودن روستاست:

دیری ست تا سوز غریب مهاجم / پا سست کرده است / و اکنون / یال بلند یابویی تنها / که در خلنگ‌زاران تیره / به فریاد مرغی تنها / گوش می‌جنباند / جز از نسیم مهربان ولایت / آشفته نمی‌شود (شاملو، مجموعه آثار ۷۳۱).

اسب تندیس، در شعر «گلگون‌سوار» آتشی، نماد شهر است. «شهر و زندگانی شهری برای آتشی،

یک‌آغوش مهربان، یک جایگاه امن، یک اندام یا اندام‌واره ارگانیک بی‌شیله پيله و یا یک ساختار نژاده نیست. حتی در چشم او اکثریت اجتماع که در بدو ورود به شهر، سادگی روستایی داشته‌اند، اکنون در کشاکش زندگی و پا بر دوش هم گذاشتن برای صعود از نردبان مقام و ثروت، یک ساختار نارگانیک و دارای قیافه نامطبوع وصله ناجور و ناگریز دل‌آزارند.» (تیمی، پلنگ درّه دیزاشکن ۱۹۵-۱۹۷):

آن سوی تو/ در جنب و جوش میدان/ اسبی به بوی خصمی نامریی/ سم کوید/ و سوی اسب یال افشان تندیس/ شیهه کشید (آثی، مجموعه اشعار ۱۸۱).

۳. نمادهای شهر و بی‌رحمی مدرنیته

مزور یا شیطان در منظومه «خانه سربویلی» نیما، می‌تواند نماینده یا سمبل زندگی شهری یا جهان مدرن باشد. هرچند نیما شیطان را از شهریان می‌داند؛ آیا تنفر نیما از شهر و شهریان چنان است که آنان را شیطان می‌داند؟ اما نیما نشان می‌دهد که گاه گریزی همه‌سویه از انسان‌ها به طور کلی دارد. زیرا آنان را در چنبره یک-زندگی حیوانی می‌بیند، یعنی در اینجا افزون بر اینکه شیطان می‌تواند به نوعی سمبل شهر یا زندگی شهری باشد، نشان دهنده حالتی از تناقض درونی شاعر هم می‌تواند باشد، یعنی چهره دیگر شخصیت شاعر، چهره‌ای که می‌تواند پلید باشد. به شکل شهر، که شاعر از آن بیزار است، نمود می‌یابد. (رک، فلکی، نگاهی به شعر نیما ۵۴-۵۷):

آن مزور کرد با در آشنا چنگال و ناخن‌های خون‌آلود/ پس به چنگال و به ناخن کرد آغاز خراشیدن و آنچنان کاندرا بلایی سخت می‌زیبد ... (نیما، مجموعه کامل اشعار ۲۴۶)

آسفالت خالص، استعاره از بی‌رحمی مدرنیته و جهان معاصر است:

اگرچه این گل/ سخن سرخ با من می‌گوید/ اگرچه این چنار/ با انگشتان سبز/ بهای یک‌معاشقه را اعلام می‌دارد/ و زبان‌ها می‌کشد/ این نارون پر از گنجشک/ من اما سراسر آسفالت خالصم/ و از شهری

پر شده‌ام/ با اتوبان‌ها و خیابان‌ها و ماشین‌ها/ تا نوبت دیدار به چشمان گیجم بدهم/ اتوبوس‌ها و متروها پر از آدمیانند/ آدمیان بیش از آن‌ها پر از اتوبوس و مترو (همان، ۱۶۵۳).

الکل و افیون، ره‌آورد تمدن جدید بشری و آزادی افسار گسیخته است که تمام کشورهای جهان را از پیشرفته تا عقب‌افتاده در سیطره خود قرار داده است. در این شعر نگرانی شاعر از حکومت و سلطه وحشت‌بارترین عناصر تمدن بر جهان و از بین بردن عواطف انسان‌ها، مطرح شده است:

دلا پوسید دنیا، خون مردان شد کثیف از الکل و افیون/ نخواهی جست دیگر دل، نخواهی دید دیگر خون

دلا گندید دیگر خون گرم زندگی در کوچه‌های شهر ... (آثی، مجموعه اشعار ۳۴۴)

یادآوری می‌شود در شعر منوچهر آثی مسئله قاچاق و قاچاقچی‌ها، به صورت گسترده بازتاب یافته است. به سبب آشنایی شاعر با محیط جنوب، مخصوصاً خلیج فارس که یکی از مبادی مهم قاچاق کالا، ارز، نفت، بنزین، انسان و ... است، این موضوع هم به صورت تصویرهای شاعرانه و غیر شاعرانه ذکر شده است:

چه سوت و کور است این دنیا! چه خانه‌های زشتی می‌سازند/ - امروزیان پیروز -/ بی‌دخمه‌ای برای موشی/ که نقب داشته باشد به گنج شهر زمرد/ و مهره‌ای بیاورد سوزان/ از سینه ریز «هلن»/ یا گردن گزیده کلوپاترا/ شهر شکست خورده زیر چکمه فاتح الفاتحه! پیروزیان امروز/ و دختران «فیروزان‌ها»/ - دوشیزگان دیروز -/ در کوچه‌ها رها/ و در جوال شترها/ خاک خرابه‌های دارا/ دست بریده شاپور/ و بیستون مکتوب/ در سامسونیت قاچاقچی‌ها/ (استخر و شوش هم/ در برگ کوچک «چکی» فکس شده به/ (آن طرف دنیا)/ «آه ای اهورا!»/ ایمن بدار سرزمین مرا از دروغ!» (همان، ۱۳۲۲-۱۳۲۳).

زمین، پوسیده، مسموم از زباله‌های کیهانی - پوسیده و مکان امنی نیست./ اقاقی‌ها به قایق

خمپاره، خودخواسته به تبعید می‌روند/ و باغ‌ها و تالارهای متروکشان/ ویرانه‌های باستانی عصر دور «سبزینه» اند - سبزینه این عتیقه کمیاب که امروز/ مثل دلار و مارک در غرفه‌ها و پیاده‌روها قاچاق می‌شود. (همان، ۱۳۲۷)

از تمام کوچه‌ها که برگردی/ به میدانی روشن خواهی رسید/ با قاچاق‌چی‌هایی/ که جمجمه و ماه/ و سر در شهرها، در ساک‌ها به قایق‌ها می‌برند/ از بندرهای ما. (همان، ۱۷۷۲)

۴. سردرگمی انسان در شهر - جهان - معاصر؛ تعویض آزادی و یله‌گی انسان در برابر صنعت که چون مانعی برای انسان است.

در شعر آن غریب مغرور... آتشی سردرگمی انسان را در رودرویی مدرنیسم و عوارض مشخص کرده است. بین تصاویر آن در محور عمودی هماهنگی وجود دارد. در شعر گذشته فارسی، تصاویر یک منظومه در هر بیت برای خود مستقل بود و غالباً به تصاویر بیت دیگر ربطی نداشت. در برخی موارد، تصاویر همچون لایه‌های بر روی هم انباشته‌ای بود که هیچ هماهنگی بین آنها نبود. شفيعی کدکنی در این باره می‌گوید: «بررسی شعر فارسی به روشنی نشان می‌دهد که محور عمودی خیال، همواره ضعیف و دور از خلق و ابداع بوده است و در عوض شاعران تا توانسته‌اند در محور افقی خیال تصویرهای تازه به وجود آورده‌اند.» (شفيعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی ۱۷۰)؛ اما در شعر معاصر، سیر احساسات و عواطف شاعر همانند سیر تکاملی یک گیاه از زمان کاشت دانه تا گل-دادن آن است. تصاویر از یک سو هماهنگ با مراحل سیر احساسات و عواطف و از سوی دیگر هماهنگ با یکدیگر ایجاد می‌شود. در شعر معاصر هر تصویر، مکمل تصویر پیشین است و جمع تصاویر مانند نقش کامل قالبی است که از مجموع نقش‌های کوچک و جزئی شکل می‌گیرد. این شعر آتشی گویای این مطلب است:

باز آن غریب مغرور/ در این غروب پرغوغا/ با اسب در خیابان‌های پره‌ای و هوی شهر/ پیدا شد./ در

چاراره - باز/ از چراغ قرمز/ بگذشت/ و اسبش/ از سوت پاسبان/ و بوق پردوام ماشین‌ها/ رم کرد./ او/ مغرور/ در رکاب/ پای افشرد... اسبش به بوی خصمی نامریی/ سم کوبید/ و سوی اسب یال افشان تندیش/ شیهه کشید. (آتشی، مجموعه اشعار ۱۷۹-۱۸۱)

میوه خونین نخلی تشنه و مسموم، استعاره از شخص شاعر و اشاره به گرفتاری‌های دل وحشی و آزاد در بند شهر و زندگی غریب در آن است. (رک، تمیمی: پلنگ دره دیزاشکن ۲۹۲):

دل، اکنون کهنه‌سندان هزارآهنگر نفرت/ دل، اکنون میوه خونین نخلی تشنه و مسموم/ بلی، دل دیگر آن دل نیست. (آتشی: مجموعه اشعار ۳۴۱)

دور از نزاکت بودن و همچنین اختلال در نظم امور که لاشه درهم پاشیده شاعر در پیش پای رهگذران ایجاد می‌کند، از نمونه طنزهای سیاه در شعر رحمانی است. او اعتراض خود را به نظم و قانون جدید چنین بیان داشته است:

و فکر می‌کنم/ که لاشه پاشیده و کثیف/ در پیش پای رهگذران، نیست/ چیزی جز اختلال/ در نظم، در امور/ از این گذشته دور از نزاکت است/ قانون در این میان/ تکلیف خویش را به صراحت ابراز کرده است/ هم شهر زشت می‌شود/ هم سد معبر است (رحمانی: مجموعه اشعار ۲۸۹)

۴. ۱. حس تلخی که انسان معاصر در شهر پیدا می‌کند و عواطف خود را از دست رفته می‌انگارد. در ایوان کوچک ما، نام شعری از مشیری است. (رک، مشیری: بازتاب نفس صبحدمان ۳۸۲-۳۸۵) وی این شعر را برای دخترش، «بهار»، وقتی که هفت ساله بود، سروده است. احساس تلخ شاعری را بیان می‌کند که زندگی شهرنشینی، محیطی آکنده از دود، آهن و سیمان «چیزی» را در وجود او گم کرده است. این مرگ فاجعه‌آمیز است. نه تنها برای نویسنده و شاعر و هر هنرمند دیگری؛ بلکه برای هرانسانی که بعد از انقلاب صنعتی از سرشت طبیعت‌گرای خود دور شده

است و آن را گم کرده است. (شاکری یکتا: آسمانی تر
از نام خورشید ۱/۲۷۸)

منوچهر آتشی در تقابلی دوگانه، تهران را نماد شهر
قرار داده است. وی در این نوع اظهار نظرها از کاراکترها
و شخصیت‌های تاریخی - فرهنگی - سیاسی که
نامشان بر دیوارهای شهر حک شده است، کمک
می‌گیرد و به صورت دیالوگ و گفتگوی دوجانبه
درد و تلخی موجود را بیان می‌کند. شخصیت‌های
این دیالوگ‌ها زنده‌اند و به مسایل موجود واکنش
نشان می‌دهند. او وضعیت دردناک تهران را این‌گونه
تصویرسازی کرده است:

ناصر خسرو/ در خیابان خود به تحیر پرسیه می‌زند/ و
به کسانی که کنارش می‌گذرند و آهسته می‌گویند/
«کس/ «کوکایین/ «داروهای تک‌نسخه/ «وایگر هم
داریم/ «و ... تا دلت بخواهد! ...»/ ناصر خسرو غضبناک
و سپس آرام می‌شود/ «عقل» دارم/ دارویی گران؛
اما شفافبخش/ من آنها را از دره‌های یمگان چیده‌ام/
از علف‌هایی که سال‌ها/ به جای نان خوردم/
تا کشف بزرگم را/ آشکارا نکنم برای قاتلانم/ و
دوره گرد مسخره‌ای/ - بلندتر از معمول آن خطه زیر
گوشش می‌گوید به مسخره/ «کپسولی از آن بساز
و زیر زبانت/ بگذار! مردم امروز عقیم شده‌اند/ -
از همه چیز! و جز «کس» و «وایگر» و ... چیزی
بیدار نمی‌کند آن را در آنها/ ناصر خسرو غضبناک و
ناآرام فریاد می‌زند/ «کدام حرام‌زاده نام این خیابان
منحصر را به نام نامی من کرده؟/ من که حجت‌م
از قدیسان شما/ و داعی شمایم به شفا/ - و خدا؟»/
دلک دوره گرد دومی/ قاه قاه می‌خندد/ «عجب
عقل فروشی! که چنین به تأمل سخن می‌گوید!
آنها که گفتم همه را/ در استکانی B Complex حل
کن/ و بر همه جای بمال/ و یک راست برو به مرکز
شهرک غرب/ (به تاکسی نگویی شهرک قدس! آنها
هنوز این نام را ملکه ذهن نکرده‌اند)/ بر! آنجا بر
سکوه‌های در خانه‌های مجلل/ کسانی نشسته‌اند/
که با مخنشان نیز هم‌بالین می‌شوند/ (کلمه رمز:
«سی هزار پشت سبز»/ - یک وقت با طوطی عوضی

نگیری!)/ ناصر خسرو می‌نویسد: به حجاز رسیدم.
به حرم بزرگ/ سنگ‌ها از رخام بود/ و ستون‌ها
شش‌گوش هر کدام/ با قرنیس‌ها/ و مزین به ترمه‌های
کرمانی/ و در گورستان مکه/ خرمای بسم خیرات
می‌کردند/ - در طبق طبی/ و باز می‌نویسد: از
عبادان از طریق سیراف و لیان/ به راه کرمان افتادم/
برجی از چشم دیدم، و در میدان، غریب باورم/ و
دختری کور که به من گفت: / تعجب مکن/ این
برج در آینده تو نباشد/ در جشن پیروزی مخنث
قجری/ بر زیباترین و شجاع‌ترین مرد جهان/ و ناصر
خسرو پرسید: / چشم تو پس؟ / دختر کور گفت:
آن بالاترین چکاد، بر چکاد برج/ چشم من است/ از
همان زمان/ خیره به راه بازگشت تو/ ناصر خسرو
سپس می‌نویسد: / به شهری رسیدم که می‌گفتند:
فقط پنج ثانیه، از ساعت پنج صبح، طول کشید
آنگاه/ با کولبار ارگش بر پشت/ به زیارت آنهایتا در
کنگاور شتافت. / پیرمردی یک چشم گفت: / غضب
شدیم! / زیرا که امسال/ خرما و نارنگی مان را/ حاضر
نشدیم به سلف‌خران مفت کنیم/ این است که شد/
حلوای ختم کودکان و بیوه‌مان. / ناصر خسرو در آخر
می‌نویسد: / هوا به شکل گوگرد احمر بود/ و من
به شکل روشنفکری احمق/ - از قرن بیست و یکم/
نشان «حجتی» ام را به ماندابی انداختم/ استرم
را در باغ نارنگی رها کردم/ و با وانتی کرایه‌ای/ به
یمگان برگشتم/ تا برگ سفرنامه‌ام را در آتش اندازم
و از نو ... همین هم/ انگیزه دیگر شد که دیگر/ از او
سخن نگویند

و مردمان/ گنجشک شوند همه/ به سجده بر مهر
دانه‌های ارزن ارزان. (آتشی: مجموعه اشعار ۱۹۳۸ -
۱۹۴۲)

در مقدمه گفتیم که تاریخ معاصر ایران از
پرجنب و جوش‌ترین و متلاطم‌ترین دوره‌های
تاریخی است. از لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،
اقتصادی بارهای سنگینی را به دوش می‌کشیده
است. هنرمندان و شاعران در این برهه‌ها که
می‌زیسته‌اند به مسایل موجود واکنش نشان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

می داده‌اند. بدبختی، فشار، ناتوانی، گرسنگی و تمام چیزهایی که آزادی و شرف انسانی را نادیده می‌گرفت، بر تمام اقشار جامعه سنگینی می‌کرد. شاعران معاصر این واقعیت‌های تلخ جامعه را در قالب ایماژهای کلامی ریختند تا بتوانند در فضای اختناق جامعه سخن بگویند. گاهی سخنشان به صراحت است و گاهی در هاله‌ای از ابهام هنری. «شهر» مرکز ثقل تقریباً تمام این نظریه-هاست. نماد و هیئت ایران است. البته ممکن است شهر تهران، شیراز، تبریز، اصفهان و یا مراکز دیگری که مدار و مرکز تحولات و جنب و جوش‌های سیاسی بود. - هنگام توضیح متن شعر مشخص می‌شود. - البته «شهر» فقط به این موارد ختم نمی‌شود؛ بلکه محمل بسیاری دیگر از مسایل است.

۱. شهرهایی که نماد خواسته‌ها، آمال و آرزوهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هرچیز دیگر انسان - شاعر - که در نماد «شهر» متجلی شده است. البته این نماد می‌تواند مأخوذ از واقعیت باشد، یعنی واقعاً در ساختار و پیکره شهر چنین چیزهایی حاکم و جاری بود و هم می‌تواند نماد مأخوذ از ذهن شاعر باشد که آن را در پیکره «شهر» ظاهر ساخته است.

برخی انتقادهایی که در قالب «شهر» بیان شده‌اند، به جزئیات شهر مربوط می‌شوند. از نظر ادبی به اینها مجاز کل و جزء گفته می‌شود.

از شهر سرد نام یکی از شعرهای شاملو است. (رک، شاملو: مجموعه آثار ۳۸۲-۳۸۴) در این شعر نیز شاملو به انتقاد از دوستان و اطرافیان، همچنین اجتماعی که در آن زندگی می‌کند پرداخته و نارضایتی خود را از آنان اعلام داشته است. محمد مختاری، درباره «شهر تاریک» در شعر «از شهر سرد...» شاملو می‌نویسد: «در این شهر تاریک چه کسانی سکنی دارند؟ آنان یا دیگران یا به هرنامی خوانده شوند، کیانند؟ آیا همه بداندیشان و دشمنانند؟ یا ممکن است که انسان‌های عادی «قطعنامه» و قهرمانان به گوشه خزیده اکنون نیز در آن حضور

داشته باشند؟ این همان شهر است که خود در آن زندگی را دریافته و شعر زندگی را با آحاد آن سروده است؛ اما اکنون دیگر در آن خانه زندگی نمی‌کند. جزیره‌ای در دریای تاریکی و تباهی، همچنان که پیش از شکست، عظمت قهرمانان در حکم چنین جزیره‌ای بود.» (مختاری: انسان در شعر معاصر ۳۳۴)

«شهر آشنا»، در این شعر، نماد محیط اجتماعی شاعر است. با توجه به مضمون این شعر، که انتقاد از ساکنان این شهر است، فضای شهر آشنا بسیار تیره و مرگ‌بار است. در این شعر، «سپیده‌دمان» حالت رمز به خود گرفته است. در این شعر، شاملو دو واقعه اجتماعی را که از نظرگاه او یکی رسیدن به آستانه پیروزی و سعادت و آزادی اجتماعی است و دیگری، تسلیم شدن و قبول شکست و گردن به ذلت و خواری نهادن، به کمک رمز «سپیده‌دمان» و زمینه مناسب با حضور آن به موجزترین صورت ترسیم کرده است. (رک، پورنامداریان: سفر در مه ۲۱۵)

«پستی و تاریکی» جاودانه، در این شعر، صفت سرزمین مردم ناآشنا است. این پستی حاصل طرز تفکر سیاه آن مردم است:

سپیده‌دمان را دیدم/ که بر گرده اسبی سرکش بر دروازه افق به انتظار ایستاده بود/ و آنگاه سپیده‌دمان را دیدم که نالان و نفس گرفته از مردمی که دیگر هوای سخن گفتن به سر نداشتند دیاری ناآشنا را راه می‌پرسید/ و در آن هنگام با خشمی پُرخروش به جانب شهر آشنا نگریست و سرزمین آنان را به پستی و تاریکی جاودانه دشنام گفت./ پدران از گورستان بازگشتند/ و زنان گرسنه بر بوریها خفته بودند/ کبوتری از برج کهنه به آسمان ناپیدا پَر کشید/ و مردی جنازه کودکی مرده‌زاد را بر درگاه تاریک نهاد./ ما دیگر به جانب شهر سرد باز نمی‌گردیم/ و من همه جهان را در پیراهن گرم تو خلاصه می‌کنم. (شاملو: مجموعه آثار ۳۸۳)

باز ما ماندیم و شهر بی تپش، در اندیشه اخوان

تعمیم تباهی به همگان است. زنده یاد محمد مختاری معتقد است: «این تعمیم تباهی همگان و همه چیز و استثنای یک ما و من معدود، در تمام آثار بعدی شاعر مشهود است و از همین راه است که کم کم مبارزه شکست خورده به دوران شکست و دوران شکست به دوران زندگی شکست و دوران زندگی شکست به کل جهان شکست آغاز می شود؛ اما یک «من» یا «ما» معین نیز جدا می ماند که با آن همه هم‌شکلی ابتذال دوفساد از در تعارض و گاه نیز از در ستیز درمی آید. من و مایی که از یک سو می توانست نمودار روح مطلق انسانی باشد و از سوی دیگر نشانه های داوری عقل کل مآبانه را داراست. بر همین منوال است که یک مقایسه نهایی میان این روح وارسته انسانی و دیگران رخ می نماید و در «من» یا «ما» متجلی می شود که هم شاعر است و هم مبارز، هم قهرمان است و هم نماد پایداری و ستم دیدگی، شرح مقاومت این خویشتن، در برابر در یوزگی، فرار، فریب، دروغ و ... دیگران آغاز می شود. در این تفاوت دیدگاه یک چشم به راه که آخرین حرفش ستون است و فرج، نمایان می گردد.» (مختاری: انسان در شعر معاصر ۴۶۴-۴۶۵):

باز ما ماندیم و شهر بی تپش / و آنچه کفتارست و گریگ و روبه ست / گاه می گویم فغانی برکشم / بازمی بینم صدایم کوتاه ست. (اخوان: آخر شاهنامه ۲۳)

۲.۱ ایران تحت سلطه

به سبب انقلاب مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و اتفاقات سرنوشت ساز سیاسی دیگر، ایران زمانی در تلاطم بود. پس از مشروطه، ایران به سبب سیاست حاکمان، رنگ آزادی را ندید. پس از کودتای ۲۸ مرداد نیز وضع بسیار فجیعی در ایران حاکم بود. هنرمندان معاصر این وضعیت ایران را در «شهر» جستجو کرده، نشان داده اند.

چنین اوضاعی زمینه ساز حذف و کنار گذاشتن انسانیت و در آمیختگی خشونت و رفتار انسان هاست. شاملو به این قوانین اعتراض کرده است:

در سیل عبوس بی توقف، در بستر شهر جای به جلو خزیده بود / فراموش شدگان از دریاچه و دشت و تپه سرازیر می شدند تا حقیقت بیمار را نجات بخشند و به یاد آوردن انسانیت را به فراموش کنندگان فرمان دهند. (شاملو: مجموعه آثار ۲۴۵)

در کوچه می بارد و در خانه گرما نیست / حقیقت از شهر زندگان گریخته است؛ من با تمام حماسه های ام به گورستان خواهیم رفت ... / و تنها / چراکه / به راستی کد امین هم سفر اطمینان می توان داشت؟ (همان: ۲۹۹)

«غرفه های شهرداری»، در شبانه (عصر عظمت غول آسای عمارت ها ... ی، اشاره است به زندان ها و اعدام ها. شاملو با کاربرد این عبارت به صورت طنز آمیز، شعر را به سمت طنز سیاسی - اجتماعی و نشان دادن فجایع موجود در جامعه کشانده است: وهم عظیم و اوج رسوایی نیست / سیاحتی ست با تلاش ها و دست و پا کردن ها / بر سر جایی بهتر: / آاز روتاق ماشین / جون کندن شو بهتر می شه دید / تا از تو غرفه های شهرداری ... (همان: ۵۱۸)

«مزار آباد شهر بی طپش»، کنایه از جامعه شاعر پس از کودتای ۲۸ مرداد است. (دستغیب: نگاهی به مهدی اخوان ثالث ۱۱۵):

در مزار آباد شهر بی طپش / وای جفدی هم نمی آید به گوش / دردمندان بی خروش و بی فغان / خشمناکان بی فغان و بی خروش (اخوان: آخر شاهنامه ۲۲)

۳. غربت و تنهایی انسان در جامعه و دوره معاصر

شاعران معاصر مانند شاملو، اخوان، سپهری، فروغ، هریک از آمال و اندیشه های خاصی برخوردار بودند. بدیهی است که هریک بنا به مشرب خود، غم تنهاییشان را در جهان معاصر به تصویر کشیده اند. هنگام تحلیل اشعار آنان به این موارد برمی خوریم. «به باغ همسفران» نام شعری از سپهری است. (رک، سپهری: هشت کتاب ۳۹۴-۳۹۷) این تنها شعر سپهری است که ندایی از عشق زمینی، خواننده را یک باره از مقام ادراک و آگاهی نسبت به او، به جای دیگر می نشانند. به باغ همسفران، عاشقانه ای

پرژرفا از تعامل عاطفی و روانی شاعر و معشوق و نیاز وی به صراحت تکرار و حضور ایمنی‌بخش و تسلا‌دهنده معشوق است. این شعر از رابطه خاص عاطفی و مهرآمیز عمیق میان شاعر و معشوق حکایت می‌کند. عاشقانه‌ای که از نظام سنتی راز و نیاز در آن خبری نیست. رابطه، رابطه‌ای روانی است بر بستر مهر و عاطفه و معشوق (= زن)، موجودی است نه برآمده بر زیبایی‌های کلیشه‌ای، که انسانی با حجم عاطفی و کارمایه مهرورزی شگرف است. (رک، بهفر: معرفی و شناخت سهراب سپهری ۲۲۲)

این شعر از نمونه‌های است که در آن شاعر احساس غربت و تنهایی کرده است. سهراب خود را تنها و غریب می‌داند؛ حتی تنها تر از طعم تصنیفی که کوچه‌ها از درک آن عاجزند؛ اما در تنهایی سهراب عظمتی نهفته است. او تنهایی‌اش بیکران است و به همین دلیل است که عشق نیز با تمامی بیکرانی‌اش به تنهایی او هجوم آورده است:

... در ابعاد این عصر خاموش/ من از طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه تنهاترم/ بیا تا برایت بگویم چه اندازه تنهایی من بزرگ است. (سپهری: هشت کتاب ۳۹۵)

عصر خاموشی، قرن بیستم است که سپهری در آن احساس تنهایی می‌کند. او با تعبیر گوناگونی این تنهایی را به تصویر می‌کشد. طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه، تعبیر و تجسمی برای نشان دادن سپهری در این قرن است:

در این کوچه‌هایی که تاریک هستند/ من از حاصل ضرب تردید و کبریت می‌ترسم/ من از سطح سیمانی قرن می‌ترسم/ بیا تا نترسم من از شهرهایی که خاک سیاشان چراگاه جرتفیل است. (همان: ۳۹۶)

این بند تصویری خوفناک از قرن بیستم است که سهراب آن را به زیبایی به تصویر می‌کشد. سطح سیمانی قرن، چهره‌ای از عصر صنعت است. کوچه‌های تاریک، مکانی است که هیچ نور معرفت و شناختی در آن نیست. خاک سیاه، خاکی است که دور از سبزه و ترکیب یافته از دود و رنگ سیاه فلزات

است. سپهری در این فضای تاریک و ناهمگون، خود را تنها و غریب می‌بیند و از آن می‌ترسد. اکنون او از محبوب خود می‌خواهد که در این عصر او را تنها نگذارد و تا مرز بودن، وی را همراهی کند. تنهایی و غربت سهراب به این علت است که او هیچ‌نشانه‌ای از نور و روشنایی در کوچه‌ها نمی‌بیند و از محبوب می‌خواهد که او را لحظه‌ای در این شهرهای پر از دود و سیاهی نگذارد:

صدا کن مرا/ صدای تو خوب است/ صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است/ که در انتهای صمیمیت حزن می‌روید. (همان: ۳۹۴-۳۹۵)

«دیدار در شب» نام شعری از فروغ فرخزاد است. (رک، فروغ: دیوان اشعار ۳۷۷) شمیسا درباره این شعر می‌گوید: «دیدار در شب مثل اکثر شعرهای فروغ تنهایی انسان (و مخصوصاً زنی تنها) را در اجتماعی تباه نشان می‌دهد. شاعر که زنی آگاه و روشنفکر است می‌بیند و عذاب می‌کشد در این شعر مدرن، گفتگویی تکان‌دهنده بین شاعر و درون او جریان دارد. لحن شعر دردناک و غم‌زده است و فضای آن دیونوسزی و تاریک. این شعر روح دردمندی را که در درون فروغ این شاعر بزرگ به آهستگی نفس می‌کشید، به خوبی ترسیم کرده است.» (شمیسا: راهنمای ادبیات معاصر ۲۹۱)

دیدار در شب یکی از موثرترین و تکان‌دهنده‌ترین اشعار ادبیات فارسی است: نمونه کهن یا Prototype این گونه اشعار همان معراج‌نامه‌ها و سفرهای مینوی به جهان روح و دوزخ و بهشت، نظیر کمدی الهی دانتته و ارداویراف‌نامه ... است این مضمون در قرن معاصر تبدیل به سفر به شهرهای وهمی و گردش در خیابان‌های شبانه و مه‌آلود گردید.» (همان: نگاهی به فروغ ۱۸۸)

فروغ درباره این شعر گفته است: «من به قیافه آدم‌هایی که یک موقع ادعاهای وحشتناکی داشتند نگاه می‌کردم و پیش خود فکر می‌کردم اینکه جلوی من نشسته همان است که مثلاً هفت سال پیش نشسته بود؟ آیا اگر این، آن را ببیند، اصلاً

می‌شناسد؟ همه چیز وارونه شده بود. حتی خودم وارونه شده بودم. از یأس خودم بدم می‌آمد و تعجب می‌کردم این شعر نتیجهٔ دقت است. بعد از این شعر توانستم یک کمی خودم را درست کنم. در متن فکرها و عقیده‌هایم دست بردم و روی بعضی حالت‌های خودم خط قرمز کشیدم؛ اما دنیای بیرون هنوز همان شکل است، آنقدر وارونه است که نمی‌خواهم باورش کنم. من روی زبان این شعر هم کار کردم؛ اما با بعضی قسمت‌هایش هنوز موافق نیستم.» (جلالی: در غروبی ابدی ۱۸۰)

۴. **فساد و بدبختی‌های موجود در شهر** که برگرفته از اختناق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مأخوذ از فساد سیاسی است.

در شعر رحمانی، شهردار، نماد حاکمان فاسد جامعه است. در یکی از بخش‌های شعر «تبعید در چنبر زنجیر»، شهرداران، استعاره از ساواکیان است: شهرداران کفن رسمی بر تن کردند/ هدیه‌شان؟! قفل زرینی بود/ بوی/ نعش من و تو/ بوی نعش پدران و پسران از پس در می‌آمد/ شهرداران گفتند:/ نسل در تکوین است/ نعش‌ها نعره کشیدند: فریب است فریب/ مرگ در تمرین است! (رحمانی: مجموعه اشعار ۲۷۱)

با تحلیل شعر معاصر، مشخص می‌شود که شهر دارای کاراکتر و شخصیت خاصی است. هر یک از شاعران بنا به مشرب خود، تعریف خاصی از آن داده و نظریات خود را در آن ریخته‌اند. شهر هم بار سیاسی دارد؛ هم بار فرهنگی و هم بار اجتماعی. هنرمندان بی قانونی، آشوب، درهم ریختگی، فقر، فحشا، و تمام ناملایماتش را دیده، در قالب ایماژها، تصویرها و نمادهای شعر نشان داده‌اند.

شهر فقط در این موارد خلاصه نمی‌شود. بحث آرمانشهر و مدینهٔ فاضله و غم غربت نیز در آن پی ریزی شده است. در فرصت‌های آینده در خصوص آنها نیز بحث خواهد شد.

منابع و ماخذ

آثسی، منوچهر (۱۳۷۶) مجموعه اشعار، تهران، نگاه.

اخوان ثالث، مهدی (۱۳۸۵) آخر شاهنامه، تهران، زمستان.

_____ (۱۳۸۶) ارغنون، تهران، زمستان.

_____ (۱۳۸۶) از این اوستا، تهران، زمستان.

_____ (۱۳۷۱) تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، تهران، مروارید.

_____ (۱۳۸۵) زمستان، تهران، زمستان.

_____ (۱۳۸۵) سه کتاب، مجموعهٔ در حیاط کوچک پاییز، در زندان؛ زندگی می‌گوید، اما باز باید زیست...؛ دوزخ، اما سرد، تهران، زمستان. _____ (۱۳۸۵) سواحلی و خوزیات، تهران، زمستان.

پرهام، مهدی (۱۳۸۳) امید در کام نومیدی، تهران، آبی.

پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) سفر در مه (تأملی در شعر شاملو)، تهران، نوروز.

تیمیمی، فرخ (۱۳۷۷) پلنگ درهٔ دیزاشکن، تهران، ثالث.

توللی، فریدون (۱۳۲۹) رها، شیراز، (بی‌نا).

جلالی، بهروز (۱۳۷۶) در غروبی ابدی، تهران، مروارید.

رحمانی، نصرت (۱۳۸۵) مجموعه اشعار، تهران، نگاه. رشیدیان، بهزاد (۱۳۷۰) بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی، تهران، گستره.

سپهری، پری‌دخت (۱۳۷۵) سهراب، مرغ مهاجر، تهران، طهوری.

سپهری، سهراب (۱۳۸۰) هشت کتاب، تهران، طهوری.

شاگری یکتا، محمدعلی (۱۳۸۴) آسمانی‌تر از نام خورشید، تهران، ثالث.

شاملو، احمد (۱۳۸۰) مجموعه آثار، تهران، نگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) آینه‌ای برای صداها، تهران، سخن.

_____ (۱۳۶۶) صور خیال در شعر

فارسی، تهران، آگه.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

_____ (۱۳۷۶) هزارهٔ دوم آهوی

کوهی، تهران، سخن.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) راهنمای ادبیات معاصر،
تهران، میترا.

_____ (۱۳۷۰) نگاهی به فروغ، تهران،

مروارید.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۹) دیوان اشعار، به کوشش
بهروز جلالی، تهران، مروارید.

کسرابی، سیاوش (۱۳۸۶) مجموعه شعرها، تهران،
کتاب نادر.

مختاری، محمد (۱۳۷۲) انسان در شعر معاصر،
تهران، توس.

مرادی کوچی، شهناز (۱۳۷۹) شناختنامهٔ فروغ
فرخزاد، تهران، قطره.

مشیری، فریدون (۱۳۸۶) بازتاب نفس صبحدمان،
تهران، چشمه.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) دایرةالمعارف فارسی،
تهران، خوارزمی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۸ بهار ۹۴

No.38 Spring 2015

ارائه شاخص های طراحی مسکن بومی با تاکید بر مولفه های طراحی شهری اقلیمی؛ مورد پژوهی: شهر کرمان

الهه ایرانمنش* - کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بم، کرمان، ایران.
دریا نصرت پور - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد تهران، واحد سما، تهران، ایران.
مریم میرشک داغیان - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
مرضیه هادی - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه کمال الملک، مازندران، ایران.

چکیده

امروزه بررسی الگوهای طراحی مسکن بومی در شهرهای کشور و تطابق ساخت و شکل گیری فضاهای شهری با گونه ها و الگوهای طراحی شهری اقلیمی با در نظر گیری مولفه های فرهنگی- اجتماعی از مقولاتی است که نیاز است در فرایند برنامه ریزی مسکن در شهرها مورد توجه باشد. این امر از آن جهت مهم است که سازگاری بناها و ساختمانها با شرایط اقلیمی و ویژگیهای بومی هر منطقه باید تحت تاثیر رویکردهای پوزیتیویستی باشد و همواره، تاکید بر «علمی بودن» فرایند طراحی شهری و معماری مسکن بومی است. در این مقاله با روش اسنادی و مطالعات صورت گرفته درباره مسکن بومی و در ضمن روش مطالعات میدانی به مولفه های شکل گیری فضاهای شهری اقلیمی و بومی و بالاخص مسکن بومی در شهر کرمان اشاره شده است. در پایان نیز به مولفه های اجتماعی و اقلیمی طراحی شهری و طراحی مسکن بومی در شهر کرمان اشاره شده و در قالب جداولی به الگوهای طراحی و تحلیل مسکن بومی کرمان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، گونه شناسی مسکن، طراحی اقلیمی مسکن شهری، شهر کرمان.

Provide local housing design patterns with emphasis on design elements Climatology; Case: Kerman

Abstract

The design patterns and matching local housing construction and development of urban spaces and urban design patterns climate issues is important. This is an important monuments and buildings that are consistent with the Climatology and local characteristics of each region must be under the influence of positivist approaches; Always, the emphasis on "science" of urban design and architecture of local housing. In this article by documents and studies on local housing and urban field studies on the formation of local and indigenous housing specifically referenced in Kerman. Finally, the social and environmental aspects of urban planning and design, native housing in the city of Kerman; And in the tables of the models and analysis of local housing is Kerman.

Keywords: Indigenous housing typology of housing, urban planning, housing climate, Kerman.

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی با عنوان «طراحی دهکده مسکونی با رویکرد معماری بومی در اختیارآباد کرمان» استفاده کرده است که بدینوسیله از اساتید راهنما و مشاور آقایان دکتر عباس مسعودی و دکتر جلال زندیان تشکر و قدردانی می گردد.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۱۹۵۱۸۶۳، رایانامه: elah.eiran@yahoo.com

ابزاری است که به پیوند بین زندگی، خانواده و محیط منجر شود.

سکونت کردن رابطه‌ای است که توسط فعالیت خودآگاه و هدفمند انسان، میان کارکردهای حیاتی وی مانند اقتضائات معیشتی، رفتارهای اجتماعی و حیات شخصی او و یک مکان برقرار می‌گردد. این رابطه ظهور مفاهیم بنیادینی چون قلمرو، فضای شخصی و قابل دفاع را به دنبال می‌آورد که نیازمند دخالت در محیط و ایجاد فضا است. هایدگر با توجه دادن به بعد فرهنگی سکونت و منوط دانستن «بودن» انسان به سکنی گزیدن، سکونت را ساختن یک بنا و اقامت در آن نمی‌داند. به نظر او سکونت در نتیجه‌ی برقراری تعادل میان چهار عنصر خود، خدا، زمین و آسمان حاصل می‌شود (غزنویان، ص ۲۲). اموس راپاپورت میل به اسکان را از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان می‌داند و حتی درباره سکونت گاههای نخستین، قائل به کارکردی نه صرفاً سرپناهی بلکه بعدی فرهنگی است (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۴) به عبارتی مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. از سوی دیگر مسکن پدیده‌ای اجتماعی است و انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردیهیمی، ص ۱۴).

مفهوم سکونت در نزد اندیشمندان علوم اجتماعی را باید در رویکرد نظری کلی‌تر آنان به «فضا» جستجو نمود. هر علمی به فراخور موضوع و روشی که اتخاذ کرده تعاریف مختلفی از فضا دارد. در علوم اجتماعی فضا مفهومی پیچیده است و معنایی گسترده‌تر از تعاریف صرفاً فیزیکی یا طبیعی دارد. کمتر تعریف جامعی از فضا ارائه شده است که قادر باشد ابعاد مفهومی و کارکردی آنرا پوشش دهد.

از مهمترین و حیاتی‌ترین مباحث مطرح در معماری، پایداری و طراحی مطابق با محیط است. پایداری محیطی حاصل نمی‌گردد، مگر با ساماندهی فعالیت‌های بشری و تغییر نوع تفکر آن‌ها، به گونه‌ای که منابع طبیعی برای آیندگان حفظ شود. پایداری محیطی بیشتر بر کاهش اتلاف انرژی در محیط، کاهش تولید عوامل مضر برای سلامت انسان و استفاده از منابع تجدیدپذیر، حفظ و تجدید انرژی بدون تولید آلودگی تأکید کند. با بررسی معماری ایرانی در می‌یابیم که نمادهای ارزش‌های فرهنگی هر جامعه به ویژه جامعه ایرانی، در ساخت محیط مسکونی پیرامون او تجلی یافته و این ساخت، مبین هویت و ارزش‌های فرهنگی و باورهای هر جامعه می‌باشد به گونه‌ای که معماری ایرانی همچون فرهنگ جامعه ایرانی، درون پذیرنده است و القاکننده احساس تعلق خاطر، پیوستگی ترکیب و انسجام متعادل و تناسب ابعاد با کارکردهاست. سپس قطع ناگهانی این فرآیند در نتیجه راه حل‌های سریع‌تر و آسان‌تر فراهم شده توسط معماری مدرن، ما را وادار ساخت تا تمامی آن روش‌های سازگار با محیط زیست را فراموش کنیم. به این جهت، لازم است به معماری گذشته این مرز و بوم با دیده‌ی باز و کاوشگر نگریسته، از آن درس گرفته و پس زمینه‌های فکری آن‌ها را در معماری و فن ساختمان‌سازی امروز به کار بریم. در این مقاله در ابتدا به تعریف سکونت و مولفه‌های مرتبط با آن پرداخته شده و سپس طراحی اقلیمی مربوط به نمونه موردی بررسی می‌گردد. در پایان نتایج مربوط به طراحی مسکن بومی و اقلیمی در شهر کرمان ارائه می‌شود.

ادبیات و مبانی نظری

مسکن و سکونت

از بررسی مفهوم دو واژه سرپناه و خانه که معادل مسکن در نظر گرفته شده می‌توان نتیجه گرفت مسکن دارای مفهومی محیطی است که معنایی فراتر از سرپناه و خانه دارد و در این مرتبه نیازمند

دیوید هاروی اذعان می دارد که ماهیت فضا در تحقیقات اجتماعی هنوز ناشناخته و مبهم باقیمانده است. یکی از مهمترین نظریه پردازان فضا در حیطه اجتماعی و شهر، آموس راپاپورت است. راپاپورت کنشگران انسانی را یکی از فاکتورهای مهم فضا تلقی می نماید بر این اساس نظریات رایج در باب فضا را به سه دسته تفکیک می کند؛

۱. «نظریاتی که فضا را تعیین کننده روابط انسانی قلمداد می کنند»، اگرچه «محیط، همانند فرهنگ، به طور سنتی در شناساندن هنجارهای مناسب رفتاری در گروه نقش داشته است و بدون چنین مساعدتی، رفتار صحیح، سخت و طاقت فرسا می شود.» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۶۷) اما عدم توجه به کنشگر انسانی نظریه پردازان دسته نخست را به جبر محیطی سوق می دهد. در حالی که نگاهی به خانه های قبایل بومی در سراسر جهان از اسکیموها گرفته تا بوروهای غرب آمازون نشان می دهد که اقلیم و ویژگی های محیطی تنها عامل تعیین کننده در ساختن محیط های مصنوع نیست (راپاپورت، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

۲. «نظریاتی که روابط انسانی را شکل دهنده فضا می دانند»، نظریات دسته دوم در تقابل با دسته نخست، بر اختیار بی حد و حصر انسان تأکید می کند. این نظریات محرک پیدایش اندیشه های آرمان شهرگرایانه در دوران پس از انقلاب صنعتی شد و نظریه پردازانی چون فوریه، کابه، گودین از این ایده دفاع کردند که مسایل ناشی از رابطه انسان ها با جهان و بین خودشان را نوعی خرد گرایی، علم و فن می تواند حل کند (شوای، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

۳. «نظریاتی که فضا و انسان را در تعامل متقابل می پندارند»؛ بر اساس نظریات تعاملی گروه سوم که راپاپورت نیز یکی از مدافعان آن است، فضا امکانات و در عین حال محدودیت هایی ایجاد می کند و انسان ها با توجه به معیارهای فرهنگی خود دست به انتخاب و تأثیر بر فضا می زنند. انسان محیط مصنوع تولید می کند و سپس این محیط بر نوع

رفتار و ارتباط انسان تأثیر می گذارد (تولایی، ص ۱۱۳).

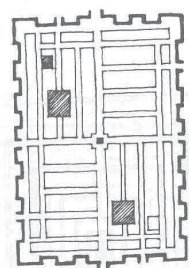
فرهنگ و طراحی مسکن

راپاپورت معتقد است مردم قبل از آن که به صورتی خودآگاه در مورد یک محیط صحبت کرده یا آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند، به صورتی ناخودآگاه نسبت به آن حسی پیدا می کنند و تصویر کاملی از آن محیط و ویژگی هایش در ذهن آن ها شکل می بندد. به همین دلیل احساس می کنند که برخی نواحی شهری یا برخی اشکال خانه ها را دوست داشته و یا ندارند. منظور او اینست که انسان ها قادرند محیط را با استفاده از اشاره ها و نشانه های آن معنی کنند. راپاپورت معتقد است ذهن انسان همیشه در حال معنی سازی است و به همین رو نیز دست به تمایز و دسته بندی محیط پیرامونش می زند. از نظر او معنی، جدای از عملکرد نیست، بلکه مهمترین جنبه آنست. همچنین تأکید می کند که چیزها معنی را در خود جای نداده اند بلکه معنی در ذهن انسان هاست. از همین رو نیز افراد مختلف می توانند با نگاه کردن به چیزهای مختلف، معانی متفاوتی را از آن اخذ کنند. بخشی از اختلاف نظرها و سلايق مردم و معماران را نیز در همین مسئله برداشت های مختلف می توان جستجو کرد. حال آن چه از نظر راپاپورت اهمیت دارد نه معنای مدنظر نقادان و معمارا، بلکه معنای مردمی است که استفاده کنندگان از آن بنا خواهند بود و این مسئله ایست که به زعم او، این روزها بسیار مورد بی توجهی قرار می گیرد چرا که ما تحت تأثیر رویکردهای پوزیتیویستی هستیم و همواره، تأکید بر «علمی بودن» بودن است. به عبارت دیگر، چنان تصور می شود که معنای شخصیت های علمی نسبت به معنای مردم عادی برتری دارد که راپاپورت، این مسئله را زیر سوال می برد و تأکید می کند که اصالت، با معنای استفاده کنندگان است. او با اشاره به افزایش علاقمندی عمومی به مطالعه معنی آغاز کرده و از آن جمله از انسان شناسی نام

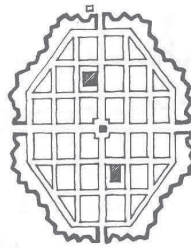
قواعد خوانش محیط می‌پردازد. از جمله می‌گوید عموماً بناهایی که در ارتفاع قرار دارند از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آنجایی که در بسیاری از فرهنگ‌ها بناهای مقدس عموماً با ارتفاع در ارتباطند ذهن در وهله اول، احتمال خاص بودن آن‌ها را می‌دهد، خصوصاً اگر مشاهده‌کننده فردی از فرهنگ تایلندی باشد که در آن، سنتا هیچ‌کس نمی‌توانسته بالاتر از ساختمان شاه، خانه‌اش را بسازد و یا منقوش‌تر و با تزئیناتی بیشتر و یا در کامبوج، این نجبا هستند که خانه‌های خود را بر ارتفاع می‌سازند و بردگان فقط مجاز به خانه‌سازی در کف هستند.

بدین ترتیب، آغاز شکل‌گیری «مسکن» را می‌توان مقارن با زمانی دانست که انسان، دیگر به دنبال سرپناه نبود بلکه باید آن را برپا می‌نمود. دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) در استانبول در نگاهی

می‌برد. از نظر راپاپورت، مطالعه معنی از خلال سه راه شیوه مختلف انجام می‌شود: استفاده از مدل‌های معناشناسی موجود در زبان‌شناسی که آن‌روزها بسیار رایج بوده، تکیه بر نمادشناسی که از گذشته هم وجود داشته و در نهایت، استفاده از مدل‌های غیرکلامی که رشته‌هایی نظیر انسان‌شناسی و روان‌شناسی و اخلاق‌شناسی اغلب از آن استفاده می‌کنند ولی نسبت به دو مورد دیگر، از رواج کمتری برخوردار است. او سپس به معرفی مفصل‌تر هر کدام از این روش‌ها پرداخته و می‌گوید که معنی‌شناسی، بسیار از مدل‌ها و مفاهیم زبان‌شناسی استفاده می‌کند، مثلاً همان‌طور که جملات زبان، دارای صرف و نحو هستند از صرف و نحو نشانه‌ها صحبت کرده و معناشناسان معتقدند که هر نشانه را باید در سیستمی از نشانه‌های دیگر تحلیل کرد. راپاپورت در این مرحله از کار خود به معرفی برخی



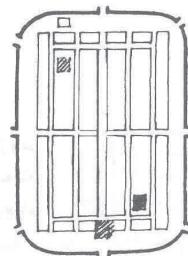
SWASTIKA



PANMAKA



NANDYAVASTA



DANDAKA

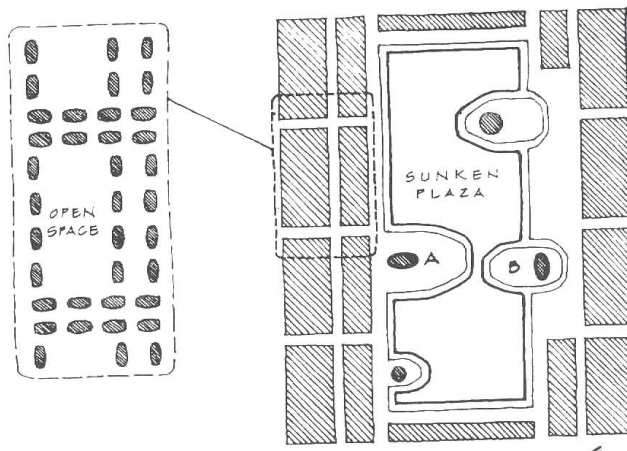
تصویر ۱. هند، ۴ نمونه از ۸ نوع نقشه دهکده که در کتاب ماناسارا سیلیپاسترا موجود است. در توضیح این تصاویر که در منشاء مجتمع‌های زیستی راپاپورت آمده است، می‌توان گفت که شکل معماری یا شهر در یک زمینه فرهنگی و گاهاً اقلیمی، مفهوماً کاملاً نشانه‌شناختی می‌یابد؛ چنانچه نظم کائنات الگوی نظم بخشی به محیط زیست مصنوع می

باشد؛ ماخذ تصویر: موریس، ۱۳۸۴، ص ۴۳۲.

A : مرکز برگزاری جشنها

B : قبرستان

مناطق مسکونی



تصویر ۲. نقشه شماتیک ریل آلتو در اکوادور، ۲۰۰۳ قبل از دوران معمول. همانطور که دیده می شود، منطقه «محل جشنها، منطقه» محل قبرستان و در مجاورت میدان مرکزی محل اقامتی اشراف و حاکمان قرار داشته است که در نحو و قواعد خوانش فرهنگی محیط قابل تامل است؛ ماخذ: تصویر: موریس، ۱۳۸۴، ص ۴۴۲.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

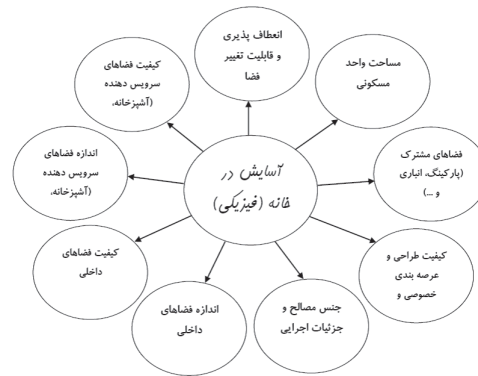
۳۵۱

خانه است. آسایش درون خانه به صورت یک متغیر وابسته میانجی عمل می کند و در پایداری تأثیر می گذارد و خود از متغیرهایی چون اندازه و کیفیت فضاهای اصلی (نشیمن، پذیرایی و اتاق های خواب)، کمیت و کیفیت فضاهای سرویس دهنده (آشپزخانه، دستشویی و حمام)، انعطاف پذیری و قابلیت تغییر طرح داخلی خانه، نورپردازی فضاهای بیرونی و داخلی خانه، اندازه و مساحت کلی داخل خانه، جنس مصالح به کار رفته در داخل و بیرون خانه و بالاخره کیفیت طراحی داخلی و عرصه بندی آن به قسمت خصوصی و عمومی، تأثیر می پذیرد. آن چه مسلم است، کم و زیاد شدن متغیرهای یاد شده در افزایش یا کاهش آسایش درون خانه مؤثر است. لذا ضروری است ضمن مطالعه مسکن، به رسالت خانه و عامل های مؤثر در پایداری اجتماعی توجه و از تک بعدی نگری به آن خودداری شود.

کمبود فضای آشپزخانه یکی از دردهای مشترک خانه های مدرن است. موارد بسیاری وجود دارد که نشان می دهد زنان در محیط خانه آسیب پذیر تر از

کمی، مسکن مناسب را چنین تعریف نموده است: «مسکن مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست بلکه به معنی آسایش، فضای کافی، دسترسی فیزیکی و امنیت، مالکیت، پایداری دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و گرمایش و سرمایش مناسب، وجود تأسیسات زیربنایی و خدماتی آب، برق، تلفن، بهداشت، دفع فاضلاب و زباله مناسب، کیفیت مناسب زیست محیطی، و موقعیت مناسب برای دسترسی به کار و تسهیلات اولیه می باشد که باید با توجه به استطاعت مالی مردم تأمین شود.»

۱- عامل اول: آسایش درون خانه (فیزیکی): یکی از مهمترین مفاهیم تحت عنوان آسایش (فیزیکی) درون خانه است. متخصصان معتقدند که مردم بیشتر به کیفیت و کمیت طراحی داخل خانه اهمیت می دهند و با افزایش میزان آسایش درون خانه، پایداری اجتماعی نیز افزایش می یابد، به عبارتی دیگر، از نظر صاحب نظران، پایداری مجتمع های مسکونی قبل از هر عامل دیگری تحت تأثیر آسایش درونی



نمودار ۱. آسایش فیزیکی در مسکن؛

ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

دیگران هستند؛ چرا که زمان طولانی را در آشپزخانه مصرف می نمایند و ابعاد نامناسب فضای آشپزخانه یا کیفیت نامطلوب آن، مانند طراحی این فضا در انظار عمومی، باعث از بین رفتن آسایش روانی زنان در خانه شده است. یکی دیگر از علل ناپایداری خانه های امروزی، حذف فضاهای مخصوص فعالیت های جنبی و کثیف کاری در خان هاست کت های خیش، کفش های گلی، مواد تمیز کننده، فضای انباری و در کل، کمبود فضاهای خدماتی باعث تبدیل اتاق های نشیمن و خواب به فضاهای غیر بهداشتی می گردد. علاوه بر موارد فوق، عدم طراحی مناسب فضاهای داخلی خانه مثل غیر مفید یا عدم طراحی فضای پیش ورودی و در نظر گرفتن حریم خانواده و امکان انظار درون خانه توسط افراد غیر، از مهمترین عوامل ناپایداری یا سلب آسایش درون خانه است. محمدرضا حائری معتقد است که بر اساس یک آمارگیری در ایران، خانواده های پرسش شونده، خانه را مترادف با مجموعه ای از فضاهای باز، نیمه باز و بسته می دانند. همچنین برای مرزهای مشخص داخل خانه و حریم های خصوصی و عمومی احترام قائل بوده، به بزرگی آشپزخانه به منظور نصب ماشین های مختلف خدماتی تاکید دارند به طور کلی او معتقد است که در واحدهای مسکونی باید: حیاط ها مستقل و محصور باشند؛

خانه از دید محفوظ باشد؛ ایوان سرپوشیده به عنوان فضای پیش ورودی وجود داشته باشد؛ اتاق پذیرایی از بخش خصوصی جدا باشد؛ تسهیلات لازم برای پذیرایی از میهمانان و اقامت آن ها پیش بینی شود؛ نورگیری مستقیم همه فضاها تامین شود؛ دسترسی مستقیم آشپزخانه به نشیمن و نهارخوری امکان پذیر باشد؛ همه فضاها قابلیت تهویه داشته باشند.

۲. عامل دوم: هویت اجتماعی: از دید صاحب نظران، پایداری مجتمع های مسکونی تا حد زیادی وابسته به هویت اجتماعی، هویت فضای مسکونی و هم سنخی ساکنان است. جامعه شناسان، هویت اجتماعی افراد را م ربوط به طبقه اجتماعی آن ها می دانند طبقه اجتماعی را شغل، ثروت، تمکن مالی یا تحصیلات مشخص نمی کند، بلکه طبقه اجتماعی هر کس با محل سکونت او مشخص می شود و رابطه میان محل زندگی، طبقه اجتماعی و هویت اجتماعی اعضای جامعه، یک رابطه به هم پیوسته و نا گسستنی است نظر به این که کالبد مجتمع ها بیانگر هویت آن ها است، می توان نتیجه گرفت که هویت و طبقه اجتماعی افراد و هم چنین هویت اجتماعی مجتمع های مسکونی به کالبد معماری مجتمع های مسکونی وابسته است و از آن تاثیر می پذیرند اندازه و کیفیت ورودی، سردر، پیش ورودی، لابی، نما، هیبت بیرونی و سایر عوامل مشابه نیز بر کالبد معماری موثرند.

۳. ساختار خانواده هسته ای: در دوران مدرن، معیارهای قدیمی رفتار تحت تاثیر ویژگی های این دوران دگرگون شده، در نتیجه روابط اجتماعی منزلت خود را از دست داده و افراد از هم فاصله می گیرند به این ترتیب زندگی خصوصی، به سمت جدا شدن از زندگی عمومی میل می کند نتیجه ای که حاصل می شود جدایی خانواده های از اجتماع و زندگی اجتماعی و حرکت به سوی زندگی منفرد و خانواده هسته ای است. خانواده نه تنها باید تمام نقایص زندگی عمومی را جبران کند، بلکه تنها مکان تجربه های شخصی و روابط عاطفی نیز می گردد.

واقعیت این است که نظام خانواده در جامعه شهری کشور ایران نیز نظام هسته ای یا درون محور است که نتیجه آن توجه به آسایش درونی اعضا و سلامت و امنیت کودکان خود، بیش از ارتباط با دیگران و سایر عوامل است چنانچه نتایج تحقیق در بررسی اصول پایداری مجتمع های مسکونی تا این مرحله نشان داده است که در مرتبه اول، آسایش درونی خانه، در مرتبه دوم، خشنودی و تامین نیازهای کودکان از نظر بازی و تفریح و در مرتبه سوم، هویت اجتماعی و تعلق خاطر به عنوان موثر در پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی هستند این ترتیب با ویژگی ها و علایق خانواده هسته ای همسو و منطبق است.

۴. عامل چهارم: نظم اجتماعی: از نظر صاحب نظران، درصد قابل توجهی از پایداری مجتمع های مسکونی وابسته به نظم اجتماعی فضاهای مشترک آن است نظم مورد نظر در اینجا ناشی از عملکرد درست فضاهای خدماتی و مکمل (پارکینگ، انباری)، تاسیسات گرمایشی، سرمایشی، بهداشت محیط، کیفیت رسیدگی و راهبری و نگهداری آن ها است در این رابطه نظر «شروود» قابل توجه است: مقررات ساختمانی، تکنیک های ساختاری و احتیاج های ساختمان به صورت قابل توجهی باید به گونه ای فراهم آید که مسکن در هر زمان و در هر فرهنگی قابلیت کاربردی داشته باشد. عوامل ایجاد کننده این نظم، مانند برخورداری هر واحد از یک پارکینگ و انباری در محلی تعیین شده و اختصاصی باعث ایجاد نظم و انضباط در ظاهر مجتمع و همچنین رابطه ساکنان با یکدیگر خواهد شد؛ چراکه باعث کم شدن تنش ها و برخورد های ناشی از بلاتکلیفی یا پارک خودرو در جای دیگری خواهد شد. در نتیجه آسایش روانی، سلامت روابط و خشنودی از همسایگان حفظ خواهد گردید. علاوه بر موارد فوق، عملکرد مناسب سیستم های تاسیساتی (گرمایشی و سرمایشی)، نظافت محوطه و فضاهای مشترک، تاثیر بسزایی در آرامش روانی و آسایش ساکنان و به تبع

آن پایداری اجتماعی خواهد شد.

اقلیم و طراحی شهری

اساساً شناخت هوا و عوامل آب و هوایی از موضوعات مهمی است که از گذشته های دور مورد توجه محققین بوده و در زندگی بشر امروز نیز اهمیت خاصی یافته است. انسان از زمانهای گذشته، به مطالعه شرایط آب و هوایی توجه خاصی معطوف داشته و همواره تلاش داشته تا با جمع آوری اطلاعات و آمار کافی به مطالعات آب و هوا پردازد و بدین طریق اقلیمهای مختلف را بشناسد. «اقلیم از کلمه یونانی کلیم، در فرهنگ لغات آکسفورد، منطقه ای با شرایط مشخصی از دما، خشکی، باد و نور معنی شده است. تعریف کلی و علمی اقلیم را می توان چنین گفت: ترکیب زمانی وضعیت فیزیکی محیط جوی، که ویژگی یک محل جغرافیایی مشخص است. چون هوا وضعیت لحظه ای جوی یک محل معین است، اقلیم را نیز می توان چنین تعریف نمود: ترکیب زمانی اوضاع هوا» (کوانیز برگر، ۱۳۶۸، ص ۷).

اگرچه از پدید آمدن سیستم های طبقه بندی که براساس داده های آماری و متکی به روش و سیستم خاصی می باشد زمان زیادی نمی گذرد، ولی ارائه سیستم های متعدد طبقه بندی اهمیت طبقه بندیها را روشن تر می سازد. علاوه بر آن مقصود از هر سیستم طبقه بندی به دست آوردن شکل موثری از اطلاعات ساده شده می باشد که منجر به تشریح و تعیین حدود انواع اقلیم به شکل عددی و تجربی می گردد (فریفته، ۱۳۶۶، ص ۳). از آنجا که عوامل طبیعی از قبیل عرض جغرافیایی، وجود ارتفاعات، دوری و نزدیکی به دریا، و مسیر بادهای در نقاط مختلف سطح زمین متفاوت است و نیز از عوامل تأثیرگذار بر اقلیم هستند، لذا تعیین مناطق اقلیمی کره زمین براساس شیوه های طبقه بندی اقلیمی، اهمیت روزافزون این شیوه ها را واضح و آشکار می نماید. علاوه بر این طبقه بندی اقلیمی، شناخت اقلیم و توانهای طبیعی و

محدودیت‌های هر منطقه را مشخص می‌سازد و با توجه به این شیوه‌ها، ضمن شناخت شرایط جوی مناطق مختلف می‌توانیم از اصول مربوط به آن در طراحی و عمران و توسعه نواحی کمک گرفت.

دمای هوا و طراحی شهری اقلیمی

شاخص دما در بین عوامل متعدد اقلیمی دارای اهمیت فوق العاده است، به گونه‌ای که هیچ بررسی علمی آب و هوا بدون دخالت این عامل امکان پذیر نیست. دما از فاکتورهای اصلی طبقه‌بندی‌های اقلیمی و موثر بر زندگی گیاهی و جانوری می‌باشد. علاوه بر موارد فوق عوامل دیگری مانند عرض جغرافیایی، توپوگرافی منطقه، نوع و جنس پوشش زمین، سیستم‌های جوی حاکم در تعیین دمای یک منطقه تأثیر دارند. به طور خلاصه می‌توان گفت شرایط حرارتی در هر ناحیه وابسته به خصوصیات تابش، زمین و عوامل مربوط به انتقال انرژی است (جعفرپور، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴). نقش درجه حرارت در شکل‌گیری و توسعه شهرها و نقاط مسکونی، تأثیر به‌سزایی دارد. درجه حرارت بالا، نوع خاصی از شهرها و روستاها و اماکن مسکونی را ایجاد می‌کند. پراکندگی و گسترده بودن اماکن مسکونی و حتی میزان مساحت چنین واحدهایی به تأسی از درجه حرارت است. وجود بادگیرها یا ایوانها، پنجره‌های مقابل هم، جنس مصالح که عناصر مختلف واحدهای مسکونی را به یکدیگر مربوط می‌سازد، به دلیل احتیاج به تبادلات حرارتی بین اجزاء مختلف ساختمان می‌باشد. در مقابل مساکنی که به ذخیره حرارت بیشتری در طول سال احتیاج دارند، نوع دیگری از بنا، پوشش ساختمانی و تراکم را ایجاد می‌کند.

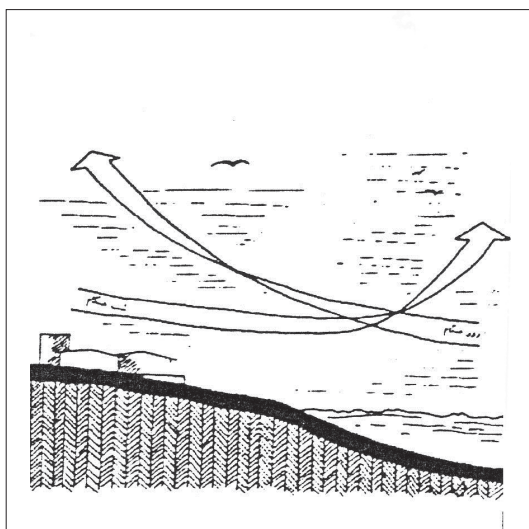
باد و طراحی شهری اقلیمی

باد در روی زمین عامل مهمی برای تبادل گرما، رطوبت و انتقال ذرات ذره بینی و غیرذره بینی از نقطه‌ای به نقطه دیگر است، که این امر از لحاظ اقلیمی در فراهم آوردن آسایش یا اختلال در آن، چه از جهت گرمایی و چه از لحاظ راحتی رفتاری، در

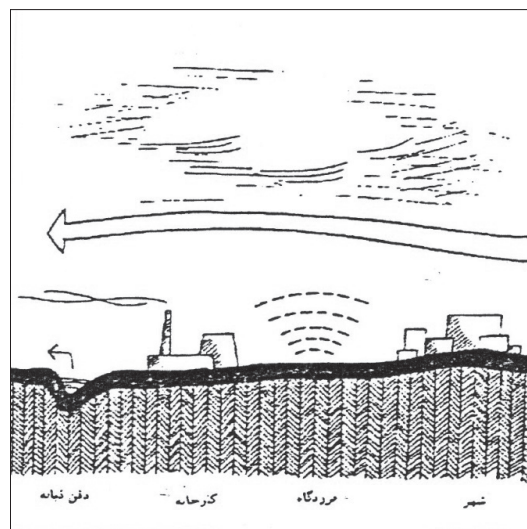
محیط بیرون و درون ساختمان نقش مهمی دارد. باد از جمله پدیده‌های جوی است که رحمت و زحمت آن بر کسی پوشیده نیست. در مناطق گرمسیری و مرطوب نیز از کوران هوا، در مقابل درجه حرارت شدید و رطوبت زیاد، به عنوان راه حل بهره‌گیری می‌شود. موقعیت شهرهای ساحلی آفریقا در کنار دریای مدیترانه به صورتی است که کوچه‌ها و خیابانها در جهت بادهای و نسیمهای موافق دریا قرار گرفته و در نتیجه باد خنک دریا به قلب شهر گرم کشیده می‌شود. ایوانها عموماً در جهت جریانهای خنک باد قرار دارند. در اسپانیا و هندوستان کارکردن تیغه‌های مشبک در ساختمان مرسوم است و به این ترتیب جزئی‌ترین نسیم به داخل ساختمان کشیده می‌شود. در مصر هم خانه‌های به هم بسته شده، باد را از طریق بام می‌گیرند. جهت خانه‌های ایرانی به خصوص در مناطق گرم و خشک با تورفتگی‌های بازی بنام ایوان مشخص می‌شود. در این شهرها برجهای بادگیر نشان ویژه معماری محسوب می‌شوند. شهرها و روستاهای ایران در نواحی کویری و حاشیه کویری تا حد زیادی برحسب موقعیت باد طراحی و بنا شده‌اند، بدین ترتیب که کل شهر، ساختمانها، بازشوها و بادگیرها به سمت باد مطلوب و خنک بنا شده است و پشت به باد گرم و پرگرد و غبار می‌باشند. با این روش، باد مطلوب به داخل شهر و ساختمانهای آن کشیده می‌شود و از خشکی و گرمای هوا می‌کاهد. همچنین ورود بیش از حد گرما و گرد و غبار سد می‌شود. نحوه استفاده از باد در مناطق گوناگون، متفاوت است مثلاً در نزدیکی سواحل دریاها و دریاچه‌های بزرگ نیز یک باد محلی وجود دارد که دوره تناوب آن بیست و چهار ساعته است. در طی روز که آفتاب می‌تابد، سطح زمین سریعتر از دریا گرم می‌شود و در نتیجه هوای مجاور زمین صعود کرده و جای آن را نسیم خنکی از سطح دریا پر می‌کند. در شب هنگام سطح زمین گرمای روز را سریعتر از دست می‌دهد و آب دریا گرمتر از زمین می‌باشد، لذا هوای گرم از سطح

جدول ۱. جدول تقسیمات اقلیمی ایران در رابطه با ساختمانهای معمولی؛ ماخذ: کسمایی، ۱۳۶۹، ص ۱۵. (* گرم کردن فضاهای داخلی ساختمان با استفاده از انواع بخاریها یا سیستمها مکانیکی؛ ** خنک کردن فضاهای داخلی ساختمان با استفاده از سیستمهای مکانیکی)

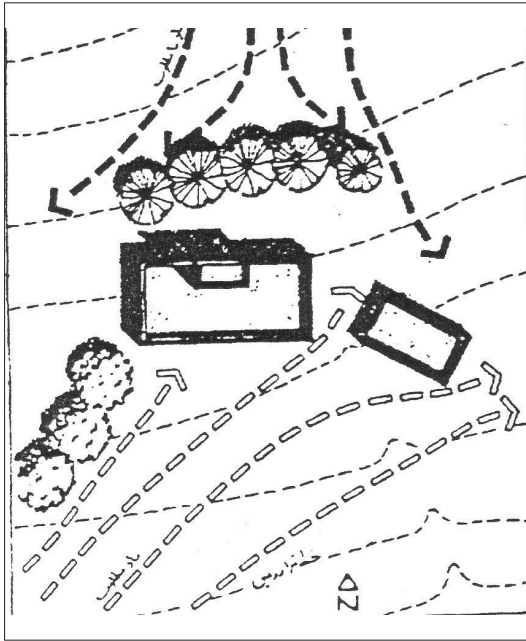
ردیف	نوع اقلیم	شهرهای نمونه	نیازهای حرارتی ساختمان	روش نهایی کنترل هوای داخل ساختمان در زمستان	روش نهایی کنترل هوای داخل ساختمان در تابستان
۱	سرد	تبریز، اراک، خوی	گرم نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در زمستان	گرمایش مکانیکی*	استفاده از عملکرد مصالح ساختمانی
۲	معتدل و مرطوب	بندر انزلی، بابل، رشت	گرم نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در زمستان (دوام و شدت سرما در این اقلیم نسبت به اقلیم سرد خیلی کمتر است)	گرمایش مکانیکی	تهویه طبیعی
۳	نیمه بیابانی	یزد، کرمان، بم، شیراز	تعدیل نوسان روزانه دمای هوا، گرم نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در زمستان، خنک نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در تابستان	گرمایش مکانیکی یا سیستمهای خورشیدی فعال	کولر آبی (سرمایش مکانیکی)**
۴	بیابانی شدید	کاشان، طبس، زابل	خنک نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در تابستان، گرم نگاهداشتن هوای داخل ساختمان در زمستان (به میزان بسیار کمتر از اقلیم نیمه بیابانی)	سیستمهای خورشیدی غیرفعال	سرمایش مکانیکی (تهویه مطبوع)
۵	خیلی گرم	آبادان، اهواز، ایرانشهر	خنک کردن هوای داخل ساختمان در تابستان	استفاده از عملکرد مصالح ساختمانی	سرمایش مکانیکی (تهویه مطبوع)
۶	خیلی گرم و مرطوب (بیابانی ساحلی)	بندرعباس، جاسک، چابهار	خنک و خشک کردن هوای داخل ساختمان در تابستان		سرمایش مکانیکی (تهویه مطبوع + رطوبت گیر)



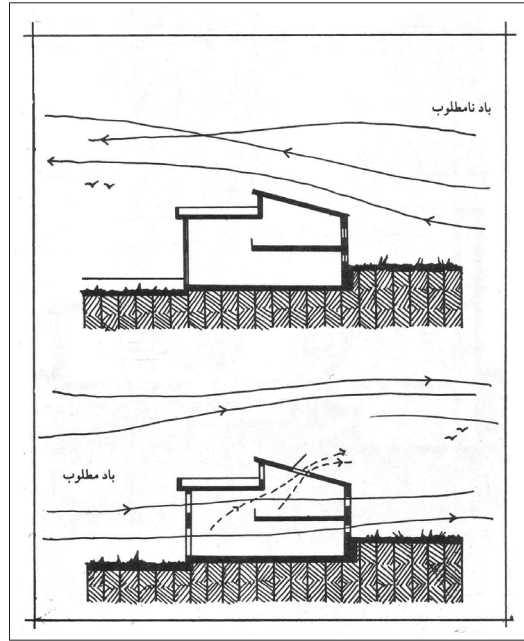
تصویر ۴. تناوب شبانه روزی باد در سواحل دریا؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۹.



تصویر ۳. در نظر گرفتن جهت باد غالب در طراحی شهری؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۹.



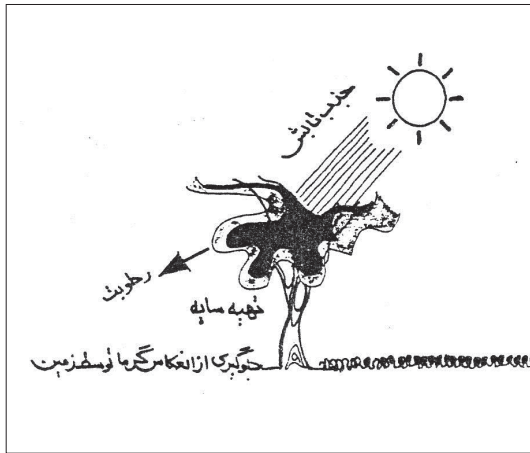
تصویر ۶. هدایت و جلوگیری از جریان هوا در محوطه ساختمان؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰.



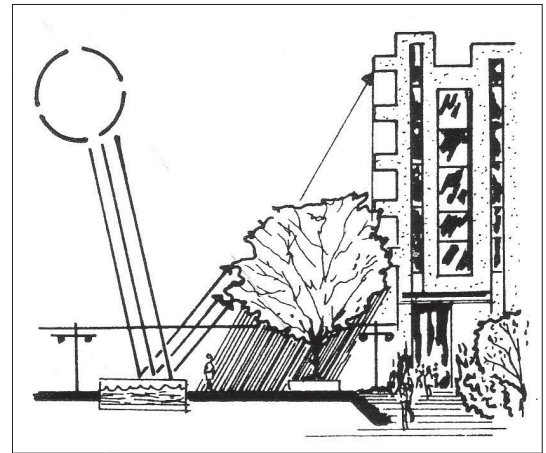
تصویر ۵. طراحی فرم بنا و بازشوها با توجه به جریان هوا؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱.

است. به این منظور با قرار دادن درختان سوزنی برگ (مانند کاج و سرو)، بادشکن، پستی و بلندی زمین، گیاه و ابنیه مجاور، می توان باد مطلوب و مساعد منطقه را به سمت دلخواه هدایت نمود. همچنین فرم بنا و محل قرارگیری بازشوها نیز باید با توجه به باد طراحی شوند، مثلاً در اقلیم سرد باید ساختمان کلاً در مقابل باد سرد محافظت شود. فرم بنا باید به طریقی باشد که باد سرد حداقل اصطکاک با بنا را داشته باشد و به سرعت دور شود. در این قسمت از ساختمان باید از عایق حرارتی ضخیم و یا مصالحی که در مقابل انتقال حرارت مقاوم هستند، استفاده نمود. همچنین باید از تعبیه بازشوهای بزرگ احتراز شود و در اقلیم گرم نیز، ساختمان باید در مقابل باد مزاحم محافظت شود و فرم بنا باید به شکلی باشد که باد مطلوب را به راحتی به داخل ساختمان هدایت کند و بازشوهای بزرگ در این قسمت باشند. جهت تهویه داخل بنا، خصوصاً در اقلیم گرم مانند مناطق جنوبی کشور بهتر است تهویه دو طرفه باشد و جریان هوا از یک سمت وارد و از سمت دیگر و یا سقف اتاق خارج

دریا صعود می کند و جریان مخالف روز از روی زمین به سمت دریا جریان پیدا می کند. این باد ملایم تا چند کیلومتری ساحل محسوس می باشد و چون جهت آن مشخص است، می توان از آن جهت تهویه ساختمان و محوطه اطراف آن استفاده نمود. توجه به این مطلب لازم است که ارزیابی جهت و شدت باد غالب در تقسیم بندی عملکردها و طراحی شهری اهمیت ویژه دارد، یعنی باد در انتقال صوت، آلودگی هوا و بو بسیار موثر است. لذا قسمتهایی از شهر که عامل تولید آلودگیهای فوق می باشند، مانند فرودگاهها، کارخانجات و محل دفن زباله ها نه تنها باید در خارج از شهر، بلکه در سمتی باشند که باد غالب منطقه ابتدا از سطح شهر عبور کند و بعد به این قسمت ها برسد. لیکن استفاده از باد در طراحی محوطه و ساختمان نقش تعیین کننده ای ایفا می کند و باد باید به طور صحیح هدایت و کنترل شود. به عنوان مثال در اقلیم سرد باید جلوی بادهای سرد زمستانه سد شود و در اقلیم گرم باید از کار با طراحی صحیح محوطه و فرم بنا امکان پذیر



تصویر ۸. درخت علاوه بر تهیه سایه، با وارد کردن رطوبت در هوا و پایین آوردن درجه حرارت و کاهش انعکاس گرمای زمین در اقلیم گرم و خشک اهمیت فراوان دارد؛ ماخذ: توسلی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۷.



تصویر ۷. جلوگیری از انعکاس توسط درخت؛ ماخذ: روحانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶.

شود. در صورتیکه بین طبقات ساختمان فضاهای ارتباطی باز وجود داشته باشد، هوای گرم به طبقات بالا صعود می کند و با تعیبه یک بازشوی بزرگ در طبقه آخر می توان یک جریان طبیعی هوا از پایین به بالادر داخل ساختمان ایجاد نمود. با قراردادن یک هواکش مکانیکی در بازشوی ذکر شده، میزان تهویه افزایش می یابد. تهویه طبیعی ساختمان در ابنیه سنتی ایران مورد استفاده بسیار داشته که بارزترین نمونه آن بادگیر است که در مباحث آینده به طور مفصل به توضیح آن پرداخته می شود. (قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۸-۱۱).

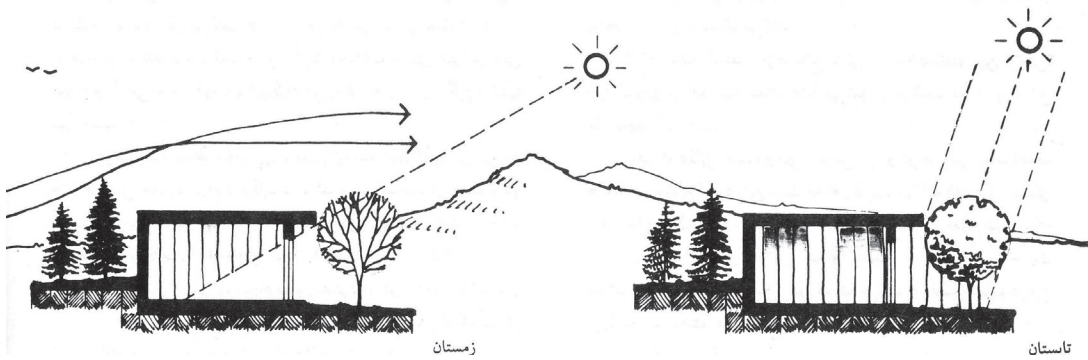
رطوبت و طراحی شهری اقلیمی

از مهمترین عواملی که باید در طراحی اقلیمی مورد توجه قرار گیرد، میزان رطوبت موجود در هواست. رطوبت مقدار آبی است که به شکل بخار در هوا وجود دارد و توسط تبخیر آب اقیانوسها و دریاها و نیز گیاهان حاصل می شود و به وسیله جریان باد و هوا به بقیه قسمتهای سطح زمین منتقل می گردد. هرچه دما بیشتر باشد هوا بخار آب بیشتری را در خود جای می دهد بنابراین با توجه به متفاوت بودن دمای قسمتهای مختلف زمین، رطوبت مناطق مختلف نیز متفاوت است. رطوبت هوا گاه مطلوب و گاه کم بودن یا زیادبودن آن نامطلوب است. وجود منابع آب در اقلیم منطقه (Macro Climate) می تواند

باعث اعتدال درجه حرارت در طی شبانه روز شود و نیز در داخل ساختمان نیز به عنوان یک اقلیم کوچک (Micro Climate) آب می تواند نوسان درجه حرارت را کاهش دهد. به همین منظور در خانه های خورشیدی جدید، از شبکه های آب جهت کسب و ذخیره حرارت در طی روز و تأمین حرارت در شب هنگام استفاده می شود.

گیاه و منظر و طراحی شهری اقلیمی

برای محوطه سازی در مناطق گرم و خشک باید به این مورد توجه داشت که با نشاندن درخت در محوطه و در فاصله ای نزدیک به ساختمان، به خصوص در جنوب شرقی و جنوب غربی، می توان بر سطوح خارجی ساختمان سایه مناسبی ایجاد نمود. ولی در مورد نمای جنوبی ساختمان که آفتاب را در اواسط روز دریافت می کند و چون در این زمان پرتوهای خورشید تقریباً عمودی است به همین دلیل درختها قادر به ایجاد سایه نیستند. گیاهان گرما و سرمای فوق العاده را تا حدی تعدیل می کنند. همچنین اگر نور خورشید بر سطح آب بتابد، به ساختمان مجاور منعکس می شود که با کشت درخت در مکان مناسب از برخورد این نور زنده به چشم ناظر ممانعت می شود. به طور کلی



تصویر ۹. جلوگیری از تابش خورشید در تابستان با درختان پهن برگ و کاهش باد سرد و استفاده از انرژی خورشید در زمستان؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۲۴.

گیاهان مانند عناصر جاذب نور و حرارت و صدا عمل کرده و تا حدی به رفع آلودگی هوا کمک می کنند. رطوبتی که در نتیجه تعریق برگها در هوا منتشر می شود در پایین آوردن درجه حرارت موثر است، به علاوه مواد آلی بیش از مواد معدنی نور را جذب کرده و کمتر منعکس می کنند و به همین دلیل است که می بینیم در تابستان مرکز شهرها اقلاده درجه با مناطق بیابانی اختلاف درجه حرارت دارد (روحانی، ۱۳۷۱، ص ۹۲).

از خصوصیات درختان، هدایت و کاستن از شدت باد است. این امر در مناطقی که باد نامطلوب از یک سمت به خصوص جریان دارد بسیار موثر است. در مناطق حاشیه کویری که باد از سمت کویر به طرف شهر و یا روستا می وزد، معمولاً در همان سمت درختکاری می کنند که علاوه بر جلوگیری از حرکت شن و ماسه به طرف نواحی مسکونی، جلوی باد کویری تا حدود زیادی گرفته می شود. امروزه یکی از بهترین روشها برای تثبیت شنهای روان کاشتن گیاهان کویری است. به طور کلی درختان را جهت استفاده در محیطهای مسکونی می توان به دو دسته تقسیم نمود: درختان همیشه سبز و یا سوزنی برگ مانند کاج و سرو و درختان برگ ریزان یا برگ پهن که برگ خود را در فصل پاییز از دست میدهند. از درختان سوزنی برگ جهت سد نمودن یا هدایت بادهای زمستانی می توان استفاده نمود زیرا این

درختان در زمستان حالت طبیعی خود در تابستان را دارند و در صورتیکه به صورت فشرده و نزدیک به هم کاشته شوند مانع بسیار خوبی در مقابل بادهای زمستانی هستند و توسط آنها می توان ساختمان و محیط اطراف آن را در مقابل این بادهای حفظ نمود. از طرفی با کاشتن درختان برگ ریزان در سمت جنوبی بنا، در عین استفاده از سایه در تابستان، می توان از تابش گرم آفتاب در زمستان بهره گیری کرد. بوته های کوتاه نیز در هدایت باد موثر می باشند و سطوح کوتاه گیاهی مانند چمن از انعکاس بیش از حد آفتاب به داخل بنا جلوگیری می کنند.

در مجموع از کاشت گیاه نتایج زیر حاصل می شود:

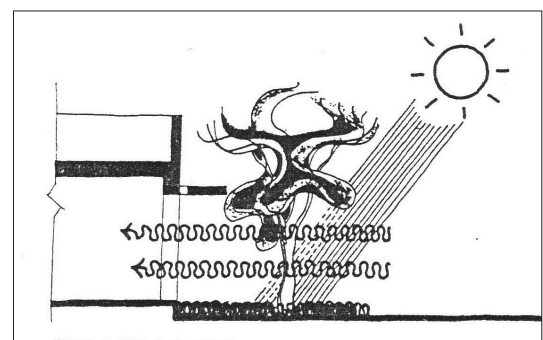
- ۱- کنترل تابش خورشید و درجه حرارت: پوشش گیاهی بازتاب یا انعکاس مجدد اشعه خورشید را زیاد می کند، در صورتیکه آسفالت و سطوح تیره رنگ انعکاس را کم کرده و میزان جذب اشعه را زیاد می کند. این تفاوتها به علاوه تأثیر خنک کننده تبخیر و تعرق برگها باعث بروز اختلاف درجه حرارت یک خیابان در یک شهر بزرگ و پارک می باشد. تابش مستقیم نور خورشید تأثیر بر راحتی و ناراحتی بشر می گذارد. شاید موثرترین خاصیت گیاهان در روزهای گرم و آفتابی سایه و سایبانی است که ایجاد می کنند. مقدار سایه ایجاد شده را می توان با انواع گیاهان انتخاب شده کنترل نمود.

۲- کنترل باد یا جریان هوا: جریان باد تأثیر مستقیمی بر میزان تحمل درجه حرارت و رطوبت محیط زیست انسان دارد. نسیمی ملایم در روزهای گرم و مرطوبت تابستانی لذت بخش است ولی بادهای شدید و دایمی، محیطی نامطلوب ایجاد می کند. طراحان می توانند از گیاهان برای جلوگیری و هدایت و تشدید باد استفاده کرده و اقلیم نامناسب را تعدیل نمایند.

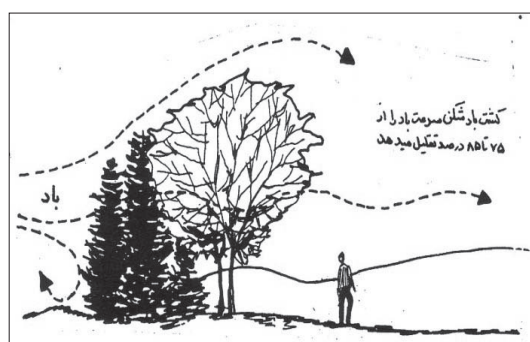
قرنهایست که از گیاهان برای کاستن شدت باد (بادشکن) استفاده می شود. میزان کاهش و تغییر جهت باد بستگی به ارتفاع و تراکم و فرم و پهنای گیاهان کشت شده دارد، ولی ارتفاع گیاه مهمترین عامل تعیین کننده، میزان حفاظت است. به طور کلی بادشکن نسبتاً متراکم فضای بیشتری را از بادشکن های خیلی متراکم محفوظ می دارد. بادشکن های باریک به خوبی بادشکن های عریض عمل می کنند ولی کشت فقط یک ردیف درخت برای جلوگیری از وزش باد زیاد موثر نبوده و تراکم مورد نیاز را برآورده نمی کند. از نتیجه مطالعات فراوان متخصصان چنین نتیجه گیری شده است که درست در عقب بادشکن مسافتی به اندازه پنج برابر ارتفاع بادشکن، بالاترین درجه کاهش باد به دست می آید. بعد از این مسافت باز شدت باد افزایش یافته و در مسافتی

مساوی با ۳۰ برابر ارتفاع بادشکن حفاظ بسیار مختصر و ناچیزی به دست می آید. از گیاهان برای هدایت وزش باد نیز می توان استفاده کرد. بدین معنی که به وسیله گیاهان ضمن تعدیل شدت باد می توان مسیر جریان هوا را به سوی منطقه مورد نظر هدایت نمود. چون جهت و شدت وزش باد در فصول مختلف سال تغییر می کند، موانع گیاهی را می توان طوری برگزید که به عنوان بادشکن و در تابستان، هادی جریان هوا به محوطه مورد نظر باشد. از درختچه ها نیز برای ایجاد فضای محفوظ و تعیین مسیر وزش باد استفاده می شود، در موقع انتخاب گیاهان بادشکن تنوع در رنگ و ترکیب و فرم گیاه نباید فراموش شود. در ضمن اگر نیاز به حفاظی زمستانی هست بهتر است گیاهان دائمی به کار رود.

۳- کنترل ریزش باران و رطوبت هوا: گیاهان پناهگاه های ضدباران نیستند، ولی در بارندگی های خفیف کمی حفاظت ایجاد می کنند. مقدار متناهی از قطرات باران روی برگ ها جمع شده و بعد از مدتی به زمین می رسد لذا درختان محافظ موقتی ایجاد می کنند. تأثیر گیاهان بر رطوبت منطقه و تعدیل آب و هوای اقلیم ناحیه اهمیت فراوان دارد و گیاهان مقدار زیادی آب را از طریق تبخیر و تعرق به هوای محیط می دهند. هرچه سطح برگ ها بیشتر باشد رطوبت بیشتری به محیط افزوده می گردد. در ضمن سایه ای که درختان مذکور ایجاد می کنند،



تصویر ۱۰. پوشش گیاهی نزدیک و مجاور اتاق قرار دارد که گرمای تابشی را جذب می کند و از انعکاس آن به داخل اتاق جلوگیری می کند و نیز با عبور جریان خفیف هوا از میان شاخ و برگ درخت، هوای خنک به داخل می رود؛ ماخذ: توسلی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۷.



تصویر ۱۱. بخشهای محفوظ از باد بستگی به ارتفاع بادشکن دارد؛ ماخذ: روحانی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰.

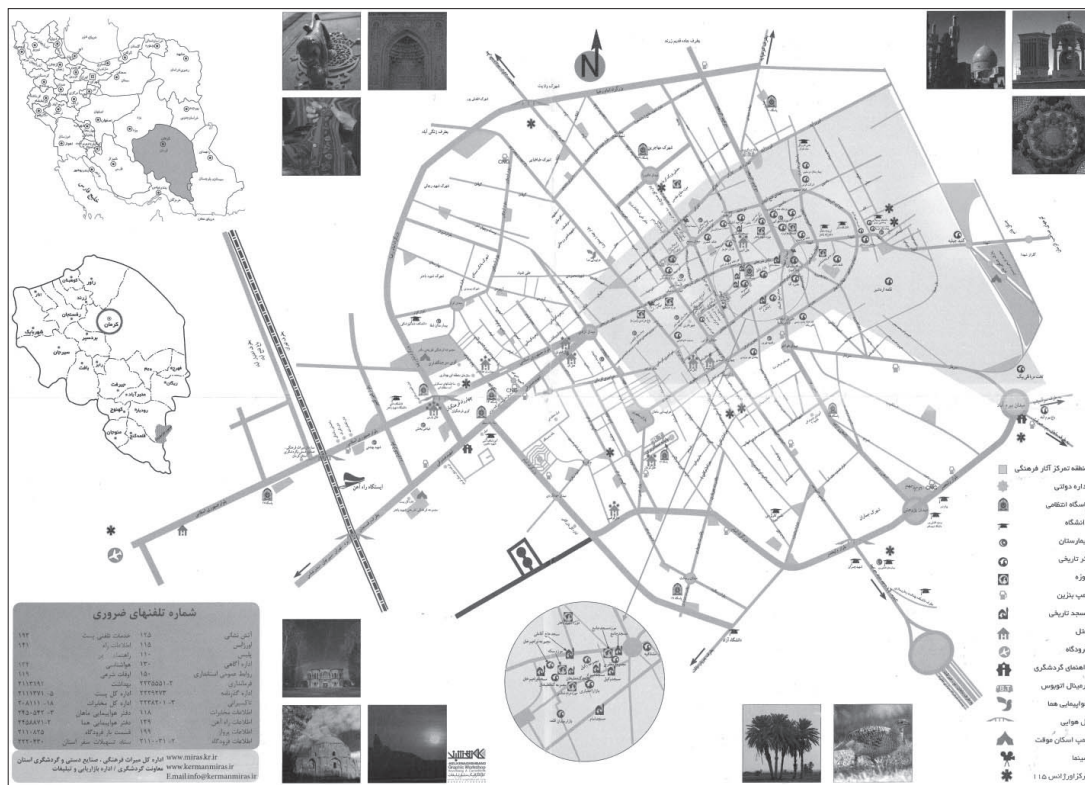
به علاوه رطوبت حاصله از تبخیر باعث بروز اختلاف درجه حرارت بین شهرها و جنگل ها می شود. گیاهان نور را جذب کرده و آن را به آهستگی (سرعت کم) به محیط باز می گردانند، درجه حرارت های فوق العاده را کاهش می دهند. حال آن که سطوح ساخته انسان مقدار زیادی از حرارت و نور طبیعی محیط را گرفته و آن را به سرعت به همان محیط باز می گرداند (روحانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۷-۱۶۱).

بیان یافته های تحقیق

بررسی ویژگی های مسکن بومی در شهر کرمان

توجه به طراحی اقلیمی ساختمانها از یک سو تامین کننده شرایط حرارتی مناسبتر و آسایش بهتر برای انسان است؛ و از سوی دیگر در مصرف انرژی و صرفه جویی در آن تاثیر شگرفی دارد. ساکنان هوشمند کرمان در گذشته ای دور با فقدان امکانات و وسایل تکنولوژیکی امروزین چنان به این امر توجه کرده اند که بسیاری از ساختها و آفریده های دست معماران آنها راه حل های استادانه و شایان

مطالعه دقیق تلقی می شوند. اساساً شهر کرمان در چنبره ای از شرایط طبیعی، جغرافیای حاد، چه در زمستان و چه در تابستان، و زمین شناسی خاص از نظر تغذیه به وجود آمده و طی قرون متمادی برای بقای خود تلاش کرده است. شاید در میان شهرهای کویری و حاشیه کویری ایران، شهر کرمان بیشترین همبستگی و تواضع را در برابر طبیعت، به خصوص شرایط خشن اقلیمی، داشته باشد. این شهر با مشکلاتی چون گرمای تابستان، سرمای زمستان، نوسان بالای دمایی، خشکی بیش از حد هوا، بادهای همراه با سوز سرد زمستان و گرد و غبار و گرمای سوزان تابستان مواجه بوده است. به عبارت دیگر این منطقه اقلیمی خشن و ناسازگار داشته که هیچ گاه روی خوش به ساکنان خود نشان نداده است. در چنین شرایطی، مجموعه های مسکونی به عنوان سرپناه انسان در برابر عوامل جوی، نقش خاصی می یابند. در زمینه میزان تاثیر پذیری خانه های سنتی از شرایط جوی، مطالعات متعددی در سطح



نقشه ۱. نقشه شهر کرمان؛ ماخذ: <http://ashnayeghadimi.persiangig.com>

کشور انجام گرفته است. با توجه به اینکه وسعت زیادی از کشور ما تحت استیلای شرایط گرم و خشک آب و هوایی است در ای مناطق الگوهای معماری سنتی دست نخورده، تقریباً به وفور یافت می‌شود. از قرائن به دست آمده چنین بر می‌آید که آب و هوا تاثیر بسیار شگرفی بر ساخت و کالبد شهر کرمان به ویژه مجموعه‌های مسکونی سنتی به جا گذاشته است. معماران قدیمی به علت فقدان امکانات تکنولوژیکی امروزی، همواره در صدد سازگاری با شرایط اقلیمی بوده‌اند. اما متأسفانه با ورود فرهنگ معماری غربی، ارزان بودن سوخته‌های فسیلی، پیشرفت تکنولوژی ساختمان سازی و از خود بریدن فرهنگی موجب شد تا بافت جدید و ناتوان در برابر شرایط جوی شکل گیرد. در حالیکه معماری سنتی کرمان می‌تواند الگوی شایان توجهی در رعایت اصول معماری جدید این شهر باستانی باشد. این شهر از گذشته‌های دور بنا به گفته افراد مسن این منطقه، زمانی از خشک سالیهای پی در پی و وقوع طوفانهای شن و زمانی از زمستانهای سهمگین و نزول برف در رنج بوده است. با توجه به مطالعات اقلیمی، شدت گرمای هوا در تابستان گاه به بیش از ۴۰ درجه سانتیگراد می‌رسد و این در حالی است که شدت سرمای زمستان در بعضی سالها به منهای ۲۰ درجه سانتیگراد نیز رسیده است. گرمای خشک و شدید تابستان نیز با وزش بادهای تند و سوزان و گاه همراه با غبار شدت می‌یابد. وجود کوچه‌های عمیق و باریک و سرپوشیده به خوبی ساکنان شهر را از آفتاب سوزان و تاثیر بادهای غبار آلود محافظت می‌کند. ساباطها بر فراز کوچه‌های تنگ و باریک شهر باعث تامین بیشتر سایه بر سطح کوچه‌ها می‌شوند. کرمان شهری باستانی است که طی بیش از هزار سال با این اوضاع مبارزه کرده و سربلند و استوار به زندگی خود ادامه داده است. معماران سنتی هوشمند کرمان مانند ساکنان دیگر نواحی کویر، در ساخت محیط مسکونی خود، اصولی را رعایت کرده‌اند که علاوه بر فایق شدن بر اوضاع ناموافق

محیطی، فضایی بهشت گونه را در دل کویر تفتیده فراهم کرده اند که تصور آن بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. در ادامه به برخی از موارد قابل ذکر در این رابطه اشاره می‌شود:

۱. «بازتاب آفتاب و گرمای خورشید»: اولین اصلی که این مردم به آن واقف بوده‌اند، مساله بازتاب گرمای خورشید از خاک خشک و سوزان کویر بوده است. به همین دلیل شهر خود را در کمربندی سبز و خنک از زمینهای زراعی و باغها قرار داده‌اند.
۲. «جهتگیری ساختمان»: دومین اصلی که ساکنان کرمان در ساخت شهر خود به آن توجه کرده‌اند، جهتگیری صحیح مجموعه است. وجود بادهای ناموافق خشک و سوزان، از نواحی جنوبی و بادهای سرد و سوزآور از نواحی غربی آنان را بر آن داشت که شهر خود را در جهت باد مطبوع شمال و شمال غربی قرار دهند.
۳. «جلوگیری از باد و گرمای شدید»: سومین اصل، جلوگیری از نفوذ گرما و سرمای شدید تابستان و زمستان و بادهای ناموافق به داخل بافت مسکونی بوده است. این مردم آگاه طی سالیان دراز زندگی در شرایط دشوار، دریافته‌اند که اگر ساختمانهای همچون انسانها چنان چه دست به دست هم دهند و با هم متحد شوند، مشکلات سهمگین را از پیش پا بر خواهند داشت. به همین دلیل بافت مسکونی را به هم فشرده و متراکم ساخته‌اند.
۴. «سرپناه عابران پیاده»: چهارمین اصل حفاظت از عابران در داخل مجموعه بوده است. وجود معابر غیرمستقیم، پرپیچ و خم و سرپوشیده بودن بخشهایی از آن، از یک طرف مانع نفوذ بادهای مزاحم بوده و از طرف دیگر به دلیل عمق زیاد، بیشترین سایه را تامین کرده است.
۵. «تامین هوای مطبوع»: پنجمین اصلی که مردم کرمان به آن واقف بوده‌اند. تامین هوای خنک و مطبوع برای هر واحد مسکونی بوده که با محفوظ کردن حیاطهای عمیق و تفس خانه‌های به هم فشرده از داخل این حیاطها امکان پذیر شده است.

حیاطها که از همه طرف با فضاهای سرپوشیده محصور شده اند، همچون گودالی هوای خنک شب را در خود ته نشین می کنند و در روز گرم مورد استفاده قرار می دهند. عمیق بودن این حیاط به سایه دار بودن آن نیز کمک می کند.

۶. «برودت تبخیری آب»: ششمین اصلی که مردم کویرنشین کرمان به آن توجه کرده اند خشکی هوا و امکان خنک کردن آن به کمک برودت تبخیری آب بوده است. این آگاهی به صورت استفاده از باغچه و حوض آب و فواره در خانه ها جلوه می کند.

۷. «هوای مطبوع حیاط مرکزی»: هفتمین اصل، کشیدن هوای مطبوع حیاط و محیط خارج به داخل اتاقهاست. بادهای شمالی و شمال غربی کرمان از جمله بادهای مطبوعی هستند که در تابستان به مدد ساکنان این شهر شتافته اند. معماران بومی کرمان با ابداع زیباترین بادگیرها این هوای مطبوع را به داخل اتاقها کشیده و بخش تابستان نشین خانه را دلنشین کرده اند. از آنجا که این بادهای در بسیاری از موارد با گرمای نسبی نیز همراه بوده، با ساختن حوض هایی در قسمت تابستان نشین بادهایی را که از بادگیر عبور می کردند از روی این آبها عبور می دادند و بدین صورت موجب تعدیل درجه حرارت آن می شدند.

۸. «استفاده بهینه از گرمای آفتاب»: هشتمین اصل استفاده بهینه از گرمای آفتاب، یا به عبارتی دیگر حفظ فضای داخلی از گرمای ناخواسته خورشید در تابستان و بهره مند بودن آن از گرمای مطبوع زمستان است. در این شهر اتاقهای رو به جنوب شرقی و جنوب بهترین موقعیت را از نظر جذب گرمای خورشید در زمستان دارند. ضمن اینکه پنجره های این اتاقها در اکثر مواقع سرد، آفتاب مطبوع را به داخل اتاق می کشانند.

۹. «استفاده از مصالح بوم آورد»: نهمین اصل، حفظ خنکی هوای اتاق در تابستان و حفظ گرمای آن در زمستان است که در چنین محیط نامساعدی با مشقت فراوان به دست آمده است. آنچه در

این خصوص معماران بومی را به تفکر و داشته استفاده از مصالح مناسب و در عین حال موجود در منطقه است. استفاده از دیوارهای خشتی ضخیم و سقف های به ناچار منحنی خشتی، که تنها مصالح قابل دسترس در کویر بوده است

با بررسی و تحلیل کالبد تعدادی از منازل مسکونی (منزل شاهرخ خان، منزل هرندی، منزل موحدی و منزل اعظمی) در محلات شهر کرمان نکات زیر قابل بررسی است:

جهت گیری مسکن بومی

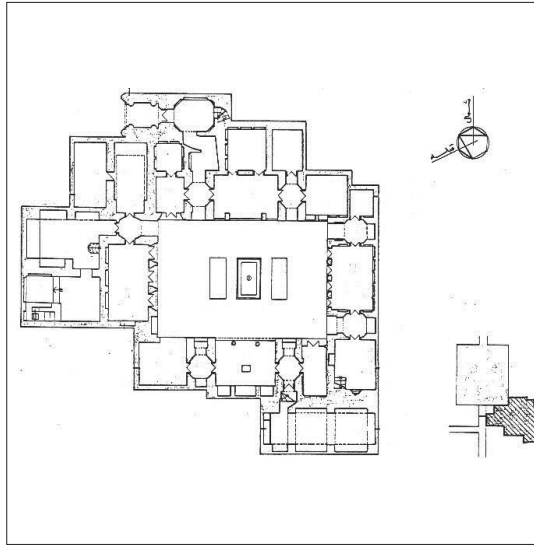
جهت گیری خانه های کرمان از جهت کل شهر که به «رون کرمانی» معروف بوده است، پیروی می نماید. رون کرمانی که زمستان آفتاب نمی گیرد، جهت شرقی غربی دارد، که یکی از دلایل انتخاب آن وجود کوه های کرمان است. همچنین علل دیگری از قبیل شیب کلی شهر، جهت قنوات و آب های شهر و تقسیمات زمین در جهت گیری شهر و محلات مسکونی آن نقش داشته اند.

موقعیت خانه های مسکونی

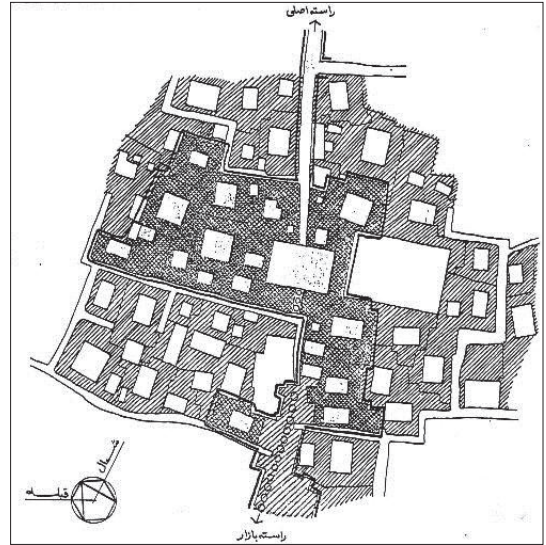
الف- همجواری: همجواری خانه های مسکونی در بافت یکنواخت شهر به طرق مختلف تامین می شود، که پاره ای از آن ها عبارتند از: «۱. همجواری از طریق فضای باز مرکز محله و باز شدن ورودی خانه به تکیه های مرکز محله، ۲. همجواری از طریق راسته های پیاده داخل محلات؛ نقاط عطفی که ورودی خانه را مشخص می سازد؛ ۳. همجواری از طریق هشتی، دالان و بن بست های اختصاصی که درب چند خانه به آن باز می شود.»

ب- مستقل بودن: خانه های همجوار با وجود ایجاد ارتباط و تامین همسایگی به دلیل شکل پلان و نحوه ترکیب احجام بوجود آورنده خانه، هر کدام از استقلال لازم برخوردارند.

ج- امنیت: به دلیل بافت منسجم اجتماعی در محلات قدیمی شهر و ارتباط نزدیک ساکنین با یکدیگر محلات مسکونی از امنیت کافی برخوردار بودند، که این امنیت در حال حاضر به دلیل به



تصویر ۱۳. منزل شاهرخ خان، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۹.



تصویر ۱۲. محله تکیه شاهرخ، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۹.

حیاط های متعدد است، حیاط اندرونی، حیاط بیرونی و حیاط نارنجستان تقسیمات اصلی خانه را تشکیل می دهند؛ که هر کدام عملکرد خاص خود را در خانه داشته اند. فضاهای سرپوشیده خانه با کیفیت چندعملکردی و با حرکت انسان در فصول مختلف سال در جهات مختلف حیاط شرایط آسایش ساکنین را فراهم می کرده است. در نوع دیگری از خانه های کرمان که تنها یک حیاط دارند و از امکانات محدودتری برخوردارند، روابط درونی خانه تامین کننده فضاهایی با عملکرد بیرونی و اندرونی است. در معماری خانه های کرمان مانند خانه های اغلب شهرهای قدیمی ایران با توجه به کیفیت چندعملکردی فضاهای مختلف خانه، بر خلاف معماری جدید، نامگذاری اجزا خانه بر اساس نوع فضای معماری است مانند هشتی، دالان، ایوان و تالار. خانه های کرمان اغلب یک طبقه و در موارد نادری دارای بالاخانه هستند؛ به همین دلیل اتاق های مجاور حیاط از نور حیاط استفاده می کنند و اتاق های بعدی، معمولاً از سقف نور می گیرند. اتاق های مجاور حیاط معمولاً شلوغ تر و اتاق های بعدی مکان های خلوت تر خانه را تشکیل می دهند. اتاق های گرم و سرد خانه را، در فصول

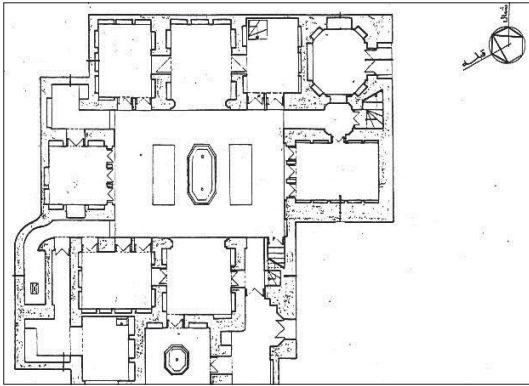
هم خوردن نظام اجتماعی محلات و مهاجرت و تخلیه بافت از افراد بومی و جایگزینی آن ها توسط مهاجرین فصلی و افاغنه کاهش پیدا کرده است.

پلان مسکن بومی

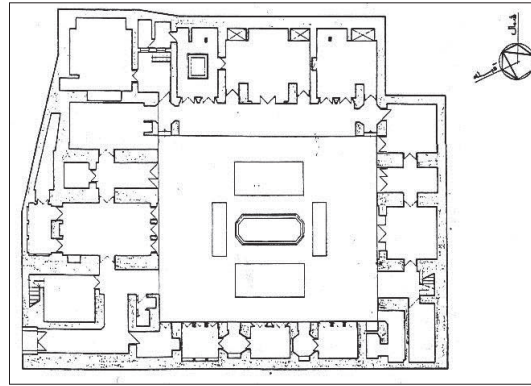
شکل نقشه در خانه های مختلف کرمان چه در محلات مسلمان نشین و چه در محلات یهودیان و زرتشتیان به شکل «چهارصفه» می باشد و از جهت ترکیب پلان تفاوت عمده ای مابین آن ها دیده نمی شود. در تمامی خانه ها حیاط به عنوان عامل ارتباط و تامین کننده نظام کلی خانه در مرکز آن جای می گیرد و کلیه ارتباطات خانه از طریق حیاط انجام می شود. تنها تفاوتی که بین خانه های محلات مختلف کرمان دیده می شود، تفاوتی منتج از عوامل اجتماعی - اقتصادی است، بگونه ای که در محله زرتشتیان خانه های بسیار وسیع و در محله یهودیان که از امکانات مالی کمتر و شرایط اجتماعی سخت تری برخوردار بوده اند، خانه ها با مساحت خیلی کم، و در محلات مسلمان نشین تراکم ساختمانی در حد تعادل است.

عملکرد

عملکرد خانه ها بسته به وسعت آن ها متفاوت بوده است. در گونه ای از خانه های کرمان که دارای



تصویر ۱۵. منزل اعظمی، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا.



تصویر ۱۴. منزل موحدی، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۹.

غیر از تقسیماتی که از داخل هشتی به بعضی از اتاق‌های بیرونی یا پله بام خانه انجام می‌شود، انتهای مسیر به گوشه‌ای از حیاط که فضای تقسیم اصلی خانه را تشکیل می‌دهد، ختم می‌شود.

۳. «حیاط»: حیاط مرکزی، فضایی است که از تجمع کلیه عناصر اصلی خانه در اطراف آن شکل می‌گیرد، و به غیر از تامین نیاز ساکنین به درونگرایی و ارتباط داخلی خانه، نور و هوای فضاهای اطراف خود را تامین می‌کند. حیاط با داشتن اجزایی چون حوض، باغچه و دیوارهای اطراف که سایه در حیاط را تامین می‌کنند، در اقلیم گرم و خشک کرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حیاط هوای سرد شب و بامداد را تا مدتی در خود حفظ کرده و از هجوم گرمای روز می‌کاهد. به همین سبب در خانه‌های ایرانی اگر وسعت زمین زیاد باشد، به جای افزودن بر وسعت حیاط، آن را به چند حیاط کوچک تقسیم می‌کنند. فضای حیاط و اندرون در معماری ایران فضایی مثبت است، که در تقابل با نظری است که حجم ساختمان در فضای باز را، عنصر مثبت قلمداد می‌کند. انواع حیاط در خانه‌های سنتی کرمان که بر اساس نیازهای مادی و معنوی و رعایت سلسله مراتب عرصه‌های خصوصی و عمومی درون و بیرون خانه شکل گرفته است، عبارت است از نارنجستان، بیرونی و اندرونی.

(۱-۳) «حیاط نارنجستان»: حیاطی است بسیار

مختلف سال، نحوه تابش آفتاب به آن‌ها تعیین می‌کند. در مواردی خانه‌های بزرگ قدیمی با تغییر نحوه زندگی خانوادگی و تفکیک بیشتر، در جمعیت خانوار به خانه‌هایی مجزا تقسیم شده و به تفکیک استفاده می‌شوند.

ترکیب فضاها و احجام

ترکیب فضاهای مختلف خانه و شکل یابی نهایی آن با استفاده از اجزای عملکردی مورد نیاز، بر اساس مفاهیم و الگوهای متداول معماری ایران صورت گرفته است. تلفیق عناصر خانه بر اساس پیمون و نظام هندسی دقیق و به کارگیری اصل درونگرایی و مرتبط ساختن کلیه عناصر مذکور با ایجاد حیاط مرکزی و استفاده از ایوان سرپوشیده و سرباز در جهات مناسب حیاط، و به کارگیری روش‌های ساختمانی بسیار غنی در پوشش فضاهای خانه، شکل نهایی احجام را به وجود می‌آورد.

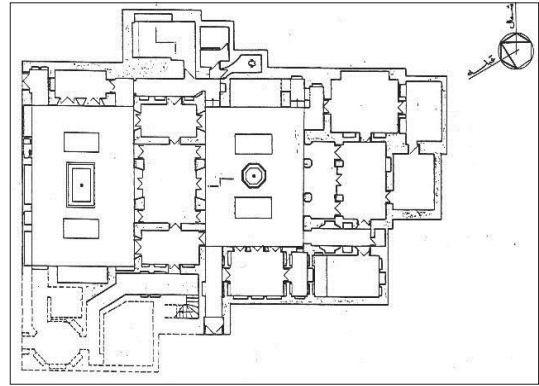
عناصر تشکیل دهنده خانه

۱. «ورودی»: سردر خانه‌های کرمان در گذرهای شهر قدیم نقاط عطف کوچه‌ها و نشانگر نقطه شروع ورود به خانه است، که با اجزایی چون پیرنشین، تزئینات سردر و درب چوبی، روکوب و کلون زنانه و مردانه شکل‌های مختلفی را به خود می‌گیرد.

۲. «هشتی و دالان»: هشتی و دالان با تنوع زیادی در خانه‌های کرمان نقش هدایت انسان از فضای بیرونی خانه به فضای درونی را انجام می‌دهد. معمولاً به



تصویر ۱۷. برش از منزل موحدی، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا.



تصویر ۱۶. منزل هرندی، ماخذ: جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا

رابط بین اتاق هاست. اتاق های خانه ایرانی از جمله کرمان، به جز چند فضای مشخص مثل مطبخ و پستو- چند عملکرد را یکجا در خود جای می دهد و معمولاً اتاق با نام عملکرد آن خوانده نمی شود؛ بلکه با اسامی تالار، سه دری، پنج دری و غیره ذکر می شود. از خصایص اینگونه زندگی وابسته نبودن افراد به یک اتاق خاص است، بدان معنی که با تغییر فصل نوعی کوچ داخلی انجام می گیرد و اهالی خانه از اتاق های خنک به اتاق های گرم و بالعکس نقل مکان می کنند. تالار در خانه های کرمان، ایوان سرپوشیده بزرگی است که بر روی حیاط باز است و قسمت تابستانی خانه را تشکیل می دهد. در بعضی خانه ها چند تالار وجود دارد. اتاق اصلی یا پنج دری که بزرگتر است، معمولاً رو به قبله قرار می گیرد. درهای اتاق ها معمولاً به وسیله تابش بند احاطه می شود و به این ترتیب از تابش مستقیم آفتاب دور می مانند. در بعضی از خانه ها اتاق اصلی به وسیله بادگیر تهویه می شود. اتاق های کوچکتر، اتاق های سه دری و دو دری در جبهه های مختلف قرار دارند و اتاق هایی به شکل مربع مستطیل هستند که نمای آن ها با تیغه های آفتاب شکن عمودی و افقی تقسیم می شود.

در ضمن لازم به ذکر است که:

۱- ارسی نیز، سه یا پنج لنگه در با آلت بندی چوبی و جام های الوان دارد که به صورت عمودی

کوچک که می توان روی آن را در فصل سرما پوشاند، تا درختان مرکبات از گزند سرما حفظ شوند. در مرکز حیاط حوضی کوچک به اشکال مربع، مربع مستطیل و یا هشت ضلعی و در اطراف آن دو یا چهار باغچه از درختان لیمو ترش، لیموشیرین، نارنج و نارنگی قرار دارد. حیاط نارنجستان در خانه های کرمان به ندرت دیده می شود.

(۲-۳) «حیاط بیرونی»: حیاطی است کوچک به اشکال مربع یا مربع مستطیل، در مرکز آن حوض و در چهار گوشه یا طرفین حوض باغچه قرار دارد. حیاط بیرونی خاص پذیرایی مهمانان و افراد غیرفامیل و نامحرم به منزل است.

(۳-۳) «حیاط اندرونی»: حیاطی است بزرگ و وسیع که تناسبات آن تابع آهنگ قرارگیری اتاق های اطراف حیاط و در مواقعی، به خصوص در خانه های زرتشتی نشین کرمان، نزدیک به باغ است. شکل این حیاط مربع مستطیل با حوضی کشیده و باغچه در طرفین آن است. درختانی چون انار، انجیر و درختچه ها و بوته های گل در باغچه کاشته می شود. حیاط اندرونی خاص زندگی افراد خانواده است و در سلسله مراتب عرصه های خصوصی و عمومی مهم ترین حیاط است.

۴. «اتاق»: اتاق های خانه ایرانی در اقلیم گرم و خشک دور حیاط ساخته می شود و از جهت عملکردی نقطه انجام زندگی در خانه است. حیاط

باز و بسته می شود. این اتاق که شبیه سه دری و پنج دری است، می تواند در هر جانب خانه قرار گیرد.

۲- گوشوار نوعی اتاق کم ارتفاع در بالای تخت گاه و طرفین اتاق های مرتفع است.

۳- بالاخانه اتاق کم ارتفاعی است که برای کار و خواب در هر فصلی جز تابستان استفاده می شود؛ و در بعضی از خانه های کرمان وجود دارد.

۴- عناصر اتاق، کف، دیوار و سقف است. کف اتاق همواره بلندتر از حیاط است، و بر این بلندی بین اتاق و حیاط یک ایوان واقع شده است. ایوان برای سایه دادن جلوی اتاق و حفظ دیوارهای آن از تابش مستقیم آفتاب است و در مواقعی که هوا بسیار گرم یا سرد نیست، فعالیت های خانه به جای اتاق ها در ایوان و هوای آزاد، در مجاورت باغچه ها و حیاط انجام می گیرد. ایوان یکی از مشخصه های خانه های ایرانی از جمله در کرمان است.

۵- دیوار اتاق دارای آرایش ساده و عناصری چون تاقچه، قطار بندی و رف است. قطار بندی پوشش کلاف افقی چهار دیوار اتاق است. رف یا تاقچه بالا، در بالای قطار بندی تا زیر سقف مکان اشیایی است که مورد استفاده روزمره نیست. پوشش دیوار معمولاً از گچ است.

۶- سقف اتاق، صورتی متکی به یکی از اشکال معین هندسی دارد. در برخی از اتاق ها سقف کاذبی به صورت کار بندی زیر سقف اصلی قرار دارد، که در حکم عایقی در برابر رطوبت و گرما عمل می کند.

نتیجه گیری و جمع بندی

در رابطه با شرایط زمستانی این مناطق، فرم ساختمان می تواند در طول محور شرقی- غربی گسترش یابد. اما شرایط تابستانی حکم بر فشردگی ساختمان نموده و داشتن فرمی مکعب شکل را ضروری می نماید در هر صورت با بریدن قسمتی از این مکعب و پر نمودن حفره ایجاد شده با سایه (سایه دیوار، درخت، پیچک، چفته مو) و هوای خنک شده بوسیله تبخیر آب سطح چمن برگ

درختان، حوض و فواره می توان اقلیم نسبتاً مطلوبی در ساختمان ایجاد نمود در اطراف این باغچه داخلی پلان ساختمان می تواند آزاد باشد، بدین ترتیب پلان کلی ساختمان در این مناطق بطرف داخل معطوف می گردد. آنچه بدین ترتیب برای مناطق گرم و خشک پیشنهاد می گردد همان فرم زیبا و مشهور خانه های سنتی ایران است که از دوران ماقبل تاریخ تاکنون نه تنها در مناطق داخلی ایران بلکه در نواحی خشک خاورمیانه نیز تکرار شده است. ساختمانهای حیاط دار قدیمی بهترین فرم و ترکیب ممکن اجزاء یک ساختمان برای تعدیل اقلیم بشمار می روند. اتاقهای اینگونه منازل که فقط به داخل حیاط باز می شوند در برابر سرمای زمستان باد و طوفان شن که معمولاً در مناطق کویری در جریان است حفاظت می شوند. در زمستان اتاقهای رو به جنوب و در تابستان اتاقهای رو به شمال این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته و بدین ترتیب محل زندگی نیز با اقلیم هماهنگ می گردد حیاطهای داخلی که شامل درخت، حوض و سطوح سبز گیاهان هستند یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد رطوبت در هوای خشک اینگونه مناطق به شمار می روند. در شب هوای سرد مجاور پشت بام بطرف پائین حرکت کرده و در داخل حیاط و جسم دیوارها می ماند و به این ترتیب باعث افت حداکثر دمای هوای داخل حیاط در روز می شود در نتیجه در روز هنگامیکه دمای هوای خارجی و شدت تابش آفتاب به حداکثر می رسند هوای داخل ساختمان نسبتاً معتدل خواهد ماند.

بنابراین مولفه های طراحی شهری مسکن بومی در این اقلیم و شهر کرمان به شرح زیر است:

۱. شفاف نمودن سطح جنوبی ساختمان؛ ۲. اجازه نفوذ آفتاب مایل زمستان به داخل بنا؛ ۳. طراحی ساختمان رو به باد مناسب تابستان، ۴. جلوگیری از نفوذ باد سرد زمستان و باد پرگرد و غبار تابستان؛ ۵. شیبدار نمودن سطح خارجی بنا استفاده از عایق حرارتی و یا قرار دادن فضاهای خدماتی مانند انبار

و گاراژ در سمت وزش باد می تواند مانع نفوذ باد به داخل فضای زیستی شود؛ ۵. استفاده از پنجره آفتابی، گلخانه و دیوار حرارتی در قسمت جنوبی ساختمان؛ ۶. تامین بخشی از حرارت ساختمان توسط خورشید؛ ۷. استفاده از زیر زمین، بادگیر، گودال باغچه و راه پله: زیر زمین جهت استفاده از شرایط متعادل داخل زمین در طی فصول سرد و گرم سال و بادگیر جهت استفاده از باد مناسب و کوران دو طرفه هوا در تابستان مناسب است، در عین حال که گودال باغچه در سمت جنوب ساختمان باعث افزایش سطح آفتابگیر بنا می شود، خرپشته و بدنه راه پله می تواند عملکرد بادگیر و یا هواکش را انجام دهد؛ ۸. استفاده از جرم حرارتی (مصالح بنایی، انباره سنگی و یا آب) در داخل بنا؛ ۹. خیره نمودن حرارت روز هنگام برای شب؛ ۱۰. تعدیل نوسان درجه حرارت در طی شبانه روز؛ ۱۱. قراردادن بخش از سطوح شمالی، شرقی و غربی در دل زمین؛ ۱۲. کاهش پرت حرارتی ساختمان جهت تعدیل نوسان درجه حرارت در طی شبانه روز در داخل بنا؛ ۱۳. عایق بندی پوسته خارج بنا خصوصاً بام ساختمان.»

اصول طراحی شهری مسکن در اقلیم کرمان نیز به قرار زیر است؛ چنانچه طراحی صحیح محوطه، می تواند در تنظیم شرایط محیطی داخل ساختمان موثر باشد:

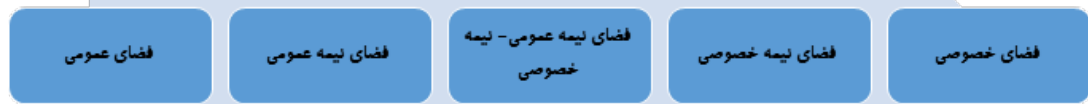
«۱. سایه اندازی بر روی ساختمان و محوطه اطراف آن از طریق استفاده از درختان برگ پهن و سایه بان در طی ماه های گرم سال؛ ۲. جلوگیری از باد سرد زمستان و باد نامناسب تابستان از طریق استفاده از گیاهان سوزنی برگ، عوارض زمین ساختمان های مجاور و بادشکن؛ ۳. ایجاد برودت تبخیری از طریق گیاهان، حوض آب، فواره و آب پاشی محوطه در طی ماه های گرم سال؛ ۴. کاهش و یا افزایش بازتابش آفتاب از محوطه به دخل ساختمان با استفاده از مصالح مناسب جهت پوشش سطوح مختلف در محوطه؛ ۵. ایجاد گودال باغچه در سمت جنوب

ساختمان جهت افزایش سطح آفتابگیر بنا؛ ۶. استفاده از عوارض زمین و جرم حرارتی خاک جهت پوشش سطوح سرد ساختمان خصوصاً در سمت شمال بنا؛ پنجره آفتابی دارای سه خصوصیت است: رو به جنوب می باشد، دارای سایه بان با عمق مناسب بر بالای پنجره است به نحوی که سایبان مانع تابش عمودی آفتاب در تابستان می شود، ولی آفتاب مایل زمستان به داخل بنا تابش می کند؛ دارای جرم حرارتی مانند مصالح بنایی در کف اتاق در پشت پنجره در داخل اتاق می باشد به صورتی که آفتاب زمستان مستقیماً بر روی جرم حرارتی تابش می کند.»

تهویه مورد نیاز اقلیم گرم و خشک در مناطق گرم و خشک باید میزان تهویه طبیعی در روز را به حداقل ممکن رساند، چون در اثر ورود هوای گرم خارج بدخل، دمای هوا و سطوح داخلی نیز افزایش می یابد. به خصوص در طول روز که سرعت باد زیاد و در نتیجه میزان تهویه طبیعی نیز زیاد است، تغییرات دمای هوای داخلی در سطحی نزدیک به دمای هوای خارج تغییر می نماید. از طرف دیگر، چون رطوبت هوای اینگونه مناطق کم است. حتی با جریان هوایی با سرعت کم امکان سرد شدن بدن از طریق تبخیر عرق بدن وجود داشته و در نتیجه احتیاج به سرعت زیاد هوا برای خنک سازی از راه تبخیر لازم نمی باشد. سرعت هوا برای ایجاد چنین وضعیتی می تواند ۱۵ سانتی متر در ثانیه باشد و این سرعتی است که در نتیجه اختلاف دمای سطوح و همچنین در نتیجه نفوذ هوای خارج بدخل از طریق درز پنجره ها، در هوای اطاق بوجود می آید و بدین ترتیب نیازی به بازبودن پنجره ها نخواهد بود. در عصر و شب، بدلیل پایین بودن دمای هوای خارج نسبت به دمای هوا و سطوح داخلی تهویه طبیعی امکان سریع خنک شدن هوای داخلی را بوجود می آورد. نیاز به کوران در عصر و شب وجود دارد. وجود پنجره های بازشو را ضروری می سازد اما باید به این نکته توجه داشت که راندمان تهویه به

جدول ۲. ساختار کالبدی طراحی مسکن بومی و طراحی شهری در شهر کرمان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

جهت گیری		تبعیت از رون کرمانی (جهت شرقی - غربی)
موقعیت	همجواری	۱- از طریق فضای باز مرکز محله ۲- از طریق راسته های پیاده داخل محله ۳- از طریق هشتی، دالان و بن بست های اختصاصی
	استقلال	با وجود همجواری، با نحوه طراحی پلان و ترکیب احجام، هر خانه مستقل از دیگری است.
	امنیت	دارای امنیت به دلیل بافت منسجم اجتماعی در محلات مسکونی.
شکل نقشه	حیاط مرکزی	در محله زرتشتی نشین خانه ها بسیار وسیع اند.
		در محله مسلمان نشین خانه ها مساحت متعادلی دارند.
		در محله یهودی نشین خانه ها مساحت کمی دارند.
عملکرد	اغلب فضاها (به غیر از فضاهای شخصی مثل پستو و مطبخ) چند عملکردی هستند.	
ترکیب فضاها و احجام	تلفیق و شکل یابی نهایی فضاها براساس: ۱- مفاهیم و الگوهای متداول معماری ایران ۲- پیمون و نظام هندسی دقیق ۳- درونگرایی و ارتباط فضاهای مختلف با حیاط مرکزی	
عناصر تشکیل دهنده خانه	حیاط	حیاط نارنجستان: بسیار کوچک، با درختان مرکبات و حوضی در میان - به ندرت در خانه های کرمان وجود دارد.
		حیاط بیرونی: با حوضی در میان و در طرفین باغچه قرار دارد. خاص پذیرایی از مهمانان. حیاط اندرونی: بزرگ و وسیع با حوضی کشیده در میان و باغچه در طرفین آن، خاص زندگی افراد خانواده
اتاق	اتاق	۱- شامل تالار، پنج دری یا اتاق اصلی (معمولاً رو به قبله)، سه دری، دو دری، ارسی و بالاخانه ۲- کف اتاق ها بالاتر از حیاط، ایوان واسط حیاط و اتاق ۳- دیوارها با آرایش ساده و شامل تاقچه، قطار بندی و رف ۴- در بعضی از اتاق ها سقف کاذب به شکل کاربندی به عنوان عایق رطوبت و گرما.



اندازه پنجره‌ها متناسب نیست. با هماهنگ ساختن محل، شکل و نحوه بازشدن پنجره‌ها، می‌توان اندازه آنها را بقدری کوچک انتخاب نمود که حرارت کسب شده از طریق آنها را به حداقل رسانده و در عین حال امکان تهویه بطور مفید را بوجود آورد. ضمناً باید به مشکل ورود گرد و غبار بداخل ساختمان نیز توجه داشت. در مناطقی که همیشه طوفان شن و گرد و غبار وجود دارد ساختمانهایی که بر روی پیلوتی قرار گرفته‌اند مقدار بسیار کمی از گرد و غبار و شن موجود در هوا را دریافت می‌نمایند، چون معمولاً در ارتفاع بیش از ۱۰ متر میزان شن وجود در هوا بشدت افت می‌نماید. شرایط آب و هوایی کلیه زیرگروههای اقلیمی این گروه در زمستان نسبتاً سرد و در تابستان نیمه گرم و خشک است. شرایط حرارتی هوا در فصل زمستان امکان بسیار زیادی را جهت استفاده از انرژی خورشیدی در گرمایش ساختمان بوجود می‌آورد و به همین دلیل تقریباً در کلیه زیرگروههای واقع در این پهنه اقلیمی درصد سالانه امکان بهره‌گیری از انرژی خورشیدی بالاتر از درصد نیازهای دیگر است. در این گروه بدلیل پایین بودن رطوبت نسبی هوا بخصوص در فصل گرم در کلیه زیرگروههای اقلیمی می‌توان با بهره‌گیری از عملکرد مصالح ساختمانی سنگین در بخشی از فصل گرم سال شرایط حرارتی فضاهای داخلی را کنترل نمود. اما شدت گرمای هوا در گرمترین ماههای سال در حدی است که سرمایش مکانیکی را ضروری می‌سازد. دو اصل کلی برای طراحی اقلیمی در مناطق گرم و خشک وجود دارد که عبارتند از:

«۱. جلوگیری از تاثیر هوای گرم در فضاهای داخلی مجموعه، ۲. طراحی مناطق نیمه محافظت شده در خارج بنا؛ ۳. استفاده از پوشش گیاهی برای خنک

کردن محوطه؛ ۴. استفاده از گیاهان در کنار دیوارهای خارجی ساختمان؛ ۵. استفاده از بام و دیوار دو جداره جهت تهویه در داخل پوسته ساختمان؛ ۶. استفاده از پوسته‌های دو جداره جهت جابجایی حرارت.» همچنین در زمینه محافظت ساختمان در برابر تابش آفتاب در مواقع گرم سال توجه به مسائل زیر اهمیت دارد: (الف. طراحی محوطه؛ ب. ایجاد سایه برای پنجره‌های رو به آفتاب تابستان؛ ج. شکل و جهت دادن به بدنه ساختمان به منظور کاهش اثر آفتاب تابستان؛ د. کاهش انعکاس زمین و سطوح بیرون از پنجره‌های رو به آفتاب تابستان؛ ه. تأمین سایه برای دیوارهایی که رو به آفتاب تابستانی هستند؛ ی. ایجاد سایه برای پنجره‌های رو به آفتاب تابستان).

از بررسی و تحلیل ساختار کالبدی معماری مسکونی در کرمان نتایج جدول ۲ حاصل شد. در ضمن سیر قرارگیری دیاگرام عملکردی فضاهای مسکن بومی در کرمان به قرار زیر است که در نمودار بالا نشان داده شده است.

منابع و ماخذ

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
 بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
 پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
 پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.

توسلی محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی

و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

توسلی، محمود و ناصر، بنیادی (۱۳۷۶) طراحی فضاهای شهری، دفتر مطالعات شهرسازی و معماری ایران.

توسلی، محمود (۱۳۶۰) ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک، چاپ چهارم، تهران: چاپخانه رشیدیه.

توسلی، محمود (۱۳۷۱) اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

ثابتی، حبیب الله (۱۳۴۸) بررسی اقلیم حیاتی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جعفر پور، ابراهیم (۱۳۸۳) اقلیم شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جلیلیان، شهربانو (۱۳۷۵) «معماری سنتی دزفول، غلبه بر ناسازگاریها»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

حاج سقطی، اصغر (۱۳۸۰) اصول و کاربرد انرژی خورشیدی، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت. راپاپورت، آموس، (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی، ترجمه فرح حبیب، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ.

رازجویان، محمود (۱۳۶۷) آسایش بوسیله معماری همساز با اقلیم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

رازجویان، محمود (۱۳۷۹) آسایش در پناه باد، ویراستار: آذر سنجری، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

طاهباز، منصوره (۱۳۷۵) «اصول یک معماری کویری»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

فاضلی، محمد (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.

گلکار، کوروش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.

گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.

لنگ، جان (۱۳۸۶) طراحی شهری: گونه شناسی رویه ها و طرح ها، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

موریس، جیمز (۱۳۸۸) تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه رضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ ششم.

هدمن، ریچاردز و یازوسکی، اندرو (۱۳۸۷) مبانی طراحی شهری، ترجمه رضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ پنجم.

تبیین اصول و ملاحظات دفاع شهری و رویکرد پدافند غیرعامل با تاکید بر سلولار نمودن شهرها

حامد شهسواری - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.
وحید قربانی - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.
بهاره ربیعی - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

Effect of self-classification of urban areas on approach to passive defense

Abstract

Unfortunately, most of the cities without regard to principles of passive defense designed and planned. On the other hand there is a wide range of military threats and valuable resources in the country have caused more and more attention is focused on passive defense approach. It is important to rebuild their destroyed cities with the approach of passive defense is impossible. But this would not stop the application of these principles in urban planning and urban design in the country. It is necessary to extract the principles of architecture and urban planning approach based on passive defense of the status quo option be considered. The aim of this approach is the extraction of urban cellular design principles consistent with the needs and specific circumstances of the country's passive defense; to the field of new settlements and towns in the country's stability.

Keywords: passive defense, architecture, urban planning, the urban cellular

چکیده

متأسفانه اغلب شهرهای کشور بدون توجه به اصول پدافند غیرعامل طراحی و برنامه ریزی شده اند، از سوی دیگر وجود طیف وسیع تهدیدات نظامی و وجود منابع پرارزش در کشور باعث گردیده تا توجه بیش از بیش معطوف رویکرد پدافند غیرعامل گردد، شایان ذکر است تخریب شهرها برای بازسازی آنها با رویکرد پدافند غیرعامل امری ناممکن است؛ اما این موضوع به منزله توقف و عدم بکارگیری این اصول در برنامه ریزی شهری و طراحی شهری در کشور نیست، بلکه لازم است با استخراج اصول معماری و شهرسازی منطبق بر رویکرد پدافند غیرعامل برای وضع موجود چاره ای اندیشیده شود. بنابراین هدف از پژوهش مذکور استخراج اصول طراحی سلولار شهری با رویکرد پدافند غیرعامل منطبق با نیازها و شرایط خاص کشور است تا بتواند هم در زمینه شهرک سازی های جدید و هم در زمینه شهرهای موجود به پایداری کشور کمک نماید.

واژگان کلیدی: پدافند غیرعامل، معماری، شهرسازی، سلولار نمودن شهری

(تختی، ۱۳۸۵)؛ بطوری که سال ۱۹۳۰، ۲۹ درصد جمعیت دنیا در شهرها زندگی می کردند، در سال ۱۹۵۰ این میزان به ۴۹ درصد افزایش یافت و طبق آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ این میزان از مرز ۷۵ درصد نیز عبور کرده است (Vautravers, 2010). اگرچه با توسعه شهرها به تدریج حصارها و موانع فیزیکی گذشته فرو ریخته و جنبه تاریخی و فرهنگی به خود گرفتند (تختی، ۱۳۸۵) نه تنها از تهدید جنگ کاسته نشد بلکه با پیشرفت مهندسی رزمی، مردم شهرها تحت تهدید انواع سلاح های کشتار جمعی و پیشرفته قرار گرفتند که در جهت مقابله با آنها ساختن خندق و برجی با دیوارهای بلند بی فایده بود. بنابراین، امروزه هر حکومتی به فراخور وسعت، پیشرفت علمی، نظامی، استقلال و تعهداتی که نسبت به حفظ جان و مال مردم کشور خود دارد باید طرح خاص خود را در ابداع شیوه های دفاعی و گسترش آنها اعمال نماید تا شهرها در برابر تهدیدات نظامی گوناگون در کنار تهدیدات ناشی از حوادث طبیعی، از ایمنی و آسایش کامل برخوردار گردند (طیاری، ۱۳۶۸). شواهد نشان می دهد که تاکنون حتی کشورهای مدعی و توسعه یافته ای همچون ایالات متحده آمریکا نیز نه تنها در برابر حوادث طبیعی همچون طوفان کاترینا (Civil Defense and Home, 2006)؛ بلکه در مقابل حوادثی همچون حادثه ۱۱ سپتامبر آمادگی کافی برای حفاظت از شهروندان خویش را ندارند. از این رو توجه به مقوله دفاع و تامین امنیت در قالب واژه ای به نام پدافند غیرعامل وارد فاز جدیدی از مطالعات و برنامه های اجرایی کشورها شده است. در این نوع از دفاع، تمرکز بر تسلیحات نظامی نیست و اساس آن بکارگیری دسته ای از تمهیدات خاص غیرنظامی در محیط است (امینی و دیگران، ۱۳۸۹). به عبارتی، در پدافند غیرعامل تمرکز بر این مقوله است که بدون نیاز به کاربرد تجهیزات نظامی و سلاح های گرم بتوان بطور مثال در بحث معماری و شهرسازی تنها بر مبنای طراحی ساختمان و مشخصات فضا از

امروزه با استفاده از برنامه های جامع مدیریت بحران می توان با بکارگیری اقدامات موثر همراه با طرح های کاربردی و حتی الامکان کم هزینه و چندمنظوره در مرحله آمادگی قبل از بحران، به میزان زیادی از شدت و گستردگی خسارات و تلفات ناشی از خطرات کاست. از مهمترین این تمهیدات، بکارگیری اصول پدافند غیرعامل به عنوان راهکاری جهت کاهش خطرپذیری در برابر خطرات مختلف و افزایش کارایی پس از وقوع خطر است که باید در سطوح مختلف برنامه ریزی منطقه ای، شهرسازی و معماری مورد توجه قرار گیرد. از سویی دیگر، حفظ حیات به عنوان یک نیاز غریزی و فطری همواره در صورتی برای انسانها مقدور بوده است که بتوانند در برابر حوادث گوناگون از خویش محافظت نمایند. سوانح طبیعی همچون طوفان، سیل، زلزله و سوانح غیرطبیعی و ساخته انسان همچون جنگها در طول حیات انسان، در کمین زندگی او نشستند. از این رو، تامین امنیت، یک دغدغه همیشگی و یک نیاز و مطالبه دائمی برای انسان ها بوده و هست؛ بنابراین تامین امنیت چه از منظر تامین امنیت مرزهای قلمرو و چه تامین و حفظ امنیت یکایک شهروندان به عنوان اصلی ترین کارکرد هر دولت و حکومتی قلمداد می شود (فیروزی، ۱۳۸۵)؛ و بر این اساس انتظار می رود که بحث تامین امنیت جان انسان و محیط زندگی او در تصمیم گیری های کلان ملی و شهرسازی قبل از هر مقوله ای مدنظر قرار بگیرد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱). جنگ همواره به عنوان یکی از مهمترین سوانح تهدید کننده حیات انسان ها مطرح بوده و هست. از این رو انسان ها نیز بطور پیوسته در تلاش برای مهیاسازی خود در مقابل این سانحه همیشگی از سطوح ابتدایی در زمان های گذشته تا سطوح پیشرفته کنونی بوده اند. رفته رفته و بویژه با ظهور انقلاب صنعتی، شرایط به گونه ای پیش رفت که شهرها روز به روز توسعه یافته و محل تمرکز انسانها گردیدند

دو بعد شکل و فرم و عملکردهای آن، آسیبهای ناشی از جنگ را محدود نموده، از قابلیت‌های طراحی به منظور تأمین حفاظت از جان شهروندان و به حداقل رسانیدن لطمات جانی ناشی از سانحه جنگ به بهترین نحو بهره گرفت (Lacina, 2006). بکارگیری اصول پدافند غیرعامل فواید بسیاری دربردارد با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیر نظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد (مجله پدافند غیرعامل، ۱۳۸۳). این اصول حافظ جان مردم، ضامن امنیت افراد، صیانت از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در همه مواقع در برابر هرگونه شرایط و هرگونه تجاوز است (لوئی، ۱۳۸۹)؛ و باعث تحقق امنیت و توسعه پایدار می‌شود و ضامن استمرار فعالیت‌های زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمات رسانی و تسهیل اداره کشور در شرایط تهدید و بحران، و حفظ بنیه دفاعی، به هنگام حملات دیگر کشورها است (زیاری، ۱۳۸۶). به علاوه باید تاکید نمود بکارگیری اقدامات پدافند غیر عامل می‌تواند موجب بازدارندگی از انگیزه حمله نظامی و تروریستی به کشور گردد زیرا که موجب برطرف شدن نقاط آسیب پذیر کشور و تبدیل آن‌ها به توانایی و پایداری می‌شود (جلالی، ۱۳۸۷).

در این مقاله درصدد آن هستیم با اشاره به نقش پدافند غیرعامل و بالاخص پدافندهای شهری بصورت غیرعامل به بررسی مفهوم سلولار کردن شهرها اشاره شده و ضرورتی برای جایگاه برنامه ریزی شهری در حوزه سازماندهی نظامی کشور باشد.

مبانی نظری

از نظر واژه شناسی، واژه «پدافند» از دو جزء «پد» و «آفند» تشکیل شده است. در فرهنگ و ادب فارسی «پاد» یا «پد» پیشوندی است که به معانی «ضد، متضاد، پی و دنبال» بوده و هرگاه قبل از واژه‌ای قرار

گیرد معنای آن را معکوس می‌نماید. واژه «آفند» نیز به مفهوم «جنگ، جدال، پیکار و دشمنی» است (دهخدا، ۱۳۵۴، ص ۴۷). صدری افشار واژه «پدافند» را از نظر لغوی هم‌تراز با واژه «دفاع» و مشتمل بر «کارهایی که برای پیشگیری از حمله دشمن یا پیروزی او در حمله انجام می‌گیرد» بیان نموده است (صدری افشار، ۱۳۷۳، ص ۲۵۹).^۲ او واژه «دفاع» را فقط دارای معنای نظامی دانسته و معانی زیر را برای آن بر شمرده است:

۱. ایستادگی در برابر حمله یا پیشگیری از پیامدهای آن.
۲. هر عملی برای پیشگیری از پیروزی دشمن یا حریف.
۳. افراد، نیروها یا وسایلی که این کار بر عهده آنهاست مثل دفاع ضد هوایی.

بدین ترتیب وی هیچگونه تمایزی میان تعریف دو واژه «پدافند» و «دفاع» قائل نشده است. ارتش، پدافند را شامل کلیه اقداماتی می‌داند که به منظور محدود نمودن آثار حملات دشمن است. پدافند در مفهوم کلی، دفع، خنثی کردن و یا کاهش تاثیرات اقدامات آفندی دشمن و ممانعت از دستیابی دشمن به اهدافش است. انواع دفاع یا پدافند عبارتند از:

۱. «دفاع عامل»: پدافند عامل عبارت از رویارویی و مقابله مستقیم با دشمن و به کارگیری جنگ افزارهای مناسب و موجود به منظور دفع حمله و خنثی کردن اقدامات آفندی وی می‌باشد. بعبارتی دیگر دفاع عامل، بکار گیری هر نوع سلاح و جنگ افزار به منظور کاهش و یا خنثی نمودن اثرات حملات و تهدیدهای دشمن می‌باشد. مانند پدافند هوایی عامل؛

۲. «دفاع غیرعامل»: پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به کارگیری جنگ افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و

۱. ر. ک: دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، جلد چهارم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، ص ۴۷ و ۴۸.
۲. ر. ک: صدری افشار، غلامحسین. حکمی، نسرین. فرهنگ فارسی امروز، موسسه نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۵۹ و ۵۴۶.

حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد. عبارتی دیگر دفاع غیرعامل، به کلیه اقدامات و فعالیتهای احتیاطی و پیشگیرانه‌ای گفته می‌شود که بدون استفاده از تسلیحات، موجب کاهش و یا دفع اثرات عملیات خصمانه دشمن می‌گردد.

۳. «دفاع غیرنظامی»: مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ای که می‌توان با انجام آن، از بروز و استمرار سوانح و حوادث غیرمترقبه که جان و مال مردم را تهدید می‌کند (مانند سیل، زلزله، آتشفشان، طوفان، بمباران، آتش‌سوزی و غیره) جلوگیری نمود و یا در صورت بروز، آثار ناشی از آنرا کاهش داد. تاکید اصلی دفاع غیرنظامی، حفاظت از مردم و انجام اقدامات اضطراری برای تعمیر و راه‌اندازی مجدد تاسیسات حیاتی است.

برای اولین بار واژه پدافند غیرعامل در کتاب «پناهگاه حفاظتی موقتی» (350-TM) دیده شد. جلوگیری از عوارض «ش.م.ه» CBR در سال ۱۹۵۴ میلادی در ستاد فرماندهی آمریکا، دستورالعمل کار قرارگرفت تا جابجایی پدیده جدید تهاجم شدید و غافلگیرانه اتمی باشد. در این کتاب اصول طراحی پناهگاه و ورودی‌ها، اطاق تصفیه هوا، معماری داخلی و وسایل داخلی پناهگاه‌ها مورد بررسی و طراحی قرار گرفته است. در بانک اطلاعاتی معتبر (NTIS) آمریکا که می‌توان از آن به عنوان «سازمان برنامه بودجه» آمریکا یاد کرد، برای هر علم و یا فنی یک «کد» مشخص شده و کد پدافند غیرعامل در آن I ۷۴ می‌باشد. در سال ۱۹۸۷ میلادی در بانک اطلاعاتی NTIS، مقاله‌ای تحت عنوان «میزان اطمینان به پدافند غیرعامل» معرفی گردید که اهمیت «پدافند غیرعامل» را در مقابل نفوذ موشک‌های شوروی سابق، مورد توجه قرار داد. واژه پدافند غیرعامل غیر از تهاجم هوایی، در پدیده‌های دیگر غافلگیری از جمله خرابکاری، حفاظت فیزیکی، دفاع

غیرنظامی، سیستم سخت افزاری رایانه و همچنین موقعیت فیزیکی ماهواره‌ها بکار رفته است. پس از رخداد واقعه ۱۱ سپتامبر، سازمان مدیریت بحران فدرال امریکا FEMA، جهت کاهش خطر تهدیدات تروریستی، به تفصیل به بحث پدافند غیرعامل در معماری پرداخته و تمهیدات متعددی را با توجه به کاربری‌های مختلف ارائه کرده است و همچنین ایجاد فضای امن پناهگاهی در هر ساختمان را جهت استفاده در هنگام وقوع انواع خطرهای طبیعی و تهدیدات انسان ساز مورد تاکید قرار داده است. (426,427,428,453-FEMA)

در منابع لاتین، معادل دقیق عبارت پدافند غیرعامل «Passive Defense» بکار برده می‌شود. ولی عبارت «پدافند غیرعامل» به صورت‌های مختلفی بیان شده است که عمدتاً در نکته «حفاظت از غیرنظامیان» دارای وجه اشتراک هستند. تمایز اصلی «پدافند عامل» از «پدافند غیرعامل» تاکید بر عملیات نظامی و «پاسخ به آتش با آتش قوی تر و کوبنده تر» است، در حالی که «توسعه قدرت نظامی و داشتن موضع قوی تر نسبت به مهاجمان احتمالی» استراتژی کلانی است که هم در روش‌های تهاجمی و هم در روش‌های تدافعی دارای کاربردهای گسترده و در عین حال مشابه ولی با نتایج متفاوت است. زیاری پدافند را بر دو نوع عامل و غیرعامل معرفی می‌نماید. به نظر او پدافند غیرعامل بکارگیری اقدامات آفندی و تهاجمی با هدف ممانعت از پیشروی دشمن است، در حالی که پدافند غیرعامل عبارت است از «بکار بردن روش‌هایی که آثار زیان‌های ناشی از اقدامات دشمن بکاهد یا آن را به حداقل برساند»^۱ (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴).

به بیان ساده‌تر، برخلاف پدافند عامل، در پدافند غیرعامل از هیچ نوع جنگ افزاری در برابر دشمن استفاده نمی‌گردد. «اصغریان جدی» وجه تمایز بین «پدافند عامل» و «غیرعامل» را «عامل انسان» می‌داند. به این معنا که پدافند عامل را ابزاری

۱. زیاری، کرامت الله، برنامه ریزی شهرهای جدید، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴.

می‌داند که نیاز به مدیریت مستقیم و کاربری انسانی دارد و مشتمل بر ابزار و آلات جنگی، سازماندهی، آموزش و مدیریت نیروهاست که در شرایط عدم حضور انسان، آن ابزار به خودی خود فاقد اعتبار است. در حالی که پدافند غیرعامل را امکانات معماری در زمینه مهندسی جنگ می‌داند، به گونه‌ای که بدون ابزار و توانمندی، نیروهای رزمی و دفاعی را افزایش دهد. مانند پناه گرفتن درون سنگر یا استقرار در نقاط مرتفع. به نظر وی پدافند غیرعامل نیازی به حضور انسان نداشته و هر کسی آنجا را متصرف شود، راندمان دفاعی بیشتری در جنگ خواهد یافت (اصغریان جدی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳۴۱).

با بررسی جنگ‌های گذشته و معاصر، این حقیقت آشکار می‌شود که پدافند عامل در حال حاضر نمی‌تواند به تنهایی در مقابل جنگ‌افزارهای مدرن، هوشمند و مخرب (مانند مهمات نظامی شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) کارائی کامل داشته باشد، لذا پدافند غیرعامل به عنوان بخشی از اقدامات دفاعی یکی از اولویت‌های امنیتی کشور بوده و با توجه به تهدیدات بالقوه که امنیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی را نشانه گرفته است، ضرورت دفاع کاملاً مشهود می‌باشد:

«۱. موجب زنده ماندن و حفظ بقای نیروی انسانی می‌گردد که با ارزش‌ترین سرمایه و موجودیت ملی کشور می‌باشند؛ ۲. موجب صرفه جویی کلان اقتصادی در حفظ تجهیزات نظامی و تسلیحات بسیار گران قیمت نظامی می‌شود؛ ۳. مراکز حیاتی و حساس اقتصادی، سیاسی، نظامی، ارتباطی و مراکز عمده علمی و فرهنگی و غیره را در برابر حملات و بمباران هوایی دشمن حفظ و ادامه فعالیت در شرایط بحران و جنگ را ممکن می‌سازد؛ ۴. بالا بردن هزینه اجرای عملیات توسط دشمن (انهدام

یک هدف مستحکم به مراتب مشکل‌تر و پرهزینه‌تر از یک هدف بدون حفاظ می‌باشد؛ ۵. ایجاد امنیت روحی و روانی برای مسئولین و افراد جامعه و جلوگیری از دستپاچگی و شتابزدگی و سردرگمی آن‌ها در زمان مواجهه با تهدیدات؛ ۶. آینده‌نگری در چرخه دفاعی و امنیتی کشور و زمینه‌سازی جهت تکمیل و بهبود زنجیره دفاعی کشور در کنار اقدامات پدافند عامل؛ ۷. اجتناب‌ناپذیر بودن بروز جنگ‌های آینده و آمادگی قبلی در صورت بروز جنگ در آینده و احتمال استفاده دشمن از جنگ‌افزارهای نامتعارف (حمله اسرائیل یا آمریکا بویژه به مراکز حیاتی کشور)؛ ۸. حفظ نیروها برای ضربه‌زدن در زمان و ماکن مناسب و گرفتن آزادی و ابتکار عمل؛ ۹. کم‌هزینه بودن عنصر پدافند غیرعامل در مقایسه به دفاع عامل؛ ۱۰. پدافند غیرعامل از نظر اخلاقی، سیاسی و بشردوستانه مفهومی صلح‌دوستانه دارد؛ ۱۱. دفاع غیرعامل در مقایسه با دفاع عامل، ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر و با سیاست خودکفایی و عدم وابستگی و استقلال کشور موافق‌تر است.»

تعریف پدافند غیرعامل: در ردیف (ب) ماده (۱) آئین نامه اجرایی بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه تعریف پدافند غیرعامل بدین شرح ارائه شده است: مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها و تاسیسات، تجهیزات و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن و یا کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی می‌گردد، پدافند غیرعامل نامیده می‌شود.^۲ بحث پدافند غیرعامل یک نیاز همگانی و یک ضرورت غیرقابل انکار در دنیای کنونی است و تنها به کشورهای درگیر در منازعات سیاسی همانند ایالات متحده محدود نمی‌گردد؛ به گونه‌ای که توجه و تمرکز بر بحث پدافند غیر عامل در کشورهایی همچون سوئیس و

۱. اصغریان جدی، احمد. مقاله دفاع غیرعامل در ارگ بم، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان. جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴.

۲. در میحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان (پدافند غیرعامل)، هر اقدام غیر مسلحانه‌ای را که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تاسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های کشور در مقابل تهدیدات انسان ساز گردد، پدافند غیرعامل خوانده می‌شود.

نیوزلند با وجود بی طرفی در اکثر معادلات سیاسی و نظامی به روشنی دیده می شود (کیانژاد و دیگران، ۱۳۹۱). در مقررات ملی ساختمان در ایران نیز به روشنی به لزوم توجه و بکارگیری پدافند غیر عامل اشاره گردیده است و از آن به عنوان پایدارترین و ارزانتترین روش دفاع و مناسبترین راهکار افزایش آستانه مقاومت ملی در شرایط بحران و پشتوانه اقتدار، عزت و پایداری کشور و صلح آمیزترین و فطری ترین روش دفاع بشر در برابر همه حوادث یاد شده است (مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان، ۱۳۸۸). علیرغم این تاکید و متاسفانه علیرغم حجم بالای تهدیدات نظامی از سوی دیگر کشورها در برابر کشور، شواهد نشان می دهد که هنوز در بحث معماری و شهرسازی، توجه کافی به بحث پدافند غیرعامل نشده است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱)؛ از این رو، پورمحمدی و همکاران بیان می دارند که متخصصان و دست اندرکاران طراحی و برنامه ریزی شهری کشورمان مسئولیت برنامه ریزی و ساماندهی زیستگاه های آینده افراد را تا آنجایی که به حیطه کاری و تخصصی شان مربوط می شود باید به عهده بگیرند و با توجه به توان و تخصص خود در کاهش آسیب های ناشی از جنگ در شهرها تدابیر لازم را در شهرسازی و طرح های شهری خود اعمال نمایند (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۱)؛ زیرا این دانش فرآیند احتیاطی و پیشگیرانه ای است که الزاماً می بایست در زمان صلح شروع و تا پایان وقوع بحران و تهدید ادامه یابد، لذا رویکرد مدیریتی و نحوه مقابله با آن، رویکرد پیشگیرانه به جای مدیریت آتش نشان و انفعالی می باشد (آیت الهی، ۱۳۸۷). در منابع لاتین عبارت «دفاع شهری» برابر با عبارت «Civil Defense» است که مفهومی دو بعدی دارد:

- در گروه اول دفاع شهری، محافظت از غیر نظامیان در شرایط جنگی معرفی می شود و از این رو مشتمل بر بخشی از دفاع ملی است که در پی تمهیدات لازم به منظور کسب آمادگی کافی در برابر هر گونه حمله احتمالی یا باج خواهی از یک کشور می گردد.

طبق این تعریف، دفاع شهری باید ایمنی اکثریت جمعیت غیرنظامی کشور و ادامه حیات آنان در زمان جنگ را تضمین نماید. در این گروه از تعاریف، نحوه مقابله و مواجهه با آثار ناشی از حملات نظامی مورد تاکید قرار دارد و از این رو، عبارت دفاع شهری از نظر مفهومی معادل با عبارت پدافند غیر عامل، محسوب می گردد.

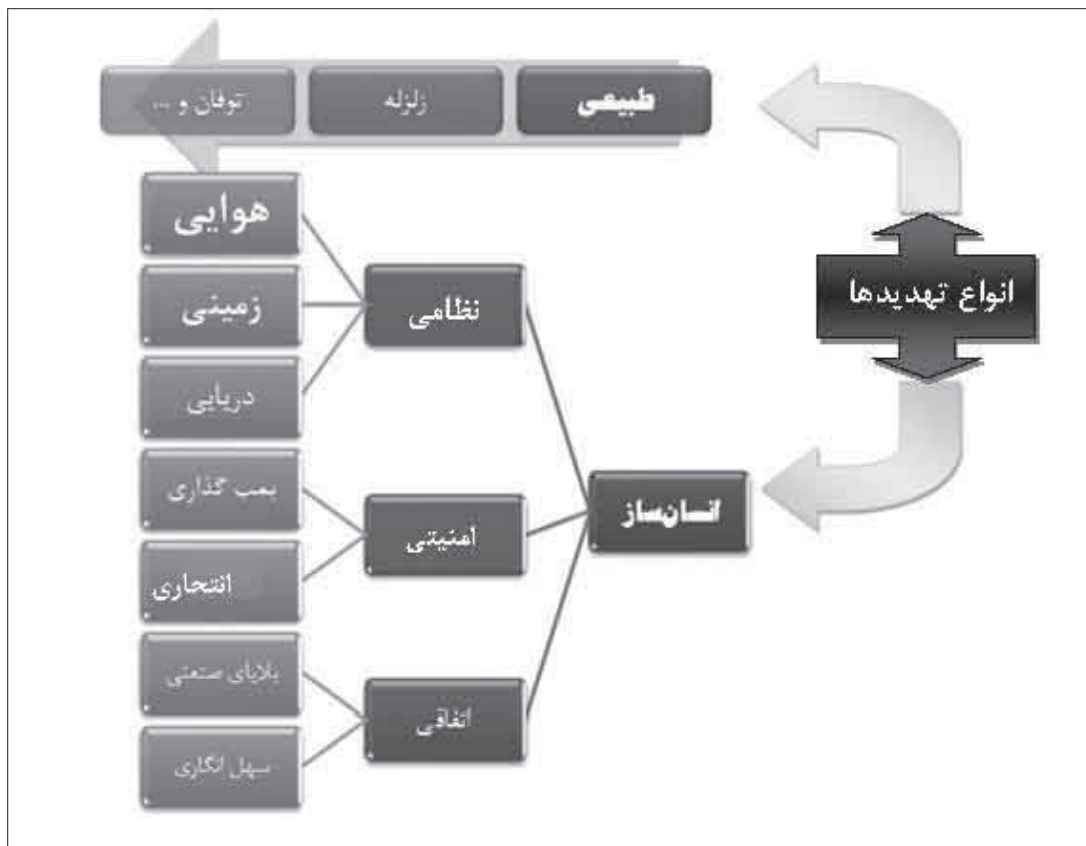
- در گروه دوم دفاع شهری بر حفاظت از شهروندان در برابر آثار بلا یا تاکید می نماید (زرگر و مسگری، ۱۳۸۷).

اصول پدافند غیرعامل عبارتند از:

۱. کاهش آسیب پذیری؛
۲. کاهش اثربخشی تهدیدات بر روی هدف های خودی؛
۳. اعلام خطر تاکتیکی به نیرو؛
۴. تسهیل در گردآوری، بهسازی و بازسازی نیروها؛ و
۵. کاهش آسیب پذیری.

کاهش آسیب پذیری مستلزم بکارگیری تمامی اقدامات است تا از بقای نیروهای خودی و تجهیزات در یک حمله موشکی با کمترین تلفات و آسیب مطمئن شد. این اصل از طریق مقاوم سازی، کاهش نفرت و تجهیزات مازاد برنیاز و تقویت آن ها، تفرقه و پراکندگی، آموزش و پشتیبانی از توانایی های دفاع غیرنظامی و حفاظت در برابر حملات ش.م.ه صورت می گیرد که مشتمل بر موارد زیر است:

۱. مقاوم سازی (ایجاد سازه های امن و استحکامات) hardening؛ پناهگاه های ضد انفجار Anti Explosion Shelters and defilades؛ کاهش نفرت و تجهیزات مازاد برنیاز و تقویت آن ها redundancy and robustness؛ تفرقه و پراکندگی dispersal؛ آموزش و پشتیبانی از توانایی های دفاع غیرنظامی training civil authorities؛ حفاظت در برابر حملات ش.م.ه NBC protection؛
۳. کاهش اثربخشی تهدیدات بر روی هدف های خودی؛ تامین عملیات Operations Security؛ تحرک یگان Mobility؛ فریب Deception؛ استتار و اختفاء Covering Camouflage and Concealment؛ پوشش



نمودار ۱. انواع تهدیدات؛ ماخذ: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۸.

سامانه شناسایی، هدف یابی و دقت هدف گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نائل گردید. در اکثر منابع علمی و نظامی دنیا، اصول و یا موضوعات پدافند غیرعامل، شامل ۶ الی ۷ اقدام مشروحه ذیل می باشد که در طراحی و برنامه ریزی ها و اقدامات اجرایی دقیقاً می بایست، مورد توجه قرار گیرد.

۱. «استتار» (camouflage)
۲. «اختفاء» (concealment)
۳. «پوشش» (cover)
۴. «فریب» (Deception)
۵. «تفرقه و پراکندگی» (separation & Dispersion)
۶. «مقاوم سازی و استحکامات» (Hardening)
۷. «اعلام خبر» (Early warning) (قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

and Obscuration؛ مکان یابی Site Selection؛ مواع Obstacles؛ اعلام خطر تاکتیکی به نیرو (منابع اصلی اعلام خطر)؛ بازسازی recovery (کمترین زمان بر) شامل: رفع آلودگی از تجهیزات، محیط و نفرات آلوده conduct decontamination؛ دوباره برقرار یا تالیس کردن reestablish؛ جایگزین کردن نیرو و تجهیزات از بین رفته replace lost soldiers and equipment؛ گردآوری یا دوباره تشکیل دادن reconstitution (بیشترین زمان بر) شامل: تیم ویژه ارزیابی adhoc assessment team؛ سازماندهی مجدد reorganization؛ احیاء regeneration».

همچنین اصول و معیارهای پدافند غیرعامل، مجموعه اقدامات بنیادی و زیر بنایی است که در صورت بکارگیری می توان به اهداف پدافند غیرعامل از قبیل تقلیل خسارات و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت فنی و اجرایی و امور جنگ، دفتر سازه های امن، دفاع غیرعامل در ۳۱ کشور جهان، ترجمه حمید طیاری، ۱۳۶۸.

دفاع شهری

در منابع لاتین، عبارت «دفاع غیرنظامی» یا «دفاع شهری» برابر با عبارت "Civil Defence" است که مفهومی دو بعدی است. در گروه اول، دفاع غیرنظامی «محافظة از غیر نظامیان در شرایط جنگی» معرفی می شود و از این رو مشتمل بر «بخشی از دفاع ملی است که در پی تمهیدات لازم به منظور کسب آمادگی کافی در برابر هرگونه حمله احتمالی یا باج خواهی از یک کشور» می گردد. طبق این تعریف، دفاع غیرنظامی باید «ایمنی اکثریت جمعیت غیرنظامی کشور و ادامه حیات آنان (در زمان جنگ) را تضمین نماید». از این رو دفاع غیرنظامی به صورت سیستماتیک اهداف زیر را دنبال می نماید:

۱. به حداقل رساندن آثار حاصل از حملات نظامی بر جمعیت غیرنظامی.

۲. مقابله فوری با شرایط اضطراری حاصل از چنین حمله ای.

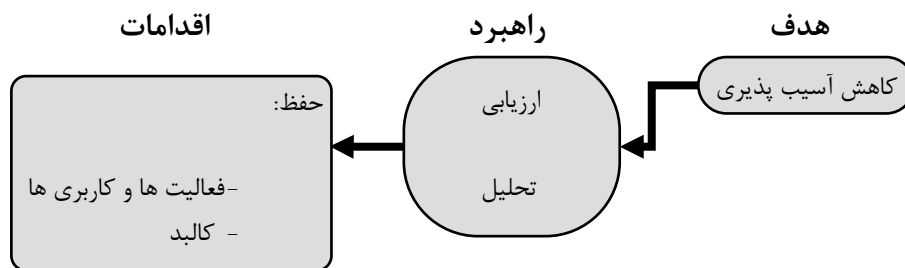
۳. بازیابی و برقراری تسهیلات و خدمات آسیب دیده در نتیجه چنین حمله ای.

در این گروه از تعاریف «نحوه مواجهه و مقابله با آثار ناشی از حملات نظامی» مورد تاکید قرار دارد و از این رو عبارت «دفاع غیرنظامی» از نظر مفهومی معادل با عبارت «پدافند غیرعامل» محسوب می گردد. در گروه دوم دفاع غیرنظامی بر «محافظة از شهروندان در برابر آثار بلایا» تاکید می نماید و بنابراین طیف اهداف، اقدامات و روش های مقابله، گسترش می یابد. به همین دلیل می توان تعریف اخیر از دفاع غیرنظامی را یک تعریف عام محسوب نمود که پدافند غیرعامل بخشی از آن محسوب می گردد. برای مثال در کشور سوئیس دفاع غیرنظامی به معنای «برنامه ریزی برای مقابله با آثار حوادث طبیعی و غیرطبیعی و نجات جان مردم و ایجاد فضای امن چه در زمان وقوع حملات نظامی از سوی دشمن و چه در هنگام بروز حوادث ناگوار طبیعی همچون سیل، زلزله، طوفان، آتش سوزی و ... (در زمان صلح) تعریف می شود.»^۱ همچنین در

کشور آلمان، دفاع غیرنظامی، «محافظة از افراد با بکارگیری روش های غیرنظامی در مقابل خرابی های ناشی از جنگ و نیز در پیش بینی های ضروری در زمان صلح» تعریف شده است. طبق این تعریف، دفاع غیر نظامی در زمان جنگ «جزء لاینفک پدافند عامل» و در زمان صلح «عنصر مهمی در مدیریت بحران» محسوب می شود. در این راستا هدف اصلی از پدافند غیرعامل در زمان جنگ «انجام اقدامات پیشگیرانه و تهیه ملزومات محافظت از افراد خودی در داخل مرزهای ملی» تعریف شده است.

نقش معماری و شهرسازی در پدافند غیر عامل

معماری و شهرسازی بعنوان یک واسطه قدرت دفاعی شهر را بالا می برد و در ارضای نیاز به امنیت در سلسله مراتب پله ای نیازهای بشری - تعریف شده توسط مازلو- اثر مثبت داشته و باعث بقای انسان می گردد. بر این اساس، بحث ایمنی و امنیت می بایست در کلیه سطوح برنامه ریزی و طراحی از موضوعات کلان شهرسازی تا معماری و جزئیات فنی مورد توجه قرار گیرد. تدابیر پدافند غیر عامل در معماری و شهرسازی می تواند علاوه بر کاهش خسارات تهدیدهای انسان ساز، در کاهش خطرپذیری در برابر انواع خطرات طبیعی نیز مفید واقع شود (اصغریان جدی، ۱۳۸۳)؛ همان گونه که بیان شد شهر و طراحی شهری در بحث پدافند غیرعامل جایگاه ویژه ای دارد. شهرها با توجه به قراردادن بسیاری از کاربری های حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی، وجود تاسیسات و سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و آموزشی، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و در صورت بروز جنگ می توانند زمینه بروز صدمات جانی و مالی زیادی باشند. بدیهی است به منظور جلوگیری از چنین صدماتی، لازم است قبل وقوع، کلیه تدابیر و اقدامات پیش بینی های لازم صورت پذیرفته باشد تا در زمان وقوع حادثه، قابلیت بهره برداری و مدیریت مطلوب شهری در برابر تهدیدات میسر



نمودار ۱. اهداف، راهبرد و اقدامات در معماری پدافند غیر عامل؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

گردیده و در نتیجه جان شهروندان، پایداری و بقای شهری تضمین گردد، لذا برنامه ریزی و اقدام جهت کاهش خسارات مالی، جانی، ایجاد ایمنی و پایداری نسبی در زیرساختهای مهم شهری و ایجاد ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ایمنی در میان عموم شهروندان از مهمترین اقدامات مبحث طراحی و برنامه ریزی شهری می باشد (خرم آبادی و دیگران، ۱۳۹۲). در تعریف کلی می توان گفت طراحی شهری، هنر یکپارچگی بخشیدن به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازند به گونه ای که منظر شهری حاصل، برآیند تعامل ساختمان هایی است که در کنار یکدیگر شکل کلی یک مجموعه زیستی به نام شهر را شکل می دهند. شهر محل سکونت افراد زیادی است که اثرگذاری عناصر گوناگون آن در ایجاد حس آسایش و امنیت روانی و جسمی در ساکنین آن امری بدیهی است (سیاهویی و دیگران، ۱۳۹۳). تقویت تاسیسات دفاعی شهری، تعبیه راههای گریز از خطر، بهبود وضع خدماتی که در زمان دفاع ضرورت می یابد و غیره، به ترتیب احتمال در خطر بودن تعداد جمعیت و منابع ثروت هر شهر از مهم ترین اهداف آمایش سرزمین در بخش شهرها قرار می گیرند. راهکارهای دفاعی ابتدا به راه حل هایی کالبد گرایانه چون ساخت یا آمایش تاسیسات و کالبد گرایانه چون ساخت شهر و پناهگاه می انجامد. در این چارچوب آن چه

مهم است، تاسیسات و تجهیزات است که غالباً شریان اصلی هر شهری را تشکیل می دهند. یعنی سیستم های حمل و نقل، شبکه های تهیه و توزیع کالا، تجهیزات آب و فاضلاب، تاسیسات برق، گاز و شبکه هایی از بهداشت و درمان که عملاً مورد چنین پیش بینی هایی قرار می گیرند. بنابه نوشته رئیس یکی از بزرگترین انیستیتوهای «آمایش شهری» جهان، هنوز هیچگونه طرح هادی کامل بدون نقص و ایده آلی در امر شهرسازی بوجود نیامده است و شهرهای جدید نیز گاه بزودی مورد آمایش شهری قرار می گیرند (آیت اللهی، ۱۳۸۸).

معماری و شهرسازی به عنوان یک واسطه، قدرت دفاعی را بالا می برد و در ارضای نیاز به امنیت در سلسله مراتب پله ای مازلو اثر مثبت داشته و باعث بقای انسان می گردد. در «اکستیکس»، واژه دفاع در مقابل «دشمن تهدیدات انسان ساز و واژه ایمنی و حفاظت در مقابل تهدیدات طبیعی بکار می رود (ابوالحسنی، ۱۳۸۴) با این رویکرد روانشناسانه به معماری و شهرسازی، بحث ایمنی و امنیت باید در کلیه سطوح برنامه ریزی و طراحی، از موضوعات کلان شهرسازی تا معماری و جزئیات فنی مد نظر قرار گیرد. پدافند غیرعامل در معماری و شهرسازی می تواند علاوه بر کاهش خسارات تهدیدات انسان ساز جنگ و بمباران هوایی، جهت کاهش خطرپذیری در برابر انواع خطرات طبیعی نیز مفید واقع شود. (احمدی، ۱۳۷۶)؛ تلفیق طراحی پدافند غیرعامل،

برای مقابله با خطرات طبیعی مانند زلزله علاوه بر تهدیدات انسان ساز، در زمان صلح و جنگ، باعث پایداری طرح دفاعی می گردد.

یکی از موضوعات پرکاربرد قرن ۲۱ در برنامه ریزی و طراحی شهری، پایداری شهر است؛ در واقع در این مقوله، پژوهشگران و صاحب نظران به موضوعات جدیدی مانند شکل شهر که به برنامه ریزی شهر مدرن بر می گردد نگاهی تازه دارند. فرم شهر تا کنون از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و مزایا و معایب آن در رویکردهای مختلف کالبدی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل شده است. دسته ای از مطالعات در جستجوی طراحی یک شهر خوب یا شکل پایدار شهری هستند (غلامی و دیگران، ۱۳۸۹) اسکان پایدار یکی از ارکان های اصلی شهر پایدار می باشد؛ همانطور که در مبحث بیست و یکم مقررات ملی ساختمان نیز آمده است در طراحی شهرها و تعیین کاربری مورد نیاز شهر و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، باید علاوه بر ایجاد فضای مناسب برای حفظ جان مردم در مقابل تهدیدات، امکان تداوم بی وقفه فعالیت های ضروری و کاهش آسیب پذیری شهر فراهم شود. اما در حال حاضر از دانش موجود به نحوه موثری در ایمن سازی شهرها بهره برداری نشده است و متاسفانه ساخت و سازهای غیراصولی و آسیب پذیر، در هنگام وقوع تهدیدات اعم از حوادث غیرمترقبه، بروز جنگ، بمباران هوایی، حملات موشکی، می تواند موجب خسارات و تلفات سنگین به تاسیسات، تجهیزات و جمعیت بشری شود (سیاهویی و دیگران، ۱۳۹۳). از این رو در بحث توسعه پایدار بیش از پیش اهمیت شهر پایدار و بکارگیری اصول پدافند غیرعامل مشخص می گردد پدافند غیرعامل در طراحی شهرها و در بعد شهرسازی، شامل رعایت مواردی از قبیل ساختار و فرم شهری، استقرار یا چیدمان بافت شهری و کاربری های مهم شهری می باشد

(خرم آبادی و دیگران، ۱۳۹۲). از این رو برنامه ریزان و طراحان شهری امروزه به تبیین رویکردها و اصول توسعه شهری در مقیاس های مختلف منطقه، شهر، ناحیه، محله و واحد همسایگی با بهره گیری از مولفه های کلی پایداری پرداخته اند و تبیین این عوامل به شکل گیری رویکردهایی همچون رشد هوشمند شهری، نوشهرگرایی، توسعه مبنی بر حمل و نقل عمومی و بوم شهرگرایی منجر گردیده است (احمدنیا، ۱۳۹۲).

اصغریان جدی الزامات معماری در پدافند غیرعامل را در قالب جدول «الزامات معماری و تهاجم» بیان می نماید. با توجه به مراحل تهاجم دشمن که شامل شناسایی، حضور، بازشناسی، نشانه روی، ایراد خسارت و فرار است، به کارگیری هریک از این الزامات و عوامل در طراحی پدافند غیرعامل به نوبه خود در یک یا چند مرحله از مراحل تهاجم دشمن خلل ایجاد کرده و دشمن را از دستیابی به هدف ناکام خواهد گذاشت.^۱ الزامات معماری در جدول به گروه های خاصی طبقه بندی شده است. این گروه ها عبارتند از:

۱. «برنامه ریزی»: شامل مکان یابی و آرایش استقرار، موانع، پراکندگی و مدیریت ساخت و بهره برداری؛
 ۲. «اغتشاش در دید دشمن»: شامل ضد مراقبت؛
 ۳. «دید دشمن»: شامل استتار، اختفاء و عوامل فریب؛
 ۴. «طراحی»: شامل معماری داخلی، فضاهای چند عملکردی، ورودی و خروجی های معمولی و اضطراری، مرمت پذیری، نمای داخلی و خارجی ساختمان؛ و
 ۵. «ساخت»: شامل شبکه های زیرساخت، تاسیسات و استحکامات.
- داعی نژاد اصول پدافند غیرعامل در طراحی و تجهیز فضاهای باز مجموعه های مسکونی را به صورت زیر تشریح می نماید:^۲

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: اصغریان جدی، احمد (۱۳۸۳) الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار، تهران، دانشکده معماری شهید بهشتی، پایان نامه دکتری.

۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک: داعی نژاد، فرامرز و امین زاده و حسینی، اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه های مسکونی به منظور پدافند غیرعامل، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۵.

جدول ۱. الزامات معماری در پدافند غیرعامل، ماخذ: اصغریان جدی، ۱۳۸۳.

طبقه بندی	طیف بندی	ساختار تهاجم دشمن				طبقه بندی تهاجم
		قدرت آتش	فرار			مراحل تهاجم دشمن
الزامات معماری	طیف بندی					مراحل تهاجم دشمن
		F - فرار	E - ایراد خسارت	D - نشانه روی	C - بازشناسی	A - شناسایی B - حضور (دسترسی دشمن)
برنامه ریزی	طیف بندی	E1	D1	C1	B1	۱- مکانبایی و آرایش استقرار
					B2	۲- موانع (حضور و مانور دشمن)
		E3				۳- پراکندگی
CS	دید دشمن	E4	D4	C4	A4	۴- مدیریت ساخت و بهره بردار
		E5	D5	C5	A5	۵- ضد مراقبت (اغتشاش در دید) Counter Surveillance
CCD	دید دشمن	E6	D6	C6	A6	۶- استتار Camouflage
		E7	D7	C7	A7	۷- اختفاء Concealment
		E8	D8	C8	A8	۸- عوامل فریب Deception
طراحی	طیف بندی	E9				۹- طراحی معماری داخلی
		E10				۱۰- طراحی فضاهای چندعملکردی
		E11				۱۱- طراحی ورودی و خروجی های معمولی و اضطراری
ساخت	طیف بندی	E12				۱۲- مرمت پذیری
		E13	D13	C13	A13	۱۳- نمای بیرونی ساختمان ها
		E14				۱۴- نمای داخلی ساختمان ها
		E15		C15	A15	۱۵- شبکه های زیرساخت
		E16		C16	A16	۱۶- تاسیسات
		E17				۱۷- استحکامات (سازه)

۱. اصل اول: محافظت سلسله مراتبی: اصل محافظت سلسله مراتبی به معنای درجات متفاوت آسیب پذیری بخش های مختلف یک مجموعه است. طبق این اصل جزء فضاهایی که در برابر یک سانحه دارای بیشترین آسیب پذیری هستند، باید از بالاترین سطح آمادگی جهت مواجهه موثر با شرایط بحران برخوردار باشند. همچنین طبق این اصل می توان شدت آسیب پذیری افراد، فضاها و تجهیزات را با چیدمان صحیح توده و فضا، افزایش فاصله بین بلوک های ساختمانی، یکنواخت نمودن شعاع دسترسی از توده به فضا و بالاخره با مهار کردن عوامل تشدید کننده خسارات در سطح جزئیات تا حدود زیادی کاهش داد.

۲. اصل دوم: پوشش سراسری: این اصل اهمیت سرعت در استقرار در نقاط امن و نیز سرعت در امداد و نجات و مهار دامنه آسیب ها را مورد تاکید قرار می دهد.

۳. اصل سوم: محافظت پویا: این اصل بیانگر آن است که به کمک سه ویژگی انعطاف پذیری، تنوع و کارایی، عناصر حفاظتی در محیط باید به صورتی پیوسته و به شکل های متنوع طراحی شوند. ویژگی انعطاف پذیری موجب می شود که هر یک از اجزا و عناصر محیط از قابلیت ارائه عملکردهایی فراتر از عملکرد معمول خویش باشند که از دیدگاه پدافند غیرعامل این قابلیت عملکردهای حفاظتی و حمایتی در برابر شرایط بحرانی است. ویژگی تنوع بیانگر

لزوم تعدد در عناصر حیاتی محیط و به منظور حفظ تداوم عملکرد آنها به ویژه در شرایط اضطراری است که موجب تسریع در مهار دامنه صدمات ناشی از رخداد سانحه است. ویژگی کارایی حاکی از آن است که ضرورت وجودی هر عنصری در طرح و ترکیب محیط تابع توانایی تامین عملکردهای مورد انتظار از آن است که با ترکیب تعدادی عملکرد ساده می توان به سطح عالی تری از عملکردها دست یافت. ۴. اصل چهارم: اصل خودکفایی نسبی: با فرض بدترین شرایط بحران باید مجموعه قادر به تامین حیاتی ترین نیازهای آسیب دیدگان در شرایط اندکی قبل و بلافاصله پس از وقوع خطر باشد. از مهمترین این نیازها می توان از اعلام خطر، مقابله با آتش، فوریت های پزشکی، سیستم های جایگزین و امکانات ضروری جهت اسکان اضطراری نام برد. ۵. اصل پنجم: کمترین آسیب پذیری: این اصل بر لزوم دقت در جانمایی عناصر محیط و استفاده هوشمندانه از امکانات طراحی جهت کاهش صدمات ناشی از رخداد انفجار است. با توجه به اصول مذکور پدافند غیرعامل در معماری، در خاتمه برخی از تمهیدات پدافند غیرعامل در طراحی بخش های مختلف معماری بطور خلاصه ارائه شده اند که بکارگیری آنها می تواند در کاهش خسارات وارد به ساختمان و تلفات ناشی از آن در برابر خطر تهدیدات انفجاری موثر واقع شود.

فرم ساختمان

چگونگی فرم ساختمان بر میزان خسارات کلی ساختمان تأثیر بسزایی دارد. زاویه های بادگیر و المانهای پیرامونی می تواند موج شوک را به دام انداخته و اثر انفجار را تشدید نماید. زاویه های باز یا تدریجی نسبت به زاویه های بادگیر یا تند تأثیر کمتری دارند. ساختمانهای با فرم U یا I اثر انفجار را تشدید می نمایند. به این دلیل توصیه می شود از گوشه های بادگیر پرهیز گردد. شدت فشار منعکس شده بر سطح یک ساختمان مدور کمتر از یک ساختمان مسطح است. هنگام استفاده

از سطوح منحنی، فرمهای محدب به فرمهای مقعر برتری دارند. در صورتی که توده ساختمانها بر روی پیلوت هایی که حداقل از سه طرف شفاف باشند، احداث شوند، این گونه پیلوت ها به تخلیه سریع نیروهای انفجاری از زیرساختمان کمک نموده و آثار تخریبی نیروهای انفجاری بر حجم توده و فضای باز را به میزان زیادی مهار می نمایند. به منظور تخلیه انرژی انفجار از فضای بین ساختمانها و کاهش آسیب پذیری محیط، در فرم توده ساختمان در فواصل حداکثر ۲۰ متری باید انقطاع و ناپیوستگی ایجاد شود. عرض درز انفصال بین دو دیوار بلوک های ساختمانی هم ردیف کمتر از ۵۰ سانتیمتر نباشد. می توان از فرم ساختمان ها جهت کنترل خطر ریزش آوار به فضای باز استفاده نمود.

احجام و المانهای پیرامونی

عناصر الحاقی به نمای ساختمان ها به ویژه در صورت عدم نصب صحیح و ایمن در اثر کمترین نیروهای لرزشی و فشاری از جای کنده شده و به محیط اطراف به ویژه معابر پیاده و فضاهای مجاور آنها پرتاب می شوند. بدین منظور لازم است از عناصر تزئینی سست و شکننده همچون قرنیزهای ضعیف در حجم ساختمان ها استفاده نشود و حفاظ های فلزی نصب شده بر روی نمای ساختمان ها فقط با اتصال جوش به قاب فلزی باز شوها مهار شوند. به طور کلی هندسه ساده و حداقل تزئینات نمای خارجی توصیه می گردد. در صورت بکارگیری تزئینات بهتر است از مصالح سبک مانند چوب یا پلاستیک استفاده شود زیرا هنگام وقوع انفجار نسبت به آجر، سنگ یا فلز احتمال آن که به ترکش های مرگبار تبدیل شوند، کمتر است.

طراحی فضاهای چند عملکردی

چندعملکردی بودن فضاها در شرایط جنگ و صلح علاوه بر اقتصادی بودن طرح، آمادگی فضاها را جهت بهره برداری های مختلف منطبق با شرایط فراهم می نماید.

پلان معماری و روابط فضاهای داخلی

در مورد طرح کلی برنامه فضایی - عملکردی لازم است که فضاهای ناامن و با خطرپذیری زیاد از فضاهای امن و فضاهای تمرکز افراد و عملکردهای مهم مجزا شوند. در حالت ایده آل، فضاهای ناامن در خارج از ساختمان اصلی یا در محیط پیرامونی ساختمان قرار گیرند. هنگام تعیین مجاورت فضاهای امن و ناامن، طرح کلی هر طبقه و ارتباط بین طبقات باید مدنظر قرار گیرد. فضاهای امن نباید بالا یا پایین فضاهای ناامن قرار گیرند. بطور کلی فضاهای درونی در حجم ساختمان از میزان حفاظت بیشتری در برابر خطر انفجار برخوردارند و طرح کلی ساختمان باید به نحوی باشد که بخشهای پیرامونی، محدوده حریمی برای فضاهای امن داخلی ایجاد کنند.

ورودی ها و خروجی های معمولی و اضطراری

طراحی ورودی و خروجی اضطراری امکان نجات افراد و تاسیسات حساس را پس از تخریب ورودی های اصلی فراهم می نماید و از این جهت مخفی بودن و مستتر بودن ورودی و خروجی های اضطراری مستحکم تر از ورودی و خروجی های اصلی بوده و با توجه به هدف با حداقل دهانه و عرض اجرا می گردد. در فضای خروجی ساختمان ها لازم است با ایجاد سقف و یا هرگونه حایل مستحکم در برابر ریزش آوار، خروجی بلوک های ساختمانی محفوظ و ایمن سازی شود.

فضاهای سیر کولاسیون

اگر موج انفجار در داخل فضاهای دارای طرح خطی، کریدورها و مانند آن منتشر شود، به دلیل عدم کاهش قابل توجه جبهه فشار در چنین محیطی، بسیار مخرب خواهد بود. در چنین شرایطی حتی مکش ایجاد شده در محیط موجب پرتاب افراد و اشیاء به اطراف می گردد. قرار دادن موانع یا پیچ ها در طول این گونه مسیرها باعث کاهش اثر نامطلوب کریدور در تشدید آثار ناشی از نیروی انفجار می شود. درهای پشت سرهم در راهروهای داخلی به صورت

زیگزاگی قرار گیرند تا اثرات انفجار در ساختمان را محدود کند. پلکان های لازم جهت خروج اضطراری باید تا حد ممکن از فضاهای ناامن دور باشند و نباید به فضاهای ناامن منتهی شوند.

نمای بیرونی و جداره خارجی ساختمان نمای بیرونی ساختمانها تأثیر بسزایی در شناسایی، بازشناسی، نشانه روی و ایراد خسارت دارد. لذا در طراحی نما باید اصول ضد مراقبت و شناسایی رعایت گردد. جداره خارجی ساختمان نسبت به تهدید انفجار خارجی بسیار آسیب پذیر است، زیرا نزدیکترین بخش ساختمان به انفجار می باشد و معمولاً به وسیله مصالح ترد و شکننده ساخته می شود. این بخش همچنین محدوده مهم دفاع از ساکنان ساختمان می باشد. سطوح سست و شکننده در محیط بیرونی و در سطح نمای ساختمان ها و بام ها باید به حداقل ممکن کاهش یابند.

بازشوهای خارجی

طراحی پنجره ها با هدف حفاظت در برابر اثرات انفجار می تواند در کاهش مصدومیت های بریدگی شیشه در فضاهایی که مستقیماً در برابر انفجار نمی باشند، مؤثر واقع شود. با توجه به خطر شکست و پرتاب قطعات سطوح شیشه ای به اطراف، باید بین نماهای شیشه ای و فضای بیرونی یک فضای حایل ایجاد گردد. این فضای حایل ممکن است به صورت انواع بالکن باشد. یکی از راههای کاهش مصدومیت های ناشی از بریدگی شیشه، کاهش تعداد و ابعاد پنجره ها است. در صورت استفاده از دیوارهای ضد انفجار، استفاده از پنجره های کمتر یا کوچکتر موجب می شود که موج انفجار کمتری وارد ساختمان شود، بنابراین به کاهش خسارات داخلی و مصدومیت ها منجر می گردد.

معماری داخلی

معماری داخلی ساختمانها و مبلمان داخلی در پدافند غیرعامل باید به نحوی باشد که در اثر لرزش ناشی از موج انفجار و لرزش زمین به نیروهای انسانی و تجهیزات حساس آسیب وارد ننماید. در جداره های

داخلی نباید از مصالحی که باعث تولید ترکش می‌شود استفاده نمود. مباحث روانی بویژه رنگ و نور مصنوعی در فضای داخلی به ویژه در فضاهای امن زیرزمینی و پناهگاهها بسیار با اهمیت می‌باشد.

سلولار نمودن شهرها و پایداری

تمامی رویکردهای فوق دارای مزایا و معایبی از منظر پدافند غیرعامل هستند، اما اصل مشترک بین همه آنها که در رویکرد پدافند غیرعامل قابل تامل و توجه بیشتر است تاکید بر تقسیم شهر به اجزا کوچکتر همچون محلات مستقل و خودکفا است. در اصول پدافند غیرعامل با فرض بدترین شرایط بحران باید مجموعه قادر به تامین حیاتی ترین نیازهای آسیب دیدگان در شرایط اندکی قبل و بلافاصله پس از وقوع خطر باشد (داعی نژاد، ۱۳۸۵).

از این روی تقسیم شهر به مناطق و به تعبیری سلولهای کوچک همچون محله در نظام برنامه ریزی شهری نقش خاصی را ایفا می نماید، این سلولها در کنار یکدیگر به شهرها هویت می بخشدند. در این صورت با شناخت عوامل طبیعی و تغییر آنها مقدمات تغییر و تحول ساختاری شهرها و بهینه سازی ساختار آنها فراهم می آید. نتیجه این اقدامات به تمرکززدایی، تغییر قابل ملاحظه ای در اداره امور شهرها و تاکید بر رویکرد پدافند غیرعامل منجر خواهد شد، زیرا که هرچه یک برنامه ریزی در ابعاد کوچکتر انجام پذیرد، شرایط بهره برداری کامل و مناسبتر و ابزارها و امکانات مختلف در حوزه مدیریت بحران بهتر فراهم می شود، چرا که در واحدهای کوچکتر روابط اجتماعی دقیق تر و محکم تر، برقراری نظم و هماهنگی آسانتر و احساس مسئولیت پذیری افراد بیشتر خواهد بود (خیام باشی، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، بافت هر شهر یا همان شکل، اندازه و چگونگی ترکیب کوچکترین اجزای تشکیل دهنده شهر نیز در میزان مقاومت شهر در برابر تهاجم نظامی و دیگر بلاهای شهری مؤثر خواهد بود. به عنوان مثال می توان گفت بافت منظم و نامنظم بسته به

نوع تهدید، از آسیب پذیری متفاوتی برخوردارند. به هر حال واکنش هر نوع بافت شهری در هنگام وقوع حوادث مختلف شهری در قابلیت های گریز و پناه گیری ساکنان، امکانات امداد رسانی، چگونگی پاکسازی و حتی اسکان موقت، دخالت مستقیم دارد؛ بنابراین تقسیم شهر به سلول های کوچک امکان برنامه ریزی و طراحی جزئی تر و منطقی تری را به ما می دهد و دامنه تاثیر این ویژگی ها نه تنها در طراحی ساختمان بلکه در طراحی شهری و در مدیریت بحران نیز توسعه یافته و حائز اهمیت فراوان است (متقی و دیگران، ۱۳۹۰).

در کنار مقوله بافت و تقسیم بندی شهری، از دیگر ضوابط تاثیرگذار بر مدیریت بحران، الگوهای متفاوت فرم شهر می باشد (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۲). از آنجایی که امروزه مباحث و مناظرات بر روی فرم شهر به طور کلی بر تضاد بین فرم پراکنش افقی شهری و فرم شهری فشرده متمرکز شده است (Huang et al, 2007). از دیدگاه پدافند غیرعامل نیز، فرم های شهر به دو گروه فشرده و پراکنده قابل تقسیم هستند؛ فرم شهری فشرده حاصل تراکم کردن سازمان فضایی شهر و فرم پراکنده شهر، حاصل پراکنش و گستردگی سازمان فضایی شهری است (Glaster et al, 2007). «سنیگر» (۱۹۵۲) و «لینچ» (۱۹۵۸) معتقدند، فرم های باز برای تغییرات، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به فضاها متراکم دارند (احمدی، ۱۳۷۸) علاوه بر انعطاف پذیری امکانات جانمایی شده در شهر نیز خصیصه دیگری است که می تواند فرمی را نسبت به فرم دیگر دفاع پذیرتر نماید، هرچه امکانات سیستم کالبدی در سلول های طرحی شده و قسمت های مختلف شهر بیشتر باشد آسیب پذیری محیط کمتر و دفاع پذیری آن بیشتر است (حبیب، ۱۳۹۰). بطور کلی انعطاف پذیری فرم شهرها از مهمترین معیارهای دفاع پذیری شهر در مواجهه با تهدیدها می باشد؛ چرا که این قبیل فرم های شهر قادر به مقاومت در برابر شوک های شدید، بدون هرج و مرج

آنی یا ویرانی و شکستگی دائمی می باشد (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۲)؛ بنابراین در صورت سلولار نمودن شهرها، میتوان هر سلول را بطور دقیق تری بصورت پراکنده طراحی نمود و علاوه بر آن کلیت شهر را یعنی حاصل مجموعه سلول ها را نیز بصورت پراکنده و بدون نگرانی از اصل دسترسی طراحی نمود، زیرا فرم هر شهر حاصل الگوی گسترش فضایی شهر می باشد و گسترش هر شهر بصورت یک فرآیند دوگانه گسترش بیرونی (کلیت شهر) و گسترش درونی (هر سلول) عینیت می یابد (رهنما، ۱۳۸۵)

در پیکربندی شهر، مقوله دسترسی به امکانات برای شهروندان در رویکرد پدافند غیر عامل موضوع مهم و در خور توجهی است. پراکندگی خدمات عامل مهمی در دسترسی محسوب می شود و سبب می شود که شهروندان در شرایط بحران و ناامنی با طی کمترین فاصله، نیازمندی های خود را تامین نمایند. شرایطی که در شهر با مرکزیت محدود قابل حصول نیست. نتیجتاً در شهرهای انعطاف پذیر ساختمان های کمتری فرو می ریزند و قطعی برق کمتر رخ می دهد، تعداد کمتری از خانوارها و مراکز تجاری در معرض خطر قرار می گیرند همچنین تعداد کمتری مرگ و میر و آسیب دیدگی اتفاق می افتد و ناهماهنگی و مشکلات ارتباطی کمتری روی می دهد (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۲). فرم های باز در مقابل تهدیدات نظامی دارای آسیب پذیری کمتری هستند و قابلیت تغییر آنها به منظور فریب دشمن نیز بیشتر است؛ در حالی که فرم های متراکم ضمن عدم انعطاف پذیری، آسیب پذیری بالایی در برابر تهدیدات نظامی دارند و در آن ها امکان تخلیه سریع اماکن و خروج از شهر وجود ندارد. از سویی فضاهای باز امکان اسکان موقت و جمع آوری کمک های بعدی را فراهم می آورد (متقی و دیگران، ۱۳۹۰). در مورد انعطاف پذیری فرم شهرها یک اصل به نام اصل محافظت پویا وجود دارد این اصل بیانگر آن است که به کمک سه ویژگی انعطاف پذیری، تنوع و

کارایی، عناصر حفاظتی در محیط باید بصورت پیوسته و به شکل های متنوع طراحی شوند. ویژگی انعطاف پذیری موجب می شود که هر یک از اجزا و عناصر محیط از قابلیت ارائه عملکردهایی فراتر از عملکرد معمول خویش باشند که از دیدگاه پدافند غیرعامل این قابلیت عملکردهای حفاظتی و حمایتی در برابر شرایط بحرانی است. ویژگی تنوع بیانگر لزوم تعدد در عناصر حیاتی محیط و به منظور حفظ تداوم عملکرد آنها بویژه در شرایط اضطراری است که موجب تسریع در مهار دامنه صدمات ناشی از رخداد سانحه است. ویژگی کارایی حاکی از آن است که ضرورت وجودی هر عنصری از طرح و ترکیب محیط تابع توانایی تامین عملکردهای مورد انتظار از آن است که با ترکیب تعدادی عملکرد ساده می توان به سطح عالی تری از عملکرد دست یافت (داعی نژاد، ۱۳۸۵).

میزان آسیب پذیری شهر و شاخص های کالبدی

۱. «ساختار شهر»: توزیع فضای عناصر، ترکیب عناصر و عملکردهای اصلی شهر که تشکیل دهنده ساختار شهر می باشند، نقش مهمی در میزان آسیب پذیری شهر در برابر حوادث مختلف، خصوصاً حملات نظامی دشمن دارد. تقسیمات کالبدی شهر مانند: کوی، محله، ناحیه، برزن و منطقه، تک مرکزی یا چند مرکزی بودن و غیره نیز وجود دیگری از ساختار شهر محسوب می شوند که هر کدام به لحاظ مقابله در برابر حوادث دارای استعداد خاص خود است. مثلاً در ساختار تک مرکزی شهر و تمرکز امکانات اقتصادی و انسانی در یک قسمت از شهر به نسبت به شهرهای دارای چند مرکز، امکان آسیب پذیری، بیشتر می شود، ضمن اینکه سقوط شهر نیز، زمان کمتری را می طلبد (بوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۵۹). شهرهای شطرنجی نظیر توکیو در ژاپن، بارسلونا در اسپانیا یا تا حدودی تهران با طول امتداد راه گریز از عوارض جنگ های نوین به دلیل انکسار کوچه ها و خیابانها، لزوم توقف در مقابل چراغ قرمز و غیره، موقع حمله چندان مناسب

جدول ۱. رابطه اندازه قطعات با میزان آسیب پذیری؛ ماخذ: بوالحسنی، ۱۳۸۴

میزان آسیب پذیری در جنگ شهری	تهاجم نظامی (حمله هوایی)
زیاد	زیاد
زیاد	متوسط
کم	کم

دارند. به هر حال هر نوع بافت شهری در قابلیت های گریز و پناه گیری ساکنان، در امکانات امداد رسانی، در چگونگی پاکسازی و حتی اسکان موقت، دخالت مستقیم دارد (بوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

(۲-۲) ب) بافت ریزدانه و درشت دانه: شورایی عالی معماری و شهرسازی ایران، در تعریف خود از قطعات ریزدانه به منظور تشخیص بافت های فرسوده شهری، مساحت کمتر از ۲۰۰ متر مربع را بعنوان ملاک تشخیص این قطعات معرفی می کند. در قطعات ریزدانه به علت اینکه فضای باز و امن برای گریز و پناه گرفتن بسیار کم می شود، در مواقع بروز بحران، تلفات انسانی افزایش می یابد. بطور کلی هر چه اندازه قطعات بزرگتر باشد، اولاً تلفات انسانی کاهش می یابد و ثانیاً عملیات امداد رسانی و اسکان موقت با سهولت بیشتری انجام می گیرد.

(۳-۲) ج) بافت تراکم و پراکنده: میزان تراکم، نشان دهنده موقعیت و چسبندگی یک محل است. بافت های تراکم و فشرده، موجب شاخص شدن مجموعه می گردد (فرازم شاد، ۱۳۸۸). در مورد تراکم ساختمانی و جمعیتی می توان گفت، هر چه این تراکم ها کمتر باشند، آسیب پذیری بافت کاهش می یابد و دشمن به منظور آسیب رساندن، متحمل هزینه های بیشتری می شود.

(۴-۲) د) نسبت فضاهای پروخالی: در شهرها به دلیل بالا بودن قیمت زمین از یک طرف و محدود بودن زمین های قابل ساخت از طرف دیگر و با توجه به سیاست هایی که در خصوص محدود کردن توسعه فیزیکی شهرها وجود دارد، معمولاً مساحت فضاهای ساخته شده (پر) نسبت به فضاهای ساخته نشده

دفاع نمی نمایند. لذا شاید مناسب ترین نقشه معابر و خیابانها در دفاع از شهروندان مقابل عوامل جنگ های نوین شهرهایی ستاره ای باشد که نزدیکترین مفر از شهر را برای شهروندان تدارک دیده است. تعداد خیابانهای متح المبدأ هر چه بیشتر باشد گزینه بیشتری برای فرار جمعیت غیرنظامی فراهم می آورد و با کاهش احتمال ترافیک، مسئله تمرکز جمعیت را که همیشه برای دشمن مطلوب است حل می کند؛ بویژه که چنین راههایی معمولاً به عنوان خطوط مواصلاتی از اهداف اولیه و اصلی دشمن به شمار می روند (آیت الهی، ۱۳۸۸).

۲. «بافت شهر»: بافت هر شهر یا همان شکل، اندازه و چگونگی ترکیب کوچکترین اجزای تشکیل دهنده شهر نیز در برابر تهاجم نظامی و دیگر بلایای شهری موثر خواهد بود (بوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۶۰). بافت شهر را می توان بر اساس شاخص های مختلفی بررسی کرد که از آن جمله می توان موارد ذیل را برشمرد: منظم و غیرمنظم، تراکم و پراکنده، ریزدانه و درشت دانه و فضاهای پر و خالی.

(۱-۲) الف) بافت منظم و نامنظم: می توان گفت بافت منظم و نامنظم، بسته به نوع تهدید از آسیب پذیری متفاوتی برخوردارند؛ مثلاً در زمان تهاجم نظامی، بافت منظم از امکان گریز و پناه بیشتر یا امداد رسانی راحت تری برخوردار است، اما بافت نامنظم در تهاجم نظامی با مقاومت شهری بهتری عمل می کند و به دلیل نامنظمی بافت، امکان برنامه ریزی و حملات موفق در محلات ناشناس کمتر می شود، ضمن اینکه شهروندان با استفاده از نامنظمی بافت، امتیازی جهت برتری در دست

جدول ۲. رابطه نسبت سطح ساخته شده با میزان آسیب پذیری؛ ماخذ: بوالحسنی، ۱۳۸۴.

میزان آسیب پذیری	نسبت سطح ساخته شده به کل (درصد)
زیاد	$60 < A < 100$
متوسط	$30 < A < 60$
کم	$A < 30$

می توان با بکارگیری اقدامات موثر همراه با طرح های کاربردی و کم هزینه و چند منظوره در مرحله آمادگی قبل از بحران، به میزان زیادی از شدت و گستردگی خسارات و تلفات ناشی از خطرات کاست. در حال حاضر در کشور ما اغلب شهرها بدون توجه به اصول پدافند غیر عامل و اغلب بدون برنامه گسترش یافته و پیکربندی شده است. طبیعتاً این موضوع نیازمند توجه ویژه است زیرا که با توجه به تهدیدات نظامی گسترده و تاکید بر اصول پدافند غیر عامل در کشور پژوهشگران این حوزه موظف به یافتن راهکارهای منطقی و قابل اجرا می باشند. بر اساس موارد پیش گفت منطقه بندی و سلولار نمودن شهرها با نگرش پدافند غیر عامل ممکن است بتواند تا حدودی به تامین امنیت شهرهای کشور کمک کند. چنین طراحی در تمامی موارد ذکر شده اعم از انعطاف پذیری، دسترسی، فرم های باز، جانمایی با اصول پدافند غیر عامل منطبق بوده و تا حد زیادی میتواند به تامین امنیت شهرهای کشور با توجه به وضع موجود کمک نماید. آنچه مشخص است این است که در تهاجمات نظامی بخش زیادی از تهدیدات متوجه شهر و تاسیسات و تجهیزات موجود در آن می شود. گذشته از اینکه شهرها از نظر فیزیکی هدف های ثابت و بزرگی هستند که حتی از فاصله دور به آسانی می-توان آنها را هدف قرار داد، عوامل دیگری نیز بعنوان انگیزه در انتخاب شهرها به عنوان هدف نظامی نقش دارند که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف) شهرها محل تجمع نیروی انسانی بوده و بیشتر مراکز تصمیم گیری سیاسی، اداری و نظامی در شهرها مستقر هستند.

خالی)، از مقدار بیشتری برخوردار است. مناطقی که در آنها نسبت سطح ساخته شده به فضای باز متوسط یا کم است، به لحاظ اینکه پس از تخریب و یا صدمه دیدن از امکان امداد رسانی بهتری برخوردار هستند و گریز و یا عبور از منطقه نیز راحت تر است، از آسیب پذیری کمتری برخوردارند (بوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۶۶).

نتیجه گیری و جمع بندی

منظور از پدافند غیر عامل مجموعه اقداماتی است که بدون نیاز به کاربرد تجهیزات نظامی و صرفاً بر مبنای برنامه ریزی و طراحی معماری و بدون نیاز به عامل انسانی و با ارائه تمهیداتی جهت مشخصات فرم ساختمان، احجام و المانهای پیرامونی، پلان معماری، نماهای جانبی، بازشوهای خارجی و سیرکولاسیون داخلی، در پی محدود نمودن آسیب های ناشی از انفجار تهدیدات نظامی، بهبود قابلیت های فضای کالبدی به منظور تامین محافظت از جان افراد و به حداقل رساندن تلفات جانی ناشی از خطر انفجار می باشد. با توجه به تشابه هایی که در برخی انواع خطرات طبیعی و تهدیدات انسان ساز یافت می شود، جهت کاهش خطرپذیری می توان با ارزیابی خطرات بالقوه در هر مکان، تمهیدات بهینه پدافند غیر عامل را جهت کاهش خطرپذیری انواع خطرات و سوانح در نظر گرفت، مانند کاهش خسارات ناشی از زلزله و لرزش موج انفجار بمب. تعامل میان تمهیدات پدافند غیر عامل در مقابل تهدیدات انسان ساز از یک سو و هم پوشانی آن با دیگر خطرات طبیعی مانند زلزله از سوی دیگر، می تواند به پایداری معماری منجر شود. بدین ترتیب با استفاده از اصول پدافند غیر عامل در برنامه های جامع مدیریت بحران

ب) شهرها با برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی و معیشتی، نقش پشتیبانی بسیار موثری در هدایت و اداره جنگ‌ها دارند.

ج) بخش قابل توجهی از سرمایه‌های مادی و فرهنگی کشورها در شهرها قرار دارند. تخریب و یا دستیابی به این سرمایه‌ها، انگیزه‌های مادی را در نیروی مهاجم تقویت می‌کند.

د) شهرها به دلیل برخورداری از بدنه دفاعی، همیشه به عنوان الگوی پایداری و یا تسلط بر منطقه تفسیر می‌شوند. به همین دلیل تسلط بر شهرها، شاخصی برای توجیه جایگاه نظامی و اقتدار عملیاتی به شمار می‌رود.

ه) شهرها به عنوان حلقه ارتباطی و کانون انسجام منطقه‌ای و پسرکرانه‌های روستایی خود هستند، بدین ترتیب شهرها اغلب هدف اصلی تهدیدات و درگیری نظامی بوده و پیوسته باید فشارهای ناشی از جنگ را تحمل نمایند.

منابع و مآخذ

احمدنیا، محمدرضا؛ حبیبیان، بهار (۱۳۹۲) رویکردها، الزامات و الگوهای نوین در برنامه‌ریزی و طراحی به منظور دستیابی به توسعه شهری.

اصغریان جدی، احمد (۱۳۸۳) الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار؛ طرح پژوهشی دکتری؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ آرشیو اسناد؛ ۱۳۸۳.

اکبری، عباس (۱۳۸۴) نشریه شماره ۳ پدافند غیر عامل، اصول و ملاحظات؛ تهران، معاونت پدافند غیرعامل قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا (ص).

آیت‌اللهی، علیرضا (۱۳۸۸) دفاع از شهرها در برابر عوامل جنگ‌های نوین، مجموعه مقالات وب سایت سازمان پدافند غیر عامل.

بوالحسنی، عبدالله (۱۳۸۴) نشریه شماره ۴ پدافند غیر عامل - معماری و طراحی شهری در ایران، تهران، معاونت پدافند غیرعامل قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا (ص).

پدافند غیرعامل (۱۳۸۴) قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا، معاونت پدافند غیرعامل؛ ۱۳۸۴.

پورمحمدی، محمدرضا و ملکی، کیومرث و شفاعتی، آرزو و پرندکام، فرهاد (۱۳۹۱) برنامه‌ریزی شهری متناسب با پدافند غیرعامل با تاکید بر ارزیابی و برنامه‌ریزی بهینه کاربری اراضی شهری، فصلنامه سپهر، دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و سه.

تختی، بیتا (۳۸۹) نقش فضاها بی دفاع شهری در کاهش حس امنیت در شهروندان؛ نشریه مسکن و انقلاب،

توماس ای درابکوجوالدجی هواتمر (۱۳۸۳) پورخردمند، رضا (مترجم)، مدیریت بحران (اصول و راهنمای علمی دولتهای محلی)، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

جلالی، غلامرضا (۱۳۸۵) مبانی نظری در معماری دفاع غیر عامل، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، سال ۱۳۸۵.

حبیب، فرح (۱۳۹۰) نقش شکل شهر در کاهش خطرات ناشی از زلزله، نشر نگارنده.

حسینی امینی، حسن و امینی، داوود و کامران، حسن (۱۳۹۱) کاربرد پدافند غیرعامل در برنامه‌ریزی مسکن شهری، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره پانزدهم.

حسینی، سید باقر و بیطرفان، مهدی (۱۳۹۲) ارزیابی انواع ترکیب فرم‌های معماری از منظر پدافند غیرعامل با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، فصلنامه تخصصی انجمن پدافند غیرعامل ایران، دوره اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۲.

حسینی، سید بهشید (۱۳۸۶) معیارهای پدافند غیرعامل در ساختمان‌های جمعی شهری، نشرعابد، ۱۳۸۶

حسینی امینی، حسن و پریزادی، طاهر (۱۳۸۹) مفاهیم بنیادی در پدافند غیرعامل با تاکید بر شهر و ناحیه، موسسه اندیشه کهن پرداز، چاپ اول.

خرم آبادی، محمد؛ ستاری خواه، علی (۱۳۹۲) ملاحظات پدافند غیر عامل در طراحی شهرها، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه

شهری.

خیام باشی، احسان (۱۳۸۹) محله محوری و بررسی نقش موثر آن در مدیریت بحرانها و پدافند غیر عامل، اولین کنفرانس پدافند غیر عامل و سازه های مقاوم.

داعی نژاد، فرامز و امین زاده، حسین (۱۳۸۵) اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه های مسکونی به منظور پدافند غیر عامل، مرکز تحقیقات و مسکن.

درویشی سه تلانی، فرهاد (۱۳۷۶) تأملی نظری بر امنیت ملی. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دانشکده فرماندهی و ستاد، معاونت تحقیق و پژوهش.

دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۸۵) محیط شناسی نظامی: «فضای عملیاتی جنگ های نسل ششم»؛ موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه علوم، تحقیقات و توسعه فناوری، مرکز علوم دفاعی.

رهنمایی، محمد تقی؛ مصطفی، محمدی ده چشمه (۱۳۸۸) تحلیلی بر ناپایداری اجتماعی در بوم شهر ایرانی، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۵۹-۲۶۰.

زرگر، ابراهیم؛ مسگری، سارا (۱۳۸۷) پدافند غیر عامل در معماری (راهکاری جهت کاهش خطرپذیری در برابر سوانح)، مجموعه مقالات وب سایت سازمان پدافند غیر عامل.

زیاری، کرامت اله (۱۳۸۰) برنامه ریزی پدافند و پناهگاه شهری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

سیاهویی، حمیدرضا؛ سقایی، الهام (۱۳۹۳) نقش پدافند غیر عامل در طراحی شهری، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

شکیبامنش، امیر؛ هاشمی فشارکی، سید جواد (۱۳۸۸) ملاحظات پدافند غیر عامل در تأسیسات زیربنایی شهری، مجموعه مقالات اولین کنفرانس مدیریت زیرساخت ها، پردیس دانشکده های فنی دانشگاه تهران، آبان ۸۸.

طیاری، حمید (۱۳۶۸) دفاع غیر عامل در ۳۱ کشور جهان، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی دفتر سازه های امن.

طیاری، حمید (۱۳۶۸) دفاع غیر عامل در ۳۱ کشور جهان؛ وزارت مسکن و شهرسازی.

عبدالهی، مجید (۱۳۸۲) مدیریت بحران در نواحی شهری؛ انتشارات سازمان شهرداری های کشور؛ چاپ دوم.

علیدوستی، سیروس (۱۳۸۴) «طراحی و تبیین مدل عوامل کلیدی مؤثر بر کاربرد فناوری اطلاعات در اداره های کل سازمانهای دولتی استانهای صنعتی ایران»، رساله دکتری تخصصی مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

غلامرضایی، حسین (۱۳۸۵) «ملاحظات پدافند غیر عامل در شبکه های گازرسانی شهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده پدافند غیر عامل، دانشگاه مالک اشتر.

غلامی، مجید و همکاران (۱۳۸۹) ملاحظات پدافند غیر عامل در شهرسازی، اولین کنفرانس پدافند غیر عامل و سازه های مقاوم.

فرزام شاد، مصطفی (۱۳۸۸) مبانی نظری معماری در دفاع غیر عامل، مقالات سایت سازمان پدافند غیر عامل.

فیروزی، محرمعلی (۱۳۸۵) چالشهای جغرافیایی امنیتی تهران، نشریه رشد آموزش جغرافیا، دوره بیست و یکم، شماره دوم.

قاضی زاده، علیرضا؛ جلیلی قاضی زاده، محمدرضا؛ قانع، علی اصغر (۱۳۸۷) ارزیابی اجزای سامانه آبرسانی از دیدگاه پدافند غیر عامل، دومین همایش ملی آب و فاضلاب (با رویکرد بهره برداری)، تهران، مهرماه ۱۳۸۷.

قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) پدافند غیر عامل، نام ناشر: معاونت پدافند غیر عامل، تعداد صفحه: ۳۱، نشریه شماره ۱، تابستان ۱۳۸۳.

قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص)، آشنایی با اقدامات برخی از کشورها، نام ناشر: معاونت پدافند غیر عامل، نشریه شماره ۸، تابستان ۱۳۸۵.

قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (۱۳۸۳) پدافند غیر عامل، تهران، معاونت پدافند غیر عامل قرارگاه

act , 2002.

FEMA-426. (2003) Risk Management Series, Reference Manual to Mitigate Potential Terrorist Attacks against Buildings, Chapter 2, 3.

FEMA-427. (2003) Risk Management Series, Primer for Design of Commercial Building to Mitigate Terrorist Attacks, Chapter 6.

FEMA-428. (2003) Risk Management Series, Primer to Design Safe School Projects in Case of Terrorist Attacks

• FEMA-453. (2003) Risk Management Series, Safe Rooms and Shelters, Protecting People Against Terrorist Attacks

• Department Of Defense (DOD) Minimum Antiterrorism Standards For Building, USA , 2002

• Crawford, Charles, (1995) Protecting buildings from explosions, Berkshire, UK, MCB University Press.

پدافند هوایی خاتم الانبیا (ص).

متقی، طاهره (۱۳۹۰) ملاحظات معماری و شهرسازی در پدافند غیر عامل، سومین کنفرانس ملی عمران شهری.

محمدی ده چشمه، مصطفی (۱۳۹۲) شکل خوب شهر از منظر ملاحظات پدافند غیرعامل، کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران.

مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن (۱۳۸۸) پیش نویس مبحث بیست و یکم مقررات ملی ساختمان. موحدی نیا، جعفر (۱۳۹۰) دفاع غیر عامل، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، سال ۱۳۹۰.

مهدوی عادل، مهدی؛ آزادی، شیما (۱۳۹۳) طراحی شهری و راهکارهای پدافند غیرعامل، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری.

مؤیدی نژاد، حمزه؛ حقی آبی، امیرحمزه؛ جلیلی، سعید (۱۳۸۸) نواقص و کاستی های مدیریت بحران در شریان های حیاتی ایران، مجموعه مقالات وب سایت پدافند غیر عامل.

Alexander, C., 1965. A City is Not a Tree. Architectural Forum, 1 (122 Civil Defence and Home Land Security ,2006, Ashort of National Prepardness Efforts.

Risk Management Series, Site and Urban Design for Security,2007

Hongyu Wanga, Youpo Sub,Qingshen Zengc , International Conference on Risk and Engineering Management, 2011

FEMA-426. Risk Management Series, Reference Manual to Mitigate, 2003

Richard G.Little ,Holistic Strategy for Urban Security, Journal of Infrastructure System, 2004

Vautravers, Alexandre, Military operations in urban areas,Journal of International review of the red cross, Volume 92, Number 878,2010

Lacina, B , Explaining the Severity of Civil Wars, Journal of ConflictResolution, Number 50.2006

Stillion, John, David T. Orletsk, Defensive Responses To and EnemyMissileThreat.2002 The Civil Defence Emergency Management

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۹۰

میزان سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عدالت محور؛ مورد پژوهی: مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

علی اکبر تقوایی - دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا بمانیان - استاد گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا پورجعفر - استاد گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مهدی بهرام پور* - پژوهشگر دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

امروزه مفهوم عدالت به مثابه امری اساسی در فرآیند برنامه ریزی شهری و مدیریت مناطق کلانشهری مورد توجه قرار گرفته است که پیدایش مفاهیمی مانند شهر عدالت محور، عدالت فضایی و عدالت اجتماعی و موارد مشابه نشان از این امر دارد. در هر حال، پرداختن به این مفهوم و ترسیم چشم انداز و تدوین سیاستها و تخصیص برنامه های اقدام در این رابطه امری کاملاً ضروری بنظر می رسد که هدف این تحقیق را به خود اختصاص داده است. روش تحقیق این پژوهش در مرحله مبانی نظری، توصیفی و تحلیلی و در مرحله بیان یافته ها، تحلیل ثانویه بوده است که از ابزار گردآوری داده ها منطبق بر مجموعه گزارش ها و آمارهای مرکز آمار ایران و شهرداری تهران در حوزه مناطق ۲۲ گانه شهرداری بهره برده است. در ادامه مفهوم عدالت در ۴ مولفه: «تأمین منصفانه مسکن، تأمین دسترسی کافی به خدمات، تأمین امکانات (فرصت) برای همه و انصاف در تقسیم منابع»، مورد سنجش قرار گرفته و در پایان ضمن بیان وضعیت مناطق ۲۲ گانه در مقایسه با هم، راهکارهایی چند در رابطه با تحقق شهر عدالت محور مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: شهر عدالت محور، عدالت فضایی، تأمین مسکن، انصاف در تخصیص منابع و تسهیلات، راهکارها و پیشنهادات.

Assessment of spatial justice theory of justice; Case: 22 districts of Tehran Abstract

Abstract

Today, the concept of justice as essential in the process of urban planning and management of metropolitan areas is considered. The emergence of concepts such as justice, fairness and social justice and the environment is similar to this. However, dealing with the concept of perspective and allocation policies and action plans in this regard seems to be quite necessary. This study of the theoretical foundations, and in the expression of analytical results, the secondary analysis; The study includes a set of tools for data collection and statistical reports Statistical Center of Iran and Tehran Municipality has benefited in 22 districts of the municipality. Following the concept of justice in the 4 components: providing fair housing, providing adequate access to services, the provision of facilities (opportunity) for all and fairness in the distribution of resources is evaluated; Finally, in contrast to the expression of the 22 districts, several measures related to the realization of justice is mentioned.

Keywords: city justice, justice, environment, housing, fairness in the allocation of resources, facilities, strategies and recommendations.

این مقاله از رساله دکتری با عنوان «شهر عدالت محور (عدالت فضایی در مدیریت شهری در تهران)» به راهنمایی دکتر علی اکبر تقوایی و دکتر محمد رضا بمانیان و مشاوره دکتر محمد رضا پورجعفر در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران استخراج شده است که بدینوسیله مراتب سپاس خود را از اساتید راهنما و مشاور اعلام می دارد.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۴۴۷۵۱۷، رایانامه: mehdi.bahrampour@gmail.com

اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى «عدالت پیشه کنید تا شما را به تقوا نزدیک کند» (سوره الرحمن، آیه ۷)؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى «ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است» (سوره مائده، آیه ۸)؛

مقدمه و بیان مساله

است. عدالت اجتماعی و یکی از ابعاد وابسته آن، «عدالت فضایی» یکی از این رویکردهای نوین در زمینه اصلاح و تکامل مفهوم توسعه است که در پرتو نفوذ این مفهوم، رویکردی جدید در عرصه برنامه ریزی شهری شکل گرفته است که معتقد است برنامه ریزی شهری علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، می باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی شهری مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه اجتماعی، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و غیره، نیز پاسخ گوید.

بر این اساس در این تحقیق به مفهوم عدالت سنجی فضایی در شهر در رویکرد تحقق پذیری شهر عدالت محور پرداخته می شود. سپس تلاش شده است تا میزان مولفه های اثرگذار بر مفهوم عدالت فضایی و موارد وابسته به آن در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران مورد اشاره قرار گرفته و در پایان سیاستها و راهکارهایی چند پیرامون تحقق بخشی مفهوم عدالت مورد اشاره قرار گیرد.

مواد و روشها

چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش امکان سخن گفتن از چارچوب نظری وجود ندارد؛ چراکه مطابق با برداشت کیوی و کامپنهود (۱۳۸۶) انتخاب و ارائه چارچوب نظری از دو حال خارج نیست: یا باید از میان دیدگاههای موجود یکی را که از همه مناسب تر است برگزید یا باید دیدگاهی متفاوت از آنهايي که از پیش وجود

یکی از انتقادات اساسی به «برنامه ریزی سنتی» در قالب «طرحهای جامع و تفصیلی»، تأکید بیش از حد آنها بر اهداف کالبدی- کارکردی و عدم توجه کافی به اهداف و ارزشهای اجتماعی- اقتصادی بوده است (مهديزاده، ۱۳۸۱، صص ۲۹۴-۲۹۱). قبول نظریه یا اندیشه «پارادایم»^۱ در عرصه برنامه ریزی به این معناست که تحول در الگوهای برنامه ریزی ناشی از تحول در پارادایم هاست. بر این اساس با در نظر گرفتن توسعه به عنوان پارادایم مؤثر در برنامه ریزی، و تحول در مفهوم آن از «توسعه صرف اقتصادی» (تأکید بر شاخصهای کمی مثل افزایش تولید ملی، درآمد ملی، رشد جمعیت شهرنشین، هزینه و درآمد خانوارهای شهری) به «توسعه پایدار و همه جانبه» (تأکید بر اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی باهم و در کنارهم که تحت تأثیر پیدایش مفاهیم و ارزشهای جدید در عرصه های علوم اجتماعی و سیاسی مانند: رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی، «عدالت اجتماعی»، دموکراسی، و جامعه مدنی مطرح شده است)، روشها، نگرشها، ارزشها و اهداف برنامه ریزی نیز به سرعت تحول و تکامل یافته و بازتاب گسترده ای در طرحهای توسعه و عمران شهری و منطقه ای پیدا کرده است. از مهم ترین جریانهای فکری معاصر در ارتباط با این تحول می توان به رواج مفاهیم کیفیت زندگی^۲، رفاه اجتماعی^۳، و اهم آنها «عدالت اجتماعی»^۴ اشاره کرد که نفوذ و تأثیرگذاری آنها هم چنان روبه افزایش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۹۲

۱. Paradigm این مفهوم اولین بار توسط توماس کوهن فیزیکدان آمریکایی به کار برده شد؛ در یک نگاه اجمالی میتوان پارادایم را به عنوان یک تصور بنیادی و اساسی از موضوع علم تعریف کرد.

2. Quality of Life
3. Social Welfare

4. Social Equity

داشته اند، ساخت. این بدان معنا است که محقق یا {چارچوب نظری} را به صورتی کاملاً نو طرح می کند یا این که آن را در جریان مطالعات اکتشافی خواندن متون کشف کرده است و مطرح می کند. با توجه به اینکه در پژوهش پیش رو، هنوز مرور متون و سوابق نظری موضوع به پایان نرسیده است، ارائه و تدوین چارچوب نظری - با هریک از دو رویکرد فوق - به گونه ای که هدایتگر پژوهش پیش رو باشد، ممکن نمی نماید و باید در مراحل بعدی پژوهش صورت پذیرد. در چنین شرایطی، طبیعی است از این موضوع سخن گفت که با توجه به روشن نبودن چارچوب نظری مطالعه، امکان معرفی متغیرهای مورد بررسی در قالب یک مدل مفهومی و شرح چگونگی بررسی و اندازه گیری متغیرها نیز در این مرحله وجود نخواهد داشت.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. «روش توصیفی»: در مرحله «ادبیات و مبانی نظری» از روش توصیفی استفاده شده است که جایگاه صرفاً تبیینی داشته و به تعریف و شناخت شناسی مفاهیم مرتبط با موضوع پرداخته شده است.
۲. «روش فراتحلیل»: از این روش برای جمع بندی همه تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع «عدالت

و شهرسازی» در حوزه های مختلف، گونه شناسی آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب نظران و ارائه یک نظر و رویکرد کلی قابل تقیین و استناد استفاده شده است.

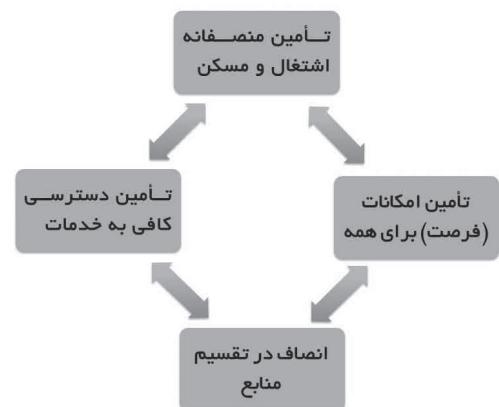
۳. «روش تحلیل ثانویه»: در مرحله تحلیل و بیان یافته ها از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است که در حوزه معیارهای «۱. تأمین منصفانه اشتغال و مسکن؛ ۲. تأمین دسترسی کافی به خدمات؛ ۳. تأمین امکانات (فرصت) برای همه و ۴. انصاف در تقسیم منابع» مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل تحلیلی تحقیق و جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شهر تهران و مناطق ۲۲ گانه آن می باشد. در این تحقیق، نحوه موارد زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. «تأمین منصفانه مسکن»: عدالت در حوزه مسکن و سرپناه در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است که بر پایه «روش تحلیل ثانویه» مبتنی بر: «گزیده گزارش های آماری مرکز آمار در پاییز ۱۳۹۳، چکیده گزارش های سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳؛ گزارش های مرکز آمار ایران در سرشماری های سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ گزارش سنجش عدالت در کلانشهر تهران در مرکز مطالعات برنامه ریزی شهرداری تهران: گزارش های «عدالت در شهر» شهرداری تهران (شماره های ۱ تا ۵)، و آمارنامه شهرداری تهران در سالهای مختلف» انجام یافته است. در ضمن به دلیل عدم ارتباط مقوله اشتغال با حوزه تخصصی رساله و مفهوم مورد نظر آن در تحلیل مسیر یا مسیر یابی علی متغیرها با مدیریت شهری، از انجام بررسی در این رابطه (اشتغال و عدالت اجتماعی) پرهیز گردید.

۲. «تأمین دسترسی کافی به خدمات»: توزیع چند نوع از خدمات عمومی شهری (خدمات آموزشی، ورزشی، فضای سبز، بهداشتی - درمانی و فرهنگی - مذهبی) که از روشی که به تفصیل در ادامه آورده می شود؛ و روش تحلیل ثانویه با استناد به اسناد گفته شده در قبل انجام گرفته است.



نمودار ۱. مولفه های تاثیرگذار در چارچوب نظری و عدالت سنجی در شهر عدالت محور؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس جمع بندی مبانی نظری تحقیق.

۳. «تأمین امکانات (فرصت) برای همه و انصاف در تقسیم منابع»: که از روش تحلیل ثانویه مبتنی بر گزارش های سازمان بهزیستی و آمارنامه شهرداری و فراتحلیل چند تحقیق دانشگاهی بهره برده است.

مبانی نظری

مفهوم «شهر عدالت محور»، به عنوان هدف نهایی برنامه ریزی، بحثی است که در سال های اخیر در ادبیات برنامه ریزی کشورهای توسعه یافته به وجود آمده است. «فاینستان» کسی است که «ایده شهر عادل» را در سال ۲۰۰۶ مطرح کرده است. اندیشه شهر عادل از ترکیب بحث های فلسفی درباره عدالت، «اندیشه تاریخی اتوپیا و شهر ایده آل»، پدیدار شده است. این ایده از بحث عدالت چیست؛ از کسانی چون: جان راولز، جان استارت میل، ماریون یونگ، مارتها نوسبوم الهام گرفته شده است. این افراد از زوایای مختلف به این مفهوم نگاه کرده اند. کاوش این مفهوم در عمل شامل مطالعات اولیه از شهرهای امریکا و همچنین اروپا، خاورمیانه و امریکای لاتین می شود. شهر عادل، عدالت را به عنوان یک موضوع توزیعی می بیند و به سمت فرم های مساوات پیش می رود، این در حالی است که منتقدان عدالت توزیعی این را لازم می دانند ولی برای حرکت اصولی برنامه ریزی، کافی نمی دانند و برای جلوگیری از شکست این برنامه، شناسایی نقش قدرت ها و نیروهای تاثیرگذار در جامعه را ضروری می دانند. شهر عادل بر اساس دموکراسی، عدالت، تنوع رشد و پایداری تعریف شده است. هرچند که این ارزشها، دارای نامطلوبی های بالقوه و خطراتی نیز هستند. مثلاً یک اکثریت کوته فکر می تواند دموکراسی را برای گروه اقلیت بی اثر کند؛ یا اینکه هزینه بالای بدست آوردن عدالت از طریق توزیع مجدد، مورد تنفر افراد متضرر قرار گیرد، یا موجب به وجود آمدن بحران مشروعیت و حتی جنگهای تلافی جویانه و مدنی شود؛ گوناگونی و تنوع می تواند موجب تفکیک های اجتماعی شود؛ و رشد، با کمتر کردن توزیع مجدد باعث شود منفعت، بیشتر

به افرادی برسد که دارایی بیشتری دارند. پایداری ممکن است باعث کاهش رشد اقتصادی شود و از این رو بیکاری افزایش می یابد و افرادی هم قربانی مصرف بهینه می شوند. مطرح کنندگان این مفهوم، عدالت را در تمام جنبه های زندگی شهری در نظر می گیرند، و اینکه شهر عادل چگونه باید در دستور اصلاحات شهری قرار گیرد تا بتواند دیدگاه عملی در حل مشکلات سیاست های شهری داشته باشد. همین طور آنها به دنبال پرکردن شکافی هستند که ادراک نظری عدالت شهری و واقعیت برنامه ریزی و شکل گیری شهرها وجود دارد. شهر عادل در واقع چارچوب قدرت دهنده ای را برای بازیگران شهری فراهم می کند تا بتوانند کیفیت زندگی شهری را بهبود ببخشند (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶). در سال های اخیر با توجه به تاکیدی که بر مفاهیم اجتماعی، تنوع جامعه، دموکراسی و فضا شده است، عدالت فضایی به عنوان مرکز ثقل انواع عدالت در برنامه ریزی شهری مورد تاکید قرار گرفته است. عدالت در لغت اعتدال و حد وسط بین «عالی و دانی» و «افراط و تفریط» است، در افراد اجتماع بشری هم عبارتست از افرادی که بخش عمده اجتماع را تشکیل می دهند و آنان همان افراد متوسط الحالند که در حقیقت به منزله جوهره اجتماعند و همه ترکیب اجتماعی روی آنان دور می زند. در فرهنگ علوم سیاسی آمده است:

«عدالت اجتماعی یعنی با هریک از افراد جامعه به گونه ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایگاهی قرار گیرد که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیتهای مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت هایی که در یک جامعه انباشته شده است».

همچنین نابرابری فضایی بازتاب فیزیکی نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی است. به بیانی دیگر، ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات،

ارتباطات راه دور، فرهنگها و سیاستها از نظر فضایی و در درون شبکه‌ای جهانی از شهرها پدیدار شده است. تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و بازساخت شهرهای جهان بر جای گذاشته است. بین تحقق عدالت اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی رابطه وجود دارد. بنابراین، شهر جهان‌سومی با ابعاد گوناگون نابرابری اجتماعی روبرو است و در عین حال، از ماهیت عینی یکدست و فراگیر برخوردار نیست. با این وجود، بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات همانند و مشابهی مواجهند. رشد شتابان جمعیت، معضل اشتغال و کار و گسترش بخش غیررسمی، مشکل مسکن و شکل‌گیری و گسترش سکونتگاههای غیررسمی و محله‌های فقیرنشین و به صورت عام فقر شهری، ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و محیطی و مواردی از این دست، مسائل و مشکلات مشترک اکثر این شهرها بشمار می‌روند. مسائلی همچون نسبیت ارزشهای اخلاقی، برابری و نابرابری نسبی و درجات عدالت و بی‌عدالتی اغلب در مفهوم قشربندی مستترند. این مفهوم همچنان که در علوم اجتماعی استفاده می‌شود، در بحثها و مناقشات سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی نیز به طور گسترده کاربرد داشته است. بحث قشربندی و توزیع برحسب نیاز و توزیع برابر از نظر اصول زیربنایی به دیدگاههای سوسیالیستی و توزیع برحسب شایستگی و انصاف به دیدگاههای سرمایه‌داری نزدیک است. به طور کلی، تعداد اندکی از مطالعات برنامه‌ریزی شهری به روشنی به مسئله عدالت می‌پردازند، اما برخی از گروههای برنامه‌ریزی هدفهای ویژه‌ای را در رابطه با عدالت در ارزشیابی مورد استفاده قرار می‌دهند. یکی از راههای تحقق عدالت اجتماعی در شهر، گسترش مشارکتهای مردمی در فرایند طراحی، اجراء نظارت و کنترل برنامه‌ها و طرحهای شهری است. مهم‌ترین اولویت طرحهای مشارکت عمومی - خصوصی، اطمینان از این امر است که همه بخشهای

جامعه که مردم فقیر و اقلیتهای قومی را نیز شامل می‌شود، به خدمات پایه دسترسی داشته باشند. این جنبه باید در تمام مراحل طراحی مشارکت بخش عمومی - خصوصی و به ویژه در زمان تأمین مالی سرمایه در نظر گرفته شود. اگرچه گروهی از محققان معتقدند مسکن در تحقق عدالت اجتماعی به علت ایجاد اشتغال و رفع بیکاری مؤثر است، اما نباید فراموش کرد که مسکن خود معلول میزان تحقق عدالت اجتماعی است. به بیانی دیگر، مسکن در شهر یکی از شاخصهای عمده سنجش عدالت اجتماعی است. نابرابریهای چشمگیر در شاخصهای مسکن (تراکم نفر در واحد مسکونی و اتاق، سرانه مسکونی، نوع مصالح ساختمانی، امکانات) معرف عدم عدالت اجتماعی در شهر است. در یک جامعه و اقتصاد رانتی، توزیع نابرابر قدرت، ثروت و درآمد مانع اصلی تحقق عدالت اجتماعی بشمار می‌رود. به لحاظ نظری ۳ رویکرد عمده را می‌توان در تعریف عدالت اجتماعی از یکدیگر متمایز ساخت:

- ۱- رویکرد اثبات‌گرای حقوقی؛
- ۲- رویکرد روندی؛
- ۳- رویکرد غایت‌گرایانه.

«رویکرد اثبات‌گرای حقوقی»، عدالت را مفهومی نسبی می‌داند که فقط در ارتباط با نظامهای مشخص حقوقی معنای عینی می‌یابد. به قول هابز، قوانین، قواعد عدالتند. از این رو، چیزی غیر عادلانه شمرده نمی‌شود، مگر اینکه در تضاد با قانون قرار گرفته باشد. از این دیدگاه مفاهیم عادلانه و غیر عادلانه بیرون از چارچوب قانون معنا نخواهد داشت. قانون در این دیدگاه محصول اراده حاکم است. در رویکرد روندی عدالت، به جای اینکه وضعیتهای اجتماعی با معیاری بیرونی (برای مثال صلاحیت، لیاقت یا نیاز) مورد ارزیابی قرار گیرد، روشها، روندها و قواعد مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا گفتن هر سخنی در باب عادلانه یا غیر عادلانه بودن نتایج، بی‌مورد است. رویکرد غایت‌گرایانه به عدالت آن را ویژگی رفتار افراد نمی‌داند، بلکه آن را خصلت وضعیت امور یا نتیجه

فرایندهای اجتماعی محسوب می‌کند. از سوی دیگر، نظریات شهر عدالت محور به دو گروه قابل تقسیم است:

۱- «نظریه قراردادی و نفع طلبانه عدالت شهری»، که از قرن ۱۷م به بعد در غرب رایج شد. «هابز» (۱۶۷۹-۱۵۸۸) و «هیوم» (۱۷۱۱-۱۷۷۶) در سده‌های ۱۷ و ۱۸م مهم‌ترین نمایندگان این نظریه بودند. به نظر «هابز» عدالت عبارتست از اجرای تعهداتی که فرد از روی نفع طلبی به اجرای آنها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام بخش مکتب اصالت فایده بود عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید.

۲- «نظریه بی طرفی عدالت شهری»، که در آن اساس بر نادیده گرفتن منافع افراد درگیر و از نگاه نظری ایده‌ئال است که در آن میان نفعی ندارد. این برداشت غایتگرانه از عدالت در مقابل برداشت ابزارگرایانه هابز و هیوم، برداشتی کانتی است. در حقیقت نظریه غایتگرا و اخلاقی کانتی نیازمند فرض وجود وضعی مفروض است که در آن اصول عدالت یافت می‌شود. قرار گرفتن در آن وضع مستلزم محرومیت از اطلاعات درباره منابع خود است. تنها در پس این «حجاب یا پرده جهل» می‌توان به بی طرفی رسید.

در یک تقسیم بندی دیگر و با رویکردی نسبتاً فلسفی، دیدگاه‌های عمده درباره عدالت و شهر عبارتند از:

۱- دیدگاه آنارشیستی. «پیتر کروپوتکین»، جغرافیدان روسی، معتقد بود که زندگی مطلوب انسانی تنها با عدالت اجتماعی، تعاون و مهربانی میان مردم امکان پذیر است و بدون مساوات، عدالت وجود ندارد و بدون عدالت، صلحی وجود نخواهد داشت. «لیزه رکلو» که «ایولاکست» از او به عنوان بزرگ‌ترین جغرافیدان فرانسه یاد می‌کند، مدافع خستگی ناپذیر ستم‌دیدگان و دشمن دولت و هر نوع قانونی به جز قوانین طبیعی بود.

۲- دیدگاه لیبرالیستی. از معروف‌ترین چهره‌های دیدگاه لیبرالیستی، «جان راولز» است. جوهر اندیشه جان راولز «عدالت به مثابه انصاف» است. وی در پرتو مفهوم اخلاقی عدالت، جامعه مطلوب خود را بر پایه دو اصل تصویر می‌کند: اصل نخست از آزادیهای برابر و فرصتهای برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر به این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابریهای اجتناب‌ناپذیر موجه و عادلانه است.

یکی دیگر از چهره‌های این مکتب، «دیوید مارشال اسمیت» است. از نظر وی، فرصتهای زندگی انسانها به صورت نابرابری توزیع شده است. الگوهای جغرافیایی توسعه یا شاخصهای اجتماعی این موضوع را به وضوح آشکار می‌سازند. درجه و میزان نابرابری را می‌توان از راههای گوناگونی اندازه‌گیری کرد. وجود گروههای کاملاً محروم در جامعه مستقیماً می‌تواند بر سایر گروهها اثر بگذارد. آنها نیاز به هزینه‌گذاری جهت رفع بیکاری و تأمین اجتماعی دارند و هنگام بروز بی‌نظمی در جامعه ممکن است، «ساخت اجتماعی» را مورد تهدید قرار دهند. اسمیت بدون آنکه از شیوه‌های استثماری نظام سرمایه‌داری سخنی به میان آورد، در خصوص «کیفیت زندگی» و عدالت اجتماعی می‌نویسد:

«بحث بر سر توزیع عادلانه منافع جامعه موضوع مباحثات بی‌نتیجه دو هزار ساله بوده است. این بحث به همان اندازه ابهام دارد که تعریف زندگی، وی، از این نظر جان راولز جانبداری می‌کند که می‌گفت: سیاستهای اجتماعی بایستی برحسب تأثیراتشان بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر، بایستی اقداماتی صورت گیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود. به راستی عدالت به مثابه برابری، یک اصل جهانی قابل بحث است.»

«فردریش فن هایک»، نظریه‌پرداز معروف این دیدگاه، استدلال می‌کند که نابرابریها و نارواییهای در نظام بازار نهفته است، اما اینها اجتناب‌ناپذیر و حتی مفیدند. به ویژه آنکه نابرابری جزئی ضروری از

فرایند متمدن شدن است. ملاحظه می‌شود که وی چون نظام بازار را نظام احسن می‌داند که در آن انتخاب اصلح صورت می‌گیرد، هر نوع دخالت در آن را موجب بی‌عدالتی دانسته و این نظام را متضمن عدالت روشی و مبادله‌ای می‌شمارد.

۳- دیدگاه رادیکالیستی. این دیدگاه طیف وسیعی از اندیشمندان چپ سنتی و چپ نو را شامل می‌شود. «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» از سرشناس‌ترین چهره‌های این نحله فکریند و دیوید هاروی از چهره‌های معاصر این دیدگاه است. تأکید وی بیشتر بر اقتصاد سیاسی است. او شهر را محل انباشت ارزش اضافی ناشی از استثمار کارگران و همچنین محل تجمع مازاد تولید مناطق پیرامونی می‌داند که این ثروتها به صورت نا عادلانه‌ای میان طبقات شهری تقسیم می‌شود. اصل عدالت اجتماعی از نظر هاروی بر اساس مفهوم «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» قرار دارد. در واقع، هاروی کوشیده است که تفکر اقلیدسی به فضا را درهم شکند، به جای سازوکار «بازار» عدالت اجتماعی را بنشانند و زمینه را برای یافتن نظمی دیگر برای فضا فراهم کند.

«میلتون سانتوس» یکی از نخستین کسانی است که نشان داد این دوگرایی با مناسبات نزدیکی همراه است و میان ۲ بخش اقتصادی یاد شده پیوند برقرار می‌کند. به طوری که بدون این مناسبات، شهرهای جهان سوم بیش از آنچه هم‌اکنون شاهد آن هستیم می‌تواند در معرض انفجار و خطر از هم پاشیدگی قرار گیرد. بدین ترتیب «در این کشورها، شاهد قطب‌بندی اجتماعی هستیم و کاهش درآمدهای واقعی، تنگدستی و درماندگی کاملاً رواج دارد. در این خصوص، پال معتقد است گروههایی که درآمد بالا و تحصیلات بهتر دارند قادر به بهره‌برداری فعالانه‌تری از فضا هستند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد اسیر آن می‌شوند و تسلطی بر آن به دست نمی‌آورند. دال نیز معتقد است گروههای پردرآمد محیط زیست فیزیکی را یک منبع استفاده و بهره‌برداری

می‌دانند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد از نظر اقتصادی- اجتماعی، تنها ناچار به تحمل محیط زیست هستند.» در مجموع می‌توان دیدگاه رادیکال را تحلیلی- انتقادی بشمار آورد. رهیافتهای پیشنهاد شده از سوی آنان در جهت تأمین عدالت اجتماعی عمدتاً اساسی و ریشه‌ای و ناظر بر فرایندهای اقتصادی و ساخت اجتماعی است.

مفهوم عدالت اجتماعی در توزیع خدمات عمومی شهری

ساختار اساسی جامعه، از نهادهایی تشکیل می‌شود که چگونگی و نحوه دستیابی افراد به منابعی که وسیله ارضای نیازهای گوناگون آنان است، به واسطه این نهادها رقم می‌خورد. اجتماع دارای منابعی است که وسیله تأمین نیازهای افراد است. این منابع را شاید توان در سه گروه دسته بندی کرد: **قدرت، منزلت و موقعیت اجتماعی و ثروت.** از این رو ساختار اجتماع عبارت از نهادهایی است که هم چگونگی دستیابی به این منابع را مشخص، و هم حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. به تعبیر دیگر، نظام حقوق و وظایف و توزیع امکانات و فرصت‌ها و مواهب به وسیله ساختار اساسی جامعه و نهادهای آن سامان می‌یابد و تعریف می‌شود؛ تفاوتی نمی‌کند که آن جامعه بسیط یا پیچیده و دارای مناسبات گسترده باشد. برخی نهادها که شاکله ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند، عبارتند از قوانینی که حقوق اساسی، مزایا و امتیازات برابر یا نابرابر افراد جامعه را ترسیم می‌کنند. نظام اقتصادی و قوانین حاکم بر تولید و توزیع اقتصادی، نظام سیاسی و نحوه توزیع قدرت سیاسی و میزان نقش افراد در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی اجتماعی، نظام آموزشی و نحوه و میزان دسترسی آحاد جامعه به آموزش و رشد علیم، بهداشت و نظام مالیاتی، حقوق اجتماعی طبقات ضعیف و نیازمند قوانینی است که در تمام عرصه‌های پیشین نحوه برخورداری افراد و شیوه توزیع مواهب، مسئولیت‌ها و وظایف افراد و گروه‌ها را مشخص می‌کند.

این نهادها و موسسه‌ها ساختار جامعه را تشکیل می‌دهند و بحث عدالت اجتماعی یا عدالت توزیعی مربوط به نحوه تکوین ساختار اجتماعی است. پرسش اصلی در مبحث عدالت اجتماعی آن است که معیارها و اصول حاکم بر ساختار اجتماعی چه باید باشد تا جامعه‌ای عادلانه تشکیل شود و ساختار اساسی آن جامعه مبتنی بر اصول عدالت شکل گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

جان راولز استاد فلسفه دانشگاه هاروارد، به خوبی این مطلب را مورد توجه قرار داده و در ابتدای کتاب نظریه عدالت می‌گوید: از نظر ما موضوع اصلی عدالت، ساختار اساسی جامعه، یا به طور دقیق‌تر شیوه‌ای است که نهادهای مهم اجتماعی، حقوق و وظایف اساسی را توزیع نموده و چگونگی تقسیم مزایای حاصل از همکاری اجتماعی را تعیین می‌کنند و در ادامه گوشزد می‌کند که محور بودن نهادهای اجتماعی در تعریف او از عدالت، منافاتی با معنای سنتی عدالت که در آن رفتار شخصی و استحقاق‌های فردی محور قرار می‌گیرد، ندارد. زیرا این استحقاقها معمولاً از نهادهای اجتماعی و انتظارهای مشروعی که از آن برمی‌خیزد، نشأت می‌گیرد. عدالت، محکم مشروعیت روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن و مهم‌ترین ضابطه مطلوبیت نظام‌های اجتماعی است. به نظر راولز، عدالت زمانی محقق می‌شود که توزیع صحیح سود و مسئولیت در همکاری اجتماعی محقق شود و این امر مربوط به ساخت جامعه و نهادهای تشکیل دهنده آن است. زیرا نهادهای اجتماعی شیوه دسترسی افراد به منابع را معین می‌کنند و قواعد تعیین حقوق و امتیازات و رسیدن به قدرت سیاسی و انباشت سرمایه را دربر دارند^۱. راولز به دنبال ترسیم وضعیتی است که در آن قدرت و ثروت به صورت متناسب بین افراد جامعه توزیع شود. از نظر اجتماعی، یک نظام اجتماعی

پایدار باید به توزیع برابر و تسوی تسهیلات و خدمات اجتماعی شامل: بهداشت، آموزش و پرورش، برابری جنسی، پاسخ‌گویی سیاسی و مشارکت دست یابد. ادامه روند نابرابری و بی‌ثباتی اجتماعی و به دنبال آن تخریب محیطی ممکن است به مراحل غیر قابل بازگشت برسد. از دلایل عمده نابرابری در دسترسی به منابع طبیعی، تسهیلات و خدمات شهری و روستایی می‌توان به مواردی مانند عملکرد صاحبان صنایع، شهرداری‌ها، سازمان‌های دولتی و تجاری و همچنین سیاست‌گذاری و برنامه‌های دولتی و نحوه اجرای آنها اشاره کرد. عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه‌های هدف به طور خاص به وسیله توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها بنابراین باید هدف اصلی برنامه ریزان شهری، دستیابی به توزیع عادلانه منابع عمومی باشد. در تخصیص منابع باید به این دو سوال مهم به طور مستمر توجه کرد که: چه کسی هزینه‌ها را می‌پردازد؟ و چه کسی چه چیزی را در کجا به دست می‌آورد؟ تا توزیع منابع مسیره‌های عادلانه و درست را طی کند و تا حد امکان نه فقط همه بلکه گروه‌های اجتماعی هدف به منظور رفع تبعیض و برقراری توازن و تعادل شهری، بیشتر مورد توجه باشند (قطب، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

معیارهای عدالت در توزیع خدمات شهری

دیوید هاروی ماهیت عدالت اجتماعی برای سنجش عادلانه بودن توزیع منابع و خدمات، تحت سه معیار زیر عنوان می‌کند: معیار نیاز به عنوان مهم‌ترین معیار، منفعت عمومی به عنوان دومین معیار و استحقاق به عنوان معیار سوم. در ادامه باید گفت که:

۱. «نیاز مفهوم نسبی است». احتیاجات و نیازهای انسان ثابت نیستند و به موازات تحول جامعه، نیاز هم

۱. تا سال ۱۹۶۰، عدالت اجتماعی وارد مباحث جغرافیایی نشده بود تا اینکه از اواخر دهه ۱۹۶۰، مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی وارد ادبیات جغرافیایی می‌شود. جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکتب‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهد. مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری شدید، فقر، شیوع امراض، نژاد پرستی، قوم‌گرایی، جرم و جنایت، اصالت زن و آلودگی نشینی که تا آن زمان در جغرافیا فراموش گشته بود به سرعت مورد توجه جغرافیدانان قرار می‌گیرد و هر یک از این موضوعات، جغرافیای خاص خود را می‌یابد. یعنی برای اولین بار صدای بازندگان در جوامع انسانی، در علم جغرافیا طنین انداز می‌شود. بدینسان از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نظام ارزشی و نظام اخلاقی، تفکرات جغرافیایی را به مسیرهای تازه‌ای کشاند.

تحول می یابد. نیاز به حداقل خدمات را چه از حیث کمی و چه به لحاظ کیفی می توان تعیین کرد. این حداقل بر حسب هنجارهای اجتماعی در طول زمان تغییر می کند و نیز راه های متفاوتی برای پاسخ گویی به این نیازها می توان تصور کرد. بعد از تعیین اینکه کدام یک از مقولات جزئی واقعاً نیاز به حساب می آیند، باید به طریقی ضوابط منطقی برای تشخیص حداقل آستانه هر یک از مقولات جزئی به وجود آورد. افراد دارای حقوق مساوی در بهره برداری از منابع و امتیازات هستند ولی نیاز به همه مشابه نیست. تساوی در بهره برداری از دیدگاه افراد به صورت تخصیص نابرابر منافع جلوه گر می شود.

۲. «کمک به مصالح عمومی»: برگرداندن مفهوم کمک به مصالح عمومی (منفعت عمومی) به مفاهیم جغرافیایی موجود کار نسبتاً آسانی است. در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می گذارد. فنون چندی برای حل پاره ای از این مسائل در تحلیل ضریب فزاینده بین منطقه ای، قطب رشد و اثرات خارجی تکنولوژی وجود دارد. اثرات گسترده می تواند مثبت یا منفی باشد. منفعت عمومی در حقیقت معنای دیگری که همان افزایش کل تولید باشد دارد که همان معنای کارایی و معیارهای رشد اقتصادی و تحلیل اثرات خارجی و تأثیرات جانبی را دارد. اگر مراد دست یافتن به عدالت اجتماعی باشد معنای منفعت عمومی باید نسبت به نتایج توزیعی جنبه ثانوی داشته باشد.

۳. «استحقاق»: بر اساس تعریف عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی در اینجا به معنی آن است که اگر تسهیلاتی مورد نیاز است و اگر این تسهیلات به نوعی به مصالح عمومی یاری می رساند آنگاه و فقط آنگاه است که ما حق داریم منابع اضافی را برای دفاع از آن صرف کنیم. استحقاق در چارچوب جغرافیایی تخصیص منابع اضافی برای جبران مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه است. از نظر هاروی^۱ عدالت اجتماعی در شهر باید به گونه ای باشد که نیازهای جمعیت شهری را پاسخگو باشد به تخصیص منطقه ای منابع را به گونه ای هدایت کند که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند، از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی در نهایت، توزیع عادلانه از طریق عادلانه معنا می شود.

مفهوم عدالت توزیعی در توزیع خدمات شهری

در برنامه ریزی، توزیع عادلانه، مستلزم مکانیابی تسهیلات و خدمات است به این ترتیب بسیاری از تفاوت های فضایی منفعت و سودها را ممکن می کنند و دستریس داشتن گروه های اجتماعی به آنها را تعیین می کنند. تخصیص منابع عمومی زمانی از وظایف پنهان دولت (حکومت) بود ولی در چند دهه اخیر توجه قابل ملاحظه ای به آن می شود. «کراپتون و لو» این تغییرات را به درگیری های قضایی، آگاهی از کمیابی، افزایش گروه های فعال شهروندی، توسعه فناوری در ارزیابی سود و هزینه و افزایش پافشاری ها در دریافت

۱. دیوید هاروی، اولین جغرافیادانی بود که در کتاب پر ارزش خود با عنوان (عدالت اجتماعی و شهر)، مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی ملاک توزیع درآمد در مکانها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم بکار می گیرد. او اضافه می کند که منابع اضافی باید در جهت از میان برداشتن مشکلات ویژه، ناشی از محیط های اجتماعی و طبیعی، مصرف گردد. هاروی، بکارگیری عدالت اجتماعی را در تحلیل های جغرافیایی، انقلاب در تفکرات جغرافیایی می داند. در واقع هاروی با طرح وابستگی میان نابرابری های اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، بنیانگذار جغرافیای انسانی نو می گردد. در سال ۱۹۹۳ در کنگره سالانه انجمن جغرافیادانان آمریکا، مراسمی بمناسبت بیستمین سال انتشار کتاب (عدالت اجتماعی و شهر) برگزار گردید و در آن از خدمات دیوید هاروی به علم جغرافیا، تجلیل فراوان بعمل آمد. در مکتب جغرافیای لیبرال، در سال ۱۹۷۷، کتاب (جغرافیای انسانی: رهیافت رفاه) اثر دیوید اسمیت منتشر گردید که در آن شاخص های شناخت رفاه و تحلیل عدالت اجتماعی بررسی شده بود. در سال ۱۹۹۱، کمیته جغرافیای اجتماعی و فرهنگی موسسه جغرافیادانان انگلیس، گزارشی در زمینه عدالت اجتماعی و جغرافیا، منتشر ساخت که در آن تحلیل هایی روی (برندگان جامعه) و (بازندگان جامعه) به عمل آمده بود. در سال ۱۹۹۴، اثر ارزشمند دیوید اسمیت با عنوان (جغرافیا و عدالت اجتماعی)، فصل تازه ای را در علم جغرافیا می گشاید. در این اثر چنین آمده است: جغرافیا باید در نظریه و عمل با عدالت اجتماعی پیوند بخورد. جغرافیا بدون عدالت اجتماعی، فاقد آن قدرت و توانی خواهد بود که بتواند در مطلوبیت بخشی به زندگی انسانی توفیق یابد. حتی دموکراسی واقعی زمانی امکان پذیر است که با عدالت اجتماعی همراه باشد.

مقدار سهم هزینه های تحمیلی، نسبت می دهند. پیچیدگی های توزیع عادلانه منابع عمومی نه تنها فقط شامل روش شناسی (چطور می توان عدالت را سنجید) بلکه شامل طیف وسیعی از ارزشیابی قضاوت ها درباره اینکه چه کسی باید سود ببرد، ماهیت عدالت اجتماعی و تعریف توافقات عمومی سیاسی نیز شده است. تحقیق های علمی روی اندیشه عدالت در توزیع خدمات عمومی، در تعیین و اندازه گیری اینکه چه چیزی عادلانه است و روی تعیین فاکتورهای سببی در توزیع خدمات متمرکز می شود. اهمیت اولیه مطالعات، همواره شامل ارزیابی توزیع جغرافیای سببی در توزیع خدمات متمرکز می شود. اهمیت اولیه مطالعات، همواره شامل ارزیابی توزیع جغرافیایی کمک های مالی یا خدمات عمومی، ارزیابی برابرسازی مالی یا تعریف های گوناگون عدالت توزیعی، مطالعه هنجاری اولویت های عدالت یا تعریف رسمی عدالت می شده است. با تحلیل ناسازگاری فضایی بین نیاز به منابع و توزیع منابع، برنامه ریزان می توانند به طور آشکار و ساده به گزینه های توزیع که مطرح می شود درباره چه کسی چه چیزی را به دست آورد، پی ببرند ولی معمولاً توزیع منابع بر اساس استانداردهای از پیش تعیین شده مثل سرانه تخصیص بدون توجه به انصاف توزیع، است نتایج به دست آمده نشان می دهد که تنها با ارائه ی سازو کار توزیع خدمات برابر و متناسب با نیازهای جمعیتی می تان به دست آمده نشان می دهد که تنها با ارائه ی سازو کار توزیع خدمات برابر و متناسب با نیازهای جمعیتی می توان به تعادل در سطح شهر رسید (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۱۱). گروهی معتقدند که توزیع عادلانه، توزیع برابر منابع کمیاب است و دیدگاه های دیگر نیز بر این باورند که توزیع نابرابر منابع کمیاب، عادلانه تر است. به طور کلی عدالت در این حوزه در سه دسته قابل تمایز است:

۱- «عدالت افقی»: رفتار برابر با برابری ها،

۲- «عدالت عمودی»: رفتار نابرابر با نابرابری ها و

۳- «عدالت انتقالی»: حل مشکلات به سبب تحولات سیاسی.

یکی از کارهای اصلی در مطالعات عدالت، تئوری عدالت جان راولز است. راولز عدالت را به عنوان یک پی آمد عدالت توزیعی می بیند: چه کسی باید چه مقدار و چه چیزی را به دست آورد. مولفه های اصلی در نگاه عدالت راولز، برای به کارگیری در خدمات شهری شامل موارد زیر می باشد:

۱. فرصت های برابر باید نقطه شروع باشد، انحرافها باید تنها در صورتی حمایت شوند که سود آنها کمترین مزیت را داشته باشد.

۲. یک سطح حداقل معین برای هر خدمات وجود داشته باشد.

۳. قبل از اینکه نتایج توزیع شناخته شود، باید بر روی قاعده تخصیص، موافقت صورت گرفته باشد. همچنین برای رسیدن به یک توزیع عادلانه، راولز تقسیم چهار گانه ای را در طی چهار مرحله در حکومت پیشنهاد می کند:

۱. اولین مرحله، مرحله تخصیص است که ضامن حفظ رقابت کامل در بازار و تصحیح نارسایی های آن در مواقع لزوم باشد.

۲. دومین مرحله، مرحله تثبیت است که بهره برداری و اشتغال کامل را تضمین کند و از اسراف در استفاده از منابع جلوگیری به عمل آورد.

۳. سومین مرحله، مرحله انتقال است که مسئول نظارت بر پاسخ گویی به نیازهای افراد است و

۴. سرانجام مرحله توزیع که مسئول تامین کالا و خدمات عمومی و جلوگیری (از طریق سیاست مالیاتی) از تراکم و تمرکز قدرت و ثروت است.

«ویلیام لوسی» نویسنده دیگری است که به طور ویژه بر روی عدالت در خدمات شهری متمرکز شده است. او مشاهده می کند که بعضی حامیان تغییرات اجتماعی گرایش دارند که عدالت را به کاهش نابرابری ها در میان مردم معنا کنند. در عوض او از اصطلاح هم معنی انصاف (بی طرفی) استفاده می کند. لوسی همچنین بر نیاز برای عملی

کردن شکل دهی سیاست های عمودی در ارتباط با عدالت تاکید دارد و همچنین تاکید دارد که آنالیز چه چیزی عادلانه است باید رفتاری باشد که در دراز مدت در سیاست های عمومی پایدار باشد. دیدگاه لوسی عمدتاً بر رفتار برابر با برابرها متمرکز شده است. برای او کاهش نابرابری ها ضرورتی ندارد. این تا حدودی دیدگاه محافظت کارانه یا سنتی از عدالت نامیده می شود. در مقابل دیدگاه راولز بیشتر بر رفتارهای نابرابر با نابرابرها که ویژگی آن حمایت از محرومان و کاهش نابرابری ها است، تاکید دارد (وارثی، ۱۳۸۷، ص ۹۰).

اصول ارزش گذاری توزیع فضایی برای توزیع خدمات شهری

در نتیجه گیری از بحث بالا می توان سه اصل زیر را به عنوان اصولی که تامین کننده عادلانه بودن توزیع است را نام برد:

۱. سازمان یابی فضایی و الگوی خدمات رسانی باید به نحوی باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ گوید. این امر مستلزم یافتن روش عادلانه برای تعیین و سنجش نیاز است. بدین ترتیب، تفاوت میان نیازها و تخصیص واقعی خدمات، برای ارزش یابی میزان بی عدالتی شهری در نظام موجود است.

۲. این نوع سازمان یابی فضایی و الگوی تخصیص منطقه ای منابع که از طریق اثرات اشاعه یابنده، ضرایب فزاینده گی و نظیر آن، منافع بیشتری به شکل پاسخ گویی به نیازها (در وهله اول) و یا افزایش بازده اقتصادی (در وهله دوم) در مناطق دیگر فراهم آورد، نوع بهتری از سازمان یابی فضایی و تخصیص منابع است.

۳. ناموزونی سرمایه گذاری منطقه ای را زمانی می توان پذیرفت که هدف آن فایق آمدن بر مشکلات محیطی باشد در غیر این صورت مانعی بر سر بر آوردن نیازها و کمک به مصالح عمومی خواهد بود.

مفهوم عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری

سازمان دهی فضا یکی از ابعاد تعیین کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی

ارتباطات اجتماعی است. عدالت فضایی ارتباط دهنده عدالت اجتماعی و فضا است. در نتیجه هم عدالت و هم بی عدالتی در فضا نمایان می شوند. از این رو تجزیه و تحلیل برهمکنش بین فضا و اجتماع در فهم بی عدالتی های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست های برنامه ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است. این در واقع پیوند گاهی است که مفهوم عدالت اجتماعی توسعه داده شده است. مفهوم عدالت فضایی باعث به وجود آمدن چندین دیدگاه در حوزه علوم اجتماعی شده است. بنابر کاری که چندین فیلسوف مشهور عدالت انجام داده اند، دو دیدگاه متقابل عدالت بحث های مربوط به این موضوع را دو قطبی کرده اند:

۱. یکی بر روی موضوع توزیع مجدد متمرکز می شود و

۲. دیگری روی فرایندهای تصمیم گیری متمرکز می شود. دیدگاه اول شامل پرسش از موضوعاتی درباره توزیعات فضایی و فضایی اجتماعی و تلاش برای رسیدن به یک توزیع جغرافیایی برابر متناسب با خواسته ها و نیازهای جامعه همچون فرصت های شغلی، دسترسی به مراقبت های بهداشتی، و غیره است. این در مناطقی که حرکت به سمت عدالت فضایی با مشکلات زیادی از جمله فقر، تبعیض، یا محدودیت های سیاسی همراه می شود، اهمیت ویژه پیدا می کند. در دیدگاه عدالت توزیعی، تاکید بر عادلانه بودن یا نبودن دسترسی به کالاها و خدمات مادی و غیرمادی، یا موقعیت های اجتماعی است. یکی دیگر از راه های به کارگیری مفهوم عدالت، بر فرایندهای تصمیم گیری متمرکز می شود: این دیدگاه موضوعاتی چون نمایش فضا، اراضی یا دیگر هویتها و عادات اجتماعی را ترقی خواهد داد. برای مثال متمرکز شدن بر اقلیت ها (زنان) و کاهش فعالیت های فضایی آنها، همچنین به عوامل گوناگون که موجب تجربه و مدیریت آنها می شود نیز رسیدگی می کند. در مجموع عدالت فضایی یک مفهوم یکپارچه از علوم اجتماعی را وضع می کند و



آن برقراری ارتباط بین چگونگی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و بازتاب آن بر سیاست‌های اجرایی که به منظور بهبود و توسعه توزیع‌ها فضایی گرفته می‌شود، می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳).

دو تا از محورهای برجسته در عدالت فضایی که بر آنها تاکید می‌شود، چگونگی وضعیت زندگی (هم محیط اجتماعی و هم محیط فیزیکی) و توزیع فرصتها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و مجازی) است. برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند، و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است، مثل دسترسی به مدرسه، مراکز بهداشتی و یا رخدادهای فرهنگی. برخی دیگر عدالت فضایی را برابری در نحوی انتخاب فرصت‌ها، مثل نحوی انتخاب کار یا انتخاب نهادهای آموزشی قبال دسترس تعریف کرده‌اند. برخی تحقیقات دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات بر اساس نیازها، سلاقی، اولویت‌های ساکنین و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده‌اند. از آنجا که تسهیلات و خدمات محتملاً به صورت واحدهای مجزا مکانیابی می‌شوند در حالیکه مردمی که از آنها استفاده می‌کنند به طور فضایی پیوسته هستند، به ناچار دسترسی‌های مغایر درون شهر را موجب می‌شوند. به عبارت دیگر، صرف نظر از جایی که تسهیلات مکانیابی می‌شوند، همیشه افرادی هستند که نسبت به دیگران به آنها نزدیکترند. بنابراین برنامه‌ریزان باید در پی حل این مسأله باشند که در الگوی مکانیابی خدمات و تسهیلات ایجاد شده، و نحوه توزیع آنها، چه میزان نابرابری به وجود آمده و چه گروه‌هایی بیشتر محروم شده‌اند. در واقع دید گسترده تری از دسترسی که با پی آمدهای خارجی فضایی ترکیب می‌شود که باید شامل تحلیل‌هایی شود که داشتن یک تطابق بالقوه بین توزیع فضایی خدمات و متغیرهای توصیفی اجتماعی اقتصادی را جستجو کنند (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۵۹). اختلاف دسترسی به خدمات می‌تواند عملی باشد

که نابرابری‌های اجتماعی درون جامعه را افزایش یا کاهش دهد. اما دسترسی که پویایی ساکنین را در نظر می‌گیرد در مواردی چون نوع دسترسی (حمل و نقل عمومی یا اتومبیل شخصی یا پیاده)، نوع شبکه دسترسی، صرفه جویی‌های تراکم، وجود سفرهای چند منظوره، مورد ابهام است. تالن و اسنلین معتقدند که برای تحلیل عدالت فضایی، بایستی بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی تاکید بیشتری صورت پذیرد.

بیان یافته‌های تحقیق

معرفی منطقه مورد مطالعه

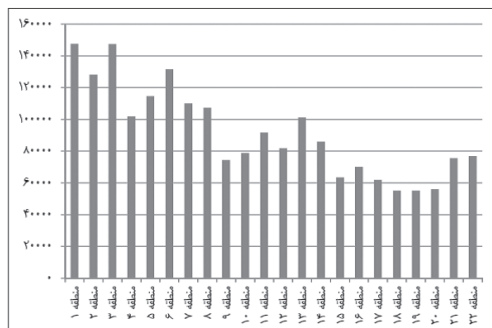
شهر تهران در ۵۱ درجه و ۲ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته‌است و ارتفاع آن بین ۱۸۰۰ متر در شمال تا ۱۲۰۰ متر در مرکز و ۱۰۵۰ متر در جنوب متغیر است. تهران در بین دو وادی کوه و کویر و در دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز گسترده شده‌است. شهر تهران در حدود ۷۳۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. شهرداری تهران از دیدگاه تأمین نیازمندی‌ها و اداره بهتر سطح شهر را به ۲۲ منطقه شهرداری و ۱۱۲ ناحیه بخش کرده که شهر ری و تجریش را نیز شامل شده‌است.

(*) محور اول: تأمین منصفانه سرپناه و مسکن

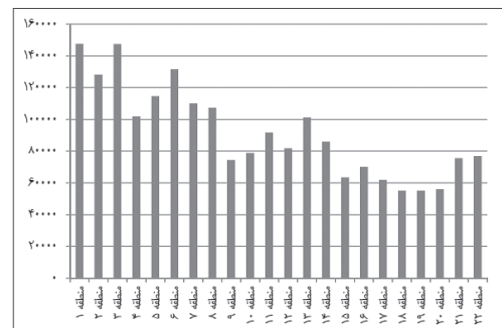
برای بررسی «وضعیت عدالت در حوزه مسکن» به طور خاص از اطلاعات سرشماری در سال ۱۳۸۵، و سرشماری ۱۳۹۰ و اطلس شهر تهران استفاده شده است. گزارشها و تحقیقات انجام شده در حوزه مسکن نیز در تدوین گزارش و استخراج نتایج استفاده شده‌اند. در ضمن سوالات مورد نظر عبارت بوده‌اند از: وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر قیمت واحد مسکونی چگونه است؟ وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر نوع تصرف واحد مسکونی چگونه است؟ وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر تراکم خانوار در واحد مسکونی چگونه است؟ وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر سرانه

فضای مسکونی چگونه است؟ وضعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر کیفیت ساخت واحد مسکونی چگونه است؟ در تابستان سال ۱۳۹۳، تعداد ۲۳۳۹ پروانه ساختمانی توسط شهرداری تهران صادر شده است که نسبت به فصل گذشته حدود ۳۳/۶ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۶۲/۱ درصد کاهش داشته است. این تعداد پروانه حدود ۷/۸ درصد از کل پروانه های صادر را تشکیل می دهد. از کل پروانه های صادر شده ۱۶ پروانه (۰/۷ درصد) مربوط به افزایش بنا و ۲۳۲۲ پروانه (۹۹/۳ درصد) مربوط به احداث ساختمان بوده است که پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان نسبت به فصل گذشته حدود ۳۳/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۶۲/۲ درصد کاهش داشته است. مجموع مساحت زیربنای تعیین شده در پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران در تابستان سال ۱۳۹۳ حدود ۴۲۲۴/۴ هزار مترمربع بوده است که نسبت به فصل گذشته حدود ۵/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۴۶/۶ درصد کاهش داشته است. و در حدود ۲۸/۱ درصد از مجموع کل زیربنای تعیین شده در پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری های کشور را تشکیل می دهد. همچنین متوسط مساحت زیربنای در پروانه های احداث ساختمان حدود ۱۹۰۵ مترمربع و در پروانه

های احداث ساختمان مسکونی حدود ۱۴۹۳ مترمربع بوده است. تعداد واحدهای مسکونی پیش بینی شده در پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران در تابستان سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۲۲۳۴۴ واحد بوده است که نسبت به فصل گذشته حدود ۱۵/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۵۴/۷ درصد کاهش داشته است. این تعداد واحد مسکونی ۲۶/۱ درصد از واحدهای مسکونی پیش بینی شده در پروانه های احداث ساختمان صادر شده از شهرداری های کشور را تشکیل می دهد. با توجه به تعداد پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان در شهر تهران، متوسط تعداد واحد مسکونی در پروانه های احداث ساختمان ۹/۶ درصد و در پروانه های احداث ساختمان مسکونی نیز ۹/۶ واحد بوده است. مجموع مساحت زمین پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان در حدود ۸۹۵/۷ هزار متر مربع بوده است که نسبت به فصل گذشته در سال قبل ۵۰/۸ درصد کاهش داشته است. متوسط مساحت زمین در پروانه های احداث ساختمان ۳۸۶ متر مربع و در پروانه های احداث ساختمان مسکونی حدود ۳۱۴ متر مربع بوده است. می توان گفت گویاترین شاخص در مورد وضعیت مسکن، قیمت خرید و اجاره واحدهای مسکونی است. این شاخص به خوبی نشان دهنده کیفیت مسکن و محیط مسکونی در مناطق مختلف



نمودار ۳. متوسط قیمت فروش یک متر فضای مسکونی در تابستان ۱۳۹۰ (هزار ریال)؛ منبع: مرکز آمار ایران.



نمودار ۲. متوسط اجاره ماهیانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی بابت یک متر فضای مسکونی در تابستان ۱۳۹۰ (ریال)؛ منبع: مرکز آمار ایران.

و نحوه توزیع منابع است. در نمودار ۳ متوسط قیمت فروش یک متر فضای مسکونی در تابستان ۱۳۹۰ آمده است.

همان طور که در نمودار ۲ و ۳ مشاهده می شود، بیشترین قیمت مربوط به مناطق ۱، ۲ و ۳ بوده که مناطق مرفه نشین شهر تهران به حساب می آیند. از سوی دیگر مناطق ۱۷، ۱۸ و ۲۰ در جنوب شهر تهران ارزان قیمت ترین واحدهای مسکونی هستند. محاسبات نشان می دهد متوسط قیمت مسکن در منطقه یک تهران ۳ برابر قیمت مسکن در منطقه ۱۸ تهران است. در نمودار زیر متوسط اجاره بهای ماهیانه در واحدهای مسکونی نیز قابل مشاهده است. توزیع متوسط اجاره بها همانند قیمت واحد مسکونی نشان دهنده فاصله قابل توجه مناطق شمالی تهران با مناطق جنوب و مرکز تهران است. مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ دارای بالاترین میزان اجاره بها و مناطق ۱۹، ۱۸ و ۲۰ دارای کمترین میزان اجاره بها هستند. متوسط اجاره بها به ازای هر مترمربع در منطقه ۱ تهران در حدود دو برابر منطقه ۱۸ تهران است. البته تفسیر اجاره بها با در نظر گرفتن سرانه واحد مسکونی در مناطق مختلف تهران، اختلاف میان مناطق فقیرنشین و مرفه تهران بیشتر نشان می دهد.

(*) تراکم خانوار در واحد مسکونی

اکثریت واحدهای مسکونی در تصرف یک خانوار است. اگرچه نسبت واحدهای در تصرف دو خانوار و بیشتر اندک به نظر میرسد اما توجه به اعداد خام حاوی نکات جالبی است. به عنوان مثال در ۲۹ هزار واحد مسکونی زیر ۱۰۰ مترمربع در تهران، بیش از

یک خانوار زندگی میکنند. بر اساس استانداردهای جهانی، تراکم بالاتر از یک خانوار در واحد مسکونی معادل با شاخص بی خانمانی است. لذا این آمار نشان دهنده وضعیت بی خانمانی در شهر تهران نیز هست. نمودار زیر وضعیت شاخص تراکم خانوار در شهر تهران را به تفکیک مناطق نشان می دهد. این شاخص از جنوب به شمال رو به بهبود می گذارد؛ در حالی که محله هایی از مناطق جنوبی شهر، وضعیت مطلوبی ندارند (تأحد ۱/۲۱ خانوار به از ۱ واحد مسکونی و یا به عبارتی ۲۱ درصد کمبود مسکن)، در شمال تهران، این رقم به عدد ۱ می رسد.

نمودار نحوه توزیع و پراکندگی شاخص فوق در مناطق شهر تهران نشان میدهد که منطقه ۸ با تعداد ۱ خانوار در واحد مسکونی، مطلوبترین شرایط را در میان مناطق ۲۲ گانه دارا بوده و در مناطق ۱۲ واقع در بافت مرکزی شهر و ۱۷ در جنوب شهر با شاخص ۱/۱ خانوار در واحد مسکونی، از شرایط نامطلوبی برخوردار است. از آنجا که این شاخص به نوعی بیان کننده کمبود مسکن است، میتوان گفت که این دو منطقه به نسبت جمعیت ساکن با کمبود مسکن مواجه هستند. همچنین مناطق ۹، ۱۶ و ۱۹ نیز از نظر این شاخص وضعیت مطلوبی ندارند. مسئله تراکم بالای خانوار در مناطق جنوب تهران در حالی است که به گفته رییس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران، شش تا هفت درصد از واحدهای مسکونی در شمال شهر تهران خالی از سکنه است.

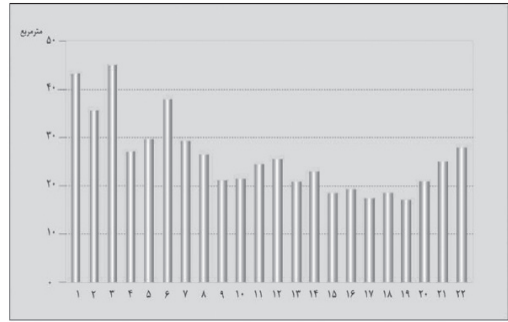
(*) سرانه زیربنای مسکونی

شاخص سرانه زیربنای مسکونی از جمله شاخصهای

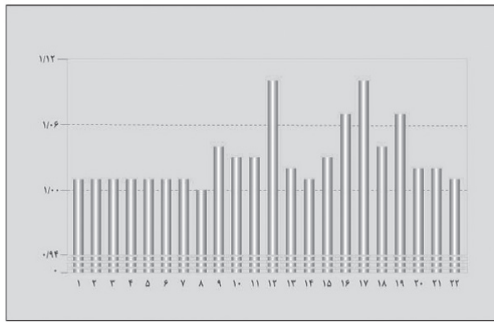
جدول ۲. واحدهای مسکونی معمولی بر حسب تعداد خانوار ساکن در آنها و مساحت زیربنای واحد مسکونی تهران

بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ و اصلاحات سرشماری ۱۳۹۰؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان.

تعداد خانوار	۵۰ مترمربع و کمتر	۵۱ تا ۱۰۰ متر	۱۰۱ تا ۲۰۰ متر	بیشتر از ۲۰۱ متر	جمع
۱ خانوار	۳۴۳۴۷۰	۱۱۹۹۰۷۴	۵۸۴۴۳۳	۶۸۳۹۶	۲۱۹۵۳۷۳
۲ خانوار	۸۳۳۵	۱۳۳۲۶	۳۹۷۰	۷۸۹	۲۸۵۸۸
۳ خانوار	۱۶۲۶	۲۸۷۵	۱۱۶	۳۳۴	۶۳۹۳
۴ خانوار و بیشتر	۵۳۲	۸۷۸	۳۴۳	۲۰۶	۲۱۴۱



نمودار ۴. سرانه زیربنای مسکونی در مناطق ۲۲ گانه تهران؛ منبع: اطلس شهر تهران.



نمودار ۵. تراکم خانوار در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ منبع: اطلس شهر تهران.

مهم در ارزیابی مسکن از نظر کمی است. بنابر قاعده کلی، این شاخص در ایران و در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر، حتی بسیاری از کشورهای توسعه یافته بالاتر است. تنها دلیل این تفاوت محسوس را می توان در نیازهای اجتماعی و فرهنگی خانوارهای ایرانی جستجو کرد؛ برای مثال، اختصاص فضاهای قابل توجه برای میهمان و آشپزخانه. نمودار ۴ وضعیت سرانه زیربنای مسکونی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را نشان می دهد.

در مقیاس شهر تهران، سرانه زیربنای مسکونی از توزیع و پراکندگی قابل توجهی برخوردار است. این امر عمدتاً ناشی از سابقه تاریخی رشد، توسعه و گسترش این شهر بوده است. مناطق قدیمی و بافت مرکز شهر تهران از سرانه زیربنای متوسط برخوردار هستند (با حدود سرانه زیربنای ۳۰ مترمربع). پس از بافت قدیم و مرکزی شهر، دو گونه کاملاً متفاوت از سرانه زیربنا در شمال و جنوب شهر قابل مشاهده است. بافتهای جنوب تهران دارای کمترین سرانه زیربنای مسکونی هستند که دلیل آن نیز سکونت افشار کم درآمد و خانوارهای با توان مالی پایین همراه با بعد خانوار بالاتر است (کمتر از ۳۰ مترمربع). در مقابل، مناطق شمال شهر تهران از بالاترین سرانه زیربنا برخوردار هستند تا جایی که در بسیاری از مناطق ۱ و ۳ و نیز بخشهایی از مناطق ۶ و ۵ شهرداری تهران، متوسط سرانه زیربنا حدود ۵۰ مترمربع است. در مناطق جدید تهران

(مناطق شرق و غرب شهر)، سرانه زیربنای متوسط دیده می شود (۲۰ تا ۳۰ مترمربع). ترکیب آمار مربوط به سرانه زیربنای مسکونی با قیمت مسکن به خوبی نشان دهنده تفاوتها در مناطق شمالی و جنوبی تهران است. در یک سو مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ قرار دارند که هم دارای بالاترین قیمت مسکن و هم بیشترین سرانه زیربنای مسکونی هستند. در سوی دیگر مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ قرار دارند که هم کمترین سرانه زیربنای مسکونی را داشته و هم ارزان قیمتترین واحدهای مسکونی در شهر تهران به حساب می آیند. این مسئله به خوبی نشان دهنده تراکم بالا در واحدهای مسکونی مناطق فقیرنشین جنوب شهر تهران است. در شکل زیر میانگین مساحت در اختیار خانوارها در شهر تهران مشاهده می-شود. سرانه زیربنای واحدهای مسکونی تهران از جهت جنوب به شمال و به تبع بهبود در شرایط اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی افزایش می یابد. بر اساس آمار منتشره، ساختمانهای مسکونی نوساز در مناطق تهران مساحتی بین ۴۰ تا ۷۰ مترمربع دارند. در سال ۱۳۸۵ متوسط سطح زیربنای مسکونی در واحدهای نوساز در تهران ۱۳۰ مترمربع گزارش شده اما این رقم در سال ۱۳۸۷ به ۱۲۵ مترمربع کاهش یافته است. در عین حال از نسبت سطح زیربنای مسکونی ۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع در جنوب شهر کاسته و به سمت شمال شهر بر آن افزوده می شود. سطح زیربنای مسکونی ۳۰۰ مترمربع به

بالا در منطقه ۱ افزایش مییابد که به دلیل وجود منازل ویلایی در منتهی الیه شمال این منطقه است. آمار نشان می دهد بیشترین سرانه زیربنا در مناطق شهر تهران با ۴۵ مترمربع متعلق به منطقه ۳ بوده و کمترین آن به میزان ۱۷ مترمربع نیز مربوط به مناطق ۱۷ و ۱۹ می باشد.

نحوه تصرف مسکن و سرپناه

این شاخص از جمله شاخصهایی است که خود به خود گویای شرایط مطلوب و یا نامطلوب وضعیت مسکن در جامعه نیست. شاخص تصرف ملکی در برخی از جوامع توسعه یافته (مانند کشورهای سوئد، سوئیس و آلمان)، از میزان بسیار پایینی برخوردار است (کمتر از ۴۰ درصد). در مقابل و در همان طیف کشورهای توسعه یافته، برخی جوامع نظیر انگلستان دارای شاخص تصرف ملکی بالایی هستند (بالاتر از ۷۰ درصد). ویژگیها و شرایط اجتماعی به عنوان مؤثرترین عامل در نحوه تصرف ملکی محسوب می شود. در کشورهای گروه اول، بخش عمده ای از اراضی و نیز واحدهای مسکونی شهرها در مالکیت شهرداریها و شوراهای شهر هستند و همچنین با توجه به سطح رفاه و نیز وظیفه مندی و برنامه های دولت در تأمین مسکن، مردم انگیزه کمتری برای مالکیت مسکن دارند. در ایران و از جمله در کلانشهر تهران، بالا بودن میزان تصرف ملکی به عنوان وضعیت مطلوب بخش مسکن تلقی می شود زیرا از یکسو در نگاه خانوارها، مسکن به عنوان محل سکونت، سرمایه و نوعی پس انداز برای خود و فرزندان است و از سوی دیگر، سیاستها و برنامه های دولت در تأمین مسکن و بالا بردن شاخص تصرف ملکی مسکن به عنوان یک سیاست مثبت تلقی می شود. تبدیل مسکن

به کالای سرمایه ای و محلی برای سرمایه گذاری خانوارها، سرمایه گذاری در شهر تهران را به شدت به سمت مسکن ملکی پیش برده است. همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود حدود ۵۷ درصد از ساکنان شهر تهران، مالک واحدهای مسکونی خود هستند. در حدود ۳۳ درصد نیز ساکن مسکن اجاره ای هستند. نحوه توزیع تصرف واحد مسکونی در مناطق ۲۲ گانه تهران در دو نقشه زیر آمده است.

همان طور که در نقشه بالا مشاهده میشود در مناطق ۲، ۳ و ۶ بین ۶۱ تا ۶۶ درصد از ساکنان مالک محل زندگی خود هستند. این شاخص برای مناطق جنوب و مرکز تهران مانند مناطق ۹، ۱۲، ۱۷ و ۱۸ بین ۵۰ تا ۵۵ درصد است. در نقشه زیر توزیع اجاره نشینی در تهران آمده است. همان طور که در این نقشه دیده میشود کمترین میزان اجاره نشینی در مناطق مرفه شهر تهران یعنی ۱، ۳ و ۶ بوده و از سوی دیگر مناطق ۱۸ و ۱۵ که از مناطق محروم و مهاجرنشین شهر تهران، بشمار می آیند؛ بیشترین نرخ اجاره نشینی را یعنی ۴۰ تا ۴۷ درصد دارند. اضافه کردن این ارقام به قیمت ملک و سرانه فضای مسکونی به خوبی نشان دهنده تمایز مناطق مرفه تهران از مناطق فقیرنشین شهر است.

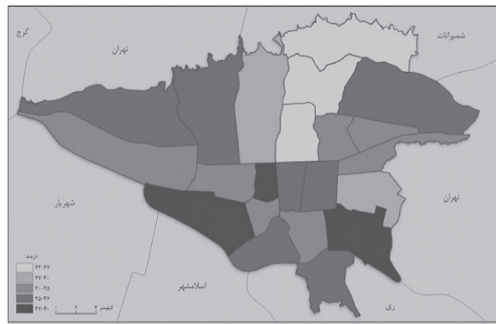
کیفیت ساخت واحدهای مسکونی

یکی از شاخصهای سنجش کیفیت مسکن، سن بنا است. بر اساس آمار موجود، عمر اکثریت ساختمانهای تهران ۲۰ سال است. این نوع ساختمانها ۲۲ درصد از ساختمانهای شهر تهران را تشکیل میدهند. در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، درصد واحدهای مسکونی با عمر ۵ سال و کمتر ۲۱ درصد از کل

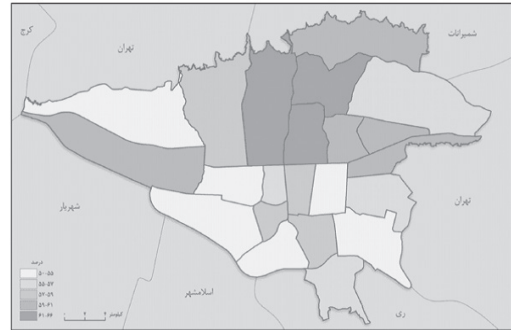
جدول ۳. خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب نحوه تصرف محل سکونت شهری تهران در

سرشماری ۱۳۸۵ و اصلاحات ۱۳۹۰؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان.

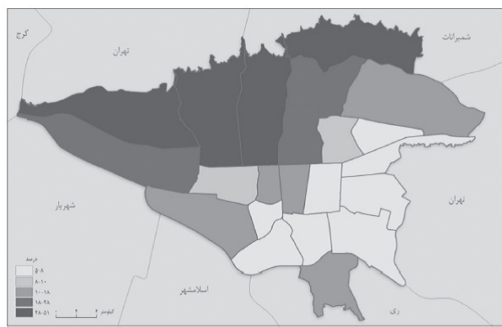
ملکی عرصه و اعیان (زمین و بنا)	ملکی اعیان (بنا)	اجاره ای	در برابر خدمت	رایگان	سایر	اظهار نشده	جمع
۱۰۸۴۰۹۲	۲۲۸۴۰۶	۷۵۹۶۱۲	۶۲۱۰۳	۹۹۴۴۴	۱۴۱۷۸	۳۲۲۴۳	۲۲۸۰۰۷۷
(۴۷٪)	(۱۰٪)	(۳۳٪)	(۳٪)	(۴٪)	(۱٪)	(۲٪)	(۱۰۰٪)



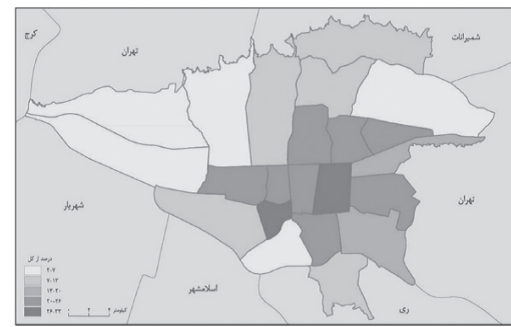
۲. نسبت خانوارهای اجاره نشین در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ منبع: اطلس شهر تهران.



نقشه ۱. نسبت خانوارهای دارای مسکن ملکی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ منبع: اطلس شهر تهران. نقشه



نقشه ۴. سهم واحدهای مسکونی با سازه بتن آرمه؛ منبع: اطلس شهر تهران.



نقشه ۳. واحدهای مسکونی با بیش از ۳۰ سال سن؛ منبع: اطلس شهر تهران.

می شود بیشتر ساختمانهای بالای ۳۰ سال در مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران قرار دارند. در مناطق ۱۲ و ۱ بین ۲۶ تا ۳۳ درصد از واحدهای مسکونی بالاتر از ۳۰ سال قدمت دارند. علاوه بر عمر ساختمان، شاخص کیفیت واحدهای مسکونی را میتوان بر حسب نوع مصالح ساختمانی و سازه به کار رفته در آنها مورد ارزیابی قرار داد. بر اساس این شاخص، واحدهای مسکونی در سه گروه بادوام، نیمه بادوام و کم دوام قرار میگیرند. در حال حاضر، دو نوع سیستم سازه و مصالح بتن آرمه و اسکلت فلزی، از نوع بادوام ترین سیستمهای ساختمانی هستند. بالا بودن نسبت این دو نوع سیستم در واحدهای مسکونی، نشان دهنده کیفیت بالاتر واحدهای مسکونی است. در نقشه زیر سهم واحدهای مسکونی با سازه بتن آرمه به عنوان یک سازه بادوام و واحدهای مسکونی آجر و آهن به عنوان یک سازه

واحدهای مسکونی شهر تهران می باشد. اکثریت این ساختمانها در مناطق ۲۲، ۱ و ۵ شهرداری تهران ساخته شده است. به عبارتی سهم این مناطق از تولید مسکن در طی ۵ سال اخیر بیشتر از سایر مناطق شهر تهران بوده است. مناطق جنوبی شهر تهران نیز نسبت مناسبی را از این ساختمانها به خود اختصاص داده اند. به طور کلی، حرکت در زمینه تخریب بافتهای فرسوده و مقاوم سازی ساختمانها به خصوص در مناطق جنوبی شهر تهران سبب شده تا سهم این مناطق نیز در این نوع ساخت و سازها متناسب باشد.

آنچه اهمیت این شاخص را در تهران نشان می دهد این است که عمر مفید ساختمانها در ایران کمتر از استانداردهای جهانی است. نقشه بالا توزیع واحدهای مسکونی بالای ۳۰ سال در شهر تهران را نشان می دهد. همان طور که در نقشه بالا مشاهده

نیمه بادوام آمده است. مقایسه ها به خوبی نشان دهنده توزیع مسکن بادوام در شهر تهران است. از یک سو بیشترین تراکم ساختمانهای بتن آرمه در مناطق شمالی شهر تهران است و از سوی دیگر بیشترین ساختمانهای آجر و آهن در مناطق جنوب و مرکز شهر تهران قرار دارند؛ به طور خاص ۲۳ تا ۳۶ درصد از ساختمانها در مناطق ۱۷ و ۱۸ از کیفیت بالایی برخوردار نیستند؛ یعنی مناطقی که ارزان قیمتترین مناطق هستند و کمترین سرانه مسکونی هم متعلق به آنهاست.

(*) محور دوم: تأمین دسترسی کافی به خدمات

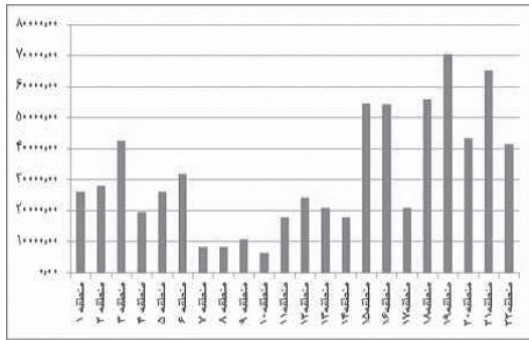
در راستای تبیین و بررسی میزان دسترسی به خدمات عمومی ارائه شده بوسیله شهرداری در سطح مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، این تحقیق با استفاده از «روش مطالعه اسنادی و تکنیک تحلیل ثانویه» تهیه شده است. داده های این تحقیق عمدتاً از آمارنامه شهرداری تهران در سال ۸۹، آمارنامه شهر تهران در سال ۹۰، گزارش طرح سنجش عدالت اجتماعی در شهر تهران و اطلس شهر تهران به دست آمده است. این آمارها بر اساس جمعیت مناطق، به صورت ارقام سرانه تبدیل شده و نهایتاً مقایسه شده است. نکته قابل توجه این است که اگر چه آمارنامه های شهرداری تهران مربوط به سال ۸۹ هستند؛ اما بخشی از اطلاعات آن تا پایان سال ۹۰ به روزرسانی شده اند. در ضمن در راستای تکمیل برخی قسمتها از آمار مرکز امار و گزارشات سال ۱۳۹۰ بهره گرفته شده است. در این تحقیق همه خدمات و امکانات شهرداری تهران مورد بررسی قرار نگرفته و تنها آن دسته از خدماتی لحاظ شده است که مقایسه آن بین مناطق معنادار باشد. پس باید توجه داشت که آمار و ارقام در مورد ارائه خدمات و یا امکانات صرفاً بیان کننده مقادیر کمی است و نمیتواند برای مقایسه کیفیت خدمات به کار آید؛ حتی اگر طبق آمار دسترسی مردم شمال و جنوب شهر تهران به خانه های سلامت یکسان باشد نمیتوان نتیجه گرفت که کیفیت خدمات هم برای

آنها برابر است؛ لذا تفسیر یافته های این تحقیق باید با در نظر گرفتن موارد بالا و با احتیاط صورت گیرد. از سوی دیگر تفاوت بین مناطق در آمار لزوماً به معنای تفاوت در دسترسی مناطق نیست؛ زیرا به عنوان مثال، بازارچه ای که در مرز یک منطقه دارد، در آمار جزء دسترسی همان منطقه حساب می شود اما عملاً منطقه مجاور نیز دسترسی یکسانی به آن دارد؛ لذا با توجه به همه این محدودیتها، برخی فعالیت های شهرداری تهران به عنوان نمونه انتخاب شده و در بین مناطق مقایسه شده اند. نکته دیگری که به باید آن توجه کرد این است که تفسیر ارقام و آمار در شاخصهای مختلف باید با این پیش فرض انجام شود که رسالت شهرداری تهران ارائه خدمات بیشتر به مناطق فقیرنشین است. یعنی عملکرد شهرداری تهران در هر مورد در صورتی قابل دفاع است که خدمات و امکانات ارائه شده در مناطق فقیرنشین بیشتر از مناطق مرفه تهران باشد، زیرا تنها در این صورت است که امکان حرکت به سوی برقراری عدالت اجتماعی محقق خواهد شد.

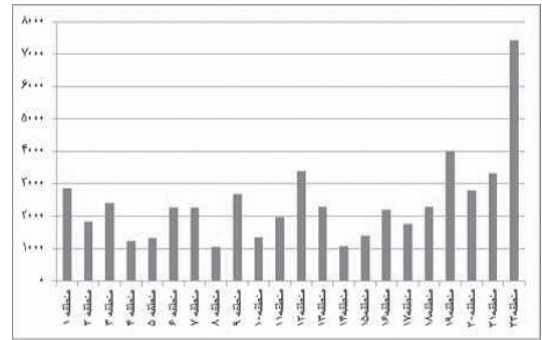
(*) سرانه بودجه مصوب مناطق در سال ۱۳۹۱

در سالهای اخیر در مجموعه شهرداری تهران به کرات در مورد رویکرد کاهش شکاف شمال و جنوب شهر صحبت شده و به نوعی تمامی مدیران شهری در تمامی سطوح این راهبرد را سرلوحه کار خود قرار داده اند. این رویکرد فعالیت مدیران شهری را جهت دهی کرده و در تعریف و اجرای یک پروژه راهنمای آنان است. یکی از شاخصهای مناسب برای سنجش نحوه توزیع خدمات و امکانات شهرداری برای کاهش شکاف شمال و جنوب شهر تهران، بررسی نحوه تخصیص بودجه به شهرداریهای مناطق ۲۲ گانه است. نمودار زیر سرانه بودجه مصوب ۱۳۹۱ به تفکیک مناطق را نشان می دهد.

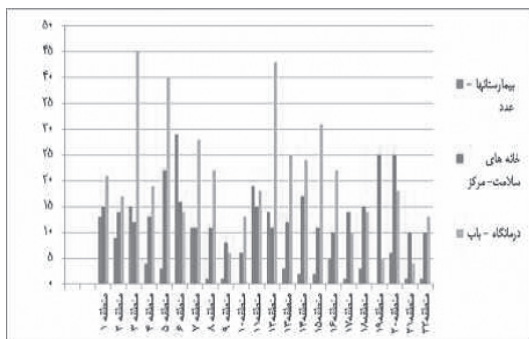
همان طور که در نمودار دیده می شود، سرانه بودجه برای منطقه ۲۲ با اختلاف از سایر مناطق بیشتر است. اما مقایسه مناطق مرفه تهران مانند مناطق ۱، ۲ و ۳ با مناطق فقیرنشین تهران مانند



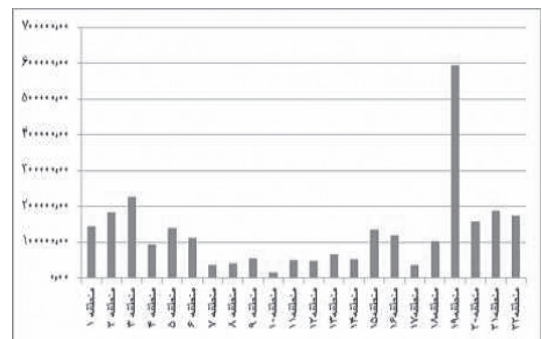
نمودار ۷. میزان مساحت پارکهای درون شهری مناطق شهرداری تهران به تفکیک مناطق (بر حسب متر مربع برای هر ده هزار نفر)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.



نمودار ۶. سرانه بودجه مصوب ۱۳۹۱ به تفکیک مناطق ۲۲ گانه (بر حسب یک هزار ریال)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران، ۱۳۹۱.



نمودار ۹. تعداد بیمارستانها، خانه های سلامت و درمانگاه ها به تفکیک مناطق ۲۲ گانه



نمودار ۸. میزان مساحت کل فضای سبز مناطق شهرداری تهران به تفکیک مناطق (بر حسب متر مربع برای هر ده هزار نفر)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.

پارکهای شهری که دارای نقش اجتماعی، اقتصادی و بوم شناختی هستند، قابلیت معناداری خاص دارد. در دو شکل زیر میزان مساحت فضای سبز درون شهری مناطق شهرداری تهران تا پایان سال ۱۳۹۰ آمده است.

همان طور که در نمودارها دیده می شود، مناطق مرکزی ۷، ۸، ۹ و ۱۰ کمترین میزان سرانه را در شهر تهران را دارند. در بین مناطق فقیرنشین جنوب شهر تهران، مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ وضعیت مناسبی داشته و سرانه پارک در این مناطق از سایر مناطق تهران بالاتر است. تنها منطقه ۱۷ تهران است که به لحاظ سرانه فضای سبز نسبت به مناطق همجوار از وضعیت خوبی برخوردار نیست. از نظر کل فضای سبز، منطقه ۱۹ به سبب قرار داشتن بوستان ولایت

۱۹ و ۲۰ نشان می دهد سرانه بودجه به نفع مناطق فقیرنشین است. در این میان مناطق ۸ و ۱۴ کمترین میزان سرانه بودجه را به خود اختصاص داده اند. باید به این نکته نیز توجه داشت که سرانه بودجه مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از سرانه بودجه منطقه یک تهران کمتر است و این نشان دهنده سهم کمتر افراد فقیرنشین نسبت به ساکنان منطقه یک است. در مناطق ۱۴ و ۱۵ نیز سرانه بودجه با اختلاف از سرانه بودجه در مناطق ۱ و ۲ پایینتر است.

(* فضای سبز

مطالعات نشان داده است که افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی موجب تبدیل فضاهای سبز شهری به سطوح بتنی خشن و نفوذناپذیر می شود، و این روند به ویژه در کشورهای در حال توسعه و

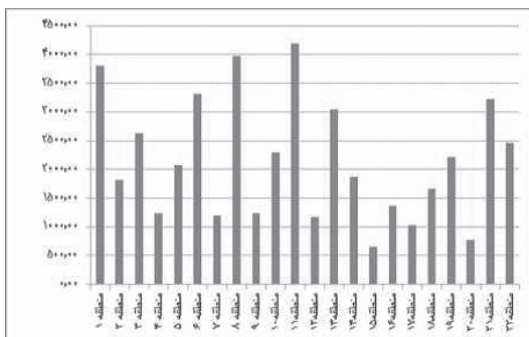
در آن، از سایر مناطق وضعیت بسیار بهتری دارد. مناطق مرکزی تهران نیز کمترین میزان فضای سبز را دارند که با توجه به بافت متراکم این مناطق قابل فهم است. نکته قابل توجه این است که مناطق فقیرنشین تهران به غیر منطقه ۱۷ از نظر میزان فضای سبز نسبت به کل مناطق تهران در وضعیت مناسبی قرار دارند.

خدمات بهداشتی و پزشکی

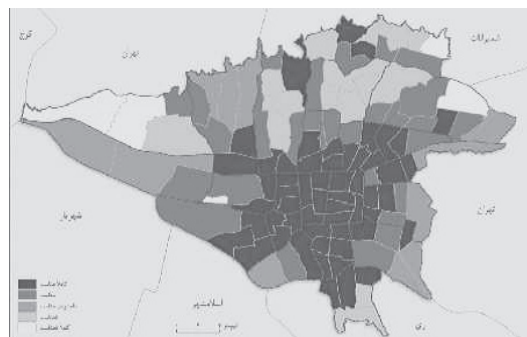
یکی از مؤلفه های مهم عدالت در شهر، دسترسی به خدمات پزشکی و بهداشتی است. در نمودار زیر تعداد بیمارستانها، خانه های سلامت و درمانگاه ها به تفکیک هر منطقه آمده است. همان طور که مشاهده می شود بیشترین بیمارستانها در منطقه ۶، ۱۱، ۳ و ۱ هستند. از سوی دیگر، البته مناطق ۸، ۹، ۱۷، ۲۱، ۲۲ کمترین بیمارستان را در خود جای داده اند. البته بررسی دقیق توزیع خدمات بهداشتی مستلزم در نظر گرفتن سرانه فضاهای بهداشتی و پزشکی است که در آمار موجود وجود ندارد. پراکندگی خدمات پزشکی در شهر تهران در شکل زیر آمده است.

در مجموع دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در بخشهای مرکزی شهر بیشتر است و بخشهای جنوبی و جنوب غربی نیز دسترسی مناسبی به این نوع از خدمات دارند. بخشهای شمالی نیز، به جز نواحی واقع در منطقه ۳، به لحاظ دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی وضعیت تقریباً مناسبی

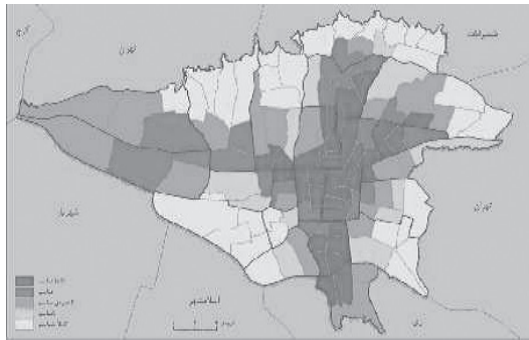
دارند اما دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی در نواحی واقع در مناطق غربی شهر تهران (منطقه ۲۲) چندان مناسب نمی باشد. به طور کلی میتوان گفت که بهترین وضعیت دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی متعلق به مرکز و مرکز جنوبی شهر تعلق داشته و این خدمات در مرکز و بخش مرکزی جنوب شهر تهران متمرکز شده اند. یکی از اقدامات شهرداری تهران اجرای پروژه شهر سالم در مقیاس کوچک محله بنام «خانه سلامت» برای اجرای پروژه و هدایت و برنامه ها زیر نظر شهرداری است. بیشترین تعداد خانه های سلامت در مناطق ۳، ۵، ۱۲ است. از سوی دیگر، مناطق ۱۹ و ۲۱ کمترین تعداد خانه های سلامت را در خود جای داده اند. یکی از خدمات مهم این خانه های سلامت، برگزاری جلسات مشاوره برای خانواده هاست. بررسی نحوه ارائه خدمات در این خانه های سلامت نیز میتواند شاخصی برای بررسی نحوه توزیع خدمات در مناطق مختلف باشد. مطابق نمودار بالا، بیشترین تعداد ساعت این جلسات مشاوره مربوط به منطقه ۲۰، یکی از مناطق فقیرنشین تهران است. اما مناطق فقیرنشین دیگر مانند ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ آمار مناسبی ندارند. با توجه به اینکه خانوارهای کم درآمد، قادر به تأمین هزینه خدمات فوق نیستند، ارائه خدمات رایگان در این موارد میتواند به حل بسیاری از مسائل خانوادگی آنها کمک کند. علاوه بر جلسات مشاوره، در این مراکز، خدمات رایگان



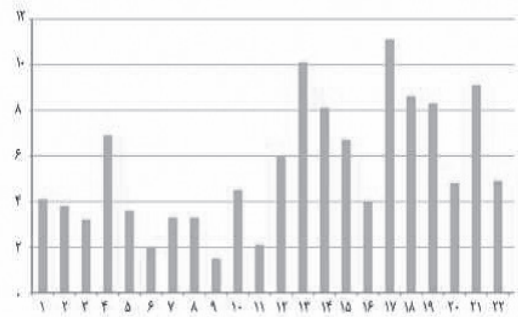
نمودار ۱۱. ارائه خدمات رایگان پزشکی به شهروندان (نفر به ازای هر ده هزار نفر)



نمودار ۱۰. دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران



نقشه ۵. دسترسی به مترو در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ منبع: اطلس شهر تهران.



نمودار ۱۱. زمان انتظار در ایستگاه اتوبوس (به دقیقه)؛ منبع: گزارش طرح سنجش عدالت در شهر تهران، ۱۳۸۸.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۴۱۱

است. نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات مربوط به دسترسی به ایستگاههای مترو نشان میدهد که بیشترین میزان دسترسی به مترو در نواحی مرکزی شهر، نواحی واقع در مناطق ۳، ۱۲۶ و ۱۶ وجود دارد و بخشهای شمالی، شرقی و جنوب غربی و جنوب شرقی شهر فاقد دسترسی به مترو می باشند.

(*) خدمات رفاهی

دسترسی به میادین و بازارهای روز نقش مهمی در تأمین مایحتاج عمومی دارد. این امر با توجه به پایینتر بودن نسبی قیمتها در این بازارها در مناطق کم درآمد اهمیت بالایی دارد. در نمودار زیر آمار این بازارها بر اساس جمعیت هر منطقه آمده است. همان طور که در نمودار دیده می شود، توزیع این میادین در مناطق تهران یکنواخت نیست. اگرچه در تفسیر این پراکندگی باید با احتیاط عمل شود، اما به طور کلی مناطق ۳، ۷، ۱۱ و ۱۴ دارای کمترین مساحت سرانه میادین و بازارهای روز هستند. از سویی دیگر، مناطق فقیرنشین ۱۷، ۱۸ و ۲۰ نسبت به چهار منطقه یاد شده، وضعیت بهتری دارند.

(*) خدمات ورزشی

با توجه به اهمیت پرکردن اوقات فراغت و اهمیت مضاعف این مسئله در مناطق فقیرنشین و متراکم شهری، نحوه توزیع این خدمات بسیار مهم است. در نمودار ۱۳ وسعت مراکز ورزشی سرباز و سرپوشیده شهرداری در مناطق ۲۲ گانه بر اساس جمعیت هر منطقه آمده است. نمودارها نشان می دهد مناطق

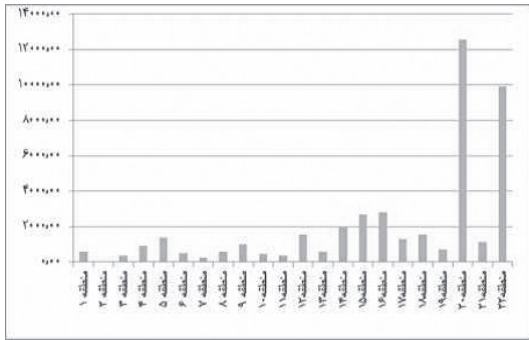
پزشکی نیز ارائه میشود. توزیع این خدمات در نمودار زیر آمده است.

با توجه به اینکه ضرورت این خدمات در مناطق فقیرنشین ضرورتر از سایر مناطق است، نمودار بالا حاکی از توزیع نامناسب این خدمات در شهر تهران است. این خدمات در مناطق ۱۵ تا ۲۰ در حدود نصف ارائه آن در منطقه ۱ تهران است؛ لذا به نظر می رسد گسترش این خدمات در مناطق فقیرنشین و تبلیغات کافی برای جذب بیشتر مراجعه کنندگان در این مناطق ضروری است.

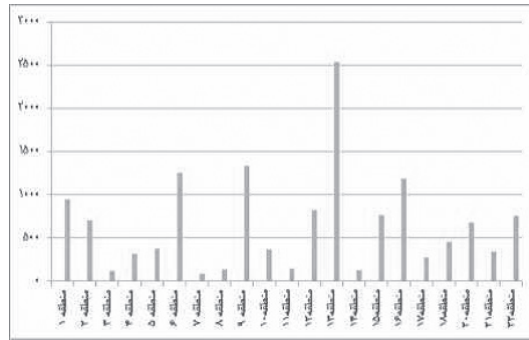
(*) حمل و نقل عمومی

دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی یکی از جلوه های عدالت اجتماعی در شهر است. این مسئله به ویژه از این جهت اهمیت دارد که ساکنان مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران به دلیل ممنوعیت های تردد خودرو و یا عدم دسترسی به وسیله نقلیه شخصی تا حد زیادی به نظام حمل و نقل عمومی وابسته اند. در نمودار ۱۱ متوسط زمان انتظار در ایستگاه اتوبوس به تفکیک مناطق آمده است.

همان طور که در نمودار مشخص است، متوسط زمان انتظار برای مناطق مرکزی مانند ۷۶ و ۱۱ پایینتر از سایر مناطق است. اما این زمان برای مناطق فقیرنشین شهر تهران یعنی مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ بسیار بالاتر از مناطق مرکزی یا شمالی شهر تهران است؛ لذا به نظر میرسد کیفیت دسترسی به سیستم اتوبوس رانی در مناطق کم درآمد ضعیفتر



نمودار ۱۳. وسعت مراکز ورزشی سرباز و سرپوشیده شهرداری (مترمربع به ازای هر ده هزار نفر)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.



نمودار ۱۲. مساحت میادین و بازارهای روز (با لحاظ بازارهای محله ای) در مناطق تهران (مترمربع به ازای هر ده هزار نفر)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.

کتب موجود امکانپذیر است؛ اما با توجه به عدم دسترسی به این آمار، از تعداد عضوهای کتابخانه به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع این خدمات استفاده شده است. همان طور که در نمودار بالا دیده میشود، مناطق ۱۲، ۱۹ و ۱۳ کمترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. در میان مناطق فقیرنشین تهران، منطقه ۱۸ از وضعیت مطلوبی برخوردار است اما مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ وضعیت مناسبی ندارند. برگزاری همایش، جشنواره و کارگاه از جمله خدمات شهرداری تهران است. در نمودار ۱۵ تعداد شرکت کنندگان در همایش، جشنواره و کارگاه در سال ۸۹ به ازای هر ده هزار نفر جمعیت آمده است. تعداد مشارکت کنندگان در همایشها، جشنواره ها و کارگاه ها در بین مناطق تهران یکنواخت نیست. مناطق ۱، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۲۲ بیشترین پوشش را داشته اند؛ اما در مناطق ۱۸، ۱۳ و ۹ کمترین خدمات ارائه شده است؛ به طور کلی نمودار بالا تمایز مشخصی میان مناطق مرفه و فقیرنشین شهر تهران را نشان می دهد.

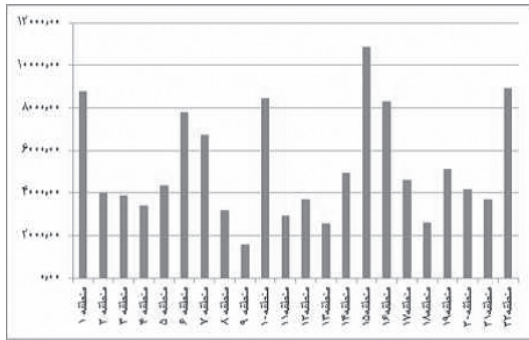
(*) محور سوم: تامین امکانات برای همه و انصاف در تقسیم منابع

این تحقیق بر اساس یافته ها و نتایج تحقیقات علمی گذشته و، آمارهای مربوط به سرشماری جمعیت در دوره های مختلف تهیه شده است. به طور خاص داده های این تحقیق از، آمارنامه شهر تهران در سال

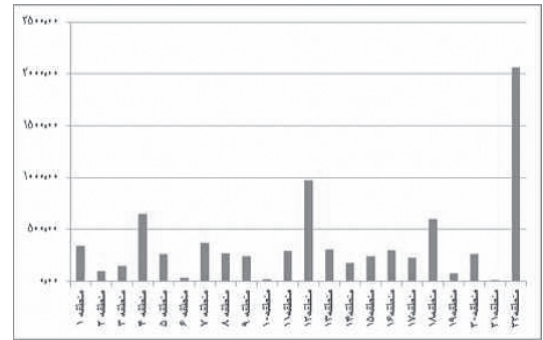
۲۰ و ۲۲ با فاصله زیاد از سایر مناطق وضعیت بهتری دارند. به طور کلی نیمه سمت چپ نمودار وضعیت بهتری نسبت به نیمه سمت راست داشته و نشان می دهد سهم مناطق فقیرنشین از این خدمات بیشتر بوده است. ایستگاه های تندرستی از جمله اقدامات موثر شهرداری تهران برای توسعه ورزش همگانی است که در پارکهای شهری برگزار می شود. این برنامه های ورزشی، به ویژه از سوی بانوان با استقبال مواجه شده و اقدامات تشویقی همچون برگزاری مسابقه برای جذب مشارکت بیشتر شهروندان از سوی شهرداری تهران انجام شده است. پراکندگی این ایستگاهها در مناطق مختلف شهر تهران آمده است.

خدمات فرهنگی و هنری

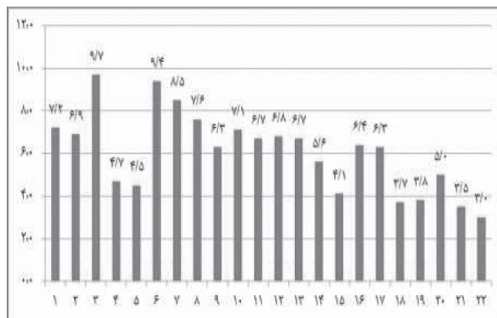
شهر تهران در مقام پایتخت فرهنگی کشور، سهم عمده ای را در تولید و عرضه کلیه محصولات و اقلام فرهنگی و هنری در کشور ایفا میکند. منطقه ۲۲ تهران از این نظر وضعیت بسیار بهتری نسبت به سایر مناطق دارد. در میان مناطق جنوبی، منطقه ۲۰ و مناطق ۱۵، ۱۶ و ۱۷ وضعیت نسبتاً خوب و منطقه ۱۸ وضعیت خوبی دارد. تنها منطقه ۱۹ است که سرانه فضاهای ساختمانی امور فرهنگی در آن پایین است. احداث کتابخانه و سالن مطالعه از جمله خدمات فرهنگی شهرداری تهران است. ارزیابی دقیق توزیع این خدمات با توجه به مساحت و تعداد



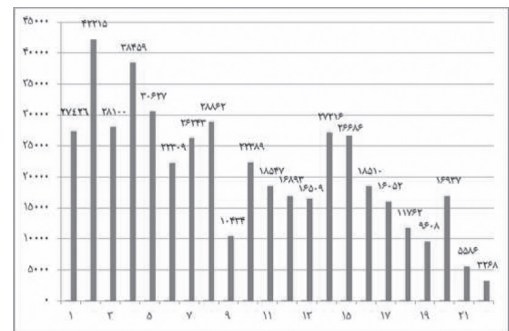
نمودار ۱۵. شرکت کنندگان در همایش، جشنواره و کارگاه (به ازای هر ده هزار نفر جمعیت)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.



نمودار ۱۴. فضای ساختمانی امور فرهنگی (مترمربع به ازای هر ده هزار نفر)؛ منبع: آمارنامه شهرداری تهران.



نمودار ۱۷. درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در هر یک از مناطق شهر تهران در سال ۱۳۸۵؛ منبع: توحیدی، ۱۳۹۰.



نمودار ۱۶. تعداد جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر در هر یک از مناطق شهر تهران در سال ۱۳۸۵؛ منبع: توحیدی، ۱۳۹۰.

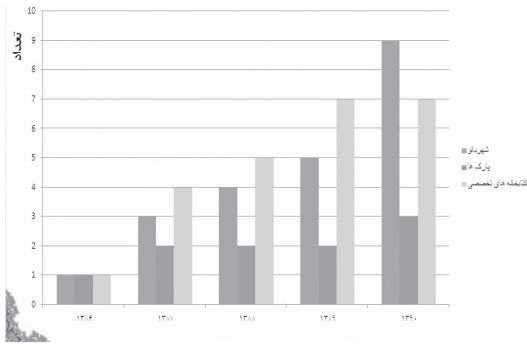
هر ۴ منطقه کمتر از ۴ درصد از کل جمعیت بالای ۶۵ سال بوده است.

صرفنظر از توزیع جمعیت سالمندان در مناطق شهر تهران، نسبت این گروه به کل جمعیت منطقه نیز اهمیت دارد. همان طور که در نمودار بالا مشاهده میشود مناطق ۳، ۶، ۷، ۸، ۱ و ۱۰ به ترتیب بیشترین نسبت سالمند به جمعیت را دارا هستند و در تمام این مناطق بیش از ۷ درصد جمعیت را سالمندان تشکیل میدهند، اما مناطق ۲۲، ۲۱، ۱۸ و ۱۹ کمترین نسبت افراد سالمند را داشته و این نسبت برای آنها کمتر از ۴ درصد است. همان طور که مشاهده می شود مناطق ۲ و ۴ در مجموع ۱۷/۴ درصد سالمندان تهرانی را در خود جای داده اند. کمترین سهم نیز مربوط به مناطق ۲۱ و ۲۲ است

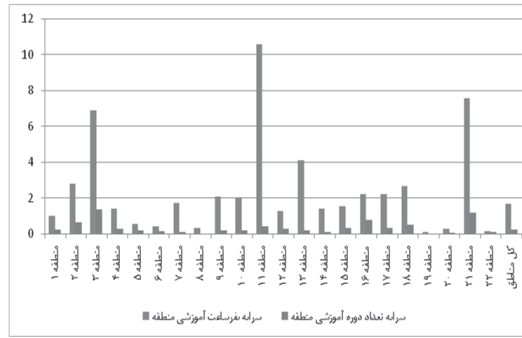
۹۰ و تحقیق سازمان بهداشت جهانی در مورد شهر دوستدار سالمند گردآوری شده است.

(*) شهر عدالت محور و سالمندان

بیشترین تعداد سالمندان در مناطق ۲، ۳، ۵، ۸ و کمترین تعداد سالمندان در مناطق ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۹ و ۱۸ سکونت داشته اند. در نمودار زیر تعداد خام سالمندان مناطق با هم مقایسه شده، اما در نمودار بعدی، درصد جمعیت سالمند نسبت به کل جمعیت آن منطقه، مورد مقایسه با سایر مناطق قرار گرفته است. مناطق ۳، ۶، ۷، ۸، ۱ و ۱۰ به ترتیب بیشترین درصد سالمند نسبت به جمعیت را نشان می دهند و همگی بیش از ۷ درصد از جمعیتشان بالای سن ۶۵ سال بوده اند، اما مناطق ۲۲، ۲۱، ۱۸ و ۱۹ کمترین درصد سالمند را نشان می دهند و در



نمودار ۱۹. تعداد مراکز، پارکها و کتابخانه های تخصصی زنان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گزارش اداره کل بانوان شهرداری تهران، ۱۳۹۰.



نمودار ۱۸. سرانه تعداد و سرانه نفر ساعت دوره های آموزشی زنان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گزارش اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، ۱۳۹۲.

در کل باید گفت که ضریب چولگی پرش در میزان خدمات رسانی نشان از آن دارد که تعادل لازم در این رابطه در سطوح خدمات رسانی به بانوان در حوزه برگزاری دوره های آموزشی و آموزش بانوان شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه دیده نمی شود.

(*) ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های بانوان

در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که مشتمل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه ها محروم مانده اند.

(*) ایجاد، تجهیز و توسعه پارک های بانوان

توسعه پارکها و پردیسهای درون شهری برای بانوان در مناطق کلانشهری از زمره موارد مهمی است که باتوجه به گمبود فضاهای تخصیص یافته به زنان در شهر، معنادار نشان می دهد. ایجاد پارک بانوان در مناطق ۳، ۱۵، ۱۸ تنها موردی بوده است که در اداره کل امور بانوان مورد توجه بوده است و دیگر مناطق در این رابطه به دلایل متعدد مغفول مانده اند. لذا در مناطق محروم پایین شهر زنان شهروند از عدالت لازم در برخورداری از فضاهای سبز و پارکهای درون

که در مجموع کمتر از ۲ درصد سالمندان تهرانی در این دو منطقه ساکن هستند. میانگین سنی جمعیت شهر تهران در سال ۱۳۷۵، ۲۷ سال بوده و در سال ۱۳۸۵ به ۳۱ سال رسیده است. همین روند در مورد میانه سنی جمعیت نیز دیده میشود. ارقام حاکی از آن است که شهر تهران با سرعت قابل توجهی در حال پشت سر گذاشتن جوانی و گرویدن به میانسالی است. بدیهی است که در آن شرایط تعداد سالمندان جامعه افزایش چشمگیری خواهد یافت. همین مسئله لزوم توجه به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این پدیده ضروری می سازد.

(*) شهر عدالت محور و زنان

یکی از مولفه های اساسی در «تحقق پذیری شهرهای عدالت محور»، مقوله خدمات رسانی به زنان در سطوح کلان خدمات-رسانی مدیریت شهری خاصه در کلانشهر تهران است که در این رساله در راستای سنجش میزان عدالت فضایی در خدمات رسانی به زنان شهروند تهران بر اساس آمار سازمان امور بانوان شهرداری تهران به آن اهمیت داده شده است که در ادامه مورد اشاره قرار می گیرد.

(*) سرانه دوره های آموزشی برای زنان

در این رابطه بر اساس نمودار زیر باید گفت که مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ به ترتیب بیشترین و مناطق ۱۹، ۲۰ و ۸ کمترین میزان را به خود تخصیص داده اند.

شهری برخوردار نبوده اند.

(*) تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان

در رابطه با کتابخانه ها و مراکز فرهنگی برای بانوان نیز باید گفت که پراکنش مراکز فرهنگی و کتابخانه ها برای زنان نشان از آن دارد که در این رابطه هم عدالت دیده نمی شود. تنها تجهیز کتابخانه های مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ مورد توجه بوده است و ۱۱ منطقه دیگر مورد توجه قرار نگرفته اند، هرچند که برخی از آنها قبلاً از این مراکز برخوردار بوده اند. لذا هرچند میزان خدمات در حوزه دوره های آموزشی، ایجاد و احداث مراکز، پارکها و کتابخانه های تخصصی زنان وجود داشته است ولی عدالت در تخصیص و ایجاد آنها در سطوح مناطق ۲۲ گانه دیده نشده و نشان از عدم تعادل فضایی در سطوح خدمات رسانی برای بانوان مناطق ۲۲ کلانشهر تهران وجود دارد.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

(۱) صدور پروانه های ساختمانی و احداث ساختمان: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. تعداد پروانه ساختمانی صادر شده توسط شهرداری تهران نسبت به فصل گذشته حدود ۳۳/۶ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۶۲/۱ درصد کاهش داشته است؛

۲. از کل پروانه های صادر شده توسط شهرداری تهران ۰/۷ درصد مربوط به افزایش بنا و ۹۹/۳ درصد مربوط به احداث ساختمان بوده است که پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان نسبت به فصل گذشته حدود ۳۳/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۶۲/۲ درصد کاهش داشته است؛

۳. مجموع مساحت زیربنای تعیین شده در پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران در تابستان سال ۱۳۹۳ نسبت به فصل گذشته حدود ۵/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۴۶/۶ درصد کاهش داشته است؛

۴. تعداد واحدهای مسکونی پیش بینی شده در

پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان از سوی شهرداری تهران در تابستان سال ۱۳۹۳ نسبت به فصل گذشته حدود ۱۵/۷ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته حدود ۵۴/۷ درصد کاهش داشته است؛

۵. با توجه به تعداد پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان در شهر تهران، متوسط تعداد واحد مسکونی در پروانه های احداث ساختمان ۹/۶ درصد و در پروانه های احداث ساختمان مسکونی نیز ۹/۶ واحد بوده است؛

۶. مجموع مساحت زمین پروانه های صادر شده برای احداث ساختمان نسبت به فصل گذشته در سال قبل ۵۰/۸ درصد کاهش داشته است. متوسط مساحت زمین در پروانه های احداث ساختمان ۳۸۶ متر مربع و در پروانه های احداث ساختمان مسکونی حدود ۳۱۴ متر مربع بوده است.

(۲) قیمت مسکن و سرپناه: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. متوسط قیمت فروش هر مترمربع زمین یا زمین ساختمان های مسکونی کلنگی معامله شده از طریق بنگاه های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۴/۹ درصد، و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱/۱ درصد افزایش داشته است؛

۲. همچنین تعداد معاملات فروش زمین یا زمین ساختمان های مسکونی کلنگی انجام شده از طریق بنگاه های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۲۲/۷ درصد کاهش و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۳/۵ درصد افزایش داشته است؛

۳. در میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، بیش ترین متوسط قیمت فروش یک مترمربع زمین یا زمین ساختمان های مسکونی کلنگی معامله شده در منطقه ۳ و کمترین آن در منطقه ۲۰ بوده است؛ که نسبت قیمت فروش در گرانترین ۶/۲۵۵ برابر ارزان ترین منطقه بوده است که تفاوت اختلاف فاحش و بحث برانگیزی را نشان می دهد؛

۴. تغییرات قیمت فروش هر مترمربع زمین یا زمین

ساختمان‌های مسکونی کلنگی در معاملات انجام شده بین حداقل ۱۰۰۰۰ هزار ریال در منطقه ۲۰ و حداکثر ۲۳۹۸۸۸ هزار ریال در منطقه ۱ بوده است؛ که نشان از این مطالب است که تغییرات قیمت فروش هر مترمربع زمین در منطقه ۱، تقریباً ۲۴ برابر منطقه ۲۰ می باشد که واقعاً قابل تامل بوده است؛

۵. از کل معاملات انجام شده برای فروش زمین یا زمین ساختمان‌های مسکونی کلنگی در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، منطقه ۲ با ۸/۵ درصد دارای بیشترین سهم و منطقه ۲۱ با ۰/۹ درصد دارای کمترین سهم می باشند که ۹/۴ برابر اختلاف نسبتی این دو منطقه، و در نظرگیری میزان فرسودگی و کلنگی بودن ساختمان، چالشی در طرح مساله عدالت فضایی و فرصتهای سرمایه گذاری و بازار رقابتی مسکن در این مناطق بوده است؛

(۳) متوسط قیمت فروش هر مترمربع زیربنای مسکونی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. متوسط قیمت فروش هر مترمربع زیربنای مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۵/۹ درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۶/۲ درصد افزایش داشته است؛

۲. تعداد معاملات فروش زیربنای مسکونی انجام شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۱۳/۳ درصد کاهش و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۳۸/۴ درصد، افزایش داشته است؛

۳. در میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، بیشترین متوسط قیمت فروش یک مترمربع زیربنای مسکونی معامله شده در منطقه ۱ و کمترین آن در منطقه ۱۸ بوده که نسبت بیشترین به کمترین متوسط قیمت ۴/۲ برابر می باشد؛

۴. تغییرات قیمت فروش هر مترمربع زیربنای مسکونی در معاملات انجام شده بین حداقل ۶۴۸۶

هزار ریال در منطقه ۱۲ و حداکثر ۲۳۹۵۹۶ هزار ریال در منطقه ۲ بوده است که ۳۶ برابر نسبت تغییرات قیمتی غیر طبیعی و قابل قبول و پاشنه آشیلی در مقوله عدالت و تامین مسکن در حوزه مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران می باشد؛

۵. همچنین از کل معاملات انجام شده برای فروش زیربنای مسکونی در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، منطقه ۵ با ۱۲ درصد دارای بیشترین سهم و منطقه ۲۲ با ۰/۹ درصد دارای کمترین سهم می باشند که نشان از تغییرات نسبی ۱۳/۳ درصدی دارد.

در تحلیل تطبیقی با سالهای قبلی هم باید اشاره کرد که؛ بیشترین قیمت مربوط به مناطق ۱، ۲ و ۳ بوده که مناطق مرفه نشین شهر تهران به حساب می آیند. از سوی دیگر مناطق ۱۷، ۱۸ و ۲۰ در جنوب شهر تهران ارزان قیمت ترین واحدهای مسکونی هستند. محاسبات نشان می دهد متوسط قیمت مسکن در منطقه یک تهران ۳ برابر قیمت مسکن در منطقه ۱۸ تهران است.

(۱) متوسط مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. متوسط وزنی مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۳/۸ درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱۰/۲ درصد افزایش داشته است؛

۲. تعداد معاملات اجاره زیربنای مسکونی انجام شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی در شهر تهران نسبت به فصل قبل ۲۹/۴ درصد کاهش و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۵/۴ درصد افزایش داشته است؛

۳. در میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، بیشترین متوسط مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه

درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی معامله شده، در منطقه ۱ و کمترین آن در منطقه ۱۹ بوده است، که نسبت بیشترین در منطقه ۱ به کمترین در منطقه ۱۹ در حدود ۳/۲ برابر بوده است؛

۴. تغییرات مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای هر مترمربع زیربنای مسکونی در معاملات انجام شده بین حداقل ۲۲۴۶۱ ریال در منطقه ۲۰ و حداکثر ۹۲۵۹۲۶ ریال در منطقه ۳ بوده است؛

۵. از کل معاملات اجاره زیربنای مسکونی در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، منطقه ۵ با ۱۴ درصد دارای بیشترین سهم و منطقه ۲۲ با ۱/۳ درصد دارای کمترین سهم می باشند.

در تحلیل تطبیقی با سالهای قبلی هم باید اشاره کرد که؛ توزیع متوسط اجاره بها همانند قیمت واحد مسکونی نشان دهنده فاصله قابل توجه مناطق شمالی تهران با مناطق جنوب و مرکز تهران است. مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ دارای بالاترین میزان اجاره بها و مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ دارای کمترین میزان اجاره بها هستند. متوسط اجاره بها به ازای هر مترمربع در منطقه ۱ تهران در حدود دو برابر منطقه ۱۸ تهران است. البته تفسیر اجاره بها با در نظر گرفتن سرانه واحد مسکونی در مناطق مختلف تهران، اختلاف میان مناطق فقیرنشین و مرفه تهران بیشتر نشان می دهد.

(۲) تراکم مسکونی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. منطقه ۸ با تعداد ۱ خانوار در واحد مسکونی، مطلوبترین شرایط را در میان مناطق ۲۲ گانه داراست؛

۲. مناطق ۱۲ واقع در بافت مرکزی شهر و ۱۷ در جنوب شهر با شاخص ۱/۱ خانوار در واحد مسکونی، از شرایط نامطلوبی برخوردار است؛

۳. دو منطقه ۱۲ و ۱۷، به نسبت جمعیت ساکن با کمبود مسکن مواجه هستند که لازم است در حوزه

تصمیم گیری و برنامه ریزی مسکن شهری مورد توجه بیشتری قرار گیرند؛

۴. مناطق ۹، ۱۶ و ۱۹ نیز از نظر تراکم مسکونی وضعیت مطلوبی ندارند. مسئله تراکم بالای خانوار در مناطق جنوب تهران در حالی است که به گفته رییس کمیسیون برنامه و بودجه وقت شورای شهر تهران، شش تا هفت درصد از واحدهای مسکونی در شمال شهر تهران خالی از سکنه است.

(۳) سرانه زیربنای مسکونی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. در مقیاس شهر تهران، سرانه زیربنای مسکونی از توزیع و پراکندگی قابل توجهی برخوردار است که در حوزه عدالت سنجی فضایی مورد نظر این رسالهف کاملاً غیر طبیعی و مصداق بارز ناعادالتی بشمار می رود؛

۲. مناطق شمال شهر تهران از بالاترین سرانه زیربنا برخوردار هستند تا جایی که در بسیاری از مناطق تهران، متوسط سرانه زیربنا حدود ۵۰ مترمربع است. در مناطق جدید تهران (مناطق شرق و غرب شهر)، سرانه زیربنای متوسط دیده میشود (۲۰ تا ۳۰ مترمربع). ترکیب آمار مربوط به سرانه زیربنای مسکونی با قیمت مسکن به خوبی نشان دهنده تفاوتها در مناطق شمالی و جنوبی تهران است؛

۳. مناطق ۱، ۲، ۳ و ۶ دارای بالاترین قیمت مسکن و بیشترین سرانه زیربنای مسکونی هستند؛

۴. مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ هم کمترین سرانه زیربنای مسکونی را داشته و هم ارزان قیمتترین واحدهای مسکونی در شهر تهران به حساب می آیند.

۵. از نسبت سطح زیربنای مسکونی ۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع در جنوب شهر کاسته و به سمت شمال شهر بر آن افزوده می شود؛

۶. سطح زیربنای مسکونی ۳۰۰ مترمربع به بالا در منطقه ۱ افزایش می یابد که به دلیل وجود منازل ویلایی در منتهی الیه شمال این منطقه است؛

۷. آمار نشان می دهد بیشترین سرانه زیربنا در

مناطق شهر تهران با ۴۵ مترمربع متعلق به منطقه ۳ بوده و کمترین آن به میزان ۱۷ مترمربع نیز مربوط به مناطق ۱۷ و ۱۹ می باشد.

۸. این مسئله به خوبی نشان دهنده تراکم بالا در واحدهای مسکونی مناطق فقیرنشین جنوب شهر تهران است و مصداق بارز بی عدالتی در این رابطه در حوزه برنامه ریزی مسکن بشمار می رود.

(۴) نحوه تصرف مسکن و سرپناه: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. حدود ۵۷ درصد از ساکنان شهر تهران، مالک واحدهای مسکونی می باشند؛

۲. حدود ۳۳ درصد نیز در مسکن اجاره ای زندگی می کنند؛

۳. در مناطق ۲، ۳ و ۶ بین ۶۱ تا ۶۶ درصد از ساکنان مالک محل زندگی خود و در مناطق جنوب و مرکز تهران مانند مناطق ۹، ۱۲، ۱۷ و ۱۸ بین ۵۰ تا ۵۵ درصد است که در مناطق متمول تر شهر تهران حدوداً ۱/۲ برابر میزان تملک ملکی بیشتر است؛

۴. کمترین میزان اجاره نشینی در مناطق مرفه شهر تهران یعنی ۱، ۳ و ۶ بوده و

۵. مناطق ۱۸ و ۱۵ که از مناطق محروم و مهاجرنشین شهر تهران، بشمار می آیند بیشترین نرخ اجاره نشینی را یعنی ۴۰ تا ۴۷ درصد دارند. ۶. در پایان باید گفت که؛ اضافه کردن این ارقام به قیمت ملک و سرانه فضای مسکونی به خوبی نشان دهنده تمایز مناطق مرفه تهران از مناطق فقیرنشین شهر است.

(۵) کیفیت ساخت واحدهای مسکونی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، درصد واحدهای مسکونی با عمر ۵ سال و کمتر، تقریباً ۲۱ درصد از کل واحدهای مسکونی شهر تهران می باشد؛

۲. اکثریت واحدهای نوساز در شهر تهران در مناطق ۲۲، ۱ و ۵ شهرداری تهران ساخته شده است، به عبارتی سهم این مناطق از تولید مسکن در طی ۵ سال اخیر بیشتر از سایر مناطق شهر تهران بوده

است؛

۳. مناطق جنوبی شهر تهران نیز نسبت مناسبی را از این ساختمانها به خود اختصاص داده اند. به طور کلی، حرکت در زمینه تخریب بافتهای فرسوده و مقاوم سازی ساختمانها به خصوص در مناطق جنوبی شهر تهران سبب شده تا سهم این مناطق نیز در این نوع ساخت و سازها متناسب باشد.

۴. بیشتر ساختمانهای فرسوده در مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران قرار دارند؛ چنانچه در مناطق ۱۲ و ۱ بین ۲۶ تا ۳۳ درصد از واحدهای مسکونی بالاتر از ۳۰ سال قدمت دارند؛

۵. بیشترین تراکم ساختمانهای بتن آرمه در مناطق شمالی شهر تهران و بیشترین ساختمانهای آجر و آهن در مناطق جنوب و مرکز شهر تهران قرار دارند؛

۶. به طور خاص هم باید گفت که؛ ۲۳ تا ۳۶ درصد از ساختمانها در مناطق ۱۷ و ۱۸ از کیفیت بالایی برخوردار نیستند؛ یعنی مناطقی که ارزان قیمتترین مناطق هستند و کمترین سرانه مسکونی هم متعلق به آنهاست که نشان عدم برخورداری از سطوح عدالتی در برنامه ریزی مسکن در این مناطق و محل تامل و مذاقه است.

(۶) سرانه بودجه مصوب مناطق: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. سرانه بودجه برای منطقه ۲۲ با اختلاف از سایر مناطق بیشتر است؛

۲. مقایسه مناطق مرفه تهران مانند مناطق ۱، ۲ و ۳ با مناطق فقیرنشین تهران مانند ۱۹ و ۲۰ نشان می دهد سرانه بودجه به نفع مناطق فقیرنشین است؛

۳. در این میان مناطق ۸ و ۱۴ کمترین میزان سرانه بودجه را به خود اختصاص داده اند؛

۴. البته باید به این نکته اشاره کرد که سرانه بودجه مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از سرانه بودجه منطقه یک تهران کمتر است که این نشان دهنده سهم کمتر افراد فقیرنشین نسبت به ساکنان منطقه یک است؛

۵. در مناطق ۱۴ و ۱۵ نیز سرانه بودجه با اختلاف از سرانه بودجه در مناطق ۱ و ۲ پایینتر است.

(۷) سرانه و تخصیص فضای سبز: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. باید اشاره شود که مناطق مرکزی شهر تهران ۷، ۸، ۹ و ۱۰ کمترین میزان سرانه را در شهر تهران را دارند؛

۲. در بین مناطق فقیرنشین جنوب شهر تهران، مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ وضعیت مناسبی داشته و سرانه پارک در این مناطق از سایر مناطق تهران بالاتر است؛

۳. تنها منطقه ۱۷ تهران است که به لحاظ سرانه فضای سبز نسبت به مناطق همجوار از وضعیت خوبی برخوردار نیست. از نظر کل فضای سبز، منطقه ۱۹ به سبب قرار داشتن بوستان ولایت در آن، از سایر مناطق وضعیت بسیار بهتری دارد؛

۴. مناطق مرکزی تهران نیز کمترین میزان فضای سبز را دارند که با توجه به بافت متراکم این مناطق قابل فهم است؛

۵. در پایان باید گفت که؛ نکته قابل توجه این است که مناطق فقیرنشین تهران به غیر منطقه ۱۷ از نظر میزان فضای سبز نسبت به کل مناطق تهران در وضعیت مناسبی قرار دارند.

(۸) خدمات بهداشتی و پزشکی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. بررسی دقیق توزیع خدمات بهداشتی مستلزم در نظر گرفتن سرانه فضاهای بهداشتی و پزشکی است که در آمار موجود وجود ندارد و لذا دقیقاً و تحقیقاً قابل بررسی دقیق نیست؛

۲. البته باید گفت که بیشترین بیمارستانها در منطقه ۶، ۱۱، ۳ و ۱ هستند؛

۳. مناطق ۸، ۹، ۱۷، ۲۱، ۲۲ کمترین بیمارستان را در خود جای داده اند که نشان دهنده عدم تخصیص متناسب خدمات بهداشتی در سطوح ۲۲ گانه شهرداری تهران می باشد؛

۴. بیشترین تعداد خانه های سلامت در مناطق ۳، ۵،

۱۲ است و مناطق ۱۹ و ۲۱ کمترین تعداد خانه های سلامت را در خود جای داده اند؛

۵. بیشترین تعداد ساعت این جلسات مشاوره مربوط به منطقه ۲۰، یکی از مناطق فقیرنشین تهران است. اما مناطق فقیرنشین دیگر مانند ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ آمار مناسبی ندارند؛

۶. در مجموع دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در بخشهای مرکزی شهر بیشتر است و بخشهای جنوبی و جنوب غربی نیز دسترسی مناسبی به این نوع از خدمات دارند. بخشهای شمالی نیز، به جز نواحی واقع در منطقه ۳، به لحاظ دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی وضعیت تقریباً مناسبی دارند اما دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی در نواحی واقع در مناطق غربی شهر تهران (منطقه ۲۲) چندان مناسب نمی باشد.

(۹) خدمات بهداشتی و پزشکی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. متوسط زمان انتظار برای مناطق مرکزی مانند ۷۶ و ۱۱ پایینتر از سایر مناطق است؛

۲. متوسط زمان انتظار برای مناطق فقیرنشین شهر تهران یعنی مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ بسیار بالاتر از مناطق مرکزی یا شمالی شهر تهران است؛ لذا به نظر میرسد کیفیت دسترسی به سیستم اتوبوس رانی در مناطق کم درآمد ضعیفتر است؛ این در حالی است که بیشترین میزان استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی در مناطق فقیرنشین بوده که لازم است تا مورد توجه معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران قرار گیرد؛

۳. بیشترین میزان دسترسی به مترو در نواحی مرکزی شهر، نواحی واقع در مناطق ۳، ۱۲۶ و ۱۶ وجود دارد و بخشهای شمالی، شرقی و جنوب غربی و جنوب شرقی شهر فاقد دسترسی به مترو می باشند.

(۱۰) خدمات رفاهی و تسهیلاتی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:

۱. توزیع این میداين در مناطق تهران یکنواخت

تحلیل بازیگران در راستای سیاست‌پژوهی تحقق‌پذیری شهرهای عدالت‌محور



نیست و کاملاً ناموزون بنظر می‌رسد؛

۲. اگرچه در تفسیر این پراکندگی باید با احتیاط عمل شود، اما به طور کلی مناطق ۳، ۷، ۱۱ و ۱۴ دارای کمترین مساحت سرانه میادین و بازارهای روز می باشند؛

۳. مناطق فقیرنشین ۱۷، ۱۸ و ۲۰ نسبت به چهار منطقه یاد شده، وضعیت بهتری دارند که تا حدودی با توجه به تمایل افراد متمول مناطق بالا شهر به خریدهای غیر بازار روزی و لوکس فروشی، معنادار و معقول بنظر می‌رسد.

(۱۱) خدمات رفاهی و تسهیلاتی: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می‌دهد:

۱. در رابطه با ارائه خدمات رفاهی و تسهیلاتی، مناطق ۲۰ و ۲۲ با فاصله زیاد از سایر مناطق

- وضعیت بهتری دارند؛
۲. به طور نتایج تحقیقات نشان می دهد سهم مناطق فقیرنشین از این خدمات بیشتر بوده است. (۱۲) خدمات فرهنگی و هنری: در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:
۱. در رابطه با ارائه خدمات فرهنگی و هنری، منطقه ۲۲ تهران از این نظر وضعیت بسیار بهتری نسبت به سایر مناطق دارد؛
۲. در میان مناطق جنوبی، منطقه ۲۰ و مناطق ۱۵، ۱۶ و ۱۷ وضعیت نسبتاً خوب و منطقه ۱۸ وضعیت خوبی دارد. تنها منطقه ۱۹ است که سرانه فضاهای ساختمانی امور فرهنگی در آن پایین است؛
۳. مناطق ۱۲، ۱۹ و ۱۳ کمترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. در میان مناطق فقیرنشین تهران، منطقه ۱۸ از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛
۴. همچنین باید گفت که؛ مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ وضعیت مناسبی ندارند؛
۵. در پایان باید اشاره داشت که مناطق ۱، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۲۲ بیشترین پوشش را داشته اند؛ اما در مناطق ۱۳، ۱۸ و ۹ کمترین خدمات ارائه شده است. (۱۳) وضعیت سالمندی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران
- در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:
۱. بیشترین تعداد سالمندان در مناطق ۲، ۳، ۵ و ۸ و کمترین تعداد سالمندان در مناطق ۲۲، ۲۱، ۲، ۹ و ۱۸ سکونت داشته اند که نشان دهنده تمرکز بیشتر سالمندان در مناطق فقیرنشین شهر تهران بوده و لازم است در حوزه خدمات رسانی به این اقشار آسیب پذیر اجتماعی تصمیم های عاجل و جدی مورد توجه مسئولان و برنامه ریزان شهری قرار گرفته شود؛
۲. مناطق ۳، ۶، ۷، ۸، ۱ و ۱۰ به ترتیب بیشترین درصد سالمند نسبت به جمعیت را دارا می باشند و همگی بیش از ۷ درصد از جمعیتشان بالای سن ۶۵ سال بوده اند؛
۳. مناطق ۲۲، ۲۱، ۱۸ و ۱۹ کمترین درصد سالمند را نشان می دهند و در هر ۴ منطقه کمتر از ۴ درصد از کل جمعیت بالای ۶۵ سال بوده است؛
۴. مناطق ۲ و ۴ در مجموع ۱۷/۴ درصد سالمندان تهرانی را در خود جای داده اند؛
۵. کمترین سهم نیز مربوط به مناطق ۲۱ و ۲۲ است که در مجموع کمتر از ۲ درصد سالمندان تهرانی در این دو منطقه ساکن هستند.
- (۱۴) وضعیت زنان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران
- در این رابطه نتایج این تحقیق نشان می دهد:
۱. سرانه دوره های آموزشی: مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ به ترتیب بیشترین و مناطق ۱۹، ۲۰ و ۸ کمترین میزان را به خود تخصیص داده اند. در کل باید گفت که ضریب چولگی پرش در میزان خدمات رسانی نشان از آن دارد که تعادل لازم در این رابطه در سطوح خدمات رسانی به بانوان در حوزه برگزاری دوره های آموزشی و آموزش بانوان شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه دیده نمی شود.
۲. ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های بانوان: در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که مشتمل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه ها محروم مانده اند.
۳. ایجاد، تجهیز و توسعه پارک های بانوان: توسعه پارکها و پردیسهای درون شهری برای بانوان در مناطق کلانشهری از زمره موارد مهمی است که باتوجه به کمبود فضاهای تخصیص یافته به زنان در شهر، معنادار نشان می دهد. ایجاد پارک بانوان در مناطق ۳، ۱۵، ۱۸ تنها موردی بوده است که در اداره کل امور بانوان مورد توجه بوده است و دیگر مناطق در این رابطه به دلایل متعدد مغفول مانده اند.
۴. تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان: در رابطه با کتابخانه ها و مراکز فرهنگی برای بانوان نیز باید

گفت که پراکنش مراکز فرهنگی و کتابخانه ها برای زنان نشان از آن دارد که در این رابطه هم عدالت دیده نمی شود. تنها تجهیز کتابخانه های مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ مورد توجه بوده است و ۱۱ منطقه دیگر مورد توجه قرار نگرفته اند، هرچند که برخی از آنها قبلاً از این مراکز برخوردار بوده اند. هرچند میزان خدمات در حوزه دوره های آموزشی، ایجاد و احداث مراکز، پارکها و کتابخانه های تخصصی زنان وجود داشته است ولی عدالت در تخصیص و ایجاد آنها در سطوح مناطق ۲۲ گانه دیده نشده و نشان از عدم تعادل فضایی در سطوح خدمات رسانی برای بانوان مناطق ۲۲ کلانشهر تهران وجود دارد.

۵. خدمات رسانی و برنامه های ورزش بانوان: در این رابطه تاحدودی میزان برنامه های اجرا شده متناسب تر بوده است. هرچند میزان برنامه های اجرا شده ضریب پراکنش پایین تری دارد ولی نوع و محتوای برنامه ها نیز تاحدودی قابل قبول به نظر می رسد.

۶. توانمندسازی زنان شهروند: ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایشی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال-آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. در رابطه با میزان سرانه دوره های آموزشی توانمندسازی زنان، مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ بیشترین میزان و مناطق ۱۹، ۲۲ و ۲۰ کمترین میزان را در این رابطه به خود اختصاص داده اند.

در پایان در راستای سیاست گذاری برای تحقق پذیری عدالت در شهر عدالت محور در حوزه کلانشهر تهران پیشنهاد می شود:

منابع و ماخذ

۱. آمارنامه شهر تهران (۱۳۸۹) سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲. آمارنامه شهر تهران (۱۳۹۰) سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۳. آمارنامه شهر تهران (۱۳۹۱) سازمان فناوری

اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۴. آمارنامه شهر تهران (۱۳۹۲) سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۵. آمارنامه شهر تهران (۱۳۹۳) سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۶. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹) برنامه ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت.

۷. حاتمی نژاد، حسین و راستی، عمران (۱۳۸۵) «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی، بررسی و مقایسه نظریات جان راولز و دیوید هاروی»، مجله سرزمین. دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۵.

۸. حاتمی نژاد، حسین و عمران راستی (۱۳۸۸) عدالت اجتماعی و عدالت فضایی (منطقه ای) بررسی و مقایسه نظریات جان راولز و دیوید هاروی، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ی ۲۶۹ - ۲۷۰، صص ۸۲ - ۹۵.

۹. دانشپور، زهره (۱۳۸۲) درآمدی بر پایه های نظری و گونه بندی نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۵

۱۰. سعیدنیا و دیگران (۱۳۷۸) مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای شهری. تهران: کمیته تعاریف، شرح خدمات و قراردادهای، معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.

۱۱. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) کتاب سبز شهرداری ج - ۹ (فضاهای سبز شهری)، انتشارات شهرداری های کشور، تهران.

۱۲. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۱) «شهرسازی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۱.

۱۳. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵) مبانی برنامه ریزی شهری. چاپ هفدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.

۱۴. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۶) بحران بافتهای مسکونی جدید در شهرهای بزرگ ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.

۱۵. قطب، سید (۱۳۵۸) عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات دارالفکر.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) گامی به سوی عدالت، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. کریمی، مظفر (۱۳۸۸) راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه شماره ۱۱، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۶.
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۷.
۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۹) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۸.
۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۹.
۲۴. مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
۲۵. مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۱.
۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) طرح جمع آوری اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در تابستان ۹۰، قابل دسترسی در آدرس:
۲۷. مهدیزاده، جواد (۱۳۷۶) درامدی بر نظریه‌ها و روش‌های شهرسازی، مهندسان مشاور فرهنگ، تهران
۲۸. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰) به سوی شهرسازی دموکراتیک، مدیریت شهری، شماره ۵
۲۹. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲) «امکانات و کاربردهای برنامه‌ریزی راهبردی در ایران»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۱۴، تهران: گروه مطالعات و

امکان سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک های محله ای شهر تهران

عبدالحسین کلانتری - استادیار جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
بهرام رسولی* - کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Feasibility of citizen participation in the management and development of neighborhood parks in Tehran

Abstract

This research attempts to investigate the level of willingness to participation in management and development of a neighborhood park among visitors of neighborhood parks of urban areas in Tehran. To study this issue, Robert Dahl's theory and the theory of reasoned action has been used. To response the main question of the study, namely the willingness to participation and factors affecting it, this study used a questionnaire on 400 visitors of neighborhood parks by the cluster sampling and simple random sampling in 2013. In this research we examined the relationship of variables attitude toward participatory behavior, subjective norms, the imagination of a person of the importance of participation, his imagination of his skills and expertise, the amount of time dedicated, financial incentives, confidence to the performance of municipal with dependent variable of willingness to participation. The results demonstrated the level of willingness to participation (in the range 15 to 75) is 50/29 and that is moderate to high. Among the factors that influence the willingness to participation, Factors such as attitude toward participatory behavior, imagination of a person of his skills and expertise, the amount of time dedicated and financial incentives have the greatest impact on willingness to participation.

Keywords: Citizen Participation, Neighborhood Park, Landscape, Reasoned action

چکیده

هدف اصلی این مقاله، امکان سنجی مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه پارک های محله ای، از طریق سنجش میزان تمایل آنان و عوامل موثر بر آن در سطح شهر تهران است. جهت بررسی موضوع پژوهش از نظریات رابرت دال و نظریه کنش مستدل آیزن و فیش باین استفاده شده است. برای پاسخ گویی به سوال اصلی پژوهش، یعنی میزان تمایل به مشارکت و عوامل موثر بر آن، پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش نامه بر روی ۴۰۰ نفر از مراجعه کنندگان به پارک های محله ای، که با روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی ساده انتخاب شده اند، انجام گرفته است. در این پژوهش، رابطه متغیرهای گرایش به رفتار مشارکتی، هنجار ذهنی، تصور فرد از اهمیت مشارکتش، تصور فرد از مهارت ها و تخصص هایش، میزان زمان اختصاصی، مشوق مالی، میزان اعتماد به کارائی و عملکرد شهرداری با متغیر وابسته میزان تمایل به مشارکت مورد سنجش قرار گرفته است که مهم ترین نتایج مبین آن است که میزان تمایل به مشارکت بر اساس طیف لیکرت (در بازه ۱ تا ۵) ۳/۳۵ درصد متوسط به بالا است. از میان عوامل موثر بر تمایل به مشارکت، عواملی چون گرایش به رفتار مشارکتی، تصور فرد از مهارت و تخصصش، میزان زمان اختصاصی و مشارکت در قبال مشوق مالی بیشترین تأثیر را بر متغیر تمایل به مشارکت داشته اند. این متغیرها توانسته اند ۴۰/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته تمایل به مشارکت را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندی، پارک محله ای، فضای سبز، کنش مستدل.

مقدمه و بیان مساله

امروزه به مشارکت بعنوان مؤلفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریده می شود و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شود. در این دیدگاه، مردم به مثابه محور توسعه و مشارکت آنان به مثابه پیش نیازی برای موفقیت سیاست ها و برنامه های یک کشور در نظر گرفته می شود. مشارکت از طریق سازماندهی گروه ها، سرمایه اجتماعی جامعه را گسترش می دهد و سازوکاری است که گروه های فرعی و حاشیه ای را توانمند می سازد تا در متن جریان های اصلی حیات اجتماعی خود ایفای نقش و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵). یونسکو در نوزدهمین اجلاس خود در سال ۱۹۷۶ در نایروبی رهیافت «توسعه درون زای انسان محور» را مطرح ساخت و لزوم اجرای آن را در برنامه های مردم گرا اعلام کرد. در این رهیافت لزوم مشارکت بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت و به محور اساسی توسعه بدل گردید (ارجمندنیان، ۱۳۸۰، ص ۲۳). شراکت مردم در عین حال که هدف است یکی از نیازهای اساسی بشری به شمار می آید. کنفرانس اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی در ژوئیه سال ۱۳۷۹ در شهر رم مشارکت را حق اساسی بشر دانسته است و دهه هشتاد را دهه توسعه اقتصادی با نگرش های جدید و طرح رهیافت توسعه پایدار، حفظ محیط زیست و مشارکت برشمرده است. آخرین دهه قرن بیستم نیز دهه توسعه پایدار، دهه توسعه انسانی و ضرورت به کارگیری و نهادینه کردن مشارکت مردمی در روند توسعه پایدار اعلام شد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۴۳). نهادهایی چون بانک جهانی یکی از شروط اصلی تحقق برنامه هایی چون بهبود مدیریت شهری و افزایش بهره وری شهری را بهره گیری از مشارکت های عمومی و خصوصی می داند. عموماً به شهرداری ها توصیه می شود تا با انجام کارهایی چون مقررات زدایی و اصلاح نظام های حقوقی مربوط به زمین، مسکن، امور مالی، زیر بناها، خدمات و بازارهای اشتغال،

تمرکززدایی قدرت های مدیریت شهری از سطوح مرکزی به سطح دولت محلی و مشارکت عمومی و گروه های محلی در طراحی و اجرای پروژه ها و بهبود امور مالی در جهت حل مشکلات خویش گام بردارند. در این خصوص سازمان های غیردولتی و سازمان های داوطلبانه خصوصی به عنوان کارگزاران مناسب برای پیشبرد برنامه های توسعه معرفی شده اند که باید مورد حمایت قرار گیرند (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷). مشارکت شهروندی را می توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان یافته و مؤثر ارگان های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانواده ها، گروه ها، نهادها، سازمان ها و بخش های عمومی شهری در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست (کلانتری، ۱۳۸۸، ص ۴).

یکی از عرصه هایی که می تواند زمینه مشارکت شهروندان قرار گیرد عبارت است از فضاهای عمومی شهری؛ بویژه فضای سبز پارک های محله ای. امروزه اهمیت فضای سبز و تأثیر آن بر فضاهای شهری و رفتار شهروندان به عنوان یکی از اصول مهم مدیریت شهری پذیرفته شده است. سال ۱۳۸۸ در پژوهشی که توسط سارا زارع و همکاران با عنوان نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در امور پارک های جنگلی انجام گرفته، محققان پارک های چیتگر، لویزان، طالقانی و سرخه حصار را از منظر مشارکت شهروندی مورد پژوهش قرار دادند. در این پژوهش از ابزار پرسش نامه سود گرفته شد و داده ها از نمونه آماری ۲۰۵ نفری از مراجعه کننده گان به پارک ها گردآوری گردید. نتایج تحلیل همبستگی پژوهش نشان می دهد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور پارک ها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در تحلیل واریانس این پژوهش بین مشارکت شهروندان در امور پارک ها و سطوح مختلف سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری بدست آمد. در تحلیل رگرسیونی گام به گام نیز

هفت متغیر وارد تحلیل شدند که در مجموع ۶۶/۲ درصد از واریانس تمایل به مشارکت شهروندان در امور پارک‌های جنگلی را تبیین کردند؛ لذا بنا به نتایج این پژوهش بین مشارکت و سرمایه اجتماعی ارتباط دو سویه و متقابلی وجود دارد.

سال ۱۳۸۹ در نشریه محیط زیست طبیعی پژوهشی با عنوان امکان‌سنجی مدیریت همیارانه پارک‌ها در شهرستان کرج که توسط علی اسدی و همکاران انجام شد، به چاپ رسیده است. در این تحقیق پیمایشی که جامعه آماری آن مراجعه‌کنندگان به پارک‌های منطقه ۹ کرج بودند امکان مدیریت همیارانه پارک‌ها مورد تحقیق قرار گرفت. یافته‌ها در این تحقیق نشان داد ۴۶ درصد پاسخگویان مهم‌ترین مشکل و دشواری پارک‌ها را مدیریت و نگهداری پارک‌ها می‌دانند. تنها ۶/۹ درصد افراد حاضر نبودند در مدیریت پارک‌ها همیاری کنند. از بین افرادی که موافق مدیریت همیارانه پارک‌ها بودند تنها ۵۲ درصد از افراد حاضر به همکاری بودند. همچنین از این افراد تنها ۳۱/۴ درصد حاضر بودند بدون دریافت هیچ گونه هزینه‌ای در مدیریت پارک‌ها همیاری نمایند و ۶۸/۶ درصد در صورتی حاضر به همکاری بودند که هزینه‌ای در قبال این کار به آنان پرداخت شود.

سازمان پارک‌ها و فضاهای سبز نیز به عنوان متولی اصلی نگهداری و گسترش فضاهای سبز شهری مطرح می‌باشد. این سازمان در راستای دستیابی به اهداف خود نمی‌تواند به صورت مستقل و بدون بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی عمل نماید. در واقع مردم به عنوان استفاده‌کنندگان از پارک‌ها و فضای سبز و جامعه هدف سازمان مذکور مطرح می‌باشند. با توجه به جمعیت بالای شهر تهران و تعداد قابل توجه مراجعین به فضای سبز از یک سو و از سوی دیگر محدودیت‌های پیش روی سازمان در زمینه ایجاد فضاهای جدید و کمبود نیروی کار برای نگهداری از فضاهای سبز موجود باعث شده که توجه به مشارکت‌های مردمی ضرورتی انکارناپذیر

باشد. اگر سازمان پارک‌ها و فضاهای سبز با چند برابر توان و ظرفیت خود عمل نماید ولی جلب مشارکت‌های مردمی را نادیده بگیرد نه تنها قادر به ایجاد فضای سبز جدید نخواهد بود بلکه فضای موجود نیز در معرض تخریب و از بین رفتن قرار خواهد گرفت (غفاری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). از کارکردهای اجتماعی-روانی پارک‌ها می‌توان به ایجاد مکان‌های مناسب برای ورزش و تفریح در جهت سالم نگه‌داشتن سلامتی انسان و در دسترس بودن این فضاها برای همه ساکنان شهر و به وجود آوردن محیط‌های آرام در شهر بعنوان عاملی مهم در جهت سلامت اجتماعی و روانی اشاره کرد (اسکاتیش، ۱۹۸۷، ص ۴). توانایی فضاهای سبز عمومی به‌عنوان مسکن‌های طبیعی در مناطق شهری بسیار مفید می‌باشند؛ به‌طوری که وجود درختان و علفزارها در فضاهای عمومی بیرون از خانه وابستگی‌های اجتماعی و میزان مشارکت‌پذیری شهروندان که در شهرهای امروزی روز به روز از هم گسسته می‌شوند را قوت می‌بخشد و برای کاهش پرخاشگری و رسیدن به آرامش روحی بسیار مؤثرند و عاملی برای صمیمیت می‌شوند. همچنین می‌توان از این مکان‌ها به‌عنوان منابع و منافع اقتصادی برای شهروندان بهره‌جست (چیسورا، ۲۰۰۳). در بیشتر بحث‌ها بر پارک‌ها و فضای سبز شهری به‌عنوان یک راهکار بسیار مهم که می‌تواند کیفیت زندگی اجتماعی شهرها را بالا ببرد، تأکید شده است (گیرارد، ۱۹۹۲، ص ۲۵). فضای سبز می‌تواند خدمات اجتماعی و روانی بسیار زیادی ارائه دهد و بعنوان عاملی که می‌تواند نقش بسیار مهمی در توانمند ساختن شهرهای جدید و همچنین ساکنان آنها داشته باشد، عمل کند (اولریچ، ۱۹۸۱، ص ۲). با در نظر گرفتن واقعیت فوق پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به دو سوال اصلی است که عبارتند از: ۱. میزان تمایل به مشارکت شهروندان تهرانی در راستای مدیریت، حفظ و توسعه پارک‌های محله‌ای چگونه است؟

۲. عوامل موثر بر میزان تمایل به مشارکت شهروندان
تهرانی کدام اند؟

چارچوب نظری

در زمینه تبیین مشارکت نظریه پردازان بسیاری به طبع آزمایی پرداخته‌اند. گاه موضوع مشارکت در جریان تبیین علل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم مطرح و مشارکت به عنوان یکی از مولفه‌های توسعه مورد تأکید بوده است. مشارکت در این نظریات اغلب به معنای تمرکززدایی از قدرت و دخالت مردم در جریان توسعه بوده است. در این نظریات گاه مشارکت معلول امر توسعه تلقی گردیده است. مشارکت گاه در عرصه سیاسی مورد بررسی محققان اجتماعی قرار گرفته و عوامل موثر بر آن مورد کنکاش قرار گرفته است؛ اما مشارکت را می‌توان در سطح خرد به عنوان کنشی که از کنشگران سر می‌زند نیز مورد بررسی قرار داد. در این زمینه می‌توان از نظریات عام کنش سود جست. با توجه به موضوع این پژوهش که مشارکت در سطح خرد مطرح است و به بررسی میزان تمایل شهروندان (سطح ذهنی) و عوامل موثر بر آن (سطح ذهنی و عینی) به مشارکت در مدیریت و توسعه پارک‌های محله‌ای شهر تهران می‌پردازد لذا، ترکیبی از نظریات بیگانگی سیاسی رابرت دال و کنش موجه آیزن و فیش‌باین بهره‌جسته‌ایم. بدین منظور به شرح مبسوطی از این دو نظریه می‌پردازیم:

رابرت دال

رابرت دال پدیده‌گرایی و عدم‌گرایی افراد به مشارکت در امور اجتماعی - سیاسی را مورد توجه قرار داده و عواملی را که نهایتاً منجر به تصمیم و تمایل فرد برای مشارکت می‌گردد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا دال بیشتر به دنبال توضیح عمومیت فقدان‌گرایی به مشارکت است. دلایلی که دال در این زمینه مطرح می‌کند، بدین شرح است:

۱. اگر انسان تصور کند که فعالیت و مشارکت او در امری بی‌اهمیت بوده و نمی‌تواند منشأ تغییرات

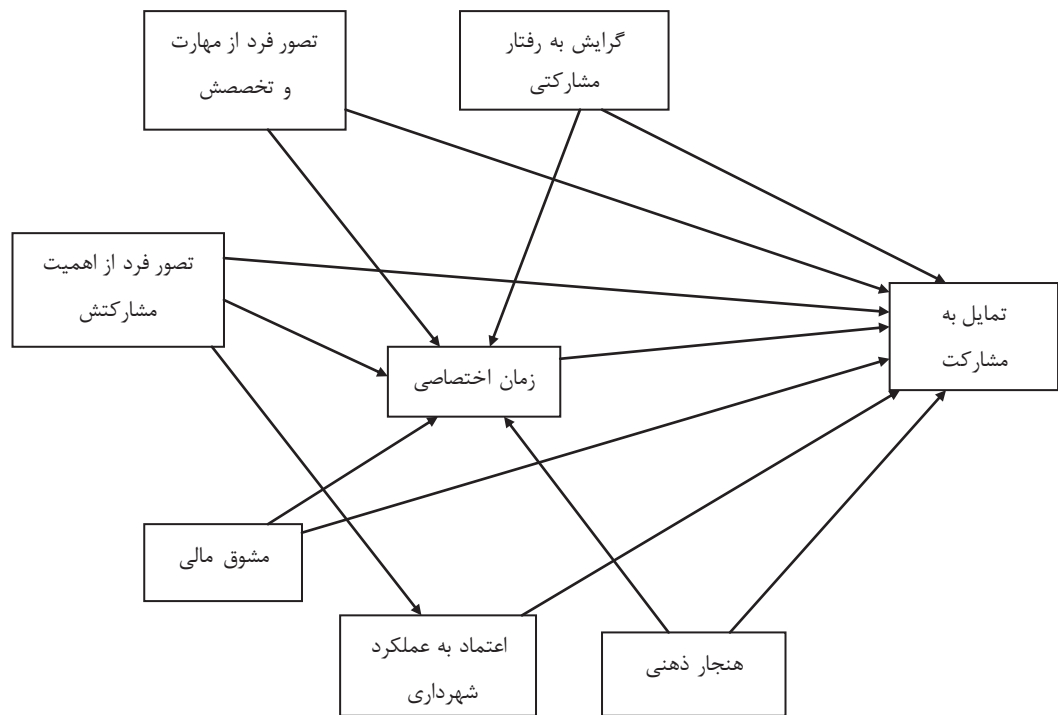
گردد، هرگز وارد آن نمی‌شوند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که بین اهمیت داشتن مسأله‌ای برای فرد و میزان درگیری اجتماعی او در آن، یک رابطه مستقیم برقرار است. هر چه احساس فرد در مورد میزان کارایی شرکت خویش ضعیف‌تر باشد به همان نسبت کمتر ممکن است درگیر سیاست شود.

۲. هرگاه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنها، نتایج اقدامات و کارها توسط دیگران رضایت آنها را تأمین می‌کند احتمال مشارکت شان در آن امور کم خواهد شد. همچنان که اعتماد ناچیز به کارایی سیستم سیاسی مانع مشارکت در سیاست می‌شود، بر عکس اعتماد بیش از حد به عدالت، مشروعیت، ثبات و مناسبت، مشارکت سیاسی را غیر ضروری می‌سازد. احتمالاً به همین دلیل است که انتقادات سیاسی در دوره‌های رفاه و کامیابی، کاهش و در دوره‌های رکود و فلاکت افزایش می‌یابد.

۳. هرگاه شخص فکر کند دانش او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در سیاست به کارایی سیاسی کافی برسد، ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت کند. به نظر می‌رسد در هر کشوری بسیاری از مردم احساس می‌کنند، سیاست را خوب نمی‌فهمند و به همین دلیل بعضی‌ها خود را از سیاست به دور نگه می‌دارند.

۴. هر چه مشکلات وارد شدن در برخی فعالیت‌ها بیشتر باشد، احتمال مشارکت در آن کمتر خواهد شد. وقتی فرد از فعالیتی انتظار دریافت پاداش کلان داشته باشد راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را هم محتمل گردد، ولی وقتی ببیند که پاداش‌ها ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارند، کافی است معمولی‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مأیوس و از دنبال کردن آن باز دارد (دال، ۱۳۶۴، ص ۱۳۹-۱۳۳).

رابرت دال پس از ذکر دلایل فوق برای تمایل به برخی فعالیت‌ها، آنها را بصورت معکوس در ارتباط با افزایش احتمال مداخله و مشارکت فرد در آنها چنین خلاصه می‌کند:



نمودار ۱. مدل نظری تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

۱. فرد برای پاداش‌ها یا مزایای حاصل از آن ارزش بسیار قائل باشد؛
 ۲. از خودش مطمئن باشد که حتماً می‌تواند در نتایج تصمیمات تأثیر بگذارد؛
 ۳. معتقد باشد اگر خودش خوب عمل نکند نتایج کارها چندان رضایت بخش نخواهد بود؛
 ۴. در مورد مسأله مورد نظر یا واقعاً دانش و مهارت کافی داشته باشد یا فکر کند از چنین آگاهی و دانشی برخوردار است؛ و
 ۵. ببیند که برای پرداختن به عمل و مشارکت در امری نباید از موانع و سدهای چندان بگذرد (دال، ۱۳۶۴، ص ۱۴۰).
- آیزن و فیش باین: نظریه کنش مستدل^۱**
- هدف نظریه کنش مستدل پیش‌بینی کنش و فهم عوامل تعیین‌کننده رفتار است. این نظریه مبتنی بر این مفروضات است که:
۱. اکثریت کنش‌های اجتماعی تحت کنترل ارادی هستند؛
 ۲. انسانها موجوداتی عقلانی هستند که بطور سیستماتیک اطلاعات در دسترس را بمنظور رسیدن به تصمیم رفتاری مستدل پردازش می‌کنند؛
 ۳. رفتار اجتماعی انسان بوسیله محرک‌های ناخودآگاه و امیال پر قدرت کنترل نمی‌شود؛ و
 ۴. آنها معتقد نیستند که رفتار اجتماعی انسان را بتوان با ویژگی بی‌فکری و دمدمی مزاجی و تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای مشخص کرد. برعکس آنها معتقدند که افراد پیش از اینکه رفتار معینی را بکار ببندند یا نبنند، دلالت‌ها و استلزامات آنرا در نظر می‌گیرند (دمینگو، ۱۹۸۹، ص ۷).
- طبق این نظریه عامل تعیین‌کننده بلافاصله کنش عینی شخص نیت و مقاصد^۲ شخص از انجام آن کنش است. آیزن و فیش باین استدلال می‌کنند که مقاصد اشخاص را می‌توان با دانستن گرایش اشخاص به کنش و نیز هنجارهای ذهنی مرتبط با

1. Theory of Reasoned Action

2. Intention

کنش پیش بینی کرد. طبق نظریه کنش مستدل گرایش ها نتیجه اطلاعاتی هستند که شخص درباره کنش ها در دست دارد. گرایش شخص به انجام یک کنش تابعی از باور شخص به اینکه انجام این رفتار به برآمد و خروجی معینی منتهی می شود و باور به اینکه برآمد و خروجی خوب یا بد است اشاره دارد. هنجارهای ذهنی حاصل ادراک شخص از فشارهای اجتماعی است که از طرف اشخاص، گروه ها یا نهادها برای انجام یا عدم انجام یک رفتار بر شخص وارد می شود که برای فرد اهمیت دارند. بنابراین طبق نظریه کنش مستدل، قصد فرد از بکار بستن یک رفتار تابع دو عامل تعیین کننده می باشد، یکی خود فرد (اینکه واجد چه گرایش هایی است، مثبت یا منفی) و دیگری تأثیر نفوذ اجتماعی است. نکته دیگری که فیش باین و مانفردو مطرح می کنند به این مسأله اشاره دارد که در برخی رفتارها و مقاصد، ملاحظات گرایشی نسبت به ملاحظات هنجاری اهمیت بیشتری دارد و بر عکس در برخی رفتارها عکس این قضیه صادق است. بعنوان مثال در رفتار بستن کمربند ایمنی، ممکن است شخصی این رفتار را بخاطر ترس از جریمه شدن (یا عبارتی همان فشار اجتماعی) انجام دهد و دیگری این عمل را انجام بدهد نه از روی ترس از جریمه شدن و فشار اجتماعی بلکه بخاطر باور به اینکه بستن کمربند او را از خطر محفوظ خواهد کرد (فیش باین و مانفردو، ۱۹۸۰).

نهایتاً از مفاهیم و مفروضات ذکر شده و مدل نظری فوق، می توان چند فرضیه عمده زیر را استخراج کرد:

۱. بنظر می رسد گرایش به رفتار (تصور فرد از پیامد های مثبت و منفی مشارکت) بر میزان تمایل به مشارکت موثر است.
۲. بنظر می رسد هنجار ذهنی (تصور فرد از اجبار و

هنجار اجتماعی در مورد مشارکت) بر میزان تمایل به مشارکت موثر است.

۳. بنظر می رسد تصور فرد از مهارت ها و تخصص هایش بر تمایل به مشارکت او موثر است.
۴. بنظر می رسد تصور فرد از اهمیت مشارکتش بر تمایل به مشارکت او موثر است.
۵. بنظر می رسد اعتماد فرد به کارایی و عملکرد شهرداری بدون در نظر گرفتن مشارکت شهروندان در میزان تمایل او به مشارکت موثر است.
۶. بنظر می رسد وجود مشوق مالی در تمایل به مشارکت فرد موثر است.
۷. بنظر می رسد میزان زمان اختصاصی بر تمایل به مشارکت فرد موثر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جهت نحوه گردآوری داده ها پیمایشی، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ زمانی، مقطعی محسوب می شود. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش کلیه مراجعین به پارک های محله ای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در تابستان سال ۹۲ است. با بکارگیری فرمول تعیین حجم نمونه با استفاده از واریانس جامعه^۱ نمونه عدد ۳۸۴ بدست آمد که این مقدار ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. جهت سنجش متغیرها از ابزار پرسش نامه استفاده شده است. اعتباریابی مقیاس به روش «اعتبار صوری»^۲ و «پایایی» از طریق محاسبه «ضریب پایایی»^۳ (آلفای کرونباخ) بشرح زیر محاسبه شده است.

یافته های تحقیق

ویژگی های جمعیتی پاسخ گویان

از نظر جنسیت بر اساس اطلاعات به دست آمده، ۵۱ درصد (۲۰۲ نفر) از پاسخگویان مورد مطالعه مرد و ۴۹ درصد (۱۹۴ نفر) از آنها زن بودند؛ عبارتی می توان گفت نمونه ما از مراجعین به پارک ها از نسبت برابری در جنسیت برخوردار است. یافته های

$$n = \frac{\sigma^2 \times z^2}{d^2} \quad n = \frac{(.25) \times (1.69)^2}{(.05)^2} = 384$$

1. Formal validity

2. Reliability

جدول ۱. ضرایب آلفای کرومباخ نهایی مقیاس ها

آلفای کرومباخ	مقیاس
۰/۷۷	تمایل به مشارکت در امور مربوط به فضای سبز
۰/۷۳	گرایش به رفتار
۰/۶۹	هنجار ذهنی
۰/۶۱	تصور فرد از اهمیت مشارکتش
۰/۷۹	تصور فرد از مهارت و تخصصش
۰/۸۱	اعتماد فرد به کارایی و عملکرد شهرداری در امور پارک

تحقیق نشان می دهد که ۵۶/۶ درصد (۲۲۴ نفر) از پاسخگویان متأهل و ۴۱/۴ درصد (۱۶۴ نفر) مجرد بوده اند همسر فوت شده و طلاق گرفته / داده هر یک ۱ درصد (۴ نفر) را به خود اختصاص داده اند و ۱ درصد از پاسخگویان نیز وضعیت خود را اعلام ننموده اند. متأهلین در این توزیع بیشترین فراوانی (نما) را به خود اختصاص داده اند. از نظر تحصیلات بیش ترین فراوانی، ۴۱/۵ درصد (۱۶۶ نفر) پاسخگویان مربوط به مقطع راهنمایی و فوق دیپلم است، که نشان از سطح متوسط تحصیلات در میان پاسخگویان دارد. تنها ۱/۰ درصد (۴ نفر) از پاسخگویان سطح تحصیلات ابتدایی را گزارش کرده اند در حالی که ۱۶/۸ درصد (۶۷ نفر) آنها بالاترین مقطع تحصیلی (فوق لیسانس و دکترا) را گزارش کرده اند. میانه در مقطع فوق دیپلم جای می گیرد و حاکی از آن است که ۵۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و پائین تر قرار دارند و ۵۰ درصد مابقی دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و بالاتر هستند. در زمینه درآمد بیشترین فراوانی ۱۳۲ نفر (۳۵/۵ درصد) مربوط به گروه درآمدی ۶۰۱ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان می باشد. ۷۴ نفر (۱۹/۹ درصد) پاسخگویان درآمد خانواده خود را کمتر از ۶۰۰۰۰۰ تومان گزارش کرده اند و ۶۰ نفر (۱۶/۱ درصد) از پاسخگویان آنرا بالاتر از ۱۸۰۰۰۰۰ تومان گزارش نموده اند و نیز ۲۸ نفر (۷ درصد) از پاسخگویان از بیان درآمد خویش

خوداری نموده اند میانگین سن پاسخگویان ۳۲/۶۴ سال می باشد که نشان از جوان بودن میانگین سن مراجعین به پارک دارد. بیشترین فراوانی مربوط به سن ۱۸/۰ سال می باشد. با توجه به این که جمعیت آماری ما مراجعین ۱۸/۰ سال و بالاتر می باشد کمترین سن پاسخگویان ما ۱۸/۰ سال و بالاترین آن ۸۲ سال بوده است. با توجه به نتایج توصیفی جدول ۲ متغیر وابسته تمایل به مشارکت در مدیریت و توسعه پارک های محله ای در سه بعد مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس میزان تمایل به مشارکت بر استفاده از طیف لیکرت در بازه ۱ تا ۵ (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفته است. با توجه به نتایج این جدول بیشترین میزان تمایل به مشارکت با میانگین ۳/۷۹ به گویه «چه میزان تمایل دارید در برگزاری جشنواره های آشنایی با انواع گل ها و گیاهان مشارکت کنید؟» و گویه «چه میزان تمایل دارید در تصمیم گیری و برنامه ریزی برای برگزاری فعالیت های ورزشی مشارکت کنید؟» و کمترین میزان تمایل به مشارکت با میانگین ۲/۵۳ به گویه «تا چه حد حاضر هستید برای حفظ و نگهداری از پارک محله تان مبلغی را پرداخت کنید؟» مربوط می شود. اما میانگین کل شاخص تمایل به مشارکت برابر با ۳/۳۵ و بیانگر تمایل متوسط به بالای شهروندان به مشارکت در مدیریت و توسعه

جدول ۲. نتایج توصیفی متغیر وابسته تمایل به مشارکت در مدیریت و توسعه پارک های محله ای

شاخص	ابعاد	گویه ها	میانگین رتبه ای
تمایل به مشارکت در توسعه فضای سبز	تمایل به مشارکت در مدیریت و توسعه فضای سبز	به چه میزان حاضر هستید در اداره و حفاظت از فضای سبز محله تان سهمی داشته باشید؟	۳/۵۸
		به چه میزان تمایل دارید در تصمیم گیری و برنامه ریزی برای کاشت نوع گل ها، گیاهان و درخت ها شرکت کنید؟	۳/۶۴
		به چه میزان تمایل دارید در نهال کاری و کاشت گل-های فصلی مشارکت کنید؟	۳/۳۹
		چقدر تمایل دارید پس از کاشت درختان در پارک از آنها مراقبت نمائید؟	۳/۴۱
		چه میزان تمایل دارید در برگزاری جشنواره های آشنایی با انواع گل ها و گیاهان مشارکت کنید؟	۳/۷۹
		چقدر تمایل دارید در صورت برگزاری مراسم های مربوط به حفظ و حراست از فضاهای سبز مشارکت کنید؟	۳/۲۳
		تا چه حد حاضر هستید برای حفظ و نگهداری از پارک محله تان مبلغی را پرداخت کنید؟	۲/۵۳
		به چه میزان تمایل دارید در تصمیم گیری و برنامه ریزی برای برگزاری فعالیت های فرهنگی و هنری مشارکت کنید؟	۳/۳۶
		به چه میزان تمایل دارید یکی از گرداننده گان و برگزار کننده گان مراسم های مربوط به فضاهای سبز باشید؟	۲/۷۰
		چقدر تمایل دارید در انتشار مطالبی در خصوص اهمیت، حفظ و نگهداری از پارکها و فضاهای سبز (مانند پوستر و بروشور) همکاری کنید؟	۲/۹۹
تمایل به مشارکت	فرهنگی و هنری	به چه میزان تمایل دارید در صورت برگزاری فعالیت های فرهنگی و هنری در پارک مشارکت کنید؟	۳/۲۹
		به چه میزان تمایل دارید در صورت برگزاری جشن ها و اعیاد در پارک ها مشارکت کنید؟	۳/۳۹
		چه میزان تمایل دارید در تصمیم گیری و برنامه ریزی برای برگزاری فعالیت های ورزشی مشارکت کنید؟	۳/۷۹
		به چه میزان تمایل دارید در صورت برگزاری ورزش صبحگاهی در پارک مشارکت کنید؟	۳/۴۷
		چقدر تمایل دارید در صورت برگزاری برنامه های ورزشی در پارک مشارکت کنید؟	۳/۷۱
		کل	۳/۳۵

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب گویه های گرایش به رفتار (رفتار مشارکتی)

گویه	کاملاً موافقم (۵)	موافقم (۴)	متوسط (۳)	مخالفم (۲)	کاملاً مخالفم (۱)	میانگین رتبه ای	درصد ردیفی (تعداد)
اگر مدیریت پارک ها به خود مردم واگذار شود آنها بهتر این کار را انجام خواهند داد؛	۸	۱۷/۶	۳۵/۷	۲۳/۶	۱۵/۱	۲/۷۹	۱۰۰/۰ (۳۹۸)
ورود مردم در عرصه مدیریت پارک ها تنها بر معضلات پارک خواهد افزود؛	۷/۵	۱۸/۶	۳۲/۲	۳۳/۲	۸/۵	۳/۱۶	۱۰۰/۰ (۳۹۸)
مشارکت مردم در پارک ها می تواند به نزدیک تر شدن مردم محل به یکدیگر کمک کند؛	۳۲/۷	۴۶	۲۵/۸	۲/۵	۲	۳/۸۶	۱۰۰/۰ (۳۹۶)
واگذاری امور پارک های محله ای به مردم باعث احساس تعلق خاطر آنها به پارک خواهد شد؛	۱۴/۱	۴۲/۴	۳۲/۸	۷/۱	۳/۵	۳/۵۶	۱۰۰/۰ (۳۹۶)
جمع کل	۱۳/۳۲	۳۱/۱۵	۳۱/۶۲	۱۶/۶	۷/۲۷	۳/۳۴	۱۰۰/۰ (۳۹۷)



جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تصور از هنجارهای مشارکتی

گویه	کاملاً موافقم (۵)	موافقم (۴)	متوسط (۳)	مخالفم (۲)	کاملاً مخالفم (۱)	میانگین رتبه ای	درصد ردیفی (تعداد)
بنظر مردم احساس مسئولیتی در برابر پارک ها ندارند	۱۰	۲۳	۲۹/۸	۲۵/۱	۱۱/۵	۳/۰۴	۱۰۰/۰ (۳۸۲)
بنظر مردم تمایل چندانی برای مشارکت در حفظ و نگهداری از پارک ها را ندارند	۱۰/۴	۱۹/۷	۳۲/۵	۳۰/۱	۷/۳	۳/۰۴	۱۰۰/۰ (۳۸۵)
بنظر مسئولان اعتقادی به مدیریت پارک ها بصورت مشارکتی ندارند	۱۶/۷	۳۳/۴	۲۹	۱۷/۸	۳/۱	۳/۵۷	۱۰۰/۰ (۳۸۳)
جمع کل	۱۲/۵۳	۲۵/۳۶	۳۰/۴۳	۲۴/۳۳	۷/۳	۲/۸۸	۱۰۰/۰ (۳۸۵)

پارک های محله ای است.

گرایش به رفتار

پارک ها می تواند به نزدیک تر شدن مردم محل به یکدیگر کمک کند»، بیشترین موافقت را با میانگین ۳/۸۶ به خود اختصاص داده و گویه «اگر مدیریت پارک ها به خود مردم واگذار شود، آنها بهتر این کار را انجام خواهند داد» با میانگین ۲/۷۹ نسبت

با توجه به نتایج جدول ۳ از بین گویه های مربوط به گرایش به رفتار مشارکتی (تصور فرد از پیامدهای مثبت یا منفی مشارکت) گویه «مشارکت مردم در

جدول ۵. میزان اهمیتی که فرد برای تبعیت از دیگران قائل است

گویه	کاملاً موافقم (۵)	موافقم (۴)	متوسط (۳)	مخالفم (۲)	کاملاً مخالفم (۱)	میانگین رتبه ای	درصد ردیفی (تعداد)
اگر دیگران در امور پارک‌ها مشارکت کنند من هم حاضرم سهمی در آن داشته باشم	۱,۱۶	۳۹/۶	۳۶/۵	۳/۶	۴/۲	۳/۵۹	۱۰۰/۰ (۳۸۴)

جدول ۶. توزیع فراوانی بر حسب تصور فرد از اهمیت مشارکتش

گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین رتبه ای	درصد ردیفی (تعداد)
آیا فکر می‌کنید می‌توانید ایده‌های خوبی در زمینه بهتر اداره کردن پارک‌ها ارائه دهید؟	۱۴/۷	۲۵/۱	۳۶/۱	۲۰/۹	۳/۱	۳/۲۷	۱۰۰/۰ (۳۸۲)
آیا فکر می‌کنید با مشارکت شما در روند حفظ و نگهداری از پارک‌ها تغییری حاصل خواهد شد؟	۱۴/۱	۲۷/۷	۳۵/۱	۱۷,۳	۵/۸	۳/۲۷	۱۰۰/۰ (۳۸۲)
فکر می‌کنید همکاری شما در حفظ و مراقبت از فضاهای سبز شهری چقدر اهمیت دارد؟	۳۰/۵	۳۳/۷	۱۷/۹	۱۰	۷/۹	۳/۶۸	۱۰۰/۰ (۳۸۰)

به سایر گویه‌ها سهم کمتری را به خود اختصاص داده است.

هنجار ذهنی (تصور فرد از هنجار اجتماعی)

با توجه به جدول ۴ از بین گویه‌های مرتبط با هنجارهای ذهنی در مورد مشارکت، گویه «بنظرم مردم احساس مسئولیتی در برابر پارک‌ها ندارند» با میانگین ۳/۰۴ بیشترین مخالفت و از طرف دیگر، گویه «بنظرم مسئولان اعتقادی به مدیریت پارک‌ها بصورت مشارکتی ندارند» با میانگین ۲/۵۷ کمترین مخالفت را به خود اختصاص داده‌اند.

هنجار ذهنی (میزان اهمیتی که فرد برای تبعیت از دیگران قائل است)

با توجه به جدول ۵ در رابطه با گزاره «اگر دیگران در

امور پارک‌ها مشارکت کنند من هم حاضرم سهمی در آن داشته باشم» بیشترین فراوانی مربوط به گزینه موافقم می‌باشد و کمترین فراوانی مربوط به گزینه مخالفم می‌باشد. نیز میانگین رتبه‌ای آن برابر با ۳/۵۹ می‌باشد که حاکی از آن است که شهروندان با این گزاره در سطح متوسط به بالایی موافقت می‌کنند.

تصور فرد از اهمیت مشارکتش

نتایج تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب گویه‌های تصور فرد از اهمیت مشارکتش در جدول ۶ آمده و نشان می‌دهد که از بین گویه‌های مورد بررسی گویه «فکر می‌کنید همکاری شما در حفظ و مراقبت از فضاهای سبز شهری چقدر اهمیت دارد؟» با میانگین ۳/۶۸ در

جدول ۷. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تصور از مهارت‌ها و تخصص‌هایش

گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین رتبه‌ای	درصد ردیفی (تعداد)
من مهارت لازم برای مدیریت پارک محله مان را دارم	۶/۹	۱۸	۳۶	۲۹/۱	۱۰/۱	۲/۸۲	۱۰۰/۰ (۳۸۷)
بنظرم می‌توانم یک گروه کوچکی را در پارک گردهم بیاورم	۱۹	۲۸/۶	۲۳/۳	۱۴/۳	۵/۸	۳/۴۰	۱۰۰/۰ (۳۷۸)
من فکر می‌کنم می‌توانم مشارکت افراد محله را در انجام امورات پارک جلب نمایم	۷/۴	۱۸/۹	۳۹/۵	۲۲/۱	۱۲/۱	۲/۸۷	۱۰۰/۰ (۳۸۰)
من می‌توانم با مسئولین شهرداری در انجام امور پارک همکاری نمایم	۹/۵	۴۲/۳	۳۱/۷	۱۸/۵	۱۵/۹	۲/۹۳	۱۰۰/۰ (۳۷۸)

بالاترین رتبه و در مقابل گویه «آیا فکر می‌کنید با مشارکت شما در روند حفظ و نگهداری از پارک-ها تغییری حاصل خواهد شد؟» با میانگین ۳/۲۷ در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. نتایج میانگین رتبه‌ای تمام گویه‌های مرتبط با تصور فرد از اهمیت مشارکتش حاکی از آن است که مراجعین بطور میانگین برای مشارکت‌شان اهمیت متوسط به بالایی قائلند.

تصور از مهارت و تخصص

نتایج تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب گویه‌های تصور فرد از مهارت و تخصصش و نشان می‌دهد که از بین گویه‌های مورد بررسی گویه «به نظرم می‌توانم یک گروه کوچکی را در پارک گردهم بیاورم» با میانگین ۳/۴۰ بالاترین میزان موافقت و در مقابل گویه «من مهارت لازم برای مدیریت پارک محله مان را دارم» با میانگین ۲/۸۲ در پایین‌ترین میزان موافقت قرار گرفته است.

اعتماد به کارایی و عملکرد شهرداری در امور پارک‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب گویه‌های اعتماد به کارایی

و عملکرد شهرداری بدون نظرداشت مشارکت شهروندان در اداره امور پارک‌ها در جدول ۸ آمده و نشان می‌دهد که از بین گویه‌های مورد بررسی گویه «به نظرم شهرداری بدون مشارکت مردم می‌تواند پارک‌ها را بهتر اداره کند» با میانگین ۲/۴۶ بالاترین رتبه و در مقابل گویه «به نظرم شهرداری در اداره پارک‌ها نیازی به مشارکت مردم ندارد» با میانگین ۲/۱۰ در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. عبارتی بیشترین میزان مخالفت پاسخگویان با این عبارت بوده است که شهرداری در اداره امور پارک‌ها نیازی به مشارکت مردم ندارد. با توجه به میانگین رتبه‌ای گویه‌های زیر شاهد اعتماد متوسط به پائین پاسخگویان نسبت به کارایی و عملکرد شهرداری بدون در نظر گرفتن مشارکت شهروندان در اداره امور پارک‌ها هستیم.

مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی

با توجه به مندرجات جدول ۹ مقدار میانگین رتبه‌ای، مد و میانه با هم برابر هستند و این مسأله حاکی از نرمال بودن توزیع دارد. می‌توان گفت پاسخگویان بطور متوسط حاضر هستند در قبال دریافت مشوق مالی در بخشی از فعالیت‌های پارک مشارکت نمایند.

جدول ۸. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اعتماد به عملکرد و کارائی شهرداری

گویه	کاملا موافقم	موافقم	متوسط	مخالفم	کاملا مخالفم	میانگین رتبه ای	درصد (ردیفی) (تعداد)
بنظرم با وجود عملکرد خوب شهرداری در حفظ و نگهداری از پارک‌ها نیازی به مشارکت شهروندان نیست	۷	۱۱/۲	۱۹/۳	۳۸	۲۴/۶	۲/۳۷	۱۰۰/۰ (۳۷۴)
بنظرم شهرداری بدون مشارکت مردم می‌تواند پارک‌ها را بهتر اداره کند	۵/۳	۴/۴	۲۰/۹	۴۰/۱	۱۹/۳	۲/۴۶	۱۰۰/۰ (۳۷۴)
بنظرم شهرداری در اداره پارک‌ها نیازی به مشارکت مردم ندارد	۴/۸	۴/۳	۱۵/۵	۴۷/۱	۲۸/۳	۲/۱۰	۱۰۰/۰ (۳۷۴)

جدول ۹. مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی

مشارکت در قبال مشوق مالی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی	آماره‌ها
خیلی کم	۸۶	۲۱/۵	۲۳/۱	۲۳/۱	میانگین رتبه ای: ۳/۰۰
کم	۴۸	۱۲/۰	۱۲/۹	۳۶/۰	مد: ۳/۰۰
متوسط	۹۸	۲۴/۵	۲۶/۳	۶۲/۴	میان: ۳/۰۰
زیاد	۵۸	۱۴/۵	۱۵/۶	۷۸/۰	انحراف معیار: ۱/۴۴
خیلی زیاد	۸۲	۲۰/۵	۲۲/۰	۱۰۰/۰	ضریب تغییرات: ۴۸/۱۸
کل	۳۷۲	۹۳/۰	۱۰۰/۰		

میزان زمان اختصاصی

فضای سبز کنند. در این میان ۱۶/۰ درصد نیز

حاضرند زمان زیاد و ۲۰/۲ درصد حاضرند زمان کمی را در مدیریت فضای سبز پارک‌شان اختصاص دهند

یافته‌های استنباطی

در این بخش ابتدا با توجه به مبانی نظری پژوهش به آزمون فرضیات تحقیق در سطح تحلیل دو متغیره با کاربست آزمون‌های رابطه‌ای همبستگی و علی می‌پردازیم و سپس به تحلیل چند متغیره با

بر اساس داده‌های جدول ۱۱ تعداد ۱۷۶ نفر از پاسخگویان (۴۶/۸ درصد) حاضر هستند زمان متوسطی را برای مدیریت و نگهداری از فضای سبز پارک محله‌ای‌شان صرف کنند. ۱۴/۴ درصد مراجعین زمان خیلی کمی را می‌توانند صرف مدیریت فضای سبز پارک‌شان نمایند و تنها ۲/۷ درصد پاسخگویان حاضرند زمان زیادی را صرف

جدول ۱۱. توزیع فراوانی میزان اختصاصی

میزان زمان اختصاصی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی	آماره ها
خیلی کم	۵۴	۱۳/۵	۱۴/۴	۱۴/۴	
کم	۷۶	۱۹/۰	۲۰/۲	۳۴/۶	۲/۷۲ میانگین رتبه ای
متوسط	۱۷۶	۴۴/۰	۴۶/۸	۸۱/۴	میان : متوسط
زیاد	۶۰	۱۵/۰	۱۶/۰	۹۷/۳	مد : متوسط
خیلی زیاد	۱۰	۲/۵	۲/۷	۱۰۰/۰	انحراف معیار: ۰/۹۸
جمع	۳۷۶	۹۴/۰	۱۰۰/۰		ضریب تغییرات: ۳۶/۰۲
موارد بی جواب	۲۴	۶/۰			

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون خطی ساده فرضیات نظریه آیزن و فیش باین (آزمون فرضیات علی)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی (بتا)	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
تمایل به مشارکت	گرایش به رفتار	۰/۳۵۰	۰/۱۲۰	۰/۰۰
تمایل به مشارکت	هنجار ذهنی	۰/۱۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۳۱

استفاده از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر خواهیم پرداخت.

آزمون فرضیات مستخرج از نظریه آیزن و فیش باین

یک انحراف استاندارد در متغیر گرایش به رفتار، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۳۵۰ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده ی آن نیز برابر با ۰/۱۲۰ است، بدین معنی که متغیر گرایش به رفتار ۱۲/۰ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می کند.

ف ۱- بنظر می رسد گرایش به رفتار (باورهای مثبت و منفی نسبت به مشارکت) بر تمایل به مشارکت تأثیر دارد.

ف ۲- بنظر می رسد هنجار ذهنی (تصور از اجبار اجتماعی نسبت به انجام مشارکت) بر تمایل به مشارکت تأثیر دارد.

با توجه به جدول ۱۲ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای گرایش به رفتار (۰/۳۵۰) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می توانیم بگوئیم که

با توجه به جدول ۱۲ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای هنجار ذهنی (۰/۱۱۱) در سطح خطای

متغیر گرایش به رفتار بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای موثر است. یعنی با افزایش

جدول ۱۳. ضریب همبستگی پیرسون فرضیات نظریه آیزن و فیش باین

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تمایل به مشارکت	هنجارهای ذهنی تقویت کننده مشارکت	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰

یک انحراف استاندارد در متغیر تصور فرد از اهمیت مشارکتش، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۳۳۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده‌ی آن نیز برابر با ۰/۱۰۹ است، بدین معنی که متغیر تصور فرد از اهمیت مشارکتش ۱۰/۹ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می‌کند.

۲- بنظر می‌رسد تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش در زمینه امور پارک‌ها بر تمایل به مشارکت او تأثیر دارد.

با توجه به جدول ۱۴ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش (۰/۳۹۸) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می‌توانیم بگوئیم که متغیر تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای موثر است؛ یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۳۹۸ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده آن نیز برابر با ۰/۱۵۶ است، بدین معنی که متغیر تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش ۱۵/۶ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می‌کند.

۳- بنظر می‌رسد اعتماد شهروندان به کارایی و عملکرد شهرداری در مدیریت پارک‌ها بدون مشارکت شهروندان در تمایل به مشارکت آنها تأثیر

۰/۰۵ معنی دار است. بنابراین می‌توانیم بگوئیم که متغیر هنجار ذهنی بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای موثر است. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر هنجار ذهنی، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۱۱۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده‌ی آن نیز برابر با ۰/۰۱۰ است، بدین معنی که متغیر هنجار ذهنی ۱/۰ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می‌کند.

۳- بنظر می‌رسد بین تمایل به مشارکت و وجود هنجارهای ذهنی تقویت کننده مشارکت رابطه مستقیم برقرار است.

با توجه به داده‌های جدول ۱۳، ضریب همبستگی بین این دو متغیر با اطمینان ۰/۹۹ و در سطح خطای ۰/۰۱ برابر با ۰/۴۱۷ است، بدین معنی که با افزایش حضور هنجارهای ذهنی تقویت کننده مشارکت، تمایل به مشارکت شهروندان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

آزمون فرضیات مستخرج از نظریه رابرت دال

ف-۱ بنظر می‌رسد تصور فرد از اهمیت مشارکتش بر تمایل به مشارکت او تأثیر دارد.

با توجه به جدول ۱۴ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای تصور فرد از اهمیت مشارکتش (۰/۳۳۴) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می‌توانیم بگوئیم که متغیر تصور فرد از اهمیت مشارکتش بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای موثر است. یعنی با افزایش

جدول ۱۴. ضریب رگرسیونی خطی ساده فرضیات نظریه رابرت دال (آزمون فرضیات علی)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی (بتا)	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری
تمایل به مشارکت	تصور فرد از اهمیت مشارکتش	۰/۳۳۴	۰/۱۰۹	۰/۰۰
تمایل به مشارکت	تصور فرد از مهارت ها و تخصص هایش	۰/۳۹۸	۰/۱۵۶	۰/۰۰
تمایل به مشارکت	اعتماد به عملکرد شهرداری	-۰/۱۴۲	۰/۰۱۸	۰/۰۰۶
تمایل به مشارکت	مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی	۰/۳۷۹	۰/۱۴۱	۰/۰۰
تمایل به مشارکت	میزان زمان اختصاصی	۰/۴۱۴	۰/۱۶۹	۰/۰۰

با توجه به جدول ۱۴ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی (۰/۳۷۸) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می توانیم بگوئیم که متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای موثر است. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۳۷۸ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده ی آن نیز برابر با ۰/۱۴۱ است، بدین معنی که متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی ۱۴/۱ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می کند.

۵- بنظر می رسد میزان زمانی که شهروندان می توانند به پارکشان اختصاص دهند در تمایل به مشارکت آنها موثر است

با توجه به جدول ۱۴ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر میزان زمانی که شهروندان می توانند به پارکشان اختصاص دهند (۰/۴۱۴) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می توانیم

معکوس است.

با توجه به جدول ۱۴ ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای اعتماد شهروندان به کارائی و عملکرد شهرداری در مدیریت پارک ها بدون مشارکت شهروندان (-۰/۱۴۲) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می توانیم بگوئیم که متغیر اعتماد شهروندان به کارائی و عملکرد شهرداری در مدیریت پارک ها بدون نظر داشت مشارکت شهروندان بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای تأثیر منفی و معکوسی دارد. یعنی با کاهش یک انحراف استاندارد در متغیر اعتماد شهروندان به کارائی و عملکرد شهرداری در مدیریت پارک ها بدون مشارکت شهروندان، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک های محله ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۱۴۲- انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده ی آن نیز برابر با ۰/۰۱۸ است، بدین معنی که متغیر تصور فرد از مهارت ها و تخصص هایش ۱/۸ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می کند.

۴- بنظر می رسد مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی بر تمایل به مشارکت شهروندان موثر است.

بگوئیم که متغیر میزان زمانی که شهروندان می‌توانند به پارکشان اختصاص دهند بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای موثر است. یعنی با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر میزان زمانی که شهروندان می‌توانند به پارکشان اختصاص دهند، میزان تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران به مقدار ۰/۴۱۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده‌ی آن نیز برابر با ۰/۱۶۹ است، بدین معنی که متغیر میزان زمانی که شهروندان می‌توانند به پارکشان اختصاص دهند حدود ۱۷/۰ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می‌کند.

رگرسیون گام به گام

به منظور شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر متغیر وابسته از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد. بدین منظور کلیه‌ی متغیرهایی که از لحاظ نظری می‌توانستند بر متغیر وابسته تأثیر بگذارند را وارد معادله‌ی رگرسیون کرده، سپس تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند.

تأثیر متغیرهای مستقل بر تمایل به مشارکت

همان‌گونه که در جدول ۱۵ مشاهده می‌گردد به منظور تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به مشارکت شهروندان ابتدا متغیر تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش وارد معادله‌ی رگرسیونی شد. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۲۳۱ است که نشان می‌دهد ۲۳/۱ درصد از کل تغییرات میزان تمایل به مشارکت شهروندان وابسته به متغیر مستقل تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش است. همچنین ضریب بتای ۰/۴۸۳، بدین معنی است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر تصور از مهارت‌ها و تخصص‌های افراد، میزان تمایل به مشارکت آن‌ها به میزان ۰/۴۸۳ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

در گام دوم متغیر گرایش به رفتار نیز وارد مدل

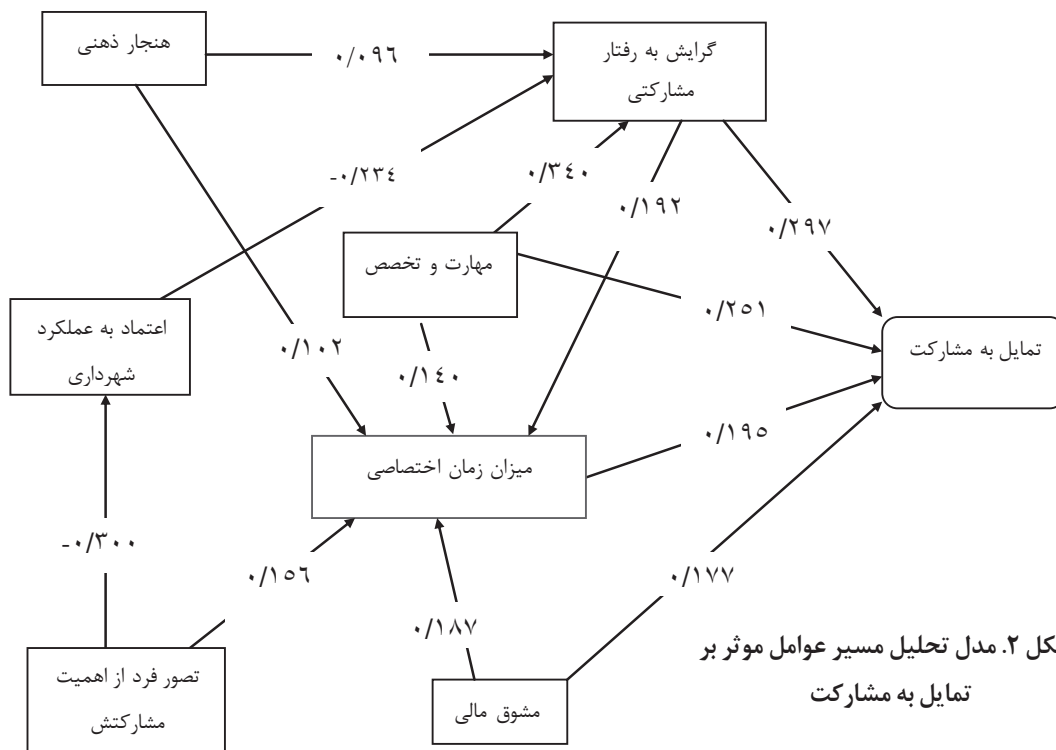
رگرسیونی شد، که در اثر این متغیر، آماره ضریب تعیین تعدیل‌شده به ۰/۳۳۳ افزایش یافت، که نشان می‌دهد ۳۳/۳ درصد از کل تغییرات تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران وابسته به متغیرهای مستقل وارد شده در مدل است. همچنین ضریب رگرسیونی استاندارد شده با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۳۴۱ است، بدین معنی که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر گرایش به رفتار، تمایل به مشارکت آن‌ها نیز به میزان ۰/۳۴۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

در مرحله‌ی سوم متغیر میزان فرصتی که شهروندان می‌توانند صرف فعالیت در پارک نمایند وارد معادله‌ی رگرسیون شده است. آماره ضریب تعیین تعدیل‌شده با ورود این متغیر به ۰/۳۷۶ افزایش یافته است، همچنین با توجه به این که مقدار آزمون F (۶۸/۷۹۱) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱، معنادار است، نشان می‌دهد متغیرهای مستقل وارد شده در معادله قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. ضریب بتا در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۲۳۳ است، بنابراین می‌توان عنوان کرد که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر میزان زمان اختصاصی به پارک، میزان تمایل به مشارکت آن‌ها نیز به میزان ۰/۲۳۳ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

در مرحله چهارم متغیر مشارکت در قبال مشوق مالی را وارد مدل رگرسیونی کردیم. آماره ضریب تعیین تعدیل‌شده با ورود این متغیر به ۰/۴۰۱ افزایش یافته است که نشان می‌دهد ۴۰/۱ درصد از کل واریانس متغیر وابسته تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله‌ای سطح شهر تهران، توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۵۷/۳۲۱) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات تمایل به

جدول ۱۵. رگرسیون چندگانه عوامل موثر بر تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت و توسعه پارک‌ها

	۴			۳			۲			۱		
	Sig	Beta	B	Sig	Beta	B	Sig	Beta	B	Sig	Beta	B
تصور از مهارت و تخصص	./۰۰۰۰	۰/۲۵۱	۰/۴۶۱	./۰۰۰۰	۰/۳۰۷	۰/۵۶۴	./۰۰۰۰	۰/۳۷۱	۰/۶۸۲	./۰۰۰۰	۰/۴۸۳	۰/۸۸۸
گرایش به رفتار	./۰۰۰۰	۰/۲۹۷	۱/۰۰۹	./۰۰۰۰	۰/۲۸۶	۰/۹۷۲	./۰۰۰۰	۰/۳۴۱	۱/۱۶۰			
زمانی اختصاصی به پارک	./۰۰۰۰	۰/۱۹۵	۰/۵۹۳	./۰۰۰۰	۰/۲۳۳	۰/۷۰۹						
مشارکت در قبال مشوق مالی	./۰۰۰۰	۰/۱۷۷	۱/۱۷۵									
هنجار ذهنی												
اعتماد به عملکرد شهرداری												
تصور از اهمیت مشارکت												
Adjusted R Square	۰/۴۰۱		۰/۳۷۶		۰/۳۳۳			۰/۲۳۱			۰/۲۳۱	
F	۵۷/۳۲۱		۶۸/۷۹۱		۸۵/۲۷۵			۱۰۲/۲۷۵			۱۰۲/۲۷۵	
Sig	./۰۰۰۰		./۰۰۰۰		./۰۰۰۰			./۰۰۰۰			./۰۰۰۰	



مدیریت و توسعه پارک های محله ای دارد. در بررسی عوامل موثر بر تمایل شهروندان به مشارکت از متغیرهای مستخرج از نظریات آیزن و فیش باین و رابرت دال بهره بردیم که در ادامه به توصیف نتایج این متغیرها می پردازیم. با توجه به نتایج تحقیق در بررسی متغیر گرایش به رفتار (تصور فرد از پیامد های مثبت یا منفی مشارکت). در مجموع میانگین رتبه ای این متغیر برابر با ۳,۳۴ می باشد که حاکی از موافقت متوسط به بالای مراجعین با نتایج مثبت مشارکت شهروندان در امور پارک ها می باشد. در بررسی نتایج دومین متغیری که از نظریه آیزن و فیش باین اقتباس کردیم. در مجموع میانگین رتبه ای متغیر هنجار ذهنی برابر با ۲,۸۸ می باشد که بیانگر موافقت متوسط به بالای مراجعین با عدم احساس هنجارهای اجتماعی مرتبط با مشارکت در امور پارک هاست. هنجارهای ذهنی بیانگر عوامل بیرونی است که فرد را به انجام کنش و می دارد. بطور مثال کنش بستن کمربند ایمنی، یکی برمی گردد به اینکه فرد برای این عمل چه

مشارکت را تبیین کنند. در گام آخر، به دلیل عدم معنادار بودن اثر متغیرهای هنجارهای ذهنی، اعتماد به عملکرد شهرداری بدون مشارکت شهروندان و تصور از اهمیت مشارکت در مدل رگرسیونی، این متغیرها از مدل خارج شده اند.

نتیجه گیری و جمع بندی

نتایج تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب گویه های متغیر تمایل به مشارکت در مدیریت و توسعه فضای سبز برابر با میانگین رتبه ای کل ۳,۳۶ (در بازه ۱ الی ۵) است که این امر بیانگر تمایل متوسط به بالای مراجعین به مشارکت در مدیریت و توسعه فضای سبز پارک محله ای شان است. این یافته توصیفی می تواند امید بخش برنامه ریزان و مدیران شهری در برنامه ریزی همراه با مشارکت شهروندان باشد. مسلماً مقدمه تحقق هر طرح مشارکتی آمادگی و همراهی کسانی است که به نوعی بخشی از زندگی شان از این امر متأثر است و یافته های توصیفی ما نشان از آمادگی ذهنی و روانی متوسط به بالای شهروندان جهت مشارکت در

پیامدهای مثبت یا منفی متصور است و دیگری بر می‌گردد به وضعیت هنجارهای اجتماعی (که در قالب نظر دیگران مهم، وضعیت قوانین و مقررات تبلور می‌یابد) که آیا فرد را به انجام کنش ترغیب می‌دارند یا از آن باز می‌دارند. در این تحقیق وضعیت هنجار ذهنی بیانگر آن است که کنشگران بطور متوسط (۲,۸۸) موافق این قضیه هستند که هنجار اجتماعی را برای مشارکت در امور پارک‌ها احساس نمی‌کنند. بر اساس نظریه آیزن و فیش باین وجود هنجار ذهنی لزوماً به قصد و نیت فرد به انجام آن کنش منجر نمی‌شود مگر اینکه فرد برای این هنجارهای اجتماعی اهمیت قائل باشد لذا بمنظور سنجش میزان اهمیتی که فرد به تبعیت از نظر دیگران قائل است، میزان موافقت پاسخگویان را با گویه «اگر دیگران در امور پارک‌ها مشارکت کنند من هم حاضر سهمی در آن داشته باشم» سنجیدیم که نتایج حاکی از آن است که بیشترین فراوانی (۳۹,۶ درصد) مربوط به گزینه مخالفم می‌باشد و کمترین فراوانی مربوط به گزینه مخالفم (۳,۶ درصد) می‌باشد. نیز میانگین رتبه‌ای آن برابر با ۳,۵۹ می‌باشد که حاکی از آن است که شهروندان با این گزاره در سطح متوسط به بالایی موافقت دارند. بعبارتی در صورت وجود و تقویت هنجارهای اجتماعی از سوی نهادهای فرهنگی می‌توان امیدوار بود که در تصمیم و تمایل شهروندان به مشارکت موثر واقع شوند، چنانکه شواهد نیز گواه این مطلب است که اگر شهروندان وجود چنین هنجار اجتماعی را در قالب تشویق، و ترغیب احساس کنند حاضر به همکاری در سطح متوسط به بالایی هستند. در بکارگیری متغیرهای نظریه رابرت دال، تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی بر حسب گویه‌های متغیر تصور فرد از اهمیت مشارکتش نتایج حاکی از آن است که بطور متوسط پاسخگویان میزان اهمیت مشارکت شان را متوسط و بالاتر (۳,۴۰) ارزیابی کرده‌اند. میانگین رتبه‌ای متغیر تصور فرد از مهارت و تخصصش برابر با ۲,۹۹ می‌باشد که بیانگر این

است که پاسخگویان در سطح متوسط با این قضیه موافقت می‌کنند که دارای مهارت مدیریت پارکشان می‌باشند. نتایج تجزیه و تحلیل توزیع فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه بر حسب گویه‌های متغیر اعتماد به کارایی و عملکرد شهرداری بدون نظر داشت مشارکت شهروندان در اداره امور پارک‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان مخالفت پاسخگویان با این عبارت بوده است که شهرداری در اداره امور پارک‌ها نیازی به مشارکت مردم ندارد. با توجه به میانگین رتبه‌ای کل (۲,۳۱) گویه‌های این متغیر شاهد اعتماد متوسط به پائین پاسخگویان نسبت به کارایی و عملکرد شهرداری بدون نظر گرفتن مشارکت شهروندان در اداره امور پارک‌ها هستیم. در بررسی روابط همبستگی و علی دو متغیره میان متغیرها طبق نتایج به دست آمده می‌توان عنوان کرد: بین گرایش به رفتار (تصور فرد از پیامدهای مثبت و منفی مشارکت) و تمایل به مشارکت رابطه‌ای برقرار است بدین معنا که تصور فرد از پیامدهای مثبت مشارکت در امور پارک‌های محله‌ای در میزان تمایل شهروندان به مشارکت موثر است. طبق نظریه کنش مستدل آیزن و فیش باین انجام کنش وابسته به قصد و نیت کنشگر به انجام کنش دارد و این قصد و نیت به انجام کنش زمانی شکل می‌گیرد که یکی، فرد نسبت به نتایج انجام آن کنش نگرش مثبتی داشته باشد و دیگری، هنجارهای اجتماعی موافق انجام کنش نیز حامی و حمایتگر و الزام‌آور چنین کنشی باشد. در بررسی تمایل شهروندان به مشارکت طبق نتایج بدست آمده بین هنجار ذهنی (تصور فرد از هنجار اجتماعی) و تمایل به مشارکت رابطه‌ای برقرار نیست. اما چنانکه در مرور نظری نیز بدان اشاره شد وزن این دو متغیر (گرایش به رفتار و هنجار ذهنی) لزوماً باهم برابر نبوده و گاه یکی وزن بیشتر را در تعیین قصد و نیت فرد در انجام کنش دارد. در این تحقیق نیز متغیر گرایش به رفتار با ضریب رگرسیونی استاندارد شده (۰,۲۸۱) در سطح خطای ۰,۰۱ معنی دار است در حالی که متغیر

هنجار ذهنی با ضریب رگرسیونی استاندارد شده (۰,۰۴۴) در سطح خطای ۰,۳۹۶ معنی دار نیست. نیز ضریب تعیین تعدیل شده‌ی متغیر گرایش به رفتار ۷,۷ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می‌کند این در حالیست که متغیر هنجار ذهنی در تبیین تمایل به مشارکت سهمی ندارد. هدف نظریه آیزن و فیش باین پیش بینی رفتار است. براین اساس وقوع یک رفتار زمانی قوت خواهد گرفت که قصد و نیت چنین کاری در فرد شکل بگیرد و به نوبه خود قصد و نیت برای انجام یک رفتار زمانی شکل می‌گیرد که گرایش فرد به انجام آن رفتار مثبت باشد و نیز هنجاری ذهنی مرتبط با آن، فرد را به انجام آن رفتار ترغیب، تشویب و یا حتی وادار کند. حال براساس نتایج بدست آمده از یافته‌های تحقیق قصد و تمایل شهروندان به انجام رفتار (در پژوهش ما مشارکت در امور پارک‌ها) در سطح متوسط به بالایی قرار دارد. لذا می‌توانیم بر اساس یافته‌های پژوهش و با تکیه بر چهارچوب نظری پیش بینی کنیم که اگر نهادهای متولی فضای سبز، در راستای سهیم کردن شهروندان در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا اقدام کنند شاهد استقبال و مشارکت متوسط به بالای شهروندان خواهند بود. دسته دیگر از فرضیات تحقیق را از نظریه رابط دال استخراج نمودیم که نتایج آزمون فرضیات آنها به شرح ذیل بود: طبق نتایج تحقیق بین تصور فرد از اهمیت مشارکتش و تمایل به مشارکت رابطه علی برقرار است. بدین معنی که متغیر تصور فرد از اهمیت مشارکتش بر تمایل به مشارکت مراجعین به پارک‌های محله ای موثر است. هرچه فرد اهمیت بیشتری به مشارکتش قائل باشد تمایل بیشتری نیز برای مشارکت از خود نشان خواهد داد. طبق نتایج تحقیق بین تصور فرد از مهارت‌ها و تخصص‌هایش در زمینه امور پارک‌ها و تمایل به مشارکت او رابطه علی مستقیم برقرار است. بدین معنا که هرچه فرد خود را صاحب مهارت و تخصص بداند تمایل بیشتری نیز به

مشارکت از خود نشان خواهد داد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اعتماد شهروندان به کارایی و عملکرد شهرداری در مدیریت پارک‌ها بدون مشارکت شهروندان در تمایل به مشارکت آنها تأثیر معکوس است. بدین معنا که هر چه شهروندان اعتماد کمتری به این مطلب داشته باشند که شهرداری بدون مشارکت شهروندان می‌تواند امور پارک‌ها را بهتر اداره کند تمایل بیشتری به مشارکت از خود نشان می‌دهند و برعکس هر چه شهروندان معتقد باشند که شهرداری می‌تواند بدون مشارکت آنها امور پارک‌ها را به نحو مطلوب اداره کند تمایل کمتری به مشارکت از خود نشان می‌دهند و این مسأله این فرضیه را برت دال را در زمینه افزایش احتمال مداخله و مشارکت فرد تأیید می‌کند که اگر فرد معتقد باشد که خودش خوب عمل نکند، نتایج کارها رضایت بخش نخواهد بود. دال اشاره می‌کند هرچه مشکلات وارد شدن در برخی فعالیت‌ها بیشتر باشد احتمال مشارکت در آن کمتر خواهد بود. وقتی فرد از فعالیتی انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد راغب خواهد بود بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را هم متحمل گردد ولی وقتی ببیند که پاداش ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارد، کافی است معمولی‌ترین موانع و هزینه‌ها او را می‌بوسد و از دنبال کردن آن باز دارد. یکی از مسائلی که بنظر می‌رسید می‌تواند در بحث فراهم بودن امکان شرایط مشارکت مطرح باشد بحث زمانی بود که مراجعین امکان تخصیص آن را برای مشارکت داشتند. لذا این فرض را مورد آزمون قرار دادیم که میزان زمانی که مراجعین می‌توانند برای مشارکت در اداره امور پارک صرف کنند بر روی ابراز تمایل آنها به مشارکت تأثیر می‌گذارد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر میزان زمانی که شهروندان می‌توانند به پارکشان اختصاص دهند (۰/۴۱۴) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده‌ی آن نیز برابر با ۰/۱۶۹ بود، بدین

معنی که متغیر میزان زمانی که شهروندان می توانند به پارکشان اختصاص دهند حدود ۱۷/۰ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می کند. فرضیه دیگری که آنرا آزمودیم تأثیر مشوق مالی بر میزان تمایل بر مشارکت بود که ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی (۰/۳۷۸) در سطح خطای ۰/۰۱ معنی دار بود. ضریب تعیین تعدیل شده آن نیز برابر با ۰/۱۴۱ است، بدین معنی که متغیر مشارکت در قبال دریافت مشوق مالی ۱۴/۱ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت را تبیین می کند. نهایتاً پس از انجام رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام از میان متغیرهای مستقل، چهار متغیر گرایش به رفتار، تصور فرد از مهارت ها و تخصص هایش، مشوق مالی و میزان زمان اختصاصی برای مشارکت در مدل رگرسیونی باقی ماندند و مابقی از مدل خارج شدند. نتایج پژوهش خی - ژانگ شان در پیمایشی که به بررسی گرایش به مشارکت در برنامه ریزی، مدیریت و طراحی فضای سبز شهری در شهر گوانگژو پرداخت، نشان می دهد که شهروندان نگرش مثبت و تمایل قوی نسبت به مشارکت دارند. نتایج پژوهش ما نیز از تمایل توسط به بالای شهروندان به مشارکت حکایت دارد. خی نتیجه گیری می کند که با وجود اینکه دولت چین با توجه به ساختار تمرکزگرا سهم چندانی برای مشارکت های مردمی قائل نیست اما بر اثر تحولات جهانی و افزایش آگاهی مدنی منجر به تقویت پایه های نظری مشارکت عمومی شده است. در ایران نیز در وضعیت مشابه شاهد مدیریت تمرکزگرای شهری هستیم که این مسأله منتهی به پائین بودن میزان مشارکت عینی شده است (همچنانکه در پیشینه تجربی ذکر آن رفت). اما همسو با نتایج ژانگ شان ما نیز شاهد تمایل متوسط به بالای شهروندان به مشارکت هستیم که می تواند ما را به دورنمای مشارکت اجتماعی در ایران امیدوار کند. بر پایه مطالعات علوی تبار درباره مشارکت شهروندان در

اداره امور شهری، ارزیابی هزینه-فایده از متغیرهای مهم در تبیین مشارکت محسوب می شود. نتایج پژوهش ما نیز نشان می دهد که متغیر گرایش به رفتار (ارزیابی فرد از فواید مثبت و هزینه های منفی مشارکت) با ضریب استاندارد (۰,۲۱۶) رتبه دوم را در تبیین متغیر وابسته به خود اختصاص داده. این امر را می توان تأکیدی بر رویکرد انتخاب عقلانی دانست که انسان ها را موجودات عاقلی می داند که پیش از اقدام به کنش، به محاسبه پیامدهای مثبت و منفی آن می پردازند. طبق نتایج تحقیق خلیل کلانتری که پژوهشی را به عنوان امکان سنجی همیارانه ای پارک ها انجام داده است ۶۸/۸ درصد پاسخگویان حاضر بودند در قبال دریافت هزینه ای در مدیریت پارک ها مشارکت کنند. ما نیز در نتایج تحقیق خود به نتایج مشابهی دست یافتیم. بدین صورت که متغیر مستقل مشارکت در قبال مشوق مالی جزء متغیرهایی است که در مدل رگرسیونی ما با ضریب استاندارد (۰/۱۷۷) رابطه علی معناداری با تمایل به مشارکت در مدیریت و توسعه پارک های محله ای دارد. در پایان ذکر این مطلب ضروری است که پژوهش حاضر تنها تلاش کم دامنه ای برای فهم بخشی از مسائل پیرامون بحث مشارکت است. لذا با توجه به اهمیت یافتن روز افزون نقش مشارکت شهروندی در عرصه های مختلف، از جمله مدیریت شهری، ضروری است گام های عملی تری برای سهیم کردن شهروندان در مدیریت شهری برداشته شود. در همین راستا در ادامه به نکات چندی (برآمده از نتایج تحقیق) در زمینه مشارکت در مدیریت و توسعه پارک های محله ای اشاره می گردد:

۱. با توجه به یافته های تحقیق که حاکی از آمادگی متوسط به بالای شهروندان به مشارکت در مدیریت پارک های محله ای دارد، توصیه می شود در دیگر زمینه ها نیز چنین تحقیقاتی انجام گیرد تا پیش از هر اقدامی در راستای واگذاری امور به خود مردم، آمادگی ذهنی و روانی آنها مدنظر قرار گیرد.
۲. طبق یافته های تحقیق، مراجعین به پارک های

محل‌های تمایل خود را به مشارکت در مدیریت، حفظ و توسعه فضای سبز نشان داده‌اند. لذا توصیه می‌شود سازمان‌های مرتبط با فضای سبز بمنظور آشنایی شهروندان با انواع گل‌ها، گیاهان و درخت‌ها و نیز برای حفظ و نگهداری از فضای سبز پارک‌های محله‌ای همایش‌هایی را در همین راستا با دعوت از شهروندان برگزار کنند.

۳. بمنظور بسترسازی برای مشارکت شهروندان توصیه می‌شود برای هر پارک محله‌ای سایت یا وب‌گاه اینترنتی ایجاد گردد و از این طریق از علاقه‌مندان به مشارکت دعوت به همکاری بعمل بیاید. ۴. می‌توان با توجه به فصولی که زمان کاشت گل‌ها، گیاهان و درختان است با اطلاع‌رسانی، از اهالی محل برای مشارکت در تصمیم‌گیری برای کاشت نوع گل‌ها و گیاهان بهره‌مند شد.

۵. با توجه به آمادگی شهروندان برای مشارکت در مدیریت و توسعه پارک‌های محله‌ای توصیه می‌شود در صورت امکان دفتر مشارکت‌های مردمی، در هر پارک ایجاد گردد و هماهنگی‌های آتی برای جلب مشارکت‌های مردمی در زمینه‌های حفظ و ایجاد فضای سبز، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی از این طریق صورت گیرد.

۶. بمنظور آشنایی هرچه بیشتر شهروندان با انواع گل‌ها، گیاهان و نحوه نگهداری آنها، می‌توان کلاس‌هایی را با عنوان آشنایی با پرورش و نگهداری گل‌ها و گیاهان خانگی در دفتر مشارکت‌های مردمی و یا حتی در فضای عمومی پارک‌ها برگزار نمود.

۷. می‌توان بخشی از فضای پارک را برای ایجاد گل‌خانه اختصاص داد. فضای گلخانه را نیز می‌توان به چند بخش تقسیم کرد و مسئولیت هر بخش را به یک خانواده اختصاص داد تا شهروندان خود تصمیم بگیرند، گل و گیاهی را که دوست دارند پرورش دهند. در این ارتباط بهتر است که مسئولین اجرایی متعاقباً زمینه را برای آشنایی با انواع گل‌ها، گیاهان و شرایط نگهداری-شان فراهم نموده باشند و در

صورت امکان نهال گل‌ها و گیاهان را بصورت رایگان در اختیار شهروندان قرار دهند. نهایتاً می‌توان برای خانواده‌ای که توانسته گل‌های بهتری را پرورش دهد هدیه‌ای در نظر گرفت.

۸. در زمینه فعالیت‌های هنری می‌توان مسابقات عکاسی، نقاشی، خطاطی با موضوعات مرتبط با فضای سبز ترتیب داد.

۹. باتوجه به یافته‌های پژوهش برخی از شهروندان خیر تمایل دارند در امور عام‌المنفعه مساعدت نمایند. لذا بدین منظور می‌توان از طریق وب‌گاه اینترنتی و یا از طریق دفتر مشارکت‌های مردمی از شهروندان که بیشترین درگیری را با مسائل پارک دارند درخواست کرد تا نیازها و مشکلات پارک را در میان‌گذارند و از خیرین تقاضا بعمل آورد تا در زمینه رفع این نیازها و کمبود امکانات مساعدت نمایند و به آنها اطمینان داد که مساعدت آنها در همان پارک محله‌ای خودشان مصروف خواهد شد. ۱۰. از امکانات بالقوه برخی پارک‌ها می‌تواند کمال استفاده را بعمل آورد بطور مثال برخی پارک‌ها که محصور در میان دیوارهای مناطق مسکونی هستند امکان ویژه‌ای را برای برگزاری مسابقات نقاشی دیواری با موضوعات نقش فضای سبز در زندگی ما، فراهم می‌آورند.

۱۱. طبق یافته‌های تحقیق بجای تمرکز معاونت امور فرهنگی شهرداری در نقاط محدود شهر (دور از دسترس و دید عموم)، آن‌هم در ساختمان‌هایی چند طبقه و با نیروی انسانی به نسبت زیاد که خود را مسئول برنامه ریزی فرهنگ عمومی تلقی می‌کنند (که این نیز از بقایای تفکر تمرکزگرا در مدیریت شهری می‌باشد)، توصیه می‌شود، پارک‌ها که محل اجتماع و به نوعی عمومی‌ترین فضای زندگی شهری در تهران را تشکیل می‌دهند. بعنوان محلی برای استقرار معاونت فرهنگی شهرداری (البته در اندازه‌ای کوچک و کارا) در نظر گرفته شود تا هم بتواند بیشترین ارتباط را با بتن مردم داشته باشد، نیازها را بشناسد و هم با بهره‌مندی از مشارکت

مردم در سطوح مختلف برنامه ریزی، طراحی و اجرا، اقدامات واقع بینانه و عملی در زمینه امور فرهنگی صورت پذیرد.

منابع و مآخذ

- ابراهیم پور، سهیلا (۱۳۸۸) بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی سالمندان در اداره امور شهر، مطالعه موردی سالمندان منطقه ۱۰ شهرداری تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

- اسدی و همکاران (۱۳۸۹) امکان سنجی مدیریت همیارانه ای پارک ها در شهرستان کرج، مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۶۳، شماره ۲، از صفحه ۱۰۹ تا ۱۲۶

- تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) تحلیل بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی، منطقه ۴ شهر تبریز)، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره ۲، ۱۹-۲۰۳۶

- حسینی، سید علی (۱۳۸۸) برنامه ریزی شهری و منطقه ای با مردم، رشت، نشر فرهنگ ایلیا.

- دال، رابرت (۱۳۶۴) تجزیه و تحلیل جدید سیاست، تهران، مترجم و ناشر حسین ظفریان.

- رضائی، عبدالعلی (۱۳۷۵) مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران، موسسه اطلاعات.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲) سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن، پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان، تهران، مرکز تحقیقات روستایی، وزارت جهاد سازندگی

- زارع، سارا (۱۳۸۹) نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در امور پارک های جنگلی، مجله جنگل ایران، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۲۷۳ تا ۲۸۵

- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) مشارکت در اداره ی امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره

امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، ج اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری های کشور

- غفاری و همکاران (۱۳۹۰) طرح اولیه پایان نامه های اجتماعی شهرداری تهران، معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

- غفاری، غلامرضا، جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰) مشارکت های مردمی و امور شهری، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری، جامعه و فرهنگ، تهران

- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶) جامعه شناسی مشارکت، نشر نزدیک، تهران

- فولادیان و همکاران (۱۳۴۷) نظریه ها و پارادایم های مشارکت در جامعه شناسی، مشهد، انتشارات سخن گستر

- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۰) بررسی پتانسیلهای مشارکتی شهروندان تهرانی در امور شهری، همایش ملی الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت (دومین جشنواره خدمات شهری و مشارکت شهروندی)

- کلانتری، عبدالحسین، فلاحی گیلان، روح الله، روشنفکر، پیام (۱۳۸۸) جایگاه مشارکت شهروندان در اسناد بالا دستی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، دانش شهر شماره ۴

- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱) درآمدی بر مشارکت اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه شناسان

- Ajzen, I., and M. Fishbein. (1980). Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice Hall, Inc.

- Bright, A.D., M. J. Manfredo, M. Fishbein, and A. Bath. (1993). Application of the Theory of Reasoned Action to the National Park Service's Controlled Burn Policy. Journal of Leisure Research, 25: 263-280.

- Bright, A.D., M. J. Manfredo, M. Fishbein, and A. Bath. (1993). Application of the Theory of Reasoned Action to the National Park Service's Controlled Burn Policy. Journal of Leisure Research, 25: 263-280.

- Chandool, Neemedass (1997) "Participation in Park Interpretive Programs and Visitors' Attitudes, Norms, and Behavior about Petrified Wood Theft" the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master Of Science
- Chiesura, A. (2003). The Role of Urban Park for the Sustainable City, Wageningen University Journal of Urban Planning Vol. 36.
- Domingo, m. a. b. (1989) "Attitude-Behavior Relationship: A Comparative analysis using the /health belief model and-the theory of reasoned action" the Faculty, of the University of Delaware in partial fulfillment of the requirements for 'the degree of Master of Arts in Communication
- Fishbein, M., and M. J. Manfredo. 1992. A theory of behavior change. Influencing human behavior. In: M. J. Manfredo (Ed.), Theory and applications in recreation and tourism. Champaign, Ill: Sagamore Press.
- Girard. (1992). EEA, two _third of all Europeans now Reside in Towns or Cities, Boston in the Americans University.
- Scottish, Richard. (1987). Information Natural Heritage Trends, London
- Ulrich, R. S. (1981). Natural, Versus, Urban, Scienes Somp psycho_Physiological Effects Environ, Behave, Tokyo
- Zhang Shan. Xi.(2011).Attitude and willingness toward participation in decision-making of urban green spaces in China, Urban Forestry & Urban Greening 11, 211–217,Elsevier,journal homepage: www.elsevier.de/ufug

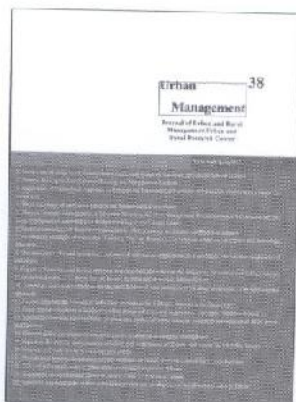
Index

1. Survey rate of using Iranian Islamic index in physical design of Kurdistan province peripheral villages ■ 7-18 ■
2. Tourism Per Capita: Development Planning and Management Medium ■ 19-32 ■
3. Application of Hierarchical Approach to Estimate the Importance of Elements of Urban Development in a Fuzzy Environment ■ 33-42 ■
4. Theoretical basis of good governance in the modern rural management ■ 43-54 ■
5. Modern Financial Management, a Forgotten Necessity in Urban Management Responsiveness (A Consideration into Legal Challenges of Administrative Budget Planning in Iran's Legal Order) ■ 55-74 ■
6. Future epistemology of theoretical approaches to urban planning, architecture and building industry ■ 75-104 ■
7. Explanatory paradigm of interaction "Learning City" to "Research City" the city of the city of science and technology education ■ 105-132 ■
8. The assessment of social interactions in tissues of older urban neighborhoods; Case Study: Darb-e-Noor neighborhood in Gorgan ■ 133-150 ■
9. Cognitive Semiotics and finding meaning in architecture and urbanism by integrating the concepts of Sufism, Islamic mysticism and codes of Umberto Eco, of Tehran: Architecture of Safavid Isfahan School ■ 151-172 ■
10. Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach ■ 173-196 ■
11. Factors Affecting the Primacy of Individual Interests to the Collective Interest in the Zanjan City ■ 197-214 ■
12. Green roof development in sustainable urban design solutions and suggestions, case study: Garden - School ■ 215-240 ■
13. Significant similarity between behavior-place and method of urban behavior evaluation for redesign of urban spaces and furniture ■ 241-272 ■
14. Research policy paradigms citizen participation in urban environmental management ■ 273-300 ■
15. Impact on the stability and dynamics of beliefs and ritual spaces, of Tehran: Iran's quite the reliability Takaya ■ 301-332 ■
16. Structure and body of city in contemporary poetry ■ 333-346 ■
17. Provide local housing design patterns with emphasis on design elements Climatology; Case: Kerman ■ 347-370 ■
18. Effect of self-classification of urban areas on approach to passive defense ■ 371-390 ■
19. Assessment of spatial justice theory of justice; Case: 22 districts of Tehran ■ 391-424 ■
20. Feasibility of citizen participation in the management and development of neighborhood parks in Tehran ■ 425-448 ■

Urban

Management

**A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning**
Vol.14 No.38 Spring 2015



**The Urban and Rural
Research Center**

Address: No. 17 , Shahid Naderi
St., Keshavarz Bivd , Vali-e-Asr sq.,
Tehran, iran

Tel:88976651-88986382-
88966239

Fax:88977918

Urban Research Center:

Address. As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hoshang khandandel

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmouddinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administarator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarollad

Urban

38

Management

**Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center**

Vol.14 No.38 Spring 2015

1. Survey rate of using Iranian Islamic index in physical design of Kurdistan province peripheral villages
2. Tourism Per Capita: Development Planning and Management Medium
3. Application of Hierarchical Approach to Estimate the Importance of Elements of Urban Development in a Fuzzy Environment
4. Theoretical basis of good governance in the modern rural management
5. Modern Financial Management, a Forgotten Necessity in Urban Management Responsiveness (A Consideration into Legal Challenges of Administrative Budget Planning in Iran's Legal Order)
6. Future epistemology of theoretical approaches to urban planning, architecture and building industry
7. Explanatory paradigm of interaction "Learning City" to "Research City" the city of the city of science and technology education
8. The assessment of social interactions in tissues of older urban neighborhoods; Case Study: Darb-e-Noo neighborhood in Gorgan
9. Cognitive Semiotics and finding meaning in architecture and urbanism by integrating the concepts of Sufism, Islamic mysticism and codes of Umberto Eco, of Tehran: Architecture of Safavid Isfahan School
10. Genealogy analytical technology for the identification of new construction buildings architecture with field-oriented approach
11. Factors Affecting the Primacy of Individual Interests to the Collective Interest in the Zanjan City
12. Green roof development in sustainable urban design solutions and suggestions, case study: Garden - School
13. Significant similarity between behavior-place and method of urban behavior evaluation for redesign of urban spaces and furniture
14. Research policy paradigms citizen participation in urban environmental management
15. Impact on the stability and dynamics of beliefs and ritual spaces, of Tehran: Iran's quite the reliability Takaya
16. Structure and body of city in contemporary poetry
17. Provide local housing design patterns with emphasis on design elements Climatology; Case: Kerman
18. Effect of self-classification of urban areas on approach to passive defense
19. Assessment of spatial justice theory of justice; Case: 22 districts of Tehran
20. Feasibility of citizen participation in the management and development of neighborhood parks in Tehran